



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

امام علیؑ مدنی السلام

# کلیج السیلاب

ترجمہ، تخریج و تفسیر

کلیج السیلاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نهج البلاغه

نویسنده:

محمد دشتی

ناشر چاپی:

صفحه نگار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

فهرست .....	۵
نهج البلاغه .....	۱۰۲
مشخصات کتاب .....	۱۰۲
سر آغاز .....	۱۰۲
اشاره .....	۱۰۲
اول- انگیزه‌های ترجمه .....	۱۰۲
دوم- نگاهی به ترجمه‌ها .....	۱۰۲
اشاره .....	۱۰۲
الف- مفاهیم عمومی .....	۱۰۲
ب- مفاهیم و معارف تخصصی .....	۱۰۲
ج- مباحث فوق تخصصی .....	۱۰۳
سوم- آرزوها .....	۱۰۳
ویژگیهای این ترجمه .....	۱۰۳
۱- عنوان دادن به مطالب .....	۱۰۳
۲- نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها .....	۱۰۳
۳- اشاراتی به علوم و فنون .....	۱۰۴
۴- ویژگی عمومی بودن ترجمه .....	۱۰۴
۵- رعایت اصل «پیام رسانی» در ضرب المثل‌ها .....	۱۰۴
۶- تفسیر صحیح متشابهات .....	۱۰۴
۷- آوردن نکات تاریخی .....	۱۰۴
۸- آوردن اسامی اشخاص و اماکن .....	۱۰۴
۹- آوردن شأن نزول خطبه‌ها .....	۱۰۴
۱۰- فهرست موضوعی .....	۱۰۵

- ۱۱- آوردن توضیحات ضروری در متن و پاورقی ..... ۱۰۵
- ۱۲- فهرست مطالب کتاب ..... ۱۰۵
- ۱۳- آوردن اختلاف نسخه‌ها (در متن عربی) ..... ۱۰۵
- ۱۴- شماره گذاری متن عربی (یک خط در میان) ..... ۱۰۵
- ۱۵- آوردن موضوعات کلی خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها ..... ۱۰۵
- ۱۶- ترجمه توضیحات سید رضی ب عنوان (می‌گویم) ..... ۱۰۵
- ۱۷- مشخص کردن مرجع ضمائر ..... ۱۰۵
- ۱۸- مشخص کردن مخاطب‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه ..... ۱۰۵
- ۱۹- تفسیر صحیح عام، خاص، مطلق، مقید ..... ۱۰۵
- ۲۰- تبیین صحیح اهداف امام علیه السلام در طرح ارزشها ..... ۱۰۵
- ۲۱- آوردن آدرس آیات قرآن ..... ۱۰۶
- ۲۲- آوردن برخی از اشعار ضروری ..... ۱۰۶
- ۲۳- آوردن مدارک احادیث موجود در کتاب ..... ۱۰۶
- ۲۴- آوردن آمار و ارقام ضروری ..... ۱۰۶
- ۲۵- بررسی تطبیقی مکاتب (در پاورقی) ..... ۱۰۶
- مقدمه سید رضی قدس سره بر نهج البلاغه ..... ۱۰۶
- اشاره ..... ۱۰۶
- چگونگی پیدایش کتاب نهج البلاغه ..... ۱۰۶
- خطبه‌ها ..... ۱۰۷
- اشاره ..... ۱۰۷
- ترجمه خطبه ۱ ..... ۱۰۷
- اشاره ..... ۱۰۷
- ۱ عجز انسان از شناخت ذات خدا «۱» ..... ۱۰۷
- ۲ دین و شناخت خدا «۲» ..... ۱۰۷

- ۳ راه‌های خدا شناسی ..... ۱۰۷
- اول- آفرینش جهان ..... ۱۰۷
- دوم- شگفتی خلقت فرشتگان: ..... ۱۰۸
- سوم- شگفتی آفرینش آدم علیه السلام و ویژگی‌های انسان کامل. .... ۱۰۸
- چهارم- آدم علیه السلام و داستان بهشت ..... ۱۰۸
- ۴- فلسفه بعثت پیامبران (نبوت عامه) ..... ۱۰۹
- ۵- فلسفه بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۰۹
- ۶\* ضرورت امامت پس از پیامبران الهی ..... ۱۰۹
- ۷\* ویژگی‌های قرآن و احکام اسلام ..... ۱۰۹
- ۸- فلسفه و راه آورد حج ..... ۱۰۹
- ترجمه خطبه ۲ ..... ۱۰۹
- اشاره ..... ۱۰۹
- ۱ ستایش پروردگار ..... ۱۰۹
- ۲ ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۱۰
- ۳ شناخت عصر جاهلیت ..... ۱۱۰
- ۴ ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۱۰
- ۵ سیمای فاسدان ..... ۱۱۰
- ۶ جایگاه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۱۰
- ترجمه خطبه ۳ ..... ۱۱۰
- اشاره ..... ۱۱۰
- ۱ شکوه از ابا بکر و غصب خلافت ..... ۱۱۰
- ۲ بازی ابا بکر با خلافت ..... ۱۱۰
- ۳ شکوه از عمرو ماجرای خلافت: ..... ۱۱۰
- ۴ شکوه از شورای عمر: ..... ۱۱۰

- ۱۱۱ ..... ۵\* شکوه از خلافت عثمان: .....
- ۱۱۱ ..... ۶\* بیعت عمومی مردم با امیر المؤمنین علیه السلام: .....
- ۱۱۱ ..... ۷\* مسؤولیت‌های اجتماعی .....
- ۱۱۱ ..... ترجمه خطبه ۴ .....
- ۱۱۱ ..... اشاره .....
- ۱۱۱ ..... ۱\* ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام: .....
- ۱۱۱ ..... ۲ ویژگی‌های امام علی علیه السلام: .....
- ۱۱۲ ..... ترجمه خطبه ۵ .....
- ۱۱۲ ..... اشاره .....
- ۱۱۲ ..... ۱ راه‌های پرهیز از فتنه‌ها .....
- ۱۱۲ ..... ۲ فلسفه سکوت .....
- ۱۱۲ ..... ترجمه خطبه ۶ .....
- ۱۱۲ ..... اشاره .....
- ۱۱۲ ..... آگاهی و مظلومیت امام علیه السلام .....
- ۱۱۲ ..... ترجمه خطبه ۷ .....
- ۱۱۲ ..... شناخت پیروان شیطان .....
- ۱۱۲ ..... ترجمه خطبه ۸ .....
- ۱۱۲ ..... اشاره .....
- ۱۱۲ ..... پیمان شکنی زبیر .....
- ۱۱۲ ..... ترجمه خطبه ۹ .....
- ۱۱۲ ..... شناخت طلحه و زبیر (و اصحاب جمل) .....
- ۱۱۲ ..... ترجمه خطبه ۱۰ .....
- ۱۱۲ ..... آگاهی امام علیه السلام برای مقابله با اصحاب جمل .....
- ۱۱۳ ..... ترجمه خطبه ۱۱ .....



۱۱۳	.....	اشاره
۱۱۳	.....	آموزش نظامی
۱۱۳	.....	ترجمه خطبه ۱۲
۱۱۳	.....	اشاره
۱۱۳	.....	شرکت آیندگان در پاداش گذشتگان (نقش نیت در پاداش اعمال)
۱۱۳	.....	ترجمه خطبه ۱۳
۱۱۳	.....	اشاره
۱۱۳	.....	عوامل سقوط جامعه (روانشناسی اجتماعی مردم بصره)
۱۱۳	.....	ترجمه خطبه ۱۴
۱۱۳	.....	اشاره
۱۱۳	.....	نقش عوامل محیط در انسان
۱۱۳	.....	ترجمه خطبه ۱۵
۱۱۳	.....	اشاره
۱۱۴	.....	سیاست اقتصادی امام علیه السلام
۱۱۴	.....	ترجمه خطبه ۱۶
۱۱۴	.....	اشاره
۱۱۴	.....	۱ اعلام سیاست‌های حکومتی
۱۱۴	.....	۲ فضائل اخلاقی امام علیه السلام
۱۱۴	.....	۳ سرگردانی مردم، و ضرورت تقوا
۱۱۴	.....	ترجمه خطبه ۱۷
۱۱۴	.....	اشاره
۱۱۴	.....	۱ شناخت بدترین انسانها
۱۱۴	.....	۲ روانشناسی مدعیان دروغین قضاوت
۱۱۵	.....	ترجمه خطبه ۱۸

- ۱۱۵ ..... اشاره
- ۱۱۵ ..... ۱ نکوهش اهل رأی (خودمحموری در قضاوت)
- ۱۱۵ ..... ۲ مبانی وحدت امت اسلامی
- ۱۱۵ ..... ترجمه خطبه ۱۹
- ۱۱۵ ..... اشاره
- ۱۱۵ ..... سوابق تاریخی نکوهیده أشعث بن قیس
- ۱۱۵ ..... ترجمه خطبه ۲۰
- ۱۱۵ ..... علل پنهان بودن اسرار پس از مرگ
- ۱۱۵ ..... ترجمه خطبه ۲۱
- ۱۱۵ ..... اشاره
- ۱۱۵ ..... راه رستگاری
- ۱۱۶ ..... ترجمه خطبه ۲۲
- ۱۱۶ ..... اشاره
- ۱۱۶ ..... امام علیه السلام و شناساندن ناکثین «اصحاب جمل»
- ۱۱۶ ..... ترجمه خطبه ۲۳
- ۱۱۶ ..... ۱ تناسب نعمت‌ها با استعدادهای گوناگون
- ۱۱۶ ..... ۲ ضرورت تعاون با خویشاوندان
- ۱۱۶ ..... ترجمه خطبه ۲۴
- ۱۱۶ ..... اشاره
- ۱۱۷ ..... ضرورت آمادگی برای جهاد
- ۱۱۷ ..... ترجمه خطبه ۲۵
- ۱۱۷ ..... اشاره
- ۱۱۷ ..... ۱ علل شکست ملت‌ها (علل شکست کوفیان، و پیروزی شامیان)
- ۱۱۷ ..... ۲ نفرین به امت خیانتکار

۱۱۷	ترجمه خطبه ۲۶
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	۱ شناخت فرهنگ جاهلیت
۱۱۷	۲ مظلومیت و تنهایی علی علیه السلام
۱۱۷	۳ معرّفی عمرو عاص و ضرورت آمادگی نظامی
۱۱۸	ترجمه خطبه ۲۷
۱۱۸	اشاره
۱۱۸	۱ ارزش جهاد در راه خدا
۱۱۸	۲ دعوت به مبارزه و نکوهش از نافرمانی کوفیان
۱۱۸	۳ مظلومیت امام علیه السلام، و علل شکست کوفیان
۱۱۸	ترجمه خطبه ۲۸
۱۱۸	اشاره
۱۱۸	دنیا شناسی
۱۱۹	ترجمه خطبه ۲۹
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	علل شکست کوفیان
۱۱۹	ترجمه خطبه ۳۰
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	پاسخ به شایعات دشمن
۱۱۹	ترجمه خطبه ۳۱
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	روانشناسی طلحه و زبیر «۴»
۱۲۰	ترجمه خطبه ۳۲
۱۲۰	اشاره

- ۱ سیر ارتجاعی امت اسلامی ..... ۱۲۰
- ۲ اقسام مردم (روانشناسی اجتماعی مسلمین، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) ..... ۱۲۰
- ۳ وصف پاکان در جامعه مسخ شده ..... ۱۲۰
- ۴ روش برخورد با دنیا ..... ۱۲۰
- ترجمه خطبه ۳۳ ..... ۱۲۰
- اشاره ..... ۱۲۰
- ۱ آثار بعثت پیامبر اسلام ..... ۱۲۰
- ۲ ویژگی‌های نظامی و اخلاقی امام علی علیه السلام ..... ۱۲۰
- ۳ شکوه از فتنه گری قریش ..... ۱۲۰
- ترجمه خطبه ۳۴ ..... ۱۲۱
- اشاره ..... ۱۲۱
- ۱ نکوهش از سستی و نافرمانی کوفیان ..... ۱۲۱
- ۲ علل عقب ماندگی مردم کوفه ..... ۱۲۱
- ۳ حقوق متقابل مردم و رهبری ..... ۱۲۱
- ترجمه خطبه ۳۵ ..... ۱۲۱
- اشاره ..... ۱۲۱
- ۱ ضرورت ستایش پروردگار ..... ۱۲۱
- ۲ علل شکست کوفیان ..... ۱۲۱
- ترجمه خطبه ۳۶ ..... ۱۲۱
- اشاره ..... ۱۲۱
- تلاش در هدایت دشمن ..... ۱۲۲
- ترجمه خطبه ۳۷ ..... ۱۲۲
- اشاره ..... ۱۲۲
- ۱ ویژگی‌ها و فضائل امام علی علیه السلام ..... ۱۲۲

۱۲۲	.....	۲ علّت سکوت و کناره گیری از خلافت
۱۲۲	.....	ترجمه خطبه ۳۸
۱۲۲	.....	اشاره
۱۲۲	.....	ضرورت شناخت شبهات
۱۲۲	.....	ترجمه خطبه ۳۹
۱۲۲	.....	اشاره
۱۲۲	.....	۱ نکوهش کوفیان
۱۲۲	.....	۲ علل شکست و نابودی کوفیان
۱۲۳	.....	ترجمه خطبه ۴۰
۱۲۳	.....	اشاره
۱۲۳	.....	ضرورت حکومت
۱۲۳	.....	ترجمه خطبه ۴۱
۱۲۳	.....	اشاره
۱۲۳	.....	پرهیز از حيله و نیرنگ
۱۲۳	.....	ترجمه خطبه ۴۲
۱۲۳	.....	اشاره
۱۲۳	.....	پرهیز از آرزوهای طولانی و هوا پرستی
۱۲۳	.....	ترجمه خطبه ۴۳
۱۲۳	.....	اشاره
۱۲۳	.....	۱ واقع نگری در برخورد با دشمن
۱۲۳	.....	۲ ضرورت جهاد با شامیان
۱۲۳	.....	ترجمه خطبه ۴۴
۱۲۳	.....	اشاره
۱۲۴	.....	تأسف از فرار مصقله

۱۲۴	ترجمه خطبه ۴۵
۱۲۴	اشاره
۱۲۴	۱ ضرورت ستایش پروردگار
۱۲۴	۲ روش برخورد با دنیا
۱۲۴	ترجمه خطبه ۴۶
۱۲۴	اشاره
۱۲۴	دعای سفر
۱۲۴	ترجمه خطبه ۴۷
۱۲۴	اشاره
۱۲۴	خبر از آینده کوفه
۱۲۵	ترجمه خطبه ۴۸
۱۲۵	اشاره
۱۲۵	ضرورت آمادگی رزمی
۱۲۵	ترجمه خطبه ۴۹
۱۲۵	خدا شناسی
۱۲۵	علل پیدایش فتنه‌ها
۱۲۵	ترجمه خطبه ۵۱
۱۲۵	اشاره
۱۲۵	فرمان خط شکستن و آزاد کردن آب فرات
۱۲۵	۱ تعریف دنیا
۱۲۶	۲ والایی نعمت‌های قیامت
۱۲۶	ترجمه خطبه ۵۳
۱۲۶	اشاره
۱۲۶	وصف قربانی

- ۱۲۶ ..... ترجمه خطبه ۵۴
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... وصف روز بیعت
- ۱۲۶ ..... ترجمه خطبه ۵۵
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... توضیحاتی پیرامون جنگ صفین
- ۱۲۶ ..... ترجمه خطبه ۵۶
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... یاد مبارزات دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در صفین
- ۱۲۶ ..... ترجمه خطبه ۵۷
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۷ ..... خبر از سلطه ستمگری بی باک
- ۱۲۷ ..... ترجمه خطبه ۵۸
- ۱۲۷ ..... اشاره
- ۱۲۷ ..... خبر از آینده شوم خوارج
- ۱۲۷ ..... ترجمه خطبه ۵۹
- ۱۲۷ ..... اشاره
- ۱۲۷ ..... خبر از قتلگاه خوارج
- ۱۲۷ ..... ترجمه خطبه ۶۰
- ۱۲۷ ..... اشاره
- ۱۲۷ ..... خبر از تداوم تفکر انحرافی خوارج
- ۱۲۷ ..... نهی از کشتار خوارج
- ۱۲۷ ..... ترجمه خطبه ۶۲
- ۱۲۷ ..... اشاره

- ۱۲۷ ..... موضع گیری امام علیه السلام برابر تهدید به ترور
- ۱۲۸ ..... ترجمه خطبه ۶۳
- ۱۲۸ ..... روش برخورد با دنیا
- ۱۲۸ ..... ترجمه خطبه ۶۴
- ۱۲۸ ..... شتافتن به سوی اعمال پسندیده
- ۱۲۸ ..... ترجمه خطبه ۶۵
- ۱۲۸ ..... اشاره
- ۱۲۸ ..... خدا شناسی «شناخت صفات خدا»
- ۱۲۸ ..... ترجمه خطبه ۶۶
- ۱۲۸ ..... اشاره
- ۱۲۸ ..... آموزش تاکتیک‌های نظامی
- ۱۲۹ ..... ترجمه خطبه ۶۷
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... ردّ استدلال انصار و قریش نسبت به امامت در سقیفه «۱»
- ۱۲۹ ..... ترجمه خطبه ۶۸
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... ستودن هاشم بن عتبّه برای فرمانداری مصر «پس از شهادت محمد بن ابی بکر»
- ۱۲۹ ..... ترجمه خطبه ۶۹
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... علل نکوهش کوفیان
- ۱۲۹ ..... ترجمه خطبه ۷۰
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... شکوه‌ها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۲۹ ..... ترجمه خطبه ۷۱



- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... علل نکوهش اهل عراق
- ۱۳۰ ..... ترجمه خطبه ۷۲
- ۱۳۰ ..... اشاره
- ۱۳۰ ..... \*۱ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۰ ..... \*۲ دعا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۰ ..... ترجمه خطبه ۷۳
- ۱۳۰ ..... اشاره
- ۱۳۰ ..... خبر غیبی از حکومت چهار فرمانروای فاسد، از پسران مروان
- ۱۳۰ ..... ویژگی‌های امام علی علیه السلام از زبان خود
- ۱۳۱ ..... ترجمه خطبه ۷۵
- ۱۳۱ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... دفاعیات امام برابر تهمت‌ها
- ۱۳۱ ..... ترجمه خطبه ۷۶
- ۱۳۱ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... صفات بنده پرهیزکار
- ۱۳۱ ..... ترجمه خطبه ۷۷
- ۱۳۱ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... هشدار به غاصبان بنی امیه
- ۱۳۱ ..... ترجمه خطبه ۷۸
- ۱۳۱ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... نیایش امام
- ۱۳۱ ..... ترجمه خطبه ۷۹
- ۱۳۱ ..... اشاره

- ۱۳۱ ..... \*۱ پرهیز از توجه به غیر خدا ..... ۱۳۱
- ۱۳۱ ..... \*۲ پرهیز دادن مردم از ستاره شناسی ..... ۱۳۱
- ۱۳۲ ..... ترجمه خطبه ۸۰ ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... اشاره ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... \*۱ بیان تفاوت‌های زنان و مردان ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... \*۲ مدیریت خانوادگی ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... ترجمه خطبه ۸۱ ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... اشاره ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... تعریف زهد و پارسایی ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... دنیا شناسی ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... ترجمه خطبه ۸۳ ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... اشاره ..... ۱۳۲
- ۱۳۲ ..... شناخت صفات الهی ..... ۱۳۲
- ۱۳۳ ..... \*۲ سفارش به پرهیزکاری ..... ۱۳۳
- ۱۳۳ ..... \*۳ دنیا شناسی ..... ۱۳۳
- ۱۳۳ ..... \*۴ وصف رستاخیز ..... ۱۳۳
- ۱۳۳ ..... \*۵ وصف احوال بندگان خدا ..... ۱۳۳
- ۱۳۳ ..... \*۶ مثل‌های پند آموز (سمبل‌های تقوی) ..... ۱۳۳
- ۱۳۳ ..... \*۷ راه‌های پند پذیری (راههای شناخت) ..... ۱۳۳
- ۱۳۴ ..... \*۸ عبرت از مرگ ..... ۱۳۴
- ۱۳۴ ..... \*۹ معرفی الگوی پرهیزگاری ..... ۱۳۴
- ۱۳۴ ..... \*۱۰ هشدار از دشمنی شیطان ..... ۱۳۴
- ۱۳۴ ..... \*۱۱ شگفتی‌های آفرینش انسان ..... ۱۳۴
- ۱۳۵ ..... \*۱۳ پند آموزی از گذشتگان ..... ۱۳۵

- ۱۳۵ ..... ترجمه خطبه ۸۴
- ۱۳۵ ..... اشاره
- ۱۳۵ ..... روانشناسی عمرو عاص:
- ۱۳۵ ..... ویژگیهای امام علی علیه السلام:
- ۱۳۵ ..... ترجمه خطبه ۸۵
- ۱۳۵ ..... \*۱ خدا شناسی
- ۱۳۵ ..... \*۲ ضرورت پند پذیری
- ۱۳۵ ..... \*۳ وصف بهشت
- ۱۳۶ ..... ترجمه خطبه ۸۶
- ۱۳۶ ..... \*۱ علم الهی
- ۱۳۶ ..... \*۲ پندهای ارزشمند
- ۱۳۶ ..... \*۳ یاد آوری ارزش‌های اخلاقی
- ۱۳۶ ..... ترجمه خطبه ۸۷
- ۱۳۶ ..... اشاره
- ۱۳۶ ..... \*۱ معرّفی بهترین بنده خدا (الگوی انسان کامل)
- ۱۳۶ ..... \*۲ وصف زشت‌ترین انسان «عالم نمایان»
- ۱۳۷ ..... \*۳ شناساندن عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان راستین علیه السلام
- ۱۳۷ ..... \*۴ ویژگی‌های امام علی علیه السلام
- ۱۳۷ ..... \*۵ اخبار غیبی نسبت به آینده بنی امیه
- ۱۳۷ ..... ترجمه خطبه ۸۸
- ۱۳۷ ..... اشاره
- ۱۳۷ ..... عوامل هلاکت انسانها
- ۱۳۷ ..... ترجمه خطبه ۸۹
- ۱۳۷ ..... اشاره

- ۱۳۷ ..... \*۱ وصف روزگاران بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۷ ..... \*۲ عبرت آموزی از روزگار جاهلیت
- ۱۳۸ ..... ترجمه خطبه ۹۰
- ۱۳۸ ..... \*۱ خدا شناسی
- ۱۳۸ ..... \*۲ اندرزهای حکیمانه
- ۱۳۸ ..... ترجمه خطبه ۹۱
- ۱۳۸ ..... اشاره
- ۱۳۸ ..... \*۱ خدا شناسی
- ۱۳۸ ..... \*۲ صفات خدا در قرآن
- ۱۳۹ ..... \*۳ وصف پروردگار در آفرینش موجودات گوناگون
- ۱۳۹ ..... \*۴ چگونگی آفرینش آسمان‌ها
- ۱۳۹ ..... \*۵ ویژگی‌های فرشتگان
- ۱۴۰ ..... \*۶ اقسام فرشتگان «۱»
- ۱۴۰ ..... \*۷ صفات والای فرشتگان
- ۱۴۰ ..... \*۸ پاک بودن فرشتگان از رذایل اخلاقی
- ۱۴۰ ..... \*۹ چگونگی آفرینش زمین
- ۱۴۰ ..... \*۱۰ نقش پدیده‌های جوی در زمین
- ۱۴۱ ..... \*۱۱ زیبایی‌های زمین
- ۱۴۱ ..... \*۱۲ داستان زندگی آغازین آدم علیه السلام و اعزام پیامبران علیهم السلام
- ۱۴۱ ..... \*۱۳ آفرینش امکانات زندگی
- ۱۴۱ ..... \*۱۴ تعریف علم خداوند
- ۱۴۱ ..... \*۱۵ نیایش امیر المؤمنین علیه السلام
- ۱۴۲ ..... ترجمه خطبه ۹۲
- ۱۴۲ ..... اشاره

- ۱۴۲ ..... علل نپذیرفتن خلافت
- ۱۴۲ ..... ترجمه خطبه ۹۳
- ۱۴۲ ..... اشاره
- ۱۴۲ ..... ۱\* ویژگی‌های علمی و سیاسی امام علی علیه السلام
- ۱۴۲ ..... ۲\* خبر از فتنه‌های آینده
- ۱۴۲ ..... ۳\* خبر از فتنه‌های بنی امیه
- ۱۴۲ ..... ۴\* سرانجام تلخ و دردناک بنی امیه
- ۱۴۳ ..... ترجمه خطبه ۹۴
- ۱۴۳ ..... ۱ وصف خدای سبحان
- ۱۴۳ ..... ۲ وصف پیامبران آسمانی
- ۱۴۳ ..... ۳ وصف پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۳ ..... ۴ نصیحت به مردم
- ۱۴۳ ..... ترجمه خطبه ۹۵
- ۱۴۳ ..... دوران جاهلیت و نعمت بعثت
- ۱۴۳ ..... ترجمه خطبه ۹۶
- ۱۴۳ ..... ۱ خدا شناسی
- ۱۴۳ ..... ۲ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۳ ..... ترجمه خطبه ۹۷
- ۱۴۳ ..... اشاره
- ۱۴۴ ..... ۱ علل نکوهش و شکست کوفیان
- ۱۴۴ ..... ۲ روانشناسی اجتماعی مردم کوفه
- ۱۴۴ ..... ۳ ضرورت اطاعت (از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «اهل بیت علیهم السلام»)
- ۱۴۴ ..... ۴ وصف اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۴ ..... خبر از ستمگری و فساد بنی امیه

- ۱۴۴ ..... ترجمه خطبه ۹۹
- ۱۴۴ ..... اشاره
- ۱۴۵ ..... ۱ پرهیز از دنیا پرستی
- ۱۴۵ ..... ۲ روش برخورد با دنیا
- ۱۴۵ ..... ترجمه خطبه ۱۰۰
- ۱۴۵ ..... اشاره
- ۱۴۵ ..... ۱ شناخت خدا
- ۱۴۵ ..... ۲ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۵ ..... ۳ تداوم امامت تا ظهور امام زمان علیه السلام
- ۱۴۵ ..... ترجمه خطبه ۱۰۱
- ۱۴۵ ..... اشاره
- ۱۴۵ ..... ۱ ستایش و اندرز
- ۱۴۵ ..... ۲ خبر از حوادث خونین آینده
- ۱۴۶ ..... ترجمه خطبه ۱۰۲
- ۱۴۶ ..... اشاره
- ۱۴۶ ..... ۱ وصف روز قیامت
- ۱۴۶ ..... ۲ خبر از آینده خونین بصره و رزم مجاهدانی پیروز
- ۱۴۶ ..... ترجمه خطبه ۱۰۳
- ۱۴۶ ..... ۱ روش برخورد با دنیا
- ۱۴۶ ..... ۲ ارزش عالم و بی ارزشی جاهل
- ۱۴۶ ..... ۳ سخنی از آینده
- ۱۴۷ ..... ترجمه خطبه ۱۰۴
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... ره آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

- ۱۴۷ ..... ترجمه خطبه ۱۰۵
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... ۱ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۷ ..... ۲ هشدار از آینده تلخ فرزندان امّیه
- ۱۴۷ ..... ۳ اندرزهای جاودانه، و توجه دادن مردم به اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۷ ..... ترجمه خطبه ۱۰۶
- ۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... ۱\* ره آورد اسلام
- ۱۴۸ ..... ۲\* دعا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۸ ..... ۳\* ره آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۴۸ ..... ۴\* علل سقوط و سیر ارتجاعی امت
- ۱۴۸ ..... ترجمه خطبه ۱۰۷
- ۱۴۸ ..... اشاره
- ۱۴۸ ..... وصف نبرد یاران در صفین
- ۱۴۸ ..... ترجمه خطبه ۱۰۸
- ۱۴۸ ..... اشاره
- ۱۴۸ ..... ۱\* خدا شناسی
- ۱۴۸ ..... ۲\* وصف پیامبر اسلام (ص)
- ۱۴۹ ..... ۳\* علل انحراف فرزندان امّیه
- ۱۴۹ ..... ۴\* نکوهش کوفیان
- ۱۴۹ ..... ۵\* خبر از کشتار و فساد بنی امّیه
- ۱۴۹ ..... ۶\* هشدار و سفارش به اطاعت از اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۹ ..... ۷\* خبر از مسخ ارزش‌ها در حکومت بنی امّیه
- ۱۴۹ ..... ترجمه خطبه ۱۰۹

- ۱۴۹ ..... اشاره
- ۱۴۹ ..... \*۱ وصف قدرت پروردگار
- ۱۴۹ ..... \*۲ وصف فرشتگان
- ۱۵۰ ..... \*۳ نعمتهای خداوند و سوء استفاده‌ها
- ۱۵۰ ..... \*۴ خطر عشق و وابستگی‌های دروغین
- ۱۵۰ ..... \*۵ وصف چگونگی مرگ و مردن
- ۱۵۰ ..... \*۶ وصف رستاخیز و زنده شدن دوباره
- ۱۵۰ ..... \*۷ پارسایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۵۱ ..... \*۸ ویژگیهای اهل بیت علیهم السلام
- ۱۵۱ ..... ترجمه خطبه ۱۱۰
- ۱۵۱ ..... اشاره
- ۱۵۱ ..... ۱ ره آورد برخی از مبانی اعتقادی
- ۱۵۱ ..... ترجمه خطبه ۱۱۱
- ۱۵۱ ..... ۱ هشدار از دنیا پرستی
- ۱۵۱ ..... ۲ شناخت ماهیت دنیا
- ۱۵۱ ..... ۳ روش برخورد با دنیا
- ۱۵۲ ..... ۴ عبرت از گذشتگان
- ۱۵۲ ..... ۵ پرهیز از دنیای حرام
- ۱۵۲ ..... ترجمه خطبه ۱۱۲
- ۱۵۲ ..... اشاره
- ۱۵۲ ..... عجز انسان از درک فرشتگان (فرشته مرگ)
- ۱۵۲ ..... ترجمه خطبه ۱۱۳
- ۱۵۲ ..... ۱ پرهیز دادن از دنیا پرستی
- ۱۵۲ ..... ۲ روش برخورد با دنیا



۱۵۲	۳ نکوهش از غفلت زدگان
۱۵۳	ترجمه خطبه ۱۱۴
۱۵۳	۱ ارزش ستایش و شهادت به یگانگی خدا
۱۵۳	۳ شناخت دنیا
۱۵۳	۴ ارزیابی دنیا و آخرت
۱۵۴	ترجمه خطبه ۱۱۵
۱۵۴	اشاره
۱۵۴	دعا برای طلب باران
۱۵۴	ترجمه خطبه ۱۱۶
۱۵۴	اشاره
۱۵۴	۱ ویژگی‌های پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
۱۵۴	۲ اندرز یاران
۱۵۵	۳ تعریف یارانی که به شهادت رسیدند
۱۵۵	۴ خبر از خونریزی و شکمبارگی حجاج بن یوسف ثقفی
۱۵۵	ترجمه خطبه ۱۱۷
۱۵۵	سرزنش انسان‌های خود پرست
۱۵۵	ترجمه خطبه ۱۱۸
۱۵۵	اشاره
۱۵۵	ستودن یاران نیکوکار
۱۵۵	ترجمه خطبه ۱۱۹
۱۵۵	اشاره
۱۵۵	۱ علل نکوهش کوفیان
۱۵۵	۲ مسئولیت‌های رهبری
۱۵۵	ترجمه خطبه ۱۲۰

- ۱۵۵ ..... یاد آوری ویژگی‌های اهل بیت علیه السلام و اندرز یاران
- ۱۵۶ ..... ترجمه خطبه ۱۲۱
- ۱۵۶ ..... اشاره
- ۱۵۶ ..... ۱ علل شکست کوفیان و پذیرش «حکمت»
- ۱۵۶ ..... ۲ وصف یاران شهیدی که وفادار بودند
- ۱۵۶ ..... ۳ هشدار از فریب کاری شیطان
- ۱۵۶ ..... ترجمه خطبه ۱۲۲
- ۱۵۶ ..... اشاره
- ۱۵۶ ..... ۱ سیاست استعماری قرآن بر سر نیزه کردن
- ۱۵۶ ..... ۲ وصف یاران جهادگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۵۷ ..... ۳ هدف مبارزه با شامیان
- ۱۵۷ ..... ترجمه خطبه ۱۲۳
- ۱۵۷ ..... اشاره
- ۱۵۷ ..... ۱ آموزش روانی در جنگ
- ۱۵۷ ..... ۲ هشدار از کوتاهی در نبرد
- ۱۵۷ ..... ترجمه خطبه ۱۲۴
- ۱۵۷ ..... اشاره
- ۱۵۷ ..... ۱ آموزش نظامی (تاکتیک‌های رزم انفرادی)
- ۱۵۷ ..... ۲ آموزش معنوی سربازان
- ۱۵۷ ..... ۳ ضرورت جنگ بی امان برای شکست شامیان
- ۱۵۷ ..... ترجمه خطبه ۱۲۵
- ۱۵۷ ..... اشاره
- ۱۵۷ ..... ۱ علل پذیرش حکمت در صفین
- ۱۵۸ ..... ۲ سرزنش کوفیان و خوارج گمراه

- ۱۵۸ ..... ترجمه خطبه ۱۲۶
- ۱۵۸ ..... اشاره
- ۱۵۸ ..... عدالت اقتصادی امام علیه السلام
- ۱۵۸ ..... ترجمه خطبه ۱۲۷
- ۱۵۸ ..... اشاره
- ۱۵۸ ..... ۱ افشاء گمراهی خوارج
- ۱۵۸ ..... ۲ پرهیز از افراط و تفریط نسبت به امام علی علیه السلام
- ۱۵۹ ..... ۳ علل پذیرش «حکمتیت»
- ۱۵۹ ..... ۱ پیشگویی امام علیه السلام نسبت به حوادث مهم شهر بصره
- ۱۵۹ ..... ۲ وصف ترک‌های مغول
- ۱۵۹ ..... ۳ جایگاه علم غیب
- ۱۵۹ ..... ترجمه خطبه ۱۲۹
- ۱۵۹ ..... اشاره
- ۱۵۹ ..... ۱ وصف جامعه مسخ شده مسلمین
- ۱۵۹ ..... ۲ عبرت گرفتن از دنیا
- ۱۶۰ ..... ترجمه خطبه ۱۳۰
- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۰ ..... خدا گرایی در مبارزه با ستمگران
- ۱۶۰ ..... ترجمه خطبه ۱۳۱
- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۰ ..... ۱ علل نکوهش کوفیان
- ۱۶۰ ..... ۲ فلسفه حکومت اسلامی
- ۱۶۰ ..... ۳ شرائط رهبر اسلامی
- ۱۶۰ ..... ترجمه خطبه ۱۳۲

- ۱ ستایش پروردگار ..... ۱۶۰
- ۲ ضرورت یاد مرگ ..... ۱۶۰
- ۳ تقوا و روش برخورد با دنیا ..... ۱۶۱
- ترجمه خطبه ۱۳۳ ..... ۱۶۱
- ۱ عظمت پروردگار ..... ۱۶۱
- ۲ ویژگی‌های قرآن ..... ۱۶۱
- ۳ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۶۱
- ۴ روش برخورد با دنیا ..... ۱۶۱
- ۵ اندرزهای جاودانه ..... ۱۶۱
- ۶ شناخت قرآن ..... ۱۶۱
- ۷ علل سقوط مردم ..... ۱۶۱
- ترجمه خطبه ۱۳۴ ..... ۱۶۱
- اشاره ..... ۱۶۱
- مشاوره نظامی ..... ۱۶۱
- ترجمه خطبه ۱۳۵ ..... ۱۶۲
- اشاره ..... ۱۶۲
- شناخت دشمنان امام علیه السلام: ..... ۱۶۲
- ترجمه خطبه ۱۳۶ ..... ۱۶۲
- اشاره ..... ۱۶۲
- بیعت بی‌همانند: ..... ۱۶۲
- ترجمه خطبه ۱۳۷ ..... ۱۶۲
- اشاره ..... ۱۶۲
- ۱ شناسایی طلحه و زبیر: ..... ۱۶۲
- ۲ وصف بیعت بی‌همانند ..... ۱۶۲

- ۱۶۲ ..... ۳ شکوه از طلحه و زبیر
- ۱۶۲ ..... ترجمه خطبه ۱۳۸
- ۱۶۲ ..... اشاره
- ۱۶۳ ..... ۱ خبر از ظهور و سیستم حکومتی حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۶۳ ..... ۲ خبر از تهاجم خونین عبد الملک مروان به کوفه
- ۱۶۳ ..... ترجمه خطبه ۱۳۹
- ۱۶۳ ..... اشاره
- ۱۶۳ ..... ویژگی‌های امام علیه السلام (و هشدار از حوادث خونین آینده)
- ۱۶۳ ..... ترجمه خطبه ۱۴۰
- ۱۶۳ ..... اشاره
- ۱۶۳ ..... پرهیز دادن از غیبت و بدگویی
- ۱۶۳ ..... ترجمه خطبه ۱۴۱
- ۱۶۳ ..... ۱ پرهیز از شنیدن غیبت
- ۱۶۳ ..... ۲ شناخت حق و باطل
- ۱۶۳ ..... ترجمه خطبه ۱۴۲
- ۱۶۳ ..... اشاره
- ۱۶۴ ..... شناخت جایگاه بخشش و احسان
- ۱۶۴ ..... ترجمه خطبه ۱۴۳
- ۱۶۴ ..... اشاره
- ۱۶۴ ..... ۱ نظام آفرینش برای انسان
- ۱۶۴ ..... ۲ فلسفه آزمایش‌ها
- ۱۶۴ ..... ۳ نیایش طلب باران
- ۱۶۴ ..... ترجمه خطبه ۱۴۴
- ۱۶۴ ..... ۱ فلسفه بعثت پیامبران

- ۱۶۴ ..... ۲ ویژگی‌های امامان دوازده گانه
- ۱۶۴ ..... ۳ شناساندن گمراهان و خیر از ستمکاری عبد الملک مروان
- ۱۶۵ ..... ۴ اندرزهای جاودانه
- ۱۶۵ ..... ترجمه خطبه ۱۴۵
- ۱۶۵ ..... ۱ دنیا شناسی
- ۱۶۵ ..... ۲ نکوهش از بدعت‌ها
- ۱۶۵ ..... ترجمه خطبه ۱۴۶
- ۱۶۵ ..... اشاره
- ۱۶۵ ..... ۱ علل پیروزی اسلام و مسلمین
- ۱۶۵ ..... ۲ واقع بینی در مشاوره نظامی
- ۱۶۵ ..... ترجمه خطبه ۱۴۷
- ۱۶۵ ..... ۱ فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۶۵ ..... ۲ خبر از آینده تأسف بار اسلام و مسلمین
- ۱۶۶ ..... ۳ پندهای حکیمانه
- ۱۶۶ ..... ۴ ویژگی‌های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (امامان دوازده گانه)
- ۱۶۶ ..... ترجمه خطبه ۱۴۸
- ۱۶۶ ..... اشاره
- ۱۶۶ ..... روانشناسی طلحه و زبیر (در شورش بصره)
- ۱۶۶ ..... ترجمه خطبه ۱۴۹
- ۱۶۶ ..... اشاره
- ۱۶۶ ..... ۱ یاد مرگ
- ۱۶۶ ..... ۲ وصیت‌های امام علی علیه السلام
- ۱۶۷ ..... ترجمه خطبه ۱۵۰
- ۱۶۷ ..... اشاره

- ۱ آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی (عج) ..... ۱۶۷
- ۲ ره آورد حکومت حضرت مهدی (عج) ..... ۱۶۷
- ۳ سرنوشت امت اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۶۷
- ترجمه خطبه ۱۵۱ ..... ۱۶۷
- ۱ ارزش شهادتین ..... ۱۶۷
- ۲ نکوهش مردم گمراه ..... ۱۶۷
- ۳ خبر از آینده خونین عرب ..... ۱۶۷
- ۴ رهنمودها در مقابله با فتنه‌ها ..... ۱۶۸
- ترجمه خطبه ۱۵۲ ..... ۱۶۸
- اشاره ..... ۱۶۸
- ۱ خداشناسی (شناخت صفات خدا) ..... ۱۶۸
- ۲ عظمت امامان دوازده گانه و قرآن ..... ۱۶۸
- ۳ ویژگی‌های اسلام ..... ۱۶۸
- ترجمه خطبه ۱۵۳ ..... ۱۶۸
- اشاره ..... ۱۶۸
- ۱ وصف گمراهان و غفلت زدگان ..... ۱۶۸
- ۲ درمان غفلت زدگی‌ها ..... ۱۶۹
- ۳ صفات ناپسند و نابود کننده ..... ۱۶۹
- ۴ روانشناسی ..... ۱۶۹
- ترجمه خطبه ۱۵۴ ..... ۱۶۹
- اشاره ..... ۱۶۹
- ۱ ضرورت پیروی از امامان دوازده گانه ..... ۱۶۹
- ۲ شرایط امامت و رهبری ..... ۱۶۹
- ۳ روانشناسی انسانی (تأثیر جسم و روح در یکدیگر) ..... ۱۶۹

- ۱۷۰ ..... ترجمه خطبه ۱۵۵
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۰ ..... ۱ وصف پروردگار
- ۱۷۰ ..... ترجمه خطبه ۱۵۶
- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۰ ..... ۱ ضرورت اطاعت از رهبری (و نکوهش از نافرمانی عایشه)
- ۱۷۰ ..... ۲ ره آورد ایمان
- ۱۷۰ ..... ۳ یاد آوری برخی از ارزش‌های اخلاقی و ویژگی‌های قرآن
- ۱۷۱ ..... ۴ خبر از فتنه‌ها و شهادت خویش
- ۱۷۱ ..... ترجمه خطبه ۱۵۷
- ۱۷۱ ..... ۱ عبرت از گذشتگان
- ۱۷۱ ..... ۲ ضرورت تقوا و خود سازی
- ۱۷۱ ..... ۳ یاد تنهایی قبر
- ۱۷۱ ..... ترجمه خطبه ۱۵۸
- ۱۷۱ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... ۱ ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن
- ۱۷۲ ..... ترجمه خطبه ۱۵۹
- ۱۷۲ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... وصف کشور داری خویش
- ۱۷۲ ..... ترجمه خطبه ۱۶۰
- ۱۷۲ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... ۱ خدا شناسی
- ۱۷۲ ..... ۲ راههای خدا شناسی
- ۱۷۲ ..... ۳ وصف امیدواری به خدا



- ۴ سیری در زندگانی پیامبران علیه السلام (برای انتخاب الگوهای ساده زیستی) «۲» ..... ۱۷۲
- ۵ راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۷۳
- ترجمه خطبه ۱۶۱ ..... ۱۷۳
- اشاره ..... ۱۷۳
- ۱ وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۷۳
- ۲ سفارش به تقوا و عبرت از گذشتگان ..... ۱۷۳
- ترجمه خطبه ۱۶۲ ..... ۱۷۴
- اشاره ..... ۱۷۴
- ۱ علل و عوامل غضب امامت ..... ۱۷۴
- ترجمه خطبه ۱۶۳ ..... ۱۷۴
- اشاره ..... ۱۷۴
- ۱ خدا شناسی ..... ۱۷۴
- ۲ وصف آفرینش ..... ۱۷۴
- ۳ شگفتی آفرینش انسان ..... ۱۷۵
- ترجمه خطبه ۱۶۴ ..... ۱۷۵
- اشاره ..... ۱۷۵
- هشدار دادن به عثمان ..... ۱۷۵
- ترجمه خطبه ۱۶۵ ..... ۱۷۵
- اشاره ..... ۱۷۵
- ۱ شگفتی آفرینش انواع پرندگان ..... ۱۷۵
- ۲- شگفتی‌های آفرینش طاووس ..... ۱۷۶
- ۳ روانشناسی حیوانی طاووس ..... ۱۷۶
- ۴ شگفتی رنگ آمیزی پرهای طاووس ..... ۱۷۶
- ۵ عجز انسان از درک حقائق موجود در پدیده‌ها ..... ۱۷۶

- ۶- شگفتی آفرینش جانداران کوچک ..... ۱۷۶
- ۷ وصف ویژگی‌های بهشت ..... ۱۷۶
- ترجمه خطبه ۱۶۶ ..... ۱۷۷
- اشاره ..... ۱۷۷
- ۱ احترام متقابل اجتماعی ..... ۱۷۷
- ۲ آینده بنی امیه ..... ۱۷۷
- ۳ علل پیروزی و شکست ملت‌ها ..... ۱۷۷
- ترجمه خطبه ۱۶۷ ..... ۱۷۷
- اشاره ..... ۱۷۷
- ۱ ویژگی‌های قرآن ..... ۱۷۷
- ۲ ویژگی‌های مسلمانی ..... ۱۷۷
- ترجمه خطبه ۱۶۸ ..... ۱۷۸
- اشاره ..... ۱۷۸
- ۱ واقع بینی در مبارزه ..... ۱۷۸
- ۲ مشکلات جنگ داخلی ..... ۱۷۸
- ترجمه خطبه ۱۶۹ ..... ۱۷۸
- اشاره ..... ۱۷۸
- ۱ ضرورت اطاعت از رهبری ..... ۱۷۸
- ۲ افشاء توطئه ناکثین ..... ۱۷۸
- ترجمه خطبه ۱۷۰ ..... ۱۷۸
- اشاره ..... ۱۷۸
- روش هدایت کردن ..... ۱۷۸
- ترجمه خطبه ۱۷۱ ..... ۱۷۸
- اشاره ..... ۱۷۸

- ۱ نیایش در آستانه جنگ ..... ۱۷۸
- ۲ روش بسیج نیروها در جنگ ..... ۱۷۹
- ترجمه خطبه ۱۷۲ ..... ۱۷۹
- اشاره ..... ۱۷۹
- ۱ گفتگو در روز شورا ..... ۱۷۹
- ۲ شکوه از قریش ..... ۱۷۹
- ۳ شکوه از ناکثین ..... ۱۷۹
- ترجمه خطبه ۱۷۳ ..... ۱۷۹
- اشاره ..... ۱۷۹
- ۱ ویژگی‌های رهبر اسلامی ..... ۱۷۹
- ۲ شناخت دنیا ..... ۱۷۹
- ترجمه خطبه ۱۷۴ ..... ۱۸۰
- اشاره ..... ۱۸۰
- افشاء ادعاهای دروغین طلحه ..... ۱۸۰
- ترجمه خطبه ۱۷۵ ..... ۱۸۰
- اشاره ..... ۱۸۰
- ۱ نکوهش غافلان ..... ۱۸۰
- ۲ علوم بی پایان امام علیه السلام ..... ۱۸۰
- ۳ ویژگی‌های امام علی علیه السلام ..... ۱۸۰
- ترجمه خطبه ۱۷۶ ..... ۱۸۰
- اشاره ..... ۱۸۰
- ۱ ضرورت اطاعت از دستورات الهی ..... ۱۸۰
- ۲ ویژگی‌های قرآن ..... ۱۸۰
- ۳ تشویق به اعمال نیکو ..... ۱۸۱

۱۸۱	۴ ضرورت کنترل زبان
۱۸۱	۵ پرهیز از بدعت‌ها
۱۸۱	۶ ویژگی‌های قرآن
۱۸۱	۷ اقسام ظلم و ستم
۱۸۱	۸ ضرورت خود سازی
۱۸۲	ترجمه خطبه ۱۷۷
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	نکوهش از خیانت حکمین
۱۸۲	ترجمه خطبه ۱۷۸
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	۱ خدا شناسی
۱۸۲	۲ روش برخورد با دنیا
۱۸۲	ترجمه خطبه ۱۷۹
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	خدا شناسی
۱۸۲	ترجمه خطبه ۱۸۰
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	۱ نکوهش کوفیان
۱۸۳	۲ علل سقوط و انحطاط فکری کوفیان
۱۸۳	ترجمه خطبه ۱۸۱
۱۸۳	اشاره
۱۸۳	نکوهش فریب خوردگان از خوارج
۱۸۳	ترجمه خطبه ۱۸۲
۱۸۳	اشاره

- ۱ ستایش پروردگار سبحان ..... ۱۸۳
- ۲ راههای خداشناسی ..... ۱۸۳
- ۳ خدا شناسی ..... ۱۸۳
- ۴ سفارش به تقوا و پند پذیری از تاریخ ..... ۱۸۴
- ۵ وصف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۱۸۴
- ۶ پند و اندرز یاران ..... ۱۸۴
- ۷ یاد یاران شهید ..... ۱۸۴
- ترجمه خطبه ۱۸۳ ..... ۱۸۵
- ۱\* خدا شناسی ..... ۱۸۵
- ۲ ویژگی‌های قرآن ..... ۱۸۵
- ۳ سفارش به پرهیزکاری ..... ۱۸۵
- ۴ ضرورت یاد قیامت و عذاب الهی ..... ۱۸۵
- ۵ روش استفاده از دنیا ..... ۱۸۵
- ترجمه خطبه ۱۸۴ ..... ۱۸۵
- اشاره ..... ۱۸۵
- افشای منافق ..... ۱۸۵
- ترجمه خطبه ۱۸۵ ..... ۱۸۶
- ۱ خدا شناسی ..... ۱۸۶
- ۲ ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۸۶
- ۳ راههای خداشناسی ..... ۱۸۶
- ۴ شگفتی آفرینش ملخ ..... ۱۸۶
- ۵ نشانه‌های خدا در طبیعت ..... ۱۸۶
- ترجمه خطبه ۱۸۶ ..... ۱۸۷
- اشاره ..... ۱۸۷

- ۱ شناساندن صحیح خداوند سبحان ..... ۱۸۷
- ۲ والاتر از صفات پدیده‌ها ..... ۱۸۷
- ۳ شناخت قدرت پروردگار ..... ۱۸۷
- ۴- معاد و آفرینش دو باره پدیده‌ها ..... ۱۸۷
- ترجمه خطبه ۱۸۷ ..... ۱۸۸
- اشاره ..... ۱۸۸
- ۱ خبر از حوادث آینده ..... ۱۸۸
- ۲ ضرورت اطاعت از رهبری ..... ۱۸۸
- ترجمه خطبه ۱۸۸ ..... ۱۸۸
- ۱ سفارش به پرهیزکاری ..... ۱۸۸
- ۲ ارزش یاد مرگ ..... ۱۸۸
- ۳ ضرورت شتاب در نیکوکاری‌ها ..... ۱۸۸
- ترجمه خطبه ۱۸۹ ..... ۱۸۸
- اشاره ..... ۱۸۸
- ۱ اقسام ایمان ..... ۱۸۸
- ۲ شناخت هجرت و مهاجر واقعی ..... ۱۸۸
- ۳ مشکل فهم برخی از احادیث عترت علیهم السلام ..... ۱۸۹
- ۴ آگاهی ژرف امام علیه السلام ..... ۱۸۹
- ترجمه خطبه ۱۹۰ ..... ۱۸۹
- اشاره ..... ۱۸۹
- ۱ ضرورت شکرگزاری ..... ۱۸۹
- ۲ سفارش به پرهیزکاری و یاد مرگ ..... ۱۸۹
- ۳ آینده پرهیزکاران ..... ۱۸۹
- ۴ آموزش نظامی ..... ۱۸۹

۱۸۹	ترجمه خطبه ۱۹۱
۱۸۹	۱ شناخت پروردگار
۱۸۹	۲ ره آورد پرهیزکاری
۱۹۰	۳ پرهیز از دنیای حرام
۱۹۰	۴ اقسام دنیا پرستان
۱۹۰	ترجمه خطبه ۱۹۲
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	۱ والایی پروردگار
۱۹۰	۲ نکوهش تکبر و خودپسندی شیطان
۱۹۰	۳ آزمایش‌ها درمان تکبر
۱۹۰	۴ هشدار از دشمنی‌های شیطان
۱۹۱	۵ پرهیز از تکبر و اخلاق جاهلی
۱۹۱	۶ پرهیز از سران متکبر و خود پسند
۱۹۱	۷ ضرورت عبرت از گذشتگان
۱۹۱	۸ فلسفه آزمایش‌ها
۱۹۲	۹ فلسفه حج
۱۹۲	۱۰ پرهیز از ستمکاری
۱۹۲	۱۱ فلسفه عبادات اسلامی
۱۹۲	۱۲ تعصب ورزیدن زشت و زیبا
۱۹۲	۱۳ علل پیروزی و شکست ملت‌ها
۱۹۳	۱۴ ره‌آورد بعثت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ
۱۹۳	۱۵ علل نکوهش و سقوط کوفیان
۱۹۳	۱۶ قاطعیت امام در نبرد با منحرفان
۱۹۳	۱۷ سوابق درخشان شجاعت و فضائل امام علیه السلام

- ۱۸ خیره سری و دشمنی سران قریش ..... ۱۹۴
- ۱۹ الگوهای کامل ایمان ..... ۱۹۴
- ترجمه خطبه ۱۹۳ ..... ۱۹۴
- اشاره ..... ۱۹۴
- ۱ سیمای پرهیزکاران ..... ۱۹۴
- ۲ شب پرهیزکاران ..... ۱۹۵
- ۳ روز پرهیزکاران ..... ۱۹۵
- ۴ نشانه‌های پرهیزکاران ..... ۱۹۵
- ترجمه خطبه ۱۹۴ ..... ۱۹۵
- اشاره ..... ۱۹۵
- ۱ مشکلات رسالت ..... ۱۹۵
- ۲ سیمای منافقان ..... ۱۹۵
- ترجمه خطبه ۱۹۵ ..... ۱۹۶
- اشاره ..... ۱۹۶
- ۱ نشانه‌های آشکار الهی ..... ۱۹۶
- ۲ خداشناسی ..... ۱۹۶
- ۳ یاد آخرت ..... ۱۹۶
- ترجمه خطبه ۱۹۶ ..... ۱۹۶
- هشدار از غفلت زدگی ..... ۱۹۶
- ترجمه خطبه ۱۹۷ ..... ۱۹۶
- اشاره ..... ۱۹۶
- ۱ فضائل امیر المؤمنین علیه السلام ..... ۱۹۶
- ۲ در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۱۹۶
- ترجمه خطبه ۱۹۸ ..... ۱۹۷



۱۹۷	۱ علم الهی
۱۹۷	۲ ارزش پرهیزکاری
۱۹۷	۳ ویژگی‌های اسلام
۱۹۷	۴ بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سختی‌های جاهلیت
۱۹۷	۵ ارزش‌ها و ویژگی‌های قرآن
۱۹۸	ترجمه خطبه ۱۹۹
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	۱ ره آورد نماز
۱۹۸	۲ ارزش و ره آورد زکات
۱۹۸	۳ مسؤولیت ادای امانت
۱۹۸	۴ دانش الهی
۱۹۸	ترجمه خطبه ۲۰۰
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	سیاست دروغین معاویه
۱۹۸	ترجمه خطبه ۲۰۱
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	راه روشن حق
۱۹۸	ترجمه خطبه ۲۰۲
۱۹۹	اشاره
۱۹۹	شکوه‌ها از ستمکاری امت
۱۹۹	ترجمه خطبه ۲۰۳
۱۹۹	آخرت گرایی
۱۹۹	ترجمه خطبه ۲۰۴
۱۹۹	اشاره

- آمادگی برای سفر آخرت ..... ۱۹۹
- ترجمه خطبه ۲۰۵ ..... ۱۹۹
- اشاره ..... ۱۹۹
- برخورد قاطعانه با سران ناکتین (طلحه و زبیر) ..... ۱۹۹
- ترجمه خطبه ۲۰۶ ..... ۱۹۹
- اشاره ..... ۱۹۹
- اخلاق در جنگ ..... ۱۹۹
- ترجمه خطبه ۲۰۷ ..... ۲۰۰
- اشاره ..... ۲۰۰
- ضرورت حفظ امامت ..... ۲۰۰
- ترجمه خطبه ۲۰۸ ..... ۲۰۰
- اشاره ..... ۲۰۰
- نکوهش از نافرمانی کوفیان ..... ۲۰۰
- ترجمه خطبه ۲۰۹ ..... ۲۰۰
- اشاره ..... ۲۰۰
- ۱ روش استفاده از دنیا ..... ۲۰۰
- ۲ برخورد با تفکر ترک دنیا ..... ۲۰۰
- ترجمه خطبه ۲۱۰ ..... ۲۰۰
- اشاره ..... ۲۰۰
- ۱ اقسام احادیث رواج یافته ..... ۲۰۰
- ۲ اقسام راویان حدیث ..... ۲۰۰
- اشاره ..... ۲۰۰
- اول- منافقان نفوذی ..... ۲۰۰
- دوم- اشتباه کار ..... ۲۰۱

- ۲۰۱ ..... سۆم- ناآگاهانی که حدیث شناس نیستند
- ۲۰۱ ..... چهارم- حافظان راست گفتار
- ۲۰۱ ..... ۳ اقسام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۰۱ ..... ترجمه خطبه ۲۱۱
- ۲۰۱ ..... شگفتی آفرینش پدیده‌ها
- ۲۰۱ ..... ترجمه خطبه ۲۱۲
- ۲۰۱ ..... بسیج مردم برای جنگ با شامیان
- ۲۰۱ ..... ترجمه خطبه ۲۱۳
- ۲۰۱ ..... ۱ خدا شناسی
- ۲۰۲ ..... ۲ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۰۲ ..... ترجمه خطبه ۲۱۴
- ۲۰۲ ..... ۱ پیامبر شناسی
- ۲۰۲ ..... ۲ ارزش دانشمندان الهی
- ۲۰۲ ..... ۳ پندهای جاودانه
- ۲۰۲ ..... ترجمه دعا ۲۱۵
- ۲۰۲ ..... اشاره
- ۲۰۲ ..... ستایش و نیایش
- ۲۰۲ ..... ترجمه خطبه ۲۱۶
- ۲۰۲ ..... اشاره
- ۲۰۲ ..... ۱ حقوق اجتماعی
- ۲۰۲ ..... ۲ حقوق متقابل رهبری و مردم
- ۲۰۳ ..... ۳ روابط سالم و متقابل رهبر و مردم
- ۲۰۳ ..... ترجمه خطبه ۲۱۷
- ۲۰۳ ..... شکوه از قریش

- ۲۰۳ ..... ترجمه خطبه ۲۱۸
- ۲۰۳ ..... اشاره
- ۲۰۳ ..... افشای خیانت ناکثان
- ۲۰۳ ..... ترجمه خطبه ۲۱۹
- ۲۰۳ ..... اشاره
- ۲۰۳ ..... تأسف بر کشتگان جمل
- ۲۰۳ ..... ترجمه خطبه ۲۲۰
- ۲۰۳ ..... پوینده راه خدا
- ۲۰۴ ..... ترجمه خطبه ۲۲۱
- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۴ ..... ۱ هشدار از غفلت زدگی‌ها
- ۲۰۴ ..... ۲ شرح حالات رفتگان
- ۲۰۴ ..... ۳ پیام مردگان!
- ۲۰۴ ..... ۴ عبرت از گذشتگان
- ۲۰۵ ..... ۵ سختی‌های لحظه مرگ
- ۲۰۵ ..... ترجمه خطبه ۲۲۲
- ۲۰۵ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... ۱ ارزش یاد خدا
- ۲۰۵ ..... ۲ صفات یاد آوران (اهل ذکر)
- ۲۰۵ ..... ترجمه خطبه ۲۲۳
- ۲۰۵ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... ۱ هشدار از غرور زدگی‌ها
- ۲۰۵ ..... ۲ چگونه بودن
- ۲۰۶ ..... ۳ دنیا شناسی

- ۴ انسان و رستاخیز ..... ۲۰۶
- ترجمه خطبه ۲۲۴ ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
- ۱ پرهیز از ستمکاری ..... ۲۰۶
- ۲ پرهیز از امتیاز خواهی ..... ۲۰۶
- ترجمه خطبه ۲۲۵ ..... ۲۰۶
- یاری خواستن از خدا در مشکلات اقتصادی ..... ۲۰۶
- ترجمه خطبه ۲۲۶ ..... ۲۰۶
- ۱ دنیا شناسی ..... ۲۰۶
- ۲ عبرت گرفتن از دنیا ..... ۲۰۷
- ترجمه خطبه ۲۲۷ ..... ۲۰۷
- یکی از دعا‌های امام علیه السلام ..... ۲۰۷
- ترجمه خطبه ۲۲۸ ..... ۲۰۷
- اشاره ..... ۲۰۷
- ویژگی‌های سلمان فارسی ..... ۲۰۷
- ترجمه خطبه ۲۲۹ ..... ۲۰۷
- اشاره ..... ۲۰۷
- ویژگی‌های بیعت مردم با امام ..... ۲۰۷
- ترجمه خطبه ۲۳۰ ..... ۲۰۷
- ۱ پرهیزکاری و عمل ..... ۲۰۷
- ۲ ضرورت یاد مرگ ..... ۲۰۷
- ۳ سفارش به نیکوکاری ..... ۲۰۸
- ۴ دنیا و زاهدان ..... ۲۰۸
- ترجمه خطبه ۲۳۱ ..... ۲۰۸

- ۲۰۸ ..... اشاره
- ۲۰۸ ..... ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۰۸ ..... ترجمه خطبه ۲۳۲
- ۲۰۸ ..... اشاره
- ۲۰۸ ..... احتیاط در مصرف بیت المال
- ۲۰۸ ..... ترجمه خطبه ۲۳۳
- ۲۰۸ ..... اشاره
- ۲۰۸ ..... ۱ فصاحت و بلاغت اهل بیت علیهم السلام
- ۲۰۸ ..... ۲ علل سقوط جامعه انسانی
- ۲۰۸ ..... ترجمه خطبه ۲۳۴
- ۲۰۸ ..... اشاره
- ۲۰۸ ..... علل تفاوت‌ها میان انسان‌ها
- ۲۰۸ ..... ترجمه خطبه ۲۳۵
- ۲۰۹ ..... اشاره
- ۲۰۹ ..... در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۰۹ ..... ترجمه خطبه ۲۳۶
- ۲۰۹ ..... اشاره
- ۲۰۹ ..... یاد مشکلات هجرت
- ۲۰۹ ..... ترجمه خطبه ۲۳۷
- ۲۰۹ ..... سفارش به نیکوکاری
- ۲۰۹ ..... ترجمه خطبه ۲۳۸
- ۲۰۹ ..... اشاره
- ۲۰۹ ..... ۱ وصف شامیان
- ۲۰۹ ..... ۲ نکوهش از انتخاب حکم

۲۰۹	ترجمه خطبه ۲۳۹
۲۰۹	اشاره
۲۰۹	فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۱۰	ترجمه خطبه ۲۴۰
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	نکوهش از موضع گیری‌های ناروای عثمان
۲۱۰	ترجمه خطبه ۲۴۱
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	تشویق برای جهاد
۲۱۰	نامه‌ها
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	ترجمه نامه ۱
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	افشای سران ناکثین
۲۱۰	ترجمه نامه ۲
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	تشکر از مجاهدان از جنگ بر گشته
۲۱۱	ترجمه نامه ۳
۲۱۱	اشاره
۲۱۱	۱ برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران
۲۱۱	۲ هشدار از بی اعتنایی دنیای حرام
۲۱۱	۳ عبرت از گذشتگان
۲۱۱	ترجمه نامه ۴
۲۱۱	اشاره

۲۱۱	.....	روش گزینش نیروهای عمل کننده
۲۱۱	.....	ترجمه نامه ۵
۲۱۱	.....	اشاره
۲۱۱	.....	هشدار از استفاده ناروای بیت المال
۲۱۱	.....	ترجمه نامه ۶
۲۱۱	.....	اشاره
۲۱۱	.....	علل مشروعیت حکومت امام علیه السلام
۲۱۲	.....	ترجمه نامه ۷
۲۱۲	.....	اشاره
۲۱۲	.....	افشای چهره نفاق معاویه و مشروعیت بیعت
۲۱۲	.....	ترجمه نامه ۸
۲۱۲	.....	اشاره
۲۱۲	.....	وادار ساختن معاویه به بیعت
۲۱۲	.....	ترجمه نامه ۹
۲۱۲	.....	اشاره
۲۱۲	.....	۱ افشای دشمنی‌های قریش و استقامت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۱۲	.....	۲ افشای ادعای دروغین معاویه در خونخواهی عثمان
۲۱۲	.....	ترجمه نامه ۱۰
۲۱۲	.....	اشاره
۲۱۲	.....	۱ افشای چهره معاویه
۲۱۳	.....	۲ پاسخ به تهدید نظامی
۲۱۳	.....	۳ پاسخ به خونخواهی دروغین معاویه
۲۱۳	.....	ترجمه نامه ۱۱
۲۱۳	.....	اشاره



- آموزش نظامی به لشکریان ..... ۲۱۳
- ترجمه نامه ۱۲ ..... ۲۱۳
- اشاره ..... ۲۱۳
- احتیاطهای نظامی نسبت به سربازان پیش تاز ..... ۲۱۳
- ترجمه نامه ۱۳ ..... ۲۱۳
- اشاره ..... ۲۱۳
- رعایت سلسله مراتب فرماندهی ..... ۲۱۳
- ترجمه نامه ۱۴ ..... ۲۱۴
- اشاره ..... ۲۱۴
- رعایت اصول انسانی در جنگ ..... ۲۱۴
- ترجمه نامه ۱۵ ..... ۲۱۴
- اشاره ..... ۲۱۴
- نیایش در جنگ ..... ۲۱۴
- ترجمه نامه ۱۶ ..... ۲۱۴
- اشاره ..... ۲۱۴
- آموزش تاکتیک‌های نظامی ..... ۲۱۴
- ترجمه نامه ۱۷ ..... ۲۱۴
- اشاره ..... ۲۱۴
- ۱ افشای چهره بنی امیه و فضائل اهل بیت علیهم السلام ..... ۲۱۴
- ۲ فضائل عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۲۱۴
- ترجمه نامه ۱۸ ..... ۲۱۴
- اشاره ..... ۲۱۴
- روش برخورد با مردم، (اخلاق اجتماعی) ..... ۲۱۵
- ترجمه نامه ۱۹ ..... ۲۱۵

۲۱۵	ترجمه نامه ۲۰
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	هشدار از خیانت به بیت المال
۲۱۵	ترجمه نامه ۲۱
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	سفارش به میانه روی
۲۱۵	ترجمه نامه ۲۲
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	سفارش به آخرت گرایی
۲۱۵	ترجمه نامه ۲۳
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	پندهای جاودانه
۲۱۶	ترجمه نامه ۲۴
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	۱ وصیت اقتصادی نسبت به اموال شخصی
۲۱۶	۲ ضرورت حفظ اموال
۲۱۶	ترجمه نامه ۲۵
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	۱ اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی
۲۱۶	۲ حمایت از حقوق حیوانات
۲۱۶	ترجمه نامه ۲۶
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	۱ اخلاق کارگزاران مالیاتی
۲۱۷	۲ امانت داری

۲۱۷	ترجمه نامه ۲۷
۲۱۷	اشاره
۲۱۷	۱ اخلاق اجتماعی
۲۱۷	۲ اعتدال گرایی زاهدان
۲۱۷	۳ ضرورت یاد مرگ
۲۱۷	ترجمه نامه ۲۸
۲۱۷	اشاره
۲۱۷	۱ افشای ادعاهای دروغین معاویه
۲۱۸	۲ فضائل بنی هاشم
۲۱۸	۳ فضائل بنی هاشم و رسوایی بنی امیه:
۲۱۸	۴ مظلومیت امام علیه السلام
۲۱۸	۵ پاسخ به تهدید نظامی
۲۱۹	ترجمه نامه ۲۹
۲۱۹	اشاره
۲۱۹	هشدار به مردم بصره
۲۱۹	ترجمه نامه ۳۰
۲۱۹	اشاره
۲۱۹	پند و هشدار به معاویه
۲۱۹	ترجمه نامه ۳۱
۲۱۹	اشاره
۲۱۹	۱ انسان و حوادث روزگار
۲۱۹	۲ مراحل خودسازی
۲۱۹	۳ اخلاق اجتماعی
۲۲۰	۴ شتاب در تربیت فرزند

۲۲۰	.....	۵ روش تربیت فرزند
۲۲۰	.....	۶ ضرورت توجه به معنویات
۲۲۰	.....	۷ ضرورت آخرت گرایی
۲۲۰	.....	۸ معیارهای روابط اجتماعی
۲۲۱	.....	۹ تلاش در جمع آوری زاد و توشه
۲۲۱	.....	۱۰ نشانه‌های رحمت الهی
۲۲۱	.....	۱۱ شرائط اجابت دعا
۲۲۱	.....	۱۲ ضرورت یاد مرگ
۲۲۱	.....	۱۳ شناخت دنیا پرستان
۲۲۱	.....	۱۴ ضرورت واقع نگری در زندگی (ارزش‌های گوناگون اخلاقی)
۲۲۲	.....	۱۵ حقوق دوستان
۲۲۲	.....	۱۶ ارزشهای اخلاقی
۲۲۲	.....	۱۷ جایگاه زن و فرهنگ پرهیز
۲۲۲	.....	ترجمه نامه ۳۲
۲۲۲	.....	اشاره
۲۲۳	.....	افشای سیاست استحماری معاویه
۲۲۳	.....	ترجمه نامه ۳۳
۲۲۳	.....	اشاره
۲۲۳	.....	هشدار از تبلیغات دروغین یاران معاویه در مراسم حج
۲۲۳	.....	ترجمه نامه ۳۴
۲۲۳	.....	اشاره
۲۲۳	.....	روش دلجویی از فرمانداری معزول
۲۲۳	.....	ترجمه نامه ۳۵
۲۲۳	.....	اشاره

- ۲۲۳ ..... علل سقوط مصر
- ۲۲۳ ..... ترجمه نامه ۳۶
- ۲۲۳ ..... اشاره
- ۲۲۳ ..... ۱ آمادگی رزمی امام علیه السلام
- ۲۲۴ ..... ترجمه نامه ۳۷
- ۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۴ ..... افشای ادعای دروغین معاویه
- ۲۲۴ ..... ترجمه نامه ۳۸
- ۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۴ ..... ویژگی‌های بی مانند مالک اشتر
- ۲۲۴ ..... ترجمه نامه ۳۹
- ۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۴ ..... افشای بردگی عمرو عاص
- ۲۲۴ ..... ترجمه نامه ۴۰
- ۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۴ ..... نکوهش یک کارگزار
- ۲۲۴ ..... ترجمه نامه ۴۱
- ۲۲۵ ..... اشاره
- ۲۲۵ ..... ۱ علل نکوهش یک کارگزار خیانتکار
- ۲۲۵ ..... ۲ نکوهش از سوء استفاده در بیت المال
- ۲۲۵ ..... ۳ برخورد قاطع با خیانتکار
- ۲۲۵ ..... ترجمه نامه ۴۲
- ۲۲۵ ..... اشاره
- ۲۲۵ ..... روش دلجویی در عزل و نصب‌ها

- ترجمه نامه ۴۳ ..... ۲۲۵
- اشاره ..... ۲۲۵
- سخت گیری در مصرف بیت المال ..... ۲۲۵
- ترجمه نامه ۴۴ ..... ۲۲۵
- اشاره ..... ۲۲۵
- افشای توطئه معاویه نسبت به زیاد ..... ۲۲۵
- ترجمه نامه ۴۵ ..... ۲۲۶
- اشاره ..... ۲۲۶
- ۱ ضرورت ساده زیستی کارگزاران ..... ۲۲۶
- ۲ امام الگوی ساده زیستی ..... ۲۲۶
- ۳ امام و دنیای دنیا پرستان ..... ۲۲۶
- ترجمه نامه ۴۶ ..... ۲۲۷
- اشاره ..... ۲۲۷
- مسئولیت فرمانداری و اخلاق اجتماعی ..... ۲۲۷
- ترجمه نامه ۴۷ ..... ۲۲۷
- اشاره ..... ۲۲۷
- ۱ پندهای جاودانه ..... ۲۲۷
- ۲ سفارش به رعایت مقررات عدالت در قصاص ..... ۲۲۷
- ترجمه نامه ۴۸ ..... ۲۲۷
- اشاره ..... ۲۲۷
- اندرز دادن دشمن ..... ۲۲۷
- ترجمه نامه ۴۹ ..... ۲۲۷
- اشاره ..... ۲۲۷
- هشدار به معاویه از دنیا پرستی ..... ۲۲۷

- ۲۲۸ ..... ترجمه نامه ۵۰
- ۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... ۱ پرهیز از غرور زدگی در نعمت‌ها
- ۲۲۸ ..... ۲ مسئولیت‌های رهبری و نظامیان
- ۲۲۸ ..... ترجمه نامه ۵۱
- ۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی
- ۲۲۸ ..... ترجمه نامه ۵۲
- ۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... وقت‌های نماز پنجگانه
- ۲۲۸ ..... ترجمه نامه ۵۳
- ۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۲۹ ..... ۱ ضرورت خود سازی
- ۲۲۹ ..... ۲ اخلاق رهبری (روش برخورد با مردم)
- ۲۲۹ ..... ۳ پرهیز از غرور و خود پسندی
- ۲۲۹ ..... ۴ مردم گرایی، حق گرایی
- ۲۲۹ ..... ۵ ضرورت راز داری
- ۲۲۹ ..... ۶ جایگاه صحیح مشورت
- ۲۳۰ ..... ۷ اصول روابط اجتماعی رهبران
- ۲۳۰ ..... ۸ شناخت اقشار گوناگون اجتماعی
- ۲۳۰ ..... اشاره
- ۲۳۰ ..... اول سیمای نظامیان
- ۲۳۰ ..... دوم سیمای قضات و داوران
- ۲۳۱ ..... سوم سیمای کارگزاران دولتی

- ۲۳۱ ..... چهارم سیمای مالیات دهندگان
- ۲۳۱ ..... پنجم سیمای نویسندگان و منشیان
- ۲۳۱ ..... ششم سیمای بازرگانان و صاحبان صنایع
- ۲۳۱ ..... هفتم سیمای محرومان و مستضعفان
- ۲۳۲ ..... ۹ اخلاق اختصاصی رهبری
- ۲۳۲ ..... ۱۰ اخلاق رهبری با خویشاوندان
- ۲۳۲ ..... ۱۲ هشدارها
- ۲۳۲ ..... اول- هشدار از خون ناحق
- ۲۳۳ ..... دوم- هشدار از خود پسندی
- ۲۳۳ ..... سوم- هشدار از متّ گذاری
- ۲۳۳ ..... چهارم- هشدار از شتابزدگی
- ۲۳۳ ..... پنجم هشدار از امتیاز خواهی
- ۲۳۳ ..... ترجمه نامه ۵۴
- ۲۳۳ ..... اشاره
- ۲۳۳ ..... پاسخ به ادّعاهای سران جمل
- ۲۳۳ ..... ترجمه نامه ۵۵
- ۲۳۳ ..... اشاره
- ۲۳۳ ..... اندرز دادن به دشمن
- ۲۳۴ ..... ترجمه نامه ۵۶
- ۲۳۴ ..... اشاره
- ۲۳۴ ..... اخلاق فرماندهی
- ۲۳۴ ..... ترجمه نامه ۵۷
- ۲۳۴ ..... اشاره
- ۲۳۴ ..... روش بسیج کردن مردم برای جهاد



۲۳۴	ترجمه نامه ۵۸
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	افشای حوادث جنگ صفین
۲۳۴	ترجمه نامه ۵۹
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	مسئولیت‌های فرماندهی
۲۳۴	ترجمه نامه ۶۰
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	جبران خسارتها در مانورهای نظامی
۲۳۵	ترجمه نامه ۶۱
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	نکوهش از فرمانده شکست خورده
۲۳۵	ترجمه نامه ۶۲
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	۱ مظلومیت امام در خلافت
۲۳۵	ترجمه نامه ۶۳
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	باز داشتن ابو موسی از فتنه انگیزی
۲۳۶	ترجمه نامه ۶۴
۲۳۶	اشاره
۲۳۶	۱ پاسخ تهدیدات نظامی معاویه
۲۳۶	۲ یاد آوری سوابق نظامی در پیروزیها
۲۳۶	ترجمه نامه ۶۵
۲۳۶	اشاره

- ۲۳۶ ..... ۱ افشای علل گمراهی معاویه
- ۲۳۶ ..... ۲ پاسخ به ادعاهای دروغین معاویه
- ۲۳۶ ..... ترجمه نامه ۶۶
- ۲۳۶ ..... اشاره
- ۲۳۶ ..... ضرورت واقع بینی
- ۲۳۷ ..... ترجمه نامه ۶۷
- ۲۳۷ ..... اشاره
- ۲۳۷ ..... ۱ رسیدگی به امور حاجیان در مراسم حج
- ۲۳۷ ..... ۲ سفارش به رفع نیازهای حجاج
- ۲۳۷ ..... ترجمه نامه ۶۸
- ۲۳۷ ..... اشاره
- ۲۳۷ ..... روش برخورد با دنیا
- ۲۳۷ ..... ترجمه نامه ۶۹
- ۲۳۷ ..... اشاره
- ۲۳۷ ..... ۱ اخلاق کارگزاران حکومتی
- ۲۳۷ ..... ۲ اوصاف مؤمنان
- ۲۳۸ ..... ۳ روش به کار گیری نفس در خوبی‌ها
- ۲۳۸ ..... ترجمه نامه ۷۰
- ۲۳۸ ..... اشاره
- ۲۳۸ ..... روش برخورد با پدیده فرار
- ۲۳۸ ..... ترجمه نامه ۷۱
- ۲۳۸ ..... اشاره
- ۲۳۸ ..... سرزنش از خیانت اقتصادی
- ۲۳۸ ..... ترجمه نامه ۷۲

۲۳۸	.....	اشاره
۲۳۸	.....	انسان و مقدرات الهی
۲۳۸	.....	ترجمه نامه ۷۳
۲۳۸	.....	اشاره
۲۳۸	.....	افشای سیمای دروغین معاویه
۲۳۹	.....	ترجمه نامه ۷۴
۲۳۹	.....	اشاره
۲۳۹	.....	مبانی صلح و سازش مسلمین
۲۳۹	.....	ترجمه نامه ۷۵
۲۳۹	.....	اشاره
۲۳۹	.....	فرمان اطاعت به معاویه
۲۳۹	.....	ترجمه نامه ۷۶
۲۳۹	.....	اشاره
۲۳۹	.....	اخلاق فرماندهی
۲۳۹	.....	ترجمه نامه ۷۷
۲۳۹	.....	اشاره
۲۳۹	.....	روش مناظره با دشمن مسلمان
۲۳۹	.....	ترجمه نامه ۷۸
۲۳۹	.....	اشاره
۲۳۹	.....	۱ علل سقوط جامعه
۲۳۹	.....	۲ تلاش امام در تحقق وحدت
۲۳۹	.....	ترجمه نامه ۷۹
۲۳۹	.....	اشاره
۲۴۰	.....	علل نابودی ملت‌ها

۲۴۰	.....	حکمت‌ها
۲۴۰	.....	اشاره
۲۴۰	.....	حکمت ۱
۲۴۰	.....	روش برخورد با فتنه‌ها
۲۴۰	.....	حکمت ۲
۲۴۰	.....	شناخت ضد ارزش‌ها
۲۴۰	.....	حکمت ۳
۲۴۰	.....	شناخت ضد ارزش‌ها
۲۴۰	.....	حکمت ۴
۲۴۰	.....	ارزش‌های اخلاقی و ضد ارزش‌ها
۲۴۰	.....	حکمت ۵
۲۴۰	.....	شناخت ارزش‌های اخلاقی
۲۴۰	.....	حکمت ۶
۲۴۰	.....	ارزش راز داری و خوشرویی
۲۴۰	.....	حکمت ۷
۲۴۰	.....	ایثار اقتصادی و آخرت گرایی
۲۴۰	.....	حکمت ۸
۲۴۰	.....	شگفتی‌های تن آدمی
۲۴۰	.....	حکمت ۹
۲۴۰	.....	شناخت ره‌آورد اقبال و ادبار دنیا
۲۴۰	.....	حکمت ۱۰
۲۴۰	.....	روش زندگی با مردم
۲۴۱	.....	حکمت ۱۱
۲۴۱	.....	روش برخورد با دشمن

۲۴۱	.....	حکمت ۱۲
۲۴۱	.....	آیین دوست یابی
۲۴۱	.....	حکمت ۱۳
۲۴۱	.....	روش استفاده از نعمت‌ها
۲۴۱	.....	حکمت ۱۴
۲۴۱	.....	روش برخورد با خویشاوندان
۲۴۱	.....	حکمت ۱۵
۲۴۱	.....	روش برخورد با فریب خورده‌گان
۲۴۱	.....	حکمت ۱۶
۲۴۱	.....	شناخت جایگاه جبر و اختیار
۲۴۱	.....	حکمت ۱۷
۲۴۱	.....	ضرورت رنگ کردن موها
۲۴۱	.....	حکمت ۱۸
۲۴۱	.....	ره آورد شوم فرار از جنگ
۲۴۱	.....	حکمت ۱۹
۲۴۱	.....	ره آورد شوم هواپرستی
۲۴۱	.....	حکمت ۲۰
۲۴۱	.....	روش برخورد با جوانمردان
۲۴۱	.....	حکمت ۲۱
۲۴۱	.....	ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها
۲۴۱	.....	حکمت ۲۲
۲۴۱	.....	روش گرفتن حق
۲۴۲	.....	حکمت ۲۳
۲۴۲	.....	ضرورت عمل گرایی

۲۴۲	.....	حکمت ۲۴
۲۴۲	.....	روش یاری کردن مردم
۲۴۲	.....	حکمت ۲۵
۲۴۲	.....	ترس از خدا در فزونی نعمت‌ها
۲۴۲	.....	حکمت ۲۶
۲۴۲	.....	رفتار شناسی (و نقش روحیات در تن آدمی)
۲۴۲	.....	حکمت ۲۷
۲۴۲	.....	روش درمان دردها
۲۴۲	.....	حکمت ۲۸
۲۴۲	.....	برترین پارسایی
۲۴۲	.....	حکمت ۲۹
۲۴۲	.....	ضرورت یاد مرگ
۲۴۲	.....	حکمت ۳۰
۲۴۲	.....	پرهیز از غفلت زدگی
۲۴۲	.....	حکمت ۳۱
۲۴۲	.....	اشاره
۲۴۲	.....	۱- شناخت پایه‌های ایمان:
۲۴۳	.....	۲- شناخت اقسام کفر و تردید:
۲۴۳	.....	حکمت ۳۲
۲۴۳	.....	ارزش و والایی انجام دهنده کارهای خیر
۲۴۳	.....	حکمت ۳۳
۲۴۳	.....	اعتدال در بخشش و حسابرسی
۲۴۳	.....	حکمت ۳۴
۲۴۳	.....	راه بی‌نیازی

۲۴۳	.....	حکمت ۳۵
۲۴۳	.....	ضرورت موقعیت شناسی
۲۴۳	.....	حکمت ۳۶
۲۴۳	.....	آرزوهای طولانی و بزهکاری
۲۴۳	.....	حکمت ۳۷
۲۴۳	.....	ضرورت ترک آداب جاهلی
۲۴۳	.....	حکمت ۳۸
۲۴۳	.....	ارزش‌ها و آداب معاشرت با مردم
۲۴۳	.....	اشاره
۲۴۳	.....	الف- خوبی‌ها
۲۴۳	.....	ب- هشدارها
۲۴۴	.....	حکمت ۳۹
۲۴۴	.....	جایگاه واجبات و مستحبات
۲۴۴	.....	حکمت ۴۰
۲۴۴	.....	راه شناخت عاقل و احمق
۲۴۴	.....	حکمت ۴۱
۲۴۴	.....	راه شناخت عاقل و احمق
۲۴۴	.....	حکمت ۴۲
۲۴۴	.....	بیماری و پاک شدن گناهان
۲۴۴	.....	حکمت ۴۳
۲۴۴	.....	الگوهای انسانی (فضائل اخلاقی یکی از یاران)
۲۴۴	.....	حکمت ۴۴
۲۴۴	.....	ارزش آخرت گرایی
۲۴۴	.....	حکمت ۴۶

۲۴۴	ارزش پشیمانی و زشتی غرور زدگی
۲۴۴	حکمت ۴۷
۲۴۴	شناخت ارزش‌ها
۲۴۴	حکمت ۴۸
۲۴۴	راز داری و پیروزی
۲۴۵	حکمت ۴۹
۲۴۵	شناخت بزرگواری و پست فطرت
۲۴۵	حکمت ۵۰
۲۴۵	راه جذب دلها
۲۴۵	حکمت ۵۱
۲۴۵	قدرت و عیب پوشی
۲۴۵	حکمت ۵۲
۲۴۵	روش برخورد با شکست خوردگان
۲۴۵	حکمت ۵۳
۲۴۵	شناخت جایگاه سخاوت و ایثارگری
۲۴۵	حکمت ۵۴
۲۴۵	ارزش‌های اخلاقی
۲۴۵	حکمت ۵۵
۲۴۵	اقسام بردباری
۲۴۵	حکمت ۵۶
۲۴۵	تهیدستی و تنهایی
۲۴۵	حکمت ۵۷
۲۴۵	ارزش قناعت و خود کفایی
۲۴۵	حکمت ۵۸



۲۴۵	توانگری و شهوت‌ها
۲۴۵	حکمت ۵۹
۲۴۵	ارزش تذکر دادن اشتباهات
۲۴۵	حکمت ۶۰
۲۴۵	ضرورت کنترل زبان
۲۴۶	حکمت ۶۱
۲۴۶	شیرینی آزار زن
۲۴۶	حکمت ۶۲
۲۴۶	روش پاسخ دادن به ستایش‌ها و نیکی‌ها
۲۴۶	حکمت ۶۳
۲۴۶	ارزش شفاعت
۲۴۶	حکمت ۶۴
۲۴۶	غفلت دنیا پرستان
۲۴۶	حکمت ۶۵
۲۴۶	ترک دوستان و تنهایی
۲۴۶	حکمت ۶۶
۲۴۶	روش خواستن
۲۴۶	حکمت ۶۷
۲۴۶	ارزش اینثار اقتصادی
۲۴۶	حکمت ۶۸
۲۴۶	ره آورد عفت و شکرگذاری
۲۴۶	حکمت ۶۹
۲۴۶	حفظ روح امیدواری
۲۴۶	حکمت ۷۰

۲۴۶	روانشناسی جاهل
۲۴۶	حکمت ۷۱
۲۴۶	نشانه کمال عقل
۲۴۶	حکمت ۷۲
۲۴۶	رابطه دنیا و انسان
۲۴۶	حکمت ۷۳
۲۴۶	ضرورت خودسازی رهبران و مدیران
۲۴۶	حکمت ۷۴
۲۴۷	ضرورت یاد مرگ
۲۴۷	حکمت ۷۵
۲۴۷	توجه به فنا پذیری دنیا
۲۴۷	حکمت ۷۶
۲۴۷	روش تحلیل رویدادها (روش تجربی)
۲۴۷	حکمت ۷۷
۲۴۷	دنیا شناسی (امام و ترک دنیای حرام)
۲۴۷	حکمت ۷۸
۲۴۷	شناخت جایگاه جبر و اختیار
۲۴۷	حکمت ۷۹
۲۴۷	ارزش حکمت و بی‌لیاقتی منافق
۲۴۷	حکمت ۸۰
۲۴۷	مؤمن و ارزش حکمت
۲۴۷	حکمت ۸۱
۲۴۷	میزان ارزش انسان‌ها (ارزش تخصص و تجربه)
۲۴۷	حکمت ۸۲

۲۴۷	ارزش‌های والای انسانی
۲۴۷	حکمت ۸۳
۲۴۷	روش برخورد با چاپلوسان
۲۴۸	حکمت ۸۴
۲۴۸	مردم پس از جنگها
۲۴۸	حکمت ۸۵
۲۴۸	پرهیز از ادعاهای علمی
۲۴۸	حکمت ۸۶
۲۴۸	برتری تجربه پیرامون از قدرتمندی جوانان
۲۴۸	حکمت ۸۷
۲۴۸	ارزش استغفار (طلب بخشش از خدا)
۲۴۸	حکمت ۸۸
۲۴۸	دو عامل ایمنی مسلمین
۲۴۸	حکمت ۸۹
۲۴۸	راه اصلاح دنیا و آخرت
۲۴۸	حکمت ۹۰
۲۴۸	شناخت عالم آگاه
۲۴۸	حکمت ۹۱
۲۴۸	راه درمان روان (روانکاوی، روانشناسی بالینی)
۲۴۸	حکمت ۹۲
۲۴۸	والاترین دانش
۲۴۸	حکمت ۹۳
۲۴۸	فلسفه آزمایشها
۲۴۹	حکمت ۹۴

۲۴۹	شناخت نیکی‌ها و خوبیها
۲۴۹	حکمت ۹۵
۲۴۹	تقوی و ارزش اعمال
۲۴۹	حکمت ۹۶
۲۴۹	ارزش علم و بندگی
۲۴۹	حکمت ۹۷
۲۴۹	ارزش یقین
۲۴۹	حکمت ۹۸
۲۴۹	ضرورت عمل کردن به روایات
۲۴۹	حکمت ۹۹
۲۴۹	تفسیر الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا
۲۴۹	حکمت ۱۰۰
۲۴۹	روش مناجات کردن
۲۴۹	حکمت ۱۰۱
۲۴۹	روش بر طرف کردن نیازهای مردم
۲۴۹	حکمت ۱۰۲
۲۴۹	آینده و مسخ ارزش‌ها
۲۴۹	حکمت ۱۰۳
۲۴۹	روش برخورد با دنیا
۲۵۰	حکمت ۱۰۴
۲۵۰	۱- وصف زاهدان
۲۵۰	۲- ارزش سحرخیزی
۲۵۰	حکمت ۱۰۵
۲۵۰	احترام گذاشتن به مرزها و حدود احکام الهی

۲۵۰	.....	حکمت ۱۰۶
۲۵۰	.....	ره آورد شوم دین گریزی
۲۵۰	.....	حکمت ۱۰۷
۲۵۰	.....	علل سقوط عالمان بی عمل
۲۵۰	.....	حکمت ۱۰۸
۲۵۰	.....	شگفتی‌های روح آدمی
۲۵۰	.....	حکمت ۱۰۹
۲۵۰	.....	ارزش والای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۵۰	.....	حکمت ۱۱۰
۲۵۰	.....	شرائط تحقق اوامر الهی
۲۵۰	.....	حکمت ۱۱۱
۲۵۰	.....	عشق تحمل ناشدنی امام علی علیه السلام
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۲
۲۵۱	.....	مشکلات شیعه بودن!!
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۳
۲۵۱	.....	ارزش‌های والای اخلاقی
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۴
۲۵۱	.....	جایگاه خوشبینی و بد بینی در جامعه
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۵
۲۵۱	.....	توجه به پایان پذیری دنیا
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۶
۲۵۱	.....	انسان و انواع آزمایش‌ها
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۷
۲۵۱	.....	پرهیز از افراط و تفریط در دوستی با امام علیه السلام

۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۸
۲۵۱	.....	استفاده از فرصت‌ها
۲۵۱	.....	حکمت ۱۱۹
۲۵۱	.....	ضرورت شناخت دنیا
۲۵۱	.....	حکمت ۱۲۰
۲۵۱	.....	روانشناسی قبائل قریش
۲۵۱	.....	حکمت ۱۲۱
۲۵۱	.....	ارزیابی عمل‌ها
۲۵۱	.....	حکمت ۱۲۲
۲۵۱	.....	عبرت از مرگ یاران
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۳
۲۵۲	.....	الگوهای کامل انسانیت
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۴
۲۵۲	.....	روانشناسی زن و مرد
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۵
۲۵۲	.....	امام و شناساندن اسلام
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۶
۲۵۲	.....	شگفتی ضد ارزش‌ها
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۷
۲۵۲	.....	نکوهش از سستی در عمل
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۸
۲۵۲	.....	تأثیر عوامل زیست محیطی در سلامت
۲۵۲	.....	حکمت ۱۲۹
۲۵۲	.....	شناخت عظمت پروردگار

۲۵۲	.....	حکمت ۱۳۰
۲۵۲	.....	توجه به فنا پذیری دنیا
۲۵۲	.....	حکمت ۱۳۱
۲۵۲	.....	اشاره
۲۵۲	.....	۱- توبیخ نکوهش کننده دنیا:
۲۵۳	.....	۲- خوبها و زیباییهای دنیا:
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۲
۲۵۳	.....	ضرورت یاد مرگ
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۳
۲۵۳	.....	اقسام مردم و دنیا
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۴
۲۵۳	.....	حقوق دوستان
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۵
۲۵۳	.....	چهار ارزش برتر
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۶
۲۵۳	.....	فلسفه احکام الهی
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۷
۲۵۳	.....	صدقه راه نزول روزی
۲۵۳	.....	حکمت ۱۳۸
۲۵۳	.....	نقش یا دانش الهی در انفاق
۲۵۴	.....	حکمت ۱۳۹
۲۵۴	.....	تناسب امداد الهی با نیازها
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۰
۲۵۴	.....	قناعت و بی‌نیازی

۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۱
۲۵۴	.....	راه آسایش
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۲
۲۵۴	.....	دوستی‌ها و خردمندی
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۳
۲۵۴	.....	غمها و پیری زودرس
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۴
۲۵۴	.....	تناسب بردباری با مصیبت‌ها
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۵
۲۵۴	.....	عبادهای بی‌حاصل
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۶
۲۵۴	.....	ارزش دعا، صدقه و زکات دادن
۲۵۴	.....	حکمت ۱۴۷
۲۵۴	.....	اشاره
۲۵۴	.....	۱- اقسام مردم (مردم شناسی)
۲۵۴	.....	۲- ارزش‌های والای دانش
۲۵۴	.....	۳- ارزش دانشمندان
۲۵۴	.....	۴- اقسام دانش پژوهان
۲۵۵	.....	۵- ویژگی‌های رهبران الهی
۲۵۵	.....	حکمت ۱۴۸
۲۵۵	.....	نقش سخن در شناخت انسان (رفتار شناسی)
۲۵۵	.....	حکمت ۱۴۹
۲۵۵	.....	ضرورت خودشناسی
۲۵۵	.....	حکمت ۱۵۰



۲۵۵	ضد ارزش‌ها و هشدارها
۲۵۵	حکمت ۱۵۱
۲۵۵	ضرورت آینده نگری
۲۵۵	حکمت ۱۵۲
۲۵۵	توجه به فنا پذیری
۲۵۵	حکمت ۱۵۳
۲۵۵	صبر و پیروزی
۲۵۶	حکمت ۱۵۴
۲۵۶	اهمیت نیت‌ها
۲۵۶	حکمت ۱۵۵
۲۵۶	ضرورت پایبندی به عهد و پیمان
۲۵۶	حکمت ۱۵۶
۲۵۶	ضرورت خدا شناسی و اطاعت
۲۵۶	حکمت ۱۵۷
۲۵۶	فراهم بودن راه‌های هدایت
۲۵۶	حکمت ۱۵۸
۲۵۶	روش برخورد با دوستان بد
۲۵۶	حکمت ۱۵۹
۲۵۶	پرهیز از مواضع اتهام
۲۵۶	حکمت ۱۶۰
۲۵۶	قدرت و زورگویی
۲۵۶	حکمت ۱۶۱
۲۵۶	ارزش مشورت و پرهیز از خودمحوری
۲۵۶	حکمت ۱۶۲

۲۵۶	.....	ضرورت راز داری
۲۵۶	.....	حکمت ۱۶۳
۲۵۶	.....	فقر و نابودی
۲۵۶	.....	حکمت ۱۶۴
۲۵۶	.....	روش بر خورد با متجاوزان
۲۵۶	.....	حکمت ۱۶۵
۲۵۶	.....	پرهیز از نا فرمانی خدا
۲۵۶	.....	حکمت ۱۶۶
۲۵۶	.....	پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران
۲۵۷	.....	حکمت ۱۶۷
۲۵۷	.....	خود پسندی و محرومیت‌ها
۲۵۷	.....	حکمت ۱۶۸
۲۵۷	.....	توجه به فنا پذیری دنیا
۲۵۷	.....	حکمت ۱۶۹
۲۵۷	.....	آینده نگری
۲۵۷	.....	حکمت ۱۷۰
۲۵۷	.....	ضرورت ترک گناه
۲۵۷	.....	حکمت ۱۷۱
۲۵۷	.....	ره آورد شوم حرام خواری
۲۵۷	.....	حکمت ۱۷۲
۲۵۷	.....	نادانی و دشمنی‌ها
۲۵۷	.....	حکمت ۱۷۳
۲۵۷	.....	ارزش مشورت‌ها
۲۵۷	.....	حکمت ۱۷۴

۲۵۷	ارزش خشم در راه خدا
۲۵۷	حکمت ۱۷۵
۲۵۷	راه درمان ترس
۲۵۷	حکمت ۱۷۶
۲۵۷	ابزار ریاست (بردباری فراوان)
۲۵۷	حکمت ۱۷۷
۲۵۷	روش برخورد با بدان
۲۵۷	حکمت ۱۷۸
۲۵۷	روش نابود کردن بدی‌ها
۲۵۷	حکمت ۱۷۹
۲۵۷	لجاجت و سستی اراده
۲۵۷	حکمت ۱۸۰
۲۵۸	طمع ورزی و بردگی
۲۵۸	حکمت ۱۸۱
۲۵۸	ارزش دوراندیشی و پرهیز از کوتاهی
۲۵۸	حکمت ۱۸۲
۲۵۸	شناخت جایگاه سخن و سکوت
۲۵۸	حکمت ۱۸۳
۲۵۸	باطل گرایی و اختلاف
۲۵۸	حکمت ۱۸۴
۲۵۸	ویژگی‌های اعتقادی امام علیه السلام
۲۵۸	حکمت ۱۸۵
۲۵۸	ویژگی‌های اعتقادی امام علی علیه السلام
۲۵۸	حکمت ۱۸۶

۲۵۸	آینده سخت ستمکاران
۲۵۸	حکمت ۱۸۷
۲۵۸	ضرورت یاد قیامت
۲۵۸	حکمت ۱۸۸
۲۵۸	ضرورت حق گرایی
۲۵۸	حکمت ۱۸۹
۲۵۸	ارزش صبر و خطر بی‌تابی
۲۵۸	حکمت ۱۹۰
۲۵۸	معیار امامت؟
۲۵۸	حکمت ۱۹۱
۲۵۸	مشکلات دنیا
۲۵۹	حکمت ۱۹۲
۲۵۹	پرهیز از زراندوزی
۲۵۹	حکمت ۱۹۳
۲۵۹	راه به کار گرفتن قلب
۲۵۹	حکمت ۱۹۴
۲۵۹	ضرورت پرهیز از خشم و انتقام
۲۵۹	حکمت ۱۹۵
۲۵۹	پرهیز از بخل ورزی
۲۵۹	حکمت ۱۹۶
۲۵۹	عبرت آموزی از اِتلاف اموال
۲۵۹	حکمت ۱۹۷
۲۵۹	روش درمان روح (روانشناسی بالینی)
۲۵۹	حکمت ۱۹۸

۲۵۹	.....	ضرورت حکومت
۲۵۹	.....	حکمت ۱۹۹
۲۵۹	.....	نکوهش اوباش (انسان‌های شرور)
۲۵۹	.....	حکمت ۲۰۰
۲۵۹	.....	نکوهش انسان‌های شرور
۲۵۹	.....	حکمت ۲۰۱
۲۵۹	.....	امدادهای الهی و حفظ انسان
۲۵۹	.....	حکمت ۲۰۲
۲۵۹	.....	واقع‌نگری در مسائل سیاسی
۲۵۹	.....	حکمت ۲۰۳
۲۶۰	.....	یاد مرگ و پرهیزکاری
۲۶۰	.....	حکمت ۲۰۴
۲۶۰	.....	بی‌توجهی به سپاسگذاری مردم
۲۶۰	.....	حکمت ۲۰۵
۲۶۰	.....	گنجایش نامحدود ظرف علم
۲۶۰	.....	حکمت ۲۰۶
۲۶۰	.....	ره آورد حلم و بردباری
۲۶۰	.....	حکمت ۲۰۷
۲۶۰	.....	ارزش همانند شدن با خوبان
۲۶۰	.....	حکمت ۲۰۸
۲۶۰	.....	مراحل خودسازی
۲۶۰	.....	حکمت ۲۰۹
۲۶۰	.....	خبر از ظهور حضرت مهدی علیه السلام
۲۶۰	.....	حکمت ۲۱۰

۲۶۰	الگوهای پرهیزکاری
۲۶۰	حکمت ۲۱۱
۲۶۰	ارزش‌های اخلاقی
۲۶۰	حکمت ۲۱۲
۲۶۰	خودپسندی آفت عقل
۲۶۰	حکمت ۲۱۳
۲۶۰	تحمل مشکلات و خشنودی
۲۶۱	حکمت ۲۱۴
۲۶۱	نرم‌خویی و کامیابی
۲۶۱	حکمت ۲۱۵
۲۶۱	اختلاف آفت اندیشه
۲۶۱	حکمت ۲۱۶
۲۶۱	قدرت و تجاوزکاری
۲۶۱	حکمت ۲۱۷
۲۶۱	دگرگونی روزگار و شناخت انسان‌ها
۲۶۱	حکمت ۲۱۸
۲۶۱	حسادت آفت دوستی
۲۶۱	حکمت ۲۱۹
۲۶۱	آرزوها آفت اندیشه
۲۶۱	حکمت ۲۲۰
۲۶۱	عدالت در قضاوت
۲۶۱	حکمت ۲۲۱
۲۶۱	آینده دردناک ستمکاران
۲۶۱	حکمت ۲۲۲

۲۶۱	بی‌توجهی به بدی بدکاران
۲۶۱	حکمت ۲۲۳
۲۶۱	حیا و عیب پوشی
۲۶۱	حکمت ۲۲۴
۲۶۱	برخی از ارزش‌های اخلاقی
۲۶۱	حکمت ۲۲۵
۲۶۱	حسادت و بیماری
۲۶۱	حکمت ۲۲۶
۲۶۱	طمع‌ورزی و خواری
۲۶۲	حکمت ۲۲۷
۲۶۲	ارکان ایمان
۲۶۲	حکمت ۲۲۸
۲۶۲	ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها
۲۶۲	حکمت ۲۲۹
۲۶۲	ارزش قناعت و خوش خلقی
۲۶۲	حکمت ۲۳۰
۲۶۲	راه به دست آوردن روزی
۲۶۲	حکمت ۲۳۱
۲۶۲	تعریف عدل و احسان
۲۶۲	حکمت ۲۳۲
۲۶۲	ره آورد انفاق
۲۶۲	حکمت ۲۳۳
۲۶۲	پرهیز از آغازگری در مبارزه
۲۶۲	حکمت ۲۳۴

۲۶۲	تفاوت اخلاقی مردان و زنان
۲۶۲	حکمت ۲۳۵
۲۶۲	نشانه خردمندی
۲۶۲	حکمت ۲۳۶
۲۶۲	زشتی دنیای حرام
۲۶۲	حکمت ۲۳۷
۲۶۳	اقسام عبادت
۲۶۳	حکمت ۲۳۸
۲۶۳	مشکلات تشکیل خانواده
۲۶۳	حکمت ۲۳۹
۲۶۳	زشتی سستی و سخن چینی
۲۶۳	حکمت ۲۴۰
۲۶۳	غضب و ویرانی
۲۶۳	حکمت ۲۴۱
۲۶۳	آینده دردناک ستمکاران
۲۶۳	حکمت ۲۴۲
۲۶۳	ارزش ترس از خداوند
۲۶۳	حکمت ۲۴۳
۲۶۳	روش صحیح پاسخگویی
۲۶۳	حکمت ۲۴۴
۲۶۳	مسئولیت نعمت‌های الهی
۲۶۳	حکمت ۲۴۵
۲۶۳	کاستی قدرت و کنترل شهوت
۲۶۳	حکمت ۲۴۶



۲۶۳	هشدار از پشت کردن نعمت‌ها
۲۶۳	حکمت ۲۴۷
۲۶۳	ره‌آورد سخاوت
۲۶۳	حکمت ۲۴۸
۲۶۳	تقویت خوشبینی‌ها
۲۶۴	حکمت ۲۴۹
۲۶۴	بهترین عمل‌ها
۲۶۴	حکمت ۲۵۰
۲۶۴	خداشناسی در حوادث روزگار
۲۶۴	حکمت ۲۵۱
۲۶۴	تلخی‌های و شیرینی‌های دنیا و آخرت
۲۶۴	حکمت ۲۵۲
۲۶۴	فلسفه احکام الهی
۲۶۴	حکمت ۲۵۳
۲۶۴	روش سوگند دادن ستمکار
۲۶۴	حکمت ۲۵۴
۲۶۴	تلاش در انفاقهای اقتصادی
۲۶۴	حکمت ۲۵۵
۲۶۴	تندخویی و جنون
۲۶۴	حکمت ۲۵۶
۲۶۴	حسادت و بیماری
۲۶۴	حکمت ۲۵۷
۲۶۴	راه شاد کردن دیگران (اخلاق خانواده)
۲۶۴	حکمت ۲۵۸

- ۲۶۴ ..... صدقه و توانگری
- ۲۶۵ ..... حکمت ۲۵۹
- ۲۶۵ ..... شناخت جایگاه وفاداری
- ۲۶۵ ..... حکمت ۲۶۰
- ۲۶۵ ..... پرهیز از مهلت دادن‌های خدا
- ۲۶۵ ..... بخش حکمت‌های شگفتی‌آور از سخنان امیر المؤمنین علیه السلام
- ۲۶۵ ..... اشاره
- ۲۶۵ ..... ۱- روایتی از امام
- ۲۶۵ ..... اشاره به ظهور امام زمان علیه السلام
- ۲۶۵ ..... ۲- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۵ ..... سخنوری
- ۲۶۵ ..... ۳- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۵ ..... پرهیز از دشمنی کردن
- ۲۶۵ ..... ۴- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۵ ..... سرپرستی زنان
- ۲۶۵ ..... ۵- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۵ ..... تأثیر ایمان در روح
- ۲۶۵ ..... ۶- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۵ ..... ضرورت پرداخت زکات
- ۲۶۶ ..... ۷- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۶ ..... اشاره
- ۲۶۶ ..... اخلاق نظامی
- ۲۶۶ ..... ۸- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۶ ..... امید به پیروزی

- ۲۶۶ ..... ۹- روایتی دیگر از امام
- ۲۶۶ ..... جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۶۶ ..... ادامه حکمت‌ها
- ۲۶۶ ..... حکمت ۲۶۱
- ۲۶۶ ..... مظلومیت امام علی علیه السلام
- ۲۶۶ ..... حکومت ۲۶۲
- ۲۶۶ ..... مشکل حق ناشناسی
- ۲۶۶ ..... حکمت ۲۶۳
- ۲۶۶ ..... مشکل هم نشینی با قدرتمندان
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۶۴
- ۲۶۷ ..... نیکی به بازماندگان دیگران
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۶۵
- ۲۶۷ ..... گفتار حکیمان و درمان
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۶۶
- ۲۶۷ ..... روش صحیح پاسخ دادن
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۶۷
- ۲۶۷ ..... پرهیز از حرص ورزی در کسب روزی
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۶۸
- ۲۶۷ ..... اعتدال در دوستی‌ها و دشمنی‌ها
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۶۹
- ۲۶۷ ..... روش برخورد با دنیا
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۷۰
- ۲۶۷ ..... ضرورت حفظ اموال کعبه
- ۲۶۷ ..... حکمت ۲۷۱

۲۶۷	..... روش صحیح قضاوت
۲۶۷	..... حکمت ۲۷۲
۲۶۷	..... ضرورت استقامت در برداشتن کجی‌ها
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۳
۲۶۸	..... ضرورت توکل به خداوند
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۴
۲۶۸	..... ضرورت عمل گرایی
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۵
۲۶۸	..... ضد ارزش‌های اخلاقی
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۶
۲۶۸	..... پرهیز از دورویی‌ها
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۷
۲۶۸	..... سوگند امام علیه السلام
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۸
۲۶۸	..... ارزش تداوم عمل
۲۶۸	..... حکمت ۲۷۹
۲۶۸	..... شناخت جایگاه واجبات و مستحبات
۲۶۸	..... حکمت ۲۸۰
۲۶۸	..... یاد قیامت و آمادگی
۲۶۸	..... حکمت ۲۸۱
۲۶۸	..... برتری عقل از مشاهده چشم
۲۶۸	..... حکمت ۲۸۲
۲۶۸	..... غرور، آفت پندپذیری
۲۶۸	..... حکمت ۲۸۳

۲۶۸	.....	علل سقوط جامعه
۲۶۹	.....	حکمت ۲۸۴
۲۶۹	.....	دانش نابود کننده عذرها
۲۶۹	.....	حکمت ۲۸۵
۲۶۹	.....	ضرورت استفاده از فرصت‌ها
۲۶۹	.....	حکمت ۲۸۶
۲۶۹	.....	سرانجام خوشی‌ها
۲۶۹	.....	حکمت ۲۸۷
۲۶۹	.....	مشکل درک قضا و قدر
۲۶۹	.....	حکمت ۲۸۸
۲۶۹	.....	جهل و خواری
۲۶۹	.....	حکمت ۲۸۹
۲۶۹	.....	الگوی کامل انسانیت
۲۶۹	.....	حکمت ۲۹۰
۲۶۹	.....	مسئولیت نعمت‌ها
۲۶۹	.....	حکمت ۲۹۱
۲۶۹	.....	روش تسلیت گفتن
۲۶۹	.....	حکمت ۲۹۲
۲۶۹	.....	عزای پیامبر علیه السلام و بی‌تابی‌ها
۲۶۹	.....	حکمت ۲۹۳
۲۶۹	.....	دوستی با احمق هرگز!!
۲۷۰	.....	حکمت ۲۹۴
۲۷۰	.....	فاصله میان شرق و غرب
۲۷۰	.....	حکمت ۲۹۵

۲۷۰	شناخت دوستان و دشمنان
۲۷۰	حکمت ۲۹۶
۲۷۰	پرهیز از دشمنی‌ها
۲۷۰	حکمت ۲۹۷
۲۷۰	ضرورت عبرت گرفتن
۲۷۰	حکمت ۲۹۸
۲۷۰	اعتدال در دشمنی‌ها
۲۷۰	حکمت ۲۹۹
۲۷۰	نماز در نگرانی‌ها
۲۷۰	حکمت ۳۰۰
۲۷۰	شگفتی روزی بندگان
۲۷۰	حکمت ۳۰۱
۲۷۰	احتیاط در فرستادن بیک‌ها و نامه‌ها
۲۷۰	حکمت ۳۰۲
۲۷۰	نیاز انسان به دعا
۲۷۰	حکمت ۳۰۳
۲۷۰	ارزش دنیا دوستی
۲۷۰	حکمت ۳۰۴
۲۷۰	ضرورت پاسخ دادن به درخواستها
۲۷۰	حکمت ۳۰۵
۲۷۰	غیرتمندی و ترک زنا
۲۷۱	حکمت ۳۰۶
۲۷۱	نگهدارندگی أجل
۲۷۱	حکمت ۳۰۷

- ۲۷۱ ..... مشکل مال غارت شده
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۰۸
- ۲۷۱ ..... ره آورد دوستی پدران
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۰۹
- ۲۷۱ ..... ارزش گمان مؤمن
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۰
- ۲۷۱ ..... ضرورت اطمینان به وعده‌های الهی
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۱
- ۲۷۱ ..... نفرین امام علیه السلام
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۲
- ۲۷۱ ..... روانشناسی عبادات
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۳
- ۲۷۱ ..... جامعیت قرآن
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۴
- ۲۷۱ ..... روش برخورد با متجاوز
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۵
- ۲۷۱ ..... روش نویسندگی
- ۲۷۱ ..... حکمت ۳۱۶
- ۲۷۱ ..... پیشوایی مؤمنان و تبه‌کاران
- ۲۷۲ ..... حکمت ۳۱۷
- ۲۷۲ ..... اختلاف مسلمین و انحراف یهودیان
- ۲۷۲ ..... حکمت ۳۱۸
- ۲۷۲ ..... قاطعیت در مبارزات
- ۲۷۲ ..... حکمت ۳۱۹

۲۷۲	.....	ره‌آورد شوم تهیدستی
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۰
۲۷۲	.....	روش صحیح پرسیدن
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۱
۲۷۲	.....	قاطعیت رهبری در مشورت
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۲
۲۷۲	.....	ضرورت تقویت روحیه مردم پس از جنگ
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۳
۲۷۲	.....	علل انحراف خوارج
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۴
۲۷۲	.....	خداترس در خلوتگاهها
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۵
۲۷۲	.....	اندوه عزای محمد بن ابی بکر
۲۷۲	.....	حکمت ۳۲۶
۲۷۲	.....	مهلت پذیرش توبه
۲۷۳	.....	حکمت ۳۲۷
۲۷۳	.....	پیروزیهای دروغین
۲۷۳	.....	حکمت ۳۲۸
۲۷۳	.....	وظیفه سرمایه‌داران
۲۷۳	.....	حکمت ۳۲۹
۲۷۳	.....	بی‌نیازی از عذر خواهی
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۰
۲۷۳	.....	مسئولیت نعمت‌ها
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۱



۲۷۳	.....	ارزش اطاعت و بندگی
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۲
۲۷۳	.....	مسئولیت رهبری
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۳
۲۷۳	.....	روانشناسی مؤمن
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۴
۲۷۳	.....	یاد مرگ و آرزوها
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۵
۲۷۳	.....	آفات اموال
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۶
۲۷۳	.....	مسئولیت وعده دادن
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۷
۲۷۳	.....	ضرورت عمل گرایبی
۲۷۳	.....	حکمت ۳۳۸
۲۷۳	.....	اقسام علم
۲۷۴	.....	حکمت ۳۳۹
۲۷۴	.....	قدرت و حاکمیت اندیشه
۲۷۴	.....	حکمت ۳۴۰
۲۷۴	.....	ارزش پاکدامنی و شکرگزاری
۲۷۴	.....	حکمت ۳۴۱
۲۷۴	.....	روز دردناک ظالم
۲۷۴	.....	حکمت ۳۴۲
۲۷۴	.....	راه بی‌نیازی
۲۷۴	.....	حکمت ۳۴۳

۲۷۴	شناخت مردم و ضد ارزشها
۲۷۴	حکمت ۳۴۴
۲۷۴	ضرورت توجه به فنا پذیری دنیا
۲۷۴	حکمت ۳۴۵
۲۷۴	یکی از راههای پاک ماندن
۲۷۴	حکمت ۳۴۶
۲۷۴	مشکلات درخواست کردن
۲۷۴	حکمت ۳۴۷
۲۷۴	جایگاه ستایش
۲۷۴	حکمت ۳۴۸
۲۷۴	اشاره
۲۷۴	سخت‌ترین گناه
۲۷۵	حکمت ۳۴۹
۲۷۵	الگوی انسان کامل
۲۷۵	حکمت ۳۵۰
۲۷۵	روانشناسی مردان ستمکار
۲۷۵	حکمت ۳۵۱
۲۷۵	امیدواری در سختی‌ها
۲۷۵	حکمت ۳۵۲
۲۷۵	اعتدال در پرداخت به امور خانواده
۲۷۵	حکمت ۳۵۳
۲۷۵	بزرگترین عیب
۲۷۵	حکمت ۳۵۴
۲۷۵	روش تبریک گفتن در تولد فرزند

۲۷۵	.....	حکمت ۳۵۵
۲۷۵	.....	پرهیز از تجمل گرایی
۲۷۵	.....	حکمت ۳۵۶
۲۷۵	.....	قدرت خداوند در روزی رسانی
۲۷۵	.....	حکمت ۳۵۷
۲۷۵	.....	روش تسلیت گفتن
۲۷۵	.....	حکمت ۳۵۸
۲۷۵	.....	مسئولیت نعمت‌ها
۲۷۶	.....	حکمت ۳۵۹
۲۷۶	.....	راه خودسازی
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۰
۲۷۶	.....	ضرورت پرهیز از بدگمانی
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۱
۲۷۶	.....	روش خواستن از خدا
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۲
۲۷۶	.....	ضرورت پرهیز از جدال و درگیری
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۳
۲۷۶	.....	نشانه بی‌خردی
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۴
۲۷۶	.....	جایگاه پرسیدن
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۵
۲۷۶	.....	ارزش‌های اخلاقی
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۶
۲۷۶	.....	هماهنگی علم و عمل

۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۷
۲۷۶	.....	روش برخورد با دنیا
۲۷۶	.....	حکمت ۳۶۸
۲۷۶	.....	فلسفه کیفر و پاداش
۲۷۷	.....	حکمت ۳۶۹
۲۷۷	.....	خبر از مسخ ارزش‌ها
۲۷۷	.....	حکمت ۳۷۰
۲۷۷	.....	هدفداری انسان و ضرورت تقوا
۲۷۷	.....	حکمت ۳۷۱
۲۷۷	.....	ارزش‌های والای اخلاقی
۲۷۷	.....	حکمت ۳۷۲
۲۷۷	.....	عوامل استحکام دین و دنیا
۲۷۷	.....	حکمت ۳۷۳
۲۷۷	.....	مراحل امر به معروف و نهی از منکر
۲۷۷	.....	حکمت ۳۷۴
۲۷۷	.....	مراحل امر به معروف و نهی از منکر
۲۷۷	.....	حکمت ۳۷۵
۲۷۷	.....	مراحل شکست در مبارزه
۲۷۸	.....	حکمت ۳۷۶
۲۷۸	.....	سر انجام حق و باطل
۲۷۸	.....	حکمت ۳۷۷
۲۷۸	.....	ضرورت ترسیدن از عذاب الهی
۲۷۸	.....	حکمت ۳۷۸
۲۷۸	.....	آثار شوم بخل ورزی

۲۷۸	.....	حکمت ۳۷۹
۲۷۸	.....	اقسام روزی و پرهیز از حرص زدن
۲۷۸	.....	حکمت ۳۸۰
۲۷۸	.....	ضرورت یاد مرگ
۲۷۸	.....	حکمت ۳۸۱
۲۷۸	.....	ضرورت راز داری و کنترل زبان
۲۷۸	.....	حکمت ۳۸۲
۲۷۸	.....	ارزش سکوت
۲۷۸	.....	حکمت ۳۸۳
۲۷۸	.....	تلاش در اطاعت و بندگی
۲۷۸	.....	حکمت ۳۸۴
۲۷۸	.....	راه چگونه زیستن
۲۷۹	.....	حکمت ۳۸۵
۲۷۹	.....	دنیا شناسی
۲۷۹	.....	حکمت ۳۸۶
۲۷۹	.....	ضرورت استقامت
۲۷۹	.....	حکمت ۳۸۷
۲۷۹	.....	شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها
۲۷۹	.....	حکمت ۳۸۸
۲۷۹	.....	فقر زدایی و سلامت
۲۷۹	.....	حکمت ۳۸۹
۲۷۹	.....	ضرورت عمل گرایی
۲۷۹	.....	حکمت ۳۹۰
۲۷۹	.....	برنامه ریزی صحیح در زندگی

- ۲۷۹ ..... حکمت ۳۹۱
- ۲۷۹ ..... ضرورت ترک حرام و غفلت زدگی
- ۲۷۹ ..... حکمت ۳۹۲
- ۲۷۹ ..... راه شناخت انسان‌ها (سخن گفتن)
- ۲۷۹ ..... حکمت ۳۹۳
- ۲۷۹ ..... روش برخورد با دنیا
- ۲۷۹ ..... حکمت ۳۹۴
- ۲۷۹ ..... ارزش سخن
- ۲۷۹ ..... حکمت ۳۹۵
- ۲۷۹ ..... ارزش قناعت
- ۲۷۹ ..... حکمت ۳۹۶
- ۲۷۹ ..... راه خوب زیستن
- ۲۸۰ ..... حکمت ۳۹۷
- ۲۸۰ ..... عطر خوب
- ۲۸۰ ..... حکمت ۳۹۸
- ۲۸۰ ..... ترک غرور و یاد مرگ
- ۲۸۰ ..... حکمت ۳۹۹
- ۲۸۰ ..... حقوق متقابل پدر و فرزند
- ۲۸۰ ..... حکمت ۴۰۰
- ۲۸۰ ..... شناخت واقعیت‌ها و خرافات
- ۲۸۰ ..... حکمت ۴۰۱
- ۲۸۰ ..... ضرورت هماهنگی با مردم
- ۲۸۰ ..... حکمت ۴۰۲
- ۲۸۰ ..... ضرورت موقعیت شناسی

۲۸۰	.....	حکمت ۴۰۳
۲۸۰	.....	پرهیز از کارهای گوناگون
۲۸۰	.....	حکمت ۴۰۴
۲۸۰	.....	تفسیر لا حول و لا قوة الا بالله
۲۸۰	.....	حکمت ۴۰۵
۲۸۰	.....	جاهلان متظاهر به دین
۲۸۰	.....	حکمت ۴۰۶
۲۸۰	.....	اخلاق تهیدستان و توانگران
۲۸۰	.....	حکمت ۴۰۷
۲۸۰	.....	ارزش عقل
۲۸۱	.....	حکمت ۴۰۸
۲۸۱	.....	سر انجام حق ستیزی
۲۸۱	.....	حکمت ۴۰۹
۲۸۱	.....	هماهنگی قلب و چشم
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۰
۲۸۱	.....	ارزش پرهیزگاری
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۱
۲۸۱	.....	احترام به استاد
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۲
۲۸۱	.....	راه خود سازی
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۳
۲۸۱	.....	راه تحمل مصیبت‌ها
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۴
۲۸۱	.....	راه تحمل مصیبت‌ها

۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۵
۲۸۱	.....	دنیا شناسی
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۶
۲۸۱	.....	روش برخورد با دنیا
۲۸۱	.....	حکمت ۴۱۷
۲۸۱	.....	شرائط توبه و استغفار
۲۸۲	.....	حکمت ۴۱۸
۲۸۲	.....	ره آورد حلم
۲۸۲	.....	حکمت ۴۱۹
۲۸۲	.....	مشکلات انسان
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۰
۲۸۲	.....	راه درمان شهوت، و عفو اهانت کننده
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۱
۲۸۲	.....	ره آورد عقل
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۲
۲۸۲	.....	ارزش نیکوکاری
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۳
۲۸۲	.....	ره آورد خودسازی
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۴
۲۸۲	.....	ارزش عقل و بردباری
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۵
۲۸۲	.....	مسئولیت توانگران
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۶
۲۸۲	.....	دو چیز ناپایدار



۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۷
۲۸۲	.....	جایگاه شکوه کردن
۲۸۲	.....	حکمت ۴۲۸
۲۸۳	.....	شناخت روز عید
۲۸۳	.....	حکمت ۴۲۹
۲۸۳	.....	اندوه سرمایه‌داران
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۰
۲۸۳	.....	اندوه زر اندوزی
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۱
۲۸۳	.....	اقسام روزی
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۲
۲۸۳	.....	ویژگی‌های دوستان خدا
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۳
۲۸۳	.....	ضرورت توجه به فنا پذیری لذت‌ها
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۴
۲۸۳	.....	آزمودن انسان‌ها
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۵
۲۸۳	.....	ارزش‌های والای اخلاقی
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۶
۲۸۳	.....	راه شناخت بزرگواران
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۷
۲۸۳	.....	شناخت عدل و بخشش
۲۸۳	.....	حکمت ۴۳۸
۲۸۳	.....	جهل و دشمنی

۲۸۴	.....	حکمت ۴۳۹
۲۸۴	.....	تعریف زهد و پارسایی
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۰
۲۸۴	.....	نقش خوابدیدن‌ها در زندگی
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۱
۲۸۴	.....	تجربه کاری و شناخت مدیران
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۲
۲۸۴	.....	راه انتخاب شهرها برای زندگی
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۳
۲۸۴	.....	ویژگی‌های مالک اشتر
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۴
۲۸۴	.....	ارزش تداوم کار
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۵
۲۸۴	.....	انسان شناسی
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۶
۲۸۴	.....	ضرورت پرداخت دیون مردم
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۷
۲۸۴	.....	ضرورت فقه در تجارت
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۸
۲۸۴	.....	راه برخورد با مصیبت‌ها
۲۸۴	.....	حکمت ۴۴۹
۲۸۴	.....	راه مبارزه با هوا پرستی
۲۸۴	.....	حکمت ۴۵۰
۲۸۴	.....	پرهیز از شوخی کردن

۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۱
۲۸۵	.....	روش برخورد با مردم
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۲
۲۸۵	.....	معیار شناخت فقر و غنا
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۳
۲۸۵	.....	علل انحراف زبیر
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۴
۲۸۵	.....	راه غرور زدایی
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۵
۲۸۵	.....	راه شناخت بزرگترین شاعر
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۶
۲۸۵	.....	بهای جان آدمی
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۷
۲۸۵	.....	تشنگان مال و علم
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۸
۲۸۵	.....	نشانه‌های ایمان
۲۸۵	.....	حکمت ۴۵۹
۲۸۵	.....	شناخت جایگاه جبر و اختیار
۲۸۵	.....	حکمت ۴۶۰
۲۸۵	.....	ارزش صبر و تحمل
۲۸۵	.....	حکمت ۴۶۱
۲۸۵	.....	غیبت نشانه ناتوانی
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۲
۲۸۶	.....	پرهیز از غرور زدگی در ستایش

۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۳
۲۸۶	.....	دنیا برای آخرت است
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۴
۲۸۶	.....	سرانجام دردناک بنی امیه
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۵
۲۸۶	.....	ارزش‌های والای انصار
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۶
۲۸۶	.....	دقت در مشاهدات
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۷
۲۸۶	.....	وصف یکی از رهبران الهی
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۸
۲۸۶	.....	مسئولیت سرمایه‌داری
۲۸۶	.....	حکمت ۴۶۹
۲۸۶	.....	پرهیز از افراط و تفریط نسبت به امام علیه السلام
۲۸۶	.....	حکمت ۴۷۰
۲۸۶	.....	تعریف توحید و عدل
۲۸۶	.....	حکمت ۴۷۱
۲۸۶	.....	شناخت جایگاه سخن و سکوت
۲۸۶	.....	حکمت ۴۷۲
۲۸۷	.....	دعای باران
۲۸۷	.....	حکمت ۴۷۳
۲۸۷	.....	ارزش رنگ کردن و آرایش
۲۸۷	.....	حکمت ۴۷۴
۲۸۷	.....	ارزش عفت و پاکدامنی

- ۲۸۷ ..... حکمت ۴۷۵
- ۲۸۷ ..... ارزش قناعت
- ۲۸۷ ..... حکمت ۴۷۶
- ۲۸۷ ..... راه کشور داری
- ۲۸۷ ..... حکمت ۴۷۷
- ۲۸۷ ..... بزرگ‌ترین گناه
- ۲۸۷ ..... حکمت ۴۷۸
- ۲۸۷ ..... مسؤولیت آگاهان
- ۲۸۷ ..... حکمت ۴۷۹
- ۲۸۷ ..... بدترین دوست
- ۲۸۷ ..... حکمت ۴۸۰
- ۲۸۷ ..... آفت دوستی
- ۲۸۷ ..... درباره مرکز



البلاغه، کارایی ندارند، زیرا هر کدام بر اساس شناخت و توانمندی خویش قلم زده‌اند.

باید علوم و فنون نهفته شده در نهج البلاغه کشف و شناسایی گردد، سپس منتخض‌ها را هر یک از رشته‌ها، جذب و سازماندهی شوند و در یک حرکت پژوهشی دسته جمعی حساب شده، ترجمه نهج البلاغه با جامعیت‌بایسته‌ای سامان پذیرد که:

فقیه جامع الشرائطی، مباحث فقهی نهج البلاغه را عمیقاً کشف و شناسایی کند و روانشناسی، مباحث روانشناسی و روانکاوای نهج البلاغه را استخراج نماید، و اقتصاد دانی، مباحث اقتصادی نهج البلاغه را در قالب‌های زیبایی طرح کند و هر منتخض ص صاحب نظری در یک مباحثگی لازم با دیگر منتخض‌ها، نکته‌ها و ظرایف نهفته در رشته اختصاصی خویش را به خوبی بشناسد و هنرمندانه بشناساند.

آنگاه می‌توان با خاطری آسوده بگویم: کار ترجمه و تفسیر نهج البلاغه پایان یافت.

#### ج- مباحث فوق تخصصی

دسته‌ای دیگر از مباحث نهج البلاغه فوق تخصصی است و تنها با داشتن تخصص‌های مصطلح و معمولی در رشته‌های علمی، نمی‌توان در ژرفای مفاهیم آن شنا کرد بلکه ابزار و علوم و فنون خاصّ خودش را می‌طلبد تا بدرستی شرح و تفسیر گردند.

در این قسمت نیز ترجمه‌ها و برخی از شروح موجود نهج البلاغه نمی‌توانند به همه نیازهای پژوهشگران پاسخ مثبت دهند، مانند:

الف- شناخت مشابهاات نهج البلاغه، ب- شناخت مباحث عمیق فقهی و حلّ تضادهای ظاهری،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۳

ج- شناخت ضرب المثلها و استخراج پیامهای اصلی آن، د- روش رفع تعارض ظاهری بین حدیث و قرآن، ه- رفع تعارض ظاهری نهج البلاغه با مبانی اعتقادی.

با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که تمام ترجمه‌های موجود و اکثر شروح نهج البلاغه، نسبت به این قسمت از مباحث فنی آسان گذشته‌اند.

نه تنها پیام اصلی ضرب المثل‌ها را نیاورند بلکه تنها با ترجمه ظاهری عبارات، مشکلاتی نیز به وجود آورده‌اند.

عام و خاص، مطلق و مقید، درست ترجمه نشده و اهداف آموزشی امام علیه السلام تا شناخته مانده، زیرا معلوم نشده چرا:

یک جا دنیا را نکوهش کرده و در جای دیگر، آن را می‌ستاید؟

در خطبه‌ای تعقیب فراریان مطرح است و در نامه‌ای دیگر ترک تعقیب؟

یک جا دستور ورشه کن شدن مهاجمان و در چند خطبه دیگر دستور مدارا کردن با زخمی‌ها و فراریان مطرح است؟

در خطبه‌ای حکومت را نکوهش و در خطبه‌ای دیگر، ستایش می‌کند؟

و نسبت به باتوان مطالبی به ظاهر متضاد وجود دارد؟

دنیا گرایی و ترک دنیا به هم آمیخته شده؟

دخالت در مسائل سیاسی را با انزوا گرایی در کنار هم قرار داده است؟

کار و تولید، با ترک مال دنیا در کنار هم قرار داده شده؟

در نتیجه، خوانندگان ترجمه‌های موجود، دچار نوعی سرگردانی و اضطراب می‌شوند که سرانجام اهداف آموزشی امام علی علیه السلام کدام است؟ و کدام یک را باید باور داشت؟

این دسته از مباحث فوق تخصصی باید با روش‌های دقیق اجتهاد، و اصول صحیح استنباط، هماهنگ با مبانی اعتقادی شیعه و در چهار چوب علم «تبادل و تراجیح» که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام به ما آموخته‌اند. بررسی شود، تا نتایج مطلوب به دست آید که خود فرمودند و به ما آموختند:

- تضادّ و تعارض در آیات قرآن وجود ندارد.

- تضادّ و تعارض بین احادیث و قرآن وجود ندارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۴

- تضادّ و تعارض بین احادیث معصومین علیهم السلام وجود ندارد.

و در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه تذکر دادند که این گونه پژوهش‌ها از عهده هر کسی بر نیاید:

إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُصْتَعَبٌ، لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ آمَنَ لِلَّهِ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَلَا يَمِي حَدِيثَنَا إِلَّا صَدُورُ أَمِينَةٍ وَأَحْلَامُ رِزِينَةٍ

شناخت مسائل ما، کاری است بس دشوار، که جز بنده مؤمنی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده، آن را نپذیرد، و احادیث ما را جز سینه‌های امانت دار و عقل‌های سالم نمی‌توانند نگاهبان باشند.

این دسته از مباحث را باید با فراگیری علوم مقدّماتی حوزه‌های علمی و آگاهی از اصول استنباط و شیوه‌های اجتهاد، به ارزیابی گذاشت و در ترجمه، حاصل تحقیقات عمیق و گسترده را گنجانند، تا خواننده ترجمه نهج البلاغه به آسانی پیام امام علیه السلام را دریافت کند.

#### سوم- آرزوها

از آغاز تحصیلات حوزوی (سالهای ۴۳- ۵۰) که ترجمه‌های موجود را مطالعه می‌کردم و کاستی‌های مفهومی را می‌یافتم، نگران و در فکر چاره اندیشی بودم که یکی از نوشته‌های جرج جرداق مسیحی، (استاد ادبیات عرب در لبنان) را خواندم که اعتراف کرده بود:

«جاذبه‌های کلمات امام علی علیه السلام شوری در من ایجاد کرد که ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم.

چنان بر خود لرزیدم و به تعجب و غرور اعتقادی من ضربه وارد شد که تا مدّتی حالت عادی نداشتم، و بر خود نفرین کردم که چرا یک مسیحی، ۲۰۰ بار نهج البلاغه را می‌خواند اما من که خود را از شیعیان امام علی علیه السلام می‌شمارم و ادعای محبت و ولایت او را دارم به راستی چند بار نهج البلاغه را خوانده‌ام؟ و با مفاهیم ارزشمند آن به چه میزان آشنایی دارم؟ ما که در خانواده شیعه، از پدر و مادری شیعه، و از خاندان شیعه و در کشور شیعیان قرار داریم، چرا باید با نهج البلاغه بیگانه باشیم؟

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۵

از روزی که در جلسات نویسندگی شهید مفتّح (که روزهای جمعه در منزل ایشان در کوجه ممتاز قم برگزار می‌شد) شرکت کردم، موضوع انتخابی من «حکومت اسلامی» شد.

شهید مفتّح فرمود: یکی از منافع غنی که نسبت به حکومت اسلامی مباحث ارزشمند و گران سنگی دارد، نهج البلاغه است. این کتاب را مطالعه کنید و مباحث مربوط به حکومت را استخراج و سازماندهی نمایید.

ورود من به آستانه نهج البلاغه با رهنمودهای آن استاد والا مقام که پس از انقلاب اسلامی به درجه شهادت ممتاز شد، شکل گرفت.

به سراغ نهج البلاغه رفتم، اما:

فهرست جامعی نداشت، معجم المفهرس کاملی نداشت، و در ابعاد گوناگون این کتاب از نظر پژوهشی کار نشده بود.

قدم اول را با طرح تدوین (معجم المفهرس نهج البلاغه) آغاز کردم و آرزوهای ما نسبت به جهانی و همگانی شدن نهج البلاغه، تا هم اکنون با تحقیق و تدوین و انتشار بیش از ۲۰ اثر تحقیقاتی تداوم یافت. آنگاه آرزوها و ایده ایده‌آلهای ما نسبت به ترجمه نهج البلاغه، که حاصل تلاش ۵ سال کار مداوم و تجریبات کلاس‌های آموزشی از رمضان تا رمضان است با ویژگیهای زیر سامان یافت.

#### ویژگیهای این ترجمه

#### ۱- عنوان دادن به مطالب

برای استفاده عموم مراجعه کنندگان به سخنان علوی، سعی کردیم تا مفاهیم و مباحث نهج البلاغه را در قالب ۷۷۳ عنوان کلیّ و زبیا تقدیم داریم، زیرا عنوان زدن صحیح مطالب برای عموم افراد میسر نیست، و برخی در تطبیق مفاهیم کلیّ با مباحث نهج البلاغه دچار مشکل می‌شوند.

عرضه مباحث نهج البلاغه در قالب عناوینی زیبا و گویا، مراجعه کنندگان را در یافتن مطالب دلخواه یاری می‌دهد و کار مطالعه و استخراج مفاهیم ارزشمند نهفته

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۶

در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها را آسان می‌سازد.

#### ۲- نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های این ترجمه، نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست. با این روش در یک نگاه کلیّ محورهای اصلی

علامه محمد باقر مجلسی

مباحث نهج البلاغه به خوبی شناسانده می‌شود و مطالعه کنندگان را دریافتن موضوعات انتخابی در نهج البلاغه کمک می‌کند. موضوعاتی که در نامگذاری کُلی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مطرح شده‌اند دارای حدود ۱۵۰۰ عنوان در ۷۴ رشته تخصصی است، که در آن سمت‌گیری و اهداف کُلی مطالب نهج البلاغه، مشخص شده است.

#### ۳- اشاراتی به علوم و فنون

هرگز نخواستیم تا نظریه‌های علمی را بر نهج البلاغه تحمیل، یا نهج البلاغه را توجیهی برای دیدگاه‌ها و نظریه‌های علمی مطرح جهان معاصر قرار دهیم.

هدف ما این بود که هر جا کوشش‌های علمی، و مرزهای اندیشه بشری توانسته برده‌ای از روی واقعیتی بردارد و به افق همیشه نورانی نهج البلاغه نزدیک شود، آن نمونه‌ها را در پاورقی ترجمه آورده‌ایم، نمونه‌هایی که امروز در جهان علم با ابزارها و روش‌های پیشرفته شناسایی گردید، حال آن‌ که در ۱۴ قرن قبل در کلمات نورانی امیر بیان حضرت علی علیه السلام آمده است. به نمونه‌هایی توجه فرمایید:

امام علیه السلام در خطبه‌های ۱۳ و ۱۴ در نکوهش مردم بصره، عوامل زیست محیطی را در فریب خوردگی مردم مطرح می‌فرماید که امروز در رشته اکولوژی (آپ بپ‌آ) به این گونه از واقعیت‌ها دست یافته‌اند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۷

یا در روانشناسی و روانکاوی و انسان‌شناسی و تربیت کودک، دستوراتی دارند که در جهان معاصر در رشته‌های تخصصی علوم به اثبات رسیده است.

#### ۴- ویژگی عمومی بودن ترجمه

هدف مهم ما در این ترجمه، رعایت اصل سادگی، و عمومی بودن آن بود که همه اقشار و سطوح متفاوت فکری موجود در جامعه، بدون مراجعه به کتب تفسیری و لغت و تاریخ، بتوانند از آن استفاده کنند.

#### ۵- رعایت اصل «پیام رسانی» در ضرب المثل‌ها

در فرهنگ همه ممت‌ها، ضرب المثل‌هایی وجود دارد. و در ضرب المثل‌ها پیام‌ها و اهدافی نهفته است.

اگر در ترجمه‌ها «اصل پیام رسانی» رعایت نشود، ضرب المثل‌های اقوام و ملل برای یکدیگر قابل فهم نخواهد بود، و چون در ترجمه‌های موجود نهج البلاغه، غالباً اصل پیام رسانی رعایت نشده، و با ترجمه ظاهری عبارات، اهداف واقعی گوینده قابل دسترسی نیست، خواننده فارسی زبان حق دارد پرسد:

- من «کفتار نیستم» یعنی چه؟ و «کفتار چیست»؟

(و الله لا اکون کالفض، خطبه ۵)

- «چون بگه شتر دنبال شتر بودم» چه مفهومی دارد؟

(کاتیاع الفضیل اثر اُمّ، خطبه ۱۹۲)

- «زن عقرب است» یعنی چه؟ چرا باید به زنان اهانت شود؟

(المرأة عقرب)

اگر بدانند که این ضرب المثل‌ها برای رساندن مفهوم خاصی در ممت‌ها پدید آمدند، و پیام خاصی را در شرایط حاکم بر همان ممت و همان فرهنگ به همراه دارند.

و اگر در ترجمه ضرب المثل‌ها، اصل پیام رسانی رعایت گردد، بسیاری از اعتراضات مطرح نخواهد شد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۸

پس از تحقیق و بررسی در ضرب المثل‌های نهج البلاغه، و شناخت کاربردی آن در روزگاران گذشته به این نتیجه می‌رسیم که امام علیه السلام در خطبه ۵ می‌خواهد بفرماید که:

«من از مسائل سیاسی کشور غافل نیستم.» و در خطبه ۱۹۲ این مفهوم را می‌خواهد منتقل کند که:

«من چو نان فرزندی که از مادر جدا نمی‌شود، همواره با پیامبر بودم.» و حکمت ۶۱، یک ضرب المثل است و این پیام را دارد که:

«نیش زن برای شوهرش شیرین است!»

#### ۶- تفسیر صحیح مشابهات

واژه‌های دنیا، حکومت، لذت، عشق، مال و برخی دیگر از کلمات و عبارات، در جاهای گوناگون، متفاوت و در ظاهر متضاد وصف و مطرح شده‌اند:

در یک جا عام و فراگیر و در جایی خاص و محدود است.

اگر دنیا در برخی از خطبه‌ها نکوهش شد، دنیای عام و دنیای خارج و نظام هستی نیست، بلکه علل و عواملی مطرح است، زیرا در موارد دیگر دنیا را می‌ستاید.

اگر یک جا حکومت را نکوهش می‌کند، در جای دیگری آن را یک ضرورت می‌داند، اگر یک جا نسبت به محبت دنیا هشدار می‌دهد، در جای دیگری محبت دنیا را امری طبیعی می‌داند.

و ده‌ها و صدها نمونه که احتیاج به پژوهش‌های عمیق دارد.

در این گونه از موارد نباید به ترجمه ظاهری عبارات رضایت داد، زیرا برای خوانندگان، هدایتگر نخواهد بود. گاهی باید تفسیر و ترجمه را به هم آمیخت، تا اهداف اصلی و مبانی اعتقادی امام علیه السلام، روشن و بدون ابهام در دسترس عموم قرار گیرد. در ترجمه‌های موجود.

«النساء نواقص العقول»

، را همه چنین ترجمه کرده‌اند: «عقل زنان ناقص است.» و

«المرأة شر کلهما»

، را همه ترجمه کرده‌اند که: «زن هم‌ماش شتر است.» در صورتی که در قرآن کریم و نهج البلاغه، نظام هستی، نظام احسن معرفی شده.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۹

و امام علیه السلام خود عدل الهی را به جهانیان شناسانده است.

و می‌دانیم که خدا شتر نیافریده، و پدیده‌های پروردگاری شتر نیستند.

پس قرآن و سنت مسلّمه و فلسفه و کلام و مبانی اعتقادی با ظاهر عبارات یاد شده در تضاد است، و در ترجمه‌های ظاهری الفاظ و عبارات نیز، تضادها بر طرف نمی‌گردد، که همواره اعتراض‌های خوانندگان را به همراه خواهد داشت.

اگر پس از بررسی‌های لازم به این نتیجه برسیم که:

امام در خطبه ۸۰ در مقام بیان تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان است، و «نواقص» در اینجا به معنای «نقاوت» است.

و در حکمت ۲۳۸، واژه شتر را به معنای بد و بدی‌ها استعمال نکرده، بلکه خواسته تا بفهماند که، ازدواج و تشکیل زندگی مسئولیت‌ها و مشکلاتی دارد، همان ضرب المثل فارسی که می‌گویند: «زن و بچه دردسرنده و بی دردسر هم نمی‌توان زندگی کرد، آنگاه برداشت‌های منفي و اعتراض‌های بیجا مطرح نخواهد شد.»<sup>۱</sup>

#### ۷- آوردن نکات تاریخی

#### ۸- آوردن اسامی اشخاص و اماکن

نکات تاریخی، و اسامی اشخاص و اماکن را بدان جهت آوردیم تا خوانندگان با داشتن همین ترجمه از مراجعه به دیگر کتاب‌های تاریخی بی نیاز باشند.

#### ۹- آوردن شأن نزول خطبه‌ها

با تلاش فراوان، آن مقدار از حوادث و تحولات و زمینه‌هایی را که در پدید آمدن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها نقش داشتند، به عنوان «شأن نزول» در آغاز خطبه‌های آوردیم تا خوانندگان با حال و هوای صدور مطالب نهج البلاغه آشنا شوند، و بدانند

<sup>[1]</sup> برای اطلاع بیشتر به کتاب «اطلاعات مقدّماتی نهج البلاغه» و «کلیدهای شناسایی نهج البلاغه» مراجعه کنید

<sup>[2]</sup> نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۰



که نهج البلاغه کجایی است؟ زیرا توجیه به شأن نزول نهج البلاغه تأثیر تعیین کننده‌ای در فهم مطالب و مفاهیم آن خواهد داشت.

**۱۰- فهرست موضوعی**

یکی دیگر از آرزوهای ارزشمند، تهیه و تدوین «فهرست موضوعی نهج البلاغه» بود که همواره ذهن ما را به خود مشغول می‌داشت؛ زیرا ترجمه‌های موجود بدون فهرست موضوعی منتشر شده بودند. استخراج عناوین کلی و جزئی و سازماندهی عناوین، و تطبیق علوم و فنون با مفاهیم نهج البلاغه، و خلق و ابداع فهرست‌های زیبا و قالب‌های گویا برای شناخت مباحث آن، سالیان طولانی ما و جمعی از پژوهشگران مؤسسه را به تلاش واداشت: ابتدا کتاب «فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه» را با حدود چهار هزار عنوان در ۷۴ رشته تخصصی تدوین و منتشر ساختیم. سپس در مدت ۷ سال «فرهنگ معارف نهج البلاغه» را با همکاری جمعی از محققان مؤسسه، در پانزده هزار عنوان کلی و جزئی فراهم آوردیم. و در یک اقدام گسترده و فراگیر در تدوین «دائرة المعارف بزرگ نهج البلاغه» کار استخراج فهرست‌ها و قالب‌های مفهومی را به صد هزار عنوان رساندیم، که در فهرست موضوعی این ترجمه، تنها بخشی از آنها را آورده‌ایم.

**۱۱- آوردن توضیحات ضروری در متن و یادرفی**

چون هدف ما در این ترجمه، بهره برداری عموم اقشار جامعه بود، که در سفر و حضر بتوانند از نهج البلاغه استفاده کنند، و در همه جا منابع تحقیق و کتب تاریخی یافت نمی‌شود و همه جا نمی‌توان از شروح گوناگون نهج البلاغه استفاده کرد بر آن شدم تا توضیحات ضروری نسبت به مفاهیم، رویدادها، تحولات سیاسی، تاریخی را در متن یا در یادرفی بیاورم که عموم اقشار جامعه بتوانند از مباحث ارزشمند آن استفاده کنند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۱

**۱۲- فهرست مطالب کتاب**

یکی دیگر از ویژگی‌های این ترجمه، همراه داشتن فهرست مطالب در اول کتاب است، که سمت گیری کلی خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها در آن مشروحا بیان شده است، و در مفاهیم نهج البلاغه را در دو سه هزار عنوان زیبا و گویا می‌توان یافت و مورد ارزیابی قرار داد، این ویژگی در بسیاری از ترجمه‌ها وجود ندارد.

**۱۳- آوردن اختلاف نسخه‌ها (در متن عربی)**

متن عربی نهج البلاغه با ۱۵ نسخه قدیمی از اواسط قرن چهارم (۱۵) سال پس از وفات سید رضی) تاکنون، مقابله و تصحیح شد، و اختلافات مهم و عبارات گوناگونی که در معانی جملات تأثیر داشت در داخل علامت ( ) آورده شد تا محققان و شارحان در مراجعه به این نسخه بتوانند جنبه‌های گوناگون یک واژه یا یک جمله را دریابند.

**۱۴- شماره گذاری متن عربی (یک خط در میان)**

در سال‌های (۱۳۵۳-۱۳۵۴) که به فکر تدوین معجم المفهرس نهج البلاغه افتادیم اولین مسئله‌ای که در راستای کار ما قرار داشت این بود که متن نهج البلاغه یک خط در میان شماره گذاری شود و همه آدرس‌ها بر اساس شماره‌های متن سازماندهی گردد تا یافتن مطالب دلخواه در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های طولانی به آسانی میسر باشد و مراجعه کننده ناچار نباشد برای یافتن یک واژه یک یا چند صفحه را جستجو کند.

و چون پس از انتشار معجم المفهرس در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، شماره‌های ثبت شده، و در صدها هزار نسخه موجود است، در این ترجمه نیز همان شماره‌ها همراه متن عربی ثبت شد تا برای عموم محققان اسلامی قابل استفاده باشد.

**۱۵- آوردن موضوعات کلی خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها**

گر چه در کتاب (فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه) موضوعات عام و کلی

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۲

خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه را مشروحا آورده‌ایم اما در این نسخه در متن عربی، زیر شماره‌های خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، عناوین کلی و فهرست‌های عام هر یک را ثبت کرده‌ایم که گویای مفاهیم نهفته در آن می‌باشد و مراجعه کننده در اولین برخورد با واژه (سیاسی، اجتماعی، اخلاقی) همراه خطبه یا نامه یا حکمت، سمت‌گیری آن را درک می‌کند و می‌فهمد که این خطبه اخلاقی یا آن نامه سیاسی است که در پیام رسانی و ارزیابی آغازین مباحث نهج البلاغه نقش بسزایی دارد، این ویژگی در هیچ کدام از نسخه‌های موجود بچشم نمی‌خورد.

**۱۶- ترجمه توضیحات سید رضی ب عنوان (می گویم)**

در بسیاری از ترجمه‌های نهج البلاغه و شرح و تفسیر آن، توضیحات ارزشمند سید رضی ترجمه نشده است و برخی از آوردن آن نیز صرف نظر کرده‌اند در صورتی که توضیحات سید رضی از نظر لغوی و ادبی آثار بسیار تعیین کننده‌ای در فهم مطالب نهج البلاغه دارد.

در این نسخه تمامی توضیحات سید رضی هر کدام در جایگاه خاص خودش با تغییر قلم‌ها به گونه‌ای زیبا آورده شد.

**۱۷- مشخص کردن مرجع ضمائر**

در این ترجمه، تلاش کرده‌ایم تا مرجع ضمائر (هو، هم، انهم، آنها) را دقیقاً مشخص کرده و در ترجمه بیاوریم که قابل استفاده عموم طیفات جامعه باشد و مطالعه کننده این نسخه جایگاه اصلی ضمائر را بشناسد.

**۱۸- مشخص کردن مخاطب‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه**

یکی دیگر از ویژگی‌های این ترجمه که برای عموم مراجعه کنندگان قابل استفاده می‌باشد و کاربرد عمومی دارد، مشخص کردن مخاطب‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه است که امام علی علیه السلام با چه کسی یا افرادی سخن می‌گوید؟ شناخت مخاطب‌های امام علیه السلام ما را در ارزیابی مفاهیم نهج البلاغه کمک می‌کند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۳

**۱۹- تفسیر صحیح عام، خاص، مطلق، مقید**

یکی از مشکلات پژوهشی و نظری عموم افراد جامعه ما، مشکل حلّ متشابهات، و بررسی تطبیقی عام و خاص و مطلق و مقید در احادیث و روایات اسلامی است.

و چون همه مترجمان نهج البلاغه شیوه ترجمه تحت اللفظی را برگزیدند، مراجعه کنندگان به ترجمه‌ها دچار نوعی سرگردانی در فهم نهج البلاغه می‌شوند که در یک خطبه دنیا نکوشش و در خطبه دیگری ستایش شده است چرا؟ و می‌پرسند آیا این اختلاف و تناقض را می‌شود حل کرد؟

اگر مترجمان در مباحث عام و خاص و مطلق و مقید، رعایت مفاهیم را می‌کردند و عام تخصیص زده را به گونه‌ای مطلق و فراگیر ترجمه نمی‌کردند و مطلق را با قید آن می‌آوردند، این همه حیرت و سرگردانی وجود نداشت. ما سعی کرده‌ایم این اصل را رعایت کنیم، اگر در جایی دنیا نکوشش می‌شود با بررسی‌های مداوم علت آن را آورده‌ایم که دنیای حرام یا شبهه‌ناک است، و اگر در جای دیگر دنیا ستایش می‌شود توضیح داده‌ایم که دنیای حلال است.

**۲۰- تبیین صحیح اهداف امام علیه السلام در طرح ارزشها**

بسیاری از مترجمان شیوه ترجمه تحت اللفظی را برگزیدند و معتقدند که:

(ما باید تعهد خود را در ترجمه پاسدار باشیم) البته این خود مکتبی و راه و روشی است محترم و ارزشمند اما از نظر کار بردی و پیام رسانی مشکلات فراوانی را به همراه دارد، با دگرگونی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، و دگرگونی واژه‌ها در پیام رسانی‌ها، نسل امروز معانی و مفاهیم نهفته در برخی از عبارات قرآن و احادیث را نمی‌تواند درک کند، در صورتی که ما به امام علی علیه السلام تعهد داده‌ایم تا پیام او را به نسل امروز برسانیم و در این پیام رسانی باید از انواع سبک‌ها و شیوه‌ها استفاده کنیم و گاهی نیز ناچاریم مقید به ظاهر الفاظ و عبارات باشیم.

پس برای تبیین صحیح اهداف امام علیه السلام در طرح ارزشها ناچاریم از شیوه ترجمه تحت اللفظی اندکی فاصله گرفته و با تفسیر و ارزیابی صحیح عبارات و کلمات، پیام نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۴ حضرت مولی علیه السلام را به نسل امروز برسانیم.

#### ۲۱- آوردن آدرس آیات قرآن

اینکه گفته‌اند: «نهج البلاغه فوق کلام خلق است» حرفی است ارزشمند و دوست داشتنی، اما در دنیاله آن قضاوت فرمودند که: «دون کلام خالق است» این سخن را نشاید که بپذیرفت. زیرا نهج البلاغه در تفسیر و تحلیل کلام خداوندی است، نور است و در امتداد نور الهی می‌درخشد، دون، پستی، پائینی، و هر واژه دیگری که سمت و سوی نزول و فرود و سقوط داشته باشد نسبت به نهج البلاغه مردود است، مطرود است باید گفت که:

«نهج البلاغه فوق کلام خلق و در پرتو کلام خالق است» که حدیث تفسیر آیات الهی است، واسطه فیض است، در همان اوج و والاشی وحی الهی جای دارد، از این رو آدرس تمام آیات قرآن نهفته در کلام حضرت مولی علیه السلام را در باورقی متن عربی آورده‌ایم تا اگر کسی خواست به قرآن مراجعه کند میسر باشد.

#### ۲۲- آوردن برخی از اشعار ضروری

این هدف بسیار ارزشمند هنری، آموزشی را در طول ۱۲ سال لیاس عمل پوشانده و ۱۵۰ دیوان شعر شاعران فارسی زبان را بر سر سفره نورانی نهج البلاغه نشانیدیم که فرهنگ شعر شاعران در نهج البلاغه در دو جلد انتشار یافته است تا اسانید مجرب در تدریس مفاهیم حدیث از جاذبه هنری اشعار استفاده کنند. در این ترجمه نیز هر جا که بسیار ضروری تشخیص داده‌ایم در باورقی برخی از اشعار زیبا و شیرین را آورده‌ایم.

#### ۲۳- آوردن مدارک احادیث موجود در کتاب

با عنایات الهی و توجهات خاصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اسناد و مدارک خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها را در کتاب مستقلی با نام (اسناد و مدارک نهج البلاغه) که جلد یازدهم (مجموعه آشنائی با نهج البلاغه) می‌باشد مشروحا آورده‌ایم، اما در این نسخه به مدارک و منابعی که حضرت سید رضی قدس سره آورده است نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۵ رضایت دادیم.

#### ۲۴- آوردن آمار و ارقام ضروری

آمار و ارقام، ما را در ارزیابی و نتیجه‌گیری کمک می‌کنند، و در تحلیل تاریخ نقش بسزائی خواهند داشت، در این نسخه هر کجا که لازم بود، از آوردن ارقام و آمار خود داری نوزبیده و با استفاده از منابع تاریخی آمار ضروری را ثبت کرده‌ایم.

#### ۲۵- بررسی تطبیقی مکاتب (در باورقی)

در طول سالهای ۱۳۵۳ تاکنون، که در مراکز گوناگون آموزشی، در دبیرستانها و مراکز تربیت معلم و دانشگاهها، به تدریس نهج البلاغه و معارف اسلام اشتغال داشته و داریم، با این حقیقت روشن آشنا شدیم که در تمام محورهای خط فکری نسل جوان، نهج البلاغه رهنمودهای تعیین کننده دارد، در هجوم ایسمها و ایست‌ها، بهترین پناهگاه است که قدرت دفاعی لازم به نسل ما می‌دهد، تا ارزشهای اسلامی خود را پاسدار باشند، و تمامی مکاتب وارداتی را بتوانند عالمانه نقد کنند. از این رو در باورقی این نسخه سعی کرده‌ایم اشاراتی به مکاتب مصطلح روز داشته باشیم تا خوانندگان این ترجمه رهنمودی در نقد و ارزیابی مکاتب و بررسی تطبیقی آن داشته باشند، و برای تحقیقات گسترده‌تر به کتب و منابع خاص خودش مراجعه کنند. امیدواریم این ترجمه، با ویژگی‌های یاد شده، خشنودی حضرت مولی الموحیدین امیر المؤمنین علیه السلام را- هر چند اندک- فراهم کرده باشد، که اهل و معدن و اصل کرامت است و با بزررگوری خویش، دست روسیاهان بر خاک مانده را خواهد گرفت. ان شاء الله.

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام محمد دشتی زمستان

۷۸

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۶

#### مقدمه سید رضی قدس سره بر نهج البلاغه

#### اشاره

ستایش خدا را سزاست که حمد را بهیای نعمت‌ها و پناهگاه از بلاها، و وسیله رسیدن به نعمت‌ها و بهشت جاویدان، و موجب افزایش احسان و کرمش قرار داد.

دردود بر پیامبر رحمت، و پیشوای رهبران الهی و چراغ روشنی بخش امت، که ویشه های وجودش بزررگورای و درخت اصل و نسبش بر برگ و پر ثمر بوده است. دردود بر اهل بیتش که چراغ‌های روشنی بخش تاریکی‌ها، و وسیله نجات امت‌ها، و نشانه های روشن دین و مرکز نقل فضیلت و برتری می‌باشند.

دردود بر همه آنان یاده دردودی که با فضل و بزررگورای آنها برابری کند؛ و پاداش اعمال آنها قرار گیرد؛ پاداشی که مناسب با پاکیزگی اصل و فرع ایشان است.

دردود بر آنان یاد تا زمانی که سفیده صبح گریبان شب را می‌شکافد و ستارگان طلوع و غروب می‌کنند.

#### چگونگی پیدایش کتاب نهج البلاغه

در آغاز جوانی و طراوت زندگی، دست به تألیف کتابی در «خصائص و ویژگی های ائمه علیهم السلام» زدم که مشتمل بر خیره‌های جالب و سخنان برجسته آن‌ها بود.

انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یاد آور شدم و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام.

پس از گرد آوردن خصائص امیر مؤمنان علیه السلام مشکلات و حوادث روزگار مرا از اتمام بقیه کتاب، باز داشت.

من آن کتاب را میؤب نموده و به فصل‌های مختلفی تقسیم کرده بودم در پایان

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۷

آن، فصلی که متضمن سخنان جالب امام علیه السلام از سخنان کوتاه در مواعظ، حکم، امثال و آداب- نه خطبه‌های طولانی و نه نامه‌های گسترده- آورده شد.

برخی از دوستان آن را جالب و شگفت‌انگیز، از جنبه‌های گوناگون دانستند، و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امیر مؤمنان علیه السلام در جمیع فنون و بخشهای مختلف، از خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و ادب در آن گرد آید، زیرا می‌دانستند این کتاب متضمن شگفتنی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و جواهر سخنان عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گرد آوری نگردیده است؛ زیرا امیر مؤمنان منشا فصاحت و منبع بلاغت و پندید آورنده آن است، مکنونات بلاغت ووسیله او آشکار گردیده، و قوانین و اصول آن از او گرفته شده است، تمام خطباء و سخنرانان به او اقتداء نموده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند. با این همه، او همیشه پیشرو است آنها دنباله رو، او مقدم است آنها مؤخر، زیرا سخن او کلامی است که آثار علم الهی، و بوی عطر سخن پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته دوستان را اجابت کردم و این کار را شروع کرده، و در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است، و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و آجر آن ذخیره آخرت خواهد بود.

منظورم این بود که علاوه بر فضائل بی شمار دیگر، بزرگی قدر، و شخصیت امیر مؤمنان را از این نظر روشن سازم که:

امام علی علیه السلام تنها فردی است که از میان تمام گذشگانی که سخنی از آنها به جا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده و گفتار او اقیانوسی است بیکرانه، که سخن هیچ بلیغی به پایه آن نخواهد رسید.

خواستم در افتخار کردن به امام علیه السلام به قول شاعر معروف «فرزدق» متمثل شوم (که در مورد افتخار به پدران خود به شخصی به نام «جریر» خطاب می‌کند).

اولنک آبیانی فجنتی بمثلهم‌اذا جمعنا یا جریر المجمع (ای جریر! اینها پدران و نیاکان منند اگر می‌توانی در آن هنگام که در

مجمعی گردد

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۸

آمدیم همانند آنها را برای خود بر شمارا) سخنان آن حضرت بر مدار سه اصل می‌چرخد:

اول- خطبه‌ها و اوامر دوم- نامه‌ها و رسائل سوم- کلمات حکمت آمیز و مواظف تصمیم گرفتیم ابتداء خطبه‌ها، پس از آن نامه‌ها، سپس کلمات حکمت آمیز جالب آن حضرت را جمع کنیم. سپس به هر کدام از آنها بایی را اختصاص دادم و صفحاتی ویژه آن گردانیدم تا مقدماتی باشد برای به دست آوردن آنچه که به آن دسترسی ندارم (و ممکن است) در آینده به آن برسیم. و هر گاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره، یا پاسخ سؤال، و یا منظور دیگری بود که به آن دست یافتم ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسب‌ترین و نزدیکترین بخش قرار دادم. اگر در میان آنچه برگزیدم فصول غیر منظم و سخنان غیر مرتبی آمده، به خاطر آن است که من نکته‌ها و جملات درخشان آن حضرت را جمع می‌کنم و منظورم حفظ تمام پیوندها و ارتباطات کلامی نیست.

از شگفتی‌های سخنان امام علیه السلام که او خود در این زمینه تنها است و شریک و همتایی در آنها ندارد، این است که: سخن آن حضرت را که در باره زهد و مواظف است هر گاه کسی تأمل کند و خود را از این جهت بیگانه دارد که این سخن شخصی عظیم القدر و نافذ الامر است که همه در برابر او سر فرود می‌آورند؛ شک و تردید نخواهد کرد که گوینده این سخن کسی است که جز در وادی زهد و پارسایی قدم نگذاشته و هیچ اشتغالی بجز عبادت نداشته است. و یقین می‌کند که این سخن از کسی است که در گوشه خانه‌های تنها و دور از اجتماع یا در یکی از غارها قرار گرفته که جز صدای خودش را نمی‌شنود و غیر خویش دیگری را نمی‌بیند، و همواره مشغول عبادت می‌باشد. و هیچ گاه نمی‌تواند باور کند که این سخن کسی است که به هنگام جنگ در دریای لشکر دشمن فرو می‌رفت و پهلوانان و جنگجویان نیرومند را بر زمین می‌افکند. و او با این حال یکی از زهاد و یکی از افراد صالح و پاک و نمونه ای است که نظیر ندارد. این است فضائل عجیب و شگفتی‌زا و ویژگی لطیف او که جمع میان افساد کرده است. بسیار می‌شد که من در این باره با برادران مذاکره می‌کردم و شگفتی آنها را از این ویژگی خاص امام علیه السلام بر می‌انگیختم راستی این

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۹

خود جای عبرت و شایسته اندیشه و فکر است. اگر در اثناء سخنان انتخاب شده لفظ مرّود و یا معنی مکرری آمده است، عذر من در این باره این است که در روایات مربوط به سخنان امام علیه السلام اختلاف است؛ گاهی سخنی را در روایتی یافتیم و همان طور که بوده آن را نقل کرده‌ام. سپس روایت دیگری در همان موضوع به دستم رسیده که با روایت قبل یکسان نبوده، اثرا به خاطر مطالب بیشتری که داشته، و یا به خاطر لفظ جالب‌تری که در آن به کار رفته، لازم بود آن را نیز بیاورم. این نیز ممکن است بر اثر سهو و نسیان نه از روی عمد دوباره آورده شده است. با این حال ادعا نمی‌کنم که من به همه جوانب سخنان امام علیه السلام به طوری احاطه پیدا کرده‌ام که هیچ کدام از سخنان او از دستم زتفه است، بلکه بعید نمی‌دانم که آنچه یافته‌ام پیش از آن باشد که یافته‌ام، و آنچه در اختیارم قرار گرفته کمتر از آنچه به دستم نیامده باشد. اما وظیفه من غیر از تلاش و کوشش و سعی فراوان برای یافتن این گم شده نیست، و از خدا می‌خواهم در این امر مرا راهنمایی کند. بعد از تمام شدن کتاب چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم؛ زیرا این کتاب درهای بلاغت را به روی بیننده می‌گشاید، و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد. این کتاب هم مورد نیاز دانشمندان و عالم، و هم دانشجو و متعلم است، و هم خواسته شخص بلوغ و زاهد در آن یافت می‌شود. در بین کلمات امام علیه السلام سخنان شگفت انگیزی در مورد توحید، عدل و تتریه خداوند از شباهت به خلق می‌بینم که تشنگان از سیراب کرده، و برده‌ها از روی تاریکی شباهت بر می‌گیرد. از خداوند بزرگ توفیق و نگهداری از لغزش را خواستارم، و نیز می‌خواهم که به من در این راه مقاومت و یاری بخشد. و از خطای فکر پیش از خطای زبان، و از خطای سخن، پیش از لغزش قدم، به او پناه می‌برم. او مرا کفایت می‌کند و بهترین حافظ و باور است.

سنه ۴۰۰ هجری الشریف الرضی «ابو الحسن محمد بن حسین الطاهر ذو المناقب»

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۱

(۱۰۰۱)

#### خطبه‌ها

#### اشاره

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۳

#### ترجمه خطبه ۱

#### اشاره

(امام علیه السلام در این سخنرانی از آفرینش آسمان و زمین و آفرینش انسان یاد می‌کند)

#### ۱ عجز انسان از شناخت ذات خدا «۱»

سپس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند (۱۰۱۹- ۹۷۲)، و حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان (۱۰۲۴- ۱۰۲۰)، و تلاشگران از ادای حق او درمانده‌اند. (۱۰۲۹- ۱۰۲۵)
خدایی که افکار ژرف اندیش، ذات او را درک نمی‌کنند (۱۰۳۳- ۱۰۳۰) و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید. (۱۰۳۹- ۱۰۳۵)
پروردگاری که برای صفات او حدّ و مرزی وجود ندارد (۱۰۴۴- ۱۰۴۰)، و تعریف کاملی نمی‌توان یافت (۱۰۴۸- ۱۰۴۵) و برای خدا وقتی معین، و سر آمدی مشخص نمی‌توان تعیین کرد. (۱۰۵۶- ۱۰۴۹)
مخلوقات را با قدرت خود آفرید (۱۰۵۹- ۱۰۵۷)، و با رحمت خود باده‌ها را به حرکت در آورد (۱۰۶۳- ۱۰۶۰) و به وسیله کوه‌ها اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.

(۱۰۶۸- ۱۰۶۴)

#### ۲ دین و شناخت خدا «۲»

سر آغاز دین، خداشناسی است (۱۰۷۱- ۱۰۶۹)، و کمال شناخت خدا، باور داشتن، او (۱۰۷۶- ۱۰۷۲)، و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست؛ (۱۰۸۱- ۱۰۷۷) و کمال توحید (شهادت بر یگانگی خدا) اخلاص (۱۰۸۶- ۱۰۸۲)، و کمال انبلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است (۱۰۹۳- ۱۰۸۷)، زیرا هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف (۱۰۹۹- ۱۰۹۴)، و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است (۱۱۰۶- ۱۱۰۰)، پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده (۱۱۱۲- ۱۱۰۷)، ۳۰+ و با نزدیک کردن خدا به چیزی، دو خدا مطرح شده (۱۱۱۷- ۱۱۱۳) و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نموده (۱۱۲۲- ۱۱۱۸)؛ و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است. (۱۱۲۷- ۱۱۲۳) و کسی که خدا را نشناسد به سوی او اشاره می‌کند (۱۱۳۳- ۱۱۲۸) و هر کس به سوی خدا اشاره کند، او را محدود کرده (۱۱۳۴- ۱۱۳۴)، به شمارش آورده، (۱۱۴۴- ۱۱۴۰) و آن کس که بگوید «خدا در چیست؟» او را در چیز دیگری پنداشته است (۱۱۵۰- ۱۱۴۵)، و کسی که سیرسد «خدا بر روی چه چیزی قرار دارد؟» به تحقیق جایی را خالی از او در نظر گرفته است (۱۱۵۸- ۱۱۵۱)، در صورتی که خدا همواره بوده، و از چیزی به وجود نیامده است. (۱۱۶۲- ۱۱۵۹) (۱۱۶۶- ۱۱۶۳)
یا همه چیز هست، نه اینکه هشتن آنان باشد، و یا همه چیز فرق دارد نه اینکه از آنان جدا و بیگانه باشد. (۱۱۷۷- ۱۱۶۷)
انجام دهنده همه کارهاست، بدون حرکت و ابزار و وسیله (۱۱۸۳- ۱۱۷۸)، بنیاست حتی در آن هنگام که پدیده‌های وجود نداشت (۱۱۹۰- ۱۱۸۴)، بیگانه و تهافت، زیرا کسی نبوده تا با او انس گیرد، و با از فقدانش وحشت کند.

(۱۲۰۰- ۱۱۹۱)

#### ۳ راه‌های خدا شناسی

#### اول- آفرینش جهان

خلقت را آغاز کرد، و موجودات را بیافرید (۱۲۰۸- ۱۲۰۱)، بدون نیاز به فکر و اندیشه‌ای، یا استفاده از تجربه‌ای (۱۲۱۵- ۱۲۰۹)، بی آن که حرکتی ایجاد کند (۱۲۱۹- ۱۲۱۶)، و یا تصمیمی مضطرب در او راه داشته باشد. (۱۲۲۵- ۱۲۲۰)
برای پدید آمدن موجودات، وقت مناسبی قرار داد (۱۲۲۸- ۱۲۲۶)، و موجودات گوناگون را هماهنگ کرد (۱۲۳۲- ۱۲۲۹)، و در هر کدام، غریزه خاص خودش را قرار داد، و غزاتر از همه‌را آنان گردانید. (۱۲۳۸- ۱۲۳۳)
خدا پیش از آن که موجودات را بیافریند، از تمام جزئیات و جوانب آنها آگاهی داشت (۱۲۴۲- ۱۲۳۹)، و حدود و پایان آنها را می‌دانست،

(۱). اشاره به علم: اپیستمولوژی (EPISTEMOLOGY شناخت‌شناسی، معرفت‌شناسی)

(۲). اشاره به: پابیتی‌تسم (PIETYTHEISM) (یزدشناسی)

(۳). یعنی همتایی برای خدا تصور کرده است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۵

و از اسرار درون و بیرون پدیده‌ها، آشنا بود. (۱۲۵۰-۱۲۴۳) سپس خدای سبحان طبقات فضا را شکافت، و اطراف آن را باز کرد، و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید (۱۲۶۱-۱۲۵۱) و در آن آبی روان ساخت، آبی که امواج متلاطم آن شکسته بود، که یکی بر دیگری می‌نشتست، آب را بر بادی طرفانی و شکسته نهاد (۱۲۷۶-۱۲۶۲)، و باد را به باز گرداندن آن فرمان داد، و به نگهداری آب مسلط ساخت، و حد و مرز آن را به خوبی تعیین فرمود. (۱۲۸۶-۱۲۷۷) فضا را در زیر تند باد و آب را بر بالای آن در حرکت بود. (۱۲۹۵-۱۲۸۷) سپس خدای سبحان طوفانی ۲۰ بر انگیخت که آب را متلاطم ساخت (۱۳۰۱-۱۲۹۶) و امواج آب را بی در پی در هم کوبیدند. (۱۳۰۴-۱۳۰۲) طوفان به شدت وزید، و از نقطه‌ای دور دوباره آغاز شد. (۱۳۱۰-۱۳۰۵) سپس به طوفان امر کرد تا امواج دریاها را به هر سو روان کند (۱۳۱۸-۱۳۱۱) و بر هم کوبید (۱۳۲۱-۱۳۱۹) و با همان شدت که در فضا وزیدند داشت، بر امواج آب‌ها حمله‌ور گردد (۱۳۲۶-۱۳۲۲) از اول آن بر می‌داشت و به آخرش می‌ریخت، و ۴۰ آب‌های ساکن را به امواج سرکش بر گرداند. (۱۳۳۴-۱۳۲۷) تا آنجا که آب‌ها روی هم قرار گرفتند، و چون قلّه‌های بلند کوه‌ها بالا آمدند. (۱۳۴۱-۱۳۳۵) امواج تند کف‌های بر آمده از آب‌ها در هوای باز، و فضای گسترده بالا برد، که از آن هفت آسمان را پدید آورد (۱۳۵۲-۱۳۴۲) ۵۰ آسمان پایین را چون موج مهار شده (۱۳۵۶-۱۳۵۳)، و آسمان‌های بالا را مانند سقفی استوار و بلند فرار داد (۱۳۶۳-۱۳۵۷)، بی آن که نیازمند به ستونی باشد (۱۳۶۶-۱۳۶۴) یا میخ‌هایی که آنها را استوار کند. (۱۳۷۰-۱۳۶۷) آنگاه فضای آسمان پایین را به وسیله نور ستارگان درخشنده زینت بخشید (۱۳۷۷-۱۳۷۱) و در آن چراغی روشنایی بخش (خورشید)، و ماهی درخشان، به حرکت در آورد که همواره در مدار فلکی گردنده و بر قرار، و سقفی متحرک، و صفحه‌ای بی قرار، به گردش خود ادامه دهند.

(۱۳۷۸-۱۳۶۴)

#### دوم- شگفتی خلقت فرشتگان:

سپس آسمان‌های بالا را از هم گشود، و از فرشتگان گوناگون پر نمود. (۱۴۰۶-۱۳۹۵) گروهی از فرشتگان همواره در سجده‌اند و رکوع ندارند (۱۴۱۰-۱۴۰۷) و گروهی در رکوعند و یاری ایستادن ندارند (۱۴۱۴-۱۴۱۱) و گروهی در صف‌هایی ایستاده‌اند که پراکنده نمی‌شوند (۱۴۱۸-۱۴۱۵) و گروهی همواره تسبیح گویند و خسته نمی‌شوند (۱۴۲۲-۱۴۱۹) و هیچ گاه خواب به چشمان راه نمی‌یابد، و عقل‌های آنان دچار اشتباه نمی‌گردد (۱۴۳۰-۱۴۲۳)، بدن‌های آنان دچار سستی نشده، و آنان دچار بی‌خبری برخاسته از فراموشی نمی‌شوند. (۱۴۳۸-۱۴۳۱) برخی از فرشتگان، امینان وحی الهی، و زبان گویای وحی برای پیامبران می‌باشند (۱۴۴۷-۱۴۳۹)، که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند. (۱۴۵۲-۱۴۴۸) جمعی از فرشتگان حافظان بندگان (۱۴۵۶-۱۴۵۳)، و جمعی دیگر دربانان بهشت خداوندند. (۱۴۶۰-۱۴۵۷) بعضی از آنها پاهایشان در طبقات پایین زمین قرار دارند، و گردن‌هاشان از آسمان فراتر (۱۴۷۳-۱۴۶۱)، و ارکان وجودشان از اطراف جهان گذشته (۱۴۷۸-۱۴۷۴)، عرش الهی بر دوش‌هایشان استوار است (۱۴۸۳-۱۴۷۹)، برابر عرش خدا دیدگان به زیر انگنده (۱۴۸۶-۱۴۸۴)، و در زیر آن، پاهای را به خود پیچیده‌اند. (۱۴۸۹-۱۴۸۷) میان این دسته از فرشتگان با آنها که در مراتب پایین‌تری قرار دارند، حجاب عزت، و پرده‌های قدرت، فاصله انداخته است. (۱۵۰۰-۱۴۹۰) هرگز خدا را با وهم و خیال، در شکل و صورتی نمی‌بندارند (۱۵۰۴-۱۵۰۱)، و صفات پدیده‌ها را بر او روا نمی‌دارند (۱۵۱۰-۱۵۰۵)،

(۱). امام علیه السلام در این گفتار علمی به مراحل دقیق آفرینش اشاره کرد که خداوند بزرگ ابتدا هوا و سپس آب و آنگاه دیگر پدیده‌ها را آفرید. امروزه همه دانشمندان این حقیقت را قبول دارند که آب از اکسیژن و هیدروژن پدید آمده و آغاز آفرینش از هوا و توده بخار بوده است.

(۲). اعتقاد: یاد تندی که خشک و بی باران است.

(۳). اشاره به علم: سآلوزی (SEA LOGY) (دریا شناسی) و کیمیا تو لوزی (KYMATOLOGY) (موج شناسی)

(۴). محض الشفاء: زیر و رو کردن محتوای مشک.

(۵). اشاره به علم: اتمولوزی (بخار آب شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۷

هرگز خدا را در جایی محدود نمی‌سازند (۱۵۱۴-۱۵۱۱)، و نه با همانند آوردن، به او اشاره می‌کنند.

(۱۵۱۹-۱۵۱۵)

#### سوم- شگفتی آفرینش آدم علیه السلام و ویژگی‌های انسان کامل.

سپس خداوند بزرگ، خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد (۱۵۴۱-۱۵۲۰)، و با افزودن رطوبت، چسبناک گردید (۱۵۴۶-۱۵۴۲)، که از آن، اندامی شایسته، و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید (۱۵۵۷-۱۵۴۷) و آن را خشکانید تا محکم شد. خشکاندن را ادامه داد تا سخت شد (۱۵۶۴-۱۵۵۸) تا زمانی معین و سر انجامی مشخص، اندام انسان کامل گردید. (۱۵۶۹-۱۵۶۵) آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده در آمد (۱۵۷۵-۱۵۷۰)، دارای نیروی اندیشه، که وی را به تلاش استلزام (۱۵۷۹-۱۵۷۶) و دارای افکاری که در دیگر موجودات، تصرف نماید. (۱۵۸۳-۱۵۸۰) ۲۰ به انسان اعضاء و جوارحی بخشید، که در خدمت او باشند (۱۵۸۶-۱۵۸۴) و ایاری عطا فرمود، که آنها را در زندگی به کار گیرد. (۱۵۸۹-۱۵۸۷) قدرت تشخیص به او داد تا حق و باطل را بشناسد (۱۵۹۷-۱۵۹۰) ۳۰، و حواس چشایی، و بویایی، و وسیله تشخیص رنگ‌ها، و اجناس مختلف در اختیار او قرار داد. (۱۶۰۹-۱۵۹۸) انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون، و چیزهای همانند سازگار، و نیروهای متضاد، و مزاج‌های گوناگون، گرمی، سردی، تر، خشکی، قرار داد. (۱۶۲۶-۱۶۱۰) سپس از فرشتگان خواست تا آن چه در عهده دارند بدانند، و عهدی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، اینگونه که بر آدم سجده کنند، و او را بزرگ بشمارند (۱۶۴۴-۱۶۲۷)، و فرمود: «بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان» (۱۶۵۱-۱۶۴۵) فرور و خود بزرگ بینی او را گرفت و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد، و به آفرینش خود از آتش افتخار نمود، و آفرینش انسان از خاک را پست شمرد. (۱۶۶۵-۱۶۵۲) خداوند برای سزاوار بودن شیطان به خشم الهی، و برای کامل شدن آزمایش، و تحقق وعده‌ها، به او مهلت داد (۱۶۷۶-۱۶۶۶) و فرمود: «تا روز رستاخیز مهلت داده شدی».

(۱۶۸۴-۱۶۷۷)

#### چهارم- آدم علیه السلام و داستان بهشت

سپس خداوند آدم را در خانه‌ای مسکن داد که زندگی در آن گوارا بود. جایگاه او را امن و امان بخشید و او را از شیطان و دشمنی او ترساند. (۱۷۰۱-۱۶۸۵) پس شیطان او را فریب داد، بدان علت که از زندگی آدم در بهشت و هم نشینی او با نیکان حسادت ورزید. (۱۷۱۰-۱۷۰۲) پس آدم علیه السلام یقین را به تردید، و عزم استوار را به گفته‌های ناپایداری شیطان فروخت (۱۷۱۶-۱۷۱۱) و شادی خود را به ترس تبدیل کرد، که فریب خوردن برای او بیشمائی آورد (۱۷۲۳-۱۷۱۷) آنگاه خدای سبحان در توبه را بر روی آدم گشود و کلمه رحمت، بر زبان او جاری ساخت و به او وعده بازگشت به بهشت را داد. (۱۷۳۹-۱۷۲۴) آنگاه آدم را به زمین، خانه آزمایش‌ها و مشکلات، فرود آورد، تا ازدواج کند، و فرزندان پدید آورد (۱۷۴۷-۱۷۴۰)، و خدای سبحان از فرزندان او پیامبرانی برگزید.

(۱). اشاره به علم: آنترپولوژی (ANTHROPOLOGY) (انسان شناسی)

(۲). ماجرای آفرینش انسان به گونه‌ای مستقل و همدفتر مطرح شده که تکامل و پیدایش تدریجی و قانونمندان را قبول دارد اما تبسّل انواع و نظریه‌های «اروینیسم» و «الامارکیسم» و باز سازی شده آن را قبول ندارد، نظریه‌هایی که امروز نیز از دروس دانشگاهی مهم دنیا حذف گردیده است و با انقلابی که در علم ژنتیک و کروموزم شناسی پدید آمده بیشتر به عمق کلام امام آشنا شده‌اند.

(۳). اثبات امکان شناخت و ردّ تفکر نهیلیسم و پوچ‌گرایی که شناخت را ممکن نمی‌دانند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۹

#### ۴- فلسفه بخت پیامبران (نبوت عاتنه)

خدا پیمان وحی را از پیامبران گرفت (۱۷۵۹-۱۷۶۸) تا امانت رسالت را به مردم برسانند، آنگاه که در عصر جاهلیت‌ها بیشتر مردم، پیمان خدا را نادیده انگاشتند و حق پروردگار را نشناختند و برابر او به خدایان دروغین روی آوردند (۱۷۷۷- ۱۷۶۰)، و شیطان مردم را از معرفت خدا باز داشت و از پرستش او جدا کرد (۱۷۸۶- ۱۷۷۸)، خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود، و هر چندگاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را بی در پی اعزام کرد (۱۷۹۳- ۱۷۸۷) تا وفاداری به پیمان فطرت ۱۰ را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند (۱۸۰۰- ۱۷۹۴) و با ابلاغ احکام الهی، خحت خدا را بر آنها تمام نمایند (۱۸۰۴- ۱۸۰۱) و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند (۱۸۰۹- ۱۸۰۵) و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند (۱۸۱۳- ۱۸۱۰)، مانند:

سقف بلند پایه آسمان‌ها بر فراز انسان‌ها، گاهواره گسترده زمین در زیر پای آنها، و وسائل و عوامل حیات و زندگی، و راه‌های مرگ و مردن (۱۸۱۷- ۱۸۱۴)، و مشکلات و رنج‌های پیرکننده، و حوادث بی در پی، که همواره بر سر راه آدمیان است. (۱۸۳۴- ۱۸۲۸) خداوند هرگز انسان‌ها را بدون پیامبر، یا کتابی آسمانی، یا برهانی قاطع، یا راهی استوار، رها نساخته است (۱۸۵۲- ۱۸۳۵)، پیامبرانی که با اندک بودن یارانه، و فراوانی انکارکنندگان، هرگز در انجام وظیفه خود کوتاهی نکردند. (۱۸۶۳- ۱۸۵۳) بعضی از پیامبران، بشارت ظهور پیامبر آینده را دادند و برخی دیگر را پیامبران گذشته معرفی کردند. (۱۸۷۴- ۱۸۶۴) بدین گونه قرن‌ها پدید آمد، و روزگاران سیری شد (۱۸۸۱- ۱۸۷۵)، پدران رفتند و فرزندان جای آنها را گرفتند.

(۱۸۸۷- ۱۸۸۲)

#### ۵- فلسفه بخت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم

تا این که خدای سبحان، برای وفای به وعده خود، و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمّد (که درود خدا بر او باد) را مبعوث کرد، پیامبری که از همه پیامبران پیمان پذیرش نبوت او را گرفته بود، نشانه‌های او شهرت داشت (۱۹۰۹- ۱۸۸۸)، و تولّدش بر همه مبارک بود. در روزگاری که مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون، و روش‌های متفاوت بودند (۱۹۲۳- ۱۹۱۰): عده‌ای خدا را به پدیده‌ها تشبیه کرده و گروهی نام‌های ارزشمند خدا را انکار و به بت‌ها نسبت می‌دادند (۱۹۳۱- ۱۹۲۴)، و برخی به غیر خدا اشاره می‌کردند. (۱۹۳۵- ۱۹۲۳) پس خدای سبحان، مردم را به وسیله محمد صلی الله علیه و آله و سلم از گمراهی نجات داد و هدایت کرد، و از جهالت رهایی بخشید. (۱۹۴۴- ۱۹۳۶) سپس دیدار خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر گزید، و آنچه نزد خود داشت برای او پسندید (۱۹۵۵- ۱۹۴۵) و او را با کوچک دادن از دنیا گرامی داشت، و گرفتاری‌ها و مشکلات رهایی بخشید و کریمانه فیض روح کرد.

(۱۹۷۰- ۱۹۵۶)

#### ۶- ضرورت امانت پس از پیامبران الهی

رسول گرامی اسلام، در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت‌های خود برگزیدند (۱۹۷۸- ۱۹۷۱)، زیرا آنها هرگز انسان‌ها را سرگردان رها نکردند و بدون معرفی راهی روشن و

(۱) چون انسان از نظر روان و فطرت خدا جوست، و در روانشناسی امروز نیز بعد مذهبی را یکی از ابعاد وجودی روح آدمی پذیرفته‌اند، اگر مواعنی نباشد، انسان از نظر روان و فطرت به خدا گرایش دارد و خدا را در همه جا می‌جوید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۱

نشانه‌های استواره، از میان مردم نرفتند (۱۹۸۹- ۱۹۷۹) ۱۰.

#### ۷- ویژگی‌های قرآن و احکام اسلام

کتاب پروردگار میان شماسنت (۱۹۹۶- ۱۹۹۰)، که بیان‌کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، میثاق و ممنوع، خاصّ و عام، پنדהا و منل‌ها، مطلق و مقترّد، محکم و متشابه می‌باشد، عبارات مجمل خود را تفسیر، و نکات پیچیده خود را روشن می‌کند (۲۰۳۳- ۱۹۹۷)، از واجباتی که بیسان شناسایی آن را گرفت و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست. (۲۰۴۳- ۲۰۳۴) قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده (۲۰۵۴- ۲۰۴۴)، ۲۰، و بعضی از آن، در سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است (۲۰۶۴- ۲۰۵۵)، و بعضی از واجبات، وقت محدودی داشته که در آینده از بین رفته است. (۲۰۷۲- ۲۰۶۵) ۳۱ محرمات الهی از هم جدا می‌باشند، برخی از آنها، گناهان بزرگ است که وعده آتش دارد و بعضی کوچک که وعده بخشش داده است (۲۰۸۶- ۲۰۷۳)، و برخی از اعمال که اندکش مقبول و در انجام بیشتر آن آزادند.

(۲۰۹۴- ۲۰۸۷)

#### ۸- فلسفه و راه آورد حج

خدا حج را خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان‌خانه‌ای که آن را قبله‌گاه انسان‌ها قرار داده (۲۱۰۹- ۲۰۹۵) که چونان تشنگان به سوی آن روی می‌آورند، و همانند کیوتران به آن پناه می‌برند. (۲۱۱۷- ۲۱۱۰) خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد (۲۱۲۶- ۲۱۱۸) و در میان انسان‌ها، شونددگانی را برگزید که دعوت او را برای حج، اجابت کنند (۲۱۳۴- ۲۱۲۷) و سخن او را تصدیق نمایند و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند. همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند (۲۱۴۶- ۲۱۳۵)، و سوده‌های فراوان در این عبادتگاه و محل تجارت زائران به دست آورند و به سوی وعده‌گاه آمرزش الهی بشتابند. (۲۱۵۶- ۲۱۴۷) خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا و برای پناهندگان، خانه امن و امان قرار داد (۲۱۶۵- ۲۱۵۷)، ادای حق آن را واجب کرد و حج بیت الله را واجب شمرد و بر همه شما انسانها مقرر داشت که به زیارت آن بروید (۲۱۷۴- ۲۱۶۶)، و فرمود: آن کس که توان رفتن به خانه خدا را دارد، حج بر او واجب است و آن کس که انکار کند، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

(۲۱۹۴- ۲۱۷۵)

(۱). اشاره به حکومت تنوکراسی (THEOCRACY) (حکومت مذهبی)

(۲). مانند آیه ۱۵ سوره نسا: «وَالَّذِينَ يَأْتِيَنِ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ، (زنان بد کاره را در خانه‌ها زندانی کنید تا بمیرند) این حکم برداشته شده، و طلاق و رجوع جای آن را گرفته است.

(۳). مانند دستور نماز خواندن به طرف بیت المقدّس که موقتی بود و با آیه ۱۴۴ بقره حکم آن بر داشته شده و نماز به سوی کعبه واجب گردید قَوْلُ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ».

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۳

(۱۰۰۲)

#### ترجمه خطبه ۲

#### اشاره

(پس از بازگشت از نبرد صفین ۱۰، در سال ۳۸ هجری ایراد فرمود)

#### ۱ ستایش پرورده‌کار

ستایش می‌کنم خداوند او را، برای تکمیل نعمت‌های او و تسلیم بودن برابر بزرگی او و ایمن ماندن از نافرمانی او. (۲۲۱۷- ۲۱۹۵) و در رفع نیازها از او یاری می‌طلبم (۲۲۲۲- ۲۲۲۸)؛ زیرا آن کس را که خدا هدایت کند، هرگز گمراه نگردد، و آن را که خدا دشمن دارد، هرگز نجات نیابد و هر آن کس را که خداوند بی نیاز گرداند، نیازمند نخواهد شد. (۲۲۴۷- ۲۲۳۳) پس ستایش خداوند سنگ‌ترین چیز است، و برترین گنجی است که ارزش ذخیره شدن دارد (۲۲۵۵- ۲۲۴۸)، و گواهی می‌دم که جز خدای یکتای بی شریک، معبودی نیست، شهداتی که اخلاص آن آزموده و پاکی و خلوص آن را باور داریم و تا زنده‌ایم بر این باور استواریم، و آن را برای صحنه‌های هولناک روز قیامت ذخیره می‌کنیم (۲۲۸۱- ۲۲۵۶)، زیرا شهادت به یگانگی خدا، نشانه استواری ایمان، بازکننده درهای احسان، مایه خشودی خدای رحمان، و دورکننده شیطان است.

(۲۲۹۳- ۲۲۸۲)

#### ۲ ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده خدا و فرستاده اوست. خداوند او را با دینی آشکار، و نشانه‌ای پایدار و قرآنی نوشته شده و استوار و نوری درخشان و جرافی تابان و فرمانی آشکار کننده فرستاد (۲۳۱۸– ۲۲۹۴) تا شک و تردیدها را ناپود سازد و با دلائل روشن استدلال کند،<sup>۲۰</sup> و با آیات الهی مردم را برهیز دهد، و از کفرهای الهی بترساند.

(۲۳۲۹– ۲۳۱۹)

#### ۳ شناخت عصر جاهلیت

خدا پیامبر اسلام را زمانی فرستاد که مردم در فتنه‌ها گرفتار شده، رشته‌های دین پاره شده و ستون‌های ایمان و یقین ناپایدار بود. در اصول دین اختلاف داشته، و امور مردم پراکنده بود، راه رهایی دشوار و پناهگاهی وجود نداشت (۲۳۵۳– ۲۳۳۰)، چراغ هدایت بی نور، و کور دلی همگان را فرا گرفته بود. (۲۳۵۸– ۲۳۵۴)
خدای رحمان معصیت می‌شد و شیطان یاری می‌گردید، ایمان بدون یاور مانده و ستون‌های آن ویران گردیده و نشانه‌های آن انکار شده، راه‌های آن ویران و جاده‌های آن کهنه و فراموش گردیده بود. (۲۳۷۷– ۲۳۵۹) مردم جاهلی شیطان را اطاعت می‌کردند و به راه‌های او می‌رفتند و در آتشخور شیطان سیراب می‌شدند. (۲۳۸۴– ۲۳۷۸)
با دست مردم جاهلیت، نشانه‌های شیطان، آشکار و پرچم او برافراشته گردید. (۲۳۹۰– ۲۳۸۵) فتنه‌ها، مردم را لگد مال کرده و با سم‌های محکم خود نابودشان کرده و پا بر جا ایستاده بود. (۲۴۰۱– ۲۳۹۱)
انا مردم حیران و سرگردان، بی خبر و فریب خورده، در کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی می‌کردند. (۲۴۱۳– ۲۴۰۲) خواب آنها بیداری، و سرمه چشم آنها اشک بود، در سرزمینی که دانشمند آن لب فرو بسته و جاهل گرامی بود.

(۲۴۲۴– ۲۴۱۴)

- صفتین سرزمینی نزدیک ارقه، و پالس، بر کرانه رود فرات که در آنجا جنگ صفتین در صفر سال ۳۷ هجری بین امام علی علیه السلام و شامیان رخ داده است. (معجم البلدان)
- نقی تفکر دگماتیسم(DOGMATISM) پذیرش بدون دلیل و برهان) در سراسر نهج البلاغه در واژه‌های حجج، دلیل، برهان، این حقیقت را طرح می‌فرماید که انسان با دلیل و برهان می‌باید چیزی را پذیرفته یا انکار کند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۵

#### ۴ ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام

عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی، و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خدایند (۲۴۵۱– ۲۴۲۵) خدا به وسیله اهل بیت علیهم السلام پشت خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت.

(۲۴۵۹– ۲۴۵۲)

#### ۵ سبمای فاسدان

برابر فاسدانی که تخم گناه افشانند، و با آب غرور و فریب آبیاری کردند، و محصول آن را که جز عذاب و بدبختی نبود برداشتند!

(۲۴۷۲– ۲۴۶۰)

#### ۶ جایگاه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

کسی را با خاندان رسالت نمی‌شود مقایسه کرد و آنان که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند با آنان برابر نخواهند بود. (۲۴۹۰– ۲۴۷۳)
عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اساس دین، و ستون‌های استوار یقین می‌باشند. (۲۴۹۶– ۲۴۹۱)
شناپ کتنده، باید به آنان باز گردد و عقب مانده باید به آنان بیبوند (۲۵۰۳– ۲۴۹۷)؛ زیرا ویژگی‌های حقّ ولایت به آنها اختصاص دارد و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به خلافت مسلمان و میراث رسالت، به آنها تعلّق دارد. (۲۵۱۳– ۲۵۰۴)
هم اکنون (که خلافت را به من سپردید) حق به اهل آن بازگشت، و دوباره به جایگاهی که از آن دور مانده بود، باز گردانده شد.

(۲۵۲۳– ۲۵۱۴) (۱۰۰۳)

#### ترجمه خطبه ۳

#### اشاره

(معروف به خطبه ششقیته که درد دل‌های امام علیه السلام از ماجرای سقیفه و غضب خلافت در این خطبه مطرح است.)<sup>۱۰</sup>

#### ۱ شکوه از ایا بکر و غضب خلافت

آگاه باشید! به خدا سوگند! ایا بکر، جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. (۲۵۶۳– ۲۵۲۴)
او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است، و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندی ارزش من نتوانند پرواز کرد. (۲۵۷۱– ۲۵۶۴)
پس من ردای خلافت رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره گیری کردم (۲۵۷۸– ۲۵۷۲) و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پاخیزم؟ یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه سازم؟ (۲۵۹۱– ۲۵۷۹)
که پیران را فرسوده، جوانان را پیره، و مردان با ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می‌دارد! (۲۶۰۵– ۲۵۹۲)
پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. (۲۶۱۳– ۲۶۰۶)
پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود. (۲۶۲۲– ۲۶۱۴)
و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند!

(۲۶۲۵– ۲۶۲۳)

#### ۲ بازی ایا بکر با خلافت

تا اینکه خلیفه اولک، به راه خود رفت و خلافت را به پسر خطاب سپرد. (۲۶۳۴– ۲۶۲۶)
سیس امام مثلی را با شعری از اعشی عنوان کرد:
<sup>۱۱</sup>
ما با برادر جابر، «حیان» چه شباهتی است؟
(من همه روز را در گرمای سوزان کار کردم و او راحت و آسوده در خانه بود.)
(۲۶۴۸– ۲۶۳۵)
شگفتا! ایا بکر که در حیات خود از مردم می‌خواست عذرش را بپذیرند،<sup>۱۲</sup> چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری در آورد؟<sup>۱۳</sup>
(۲۶۶۰– ۲۶۴۹)
هر دو از شتر خلافت سخت

- این ختّاب می‌گوید: به خدا قسم این خطبه را در کتابهایی مطالعه کردم که ۲۰۰ سال قبل از تولّد سید رضی قدس سره نوشته شده بود. (شرح ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۰۶ و القدیر ج ۷ ص ۸۲)
- اعشی لقب ابو بصیر، میمون بن قیس است.
- ایا بکر، یارها می‌گفت: «ایلیونی فلسط بخیرکم» (مرا رها کنید، و از خلافت معذور دارید زیرا من بهتر از شما نیستم)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۷

دوشیدند و از حاصل آن بهره‌مند گردیدند.

(۲۶۶۴– ۲۶۶۱)

#### ۳ شکوه از عمرو ماجرای خلافت:

سرانجام اولی حکومت را به راهی در آورد، و به دست کسی (عمر) سپرد که مجموعه‌ای از خنوت، سخنگیری، اشتباه و پوزش طلبی بود (۲۶۸۰– ۲۶۶۵)
زمانمدار مانند کسی که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کند، پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود، و اگر آزادش گذارد، در پرتگاه سقوط می‌کند. (۲۶۹۲– ۲۶۸۱)
سوگند به خدا! مردم در حکومت دومی، در ناراحتی و رنج مهمی گرفتار آمده بودند، و دچار دو رویی‌ها و اعتراض‌ها شدند. (۲۷۰۳– ۲۶۹۳)، و من در این مدت طولانی محتذّران و عذاب آور، چاره‌ای جز شکیبایی نداشتم (۲۷۱۰– ۲۷۰۴)، تا آن که روزگار عمر هم سپری شد. <sup>۱۱</sup>

#### ۴ شکوه از نورای عمر:

<sup>[1]</sup> نهج البلاغه — 400

سپس عمر خلافت را در گروهی از قرار داد که پنداشت من همسنگ آنان می‌باشم!! (۲۷۲۰–۲۷۱۱) پناه بر خدا از این شورا! در کدام زمان در برابر شخص اژلشان در خلافت مورد تردید بودم، تا امروز با اعضای شورا برابر شوم؟ که هم اکنون مرا همانند آنها پندارند؟ و در صف آنها قرارم دهند؟ (۲۷۳۷–۲۷۲۱) ناچار باز هم کوتاه آمدم، و با آنان هماهنگ گردیدم. (۲۷۳۸–۲۷۳۵) یکی از آنها با کینه‌ای که از من داشت روی پر نافت، ۲۱ و دیگری دامادش ۳۱ را بر حقیقت برتری داد و آن دو نفر دیگر که زشت است آوردن نامشان (۲۷۵۷–۲۷۴۶) ۴۱.

**۵۵ شوه از خلافت عثمان:**

تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلویش از پرخوری باد کرده، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود (۲۷۶۸–۲۷۵۸)، و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پاخاستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه‌ای که بجان گیاه بهاری بینند (۲۷۸۰–۲۷۶۹)، ۵۱ عثمان آقندر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت، و شکم بارگی او نابودش ساخت.

(۲۷۹۳–۲۷۸۱)

**۵۶ بیعت عمومی مردم با امیر المؤمنین علیه السلام:**

روز بیعت، فراوانی مردم چون پال‌های پر پشت گفتار ۶۶ بود، از هر طرف مرا احاطه کردند (۲۸۰۸–۲۷۹۴)، تا آن که نزدیک بود حسن و حسین علیه السلام لگد مال گردند، ۷۱ و ردای من از دو طرف پاره شد. (۲۸۱۵–۲۸۰۹) مردم چون گله‌های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. (۲۸۱۹–۲۸۱۶) انا آنگاه که به پاخاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند ۸۱ و گروهی از اطاعت من سرباز زده و از دین خارج شدند، ۹۱ و برخی از اطاعات حق سر بر نافتند (۲۸۳۰–۲۸۲۰)، ۱۰۱ گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید: «سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آیندۀ از آن برهیزکاران است» (۲۸۵۲–۲۸۳۱) آری! به خدا! آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند، اما دنیا در دیده آنها زبیا نمود، و زیور آن چشم‌هایشان را خیره کرد.

(۲۸۶۸–۲۸۵۳)

- (۱) ابا بکر در سال ۱۱ هجری بخلافت رسید و در جمادی الآخر سال ۱۳ هجری درگذشت و عمر در سال ۱۳ هجری به خلافت رسید و در ذی الحجهٔ سال ۲۳ هجری از دنیا رفت.
- (۲) سعد بن ابی وقاص که یکی از شورای شش نفره بود.
- (۳) عبد الرحمن بن عوف، شوهر خواهر عثمان، که حق «تو» در شورا داشت. زیرا عمر دستور داد اگر اخلاقی در شورا پدید آمد، ملائک، رأی داماد عثمان است، با اینکه طبق اعتراف دانشمندان اهل سنت، عمر در دوران حکومت خود بارها اعتراف کرد که: «لو لا علی لهلک عمر» (اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد.) «الغدیر، ج ۳، ص ۹۷،
- (۴) طلحه و زبیر، که از رذالت و پستی، بر امام شوریدند و جنگ جمل را به وجود آوردند.
- (۵)– به پاورقی خطبه ۴۳ مراجعه شود.
- (۶) گفتار، حیوانی که فراوانی پشم گردن او ضرب الملل بوده و اگر می‌خواستند فراوانی چیزی را بگویند با نام موهای یال گفتار مطرح می‌کردند.
- (۷)– برخی از شارحان «الحسنان» را دو انگشت شصت یا گرفته‌اند مثل ابن ابی الحدید، و به نقل از قطب راوندی. امام در سال ۳۵ هجری بخلافت رسید و در سال ۴۰ هجری شهید شد.
- (۸) تاکنین (اصحاب جمل) مانند: طلحه و زبیر.
- (۹) مازنین (خوارج) به رهبری حرقوص پسر زهیر که به «ذو اللذیه» مشهور بود و جنگ نهروان را پدید آورد.
- (۱۰) قاسطین، معاویه و یاران او که جنگ صفین را بر امام تحمیل کردند.

نهج البلاغهٔ ترجمه دشتی، ص: ۴۹

**۵۷ سؤولیت‌های اجتماعی**

سوگنده به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حکمت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم، و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی ارزش‌تر است (۲۹۱۸–۲۸۶۹) ۱۱۰.

گفتند: در اینجا مردی از اهلای عراق بلند شد و نامی به دست امام علیه السلام داد و امام علیه السلام آن را مطالعه می‌فرمود، گفته شد، مسایلی در آن بود که می‌بایست جواب می‌داد. وقتی خوانند نامه به پایان رسید، ابن عباس گفت یا امیر المؤمنین! چه خوب بود سخن را از همان جا که قطع شد آغاز می‌کردید؟ امام علیه السلام فرمود:

هرگز! ای پسر عباس، شعله‌ای از آتش دل بود، زیانه کشید و فرو نشست (۲۹۷۳–۲۹۱۹)، ۱۲۱ این عباس می‌گوید، به خدا سوگند! بر هیچ گفتاری مانند قطع شدن سخن امام علیه السلام این گونه اندوهاک نشدم، که امام نتوانست تا آنجا که دوست دارد به سخن ادامه دهد. (۲۹۹۵–۲۹۷۴)

۱۰ می‌گویم: (معنای سخن امام علیه السلام که فرمود،

کراکب الضعیة،

این است که اگر سوار کار مهار شتر سرکش را سخت بکنند، و مرکب چموشی نافرمانی کند، بینی او پاره می‌شود، و اگر مهارش را رها کند، چموشی کرده در پرتگاه سقوط قرار می‌گیرد و صاحبش قدرت کنترل او را ندارد. می‌گویند «اشق الناقه» یعنی یوسله مهار، سر شتر را بالا بکشد و «اشقها» نیز می‌گویند که ابن سکیت در کتاب اصلاح المنطق گفته است. اینکه فرمود

«اشق لها،

و فرمود «اشقها» برای آنکه این کلمه را مقابل

«السلس لها،

قرار داد، گویی فرموده باشد که اگر سر او را بالا کشد. یعنی آن را واگذارد تا سر خود را بالا نگاه دارد).

(۱۰۰۴)

**ترجمه خطبه ۴**

**اشاره**

گفته شد که پس از فتح بصره در سال ۳۶ هجری و کشته شدن طلحه و زبیر ایراد فرمود)

**۱۱ ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام:**

شما مردم به وسیله ما، از تاریکی‌های جهالت نجات یافته و هدایت شدید، و به کمک ما، به اوج ترقی رسیدید. (۳۱۲۲–۳۰۸۶) صبح سعادت شما با نور ما درخشید (۳۱۲۷–۳۱۲۳)، کرامت گوش‌ی که بانگ بلند پندها را نشنود (۳۱۳۲–۳۱۲۸)، و آن کس را که فریاد بلند، کرد، کند، آوای نرم حقیقت چگونه در او اثر خواهد کرد؟ (۳۱۳۹–۳۱۳۳) قلبی که از ترس خدا لرزان است، همواره پایدار و با اطمینان باد. (۳۱۴۴–۳۱۴۰) من همواره منظر سرانجام جله‌گری شما مردم بصره بودم، و نشانه‌های قریب خوردگی را در شما می‌نگریستم. (۳۱۵۴–۳۱۴۵) نظاهر به دینداری شما، پرده‌ای میان ما کشید ولی من با صفای باطن درون شما را می‌خواندم. (۳۱۶۳–۳۱۵۵)

**۲ ویژگی‌های امام علی علیه السلام:**

من برای وا داشتن شما به راه‌های حق، که در میان جاذبه‌های گمراه کننده بود، به پاخاستم در حالی که سر گردان بودید و راهنمایی نداشتید نشئه کام هر چه زمین را می‌کندید قطره آبی نمی‌یافتید (۳۱۸۱–۳۱۶۴)، ۱۳۱ امروز زیان بسته را به سخن می‌آورم. (۳۱۸۷–۳۱۸۲) دور باد رأی کسی که با من مخالفت کند! (۳۱۹۲–۳۱۸۸) از روزی که حق به من نشان داده شد، هرگز در آن شک و تردید نکردم! (۳۱۹۸–۳۱۹۳) کناره گیری من چونان حضرت موسی علیه السلام برابر ساحران است که بر خویش بیمناک نبود،

<sup>[1]</sup> نفی سکولاریسم (SECLARISM) تفکر جدائی دین از سیاست) و اثبات تئوکراسی (THEOCRACY)حکومت مذهبی)

(۲). شش‌شنبه هدرت: ضرب المثل است. (شش‌شنبه، چیزی شبه یادکنک که به هنگام خشم شتر، از زیر گلوی او بیرون می‌زند و پس از آرام گرفتن ناپدید می‌گردد) پیام این ضرب المثل همان است که در ترجمه آوردیم.

(۳). ضرب المثل کنایه از تلاش بی‌بوده است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۱

ترس او برای این بود که مبادا جاهلانی بی‌روز شده و دولت گمراهان حاکم گردد. (۳۲۱۳- ۳۱۹۹) امروز ما و شما بر سر در راهی حق و باطل قرار داریم (۳۲۲۰- ۳۲۱۴)، آن کس که به وجود آب اطمینان دارد نشسته نمی‌ماند.

(۳۲۲۵- ۳۲۲۱) (۱۰۰۵)

#### ترجمه خطبه ۵

##### اشاره

(پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ماجرای سقیفه، عباس و ابو سفیان، پیشنهاد خلافت داده که با امام علیه التّیلام بیعت کنند)

##### ا راه‌های برهیز از قته‌ها

ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات ۱۱۰ درهم بشکنید (۳۲۷۹- ۳۲۲۶)، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید (۳۲۸۴- ۳۲۸۰)، و تاج‌های فخر و برتری جویی را بر زمین نهید (۳۲۸۸- ۳۲۸۵)، رستگار شد آن کس که با باران به باخاست، یا کناره گیری نمود و مردم را آسوده گذاشت. (۳۲۹۵- ۳۲۸۹) این گونه زمامداری ۲۰ه، چون آبی بد مزه، و لقمه‌ای گلوگیر است (۳۳۰۳- ۳۲۹۶)، و آن کس که میوه را کال و نارس بچیند، مانند کشاورزی است که در زمین دیگری بکارد.

(۳۳۱۲- ۳۳۰۴)

##### ۲ فلسفه سکوت

در شرایطی قرار دارم که اگر سخن بگویم، می‌گویند بر حکومت حریص است (۳۳۲۱- ۳۳۱۳)، و اگر خاموش باشم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسید!! (۳۳۲۸- ۳۳۲۲) هرگز! من و ترس از مرگ؟! پس از آن همه جنگ‌ها و حوادث ناگوار؟! (۳۳۳۳- ۳۳۲۹) سوگند به خدا، انس و علاقه فرزند ابی طالب به مرگ در راه خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است! (۳۳۴۴- ۳۳۳۴) این که سکوت برگزیده‌ام، از علوم و حوادث بنهانی آگاهی دارم که اگر باز گویم مضطرب می‌گردید، چون لرزیدن ریسمان در جاهای عتیق!.

(۳۳۵۸- ۳۳۴۵) (۱۰۰۶)

#### ترجمه خطبه ۶

##### اشاره

(در سال ۳۶ هجری در شهر مدینه آن گاه که از امام خواستند طلحه و زبیر را تعقیب نکنند، فرمود)

##### آگاهی و معلومیت امام علیه السلام

به خدا سوگند! از آگاهی لازمی برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم (۳۳۹۱- ۳۳۵۹) (۳۳۹۲- ۳۳۹۱)، ۴۰ که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند (۳۳۹۹- ۳۳۹۶) و با نیرنگ دستگیرم نمایند. (۳۴۰۲- ۳۴۰۰) من همواره با یاری انسان حق طلب، بر سر آن کس می‌گویم که از حق روی گردان است،

(۱). اشاره است به حدیث معروف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «مثل اهل بیت من همانند کشتی نجات است».

(۲). زمامداری پیشنهادی ابو سفیان!!

(۳). ضعیف، یعنی «کفتاره» که در اغفال شدن ضرب المثل بود، با سر و صداهایی که شکارچیان بوجود می‌آوردند سر در لانه فرو برده، از خطرات پیرامون خود غافل می‌شد و به خواب می‌رفت و شکار می‌گردید، سپس ضرب المثل برای انسان بی اطلاع گردید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۳

و با یاری فرمانبرداران مطیع، نافرمانان اهل تردید را درهم می‌شکنم، تا آن روز که دوران زندگانی من به سر آید. (۳۴۴۰- ۳۴۳۰) پس سوگند به خدا، من همواره از حق خویش محروم ماندم، و از هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا امروز حق مرا از من باز داشته و به دیگری اختصاص دادند.

(۳۴۴۱- ۳۴۴۱) (۱۰۰۷)

#### ترجمه خطبه ۷

##### شناخت پیروان شیطان

منصرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند (۳۴۵۴- ۳۴۴۲)، و شیطان نیز آنها را دام خود قرار داد (۳۴۵۸- ۳۴۵۵) و در دل‌های آنان تخم گنبدار (۳۴۶۳- ۳۴۵۹)، و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد. (۳۴۶۹- ۳۴۶۴) با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت. (۳۴۷۴- ۳۴۷۰) پس با یاری آنها بر مرکب گمراهی سوار شد (۳۴۷۷- ۳۴۷۵) و کردهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد (۳۴۸۱- ۳۴۷۸)، مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است (۳۴۸۸- ۳۴۸۲) و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید.

(۳۴۹۳- ۳۴۸۹) (۱۰۰۸)

#### ترجمه خطبه ۸

##### اشاره

(در این سخنان ارزشمند در سال ۳۶ هجری به بیعت زبیر، اشاره دارد)

##### بیعت شکنی زبیر

زبیر، می‌بندارد با دست بیعت کرد نه با دل (۳۵۲۰- ۳۴۹۴)، ۱۰۰ پس به بیعت با من اقرار کرده ولی مدعی انکار بیعت با قلب است (۳۵۲۶- ۳۵۲۱)، بر او لازم است بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد (۳۵۳۰- ۳۵۲۷)، یا به بیعت گذشته باز گردد.

(۳۵۳۶- ۳۵۳۱) (۱۰۰۹)

#### ترجمه خطبه ۹

##### شناخت طلحه و زبیر (و اصحاب جمل)

چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند (۳۵۵۷- ۳۵۳۷)، اما کاری از پیش نبردند و سر انجام سست گردیدند! (۳۵۶۲- ۳۵۵۸) ولی ما این گونه نیستیم، تا عمل نکنیم، رعد و برقی نداریم (۳۵۶۷- ۳۵۶۳)، و تا تباریم سیل جاری نمی‌سازیم.

(۳۵۷۲- ۳۵۶۸)

(۱). در روز بیعت، طلحه و زبیر، در پیشاپیش مردم فریاد بیعت، بیعت، سر می‌دادند. وقتی زبیر دست امام را گرفت تا بیعت کند، امام به او فرمود «می‌ترسم که بیعت خود را بشکنی و بی وفا گردی!» نظر امام درست بود، پس از زمان کوتاهی طلحه و زبیر به شورشیان پیوستند و با امام در جنگ جمل جنگیدند، در صورتیکه مادر زبیر بن عوام، صنیعه عمه امام علی علیه السلام بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۵

(۱۰۱۰)

#### ترجمه خطبه ۱۰

##### آگاهی امام علیه السلام برای مقابله با اصحاب جمل



آگاه باشید که شیطان «۱» حزب خود را جمع کرده (۳۵۹۱-۳۵۷۳)، و سواره و پیاده‌های لشکر خود را فراخوانده است! (۳۵۹۶-۳۵۹۲) این من آگاهی لازم به امور را دارم (۳۶۰۰-۳۵۹۷)، نه حق را پوشیده داشتنم؛ و نه حق بر من پوشیده ماند (۳۶۰۸-۳۶۰۱) سوگند به خدا، گردایی برای آنان به وجود آورم که جز من کسی نتواند آن را چاره سازد (۳۶۱۶-۳۶۰۹)، آنها که در آن فرق شوند، هرگز نتوانند بیرون آیند، و آنان که بگریزند، خیال بازگشت نکنند. (۳۶۲۳-۳۶۱۷) (۱۰۱۱)

#### ترجمه خطبه ۱۱

##### اشاره

(در جنگ جمل سال ۳۶ هجری روز پنجم ۱۵ جمادی الآخر هنگام دادن پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه فرمود) ۲۱

##### آموزش نظامی

اگر کوه‌ها از جای کنده شوند، تو ثابت و استوار باش (۳۶۲۲-۳۶۲۴)، دندان‌ها را برهم به فشار (۳۶۴۵-۳۶۴۳)، کاسه سرت را به خدا عاریت ده (۳۶۴۸-۳۶۴۶)، پای بر زمین میخکوب کن (۳۶۵۲-۳۶۴۹)، به صفوف پایانی لشکر دشمن ننگر (۳۶۵۶-۳۶۵۳)، از فراوانی دشمن چشم‌پوش (۳۶۵۹-۳۶۵۷)، و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است. (۳۶۶۷-۳۶۶۰) (۱۰۱۲)

#### ترجمه خطبه ۱۲

##### اشاره

(پس از پیروزی در جنگ بصره در سال ۳۶ هجری یکی از یاران امام علیه السلام گفت: دوست داشتم برادرم با ما بود و می‌دید که چگونه خدا تو را بر دشمنانت پیروز کرد!)

##### شوکت آیندگان در باداش گذشتگان (نقش نیت در باداش اعمال)

امام علیه السلام پرسید: آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟ (۳۷۰۳-۳۶۶۸) گفت: آری. (۳۷۰۵-۳۷۰۴) امام علیه السلام فرمود: پس او هم در این جنگ با ما بود (۳۷۰۸-۳۷۰۶)، بلکه با ما در این نبرد شریکند آنهايي که حضور ندارند، در صلب پدران و رحم مادران می‌باشند، ولی با ما هم عقیده و آرمانند (۳۷۲۱-۳۷۰۹)، به زودی متولد می‌شوند (۳۷۲۴-۳۷۲۲)، و دین و ایمان به وسیله آنان تقویت می‌گردد. (۳۷۲۸-۳۷۲۵)

(۱) هدف امام از شیطان، سران شورشى جمل می‌باشند، این ابی‌الحدیید می‌گوید ممکن است شیطان واقعی باشد که افراد منحرف را به کار گرفته است.

(۲) محمد حنفیه مادرش خوله، دختر جعفر بن قیس بود، و جنگ جمل در ماه جمادی الآخر سال ۳۶ هجری اتفاق افتاد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷

(۱۰۱۳)

#### ترجمه خطبه ۱۳

##### اشاره

(روز جمعه سال ۳۶ هجری پس از پایان جنگ در مسجد جامع شهر در نگویش مردم بصره فرمود)

##### عوامل سقوط جامعه (روانشناسی اجتماعی مردم بصره)

شما سپاه یک زن (۳۷۴۳-۳۷۲۹)، «۱» و بیرون حیوان (شتر عایشه) بودید. (۳۷۴۶-۳۷۴۴)، تا شتر صدا می‌کرد می‌جنگیدید. (۳۷۴۸-۳۷۴۷)، و تا دست و پای آن قطع گردید فرار کردید (۳۷۵۱-۳۷۴۹) ۲۱. اخلاق شما پست (۳۷۵۳-۳۷۵۲)، و پیمان شما از هم گسسته (۳۷۵۶-۳۷۵۴)، دین شما دو رویی (۳۷۵۹-۳۷۵۷)، و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است. (۳۷۶۲-۳۷۶۰) کسی که میان شما زندگی کند به کيفر گناهش گرفتار می‌شود (۳۷۶۸-۳۷۶۳)، و آن کس که از شما دوری گزیند مشمول آموزش پروردگار می‌گردد. (۳۷۶۵-۳۷۶۹) گویا مسجد شما را می‌بینم که چون سینه کشتی غرق شده است، که عذاب خدا از بالا و پایین او را احاطه می‌کند، و سرنشینان آن، همه غرق می‌شوند. (۳۷۹۴-۳۷۷۶) و در روایتی است: سوگند به خدا، سرزمین شما را آب غرق می‌کند، گویا مسجد شما را می‌نگرم که چون سینه کشتی یا چو نان شتر مرغی که بر سینه خویابیده باشد بر روی آب مانده است. (۳۸۱۲-۳۷۹۵) ۲۱، و در روایت دیگر: مانند سینه مرغ روی آب دریا. (۳۸۲۰-۳۸۱۳) و در روایت دیگری آمده: خاک شهر شما بد بوترین خاکهاست (۳۸۲۹-۳۸۲۱)، از همه جا به آب نزدیک‌تر ۲۱ و از آسمان دورتر (۳۸۳۶-۳۸۳۰)، و نه دهم شتر و فساد در شهر شما نرفته است (۳۸۴۱-۳۸۳۷)، کسی که در شهر شما باشد گرفتار گناه (۳۸۴۴-۳۸۴۲)، و آن که بیرون رود در پناه عفو خداست. (۳۸۴۸-۳۸۴۵) گویی شهر شما را می‌نگرم که غرق شده، و آب آن را فرا گرفته. (۳۸۵۶-۳۸۴۹) چیزی از آن دیده نمی‌شود، مگر جاهای بلند مسجد، مانند سینه مرغ بر روی امواج آب دریا! (۳۸۶۹-۳۸۵۷) (۱۰۱۴)

#### ترجمه خطبه ۱۴

##### اشاره

(قبل از آغاز جنگ جمل در نگویش شهر بصره و مردم آن دیار مانند خطبه پیشین فرمود)

##### نقش عوامل محیط در انسان

سرزمین شما به آب نزدیک ۱۵، و از آسمان دور است (۳۸۴۶-۳۸۷۰)، عقل‌های شما سست و افکار شما سفینه‌هاست (۳۸۹۸-۳۸۸۵) پس شما نشانه‌ای برای تیرانداز (۳۸۹۲-۳۸۹۰)، و لقمه‌ای برای خوردنده (۳۸۹۵-۳۸۹۳)، و صیدی برای صیاد می‌باشید! (۳۸۹۸-۳۸۹۶)

(۱) چون عایشه بر شتری بنام عسکر سوار بود، آن جنگ را جنگ جمل (شتر) نامیدند.

(۲) جنگ جمل دو روز طول کشید. «شرح ابن ابی‌الحدیید ج ۱ ص ۴۶۲»

(۳) در تاریخ آمده است که شهر بصره دو بار در آب غرق شد؛ یکی در زمان خلافت القادر بالله خلیفه عباسی و دیگری زمان القائم باسر الله همانگونه که امام غیر داد تنها قسمت بالای مسجد بصره چون سینه مرغی از روی آب پیدا بود.

(۴) اشاره به علم اکولوژی ECOHOLOGY تأثیر عوامل زیست محیطی در افکار و اخلاق انسان است که عوامل جغرافیایی در مناطق گوناگون زمین اثرات متفاوتی در رفتار و افکار انسان‌ها دارد.

(۵) منجمان با رصد کردن دریافته‌اند که دورترین نقطه زمین از معدّل النهار، منطقه ابله (مرکز شهر بصره است) «شرح ابن ابی‌الحدیید ج ۱ ص ۴۶۸».

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۹

(۱۰۱۵)

#### ترجمه خطبه ۱۵

##### اشاره

(در باره اموال فراوان بیت المال که عثمان به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود. ابن عباس می‌گوید: روز دوم خلافت در سال ۳۵ هجری این سخنرانی را ایراد فرمود).

**سیاست اقتصادی امام علیه السلام**

به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گر چه با آن ازدواج کرده، یا کیزیانی خریده باشند (۳۹۶-۳۹۹)، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است (۳۹۳-۳۹۲)، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحفل شتم برای او سخت‌تر است.

(۳۹۳-۳۹۲) هـ، (۱۰۱۶)

### ترجمه خطبه ۱۶

### اشاره

(پس از بیعت مردم مدینه با امام علیه السلام این اولین سخنرانی آن حضرت در سال ۳۵ هجری است)

### ۱ اعلام سیاست‌های حکومتی

آن چه می‌گویم به عهده می‌گیرم (۳۹۶-۳۹۶)، و خود به آن پای بندم (۳۶۹-۳۶۶) هـ، کسی که عیث‌ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشین داری او را از سقوط در شهوات نگه می‌دارد. (۳۸۴-۳۷۰) آگاه باشید، تیره روزی‌ها و آزمایش‌ها، همانند زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ بار دیگر به شما روی آورد. (۳۹۶-۳۸۵) سوگند به خدایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش می‌شوید (۴۰۲-۳۹۷)، چون دانه‌ای که در غربال ریزند (۴۰۵-۴۰۳)، یا غذایی که در دیگ گذارند! که در دیگ گذارند! به هم خواهید ریخت، زیر و رو خواهید شد (۴۰۹-۴۰۶) ، تا آن که پایین به بالا، و بالا به پایین رود (۴۰۱۶-۴۰۱۰)، آنان که سابقه‌ای در اسلام داشتند، و تاکنون متزوی بودند، بر سر کار می‌آیند، و آنها که به ناحق، پیشی گرفتند، عقب زده خواهند شد.

(۴۰۲۶-۴۰۱۷)

### ۲ فضائل اخلاقی امام علیه السلام

به خدا سوگند، کلمه‌ای از حق را نپوشاندم، هیچ گاه دروغی نگفتم! (۴۰۳۵-۴۰۲۷)، از روز نخست، به این مقام خلافت و چنین روزی خیر داده شدم. (۴۰۳۳-۴۰۳۶) آگاه باشید همانا گناهان چون مرکب‌های بد رفتارند (۴۰۴۹-۴۰۴۴) که سواران خود (گناهمکاران) را عنان رها شده در آتش دوزخ می‌اندازند. (۴۰۵۵-۴۰۵۰) (۴۰۵۹-۴۰۵۶) اما تقوا، چونان مرکب‌های فرامینداری هستند (۴۰۶۵-۴۰۶۰) که سواران خود را، عنان بر دست (۴۰۷۱-۴۰۶۶)، وارد بهشت جاویدان می‌کنند. (۴۰۷۳-۴۰۷۲) حق و باطل همیشه در پیکارند، و برای هر کدام طرفدارانی است (۴۰۷۹-۴۰۷۴)، اگر باطل پیروز شود، جای شگفتی نیست، از دیر باز چنین بوده (۴۰۸۴-۴۰۸۰)، و اگر طرفداران حق اندکنند، چه بسا روزی فراوان گردند و پیروز شوند (۴۰۹۱-۴۰۸۵)، اما کمتر اتفاق می‌افتد که چیز رفته باز گردد.

(۴۰۹۲-۴۰۹۲) می‌گویم: کلمات امام علیه السلام پیرامون حق و باطل، از سخنان تکوینی است که کلام کسی از سخن سرایان به آن نخواهد رسید (۴۱۱۴-۴۰۹۷)، و بیش از آن چه که ما در شگفت شویم، شگفتی، برابر آن فرو مانده است (۴۱۲۴-۴۱۱۵)، در این کلمات امام علیه السلام ریزه کارهایی از فصاحت است که نه زبان قدرت شرح آن را دارد، و نه انسانی می‌تواند از دز‌های عمیق آن بگذرد (۴۱۴۲-۴۱۲۵)، این اعتراف مرا کسانی که در فصاحت پیشگامند و با سابقه، درک می‌کنند. (۴۱۵۴-۴۱۴۳) (۴۱۵۹-۴۱۵۵)

(۱) نغی حرکت‌های رفرمیست و فورمالیسم(FORMALISM)ظاهر پرستی و ظاهر سازی(که تنها به ظاهر سازی و ریا کاری توجیه دارند.

(۲) نغی: دیرانیزم(DEPRATISE)انحراف انکار عمومی)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۱

### ۳ سرگردانی مردم، و ضرورت تقوا

آن کس که بهشت و دوزخ را پیش روی خود دارد، در تلاش است. (۴۱۸۱-۴۱۶۵) برخی از مردم به سرعت به سوی حق پیش می‌روند، که اهل نجاتند (۴۱۸۴-۴۱۸۲)، و بعضی به کندی می‌روند و امیدوارند (۴۱۸۸-۴۱۸۵)، و دیگری کوتاهی می‌کند و در آتش جهنّم گرفتار است. (۴۱۹۳-۴۱۸۹) چپ و راست گمراهی (۴۱۹۷-۴۱۹۶)، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است (۴۲۰۲-۴۱۹۸) که قرآن و آثار نبوّت، آن را سفارش می‌کند (۴۲۰۸-۴۲۰۳)، و گذرگاه سنتّ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ است (۴۲۱۲-۴۲۰۹) و سرانجام، بازگشت همه بدان سو می‌باشد (۴۲۱۶-۴۲۱۳) هـ.

ادعا کننده باطل نبود شد (۴۲۱۹-۴۲۱۷)، و دروغگو زبان کرد (۴۲۲۳-۴۲۲۰)، هر کس با حق در افتاد هلاک گردید. (۴۲۲۸-۴۲۲۴) نادانی انسان همین بس که قدر خویش نشناسد. (۴۲۳۵-۴۲۲۹) آن چه بر اساس تقوا پایه‌گذاری شود، نباید نگردد. (۴۲۴۱-۴۲۳۶) کشتاری که با تقوا آبیاری شود، تشنگی ندارد. (۴۲۴۷-۴۲۴۲) مردم! به خانه‌های خود روی آورید (۴۲۵۰-۴۲۴۸)، مسائل میان خود را اصلاح کنید (۴۲۵۴-۴۲۵۱)، توبه و بازگشت پس از زشتی‌ها میسر است. (۴۲۵۸-۴۲۵۵) جز پروردگار خود، دیگری را ستایش نکند (۴۲۶۴-۴۲۵۹) و جز خویشن خویش دیگری را سرزشتن ننمایید. (۴۲۷۰-۴۲۶۵) (۱۰۱۷)

### ترجمه خطبه ۱۷

### اشاره

(در این خطبه مدّعیان قضاوت را می‌شناساند که عهده دار قضاوت هستند و شایسته آن نیستند)

### ۱ شناخت بدترین انسانها

دشمن ترین آفریده‌ها نزد خدا دو نفرند: (۴۳۰۱-۴۲۹۴) مردی که خدا او را به حال خود گذاشته (۴۳۰۶-۴۳۰۲)، و از راه راست دور افتاده است (۴۳۱۱-۴۳۰۷)، دل او شفته بدعت است و مردم را گمراه کرده (۴۳۱۷-۴۳۱۲)، به فتنه انگیزی می‌کشد (۴۳۲۲-۴۳۱۸) و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده (۴۳۲۸-۴۳۲۳) و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است. (۴۳۲۷-۴۳۲۳) بار گناه دیگران را بر دوش کشیده (۴۳۴۰-۴۳۳۸) و گرفتار زشتی‌های خود نیز می‌باشد. (۴۳۴۲-۴۳۴۱) و مردی که مجهولایی به هم یافته (۴۳۴۸-۴۳۴۳)، و در میان انسان‌های نادان است، جایگاهی پیدا کرده است (۴۳۵۲-۴۳۴۹)، در تاریکی‌های فتنه فرو رفته (۴۳۵۶-۴۳۵۳)، و از مشاهده صلح و صفا کور است. (۴۳۶۱-۴۳۵۷) آدم نماها او را عالم نامیدند که نیست (۴۳۶۹-۴۳۶۲)، چیزی را بسیار آوری می‌کند که اندک آن به از بسیار است (۴۳۷۹-۴۳۷۰)، تا آن که از آب گندیده سیراب شود، و دانش و اطّلاعات بیهوده فراهم آورد.

(۴۳۸۰-۴۳۷۰)

### ۲ روانشناسی مدّعیان دروغین قضاوت

در میان مردم، با نام قاضی به داوری می‌نشیند، و حلّ مشکلات دیگری را به عهده می‌گیرد (۴۴۰۰-۴۳۹۱)، پس اگر مشکلی پیش آید، با حرف‌های بوج و تو خالی و رأی و نظر دروغین، آماده رفع آن می‌شود.

سپس اظهارات بوج خود را باور می‌کند (۴۴۱۴-۴۴۰۱)، عجبگویی را می‌ماند که در شهوات و یافته‌های نار خود چسبیده (۴۴۲۲-۴۴۱۵)، نمی‌داند که درست حکم کرده یا بر خطاست؟ (۴۴۲۷-۴۴۲۳) اگر بر صواب باشد می‌ترسد که خطا کرده (۴۴۳۴-۴۴۲۸)، و اگر بر خطاست، امید دارد که رأی او درست باشد! (۴۴۴۲-۴۴۳۵)

(۱) راه حقّ و باطل، صحیح و غلط، روا و ناروا وجود دارد که نقد تفکر پلورالیسم(PLURALISM)کثرت‌گرایی) است، پس نمی‌شود ادعا کرد که هر تفکری صحیح و حقّ است.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۳

نادانی است، که راه جهالت می‌پوید (۴۴۴۵-۴۴۴۳)، کوری است که در تاریکی گمشده خود را می‌جوید (۴۴۴۵-۴۴۴۶)، از روی علم و یقین سخن نمی‌گوید (۴۴۵۴-۴۴۴۹)، روایات را بدون آگاهی نقل می‌کند، چون تند بادی که گیاهان خشک را بر باد دهد، روایات را زیر و رو می‌کند، که بی‌حاصل است. (۴۴۵۹-۴۴۵۵) به خدا سوگند، نه راه صدور حکم مشکلات را می‌داند

(۴۴۶۷ - ۴۴۶۰)، و نه برای منصب قضاوت اهلیت دارد! (۴۴۷۳ - ۴۴۶۸) آنچه را که نپذیرد علم به حساب نمی‌آورد (۴۴۸۰ - ۴۴۷۴)، و جز راه و رسم خویش، مذهبی را حق نمی‌داند. (۴۴۹۰ - ۴۴۸۱)، اگر حکمی را نداند آن را می‌پوشاند تا نادانی او آشکار نشود (۴۵۰۲ - ۴۴۹۱)، خون بی گناهان از حکم ظالمانه او در جوشش (۴۵۰۷ - ۴۵۰۳) و فریاد میراث بر یاد رفتگان بلند است. (۴۵۰۸ - ۴۵۱۱) به خدا شکایت می‌کنم از مردمی که در جهالت زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند (۴۵۲۱ - ۴۵۱۲)، در میان آنها، کتلابی خوارتر از قرآن نیست اگر آن را آنگونه که باید بخوانند (۴۵۳۱ - ۴۵۲۲)، و متاعی سود آورتر و گرانبهارتر از قرآن نیست اگر آن را تحریف کنند (۴۵۴۶ - ۴۵۳۲)، و در نزد آنان، چیزی زشت‌تر از معروف، و نیکوتر از منکر نمی‌باشد. (۴۵۵۷ - ۴۵۴۷) (۱۰۱۸)

#### ترجمه خطبه ۱۸

##### اشاره

(تکوهش از اختلاف رأی عالمان در احکام قطعی اسلام)

#### انکوهش اهل رأی (خوده‌مجوی در قضاوت)

دعوی نسبت به یکی از احکام اجتهادی نزد عالمی می‌برند که با رأی خود حکمی صادر می‌کند. (۴۵۹۵ - ۴۵۸۲) ۱۱۰ پس همان دعوا را نزد دیگری می‌برند که او درست بر خلاف رأی اولی حکم می‌دهد. (۴۶۰۶ - ۴۵۹۶) سپس همه قضات نزد رئیس خود که آنان را به قضاوت منصوب کرده، جمع می‌گردند. (۴۶۱۴ - ۶۰۷) او رأی همه را بر حق می‌شمارد! (۴۶۱۷ - ۴۶۱۵) ۱۲۰. در صورتی که خدایشان یکی (۴۶۲۰ - ۴۶۱۸)، پیغمبرشان یکی (۴۶۲۳ - ۴۶۲۱)، و کتابشان یکی است (۴۶۲۶ - ۴۶۲۴)، در میان سبحان، آنها را به اختلاف، امر فرمود، که اطاعت کردند؟ (۴۶۲۲ - ۴۶۲۷) یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند؟ (۴۶۲۶ - ۴۶۲۳)

#### ۲ مبانی وحدت امت اسلامی

آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ (۴۶۴۸ - ۴۶۳۷) آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ (۴۶۵۹ - ۴۶۴۹) ۳۱. آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؟ (۴۶۷۲ - ۴۶۶۰) در حالی که خدای سبحان می‌فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم. (۴۶۸۲ - ۴۶۷۳)

(۱) اشاره به علم: نس(NESS)علم فتوی)

(۲) آنها که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از عزت فاصله گرفتند، حلال را حرام و حرام را حلال می‌کردند، و به خود اجازه می‌دادند که یا قیاس و رأی خود احکام دین را به دلخواه تغییر دهند. تنها عمر در حکومت ده ساله خود ۹۴ حلال را حرام اعلام کرده، و نسبت به حج متع و متعه گفت: تا دیروز حلال بود، من امروز آن را حرام اعلام می‌کنم. (انا احزمهما!) «تفسیر مناقب النبی، فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۴

(۳) در تفسیر تفکر «اصلاح و بازسازی دین» با اقبض و بسط تئوریک شریعت» یا اینکه می‌گویند، (دین تفکر بشری است) می‌باشند. نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۵
فرموده: «در قرآن بیان هر چیزی است». (۴۶۸۷ - ۴۶۸۳) و یاد آور شدیم که: بعضی قرآن گواه بعض دیگر است و اختلافی در آن نیست. (۴۶۹۹ - ۴۶۸۸) پس خدای سبحان فرمود: «اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می‌شد اختلافات زیادی در آن می‌یافتند، (۴۷۱۲ - ۴۷۰۰) همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپسنداست (۴۷۲۰ - ۴۷۱۳)، مطالب شگفت آور آن تمام نمی‌شود (۴۷۱۳ - ۴۷۲۱)، و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد (۴۷۲۷ - ۴۷۲۴) و تاریکی‌ها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد. (۴۷۳۳ - ۴۷۲۸) (۱۰۱۹)

#### ترجمه خطبه ۱۹

##### اشاره

(امام در مسجد کوفه در سال ۳۸ هجری سخنرانی می‌کرد، اشعث بن قیس به یکی از مطالب آن اعتراضی کرد (۴۷۴۸ - ۴۷۳۴) (۴۷۵۶ - ۴۷۴۹) و گفت این سخن به زیان شما، نه به سود تو است (۴۷۶۴ - ۴۷۵۷)، امام نگاه خود را به او دوخت و فرمود) (۴۷۷۱ - ۴۷۶۵)

#### سوابق تاریخی تکویده اشعث بن قیس

چه کسی تو را آگاهاند. که چه چیزی به سود، یا زیان من است؟ (۴۷۷۷ - ۴۷۷۲) لعنت خدا و لعنت لعنت کشندگان، بر تو باد (۴۷۸۳ - ۴۷۷۸) ای متکبر متکبر زاده (۴۷۸۶ - ۴۷۸۴)، ۱۰۱ مناقب پسر کافر! (۴۷۸۹ - ۴۷۸۷) سوگند به خدا، تو یک باز در زمان کفر و بار دیگر در حکومت اسلام، اسیر شدی (۴۷۹۸ - ۴۷۹۰)، و مال و خویشاوندی تو، هر دو بار نتوانست به فریادت برسد. (۴۸۰۷ - ۴۷۹۹) آن کس که خویشان خود را به دم شمشیر سپارد (۴۸۱۴ - ۴۸۰۸)، و مرگ و نابودی را به سوی آنها کشاند (۴۸۱۸ - ۴۸۱۵)، سزاوار است که بستگان او بر وی خشم گیرند (۴۸۲۲ - ۴۸۱۹) و بیگانگان به او اطمینان نداشته باشند. (۴۸۲۶ - ۴۸۲۳) می‌گویم: (منظور امام علیه‌السلام این است که اشعث این قیس یک بار وقتی که کافر بود اسیر شد و بار دیگر آنگاه که مسلمان شد (۴۸۴۰ - ۴۸۳۷) و شمشیرها را به سوی قبیله‌اش راهنمایی کرد (۴۸۴۸ - ۴۸۴۱)، مربوط به جرمیانی است که اشعث قبیله خود را فریب داد تا خالد بن ولید، آنها را غافلگیر کند و از دم شمشیر بگذرانند (۴۸۶۸ - ۴۸۵۹) که پس از آن خیانت او را با لقب «عرف الثاره (چیزی که آتش را بپوشاند)، می‌نامیدند (۴۸۷۶ - ۴۸۶۹) و این لقبی بود که به نیرنگ‌باز می‌دادند.) (۴۸۸۱ - ۴۸۷۷) (۱۰۲۰)

#### ترجمه خطبه ۲۰

#### علل نپهان بودن اسرار پس از مرگ

آنچه را که مردگان دیدند اگر شما می‌دیدید (۴۹۰۶ - ۴۸۹۷)، ناشکیبا بودید و می‌ترسیدید (۴۹۰۹ - ۴۹۰۷)، و می‌شنیدید و فرمان می‌بردید. (۴۹۱۳ - ۴۹۱۰) ولی آنچه آنها مشاهده کردند بر شما پوشیده است (۴۹۲۰ - ۴۹۱۴)، و نزدیک است که پرده‌ها فروافتند. (۴۹۲۵ - ۴۹۲۱) اگر چه حقیقت را به شما نیز نشان دادند، اگر بدرستی بنگرید (۴۹۳۰ - ۴۹۲۶)، و ندای حق را به شما شنوایند، اگر خوب بشنوید! (۴۹۳۴ - ۴۹۳۱) و به راه راست هدایتان کردند اگر هدایت نپذیرید! (۴۹۳۸ - ۴۹۳۵) راست می‌گویم (۴۹۴۲ - ۴۹۳۹)، مطالب عبرت آموز اندرز دهنده را آشکارا دیدید (۴۹۴۵ - ۴۹۴۳)،

(۱) خائک: یعنی باقنده، کسی که بر خدا و رسول خدا دروغ می‌یافتد، یا پارچه باف، چون دور از مردم در ازوای کامل به پارچه بافی مشغول بودند تبدیل به انسانهای متکبر و مغرور می‌شدند که پیام ضرب المثل در ترجمه آمد و عَنت تندی امام علیه‌السلام این بود که، هر فتنه و توطئه‌ای در حکومت امام پدید می‌آمد، ریشه‌های آن به اشعث بر می‌گشت (کل فساد کان فی خلافة علی علیه‌السلام فأصله الأُشعث) او مردی کافر بود که پس از اسارت و اسلام ظاهری یا خواهر ابا بکر مام فروه ازدواج کرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۷

و از حرام الهی نهی شدید (۴۹۵۰ - ۴۹۴۶)، و پس از فرشتگان آسمانی، هیچ کس جز انسان، فرمان خداوند را ابلاغ نمی‌کند. (۴۹۶۰ - ۴۹۵۱) (۱۰۲۱)

#### ترجمه خطبه ۲۱

##### اشاره

(این خطبه بخشی از خطبه ۱۶۷ است که در سال ۳۵ هجری در آغاز خلافت ایراد فرمود)

##### راه رستگاری

قیامت پیش روی شما (۴۹۷۵ - ۴۹۷۳) و مرگ در پشت سر، شما را می‌راند. (۴۹۸۰ - ۴۹۷۶) ۱۱۰ سبکیار شوید تا برسید. (۴۹۸۲ -

۴۹۸۱) همانا آنان که رفتند در انتظار رسیدن شمایند.

(۴۹۸۶–۴۹۸۳) می‌گویم: (این سخن امام علیه‌السلام پس از سخن خدا و پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم با هر سخنی سنجیده شود بر آن برتری دارد و از آن پیشی می‌گیرد (۵۰۱۴–۴۹۸۷) و از جمله سبکبار شوید تا برسید» (۵۰۱۹–۵۰۱۵) کلامی کوتاهتر و پر معنی‌تر از آن شنیده نشده! (۵۰۳۰–۵۰۲۰) چه کلمه ژرف و بلندی! (۵۰۳۶–۵۰۳۱) چه جمله پر معنی و حکمت آستین است؟! (۵۰۴۱–۵۰۳۷) که تشنگی را با آب حکمت می‌زداید ما عظمت و شرافت این جمله را در کتاب خود به نام «الخصائص» بیان کرده‌ایم)

(۵۰۵۳–۵۰۴۲) (۱۰۲۲)

#### ترجمه خطبه ۲۲

##### اشاره

(در سال ۳۶ هجری پس از بازگشت فرستادگان امام علیه‌السلام از جانب طلحه و زبیر، در سرزمین «دی قاره» این سخنرانی را ایراد کرد) (۵۰۶۳–۵۰۵۴)

##### امام علیه‌السلام و شاماندن ناکتین «اصحاب جمل»

(۵۰۷۶–۵۰۷۵) آگاه باشید، که همانا شیطان حزب و پارانشر را بسیج کرده (۵۰۸۳–۵۰۷۷) و سپاه خود را از هر سو فراهم آورده است (۵۰۸۶–۵۰۸۴)، تا بار دیگر ستم را به جای خود نشاند (۵۰۹۰–۵۰۸۷) و باطل به جایگاه خویش پایدار شود. (۵۰۹۵–۵۰۹۱) سوگند به خدا! ناکتین هیچ گناهی از من سراغ نندارند (۵۱۰۱–۵۰۹۶)، و انصاف را بین من و خودشان رعایت نکردند! (۵۱۰۸–۵۱۰۲) آنها حَقّی را می‌طلبند که خود ترک کردند (۵۱۱۶–۵۱۱۱)، و انتقام خوئی را می‌خواهند که خود ریختند! (۵۱۲۰–۵۱۱۷) اگر شریک آنها بودم، پس آنها نیز در این خونریزی سهم دارند (۵۱۲۸–۵۱۲۱)، و اگر تنها خودشان خون عثمان را ریختند پس کیفر مخصوص آنهاست (۵۱۳۷–۵۱۲۹) مهم‌ترین دلیل آنها به زیان خودشان است. (۵۱۴۳–۵۱۳۸) می‌خواهد از پستان مادری شیر بدوشد که خشکیده (۵۱۴۷–۵۱۴۴)، بدعنی را زنده می‌کند که مدّت‌ها است مرده (۵۱۵۲–۵۱۴۸)، و چه دعوت کننده‌ای؟! (۵۱۵۵–۵۱۵۳) (۵۱۵۷–۵۱۵۶) ۲۰، و چه اجابت کننده‌گانی؟! (۵۱۶۰–۵۱۵۸) همانا منّ به کتاب خدا و فرمایش در باره ناکتین خشنودم. (۵۱۶۹–۵۱۶۱) اما اگر از آن سرباز زنده با شمشیر نیز پاسخ آنها را خواهم داد (۵۱۷۶–۵۱۷۰)، که برای درمان باطل و یاری دادن حق کافی است. (۵۱۸۵–۵۱۷۷) شگفتا! از من خواستند به میدان نبرد آیم و برابر نیزه‌های آنان قرار بگیرم (۵۱۹۳–۵۱۸۶) و ضررت‌های شمشیر آنها را تحمل کنم! (۵۱۹۷–۵۱۹۴) گریه کنندگان بر آنها بگریند! (۵۱۹۸–۵۱۹۸) تا کتون کسی مرا از جنگ نترساند (۵۲۰۵–۵۲۰۰) و از ضررت شمشیر نهراساند (۵۲۰۹–۵۲۰۶)، من به پروردگار خویش یقین داشته (۵۲۱۵–۵۲۱۰) و در دین خود شک و تردیدی ندارم.

(۵۲۲۰–۵۲۱۶)

(۱) تحدوکم، از حدی الایل: یعنی با آواز و سرود خوانده‌ن، شتر را راندن.

(۲) دعوت کنندگان، طلحه و زبیر و عاتشه می‌باشند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۹

(۱۰۲۳)

#### ترجمه خطبه ۲۳

##### ا تناسب نعمت‌ها با استعدادهای کوناگون

پس از ستایش پروردگار، بدانید که تقدیرهای الهی چون قطرات باران از آسمان به سوی انسانها فرود می‌آید، و بهره هر کسی، کم یا زیاد به او می‌رسد (۵۲۵۸–۵۲۳۶) پس اگر یکی از شما برای برادر خود، برتری در مال و همسر و نیروی بدنی مشاهده کند، می‌ادا فریب خورد و حسادت کند (۵۲۷۳–۵۲۵۹)، زیرا مسلمان (تا زمانی که دست به عمل پستی نزده که از آشکار شدنش شرمناکه باشد (۵۲۸۱–۵۲۷۴) (۵۲۸۵–۵۲۸۲) و مورد سرزنش مردم پست قرار گیرد) (۵۲۹۰–۵۲۸۶) به مسابقه دهنده‌ای «ا» می‌ماند (۵۲۹۶–۵۲۹۱) که دوست دارد در همان آغاز مسابقه پیروز گردد (۵۲۹۹–۵۲۹۴) تا سودی به دست آورد (۵۳۰۲–۵۳۰۰) و ضرری متوجه او نگردد. (۵۳۰۷–۵۳۰۳) هم چنین مسلمانی که از خیانت‌پاک است (۵۳۱۴–۵۳۰۸) انتظار دارد و یکی از دو خوبی نصیب او گردد: (۵۳۱۹–۵۳۱۵) یا دعوت‌حق را لیبیک گفته عمر او پایان پذیرد «که آنچه در نزد خداست برای او بهتر است» (۵۳۲۷–۵۳۲۰)، و یا خداوند روزی فراوان به او دهد و صاحب همسر و فرزند و ثروت گردد، و هم چنان دین و شخصیت خود را نگاه‌دارد. (۵۳۴۲–۵۳۳۸) همانا ثروت و فرزندان، محصول دنیا و فانی شدنی (۵۳۴۹–۵۳۴۳)، و عمل صالح زراعت آخرت است (۵۳۵۴–۵۳۵۰)، گر چه گاهی خداوند، هر دوی آن را به مدّت‌هایی خواهد بخشید. (۵۳۶۰–۵۳۵۵) از خدا در آن چه اعلام خطر کرده است (۵۳۷۰) بر حذر باشید! (۵۳۶۷–۵۳۶۱) از خدا آنگونه بترسید که نیازی به عذر خواهی نداشته باشید! (۵۳۷۲–۵۳۶۸) عمل نیک انجام دهید بدون آن که به ریا و خود نمایی مبتلا شوید (۵۳۸۰–۵۳۷۳)، زیرا هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد. (۵۳۹۰–۵۳۸۱) از خداه، درجات شهیدان، و زندگی سعادت‌مندان، و هم نشینی با پیامبران را درخواست می‌کنیم.

(۵۴۰۰–۵۳۹۱)

##### ۲ ضرورت تعاون با خویشاوندان

ای مردم، انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. (۵۴۲۱–۵۴۰۱) خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند (۵۴۲۸–۵۴۲۲) و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند (۵۴۳۱–۵۴۲۹)، و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پر عاطفه‌ترین مردم می‌باشند. (۵۴۳۹–۵۴۳۲) نام نیکی (۵۴۴۴–۵۴۴۰) که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری بردارد. (۵۴۵۳–۵۴۴۳) (قسمت دیگری از همین خطبه) آگاه باشید، می‌ادا از بستگان نهیدست خود رو بر گردانید (۵۴۶۴–۵۴۵۴)،

(۱) قالیح باسر: در دوران جاهلیت شتری را می‌کشند و برای تقسیم گوشت آن به مسابقه تیر اندازی متوسّل می‌شدند، ده تیر بود که هفت عدد آن علامتی مخصوص داشت و سه تائی آن بدون نشان بود هر کس که تیر او به هدف می‌خورد سهم بیشتری از گوشت شتر داشت. از این رو هر کسی دوست داشت که همان آغازین تیری را که رها می‌کند به هدف زده برنده مسابقه باشد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۷۱

و از آتان چیزی را دریغ دارید، که نگاه داشتن مال دنیا، زیادی نیآورد و از بین رفتنش کمبودی ایجاد نکند. (۵۴۷۶–۵۴۶۵) آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد (۵۴۸۲–۵۴۷۷)، تنها یک دست را از آنها گرفته اما دست‌های فراوانی را از خویش خود درده کرد است (۵۴۹۴–۵۴۸۳)، و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت.

(۵۵۰۲–۵۴۹۵) می‌گویم: (غفیره، در اینجا به معنای فراوانی اموال است، چنانکه جمعیت فراوان را نیز «الجم الغفیره» می‌گویند (۵۵۲۰–۵۵۰۳)، و نقل شد که بجای «الغفیره، «عقوة من اهل او مال»، به کار می‌برند، و «عقوة» به معنای نمونه خوب از میان یک جنس است (۵۵۳۲–۵۵۲۱)، چنان که گفته می‌شود، «اکلت عقوة الطعام» یعنی قسمت‌های خوب غذا را خوردم. (۵۵۳۸–۵۵۳۳) و چه زیباست معنایی که امام علیه‌السلام از جمله

«و من یقیض یده عن عشیرته»

تا آخر کلام اراده فرمود (۵۵۵۵–۵۵۳۹)، زیرا کسی که خیر و نیکی‌های خود را از خویشاوندان خود قطع کند، تنها سود یک تن را از آنها باز داشته (۵۵۶۵–۵۵۵۶)، اثّیا به هنگام احتیاج شدید، یاری تمام آنها را از خود دور کرده (۵۵۷۳–۵۵۶۶) (۵۵۶۶–۵۵۶۴) که آنها به ندای او پاسخ نمی‌گویند (۵۵۸۰–۵۵۷۷) در این صورت خود را از سود فراوان خویشاوندان محروم ساخته (۵۵۸۴–۵۵۸۱) و گروهی را از یاری خود باز داشته است.

(۵۵۸۸–۵۵۵۵) (۱۰۲۴)

#### ترجمه خطبه ۲۴

##### اشاره

(از خطبه‌های امام که در شهر کوفه ایراد فرمود).

**ضورت آمادگی برای جهاد**

سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق (۵۶۲۱-۵۶۱۳)، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند (۵۶۲۴-۵۶۲۲)، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم. (۵۶۲۹-۵۶۲۵) پس ای بنده‌گان خدا! از خدا بترسید (۵۶۳۳-۵۶۳۰) و از خدا، به سوی خدا فرار کنید (۵۶۳۹-۵۶۳۴)، و از راهی که برای شما گشوده بروید (۵۶۴۵-۵۶۴۰)، و وظایف و مقرراتی که برای شما تعیین کرده به پا دارید (۵۶۵۰-۵۶۴۶) اگر چنین باشید، علی علیه السلام ضامن پیروزی شما در آینده می‌باشد (۵۶۵۴-۵۶۵۱)، هر چه ما اکنون به دست نیاورید.

(۵۶۵۸-۵۶۵۵) (۱۰۲۵)

**ترجمه خطبه ۲۵**

**اشاره**

(این خطبه را در سال ۴۰ هجری زمانی ایراد فرمود که گزارش‌های پیاپی از شکست یاران امام علیه السلام به کوفه می‌رسید (۵۶۷۳-۵۶۵۹) و عید الله بن عباس و سعید بن نمران، فرمانداران امام در یمن از بسر بن ابی ارضاء، شکست خورده به کوفه برگشتند. (۵۶۷۹-۵۶۷۴) (۵۶۹۶-۵۶۸۰) امام برای سرزنش یاران جهت کشدی و رکود در جهاد (۵۷۰۵-۵۶۹۷)، و مخالفت از دستورهای رهبری، خطبه را ایراد فرمود که آخرین سخنرانی امام است) (۵۷۱۰-۵۷۰۶)

**۱ علل شکست ملت‌ها (علل شکست کوفیان، و پیروزی شامیان)**

اکنون جز شهر کوفه در دست من باقی نمانده است، که آن را بگشایم یا بیندم (۵۷۱۸-۵۷۱۱) ای کوفه اگر فقط تو برای من باشی، آنهم برابر این همه مصیبت‌ها و طوفان‌ها چهره‌ات زشت باد! (۵۷۲۷-۵۷۱۹) آنگاه به گفته شاعر مثال آورد: (به جان بدت سوگند ای عمرو «۱» که سهم اندکی از ظرف و پیمانه داشتیم). (۵۷۴۳-۵۷۲۸) سپس ادامه داد:

به من خیر رسیده که بسر بن ارضاء «۲» بر یمن تسلط یافته (۵۷۵۱-۵۷۴۴)، سوگند به خدا می‌دانستم که مردم

(۱) شخص مورد نظر شاعر ابو جندب هذلی است.

(۲) بسر بن ارضاء از فرماندهان خون ریز و سفاک معاویه بود که به کسی رحم نمی‌کرد، به کاروان حاجیان خانه خدا حمله کرد، هر جا شیعیان امام علی علیه السلام را می‌یافت می‌کشت، به شهر یمن حمله برد و کودکان ابن عباس را سر برید و سر جام دیوانه شد و مرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۳

شام به زودی بر شما غلبه خواهد کرد. (۵۷۶۱-۵۷۵۲) «۱» زیرا آنها در باری کردن باطل خود، وحدت دارند (۵۷۶۴-۵۷۶۲) و شما در دفاع از حق متفرقید! (۵۷۶۸-۵۷۶۵) شما امام خود را در حق نافرمانی کرده (۵۷۷۳-۵۷۶۹) و آنها امام خود را در باطل فرمانبردارند! (۵۷۷۸-۵۷۷۴) آنها نسبت به رهبر خود امانت دار و شما خیانتکارید (۵۷۸۵-۵۷۷۹)، آنها در شهرهای خود به اصلاح و آبادانی مشغولند و شما به فساد و خرابی (۵۷۹۱-۵۷۸۶)، (تفقد فرومایه‌اید) اگر من کسانه چوبی آب را به یکی از شماها امانت دهم (۵۷۹۶-۵۷۹۲) می‌ترسم که بند آن را بندزدید.

(۵۸۰۰-۵۷۹۷)

**۲ نفرین به ائمت خیانکار**

خدایا، من این مردم را با پند و نذکرهای مداوم خسته کردم و آنها نیز مرا خسته نمودند (۵۸۰۶-۵۸۰۱)، آنها از من به ستوه آمده، و من از آنان به ستوه آمده، دل شکستام (۵۸۱۰-۵۸۰۷)، به جای آنان افرادی بهتر به من مرحمت فرما (۵۸۱۴-۵۸۱۱)، و به جای من بدتر از من بر آنها مسلط کن. (۵۸۱۹-۵۸۱۵) خدایا، دل‌های آنان راه آتچنان که نمک در آب حل می‌شود، آب کن! (۵۸۲۷-۵۸۲۰) به خدا سوگند، دوست داشتم، به جای شما کوفیان، هزار سوار از بنی فراس بن غنم «۲» می‌داشتم (۵۸۴۱-۵۸۲۸) که: «اگر آنان را می‌خواندی، سوارانی از ایشان نزد تو می‌آمدند مبارز و تازنده چون ابر تابستانی» (۵۸۵۰-۵۸۴۲) آنگاه امام از منبر فرود آمد.

(۵۸۵۵-۵۸۵۱) می‌گویم: «آرمیه» جمع «رمی» به معنای ابر است (۵۸۶۵-۵۸۵۶)، و «حمیم» گرمای تابستان (۵۸۷۰-۵۸۶۶)، که شاعر ابر تابستانی را یاد کرده است (۵۸۷۷-۵۸۷۱) از آن رو که سبکبار و زود گذر است، و یارانی ندارد (۵۸۸۷-۵۸۷۸) زیرا ابرهای سنگین به جهت تراکم بخار و پر آب بودنشان به کشدی حرکت می‌کنند (۵۸۹۵-۵۸۸۸) که چنین ابرهایی بیشتر در فصل زمستان یافت می‌شود. (۵۹۰۴-۵۸۹۶) در اینجا شاعر، سواران قبیله را به جهت شتاب آنان در پذیرفتن دعوت به هنگام فریاد رمی، به ابر تابستانی تشبیه کرده است (۵۹۱۶-۵۹۰۵) که گفت:

هنا لکک لو دعوت، اناک منهم

(۵۹۲۶-۵۹۱۷) (۱۰۲۶)

**ترجمه خطبه ۲۶**

**اشاره**

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱جلد، مشهور - ایران ؛ قم چاپ: اول، ۱۳۷۹. نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ص ۷۳

پس از کشته شدن محمد بن ابی بکر در مصر در سال ۳۸ هجری امام ابن سخنرانی را در کوفه ایراد کرد که سید رضی قسمت‌هایی از آن را آورده).

**۱ ساخت فرهنگ جاهلیت**

(۵۹۴۶-۵۹۴۴) خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را هشدار دهنده جهانیان مبعوث فرمود (۵۹۵۳-۵۹۴۷)، تا امین و پاسدار وحی الهی باشد (۵۹۵۷-۵۹۵۴)، آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می‌کردید (۵۹۶۸-۵۹۵۸)، میان غارها، سنگهای خشن (۵۹۷۲-۵۹۶۹) و مزارهای سنی خطرناک قافله شنوایی، به سر می‌بردید (۵۹۷۵-۵۹۷۳)، آب‌های آلوده می‌نوشیدید (۵۹۷۷-۵۹۷۶) و غذاهای ناگوار می‌خوردید (۵۹۸۰-۵۹۷۸)، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید (۵۹۸۳-۵۹۸۱)، و بیوند خوشاوندی را می‌بردید (۵۹۸۶-۵۹۸۴)، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد (۵۹۸۹-۵۹۸۷)، و مفاسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود.

(۵۹۹۳-۵۹۹۰)

**۲ مظلومیت و تنهایی علی علیه السلام**

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بی وفایی یاران، به اطراف خود نگاه کرده یآوری جز اهل بیت خود ندیدم (۶۰۰۷-۶۰۰۰)، «که اگر مرا باری کنند، کشته خواهند شد» پس به مرگ آنان رضایت نندادم. (۶۰۰۸-۶۰۱۱) چشم پر از خار و خشاک را ناچار فرو به ستم (۶۰۱۵-۶۰۱۲)، و با گلوئی که استخوان شکسته در آن گیر کرده بود جام تلخ حوادث را نوشیدم (۶۰۱۹-۶۰۱۶) و خشم خویش فرو خوردم (۶۰۲۴-۶۰۲۰) و بر نوشیدن جام تلخ‌تر از گیاه حنظل، شکیبایی نمودم. (۶۰۳۰-۶۰۲۵) (قسمت دیگری از همین خطبه)

**۳ معرفی عمرو عاص و ضرورت آمادگی نظامی**

(۱) اشاره به: پاتولوژی (PATHOLOGY) آسیب شناسی اجتماعی) که چگونگی جامعه‌ای به کمال می‌رسد یا سقوط می‌کند.

(۲) قبیله بنی فراس به دلاوری و جرأت مشهور بوده‌اند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۵

عمرو عاص با معاویه بیعت نکرد مگر آن که شرط کرد تا برای بیعت، بهایی (حکومت مصر) دریافت دارد (۶۰۴۲-۶۰۳۱)، که در این معامله شوم، دست فروشنده هرگز به پیروزی نرسد (۶۰۴۶-۶۰۴۳) و سرمایه خریدار به رسوایی کشانده شود. (۶۰۵۰-۶۰۴۷)

ای مردم کوفه! آماده پیکار شوید (۶۰۵۳- ۶۰۵۱) و ساز و برگ جنگ فراهم آورید (۶۰۵۷- ۶۰۵۴)، زیرا که آتش جنگ زبانه کشیده (۶۰۶۰- ۶۰۵۸) و شعله‌های آن بالا گرفته است (۶۰۶۳- ۶۰۶۱)، صبر و استقامت را شعار خویش سازید (۶۰۶۶- ۶۰۶۴) که پیروزی می‌آورد.

(۶۰۷۰- ۶۰۶۷) (۱۰۲۷)

#### ترجمه خطبه ۲۷

##### اشاره

(وقتی خیر تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار در سال ۳۸ هجری، و سستی مردم به امام ایلاخ شد فرمود) (۶۰۹۰- ۶۰۷۱) ۱۱

##### ارزش جهاد در راه خدا

(۶۱۱۰- ۶۱۰۹) پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است (۶۱۱۸- ۶۱۱۱)، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. (۶۱۲۲- ۶۱۱۹) جهاد، لباس تقوا، و زره محکم (۶۱۳۰- ۶۱۲۳)، و سپر مطمئن خداوند است (۶۱۳۳- ۶۱۳۱)، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند (۶۱۳۷- ۶۱۳۴)، خدا لباس ذلّت و خواری بر او می‌پوشاند (۶۱۴۱- ۶۱۳۸)، و دچار بلا و مصیبت می‌شود (۶۱۴۴- ۶۱۴۲) و کوچک و ذلیل می‌گردد (۶۱۴۹- ۶۱۴۵)، دل او در پرده گمراهی مانده (۶۱۵۴- ۶۱۵۰) و حق از او روی می‌گرداند (۶۱۵۸- ۶۱۵۵)، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است.

(۶۱۶۶- ۶۱۵۹)

##### ۲ دعوت به مبارزه و تکویش از نافرمانی کوفیان

(۶۱۶۸- ۶۱۶۷) آگاه باشید! من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان دعوت کردم (۶۱۸۴- ۶۱۶۹) و گفتم بیش از آن که آنها با شما بجنگند با آنان نبرد کنید (۶۱۹۱- ۶۱۸۵)، به خدا سوگند، هر مَلَمَتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد. (۶۲۰۱- ۶۱۹۲) اما شما سستی به خرج دادید، و خواری و ذلّت پذیرفتید، تا آنجا که دشمن بی در پی به شما حمله کرد و سر زمین‌های شما را تصرف نمود. (۶۲۱۲- ۶۲۰۲) و اینک، فرمانده معاویه، (مرد غامدی) ۲۱، با لشکرش وارد شهر انبار شده (۶۲۲۱- ۶۲۱۳) و فرماندار من، (حِسان بن حنّان بکری) را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. (۶۲۳۳- ۶۲۲۲) به من خیر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده (۶۲۴۷- ۶۲۳۴)، و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده (۶۲۵۱- ۶۲۴۸) (۶۲۵۵- ۶۲۵۲)، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته‌اند. (۶۲۶۲- ۶۲۵۶) لشکریان شام با غیبت فراوان رفتند (۶۲۶۵- ۶۲۶۳) بدون این که حتّی یک نفر آنان، زخمی بردارد، و یا قطره خونی از او ریخته شود (۶۲۷۵- ۶۲۶۶)، اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأشّف بمیرد، ملامت نخواهد شد (۶۲۸۸- ۶۲۷۶)، و از نظر من سزاوار است! (۶۲۹۳- ۶۲۸۹) شگفتا! شگفتا! به خدا سوگند، این واقعت قلب انسان را می‌براند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان در باطل خود وحدت دارند، و شما در حق خود متفرّقید. (۶۳۱۳- ۶۲۹۴)

(۱) انبار، شهری مرزی بین عراق و شام در ۷۲ کیلو متری بغداد، در کرانه شرقی فرات، مقابل شهر (هیث) بود.

(۲) سفیان بن عوف غامدی، از سرداران معاویه و اهل یمن بود، غامد نام قبیله‌ای در یمن است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۷

زشت باد روی شما و از اندوه رهایی نیابید (۶۳۱۷- ۶۳۱۴) که آماج تیر یلا شدید!. (۶۳۲۱- ۶۳۱۸) به شما حمله می‌کنند، شما حمله نمی‌کنید؟! (۶۳۲۶- ۶۳۲۲) با شما می‌جنگند، شما نمی‌جنگید؟! (۶۳۳۱- ۶۳۲۷) این گونه معصیت خدا می‌شود و شما رضایت می‌دهید؟ (۶۳۳۶- ۶۳۳۲) وقتی در نایستان فرمان حرکت به سوی دشمن می‌دهم (۶۳۴۴- ۶۳۳۷)، می‌گویید: هوا گرم است، مهلت ده تا سوز گرما بگذرد (۶۳۵۱- ۶۳۴۴)، و آنگاه که در زمستان فرمان جنگ می‌دهم، می‌گویید: هوا خیلی سرد است (۶۳۶۲- ۶۳۵۲) بگذار سرما سرد شود. (۶۳۶۶- ۶۳۶۳) همه این بهانه‌ها برای فرار از سرما و گرما بود؟ (۶۳۷۳- ۶۳۶۷) وقتی شما از گرما و سرما فرار می‌کنید (۶۳۸۰- ۶۳۷۴)، به خدا سوگند که از شمشیر بیشتر گریزانید!

(۶۳۸۶- ۶۳۸۱)

#### ۳ مظلوبت امام علیه السلام، و علل شکست کوفیان

ای مرد نمایان نامرد! (۶۳۹۴- ۶۳۸۹) ای کودک صفنان بی خرد (۶۳۹۶- ۶۳۹۵) که عقل‌های شما به عروسان نهدن نشیبت شایع دارد! (۶۴۰۰- ۶۳۹۷) چقدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم! (۶۴۰۷- ۶۴۰۱) شناسایی شما- سوگند به خدا- که جز پشیمانی حاصلی نداشت، و اندوهی غم بار سر انجام آن شد. (۶۴۱۵- ۶۴۰۸) خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پر خون (۶۴۲۱- ۶۴۱۶)، و سینمام از خشم شما مالامال است! (۶۴۲۵- ۶۴۲۲) کاسه‌های غم و اندوه را، جرعه جرعه به من نوشانید (۶۴۳۰- ۶۴۲۶)، و با نافرمانی و ذلّت پذیری، رأی و تدبیر مرا تابه کردید (۶۴۳۷- ۶۴۳۱)، تا آنجا که فریش در حق من گفت:

ای تریدید پسر ایی طالب مردی دلیر است (۶۴۴۷- ۶۴۳۸) ولی دانش نظامی ندارد، (۶۴۵۳- ۶۴۴۸) خدا پندشان ۱۱ را مزد دهد (۶۴۵۵- ۶۴۵۴)، آیا یکی از آنها تجربه‌های جنگی سخت و دشوار مرا دارد؟ (۶۴۶۲- ۶۴۵۶) یا در پیکار توانست از من پیشی بگیرد؟ (۶۴۶۷- ۶۴۶۳) هنوز بیست سال نداشتنم، که در میدان نبرد حاضر بودم (۶۴۷۴- ۶۴۶۸)، هم اکنون که از شصت سال گذشته‌ام. (۶۴۸۲- ۶۴۷۵) اما دریغ، آن کس که فرمانش را اجرا نکنند، رأیی نخواهد داشت.

(۶۴۸۹- ۶۴۸۳) (۱۰۲۸)

#### ترجمه خطبه ۲۸

##### اشاره

(این خطبه را در یکی از روزهای عید فطر ایراد فرمود)

##### دنیا ناسی

پس از حمد و ستایش الهی، همانا دنیا روی گردانیده (۶۵۱۷- ۶۵۱۳)، و وداع خویش را اعلام داشته است (۶۵۲۰- ۶۵۱۸)، و آخرت به ما روی آورده، و پیشروان لشکرش نمایان شده. (۶۵۲۸- ۶۵۲۱) آگاه باشید! امروز، روز تمرین و آمادگی (۶۵۳۳- ۶۵۲۹)، و فردا روز مسابقه است (۶۵۳۶- ۶۵۳۴)، پاداش برندگان، بهشت (۶۵۳۹- ۶۵۳۷)، و کیفر عقب ماندگان آتش است. (۶۵۴۲- ۶۵۴۰) آیا کسی هست که پیش از مرگ، از اشتباهات خود، توبه کند؟ (۶۵۴۹- ۶۵۴۳) آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن روز دوشوار قیامت، اعمال نیکی انجام دهد؟. (۶۵۵۶- ۶۵۵۰) آگاه باشید! هم اکنون در روزگار آرزوهایید، که مرگ را در پی دارد (۶۵۵۷- ۶۵۵۷)، پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد (۶۵۷۳- ۶۵۶۶)، بهرمنده خواهد شد (۶۵۷۶- ۶۵۷۴)، و مرگ او را زبانی نمی‌رساند (۶۵۸۰- ۶۵۷۷)، و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرارسیدن مرگ کوتاهی کند (۶۵۸۹- ۶۵۸۱)، زبانکار (۶۵۹۲- ۶۵۹۰) و

(۱) جمله دعائیه است که گاه در تکویش و کنایه زدن بکار می‌رود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۹

مرگ او زبانیار است (۶۵۹۵- ۶۵۹۳)، همانگونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای خدا عمل می‌کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید. (۶۵۹۹- ۶۵۹۶) (۶۶۰۳- ۶۶۰۰) آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستار آن در خواب غفلت باشن! (۶۶۱۱- ۶۶۰۴)، و نه چیزی مانند آتش جهنم، که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند! (۶۶۱۶- ۶۶۱۲) آگاه باشید! آن کس را که حق نرساند، باطل به او زیان خواهد رساند (۶۶۲۵- ۶۶۱۷)، و آن کس که هدایت راهنمای او نباشد، (۶۶۳۱- ۶۶۲۶) گمراهی او را به هلاکت خواهد افکند. (۶۶۳۶- ۶۶۳۲) آگاه باشید! به کوچ کردن فرمان یافتید (۶۶۴۲- ۶۶۳۷) و برای جمع آوری توشه آخرت راهنمایی شدید. (۶۶۴۶- ۶۶۴۳) همانا، وحشتناک‌ترین چیزی که بر شما می‌رسد، هواپرسی، و آرزوهای دراز است. (۶۶۵۳- ۶۶۴۷) (۶۶۵۵- ۶۶۵۴) (۶۶۵۸- ۶۶۵۶) پس، از این دنیا توشه برگیرید تا فردا خود را با آن حفظ نمایید.

(۶۶۶۸ – ۶۶۵۹) می‌گویم: (۶۶۷۶–۶۶۶۹) (اگر سخنی باشد که مردم را به سوی زهد بکشاند (۶۶۸۶–۶۶۷۷) و به عمل آت‌ر وادار سازد (۶۶۹۱–۶۶۸۷) همین سخن است (۶۶۹۴–۶۶۹۲)، که می‌تواند علاقه انسان را از آرزوها قطع کند (۶۷۰۰–۶۶۹۵)، و نور پیداری و تنفّر از اعمال زشت را در قلب ایجاد کند (۶۷۰۶–۶۷۰۱)، و از شگفت آورت‌رین جمله‌های مزبور این جمله است که فرمود: (۶۷۱۱–۶۷۰۷)

«ألا و أنّ الیوم المضمار و غداً السباق (۶۷۱۹–۶۷۱۲) و السیفة الجنة و العایة النار».

(۶۷۲۵–۶۷۲۰) «آگاه باشید امروز روز ترمین و آمادگی، و فردا روز مسابقه است و جایزه برندگان بهشت، و سرانجام عقب ماندگی، آتش خواهد بود. زیرا با اینکه در این کلام الفاظ بلند (۶۷۳۰–۶۷۲۶) و معانی گران قدر (۳۷۳۴–۶۷۳۱) و تمثیل صحیح (۶۷۳۷–۶۷۳۵)، و تشبیه واقعی می‌باشد (۶۷۴۰–۶۷۳۸) سزّی عجیب (۶۷۴۲–۶۷۴۱) و معنایی لطیف در آن نهفته شده است (۶۷۴۵–۶۷۴۳) و آن جمله

«و السیفة الجنة و العایة النار»

است (۶۷۵۵–۶۷۴۶)، امام بین این دو لفظ «السیفة» و «العایة» بخاطر اختلاف معنای جدائی افکنده است (۶۷۶۰–۶۷۵۶)، نگفته «السیفة النار» (۶۷۶۵–۶۷۶۱) چنانکه

«السیفة الجنة»

گفته است (۶۷۶۹–۶۷۶۶)، زیرا سیقت جستن در مورد امری دوست داشتنی است (۶۷۷۶–۶۷۷۰) (۶۷۷۹–۶۷۷۷)، و این از صفات بهشت است و این معنا در آتش «که از آن بخدا پناه می‌بریم» وجود ندارد (۶۷۹۰–۶۷۸۰) (۶۷۹۳–۶۷۹۱)، امام جازز ندانسته که بگوید:

«السیفة النار» (۶۸۰۰–۶۷۹۴) بلکه فرموده است

العایة النار

(۶۸۰۵–۶۸۰۱)، زیرا مفهوم غایت (پایان) مفهوم وسیعی است که در موضوعات مسرت بخش و غیر مسرت بخش به کار می‌رود (۶۸۱۵–۶۸۱۶) (۶۸۱۶–۶۸۱۶) و در حقیقت مرادف «مصیر» و «آل» است (۶۸۳۳–۶۸۱۷) که به معنی سر انجام می‌آید چنانکه خداوند می‌فرماید: وَ جَعَلُوا لِلّٰهِ أَثَدًا لَّیْسَ لَهُم بِهِ كَافِرَانِ بَلْ هُمْ بِبَهِرَةٍ یَّغْرِیْبُونَ که سرانجام شما به سوی آتش است. (۶۸۴۲–۶۸۳۴) در این خطبه دقّت کنید (۶۸۵۷–۶۸۵۶) که باطنی شگفت آور (۶۸۵۹–۶۸۵۸) و عمقی زیاد دارد (۶۸۶۳–۶۸۶۰) و چنین است دیگر سخنان امام علیه السلام. (۶۸۶۸–۶۸۶۴) و در بعضی نسخه‌های این خطبه چنین آمده است

«و السیفة الجنة»

(به ضم سین) (۶۸۸۳–۶۸۶۹) به جائزهای گفته می‌شود که به پیشنازنان و برندگان مسابقه داده می‌شود (۶۸۹۰–۶۸۸۴) خواه وجه نقد باشد یا جنس دیگری (۶۸۹۶–۶۸۹۱) و معنی هر دو کلمه به هم نزدیک است (۶۸۹۹–۶۸۹۷)، زیرا پاداش را برابر کار نیک می‌پردازند نه بد!

(۶۹۰۰–۶۹۰۰) (۶۹۱۶–۶۹۰۹).

(۱۰۲۹)

#### ترجمه خطبه ۲۹

##### اشاره

(پس از آن که ضحاک بن قیس از طرف معاویه در سال ۳۸ هجری به کاروان خلیج بیت الله حمله کرد و اموال آن را به غارت برد، فرمود) (۶۹۳۳–۶۹۱۷) (۶۹۴۱–۶۹۳۴)

##### علل شکست کوفیان

ای مردم کوفه! بدن‌های شما در کنار هم، آریا افکار و خواسته‌های شما پراکنده است (۶۹۴۷–۶۹۴۲)، سخنان اذعایی شما، سنگ‌های سخت را می‌شکند (۶۹۵۱–۶۹۴۸)، ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می‌سازد (۶۹۵۶–۶۹۵۲)، در خانه‌هایتان که نشسته‌اید، اذعاهای و شعارهای تند سر می‌دهید (۶۹۶۲–۶۹۵۷)، اما در روز نبرد، می‌گویید ای جنگ، از ما دور شو، و فرار می‌کنید. (۶۹۶۸–۶۹۶۳) آن کس که از شما یاری خواهد، دلیل و عوار است (۶۹۷۳–۶۹۶۹)، و قلب رها کننده شما آسایش ندارد. (۶۹۷۹–۶۹۷۴) بهانه‌های نابخردانه می‌آورید (۶۹۸۱–۶۹۸۰)، چون بدهکاران خواهان مهلت، از من مهلت می‌طلبید (۶۹۸۴–۶۹۸۲) و برای مبارزه سستی می‌کنید. (۶۹۸۸–۶۹۸۵)

نهج البلاغه ترجمه دشنی، ص: ۸۱

بدانید که افراد ضعیف و ناتوان هرگز نمی‌توانند ظلم و ستم را دور کنند (۶۹۹۲–۶۹۸۹)، و حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید (۶۹۹۸–۶۹۹۳)، شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید چگونه از خانه دیگران دفاع می‌نمایید؟ (۷۰۰۳–۷۰۰۲) یا کدام امام پس از من به مبارزه خواهید رفت؟ (۷۰۰۹–۷۰۰۴). به خدا سوگند! فریب خورده، آن کس که به گفتار شما مغرور شود (۷۰۱۴–۷۰۱۰)، کسی که به امید شما به سوی پیروزی رود، با کندترین پیکان به میدان آمده است (۷۰۲۴–۷۰۱۵)، و کسی که بخواهد دشمن را به وسیله شما هدف قرار دهد، با تیری شکسته، تیراندازی کرده است! (۷۰۳۲–۷۰۲۵). به خدا سوگند! صحیح کردم در حالی که گفتار شما را باور ندارم (۷۰۳۸–۷۰۳۳)، و به یاری شما امیدوار نیستم (۷۰۴۳–۷۰۳۹)، و دشمنان را به وسیله شما تهدید نمی‌کنم. (۷۰۴۸–۷۰۴۴) راستی شما را چه می‌شود؟ (۷۰۵۰–۷۰۴۹) داروبتان چیست؟ و روش درمانتان کدام است؟ (۷۰۵۴–۷۰۵۱) مردم شام نیز همانند شمایند؟ (۷۰۵۷–۷۰۵۵) آیا سزاور است شعار دهید و عمل نکنید؟ (۷۰۶۱–۷۰۵۸) و فراموش کاری بدون پرهیزکاری داشته (۷۰۶۶–۷۰۶۲)، به غیر خدا امیدوار باشید؟

(۷۰۷۱–۷۰۶۷).

(۱۰۳۰)

#### ترجمه خطبه ۳۰

##### اشاره

(پس از بخش شایعات دخالت امام در قتل عثمان در سال ۳۵ هجری این خطبه افشاگرانه را ایراد کرد).

##### پاسخ به شایعات دشمن

اگر به کشتن او (عثمان) فرمان داده بودم، قاتل بوم (۷۱۰۳–۷۰۹۹)، و اگر از آن باز می‌داشتم از یاوران او به شمار می‌آمدم (۷۱۰۸–۷۱۰۴)، با این همه، کسی که او را یاری کرد، نمی‌تواند بگوید که از کسانی که دست از یاری‌اش برداشته بهترم (۷۱۲۱–۷۱۰۹)، و کسانی که دست از یاری‌اش برداشتنه نمی‌توانند بگویند، یاورانش از ما بهترند. (۷۱۳۳–۷۱۲۲) من جریان عثمان را برایتان خلاصه می‌کنم: (۷۱۳۸–۷۱۳۴) عثمان استبداد و خودکامگی پیشه کرد (۷۱۴۱–۷۱۳۹)، و شما بی‌تابی کردید و از حد گذراندید (۷۱۴۵–۷۱۴۲)، و خدا در خود کامگی و ستمکاری، و در بی‌تابی و تندروی، حکمی دارد ۲۰، که تحقّق خواهد یافت. (۷۱۵۳–۷۱۴۶) (۱۰۳۱)

#### ترجمه خطبه ۳۱

##### اشاره

(در آغاز جنگ جمل در سال ۳۶ هجری، ابن عباس ۳۰ را برای پند دادن به سوی زبیر فرستاد و فرمود) (۷۱۷۲–۷۱۵۴)

##### روانشناسی طلحه و زبیر ۴۰

با طلحه، دیدار مکن (۷۱۷۵–۷۱۷۳)، زیرا در برخورد با طلحه، او را چون گاو وحشی می‌یابی که شاشخ را تابییده و آماده نبرد است (۷۱۸۲–۷۱۷۶)، سوار بر مرکب سرکش می‌شود و می‌گوید، رام است. (۷۱۸۸–۷۱۸۳) بلکه بیا زبیر دیدار کن (۷۱۹۲–۷۱۸۹) که نرم‌تر است. (۷۱۹۵–۷۱۹۳) به او بگو، پسر دایی تو می‌گوید: در حجاز مرا شناختی، و در عراق مرا نمی‌شناسی؟! (۷۲۰۶–۷۱۹۶) چه شد که از پیمان خود باز گشتی!؟. (۷۲۰۷–۷۲۰۷) (جمله کوتاه «فما عدا مَما بءاء» برای نخستین بار از امام علی علیه‌السلام شنیده شده و پیش از امام از کسی نقل نگردید).

(۷۲۲۷–۷۲۱۱)

<sup>[1]</sup> آن شخص (مروان) است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را تبعید کرد اما عثمان او را به مدینه آورد و داماد او شد

و در انحراف و کشته شدن او نقش داشت.

(۲) در سال ۳۵ هجری مخالفان عثمان با یکدیگر مکانیه کردند، و بر عزل عثمان هم داستان شدند، از مصر دو هزار نفر به فرماندهی ابو حرب شافعی، و از کوفه دو هزار نفر به رهبری مالک اشتر و زید بن صوحان، و از بصره گروه زیادی به فرماندهی خرقوص بن زهیر، به طرف مدینه آمدند ابتداء در اطراف شهر جمع شدند و سپس در مسجد مدینه و آنگاه منزل عثمان را محاصره کردند، و پس از دووُغ و عهد شکنی او را کشتند.

(۳) عبد الله بن عباس بن عبد المطلب است که خلفای عباسی به او منسوبند.

(۴) زبیر بن عوام پسر عمه امام بود زیرا مادرش صفیّه، عمه امام علی علیه السلام بود، و از خویشاوندان نسبی امام به شمار می‌آمد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۸۳

(۱۰۳۲)

### ترجمه خطبه ۳۲

#### اشاره

(در سال ۳۷ هجری در مسجد کوفه در شناخت مردم و روزگاران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایراد کرد)

#### ۱ سیر ازنجاصی امت اسلامی

ای مردم، در روزگاری کینه توز، و پر از ناسپاسی و کفران نعمت‌ها، صبح کرده‌ام (۷۲۶۱–۷۲۴۸)، که نیکو کار، بدکار به شمار می‌آید (۷۲۶۵–۷۲۶۲)، و ستماگر بر تجاوز و سرکشی خود می‌افزاید. (۷۲۷۰–۷۲۶۶) نه از آن چه می‌دانیم بهره می‌گیریم (۷۲۷۴–۷۲۷۱) و نه از آن چه نمی‌دانیم، می‌پرسیم (۷۲۷۹–۷۲۷۵)، و نه از حادثه مهفتی تا بر ما فرود نیاید، می‌ترسیم! (۷۲۸۶–۷۲۸۰)

#### ۲ اقسام مردم (روانشناسی اجتماعی مسلمین، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

در این روزگاران، مردم چهار گروه‌اند: (۷۲۹۳–۷۲۸۷)– گروهی اگر دست به فساد نمی‌زنند، برای این است که، روحشان ناتوان، و شمشیرشان کتند، و امکانات مالی، در اختیار ندارند. (۷۳۰۹–۷۲۹۴)– گروه دیگر، آنان که شمشیر کشیده، و شز و فسادشان را آشکار کرده‌اند، لشکرهای پیاده و سواره خود را گرد آورده، و خود آماده کشتار دیگرانند. (۷۳۲۱–۷۳۱۰) دین را برای به دست آوردن مال دنیا تیه کردند. که با رییس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری فرا رفته، خطبه بخوانند. (۷۳۳۵–۷۳۲۲) چه بد تجارنی، که دنیا را بهای جان خود بیدانی (۷۳۴۳–۷۳۳۶)، و با آنچه که در ترد خداست معاوضه نمایی. (۷۳۴۹–۷۳۴۴)– گروهی دیگر، با اعمال آخرت، دنیا را می‌طلبند، و با اعمال دنیا در پی کسب مقام‌های معنوی آخرت نیستند (۷۳۶۲–۷۳۵۰)، خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند. (۷۳۶۶–۷۳۶۳) گام‌ها را ریاکارانه و کوتاه بر می‌دارند (۷۳۷۰–۷۳۶۷)، دامن خود را جمع کرده (۷۳۷۴–۷۳۷۱)، خود را همانند مؤمنان واقعی می‌آرایند (۷۳۷۹–۷۳۷۵)، و پوشش الهی را وسیله نفاق و دو رویی و دنیا طلبی خود قرار می‌دهند. (۷۳۸۶–۷۳۸۰)– و برخی دیگر، با پستی و ذلت و فقدان امکانات، از به دست آوردن قدرت محروم مانده‌اند (۷۳۸۵–۷۳۸۷) (۷۴۰۲–۷۳۹۶)، که خود را به زیور قناعت آراسته (۷۴۰۵–۷۴۰۳)، و لباس زاهدان را پوشیده‌اند. (۷۴۱۰–۷۴۰۶) ایقان هرگز، در هیچ زمانی از شب و روز، از زاهدان راستین نبوده‌اند.

(۷۴۱۹–۷۴۱۱)

#### ۳ وصف یاکان در جامعه صبح شده

در این میان گروه اندکی باقی مانده‌اند که یاد قیامت، چشم‌هایشان را بر همه چیز فرو بسته (۷۴۲۹–۷۴۲۰)، و ترس و استناخیز، اشک‌هایشان را جاری ساخته است (۷۴۳۴–۷۴۳۰)، برخی از آنها از جامعه رانده شده، و تنها زندگی می‌کنند (۷۴۳۸–۷۴۳۵)، و برخی دیگر ترسان و سرکوب شده (۷۴۴۱–۷۴۳۹) با لب فرو بسته و سکوت اختیار کرده‌اند. (۷۴۴۴–۷۴۴۲)، بعضی مخلصانه همچنان مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند. (۷۴۴۷–۷۴۴۵)، و بعضی دیگر گریان و دردناکند. (۷۴۵۰–۷۴۴۸) که تقیه و خویشن داری، آنان را از چشم مردم انداخته است (۷۴۵۳–۷۴۵۱)، و ناتوانی وجودشان را فرا گرفته (۷۴۵۶–۷۴۵۴) گویا در دریای نمک فرو رفته‌اند (۷۴۶۰–۷۴۵۷)، دهن‌هایشان بسته (۷۴۶۱–۷۴۶۱)، و قلب‌هایشان مجروح است (۷۴۶۵–۷۴۶۲)، آنقدر نصیحت کردند که خسته شدند (۷۴۶۹–۷۴۶۶)، از بس سرکوب شدند، ناتوانند (۷۴۷۳–۷۴۷۰) و چندان که کشته دادند، انگشت شمارند.

(۷۴۷۷–۷۴۷۴)

#### ۴ روش برخورد با دنیا

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۸۵

ای مردم باید دنیای حرام در چشمانتان از پر کاه خشکیده (۷۴۸۸–۷۴۷۸)، و ۱۰، و تقاله‌های قبیحی شده دام داران، بی‌ارزش تر باشد (۷۴۹۱–۷۴۸۹)، از پیشینیان خود پند بگیرید، پیش از آن که آیندگان از شما پند گیرند. (۷۵۰۲–۷۴۹۲)، این دنیای فاسد نکوش شده را رها کنید (۷۵۰۵–۷۵۰۳)، زیرا مشتاقان شیفته‌تر از شما را رها کرد.

(۷۵۱۳–۷۵۰۶) می‌گویم: بعضی از نادانان این خطبه را به معاویه نسبت داده‌اند (۷۵۳۰–۷۵۱۴)، ولی بدون تردید این خطبه از سخنان امیر مؤمنان علیه السلام است. (۷۵۴۱–۷۵۳۱) «ملاک کجا و خاک کجا؟!» (۷۵۴۶–۷۵۴۲) آب گوارا و شیرین کجا و آب نمنک کجا؟! (۷۵۵۱–۷۵۴۷) دلیل بر این مطلب سخن «عمرو بن بحر، جاحظ» است که ماهر در ادب و نقاد بصیر سخن می‌باشد (۷۵۶۶–۷۵۵۹)، او این خطبه را در کتاب «البیان و التبین» آورده (۷۵۷۵–۷۵۶۷) و گفته است: آن را به معاویه نسبت داده‌اند. (۷۵۸۱–۷۵۷۶) سپس اضافه کرده که این خطبه به سخن امام علیه السلام و به روش او در تقسیم مردم شبیه‌تر است. و اوست که به بین حال مردم، از غلبه، ذلت، تقیه، و ترس واردتر است (۷۵۸۸–۷۵۸۲) (۷۵۸۹–۷۶۱۹) سپس می‌گوید: «تا کون چه موقع دیده‌ام که معاویه در یکی از سخانش مسیر زهد پیش گیرد و راه و رسم بندگان خدا را انتخاب کند!؟»

(۷۶۶۶–۷۶۲۰) (۱۰۳۳)

### ترجمه خطبه ۳۳

#### اشاره

(در سال ۳۶ هجری به هنگام عزیمت به شهر بصره، جهت جنگ با ناکثین در سرزمین ذی قاره، فرمود) «ابن عباس می‌گوید در سرزمین «ذی قاره» ۲۱، خدمت امام رفتن که داشت کفش خود را پینه می‌زد (۷۶۷۶–۷۶۵۸)، تا مرا دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ (۷۶۸۲–۷۶۷۷) گفتم بهایی ندارد. (۷۶۸۶–۷۶۸۳) فرمود: به خدا سوگند، همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوبتر است مگر اینکه حقی را با آن به پا دارم، یا باطلی را دفع نمایم. (۷۷۰۲–۷۶۸۷) آنگاه از خیمه بیرون آمد و برای مردم چنین خطبه خواند (۷۷۰۷–۷۷۰۳)،

#### ۱ آثار بیعت پیامبر اسلام

همانا خداوند هنگامی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را مبعوث فرمود (۷۷۱۵–۷۷۰۸) که هیچ کس از عرب، کتاب آسمانی نداشت (۷۷۱۲–۷۷۱۶)، ۳۱، و ادعای پیامبری نمی‌کرد. (۷۷۲۶–۷۷۲۳) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم جاهلی را تا به جایگاه کرامت انسانی پیش برد (۷۷۳۱–۷۷۲۷) و به رستگاری رساند (۷۷۳۴–۷۷۳۲)، که سر نیزه‌هایشان کندهی نپذیرفت و پیروز شدند (۷۷۳۶–۷۷۳۵) و جامعه آنان استحکام گرفت.

(۷۷۳۹–۷۷۳۷)

#### ۲ ویژگی‌های نظامی و اخلاقی امام علی علیه السلام

به خدا سوگند! من از پیشتازان لشکر اسلام بودم (۷۷۴۸–۷۷۴۰) تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد. (۷۷۵۱–۷۷۴۹) هرگز ناتوان نشدم و نترسیدم (۷۷۵۶–۷۷۵۲)، هم اکنون نیز همان راه را می‌روم (۷۷۶۱–۷۷۵۷)، پرده باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلوی آن بیرون آورم.

(۷۷۶۸–۷۷۶۲)

#### ۳ سکوه از فتنه تری قریش



مرا با قریش چه کار. (۷۷۷۵–۷۷۶۹) به خدا سوگند، آن روز که کافر بودند با آنها جنگیدم، و هم اکنون که فریب خورده‌اند، با آنها مبارزه می‌کنم. (۷۷۸۳–۷۷۷۶) دیروز با آنها زندگی می‌کردم و امروز نیز گرفتار آنها می‌باشم. (۷۷۹۱–۷۷۸۴) به خدا سوگند! قریش از ما انتقام نمی‌گیرد جز به آن علت که خداوند ما را از میان آنان برگزید و گرامی داشت. (۷۸۰۲–۷۷۹۲) ما هم آنان را در زندگی خود پذیرفتیم (۷۸۰۵–۷۸۰۳)، پس چنان بودند که شاعر گفته است: (۷۸۰۹–۷۸۰۶)

(۱) فرط، درختی است که برگ آن را خشک کرده با آن پوست را دماغی می‌کردند.

(۲) ذی قار، محلی است در نزدیکی شهر بصره، میان کوفه، و واسط که در گذشته جنگ مسلمانان با ایران نیز آنجا صورت گرفت. این عیاش می‌گوید ۱۵ روز در آنجا ماندیم و امام به ما خبر داد که از کوفه ۶۵۶۰ نفر به کسک ما می‌آیند. وقتی سپاه کوفه رسید آنها را شمارش کردم دیدم درست است. بی اختیار گفتم: *«الله اکبر صدق الله و رسوله،* شرح ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۱۸۷، (۳) یا اسواد خواندن کتابی را نداشت، کنایه از آنکه عرب جاهلی بی فرهنگ بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۸۷

«به جان خودم سوگند، هر صبح از شیر صاف نوشیدی. (۷۸۱۴–۷۸۱۰) و سر شیر و خرمای بی هسته خوردی. (۷۸۱۹–۷۸۱۵) ما این مقام و عظمت را به تو بخشیدیم در حالی که بلند مرتبت نبودی. (۷۸۲۷–۷۸۲۰) و در اطراف تو با سواران خود تا صبح ننگهایی دادیم و تو را حفظ کردیم»

(۷۸۳۳–۷۸۲۸) (۱۰۳۴)

### ترجمه خطبه ۳۴

#### اشاره

(این خطبه را پس از شکست شورشیان خوارج، در سال ۳۸ هجری برای بسیج کردن مردم جهت مبارزه با شامیان در «نخله کوفه» ایراد فرمود) (۷۸۴۹–۷۸۳۴) (۷۸۵۰–۷۸۵۰)

#### ا تکوئن از سنی و نافرمانی کوفیان

تفرین بر شما کوفیان! که از فراوانی سرزنش شما خسته شدم. (۷۸۶۳–۷۸۵۹) آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زود گذر دنیا رضایت دادید؟ (۷۸۷۰–۷۸۶۴) و بیجا عزت و سر بلندی، بدبختی و ذلت را انتخاب کردید؟ (۷۸۷۵–۷۸۷۱) هر گاه شما را به جهاد یا دشتنات دعوت می‌کنم، چشمانتان از ترس در کاسه می‌گردد (۷۸۸۲–۷۸۷۶)، گویا ترس از مرگ عقل شما را ربوده (۷۸۸۷–۷۸۸۳) و چون انسان‌های مست از خود بیگانه شده (۷۸۹۲–۷۸۸۸)، حیران و سرگردانید. (۷۸۹۶–۷۸۹۳) گویا عقل‌های خود را از دست داده و درک نمی‌کنید. (۷۹۰۳–۷۸۹۷) من دیگر هیچ گاه به شما اطمینان ندارم (۷۹۰۹–۷۹۰۴)، و شما را پشتوانه خود نمی‌بندارم (۷۹۱۵–۷۹۱۰)، شما یاران شرافتمندی نیستید که کسی به سوی دست‌دست دراز کند. (۷۹۲۱–۷۹۱۶) به شتران بی ساربان می‌مانید که هر گاه از یک طرف جمع آوری گردید، از سوی دیگر پراکنده می‌شوید.

(۷۹۳۴–۷۹۲۲)

#### ۲ علل عقب ماندگی مردم کوفه

به خدا سوگند، شما بد وسیله‌ای برای افروختن آتش جنگ هستید (۷۹۴۱–۷۹۳۵)، شما را فریب می‌دهند اما فریب دادن نمی‌دانید. (۷۹۴۵–۷۹۴۲)، سرزمین شما را بیایی می‌گیرند و شما پروا ندارید (۷۹۵۰–۷۹۴۶)، چشم دشمن برای حمله شما خواب ندارد ولی شما در غفلت به سر می‌برید. (۷۹۵۸–۷۹۵۱) بخدا سوگند، شکست برای کسانی است که دست از یاری یکدیگر می‌کشند. (۷۹۶۲–۷۹۵۹) سوگند بخدا، اگر جنگ سخت درگیر شود (۷۹۷۲–۷۹۶۳) و حرارت و سوزش مرگ شما را در برگیرد (۷۹۷۵–۷۹۷۳)، از اطراف فرزند ابو طالب، همانند جدا شدن سر از تن، جدا و پراکنده می‌شوید. (۷۹۸۳–۷۹۷۶) به خدا سوگند! آن که دشمن را بر جان خویش مسلط گرداند (۷۹۹۱–۷۹۸۴) تا گوشش را بخورد، و استخوانش را بشکند، و پوستش را جدا سازد (۷۹۹۹–۷۹۹۲)، عجز و ناتوانی‌اش بسیار بزرگ (۸۰۰۱–۸۰۰۰) و قلب او بسیار کوچک و ضعیف است. (۸۰۰۷–۸۰۰۲) او تا اگر می‌خواهی اینگونه باش (۸۰۱۲–۸۰۰۸)، اما من، به خدا سوگند از پای نشینم و قبل از آن که دشمن فرصت یابد با شمشیر آب دیده ۱۱۰ چنان زسره‌های بر پیکر او وارد سازم (۸۰۲۱–۸۰۱۳) که ریزه‌های استخوان سرش را پیرا کند (۸۰۲۵–۸۰۲۲)، و بازوها و قدم‌هایش جدا گردد (۸۰۳۰–۸۰۲۶) و از آن پس خدا هر چه خواهد انجام دهد.

(۸۰۳۷–۸۰۳۱)

#### ۳ حقوق متقابل مردم و رهبری

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است (۸۰۴۵–۸۰۳۸) (۸۰۴۹–۸۰۴۶)، حق شما بر من، آن که از غیر خواهی شما دریغ نوزم (۸۰۵۴–۸۰۵۰) و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم (۸۰۵۸–۸۰۵۵)، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید. (۸۰۶۲–۸۰۵۹)،

(۱) ضرب بالمشرقیه: شمشیری آب دیده است که در یکی از شهرهای یمن، (مشرق) می‌ساختند و معروف بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۸۹

و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. (۸۰۶۶–۸۰۶۳) و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید. (۸۰۷۲–۸۰۶۷)، و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید. (۸۰۷۸–۸۰۷۳)، هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید (۸۰۸۲–۸۰۷۹) و فرمان دادم اطاعت کنید.

(۸۰۸۶–۸۰۸۳) (۱۰۳۵)

### ترجمه خطبه ۳۵

#### اشاره

(پس از اطلاع از اجباری حکمت و نیزنگ عمرو عاص که ابو موسی را فریب داد، و طبق شروطی که برای حکمت قبول کردند عملی نشد امام این خطبه را در سال ۳۸ هجری ایراد کرد.) (۸۱۰۹–۸۰۸۷)

#### ۱ ضرورت ستایش پروردگار

خدا را سپاس! هر چند که روزگار دشواری‌های فراوان و حوادثی بزرگ پدید آورد. (۸۱۲۳–۸۱۱۰) شهادت می‌دهم جز خدای یگانه و بی مانند خدایی نباشد و جز او معبودی نیست (۸۱۳۷–۸۱۲۴)، و گواهی می‌دهم محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده لوست.

(۸۱۴۴–۸۱۳۸)

#### ۲ علل شکست کوفیان

پس از حمد و ستایش خدا، بدانید که نافرمانی از دستور نصیحت کننده مهربان دانا و با تجربه، مایه حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است. (۸۱۵۹–۸۱۴۵) من رأی و فرمان خود را نسبت به حکمت به شما گفتم (۸۱۶۷–۸۱۶۰)، و نظر خلاص خود را در اختیار شما گذاردم. (۸۱۷۲–۸۱۶۸) (ای کاش که از قصیر پسر سعه اطاعت می‌شد) (۸۱۷۷–۸۱۷۳) «۱» ولی شما همانند مخالفانی ستمکار، و پیمان شکنانی نافرمان، از پذیرش آن سرباز زدید (۸۱۸۵–۸۱۷۸)، تا آنجا که نصیحت کننده در بند دادن به تردید افتاد (۸۱۸۹–۸۱۸۶)، و از بند دادن خودداری کرد (۸۱۹۳–۸۱۹۰)، داستان من و شما چنان است که برادر هوزانی سروده است: (۸۲۰۱–۸۱۹۴) «در سرزمین منرح، دستور لازم را دادم اما پذیرفتند، که فردا سزای سرکشی خود را چشیدند.»

(۸۲۱۱–۸۲۰۲) «۲» (۱۰۴۶)

### ترجمه خطبه ۳۶

#### اشاره

(برای هشدار و نصیحت خوارج نهروان و تذکر اشتباهات آنان در ماه صفر سال ۳۸ هجری فرمود) (۸۲۲۰–۸۲۱۲)

**تلاش در هدایت دشمن**

شما را از آن می‌ترسانم!
میادا صبح کنید در حالی که جازه‌های شما در اطراف رود نهروان ۳۱ و زمین‌های پست و بلند آن افتاده باشد (۸۲۳۳–۸۲۲۱)،
بدون آن که برهان روشنی از پرورد گار (۸۲۳۸–۸۲۳۴)، و حجت و دلیل قاطعی داشته باشید. (۸۲۴۳–۸۲۳۹)
از خانه‌ها آواره گشته (۸۲۴۷–۸۲۴۴) و به دام فضا گرفتار شده باشید. (۸۲۵۰–۸۲۴۸)
من شما را از این حکمتی نهی کردم (۸۲۵۷–۸۲۵۱)
ولی با سر سختی مخالفت کردید (۸۲۶۱–۸۲۵۸)، تا به دلخواه شما کشانده شدم. (۸۲۶۶–۸۲۶۲)

(۱) خسرَب العتَل است، شخصی بنام «قصیر پسر سعده» از مشاوران مخصوص «جدیمه» بود و او را از ازدواج با ملکه الجزیره «زبیه» منع کرده، اما به او حرف گوش نداد و به دست آن زن کشته شد، که قصیر از آن پس می‌گفت ای کاش حرف مرا می‌شنید. «تا» به معنی طبری»

(۲) شعر بالا از «درید بن صمه» است که برادری بنام عبدالله داشت، با طایفه بنی‌جسم و بنی‌نصر در قبیله منرع اللوی «گذرگاه» پر پیچ و خم شنی، جنگ کردند و غنایم فراوانی به دست آوردند. دریده، به برادر می‌گفت زود از این سرزمین برویم زیرا قبیله غطفان در پی ماست، اما برادرش نیزدیرفت در آنجا ماند تا آنکه سواران غطفانی هجوم آوردند و برادر درید کشته شد و او در حالی که مجروح بود با تأسف شعر بالا را می‌خواند. از آن پس هر جا که فرصت‌ها را از دست می‌دادند این شعر را مطرح می‌کردند.

(۳) نهروان: نام دامنه رودخانه‌ای در نزدیکی کوفه، در کنار صحرای «حروراه» میان کوفه و بغداد است به همین علت خوارج را «حروزیه» می‌نامیدند، و رئیس آنها حرقوص بن زهیر بود که به «ذوالنهی» معروف شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشمنی، ص: ۹۱

شما ای بی‌خردان، و بی‌خردان (۸۲۷۱–۸۲۶۷) (۸۲۷۳–۸۲۷۲)، ای ناکسان و بی‌بدران، من که این فاجعه را به باز نیاوردم (۸۲۸۰–۸۲۷۴) و هرگز زبان شما را نخواستم!

(۸۲۸۵–۸۲۸۱) (۱۰۳۷)

### ترجمه خطبه ۳۷

#### اشاره

(پس از فرونشاندن شورش نهروان در سال ۳۸ هجری در کوفه ایراد فرمود که شبیه یک سخنرانی است) (۸۳۰۳–۸۲۸۶)

#### اویزگی‌ها و فضائل امام علی علیه السلام

آن گاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم (۸۳۰۷–۸۳۰۴)، و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند. من آشکارا به میدان آمدم (۸۳۱۱–۸۳۰۸)، و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم (۸۳۱۵–۸۳۱۲)، و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم. (۸۳۲۱–۸۳۱۶) در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته‌تر بود (۸۳۲۵–۸۳۲۲)
انما در عمل برتر و پیشتاز بودم (۸۳۲۸–۸۳۲۶)، زمام امور را به دست گرفتم، و جلوتر از همه پرواز کردم (۸۳۳۰–۸۳۲۹)، و پادشاه سبقت در فضیلت‌ها را بردم. (۸۳۳۳–۸۳۳۱)
همانند کوهی که تند بادهای آن را به حرکت در نمی‌آورد (۸۳۳۷–۸۳۳۴)، و طوفانها آن را از جای بر نمی‌کند (۸۳۴۱–۸۳۳۸)، کسی نمی‌توانست عیبی در من بیابد (۸۳۴۶–۸۳۴۲)، و سخن چینی جای عیبی جویی در من نمی‌یافت. (۸۳۵۱–۸۳۴۷)
خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم (۸۳۵۸–۸۳۵۲)، و نیرومند در نظر من پست و ناتوان است تا حق را از او باز ستانم.

(۸۳۶۶–۸۳۵۹)

#### ۲ علت سکوت و کناره گیری از خلافت

در برابر خواسته‌های خدا راضی (۸۳۷۰–۸۳۶۷)، و تسلیم فرمان او هستم (۸۳۷۴–۸۳۷۱)، آیا می‌پندارید من به رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم دروغی روا دارم؟ (۸۳۸۱–۸۳۷۵)
به خدا سوگند، من نخستین کسی هستم که او را تصدیق کردم (۸۳۸۷–۸۳۸۲)، و هرگز اول کسی نخواهم بود که او را تکذیب کنم. (۸۳۹۳–۸۳۸۸)
در کار خود اندیشیدم (۸۳۹۶–۸۳۹۴)، دیدم بیش از بیعت، پیمان اطاعت و پیروی از سفارش رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم را بر عهده دارم (۸۴۰۱–۸۳۹۷)، که از من برای دیگری پیمان گرفت. (۸۴۰۷–۸۴۰۲)
(پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود اگر در امر حکومت کنار به جدال و خورتیزی کشانده شود، سکوت کن) (۱۰۳۸)

### ترجمه خطبه ۳۸

#### اشاره

(در سال ۳۷ هجری پس از جنگ صفین و ماجرای حکمتی در تعریف «شبهه» فرمود (۸۴۲۳–۸۴۰۸)، برخی خطبه (۳۸) و ۴۱ را یک خطبه می‌دانند).

#### ضرورت شناخت شیوات

شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. (۸۴۳۱–۸۴۲۴)
انما نور هدایت‌کننده دوستان خدا، در شبهات یقین است (۸۴۳۷–۸۴۳۲)، و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است (۸۴۴۱–۸۴۳۸)،
انما دشمنان خدا، دعوت‌کننده‌شان در شبهات گمراهی است (۸۴۴۸–۸۴۴۲)، و راهنمای آنان کوری است. (۸۴۵۱–۸۴۴۹)
آن کس که از مرگ بترسد نجات نمی‌یابد (۸۴۵۷–۸۴۵۲)، و آن کس که زنده ماندن را دوست دارد برای همیشه در دنیا نخواهد ماند. (۸۴۶۳–۸۴۵۸) ۱۰

(۱) اشاره است به آنان که بی‌تفاوت شده خواهان زندگی و رفاه بودند، مانند سعد وقاص که پس از آغاز فتنه‌ها در خانه نشستند.

نهج البلاغه / ترجمه دشمنی، ص: ۹۳

(۱۰۳۹)

### ترجمه خطبه ۳۹

#### اشاره

(پس از شنیدن تهاجم یحیی از افسران معاویه، نعمان بن بشیر به عین التمر، سرزمین آباد قسمت غربی فرات ۱۱) و کوتاهی کوفیان در سال ۳۹ هجری در کوفه فرمود)

#### ۱ تکوهن کوفیان

گرفتار کسانی شده‌ام که چون امر می‌کنم فرمان نمی‌برند (۸۴۹۳–۸۴۸۸)، و چون آنها را فری می‌خوانم اجابت نمی‌کنند. (۸۴۹۸–۸۴۹۴)
ای مردم بی‌اصل و ریشه (۸۵۰۱–۸۴۹۹)، در یاری پروردگارتان برای چه در انتظارید؟ (۸۵۰۵–۸۵۰۲)
آیا دینی ندارید که شما را گردد آورد؟ (۸۵۰۹–۸۵۰۶)
و یا غیرینی که شما را به خشم وادارد؟ (۸۵۱۳–۸۵۱۰) ۲۰

#### ۲ علل شکست و نابودی کوفیان

در میان شما به پاخته فریاد می‌کنم (۸۵۱۶–۸۵۱۴)، و عاجزانه از شما یاری می‌خواهم، (۸۵۱۹–۸۵۱۷)
انما به سخنان من گوش نمی‌سپارید (۸۵۲۳–۸۵۲۰)، و فرمان مرا اطاعت نمی‌کنید (۸۵۲۸–۸۵۲۴)، تا آن را که پیامدهای ناگوار آشکار شد (۸۵۳۴–۸۵۲۹)، نه با شما می‌توان انتقام خوبی را گرفت (۸۵۳۸–۸۵۳۵)، و نه با کمک شما می‌توان به هدف رسید. (۸۵۴۳–۸۵۳۹)
شما را به یاری برادرانتان می‌خوانم، مانند شتری که از درد ناله، ناله و فریاد سر می‌دهید (۸۵۵۱–۸۵۴۴)، و یا همانند حیوانی که پشت آن زخم باشد، حرکتی نمی‌کند. (۸۵۵۶–۸۵۵۲)
تنها گروه اندکی به سوی من آمدند که آنها نیز ناتوان و مضطرب بودند (۸۵۶۳–۸۵۵۷)، گویا آنها را به سوی مرگ می‌کشاند، و مرگ را با چشمانشان می‌نگرند.

(۸۵۷۰–۸۵۶۴) می‌گوییم: ( «مذائب» یعنی مضطرب (۸۵۷۹–۸۵۷۱)، «تداء» بت الزبح، یعنی ورزش باد گردناگون و مضطرب گشت (۸۵۸۶–۸۵۸۰)، و ذب (گورگ) را ذب نامیدند چون در رفتن اضطراب دارد)

(۸۵۹۳–۸۵۸۷) (۱۰۴۰)

#### ترجمه خطبه ۴۰

#### اشاره

(آنگاه که شعار خوارج را شنید، لا حکم الا لله در سال ۳۸ هجری در مسجد کوفه فرمود) (۸۶۰۷-۸۵۹۴)

#### ضرورت حکومت

سخن حقی است، که از آن اراده باطل شد! (۸۶۱۴-۸۶۰۸) آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست (۸۶۲۰-۸۶۱۵)، ولی اینها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست (۸۶۲۸-۸۶۲۱)، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند (۸۶۳۸-۸۶۲۹)، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول (۸۶۴۲-۸۶۳۹) و کافران هم بفرمند شوند (۸۶۴۶-۸۶۴۳)، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند (۸۶۵۱-۸۶۴۷)، به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می‌گردد (۸۶۵۵-۸۶۵۲) و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. (۸۶۵۹-۸۶۵۶) ۴۳ جاذبه‌ها امن و امان (۸۶۶۳-۸۶۶۰)، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود (۸۶۶۹-۸۶۶۶)، نیکوکاران در رفاه (۸۶۷۲-۸۶۷۰) و از دست بدکاران، در امان می‌باشند. (۸۶۷۶-۸۶۷۳) [در روایت دیگری آمده، چون سخن آنان را در باره حکمیت شنید فرمود]

(۱) در آنجا مالک بن کعب، فرماندار امام علیه السلام بود که صد نفر نیرو در اختیار داشت و فرمانده مهاجم معاویه، نعمان با دو هزار سرباز به او حمله کرده بود، امیرالمؤمنین علیه السلام به همین جهت مردم را به یاری او فرا خواند و کوفیان را در بی‌تفاوتی هشدار داد و نکوهش کرد.

(۲) نغی نغکر: آپولیتیسْم (APOLITISM) (آپولوژیسم (APOLOGISM) لا قیدی و عدم شرکت در مسائل سیاسی)

(۳) نغی: آنارشیزم (ANARCHISM) که می‌گویند جامعه باید بدون حکومت اداره شود)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۹۵

منتظر حکم خدا در باره شما هستم. (۸۶۹۰-۸۶۷۷) [و نیز فرمود:] ائِمّا در حکومت باکنان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند (۸۶۹۸-۸۶۹۱) ولی در حکومت بدکاران، ناپاک از آن بفرمند. می‌شود (۸۷۰۵-۸۶۹۹) تا مَدَنش سر آید (۸۷۰۹-۸۷۰۶) و مرگ فرا رسد.

(۸۷۱۲-۸۷۱۰) (۱۰۴۱)

#### ترجمه خطبه ۴۱

#### اشاره

(پس از جنگ صفّین در سال ۳۷ هجری در کوفه ایراد فرمود)

#### پرهیز از حيله و تیرنگ

(۸۷۲۵-۸۷۱۳) ای مردم! وفا همراه راستی است (۸۷۳۱-۸۷۲۶)، که سبزی محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم. (۸۷۳۷-۸۷۳۲) آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد خیانت و تیرنگ ندارد. (۸۷۴۴-۸۷۳۸) ائِمّا امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و تیرنگ راه، زیرکی می‌پندارند (۸۷۵۵-۸۷۴۵)، و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. (۸۷۶۳-۸۷۵۶) چگونه فکر می‌کنند؟ خدا یکشد آنها را!! (۸۷۶۷-۸۷۶۴) چه بسا شخصی تمام پیش آمده‌های آینده را می‌داند، و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد (۸۷۷۳-۸۷۶۸) ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست (۸۷۸۱-۸۷۷۴)، و با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می‌سازد (۸۷۸۷-۸۷۸۲)، ائِمّا آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد از فرصت‌ها برای تیرنگ بازی، استفاده می‌کند.

(۸۷۹۶-۸۷۸۸) (۱۰۴۲)

#### ترجمه خطبه ۴۲

#### اشاره

(پس از پایان جنگ جمل در ۱۲ رجب سال ۳۶ هجری امام وارد کوفه شد، مردم به استقبال آمدند. آن حضرت وارد مسجد جامع شد دو رکعت نماز خواند و سخنرانی طولانی ایراد کرد که بخشی از آن این خطبه است.)

#### پرهیز از آرزوهای طولانی و هوا پرستی

ای مردم! همانا هر شما از دو چیز می‌ترسم: (۸۸۲۰-۸۸۱۳) هوا پرستی و آرزوهای طولانی. (۸۸۲۵-۸۸۲۱) ائِمّا بیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد (۸۸۳۱-۸۸۲۶)، و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد. (۸۸۳۷-۸۸۳۲) آنگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده (۸۸۴۴-۸۸۳۸) و از آن جز باقی مانده اندکی از طرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. (۸۸۴۹-۸۸۴۵) (۸۸۵۳-۸۸۵۰) بپوش باشید که آخرت به سوی ما می‌آید (۸۸۵۹-۸۸۵۴)، دنیا و آخرت، هر یک فرزندانی دارند. (۸۸۶۳-۸۸۶۰) بکشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا (۸۸۶۷-۸۸۶۴) (۸۸۶۷-۸۸۶۸)، زیرا در روز قیامت، هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می‌گردد. (۸۸۸۰-۸۸۷۴) امروز هنگام عمل است نه حسابرسی (۸۸۸۷-۸۸۸۱)، و فردا روز حسابرسی است نه عمل. (۸۸۹۳-۸۸۸۸) می‌گویم: (مَحْمَدًا، به معنای شتابان و اجْدًا، به معنای بریده از نیک و بد، که برخی نقل کردند)

(۸۹۰۴-۸۸۹۴)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۹۷

(۱۰۴۳)

#### ترجمه خطبه ۴۳

#### اشاره

(وقتی نماینده خود جریر بن عبد الله را در سال ۳۶ هجری به طرف معاویه فرستاد و معاویه پاسخی روشن نمی‌داد یاران امام گفتند، و مسائل جنگ را مهتا کن، فرمود)

#### ۱ واقع نگری در برخورد با دشمن

مهتا شدن من برای جنگ با شامیان، در حالی است که «جریر»<sup>۱</sup> را به رسالت به طرف آنان فرستادم (۸۹۴۱-۸۹۳۴)، بستن راه صلح (۸۹۴۳-۸۹۴۲) و باز داشتن شامیان از راه غیر است، اگر آن را انتخاب کنند. (۸۹۵۰-۸۹۴۴) من مَدّت اقامت «جریر» را در شام معین کردم، که اگر تأخیر کند یا فریض دادند و یا از اطاعت من سرباز زده است. (۸۹۶۳-۸۹۵۱) عقیده من این است که صبر نموده با آنها مدارا کنید (۸۹۶۹-۸۹۶۴)، گرچه مانع آن نیستم که خود را برای بیکار آماده سازید.

(۸۹۷۴-۸۹۷۰)

#### ۲ ضرورت جهاد با شامیان

من بارها جنگ با معاویه را بزرسی کرده‌ام (۸۹۸۲-۸۹۷۵)، و پشت و روی آن را سنجیده (۸۹۸۷-۸۹۸۳)، دیدم راهی جز بیکار، یا کافر شدن نسبت به آن چه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده باقی نمانده است (۸۹۹۹-۸۹۸۸)، زیرا در گذشته کسی بر مردم حکومت می‌کرد که اعمال او [عشمان] حوادثی آفرید (۹۰۰۷-۹۰۰۰) و باعث گفتگو و سر و صداهای فراوان شد (۹۰۱۱-۹۰۰۸)، مردم آنگاه اعتراض کردند و تغییرش دادند. (۹۰۱۵-۹۰۱۲) ۲،

(۱۰۴۴)

#### ترجمه خطبه ۴۴

#### اشاره

(در سال ۳۸ هجری یکی از فرمانداران امام به نام مصنفهٔ بن هبیره، اسیران بنی ناحیه را از فرمانده لشکر آن حضرت خرید و آزاد کرد (۹۰۴۳-۹۰۲۹) ائِمّا وقتی از او غرامت خواستند به طرف معاویه فرار کرد) (۹۰۵۲-۹۰۴۴)

**تأستف از فرار مصطفه**

خدا روی مصطفله را زشت گردانده (۹۰۵۵–۹۰۵۳)، کنار بزرگواران را انجام داد (۹۰۵۸–۹۰۵۶)، ائیا خود چونان بردگان فرار کرد (۹۰۶۲–۹۰۵۹)، هنوز نشاخوان به مدّاحی او برنخاسته بود که او را ساکت کرد، هنوز سخن ستایشگر او به پایان نرسیده بود که آنها را به زحمت انداخت. (۹۰۷۳–۹۰۶۳) اما اگر مردانه ایستاده بود همان مقدار که داشت از او می‌پذیرفتیم (۹۰۷۸–۹۰۷۴) و تا هنگام قدرت و توانایی به او مهلت می‌دادیم.

(۹۰۸۲–۹۰۷۹) (۱۰۴۵)

### ترجمه خطبه ۴۵

**اشاره**

(قسمتی از سخنرانی طولانی امام که در روز عید فطر در کوفه ایراد فرمود) (۹۰۹۵–۹۰۸۳)

### ا ضرورت ستایش پروردگار

ستایش خداوندی را سزاست که کسی از رحمت او مأیوس نگردد (۹۱۱۰–۹۱۰۳)، و از نعمت‌های فراوان او بیرون نتوان رفت (۹۱۱۵–۹۱۱۱)، خداوندی که از آموزش او هیچ گنه کاری نا امید نگردد (۹۱۲۰–۹۱۱۶)،

(۱) جریر، فرماندار همدان بود، پس از بیعت مردم با امیر المؤمنین علیه السّلام امام نامه‌ی بوسیله زهر بن قیس<sup>۱</sup> به او نوشت و ماجراهای سیاسی مدینه را توضیح داد، او از مردم همدان برای امام بیعت گرفت، و نامه‌ی به اشعث فرماندار آذربایجان نوشت که از مردم برای امام بیعت بگیرد، سپس برای ملاقات با امام به کوفه رفت، و چون اکثر بستگان و هم شهری‌های او در شام بودند از امام خواست او را بعنوان مذاکره به شام بفرستد، و پس از بحثهای فراوان با معاویه مأیوس بازگشت. اما مردم عراق نسبت به او بد بین شده بودند که ناچار باقی مانده عمر را در جزیره «قریسا» گذرانند و در سال ۴۵ هجری وفات کرد. «شرح ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۷۰.

(۲) عثمان در سال ۲۴ هجری به خلافت رسید و در سال ۳۵ هجری کشته شد. تنها یک مرحله از اسراف بازی‌های عثمان به شرح زیر است: به دامادش، حارث بن حکم، هزار درهم و شترهای فراوان زکات آن سال، و زمین بزرگی که پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم وقف مسلمانان کرده بود بخشید. به سعید بن عاص بن امیه، از طایفه خود صد هزار درهم داد. به داماد دیگرش مروان بن حکم، صد هزار درهم و به ابو سفیان دویست هزار درهم داد. به طلحه سی و دو ملیون و دویست هزار درهم، و به زبیر پنجاه و نه ملیون و هشت صد هزار درهم داد.

برای خودش سی ملیون و پانصد هزار درهم، و سیصد و پنجاه هزار دینار کنار گذاشت. به یعلی بن امیه پانصد هزار در، و به عبد الزّحمن شوهر خواهرش دو ملیون و پانصد و شصت هزار دینار داد. «العذیر ج ۸ ص ۲۸۶.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۹۹

و از پرسشش او نباید سرپیچی کرد. (۹۱۲۵–۹۱۲۱) خدایی که رحمتش قطع نمی‌گردد (۹۱۳۰–۹۱۲۶) و نعمت‌های او پایان نمی‌پذیرد.

(۹۱۳۵–۹۱۳۱)

### آ روش پرخورد با دنیا

دنیا خانه آرزوهایی است که زود ناپود می‌شود (۹۱۲۳–۹۱۳۶)، و کوچ کردن از وطن حتمی است. (۹۱۴۷–۹۱۴۴) دنیا شیرین و خوش منظر است (۹۱۵۱–۹۱۴۸) که به سرعت به سوی خواهانش می‌رود (۹۱۵۵–۹۱۵۲)، و بیننده را می‌فریبد (۹۱۵۹–۹۱۵۶)، سعی کنید با بهترین زاد و توشه از آن کوچ کنید (۹۱۶۶–۹۱۶۰) و بیش از کفاف و نیاز خود از آن نخواهید (۹۱۷۲–۹۱۶۷) و بیشتر از آنچه نیاز دارید طلب نکنید.

(۹۱۷۹–۹۱۷۳) (۹۱۷۶)

### ترجمه خطبه ۴۶

**اشاره**

(در سال ۳۷ هجری که امام علیه السّلام به سوی شام سفر آغاز کرد (۹۱۹۰–۹۱۸۰)، این نیایش را در حالی که پا در رکاب نهاد مطرح فرمود) (۹۲۰۱–۹۱۹۱) ،۱۰

### دعای سفر

خدایا! از سخنی سفر (۹۲۰۸–۹۲۰۲)، و اندوه بازگشتن (۹۲۱۱–۹۲۰۹)، و روبرو شدن با مناظر ناگوار در خانواده و مال و فرزند، به تو پناه می‌برم. (۹۲۲۰–۹۲۱۲) پروردگنار! تو در سفر همراه ما (۹۲۲۵–۹۲۲۱) و در وطن نسبت به بازماندگان ما سرپرست و نگهدارنی (۹۲۳۰–۹۲۲۶)، و جمع میان این دو را هیچ کس جز تو نتواند کرد (۹۲۳۴–۹۲۳۱)، زیرا آن کس که سرپرست بازماندگان است نمی‌تواند همراه مسافر باشد. (۹۲۳۹–۹۲۳۵) و آن که همراه و هم سفر است سرپرست بازماندگان انسان نمی‌تواند باشد.

(۹۲۴۴–۹۲۴۰) (چند جمله اوک، از رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم است که علی علیه السلام آن را با عباراتی رساتر به انعام رساند) (۱۰۴۷)

### ترجمه خطبه ۴۷

**اشاره**

(در باره کوفه) (۹۲۸۸–۹۲۸۱)

### خبر از آینده کوفه

ای کوفه! تو را می‌نگرم که چونان چرم‌های بازار عکاظ<sup>۲</sup> کشیده می‌شوی (۹۲۹۶–۹۲۸۹)، زیر پای حوادث لگد کوب می‌گردد (۹۲۹۸–۹۲۹۷)، و حسودات فراوان تو را در بر می‌گیرد (۹۳۰۱–۹۲۹۹)، من به خوبی می‌دانم، ستمگری نسبت به تو قصد بد نمی‌کند مگر آن که خداوند او را به بلایی گرفتار سازد (۹۳۱۴–۹۳۰۲) یا قائلی بر او مسلط گرداند. (۹۳۱۷–۹۳۱۵) ،۳۰

(۱) هرثمه بن سلیم می‌گوید: در سفر شام همراه امام به سرزمین کربلا رسیدیم، نماز به جماعت خوانده شد، پس از نماز امام علی علیه السلام مقداری از خاک کربلا را بوید و فرمود:

«واها لک یا ترّبه، لیحشرنّ منک قوم یدخلون الحنّه بغیر حساب»

(آه ای زمین کربلا، مردانی از تو روز محشر می‌آیند که بدون حسابرسی وارد بهشت می‌گردند)، پس از جنگ صفین، این خبر غیبی امام را به همسرم «چرده» یا شگفتی رساندم، و او گفت: امیر المؤمنین علیه السّلام جز حق سخن نمی‌گویند، روزگار سپری شد، تا لشکرهای ابن زیاد به سوی کربلا می‌رفت من هم با آنان به کربلا رسیدم که سخن امام به یاد آمد. فورا خود را به امام حسین علیه السّلام رساندم، و خبر غیبی امام علی علیه السّلام را به امام گفتم، فرمود به یاری ما آمدی یا جنگ یا جنگ ما گفتم هیچ کدام، فرمود پس دور شو زیرا هر کس کشته شدن ما را بنگرد و یاری ندهد در جهنّم خواهد بود. «شرح ابن ابی الحدیده، ج ۳، ص ۱۶۹

(۲) عکاظ، نام یکی از بازارهای عرب در جاهلیت بود که بین «نظله» و «طائف» قرار داشت و اعراب از اول ماه ذی القعدة در آن گرد می‌آمدند که یکی از اجناس معروف این بازار، چرم‌های آن بود که به خوبی و محکمی شهرت داشت، در همین بازار شعرا شاهکارهای ادبی خود را می‌خواندند، و بهترین آن را بر دیوار کعبه می‌آویختند که به «معلقات سبع» مشهور شد.

(۳) زیرا کوفه همواره جایگاه شیعیان امام و مرکز فعالیت‌های آنان بود که فرمود:

هذه مدینتنا، و محلّتنا و مقرّ شیعتنا

(کوفه شهر و جایگاه ما، و مرکز شیعیان ماست) «شرح ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۱۹۸

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۰۱ (۱۰۴۸)

**ترجمه خطبه ۴۸**

**اشاره**

(به هنگام حرکت برای جنگ با شامیان، در نخله کوفه در ۲۵ شوال سال ۳۷ هجری قمری ایراد فرمود) (۹۳۲۶- ۹۳۱۸) (۹۳۳۸- ۹۳۲۷)

**ضرورت آماده‌ی رزمی**

سنايش خداوند را سزاست، هر لحظه که شب فرا رسد، و پرده تاریکی فرو افتد (۹۳۴۵- ۹۳۳۹)، سنايش مخصوص پروردگار است هر زمان که ستاره‌ای طلوع و غروب کند (۹۳۵۳- ۹۳۴۶)، سنايش خداوندی را سزاست که نعمت‌های او پایان نمی‌پذیرد (۹۳۵۹- ۹۳۵۴)، و بخشش‌های او را حیران نتوان کرد (۹۳۶۳- ۹۳۶۰)، پس از سنايش پروردگار، پیشانان لشکر را از جلو فرستادم (۹۳۶۸- ۹۳۶۴)، «ا» و دستور دادم در کنار فرات توقف کنند (۹۳۷۳- ۹۳۶۹)، تا فرمان من به آنها برسد (۹۳۷۶- ۹۳۷۴)، زیرا تصمیم گرفتم از آب فرات بگذرم و به سوی جمعیتی از شما که در اطراف دجله مسکن گزیده‌اند رهسپار گردم (۹۳۸۶- ۹۳۷۷) (۹۳۸۱- ۹۳۸۷) و آنها را همراه شما بسیج نمایم (۹۳۹۳- ۹۳۹۰)، و از آنها برای کمک و تقویت شما یاری بطلبم.

(۹۳۹۹- ۹۳۹۴) می‌گویم: (منظور امام از «مطاطه» آنجایی است که دستور توقف داد (۹۴۱۱- ۹۴۰۰)، «کنار فرات»، که به کنار فرات یا دریا «مطاطه» هم می‌گویند. (۹۴۲۱- ۹۴۱۲) و امام علیه السّلام از کلمه «نطفه» آب فرات اراده کرده (۹۴۳۲- ۹۴۲۸) که شگفت آور است)

(۹۴۳۹- ۹۴۳۳) (۱۰۴۹)

**ترجمه خطبه ۴۹**

**خدا شناسی**

سنايش خداوندی را سزاست که از اسرار نهان‌ها آگاه است (۹۴۵۹- ۹۴۴۵)، و نشانه‌های آشکاری در سراسر هستی بر وجود او شهادت می‌دهند (۹۴۶۶- ۹۴۶۰)، هرگز برابر چشم بیننده‌گان ظاهر نمی‌گردد. (۹۴۶۹- ۹۴۶۵) نه چشم کسی که او را ندیده می‌تواند انکارش کند (۹۴۷۵- ۹۴۷۰)، و نه قلبی که او را شناخت می‌تواند مشاهده‌اش نماید. (۹۴۸۱- ۹۴۷۶) در ولایی و برتری از همه پیشی گرفته، پس، از او برتر چیزی نیست (۹۴۸۸- ۹۴۸۲)، و آنچه‌ان به مخلوقات نزدیک است که از او نزدیکتر چیزی نمی‌تواند باشد. (۹۴۹۶- ۹۴۸۹) مرتبه بلند او را از پدیده‌هایش دور نساخته (۹۵۰۳- ۹۴۹۷)، و نزدیکی او با پدیده‌ها، او را مساوی چیزی قرار نداده است. (۹۵۱۰- ۹۵۰۴) عقل‌ها را بر حقیقت ذات خود آگاه نساخته (۹۵۱۶- ۹۵۱۱)، اما از معرفت و شناسایی خود باز نداشته است. (۹۵۲۲- ۹۵۱۷) ۲۰، پس اوست که همه نشانه‌های هستی بر وجود او گواهی می‌دهند (۹۵۲۸- ۹۵۲۳) و دل‌های منکران را بر اقرار به وجودش وا داشته است (۹۵۳۳- ۹۵۲۹)، خدایی که برتر از گفتار تشبیه کننده‌گان و پندار منکران است.

(۹۵۳۹- ۹۵۳۴) (۹۵۴۴- ۹۵۴۰) (۱۰۵۰)

ترجمه خطبه ۵۰

(پس از پایان جنگ صفّین و ماجرای حکمیّت در سال ۳۸ هجری در شهر کوفه ایراد فرمود)

**علل پیدایش فتنه‌ها**

(۱) امام علیه السّلام زیاد بن نصر و شریح بن هانی را با دوازده هزار سرباز به سوی جبهه‌ها اعزام کرد.

(۲) نقد تفکر: راسم رِیالیسم (RATIONALISM) «اصالت عقل» و اینکه شسناخت عقل محسوس بود است، پس اینکمه پایبند از عقل بهره برد، اما نیاید به آن اصالت داد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۰۳

همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هوا پرستی (۹۵۶۸- ۹۵۵۰)، و بدعت گذاری در احکام آسمانی است (۹۵۷۱- ۹۵۶۹)، نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است (۹۵۷۵- ۹۵۷۲)، و گروهی «با دو انحراف یاد شده» بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که بر خلاف دین خداست. (۹۵۸۴- ۹۵۷۶) پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد (۹۵۹۱- ۹۵۸۵)، بر ظالمیان حق پوشیده نمی‌ماند (۹۵۹۵- ۹۵۹۲)، و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت (۹۶۰۳- ۹۵۹۶) زبان دشمنان قطع می‌گردید. (۹۶۰۷- ۹۶۰۴) اما قسمتی از حق (۹۶۱۳- ۹۶۰۸) و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند (۹۶۱۸- ۹۶۱۴) ۱۰، آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد (۹۶۲۳- ۹۶۱۹) و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند نجات خواهند یافت.

(۹۶۳۱- ۹۶۲۴) (۱۰۵۱)

**ترجمه خطبه ۵۱**

**اشاره**

(در سال ۳۷ هجری پس از ورود به صحرای صفّین برای در اختیار گرفتن آب فرات خطاب به خط شکنان سپاه فرمود)

**فرمان خط نکستن و آزاد کردن آب فرات**

شامیان با بستن آب شما را به بیکار دعوت کردند. (۹۶۵۲- ۹۶۵۰) ۲۰، اکنون بر سر دو راهی قرار دارید: یا به ذلّت و خواری بر جای خود بنشینید (۹۶۵۵- ۹۶۵۳) (۹۶۵۸- ۹۶۵۶)، و یا شمشیرها را از خون آنها سیراب سازید تا از آب سیراب شوید. (۹۶۶۶- ۹۶۵۹) پس بدانید که مرگ در زندگی توأم با شکست (۹۶۷۰- ۹۶۶۷)، و زندگی جاویدان در مرگ پیروزمانده شمامست. (۹۶۷۵- ۹۶۷۱) آگاه باشید! معاویه گروهی از گمراهان را همراه آورده (۹۶۸۳- ۹۶۷۶) و حقیقت را از آنان می‌پوشاند (۹۶۸۷- ۹۶۸۴)، تا کور کورانه گلوهایشان را آماج تیر و شمشیر کنند.

(۹۶۹۲- ۹۶۸۸) (۱۰۵۲)

ترجمه خطبه ۵۲

(در یکی از روزهای عید قربان این خطبه را ایراد فرمود که اکثر شارحان، خطبه ۵۲ و ۵۳ را یکی می‌دانند که در خطبه‌های قبل برگزیده مطالب آن آمده است)

**ان‌ت‌عرف دنیا**

آگاه باشید، گویا دنیا پایان یافته (۹۷۲۱- ۹۷۱۳)، و دواع غویبش را اعلام داشته است (۹۷۲۴- ۹۷۲۲)، خوبی‌هایش ناشناخته مانده (۹۷۲۷- ۹۷۲۵) به سرعت پشت کرده می‌گذرد (۹۷۳۰- ۹۷۲۸)، ساکنان خود را به سوی ناپود شدن می‌کشاند (۹۷۳۴- ۹۷۳۱)، و همسایگانش را به سوی مرگ می‌راند. (۹۷۳۸- ۹۷۳۵) آنچه از دنیا شیرین بود تلخ شده (۹۷۴۵- ۹۷۳۹) و آنچه صاف و زلال بود تیرگی پذیرفت (۹۷۵۱- ۹۷۴۶)، و بیش از نه مانده طرف آب ریخته شده از آن باقی نمانده است (۹۷۵۸- ۹۷۵۲)، یا جرع‌های آب که با آن عطش تشنگان دنیا فرو نخواهد نشست. (۹۷۶۲- ۹۷۵۹) (۹۷۶۷- ۹۷۶۳) ۳۰،

(۱) نقد تفکر التقاطی، آنانکه می‌خواهند مکاتب شرقی یا غربی را با آب و رنگ اسلامی جلوه‌گر سازند، زیرا هر مکتبی و هر واژهای جایگاه خاصّ خودش را دارد.

(۲) عبد الله بن عوف نقل می‌کند: پیش از آنکه سپاه کوفه به صحرای صفّین برسد، سربازان معاویه به فرماندهی «ابو ال‌اعور» رودخانه فرات را در اختیار گرفتند، امام علی علیه السّلام «صمصعه بن صوحان» را به سوی معاویه فرستاد که چرا شرعیه فرات را بستند؟ معاویه با یاران خود مشورت کرد. اولید بن عقبه، و عبد الله بن سعیده، گفتند آب را همچنان بسته نگه‌دارید تا سپاه کوفه از تشنگی بمیرند، ولی «عمرو عاص» گفت «علی مردی نیست که تشنه بماند، او همان مردی است که می‌گفت اگر چهل نفر یاور دستم حق خود را پس از سقیفه می‌گرفتم، اکنون که بزرگان عراق و حجاز همراه او می‌باشند، معاویه هم چنان دستور داد که آب را بسته نگه دارند به فرمان امام علیه السّلام خط شکنان سپاه به فرماندهی امام حسن علیه السّلام حمله کردند، آب را در اختیار گرفته، سپاه معاویه را کنار زدند، اما امام علی علیه السّلام دستور داد که آب برای هر دو لشکر آزاد باشد، این عمل جوانمردانه امام، باعث پیداری بسیاری از شامیان شد که برخی از آنان به سپاه امام پیوستند.



(در سال ۴۰ هجری، روزهای آخر عمر شریف خود در نکویش و هشدار کوفیان ایراد فرمود)

**خبر از سلطه ستمگری بی باک**

آگاه باشید! پس از من مردی با گلوئی گشاده (۱۰۲۲۶-۱۰۲۱۹)، و شکمی بزرگ بر شما مسلط خواهد شد (۱۰۲۲۸-۱۰۲۲۷)، که هر چه نیاید می‌خورد (۱۰۲۳۱-۱۰۲۲۹)، و تلاش می‌کند آنچه ندارد به دست آورد (۱۰۲۳۶-۱۰۲۳۲) او را بکشید! (۱۰۲۳۷-۱۰۲۳۷) ولی هرگز نمی‌توانید او را بکشید. (۱۰۲۴۰-۱۰۲۳۸) آگاه باشید! به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می‌کند (۱۰۲۴۸-۱۰۲۴۱)، بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم (۱۰۲۴۹-۱۰۲۵۱) که ماهی پلندی در جرات من (۱۰۲۵۴-۱۰۲۵۲) و نجات شمامست (۱۰۲۵۷-۱۰۲۵۵)، انا هرگز در دل از من بیزاری نجوید. (۱۰۲۶۳-۱۰۲۵۸) که من بر فطرت توحید تو لید یافته‌ام (۱۰۲۶۷-۱۰۲۶۴) و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم‌تر بوده‌ام. (۱۰۲۷۳-۱۰۲۶۸) (۱۰۵۸)

**ترجمه خطبه ۵۸**

**اشاره**

(در سال ۳۸ هجری پس از ماجرای حکمت، و شنیدن شایعات فراوان در نکویش خوارج فرمود)

**خبر از آینده شوم خوارج**

سنگ حوادث و بلا بر شما بیارد (۱۰۲۹۳-۱۰۲۸۲)، چنانکه اتری از شما باقی نگذارد. (۱۰۲۹۸-۱۰۲۹۴) آیا پس از ایمانم به خدا (۱۰۳۰۲-۱۰۲۹۹)، و جهاد کردنم در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (۱۰۳۰۸-۱۰۳۰۳) به کفر خویش گواهی می‌دهم؟ (۱۰۳۱۲-۱۰۳۰۹) اگر چنین کنم گمراه شده و از هدایت شدگان نخواهم بود. (۱۰۳۲۱-۱۰۳۱۳) پس به بدترین جایگاه رهسپار شوید (۱۰۳۲۴-۱۰۳۲۲)، و به راه گذشتگان باز گردید. (۱۰۳۲۹-۱۰۳۲۵) آگاه باشید! به زودی پس از من، به خواری و ذلت گرفتار می‌شوید (۱۰۳۳۵-۱۰۳۳۰) و شمشیر برنده بر شما مسلط می‌گردد (۱۰۳۳۸-۱۰۳۳۶)، و به استبدادی دچار خواهید شد که برای دیگر ستمگران راه و رسم حکومت قرار خواهد گرفت. (۱۰۳۴۴-۱۰۳۳۹) می‌گویم: (سخن امام علی علیه السلام که فرمود

«و لا یقی منکم آبر»

سه گونه روایت شده است (۱۰۳۵۷-۱۰۳۴۵)، اول- آنگونه که ما آورده‌ام (۱۰۳۶۲-۱۰۳۵۸)، آبر، از باب «أبر النخل» به معنای اصلاح کننده آمده. (۱۰۳۷۱-۱۰۳۶۳) دوم- «آبر» نقل شد (۱۰۳۷۴-۱۰۳۷۲) یعنی باز گو کننده حدیث (۱۰۳۸۳-۱۰۳۷۵)، و این نقل به نظر من بهتر است (۱۰۳۸۸-۱۰۳۸۴)، گویا امام علیه السلام می‌فرماید، از شما خبر دهنده‌ای باقی نماند. (۱۰۳۹۵-۱۰۳۸۹) سوم- «آبر» یا «ز» نیز روایت شد به معنای هلاک شونده، پرش کننده، که به هلاک شونده «آبر» گویند. (۱۰۴۰۳-۱۰۳۹۶) (۱۰۴۰۹-۱۰۴۰۴) (۱۰۵۹)

**ترجمه خطبه ۵۹**

**اشاره**

(در سال ۳۸ هجری به هنگامی که حرکت برای جنگ با خوارج، شخصی گفت، خوارج از بل نهروان ۳۰ عبور کردند، امام فرمود) (۱۰۴۲۵-۱۰۴۱۰)

**خبر از قتلگاه خوارج**

قتلگاه خوارج این سوی نهر است (۱۰۴۲۸-۱۰۴۲۶)، به خدا سوگند از آنها جز ده نفر باقی نمی‌ماند (۱۰۴۳۴-۱۰۴۲۹)، و از شما نیز ده نفر کشته نخواهد شد. (۱۰۴۳۹-۱۰۴۳۶) (منظور امام از «نطقه» آب نهر است (۱۰۴۴۵-۱۰۴۴۰) که از فصیحترین کتابه در رابطه با آب هر چند زیاد و فراوان باشد) (۱۰۴۵۶-۱۰۴۴۶)

(۱) فرد مورد نظر معاویه است، که هر چه می‌خورد سیر نمی‌شد، او نفرین شده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، زیرا چند بار او را فراخواند جواب داد مشغول غذا خوردن است، حضرت فرمود:

«اللَّهُمَّ لا تُشِیعْ بطنه»

«خدایا هرگز شکم او را سیر مکن» از آن پس معاویه فراوان می‌خورد و می‌گفت: «ملت و ما اشیعت» «از خوردن خسته شدم ولی سیر نشده‌ام»

(۲) پس از آن که معاویه به عراق تسلط یافت، به تمام شهرهای اسلامی آن روز دستور العملی را فرستاد که در خطبه‌ها و نماز به امام علی علیه السلام ناسزا بگویند و به تدریج برای بنی امیه عادت شد تا آن که عمرو بن عبد العزیز در دوران خلافت خود این عادت ناپسند را ریشه کن کرد.

(۳) در باورقی خطبه ۳۶ در باره نهروان توضیح داده شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۱۱

(۱۰۶۰)

**ترجمه خطبه ۶۰**

**اشاره**

(در پایان جنگ با خوارج، در سال ۳۸ هجری شخصی گفت، ای امیر المؤمنین علیه السلام! خوارج همه نابود شدند. فرمود) (۱۰۴۶۸-۱۰۴۶۸)

**خبر از تداوم نفقار انحرافی خوارج**

نه، سوگند به خدا هرگز! (۱۰۴۸۴-۱۰۴۸۲) آنها نطقه‌هایی در پشت پدران (۱۰۴۸۹-۱۰۴۸۵) و رحم مادران وجود خواهند داشت (۱۰۴۹۲-۱۰۴۹۰)، هر گاه که شایخی از آنان سر بر آورد قطع می‌گردد (۱۰۴۹۷-۱۰۴۹۳) تا اینکه آخرینشان به راهزنی و دزدی تن در می‌دهند.

(۱۰۵۰۲-۱۰۴۹۸) (۱۰۶۱)

**ترجمه خطبه ۶۱**

(در سال ۳۸ هجری، پس از پایان جنگ نهروان، نسبت به آینده خوارج فرمود)

**نهی از کشتار خوارج**

بعد از من یا خوارج نبرد نکنید (۱۰۵۰۹-۱۰۵۰۳)، زیرا کسی که در جستجوی حق بوده و خطا کرد (۱۰۵۱۴-۱۰۵۱۰) مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آن را یافته است.

(۱۰۵۱۸-۱۰۵۱۵) (منظور امام از گروه دوم معاویه و یاران او هستند)

(۱۰۵۲۴-۱۰۵۱۹) (۱۰۶۲)

**ترجمه خطبه ۶۲**

**اشاره**

(در سال ۴۰ هجری، روزهای آخر عمر شریف امام علیه السلام در کوفه در پاسخ به برخی از تهدیدها و کشته شدن ناگهانی فرمود) (۱۰۵۳۳-۱۰۵۲۵)

**موضع گیری امام علیه السلام برابر تهدید به فرور**

پروردگار برای من پوششی استوار قرار داد که مرا حفظ نماید (۱۰۵۴۰–۱۰۵۳۴)، هنگامی که عمرم بسر آید، از من دور شده و مرا تسلیم مرگ می‌کند (۱۰۵۴۷–۱۰۵۴۱)، که در آن روز نه تیر عطا می‌رود (۱۰۵۵۱–۱۰۵۴۸) و نه زخم بهبود می‌یابد. (۱۰۵۵۵–۱۰۵۵۲) (۱۰۶۳)

ترجمه خطبه ۶۳

روش برخورد با دنیا

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۱۳

آنگاه باشیید! دنیا خانه‌ای است که کسی در آن ایمنی ندارد جز آنکه به جمع آوری توشه آخرت پردازد (۱۰۵۷۳–۱۰۵۶۵) و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی‌یابد. (۱۰۵۷۹–۱۰۵۷۴) مردم به وسیله دنیا آزمایش می‌شوند (۱۰۵۸۳–۱۰۵۸۰)، پس هر چیزی از دنیا را برای دنیا به دست آورند از کفشان بیرون می‌رود، و بر آن محاسبه خواهند شد (۱۰۵۹۲–۱۰۵۸۴)، و آنچه را در دنیا برای آخرت تهیه کردند به آن خواهند رسید، و با آن خواهند ماند. (۱۰۶۰۲–۱۰۵۹۳)، دنیا در نظر خردمندان چنان‌سان سبایه است (۱۰۶۰۸–۱۰۶۰۳) که هنوز گسترش نیافته، کوتاه می‌گردد (۱۰۶۱۳–۱۰۶۰۹)، و هنوز فرونی نیافته کاهش می‌یابد. (۱۰۶۱۷–۱۰۶۱۴) (۱۰۶۴)

ترجمه خطبه ۶۴

نشانن به سوی اعمال پسندیده

(۱۰۶۲۸–۱۰۶۱۸) ای بندگان خدا!! از خدا بپرهیزید. (۱۰۶۳۱–۱۰۶۲۸) و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید (۱۰۶۳۵–۱۰۶۳۲)، با چیزهای فانی شدنی دنیا آنچه که جاویدان می‌ماند خریداری کنید. (۱۰۶۴۳–۱۰۶۳۶) از دنیا کوچ کنید که برای کوچ دادن تلاش می‌کنند. (۱۰۶۴۸–۱۰۶۴۴) آماده مرگ باشیید که بر شما سایه افکنده است. (۱۰۶۵۳–۱۰۶۴۹) چون مردم باشیید که بر آنها پانگ زدنند و بیدار شدند (۱۰۶۵۹–۱۰۶۵۴)، و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت مبادله کردند. (۱۰۶۶۷–۱۰۶۶۰) خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید (۱۰۶۷۳–۱۰۶۶۸)، و به حال خود وا نگذاشت (۱۰۶۷۷–۱۰۶۷۴)، میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست. (۱۰۶۹۱–۱۰۶۷۸) زندگی کوتاهی که گذشتن لحظه‌ها از آن می‌کاهد (۱۰۶۹۶–۱۰۶۹۲)، و مرگ آن را نابود می‌کند. (۱۰۶۹۹–۱۰۶۹۷)، سزاوار است که کوتاه مدّت باشد. (۱۰۷۰۲–۱۰۷۰۰) زندگی که شب و روز آن را به پیش می‌راند (۱۰۷۱۰–۱۰۷۰۳) به زودی پایان خواهد گرفت. (۱۰۷۱۳–۱۰۷۱۱) مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می‌برد (۱۰۷۲۰–۱۰۷۱۴) باید بهترین توشه را با خود بردارد. (۱۰۷۲۳–۱۰۷۲۱) از این خانه دنیا زلد و توشه بردارید که فرادی رستناخیز نگهبانان باشد. (۱۰۷۳۳–۱۰۷۲۴) بنده خدا باید از پروردگار خود بپرهیزد (۱۰۷۳۶–۱۰۷۳۴)، خود را بند دهد (۱۰۷۳۸–۱۰۷۳۷) و توبه را پیش فرستد (۱۰۷۴۱–۱۰۷۳۹)، و بر شهوات غلبه کند (۱۰۷۴۴–۱۰۷۴۲)، زیرا مرگ او پنهان و پوشیده است (۱۰۷۴۵–۱۰۷۴۵)، و آرزوها فریبنده‌اند (۱۰۷۵۲–۱۰۷۴۹)، و شیطان، همواره با اوست (۱۰۷۵۶–۱۰۷۵۳) و گناهان را زینت و جلوه می‌دهد تا بر او تسلّط یابد (۱۰۷۶۰–۱۰۷۵۷)، انسان را در انتظار توبه نگه می‌دارد که آن را تأخیر اندازد (۱۰۷۶۴–۱۰۷۶۱)، و تا زمان فرا رسیدن مرگ از آن غفلت نماید. (۱۰۷۷۲–۱۰۷۶۵) وای بر غفلت زده‌ای که عمرش بر فسد او گواهی دهد (۱۰۷۸۴–۱۰۷۷۳)، و روزگار او را به شقاوت و پستی کشانند. (۱۰۷۹۰–۱۰۷۸۵) از خدا می‌خواهیم که ما و شما را برابر نعمت‌ها مغرور نسازد (۱۰۸۰۱–۱۰۷۹۱)، و چیزی ما را از اطاعت پروردگار باز ندارد (۱۰۸۰۹–۱۰۸۰۲)، و پس از فرا رسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند.

(۱۰۸۱۹–۱۰۸۱۰)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۱۵

(۱۰۶۵)

ترجمه خطبه ۶۵

اشاره

(در سال ۳۸ هجری پس از پایان جنگ صفین در مسجد کوفه این سخنرانی را ایراد کرد)

خدا شناسی شناخت صفات خدا.

ستایش خداوندی را سزاست که صفی بر صفت دیگرش پیشی نگرفته (۱۰۸۳۹–۱۰۸۳۲) تا بتوان گفت: پیش از آن که آخر باشد اول است (۱۰۸۴۵–۱۰۸۴۰) و قبل از آن که باطن باشد ظاهر است. (۱۰۸۵۲–۱۰۸۴۶) هر واحد و تنهایی جز او، اندک است (۱۰۸۵۷–۱۰۸۵۳)، هر عزیزی جز او ذلیل (۱۰۸۶۲–۱۰۸۵۸)، و هر نیرومندی جز او ضعیف و ناتوان است (۱۰۸۶۷–۱۰۸۶۳)، هر مالکی جز او بنده (۱۰۸۷۲–۱۰۸۶۸)، و هر عالمی جز او دانش آموز است (۱۰۸۷۷–۱۰۸۷۳)، هر قدرتمندی جز او، گاهی توانا و زمانی ناتوان است (۱۰۸۸۴–۱۰۸۷۸)، هر شونده‌ای جز خدا در شیندن صداهای ضعیف کر (۱۰۸۹۲–۱۰۸۸۵) و برابر صداهای قوی، ناتوان است (۱۰۸۹۵–۱۰۸۹۳) و آوازهای دور را نمی‌شنود. (۱۰۹۰۱–۱۰۸۹۶) «ای بینهنده‌ی جز خدا، از مشاهده رنگ‌های ناپیدا و اجسام بسیار کوچک ناتوان است (۱۰۹۱۲–۱۰۹۰۲)، ۲۰، هر ظاهری غیر از او پنهان (۱۰۹۱۷–۱۰۹۱۳)، و هر پنهانی جز او آشکار است. (۱۰۹۱۳–۱۰۹۱۸) مخلوقات را برای تقویت فرمانروایی (۱۰۹۲۹–۱۰۹۲۴)، و یا برای ترس از آینده (۱۰۹۳۵–۱۰۹۳۰)، یا یاری گرفتن در مبارزه یا همتای خود (۱۰۹۴۱–۱۰۹۳۶)، و یا برای فخر و مباهات شمرنگان (۱۰۹۴۵–۱۰۹۴۲)، و یا ستیزه جویی مخالفان نیافریده است. (۱۰۹۴۶–۱۰۹۴۶) بلکه همه، آفریده‌های او هستند و در سایه پرورش او (۱۰۹۵۳–۱۰۹۵۰)، بندگانی فروتن و فرمانبردارند. (۱۰۹۵۶–۱۰۹۵۴) خدا در چیزی فرار نگرفته تا بتوان گفت در آن جاست (۱۰۹۶۳–۱۰۹۵۷)، و دور از پدیده‌ها نیست تا بتوان گفت از آنها جداست. (۱۰۹۷۱–۱۰۹۶۴) آفرینش موجودات او را در آغاز ناتوان ساخت (۱۰۹۷۶–۱۰۹۷۲)، و از تدبیر پدیده‌های آفریده شده باز نمانده است (۱۰۹۸۱–۱۰۹۷۷)، نه به خاطر آنچه آفریده قدرتش پایان گرفته (۱۰۹۸۸–۱۰۹۸۲) و نه در آنچه فرمان داد و مقدر ساخت دچار تردید شد. (۱۰۹۹۷–۱۰۹۸۹) بلکه فرمایش استوار (۱۱۰۰۰–۱۰۹۹۸)، و علم او مستحکم (۱۱۰۰۳–۱۱۰۰۱)، و کارش بی تزلزل است. (۱۱۰۰۶–۱۱۰۰۴) خدایی که به هنگام بلا و سختی به او امیدوار (۱۱۰۰۹–۱۱۰۰۷)، و در نعمت‌ها از او بیمنتا کند. (۱۱۰۱۲–۱۱۰۱۰) (۱۰۶۶)

ترجمه خطبه ۶۶

اشاره

(در یکی از روزهای آغازین جنگ صفین در سال ۳۷ هجری برای لشکریان خود ایراد فرمود)

آموزش تاکتیک‌های نظامی

ای گروه مسلمانان (۱۱۰۳۵–۱۱۰۳۴)، لباس زیرین را ترس خدا (۱۱۰۳۷–۱۱۰۳۶)، و لباس روین را آرامش و خونسردی قرار دهید. (۱۱۰۴۰–۱۱۰۳۸) دندان‌ها را بر هم بشنارید. (۱۱۰۴۴–۱۱۰۴۱) تا مقاومت شما برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد (۱۱۰۴۶–۱۱۰۴۵)، زره نبرد خود را کامل کنید (۱۱۰۵۲–۱۱۰۵۰)، پیش از آن که شمشیر را از غلاف بیرون کنید چند بار تکان دهید. (۱۱۰۵۹–۱۱۰۵۳)، یا گوشه چشم به دشمن بنگرید (۱۱۰۶۲–۱۱۰۶۰) و ضربت را از چپ و راست فرود آورید (۱۱۰۶۵–۱۱۰۶۳)، و با تیزی شمشیر بزنید (۱۱۰۶۸–۱۱۰۶۶)، و با گام برداشتن به پیش، شمشیر را به دشمن رسانید (۱۱۰۷۲–۱۱۰۶۹)، و بدانید که در پیش روی خدا (۱۱۰۷۷–۱۱۰۷۳) و پسر عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار دارید. (۱۱۰۸۳–۱۱۰۷۸)

(۱) اشاره به علم: آکوستیک(AKUSTIK)صوت شناسی)

(۲) چشم انسان همه رنگ‌ها را نمی‌بیند، مانند رنگ‌های موجود در نور خورشید، و انواع ششقه‌ها که باید با وسایل الکترونیک پیشرفته مشاهده کرد، و گوش‌ها محدودند که ارتعاشات خاصی را می‌شنوند، گوش انسان تا ۲۰۰۰ ارتعاش و گوش سگ تا ۷۰۰۰ ارتعاش صوتی را درک می‌کند، اینها نکات علمی دقیقی است که در عصر ما دانشمندان علوم به آن رسیده‌اند، شگفت آور آن که امام علی علیه السلام چهارده قرن قبل به اینگونه از واقعیت‌ها اشاره فرموده است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۱۷

پی در پی حمله کنید (۱۱۰۸۵–۱۱۰۸۴) و از فرار شرم دارید (۱۱۰۸۹–۱۱۰۸۶)، زیرا فرار در جنگ، لگه ننگی برای نسل‌های



آینده (۱۰۹۳-۱۱۰۰) و مایه آتش روز قیامت است (۱۰۹۷-۱۱۰۹)، از شهادت خرسند باشد (۱۱۰۲-۱۱۰۹) و به آسانی از آن استقبال کنید. (۱۱۰۸-۱۱۱۰۳) به آن گروه فراوان اطراف خیمه پر زرق و برق (۱۱۱۳-۱۱۱۰۹) و طناب در هم افکنده (فرماندهی معاویه) به سختی حمله کنید (۱۱۱۶-۱۱۱۴)، و به قلب آنها هجوم برید (۱۱۱۸-۱۱۱۷) که شیطان در کنار آن پنهان شده (۱۱۲۳-۱۱۱۹)، دستی برای حمله در پیش (۱۱۲۸-۱۱۲۴)، و پشایی برای فرار آماده دارد (۱۱۳۲-۱۱۲۹)، مقاومت کنید (۱۱۳۳-۱۱۳۳) تا ستون حق بر شما آشکار گردد. (۱۱۴۲-۱۱۳۵) «شما برترید، خدا با شماست، و از پاداش اعمالتان نمی‌کاهد».

(۱۱۴۹-۱۱۴۳) (۱۰۶۷)

#### ترجمه خطبه ۶۷

##### اشاره

(وقتی در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری ماجرای سقیفه را به امام رساندند (۱۱۶۸-۱۱۵۰) پرسید: انصار چه گفتند؟ (۱۱۷۳-۱۱۶۹) پاسخ شنید که انصار گفتند: زمامداری از ما، و رهبری از شما مهاجرین انتخاب گردد. پس امام علیه السّلام فرمود (۱۱۸۲-۱۱۷۴)

#### رَد استدلال انصار و قریش نسبت به اعامت در سقیفه ۱۰

چرا با آنها به این سخن رسول خدا استدلال نکردید که آن حضرت در باره انصار سفارش فرمود: با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید (۱۱۹۴-۱۱۸۳) و از بدکاران آنها در گذرید! (۱۱۹۸-۱۱۹۵) [پرسیدند چگونه این حدیث انصار ۲۰ را از زمامداری دور می‌کند؟ (۱۲۰۶-۱۱۹۹) پاسخ داد:] اگر زمامداری و حکومت در آنان بود، سفارش کردند در باره آنها معنایی نداشت (۱۲۱۶-۱۲۰۷) [سپس پرسید، قریش در سقیفه چه گفتند؟ (۱۲۲۳-۱۲۱۷) جواب دادند: قریش می‌گفتند ما از درخت رسانیم، (۱۲۲۹-۱۲۲۴) امام علیه السّلام فرمود] به درخت رسالت استدلال کردند! (۱۲۳۳-۱۲۳۰) ائِمّا میوه‌اش را ضایع ساختند.

(۱۲۳۶-۱۲۳۴) (۱۰۶۸)

#### ترجمه خطبه ۶۸

##### اشاره

(پس از آنکه محمّد بن ابی بکر در مصر در سال ۳۸ هجری شهید شد فرمود): (۱۲۲۷-۱۲۵۲)

#### سودن هاشم بن عتبّه برای فرمانداری مصر «پس از شهادت محمد بن ابی بکر»

می‌خواستیم هاشم بن عتبّه را فرماندار مصر کنیم (۱۲۶۰-۱۲۵۳)، اگر او را انتخاب می‌کردم میدان را برای دشمنان خالی نمی‌گذارم (۱۲۶۸-۱۲۶۱)، و به عمرو عاص و لشکریانش فرصت نمی‌داد (۱۲۷۲-۱۲۶۹)، نه اینکه بخواهم محمد بن ابی بکر را بکوشم کنیم (۱۲۷۸-۱۲۷۳)، که او مورد علاقه و محبت من بوده (۱۲۸۲-۱۲۷۹) و در دامنم پرورش یافته بود. (۱۲۸۶-۱۲۸۳)

(۱) سقیفه، خانه‌ای بود در شهر مدینه که قریش برای حلّ اختلافات خود در آنجا گرد می‌آمدند و به (سقیفه بنی ساعده) معروف شد، که ابا بکر و عمر، و هم پیمان‌های آنان کودتای نظامی خود را از آنجا سامان دادند.

(۲) آنها را که از مکه هجرت کرده و در مدینه مسکن گزیدند «مهاجر» و آنها که اهل شهر مدینه بودند و پیامبر و یارانش را کمک می‌کردند «انصار» می‌نامیدند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۱۹

(۱۰۶۹)

#### ترجمه خطبه ۶۹

##### اشاره

(در سال ۳۹ هجری پس از شنیدن غارتگری‌های فرماندهان معاویه در «عین الشّمر» در نکهوش کوفیان فرمود) (۱۲۸۷-۱۲۹۵)

#### علل نکهوش کوفیان

چه مقدار با شما کوفیان مدارا کنم؟ چنان مدارا کردن با شران نو باری که از سنگینی بار، پشتشان زخم شده است (۱۳۰۱-۱۲۹۶)، و مانند وصله زدن جامه فرسوده‌ای که هر گاه از جانی آن را بدوزند، از سوی دیگر پاره می‌گردد؟ (۱۳۰۴-۱۳۰۲) (۱۳۱۱-۱۳۰۵) هر گاه دسته‌ای از مهاجمان شام به شما یورش آوردند، هر کدام از شما به خانه رفته، درب خانه را می‌بندید (۱۳۲۴-۱۳۱۲)، و چون سوسمار در سوراخ خود می‌خزید (۱۳۳۰-۱۳۲۵)، و چون کفتار در لانه می‌آرمید. (۱۳۳۴-۱۳۳۱) سوگند به خدا! ذلیل است آن کس که شما باری دهندگان او باشید (۱۳۳۹-۱۳۳۵)، کسی که با شما تیر اندازی کند گویا تیری بدون پیکان زها ساخته است. (۱۳۴۷-۱۳۴۰) به خدا سوگند، شما در خانه‌ها فراوان (۱۳۵۳-۱۳۴۸)، و زیر پرچم‌های میدان تیر اندکید (۱۳۵۶-۱۳۵۴)، و من می‌دانم که چگونه باید شما را اصلاح (۱۳۶۱-۱۳۵۷) و کجی‌های شما را راست کرد (۱۳۶۴-۱۳۶۲)، انا اصلاح شما را با فاسد کردن روح خویش جایز نمی‌دانم. (۱۳۷۱-۱۳۶۵) خدا بر پیشانی شما داغ ذلّت بگذارد (۱۳۷۴-۱۳۷۲)، و بهره شما را اندک شمارد (۱۳۷۷-۱۳۷۵)، شما آنگونه که باطل را می‌شناسید از حق آگاهی ندارید (۱۳۸۲-۱۳۷۸)، و در نابودی باطل تلاش نمی‌کنید. آن سان که در نابودی حق کوشش دارید. (۱۳۸۸-۱۳۸۳) (۱۰۷۰)

#### ترجمه خطبه ۷۰

##### اشاره

(در سال ۴۰ هجری سحر گاهی که ضربت خورد، فرمود) (۱۳۹۷-۱۳۸۹)

#### تکوه‌ها یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم

همان گونه که نشسته بودم، خواب چشمانم را ریود (۱۴۰۲-۱۳۹۸)، «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم را دیدم (۱۴۰۷-۱۴۰۳)، پس گفتم ای رسول خدا، از امت تو چه نخلی‌ها دیدم و از لجبازی و دشمنی آنها چه کشیدم؟ (۱۴۰۰-۱۴۰۸) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: نفریشان کن. (۱۴۲۳-۱۴۲۱) گفتم:

خدا بهتر از آنان را به من بدهد (۱۴۲۹-۱۴۲۴)، و به جای من شخص بدی را بر آنها مسلّط گرداند.

(۱۴۳۵-۱۴۳۰) (کلمه «اُوده» یعنی کجی و انحراف (۱۴۴۰-۱۴۳۶) و «اللدّه» یعنی دشمنی و خصومت، و این از فصیح‌ترین کلمات است)

(۱۴۴۸-۱۴۴۱)

(۱) در سحرگاه نوزدهم ماه رمضان سال چهارم هجری

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۲۱

(۱۰۷۱)

#### ترجمه خطبه ۷۱

##### اشاره

(در سال ۳۸ هجری و پس از فریب خوردن کوفیان از مکر و حيله عمرو عاص و معاویه، هشداد گونه فرمود)

#### علل نکهوش اهل عراق

پس از ستایش پروردگارا! ای مردم عراق! (۱۱۴۷۵–۱۱۴۷۱) همانا شما به زن بار داری می‌مانید. «۱» که در آخرین روزهای بار داری چنین خود را سقظ کند (۱۱۴۸۳–۱۱۴۷۶)، و سرپرستش بپرد (۱۱۴۸۶–۱۱۴۸۴)، و زمانی طولانی بی شوهر ماند (۱۱۴۸۹–۱۱۴۸۷)، و میراث او را خویشاوندان دور غارت کنند. (۱۱۴۹۲–۱۱۴۹۰) آنگاه باشید! من با اختیار خود به سوی شما نیامدم (۱۱۴۹۸–۱۱۴۹۳) بلکه به طرف دیار شما کشانده شدم (۱۱۵۰۳–۱۱۴۹۹)، به من خیر دادند که می‌گویند علی دروغ می‌گوید! (۱۱۵۱۰–۱۱۵۰۴) خدا شما را بکشد (۱۱۵۱۳–۱۱۵۱۱)، بر چه کسی دروغ روا داشته‌ام؟ (۱۱۵۱۶–۱۱۵۱۴) آیا به خدا دروغ روا داشتم؟ (۱۱۵۱۹–۱۱۵۱۷) در حالی که من نخستین کسی هستم که به خدا ایمان آوردم، «۲» یا بر پیامبرش؟ (۱۱۵۲۷–۱۱۵۲۰) در حالی که من اول کسی بودم که او را تصدیق کردم! (۱۱۵۳۱–۱۱۵۲۸) نه به خدا هرگز! (۱۱۵۳۴–۱۱۵۳۲) آنچه گفتم واقعیتی است که شما از دانستن آن دورید. (۱۱۵۳۸–۱۱۵۳۵)، و شایستگی درک آن را ندارید (۱۱۵۴۳–۱۱۵۳۹)، مادران در سوگ شما زاری کند «وای، وای، سر دهنده» (۱۱۵۴۵–۱۱۵۴۴) پیمانۀ علم را به شما به رایگان بخشیدم (۱۱۵۴۸–۱۱۵۴۶)، اگر ظرقت داشته باشید (۱۱۵۵۲–۱۱۵۴۹)، و به زودی خیر آن را خواهید فهمید.

(۱۱۵۵۷–۱۱۵۵۳) (۱۰۷۲)

#### ترجمه خطبه ۷۲

#### اشاره

(مردم را آموزش داد تا چگونگی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستند) (۱۱۵۵۸–۱۱۵۵۴)

#### ۱! ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بار خدایا! ای گستراننده هر گسترده (۱۱۵۸۶–۱۱۵۸۲)، و ای نگهدارنده آسمان‌ها (۱۱۵۸۹–۱۱۵۸۷)، و ای آفریننده دل‌ها بر فطرت‌های خویش: دل‌های رستگار و دل‌های شقاوت زده، (۱۱۵۹۷–۱۱۵۹۰) گرمی‌ترین درودها و افزون‌ترین برکات خود را بر محنت صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستادۀات اختصاص ده (۱۱۶۱۰–۱۱۵۹۸)، که خاتم پیامبران گذشته (۱۱۶۱۳–۱۱۶۱۱)، و گشاینده درهای بسته (۱۱۶۱۷–۱۱۶۱۴) و آشکار کننده حق با برهان است. (۱۱۶۲۱–۱۱۶۱۸) دفع کننده لشکرهای باطل (۱۱۶۲۵–۱۱۶۲۲)، و درهم کوبنده شوکت گمراهان است (۱۱۶۲۹–۱۱۶۲۶)، آن گونه که بار سنگین رسالت را بر دوش کشید (۱۱۶۳۰–۱۱۶۲۰)، و به فرماتن قیام کرد (۱۱۶۳۴–۱۱۶۳۳)، و به سرعت در راه خشودی تو گام برداشت (۱۱۶۳۷–۱۱۶۳۵)، حتی یک قدم به عقب پرنگشت (۱۱۶۴۱–۱۱۶۳۸)، و اراده او مست نشد (۱۱۶۴۶–۱۱۶۴۲)، و در پذیرش و گرفتن وحی، نیرومند بود (۱۱۶۴۸–۱۱۶۴۷)، حافظ و نگهدار عهد و پیمان تو بود (۱۱۶۵۰–۱۱۶۴۹)، و در اجرای فرماتن تلاش کرد (۱۱۶۵۴–۱۱۶۵۱) تا آنجا که نور حق را آشکار (۱۱۶۵۸–۱۱۶۵۵)، و راه را برای جاهلان روشن ساخت (۱۱۶۶۲–۱۱۶۵۹)، و دل‌های که در فتنه گناه فرو رفته بودند هدایت شدند. (۱۱۶۷۱–۱۱۶۶۳) پرچم‌های حق را بر افراشت. (۱۱۶۷۵–۱۱۶۷۲)

(۱) خسر المثل است: زیرا کوفیان پس از تحمیل فراوان سختی‌های جنگ صحنین در آخرین لحظه‌های پیروزی، فریب قرآنهاي بالای تیزه را خوردند.

(۲) عَلَمًا امینی در ج ۳ الفدییر در صفحات ۲۱۹ تا ۲۴۷ با یک صد حدیث از کتب اهل سنت این حقیقت را اثبات می‌کند. نویسندگان بزرگ اهل سنت و اصحاب رسول خدا این روایت ابریده اسلمی را نقل کردند و قبول دارند که:

«وحي الى رسول الله يوم الإثنين و صلی علی يوم الثلاثاء»

روز دوشنبه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی نازل شد و روز سه‌شنبه علی صلی الله علیه و آله و سلم نماز خوانده. صحیح ترمذی ج ۲ ص ۲۱۴- و مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۱۲.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۲۳

و احکام نورانی را بر پا کرد (۱۱۶۷۸–۱۱۶۷۶)، پس او پیامبر امین، و مورد اعتماد (۱۱۶۸۱–۱۱۶۷۹)، و گنجینه‌دار علم نهران تو (۱۱۶۸۵–۱۱۶۸۲)، و شاهد روز رستاخیز (۱۱۶۸۹–۱۱۶۸۶)، و بر انگیزخته تو برای بیان حقائق (۱۱۶۹۲–۱۱۶۹۰)، و فرستاده تو به سوی مردم است.

(۱۱۶۹۳–۱۱۶۹۶)

#### ۲! دعا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پروردگارا! برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سایه لطف خود جای با وسعتی بگشای (۱۱۷۰۴–۱۱۶۹۷)، و از فضل و کرمت پاداش او را فراوان گردان. (۱۱۷۱۰–۱۱۷۰۵) خداوند! کاخ آیین او را از هر بنایی برتر (۱۱۷۱۷–۱۱۷۱۱) و مقام او را در پیشگاه خود گرمی‌تر گردان (۱۱۷۲۱–۱۱۷۱۸) وه، نورش را کامل گردان (۱۱۷۲۵–۱۱۷۲۲)، و پادش رسالت او را پذیرش، گرمای و شفاعت (۱۱۷۳۲–۱۱۷۲۶) و قبول گفتار او قرار ده (۱۱۷۳۴–۱۱۷۳۳)، زیرا که دارای منطقی عادلانه (۱۱۷۳۷–۱۱۷۳۵)، و راه جدا کننده حق از باطل بود. (۱۱۷۴۰–۱۱۷۳۸) بار خدایا! بین ما و پیغمبرت در نعمت‌های جاویدان، و زندگانی خوش (۱۱۷۵۱–۱۱۷۴۱)، و آرزوهای بر آورده (۱۱۷۵۴–۱۱۷۵۲)، و خواسته‌های به انجام رسیده (۱۱۷۵۷–۱۱۷۵۵)، در کمال آرامش (۱۱۷۶۰–۱۱۷۵۸)، و در نهایت اطمینان (۱۱۷۶۳–۱۱۷۶۱)، همراه با موابه و هدایای با ارزش، جمع گردان!

(۱۱۷۶۶–۱۱۷۶۴) (۱۰۷۳)

#### ترجمه خطبه ۷۳

#### اشاره

(در باره مروان بن حکم در بصره فرمود) (۱۱۷۷۶–۱۱۷۶۷) [گویند در سال ۳۶ هجری وقتی مروان بن حکم، داماد عثمان، در جنگ جمل اسیر شد (۱۱۷۸۴–۱۱۷۷۷)، امام حسین علیه التیلام و امام حسین علیه التیلام نزد پدر عذر او خواستند (۱۱۷۹۳–۱۱۷۸۵) (۱۱۷۹۵–۱۱۷۹۴) و امام علی علیه التیلام او را رها کرد. (۱۱۷۹۷–۱۱۷۹۶) گفتند: پدر، مروان با شما بیعت می‌کند: فرمود: (۱۱۸۰۵–۱۱۷۹۸)

#### خبر شیعی از حکومت چهار فرمانروای فاسد، از پسران مروان

مگر پس از کشته شدن عثمان با من بیعت نکرد؟ (۱۱۸۱۲–۱۱۸۰۶) مرا به بیعت او تازی نیست! (۱۱۸۱۷–۱۱۸۱۳) دست او دست یهودی «۱» است (۱۱۸۲۰–۱۱۸۱۸)، اگر با دست خود بیعت کند، در نهان بیعت را می‌شکند (۱۱۸۲۵–۱۱۸۲۱)، آنگاه باشید، او حکومت کوتاه مدتی خواهد داشت، مانند فرصت کوتاه سگی که با زبان بینی خود را پاک کند. (۱۱۸۳۳–۱۱۸۲۶) او پدر چهار فرمانرواست قوچ‌های چهار گانه، (۱۱۸۳۷–۱۱۸۳۳) و امت اسلام از دست او و پسرانش روزگار خونینی خواهند داشت.

(۱۱۸۴۶–۱۱۸۳۸) «۲»، (۱۰۷۴)

ترجمه خطبه ۷۴

(در ذی الحجه سال ۲۳ هجری پس از قتل عمر، در روز شورا آن هنگام که مردم به ناحق، برای بیعت کردن با عثمان جمع شدند، فرمود) (۱۱۸۵۶–۱۱۸۴۷)

#### ویژگی‌های امام علی علیه السلام از زبان خود

همانا می‌دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. (۱۱۸۶۴–۱۱۸۵۷) سوگند به خدا! به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو برآه باشد، و از هم نپاشد (۱۱۸۷۲–۱۱۸۶۵)، و جز من به دیگری ستم نشود (۱۱۸۸۰–۱۱۸۷۲)، و پاداش این گذشت و فسکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم (۱۱۸۸۵–۱۱۸۸۱)، و از آن همه زر و زیوری که به دنبال آن حرکت می‌کنید، برهیز می‌کنم.

(۱۱۸۹۳–۱۱۸۸۶)

(۱) دست یهودی، کنایه از عهد شکنی مروان است، مروان هم یهودی زاده بود، و هم یهودیان در آن روزگاران معروف به پیمان شکنی بودند.

(۲) چهار فرزند مروان که به خلافت رسیدند ۱- عبد الملک مروان: حاکم مطلق العنان امت اسلامی بود ۲- عبد العزیز: که حاکم مصر شد ۳- بشر بن مروان: حاکم عراق شد ۴- محمد بن مروان که حاکم الجزیره گردید، بنی امیه برای اینکه فرزندان یزید «عبد الله و خالد» بزرگ شوند و حکومت در خاندان ابو سفیان باقی بمانند با مروان بیعت کردند که سرانجام پس از ازدواج مروان با

همسر یزید ام خالد و پدید آمدن اختلافات داخلی به دست او خفّه شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۲۵  
(۱۰۷۵)

#### ترجمه خطبه ۷۵

##### اشاره

(در سال ۳۶ هجری وقتی شنید که بنی امیه با نهمت‌های فراوان آن حضرت را در خون عثمان شریک می‌پندارند، فرمود) (۱۱۹۰۸-۱۱۸۹۴)

##### دفاعیات امام برابر نهمت‌ها

آیا شناختی که بنی امیه از روحیات من دارند آنان را از عیب جویی بر من باز نمی‌دارد؟ (۱۱۹۱۸-۱۱۹۰۹) و آیا سوابق مبارزات من، نادان را بر سر جای خود نمی‌شناسند که به من نهمت نزنند؟ (۱۱۹۲۶-۱۱۹۱۹) آنچه خدا آنان را بدان پند داد از بیان من رستار است. (۱۱۹۳۴-۱۱۹۲۷) من مارقین (از دین خارج شدگان) را با حجت و برهان مغلوب می‌کنم (۱۱۹۳۷-۱۱۹۳۵) و دشمن ناکتین «پیمان شکنان» و تردید دارندگان در اسلام می‌باشم (۱۱۹۴۱-۱۱۹۳۸)، شبهات را باید در پرتو کتاب خدا، قرآن، شناخت (۱۱۹۴۷-۱۱۹۴۲) و بندگان خدا به آنچه در دل دارند پاداش داده می‌شوند.

(۱۱۹۵۳-۱۱۹۴۸) (۱۰۷۶)

#### ترجمه خطبه ۷۶

##### اشاره

(برخی از شارحان خطبه ۷۶ را با خطبه ۶۳ یکی دانستند)

##### صفات بنده پرهیزکار

خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فرا گیرد (۱۱۹۶۹-۱۱۹۶۴)، و چون هدایت شود پی‌ببرد (۱۱۹۷۴-۱۱۹۷۰)، دست به دامن هدایت کننده زند و نجات یابد (۱۱۹۷۹-۱۱۹۷۵)، مراقب خویش در برابر پروردگوار باشد. (۱۱۹۸۱-۱۱۹۸۰)، از گناهان خود بترسد (۱۱۹۸۴-۱۱۹۸۲)، خالصانه گام بردارد (۱۱۹۸۶-۱۱۹۸۵)، عمل نیکو انجام دهد (۱۱۹۸۹-۱۱۹۸۷)، ذخیره‌های برای آخرت فراهم آورد (۱۱۹۹۱-۱۱۹۹۰)، و از گناه پرهیزد (۱۱۹۹۴-۱۱۹۹۲)، همواره اغراض دنیایی را از سر دور کند (۱۱۹۹۷-۱۱۹۹۵)، و درجات آخرت به دست آورد (۱۲۰۰۰-۱۱۹۹۸)، با خواسته‌های دل مبارزه کند (۱۲۰۰۲-۱۲۰۰۱)، آرزوهای دروغین را طرد (۱۲۰۰۵-۱۲۰۰۳) و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد. (۱۲۰۰۹-۱۲۰۰۶) و تقوا را زاد و توشه روز مردن گرداند (۱۲۰۱۳-۱۲۰۱۰)، در راه روشن هدایت قدم بگذارد (۱۲۰۱۶-۱۲۰۱۴)، و از راه روشن هدایت فاصله نگیرد. (۱۲۰۲۰-۱۲۰۱۷) چند روز زندگی دنیا را غنیمت شمارد (۱۲۰۲۲-۱۲۰۲۱) و پیش از آن که مرگ او فرا رسد خود را آماده سازد (۱۲۰۲۵-۱۲۰۲۳)، و از اعمال نیکو، توشه آخرت برگیرد.

(۱۲۰۲۹-۱۲۰۲۶) (۱۰۷۷)

#### ترجمه خطبه ۷۷

##### اشاره

(آنگاه که در زمان عثمان در سال ۳۳ هجری، سعید بن عاص، حق مسلم امام علی علیه التیلام را جهت محاصره اقتصادی، از آن حضرت منع کرد، فرمود) (۱۲۰۴۲-۱۲۰۳۰)

##### هشدار به غاصبان بنی امیه

بنی امیه، از میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز اندک چیزی، به من نمی‌بردارند (۱۲۰۵۰-۱۲۰۴۳)، سوگند به خدا اگر زنده ماندم، بنی امیه را از حکومت دور می‌کنم چونان قضایی که شکمبه خاک آلوده را دور می‌افکند.

(۱۲۰۶۰-۱۲۰۵۱)

(۱) نفی تفکر: ایده آلیسم IDEALISM خیال پرستی.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۲۷

می‌گویم: (و «التراب الودمه» نیز روایت شد، که درست نیست و قلب در عبارت است. (۱۲۰۷۰-۱۲۰۶۱) سخن امام که فرمود

«القیفوتی»

(۱۲۰۷۶-۱۲۰۷۱) یعنی اندک اندک از سال به من می‌دهند، چونان که بجه شتر را اندک اندک شیر می‌خوراند (۱۲۰۸۳-۱۲۰۷۷)

(۱۲۰۷۷) و یک بار شیر از شتر می‌دوشند. (۱۲۰۸۹-۱۲۰۸۴) و وفام، جمع «و ذمه» (۱۲۰۹۳-۱۲۰۹۰) پاره‌ای از شکمبه (۱۲۰۹۸-۱۲۰۹۴)

(۱۲۰۹۴) یا جگر است که در خاک بیفتد و سپس آن را بردارند.

(۱۲۱۰۴-۱۲۰۹۹) (۱۰۷۸)

#### ترجمه خطبه ۷۸

##### اشاره

(از دعاهای آن حضرت است) (۱۲۱۱۰-۱۲۱۰۵)

##### نیایش امام

خدایا! از من در گذر آنچه را از من بدان دانازی (۱۲۱۱۸-۱۲۱۱۱)، و اگر یار دیگر به آن باز گردم تو نیز به بخشایش باز گرد. (۱۲۱۱۳-۱۲۱۱۹) خدایا، آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم بخشای (۱۲۱۳۰-۱۲۱۲۴) (۱۲۱۳۴-۱۲۱۳۱)

خدایا، بخشای آنچه را که با زیان به تو نزدیک شدم (۱۲۱۴۴-۱۲۱۳۷) ولی با قلب آن را ترک کردم. (۱۲۱۴۷-۱۲۱۴۵) خدایا، بخشای نگاه‌های اشارت آمیز (۱۲۱۵۲-۱۲۱۴۸)، و سخنان بی‌فایده (۱۲۱۵۵-۱۲۱۵۳)، و خواسته‌های بی مورد دل (۱۲۱۵۸-۱۲۱۵۶)، و لغزش های زیان.

(۱۲۱۶۱-۱۲۱۵۹) (۱۰۷۹)

#### ترجمه خطبه ۷۹

##### اشاره

(به هنگام حرکت حرکت برای نبرد با خوارج، در ماه صفر سال ۳۸ هجری، شخصی با پیشگویی از راه شناخت ستارگان گفت: (۱۲۱۷۵-۱۲۱۶۲) اگر در این ساعت حرکت کنید (۱۲۱۸۷-۱۲۱۷۶)، پیروز نمی‌شوید و من از راه علم ستاره شناسی این محاسبه را کردم (۱۲۱۹۵-۱۲۱۸۸)، امام فرمود)

##### ۱۱ پرهیز از توجه به غیر خدا

گمان می‌کنی تو از آن ساعتی آگاهی که اگر کسی حرکت کند زیان نخواهد دید؟ (۱۲۲۱۰-۱۲۱۹۶) و می‌ترسانی از ساعتی که اگر کسی حرکت کند ضرری دامنگیر او خواهد شد؟ (۱۲۲۲۱-۱۲۲۱۱) کسی که گفتار تو را تصدیق کند، قرآن را تکذیب کرده است (۱۲۲۲۷-۱۲۲۲۴)، و از یاری طلبیدن خدا در رسیدن به هدف‌های دوست داشتنی، و محفوظ ماندن از ناگواریها، بی‌نیاز شده است! (۱۲۲۳۸-۱۲۲۳۸) گویا می‌خواهی به جای خداوند، تو را ستایش کنند! (۱۲۲۴۹-۱۲۲۳۹) چون به گمان خود مردم را به ساعتی آشنا کردی که منافشان را به دست می‌آورند (۱۲۲۵۹-۱۲۲۵۰) و از ضرر و زیان در امان می‌مانند.

(۱۲۲۶۲-۱۲۲۶۰)

##### ۱۲ پرهیز دادن مردم از ستاره شناسی

ای مردم، از فرا گرفتن علم ستاره شناسی برای پیشگویی‌های دروغین، پرهیزید (۱۲۲۷۴–۱۲۲۶۹)، جز آن مقدار از علم نجوم که در دنیا نوردی و صحرا نوردی به آن نیاز دارید (۱۲۲۸۲–۱۲۲۷۵)، چه اینکه ستاره شناسی شما را به غیب گویی و غیب گویی به جادوگری می‌کشاند (۱۲۲۸۶–۱۲۲۸۳)، و ستاره شناس چون غیب گو (۱۲۲۸۹–۱۲۲۸۷)، و غیب گو چون جادوگر (۱۲۲۹۲–۱۲۲۹۰) و جادوگر چون کافر (۱۲۲۹۵–۱۲۲۹۳) و کافر ۴۰، در آتش جهنم است. (۱۲۲۹۹–۱۲۲۹۶) با نام خدا حرکت کنید. (۱۲۳۰۳–۱۲۳۰۰)

(۱) امام علی علیه السلام معصوم است، اما آنچه را که در دعاها بیان می‌دارد، یا جهت تعلیم «چگونه سخن گفتن» یا خداست و یا خارج از محدوده گناهانی است که برای انسان‌های عاقلی مطرح می‌باشد، امام از آنچه که بین خود و خدای خود روا نمی‌دارد طلب بخشش می‌فرماید. که با مطالعه موارد یاد شده، در دعا این حقیقت روشن می‌شود. مانند میزبانی که همه تلاش‌ها را می‌کند، و همه غذاها را برای مهمان می‌آورد، باز هم یایی از مهمان عزیز عذر خواهی می‌کند.

(۲) منجم، از طریق ستاره شناسی پیشگویی می‌کند و کاهن (غیب‌گو) با کمک گرفتن از شیطان و جن خیر می‌دهد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۲۹

(۱۰۸۰)

#### ترجمه خطبه ۸۰

#### اشاره

(پس از جنگ جمل و فرونشاندن شورش بصره در سال ۳۶ هجری ماه جمادی الثانی در مسجد شهر بصره فرمود)

#### ۱۱ بیان تفاوت‌های زنان و مردان

ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان، و بهره‌وری از اموال، و عقل متفاوتند (۱۲۳۲۴–۱۲۳۱۹) (۱۲۳۳۶–۱۲۳۳۵) (۱۲۳۳۸–۱۲۳۳۷)، «ا» اما تفاوت ایمان باتوان، بر کنار بودن از نماز و روزه در ایام «عادت حیض» آنان است (۱۲۳۳۹–۱۲۳۳۸)، و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است (۱۲۳۴۸–۱۲۳۴۰)، و عُلّت تفاوت در بهره وری از اموال آن است که ارث باتوان نصف ارث مردان است.

(۱۲۳۵۸–۱۲۳۴۹)

#### ۱۲ مدیریت خانوادگی

پس، از زنان بده، پرهیزید و مراقب نیکانشان باشید (۱۲۳۶۷–۱۲۳۵۹)، در خواسته‌های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید (۱۲۳۷۲–۱۲۳۶۸)، تا در انجام منکرات طمع ورزند.

(۱۲۳۷۷–۱۲۳۷۳) ،۲۰ (۱۰۸۱)

#### ترجمه خطبه ۸۱

#### اشاره

(برخی از شارحان گفتند این خطبه در شهر کوفه ایراد شد)

#### تعریف زهد و پارسایی

(۱۲۳۸۴–۱۲۳۷۸) ای مردم، زهد یعنی کوتاه کردن آرزو (۱۲۳۸۹–۱۲۳۸۵) ،۳۰، و شکرگزاری برابر نعمت‌ها (۱۲۳۹۳–۱۲۳۹۰)، و پرهیز در برابر مجرمات. (۱۲۳۹۷–۱۲۳۹۴) پس اگر نتوانستید همه این صفات را فراهم سازید، تلاش کنید که حرام بر صبر شما غلبه نکند (۱۲۴۰۵–۱۲۳۹۸)، و در برابر نعمت‌ها، شکر یادتان نرود. (۱۲۴۱۱–۱۲۴۰۶) چه اینکه خداوند با دلایل روشن و آشکار، عذر‌ها را قطع (۱۲۴۱۸–۱۲۴۱۲)، و با کتاب‌های آسمانی روشنگر، بهانه‌ها را از بین برده است.

(۱۲۴۳۴–۱۲۴۱۹) (۱۰۸۲)

ترجمه خطبه ۸۲

(برخی از شارحان گفتند این خطبه در شهر کوفه در شناساندن دنیا ایراد شد)

#### دنیا شناسی

چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سخی و مشقّت (۱۲۴۳۸–۱۲۴۳۳)، و پایان آن نابودی است؟ (۱۲۴۴۱–۱۲۴۳۹)، در حائل دنیا حساب (۱۲۴۴۴–۱۲۴۴۲)، و در حرام آن عذاب است. (۱۲۴۴۸–۱۲۴۴۵) کسی که ثروتمند گردد فریب می‌خورد (۱۲۴۵۲–۱۲۴۴۹)، و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است (۱۲۴۵۷–۱۲۴۵۳)، و تلاش کننده دنیا به آن نرسد (۱۲۴۶۱–۱۲۴۵۸)، و به رها کننده آن، روی آورد. (۱۲۴۶۶–۱۲۴۶۲) کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد، (۱۲۴۷۱–۱۲۴۶۷) و آن کس که چشم به دنیا دوزد کور دلش می‌کند.

(۱۲۴۷۶–۱۲۴۷۲)

(۱) ظاهر این خطبه، و کلمه «نواقص» مخالف آیات قرآن کریم، و عقائد و فلسفه اسلامی است، اگر بگوییم که خدا نمی از انسانها «زنان» را ناقص آفرید) تنها راه جمع آن است که در واژه «نواقص» تصرف کنیم و معنای آن را «تفاوت» و «اختلاف» بدانیم که در لغت و واژه‌های قرآن نیز به جای یکدیگر استعمال شده‌اند، آنگاه تضاد ظاهری این خطبه با قرآن کریم و مبانی اعتقادی بر طرف می‌شود، کلمه «نواقص» در اینجا یعنی تفاوت و تفاوت در آیه ۳ مملک «ما تری فی عُلُقَى الْوُحْمِیْنِ مِنْ تَفَاوُتٍ» یعنی نقص و کاستی، امام می‌خواهد بفرماید که زن و مرد هر کدام روحیات و صفات مخصوص به خود را دارند، و جایگاه هر کدام باید حفظ گردد، پس عائشه را که یک زن است، سوار بر شتر، فرمانده خود قرار ندهید که شورش بصره را به پا کند، و آن همه خون مسلمانان را بر زمین ریزد.

(۲) اشاره به علم: و من لوزی (WOMANLOGY) (زن شناسی)

(۳) اشاره به علم: استیسیس (ASCETICISM) (زهد شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۳۱

می‌گویم: (اگر صاحب اندیشه‌ای درست در کلام امام که فرمود:

«من أبصر بها بصرته»

اندیشه کند (۱۲۴۹۰–۱۲۴۷۷) در آن معنای شگرف (۱۲۴۹۵–۱۲۴۹۱)، و بینشی ژرف می‌نگرد (۱۲۴۹۸–۱۲۴۹۶)، که هرگز به پایان آن نوا رسد، و ژرفای کلام امام را نخواهد دید. (۱۲۵۰۶–۱۲۴۹۹) بخصوص که جمله

«و من أبصر ألیها أعتته»

را هماهنگ با جمله قبل، به خوبی ارزیابی کند (۱۲۵۱۷–۱۲۵۰۷) خواهد دید که تفاوت این دو کلام تا کجاست. (۱۲۵۱۶–۱۲۵۱۸) تفاوتی روشن و شگفتنی آور و آشکار (۱۲۵۳۱–۱۲۵۲۷) درود خدا و سلام او بر امام علی علیه السلام باد.

(۱۰۸۳)

#### ترجمه خطبه ۸۳

#### اشاره

(از خطبه های شگفت آور امام علیه السلام که به آن خطبه «غزاه» گویند.) (۱۲۵۴۲–۱۲۵۳۲)

#### شناخت صفات الهی

سنتایش خداوندی را سزاست، که به قدرت، والا و برتر (۱۲۵۸۴–۱۲۵۷۷)، و با عطا و بخشش نعمت‌ها به پدیده‌ها نزدیک است. (۱۲۵۸۷–۱۲۵۸۵) اوست بخشنده تمام نعمت‌ها (۱۲۵۹۲–۱۲۵۸۸)، و دفع کننده تمام بلاها و گرفتاری‌ها. (۱۲۵۹۸–۱۲۵۹۳) او را می‌سایم در برابر مهربانی‌ها (۱۲۶۰۲–۱۲۵۹۹) و نعمت‌های فراگیرش. (۱۲۶۰۵–۱۲۶۰۳) به او ایمان می‌آورم چون مبدأ هستی و آغاز کننده خلقت آشکار است. (۱۲۶۱۰–۱۲۶۰۶) از او هدایت می‌طلبم چون راهنمای نزدیک است (۱۲۶۱۴–۱۲۶۱۱)، و از او

یاری می‌طلبم که توانا و بیروز است (۱۲۶۱۸-۱۲۶۱۵)، و به او توکل می‌کنم چون تنها یاور و کفایت‌کننده است. (۱۲۶۳۳-۱۲۶۱۹) و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست. (۱۲۶۳۱-۱۲۶۲۴) او را فرستاده تا فرمان‌های خدا را اجرا کند (۱۲۶۳۴-۱۲۶۳۲) و بر مردم حجت را تمام کرده (۱۲۶۳۷-۱۲۶۳۵)، آنها را در برابر اعمال ناروا برساند. (۱۲۶۴۰-۱۲۶۳۸)

#### ۴۲ سفارش به پرهیزکاری

سفارش می‌کنم شما بندگان خدا را به تقوای الهی، که برای بیداری شما مثل‌های بند آموز آورده (۱۲۶۵۰-۱۲۶۴۱)، و سر آمد زندگانی شما را معین فرمود (۱۲۶۵۴-۱۲۶۵۱)، و لباس‌های رنگارنگ بر شما پوشانده (۱۲۶۵۷-۱۲۶۵۵)، و زندگی پر وسعت به شما بخشیده (۱۲۶۶۱-۱۲۶۵۸)، و با حسابگری دقیق خود، بر شما مسلط است. (۱۲۶۶۵-۱۲۶۶۲) در برابر کارهای نیکو، به شما پاداش می‌دهد (۱۲۶۶۹-۱۲۶۶۶)، و با نعمت‌های گسترده و بخشش‌های بی‌حساب، شما را گرامی داشته است (۱۲۶۷۳-۱۲۶۷۰) (۱۲۶۷۶-۱۲۶۷۳)، و با اعزام پیامبران و دستورات روشن، از مخالفت با فرمانش شما را بر حذر داشته است. (۱۲۶۸۰-۱۲۶۷۷) تعداد شما را می‌داند (۱۲۶۸۲-۱۲۶۸۱)، و چند روزی جهت آزمایش و عبرت برای شما مقرر داشته (۱۲۶۸۶-۱۲۶۸۳) (۱۲۶۸۹-۱۲۶۸۷) (۱۲۶۹۲-۱۲۶۹۰)، که در این دنیا آزمایش می‌گردید (۱۲۶۹۵-۱۲۶۹۳)، و برابر اعمال خود محاسبه می‌شوید. (۱۲۶۹۸-۱۲۶۹۶)

#### ۴۳ دنیا شناسی

آب دنیای حرام همواره تیره (۱۲۷۰۵-۱۲۶۹۹)، و گل آلود است. (۱۲۷۰۷-۱۲۷۰۶) منظره‌ای دل‌فرب (۱۲۷۰۹-۱۲۷۰۸) و سر انجامی خطرناک دارد. (۱۲۷۱۲-۱۲۷۱۰) فریبنده و زیباست اما دوامی ندارد. (۱۲۷۱۴-۱۲۷۱۳) نوری است در حال غروب کردن (۱۲۷۱۷-۱۲۷۱۵)، سایه‌ای است نابود شدنی (۱۲۷۲۰-۱۲۷۱۸)، ستونی است در حال خراب شدن (۱۲۷۲۳-۱۲۷۲۱)، آن هنگام که نفرت دارندگان به آن دل بستند (۱۲۷۲۷-۱۲۷۲۴) و بیگانگان به آن اطمینان کردند. (۱۲۷۳۰-۱۲۷۲۸) چونان اسب جنوش باها را بلند کرده، سوار را بر زمین می‌کوبد (۱۲۷۳۲-۱۲۷۳۱)، و با دام‌های خود آنها را گرفتار می‌کند (۱۲۷۳۵-۱۲۷۳۳)، و تیرهای خود را به سوی آنان، پرتاب می‌نماید (۱۲۷۳۸-۱۲۷۳۶)، طناب مرگ به گردن انسان می‌افکند (۱۲۷۴۳-۱۲۷۳۹)، به سوی گور تنگ (۱۲۷۴۸-۱۲۷۴۴) و جایگاه وحشتناک می‌کشانند (۱۲۷۵۱-۱۲۷۴۹) تا در قبر، محل زندگی خویش، بهشت یا دوزخ را بنگرد (۱۲۷۵۴-۱۲۷۵۲)، و پاداش اعمال خود را مشاهده کند. (۱۲۷۵۷-۱۲۷۵۵)

نهج البلاغه ترجمه دشتی، ص: ۱۳۳

و همچنان آیندگان به دنبال رفگان خود گام می‌نهند (۱۲۷۶۲-۱۲۷۵۸)، نه مرگ از نابودی انسان دست می‌کشد (۱۲۷۶۶-۱۲۷۶۳) و نه مردم از گناه فاصله می‌گیرند! (۱۲۷۷۱-۱۲۷۶۷) که تا پایان زندگی و سر منزل فنا و نیستی آزادانه به پیش می‌نازند. (۱۲۷۷۵-۱۲۷۷۲) (۱۲۷۷۶-۱۲۷۷۴) (۱۲۷۸۲-۱۲۷۷۷)

#### ۴۴ وصف رستخیز

تا آنجا که امور زندگانی بیایی بگذرد (۱۲۷۸۹-۱۲۷۸۳)، و روز گاران سپری شود، (۱۲۷۹۲-۱۲۷۹۰) و رستخیز بر پا گردد (۱۲۷۹۵-۱۲۷۹۳)، در آن زمان، انسانها را از شکاف گورها (۱۲۷۹۹-۱۲۷۹۶)، و لانه‌های پرندگان (۱۲۸۰۲-۱۲۸۰۰)، و خانه درندگان (۱۲۸۰۵-۱۲۸۰۳)، و میدان‌های جنگ (۱۲۸۰۸-۱۲۸۰۶)، بیرون می‌آورد که با شتاب به سوی فرمان پروردگار می‌روند (۱۲۸۱۱-۱۲۸۰۹) (۱۲۸۱۴-۱۲۸۱۲) و به صورت دسته‌های خاموش (۱۲۸۱۶-۱۲۸۱۵)، وصف‌های آرام و ایستاده حاضر می‌شوند (۱۲۸۱۸-۱۲۸۱۷)، چشم بیننده خدا آنها را می‌نگرد (۱۲۸۲۰-۱۲۸۱۹)، و صدای فرشتگان به گوش آنها می‌رسد. (۱۲۸۳۳-۱۲۸۳۱) لباس نیاز و فروتنی پوشیده (۱۲۸۳۱-۱۲۸۲۴) درهای حیل و فریب بسته شده و آرزوها قطع گردیده است. دل‌ها آرام (۱۲۸۴۱-۱۲۸۳۲)، صداها آهسته آهسته (۱۲۸۴۵-۱۲۸۴۲)، عرق از گونه‌ها چنان جاری است که امکان حرف زدن نمی‌باشد (۱۲۸۴۸-۱۲۸۴۶)، اضطراب و وحشت همه را فرا گرفته (۱۲۸۵۱-۱۲۸۴۹)، بانگی رسد آسا و گوش خراش، همه را لرزاند (۱۲۸۵۶-۱۲۸۵۴)، به سوی پیشگاه عدالت (۱۲۸۵۷-۱۲۸۵۶) (۱۲۸۶۲-۱۲۸۶۰)، برای دریافت کثیر (۱۲۸۶۵-۱۲۸۶۳) و پاداش می‌کشانند.

(۱۲۸۶۸-۱۲۸۶۶)

#### ۴۵ وصف احوال بندگان خدا

بندگانگی که با دست قدرتمند خدا آفریده شدند (۱۲۸۷۳-۱۲۸۶۹)، و بی اراده خویش بدیده آمده، پرورش یافتند (۱۲۸۷۶-۱۲۸۷۴)، سپس در گهواره گور آرمیده متلاشی می‌گردند. (۱۲۸۷۹-۱۲۸۷۷) (۱۲۸۸۲-۱۲۸۸۰) (۱۲۸۸۵-۱۲۸۸۳) و روزی به تنهایی سر از قبر بر می‌آورند (۱۲۸۸۸-۱۲۸۸۶)، و برای گرفتن پاداش به دقت حساب رسی می‌گردند (۱۲۸۹۱-۱۲۸۸۹) (۱۲۸۹۴-۱۲۸۹۲)، در این روز روزه دنیا مهلت داده شدند تا در راه صحیح قدم بر دارند، راه نجات نشان داده شده تا رضایت خدا را بجویند (۱۲۹۰۳-۱۲۸۹۵) (۱۲۹۰۷-۱۲۹۰۴)، تاریکی‌های شک و تردید از آنها برداشته شد (۱۲۹۱۲-۱۲۹۰۸)، و آنها را آزاد گمناشته‌اند تا برای مسایفه در نیکوکاری‌ها، خود را آماده سازند (۱۲۹۱۶-۱۲۹۱۳)، تا فکر و اندیشه خود را به کار گیرند (۱۲۹۱۹-۱۲۹۱۷) و در شناخت نور الهی در زندگانی دنیا تلاش کنند.

(۱۲۹۲۹-۱۲۹۲۰)

#### ۴۶ مثل‌های بند آموز (سمل‌های تقوی)

و! چه مثال‌های بیجا، و بندهای رسایی وجود دارد (۱۲۹۳۵-۱۲۹۳۰) (۱۲۹۳۸-۱۲۹۳۶) اگر در دل‌های پاک بنشیند (۱۲۹۴۲-۱۲۹۳۹)، و در گوش‌های شنوا جای گیرد (۱۲۹۴۵-۱۲۹۴۳)، و با اندیشه‌های مصمم و عقل‌های با تدبیر بر خورد کند. (۱۲۹۴۸-۱۲۹۴۶) (۱۲۹۵۱-۱۲۹۴۹) پس، از خدا چنان کسی پروا کند که سخن حق را شنید و فروتنی کرد (۱۲۹۵۷-۱۲۹۵۲)، نگاه کرد و اعتراف کرد (۱۲۹۶۰-۱۲۹۵۸)، ترسید و به اعمال نیکو پرداخت (۱۲۹۶۳-۱۲۹۶۱)، پرهیز کرد و بیش ساخت (۱۲۹۶۶-۱۲۹۶۴)، یقین پیدا کرد و نیکوکار شد (۱۲۹۶۹-۱۲۹۶۷)، پند داده شد و آن را به گوش جان خرید (۱۲۹۷۲-۱۲۹۷۰)، او را ترساندند و نافرمانی نکرد (۱۲۹۷۵-۱۲۹۷۳)، به او اخطار شد و به خدا روی آورد (۱۲۹۷۸-۱۲۹۷۶).

نهج البلاغه ترجمه دشتی، ص: ۱۳۵

پاسخ مثبت داد و نیایش و زاری کرد (۱۲۹۸۱-۱۲۹۷۹)، بازگشت و توبه کرد، (۱۲۹۸۴-۱۲۹۸۲) در پی راهنمایان الهی رفت و بیروی کرد (۱۲۹۸۷-۱۲۹۸۵)، راه نشانش دادند و سناخت (۱۲۹۹۰-۱۲۹۸۸)، شنایان به سوی حق حرکت کرده (۱۲۹۹۲-۱۲۹۹۱) و از نافرمانی‌ها گریخت، سود طاعت را ذخیره کرد (۱۲۹۹۷-۱۲۹۹۳)، و باطن را پاکیزه نگاه داشت (۱۳۰۰۰-۱۲۹۹۸)، آخرت را آیدان (۱۳۰۰۳-۱۳۰۰۱) و زاد و توشه برای روز حرکت، هنگام حاجت و جایگاه نیازمندی، آماده ساخت (۱۳۰۱۱-۱۳۰۰۴) (۱۳۰۱۷-۱۳۰۱۲)، و آن را برای اقامتگاه خویش، پیشاپیش فرستاد. (۱۳۰۲۲-۱۳۰۱۸) ای بندگان خدا! برای هماهنگی با اهداف آفرینش خود، از خدا پروا کنید (۱۳۰۳۰-۱۳۰۲۳)، و آن چنان که شما را پرهیز داد از مخالفت و نافرمانی خدا ترسید (۱۳۰۳۸-۱۳۰۳۱)، تا استحقاق وعده‌های خدا را پیدا کنید (۱۳۰۴۷-۱۳۰۳۹)، و از بیم روز قیامت بر کنار باشید. (۱۳۰۴۸-۱۳۰۴۲)

#### ۴۷ راه‌های بندبذیری (راه‌های شناخت)

خدا گوش‌هایی برای بند گرفتن از شنیدنی‌ها (۱۳۰۶۳-۱۳۰۵۳)، و چشم‌هایی برای کنار زدن تاریکی‌ها، به شما بخشیده است (۱۳۰۶۸-۱۳۰۶۴)، و هر عضوی از بدن را اجزا متناسب (۱۳۰۷۲-۱۳۰۶۹) و هماهنگ عطا فرموده تا در ترکیب ظاهری صورت‌ها و دوران عمر با هم سازگار باشند (۱۳۰۸۰-۱۳۰۷۳)، با بدن‌هایی که منافع خود را تأمین می‌کنند (۱۳۰۸۳-۱۳۰۸۱)، و قلب‌هایی که روزی را به سراسر بدن یا فشار می‌رسانند (۱۳۰۸۷-۱۳۰۸۴)، و از نعمت‌های شگرومند خدا برخوردارند (۱۳۰۹۰-۱۳۰۸۸)، و در برابر نعمت‌ها شکر گزارند (۱۳۰۹۳-۱۳۰۹۱)، و از سلامت خدادادی بهره‌مندند. (۱۳۰۹۶-۱۳۰۹۴) مدّت زندگی هر یک از شماها را مقرر فرمود، و از شما پوشیده داشت (۱۳۱۰۲-۱۳۰۹۷)، و از آثار گذشتگان عبرت‌های بند آموز برای شما ذخیره کرد (۱۳۱۱۰-۱۳۱۰۳)، لَدّت‌هایی که از دنیا چسبیدند (۱۳۱۱۳-۱۳۱۱۱)، و خوشی‌ها و زندگی راحتی که پیش از مرگ داشتند (۱۳۱۱۶-۱۳۱۱۴)، سر انجام دست مرگ گریبان آنها را گرفت و میان آنها و آرزوهایشان جدایی افکند: (۱۳۱۱۷-۱۳۱۱۵) (۱۳۱۲۱-۱۳۱۲۱) آنها که در روز سلامت چیزی برای خود ذخیره نکردند (۱۳۱۳۰-۱۳۱۲۶)، و در روز گاران خوش زندگی عبرت نگرفتند. (۱۳۱۳۶-۱۳۱۳۱) آیا خوشی‌های جوانی را جز ناتوانی پیری در انتظار است؟ (۱۳۱۴۴-۱۳۱۳۷) و آیا سلامت و تندرستی را جز حوادث بلا- و بیماری در راه است؟ (۱۳۱۵۱-۱۳۱۴۵) و آیا آنان که زنده‌اند جز فنا و نیستی را انتظار دارند؟

(۱۳۱۵۸ - ۱۳۱۵۲) با اینکه هنگام جدایی (۱۳۱۶۱ - ۱۳۱۵۹) و تپش دل‌ها نزدیک است (۱۳۱۶۴ - ۱۳۱۶۲) (۱۳۱۶۸ - ۱۳۱۶۵) که سوزش درد را چشیده (۱۳۱۷۰ - ۱۳۱۶۸)، و شربت غصه را نوشیده (۱۳۱۷۳ - ۱۳۱۷۱)، و فریاد یاری خواستن برداشته، و از فرزندان و خویشاوندان خود، در خواست کمک کرده است. (۱۳۱۸۴ - ۱۳۱۷۴) آیا خویشاوندان می‌توانند مرگ را از او دفع کنند؟ (۱۳۱۸۷ - ۱۳۱۸۵) و آیا گریه و زاری آنها نفعی برای او دارد؟ (۱۳۱۹۰ - ۱۳۱۸۸)

#### ۸۸ عبرت از مرگ

او را در سرزمین مردگان می‌گذارند (۱۳۱۹۷ - ۱۳۱۹۱)، و در تنگای قبر تنها خواهد ماند. (۱۳۲۰۲ - ۱۳۱۹۸) حشرات دون زمین، پوستش را می‌شکافند (۱۳۲۰۶ - ۱۳۲۰۳)، و خشت و خاک گور بدن او را می‌پوساند (۱۳۲۱۰ - ۱۳۲۰۷)، تند بادهای سخت آتار او را نابود می‌کند (۱۳۲۱۴ - ۱۳۲۱۱)، و گذشت شب و روزه نشانه‌های او را از میان بر می‌دارد (۱۳۲۱۸ - ۱۳۲۱۵)، بدن‌ها پس از آن همه طراوت تلاشی می‌گردند (۱۳۲۱۴ - ۱۳۲۱۹)،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۳۷

و استخوان‌ها بعد از آن همه سختی و مقاومت، پوسیده می‌شوند. (۱۳۲۱۹ - ۱۳۲۲۵) و ارواح در گرو سنگتی بار گناهانند (۱۳۲۲۴ - ۱۳۲۲۰)، و در آنجاست که به اسرار پنهان یقین می‌کنند (۱۳۲۲۷ - ۱۳۲۲۵)، آثرا نه بر اعمال درشتان چیزی اضافه می‌شود (۱۳۲۴۱ - ۱۳۲۳۸)، و نه از اعمال زشت می‌توانند توبه کنند. (۱۳۲۴۸ - ۱۳۲۴۴) آیا شما فرزندان و پدران و خویشاوندان معان مردم نیستید؟ (۱۳۲۵۹ - ۱۳۲۴۹) که بر جای پای آنها قدم گذاشته‌اید؟ (۱۳۲۶۱ - ۱۳۲۶۰) و از راهی که رفتند می‌روید؟ (۱۳۲۶۴ - ۱۳۲۶۲) و روش آنها را دنبال می‌کنید؟ (۱۳۲۶۷ - ۱۳۲۶۵) انا افسوس که دلها سخت شده، بند نمی‌پذیرد (۱۳۲۷۱ - ۱۳۲۶۸)، و از رشد و کمال باز مانده (۱۳۲۷۴ - ۱۳۲۷۲)، و راهی که نباید برود می‌رود (۱۳۲۷۸ - ۱۳۲۷۵)، گویا آنها هدف پندها و اندرزا نیستند (۱۳۲۸۱ - ۱۳۲۷۹) و نجات و رستگاری را در به دست آوردن دنیا می‌دانند. (۱۳۲۸۷ - ۱۳۲۸۲) بدانند که باید از صراط عبور کنید، گذرگاهی که عبور کردن از آن خطرناک است، با لغزش‌های پرت کشنده (۱۳۳۰۰ - ۱۳۲۸۸)، و پرتگاه‌های وحشت‌زا (۱۳۳۰۳ - ۱۳۳۰۱)، و ترس‌های پیاپی.

(۱۳۳۰۶ - ۱۳۳۰۴)

#### ۸۹ معزلی الگوی پرهیزگاری

از خدا چون خردمندان برسید که دل را به تفکر مشغول داشته (۱۳۳۱۶ - ۱۳۳۰۷)، و ترس از خدا بدینش را فرا گرفته (۱۳۳۲۰ - ۱۳۳۱۷)، و شب زنده داری خواب از چشم او ربوده (۱۳۳۱۵ - ۱۳۳۱۱)، و به امید ثواب، گرمی روز را با تشنگی گذراننده (۱۳۳۲۰ - ۱۳۳۱۶)، با پارسایی شهوات را کشته (۱۳۳۲۴ - ۱۳۳۲۱)، و نام خدا زبانش را همواره به حرکت در آورده. (۱۳۳۲۸ - ۱۳۳۲۵) ترس از خدا را برای ایمن ماندن در قیامت پیش فرستاده (۱۳۳۳۴ - ۱۳۳۲۹)، از تمام راه‌های جز راه حق چشم پوشیده (۱۳۳۴۸ - ۱۳۳۴۴)، و بهترین راهی که انسان را به حق می‌رساند می‌بیماید. (۱۳۳۵۵ - ۱۳۳۴۹) چیزی او را مفرور نساخته (۱۳۳۶۰ - ۱۳۳۵۶)، و مشکلات و شبهات او را نابینا نمی‌سازد (۱۳۳۶۶ - ۱۳۳۶۱)، مژده بهشت (۱۳۳۶۹ - ۱۳۳۶۷)، و زندگی کردن در آسایش (۱۳۳۷۲ - ۱۳۳۷۰) و نعمت سرای جاویدان (۱۳۳۷۳ - ۱۳۳۷۲) و ایمن‌ترین روزها، او را خوشنود ساخته است. (۱۳۳۷۸ - ۱۳۳۷۶) با بهترین روش از گذرگاه دنیا عبور کرده (۱۳۳۸۴ - ۱۳۳۷۹)، نوشه آخرت را پیش فرستاده (۱۳۳۸۹ - ۱۳۳۸۵)، و از ترس قیامت در انجام اعمال صالح پیش قدم شده است (۱۳۳۹۳ - ۱۳۳۹۰)، ایام زندگی را با شتاب در اطاعت پروردگار گذرانده (۱۳۳۹۶ - ۱۳۳۹۴)، و در فراهم آوردن خوشنودی خدا با رغبت تلاش کرده (۱۳۴۰۱ - ۱۳۳۹۸)، از زشتی‌ها فرار کرده (۱۳۴۰۵ - ۱۳۴۰۲)، امروز رعایت زندگی فردا کرده (۱۳۴۱۰ - ۱۳۴۰۶)، و هم اکنون آینده خود را دیده است. (۱۳۴۱۴ - ۱۳۴۱۱) پس بهشت برای پادشای نیکوکاران سزاوار (۱۳۴۱۹ - ۱۳۴۱۵) و جهنم برای کثیر بدکاران مناسب است (۱۳۴۲۵ - ۱۳۴۲۰)، و خدا برای انتقام گرفتن از ستمگران کفایت می‌کند (۱۳۴۳۱ - ۱۳۴۲۶)، و قرآن برای حجت آوردن و دشمنی کرده، کافی است. (۱۳۴۳۷ - ۱۳۴۳۲)

#### ۱۰ هشدار از دشمنی شیطان

سفارش می‌کنم شما را به پروا داشتن از خدا، خدایی که با ترسانندن‌های مکرر، راه عذر را بر شما بست (۱۳۴۴۶ - ۱۳۴۳۸)، و با دلیل و برهان روشن، حجت را تمام کرد (۱۳۴۵۰ - ۱۳۴۴۷)، و شما را پرهیز داد از دشمنی شیطانی که پنهان در سینه‌ها راه می‌یابد (۱۳۴۵۷ - ۱۳۴۵۱)، و آهسته در گوش‌ها راز می‌گوید، گمراه و بست است (۱۳۴۶۵ - ۱۳۴۵۸)، و عده‌های دروغین داده، در آرزوی آنها به انتظار می‌گذارد (۱۳۴۶۸ - ۱۳۴۶۶)، زشتی‌های گناهان را زینت می‌دهد (۱۳۴۷۲ - ۱۳۴۶۹)، گناهان بزرگ را کوچک می‌شمارد (۱۳۴۷۶ - ۱۳۴۷۳)، و آرام آرام دوستان خود را فریب داده (۱۳۴۸۰ - ۱۳۴۷۷)، راه رستگاری را بر روی در بند شد گناشت می‌بندد (۱۳۴۸۳ - ۱۳۴۸۱)، و در روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند (۱۳۴۸۶ - ۱۳۴۸۴)، و آنچه را که آسان کرده، بزرگ می‌شمارد (۱۳۴۹۰ - ۱۳۴۸۷)، و از آنچه که بیرون خود را ایمن داشته بود سخت می‌ترساند.

(۱۳۴۹۴ - ۱۳۴۹۱)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۳۹

#### ۱۱ شکفتنی‌های آفرینش انسان

مگر انسان، همان نطفه و خون نیم بند نیست که خدا او را در تاریکی‌های رحم و خلاف‌های تو در توه، پدید آورد؟ (۱۳۵۰۷ - ۱۳۴۹۵) (۱۳۵۰۸ - ۱۳۵۰۱) (۱۳۵۱۲ - ۱۳۵۱۱) (۱۳۵۱۵ - ۱۳۵۱۳) تا به صورت چنین در آمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگتر و بزرگتر شده تا نوجوانی رسیده گردید. (۱۳۵۲۳ - ۱۳۵۱۶) سپس او را دلی فراگیر (۱۳۵۲۷ - ۱۳۵۲۴)، و زمانی گویا (۱۳۵۳۰ - ۱۳۵۲۸)، و چشمی بینا عطا فرمود (۱۳۵۳۳ - ۱۳۵۳۱) تا عبرت‌ها را درک کند. (۱۳۵۳۵ - ۱۳۵۳۴)، و از بدی‌ها پرهیزد (۱۳۵۳۸ - ۱۳۵۳۶)، و آنگاه که جوانی در حد کمال رسید (۱۳۵۴۲ - ۱۳۵۳۹)، و بر پای خویش استوار ماند (۱۳۵۴۴ - ۱۳۵۴۳) گردن کنشی آغاز کرد (۱۳۵۴۶ - ۱۳۵۴۶)، و روی از خدا گرداند. (۱۳۵۵۰ - ۱۳۵۴۸)، و در بیراهه گمگم نهاد، در هوا پرستی غرق شد (۱۳۵۵۴ - ۱۳۵۵۱)، و برای به دست آوردن لذت‌های دنیا تلاش فراوان کرد، و سر مست شادمانی دنیا شد (۱۳۵۶۳ - ۱۳۵۵۵)، هرگز نمی‌پندارد مصیبتی پیش آید! (۱۳۵۶۶ - ۱۳۵۶۴) و بر اساس تقوی فروتنی ندارد (۱۳۵۷۱ - ۱۳۵۶۸)، ناگهان سرمست و مفرور در این آزمایش چند روزه، مرگ او را می‌ریزاید (۱۳۵۷۵ - ۱۳۵۷۲)، او را که در دل بند پندش‌ها، اندکی زندگی کرده (۱۳۵۸۰ - ۱۳۵۷۶)، و آنچه را که از دست داده عوضی به دست نیآورده است (۱۳۵۸۳ - ۱۳۵۸۱)، و آنچه از واجبات را که ترک کرد، قضایش را بجا نیاورد (۱۳۵۸۷ - ۱۳۵۸۴)، که درد مرگ او را فراگرفت (۱۳۵۹۳ - ۱۳۵۸۸)، روزها در حیرت و سرگردانی، و شب‌ها با بیداری و نگرانی می‌گذرانند.

(۱۳۵۹۳ - ۱۳۵۸۸) (۱۳۵۹۶ - ۱۳۵۹۴)

۵۱۲ عبرت از مرگ

هر روز به سختی درد می‌کشد (۱۳۵۹۸ - ۱۳۵۹۷)، و هر شب رنج و بیماری به سراغش می‌رود (۱۳۶۰۴ - ۱۳۵۹۹) (۱۳۶۰۹ - ۱۳۶۰۵)، در میان برادری غم خوار (۱۳۶۱۲ - ۱۳۶۱۰)، و پندری مهربان (۱۳۶۱۵ - ۱۳۶۱۳) و ناله کندند‌های بی طاقت (۱۳۶۱۹ - ۱۳۶۱۶) و بر سینه کوبنده‌های گریان افتاده است. (۱۳۶۲۳ - ۱۳۶۲۰) انا او در حالت بیهوشی و سکرات مرگ، و غم و اندوه بسیار (۱۳۶۳۱ - ۱۳۶۲۴)، و ناله دردناک (۱۳۶۳۴ - ۱۳۶۳۲)، و درد جان‌کنند (۱۳۶۳۷ - ۱۳۶۳۵)، با انتظاری رنج آور (۱۳۶۴۰ - ۱۳۶۳۸)، دست به گریبان است.

پس از مرگ او را مأیوس وار در کفن پیکانده (۱۳۶۵۵ - ۱۳۶۴۱)، در حالی که تسلیم و آرام است (۱۳۶۴۹ - ۱۳۶۴۶)، بر می‌دارند، و بر تابوت می‌گذارند. (۱۳۶۵۵ - ۱۳۶۵۰) خسته و لاغر به سفر آخرت می‌رود (۱۳۶۵۸ - ۱۳۶۵۶)، که فرزندان و برادران او را به دوش کشیده تا سر منزل غربت، آنچه که دیگر او را نمی‌بینند، و آنچه که جایگاه وحشت است، پیش می‌برند. (۱۳۶۶۱ - ۱۳۶۵۹) (۱۳۶۷۳ - ۱۳۶۶۲) انا هنگامی که تشییع کنندگان بروند (۱۳۶۷۷ - ۱۳۶۷۴) و مصیبت زندگان باز گردند (۱۳۶۸۰ - ۱۳۶۷۸)، در گودال قبر نشاندند، برای پرستش حیرت آور (۱۳۶۸۶ - ۱۳۶۸۱)، و امتحان لغزش‌زا، زمرمه غم آلود دارد. (۱۳۶۸۹ - ۱۳۶۸۷) بزرگ‌ترین بلای آنجا، فرود آمدن در آتش سوزان دوزخ (۱۳۶۹۶ - ۱۳۶۹۰) (۱۳۶۹۹ - ۱۳۶۹۷) و بر آفرینش شعله‌ها (۱۳۷۰۲ - ۱۳۷۰۰) و نمره‌های آتش است (۱۳۷۰۵ - ۱۳۷۰۳)، که نه یک لحظه آرام گیرد تا استراحت کند. (۱۳۷۰۸ - ۱۳۷۰۶)، و نه آرامشی وجود دارد که از درد او بکاهد (۱۳۷۱۲ - ۱۳۷۰۹)، و نه قدرتی که مانع کيفر او شود (۱۳۷۱۶ - ۱۳۷۱۳)، نه مرگی که او را از این همه ناراحتی برهاند (۱۳۷۲۰ - ۱۳۷۱۷)، و نه خوابی که اندوهش را بر طرف سازد (۱۳۷۲۴ - ۱۳۷۲۱)، در میان انواع مرگ‌ها (۱۳۷۲۷ - ۱۳۷۲۵) و ساعت‌ها مجازات نوناگون گرفتار است. (۱۳۷۳۰ - ۱۳۷۲۸) به خدا پناه می‌بریم.

(۱۳۷۳۳ - ۱۳۷۳۱)

**۱۲** \*پند آموزی از گذشتگان

ای بندهگان خدا! کجا هستند آنان که سالیان طولانی در نعمت‌های خدا عمر گذرانده‌اند؟ (۱۳۷۳ – ۱۳۷۴)
تعلیمشان دادند و دریافتند (۱۳۷۴ – ۱۳۷۵)، مهلتشان دادند و بیهوده روزگار گذرانده‌اند؟ (۱۳۷۵ – ۱۳۷۶)
از آفات و بلاها دورشان داشتند اما فراموش کردند (۱۳۷۸ – ۱۳۷۹)، زمانی طولانی آنها را مهلت دادند (۱۳۷۵ – ۱۳۷۶)، نعمت‌های فراوان بخشیدند (۱۳۷۳ – ۱۳۷۵)، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند (۱۳۷۶ – ۱۳۷۷)،

نهج البلاغه / ترجمه دشنتی، ص: ۱۴۱

و وعده‌هایی بزرگ از بهشت جاویدان به آنها دادند. (۱۳۷۹ – ۱۳۷۷)
ای مردم! از گناهانی که شما را به هلاکت افکند (۱۳۷۶ – ۱۳۷۶)، از عیب‌هایی که خشم خدا را در پی دارد، پرهیزند. (۱۳۷۶ – ۱۳۷۶)
دارندگان چشمهای بینا، و گوش‌های شنوا (۱۳۷۶ – ۱۳۷۶)، و سلامت و کلاهی دنیا! (۱۳۷۳ – ۱۳۷۷)
آیا گریزگاهی هست؟ یا راهی (۱۳۷۸ – ۱۳۷۷)
و جای امنی، پناهگاهی (۱۳۷۸ – ۱۳۷۷)
و جای فراری هست؟ آیا باز گشتی برای جبران وجود دارد؟ (۱۳۷۸ – ۱۳۷۸)
نه چنین است؟ پس کی باز می‌گردید؟ (۱۳۷۹ – ۱۳۷۸)
به کدام سو می‌روید؟ (۱۳۷۳ – ۱۳۷۹)
و به چه چیز مفرور می‌شوید؟ (۱۳۷۹ – ۱۳۷۹)
همان‌بهره هر کدام از شما زمین به اندازه طول و عرض قامت شماست! (۱۳۸۰ – ۱۳۷۹)
آنگونه‌که خاک آلوده بر آن خفته باشد. (۱۳۸۱ – ۱۳۸۱)
ای بندهگان خدا! هم اکنون به اعمال نیکو پردازید، تا ریسمان‌های مرگ بر گلوی شما سخت نشده (۱۳۸۱ – ۱۳۸۱)، و روح شما برای کسب کمالات آزاد است (۱۳۸۴ – ۱۳۸۱)، و بدن‌ها راحت (۱۳۸۵ – ۱۳۸۵)، و در حالتی قرار دارید که می‌توانید مشکلات یکدیگر را حل کنید. (۱۳۸۰ – ۱۳۸۱)
هنوز مهلت دارید (۱۳۸۳ – ۱۳۸۳)، و جای نصیم (۱۳۸۶ – ۱۳۸۶)
و توبه (۱۳۸۹ – ۱۳۸۳)
و باز گشت از گناه باقی مانده است. (۱۳۸۴ – ۱۳۸۴)
عمل کنید پیش از آن که در شدت تنگی وحشت و ترس و نابودی قرار گیرید (۱۳۸۵ – ۱۳۸۴)، پیش از آن که مرگ در انتظار مانده، فرا رسد (۱۳۸۵ – ۱۳۸۵)، و دست قدرتمند خدای توانا شما را برگیرد.

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشنتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشنتی، اجلد، مشهور - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹.ش. نهج البلاغه / ترجمه دشنتی ؛؛ ص ۱۴۱

۱۳۵۹ – ۱۳۵۶) (وقتی که امام این خطبه را ایراد فرمود، بدن‌ها به لرزه در آمد (۱۳۷۳ – ۱۳۸۶)، اشکها سرازیر و دل‌ها ترسان شد (۱۳۷۹ – ۱۳۷۹)، که جمعی آن را غزاه نامیدند) (۱۳۸۷ – ۱۳۸۸) (۱۰۸۴)

#### ترجمه خطبه ۸۴

#### اشاره

(پس از جنگ صفین در سال ۳۸ هجری در شهر کوفه در شناساندن عمرو عاص و ردّ شایعات بیهوده او فرمود) (۱۳۹۷ – ۱۳۸۸)

**روانشناسی عمرو عاص:**

شگفتا از عمرو عاص پسر نابغه! (۱۳۹۰ – ۱۳۹۸)
۱۰ میان مردم شام گفت که من اهل شوخی (۱۳۹۰ – ۱۳۹۰) – ۱۳۹۰۷)
و خوشگذرانی بوده، و عمر بیهوده می‌گذرانم! (۱۳۹۱ – ۱۳۹۱)
حرفی از روی باطل گفت (۱۳۹۱ – ۱۳۹۱)
و گناه در میان شامیان از انتشار داد (۱۳۹۱ – ۱۳۹۱)، مردم آگاه باشید! بدترین گفتار دروغ است. (۱۳۹۲ – ۱۳۹۲)
عمرو عاص سخن می‌گوید، پس دروغ می‌بندد (۱۳۹۲ – ۱۳۹۲)، وعده می‌دهد و خلاف آن مرتکب می‌شود (۱۳۹۳ – ۱۳۹۳)، در خواست می‌کند و اصرار می‌ورزد (۱۳۹۳ – ۱۳۹۳)، اما اگر چیزی از او بخواهند، بخل می‌ورزد (۱۳۹۳ – ۱۳۹۳)، به پیمان خیانت می‌کند (۱۳۹۳ – ۱۳۹۳)، و بی‌وند خوشاوندی را قطع می‌نماید (۱۳۹۴ – ۱۳۹۴)، پیش از آغاز نبرد در هیاهو و امر و نهی بی‌مانند است تا آنچه دست‌ها به سوی قبضه شمشیرها نرود. (۱۳۹۵ – ۱۳۹۶)
اما در آغاز نبرد، و برهنه شدن شمشیرها، بزرگ‌ترین تیرنگ او این است که عورت خویش آشکار کرده، فرار نماید. (۱۳۹۶ – ۱۳۹۷) ۲۰

**ویژگیهای امام علی علیه السلام:**

آنگاه باشید! به خدا سوگند که یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می‌دارد (۱۳۹۶ – ۱۳۹۶)، ولی عمرو عاص را فراموشی آخرت از سخن حق باز داشته است (۱۳۹۸ – ۱۳۹۷)، با معاویه بیعت نکرد مگر بدان شرط که به او پاداش دهد (۱۳۹۳ – ۱۳۹۵)، و در برابر ترک دین خویش، رشوای تسلیم او کند. (۱۴۰۰ – ۱۳۹۴)

(۱) نابغه: زن معروفه آلوده دامن، که اسم مادر عمرو عاص بود، زن اسیری که عبد الله بن جدعان او را خرید چون فاسد و بی پروا بود و او را رها کرد. وقتی عمرو عاص متولد شد، ابو لهب، امیه بن خلف، هشام بن مغیره، ابو سفیان و عاص بن وائل، هر کدام ادعا داشتند که عمرو، فرزند اوست. سرانجام عاص او را برداشت که از دشمنان سر سخت رسول خدا بود، او بود که پیامبر (ص) را ابرتر نامید که خدا در سوره کوثر در جواب فرمود: **إِنَّ شَانِئَكَ وَهُ الْأَخْبَرُ** (همانا دشمن تو ابرتر است) و **أَبَهِ إِنَّا كَفِينَاكَ اللَّهُشَّهْرَيْنِ** در باره او و یارانش نازل شد، و عمرو عاص، در مکه سر راه پیامبر (ص) سنگ و خار می‌ریخت! و او بود که به کجاوه دختر پیامبر (ص) «زینب» حمله کرد و او را طوری کتک زد که دچار سقط جنین شد، و پیامبر (ص) به او نفرین کرد، و او بود که اشعار فراوانی بر ضد رسول خدا(ص) می‌سرود و بچه‌های مکه را تحریک می‌کرد که با صدای بلند برای آزار آن حضرت بخوانند، و او بود که از طرف قریش مکه به دربار سلطان حبشه رفت تا مهاجران مسلمان را به مکه برگرداند. (کتاب ربيع الأبرار زمخشری)

(۲) عمرو عاص در این فکر بود که در میدان صفین روزی خودی نشان دهد، تا آن که سوار نقاب داری از سپاه امام علی (ع) به میدان آمد، عمرو فکر کرد حریف اوست، با سرعت در مقابل سرباز نقاب دار ایستاد و گرد و خاک کرد، وقتی حمله آغاز شد دانست که آن نقاب دار، علی (ع) است، در مانده شد چه کند؟ مقاومت کند کشته می‌شود، فرار کند آبروش می‌رود، هنوز انتخاب نکرده بود که حمله سریع و ناگهانی امام به او مهلت نداد از روی اسب سرنگون شد، مرگ را با چشم خود دید، ناگاه زشت‌ترین حيله را به کار گرفت، که عورت خود را آشکار کرد، و امام او را در پستی و رسوایش واگذارد، عمرو عاص با سرعت فرار کرد و خود را نجات داد، و در میان دو لشکر آن روز، و تاریخ بشریت آبروی خود را برد.

نهج البلاغه / ترجمه دشنتی، ص: ۱۴۳

(۱۰۸۵)

#### ترجمه خطبه ۸۵

#### \*۱ خدا شناسی

و گواهی می‌دهم که خدایی نیست جز خدای یکتا (۱۴۰۲ – ۱۴۰۳)، آغاز، اوست که پیش از او چیزی نیست (۱۴۰۲ – ۱۴۰۲)، و پایان همه اوست که بی‌نهایت است. (۱۴۰۲ – ۱۴۰۲)
پندارها برای او صفتی نمی‌توانند فراهم آورند (۱۴۰۳ – ۱۴۰۳)، و عقل‌ها از درک کیفیت او درمانده‌اند (۱۴۰۴ – ۱۴۰۳)، نه جزئی برای او می‌تواند تصوّر کرد و نه تعیض پذیر است (۱۴۰۴ – ۱۴۰۴)، و نه چشم‌ها و قلب‌ها می‌تواند او را به درستی فرا گیرند. (۱۴۰۵ – ۱۴۰۵)

#### \*۲ ضرورت پند پذیری

ای بندهگان خدا! از عبرت‌های سودمند پند پذیرید (۱۴۰۵ – ۱۴۰۵)، و از آیات روشنگر عبرت آموزید. (۱۴۰۶ – ۱۴۰۶)
از آنچه با بیان رسا شما را ترسانده‌اند، پرهیزید (۱۴۰۳ – ۱۴۰۷)، و از یاد آوری‌ها و اندرزها سود ببرید (۱۴۰۸ – ۱۴۰۷)، آن چنان که گویا چنگال مرگ در بیکر شما فرو رفته (۱۴۰۸ – ۱۴۰۷)، ورشته آرزوها و دل بستگی‌ها قطع گردیده (۱۴۰۸ – ۱۴۰۸)
و سستی‌های مرگ (۱۴۰۹ – ۱۴۰۸)
و آغاز حرکت به سوی قیامت به شما هجوم آورده است. (۱۴۰۹ – ۱۴۰۹)
آن روز که «همراه هر کسی گناه و سوق دهنده‌ای است» (۱۴۱۰ – ۱۴۰۹)، سوق دهنده‌ای که تا صحنه رستاخیز او را می‌کشاند (۱۴۱۰ – ۱۴۱۰)، و شاهدهی که بر اعمال او گواهی می‌دهد. (۱۴۱۱ – ۱۴۱۰)

(۱۴۱۳ – ۱۴۱۰) (و قسمتی از این خطبه)

#### \*۳ وصف بهشت

(۱۴۱۱۸ - ۱۴۱۱۴) در بهشت، درجانی از یک‌دیگر برتر (۱۴۱۲۰ - ۱۴۱۱۹)، و جایگاه‌هایی گوناگون و متفاوت وجود دارد (۱۴۱۲۳ - ۱۴۱۲۱) که نعمت‌هایش پایان ندارد (۱۴۱۲۶ - ۱۴۱۲۴)، و ساکنان آن هرگز خارج نگردند (۱۴۱۳۰ - ۱۴۱۲۷)، ساکنان بهشت جاوید، هرگز پیر و فرسوده نگردند (۱۴۱۳۴ - ۱۴۱۳۱)، و گرفتار شدائد و سختی‌ها نخواهند شد. (۱۰۸۶)

#### ترجمه خطبه ۸۶

##### ۱ علم الهی

خدا به تمام اسرار نهان آگاه (۱۴۱۵۷ - ۱۴۱۵۶) و از باطن همه با خبر است (۱۴۱۶۲ - ۱۴۱۶۰)، به همه چیز احاطه دارد (۱۴۱۶۶ - ۱۴۱۶۳)، و بر همه چیز غالب و پیروز (۱۴۱۷۰ - ۱۴۱۶۷)، و بر همه چیز تواناست. (۱۴۱۷۵ - ۱۴۱۷۱)

##### ۲ پندهای ارزشمند

(۱۴۱۷۷ - ۱۴۱۷۶)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۴۵

هر کس از شما در روزگاری که مهلت دارد به اعمال نیکو بپردازد (۱۴۱۸۳ - ۱۴۱۷۸) پیش از آن که مرگ فرسد (۱۴۱۸۶ - ۱۴۱۸۴)، و در ایام فراغت پاک باشد، پیش از آن که گرفتار شود (۱۴۱۹۲ - ۱۴۱۸۷)، و در ایام رهایی نیکوکار باشد، پیش از آن که مرگ گلوگاه او را بشمارد (۱۴۱۹۹ - ۱۴۱۹۳)، پس برای خود و جایی که می‌رود آماده باشد (۱۴۲۰۴ - ۱۴۲۰۰)، و در این دنیا که محل کوچ کردن است برای منزلگاه ابدی، توشه‌ای بردارد. (۱۴۲۱۱ - ۱۴۲۰۵) پس ای مردم! خدا را! پروا کنید، برای حفظ قرآن، که از شما خواسته، (۱۴۲۱۹ - ۱۴۲۱۲) و حقوقی که نزد شما سپرده است (۱۴۲۲۳ - ۱۴۲۲۰)، پس همانا خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید (۱۴۲۲۹ - ۱۴۲۲۴)، و به حال خود و نگشایشت (۱۴۲۳۳ - ۱۴۲۳۰)، و در گمراهی و کوری رها نساخته است (۱۴۲۴۱ - ۱۴۲۳۴)، کردارشان را بیان فرموده (۱۴۲۴۴ - ۱۴۲۴۲)، و از اعمال شما با خبر است (۱۴۲۴۷ - ۱۴۲۴۵) و سر آمد زندگی شما را مشخص کرد (۱۴۲۵۰ - ۱۴۲۴۸) و کتابی بر شما نازل کرد که روشنگر همه چیز است (۱۴۲۵۷ - ۱۴۲۵۱) پیامبرش را مدتی در میان شما قرار داد (۱۴۲۶۲ - ۱۴۲۵۸) تا برای او و شما، دین را به اكمال رساند، و آنچه در قرآن نازل شد و ماه رضای الهی است تحقّق بخشد. (۱۴۲۷۵ - ۱۴۲۶۳) و با زبان پیامبرش، کارهای خوشایند و ناخوشایند، باید‌ها و نباید‌ها را ابلاغ کرد (۱۴۲۸۱ - ۱۴۲۷۶) (۱۴۲۸۵ - ۱۴۲۸۲)، و اوامر و نواهی را آموزش داد (۱۴۲۸۹ - ۱۴۲۸۶)، و راه عذر را بر شما بست (۱۴۲۹۳ - ۱۴۲۹۰) و حجت را تمام کرد. (۱۴۲۹۷ - ۱۴۲۹۴) پیش از کفر، شما را تهدید کرد (۱۴۳۰۱ - ۱۴۲۹۸)، و از عذاب‌های سختی که در پیش روی دارید ترساند. (۱۴۳۰۷ - ۱۴۳۰۲) پس باز مانده ایام خویش را دریابید. (۱۴۳۱۰ - ۱۴۳۰۸)، و صبر و بردباری در برابر ناولی‌ها پیشه کنید (۱۴۳۱۴ - ۱۴۳۱۱)، چرا که عمر باقی مانده برابر روزهای زیادی که به غفلت گذرانید. و روی گردان از پندها بودید، بسیار کم است. (۱۴۳۱۹ - ۱۴۳۱۵) (۱۴۳۲۴ - ۱۴۳۲۰) (۱۴۳۲۸ - ۱۴۳۲۵) به خودش پیش از استمازه آزادی ندهید (۱۴۳۳۲ - ۱۴۳۲۹)، که شما را به ستمگری می‌کشاند (۱۴۳۳۷ - ۱۴۳۳۳)، و با نفس سازشکاری و سستی روا مدارید (۱۴۳۴۰ - ۱۴۳۳۸) که ناگهان در درون گناه سقوط می‌کنید. (۱۴۳۴۵ - ۱۴۳۴۱)

##### ۳ یادآوری ارزش‌های اخلاقی

ای بندگان خدا! (۱۴۳۴۷ - ۱۴۳۴۶) آن کس که نسبت به خود خیر خواهی او بیشتر است، در برابر خدا، از همه کم فرمانبردارتر است (۱۴۳۵۳ - ۱۴۳۴۸)، و آن کس که خوشی‌اش را بیشتر می‌فریبد، نزد خدا گناه کارترین انسان‌ها است (۱۴۳۵۹ - ۱۴۳۵۴)، زیانکار واقعی کسی است که خود را بفریبد. (۱۴۳۶۴ - ۱۴۳۶۰) و آن کس مورد غیبه است و بر او رشک می‌زند که دین او سالم باشد. (۱۴۳۷۰ - ۱۴۳۶۵) سعادتمند کسی است که از زندگی دیگران عبرت آموزد (۱۴۳۷۵ - ۱۴۳۷۱)، و شقاوتمند کسی است که فریب هوا و هوس‌ها را بخورد. (۱۴۳۸۲ - ۱۴۳۷۶) آگاه باشید! ریاکاری و تظاهر، و هر چند اندک باشد شرک است (۱۴۳۸۸ - ۱۴۳۸۴)، و همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد (۱۴۳۹۴ - ۱۴۳۸۹)، و شیطان را حاضر می‌کند. (۱۴۳۹۷ - ۱۴۳۹۵) از دروغ بر کنار باشید که با ایمان فاصله دارد. (۱۴۴۰۲ - ۱۴۳۹۸) راستگو در راه نجات و بزرگواری است (۱۴۴۰۸ - ۱۴۴۰۳)، اما دروغگو بر لب پرنگاه هلاک و خواری است (۱۴۴۱۵ - ۱۴۴۰۹)، حسد نوزید (۱۴۴۱۸ - ۱۴۴۱۶) که حسد ایمان را چونان آتشی که هیزم را خاکستر نابود می‌سازد. (۱۴۴۲۲ - ۱۴۴۱۹) (۱۴۴۲۶ - ۱۴۴۲۳) یا یکدیگر دشمنی و کینه توری نداشته باشید که نابود کننده هر چیزی است. (۱۴۴۳۱ - ۱۴۴۲۷) بدانید که آرزوهای دور و دراز عقل را غافل (۱۴۴۳۷ - ۱۴۴۳۲) و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد. (۱۴۴۴۰ - ۱۴۴۳۸) آرزوهای ناروا را دروغ انگارید که آرزوها فریبنده‌اند (۱۴۴۴۴ - ۱۴۴۴۱) و صاحبش فریب خورده. (۱۴۴۴۷ - ۱۴۴۴۵)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۴۷

(۱۰۸۷)

#### ترجمه خطبه ۸۷

##### اشاره

(برخی از شارحان گفتند که این خطبه در شهر کوفه ایراد شد)

##### ۱ معزفی بهترین بنده خدا (الکوی انسان کامل)

ای بندگان خدا! (۱۴۴۷۴ - ۱۴۴۷۳) همانا بهترین و محبوب‌ترین بنده نزد خدا، بنده‌ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است (۱۴۴۸۵ - ۱۴۴۷۵)، آن کس که جامعه زبرین او اندوه (۱۴۴۸۷ - ۱۴۴۸۶)، و لیس روین او ترس از خداست (۱۴۴۹۰ - ۱۴۴۸۸)، چراغ هدایت در قلبش روشن شده (۱۴۴۹۵ - ۱۴۴۹۱) و وسائل لازم برای روزی او فراهم آمده و دوری‌ها و دشواری‌ها را بر خود نزدیک و آسان ساخته است. (۱۴۵۰۵ - ۱۴۴۹۶) (۱۴۵۰۸ - ۱۴۵۰۶) حقایق دنیا را با چشم دل نگریسته (۱۴۵۱۰ - ۱۴۵۰۹)، همواره به یاد خدا بوده و اعمال نیکو، فراوان انجام داده است. (۱۴۵۱۳ - ۱۴۵۱۱) از چشمه گوارای حق سیراب گشته، چشمه‌ای که به آسانی به آن رسید و از آن نوشیده سیراب گردید. (۱۴۵۱۲ - ۱۴۵۱۴) (۱۴۵۱۳ - ۱۴۵۱۲) راه هموار و راست قدم برداشته (۱۴۵۱۷ - ۱۴۵۱۴)، پیراهن شهوات را از تن بیرون کرده (۱۴۵۳۱ - ۱۴۵۲۸)، و جز بیک غم، از تمام غم‌ها خود را می‌رهاند (۱۴۵۴۰ - ۱۴۵۳۳) و از صف کور دلان (۱۴۵۴۴ - ۱۴۵۴۱) و مشارکت با هواپرستان خارج شد. (۱۴۵۴۸ - ۱۴۵۴۵)، کلید بازکننده درهای هدایت شد (۱۴۵۵۴ - ۱۴۵۴۹) و قفل درهای گمراهی و خواری گردید. (۱۴۵۵۸ - ۱۴۵۵۵) راه هدایت را با روشن دلی دید (۱۴۵۶۱ - ۱۴۵۵۹)، و از همان راه رفت (۱۴۵۶۴ - ۱۴۵۶۲)، و نشانه‌های آن را شناخت (۱۴۵۶۷ - ۱۴۵۶۵) و از امواج سرکش شهوات گذشت. (۱۴۵۷۰ - ۱۴۵۶۸) به استوارترین دستاویزها (۱۴۵۷۵ - ۱۴۵۷۱) و محکم‌ترین طباب‌ها چنگ انداخت (۱۴۵۷۹ - ۱۴۵۷۶)، چنان به یقین و حقیقت رسید که گویی نور خورشید بر او تابید (۱۴۵۸۶ - ۱۴۵۸۰)، در برابر خداوند خود را به گونه‌ای تسلیم کرد که هر فرمان او را انجام می‌دهد (۱۴۵۹۴ - ۱۴۵۸۷) (۱۴۵۹۹ - ۱۴۵۹۵) و هر فرعی را به اصلش باز می‌گرداند. (۱۴۶۰۵ - ۱۴۶۰۰) چراغ تاریکی‌ها (۱۴۶۰۷ - ۱۴۶۰۶)، و روشنی بخش تیرگی‌ها (۱۴۶۰۹ - ۱۴۶۰۸)، کلید درهای بسته (۱۴۶۱۱ - ۱۴۶۱۰) و بر طرف کننده دشواری‌ها (۱۴۶۱۳ - ۱۴۶۱۲)، و راهنمای گمراهان در میان‌های سرگردانی است. (۱۴۶۱۵ - ۱۴۶۱۴) سخن می‌گوید، خوب می‌فهماند (۱۴۶۱۷ - ۱۴۶۱۶)، سکوت کرده به سلامت می‌گذرد (۱۴۶۲۰ - ۱۴۶۱۸)، برای خدا اعمال خویش را خالص کرده آن چنان که خدا پذیرفته است (۱۴۶۲۴ - ۱۴۶۲۱)، از گنجینه‌های آیین خدا (۱۴۶۲۸ - ۱۴۶۲۵) و ارکان زمین است. (۱۴۶۳۱ - ۱۴۶۲۹) خود را به عدالت واداشته (۱۴۶۳۵ - ۱۴۶۳۲) و آغاز عدالت او آن که هوای نفس را از دل بیرون رانده است (۱۴۶۴۲ - ۱۴۶۳۶)، حق را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند. (۱۴۶۴۷ - ۱۴۶۴۳) کار خیری نیست مگر که به آن قیام می‌کند (۱۴۶۵۳ - ۱۴۶۴۸)، و در هیچ جا گمان خیری نروده جز آن که به سوی آن شتافته. (۱۴۶۵۸ - ۱۴۶۵۴) اختیار خود را به قرآن سپرده (۱۴۶۶۳ - ۱۴۶۵۹)، و قرآن را راهبر و پیشوای خود قرار داده است (۱۴۶۶۷ - ۱۴۶۶۴)، هر جا که قرآن بار استناد فرود آید (۱۴۶۷۱ - ۱۴۶۶۸)، و هر جا که قرآن جای گیرد مسکن گزیند. (۱۴۶۷۶ - ۱۴۶۷۲)

##### ۲ وصف زشت‌ترین انسان (عالم نمایان)



نگاره‌ای از امام علی

(۱۴۶۷۸–۱۴۶۷۷) و دیگری که او را دانشمند نامند اما از دانش بی‌بهره است (۱۴۶۸۶–۱۴۶۷۹)، یک دسته از نادانی‌ها را از جمعی نادان فرا گرفته (۱۴۶۹۰–۱۴۶۸۷)، و مطالب گمراه کننده را از گمراهان آموخته، و به هم یافته (۱۴۶۹۴–۱۴۶۹۱)، و دام‌هایی از طناب‌های غرور (۱۴۷۰۱–۱۴۶۹۵) و گفته‌های دروغین بر سر راه مردم افکنده (۱۴۷۰۴–۱۴۷۰۲)، قرآن را بر امیال و خواسته‌های خود تطبیق می‌دهد (۱۴۷۰۹–۱۴۷۰۵)، و حق را به هوس‌های خود تفسیر می‌کند. (۱۴۷۱۴–۱۴۷۱۰)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۴۹

مردم را از گناهای بزرگ امین می‌سازد (۱۴۷۱۸–۱۴۷۱۵)، و جرائم بزرگ را سبک جلوه می‌دهد. (۱۴۷۲۲–۱۴۷۱۹) اذعا می‌کند از ارتکاب شبهات پرهیز دارد اما در آنها غوطه می‌خورد. (۱۴۷۲۹–۱۴۷۲۳) می‌گوید: از بدعت‌ها دورم، ولی در آنها غرق شده است. (۱۴۷۳۶–۱۴۷۳۰) چهره ظاهر او چهره انسان (۱۴۷۳۹–۱۴۷۳۷)، و قلبش قلب حیوان درنده است (۱۴۷۴۳–۱۴۷۴۰)، راه هدایت را نمی‌شناسد که از آن سو برود (۱۴۷۴۸–۱۴۷۴۴)، و راه خطا و باطل را نمی‌داند که از آن بپرهیزد (۱۴۷۵۴–۱۴۷۴۹)، پس مرده‌ای است در میان زندگان.

(۱۴۷۵۸–۱۴۷۵۵)

❦ **شناساندن عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان راستین علیه السلام**

(۱۴۷۶۰–۱۴۷۵۹) مردم! کجا می‌روید؟ (۱۴۷۶۲–۱۴۷۶۱) چرا از حق منحرف می‌شوید؟ (۱۴۷۶۵–۱۴۷۶۳) پرچم‌های حق بر (۱۴۷۶۸–۱۴۷۶۶) و نشانه‌های آن آشکار است (۱۴۷۷۱–۱۴۷۶۹)، با اینکه چراغهای هدایت روشنگر راهند (۱۴۷۷۲–۱۴۷۷۰)، چون گمراهان به کجا می‌روید؟ (۱۴۷۷۷–۱۴۷۷۵) چرا سرگردانید؟ (۱۴۷۸۰–۱۴۷۷۸) در حالی که عزت پیامبر شما در میان شمساست (۱۴۷۸۴–۱۴۷۸۱)، آنها زمامداران حق و یقینند (۱۴۷۸۸–۱۴۷۸۵)، پیشوایان دین (۱۴۷۹۱–۱۴۷۸۹)، و زیان‌های راستی و راستگوییانند. (۱۴۷۹۴–۱۴۷۹۲)، پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید (۱۴۷۹۸–۱۴۷۹۵) و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند، به سوشان هجوم ببرید. (۱۴۸۰۳–۱۴۷۹۹) ای مردم (۱۴۸۰۵–۱۴۸۰۴) این حقیقت را از خاتم پیامبران پیامبوزید که فرمود: (۱۴۸۱۰–۱۴۸۰۶) هر که از ما می‌میرد، در حقیقت نمرده است (۱۴۸۱۸–۱۴۸۱۱) و چیزی از ما کهنه نمی‌شود. (۱۴۸۲۹–۱۴۸۱۹) پس آنچه نمی‌دانید، بگویید (۱۴۸۳۱–۱۴۸۲۷)، زیرا بسیاری از حقایق در اموری است که نا آگاهانه انکار می‌کنید. (۱۴۸۳۶–۱۴۸۳۲)

❦ **ویژگی‌های امام علی علیه السلام**

مردم! عنذر خواهی کنید از کسی که دلیلی بر ضدّ او ندارید، و آن کس من می‌باشم (۱۴۸۴۶–۱۴۸۳۷)، مگر من در میان شما بر اساس اقل اکثره که قرآن است عمل نکردم؟ (۱۴۸۵۲–۱۴۸۴۷) و نقل اصغر «عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» را در میان شما باقی نگذارید؟ (۱۴۸۵۷–۱۴۸۵۳) مگر من پرچم ایمان را در بین شما استوار نساختم؟ (۱۴۸۶۲–۱۴۸۵۸) و از حدود و مرز حلال و حرام آگاهیتان ندادم؟ (۱۴۸۶۹–۱۴۸۶۳) مگر پیراهن عافیت را با عدل خود به اندام شما پوشاندم؟ (۱۴۸۷۴–۱۴۸۷۰) و نیکی‌ها را با اعمال و گفتار خود در میان شما رواج ندادم؟ (۱۴۸۸۱–۱۴۸۷۵) و ملکات اخلاقی انسانی را به شما نشان ندادم؟ (۱۴۸۸۷–۱۴۸۸۲) پس وهم و گمان خود را در آنجا که چشم دل زرقای آن را مشاهده نمی‌کند (۱۴۸۹۵–۱۴۸۸۸)، و فکرتان توانایی ناخن در آن راه ندارد، به کار بگیرید (۱۴۹۰۰–۱۴۸۹۶)، برخی از همین خطبه است:

❦ **اخبار غیبی نسبت به آینده بنی امیه**

تا آن که برخی از شما گمان می‌برند که دنیا به کام بنی امیه شد (۱۴۹۱۳–۱۴۹۰۳)، و همه خوبی‌ها را افزون به آنها سپرده (۱۴۹۱۵–۱۴۹۱۴) و آنها را از سرچشمه خود سیراب کرده (۱۴۹۱۸–۱۴۹۱۶)، و نازیبان و شمشیرشان از سر این امت کنار نخواهد رفت. (۱۴۹۲۸–۱۴۹۱۹) کسانی که چنین می‌اندیشند در اشتباهند (۱۴۹۳۲–۱۴۹۲۹)، زیرا سهم بنی امیه تئیه جمعه‌ای از زندگی لذت بخش است که مدّتی آن را می‌مکند (۱۴۹۴۰–۱۴۹۳۳) سپس همه آنچه را که نوشیدند بیرون می‌ریزند.

(۱۴۹۴۳–۱۴۹۴۱)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۵۱

(۱۴۹۴۳–۱۴۹۴۱) (۱۰۸۸)

**ترجمه خطبه ۸۸**

**اشاره**

(به نقل برخی از شارحان، این خطبه در سال ۳۶ هجری پس از قتل عثمان در مدینه ایراد شد) «۱»

**عوامل هلاکت انسانها**

(۱۴۹۵۵–۱۴۹۴۴) پس از ستایش پروردگار، خدا هر گز بجایران دنیا را در هم نشکسته (۱۴۹۶۴–۱۴۹۵۶) مگر پس از آن که مهلت‌های لازم و نعمت‌های فراوان بخشید. (۱۴۹۶۹–۱۴۹۶۵)، و هرگز استخوان شکسته مغبّی را باز سازی نفرمود مگر پس از آزمایش‌ها و تحمّل مشکلات. (۱۴۹۸۱–۱۴۹۷۰) مردم! در سخنی‌هایی که با آن روبرو هستید (۱۴۹۸۸–۱۴۹۸۲) و مشکلاتی که پشت سر گذاریدید، درس‌های عبرت فراوان وجود دارد. (۱۴۹۹۴–۱۴۹۸۹) نه هر که صاحب قلبی است خردمند است (۱۵۰۰۰–۱۴۹۹۵)، و نه هر دارنده گوش‌سی شنواست (۱۵۰۰۶–۱۵۰۰۱)، و نه هر دارنده چشمی بیناست. (۱۵۰۱۱–۱۵۰۰۷) در شگفتم (۱۵۰۱۳–۱۵۰۱۲)، چرا در شگفت نباشم؟! از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند! (۱۵۰۲۷–۱۵۰۲۴) نه گام بر جای گام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌نهند (۱۵۰۳۱–۱۵۰۲۸)، و نه از رفتار جانشین او پیروی می‌کنند (۱۵۰۳۶–۱۵۰۳۲)، نه به غیب ایمان می‌آورند (۱۵۰۴۰–۱۵۰۳۷) و نه خود را از عیب بر کنار می‌دارند، (۱۵۰۴۵–۱۵۰۴۱) به شبهات عمل می‌کنند (۱۵۰۴۸–۱۵۰۴۶) و در گرداب شهوات غوطه‌ورند (۱۵۰۵۲–۱۵۰۴۹)، نیکی در نظرشان همان است که می‌پندارند (۱۵۰۵۶–۱۵۰۵۳)، و زشتی‌ها همان است که آنها منکرند. (۱۵۰۶۱–۱۵۰۵۷) در حل مشکلات به خود پناه می‌برند (۱۵۰۶۶–۱۵۰۶۲)، و در مهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند (۱۵۰۷۲–۱۵۰۶۷)، گویا هر کدام، امام و راهبر خویش می‌باشند (۱۵۰۷۸–۱۵۰۷۳) که به دستگیره‌های مظلمن (۱۵۰۸۵–۱۵۰۷۹) و اسباب محکمی که خود باور دارند چنگ می‌زنند.

(۱۵۰۸۸–۱۵۰۸۶) (۱۰۸۹)

**ترجمه خطبه ۸۹**

**اشاره**

(این خطبه طبق نقل برخی از شارحان در شهر کوفه ایراد شد)

❦ **وصف روزگاران بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم**

خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدت‌ها گذشته (۱۵۱۱۱–۱۵۱۰۶)، و مَلّت‌ها در خواب عمیقی فرو خفته بودند. (۱۵۱۱۶–۱۵۱۱۲) فتنه و فساد جهان را فرا گرفته (۱۵۱۲۰–۱۵۱۱۷) و اعمال زشت رواج یافته بود. (۱۵۱۲۴–۱۵۱۲۱) آتش جنگ همه جا زبانه می‌کشید (۱۵۱۲۸–۱۵۱۲۵) و دنیا، بی‌نور (۱۵۱۳۳–۱۵۱۲۹) و پر از مکر و فریب گشته بود. (۱۵۱۳۴–۱۵۱۳۳) برگ‌های درخت زندگی به زردی گراییده (۱۵۱۳۹–۱۵۱۳۵) و از میوه آن خبری نبود (۱۵۱۴۳–۱۵۱۴۰)، آب حیات فروخشکید (۱۵۱۴۷–۱۵۱۴۴)، و نشانه‌های هدایت کهنه و ویران شده بود. (۱۵۱۵۱–۱۵۱۴۸) پرچم‌های هلاکت و گمراهی آشکار (۱۵۱۵۵–۱۵۱۵۲) و دنیا با قیافه زشتی به مردم می‌نگریست (۱۵۱۵۸–۱۵۱۵۶)، و با چهره‌های عبوس و غم آلود با اهل دنیا روبرو می‌گشت. (۱۵۱۶۲–۱۵۱۵۹) میوه درخت دنیا در جاهلیت فتنه (۱۵۱۶۴–۱۵۱۶۳)، و خوراکش مردار بود (۱۵۱۶۷–۱۵۱۶۵)، در درونش وحشت و اضطراب (۱۵۱۷۰–۱۵۱۶۸)، و بر بیرونش شمشیرهای ستم حکومت داشت.

(۱۵۱۷۳–۱۵۱۷۱)

❦ **عبرت آموزی از روزگار جاهلیت**

<sup>[1]</sup> ارشاد شیخ مفید و شرح منهاج البراعة خوبی ج ۶ ص ۲۵۱ و ۲۴۹

<sup>[2]</sup> نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۵۳

<sup>[3]</sup> ای بندگان خدا عبرت بگیرید (۱۵۱۷۶–۱۵۱۷۴)، و همواره به یاد زندگانی پلدران و برادران خود در جاهلیت باشید، که از این

جهان رفتند و در گرو اعمال خود بوده (۱۵۱۸۵–۱۵۱۷۷)، برابر آن محاسبه می‌گردند. (۱۵۱۸۸–۱۵۱۸۶) به جان خود سوگند! پیمانی برای زندگی و مرگ و نجات از مجازات الهی بین شما و آنها بسته نشده است (۱۵۱۹۷–۱۵۱۸۹)، و هنوز روزگار زیادی نگذشته (۱۵۲۰۷–۱۵۱۹۸)، و از آن روزگاری که در پشت پندران خود بودید زیاد دور نیست. (۱۵۲۱۷–۱۵۲۰۸) ۱۰ به خدا سوگند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چیزی به آنها گوشزد نکرد جز آن که من همان را به شما می‌گویم (۱۵۲۲۹–۱۵۲۱۸)، شواهی امروز شما از شواهی آنها کمتر نیست (۱۵۲۳۶–۱۵۲۳۰)، همان چشم‌ها و قلب‌هایی که به پدرانان دادند به شما نیز بخشیدند. (۱۵۲۴۱–۱۵۲۳۷) (۱۵۲۴۹–۱۵۲۴۲) (۱۵۲۵۷–۱۵۲۵۰) به خدا سوگند، پسما از آنها مطلقاً را ندیده‌اید که آنها نمی‌شناختند (۱۵۲۶۵–۱۵۲۵۸)، و شما به چیزی اختصاص داده نشدید که آنها محروم باشند (۱۵۲۷۱–۱۵۲۶۶)، راستی حوادثی به شما روی آورده مانند شتری که مهار کردنش مشکل است (۱۵۲۷۸–۱۵۲۷۲)، و میان بندش سست و سواری بر آن دشوار است. (۱۵۲۸۰–۱۵۲۷۹) مبادا آنچه که مردم دنیا را فریفت شما را بفریبد! (۱۵۲۸۷–۱۵۲۸۱) که دنیا [دامی است مانند] سایه‌ای گسترده و کوتاه، [که] تا سر انجामी روشن و معین [یعنی مرگ آدمیان را رها نمی‌کند]. (۱۵۲۹۴–۱۵۲۸۸) (۱۰۹۰)

#### ترجمه خطبه ۹۰

##### ۱ خدا شناسی

سپاس خداوندی را، که بی آن که دیده شود شناخته شده (۱۵۳۱۶–۱۵۳۱۱)، و بی آنکه اندیشه‌ای به کار گیرد آفریننده است (۱۵۳۲۱–۱۵۳۱۷)، خدایی که همیشه بوده و تا ابد خواهد بود (۱۵۳۲۶–۱۵۳۲۲)، آنجا که نه از آسمان دارای برج‌های زیبا خبری بود (۱۵۳۳۱–۱۵۳۲۷)، و نه از پرده‌های فرو افتاده اتری به چشم می‌خورد (۱۵۳۳۶–۱۵۳۳۲)، نه شبی تاریک (۱۵۳۴۰–۱۵۳۳۷) و نه دریایی آرام (۱۵۳۴۴–۱۵۳۳۱)، نه کوهی یا راه‌های گشوده (۱۵۳۴۹–۱۵۳۴۵)، نه دزدی‌ای پر بیج و خم (۱۵۳۵۴–۱۵۳۵۰)، نه زمین گسترده (۱۵۳۵۹–۱۵۳۵۵)، و نه آفریده‌های پراکنده وجود داشت. (۱۵۳۶۴–۱۵۳۶۰) خدا پدید آورنده پدیده‌ها و وارث همگان است (۱۵۳۶۹–۱۵۳۶۵)، خدای آنان و روزی دهنده ایشان است (۱۵۳۷۴–۱۵۳۷۰)، آفتاب و ماه به رضایت او می‌گردند (۱۵۳۸۱–۱۵۳۷۵) که هر تازمائی را کهنه (۱۵۳۸۴–۱۵۳۸۲)، و هر دوری را نزدیک می‌گردانند (۱۵۳۸۸–۱۵۳۸۵)، خدای، روزی مخلوقات را تقسیم کرد (۱۵۳۹۰–۱۵۳۸۹)، و کردار و رفتارشان را بر شمرد (۱۵۳۹۵–۱۵۳۹۱)، از نفس‌ها که می‌زنند (۱۵۳۹۸–۱۵۳۹۶)، و نگاه‌های دزدیده که دارند (۱۵۴۰۱–۱۵۳۹۹)، و رازهایی که در سینه‌ها پنهان کردند. (۱۵۴۰۷–۱۵۴۰۲) و جایگاه پدیده‌ها را در شکم مادران (۱۵۴۱۳–۱۵۴۰۸) و پشت پندران تا روز تولد و سر آمد زندگی و مرگ، همه را می‌داند. (۱۵۴۲۰–۱۵۴۱۴) اوست خدایی که با همه وسعتی که رحمتش دارد، کيفرش بر دشمنان سخت است (۱۵۴۲۹–۱۵۴۲۱) و با سختگیری که دارد، رحمتش همه دوستان را فرا گرفته است (۱۵۴۳۶–۱۵۴۳۰)، هر کس که با او به مبارزه بر خیزد بر او غلبه می‌کند (۱۵۴۳۹–۱۵۴۳۷)، و هر کس دشمنی ورزد هلاکش می‌سازد، (۱۵۴۴۳–۱۵۴۴۰) هر کس بسا او کینه و دشمنی ورزد تیره روزش کند (۱۵۴۴۷–۱۵۴۴۴)، و بر دشمنانش پیروز است (۱۵۴۵۱–۱۵۴۴۸)، هر کس به او توکل نماید او را کفایت کند (۱۵۴۵۵–۱۵۴۵۲)، و هر کس از او بخواهد، می‌پردازد (۱۵۴۵۹–۱۵۴۵۶)، و هر کس برای خدا به محتاجان قرض دهد، وامش را بازپرداد (۱۵۴۶۳–۱۵۴۶۰)، و هر که او را سپاس گوید، پاداش نیکو دهد. (۱۵۴۶۷–۱۵۴۶۴)

##### ۲ اندرزه‌ای حکیمانه

(۱) یک ربع قرن (۲۵ سال) نگذشته بود که مردم دگرگون شدند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۵۵

بنندگان خدا! (۱۵۴۶۹–۱۵۴۶۸) خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید (۱۵۴۷۵–۱۵۴۷۰)، پیش از آن که حسابان را برسند حساب خود را برسید (۱۵۴۸۱–۱۵۴۷۶)، و پیش از آن که راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید (۱۵۴۸۶–۱۵۴۸۲)، و پیش از آن که با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمانبردار باشید. (۱۵۴۹۱–۱۵۴۸۷) بدانید همانا آن کس که خود را باری نکند و پند دهنده و هشدار دهنده خویش نباشد (۱۵۵۰۶–۱۵۴۹۲)، دیگری هشدار دهنده و پند دهنده او نخواهد بود.

(۱۵۵۱۶–۱۵۵۰۷) (۱۰۹۱)

#### ترجمه خطبه ۹۱

##### اشاره

«خطبه اشباح» (۱۵۵۲۴–۱۵۵۱۷) (مسعدة بن صدقة از امام صادق علیه السلام نقل کرد (۱۵۵۲۲–۱۵۵۲۱)، روزی در مسجد کوفه شخصی به امام علی علیه السلام گفت خدا را آنگونه توصیف کن که گویا با چشم سر او را دیده‌ام (۱۵۵۵۰–۱۵۵۴۳) (۱۵۵۷۳–۱۵۵۵۱)، امام به خطابه برخاست، مسجد پر از مردم شد (۱۵۵۷۸–۱۵۵۷۴) (۱۵۵۸۴–۱۵۵۷۹)، در حالی که شمشناک بود و رنگ صورت امام تغییر کرده بود فرمود (۱۵۵۹۱–۱۵۵۸۵) ۱۰:

##### ۱ خدا شناسی

سپایش خدایی را سزاست که نبخشیدن بر مال او نینزاید، (۱۵۶۱۴–۱۵۶۰۷) و بخشش او را فقیر نسازد (۱۵۶۲۰–۱۵۶۱۵)، زیرا هر بخشنده‌ای جز او، اموالش کاهش یابد (۱۵۶۲۵–۱۵۶۲۱)، و جز او هر کس از بخشش دست کشد مورد نکوهش قرار گیرد. (۱۵۶۳۱–۱۵۶۲۶) اوست بخشنده انواع نعمت‌ها (۱۵۶۳۶–۱۵۶۳۲) و بهره‌های فراینده و تقسیم کننده روزی پدیده‌ها (۱۵۶۴۱–۱۵۶۳۷)، مخلوقات همه چیزه خوار سفره اویند (۱۵۶۴۳–۱۵۶۴۲)، که روزی همه را تقصین (۱۵۶۴۵–۱۵۶۴۴)، و اندازشان را تعیین فرمود. (۱۵۶۴۸–۱۵۶۴۶) به مشتاقان خویش و خواستاران آنچه در نزد اوست راه روشن را نشان داد (۱۵۶۵۳–۱۵۶۴۹) (۱۵۶۵۷–۱۵۶۵۴)، سخاوت او را در آنجا که از او بخواهند، با آنجا که از او درخواست نکنند، بیشتر نیست. (۱۵۶۶۶–۱۵۶۵۸) خدا اولی است که آغاز ندارد، تا پیش از او چیزی بوده باشد (۱۵۶۷۵–۱۵۶۶۷)، و آخری است که پایان ندارد تا چیزی پس از او وجود داشته باشد. (۱۵۶۸۴–۱۵۶۷۶) مردمک چشم‌ها را از مشاهده خود باز داشته است. (۱۵۶۹۳–۱۵۶۸۵) زمان پر او نمی‌گذرد تا دچار دگرگونی گردد (۱۵۷۰۰–۱۵۶۹۴)، و در مکانی قرار ندارد تا پندار جایجایی نسبت به او روا باشد. (۱۵۷۰۸–۱۵۷۰۱) اگر آنچه در دون معادن کوه‌ها بیرون می‌آید (۱۵۷۱۶–۱۵۷۰۹)، و یا آنچه از لیان پر از خنده صدف‌های دریا خارج می‌شود (۱۵۷۲۱–۱۵۷۱۷)، از نقره‌های خالص، و طلاهای ناب (۱۵۷۲۶–۱۵۷۲۲) ۲۰، درهای غلطان (۱۵۷۲۹–۱۵۷۲۷)، و مرجان‌های دست چین، همه را ببخشد (۱۵۷۳۲–۱۵۷۳۰)، در سخاوت او کمتر اثری نخواهد گذاشت (۱۵۷۳۷–۱۵۷۳۳)، و گستردگی نعمت‌هایش را پایان نخواهد داد (۱۵۷۴۳–۱۵۷۳۸)، در پیش او آفتقدر از نعمت‌ها وجود دارد که هر چه انسان‌ها درخواست کنند تمامی نپایبرد (۱۵۷۴۴–۱۵۷۵۴) (۱۵۷۵۴–۱۵۷۵۳)، چون او بخشنده‌ای است که درخواست نیازمندان چشمه جود او را نمی‌شکند (۱۵۷۶۱–۱۵۷۵۵)، و اصرار و درخواست‌های بیایی او را به بغل ورزیدن نمی‌کشد.

(۱۵۷۶۶–۱۵۷۶۲)

(۱) توحید شیخ صدوق ص ۴۸.

(۲) اشاره به علم: تلوزوی (TELTLGLOGY) فلز شناسی) و متالوزی (METALLOGY)استخراج فلزات)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۱۵۷

##### ۲ صفات خدا در قرآن

(۱۵۷۷۰–۱۵۷۶۷) ای پرسش کننده، دست بنگر (۱۵۷۷۳–۱۵۷۷۱)، آنچه را که قرآن از صفات خدا بیان می‌دارد، به آن اعتماد کن (۱۵۷۸۱–۱۵۷۷۴)، و از نور هدایتش بهره گیر (۱۵۷۸۵–۱۵۷۸۲)، و آنچه را که شیطان تو را به دانستن آن وامی‌دارد، و کتاب خدا آن را بر تو واجب نکرده (۱۵۷۹۶–۱۵۷۸۶)، و در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان هدایتگر علیه السلام نیامده، رها کن (۱۵۸۰۶–۱۵۷۹۷) و علم آن را به خدا واگذاذر (۱۵۸۱۱–۱۵۸۰۷)، که این نهایت حَقّ پروردگار بر تو است. (۱۵۸۱۷–۱۵۸۱۲) بدان، آنها که در علم دین استوارند (۱۵۸۳۳–۱۵۸۱۸)، خدا آنها را از فرو رفتن در آنچه که بر آنها پوشیده است و تفسیر آن را نمی‌دانند، و از فرو رفتن در اسرار نهای بی نیاز ساخته است (۱۵۸۲۹–۱۵۸۲۴) (۱۵۸۳۳–۱۵۸۳۰) (۱۵۸۳۰–۱۵۸۲۴)، و آنان را از این رو که به عجز و ناتوانی خود در برابر غیب و آنچه که تفسیر آن را نمی‌دانند اعتراف می‌کنند، ستایش فرمود (۱۵۸۵۲–۱۵۸۴۱)، و ترک زرف نگری آنان در آنچه که خدا بر آنان واجب نساخته را واسع بودن در علم شناسنده است. (۱۵۸۴۳–

۱۵۵۳) پس به همین مقدار بسنده کن! (۱۵۸۶۶–۱۵۸۶۴) و خدا را با میزان عقل خود ارزیابی مکن (۱۵۸۷۵–۱۵۸۶۷)، تا از تباه شدگان نباشی. (۱۵۸۷۸–۱۵۸۷۶)
۱۱) اوست خدای توانایی که (۱۵۸۸۱–۱۵۸۷۹) اگر وهم و خیال انسانها خواهد برای درک اندازه قدرتش تلاش کند (۱۵۸۸۲–۱۵۸۸۲)، و افکار بلند و دور از وسوسه‌های دانشمندان (۱۵۸۹۴–۱۵۸۸۸)، بخواند ژرفای غیب ملکوتش را در نورد (۱۵۹۰۱–۱۵۸۹۵)، و قلب‌های سراسر عشق مشتاقان (۱۵۹۰۵–۱۵۹۰۲)، برای درک کیفیت صفات او کوشش نماید (۱۵۹۰۹–۱۵۹۰۶)، و عقل‌ها یا تلاش وصف ناپذیر از راه‌های بسیار ظریف و باریک خواهند ذات او را درک کنند، دست قدرت بر سینه همه نواخته بازگرداند (۱۵۹۲۲–۱۵۹۱۰)، در حالی که در تاریکی‌های غیب برای رهایی خود به خدای سبحان پناه می‌برند (۱۵۹۲۸–۱۵۹۲۳) و با نا امیدی و اعتراف به عجز از معرفت ذات خدا، باز می‌گردند، که با فکر و عقل نارسای بشری نمی‌توان آن درک کرد (۱۵۹۳۴–۱۵۹۲۹) (۱۵۹۴۲–۱۵۹۳۵)، و اندازه جلال و عزّت او در قلب اندیشمندان راه نمی‌یابد. (۱۵۹۵۳–۱۵۹۴۳)
خدایی که پدیده‌ها را از هیچ آفریده، نمونه‌ای در آفرینش نداشت تا از آن استفاده کند (۱۵۹۶۰–۱۵۹۵۴)، و با نقشه‌ای از آفرینش‌های پیش از خود، که از آن در آفریدن موجودات بهره‌گیراند (۱۵۹۷۰–۱۵۹۶۱)، و نمونه‌های فراوان از ملکوت قدرت خویش (۱۵۹۷۵–۱۵۹۷۱)، و شگفتی‌های آثار رحمت خود، که همه با زبان گویا به وجود پروردگار گواهی می‌دهند را به ما نشان داده (۱۵۹۸۲–۱۵۹۷۶) (۱۵۹۹۲–۱۵۹۸۳) که بی اختیار ما را به شناخت پروردگار می‌خوانند. (۱۶۰۰۰–۱۵۹۹۳) در آنچه آفریده آثار صنعت (۱۶۰۰۶–۱۶۰۰۱) و نشانه‌های حکمت او پدیدار است (۱۶۰۰۹–۱۶۰۰۷)، که هر یک از پدیده‌ها حجت و برهانی بر وجود او می‌باشند (۱۶۰۱۸–۱۶۰۱۰)، گرچه برخی مخلوقات، به ظاهر ساکت‌اند (۱۶۰۲۳–۱۶۰۱۹)، ولی بر تدبیر خداوندی گویا (۱۶۰۲۶–۱۶۰۲۴)، و نشانه‌های روشنی بر قدرت و حکمت اویندا (۱۶۰۳۱–۱۶۰۲۷) خداوند! گواهی می‌دهم، آن کس که تو را به اعضای گوناگون پدیده‌ها (۱۶۰۳۸–۱۶۰۳۲) و مفاصل به هم پیوسته

(۱) اثبات این حقیقت که عقل یکی از ابزارهای شناخت است و نباید به آن اصالت داد که اشاره به نقد راسیونالیسم (اصالت عقل) دارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۵۹

که به فرمان حکیمانه تو در لایلای عضلات پدید آمده، تشبیه می‌کند (۱۶۰۴۵–۱۶۰۳۹)، هرگز در ژرفای ضمیر خود تو را نشناخته (۱۶۰۵۱–۱۶۰۴۶)، و قلب او یا یقین انس نگرفته است، و نمی‌داند که هرگز برای تو همانندی نیست. (۱۶۰۶۰–۱۶۰۵۲) و گویا بی‌زاری بیرون گمراه از هم‌ران فاسد خود را نشنیده‌اند (۱۶۰۶۸–۱۶۰۶۱) که می‌گویند: «به خدا سوگند ما در گمراهی آشکار بودیم. (۱۶۰۶۹–۱۶۰۶۶) که شما را با خدای جهانیان مساوی پنداشتم» (۱۶۰۸۰–۱۶۰۷۷) دروغ گفتند مشرکان که تو را با بت‌های خود همانند پنداشتند (۱۶۰۸۳–۱۶۰۸۱) (۱۶۰۸۶–۱۶۰۸۴)، و با وهم و خیال خود گفتند پیکری چون بنه‌ای ما دارد (۱۶۰۹۱–۱۶۰۸۷)، و با پندار نادرست تو را تجزیه کرده (۱۶۰۹۶–۱۶۰۹۲)، و با اعضای گوناگون مخلوقات تشبیه کردند. (۱۶۱۰۴–۱۶۰۹۷) خدایا! گواهی می‌دهم آنان که تو را با چیزی از آفریده‌های تو مساوی شمارند از تو روی بر تافته‌اند (۱۶۱۱۵–۱۶۱۰۵) و آن که از تو روی گردان شود بر اساس آیات محکم قرآن (۱۶۱۲۴–۱۶۱۱۶)، و گواهی براهین روشن تو، کافر است. (۱۶۱۳۰–۱۶۱۲۵) تو همان خدای نامحدودی هستی که در اندیشه‌ها بگنجی (۱۶۱۳۹–۱۶۱۳۱) تا چگونگی ذات تو را درک کنند (۱۶۱۴۴–۱۶۱۴۰)، و در خیال و وهم نیایی تا تو را محدود و دارای حالات گوناگون پندارند.

(۱۶۱۵۲–۱۶۱۴۵)

#### ۴۳ وصف پروردگار در آفریش موجودات گوناگون

آنچه را آفرید با اندازه گیری دقیقی استوار کرد (۱۶۱۵۹–۱۶۱۵۳)، و با لطف و مهربانی نظمشان داد، و به خوبی تدبیر کرد. (۱۶۱۶۳–۱۶۱۶۰) هر پدیده را برای همان جهت که آفریده شد به حرکت در آورد (۱۶۱۶۶–۱۶۱۶۴)، چنانکه نه از حد و مرز خویش تجاوز نماید (۱۶۱۷۰–۱۶۱۶۷) و نه در رسیدن به مراحل رشد خود کوتاهی کند (۱۶۱۷۷–۱۶۱۷۱)، و این حرکت حساب شده را بدون دشواری به سامان رساند تا بر اساس اراده او زندگی کند. (۱۶۱۸۵–۱۶۱۷۸) پس چگونه ممکن است سرپیچی کند؟ در حالی که همه موجودات از اراده خدا سرچشمه می‌گیرند (۱۶۱۹۲–۱۶۱۸۶)، خدایی که پدید آورنده موجودات گو تاگون است، بدون احتیاج به اندیشه و فکری که به آن روی آورد (۱۶۲۰۰–۱۶۱۹۳)، یا غریزی که در درون پنهان داشته باشد (۱۶۲۰۶–۱۶۲۰۱)، و بدون تجربه از حوادث گذشته (۱۶۲۱۳–۱۶۲۰۷)، و بدون شریکی که در ایجاد امور شگفت‌انگیز یاریش کند، موجودات را آفرید (۱۶۲۲۱–۱۶۲۱۴)، پس آفرینش کامل گشت (۱۶۲۲۴–۱۶۲۲۲) و به عبادت و اطاعت او پرداختند (۱۶۲۲۷–۱۶۲۲۵)، دعوت او را پذیرفتند (۱۶۲۳۱–۱۶۲۲۸) و در برابر فرمان الهی سستی و درنگ نکردند (۱۶۲۳۶–۱۶۲۳۲) و در اجرای فرمان الهی توقف نپذیرفتند. (۱۶۲۴۰–۱۶۲۳۷) پس کجی‌های هر چیزی را راست (۱۶۲۴۴–۱۶۲۴۱)، و مرزهای هر یک را روشن ساخت، (۱۶۲۴۷–۱۶۲۴۵) و با قدرت خداوندی بین اشیاء متضاد هماهنگی ایجاد کرد (۱۶۲۵۲–۱۶۲۴۸)، و وسایل ارتباط آنان را فراهم ساخت (۱۶۲۵۶–۱۶۲۵۳)، و موجودات را از نظر حدود، اندازه (۱۶۲۶۴–۱۶۲۵۷)، و غرائز، و شکل‌ها، و قالب‌ها، و هیأت‌های گوناگون، تقسیم و استوار فرمود (۱۶۲۶۸–۱۶۲۶۵)، و با حکمت و تدبیر خویش هر یکی را به سرشتی که خود خواست در آورد. (۱۶۲۷۲–۱۶۲۷۹) (۱۶۲۷۳–۱۶۲۷۹)

#### ۴۴ چگونگی آفرینش آسمان‌ها

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۶۱

فضای باز و پستی و بلندی و فاصله‌های وسیع آسمان‌ها را بدون اینکه هر چیزی تکیه کند، نظام بخشید (۱۶۲۸۵–۱۶۲۸۰) و شکاف‌های آن را به هم آورد (۱۶۲۹۴–۱۶۲۹۱)، و هر یک را با آنچه که تناسب داشت و جفت بود پیوند داد (۱۶۳۰۰–۱۶۲۹۵)، و دشواری فرود آمدن و برخاستن را بر فرشتگانی که فرمان او را به خلق رسانند یا اعمال بندگان را بالا برند آسان کرد. (۱۶۳۰۴–۱۶۳۰۱) (۱۶۳۱۰–۱۶۳۰۵) در حالی که آسمان را به صورت دود و بخار بود به آن فرمان داد (۱۶۳۱۶–۱۶۳۱۱)، پس رابطه‌های آن را بر قرار ساخت (۱۶۳۱۹–۱۶۳۱۷)، سپس آنها را از هم جدا کرد و بین آنها فاصله انداخت (۱۶۳۳۵–۱۶۳۳۰)، و بر هر راهی و شکافی از آسمان، نگهبانی از شهاب‌های روشن گماشت (۱۶۳۳۳–۱۶۳۲۶)، و با دست قدرت آنها را از حرکت ناموزون در فضا نگهداشت (۱۶۳۴۱–۱۶۳۳۴)، و دستور فرمود تا برابر فرمانش تسلیم باشند. (۱۶۳۴۸–۱۶۳۴۳) و آفتاب را نشانه روشنی بخش روز (۱۶۳۵۴–۱۶۳۴۹)، و ماه را، با نوری کم رنگ برای تاریکی شب‌ها قرار داد (۱۶۳۶۰–۱۶۳۵۵)، و آن دورا در مسیر حرکت خویش به حرکت در آورد (۱۶۳۶۵–۱۶۳۶۱)، و حرکت آن دورا دقیق اندازه گیری کرد ۱۱) تا در درجات تعیین شده حرکت کند (۱۶۳۷۱–۱۶۳۶۶) که بین شب و روز تفاوت باشد، و قابل تشخیص شود (۱۶۳۷۷–۱۶۳۷۲)، و با رفت و آمد آن‌ها شماره سالها، و اندازه گیری زمان ممکن باشد. (۱۶۳۸۴–۱۶۳۷۸) پس در فضای هر آسمان فلک آن را آفرید (۱۶۳۸۸–۱۶۳۸۵)، و زینتی از گهرهای تابنده و ستارگان درخشنده ییازاست (۱۶۳۹۶–۱۶۳۹۰) (۱۶۳۹۹–۱۶۳۹۷)، و آنان را که خواستند اسرار آسمان‌ها را دزدانه دریابند، با شهاب‌های درخشنده سوزان تیر باران کرد (۱۶۴۰۵–۱۶۴۰۰)، و تمامی ستارگان از ثابت و استوار، و گردنده و بی قرار، فرود آینده و بالا رونده، و نگران کننده و شادی آفرین ۱۲) راه تسلیم اوامر خود فرمود. (۱۶۴۱۳–۱۶۴۱۱) (۱۶۴۱۶–۱۶۴۱۴) (۱۶۴۲۰–۱۶۴۱۷) (۱۶۴۲۴–۱۶۴۲۱):.

### ۵۵ ویژگی‌های فرشتگان

(۱۶۴۲۹–۱۶۴۲۵) سپس، خداوند سبحان برای سکونت بخشیدن در آسمان‌ها (۱۶۴۳۴–۱۶۴۳۰)، و آباد ساختن بالاترین قسمت از ملکوت خویش (۱۶۴۴۰–۱۶۴۳۵)، فرشتگانی شگفت آفرید (۱۶۴۴۴–۱۶۴۴۱)، و تمام شکاف‌ها و راه‌های گشاده آسمان‌ها را با فرشتگان پر کرد (۱۶۴۴۹–۱۶۴۴۵)، و فاصله جو آسمان را از آنها گستراند (۱۶۴۵۴–۱۶۴۵۰)، که هم اکنون صدای تسبیح آنها فضای آسمان‌ها را پر کرده: در بارگاه قدس (۱۶۴۶۵–۱۶۴۶۵)، درون پرده‌های حجاب (۱۶۴۶۸–۱۶۴۶۶) و مصنعه‌های مجید و عظمت پرورد گار، طنین انداز است. (۱۶۴۷۵–۱۶۴۶۹) در ما ورای آنها زلزله‌هایی است که گوش‌ها را کر می‌کند (۱۶۴۷۹–۱۶۴۷۶) و شجاع‌های خیره کننده نوره، که چشم‌ها را از دیدن باز می‌دارد (۱۶۴۸۵–۱۶۴۸۰)، و ناچار خیره بر جای خویش می‌ماند. (۱۶۴۸۹–۱۶۴۸۶) خدا فرشتگان را در صورت‌های مختلف (۱۶۴۹۰–۱۶۴۹۰) و اندازه‌های گوناگون آفرید (۱۶۴۹۷–۱۶۴۹۵)، و بال و پرهایی برای آنها قرار داد (۱۶۴۹۹–۱۶۴۹۸)، آنها که همواره در تسبیح جلال و عزّت پروردگار به سر می‌برند (۱۶۵۰۲–۱۶۵۰۰)، و چیزی از شگفتی‌های آفرینش پدیده‌ها را به خود نسبت نمی‌دهند (۱۶۵۱۰–۱۶۵۰۳) و در آنچه از آفرینش پدیده‌ها که خاص خداست، ادعایی ندارند: (۱۶۵۲۰–۱۶۵۱۱)

<sup>[1]</sup> اشاره به: مترولژی METROLOGY شناخت پدیده‌های جوی

<sup>[2]</sup> امروزه دانشمندان، این حقیقت را به اثبات رسانده‌اند که حرکت ستارگان و انفجارهایی که در کرات بالا به وجود می‌آید در شادی و نگرانی، و وضع روانی و عصبی مردم روی زمین اثر می‌گذارد، که در پدید آمدن اضطراب‌های روانی، در گریه‌ها، و جنگ

و زود خورده‌های اجتماعی مؤثر است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۶۳

«بلکه بندگانی بزرگوارند (۱۶۵۲۳–۱۶۵۲۱)، که در سخن گفتن از او پیشی نمی‌گیرند و به فرمان الهی عمل می‌کنند» (۱۶۵۳۰–۱۶۵۲۴)
خدا فرشتگان را امین وحی خود قرار داد (۱۶۵۳۸–۱۶۵۳۱)، و برای رسانیدن ایمان و نهی خود به پیامبران، از آنها استفاده کرد، و روانه زمین کرده (۱۶۵۴۶–۱۶۵۳۹)، آنها را از تردید شبهات مصونیت بخشید (۱۶۵۵۱–۱۶۵۴۷) که هیچ کدام از فرشتگان از راه رضای حق منحرف نمی‌گردند. (۱۶۵۵۷–۱۶۵۵۲) آنها را از بناری خویشی بهرمنند ساخت (۱۶۵۵۸–۱۶۵۵۱)، و دل‌هایشان را در پوششی از تواضع و فروتنی و خشوع و آرامش در آورد (۱۶۵۶۷–۱۶۵۶۲)، درهای آسمان را بر رویشان گشود تا خدا را به بزرگی بنسایند (۱۶۵۷۴–۱۶۵۶۸)، و برای آنها نشانه‌های روشن قرار داد تا به توحید او بال‌گشایند. (۱۶۵۸۲–۱۶۵۷۵) سنگینی‌های گناهان هرگز آنها را در انجام وظیفه دل سرد نساخت (۱۶۵۸۶–۱۶۵۸۳)، و گذشت شب و روز آنها را به سوی مرگ سوق نداد (۱۶۵۹۳–۱۶۵۸۷)، تیرهای شک و تردید خلل در ایمانشان ایجاد نکرد (۱۶۶۰۰–۱۶۵۹۴)، و شک و گمان در پایگاه یقین آنها راه نیافت (۱۶۶۰۷–۱۶۶۰۱)، و آتش کینه در دل‌هایشان شعله‌ور نگردید (۱۶۶۱۴–۱۶۶۰۸)، حیرت و سرگردانی آنها را از ایسانی که دارند (۱۶۶۲۳–۱۶۶۱۵) و آنچه از هیبت و جلال خداوندی که در دل نهادند جدا نساخت (۱۶۶۴۴–۱۶۶۲۴) و موسوسها در آنها راه نیافت، تا شک و تردید بر آنها تسلط یابد. (۱۶۶۴۴–۱۶۶۳۵)

#### ۶۶ اقسام فرشتگان ۱۰

گروهی از فرشتگان در آفرینش ابرهای پر آب (۱۶۶۵۱–۱۶۶۴۴)، و در آفرینش کوه‌های عظیم و سر بلند (۱۶۶۵۶–۱۶۶۵۲)، و خلقت ظلمت و تاریکی‌ها نقش دارند (۱۶۶۶۱–۱۶۶۵۷)، و گروهی دیگر، قدم‌هایشان تا ژرفای زمین پایین رفته (۱۶۶۷۰–۱۶۶۶۲)، و چنان پرچمهای سفیدی (۱۶۶۷۳–۱۶۶۷۱) دل فضا را شکافته‌اند (۱۶۶۷۸–۱۶۶۷۴)، و در زیر آن پادهاپی است که به نرمی حرکت کرده و در مرزهای مشخصی نگاهش می‌دارد. (۱۶۶۸۹–۱۶۶۷۹)

#### ۶۷ صفات والای فرشتگان

اشتغال به عبادت پروردگار، فرشتگان را از دیگر کارها باز داشته (۱۶۶۹۳–۱۶۶۹۰)، و حقیقت ایمان میان آنها و معرفت حق، پیوند لازم ایجاد کرد (۱۶۷۰۱–۱۶۶۹۴)، نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانید که به غیر خدا هیچ علامه‌ای ندارند. (۱۶۷۰۸–۱۶۷۰۲) (۱۶۷۱۸–۱۶۷۰۹) شیرینی معرفت خدا را چشیده (۱۶۷۲۲–۱۶۷۱۹) و از جام محبت پروردگار سیراب شدند (۱۶۷۲۸–۱۶۷۲۳)، ترس و خوف الهی در ژرفای جان فرشتگان راه یافته (۱۶۷۳۲–۱۶۷۲۹) (۱۶۷۳۵–۱۶۷۳۳)، و از فراوانی عبادت قائمشان خمیده (۱۶۷۴۰–۱۶۷۳۶) و شوق و رغبت فراوان،

(۱) با طرَح موجوداتی غیر مادی چون فرشته، فرشتگان، روح و ارواح، تفکّر اصالت ماده (ماتریالیسم) را مورد نقد قرار می‌دهد و این حقیقت به اثبات می‌رسد که موجوداتی غیر مادی و جهانی فراسوی مادیات وجود دارند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۶۵

از زاری و گریه‌شان نکاسته است. (۱۶۷۴۸–۱۶۷۴۱) مقام والای فرشتگان، از خشوع و فروتنی آنان کم نکرد (۱۶۷۵۶–۱۶۷۴۹)، و غرور و خود بینی دامنگیرشان نگردید، تا اعمال نیکوی گذشته را شماره کنند، و سهمی از بزرگی و بزرگواری برای خود تصوّر نمایند. (۱۶۷۶۴–۱۶۷۵۷) گذشت زمان آنان را از انجام وظائف ییابی نرنجانده (۱۶۷۸۲–۱۶۷۷۵) و از شوق و رغبتشان نکاسته تا از پروردگار خویش نا امید گردند. (۱۶۷۹۰–۱۶۷۸۳) از مناجات‌های طولانی، خسته نشده (۱۶۷۹۷–۱۶۷۹۱)، و اشتغال به غیر خدا آنها را تحت تسلط خود در نیاورده است، و از فریاد استغاثه و زاری آنها فروکش نکرده (۱۶۸۰۶–۱۶۷۹۸) و در مقام عبادت و نیایش دوش به دوش هم همواره ایستاده‌اند (۱۶۸۱۳–۱۶۸۰۷)، راحت طلبی آنها را به کوتاهی در انجام دستورانش وادار نساخته (۱۶۸۲۲–۱۶۸۱۴)، و کودنی و غفلت و فراموشی بر تلاش و کوشش و عزم راسخ فرشتگان راه نمی‌یابد (۱۶۸۳۰–۱۶۸۲۳)، و فریب‌های شهوت، هفت‌های بلندشان را تیرباران نمی‌کند. (۱۶۸۳۷–۱۶۸۳۱) فرشتگان، ایمان به خدای صاحب عرش را ذخیره روزی بی‌نوابی خود قرار داده (۱۶۸۴۴–۱۶۸۳۸) و آن هنگام که خلق به غیر خدا روی می‌آورد آنها تنها منبجه پروردگار خویشند (۱۶۸۵۲–۱۶۸۴۵)، هیچ گاه عبادت خدا را پایان نمی‌دهند (۱۶۸۵۷–۱۶۸۵۳)، و شوق و علاقه خود را از انجام اوامر الهی و اطاعت پروردگار سست نمی‌کنند (۱۶۸۶۴–۱۶۸۵۸)، آنچه آنان را شیفته اطاعت خدا کرده پذیر محبت است که در دل می‌پروراند، و هیچ گاه دل از بیم و امید او بر نمی‌دارند. (۱۶۸۷۵–۱۶۸۶۵) عوامل ترس آنها را از مسؤولیت باز نمی‌دارد (۱۶۸۸۰–۱۶۸۷۶) تا در انجام وظیفه سستی ورزند (۱۶۸۸۳–۱۶۸۸۱)، طمع‌ها به آنان شیخون زرده تا تلاش دنیا را بر کار آخرت مقدم دارند (۱۶۸۹۲–۱۶۸۸۴)، اعمال گذشته خود را بزرگ نمی‌شمارند (۱۶۸۸۸–۱۶۸۸۳)، و اگر بزرگ بشمارند امیدوارند، و امید فراوان نمی‌گذارد تا از پروردگار ترسی در دل داشته باشند.

(۱۶۸۹۰–۱۶۸۸۹)

#### ۶۸ پاک بودن فرشتگان از ردایل اخلاقی

فرشتگان در باره پروردگار خویش به جهت وسوسه‌های شیطانی اختلاف نکرده‌اند (۱۶۹۱۵–۱۶۹۰۸)، و برخورد‌های بد با هم نداشته و راه جذایی نگیرند. (۱۶۹۲۰–۱۶۹۱۶) کینه‌ها و حسادت‌ها در دلشان راه نداشته (۱۶۹۲۵–۱۶۹۲۱) و عوامل شک و تردید و خواهش‌های نفسانی، آنها را از هم جدا نساخته (۱۶۹۳۰–۱۶۹۲۶)، و افکار گوناگون آنان را به تفرقه نکشانده است. (۱۶۹۳۵–۱۶۹۳۱) فرشتگان بندگان ایمانند (۱۶۹۳۸–۱۶۹۳۶)، و طوق بندگی به گردن افکنده و هیچ گاه با شک و تردید و سستی، آن را بر زمین نمی‌گذارند. (۱۶۹۵۲–۱۶۹۳۹) در تمام آسمان‌ها جای پوستینی خالی نمی‌توان یافت مگر آن که فرشته‌ای به سجده افتاده (۱۶۹۶۴–۱۶۹۵۳)، یا در کار و تلاش است. (۱۶۹۶۷–۱۶۹۶۵) اطاعت فراوان آنها بر یقین و معرفتشان نسبت به پروردگار می‌افزاید (۱۶۹۷۳–۱۶۹۶۸)، و عزت خداوند عظمت او را در قلبشان بیشتر می‌نماید.

(۱۶۹۸۰–۱۶۹۷۴)

#### ۶۹ چگونگی آفرینش زمین

(۱۶۹۸۹–۱۶۹۸۱) زمین را به موج‌های پر خروش (۱۶۹۹۵–۱۶۹۹۰)، و دریا‌های مواج فرو پوشاند (۱۶۹۹۹–۱۶۹۹۶)،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۶۷

موج‌هایی که بالای آن‌ها به هم می‌خورد و در تلاطمی سخت، هر یکک دیگری را واپس می‌زد (۱۷۰۰۲–۱۷۰۰۰) (۱۷۰۰۶–۱۷۰۰۳)، چنان شران تر مست، فریاد کتان و کف بر لب، به هر سوی روان بودند. (۱۷۰۱۲–۱۷۰۰۷) ۱۰، پس، قسمت‌های سرکش زمین از سنگینی زمین فرو نشست (۱۷۰۱۸–۱۷۰۱۳) و هیجان آنها بر اثر تماس با سینه زمین آرام گرفت. (۱۷۰۲۵–۱۷۰۱۹) زیرا آب با پشت بر آن می‌غلظید و آن همه سر و صدای امواج ساکن و آرام شده، چون اسب افسار شده رام گردید. (۱۷۰۳۲–۱۷۰۲۹) (۱۷۰۳۳–۱۷۰۳۲) (۱۷۰۳۸–۱۷۰۳۷) (۱۷۰۳۷–۱۷۰۳۶) (۱۷۰۴۴–۱۷۰۳۹) خشکی‌های زمین در دل امواج، گسترد (۱۷۰۵۱–۱۷۰۴۵)، و آب را از کسیر و غرور و سرکشی و خروش باز داشت (۱۷۰۵۸–۱۷۰۵۲) (۱۷۰۶۴–۱۷۰۵۹)، و از شدت حرکتش کاسته شد (۱۷۰۶۹–۱۷۰۶۵)، و بعد از آن همه حرکت‌های تند ساکت شد (۱۷۰۷۲–۱۷۰۷۰)، و پس از آن همه خروش و سرکشی متکبرانه به جای خویش ایستاد. (۱۷۰۷۷–۱۷۰۷۳) پس هنگامی که هیجان آب در اطراف زمین فرو نشست (۱۷۰۸۴–۱۷۰۷۸)، و کوه‌های سخت و مرتفع را بر دوش خود حمل کرد (۱۷۰۹۲–۱۷۰۸۵)، چشمه‌های آب از فراز کوه‌ها بیرون آورد (۱۷۰۹۸–۱۷۰۹۳) و آب‌ها را در شکاف بیابان‌ها و زمین‌های هموار روان کرد (۱۷۱۰۵–۱۷۰۹۹)، و حرکت زمین را با صخره‌های عظیم و قله کوه‌های بلند نظم داد (۱۷۱۱۱–۱۷۱۰۶) (۱۷۱۱۷–۱۷۱۱۲)، و زمین به جهت نفوذ کوه‌ها در سطح آن، فرو رفتن ریشه کوه‌ها در شکاف‌های آن و سوار شدن بر پشت دشت‌ها و صحراها، از لرزش و اضطراب باز ایستاد.

(۱۷۱۲۷–۱۷۱۱۸) (۱۷۱۳۱–۱۷۱۲۸) (۱۷۱۳۸–۱۷۱۳۴)

#### ۱۰ نقش پدیده‌های جوی در زمین

و بین زمین و جو فاصله افکند (۱۷۱۴۴–۱۷۱۳۹)، و وزش پادها را برای ساکنان آن آماده ساخت (۱۷۱۴۹–۱۷۱۴۵)، تمام نیازمندیها و وسائل زندگی را برای اهل زمین استخراج و مهیا فرمود (۱۷۱۵۶–۱۷۱۵۰)، آنگاه هیچ بلندی از بلندی‌های زمین را که آب چشمه‌ها و نهرها به آن راه ندارد وانگذاشت (۱۷۱۶۷–۱۷۱۵۷) (۱۷۱۷۵–۱۷۱۶۸)، بلکه ابرهای را آفرید تا قسمت‌های مرده آن احیا شود (۱۷۱۸۲–۱۷۱۷۶)، و گیاهان رنگارنگ برویند. (۱۷۱۸۵–۱۷۱۸۳) قطعات بزرگ و پراکنده ابرها را به هم پیوست

(۱۷۱۹۰ – ۱۷۱۸۶) (۱۷۱۹۳ – ۱۷۱۹۱) تا سخت به حرکت در آمدند، و با به هم خوردن ابرها، برقی‌ها درخشیدن گرفت، و از درخشندگی ابرهای سفید کوه پیکر، و متراکم چیزی کاسته نشد. (۱۷۱۹۹ – ۱۷۱۹۴) (۱۷۲۰۴ – ۱۷۲۰۰) (۱۷۲۱۱ – ۱۷۲۰۵) (۱۷۲۱۴ – ۱۷۲۱۲) ابرها را بی در بی فرستاد (۱۷۲۱۷ – ۱۷۲۱۵) تا زمین را احاطه کردند (۱۷۲۲۰ – ۱۷۲۱۸)، و بادها شیر باران را از ابرها دوشیدند (۱۷۲۲۴ – ۱۷۲۲۱)، و به شدت به زمین فرو ریختند (۱۷۲۲۷ – ۱۷۲۲۵)، ابرها پایین آمده سنبله بر زمین سایندهند (۱۷۲۳۲ – ۱۷۲۲۸)، و آنچه بر پشت داشته فرو ریختند (۱۷۲۴۱ – ۱۷۲۳۳) که در بخش‌های بی گیاه زمین گیاهان روییدن گرفت (۱۷۲۴۷ – ۱۷۲۴۲).

(۱) اشاره به: ژئولوژی(GEROLOGY زمین شناسی) و گئولوژی(GEROLOGY)شناخت طبقات زمین

نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۱۶۹

و در دامن کوه‌ها، سبزه‌ها پدید آمد.

(۱۷۲۵۲ – ۱۷۲۴۸)

#### ❁۱۱ زیبایی‌های زمین

پس زمین به وسیله باغ‌های زیبا، همگان را به سرور و شادی دعوت کرده (۱۷۲۵۶ – ۱۷۲۵۳)، با لباس نازک گل برگ‌ها که بر خود پوشید، هر بیننده‌ای را به شگفتی واداشت (۱۷۲۶۳ – ۱۷۲۵۷) ۱۰، و با زینت و زیوری که از گلز بند گل‌های گوناگون، فخر کتان خود را آراست، هر بیننده‌ای را به وجد آورد (۱۷۲۷۱ – ۱۷۲۶۶)، که فرآورده‌های نباتی را، توشه و غذای انسان (۱۷۲۷۶ – ۱۷۲۷۲)، و روزی حیوانات قرار داد. (۱۷۲۷۹ – ۱۷۲۷۷) در گوشه و کنار آن دژه‌های عمیق آفرید (۱۷۲۸۴ – ۱۷۲۸۰)، و رامها و نشانه‌ها برای آنان که بخواهند از جاده‌های وسیع آن عبور کنند، تعیین کرد.

(۱۷۲۹۱ – ۱۷۲۸۵)

#### ❁۱۲ داستان زندگی آغازین آدم علیه السلام و اعزام پیامبران علیم السلام

هنگامی که خدا زمین را آماده زندگی انسان ساخت (۱۷۲۹۴ – ۱۷۲۹۲) و فرمان خود را صادر فرمود (۱۷۲۹۷ – ۱۷۲۹۵)، آدم علیه السلام را از میان مخلوقاتش برگزید (۱۷۳۰۳ – ۱۷۲۹۸)، و او را نخستین و برترین مخلوق خود در زمین قرار داد. (۱۷۳۰۷ – ۱۷۳۰۴) ابتدا آدم را در بهشت جای داده (۱۷۳۱۰ – ۱۷۳۰۸) و خوراکی‌های گوارا به او بخشید (۱۷۳۱۴ – ۱۷۳۱۱) و از آنچه که او را منع کرد پرهیز داد (۱۷۳۲۰ – ۱۷۳۱۵) و آگاهش ساخت که اقدام بر آن، نافرمانی بوده (۱۷۳۲۸ – ۱۷۳۲۱) و مقام و ارزش او را به خطر خواهد افکند. (۱۷۳۳۱ – ۱۷۳۲۹) اما آدم علیه السلام به آنچه نهی شده، اقدام کرد (۱۷۳۳۶ – ۱۷۳۳۲) ۲۰، و علم خداوند در باره او تنقّح یافت (۱۷۳۳۹ – ۱۷۳۳۷)، تا آن که پس از توبه، او را از بهشت به سوی زمین فرستاد، تا با نسل خود زمین را آباد کند (۱۷۳۴۵ – ۱۷۳۴۰)، و بدین وسیله حجت را بر بندگان تمام کرد (۱۷۳۵۱ – ۱۷۳۴۶)، و پس از وفات آدم علیه السلام زمین را از حجت خالی نگذاشت (۱۷۳۵۷ – ۱۷۳۵۲) و میان فرزندان آدم علیه السلام و خود، پیوند شناسایی برقرار فرمود (۱۷۳۶۱ – ۱۷۳۵۸) (۱۷۳۶۸ – ۱۷۳۶۳)، و قرن به قرن، حجت‌ها و دلایل‌ها را بر زبان پیامبران برگزیده آسمانی و حاملان رسالت خویش جاری ساخت (۱۷۳۷۶ – ۱۷۳۶۹) (۱۷۳۸۰ – ۱۷۳۷۷) (۱۷۳۸۲ – ۱۷۳۸۱)، تا اینکه سلسله انبیا، با پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به اتمام رسید (۱۷۳۸۸ – ۱۷۳۸۳) و بیان احکام و انذار و بشارت الهی به سر منزل نهایی راه یافت.

(۱۷۳۹۴ – ۱۷۳۸۹)

#### ❁۱۳ آفرینش امکانات زندگی

روزی انسان‌ها را اندازه گیری و مقدّر فرمود، گاهی کم و زمانی زیاد (۱۷۴۰۰ – ۱۷۳۹۵)، و به تنگی و وسعت به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرد (۱۷۴۰۸ – ۱۷۴۰۱) تا هر کس را که بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید (۱۷۴۱۴ – ۱۷۴۰۹) و با شکر و صبر، غنی و فقیر را مورد آزمایش قرار دهد. (۱۷۴۲۴ – ۱۷۴۱۵) پس روزی گسترده را با فقر و بیچارگی در آمیخت (۱۷۴۲۵ – ۱۷۴۲۰)، و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد (۱۷۴۳۳ – ۱۷۴۳۰)، دوران شادی و سرور را با غصه و اندوه نزدیک ساخت (۱۷۴۳۸ – ۱۷۴۳۴)، اجل و سر آمد زندگی را مشخص کرد، آن را گاهی طولانی و زمانی کوتاه قرار داد (۱۷۴۴۴ – ۱۷۴۳۹)، مقدّم یا مؤخّر داشت (۱۷۴۴۸ – ۱۷۴۴۵)، و برای مرگ، اسباب و وسائلی فراهم ساخت (۱۷۴۵۲ – ۱۷۴۴۹)، و با مرگ، رشته‌های زندگی را در هم پیچید (۱۷۴۵۶ – ۱۷۴۵۳) و پیوندهای خوشایندی را از هم گسست تا آزمایش گردند.

(۱۷۴۶۰ – ۱۷۴۵۷)

#### ❁۱۴ تعریف علم خداوند

خداوند از اسرار پنهانی مردم (۱۷۴۶۵ – ۱۷۴۶۱) و از نجوای آنان که آهسته سخن می‌گویند (۱۷۴۶۸ – ۱۷۴۶۶) و از آنچه که در فکرها بواسطه گمان خطور می‌کند (۱۷۴۷۲ – ۱۷۴۶۹)، و تصمیم‌هایی که به یقین می‌پیوندد (۱۷۴۷۶ – ۱۷۴۷۳)، و از نگاه‌های رمزی چشم که از لایبلی بلک‌ها خارج می‌گردد، آگاه است. (۱۷۴۸۰ – ۱۷۴۷۷) خدا از آنچه در مخفی گاه‌های دل‌ها قرار دارد (۱۷۴۸۵ – ۱۷۴۸۱)، و از اموری که پشت پرده غیب پنهان است (۱۷۴۸۸ – ۱۷۴۸۶)، و آنچه را که پرده‌های گوش مخفیانه می‌شنود (۱۷۴۹۴ – ۱۷۴۸۹)،

(۱) اشاره به علم: ایستسکس(AESTHEICS)زیبا شناسی)

(۲) زندگی کوتاه مدت حضرت آدم علیه السلام در بهشت بود، که امر و نهی الهی در آنجا همانند دنیا نیست تا نگاه باشد، چون پیامبران از هر گونه گناه و اشتباهی مصون بوده و معصومند.

نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۱۷۱

و از اندرون لانه‌های تابستانی مورچگان (۱۷۴۹۷ – ۱۷۴۹۵)، و خانه‌های زمستانی حشرات (۱۷۵۰۰ – ۱۷۴۹۸)، از آهنگ اندوهبار زبان غم دیده (۱۷۵۰۱ – ۱۷۵۰۰) و صدای آهسته قدم‌ها، آگاهی دارد. (۱۷۵۰۸ – ۱۷۵۰۶) خدای سبحان از جایگاه پرورش میوه در درون پرده‌های شکوفه‌ها (۱۷۵۱۵ – ۱۷۵۰۹)، و از مخفی گاه غارهای حیوانات وحشی در دل کوه‌ها، و اعماق دژه‌ها (۱۷۵۳۳ – ۱۷۵۱۶)، از ناهنگاه پنه‌ها بین ساقه‌ها و پوست درختان (۱۷۵۳۱ – ۱۷۵۲۴)، از محل بیوستگی برگ‌ها به شاخسارها (۱۷۵۳۶ – ۱۷۵۳۲)، و از جایگاه نطفه‌ها در پشت پندران، آگاه است. (۱۷۵۴۲ – ۱۷۵۳۷) خدا از آنچه پرده ابر او وجود می‌آورد و به هم می‌پیوندند (۱۷۵۴۳ – ۱۷۵۴۳)، و از فطرات باریانی که از ابرهای متراکم می‌بارند (۱۷۵۵۳ – ۱۷۵۴۸)، و از آنچه که گرد بادها از روی زمین برمی‌دارند (۱۷۵۵۸ – ۱۷۵۵۴)، و باران‌ها با سیلاب آن را فرو می‌نشانند و تابود می‌کنند (۱۷۵۶۲ – ۱۷۵۵۹)، از ریشه گیاهان زمین که میان آنبوه شن و ماسه پنهان شده است (۱۷۵۶۹ – ۱۷۵۶۳)، از لانه پرندگانی که در قفّه بلند کوه‌ها جای گرفته (۱۷۵۷۶ – ۱۷۵۷۰)، و از نغمه‌های مرغان در آشیانه‌های تاریک (۱۷۵۸۳ – ۱۷۵۷۷)، از لؤلؤهایی که در دل صدف‌ها پنهان است (۱۷۵۸۷ – ۱۷۵۸۴)، و امواج دریاهایی که آنها را در دامن خویش پروراندند آگاهی دارد. (۱۷۵۹۲ – ۱۷۵۸۸) خدا از آنچه که تاریکی شب آن را فرا گرفته (۱۷۵۹۷ – ۱۷۵۹۳)، و با نور خورشید بر آن نافته (۱۷۶۰۲ – ۱۷۵۹۸)، و آنچه تاریکی‌ها و امواج نور، سیاهی آن را در بر می‌گیرد (۱۷۶۰۸ – ۱۷۶۰۳) (۱۷۶۱۱ – ۱۷۶۰۹)، از اثر هر قدمی (۱۷۶۱۵ – ۱۷۶۱۲)، از احساس هر حرکتی (۱۷۶۱۹ – ۱۷۶۱۶)، و آهنگ هر سنجی (۱۷۶۲۳ – ۱۷۶۲۰)، و جنبش هر لسی (۱۷۶۲۷ – ۱۷۶۲۴)، و مکان هر موجود زنده‌ای (۱۷۶۳۱ – ۱۷۶۲۸)، و وزن هر ذره‌ای، و تاله هر صاحب اندوهی اطلاع دارد. (۱۷۶۴۰ – ۱۷۶۳۲) خدا هر آنچه از میوه شاخسار درختان (۱۷۶۴۶ – ۱۷۶۴۱) و برگ‌هایی که روی زمین ریخته (۱۷۶۴۹ – ۱۷۶۴۷) و از قرارگاه نطفه (۱۷۶۵۲ – ۱۷۶۵۰) بسته شدن خون و جنبش که به شکل پاره‌ای گوشش است (۱۷۶۵۷ – ۱۷۶۵۳)، و پرورش دهنده انسان و نطفه آگاهی دارد (۱۷۶۶۲ – ۱۷۶۵۸)، و برای این همه آگاهی، هیچ گونه زحمت و دشواری برای او وجود ندارد (۱۷۶۶۷ – ۱۷۶۶۳) و برای نگهداری این همه از مخلوقات رنگارنگ که پدید آورده دچار نگرانی نمی‌شود (۱۷۶۷۷ – ۱۷۶۶۸)، و در تدبیر امور مخلوقات، سستی و ملالت در او راه نمی‌یابد (۱۷۶۸۰ – ۱۷۶۷۸)، بلکه علم پروردگار در آنها نفوذ یافته (۱۷۶۹۳ – ۱۷۶۹۱) و همه آنها را شماره کرده است (۱۷۶۹۶ – ۱۷۶۹۴) و عدالتش همه را در بر گرفته (۱۷۶۹۹ – ۱۷۶۹۷) و با کوتاهی کردن مخلوقات در ستایش او، باز فضل و کرمش تمامم یافته است.

(۱۷۷۰۲ – ۱۷۷۰۰) (۱۷۷۰۹ – ۱۷۷۰۳)

#### ❁۱۵ نیایش امیر المؤمنین علیه السلام

خدایا! تویی سزاوار ستایش‌های نیکو (۱۷۷۱۵ – ۱۷۷۱۰)، و بسیار و بی شمار تو را ستودن (۱۷۷۱۸ – ۱۷۷۱۶) اگر تو را آرزو کنند پس بهترین آرزویی (۱۷۷۲۲ – ۱۷۷۱۹)، و اگر به تو امید بندند، بهترین امیدی. (۱۷۷۲۷ – ۱۷۷۲۳) خدایا! درهای نعمت بر من

گشودی که زبان به مدح غیر تو نگشایم. (۱۷۳۷–۱۷۳۸) و بر این نعمت‌ها غیر از تو را ستایش نکند (۱۷۴۴–۱۷۳۸). و زبان را در مدح تو مید کنندگان،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۷۳

و آنان که مورد اعتماد نیستند باز نکند. (۱۷۵۳–۱۷۴۵) (۱۷۵۹–۱۷۵۴) (۱۷۶۴–۱۷۶۰) خداوند! هر ناناگویی از سوی ستایش شده پاداشی دارد (۱۷۷۵–۱۷۶۵) (۱۷۷۹–۱۷۷۶)، به تو امید به ستم که مرا به سوی ذخائر رحمت و گنج‌های آمرزش آشنا کنی. (۱۷۸۹–۱۷۸۰) خدا! این بنده توست که تو را یگانه می‌خواند، و توحید و یگانگی تو را سزاست (۱۷۹۹–۱۷۹۰)، و جز تو کسی را سزاوار این ستایش‌ها نمی‌داند. (۱۷۸۰–۱۷۸۰) خدا! مرا به درگاه تو نیازی است که جز فضل تو چیران نکند (۱۷۸۱۷–۱۷۸۰۹)، و آن نیازمندی را جز عطا و بخشش تو به توانگری مبدل نگرداند (۱۷۸۲۶–۱۷۸۱۸)، پس در این مقام رضای خود را به ما عطا فرما (۱۷۸۳۲–۱۷۸۳۷)، دست نیاز ما را از دامن غیر خود کوتاه گردان (۱۷۸۳۹–۱۷۸۳۳) که «تو بر هر چیزی توانایی».

(۱۷۴۴–۱۷۴۰) (۱۷۴۰–۱۰۹۲)

#### ترجمه خطبه ۹۲

##### اشاره

(پس از قتل عثمان آنگاه که مردم هجوم آوردند تا با امام علی علیه السلام بیعت کنند، در روز جمعه ۲۵ ذی الحجه سال ۳۵ هجری در مدینه فرمود) (۱۷۴۵–۱۷۴۰)

##### علل نپذیرفتن خلافت

مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید (۱۷۴۶–۱۷۴۶)، زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه آمیز است، و چهره‌های گوناگون دارد (۱۷۸۱–۱۷۴۵) و دل‌ها بر این بیعت ثابت (۱۷۸۵–۱۷۸۲) و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند (۱۷۸۰–۱۷۸۶)، چهره افق حقیقت را (در دوران خلافت سه خلیفه) ابرهای تیره فساد گرفته (۱۷۸۵–۱۷۸۱)، و راه مستقیم حق ناشناخته ماند. (۱۷۸۹–۱۷۸۶) آگاه باشید، اگر دعوت شما را بپذیرم، بر اساس آنچه که می‌دانم یا شما رفتار می‌کنم (۱۷۸۹–۱۷۸۰) و به گفتار این و آن، و سرزنش سرزنش کنندگان گوش فرا نمی‌دهم. (۱۷۹۰–۱۷۸۹) اگر مرا رها کنید چون یکی از شما هستم (۱۷۹۱۲–۱۷۹۰۸) که شاید شنواتر، و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم (۱۷۹۲۰–۱۷۹۱۳)، در حالی که من وزیر و مشاوران باشم بهتر است که امیر و رهبر شما گردم.

(۱۷۹۲۸–۱۷۹۲۱) (۱۰۹۳)

#### ترجمه خطبه ۹۳

##### اشاره

(برخی از مومّرخان نقل کرده‌اند که این سخنرانی امام علیه السلام پس از حادثه جنگ نهروان در سال ۳۸ هجری ایراد شد).

##### ۱۱ ویژگی‌های علمی و سیاسی امام علی علیه السلام

پس از حمد و ستایش پروردگار (۱۷۹۵۴–۱۷۹۴۸)، ای مردم! (۱۷۹۵۶–۱۷۹۵۵) من بودم که چشم فتنه را کندم (۱۷۹۶۰–۱۷۹۵۷)، و جز من هیچ کس جرأت چنین کاری را نداشت (۱۷۹۶۷–۱۷۹۶۱)، آنگاه که امواج سیاهی‌ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدّت خود رسید. (۱۷۹۷۴–۱۷۹۶۸) پس از من بررسید پیش از آن که مرا نیابید. (۱۷۹۷۸–۱۷۹۷۵) ۲۰، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، نمی‌پرSID از چیزی که میان شما تا روز قیامت می‌گذرد (۱۷۹۹۱–۱۷۹۷۹)، و نه از گروهی که صد نفر از ۳۰ هدایت یا گمراه می‌سازد، جز آن که شما را آگاه می‌سازم و پاسخ می‌دهم.

و از آن که مردم را بدان می‌خواند (۱۸۰۰۳–۱۷۹۹۲) و آن که رهبریشان می‌کند و آن که آنان را می‌راند (۱۸۰۰۷–۱۸۰۰۴)،

(۱) شکی نیست که امام علی علیه السلام از طرف خدا به امامت منصوب شد و ۱۲۰ هزار حاجی از سراسر بلاد اسلامی در غدیر خم به امر خدا و ابلاغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم با امام بیعت کردند، انا پس از ۲۵ سال انحراف سیاسی مردم در خلافت، و تغییر ارزش‌ها، امام در این سخنرانی اتمام حجت می‌کند، که می‌فرماید: «مرا واگذارید» یعنی شما تحقّل حکومت عدل را ندرائید. امام، طلحه و زبیر را در پیشاپیش جمعیت می‌دید که فریاد بیعت سر می‌دهند، و می‌دانست آنان از اولین گروه‌های آشوب طلبی هستند که پس از چند ماه، جنگ جمل را بر آن حضرت تحمیل خواهند کرد.
(۲) همه مومّرخان و صاحب نظران اعتراف کردند، در طول تاریخ اسلام کسی جز امام علی علیه السلام به هر پرشی پاسخ نداد، و هر کس ادّعا کرد و گفت از من برSID تا پاسخ دهم، رسوا شد و نتوانست به هر سؤالی جواب لازم گوید.
(۳) این ابی الحدید می‌گوید چون کمتر از عدد صد، چیزی بحساب نمی‌آمد، امام این عدد را مطرح فرمود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۷۵

و آنجا که فرود می‌آیند و آنجا که بار گشایند. (۱۸۰۱۳–۱۸۰۰۸) و آن که از آنها کشته شود (۱۸۰۱۹–۱۸۰۱۴) و آن که بمیرد، غیر می‌دهم. (۱۸۰۲۴–۱۸۰۲۰) آن روز که مرا از دست دادید، و نگرانی‌ها و مشکلات بر شما باریدن گرفت (۱۸۰۳۶–۱۸۰۲۵)، و بسیاری از پرشش کنندگان به حیرت فرو رفته می‌گویند سر انجام چه خواهد شد؟ (۱۸۰۴۰–۱۸۰۳۷) که گروه بسیاری از پرشش شوندگان از پاسخ دادن فرو مانند.

(۱۸۰۴۵–۱۸۰۴۱)

##### ۱۲ خبر از فتنه‌های آینده

این حوادث هنگامی رخ نشان می‌دهد که جنگ در میان شما طولانی شود (۱۸۰۵۰–۱۸۰۴۶) (۱۸۰۵۴–۱۸۰۵۱)، و دنیا چنان بر شما تنگ گردد که (۱۸۰۵۹–۱۸۰۵۵) ایام بلا را طولانی بندازید (۱۸۰۶۴–۱۸۰۶۰)، تا روزی که خداوند برچم فتح و پیروزی را برای باقی مانده نیکان شما به اهتزاز در آورد (زمان ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف) (۱۸۰۷۰–۱۸۰۶۵) فتنه‌ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند (۱۸۰۷۵–۱۸۰۷۱)، و چون پشت کنند حقیقت چنانکه هست، نشان داده می‌شود (۱۸۰۷۹–۱۸۰۷۶)، فتنه‌ها چن می‌آیند شناخته نمی‌شوند (۱۸۰۸۱–۱۸۰۸۰)، و چون می‌گذرند، شناخته می‌شوند (۱۸۰۸۴–۱۸۰۸۲)، فتنه‌ها چون گرد بادها می‌چرخند (۱۸۰۸۷–۱۸۰۸۵)، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند.

(۱۸۰۹۲–۱۸۰۸۸)

##### ۱۳ خبر از فتنه‌های بنی امیه

آگاه باشید! همانا ترسناکترین فتنه‌ها در نظر من، فتنه بنی امیه بر شما است (۱۸۱۰۲–۱۸۰۹۳)، فتنه‌ای کور و ظلمانی که سلسله‌اش همه جا را فرا گرفته (۱۸۱۰۸–۱۸۱۰۳) و بلاش آن دامنگیر نیکوکاران است. (۱۸۱۱۱–۱۸۱۰۹) هر کس آن فتنه‌ها را بشناسد نگرانی و سختی آن دامگشیش گردد (۱۸۱۱۷–۱۸۱۱۲)، و هر کس که فتنه‌ها را شناسد، حادثه‌ای برای او رخ خواهد داد. (۱۸۱۳۳–۱۸۱۱۸) به خدا سوگند بنی امیه بعد از من برای شما زمامداران بدی خواهند بود (۱۸۱۳۳–۱۸۱۲۴) آنان چوئان شتر سرکشی که دست به زمین کوبید و لگد زند و با دندان گاز می‌گیرد (۱۸۱۳۷–۱۸۱۳۴) (۱۸۱۴۰–۱۸۱۳۸) (۱۸۱۴۳–۱۸۱۴۱) و از دوشیدن شتر امتناع ورزد (۱۸۱۴۶–۱۸۱۴۴)، با شما چنین برخورداری دارند، و از شما کسی باقی نگذارند، جز آن کس که برای آنها سودمند باشد (۱۸۱۵۶–۱۸۱۴۷) یا آزاری بدانها نرساند. (۱۸۱۶۰–۱۸۱۵۷) و پلائی فرزندان بنی امیه، بر شما طولانی خواهد ماند چندان که یاری خواستن شما از ایشان چون یاری خواستن بنده باشد از مولای خویش (۱۸۱۶۶–۱۸۱۶۱) یا تسلیم شده از پیشوای خود. (۱۸۱۸۰–۱۸۱۷۷) فتنه‌های بنی امیه پیاپی با چهرهای زشت و ترس آور (۱۸۱۸۵–۱۸۱۸۱)، و ظلمتی با تاریکی عصر جاهلیت، بر شما فرود می‌آید. (۱۸۱۸۸–۱۸۱۸۶) نه نور هدایتی در آن پیدا (۱۸۱۹۲–۱۸۱۸۹)، و نه برچم نجاتی در آن روزگاران بچشم می‌خورد.

(۱۸۱۹۶–۱۸۱۹۳)

##### ۱۴ سرانجام تلخ و دردناک بنی امیه

ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از آن فتنه‌ها در امانیم (۱۸۲۰۱–۱۸۱۹۷) و مردم را بیدان نمی‌خوانیم (۱۸۲۰۵–

۱۸۲۰۲)، سپس خدا فتنه‌های بنی امیه را ناپود، و از شما جدا خواهد ساخت مانند جدا شدن پوست از گوشت، که با دست قضایی انجام پذیرد(۱۸۲۱۱–۱۸۲۰۶) خدا با دست افرادی، خواری و ذلت را به فرزندان امیه می‌چشاند. که به سختی آنها را کنار می‌زنند (۱۸۲۱۷–۱۸۲۱۲)، و جام تلخ بلا و ناراحتی و مصیبت را در کامشان می‌ریزند، و جز شمشیر چیزی به آنها نمی‌دهند (۱۸۲۲۵–۱۸۲۱۸)، و جز لباس ترس بر آنها نپوشانند. (۱۸۲۳۰–۱۸۲۲۶) در آن هنگام، قریش دوست دارد آنچه در دنیاست بدهد تا یک بار مرا بنگرد (۱۸۲۴۲–۱۸۲۳۱)، گر چه لحظه کوتاهی (به اندازه کشتن شتر) باشد (۱۸۲۴۷–۱۸۲۴۳)، تا با اصرار چیزی را پذیرم که امروز پاره‌ای از آن را می‌خواهم نمی‌دهند.

(۱۸۲۵۵–۱۸۲۴۸)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۷۷

(۱۰۹۴)

#### ترجمه خطبه ۹۴

##### ۱ وصف خدای سبحان

برتر و بزرگ است خدایی که اندیشه‌های ژرف، حقیقت ذات او را نمی‌توانند درک کنند (۱۸۲۵۵–۱۸۲۷۷)، و گمان زیرک‌ها آن را نمی‌یابد (۱۸۲۹۰–۱۸۲۸۶)، آغازی است که نهایش ندارد تا به آخر رسد (۱۸۲۹۶–۱۸۲۹۱)، و پایانی ندارد تا ایام او سپری گردد.

(۱۸۲۹۷–۱۸۲۰۱)

##### ۲ وصف پیامبران آسمانی

(۱۸۳۰۶–۱۸۳۰۲) پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعت گذارد (۱۸۳۱۰–۱۸۳۰۷)، و در بهترین مکان‌ها استقرارشان داد. (۱۸۳۱۵–۱۸۳۱۱) از صلب کریمانه پدران به رحم پاک مادران منتقل فرمود (۱۸۳۲۱–۱۸۳۱۶)، که هرگاه یکی از آنان درگذشت، دیگری برای پیش برد دین خدا به پاخاست.

(۱۸۳۲۲–۱۸۳۲۰)

##### ۳ وصف پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام

(۱۸۳۳۵–۱۸۳۳۱) تا اینکه کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسید. (۱۸۳۴۵–۱۸۳۳۶) نهاد اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد (۱۸۳۵۰–۱۸۳۴۶)، و نهال وجود او را در اصلب ترین و عزیزترین سرزمین‌ها کاشت و آبیاری کرد (۱۸۳۵۴–۱۸۳۵۱)، او را از همان درختی که دیگر پیامبران و امینان خود را از آن آفرید به وجود آورد (۱۸۳۶۰–۱۸۳۵۵) (۱۸۳۶۴–۱۸۳۶۱)، که عترت او بهترین عترت‌ها (۱۸۳۶۷–۱۸۳۶۵)، و خاندانش بهترین خاندانها (۱۸۳۷۱–۱۸۳۶۸)، و درخت وجودش از بهترین درختان است (۱۸۳۷۵–۱۸۳۷۲)، در حرم امن خدا روید (۱۸۳۷۸–۱۸۳۷۶)، و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد (۱۸۳۸۲–۱۸۳۷۹)، شاخه‌های بلند آن سر به آسمان کشیده (۱۸۳۸۵–۱۸۳۸۳) که دست کسی به میوه آن نمی‌رسید. (۱۸۳۸۹–۱۸۳۸۶) پس- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشوای پرهیزکاران (۱۸۳۹۳–۱۸۳۹۰) و وسیله بنیابی هدایت خواهان است (۱۸۳۹۷–۱۸۳۹۴)، چراغی با نور درخشان (۱۸۴۰۰–۱۸۳۹۸)، و سنناره‌ای فروزان (۱۸۴۰۴–۱۸۴۰۱)، و ضلع‌های با برق‌های خیره کننده و تابان است (۱۸۴۰۸–۱۸۴۰۵)، راه و رسم او با اعتدال (۱۸۴۱۰–۱۸۴۰۹)، و روش زندگی او صحیح و پایدار (۱۸۴۱۳–۱۸۴۱۱)، و سخنانش روشنگر حقی (۱۸۴۱۶–۱۸۴۱۴) و حکم او عادلانه است. (۱۸۴۱۹–۱۸۴۱۷) خدا او را زمانی مبعوث فرمود که با زمان پیامبران گذشته فاصله طولانی داشت (۱۸۴۲۵–۱۸۴۲۰) و مردم از نیکوکاری فاصله گرفته (۱۸۴۲۹–۱۸۴۲۶)، و امت‌ها به جهل و نادانی گرفتار شده بودند.

(۱۸۴۳۰–۱۸۴۳۳)

##### ۴ نصیحت به مردم

(۱۸۴۳۵–۱۸۴۳۴) خدا شما را پیامرزد، اعمال نیکو بر اساس نشانه‌های روشن «۱» انجام دهید (۱۸۴۴۱–۱۸۴۳۶)، زیرا که راه، روشن است، و شما را به خانه امن و آمان دعوت می‌کند. (۱۸۴۴۷–۱۸۴۴۲) هم اکنون در دنیایی زندگی می‌کنید که می‌توانید رضایت خدا را به دست آورید. با مهلت و آسایش خاطری که دارید. (۱۸۴۵۶–۱۸۴۴۸) اکنون نامه عمل سرگشاده (۱۸۴۵۹–۱۸۴۵۷)، و قلم فرشتگان نویسنده در حرکت است (۱۸۴۶۲–۱۸۴۶۰)، بدن‌ها سالم (۱۸۴۶۵–۱۸۴۶۳) و زبان‌ها گویاست (۱۸۴۶۸–۱۸۴۶۶)، توبه مورد قبول (۱۸۴۷۱–۱۸۴۶۹) و اعمال نیکو را می‌پذیرند.

(۱۸۴۷۴–۱۸۴۷۲)

(۱) راه و رسم آشکار عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۷۹

(۱۰۹۵)

#### ترجمه خطبه ۹۵

##### دوران جاهلیت و نعمت بعثت

خدا پیامبر اسلام را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند (۱۸۴۸۹–۱۸۴۸۴)، در فتنه‌ها به سر می‌بردند (۱۸۴۹۳–۱۸۴۹۰)، هوی و هوس بر آنها چیره شده (۱۸۴۹۶–۱۸۴۹۴)، و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود (۱۸۴۹۷–۱۸۴۹۶)، و نادانیهای جاهلیت پست و خوارشان کرده (۱۸۵۰۳–۱۸۵۰۰)، و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند (۱۸۵۰۸–۱۸۵۰۴)، و بلاش جهل و نادانی دامنگیرشان بود. (۱۸۵۱۲–۱۸۵۰۹) پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد (۱۸۵۱۶–۱۸۵۱۳)، و آنان را به راه راست راهنمایی (۱۸۵۲۰–۱۸۵۱۷)، و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود.

(۱۸۵۲۴–۱۸۵۲۱) (۱۸۵۲۷–۱۸۵۲۵) (۱۰۹۶)

#### ترجمه خطبه ۹۶

##### ۱ خدا شناسی

سپاس خدا را که اولگ است، و چیزی پیش از او وجود نداشت (۱۸۵۴۶–۱۸۵۳۹)، و آخر است و پس از او موجودی نخواهد بود (۱۸۵۵۱–۱۸۵۴۷)، چنان آشکار است که فراتر از او چیزی نیست (۱۸۵۵۶–۱۸۵۵۲)، و چنان مخفی و پنهان است که مخفی‌تر از او یافت نمی‌شود.

(۱۸۵۶۱–۱۸۵۵۷)

##### ۲ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۱۸۵۶۷–۱۸۵۶۲) قرارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهترین قرارگاه (۱۸۵۷۰–۱۸۵۶۸) و محل پرورش و خاندان او شریف‌ترین پایگاه است. (۱۸۵۷۴–۱۸۵۷۱) در معدن بزرگواری (۱۸۵۷۷–۱۸۵۷۵) و گامواره سلامت رشد کرد (۱۸۵۸۰–۱۸۵۷۸)، دل‌های نیکوکاران شیفته او گشته (۱۸۵۸۵–۱۸۵۸۱)، نونجه دیده‌ها به سوی اوست. (۱۸۵۹۰–۱۸۵۸۶) خدا به برکت وجود او کینه‌ها را دفن کرد (۱۸۵۹۴–۱۸۵۹۱) و آتش دشمنی‌ها را خاموش کرد. (۱۸۵۹۸–۱۸۵۹۵) با او میان دلها الفت و مهربانی ایجاد کرد (۱۸۶۰۱–۱۸۵۹۹) و نزدیکانی را از هم دور ساخت. (۱۸۶۰۵–۱۸۶۰۲) انسان‌های خوار و ذلیل و محروم در پرتو او عزت یافتند (۱۸۶۰۸–۱۸۶۰۶)، و عزیزانی خود سر ذلیل شدند. (۱۸۶۱۲–۱۸۶۰۹) گفتار او روشنگر واقعیت‌ها (۱۸۶۱۴–۱۸۶۱۳)، و سکوت او زبانی گویا بود.

(۱۸۶۱۷–۱۸۶۱۵) (۱۰۹۷)

#### ترجمه خطبه ۹۷

##### اشاره

(پس از جنگ نهروان در نکوهش لشکریان خود در سال ۳۸ هجری، که برای نبرد نهایی با معاویه سستی می‌ورزیدند ایراد کرد)

**۱ علل نکوهش و شکست کوفیان**

اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از باز پرسى و عذاب او غفلت نمى‌کند (۱۸۶۳۷–۱۸۶۲۹)، و او بر سر راه در کمين گاه ستمگران است (۱۸۶۴۴–۱۸۶۳۸)، و گلبوى آنها را در دست گرفته تا از فرو رفتن آب دريغ دارد. (۱۸۶۴۵–۱۸۶۴۵) آگاه باشيد! به خدايى که جانم در دست اوست (۱۸۶۵۵–۱۸۶۵۱)، شاميان بر شما بيروز خواهند شد (۱۸۶۵۹–۱۸۶۵۶)، نه از آن رو که از شما به حق سزاوارترند. (۱۸۶۶۴–۱۸۶۶۰)

نهج البلاغه / ترجمه دشتى، ص: ۱۸۱

بلکه در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود شتابان فرمان فرمائند. (۱۸۶۷۰–۱۸۶۶۵) و شما در گرفتن حق من سستی می‌ورزید (۱۸۶۷۴–۱۸۶۷۱)، و هر آنچه، مَنّت‌های جهان صبح می‌کنند در حالی که از ستم زمامدارانتان در ترس و وحشتند (۱۸۶۸۱–۱۸۶۷۵)، من صبح می‌کنم در حالی که از ستمگری بیرون خود وحشت دارم. (۱۸۶۸۶–۱۸۶۸۲) شما را برای جهاد با دشمن بر انگيختم، اما کوچ نکردید (۱۸۶۹۰–۱۸۶۸۷)، حق را به گوش شما خواندم ولی نشنیدید (۱۸۶۹۴–۱۸۶۹۱)، و در آشکار و نهان شما را دعوت کردم، اجابت نکردید (۱۸۷۰۱–۱۸۶۹۵)، پند و اندرزتان دادم، قول نکردید. (۱۸۷۰۶–۱۸۷۰۲) آيا حاضران غالب می‌باشيد؟ (۱۸۷۰۹–۱۸۷۰۷) و يا بردگانی در شکل مالکان؟! (۱۸۷۱۲–۱۸۷۱۰) فرمان خدا را بر شما می‌خوانم از آن فرار می‌کنید (۱۸۷۱۷–۱۸۷۱۳)، و با اندرزهای رسا و گویا شما را پند می‌دهم از آن پراکنده می‌شوید (۱۸۷۲۳–۱۸۷۱۸) و شما را به مبارزه با سرکشان ترغیب می‌کنم، هنوز سخنانم به آخر نرسیده، چون مردم سب، ۱۱ متفق شده (۱۸۷۳۹–۱۸۷۲۴)، به جلسات خود باز می‌گردید (۱۸۷۴۲–۱۸۷۴۰)، و در لباس پند و اندرز، یکدیگر را فریب می‌دهید تا اثر تذکرات مرا از بین ببرید. (۱۸۷۴۳–۱۸۷۴۴) صحبگامان کجی‌های شما را راست می‌کنم، شامگامان به حالت اول بر می‌گردید (۱۸۷۵۲–۱۸۷۴۷)، چونان کمان سخنی که (۱۸۷۵۴–۱۸۷۵۳) نه کسی قدرت راست کردن آن را دارد (۱۸۷۵۶–۱۸۷۵۵) و نه خودش قابلیت راست شدن را دارا است. (۱۸۷۵۹–۱۸۷۵۷) ای مردم که بدنه‌های شما حاضر (۱۸۷۶۳–۱۸۷۶۰) و عقل‌های شما پنهان (۱۸۷۶۶–۱۸۷۶۴) و افکار و آراء شما گوناگون است (۱۸۷۶۸–۱۸۷۶۷) و زمامداران شما دچار مشکلات شمايند (۱۸۷۷۱–۱۸۷۶۹)، رهبر شما از خدا اطاعت می‌کند، شما يا او مخالفت می‌کنید (۱۸۷۷۷–۱۸۷۷۲)، انا رهبر شاميان خدای را معصیت می‌کند، از او فرمانبردارند. (۱۸۷۸۶–۱۸۷۸۸) به خدا سوگند دوست دارم معاویه شما را با نفرات خود مانند مادله درهم و دينار با من سودا کند (۱۸۷۹۶–۱۸۷۸۷)، ده نفر از شما را بگيرد و يک نفر از آنها را به من بدهد!

(۱۸۸۰۴–۱۸۷۹۷)

**۲ روانشناسی اجتماعی مردم کوفه**

ای اهل کوفه! (۱۸۸۰۷–۱۸۸۰۵) گرفتار شما شده‌ام که سه چیز دارید و دو چیز ندارید: (۱۸۸۱۲–۱۸۸۰۸) کراهی با گوش‌های شما (۱۸۸۱۵–۱۸۸۱۳)، گنگ‌های با زبان گویا (۱۸۸۱۹–۱۸۸۱۶)، کورانی با چشمهای بینا. (۱۸۸۲۳–۱۸۸۲۰) نه در روز جنگ از آزاد گانید (۱۸۸۲۸–۱۸۸۲۴)، و نه به هنگام بلا، و سخنی برادران يک رنگ می‌باشيد. (۱۸۸۳۴–۱۸۸۲۹) نهی دست مانند (۱۸۸۳۶–۱۸۸۳۵) ۲۰ ای مردم! شما چونان شتران دور مانده از ساریان می‌باشيد (۱۸۸۴۲–۱۸۸۳۷)، که اگر از سویی جمع آوری شوند از دیگر سو، پراکنده می‌گردند. (۱۸۸۴۹–۱۸۸۴۳) به خدا سوگند، می‌بینم که اگر جنگ سخت شود و آتش آن شعله بگیرد و گرمی آن سوزان (۱۸۸۵۵–۱۸۸۵۰) (۱۸۸۵۹–۱۸۸۵۶) (۱۸۸۶۲–۱۸۸۶۰)، پسر ابو طالب را رها می‌کنید و مانند جدا شدن زن حامله پس از زایمان از فرزندش، هر يک به سویی می‌گریزید. (۱۸۸۷۲–۱۸۸۶۳) و من در بی آن نشانه‌ها روانم که پروردگار مرا رهنمون شده (۱۸۸۷۸–۱۸۸۷۳) و آن راه را می‌روم که رسول خدا صَلى الله عليه و آله و سلم گشوده (۱۸۸۸۲–۱۸۸۷۹)، و همانا من به راه روشن حق گام به گام ره می‌سپارم.

(۱۸۸۸۹–۱۸۸۸۳)

**۳ ضرورت اطاعت (از اهل بیت پیامبر صَلى الله عليه و آله و سلم «اهل بیت عظیم السلام»**

مردم! به اهل بیت پیامبرتان بگریزید، از آن سو که گام بر می‌دارند بروید (۱۸۸۹۸–۱۸۸۹۰)، قدم جای قدمشان بگذارید (۱۸۹۰۱–۱۸۸۹۹)، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند (۱۸۹۰۵–۱۸۹۰۲)، و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. (۱۸۹۱۰–۱۸۹۰۶) اگر سکوت کردند سکوت کنید (۱۸۹۱۳–۱۸۹۱۱)، و اگر قیام کردند قیام کنید (۱۸۹۱۷–۱۸۹۱۴)، از آنها پيشی نگیرید که گمراه می‌شوید (۱۸۹۲۱–۱۸۹۱۸)، و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید.

(۱۸۹۲۶–۱۸۹۲۲)

(۱) ضرب المثل است، سبأ پندار اعراب یمن بود که ده پسر داشت، قبل از جنگ آنها را در طرف راست و چپ خود قرار داد تا با نظم خاصی بجنگند، انا وقتی جنگ شروع شد همه فرار کردند و پدر را تنها گذاشتند از آن پس «تفرقوا ابادی سبأ» ضرب المثل شد.

(۲) ضرب المثل است، «تربت ایدیکم» (دستهایتان خاک آلوده باد، یعنی نهی دست و فقیر بمانید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتى، ص: ۱۸۳

**۴ وصف اصحاب پیامبر صَلى الله عليه و آله و سلم**

من اصحاب محمد صَلى الله عليه و آله و سلم را دیدم (۱۸۹۳۱–۱۸۹۲۷)، اما هیچ کدام از شما را همانند آنان نمی‌نگرم (۱۸۹۳۶–۱۸۹۳۲)، آنها صبح می‌کردند در حالی که موهای ژولیده و چهره‌های غبار آلوده داشتند (۱۸۹۴۱–۱۸۹۳۷)، شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می‌گذراندند (۱۸۹۴۷–۱۸۹۴۲)، و پیشانی و گونه‌های صورت را در پیشگاه خدا بر خاک می‌ساییدند (۱۸۹۵۲–۱۸۹۴۸)، با یاد معاد چنان نا آرام بودند گویا بر روی آتش ایستاده‌اند. (۱۸۹۶۰–۱۸۹۵۳) بر پیشانی آنها از سجده‌های طولانی پینه بسته بود (چون پینه زانوهای بزها) (۱۸۹۶۸–۱۸۹۶۱) اگر نام خدا برده می‌شد چنان می‌گریستند که گریبان‌های آنان تر می‌شد. (۱۸۹۷۶–۱۸۹۶۹) و چون درخت در روز تند باد می‌لرزیدند (۱۸۹۸۴–۱۸۹۷۷)، از کثیری که از آن بیم داشتند (۱۸۹۸۷–۱۸۹۸۵)، (برای پاداشی که به آن امیدوار بودند.

(۱۸۹۹۰–۱۸۹۸۸) (۱۰۹۸)

ترجمه خطبه ۹۸

(پس از جنگ نهروان در سال ۳۸ هجری در افزایش جنایات بنی امیه و معاویه ایراد کرد) (۱۹۰۰۱–۱۸۹۹۱)

**خبر از ستمگری و فساد بنی امیه**

سوگند به خدا، بنی امیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آن که حلال شمارند (۱۹۰۱۲–۱۹۰۰۲)، و پیمان نمی‌ماند جز آن که همه را بشکنند (۱۹۰۱۷–۱۹۰۱۳)، و هیچ خیمه و خانه‌ای وجود ندارد (۱۹۰۲۶–۱۹۰۱۸–۱۹۰۱۸) جز آن که ستمکاری آنان در آنجا راه یابد، و ظلم و فسادشان مردم را از خانه‌ها کوچ دهد (۱۹۰۳۴–۱۹۰۲۷) تا آن که در حکومتشان دو دسته بگیرند: (۱۹۰۳۹–۱۹۰۳۵) دسته‌ای برای دین خود که آن را از دست داده‌اند (۱۹۰۴۲–۱۹۰۴۰)، و دسته‌ای برای دنیای خود که به آن نرسیده‌اند. (۱۹۰۴۶–۱۹۰۴۳) و بیاری خواست یکی از دیگری، چون بیاری خواست برده از ارباب خویش است (۱۹۰۵۷–۱۹۰۴۷) که در حضور ارباب اطاعت دارد (۱۹۰۶۰–۱۹۰۵۸) و در غیبت او بدگویی می‌کند. (۱۹۰۶۴–۱۹۰۶۱) در حکومت بنی امیه هر کس به خدا امیدوارتر باشد بیش از همه رنج و معصیت بیند. (۱۹۰۷۳–۱۹۰۶۵) پس اگر خداوند عاقبت و سلامتی بخشد، قدر شناس باشید (۱۹۰۷۸–۱۹۰۷۴) و اگر به بلا و گرفتاری مبتلا گشتید شکبیا باشید (۱۹۰۸۲–۱۹۰۷۹) که سر انجام، پیروزی با برهیزکاران است.

(۱۹۰۸۵–۱۹۰۸۳) (۱۰۹۹)

**ترجمه خطبه ۹۹**

**اشاره**

زید بن وهب، از اصحاب امام است، نقل می‌کند که این خطبه در روز جمعه در شهر کوفه ایراد شد) ۱۰ خدا را بر نعمتهایی که عطا فرمود ستایش می‌کنیم (۱۹۰۹۸–۱۹۰۹۵) و در کارهای خود از او یاری می‌جوییم. (۱۹۱۰۵–۱۹۰۹۹) از او سلامت در دین را خواهیم (۱۹۱۱۰–۱۹۱۰۶) آنگونه که تدرستی بدن را از او درخواست داریم. (۱۹۱۱۵–۱۹۱۱۱)



ا برهیز از دنیا پرستی

(۱) من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۲۷- و- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۱۱.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۸۵

ای بندگان خدا (۱۹۱۱۷- ۱۹۱۱۶)، شما را به ترک دنیایی سفارش می‌کنم که شما را رها می‌سازد، گرچه شما جدایی از آن را دوست ندارید (۱۹۱۲۸- ۱۹۱۱۸)، دنیایی که بدن‌های شما را کهنه و فرسوده می‌کند با اینکه دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید. (۱۹۱۳۶- ۱۹۱۲۹) شما و دنیا به مسافرانی مانند (۱۹۱۴۱- ۱۹۱۳۷) که تا گام در آن نهند، احساس دارند که به پایان راه رسیده‌اند (۱۹۱۴۶- ۱۹۱۴۲)، و تا قصد رسیدن به نشانی کرده‌اند، گویا بدان دست یافتند (۱۹۱۵۲- ۱۹۱۴۷)، در حالی که تا رسیدن به هدف نهایی هنوز فاصله‌های زیادی است. (۱۹۱۶۳- ۱۹۱۵۳) چگونه می‌تواند به مقصد رسد کسی که روز مجتبی در پیش دارد؟ و از آن تجاوز نخواهد کرد! (۱۹۱۷۴- ۱۹۱۶۴) مرگ به سرعت او را می‌راند، و عوامل مختلف او را بر خلاف خواسته خود از دنیا جدا می‌سازد.

(۱۹۱۸۰- ۱۹۱۷۵) (۱۹۱۸۷- ۱۹۱۸۱)

۲ روش برخورد با دنیا

پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید (۱۹۱۹۴- ۱۹۱۸۸)، و فریب زینت‌ها و نعمت‌ها را نخورید و مغرور نشوید (۱۹۲۰۰- ۱۹۱۹۵) و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید (۱۹۲۰۷- ۱۹۲۰۱)، زیرا عزت و افتخارات دنیا با پای می‌بزدرد (۱۹۲۱۳- ۱۹۲۰۸)، و زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد (۱۹۲۲۰- ۱۹۲۱۴)، و رنج و سختی آن تمام می‌شود (۱۹۲۲۶- ۱۹۲۲۱)، و هر مدّت و مهلتی در آن به پایان می‌رسد (۱۹۲۳۲- ۱۹۲۲۷)، و هر موجود زنده‌ای به سوی مرگ می‌رود. (۱۹۲۳۸- ۱۹۲۳۳) آیا نشانه‌هایی از زندگی گذشتگان که بر جا مانده شما را از دنیا پرستی باز نمی‌دارد؟ (۱۹۲۴۶- ۱۹۲۳۹) و اگر خردمندید آیا در زندگانی پدرانان آگاهی و عبرت آموزی نیست؟ (۱۹۲۵۶- ۱۹۲۴۷) مگر نمی‌بینید که گذشتگان شما باز نمی‌گردند؟ (۱۹۲۵۷- ۱۹۲۵۷) و فرزندان شما باقی نمی‌مانند؟ (۱۹۲۷۱- ۱۹۲۶۶) مگر مردم دنیا را نمی‌گیرید. که در گذشت شب و روز حالات گوناگونی دارند: (۱۹۲۸۳- ۱۹۲۷۲) یکی می‌میرد و بر او می‌گریند (۱۹۲۸۵- ۱۹۲۸۴)، و دیگری باقی مانده به او تسلیت می‌گویند (۱۹۲۸۸- ۱۹۲۸۶)، یکی دیگر بر سبتر بیماری افتاده (۱۹۲۹۱- ۱۹۲۸۹) دیگری به عیادت او می‌آید (۱۹۲۹۴- ۱۹۲۹۲)، و دیگری در حال جان کندن است (۱۹۲۹۸- ۱۹۲۹۵)، و دنیا طلبی در جستجوی دنیاست که مرگ او را در می‌یابد (۱۹۳۰۴- ۱۹۲۹۹)، و غفلت زده‌ای که مرگ او را فراموش نکرده است (۱۹۳۱۰- ۱۹۳۰۵)، و آیندگان نیز راه گذشتگان را می‌پویند. (۱۹۳۱۷- ۱۹۳۱۱) بهوش باشید! مرگ را که نابود کننده لذّت‌ها (۱۹۳۲۱- ۱۹۳۱۸) و شکننده شهوت‌ها (۱۹۳۲۴- ۱۹۳۲۲) و قطع کننده آرزوهایست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، به یاد آورید (۱۹۳۳۱- ۱۹۳۲۵)، و برای انجام واجبات (۱۹۳۳۸- ۱۹۳۳۲)، و شکر در برابر نعمت‌ها و احسان بی شمار الهی، از خدا یاری خواهید.

(۱۹۳۴۷- ۱۹۳۳۹) (۱۱۰۰)

**ترجمه خطبه ۱۰۰**

**اشاره**

(نوشته‌اند که این سخنرانی را در جمعه سؤم ایّام خلافت خود در سال ۳۵ هجری در روز جمعه ایراد فرمود)

۱ شناخت خدا

ستایش خداوندی را سزااست که احسان فراوانش بر آفریده‌ها گسترده (۱۹۳۶۴- ۱۹۳۵۹) و دست کرم او برای بخشش گشوده است. (۱۹۳۶۹- ۱۹۳۶۵)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۸۷

او را بر همه کارهایش می‌ستایم (۱۹۳۷۳- ۱۹۳۷۰) و برای نگهداری حق الهی از او یاری می‌طلبم (۱۹۳۷۸- ۱۹۳۷۴) و گواهی می‌دهیم جز او خدایی نیست.

(۱۹۳۸۴- ۱۹۳۷۹)

۲ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

و گواهی می‌دهیم که محترّم صلیّ الله علیه و آله و سلمّ بنده و فرستاده اوست. (۱۹۳۹۰- ۱۹۳۸۵) او را فرستاد تا فرمان وی را آشکار (۱۹۳۹۳- ۱۹۳۹۱) و نام خدا را بر زبان راند. (۱۹۳۹۶- ۱۹۳۹۴) پس با امانت، رسالت خویش را به انجام رساند (۱۹۳۹۸- ۱۹۳۹۷)، و با راستی و درستی به راه خود رفت (۱۹۴۰۱- ۱۹۳۹۹)، و پرچم حق را در میان ما به یادگار گذاشت (۱۹۴۰۶- ۱۹۴۰۲)، هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج (۱۹۴۰۹- ۱۹۴۰۷) و آن کس که از آن عقب ماند هلاک گردد (۱۹۴۱۴- ۱۹۴۱۰) و هر کس همراهش باشد رسنگار شود. (۱۹۴۱۸- ۱۹۴۱۵) راهنمای این پرچم، با درنگ و آرامش سخن می‌گفت (۱۹۴۲۱- ۱۹۴۱۹)، و دیر و حساب شده به پا می‌خاست (۱۹۴۳۳- ۱۹۴۲۲)، و آنگاه که بر می‌خاست سخت و چلاک، به پیش می‌رفت (۱۹۴۲۶- ۱۹۴۲۴)، پس چون در اطاعت او در آمدند (۱۹۴۳۱- ۱۹۴۲۷)، و او را بزرگ داشتید (۱۹۴۳۵- ۱۹۴۳۲)، مرگ او فرارسید و خدا او را از میان شما برد. (۱۹۴۳۹- ۱۹۴۳۶) پس از او چندان که خدا خواهد زندگانی می‌گذرانید تا آن که خدا شخصی را بر انگیزاند که شما را متحد سازد (۱۹۴۵۰- ۱۹۴۴۰)، و پراکندگی شما را جبران نماید. (۱۹۴۵۳- ۱۹۴۵۱) «۱۰ مردم! به چیزی که نیامده دل نبندید (۱۹۴۵۸- ۱۹۴۵۴)، و از آن که در گذشت مایوس نباشید (۱۹۴۶۳- ۱۹۴۵۹)، که آن پشت کرده اگر یکی از یاهایش بلغزد، و دیگری برقرار باشد (۱۹۴۷۴- ۱۹۴۶۴) شاید هر دو پا به جای خود برگشته و استوار ماند.

(۱۹۴۷۸- ۱۹۴۷۵)

۳ ندایم امامت تا ظهور امام زمان علیه السلام

آگاه باشید، مثل آل محمد صلیّ الله علیه و آله و سلمّ چونان ستارگان آسمان است (۱۹۴۸۷- ۱۹۴۷۹)، اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد (تا ظهور صاحب الزمان علیه السلام). (۱۹۴۹۲- ۱۹۴۸۸) گویا می‌بینم در پرتو خاندان پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلمّ نعمت‌های خدا بر شما تمام شده (۱۹۴۹۹- ۱۹۴۹۳) و شما به آنچه آرزو دارید رسیده‌اید.

(۱۹۵۰۴- ۱۹۵۰۰) (۱۱۰۱)

**ترجمه خطبه ۱۰۱**

**اشاره**

(از خطبه‌هایی است که در آن حوادث سخت آینده را بیان می‌دارد، که در شهر کوفه ایراد شد) (۱۹۵۱۶- ۱۹۵۰۵)

۱ ستایش و اندرز

ستایش خداوندی را که اول هر نخستین است (۱۹۵۲۲- ۱۹۵۱۷) و آخر هر گونه آخری (۱۹۵۲۷- ۱۹۵۲۳)، چون پیش از او چیزی نیست باید که ابتدایی نداشته باشد. (۱۹۵۳۴- ۱۹۵۲۸)، و چون پس از او چیزی نیست پس پایانی نخواهد داشت (۱۹۵۴۱- ۱۹۵۳۵)، و گواهی می‌دهم که جز او خدایی نیست، و خدا یکی است، آن گواهی که با درون و قلب و زبان، هماهنگ باشد. (۱۹۵۵۳- ۱۹۵۴۲) ای مردم! دشمنی و مخالفت با من، شما را تا مرز گناه نراند (۱۹۵۶۱- ۱۹۵۵۷)، و نافرمانی از من شما را به پیروی از هوای نفس نکشاند. (۱۹۵۶۲- ۱۹۵۶۰)، و به هنگام شنیدن سخن من، به گوشه چشم، یکدیگر را ننگرید. (۱۹۵۷۳- ۱۹۵۶۶)

۲ خبر از حوادث خوین آینده

(۱) بسیاری نوشته‌اند که امام در این قسمت از سخنرانی خود به ظهور حضرت مهدی علیه السلام توجه دارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۸۹

سوگند به آن کس که دانه را شکافت (۱۹۵۷۶- ۱۹۵۷۴)، و جانداران را آفرید (۱۹۵۷۹- ۱۹۵۷۷)، آنچه به شما خیر می‌دهم از پیامبر اُمّی صلیّ الله علیه و آله و سلمّ است (۱۹۵۸۷- ۱۹۵۸۰) «۱۰ نه گوینده دروغ گفت و نه شنونده «۲۱ آن گاه بود. (۱۹۵۹۴- ۱۹۵۹۰)

شیخ محمد باقر

۱۹۵۸) گویا می‌بیش شخص سخت گمراهی ۳۰، را که (۱۹۵۸–۱۹۵۹) از شام فریاد زند و بنابر (۱۹۶۰–۱۹۵۹) و پرچم‌های خود را در اطراف کوفه بیراکند (۱۹۶۰–۱۹۶۰۲)، و چون دهان گشاید (۱۹۶۰–۱۹۶۰۸) و سرکشی کند (۱۹۶۱–۱۹۶۱۱) و جای پایش بر زمین محکم گردد (۱۹۶۱–۱۹۶۱۴)، فتنه فرزند خویش را به دندان گیرد (۱۹۶۲–۱۹۶۱۹) و آتش جنگ شعله‌ور شود. (۱۹۶۲۶–۱۹۶۲۳) روزها با چهره عبوس و گرفته ظاهر شوند. (۱۹۶۳۱–۱۹۶۲۷) و شب و روز با رنج و اندوه بگذرند. (۱۹۶۳۵–۱۹۶۳۲) و آنگاه که کشتزار او به بار نشست، و میوه او آب دار شد (۱۹۶۴۲–۱۹۶۳۶)، و چون شتر مست خروشیه (۱۹۶۴۵–۱۹۶۴۳)، و چون برق درخشید (۱۹۶۴۸–۱۹۶۴۶)، پرچم‌های سیاه فتنه از هر سو به اهتزاز در آید (۱۹۶۴۹–۱۹۶۵۲) و چونان شب تار (۱۹۶۵۶–۱۹۶۵۳) و دریای متلاطم به مردم روی آورند. (۱۹۶۵۹–۱۹۶۵۷) از آن بیشتر (۱۹۶۶۰–۱۹۶۶۰)، چه طوفانهای سختی که شهر کوفه را بشکافد (۱۹۶۶۶–۱۹۶۶۱)، و چه تند بادهایی که بر آن وزیدن گیرد (۱۹۶۷۱–۱۹۶۶۷)، و به زودی دستجات مختلف به جان یکدیگر بیورش آورند: (۱۹۶۷۷–۱۹۶۷۲) آنها که بر سر پا ایستاده‌اند درو شوند (۱۹۶۸۰–۱۹۶۷۸)، و آنها که بر زمین افتاده‌اند لگد مال گردند. (۱۹۶۸۳–۱۹۶۸۱) (۱۱۰۲)

#### ترجمه خطبه ۱۰۲

#### اشاره

(از سخنان امام است که چونان خطبه‌ای جداگانه است و پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری در شهر بصره ایراد شد) (۱۹۶۸۱–۱۹۶۸۴)

#### ا وصف روز قیامت

(۱۹۷۰۲–۱۹۶۹۲) قیامت روزی است که خداوند همه انسان‌های گذشته و آینده را برای رسیدگی دقیق حساب (۱۹۷۱۳–۱۹۷۰۳) و رسیدن به پادش اعمال، گرد آورد (۱۹۷۱۶–۱۹۷۱۴)، همه فروتانه به پاسخزند (۱۹۷۱۸–۱۹۷۱۷)، عرف از سر و رویشان و کنار دهانشان جاری است (۱۹۷۲۱–۱۹۷۱۹)، و زمین زیر پایشان لرزان است (۱۹۷۲۵–۱۹۷۲۲)، نیکو حال ترین آنان کسی است که جای گذاشتن دو پایش را پیدا کند (۱۹۷۳۱–۱۹۷۲۶) یا جایی برای آسوده ماندن نیابد. (۱۹۷۳۴–۱۹۷۳۲) ۴۰،

#### ۲ خبر از آینده خوین بصره و رزم مجاهدانی پیروز

فته‌هایی چون تاریکی شب (۱۹۷۴۴–۱۹۷۳۹) که نیرویی نمی‌تواند بر اثر آن بایستد (۱۹۷۴۸–۱۹۷۴۵)، و کسی نتواند پرچم‌های آن را پایین کند. (۱۹۷۵۳–۱۹۷۴۹)، به سوی شما می‌آید چونان شتری که مهار شده و جهاز یر پشت آن نهاده (۱۹۷۵۶–۱۹۷۵۴) و ساریان آن را کشانده (۱۹۷۵۸–۱۹۷۵۷) و به سرعت می‌راند. (۱۹۷۶۱–۱۹۷۵۹) فتنه جوان کسانی هستند که ضربات آنها شدید (۱۹۷۶۵–۱۹۷۶۲) و غارتگری آنان اندک است. (۱۹۷۶۷–۱۹۷۶۶) مردمی بی‌آنان جهاد می‌کنند که در چشم متکبران خوار (۱۹۷۷۵–۱۹۷۶۸) و در روی زمین گمشام (۱۹۷۷۸–۱۹۷۷۶) و در آسمان‌ها معروفند. (۱۹۷۸۲–۱۹۷۷۹) در این هنگام، وای بر تو ای بصره! از سپاهی که نشانه خشم و انتقام الهی است (۱۹۷۹۳–۱۹۷۸۳)،

(۱) اقی: یعنی کسی که به مدرسه‌ای زرت و از کسی علمی نیاموخت (که علوم او از طرف خداست)

(۲) شونده ضخص امام است.

(۳) برخی از شارحان نهج البلاغه، و مؤرخین گفته‌اند که آن شخص عبد الملک مروان است.

(۴) نفی نظریه: فالیریم (msilataF جبر علمی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۹۱

بی گرد و غبار و صدایی به تو حمله خواهند کرد (۱۹۷۹۹–۱۹۷۹۴) ۱۰۰، و چه زود ساکنات به مرگ سرخ (۱۹۸۰۴–۱۹۸۰۰) و گرسنگی غبار آلود دچار می‌گردند. (۱۹۸۰۵–۱۹۸۰۲) ۲۰، (۱۱۰۳)

#### ترجمه خطبه ۱۰۳

#### ۱ روش برخورد با دنیا

ای مردم! به دنیا چونان زاهدان روی گردان از آن، بنگرید. (۱۹۸۲۴–۱۹۸۱۷) (۱۹۸۲۶–۱۹۸۲۵) به خدا سوگند، دنیا به زودی ساکنان خود را از میان می‌برد (۱۹۸۳۴–۱۹۸۲۷) و رفاه زدگان امین را به درد می‌آورد (۱۹۸۳۸–۱۹۸۳۵) آنچه از دست رفت و پشت کرد هیچ گاه بر نمی‌گردد (۱۹۸۴۴–۱۹۸۳۹)، و آینده به روشنی معلوم نیست تا در انتظارش باشند (۱۹۸۴۵–۱۹۸۴۵)، شادی و سرور دنیا با غم و اندوه آمیخته (۱۹۸۵۵–۱۹۸۵۳)، و توانایی انسان به ضعف و سستی می‌گراید. (۱۹۸۶۳–۱۹۸۵۶) زیبایی‌ها و شگفتی‌های دنیا شما را مغرور نسازد (۱۹۸۶۹–۱۹۸۶۴)، زیرا زمان کوتاهی دوام ندارد. (۱۹۸۷۳–۱۹۸۷۰) خدا بامرزد کسی را که بدرستی فکر کند، و پند گیرد (۱۹۸۷۸–۱۹۸۷۴)، و آگاهی یابد، و بینا شود (۱۹۸۸۱–۱۹۸۷۹) ۳۰، پس به زودی خواهید دانست که آنچه از دنیا وجود داشت از آن چیزی نمانده (۱۹۸۹۱–۱۹۸۸۲)، و آنچه از آخرت است جاویدان خواهد ماند. (۱۹۹۰۲–۱۹۸۹۲)، هر چیز که به شمارش آید پایان پذیرد (۱۹۹۰۶–۱۹۹۰۳)، و هر چه انتظارش را می‌کشیدید خواهد آمد (۱۹۹۱۰–۱۹۹۰۷)، ۴۰، و آنچه آمدنی است نزدیک باشد. (۱۹۹۱۵–۱۹۹۱۱) (و از همین خطبه است)

#### ۲ ارزش عالم و بی ارزشی جاهل

(۱۹۹۱۷–۱۹۹۱۶) دانا کسی است که قدر خود را بشناسد (۱۹۹۲۳–۱۹۹۱۸)، و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش نداند. (۱۹۹۳۰–۱۹۹۲۴) دشمن روی‌ترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود واگذاشته (۱۹۹۳۳–۱۹۹۳۱) تا از راه راست منحرف گردد (۱۹۹۴۷–۱۹۹۴۴)، و بدون راهنما برود (۱۹۹۵۰–۱۹۹۴۸)، اگر به محصولات دنیا دعوت شود تا مرز جان تلاش کند (۱۹۹۵۶–۱۹۹۵۱) اما چون به آخرت و نعمتهای گوناگونش دعوت شود، سستی ورزد (۱۹۹۶۳–۱۹۹۵۷)، گویا آنچه برای آن کار می‌کند بر او واجب (۱۹۹۶۹–۱۹۹۶۴) و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تبلی می‌کند، از او نخواستند. (۱۹۹۷۶–۱۹۹۷۰)

#### ۳ سخنی از آینده

(۱۹۹۷۸–۱۹۹۷۷) و این روزگاری است که جز مؤمن بی نام و نشان از آن رهایی نیابد: (۱۹۹۹۰–۱۹۹۷۹) در میان مردم است او را نشناستد (۱۹۹۹۴–۱۹۹۹۱)، و در میان جمعیت که نباشد کسی سراغ او را نگیرد (۱۹۹۹۹–۱۹۹۹۵)، آنها چراغ‌های هدایت (۲۰۰۰۲–۲۰۰۰۰)، و نشانه‌های رسنگاری‌اند (۲۰۰۰۵–۲۰۰۰۳)، نه فتنه انگیزند و اهل فساد (۲۰۰۰۷–۲۰۰۰۶)، و نه سخنان دیگران و زشتی این و آن را به مردم رسانند (۲۰۰۱۱–۲۰۰۰۸)، خدا درهای رحمت را به روی آنان باز کرده (۲۰۰۱۷–۲۰۰۱۲) و سختی عذاب خویش را از آنان گرفته است. (۲۰۰۲۲–۲۰۰۱۸) ای مردم! بزودی زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام چونان ظرف وازگون شده، آنچه در آن است ریخته می‌شود. (۲۰۰۳۵–۲۰۰۲۳)

(۱) می‌توان فرازهای آخر را به عواضان رزمنده ایران در عملیات کربلای پنخ تفسیر کرد که زیر آب، بی گرد و غبار و صدایی به بصره حمله می‌کردند.

(۲) افره، غبار آلود که چهره‌ها از شدّت گرسنگی بی دردنگ و گرد آلود می‌نماید.

(۳) اشاره به: آپولوژی (APOLOGY)عبرت آموزی و پند گیری)

(۴) و آن مرگ حتمی است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۹۳

ای مردم! خداوند به شما ظلم نخواهد کرد و از این جهت تأمین داده است (۲۰۰۴۵–۲۰۰۳۶) اما هرگز شما را ایمن نساخت که آزمایش نفرماید (۲۰۰۵۱–۲۰۰۴۶)، که این سخن از آن ذات برتر است که فرمود:

(در جریان نوح، نشانه‌هایی است و ما مردم را می‌آزماییم.)

(۲۰۰۵۲–۲۰۰۵۲) می‌گوییم: (کلام امام علیه السلام که فرمود:

«کلّ مؤمن نومه»

(۲۰۰۵۵–۲۰۰۶۶) یعنی کسی که گننام و سزّ او اندک است (۲۰۰۸۲–۲۰۰۷۶) و «المسایح! جمع «مسایح» کسی است که میان

پیامبر صلی الله علیه و آله

مردم فساد کرده و سخن چین است (۲۰۰۹۵–۲۰۰۸۳)، و «مذایب» جمع «مذایع» کسی است که چون بدی کسی را شنید در میان مردم رواج می‌دهد (۲۰۱۱۰–۲۰۰۹۶)، و «بذره جمع «بذوره کسی است که بسیار نادان است و سخن بیپوده گوید» (۲۰۱۲۲–۲۰۱۱۱) (۲۰۱۱۴)

#### ترجمه خطبه ۱۰۴

#### اشاره

(در سال ۳۶ هجری وقتی امام به سوی شهر بصره حرکت می‌کرد در صحرای ربهذه هنگامی که برخی از حوایج بیت الله نیز به سخنان آن حضرت گوش فرا می‌دادند ایراد فرمود)

#### ره آورد بخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پس از ستایش پروردگاره، همانا خداوند سبحان، حضرت محمّد صلیّ الله علیه و آله و سلم را مبعوث فرمود، در روزگاری که عرب کنایی نخوانده (۲۰۱۴۲–۲۰۱۲۸) و ادعای وحی و پیامبری نداشت. (۲۰۱۴۹–۲۰۱۴۳) پیامبر اسلام صلیّ الله علیه و آله و سلم با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت (۲۰۱۵۴–۲۰۱۵۰) تا آنان را به سر منزل نجات کشاند (۲۰۱۵۷–۲۰۱۵۵)، و پیش از آن که مرگشان فرا رسد آنان را به رستگاری رساند. (۲۰۱۶۴–۲۰۱۵۸) با خستگان مدارا کرد (۲۰۱۶۶–۲۰۱۶۵)، و شکسته حالان را زیر بال گرفت (۲۰۱۶۹–۲۰۱۶۷) تا همه را به راه راست هدایت فرمود، جز آنان که راه گمراهی پیموند. و در آنها خیری نبود. (۲۰۱۷۹–۲۰۱۷۰) همه را نجات داد (۲۰۱۸۲–۲۰۱۸۰)، و در جایگاه مناسب رستگاری، استقرارشان بخشید (۲۰۱۸۵–۲۰۱۸۳)، تا آن که آسیاب زندگی آنان به چرخش در آمد (۲۰۱۸۷–۲۰۱۸۶)، و نیزه‌شان نیز شد. (۲۰۱۹۰–۲۰۱۸۸) به خدا سوگند! من در دنباله آن سپاه بودم، تا باطل شکست خورد و عقب نشست (۲۰۲۰۰–۲۰۱۹۱)، و همه رهبری اسلام را فرامتردار شدند (۲۰۲۰۴–۲۰۲۰۱)، در این راه هرگز ناتوان نشدم، و نترسیدم، و خیانت نکردم، و سستی در من راه نیافت. (۲۰۲۱۵–۲۰۲۰۵) به خدا سوگند! درون باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم.

(۲۰۲۲۵–۲۰۲۱۶) می‌گویم: (جملات برگزیده این خطبه را در خطبه ۳۳ نیز آورده‌ام) (۲۰۲۳۵–۲۰۲۲۶)، چون در این نقل اندک تفاوتی وجود داشت (۲۰۲۴۹–۲۰۲۳۶) بار دیگر جداگانه آن را آوردم) (۲۰۲۵۳–۲۰۲۵۰) (۱۱۰۵)

#### ترجمه خطبه ۱۰۵

#### اشاره

(نوشته‌اند که امام این سخنرانی را ۵ روز پس از بدست گرفتن قدرت سیاسی کشور در آخر ذی الحجه سال ۳۵ هجری ایراد فرمود)

#### ا ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

تا اینکه خدا محمّد صلیّ الله علیه و آله و سلم را برانگیخت، گواهی دهنده، بشارت دهنده، هشدار دهنده. (۲۰۲۷۱–۲۰۲۷۲) پیامبری که بهترین آفریدگان در خردسالی (۲۰۲۸۵–۲۰۲۸۳)، و در سِنّ پیری نجیب‌ترین و بزرگوارترین مردم بود (۲۰۲۸۸–۲۰۲۸۶)، اخلاقت از همه پاکان پاکتر (۲۰۲۹۲–۲۰۲۸۹) و باران کرشم از هر چیزی با دوامتر بود. (۲۰۲۹۶–۲۰۲۹۳)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۹۵

#### ۲ هشدار از آینده تلخ فرزندان امیه

شما ای فرزندان امیه! زمانی از لذّت و شیرینی دنیا بهره‌مند شدید، و از پستان آن نوشیدید (۲۰۳۰۴–۲۰۲۹۷) (۲۰۳۱۰–۲۰۳۰۵) (۲۰۳۱۵–۲۰۳۱۱) که افسارش رها (۲۰۳۱۷–۲۰۳۱۶)، و بند جهازش محکم نبود (در حکومت عثمان) (۲۰۳۱۹–۲۰۳۱۸)، تا آنجا که حرام دنیا نزد گروهی چونان میوه درخت سدر بی عصار، آسان (۲۰۳۲۷–۲۰۳۲۰)، و حلال آن دشوار و غیر ممکن شد. (۲۰۳۳۲–۲۰۳۲۸) به خدا سوگند، دنیایی که در دست شمس‌است چونان سایه‌ای است گسترده که زود به سر آمد خود نزدیک می‌شود. (۲۰۳۴۱–۲۰۳۳۳) امروز زمین برای شما خالی و گسترده (۲۰۳۴۴–۲۰۳۴۴)، و دست‌هایان برای انجام هر رفتار نادردستی باز (۲۰۳۴۸–۲۰۳۴۵)، و دست‌های رهبران واقعی بسته است. (۲۰۳۵۳–۲۰۳۴۹) شمشیر شما بر آنان مسلط (۲۰۳۵۷–۲۰۳۵۴) و شمشیر آنان از شما باز گرفته شده است. (۲۰۳۶۱–۲۰۳۵۸) آگاه باشید! هر خوبی، خونخواهی دارد (۲۰۳۶۷–۲۰۳۶۲)، و هر حقی را جستجوگری است (۲۰۳۷۱–۲۰۳۶۸)، انتقام گیرنده خون‌های ما، چونان حاکمی است که برای خود داوری کند (۲۰۳۸۰–۲۰۳۷۲)، و او خداوندی است که از گرفتن کسی ناتوان نگردد (۲۰۳۸۸–۲۰۳۸۱)، و کسی از پنجه عدالت او نمی‌تواند بگریزد. (۲۰۳۹۳–۲۰۳۸۹) ای فرزندان امیه! سوگند به خدا! زود باشد که این خلافت و دولت را در دست دیگران او، و در خانه دشمنان خود بنگرد. (۲۰۴۰۸–۲۰۳۹۴)، آگاه باشید! بین‌ترین چشمها آن است که در دل نیکی‌ها نفوذ کند (۲۰۴۱۷–۲۰۴۰۹)، و شواترین گوش‌ها آن که بندها و نذکرات سودمند را در خود جای دهد. (۲۰۴۲۶–۲۰۴۱۸)

#### ۳ اندرزهای جوادانه، و توجه دادن مردم به اهل بیت علیهم السلام

(۲۰۴۲۸–۲۰۴۲۷) ای مردم! چراغ دل را از نور گفتار گوینده با عمل روشن سازید (۲۰۴۳۶–۲۰۴۲۹) و ظرف‌های جان را از آب زلال چشمه‌هایی که از آلودگی‌ها پاک است پر نمایند. (۲۰۴۴۵–۲۰۴۳۷) ای بنندگان خدا! به نادانی‌های خود نکیه نکنید (۲۰۴۵۱–۲۰۴۴۶)، و تسلیم هوای نفس خویش نباشید (۲۰۴۵۵–۲۰۴۵۲)، که چنین کسی بر لبه پرنگاه قرار دارد (۲۰۴۶۳–۲۰۴۵۶)، و بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می‌کشد، و از جایی به جای دیگر می‌برد (۲۰۴۶۹–۲۰۴۶۴) (۲۰۴۷۵–۲۰۴۷۰)، تا آنچه را که ناچسب است چسباند (۲۰۴۸۱–۲۰۴۷۶)، و آنچه را که دور می‌نماید نزدیک جلوه دهد. (۲۰۴۸۶–۲۰۴۸۲) خدا را، مبادا شکایت نزد کسی برید که نمی‌تواند آن را بر طرف سازد (۲۰۴۹۵–۲۰۴۸۷)، و توان گره گشایی از کارنان ندارد. (۲۰۵۰۳–۲۰۴۹۶) همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید (۲۰۵۱۳–۲۰۵۰۴)، و آن، کوتاهی نکردن در بند و نصیحت (۲۰۵۱۶–۲۰۵۱۴)، تلاش در خیر خواهی (۲۰۵۲۰–۲۰۵۱۷)، زنده نگاهداشتن سنّت پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلم (۲۰۵۲۳–۲۰۵۲۱)، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان (۲۰۵۲۸–۲۰۵۲۴)؛ « !»، رساندن سهم‌های بیت المال به بی‌ظنّت مردم، است. (۲۰۵۳۳–۲۰۵۲۹) پس در فراگیری علم و دانش پیش از آن که درختش بخشکد تلاش کنید (۲۰۵۳۹–۲۰۵۳۴)، و پیش از آن که به خود مشغول گردید از معدن علوم (اهل بیت علیهم السّلام) دانش استخراج کنید. (۲۰۵۵۱–۲۰۵۴۰) مردم را از حرام و منکرات باز دارید، و خود هم مرتکب نشوید (۲۰۵۵۸–۲۰۵۵۲)، زیرا دستور داده شدید که ابتدا خود محزّمات را ترک و سپس مردم را باز دارید.

(۲۰۵۶۳–۲۰۵۵۹)

(۱) بنی امیه تا سال ۱۳۲ هجری حکومت کردند، که آخرین آنها «مروان حماره» به دست ابو مسلم خراسانی و «احمد سفاح» تأیود و دودمانشان بر باد رفت، آنگاه بنی العباس قدرت را به دست گرفتند، که سفّاح تنها در بیک مرحله، هفتاد هزار نفر از رجال و بزرگان بنی امیه را قتل عام کرد.

(۲) اشاره به مکتب: لگالیسم (LEGALISM) (اصالت دادن به قانون) که همه افراد جامعه در مرز قانون اداره شوند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۹۷

(۱۱۰۶)

#### ترجمه خطبه ۱۰۶

#### اشاره

(این خطبه در شهر کوفه در نگوهش و هشدار کوفیان ایراد شد)

#### ❶ ره آورده اسلام

ستایش خداوندی را سزاست که راه اسلام را گشود (۲۰۵۸۷–۲۰۵۸۱)، و راه نوشیدن آب زلالش را بر نشنگان آسان فرمود. (۲۰۵۹۱–۲۰۵۸۸) ستون‌های اسلام را در برابر ستیزه جوانان استوار کرد (۲۰۵۹۷–۲۰۵۹۲) و آن را پناهگاه آمتی برای پناه برندگان

(۲۰۶۰۱ - ۲۰۵۹۸)، و مسایه آرامش برای وارد شوندگان قرار داد. (۲۰۶۰۵ - ۲۰۶۰۲) اسلام، حکمت و برهان برای گویندگان (۲۰۶۱۰ - ۲۰۶۰۶)، و گروه روشن برای دفاع کنندگان (۲۰۶۱۵ - ۲۰۶۱۱)، و نور هدایتگر برای روشنی خواهان (۲۰۶۱۶ - ۲۰۶۰۶)، و مایه فهمیدن برای خردمندان (۲۰۶۲۴ - ۲۰۶۲۱)، و عقل و درک برای تدبیر کنندگان (۲۰۶۲۸ - ۲۰۶۲۵)، و نشانه گویا برای جویندگان حق (۲۰۶۳۲ - ۲۰۶۲۹)، و روشن بینی برای صاحبان عزم و اراده (۲۰۶۳۶ - ۲۰۶۳۳)، بند پذیری برای عبرت گیرندگان (۲۰۶۴۰ - ۲۰۶۳۷)، عامل نجات و دستگیری برای تصدیق کنندگان (۲۰۶۴۴ - ۲۰۶۴۱)، و آرامش دهنده تکیه کنندگان (۲۰۶۴۸ - ۲۰۶۴۵)، راحت و آسایش توکل کنندگان (۲۰۶۵۲ - ۲۰۶۴۹)، و سیری نگهدارنده برای استقامت دارندگان است. (۲۰۶۵۶ - ۲۰۶۵۳) اسلام روشن ترین راهها است (۲۰۶۵۹ - ۲۰۶۵۷)، جاذبه‌هایش درخشان (۲۰۶۶۲ - ۲۰۶۶۰)، نشانه‌های آن در بلندترین جایگاه (۲۰۶۶۶ - ۲۰۶۶۳)، چراغ‌هایش پرفروغ و سوزان (۲۰۶۶۶ - ۲۰۶۶۵) (۲۰۶۶۸ - ۲۰۶۶۷)، میدان مسابقه آن پاکیزه برای پاکان (۲۰۶۷۰ - ۲۰۶۶۹)، سرانجام مسابقه‌های آن روشن و بی پایان (۲۰۶۷۲ - ۲۰۶۷۱) (۲۰۶۷۴ - ۲۰۶۷۳)، مسابقه دهندگان آن پیشی گیرنده (۲۰۶۷۵ - ۲۰۶۷۴) و جایکام سوارانند. (۲۰۶۷۸ - ۲۰۶۷۷) برنامه این مسابقه، تصدیق کردن به حق (۲۰۶۸۰ - ۲۰۶۷۹)، راهنمایان آن، اعمال صالح (۲۰۶۸۳ - ۲۰۶۸۱)، پایان آن، مرگ (۲۰۶۸۶ - ۲۰۶۸۴)، میدان مسابقه، دنیا (۲۰۶۸۹ - ۲۰۶۸۷)، مرکز گرد آمدن مسابقه دهندگان، قیامت (۲۰۶۹۲ - ۲۰۶۹۰)، و جایزه آن بهشت است. (۲۰۶۹۵ - ۲۰۶۹۳)

#### ۴۲ دعا برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۲۰۷۰۱ - ۲۰۶۹۶) تا آن که خداوند با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شعله‌ای از نور برای طالبان آن بر افروخت (۲۰۷۰۵ - ۲۰۷۰۲)، و بر سر راه گمشدگان چراغی پرفروغ قرار داد. (۲۰۷۰۹ - ۲۰۷۰۶) خداوند! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امین و مورد اطمینان (۲۰۷۱۲ - ۲۰۷۱۰) و گنوا روز قیامت است (۲۰۷۱۶ - ۲۰۷۱۳)، نعمتی است که بر انگیزته (۲۰۷۱۹ - ۲۰۷۱۷) و رحمتی است که به حق فرستاده‌ای. (۲۰۷۲۳ - ۲۰۷۲۰) خداوند! بهره فراوانی از عدل خود به او اختصاص ده (۲۰۷۲۴ - ۲۰۷۲۰)، و از احسان و کرم خود بهره‌ای به او بخش. (۲۰۷۳۵ - ۲۰۷۳۰) خدا! بنای دین او را از آنچه دیگران بر آورده‌اند، عالی تر قرار ده. (۲۰۷۴۱ - ۲۰۷۳۶) او را بر سر سرخان کرمت گرامی تر دار (۲۰۷۴۵ - ۲۰۷۴۲)، و بر شرافت مقام او در نزد خود بیفز (۲۰۷۴۹ - ۲۰۷۴۶)، و وسیله تقرب خویش را به او عنایت فرما (۲۰۷۵۰ - ۲۰۷۵۰)، و بلندی مقام و فضیلت او را بی مانند گردان (۲۰۷۵۷ - ۲۰۷۵۳)، و ما را از یاران او محشور فرما، چنانکه نه زیانکار باشیم (۲۰۷۶۳ - ۲۰۷۵۸) و نه پشیمان (۲۰۷۶۶ - ۲۰۷۶۴)، نه دور از راه حق باشیم (۲۰۷۶۹ - ۲۰۷۶۷) و نه شکسته پیمان (۲۰۷۷۲ - ۲۰۷۷۰)، نه گمراه باشیم (۲۰۷۷۵ - ۲۰۷۷۳) و نه گمراه کننده باشیم (۲۰۷۷۸ - ۲۰۷۷۶)، نه فریب هوای نفس خویریم و نه وسوسه شیطان. (۲۰۷۸۱ - ۲۰۷۷۹)

#### ۴۳ ره آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مردم! از سر نعمت بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و لطف خداوند بزرگ به مقامی رسیده‌اید که حتی کنیزان شما را گرامی می‌دارند (۲۰۸۱۶ - ۲۰۸۰۵)، و به همسایگان شما محبت می‌کنند (۲۰۸۲۰ - ۲۰۸۱۷)، کسانی برای شما احترام قائلند که شما از آنها برتری نداشته (۲۰۸۲۷ - ۲۰۸۲۱) و بر آنها حتی ندارید (۲۰۸۳۳ - ۲۰۸۲۸)؛ نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۱۹۹  
کسانی از شما می‌ترسند که نه ترس از حکومت شما دارند (۲۰۸۳۹ - ۲۰۸۳۳) و نه شما بر آنها حکومتی دارید. (۲۰۸۴۴ - ۲۰۸۴۰) می‌گویم: (این کلمات در خطبه ۷۲ نیز وجود داشت، امّا بدان جهت که اضافات مفیدی داشت در اینجا نیز آورده‌ام).

#### ۴۴ علل سقوط و سیر ارتجایی امت

با آن همه بزرگواری و کرامت، هم اکنون می‌نگرید که قوانین و پیمان‌های الهی شکسته شده، اّیا خشم نمی‌گیرید (۲۰۸۵۲ - ۲۰۸۴۵) در حالی که اگر پیمان پدرانانان نقض می‌شد ناراحت می‌شدید (۲۰۸۵۸ - ۲۰۸۵۳)، شما مردمی بودید که دستورال الهی ابتدا به دست شما می‌رسید (۲۰۸۶۴ - ۲۰۸۵۹) و از شما به دیگران ابلاغ می‌شد (۲۰۸۶۷ - ۲۰۸۶۵) و آثار آن باز به شما بر می‌گشت. (۲۰۸۷۰ - ۲۰۸۶۸) اما امروز جایگاه خود را به ستمگران واگذاردید (۲۰۸۷۴ - ۲۰۸۷۱)، و زمام امور خود را به دست بیگانگان سپردید (۲۰۸۷۸ - ۲۰۸۷۵)، و امور الهی را به آنان تسلیم کردید! (۲۰۸۸۴ - ۲۰۸۷۹) آنهایی که به شهوات عمل می‌کنند (۲۰۸۸۶ - ۲۰۸۸۵)، و در شهوات غوطه‌ورند (بنی امیه) (۲۰۸۹۰ - ۲۰۸۸۷) به خدا سوگند! اگر دشمنان، شما را در زیر ستارگان آسمان بپراکنند (۲۰۸۹۸ - ۲۰۸۹۱)، باز خداوند شما را برای انتقام گرفتن از ستمگران گرد می‌آورد. (۲۰۹۰۳ - ۲۰۸۹۹) (۱۱۰۷)

#### ترجمه خطبه ۱۰۷

##### اشاره

(در برخی از روزهای نبرد صفین در سال ۳۷ هجری برای تشکر و تقویت روحیه سربازانش ایراد فرمود) (۲۰۹۰۴ - ۲۰۹۱۲)

##### وصف نبرد باران در صفین

از جای کنده شدن و فرار شما را از صفا دیدم (۲۰۹۲۰ - ۲۰۹۱۳)، فرومایگان گنهام، و بیابان نشینانی از شام، شما را پس می‌راندند (۲۰۹۲۳ - ۲۰۹۲۱) (۲۰۹۲۷ - ۲۰۹۲۴)، در حالی که شما از بزرگان و سرشناسان عرب (۲۰۹۳۱ - ۲۰۹۲۸) و از سران شرف می‌باشید (۲۰۹۳۴ - ۲۰۹۳۲)، برازندگی چشمگیری دارید (۲۰۹۳۷ - ۲۰۹۳۵) و قلده‌های سر فراز و بلند قامتید (۲۰۹۴۰ - ۲۰۹۳۸)، سر انجام سوزش سینه‌ام با مقاومت و حملات دلآورانه شما، تسکین یافت (۲۰۹۴۵ - ۲۰۹۴۱)، که دیدم شامیان را هزیمت دادید و صف‌های آنان را در هم شکستید (۲۰۹۴۸ - ۲۰۹۴۶) (۲۰۹۵۱ - ۲۰۹۴۹)، و آنان را از لشکرگاه خود راندید، آنگونه که آنها شما را کنار زدند. (۲۰۹۵۷ - ۲۰۹۵۲) می‌دیدم با نیزه‌ها آنان را کوفتید (۲۰۹۵۹ - ۲۰۹۵۸) و با تیرها، آنها را هدف قرار دادید (۲۰۹۶۲ - ۲۰۹۶۰)، که فراریان و کشتگان دشمن روی هم ریختند، و بر دوش هم سوار می‌شدند، چونان شتران تشنه‌ای که از آبخورشان برآند و به هر سو گریزان باشند. (۲۰۹۷۵ - ۲۰۹۶۳) (۱۱۰۸)

#### ترجمه خطبه ۱۰۸

##### اشاره

(یکی از سخنرانی‌های امام در شهر کوفه که حوادث سخت آینده را بیان فرمود) (۲۰۹۷۶ - ۲۰۹۸۵)

##### ۱ خدا شناسی

ستایش خدایی را سزااست که با آفرینش مخلوقات، بر انسان‌ها تجلّی کرد (۲۰۹۹۲ - ۲۰۹۸۶)، و بسا برهان و دلیل خود را بر قلب‌هایشان آشکار کرد. (۲۰۹۹۶ - ۲۰۹۹۳) مخلوقات را بدون نیاز به فکر و اندیشه آفرید. (۲۱۰۰۱ - ۲۰۹۹۷) که فکر و اندیشه مخصوص کسانی است که دلی درون سینه داشته باشند و او چنین نیست (۲۱۰۰۵ - ۲۱۰۰۲)،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۰۱

که علم خداوندی ژرفای پرده‌های غیب را شکافته است (۲۱۰۲۰ - ۲۱۰۱۶)، و به افکار و عقاید پنهان احاطه دارد. (۲۱۰۲۵ - ۲۱۰۲۱) (و از همین خطبه است که پیرامون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود):

(۲۱۰۳۱ - ۲۱۰۲۶)

##### ۲ وصف پیامبر اسلام (ص)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از درخت توئمند پیامبران (۲۱۴۱۳ - ۲۱۴۱۰)، از سرچشمه نور هدایت (۲۱۰۳۸ - ۲۱۰۳۲)، از جایگاه بلند و بی‌همانند (۲۱۰۴۱ - ۲۱۰۳۹)، از سرزمین بطحاء (۲۱۰۴۴ - ۲۱۰۴۲)، اّیا، از چراغ‌های بر افروخته در تاریکی‌ها (۲۱۰۴۷ - ۲۱۰۴۵)، و از سر چشمه‌های حکمت برگزید. (۲۱۰۵۰ - ۲۱۰۴۸) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طیبی است که برای درمان بیماران ستیاز است. (۲۱۰۵۸ - ۲۱۰۵۱) مرهم‌های شفا بخش او آماده (۲۱۰۶۱ - ۲۱۰۵۹)، و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاخته. (۲۱۰۶۴ - ۲۱۰۶۲) برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده (۲۱۰۷۸ - ۲۱۰۶۵)، و با داری

خود در بی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.

(۲۱۰۸۲ - ۲۱۰۹۹ - ۲۱۰۸۵ - ۲۱۰۸۳)

#### ۴۳ علل انحراف فرزندان امینه

بنی امینه، با نور حکمت، جان و دل خود را روشن نساخته (۲۱۰۸۹ - ۲۱۰۸۶)، و با شعله‌های فروزان دانش، قلب خود را نورانی نکرده‌اند (۲۱۰۹۵ - ۲۱۰۹۰)، چونان چهارپایان صحرايي (۲۱۱۰۰ - ۲۱۰۹۶) و سنگ‌های سخت و نفوذ ناپذیرند. (۲۱۱۰۳ - ۲۱۱۰۱) به تحقیق رازهای درون برای صاحبان آگاهی آشکار (۲۱۱۰۸ - ۲۱۱۰۴)، و راه حق برای گمراهان نیز روشن است (۲۱۱۱۳ - ۲۱۱۰۹)، و مستخیز نقاب از چهره بر انداخت. (۲۱۱۱۸ - ۲۱۱۱۴) و نشانه‌های خود را برای زیرکان و آنان که طالب حَقْدْ نمایند. (۲۱۱۲۲ - ۲۱۱۱۹)

#### ۴۴ تکوین کوفیان

مردم کوفه! چرا شما را پیکره‌های بی روح (۲۱۱۲۸ - ۲۱۱۲۳)، و روح‌های بدون جسد می‌نگرم؟ (۲۱۱۲۳ - ۲۱۱۲۹) چرا شما را عبادت کنندگانی بدون صلاحیت (۲۱۱۳۶ - ۲۱۱۳۳)، و بازرگانانی بدون سود و تجارت (۲۱۱۴۰ - ۲۱۱۳۷)، و میدارانی خفته (۲۱۱۴۳ - ۲۱۱۴۱)، و حاضرانی غایب از صحنه (۲۱۱۴۶ - ۲۱۱۴۴)، بیندگانی تابینا (۲۱۱۴۹ - ۲۱۱۴۷)، شونده‌گانی کر (۲۱۱۵۲ - ۲۱۱۵۰)، و سخن گویانی لال، مشاهده می‌کنم؟ (۲۱۱۵۵ - ۲۱۱۵۳) پرچم گمراهی بر پایه‌های خود بر افراشته شده (۲۱۱۶۱ - ۲۱۱۵۶) و طرفداران آن فراوان گشته (۲۱۱۶۴ - ۲۱۱۶۲)؛ شما را با پیمانۀ خود می‌سنجند و سرکوب می‌کنند (۲۱۱۶۶ - ۲۱۱۶۴) (۲۱۱۶۹ - ۲۱۱۶۷)، پرچمدارشان (معاویه)، از مَلت اسلام خارج (۲۱۱۷۳ - ۲۱۱۷۰) و بر راه گمراهی ایستاده است. (۲۱۱۷۶ - ۲۱۱۷۴)

#### ۴۵ خبر از کشتار و فساد بنی امینه

پس آن روز که بر شما دست یابند جز تعداد کمی از شما باقی نگذارند، چونان باقی مانده غذایی اندک در ته دیگ (۲۱۱۸۴ - ۲۱۱۷۷) یا دانه‌های غذای چسبیده در اطراف ظرف (۲۱۱۸۸ - ۲۱۱۸۵) شما را مانند پوست‌های چرمی به هم پیچانده می‌فشارند (۲۱۱۹۱ - ۲۱۱۸۹)، و همانند خرمن شما را به شدت می‌کوبند (۲۱۱۹۵ - ۲۱۱۹۲)، و چونان پرده‌های که دانه‌های درشت را از لاغر جدا کند، این گمراهان، مؤمنان را از میان شما جدا ساخته تا بورد می‌کنند (۲۱۱۹۶ - ۲۱۱۹۸).

#### ۴۶ هشدار و سفارش به اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

با توجه به این همه خطرات، روشهای گمراه کننده شما را به کجا می‌کشاند؟ (۲۱۲۱۲ - ۲۱۲۰۹) تاریکی‌ها و ظلمتها، تا کی شما را متعیر می‌سازد؟ (۲۱۲۱۶ - ۲۱۲۱۳)

(۱) سرزمین بطلحا، بین دو کوه ابو قیس و احمر را می‌گفتند که محل زندگی قریش بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۰۳

دروغ پردازینها تا چه زمانی شما را می‌فرید؟ (۲۱۲۱۹ - ۲۱۲۱۷) از کجا دشمن در شما نفوذ کرده به اینجا آورده (۲۱۲۲۳ - ۲۱۲۲۰) و به کجا باز می‌گرداند؟ (۲۱۲۲۶ - ۲۱۲۲۴) آگاه باشید که هر سر آمدی را پرونده‌ای (۲۱۳۰۰ - ۲۱۲۲۷)، و هر غیبی را بازگشت دو باره‌ای است. (۲۱۲۳۴ - ۲۱۲۳۱) مردم! به سخن عالم خداشناس خود گوش فرا دهید (۲۱۳۳۷ - ۲۱۲۳۵) دل‌های خود را در پیشگاه او حاضر کنید (۲۱۲۴۰ - ۲۱۲۳۸)، و با فریادهای او بیدار شوید! (۲۱۲۴۵ - ۲۱۲۴۱) رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید (۲۱۲۴۹ - ۲۱۲۴۶) و پراکنده‌گی مردم را به وحدت تبدیل (۲۱۲۵۲ - ۲۱۲۵۰)، و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق آماده گرداند. (۲۱۲۵۵ - ۲۱۲۵۳) پیشوای شما چنان واقعیت‌ها را برای شما شکافت چونان شکافتن مهره‌های ظرف (۲۱۲۶۱ - ۲۱۲۵۶)، و حقیقت را از باطل چون شیره درختی که از بدنه آن خارج شود، بیرون کشید.

(۲۱۲۶۵ - ۲۱۲۶۲)

#### ۴۷ خبر از مسخ ارزش‌ها در حکومت بنی امینه

پس در آن هنگام که امویان بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار شود (۲۱۲۷۰ - ۲۱۲۶۶)، و جهل و نادانی بر مرکب‌ها سوار (۲۱۲۷۴ - ۲۱۲۷۱)، و طغافرت زمان عظمت یافته (۲۱۲۷۷ - ۲۱۲۷۵)، و دعوت کنندگان به حق اندک و بی مشرتی خواهند شد. (۲۱۲۸۰ - ۲۱۲۷۸) روزگار چونان درنده خطرناکی حمله‌ور شده (۲۱۲۸۶ - ۲۱۲۸۱)، و باطل پس از مدت‌ها سکوت، نعره می‌کشد (۲۱۲۹۲ - ۲۱۲۸۷)، مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می‌گذارند (۲۱۲۹۷ - ۲۱۲۹۳)، و در جدا شدن از دین متحد می‌گردند (۲۱۳۰۱ - ۲۱۲۹۸)، در دروغ پردازی بنا هم دوست (۲۱۳۰۵ - ۲۱۳۰۲)، و در راست‌گویی دشمن یکدیگر برند. (۲۱۳۰۹ - ۲۱۳۰۶) و چون چنین روزگاری می‌رسد، فرزند با پدر دشمنی ورزد (۲۱۳۱۵ - ۲۱۳۱۰)، و باران خشک کننده، گرمی و سوزش آورد (۲۱۳۱۸ - ۲۱۳۱۶)، پست فطرتان همه جا را پر می‌کنند (۲۱۳۲۲ - ۲۱۳۱۹)، نیکان و بزرگواران کمیاب می‌شوند (۲۱۳۲۶ - ۲۱۳۲۳)، مردم آن روزگار چون گرگان (۲۱۳۳۲ - ۲۱۳۲۷)، و پادشاهان چون درندگان (۲۱۳۳۵ - ۲۱۳۳۳) نهیدستان طعمه آنان (۲۱۳۳۸ - ۲۱۳۳۶)، و مستمندان چونان مردگان خواهند بود (۲۱۳۴۱ - ۲۱۳۳۹)، راستی از میانشان رخت بر می‌بندد (۲۱۳۴۴ - ۲۱۳۴۲)، و دروغ فراوان می‌شود. (۲۱۳۴۷ - ۲۱۳۴۵) با زبان ظاهر به دوستی دارند (۲۱۳۵۱ - ۲۱۳۴۸) اما در دل دشمن هستند (۲۱۳۵۵ - ۲۱۳۵۲)، به گناه افتخار می‌کنند (۲۱۳۵۹ - ۲۱۳۵۶)، و از پاکدامنی به شگفت می‌آیند (۲۱۳۶۲ - ۲۱۳۶۰) و اسلام را چون پوستینی واژگونه می‌پوشند.

(۲۱۳۶۸ - ۲۱۳۶۳) (۱۱۰۹)

#### توجه خطبه ۱۰۹

#### اشاره

(این خطبه با نام الزهراء معروف است)

#### ۱! وصف قدرت پروردگار

همه چیز برابر خدا خالق (۲۱۳۸۹ - ۲۱۳۸۶)، و همه چیز با باری او، بر جای مانده است. (۲۱۳۹۴ - ۲۱۳۹۰) خدا بی نیاز کننده هر نیازمند (۲۱۳۹۵ - ۲۱۳۹۲)، و عزت بخش هر خوار و ذلیل (۲۱۴۰۱ - ۲۱۳۹۸)، نیروی هر ناتوان (۲۱۴۰۵ - ۲۱۴۰۲)، و پناهگاه هر مصیبت زده است. (۲۱۴۰۹ - ۲۱۴۰۶) هر کس سخن گوید می‌شنود (۲۱۴۱۳ - ۲۱۴۱۰)، و هر که ساکت باشد اسرار درویش را می‌داند (۲۱۴۱۸ - ۲۱۴۱۴)، روزی زندگان بر اوست (۲۱۴۲۳ - ۲۱۴۱۹) و هر که بمیرد به سوی او باز می‌گردد. (۲۱۴۲۸ - ۲۱۴۲۴) خدا! چشم‌ها تو را ندیده تا از تو خیر دهند (۲۱۴۳۳ - ۲۱۴۲۹)، که پیش از توصیف کنندگان از موجودات، بودای. (۲۱۴۳۹ - ۲۱۴۳۴) آفرینش برای ترس از وحشت تنهایی نبود (۲۱۴۴۳ - ۲۱۴۴۰)، و برای سودجویی آنها را نیافرید. (۲۱۴۴۷ - ۲۱۴۴۴) کسی از قدرت تو نتواند بگریزد (۲۱۴۵۲ - ۲۱۴۴۸)، و هر کس را بگیری از قدرت تو نتواند خارج گردد (۲۱۴۵۸ - ۲۱۴۵۳)، گناهکاران از عظمت تو نکاهند (۲۱۴۶۳ - ۲۱۴۵۸)، و اطاعت کنندگان بر قدرت تو نیفزایند. (۲۱۴۷۰ - ۲۱۴۶۶)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۰۵

آن کس که از قضای تو به خشم آید، توواند فرمات را برگرداند (۲۱۴۷۷ - ۲۱۴۷۱)، و هر کس که به فرمان تو پشت کند از تو بی نیاز نگردد. (۲۱۴۸۵ - ۲۱۴۷۸) هر سزای نزد تو آشکار (۲۱۴۸۹ - ۲۱۴۸۶) و هر پنهانی نزد تو هویداست. (۲۱۴۹۴ - ۲۱۴۹۰) تو خدای همیشه‌ای و بی پایان (۲۱۴۹۹ - ۲۱۴۹۵) و تو پایان هر چیزی، که گریزی از آن نیست. (۲۱۵۰۵ - ۲۱۵۰۰) وعده‌گاه همه، محضر توست، و رهایی از تو جز به تو ممکن نیست (۲۱۵۱۳ - ۲۱۵۰۶)، و زمام هر جنبه‌ای به دست تو است (۲۱۵۱۷ - ۲۱۵۱۴) و به سوی تو بازگشت هر آفریده‌ای است. (۲۱۵۲۲ - ۲۱۵۱۸) پاک و منزه ای خدا! چقدر بزرگ و والاست قدر و عظمت تو (۲۱۵۲۶ - ۲۱۵۲۳)، و چه بزرگ است آنچه را که از خلقت تو می‌نگرم! (۲۱۵۳۳ - ۲۱۵۲۷) و چه کوچک است هر بزرگی در برابر قدرت تو (۲۱۵۴۱ - ۲۱۵۳۴)، و چه با عظمت است آنچه را که از ملکوت تو مشاهده می‌کنم (۲۱۵۴۸ - ۲۱۵۴۲)، و چه بپذیر است برابر آنچه که بر ما نهای است از سلطنت تو (۲۱۵۵۷ - ۲۱۵۴۹)، و چه فراگیر است در این جهان نعمت‌های تو (۲۱۵۶۳ - ۲۱۵۵۸)، و چه کوچک است نعمت‌های فراوان دنیا در برابر نعمتهای آخرت.

(۲۱۵۶۴ - ۲۱۵۶۱)

#### ۲! وصف فرشتگان

(۲۱۵۷۱ - ۲۱۵۷۰) شگفت آور است آفرینش فرشتگان تو که گروهی از آنها را در آسمان‌ها سکونت دادی (۲۱۵۷۷ - ۲۱۵۷۲) و از زمین بالا برده‌ای. (۲۱۵۸۱ - ۲۱۵۷۸) آنها از همه آفریدگان نسبت به تو آگاه ترند (۲۱۵۸۵ - ۲۱۵۸۲)، و بیشتر از همه نسبت به تو بیناتند (۲۱۵۸۸ - ۲۱۵۸۶)، و به تو نزدیک‌ترند. (۲۱۵۹۱ - ۲۱۵۸۹) فرشتگانی که در پشت پدران قرار نگرفته (۲۱۵۹۴ - ۲۱۵۹۲) و در رحم مادران پرورش نیافته‌اند (۲۱۵۹۸ - ۲۱۵۹۵)، و از آبی پست خلق نشده‌اند (۲۱۶۰۴ - ۲۱۵۹۹)، و ناراحتی و مشکلات زندگی آنان را برانگنده نساخه. (۲۱۶۰۹ - ۲۱۶۰۵) آنها با مقام و مرتبه‌ی که دارند (۲۱۶۱۴ - ۲۱۶۱۰)، و از ارزشی که در نزد تو برخوردارند (۲۱۶۱۷ - ۲۱۶۱۵)، و آنگونه که تو را دوست دارند (۲۱۶۲۱ - ۲۱۶۱۸)، افراون تو را اطاعت می‌کنند (۲۱۶۲۵ - ۲۱۶۲۲) که اندک غفلتی در فرمان تو ندارند. (۲۱۶۳۰ - ۲۱۶۲۶) اگر آنچه بر آنان پوشیده است بدانند، همه کارهای خود را کوچک و ناچیز می‌شمارند (۲۱۶۳۴ - ۲۱۶۳۱)، و بر خویش ایراد می‌گیرند (۲۱۶۴۳ - ۲۱۶۴۰)، و می‌دانند آنگونه که باید، تو را عبادت نکرده‌اند (۲۱۶۵۰ - ۲۱۶۴۴)، و آن چنان که سزاوار توست فرمانبردار نبودند. (۲۱۶۵۵ - ۲۱۶۵۱)

### ۳۳ نعمتهای خداوند و سوء استفاده‌ها

(۲۱۶۵۷ - ۲۱۶۵۶) خدایا سنناتیش تو را سزااست، که آفریننده و معبودی (۲۱۶۶۱ - ۲۱۶۵۸)، و بندگان را به درستی آزمایش کردی. (۲۱۶۶۵ - ۲۱۶۶۲) خانه آخرت را آفریدی (۲۱۶۶۷ - ۲۱۶۶۶) و سفره رنگارنگ نعمت‌ها را گستراندی (۲۱۶۷۱ - ۲۱۶۶۸)، و در انواع نوشیدنی، خوردنی (۲۱۶۷۴ - ۲۱۶۷۲)، همسران، میهمانداران، قصرها، نهرهای روان، میوه‌ها و کشتزاران، قرار دادی. (۲۱۶۸۶ - ۲۱۶۷۵) سپس پیامبری را فرستادی تا انسان‌ها را به آن خانه و نعمت‌ها دعوت کند. (۲۱۶۹۱ - ۲۱۶۸۷) افسوس که مردم نه آن دعوت کننده را اجابت کردند (۲۱۶۹۴ - ۲۱۶۹۲)، و نه به آنچه تو ترغیبشان کردی رغبت نشان دادند (۲۱۶۹۹ - ۲۱۶۹۵)، و نه به آنچه تو تنبیهشان کردی مشتاق شدند. (۲۱۷۰۶ - ۲۱۷۰۰) پر لاشه مرداری روی آوردند که با خوردن آن رسوا شدند (۲۱۷۱۲ - ۲۱۷۰۷)، و در دوستی آن همدستانا گردیدند. (۲۱۷۱۶ - ۲۱۷۱۳)

### ۳۴ خطر عشق و وابستگی‌های دروغین

هر کس به چیزی عشق نازوا ورزد، ناپائیش می‌کند (۲۱۷۲۲ - ۲۱۷۱۷)، و قلبش را بیمار کرده (۲۱۷۲۵ - ۲۱۷۲۳)، با چشمی بیمار می‌نگرد (۲۱۷۳۰ - ۲۱۷۲۶)، و با گوشش بیمار می‌شوند. (۲۱۷۳۵ - ۲۱۷۳۱) خواهش‌های نفس پرده عقلش را دریده (۲۱۷۳۹ - ۲۱۷۳۶)، دوستی دنیا دلش را میرانده است (۲۱۷۴۳ - ۲۱۷۴۰)، شیفته بی اختیار دنیا (۲۱۷۴۷ - ۲۱۷۴۴) و برده آن است (۲۱۷۵۰ - ۲۱۷۴۸) و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند. (۲۱۷۵۶ - ۲۱۷۵۱)

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۰۷

دنیا بسه هر طرف بر گردد او نیز بر می‌گردد (۲۱۷۶۰ - ۲۱۷۵۷) (۲۱۷۶۵ - ۲۱۷۶۱)، و هر چه هشدارش دهند از خدا نمی‌ترسند. (۲۱۷۷۰ - ۲۱۷۶۶) از هیچ بند دهنده‌ای شنوایی ندارد (۲۱۷۷۵ - ۲۱۷۷۱)، با اینکه گرفتار آمدگان دنیا را می‌نگرد که (۲۱۷۸۱ - ۲۱۷۷۶) راه پس و پیش ندارند و در چنگال مرگ اسیرند. (۲۱۷۸۷ - ۲۱۷۸۲) می‌بیند که آنها پلاهایی را که انتظار آن را نداشتند بر سرشان فرود آمد (۲۱۷۹۳ - ۲۱۷۸۸) و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند از آنها جدا شده (۲۱۸۰۱ - ۲۱۷۹۴) و به آنچه در آخرت وعده داده شده بودند خواهند رسید (۲۱۸۰۹ - ۲۱۸۰۲)، و آنچه بر آنان فرود آید وصف ناشدنی است. (۲۱۸۱۴ - ۲۱۸۱۰)

### ۳۵ وصف چگونگی مرگ و مردن

سخنی جان کندن و حسرت از دست دادن دنیا، به دنیا پرستان هجوم آورد. (۲۱۸۲۱ - ۲۱۸۱۵) بدن‌ها در سخنی جان کندن سخت شده (۲۱۸۲۴ - ۲۱۸۲۲) و رنگ باخند (۲۱۸۲۸ - ۲۱۸۲۵)، مرگ آرام آرام همه اندامشان را فرا گرفته (۲۱۸۳۳ - ۲۱۸۲۹) زیان را از سخن گفتن باز می‌دارد (۲۱۸۳۹ - ۲۱۸۳۴)، و او در میان خانواده‌اش افتاده با چشم خود می‌بیند (۲۱۸۴۵ - ۲۱۸۴۰) و با گوش می‌شود (۲۱۸۴۸ - ۲۱۸۴۶) و با عقل درست می‌اندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه کرده؟ (۲۱۸۵۲ - ۲۱۸۴۹) (۲۱۸۵۶ - ۲۱۸۵۳) (۲۱۸۶۰ - ۲۱۸۵۷) و روزگارش را چگونگی سیری کرده؟ (۲۱۸۶۶ - ۲۱۸۶۱) به یاد ثروت‌هایی که جمع کرده می‌افتد (۲۱۸۶۸ - ۲۱۸۶۵) همان ثروت‌هایی که در جمع آوری آنها چشم بر هم گذاشته (۲۱۸۷۱ - ۲۱۸۶۹) و از حلال و حرام و شبیه ناکت گرد آورده (۲۱۸۷۷ - ۲۱۸۷۲) و اکنون گناه جمع آوری آن همه بر دوش اوست (۲۱۸۸۱ - ۲۱۸۷۸) که هنگام جدایی از آنها فرا رسیده (۲۱۸۸۵ - ۲۱۸۸۲)، و برای وارثان باقی مانده است تا از آن بهرمنند. (۲۱۸۹۰ - ۲۱۸۸۶)، و روزگار خود گذراندند (۲۱۸۹۳ - ۲۱۸۹۱).

راحتی و خوشی آن برای دیگری (۲۱۸۹۶ - ۲۱۸۹۴) و کيفير آن بر دوش اوست (۲۱۹۰۰ - ۲۱۸۹۴)، و او در گروه این اموال است (۲۱۹۰۶ - ۲۱۹۰۱) که دست خود را از پیشمناهی می‌گزد به خاطر واقعیت‌هایی که هنگام مرگ مشاهده کرده است. (۲۱۹۱۸ - ۲۱۹۰۷) در این حالت از آنچه که در زندگی دنیا به آن علاقمند بود بی‌اعتنا شده (۲۱۹۲۶ - ۲۱۹۱۹) آرزوی می‌کند، ای کاش آن کس که در گذشته بر ثروت او رشک می‌برد، این اموال را جمع کرده بود. (۲۱۹۳۶ - ۲۱۹۳۲) اما مرگ هم چنان بر اضعای بدن او چیره می‌شود، تا آن که گوش او مانند زبانش از کار می‌افتد (۲۱۹۴۹ - ۲۱۹۴۰)، پس در میان خانواده‌اش افتاده نه می‌تواند با زبان سخن بگوید (۲۱۹۵۵ - ۲۱۹۵۰) و نه با گوش بشنود (۲۱۹۵۹ - ۲۱۹۵۶)، بی‌وسه به صورت آنان نگاه می‌کند (۲۱۹۶۴ - ۲۱۹۶۰)، و حرکات زیباتشان را می‌نگرد (۲۱۹۶۷ - ۲۱۹۶۵) اما صدای گلمنت آنان را نمی‌شنود (۲۱۹۷۲ - ۲۱۹۶۸)، سپس چنگال مرگ تمام وجودش را فرا می‌گیرد (۲۱۹۷۷ - ۲۱۹۷۳)، و چشم او نیز مانند گوشش از کار می‌افتد (۲۱۹۸۲ - ۲۱۹۷۸)، و روح از بدن او خارج می‌شود (۲۱۹۸۷ - ۲۱۹۸۳)، و چون مرداری در بین خانواده خویش بر زمین می‌ماند (۲۱۹۹۱ - ۲۱۹۸۸) که از نشستن در کنار او وحشت دارند (۲۱۹۹۵ - ۲۱۹۹۲)، و از او دور می‌شوند. (۲۱۹۹۹ - ۲۱۹۹۶) نه سوگواران را یاری می‌کنند (۲۲۰۰۲ - ۲۲۰۰۰) و نه خواننده‌ای را پاسخ می‌دهد (۲۲۰۰۶ - ۲۲۰۰۳)، سپس او را به سوی منزلگاهش در درون زمین می‌برند (۲۲۰۱۲ - ۲۲۰۰۷)، و به دست عملش می‌سپارند (۲۲۰۱۶ - ۲۲۰۱۳) و برای همیشه از دیدارش چشم می‌پوشند. (۲۲۰۲۰ - ۲۲۰۱۷)

### ۳۶ وصف رستاخیز و زنده شدن دوباره

تا آن زمان که پرورنده این جهان بسته شود (۲۲۰۲۶ - ۲۲۰۲۱)، و خواست الهی فرا رسد (۲۲۰۲۹ - ۲۲۰۲۷)، و آخر آفریدگان به آغاز آن بپیوندند (۲۲۰۳۴ - ۲۲۰۳۰)، و فرمان خدا در آفرینش دوباره در رسد. (۲۲۰۴۴ - ۲۲۰۳۵)

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۰۹

آنگاه آسمان را به حرکت آورد و از هم بشکافت (۲۲۰۴۸ - ۲۲۰۴۵)، و زمین را به شدت بلرزاند (۲۲۰۵۳ - ۲۲۰۴۹)، و نکان سخت دهده، که کوه‌ها از جا کنده شده (۲۲۰۵۸ - ۲۲۰۵۴) و در برابر هیبت و جلال پروردگاری بر یکدیگر کوبیده و متلاشی شده و با خاک یکسان گردد. (۲۲۰۶۸ - ۲۲۰۵۹) سپس هر کس را که در زمین به خاک سپرده شده، در آورد (۲۲۰۶۹ - ۲۲۰۶۶)، و پس از فرسودگی تازه‌شان گرداند (۲۲۰۷۵ - ۲۲۰۷۳)، و پس از برانگنده شدن، همه را گرد آورد (۲۲۰۷۹ - ۲۲۰۷۶)، سپس برای حسابرسی و روشن شدن اعمال از هم جدا سازد. (۲۲۰۹۱ - ۲۲۰۸۰) آنها را به دو دسته تقسیم فرماید: (۲۲۰۹۴ - ۲۲۰۹۲) به گروهی نعمت‌ها و دعه (۲۲۰۹۷ - ۲۲۰۹۵) و از گروه دیگر انتقام گیرد. (۲۲۱۰۱ - ۲۲۰۹۸) اما فرمانبرداران را در جوار رحمت خود جای دهد و در بهشت جاویدان قرار دهد (۲۲۱۱۰ - ۲۲۱۰۲)، خانه‌ای که مسکن گردیدگان آن هرگز کوچک نکند (۲۲۱۱۴ - ۲۲۱۱۱) و حالات زندگی آنان تغییر نپذیرد (۲۲۱۱۹ - ۲۲۱۱۵)، در آنجا دچار ترس و وحشت نشوند (۲۲۱۲۳ - ۲۲۱۲۰)، و بیماری‌ها در آنها نفوذ نخواهد کرد (۲۲۱۲۴ - ۲۲۱۲۲)، خطراتی دامگیرشان نمی‌شود (۲۲۱۳۳ - ۲۲۱۲۸)، و سفری در پیش ندارند تا از منزلی به منزل دیگر کوچ کنند. (۲۲۱۳۳ - ۲۲۱۳۶) و اثنا گه کاران را در بدترین منزلگاه در آورد (۲۲۱۴۳ - ۲۲۱۳۷)، و دست و پای آنها را با غل و زنجیر به گردنشان در آویزد (۲۲۱۴۸ - ۲۲۱۴۴)، چنانکه سرهایشان به پاهای نزدیک گردد (۲۲۱۵۲ - ۲۲۱۴۹) جامه‌های آتشین بر بدنشان پوشاند (۲۲۱۵۳ - ۲۲۱۵۲)، و در عذاب‌های که حرارت آتش آن بسیار شدید (۲۲۱۵۹ - ۲۲۱۵۶) (۲۲۱۶۴ - ۲۲۱۶۰) و بر روی آنها بسته (۲۲۱۷۰ - ۲۲۱۶۵)، و صدای شعله‌ها هراس انگیز است قرار دهد. (۲۲۱۷۶ - ۲۲۱۷۱) (۲۲۱۷۹ - ۲۲۱۷۷) (۲۲۱۸۰ - ۲۲۱۸۰) جایگاهی که هرگز از آن خارج نگردند، و برای اسیران آن غرامتی نپذیرند (۲۲۱۸۹ - ۲۲۱۸۳)، و زنجیرهای آن گسسته نمی‌شود (۲۲۱۹۳ - ۲۲۱۹۰)، مدّتی برای عذاب آن تعیین نشده تا پایان پذیرد (۲۲۱۹۷ - ۲۲۱۹۴) و نه سر آمدی تا فرا رسد. (۲۲۲۰۲ - ۲۲۱۹۸)

### ۳۷ پارسایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۲۲۲۰۳ - ۲۲۲۰۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناجیز جلوه داد. (۲۲۲۱۵ -

۲۲۱۱) آن را خوار می‌شرد و در نزد دیگران خوار و بی‌مقدار معرفی فرمود. (۲۲۲۰-۲۲۱۶) و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت (۲۲۲۷-۲۲۲۱) و آن را برای نایجیز بودنش به دیگران بخشید. (۲۲۲۸-۲۲۲۳) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جان و دل به دنیا پشت کرد (۲۲۳۵-۲۲۳۲)، و یاد آن را در دلش میراند. (۲۲۳۶-۲۲۳۴) دوست می‌داشت که زینت‌های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود (۲۲۴۷-۲۲۴۴)، تا از آن لیباس فاخری تهیه ن سازد (۲۲۵۱-۲۲۴۸)، یا اقامت در آن را آرزو نکند (۲۲۵۵-۲۲۵۲)، و برای تبلیغ احکامی که قطع کننده عذرهایست تلاش کرد (۲۲۵۹-۲۲۵۶)، و امت اسلامی را با هشدارهای لازم نصیحت کرد (۲۲۶۳-۲۲۶۰)، و با پشت‌ها مردم را به سوی بهشت فراخواند (۲۲۶۸-۲۲۶۶)، و از آتش جهنم پرهیز داد. (۲۲۷۳-۲۲۶۹)

#### ۸\* ویژگیهای اهل بیت علیهم السلام

ما از درخت سرسبز رسالتیم (۲۲۷۸-۲۲۷۴)، و از جایگاه رسالت (۲۲۸۱-۲۲۷۹) و محل آمد و شد فرشتگان برخاستیم (۲۲۸۲-۲۲۸۱)، ما معدنهای دانش (۲۲۸۷-۲۲۸۵) و چشمه سارهای حکمت الهی هستیم (۲۲۹۰-۲۲۸۸). یاران و دوستان ما در انتظار رحمت پروردگارتد (۲۲۹۵-۲۲۹۱) و دشمنان و کینه توزان ما در انتظار کفر و لعنت خداوند به سر می‌برند. (۲۳۰۱-۲۲۹۶)

(۱) اشاره به علم: پنولوژی (PENOLGY) کيفر شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۱۱

(۱۱۰۰)

#### ترجمه خطبه ۱۱۰

#### اشاره

(این خطبه قبل از سید رضی در میان دانشمندان به خطبه دیباج معروف بود).

#### اره آورد برخی از مبانی اعتقادی

همانا بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند (۲۳۳۱-۲۳۳۰)، ایمان به خدا و ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (۲۳۳۵-۲۳۳۲) و جهاد در راه خداست (۲۳۲۹-۲۳۲۶)، که جهاد لله بلند اسلام (۲۳۳۲-۲۳۳۰)، و یکتا دانستن خدا (۲۳۳۵-۲۳۳۳) بر اساس فطرت انسانی است. (۲۳۳۷-۲۳۳۶) بر پاداشتن نماز آیین ملت اسلام (۲۳۴۴-۲۳۳۸)، و پرداختن زکات تکلیف واجب الهی (۲۳۴۸-۲۳۴۳)، و روزه ماه رمضان، سیری برابر عذاب الهی است (۲۳۵۶-۲۳۴۴)، و حج و عمره، ناپود کننده فقر و شستشو دهنده گناهان است. (۲۳۶۷-۲۳۵۷) و صله رحم مایه فرونی مال (۲۳۶۸-۲۳۶۴) و طول عمر (۲۳۷۸-۲۳۷۵)، و صدقه‌های پنهانی ناپود کننده گناهان است (۲۳۸۴-۲۳۷۹)، و صدقه آشکارا، مرگ‌های ناگهانی و زشت را باز می‌دارد (۲۳۹۱-۲۳۸۵)، و نیکوکاری، از دلّت و خواری نگه می‌دارد. (۲۳۹۸-۲۳۹۲) به یاد خدا باشید که نیکوترین ذکر است (۲۴۰۵-۲۳۹۹)، و آنچه پرهیزکاران را وعده دادند آرزو کنید (۲۴۱۰-۲۴۰۶) که وعده خدا راست‌ترین وعده‌هاست (۲۴۱۴-۲۴۱۱)، از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید (۲۴۱۸-۲۴۱۵) که بهترین راهنمای هدایت است (۲۴۲۱-۲۴۱۹)، رفتارتان را با روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تطبیق دهید که هدایت کننده‌ترین روش‌هاست. (۲۴۴۷-۲۴۴۲)

۲ ارزش قرآن

قرآن را بیاموزید، که بهترین گفتار است (۲۴۳۵-۲۴۳۲)، و آن را نیک بفهمید که بهار دل‌هاست. (۲۴۴۱-۲۴۳۶) از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است (۲۴۴۷-۲۴۴۲)، و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سود بخش‌ترین داستان‌هاست (۲۴۵۳-۲۴۴۸)، زیرا عالمی که به غیر علم خود عمل کند، چونان جاهل سرگردانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت (۲۴۶۶-۲۴۵۴)، بلکه حیثت بر او قویتر (۲۴۶۷-۲۴۶۰) و حسرت و اندوه بر او استوارتر (۲۴۷۴-۲۴۷۱) و در پیشگاه خدا سزاوارتر به نگاهش است. (۲۴۷۹-۲۴۷۵) (۱۱۱۱)

#### ترجمه خطبه ۱۱۱

#### ۱ هشدار از دنیا پرستی

(۲۴۸۰-۲۴۷۸) پس از ستایش پروردگار، همانا من شما را از دنیای حرام می‌ترسانم (۲۴۹۲-۲۴۸۸)، زیرا در کام شیرین، و در دیده انسان سبز و رنگارنگ است (۲۴۹۵-۲۴۹۳)، در شهوات و خواهش‌های نفسانی پوشیده شده (۲۴۹۷-۲۴۹۶)، و با نعمت‌های زود گذر دوستی می‌ورزد (۲۵۰۰-۲۴۹۸)، با متاع اندک زینا جلوه می‌کند (۲۵۰۳-۲۵۰۱)، و در لیباس آرزوها خود را نشان می‌دهد. (۲۵۰۶-۲۵۰۴)، و با زینت غرور خود را می‌آراید. (۲۵۰۹-۲۵۰۷)، شادی آن دوام ندارد (۲۵۱۲-۲۵۱۰)، و کسی از اندوه آن ایمن نیست. (۲۵۱۶-۲۵۱۳)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۱۳

#### ۲ شناخت ماهیت دنیا

دنیای حرام بسیار فریبنده و بسیار زیان رساننده است (۲۵۱۸-۲۵۱۷)، دگرگون شونده و ناپایدار (۲۵۲۰-۲۵۱۹)، فنا پذیر و مرغبار (۲۵۲۱-۲۵۲۲)، و کشفنده‌های نیهکار است (۲۵۲۴-۲۵۲۳)، و آنگاه که به دست آرزومندان افشاد و با خواهش‌های آنان دمساز شد می‌نگرد که جز سرسرای بیش نیست (۲۵۲۵-۲۵۲۵) که خدای سبحان فرمود: (۲۵۳۳-۲۵۳۲) ژندگی چون آبی ماند که از آسمان فرو فرستادیم و به وسیله آن گیاهان فراوان روید سپس خشک شده (۲۵۵۳-۲۵۴۴)، باد آن‌ها را پراکنده کرد (۲۵۵۵-۲۵۵۴) و خدا بر همه چیز قادر و تواناست. (۲۵۶۲-۲۵۵۶) کسی از دنیا شادمانی ندید جز آن که پس از آن با اشک و آه و وویو شد (۲۵۷۲-۲۵۶۳)، هنوز با خوشی‌های دنیا روبرو نشده است (۲۵۷۸-۲۵۷۳) که با ناراحتیها و پشت کردن آن مبتلا می‌گردد (۲۵۸۳-۲۵۷۹)، شبینی از رفاه و خوشی دنیا بر کسی فرود نیامده (۲۵۸۹-۲۵۸۴) جز آن که سیل بلاها همه چیز را از بیخ و بن می‌کند. (۲۵۹۴-۲۵۹۰) هر گاه صبیحگاهان به باری کسی برخیزد، شامگاهان خود را به ناشناسی می‌زند (۲۶۰۴-۲۵۹۵)، اگر از یک طرف شیرین و گوارا باشد از طرف دیگر تلخ و ناگوار است. (۲۶۱۵-۲۶۰۵) کسی از فراوانی نعمت‌های دنیا کام نگرفت (۲۶۲۱-۲۶۱۶) جز آن که مشکلات و سختی‌ها دانگیر او شد (۲۶۲۶-۲۶۲۲) شبی را که در آغوش امن دنیا به سر نبرده (۲۶۳۳-۲۶۲۷) جز آن که صبیحگاهان بال‌های ترس و وحشت بر سر او کوبید (۲۶۳۸-۲۶۳۴)، بسیار فریبنده است و آنچه در دنیاست نیز فریبنده‌گی دارد (۲۶۴۲-۲۶۳۹)، فانی و زودگذر است، و هر کس در آن زندگی می‌کند فنا می‌پذیرد. (۲۶۶۶-۲۶۶۳) ۱۱

#### ۳ روش برخورد با دنیا

در زاد و توشه آن جز نفسوا خیری نیست. (۲۶۶۷-۲۶۶۴) کسی که به قدر کفایت از آن برادر در آرامش به سر می‌برد (۲۶۶۰-۲۶۵۵)، و آن کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد وسائل ناپودی خود را فراهم کرده (۲۶۶۷-۲۶۶۱)، و به زودی از دست می‌رود. (۲۶۷۲-۲۶۶۸) بسا افرادی که به دنیا اعتماد کردند، ناگهان مزه تلخ مصیبت را بدانها چشاند (۲۶۶۲-۲۶۵۷) و بسا صاحب اطمینانی که به خاک و خویش کشید. (۲۶۷۸-۲۶۷۳) چه انسان‌های با عظمتی را که خوار و کوچک ساخت (۲۶۹۰-۲۶۸۵)، و بسا فخر فروشانی را که به خاک دلت افکند. (۲۶۹۶-۲۶۹۱) حکومت دنیا ناپایدار (۲۶۹۸-۲۶۹۷)، عیش و زندگانی آن تیره و تار (۲۷۰۱-۲۶۹۹)، گوارای آن شور (۲۷۰۴-۲۷۰۲)، و شیرینی آن تلخ (۲۷۰۷-۲۷۰۵)، غذای آن زهر (۲۷۱۰-۲۷۰۸)، و اسباب و وسائل آن پوسیده است (۲۷۱۳-۲۷۱۱)، زنده آن در معرض مردن (۲۷۱۶-۲۷۱۶)، و تندرسرست آن گرفتار بیماری است (۲۷۲۰-۲۷۱۷)، حکومت آن بر باد رفته (۲۷۲۲-۲۷۲۱)، و عزیزان آن شکست خورده (۲۷۲۵-۲۷۲۳)، متاع آن نکبت آلود (۲۷۲۵-۲۷۲۶) و بناه آورنده آن و غارت زده

خواهد بود.

(۲۲۷۳۱- ۲۲۷۲۹)

#### ۴ عبرت از گذشتگان

آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمی‌برید؟ که عمرشان از شما طولانی‌تر (۲۲۷۲۰- ۲۲۷۲۲) و آثارشان با دوام‌تر (۲۲۷۲۳- ۲۲۷۲۴) و آرزویشان درازتر (۲۲۷۲۶- ۲۲۷۲۴) و افرادشان بیشتر (۲۲۷۴۹- ۲۲۷۴۷) و لشکریانشان انبوه‌تر بودند؟ (۲۲۷۵۲- ۲۲۷۵۰) دنیا را چگونه پرستیدند؟ (۲۲۷۵۶- ۲۲۷۵۳) و آن را چگونه بر خود گردیدند؟ (۲۲۷۶۰- ۲۲۷۵۷) و سپس از آن رخت بر بستند و رفتند:

(۱) با طرح اصل فنا پذیری دنیا و زندگی، اصل دوم ترمودینامیک (تبدیل ماده به انرژی) و آنتروپی ENTROPY سیر جهان وجود بطرف بی‌ری و نابود شدن تأیید می‌گردد، و اصالت ماده (ماتریالیسم) و اصالت طبیعت (ناتورالیسم) و اصالت انرژی (انرژیسم) ضربه پذیر می‌گردد.

(۲) اشاره به: کروئولوژی (CHRONOLOGY تاریخ‌شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۱۵

ببینی توشه‌ای که آنان را برای رسیدن به منزلگاه کفایت کند (۲۲۷۶۶- ۲۲۷۶۱) و بی مریکی که آنان را به منزلشان رساند. (۲۲۷۷۰- ۲۲۷۶۷) آیا شنیده‌اید که دنیا خود را فدای آنان کرده باشد؟ (۲۲۷۷۸- ۲۲۷۷۱) یا به گونه‌ای یاری شان داده (۲۲۷۸۱- ۲۲۷۷۹) یا با آنان به نیکی به سر برده باشد؟ (۲۲۷۸۵- ۲۲۷۸۲) نه هرگز!! بلکه سختی و مشکلات دنیا چنان به آنها رسیده که پوست و گوشتشان را درید (۲۲۷۸۸- ۲۲۷۸۶)، با سختی‌ها آنان را سست (۲۲۷۸۹- ۲۲۷۸۱) و با مصیبت‌ها ذلیل و خوارشان کرد (۲۲۷۹۴- ۲۲۷۹۲) و بینی آنان را به خاک مالید (۲۲۷۹۵- ۲۲۷۹۵) و لگند مال کرد (۲۲۸۰۰- ۲۲۷۹۸) و گردش روزگار را بر ضد آنها برانگیخت. (۲۲۸۰۵- ۲۲۸۰۱) شما دیدید که دنیا آن کس را که برابر آن فروتنی کرد (۲۲۸۱۱- ۲۲۸۰۶)، و آن را برگزید، و بر همه چیز مقدم داشت (۲۲۸۱۶- ۲۲۸۱۲)، که گویا جلودانه می‌ماند، نشناخت و روی خوش نشان نداد تا آن که از دنیا رفت! (۲۲۸۱۶- ۲۲۸۱۲) (۲۲۸۱۷- ۲۲۸۱۱) آیا جز گرسنگی توشه‌ای به آنها سپرد؟ (۲۲۸۲۶- ۲۲۸۲۲) آیا جز در سختی فرودشان نیارود؟ (۲۲۸۳۰- ۲۲۸۲۷) و آیا روشنی دنیا جز تاریکی (۲۲۸۳۵- ۲۲۸۳۱) و سرانجامش جز پشیمانی بود؟ (۲۲۸۳۹- ۲۲۸۳۶)

#### ۵ برهیز از ذفای حرام

آیا شما چنین دنیاپی را بر همه چیز مقدم می‌دارید و بدان اطمینان می‌کنید؟ (۲۲۸۴۵- ۲۲۸۴۰) یا در آرزوی آن به سر می‌برید؟ (۲۲۸۴۸- ۲۲۸۴۶) پس دنیا بد خانه‌ای است برای کسی که خوشبین باشد (۲۲۸۵۳- ۲۲۸۴۹)، و یا از خطرات آن ترسد. (۲۲۸۶۰- ۲۲۸۵۴) پس بدانید- و می‌دانید (۲۲۸۶۴- ۲۲۸۶۱)- که آن را ترک می‌کنید و از آن رخت بر می‌بندید! (۲۲۸۶۹- ۲۲۸۶۵) و پند بگیرید از آنها که گفتند:

«چه کسی از ما نیرومندتر است؟» (۲۲۸۷۸- ۲۲۸۷۰) سپس آنان را به گورهایشان سپردند بی آن که سواره کارانشان خوانند (۲۲۸۸۴- ۲۲۸۷۹)، و در قبرها فرود آوردند (۲۲۸۸۷- ۲۲۸۸۵) بی آن که همسایگانشان نامند (۲۲۸۹۰- ۲۲۸۸۸)، از سطح زمین، قبرها (۲۲۸۹۶- ۲۲۸۹۱)، و از خاک کفن‌ها (۲۲۹۰۰- ۲۲۸۹۷)، و از استخوان‌های پوسیده همسایگانی پدید آمدند (۲۲۹۰۴- ۲۲۹۰۱) که هیچ خواننده‌ای را پاسخ نمی‌دهند (۲۲۹۰۹- ۲۲۹۰۵) و هیچ سستی را باز نمی‌دارند (۲۲۹۱۳- ۲۲۹۱۰) و نه به نوحه‌گری توجیحی دارند. (۲۲۹۱۷- ۲۲۹۱۴) نه از باران خوشحال (۲۲۹۲۱- ۲۲۹۱۸) و نه از قحط سالی نومی‌ می‌گردند. (۲۲۹۲۶- ۲۲۹۲۲) گرد هم قرار دارند و تنها نیستند (۲۲۹۳۰- ۲۲۹۲۷)، همسایه یکدیگرند اما از هم دورند (۲۲۹۳۵- ۲۲۹۳۱)، فاصله‌ای با هم ندارند ولی هیچ گاه به دیدار یکدیگر نمی‌روند. (۲۲۹۳۸- ۲۲۹۳۶) نزدیکان از هم دورند (۲۲۹۴۲- ۲۲۹۳۹) دربارانی هستند که کینه‌ها از دل آنان رفته (۲۲۹۴۶- ۲۲۹۴۳)، بی خبرانی که حسد در دلشان فرو مرده است. (۲۲۹۵۱- ۲۲۹۴۷) نه از زیان آنها ترسی (۲۲۹۵۴- ۲۲۹۵۲) و نه به دفاع آنها امید می‌جوید دارد. (۲۲۹۵۸- ۲۲۹۵۵) درون زمین را به جای سطح آن برای ماندن انتخاب کردند (۲۲۹۶۲- ۲۲۹۵۹) و خانه‌های تنگ و تاریک را به جای خانه‌های وسیع برگزیدند. (۲۲۹۶۵- ۲۲۹۶۳) به جای زندگی با خوبیاوندان، غربت را (۲۲۹۶۸- ۲۲۹۶۶)، و به جای نور، ظلمت را برگزیدند (۲۲۹۷۱- ۲۲۹۶۹)، به زمین باز گشتند چونان که در آغاز آن را با برهت و عریان ترک گفتند (۲۲۹۷۴- ۲۲۹۷۲) (۲۲۹۷۶- ۲۲۹۷۵)، و با اعمال خود به سوی زندگی جاویدان و خانه همیشگی کوچ کردند (۲۲۹۸۶- ۲۲۹۷۷)، آسمان که خدای سبحان فرمود:

«چنانکه آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم، وعده‌ای بر ماست و همانا این کار را انجام خواهیم داد.

(۲۲۹۸۷- ۲۳۰۰۱)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۱۷

(۱۱۱۲)

#### ترجمه خطبه ۱۱۲

##### اشاره

در این خطبه از فرشته مرگ و کیفیت گرفتن ارواح سخن ایراد کرد

##### عجز انسان از درک فرشتگان (فرشته مرگ)

(۲۳۰۰۲- ۲۳۰۱۹) آیا هنگامی که فرشته مرگ به خانه‌ای در آمده، از آمدن او آگاه می‌شوی؟ (۲۳۰۲۵- ۲۳۰۲۰) آیا هنگامی که یکی را قبح روح می‌کند او را می‌بینی؟ (۲۳۰۳۱- ۲۳۰۲۶) بچه را چگونه در شکم مادر می‌براند؟ (۲۳۰۳۸- ۲۳۰۳۲) آیا از راه اندام مادر وارد می‌شود؟ (۲۳۰۴۴- ۲۳۰۳۹) یا روح به اجازه خداوند به سوی او می‌آید؟ (۲۳۰۴۹- ۲۳۰۴۵) یا همراه کودک در شکم مادر به سر می‌برد؟ (۲۳۰۵۵- ۲۳۰۵۰) «آ آن کس که آفریده‌ای چون خود را نتواند وصف کند، چگونه می‌تواند خدای خویش را وصف نماید؟

(۲۳۰۶۴- ۲۳۰۵۶) (۱۱۱۳)

#### ترجمه خطبه ۱۱۳

##### ۱ برهیز دادن از دنیا پرستی

(۲۳۰۷۱- ۲۳۰۶۵) شما را از دنیا پرستی می‌ترسانم، زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن (۲۳۰۷۸- ۲۳۰۷۲)، نه منزلی برای همیشه ماندن است. (۲۳۰۸۲- ۲۳۰۷۹) دنیا خود را با غرور زینت داده (۲۳۰۸۵- ۲۳۰۸۳) و با زینت و زیبایی می‌فریند. (۲۳۰۸۸- ۲۳۰۸۶) خانه‌ای است که نزد خداوند بی مقدار است (۲۳۰۹۲- ۲۳۰۸۹)، زیرا که حلال آن با حرام (۲۳۰۹۵- ۲۳۰۹۳) و خوبی آن با بدی (۲۳۰۹۸- ۲۳۰۹۶) و زندگی در آن با مرگ (۲۳۱۰۱- ۲۳۰۹۹)، و شیرینی آن با تلخی‌ها در آمیخته است (۲۳۱۰۴- ۲۳۱۰۲) خداوند آن را برای دوستانش انتخاب نکرد. (۲۳۱۰۹- ۲۳۱۰۵) و در بخشیدن آن به دشمنانش دریغ نفرمود. (۲۳۱۱۵- ۲۳۱۱۱) خیر دنیا اندک (۲۳۱۱۷- ۲۳۱۱۶)، و شر آن آماده (۲۳۱۲۰- ۲۳۱۱۸)، و فراهم آمده‌اش پراکنده (۲۳۱۲۳- ۲۳۱۲۱)، و ملک آن غارت شده (۲۳۱۲۶- ۲۳۱۲۴)، و آبادانی آن رو به ویرانی نهاده است. (۲۳۱۲۹- ۲۳۱۲۷) چه ازرشی دارد خانه‌ای که پایه‌های آن در حال فروریختن (۲۳۱۳۵- ۲۳۱۳۰) و عمر آن چون زاد و توشه پایان می‌پذیرد؟ (۲۳۱۴۱- ۲۳۱۳۶) و چه لذتی دارد زندگانی که چونان مدت سفر به آخر می‌رسد؟

(۲۳۱۴۶- ۲۳۱۴۲)

##### ۲ روش برخورد با دنیا

مردم! آنچه را خدا واجب کرده جزو خواسته‌های خود بدانید (۲۳۱۵۳- ۲۳۱۴۷)، و در پرداختن حقوق الهی از او یاری طلبید. (۲۳۱۶۰- ۲۳۱۵۴)، و پیش از آن که مرگ شما را بخواند گوش به دعوت او دهید. (۲۳۱۶۹- ۲۳۱۶۱) همانا زاهدان اگر چه خندان باشند، قلبشان می‌نگرید (۲۳۱۷۸- ۲۳۱۷۰) و اگر چه شادمان باشند آندوه آسمان شدید است (۲۳۱۸۴- ۲۳۱۷۹) و اگر چه برای نعمت‌های فراوان مورد غیبه دیگران قرار گیرند اما با نفس خود در دشمنی بسیاری قرار دارند.

(۲۳۱۹۳- ۲۳۱۸۵)

##### ۳ کوهن از غفلت زده‌ان



یاد مرگ از دل‌های شما رفته (۲۳۱۹۹–۲۳۱۹۴)، و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته است. (۲۳۲۰۳– ۲۳۲۰۰)

(۱) اشاره به: میستیسیسم (MYSTICISM) استفاده به هر چیز اسرار آمیز که عقل بشری و علوم از درک آن عاجزند)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۱۹

و دنیا پیش از آخرت شما را تصاحب کرده (۲۳۲۰۹–۲۳۲۰۴) و متاع زودرس دنیا پیش از متاع جاویدان آخرت در شما نفوذ کرده است و دنیا زدگی قیامت را از یادتان برده است. (۲۳۲۱۵– ۲۳۲۱۰) همانا شما برادران دینی یکدیگرید (۲۳۲۱۶–۲۳۲۱۲)، چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است (۲۳۲۳۱– ۲۳۲۱۳)، نه یکدیگر را باری می‌دهید، نه خیر خواه یکدیگرید (۲۳۲۳۶– ۲۳۲۳۲) و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید. (۲۳۲۴۲– ۲۳۲۳۷) شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌گردید! (۲۳۲۴۹– ۲۳۲۴۳) و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید اندوهناک نمی‌شوید! (۲۳۲۵۶– ۲۳۲۵۰) اما با از دست دادن چیزی اندک از دنیا مضطرب شده (۲۳۲۶۱– ۲۳۲۵۷) که آثار پریستانی در جهرها آشکار می‌گردد (۲۳۲۶۷– ۲۳۲۶۳) و بی‌تابی می‌کنید (۲۳۲۷۴– ۲۳۲۶۸)، گویا این دنیا محل زندگی جاودان شما (۲۳۲۷۷– ۲۳۲۷۵) و وسائل آن برای همیشه از آن شماست. (۲۳۲۸۲– ۲۳۲۷۸) چیزی شما را از غیب جویی برادر دینی باز نمی‌آورد جز آن که می‌ترسید مانند آن غیب را در شما به رختان کشند. (۲۳۲۹۸– ۲۳۲۸۳) در بی‌اعتنایی به آخرت و دوستی دنیا یک دل شده‌اید (۲۳۳۰۶– ۲۳۲۹۹)، و هر یک از شما دین را تنها بر سر زبان می‌آورید (۲۳۳۱۳– ۲۳۳۰۷)، و از این کار خشنودید همانند کارگری که کارش را به پایان رسانده (۲۳۳۱۹– ۲۳۳۱۴) و خشنودی مولای خود را فراهم کرده است. (۲۳۳۲۳– ۲۳۳۲۰) (۱۱۱۴)

(۲۳۳۲۳– ۲۳۳۲۰)

**ترجمه خطبه ۱۱۴**

**ارزش ستایش و شهادت به یگانگی خدا**

ستایش خداوندی را سزااست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها (۲۳۳۳۷–۲۳۳۳۳)، و نعمت‌ها را به شکرگزاری پیوند داد! (۲۳۳۴۰– ۲۳۳۳۸) خدای را بر نعمت‌هایش آنگونه ستایش می‌کنیم (۲۳۳۴۳– ۲۳۳۴۱) که بر بلاهایش. (۲۳۳۴۷– ۲۳۳۴۴) و برای به راه آوردن نفس سرکشش که در برابر اوامر الهی سستی می‌کند و در ارتکاب زشتی‌ها که نهی فرمود شتاب دارد، از خدا باری می‌خواهم (۲۳۳۶۱– ۲۳۳۴۸)، و از گناهانی که علم خدا به آنها احاطه دارد (۲۳۳۶۷– ۲۳۳۶۲) و کتابش آنها را بر شمرده و ثبت کرده، طلب آموزش می‌کنیم: (۲۳۳۷۰– ۲۳۳۶۸) علم خداوندی که کمترین نارسایی نداشته (۲۳۳۷۳– ۲۳۳۷۱)، و کتابی که چیزی را وانگذاشته است. (۲۳۳۷۷– ۲۳۳۷۴) به خدا ایمان داریم، ایمان کسی که غیب‌ها را به چشم خود دیده (۲۳۳۸۴– ۲۳۳۷۸)، و بر آنچه وعده داده‌اند آگاه است (۲۳۳۸۸– ۲۳۳۸۵)، ایمانی که اخلاص آن شرک را زودوه، (۲۳۳۹۲– ۲۳۳۸۹) یقین آن شک را ناپود کرده است. (۲۳۳۹۵– ۲۳۳۹۳) و گواهی می‌دهیم که خدایی نیست جز خدای یکتا، نه شریکی دارد و نه همتایی (۲۳۴۰۶– ۲۳۳۹۶)، و گواهی می‌دهیم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پنده و فرستاده اوست که درود خدا بر او و خاندانش یاده (۲۳۴۱۹– ۲۳۴۰۷) این دو گواهی (شهادتین) گفتار را بالا می‌برند (۲۳۴۲۲– ۲۳۴۲۰)، و کردار و عمل را به پیشگاه خدا می‌رسانند (۲۳۴۲۵– ۲۳۴۲۳)، ترازویی که این دو گواهی را در آن نهند سبک نباشد (۲۳۴۳۰– ۲۳۴۲۶)، و اگر برادرند با چیزی دیگری سنگین نخواهد شد.

(۲۳۴۴۶– ۲۳۴۴۱)

۲ سفارش به تقوی

ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که زاد و توشه سفر قیامت است. (۲۳۴۴۷– ۲۳۴۴۷) تقوا توشه‌ای است که به منزل رسانند، پناهگاهی است که امین می‌گردانند. (۲۳۴۵۲– ۲۳۴۴۸) بهترین گوینده آن را به گوش مردم خواننده (۲۳۴۵۶– ۲۳۴۵۳) و بهترین شنونده آن را فرا گرفت، پیامبری که بهتر از هر کس سخن را به گوش مردم رساند. (۲۳۴۶۰– ۲۳۴۵۷) پس خواننده، دعوت خود را به خوبی شنوایند، و شنونده خود را دستگار گردانند. (۲۳۴۶۵– ۲۳۴۶۱) ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام مجرمات باز می‌دارد (۲۳۴۷۴– ۲۳۴۶۶)، و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد (۲۳۴۷۸– ۲۳۴۷۵)، تا آن که شب‌های آنان با

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۲۱

بی‌خوابی (۲۳۴۸۱– ۲۳۴۷۹) و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه‌داری، سپری می‌گردد (۲۳۴۸۴– ۲۳۴۸۲)، که آسایش آخرت را با رنج دنیا (۲۳۴۸۷– ۲۳۴۸۵) و سیراب شدن آنها را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. (۲۳۴۹۰– ۲۳۴۸۸) اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند (۲۳۴۹۵– ۲۳۴۹۱)، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و مرگ به درستی نگریدستند.

(۲۳۵۰۰– ۲۳۴۹۶)

**۳ شناخت دنیا**

آری همانا دنیا خانه ناپود شدن، رنج بردن (۲۳۵۰۷– ۲۳۵۰۱) از دگرگونی‌ها، و عبرت گرفتن است (۲۳۵۱۱– ۲۳۵۰۸)، و از نشانه ناپودی، آن که: روزگار کسان خود را به زه کرده، تیرش به خطا نمی‌رود (۲۳۵۲۰– ۲۳۵۱۲)، و زخمش بهبودی ندارد (۲۳۵۲۴– ۲۳۵۲۱)، زنده را با تیر هدف مرگ قرار می‌دهد. (۲۳۵۲۷– ۲۳۵۲۵)، و تندرست را با بیماری از پا در می‌آورد (۲۳۵۳۰– ۲۳۵۲۸)، و نجات یافته را به هلاکت می‌کشاند. (۲۳۵۳۳– ۲۳۵۳۱) دنیا خورنده ایست که سیری ندارد (۲۳۵۳۶– ۲۳۵۳۴)، و نوشنده‌ای است که سیراب نمی‌شود (۲۳۵۴۰– ۲۳۵۳۷)، و نشانه رنج دنیا آن که آدمی جمع آوری می‌کند آنچه را که نمی‌خورد (۲۳۵۴۹– ۲۳۵۴۱)، و می‌سازد بنایی که خود در آن مسکن نمی‌کند (۲۳۵۵۴– ۲۳۵۵۰)، پس به سوی پروردگار خود می‌رود نه مالی برداشته (۲۳۵۶۲– ۲۳۵۵۵) و نه خانه‌ای به همراه برده است. (۲۳۵۶۶– ۲۳۵۶۳) و نشانه دگرگونی دنیا آن که، کسی که دیروز مردم به او ترخم می‌کردند امروز حسرت او را می‌خورند (۲۳۵۷۳– ۲۳۵۶۷) و آن کس را که حسرت او می‌خورند امروز به او ترخم می‌کنند (۲۳۵۷۶– ۲۳۵۷۴)، و امین نیست مگر برای نعمت‌هایی که به سرعت دگرگون می‌شود، و بلاهایی که ناگهان نازل می‌گردد. (۲۳۵۸۴– ۲۳۵۷۷) و نشانه عبرت انگیز بودن دنیا، آن که، آدمی پس از تلاش و انتظار نا می‌رود به آرزوهایش برسد، ناگهان مرگ او فرا رسیده، امیدش را قطع می‌کند (۲۳۵۹۵– ۲۳۵۸۵)، نه به آرزو رسیده (۲۳۵۹۸– ۲۳۵۹۶)، و نه آنچه را آرزو داشته باقی می‌ماند. (۲۳۶۰۲– ۲۳۵۹۹) سبحان للّٰه! شادی دنیا چه فریبنده (۲۳۶۰۷– ۲۳۶۰۳) و سیراب شدن از آن، چه تشنگی زاست! (۲۳۶۱۰– ۲۳۶۰۸) و سایه آنچه سوزان است! (۲۳۶۱۳– ۲۳۶۱۱) نه زمان آمده را می‌شود رد کرد (۲۳۶۱۶– ۲۳۶۱۴) و نه گذشته را می‌توان باز گرداند (۲۳۶۲۰– ۲۳۶۱۷)، پس مژّه و پاک است خداوند! چشمو زنده به مرده نزدیک است برای پیوستن به آن (۲۳۶۲۱– ۲۳۶۱۹) و چه دور است مرده از زنده که از آنان جدا گشته؟

(۲۳۶۳۶– ۲۳۶۳۰)

**۴ ارزشیابی دنیا و آخرت**

چیزی بدتر از شُر و بدی نیست جز کفر و عذاب آن (۲۳۶۴۴– ۲۳۶۳۷)، و چیزی نیکوتر از خیر و نیکی وجود ندارد جز پاداش آن. (۲۳۶۵۲– ۲۳۶۴۵) همه چیز دنیا شنیدن آن بزرگتر از دیدن آن است (۲۳۶۶۱– ۲۳۶۵۳)، و هر چیز از آخرت دیدن آن بزرگتر از شنیدن آن است. (۲۳۶۷۰– ۲۳۶۶۲) پس کفایت می‌کند شما را شنیدن از دیدن (۲۳۶۷۴– ۲۳۶۷۱)، و خیر دادن از پنهانی‌های آخرت (۲۳۶۷۸– ۲۳۶۷۵). آگاه باشید، هر گاه از دنیای شما کاهش یابد و به آخرت افزوده گردد بهتر از آن است که از پاداش آخرت شما کاسته و بر دنیای شما افزوده شود. (۲۳۶۹۸– ۲۳۶۷۹) چه بسا کاهش یافته‌هایی که سود آور است، و افزایش داشته‌هایی که زیان آور بود (۲۳۷۰۵– ۲۳۶۹۹)، همانا به آنچه فرمان داده شدید گسترده‌تر از چیزی است که شما را از آن باز داشتند (۲۳۷۱۴– ۲۳۷۰۶)، و آنچه بر شما حلال است، پیش از چیزی است که بر شما حرام کرده‌اند (۲۳۷۲۲– ۲۳۷۱۵)، پس آنچه را اندک است برای آنچه که بسیار است ترک کنید (۲۳۷۲۳– ۲۳۷۲۲)، و آنچه را بر شما تنگ گرفته‌اند به خاطر آنچه که شما را در گشایش قرار دادند انجام ندهید. (۲۳۷۲۸– ۲۳۷۲۲) خداوند روزی شما را ضمانت کرده (۲۳۷۳۳– ۲۳۷۳۶) و شما را به کار و تلاش امر فرموده (۲۳۷۳۴– ۲۳۷۳۷)، پس نباید روزی تضمین شده را بر آنچه که واجب شده مقدم دارید (۲۳۷۵۰– ۲۳۷۴۴) اینکه به خدا سوگند آجتان نادانی و شک و یقین به هم آمیخته است (۲۳۷۶۰– ۲۳۷۵۱) که گویا روزی تضمین شده بر شما واجب است (۲۳۷۶۸– ۲۳۷۶۱)، و آنچه را که واجب کرده‌اند، برداشتند. (۲۳۷۶۶– ۲۳۷۶۸)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۲۳

پس در اعمال نیکو شتاب کنید (۲۳۷۷۸– ۲۳۷۷۷) «۱»، و از فرارسیدن مرگ ناگهانی بترسید. (۲۳۷۸۲– ۲۳۷۷۹)، زیرا آنچه از روزی که از دست رفته، امید بازگشت آن وجود دارد، اما عمر گذشته را نمی‌شود باز گرداند (۲۳۷۹۳– ۲۳۷۸۳) آنچه را امروز از بهره دنیا کم شده می‌توان فردا به دست آورد (۲۳۸۰۱– ۲۳۷۹۴) ایضا آنچه دیروز از عمر گذشته، امید به بازگشت آن نیست (۲۳۸۱۱– ۲۳۸۰۲)، به آینده امیدوار (۲۳۸۱۴– ۲۳۸۱۲) و از گذشته نا امید باشید. (۲۳۸۱۸– ۲۳۸۱۵) (از خدا بترسید و جز بر

مسلمانی نمیرید)

(۲۳۸۰ - ۲۳۸۱۹) (۱۱۱۵)

### ترجمه خطبه ۱۱۵

#### اشاره

(در خواستن باران از خدا در شهر کوفه ایراد فرمود)

#### دعا برای طلب باران

(۲۳۸۳۷ - ۲۳۸۳۱) خداوند! کوه‌های ما از بی آبی شکافت خورده (۲۳۸۳۸ - ۲۳۸۳۹) و زمین ما غبار آلود (۲۳۸۴۰ - ۲۳۸۴۱) و دام‌های ما در آغل‌های خود سرگردانند (۲۳۸۴۷ - ۲۳۸۴۸) (۲۳۸۵۱ - ۲۳۸۵۲) و چون زن بیخه مرده فریاد می‌کشند (۲۳۸۵۲ - ۲۳۸۵۳)، و از رفت و آمد بی حاصل به سوی چراگاه‌ها و آبشخورها، خسته شده‌اند! (۲۳۸۶۲ - ۲۳۸۶۳) (۲۳۸۶۴ - ۲۳۸۶۵) بار خدا را بر ناله گوسفندان (۲۳۸۷۰ - ۲۳۸۶۷) و فریاد و آه شتران ماده رحمت آور (۲۳۸۷۳ - ۲۳۸۷۱)، خدا یا به سرگردانی آنها در راه! (۲۳۸۷۸ - ۲۳۸۷۴) و ناله‌هایشان در خوابگاه‌ها رحمت آور. (۲۳۸۸۲ - ۲۳۸۷۹) بار خدا! هنگامی به سوی تو بیرون آمدم که خشکالی بیایی هجوم آورده (۲۳۸۹۰ - ۲۳۸۸۳)، و ابرهای پر باران از ما پشت کرده و خشک و نامهربان بدون بارش قطره‌ای باران گذشتند. (۲۳۸۹۴ - ۲۳۸۹۱) خدا یا! تو امید هر بیچاره (۲۳۸۹۷ - ۲۳۸۹۵) و حل‌کننده مشکلات هر طلب‌کننده می‌باشی (۲۳۹۰۰ - ۲۳۸۹۸)، خدا یا! تو را می‌خوانیم، در این هنگام که همه نا امید شده‌اند (۲۳۹۰۴ - ۲۳۹۰۱)، و ابر رحمت بر ما نمی‌بارد (۲۳۹۰۷ - ۲۳۹۰۵) و حیوانات ما نابود گردیدند (۲۳۹۱۰ - ۲۳۹۰۸)، ما را به کردار ما عذاب نکنی (۲۳۹۱۳ - ۲۳۹۱۱)، و به گناهان ما کیفر ندهی. (۲۳۹۱۴ - ۲۳۹۱۳) خدا یا! رحمت خود را با ابر پر باران (۲۳۹۲۳ - ۲۳۹۱۸) و بهار پر آب (۲۳۹۲۶ - ۲۳۹۲۴) و گیاهان خوش منظر شاداب بر ما نازل فرما، بارانی درشت قطره بر ما فرو فرست (۲۳۹۳۱ - ۲۳۹۲۷) که مردگان را زنده (۲۳۹۳۶ - ۲۳۹۳۲) و آنچه از دست ما رفته به ما باز گرداند. (۲۳۹۴۲ - ۲۳۹۳۷) خدا یا! ما را با بارانی سیراب کن که زنده کننده، سیراب سازنده (۲۳۹۴۷ - ۲۳۹۴۳)، فراگیر و به همه جا رونده، پاکیزه و با برکت، گوارا و پر نعمت (۲۳۹۵۳ - ۲۳۹۴۸)، گیاه آن بسیار (۲۳۹۵۴ - ۲۳۹۵۲)، شاخه‌های آن به بارش نماند (۲۳۹۵۷ - ۲۳۹۵۶) و برگ‌هایش تازه و آب دار باشد (۲۳۹۵۹ - ۲۳۹۵۸) تا با چنان بارانی بنده ناتوان را توان بخشی (۲۳۹۶۴ - ۲۳۹۶۰)، و شهرهای مرده‌ات را زنده سازی (۲۳۹۷۰ - ۲۳۹۶۵)، خدا یا! بارانی ده که بسیار بیارد تا زمین‌های بلند، ما پر گیاه شود (۲۳۹۷۶ - ۲۳۹۷۱)، و در زمین‌های پست روان گردد (۲۳۹۸۰ - ۲۳۹۷۷) و نعمت‌های فراوان در اطراف ما گسترش یابد (۲۳۹۸۴ - ۲۳۹۸۱)، تا با آن میوه‌های ما بسیار (۲۳۹۸۸ - ۲۳۹۸۵)، گله‌های ما زنده و فراوان (۲۳۹۹۲ - ۲۳۹۸۹)، و سرزمینهای دورتر از ما نیز بپرند گردند (۲۳۹۹۶ - ۲۳۹۹۳)،

(۱) نقد مکتب ولونتاریسم (VOLUNTARISM)، مکتب اصالت اراده و اختیار) که هر گونه جبری را نفی می‌کند، زیرا در اسلام انسان یا مکتب خدا عمل می‌کند.

(۲) با طرح این حقیقت که زنده کننده خداست، علم بیوزن‌ساز BIOGENESIS تأیید می‌کند که زنده از زنده و حیات از حیات پدید می‌آید و از ماده خود بخود چیزی بوجود نخواهد آمد، مثل وجود کرم در سبب که انگلهای کرم در شکوفه‌ها نماندند، و رشد کردند و سپس تبدیل به کرم شده‌اند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۲۵

و روزنه‌های ما از آن نیرومند شوند. (۲۴۰۰۰ - ۲۳۹۹۷) اینها همه از برکات گسترده و بخشش‌های فراوان تو باشد که بر سرزمین‌های فقر زده (۲۴۰۰۹ - ۲۴۰۰۱) و حیوانات وحشی ما نازل می‌گردد. (۲۴۰۱۲ - ۲۴۰۱۰) خداوند! بارانی ده! (۲۴۰۱۷ - ۲۴۰۱۳) دانه درشت که بیایی برای سیراب شدن گیاهان ما بیارد (۲۴۰۱۹ - ۲۴۰۱۸)، چنانکه قطرات آن یکدیگر را براندند (۲۴۰۲۳ - ۲۴۰۲۰)، و دانه‌های آن به شدت برهم کوبیده شوند. (۲۴۰۲۸ - ۲۴۰۲۴)، نه رعد و برقی بی‌باران (۲۴۰۳۱ - ۲۴۰۲۹)، و ابری بی ثمر (۲۴۰۳۵ - ۲۴۰۳۲)، و کوچک و بزرگ (۲۴۰۳۹ - ۲۴۰۳۶)، و نه دانه‌های ریز باران همراه با بادهای سرد. (۲۴۰۴۳ - ۲۴۰۴۰) خدا یا! بارانی پر آب فرو فرست که قطعی زنگان به نعمت‌های فراوان رسند (۲۴۰۴۷ - ۲۴۰۴۴) و آثار خشکسالی از میان برود (۲۴۰۵۱ - ۲۴۰۴۸) که همانا، تویی خداوندی که پس از آن امید شدن مردم باران را فرو می‌فرستی و رحمت خود را همه جا گسترش می‌دهی و تویی سرپرست نظام آفرینش که به ستودن سزاواری.

(۲۴۰۶۵ - ۲۴۰۵۲) می‌گویم: ( )

«الصلاحت جلالنا،

یعنی کوهما بر اثر خشکی از هم شکافته است (۲۴۰۸۶ - ۲۴۰۷۹)، و «الصلاح الثوب» وقتی گفته می‌شود که لباس از هم شکافته باشد (۲۴۰۹۱ - ۲۴۰۸۷) «الصلاح الثت و صلح و صوح، به هنگامی که گیاه خشک گردد می‌گویند (۲۴۱۰۴ - ۲۴۱۰۲) و همه این چند واژه به یک معنا است. (۲۴۱۰۶ - ۲۴۱۰۵) و جمله

«و هامت دوایتا،

از ماده «هيام» به معنی عطش است. (۲۴۱۱۶ - ۲۴۱۰۷) و

«حدابیر السنین»

جمع «حدبارة» به معنای شتری است که بر اثر راه رفتن ناتوان شده است. (۲۴۱۲۸ - ۲۴۱۱۷) امام صلی الله علیه و آله و سلم سال‌های قطعی را به چنین شتری تشبیه کرده است. (۲۴۱۳۵ - ۲۴۱۲۹) «ذو الرمه» شاعر می‌گوید: (۲۴۱۳۸ - ۲۴۱۳۶) خدا یا! بیرون ما تنگ آا مناعه‌علی الخسف او نرمی بها بلدا فقرا شتران ناتوانی که هیچ گاه از هم جدا نمی‌گردند جز در خوابگاه‌ها یا اینکه آنها را در محیطهای بی آب و علف قرار دهند. (۲۴۱۵۰ - ۲۴۱۳۹) و جمله

«و لا قرع ربایها،

(۲۴۱۵۶ - ۲۴۱۵۱) یعنی از قطعات کوچک و پراکنده ابر نباشد (۲۴۱۶۲ - ۲۴۱۵۷) و جمله

«و لا شقان ذهابا،

(۲۴۱۶۸ - ۲۴۱۶۳) در تقدیر «و لا ذات شقان ذهابا، است (۲۴۱۷۵ - ۲۴۱۶۹) «شقان» به معنی باد سرد (۲۴۱۷۹ - ۲۴۱۷۶) و «ذهاب» به معنی بارانهای نرم می‌باشد. (۲۴۱۸۳ - ۲۴۱۸۰) و کلمه «ذات» حذف گردید زیرا شونده به آن آنگاه بود.

(۲۴۱۸۸ - ۲۴۱۸۴) (۱۱۱۶)

### ترجمه خطبه ۱۱۶

#### اشاره

(این خطبه در شهر کوفه در سال ۳۸ هجری برای تشویق کوفیان به نبرد نهایی ایراد شد) (۲۴۱۹۷ - ۲۴۱۸۹)

#### ۱ ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فرستاد تا دعوت کننده به حق، و گواه اعمال خلق باشد. (۲۴۲۰۵ - ۲۴۱۹۸) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون سستی و کوتاهی، رسالت پروردگارش را رسانید (۲۴۲۱۳ - ۲۴۲۰۶)، و در راه خدا با دشمنانش بدون عذر تراشی جنگید. (۲۴۲۲۳ - ۲۴۲۱۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشوای پرهیزکاران (۲۴۲۲۶ - ۲۴۲۲۴)، و روشنی بخش چشم هدایت شدگان است. (۲۴۲۳۰ - ۲۴۲۲۷) (و از همین خطبه است)

#### ۲ اندرز باران

مردم! اگر شما همانند من از آنچه بر شما پنهان است یا خیر بودید (۲۴۲۴۰ - ۲۴۲۳۱)، از خانه‌ها کوچ می‌کردید، در بیان‌ها سرگردان می‌شدید (۲۴۲۴۴ - ۲۴۲۴۱)، و بر کردارتان اشک می‌ریختید (۲۴۲۴۷ - ۲۴۲۴۵) و چنان زنان مصیبت دیده بر سر و سینه می‌زدید (۲۴۲۵۱ - ۲۴۲۴۸) سرمایه خود را بدون نگاهبان و جانشین رها می‌کردید (۲۴۲۶۱ - ۲۴۲۵۲) و هر کدام از شما تنها به کار خود می‌پرداختید، و به دیگری توجهی نداشتید. (۲۴۲۷۱ - ۲۴۲۶۲) انوس، آنچه را به شما نَدَکَر دادند فراموش کردید (۲۴۲۷۶ - ۲۴۲۷۲)، و از آنچه شما را ترسانند، ایمن گشتید! (۲۴۲۸۰ - ۲۴۲۷۷) گویا عقل از سرزان بریده (۲۴۲۸۳ - ۲۴۲۸۱)، و کارهای شما آشفته شده است.

(۲۴۲۸۷ - ۲۴۲۸۴)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۲۷

### ۳ تعریف یارانی که به شهادت رسیدند

به خدا سوگند، دوست داشتم که خدا میان من و شما جدایی اندازد، (۲۴۲۹۵ - ۲۴۲۸۸) و مرا به کسی که نسبت به من سزاوارتر است ملحق فرماید. (۲۴۳۰۲ - ۲۴۲۹۶) به خدا سوگند، آنان مردمی بودند، نیک اندیش (۲۴۳۰۷ - ۲۴۳۰۳)، ترجیح دهنده بردباری (۲۴۳۰۹ - ۲۴۳۰۸)، گویندگان حق (۲۴۳۱۱ - ۲۴۳۱۰)، و ترک کنندگان ستم. (۲۴۳۱۳ - ۲۴۳۱۲) پیش از ما به راه راست قدم گذاشته (۲۴۳۱۷ - ۲۴۳۱۴) و شایان رفتند. (۲۴۳۲۱ - ۲۴۳۱۸) و در به دست آوردن زندگی جاویدان آخرت و کرامت گوارا، پیروز شدند.

(۲۴۳۲۴ - ۲۴۳۲۲) (۲۴۳۲۷ - ۲۴۳۲۵)

### ۴ خبر از خونریزی و شکمارمی حجاج بن یوسف ثقفی

آگاه باشید، به خدا سوگند پسرکی از طایفه ثقیف (حجاج بن یوسف) بر شما مسلط می‌گردد که هوساز و گردن کش و ستمگر است (۲۴۳۳۶ - ۲۴۳۳۸)، سزوه زارهای اموال و داراییها، شما را می‌چرد (۲۴۳۳۸ - ۲۴۳۳۷) و چربی شما را آب می‌کند. (۲۴۳۴۱ - ۲۴۳۳۹) ابو‌ذخه: پس کن. (۲۴۳۴۴ - ۲۴۳۴۲) ۱۰ (وَذَخِه نَبْعِي سَوْسِكِ اسْت) (۲۴۳۴۸ - ۲۴۳۴۵)، چون ماجرای با حجاج دارد، او را ابو‌ذخه خطاب فرمود، که اینجا جای آوردن آن نیست (۲۴۳۵۵ - ۲۴۳۴۹) (امی‌گویند ذخه، سوسک مخصوصی است حجاج را گویند که بدنش روم کرد و مرده) (۱۱۱۷)

### ترجمه خطبه ۱۱۷

#### سوزش انسان‌های خود پرست

نه اموال خود را در راه خدایی که آن مال‌ها را روزی شما کرد می‌بخشید (۲۴۳۳۹ - ۲۴۳۳۵)، نه جان‌ها را در راه خدای جان آفرین به خطر می‌انگیزید! (۲۴۳۸۶ - ۲۴۳۸۰) دوست دارید مردم برای خدا شما را گرامی دارند (۲۴۳۸۷ - ۲۴۳۸۰) انا خودتان مردم را در راه خدا گرامی نمی‌دارید! (۲۴۳۹۶ - ۲۴۳۹۱) از فرود آمدن در خانه‌های گذشتگان عبرت بگیرید (۲۴۳۹۷ - ۲۴۳۹۷)، و از جدایی با نزدیک‌ترین برادران و دوستان پند پذیرید.

(۲۴۴۰۷ - ۲۴۴۰۳) (۱۱۱۸)

### ترجمه خطبه ۱۱۸

#### اشاره

(پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری در ستایش از یاران ایراد کرد)

#### ستودن یاران نیکوکار.

(۲۴۴۱۶ - ۲۴۴۰۸) شما یاران حق (۲۴۴۲۰ - ۲۴۴۱۷) و برادران دینی من می‌باشید (۲۴۴۲۴ - ۲۴۴۲۱)، در روز جنگ چون سپهر محافظ دور کننده ضریت‌ها (۲۴۴۲۸ - ۲۴۴۲۵)، و در خلوت‌ها محرم اسرار منید (۲۴۴۳۲ - ۲۴۴۲۹)، با کمک شما پشت کنندگان به حق را می‌گویم و به راه می‌آروم (۲۴۴۳۳ - ۲۴۴۳۵)، و فرمانبرداری استقبال کنندگان را امیدوارم (۲۴۴۳۹ - ۲۴۴۳۶)، پس مرا، با غیر خواهی خالصانه (۲۴۴۴۰ - ۲۴۴۴۴)، و سالم از هر گونه شک و تردید، پاری کنید. (۲۴۴۴۷ - ۲۴۴۴۵) ۱۲، به خدا سوگند! من به مردم از خودشان سزاوارترم.

(۲۴۴۵۲ - ۲۴۴۴۸)

- (۱) حجاج بن یوسف ثقفی است که در سال ۴۱ هجری متولّد و مرگ او در سال ۹۵ هجری است.
- (۲) بر اساس نقل طبری و واقعی این سخنان را پس از جنگ جمل خطاب به اصحاب خود ایراد فرمود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۲۹

(۱۱۱۹)

### ترجمه خطبه ۱۱۹

#### اشاره

(پس از جنگ صفّین و نهروان، در سال ۳۸ هجری مردم را برای سرکوبی معاویه فراخواند، سکوت کردند. (۲۴۴۵۳ - ۲۴۴۵۲) فرمود شما را چه شده، آیا لال هستید؟ (۲۴۴۶۴ - ۲۴۴۶۸) گروهی گفتند ای امیر المؤمنین، اگر تو حرکت کنی با تو حرکت می‌کنیم.) (۲۴۴۵۲ - ۲۴۴۵۲)

#### اعل نكوهن كوفيان.

شما را چه می‌شود؟ هر گز ره رسنگاری نپزید! (۲۴۴۸۴ - ۲۴۴۷۵) و به راه عدل هدایت نگردید! (۲۴۴۹۱ - ۲۴۴۸۵) آیا در چنین شرایطی سزاوار است که من از شهر خارج شوم؟ (۲۴۴۹۵ - ۲۴۴۹۲) هم اکنون باید مردی از شما که من از شجاعت و دلایری او راضی و به او اطمینان داشته باشم، به سوی دشمن کوچ کند.

(۲۴۴۹۶ - ۲۴۵۰۳)

### ۲ مسئولیت‌های رهبری

و برای من سزاوار نیست که لشکر و شهر و بیت المال و جمع آوری خراج و قضاوت بین مسلمانان (۲۴۵۳۶ - ۲۴۵۱۸)، و گرفتن حقوق درخواست کنندگان را رها سازم (۲۴۵۴۱ - ۲۴۵۳۷)، آنگاه با دسته‌ای بیرون روم، و به دنبال دسته‌ای به راه اقم (۲۴۵۴۷ - ۲۴۵۴۲)، و چونان تیر تراشیده در جبهه‌ای خالی به این سو و آن سو سرگردان شوم! (۲۴۵۵۳ - ۲۴۵۴۸) من چونان محور سنگ آسیاب (۲۴۵۵۸ - ۲۴۵۵۴)، باید بر جای خود استوار بمانم تا همه امور کشور، پیرامون من و به وسیله من به گردش در آید (۲۴۵۶۳ - ۲۴۵۵۹)، اگر من از محور خود دور شوم مدار آن بلرزد (۲۴۵۶۷ - ۲۴۵۶۴) و سنگ زیرین آن فرو ریزد! (۲۴۵۷۰ - ۲۴۵۶۸) به حقّ خدا سوگند که این پیشنهاد بدی است! (۲۴۵۷۵ - ۲۴۵۷۱) به خدا سوگند! اگر امیدواری به شهادت در راه خدا را نداشتم، پای در رکاب کرده از میان شما می‌رفتم، و شما را نمی‌طلبیدم چندان که باد شمال و جنوب می‌وزد (۲۴۶۰۲ - ۲۴۵۷۶)، زیرا شما بسیار طعنه زن، عیب جو (۲۴۶۰۴ - ۲۴۶۰۳)، رویگردان از حق، و پر مکر و حیلید. (۲۴۶۰۶ - ۲۴۶۰۵) ما دام که افکار شما پراکنده است فراوانی تعداد شما سودی ندارد (۲۴۶۱۲ - ۲۴۶۰۷) (۲۴۶۱۶ - ۲۴۶۱۳)، من شما را به راه روشنی بردم که جز هلاک خواهان، هلاک نگردند (۲۴۶۲۷ - ۲۴۶۱۷)، آن کس که استقامت کرد به سوی بهشت شتافت (۲۴۶۳۱ - ۲۴۶۲۸) و آن کس که لغزید در آتش سرنگون شد.

(۲۴۶۳۶ - ۲۴۶۳۲) (۱۱۲۰)

### ترجمه خطبه ۱۲۰

#### یاد آوری ویژگی‌های اهل بیت علیه السلام و اندرز یاران

(۲۴۶۴۶ - ۲۴۶۳۷) به خدا سوگند! تبلیغ رسالت‌ها (۲۴۶۵۱ - ۲۴۶۴۷)، وفای به پیمان‌ها (۲۴۶۵۴ - ۲۴۶۵۲)، و تفسیر اوامر و هشدارهای الهی به من آموزش داده شده (۲۴۶۵۷ - ۲۴۶۵۵)، درهای دانش و روشنائی امور انسان‌ها نزد ما اهل بیت پیامبر علیهم السلام است. (۲۴۶۶۳ - ۲۴۶۵۸) (۲۴۶۶۶ - ۲۴۶۶۴) آگاه باشید که قوانین دین یکی (۲۴۶۷۲ - ۲۴۶۶۷) و راههای آن آسان و راست است (۲۴۶۷۵ - ۲۴۶۷۳)، کسی که از آن پرود به قلقه و سر منزل رسد، و غنیمت برد (۲۴۶۸۱ - ۲۴۶۷۶)، و هر کس که از آن راه نرود گمراه شده پشیمان گردد. (۲۴۶۸۸ - ۲۴۶۸۲) مردم! برای آن روز که زاد و توشه ذخیره می‌کنند، و اسرار آدمیان فاش می‌گردد، عمل کنید. (۲۴۶۹۷ - ۲۴۶۸۹)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۳۱

کسی که از خرد خویش بهرمنده ننگردد برای پند گرفتن از عقل و فکر دیگران عاجزتر است، که آن غلاب برای کمک کردن از عقل حاضر او ناتوان تر است. (۲۴۷۰۹ - ۲۴۶۹۸) از آنشی پرهیزید که حرارنش شدید (۲۴۷۱۴ - ۲۴۷۱۰) و عمق آن ناپیدا

(۲۴۷۱۷–۲۴۷۱۶)، و زیور آن غل و زنجیر (۲۴۷۲۰–۲۴۷۱۸)، آشامیدنی آن زرد آب و چرک جوشان است. (۲۴۷۲۳–۲۴۷۲۱)
آگاه باشید! نام نیکی که خدا برای کسی میان مردم قرار دهد، بهتر از مالی است که برای دیگران باقی می‌گذارد که او را ستایش نمی‌کنند. (۲۴۷۲۲–۲۴۷۲۴) ۱۱، (۱۱۲۱)

## ترجمه خطبه ۱۲۱

### اشاره

(پس از پذیرش «حکمت» در صفین، یکی از یاران ۱۲، گفت: ما را از حکمت نهی فرمودی، سپس پذیرفی و داور تعیین کردی! (۲۴۷۴۴–۲۴۷۵۱) ما نمی‌دانیم کدام یک از این دو کار درست است؟ (۲۴۷۶۹–۲۴۷۶۵) امام دست بر روی دست کوبید و با تأسف فرمود) (۲۴۷۷۷–۲۴۷۷۰)

### ۱ علل شکست کوفیان و پذیرش «حکمت»

این سزای کسی است که بیعت با امام خود را ترک گوید، و پیمان بشکند. (۲۴۷۸۲–۲۴۷۷۸) به خدا سوگند، هنگامی که شما را به جنگ با معاویه فراخواندم، خوشبختان نبود، ولی خداوند خیر شما را در آن قرار داده بود (۲۴۷۹۸–۲۴۷۸۳)، اگر مقاومت می‌کردید، شما را راهنمایی می‌کردم (۲۴۸۰۱–۲۴۷۹۹) و اگر به انحراف می‌رفتید شما را به راه راست برمی‌گرداندم (۲۴۸۰۵–۲۴۸۰۲)، اگر سر باز می‌زدید، دوباره شما را برای مبارزه آماده می‌کردم (۲۴۸۰۹–۲۴۸۰۶)، در آن صورت وضعیتی مطمئن داشتیم. (۲۴۸۱۱–۲۴۸۱۰) اما دریغ، با کدام نیرو بجنگم؟ و به چه کسی اطمینان کنم؟ (۲۴۸۱۷–۲۴۸۱۲) شگفتان، می‌خواهم به وسیله شما بیماری‌ها را درمان کنم ولی شما درد بی درمان من شده‌اید (۲۴۸۲۴–۲۴۸۱۸)، کسی را می‌مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می‌خواهد آن را بیرون کشد (۲۴۸۲۷–۲۴۸۲۵)، ۳۰، در حالی که می‌داند خار در تن او بیشتر شکند و بر جای ماند. (۲۴۸۳۳–۲۴۸۲۸) خدا! لطیف این درد برگیرار به جان آمده (۲۴۸۴۰–۲۴۸۳۴)، و آب رسان این شوره زار ناتوان شده است. (۲۴۸۴۵–۲۴۸۴۱)

### ۲ وصف یاران شهیدی که وفادار بودند

کجا هستند مردمی که به اسلام دعوت شده و پذیرفتند (۲۴۸۵۲–۲۴۸۴۶)، قرآن تلاوت کردند و معانی آیات را شناختند. (۲۴۸۵۶–۲۴۸۵۳)، به سوی جهاد برانگیخته شده چونان شتری که به سوی بجه خود روی می‌آورد شیفته جهاد گردیدند (۲۴۸۶۵–۲۴۸۵۷)، شمشیرها از نیام بر آوردند (۲۴۸۶۹–۲۴۸۶۶)، و گرداگرد زمین را گروه گروه، صف به صف، احاطه کردند (۲۴۸۷۰–۲۴۸۷۰)، بعضی شهید، و برخی نجات یافتند. (۲۴۸۸۳–۲۴۸۷۹) هیچ گاه از زنده ماندن کسی در میدان جنگ شادمان نبودند (۲۴۸۸۶–۲۴۸۸۴)، و در مرگ شهیدان نیازی به تسلیت نداشتند (۲۴۸۹۱–۲۴۸۸۷)، با گریه‌های طولانی از ترس خدا، چشم‌هایشان ناراحت (۲۴۸۹۵–۲۴۸۹۲)، و از روزده‌داری فراوان، شکم‌هایشان لاغر و به پشت چسبیده بود. (۲۴۸۹۹–۲۴۸۹۶) لب‌هایشان از فراوانی دعا خشک (۲۴۹۰۳–۲۴۹۰۰)، و رنگ‌های صورت از شب زنده‌داری‌ها زرد (۲۴۹۰۷–۲۴۹۰۴)، و بر چهره‌هایشان غبار خشوع و فروتنی نشسته بود. (۲۴۹۱۱–۲۴۹۰۸) آنان برادران من هستند که رفته‌اند (۲۴۹۱۴–۲۴۹۱۲)، و بر ماست که نشسته ملاقاتشان باشیم (۲۴۹۱۹–۲۴۹۱۵)، و از اندوه و فراقشان انگشت حسرت به دندان بگیریم. (۲۴۹۲۴–۲۴۹۲۰)

### ۳ هشدار از فریب کاری شیطان

همانا شیطان، ۴۰ راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد (۲۴۹۲۹–۲۴۹۲۵)، تا گروه‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید (۲۴۹۳۶–۲۴۹۳۰)، و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید. (۲۴۹۴۰–۲۴۹۳۷)

(۱) سعدی:

نام نیکو گر بماند ز آدمی به کز او ماند سرای زرتکار

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱جلد، مشهور - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹.ش.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص ۲۳۱
(۲) این شخص آشفت بن قیس بود که همه جا، همواره روحیه اعتراض داشت و خود از عوامل پذیرش حکمت بود.
(۳) شرب التملل است برای کسانی که بیهوده تلاش می‌کنند.
(۴) مقصود امام در اینجا از شیطان، معاویه است که با مکر و حيله عمرو عاص لشکر اسلام را برپشان ساخت.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۳۳
از سوسو و زرمزه و فریب کاری شیطان روی گردانید (۲۴۹۴۸–۲۴۹۴۴)، و نصیحت آن کس را که خیرخواه شمامت گوش کنید، (۲۴۹۵۴–۲۴۹۴۹) و به جان و دل بپذیرید. (۲۴۹۵۸–۲۴۹۵۵) (۱۱۲۲)

## ترجمه خطبه ۱۲۲

### اشاره

(پس از بافتناری خوارج در شورشگری، امام علیه السلام به قراگاهشان رفت و خطاب به جمع خوارج فرمود): (۲۴۹۵۹–۲۴۹۵۹) آیا همه شما در جنگ سفتین بودید؟ (۲۴۹۸۳–۲۴۹۷۷) گفتند بعضی بودیم و برخی حضور نداشتیم. (۲۴۹۹۲–۲۴۹۸۴) فرمود: به دو گروه تقسیم شوید، تا متناسب با هر کدام سخن گویم. (۲۴۹۹۵–۲۴۹۹۳) (۲۵۰۰۰–۲۴۹۹۶) (۲۵۰۰۱–۲۵۰۰۵) (۲۵۰۰۶–۲۵۰۰۶) دو دسته شدند، امام ندا در داد که: (۲۵۰۱۴–۲۵۰۱۱) ساکت باشید، به حرف‌هایم گوش فرا دهید (۲۵۰۲۰–۲۵۰۱۵) و با جان و دل به سوی من توجیه کنید (۲۵۰۲۴–۲۵۰۲۱)، و هر کس را برای گواهی سوگند دادم بنا علم گواهی دهد. (۲۵۰۳۰–۲۵۰۲۵) آنگاه سخنان طولانی مطرح فرمود (۲۵۰۳۵–۲۵۰۳۱) که (برخی از آن خطبه این است) (۲۵۰۴۰–۲۵۰۳۶)

### ۱ سیاست استعماری قرآن بر سر نیزه کردن

آنگاه که شامیان در گرما گرم جنگ، و در لحظه‌های پیروزی ما، با حيله و نیرنگ، و مکر و فریب کاری قرآن‌ها را بر سر نیزه بلند کردند شماها نگفتید که: (۲۵۰۵۳–۲۵۰۴۱) «شامیان، برادران ما و هم آیین ما هستند؟ (۲۵۰۵۷–۲۵۰۵۴) از ما می‌خواهند از خطای آنان بگذریم. و راضی به حاکمیت کتاب خدا شده‌اند (۲۵۰۶۴–۲۵۰۵۸)، نظر ما این است که حرفشان را قبول کنیم و از آنان دست برداریم؟» (۲۵۰۷۰–۲۵۰۶۵) اما من به شما گفتم که:

این توطئه، ظاهرش ایمان و باطن آن دشمنی و کینه تیزی است (۲۵۰۷۹–۲۵۰۷۱)، آغاز آن رحمت و پایان آن پشیمانی است (۲۵۰۸۵–۲۵۰۸۰)، پس در همین حال به مبارزه ادامه دهید (۲۵۰۸۸–۲۵۰۸۶)، و از راهی که در پیش گرفته‌اید منحرف نشوید (۲۵۰۹۱–۲۵۰۸۹)، و در جنگ دندان بر دندان فشارید (۲۵۰۹۶–۲۵۰۹۲)، و ندای ندا دهند ای گوش ندید، زیرا! اگر پاسخ داده شوند گمراه کنندماند، و اگر رها گردند خوار و ذلیل شوند، که همواره چنین بود. (۲۵۱۰۹–۲۵۰۹۷) اما دریغ! شماها را دیدم که به خواسته‌های شامیان گردن نهادید، و حکمت را پذیرفتید (۲۵۱۱۸–۲۵۱۱۰) سوگند به خدا! اگر از آن سرباز می‌زدم مسئول پی آمده‌ای آن نیومد (۲۵۱۲۶–۲۵۱۱۹)، و خدا گناه آن را در پرونده من نمی‌افزود. (۲۵۱۳۱–۲۵۱۲۷) به خدا سوگند! اگر هم حکمت را می‌پذیرفتم به این کار سزاوار پیروی بودم (۲۵۱۴۰–۲۵۱۳۲) زیرا قرآن با من است، از آن هنگام که یار قرآن گشتم از آن جدا نشدم.

(۲۵۱۴۸–۲۵۱۴۱)

### ۲ وصف یاران جهادگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ما با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم (۲۵۱۵۴–۲۵۱۴۹)، و همانا جنگ و کشتار گرداگرد پدران، فرزندان، برادران و خویشاوندان ما دور می‌زد (۲۵۱۶۶–۲۵۱۵۵)، اما از وارد شدن هر مصیبت و شدتی جز بر ایمان خود نمی‌افزودیم (۲۵۱۷۵–۲۵۱۶۷)، و بیشتر در پیمودن راه حق، و تسلیم بودن برابر اوامر الهی، و شکیبایی بر درد جراحت‌های سوزان، مصمم می‌شدیم. (۲۵۱۸۷–۲۵۱۷۶)

### ۳ هدف مبارزه با شامیان

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۵

اترا امروز با پیدایش زنگارها در دین، کژی‌ها و نفوذ شبهه‌ها در افکار، تفسیر و تأویل دروغین در دین، با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم (۲۵۲۰۷- ۲۵۱۸۸)، پس هر گاه احساس می‌کنیم چیزی باعث وحدت ماست (۲۵۲۱۵- ۲۵۲۰۸) و به وسیله آن با یکدیگر نزدیک می‌شویم، و شکاف‌ها را پر و باقی مانده پیوندها را محکم می‌کنیم (۲۵۲۲۲- ۲۵۲۱۶)، به آن تمایل نشان می‌دهیم، آن را گرفته و دیگر راه را ترک می‌گیریم.

(۲۵۲۲۸- ۲۵۲۲۳ (۱۱۲۳)

### ترجمه خطبه ۱۲۳

#### اشاره

(به هنگام نبرد در جنگ صفین خطاب به سربازان خویش فرمود) (۲۵۲۳۹- ۲۵۲۲۹)

#### ۱ آموزش روانی در جنگ

هر کدام از شما در صحنه نبرد با دشمن، در خود شجاعت و دلآوری احساس کرد (۲۵۲۵۰- ۲۵۲۴۰)، و بردارش را مست و ترسو یافت (۲۵۲۵۷- ۲۵۲۵۱)، به شکرانه این برتری باید از او دفاع کنید، آنگونه که از خود دفاع می‌کنند (۲۵۲۷۰- ۲۵۲۵۸)، زیرا اگر خدا بخواهد او را چون شما دلآور و شجاع گرداند. (۲۵۲۷۵- ۲۵۲۷۱) همانا مرگ به سرعت در جستجوی شمات، آنها که در نبرد مقاومت دارند (۲۵۲۸۲- ۲۵۲۷۶)، و آنها که فرار می‌کنند، هیچ کدام را از جنگال مرگ رهایی نیست (۲۵۲۸۳- ۲۵۲۸۲) همانا گرامی‌ترین مرگها کشته شدن در راه خداست. (۲۵۲۹۰- ۲۵۲۸۷) سوگند به آن کس که جان پسر ابو طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسانتر است از مرگ در پستراستراحت، در مخالفت با خداست.

(۲۵۳۱۰- ۲۵۲۹۱)

#### ۲ هشدار از کوتاهی در نبرد

گویي شما را در برخی از حمله‌ها، در حال فرار، ناله کان چون گله‌ای از سوسمار می‌نگرم (۲۵۳۱۷- ۲۵۳۱۱) که نه حقی را باز پس می‌گیرید، و نه سستی را باز می‌دارید (۲۵۳۲۴- ۲۵۳۱۸)، اینک این شما و این راه گشوده (۲۵۳۲۸- ۲۵۳۲۵)، نجات برای کسی است که خود را به میدان افکنده به مبارزه ادامه دهد (۲۵۳۳۰- ۲۵۳۲۹)، و هلاکت از آن کسی است که سستی ورزد.

(۲۵۳۳۳- ۲۵۳۳۱ (۱۱۲۴)

### ترجمه خطبه ۱۲۴

#### اشاره

(در سال ۳۷ هجری در جنگ صفین برای تشویق یاران به جهاد فرمود) (۲۵۳۴۳- ۲۵۳۴۴)

#### ۱ آموزش نظامی (تاکتیک‌های رزم انفرادی)

زره پوشیده‌ها را در پیشانی‌ش لشکر قرار دهید (۲۵۳۴۴- ۲۵۳۴۵)، و آنها که کلاه خود ندارند، در پشت سر قرار گیرند (۲۵۳۴۸- ۲۵۳۴۶)، دندان‌ها را در نبرد روی هم بفشارید (۲۵۳۴۹- ۲۵۳۴۹)، که تأثیر ضربت شمشیر را بر سر کمتر می‌کند (۲۵۳۵۳- ۲۵۳۵۳) در برابر نیزه‌های دشمن، بیج و خم به خود دهید (۲۵۳۶۲- ۲۵۳۵۸) که نیزه‌ها را می‌لفزاند و کمتر به هدف اصابت می‌کنند (۲۵۳۶۴- ۲۵۳۶۴)، چشم‌ها را فرو خوابانید، که بر دلیری شما می‌افزاید. (۲۵۳۷۱- ۲۵۳۶۶) و دل را آرام می‌کند (۲۵۳۷۴- ۲۵۳۷۲)، صداها را آهسته و خاموش سازید که سستی را می‌زداید. (۲۵۳۸۰- ۲۵۳۷۵) پرچم لشکر را بالا دارید و پیرامون آن را خالی نگذارید (۲۵۳۸۷- ۲۵۳۸۱) و جز به دست دلاوران (۲۵۳۹۳- ۲۵۳۸۸) و مدافعان سر سخت خود نسیارید (۲۵۳۹۷- ۲۵۳۹۴)،

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۷

زیرا آنان که در حوادث سخت ایستادگی می‌کنند، از پرچم‌های خود بهتر پاسداری می‌نمایند (۲۵۴۰۶- ۲۵۳۹۸) و آن را در دل لشکر نگاه می‌دارند (۲۵۴۰۹- ۲۵۴۰۷)، و از هر سو، از پیش و پس و اطراف، مراقب آن می‌باشند (۲۵۴۱۳- ۲۵۴۱۰)، نه از آن عقب می‌مانند که تسلیم دشمن کنند (۲۵۴۱۷- ۲۵۴۱۴) و نه از آن پیشی می‌گیرند که تنها رهایی سازند. (۲۵۴۱۸- ۲۵۴۱۲) هر کس باید برابر حریف خود بایستد و کار او را بسازد (۲۵۴۲۳- ۲۵۴۲۳) و به یاری برادر خود نیز بشتابد (۲۵۴۲۶- ۲۵۴۲۶) و مبارزه با حریف خود را به برادر مسلمان خود وامگذارد (۲۵۴۳۵- ۲۵۴۳۰) که او در برابر دو حریف، قرار گیرد، حریف خود، و حریف بردارش.

(۲۵۴۴۱- ۲۵۴۳۶)

#### ۲ آموزش معنوی سربازان

به خدا سوگند! اگر از شمشیر دنیا فرار کنید از شمشیر آخرت سالم نمی‌مانید (۲۵۴۵۴- ۲۵۴۴۲)، شما بزرگان عرب و شرافتمندان برجسته‌اید (۲۵۴۶۱- ۲۵۴۵۵)، در فرار از جنگ، خشم و غضب الهی (۲۵۴۶۶- ۲۵۴۶۲) و ذلت همیشه‌گی (۲۵۴۶۹- ۲۵۴۶۷) و تنگ جاویدان قرار دارد (۲۵۴۷۲- ۲۵۴۷۰)، فرار کننده بر عمر خود نمی‌افزاید (۲۵۴۷۹- ۲۵۴۷۳) و بین خود و روز مرگش سامعی ایجاد نخواهد کرد. (۲۵۴۸۶- ۲۵۴۸۰) کیست که شتابان و با نشاط با جهاد خویش به سوی خدا حرکت کند؟

چونان نشته کالی که به سوی آب می‌رود؟ (۲۵۴۹۳- ۲۵۴۸۷) بهشت در سایه نیزه‌های دلاوران است (۲۵۴۹۷- ۲۵۴۹۴)، امروز در هنگامه نبرد آنچه در دلا و سر زبان‌هاست آشکار می‌شود. (۲۵۵۰۰- ۲۵۴۹۸) به خدا سوگند که من به دیدار شامیان در میدان نبرد شیفته‌م تا آنان بر بازگشت به خانه‌هاشان! که انتظار آن را می‌کشند. (۲۵۵۰۹- ۲۵۵۰۱) بار خدا! اگر شامیان از حق روی گردانند- جملشان را پراکنده (۲۵۵۱۵- ۲۵۵۱۰)، و در میانشان اختلاف و تفرقه بیفکن (۲۵۵۱۸- ۲۵۵۱۶)، و آنان را برای عطاکاریشان به هلاکت رسان.

(۲۵۵۲۱- ۲۵۵۱۹)

#### ۳ ضرورت جنگ بی امان برای شکست شامیان

همانا شامیان، بدون ضربت نیزه‌هایی بیایی هر گز از جای خود خارج نشوند، ضرباتی که بدنهایشان را سوراخ نماید، چنانکه وزش باد از این سو فرو شده بدان سو در آید (۲۵۵۳۲- ۲۵۵۲۲)، ضربتی که کاسه سر را پیرا کند (۲۵۵۳۶- ۲۵۵۳۳)، و استخوانهای بدن را خرد (۲۵۵۳۹- ۲۵۵۳۷)، و بازوها و پاها را قطع و به اطراف پخش کند! (۲۵۵۴۴- ۲۵۵۴۰) آنان دست بر نمی‌دارند تا آنگاه که دسته‌های لشکر بیایی بر آنان حمله کنند و آنها را تیرباران نمایند (۲۵۵۵۰- ۲۵۵۴۵)، و سواران ما هجوم آورند، و صف‌هایشان را درهم شکنند، و لشکرهای عظیم، پشت سر لشکرهای انبوه (۲۵۵۵۵- ۲۵۵۵۱)، «**ا**» آنها را تا شهرهایشان عقب برانند (۲۵۵۶۲- ۲۵۵۵۶)، و تا اسب‌ها، سرزمینشان را که روی در روی یکدیگر قرار دارد، و اطراف چراگاههایشان، و راه‌های آنان را زیر سبم بکوبند.

(۲۵۵۷۴- ۲۵۵۷۰ (۱۱۲۵)

### ترجمه خطبه ۱۲۵

#### اشاره

(در پاسخ خوارج که ماجرای حکمیت را نمی‌پذیرفتند قبل از ورود به شهر در نزدیکی کوفه فرمود) (۲۵۶۱۰- ۲۵۵۹۸)

#### ۱ علل پذیرش حکمیت در صفین

ما افراد را داور قرار ندادیم، تنها قرآن را به حکمیت «داوری» انتخاب کردیم! (۲۵۶۱۸- ۲۵۶۱۱) (که آنها بر سر نیزه کرده و داوری آن را می‌خواستند) این قرآن، خطی است نوشته شده که میان دو جلد پنهان است (۲۵۶۲۶- ۲۵۶۱۹)، زبان ندادن تا سخن گوید (۲۵۶۲۹- ۲۵۶۲۷)، و نیازمند به کسی است که آن را ترجمه کند (۲۵۶۳۵- ۲۵۶۳۰)، و همانا انسانها می‌توانند از آن سخن گویند (۲۵۶۴۰- ۲۵۶۳۶).

(۱) الخمیس: لشکری که از پنج جهت آراسته باشد. عقب، جلو، راست، چپ، و قلب سپاه.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۳۹

و هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم، ما گروهی نمودیم که به کتاب خدای سبحان پشت کنیم (۲۵۶۹۱– ۲۵۶۹۱)، در حالی که خدای بزرگ فرمود: «اگر در چیزی خصومت کردید آن را به خدا و رسول باز گردانید» (۲۵۶۹۳– ۲۵۶۹۰) باز گرداندن آن به خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم (۲۵۶۷۹–۲۵۶۷۴)، و باز گرداندن به پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم این است که سنت او را انتخاب کنیم (۲۵۶۸۶– ۲۵۶۸۰)، پس اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری شود، ما از دیگر مردمان به آن سزاوارتریم (۲۵۶۹۶–۲۵۶۸۷)، و اگر در برابر سنت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم تسلیم باشند ما بدان اولی و برتریم. (۲۵۷۰۹– ۲۵۶۹۷)
ایما سخن شما که چرا میان خود و آنان برای حکمیت (داوری) مدت تعیین کردی؟ (۲۵۷۲۰– ۲۵۷۱۰) من این کار را کردم تا نادان خطای خود را بشناسد، و دانا بر عقیده خود استوار بماند (۲۵۷۲۸– ۲۵۷۲۱)، و اینکه شاید در این مدت آشتی و صلح، خدا کار اکت را اصلاح کند (۲۵۷۳۹–۲۵۷۲۹) و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد، تا در جستجوی حق شتاب نوزند، و تسلیم اولین فکر گمراه کننده نگردند.

(۲۵۷۵۱– ۲۵۷۴۰)

**۲ سرفش کوفیان و خوارج گمراه**

همانا برترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که عمل به حق در نزد او دوست داشتنی‌تر از باطل باشد، هر چند از قدر او بکاهد و به او زیان رسانند، و باطل به او سود رسانند و بر قدر او بیفزایند. (۲۵۷۷۶– ۲۵۷۵۲)
مردم! چرا حیران و سرگردانید؟ (۲۵۷۷۹– ۲۵۷۷۷) و از کجا به اینجا آورده شدید؟ (۲۵۷۸۳– ۲۵۷۸۰)
آماده شوید برای حرکت به سوی شامیانی که از حق روی گردانند و آن را نمی‌بینند (۲۵۷۹۲– ۲۵۷۸۴)، و به دستگیری روی آورده حاضر به پذیرفتن عدالت نیستند (۲۵۷۹۸– ۲۵۷۹۳).
از کتاب خدا فاصله گرفتند (۲۵۸۰۱– ۲۵۷۹۹)، و از راه راست منحرف گشتند! (۲۵۸۰۴– ۲۵۸۰۲)
افسوس ای کوفیان! شما وسیله‌ای نیستید که بشود به آن اعتماد کرد (۲۵۸۰۹– ۲۵۸۰۵)، و نه یاوران عزیزی که بتوان به دامن آنها چنگ زد! (۲۵۸۱۵– ۲۵۸۱۰)
شما بد نیروهایی در افروختن آتش جنگ هستید (۲۵۸۲۰– ۲۵۸۱۶)، نفرین بر شما. (۲۵۸۲۲– ۲۵۸۲۱)
مقدر از دست شما ناراحتی کشیدم (۲۵۸۲۶– ۲۵۸۲۳)، یک روز آشکارا با آواز بلند شما را به جنگ می‌خوانم و روز دیگر آهسته در گوش شما زمزمه دارم (۲۵۸۳۱– ۲۵۸۲۷)، نه آزاد مردان راستگویی هستید به هنگام فراخواندن (۲۵۸۳۶– ۲۵۸۳۲) و نه برادران مطمئی برای راز داری هستید.

(۲۵۸۳۷– ۲۵۸۳۷) (۱۱۲۶)

**ترجمه خطبه ۱۲۶**

**اشاره**

(به امام گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند، معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنها را جذب می‌کند شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند) ۱۱

**عدالت اقتصادی امام علیه السلام**

(۲۵۸۵۳– ۲۵۸۴۳) آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در باره ائت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ (۲۵۸۶۲– ۲۵۸۶۱)
۲۱۰ به خدا سوگند، تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است (۲۵۸۷۰– ۲۵۸۶۳)، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! (۲۵۸۷۷– ۲۵۸۷۱)
اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم (۲۵۸۸۳– ۲۵۸۷۸) تا چه رسد که جزو اموال خداست! (۲۵۸۸۹– ۲۵۸۸۴) آگاه باشید!

(۱) عتت آن بود که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم بیت المال را به طور مساوی بین مسلمانان تقسیم می‌کرد، اما پس از وفات آن حضرت، ابابکر و بخصوص عمر و عثمان اصل تقسیم عادلانه را رعایت نکردند و با انواع تبعیض‌ها و بخشش‌های نابجا مردم را به راه دیگری کشانند، حال که امام علی علیه‌السلام به خلافت رسید و چوتان پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌خواست بیت المال را مساوی تقسیم کند، بسیاری بر آشفند و سر به مخالفت بر داشتند.

(۲) طرد تفکر ماکیاولیسمmmMACHIAVELLISM که می‌گویند، هدف وسیله را توجیه می‌کند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۴۱

بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است (۲۵۹۰۰– ۲۵۸۹۰)، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد، (۲۵۹۱۰– ۲۵۹۰۱)
در میان مردم ممکن است گرم‌ایش بدانند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. (۲۵۹۱۸– ۲۵۹۱۱)
کسی مالش را در راهی که خدا اجازه نرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن که خدا او را از سیاسی آنان محروم فرمود (۲۵۹۳۵– ۲۵۹۱۹)، و دوستی آنها را منوجه دیگری ساخت (۲۵۹۳۹– ۲۵۹۳۶)، پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین رفیق و سرزنش‌کننده‌ترین دوست خواهد بود.

(۲۵۹۵۲– ۲۵۹۴۰) (۱۱۲۷)

**ترجمه خطبه ۱۲۷**

**اشاره**

(قبل از جنگ نهروان در سال ۳۷ هجری در ردّ اعتقادات خوارج ایراد کرد، خوارج عقیده داشتند: کسی که گناه کبیره انجام دهد کافر و از اسلام خارج شده است، مگر توبه کند و دوباره مسلمان گردد)

**۱۱ افتاء گمراهی خوارج**

پس اگر چنین می‌بندارید که من خطا کرده و گمراه شدم (۲۵۹۸۰– ۲۵۹۷۲)، پس چرا همه ائمت محمّد صلی‌الله علیه و آله و سلم را به گمراهی من گمراه می‌دانید؟ (۲۵۹۸۷– ۲۵۹۸۱) و خطای مرا به حساب آنان می‌گذارید؟ (۲۵۹۹۰– ۲۵۹۸۸)
و آنان را برای خطایی من کافر می‌شمارید؟ (۲۵۹۹۳– ۲۵۹۹۱)
شمسیرها را بر گردن نهاده، کور کورانه فرود می‌آورید و گناهکار و بی‌گناه را به هم مخلوط کرده همه را یکی می‌بندارید؟ (۲۶۰۰۱– ۲۵۹۹۴) (۲۶۰۰۸– ۲۶۰۰۲)
در حالی که شما می‌دانید، همانا رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم زناکاری را که همسر داشت ۱۱۰ سنگسار کرد (۲۶۰۱۸– ۲۶۰۰۹)، سپس بر او نماز گزارد، و میرانش را به خانوادهاش سپرد (۲۶۰۲۴– ۲۶۰۱۹)، و قاتل را کشت و میراث او را به خانوادهاش بازگرداند (۲۶۰۳۱– ۲۶۰۲۵)، دست دزد را برید و زناکاری را که همسر نداشت نازبانه زد (۲۶۰۳۹– ۲۶۰۳۲)، و سهم آنان را از غنایم می‌داد (۲۶۰۴۴– ۲۶۰۴۰) تا با زنان مسلمان ازدواج کنند. (۲۶۰۴۷– ۲۶۰۴۵)
پس پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم آنها را برای گناهانشان کیفر می‌داد (۲۶۰۴۸– ۲۶۰۴۸)، و حدود الهی را بر آنان جاری می‌ساخت (۲۶۰۵۷– ۲۶۰۵۳)، اما سهم اسلامی آنها را از بین نمی‌برد (۲۶۰۶۳– ۲۶۰۵۸)، و نام آنها را از دفتر مسلمین خارج نمی‌ساخت. (پس با انجام گناهان کبیره کافر نشدند) (۲۶۰۷۰– ۲۶۰۶۴)
شما (خوارج)، بدترین مردم (۲۶۰۷۴– ۲۶۰۷۱) و آلت دست شیطان (۲۶۰۸۰– ۲۶۰۷۵)، و عامل گمراهی این و آن می‌باشید.

(۲۶۰۸۴– ۲۶۰۸۱)

**۴ برهیز از افراط و تفریط نسبت به امام علی علیه السلام**

به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود، ۱۲۰ و دشمنی که در کینه توی با من زیاده روی کرده به راه باطل در آید. (۲۶۱۰۵– ۲۶۰۸۵)
بهترین مردم نسبت به من گروه میانه رو هستند. از آنها جدا نشوید (۲۶۱۱۳– ۲۶۱۰۶)، همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا یا جماعت است (۲۶۱۲۲– ۲۶۱۱۴) ۳۲، از پراکندگی بپرهیزید (۲۶۱۲۶– ۲۶۱۱۳)، که انسان تنها بهره شیطان است آنگونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود (۲۶۱۳۷– ۲۶۱۲۷)، آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار ۱۴۰، «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید، هر چند که زیر معامه من باشد.

(۲۶۱۳۸– ۲۶۱۳۰)

(۱) محصن: مردی یا زنی را گویند که همسر دارد و آلوده به زنا می‌شود.

(۲) مانند «سپایه» که امیر المؤمنین علیه‌السلام را خدا بناشند، و آن حضرت آنها را مجازات کرد.

(۳) نقد تفکر: اندیویدولیسم(ANDIVIDULISM)(اصالت فرد) و نقد تفکر اسکوپسیسم(ESCOPISM)فراور از شرکت در امور اجتماعی و دولتی) که در تفکر امام (ع) فرد اصالت ندارد، بلکه باید با جامعه زندگی کند و از انزوا پرهیز داشته باشد تا جامعه

ساخته شود.

(۴) شمار را به شعاع معروف خوارج، «لا حکم الاّ للّٰه که نفی حکومت بود تفسیر کرده‌اند که حاصل آن نفرقه در امت است، این ابی‌الحدید می‌گوید: شعاع خوارج آن بود که موی میان سر را می‌تراشیدند که تفکر: سکتاریانیسم(sectarianism)تفرقه‌گرایی) را نفی می‌کند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۴۳

### ۳ علل پذیرش «حکمت»

اگر به آن دو نفر (ابو موسی و عمرو عاص) رأی به داوری داده شد، تنها برای این بود که آنچه را قرآن زنده کرد زنده سازند، و آنچه را قرآن مرده خوانند، بپرانند (۲۶۱۶۲ - ۲۶۱۵۱)، زنده کردن قرآن این است که دست وحدت به هم دهند. و به آن عمل نمایند (۲۶۱۶۶ - ۲۶۱۶۳)، و میرانند، از بین بردن پراکندگی و جدایی است (۲۶۱۷۰ - ۲۶۱۶۷)، پس اگر قرآن ما را به سوی آنان بکشاند، آنان را پیروی می‌کنیم (۲۶۱۷۵ - ۲۶۱۷۱)، و اگر آنان را به سوی ما سوق داد باید اطاعت کنند. (۲۶۱۸۰ - ۲۶۱۷۶) پدر مباد شما را! من شوی براه نیانداخته (۲۶۱۸۶ - ۲۶۱۸۱)، و شما را نسبت به سرنوشت شما نفریفته (۲۶۱۹۱ - ۲۶۱۸۷)، و چیزی را بر شما مشتبه نساختم (۲۶۱۹۵ - ۲۶۱۹۲)، همانا رأی مردم شما بر این قرار گرفت که دو نفر را برای داوری انتخاب کنند، ما هم از آنها پیمان گرفتیم که از قرآن تجاوز نکنند (۲۶۲۰۷ - ۲۶۱۹۶)، ایا افسوس که آنها عقل خویش را از دست دادند (۲۶۲۰۹ - ۲۶۲۰۸)، حق را ترک کردند در حالی که آن را به خوبی می‌دیدند (۲۶۲۱۵ - ۲۶۲۱۰)، چون ستمگری با هوا پرستی آنها سازگار بود با ستم همراه شدند (۲۶۲۲۱ - ۲۶۲۱۶)، ما پیش از داوری ظالمانه‌شان با آنها شرط کردیم که به عدالت داوری کنند و بر اساس حق حکم نمایند، اما به آن پای بند نماندند.

(۲۶۲۳۷ - ۲۶۲۲۲) (۱۱۲۸)

ترجمه خطبه ۱۲۸

(از این سخنرانی در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل در شهر بصره در بیان حوادث سخت آینده ایراد شد)

### ۱ پیشگویی امام علیه السلام نسبت به حوادث مهم نهر بصره

(۲۶۲۴۸ - ۲۶۲۳۸) ای احنف! ۱۱ گویا من او را می‌بینم که با لشکری بدون غبار و سر و صدا (۲۶۲۶۴ - ۲۶۲۴۹)، بدون حرکات لگام‌ها (۲۶۲۶۵ - ۲۶۲۶۲)، و شبیه اسبان (۲۶۲۷۲ - ۲۶۲۶۹)، به راه افتاده، زمین را زیر قدم‌های خود چون شتر مرغان در می‌نورند (۲۶۲۷۸ - ۲۶۲۷۳)، ۴۰، پس وای بر کوچه‌های آباد (۲۶۲۹۱ - ۲۶۲۸۶) و خانه‌های زینت شده بصره که پال‌های چوگان پال کر کسان (۲۶۲۹۹ - ۲۶۲۹۲) و نودان‌هایی چون خرطوم‌های بیلان دارد! (۲۶۳۰۳ - ۲۶۳۰۰) وای بر اهل بصره که بر کشتگان آنان نمی‌گریند، و از گمشدگانشان کسی جستجو نمی‌کند (۲۶۳۱۳ - ۲۶۳۰۴)، من دنیا را به رو، بر زمین کوبیده و چپو‌اش را به خاک مالیدم (۲۶۳۱۷ - ۲۶۳۱۴)، و پیش از آنچه ارزش دارد، بهایش ندادام (۲۶۳۲۰ - ۲۶۳۱۸)، و با دیده‌ای که سزاوار است به آن نگرستم.

(۲۶۳۲۳ - ۲۶۳۲۱)

### ۲ وصف ترک‌های مغول

(۲۶۳۲۷ - ۲۶۳۲۴)

(۱) احنف بن قیس از یاران رسول خدا (ع) است که پیامبر در حق او دعا کرد. مردی با هوش و عاقل بود، در هنگامه جنگ جمل به امیر المؤمنین (ع) گفت: دوست داری با ۲۰۰ سوار برای برای تو به لشکریان شما ملحق گمدم؟ یا با جمعیتِ بنی‌سعیده، از جنگ کناره‌گیری کنم؟ که آنگاه ۶۰۰ شمشیر را از تو باز می‌دارم. امام (ع) فرمود از جنگ کناره بگیر! پس از جنگ و فتح بصره خود را به امام رساند و به یاران آن حضرت ملحق شد.

(سفینه البحار ماده حنف -و- اسد الغابۀ ج ۱ ص ۵۵)

(۲) آیا واقعت‌های یاد شده به عملیات غواضان زرمنده ایران در حمله به شهر بصره ارتباط ندارد؟ که از زیر آب بدون سر و صدا و گرد و غباری با پاهای چوگان پای شتر مرغ پیش می‌روند؟

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۴۵

گویا آنان را می‌بینم که با رخساری چوگان سیرهای چکش خورده (۲۶۳۳۴ - ۲۶۳۲۸)، لباس‌هایی از دیباچ و حریر پوشیده (۲۶۳۳۸ - ۲۶۳۳۵)، که اسب‌های اصیل را بیدک می‌کنند (۲۶۳۴۲ - ۲۶۳۳۹) و آنچه‌ان کشتار و خونریزی دارند، که مجروحان از روی بدن کشتگان حرکت می‌کنند (۲۶۳۵۲ - ۲۶۳۴۴) و فراریان از اسیر شدگان کم‌ترند. (۲۶۳۵۸ - ۲۶۳۵۳) (یکی از اصحاب گفت: ای امیر مؤمنان تو را علم غیب دادند؟ (۲۶۳۶۹ - ۲۶۳۵۹) امام علیه‌السلام خندید. و به آن مرد که از طبایفه بنی‌کلب بود فرمود)

(۲۶۳۷۷ - ۲۶۳۷۰)

### ۳ جایگاه علم غیب

ای برادر کلبی! این اخباری که اطلاع می‌دهم علم غیب نیست (۲۶۳۸۴ - ۲۶۳۷۸)، ۱۱، علمی است که از دارنده علم غیب (پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم) آموخته‌ام (۲۶۳۹۱ - ۲۶۳۸۵)، همانا علم غیب علم قیامت است، و آنچه خدا در گفته خود آورده که: (۲۶۴۰۳ - ۲۶۳۹۲) «علم قیامت در نزد خداست، خدا یاران را نازل کرده و آنچه در شکم مادران است می‌داند، و کسی نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد؟ و در کدام سرزمین خواهد مرد؟» (۲۶۴۳۲ - ۲۶۴۰۴) پس خداوند سبحان، از آنچه در رحم مادران است، از پسر یا دختر، از زشت یا زبیا ۲۱، سخاوتمند یا بخیل، سعادتمند یا شقی آگاه است (۲۶۴۵۴ - ۲۶۴۳۳)، و از آن کسی که آشنگیره آتش جهنّم است (۲۶۴۶۰ - ۲۶۴۵۵) یا در بهشت همسایه و دوست پیامبران علیهم‌السلام است، از همه اینها آگاهی دارد. (۲۶۴۶۵ - ۲۶۴۶۱) (این است آن علم غیب (ذاتی) که غیر از خدا کسی نمی‌داند. (۲۶۴۷۴ - ۲۶۴۶۶) جز اینها، علومی است که خداوند به پیامبرش تعلیم داده (علم غیب اکتسایی) و او به من آموخته است (۲۶۴۸۴ - ۲۶۴۷۵)، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم برای من دعا کرد که خدا این دسته از علوم و اخبار را در سینم‌ام جای دهد. (۲۶۴۹۰ - ۲۶۴۸۵) و اعضاء و جوارح بدن من از آن پر گردد.

(۲۶۴۹۴ - ۲۶۴۹۱) (۱۱۲۹)

### ترجمه خطبه ۱۲۹

#### اشاره

(در این خطبه امام علیه‌السلام در باره اندازه‌ها و مقیاس‌ها صحبت فرمود (۲۶۵۰۴ - ۲۶۴۹۵)، چون سید رضی بخشی از سخنرانی را آورده است همه مباحث مربوط به مقیاس‌ها در اینجا نیامده است)

### ۱ وصف جامعه مسخ شده مسلمان

بنده‌گان خدا! شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدّتی معین برای شما قرار داده شده (۲۶۵۱۵ - ۲۶۵۰۵)، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در بردارند، آن دارید، و اعمال شما همگی حفظ می‌شود (۲۶۵۲۳ - ۲۶۵۱۶)، چه بیایزند تلاشگرانی که به جایی نرسیدند (۲۶۵۲۶ - ۲۶۵۲۴)، و زحمتکشانی که زیان دیدند. (۲۶۵۳۰ - ۲۶۵۲۷) در روزگاری هستید که خوبی به آن پشت کرده و می‌گذرد، و بدی بدان روی آورده، پیش می‌نازد (۲۶۵۴۷ - ۲۶۵۳۱)، و طمع شیطان در هلاکت مردم بیشتر می‌گردد. (۲۶۵۵۵ - ۲۶۵۴۸) هم اکنون روزگاری است که ساز و برگ شیطان تقویت شده (۲۶۵۵۹ - ۲۶۵۵۶)، تیرنگ و فریشی همگانی (۲۶۵۶۲ - ۲۶۵۶۰)، و به دست آوردن شکار برای او آسان است. (۲۶۵۶۵ - ۲۶۵۶۳) به هر سو خواهی نگاه کن! (۲۶۵۷۱ - ۲۶۵۶۶) آیا جز فقیری می‌بینی که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند؟ (۲۶۵۷۷ - ۲۶۵۷۲) یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده (۲۶۵۸۳ - ۲۶۵۷۸) و با بخل ورزیدند در ادا حقوق الهی، ثروت فراوانی گرد آورده است؟ (۲۶۵۹۰ - ۲۶۵۸۴) یا سرکشی که گوش او از شنیدن پند و اندرزها کر است؟

(۲۶۵۹۸ - ۲۶۵۹۱)

### ۲ عبرت گرفتن از دنیا

<sup>[1]</sup> اشاره به: پرسائیس(PRESCIENCE) علم غیب)

(۲) اشاره به علم: آاس تیکس(AECTHETICS :زیا شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۴۷

کجايند خوبان و صالحان شما؟ (۲۶۶۰۲– ۲۶۵۹۹)
کجايند آزاد مردان و سخاوتمندان شما؟ (۲۶۶۰۷– ۲۶۶۰۳– ۲۶۶۰۳)
کجايند پرهيزکاران در کسب و کار؟ (۲۶۶۱۲– ۲۶۶۰۸)
کجايند پاکيزگان در راه و رسم مسلمانان؟ (۲۶۶۱۶– ۲۶۶۱۳– ۲۶۶۱۳)
آيا جز اين است که همگي رخت بسته و رفتند؟ و از اين جهان بست و گذران (۲۶۶۲۵– ۲۶۶۱۷)
و تيره کننده عيش و شادمانی گذشتند؟ (۲۶۶۲۸– ۲۶۶۲۶)
مگر نه اين است که شما وارث آنها پر جای آنان نگه زديد، و در ميان چيزهاي بی ارزش قرار داديد که لب‌هاي انسان به نکوش آن می‌چنبد؟
تا قدر آنها را کوچک شمرده و برای همیشه يادشان فراموش گردد. (۲۶۶۴۵– ۲۶۶۲۹)
پس در اين نگرانی‌ها بايد گفت: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتُم مَّسِيئَةً قَالُوا أَبًا»، (۲۶۶۵۲– ۲۶۶۴۶)
فساد آشکار شد، نه کسی باقي مانده که کار زشت را دگرگون کند، و نه کسی که از نافرمانی و معصيت باز دارد. (۲۶۶۶۱– ۲۶۶۵۳)
شما با چنين وضعی می‌خواهيد در خانه قدس الهی و جوار رحمت پروردگاری قرار گيريد؟ (۲۶۶۷۰– ۲۶۶۶۲)
و عزيزترين دوستانتان باشيد؟ (۲۶۶۷۵– ۲۶۶۷۱)
هرگز خدا را نسبت به بهشت جاويدانسان نمی‌توان فریفت (۲۶۶۸۱– ۲۶۶۷۶)، و جز با عبادت، رضایت او را نمی‌توان به دست آورد. (۲۶۶۸۷– ۲۶۶۸۲)
فريز بر آنان که امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمايند (۲۶۶۹۳– ۲۶۶۸۸)، و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن می‌شوند. (۲۶۶۹۹– ۲۶۶۹۴) (۱۱۳۰)

### ترجمه خطبه ۱۳۰

#### اشاره

(در سال ۳۰ هجری وقتی که عثمان، حضرت ابا ذر را به بیابان خشک ریده تبعید می‌کرد، فرماتی صادر کرد که حق کسی ندارد او را بدرقه کند. امام علیه السلام و فرزندانش امتناعی به آن نکرده و ابا ذر را بدرقه کردند. ایشان به هنگام بدرقه او فرمود) (۲۶۷۱۲– ۲۶۷۰۰)

#### خدا گواهی در مبارزه با ستمگران

ای ابا ذر! همانا تو برای خدا به خشم آمدی، پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی (۲۶۷۲۲– ۲۶۷۱۳)، این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند، و تو بر دین خویش از آنان ترسیدی (۲۶۷۳۱– ۲۶۷۱۳)، پس دنیا را که به خاطر آن از تو ترسیدند به خودشان واگذار (۲۶۷۳۷– ۲۶۷۳۲)، و با دین خود که برای آن ترسیدی از این مردم بگریز. (۲۶۷۴۳– ۲۶۷۳۸)
این دنیا پرستان چه محتاجند به آنچه که تو آنان را از آن ترسانندی (۲۶۷۴۸– ۲۶۷۴۴)، و چه بی نیازی از آنچه آنان تو را منع کردند. (۲۶۷۵۳– ۲۶۷۴۹)
و به زودی خواهی یافت که چه کسی فردا سود می‌برد؟ و چه کسی بر او بیشتر حسد می‌ورزند؟ (۲۶۷۶۱– ۲۶۷۵۴)
اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده‌های بیندند و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. (۲۶۷۷۹– ۲۶۷۶۲)
آرامش خود را تنها در حق جستجو کن، و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد. (۲۶۷۸۰– ۲۶۷۸۰)
اگر تو دنیای این مردم ۱۱۰ را می‌پذیری، تو را دوست داشتند (۲۶۷۹۲– ۲۶۷۸۹)، و اگر سهمی از آن بر می‌گرفی دست از تو بر می‌داشتند. (۲۶۷۹۷– ۲۶۷۹۳) (۱۱۳۱)

### ترجمه خطبه ۱۳۱

#### اشاره

(این خطبه در مبر کوفه ایراد شد و به خطبه «مئیره» معروف است که در آن علل پذیرش حکومت و صفات یک رهبر عادل را بیان می‌دارد) (۲۶۸۱۲– ۲۶۷۹۸) ۲۰

#### اعلل نکوش کوفیان

ای مردم رنگارنگ (۲۶۸۱۵– ۲۶۸۱۳)، و دل‌های پریشان و پراکنده (۲۶۸۱۸– ۲۶۸۱۶)، که بدن‌هایشان حاضر (۲۶۸۲۰– ۲۶۸۱۹) و عقل‌هایشان از آنها غایب و دور است! (۲۶۸۲۴– ۲۶۸۲۱)
من شما را به سوی حق می‌کشانم، انا چونان بزغاله‌هایی که از غرش شیر فرار کنند می‌گریزید! (۲۶۸۳۶– ۲۶۸۲۵)
هیبت که با شما بتوانم تاریکی را از چهره عدالت بزایم (۲۶۸۴۲– ۲۶۸۳۷)، و کبی‌های را که در حق راه یافته است نمام. (۲۶۸۴۶– ۲۶۸۴۳)

(۱) منظور امام در اینجا، عثمان و معاویه و امویان است.

(۲) تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۱۲۰.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۴۹

#### ۲ فلسفه حکومت اسلامی

خدا یا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت (۲۶۸۵۸– ۲۶۸۴۷) و دنیا و ثروت نبود (۲۶۸۶۵– ۲۶۸۵۹)، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم (۲۶۸۷۱– ۲۶۸۶۶)، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم (۲۶۸۷۶– ۲۶۸۷۲)، تا بندهگان ستم‌دیده‌ات در آمن و آسان زندگی کنند (۲۶۸۸۰– ۲۶۸۷۷)، و قویان و مقرزات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد. (۲۶۸۸۵– ۲۶۸۸۱)

#### ۳ شرائط رهبر اسلامی

خدا یا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد، و دعوت تو را شنید و اجابت کرد (۲۶۸۹۴– ۲۶۸۸۶)، در نماز، کسی از من جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشی نگرفت (۲۶۹۰۱– ۲۶۸۹۵)، همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد، و امامت مسلمین را عهده دار شود (۲۶۹۲۲– ۲۶۹۰۲)، تا در اموال آنها حرص گردد (۲۶۹۲۶– ۲۶۹۲۳)، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند (۲۶۹۳۱– ۲۶۹۲۷)، و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غضب و عطا‌های آنان را قطع کند (۲۶۹۳۶– ۲۶۹۳۲)، و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقمّم می‌دارد (۲۶۹۴۴– ۲۶۹۳۷)، و رشوه خواری در قضاوت نمی‌تواند امام باشد زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند (۲۶۹۵۶– ۲۶۹۴۵)، و آن کس که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد زیرا که ائت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند. (۲۶۹۶۲– ۲۶۹۵۷) (۱۱۳۲)

### ترجمه خطبه ۱۳۲

#### استایش پروردگار

خدا و ستایش می‌کنیم بر آنچه گرفته، و آنچه بخشیده (۲۶۹۸۱– ۲۶۹۷۴)، و بر نعمت‌هایی که عطا کرده و آزمایش‌هایی که انجام داد. (۲۶۹۸۷– ۲۶۹۸۲)
خداوندی که بر هر چیز پنهانی آگاه (۲۶۹۹۰– ۲۶۹۸۸) و در بساطن هر چیزی حضور دارد (۲۶۹۹۴– ۲۶۹۹۱)، به آنچه در سینه‌هاست آگاه و بر آنچه دیده‌ها دزدانه می‌نگرد داناست (۲۷۰۰۲– ۲۶۹۹۵)، و گواهی می‌دهم که خدا یکی است و جز او خدایی نیست (۲۷۰۰۸– ۲۷۰۰۳)
و گواهی می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برگزیده و فرستاده اوست (۲۷۰۱۵– ۲۷۰۰۹)، آن گواهی که با او درون و بیرون، قلب و زبان، هماهنگ باشد. (۲۷۰۲۳– ۲۷۰۱۶)

#### ۲ ضرورت یاد مرگ

(۲۷۰۲۵– ۲۷۰۲۴)
به خدا سوگند، این که می‌گویم بازی نیست، جدّی و حقیقت است، دروغ نیست (۲۷۰۳۳– ۲۷۰۲۶– ۲۷۰۳۷)
(۲۷۰۳۴– ۲۷۰۲۷)
و آن چیزی جز مرگ نیست، که بانگ دعوت کننده‌اش رسا، و به سرعت همه را میراند! (۲۷۰۴۷– ۲۷۰۳۸– ۲۷۰۳۸)
پس انبوه زندگان، و طرفداران، تو را فریب ندهند (۲۷۰۵۳– ۲۷۰۴۸)، همانا گذشتگان را دیدی که ثروت‌ها اندرختند و از فقر و بیچارگی



وحشت داشتند و با آرزوهای طولانی فکر می‌کردند در امانند، و مرگ را دور می‌پنداشتند، دیدی که چگونه مرگ بر سرشان فرود آمد؟

و آنان را از وطنشان بیرون راند؟ (۲۷۰۸۰–۲۷۰۵۴) و از خانه امن کوچشان داد؟ (۲۷۰۸۴–۲۷۰۸۱) که بر جوبه تابت نشستند.

(۱) حادیه: آواز خواندنی که شران را به شتاب می‌راند.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۵۱

و مردم آن را دست به دست می‌کردند؟ (۲۷۰۹۲– ۲۷۰۸۵) و بر دوش گرفته و با سر انگشت خویش نگاه می‌داشتند؟ (۲۷۰۹۸– ۲۷۰۹۳) آیا ندیدید آنان را که آرزوهای دور و دراز داشتند (۲۷۱۰۴– ۲۷۰۹۹)، و کاینهای استوار می‌ساختند (۲۷۱۰۷– ۲۷۱۰۵)، و مال‌های فراوان می‌اندوختند (۲۷۱۱۰– ۲۷۱۰۸)، چگونه خانه‌هایشان گورستان شد؟ (۲۷۱۱۴– ۲۷۱۱۱) و اموال جمع آوری شده‌شان تپاه و پراکنده (۲۷۱۱۸– ۲۷۱۱۵) و از آن وارشان گردید؟ (۲۷۱۲۲– ۲۷۱۱۹) و زنان آنها با دیگران ازدواج کردند؟ (۲۷۱۲۶– ۲۷۱۲۳) نه می‌توانند چیزی به حسنات بیفزایند (۲۷۱۳۰– ۲۷۱۲۷) و نه از گناه توبه کنند! (۲۷۱۳۵– ۲۷۱۳۱)

### ۳ تقوا و روش برخورد با دنیا

کسی که جامه تقوا بر قلبش بپوشاند، کارهای نیکوی او آشکار شود (۲۷۱۴۱– ۲۷۱۳۶)، و در کسارش پیروز گردد. (۲۷۱۴۴– ۲۷۱۴۲) پس در به دست آوردن بهره‌های تقوا فرصت غنیمت شمارید (۲۷۱۴۶– ۲۷۱۴۵)، و برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید. (۲۷۱۵۰– ۲۷۱۴۷)، زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده، (۲۷۱۵۷– ۲۷۱۵۱) گذرگاهی است تا در آن زاد و توشه آخرت بردارید (۲۷۱۶۷– ۲۷۱۵۸)، پس با شتاب، آماده کوچ کردن باشید (۲۷۱۶۸– ۲۷۱۶۷) و مرکب‌های راهوار برای حرکت مهیا دارید. (۲۷۱۷۵– ۲۷۱۷۲) (۱۱۳۳)

### ترجمه خطبه ۱۳۳

### ۱ عظمت پروردگار

دنیا و آخرت، خدا را فرمانبردار است، و سر رشته هر دو به دست او است. (۲۷۲۰۱– ۲۷۱۹۵) آسمان‌ها و زمین‌ها کلیدهای خویش را به او سپردند (۲۷۲۰۸– ۲۷۲۰۲)، و درختان شاداب و سرسبز، صبحگاهان و شامگاهان در برابر خدا سجده می‌کنند (۲۷۲۱۶– ۲۷۲۰۹)، و از شخه‌های درختان نور سرخ رنگی شعله‌ور شده (۲۷۲۲۳– ۲۷۲۱۷)، به فرمان او میوه‌های رسیده را به انسان‌ها تقدیم می‌دارند. (۲۷۲۲۹– ۲۷۲۲۴)

### ۲ ویژگی‌های قرآن

کتاب خدا، قرآن، در میان شما (۲۷۲۳۶– ۲۷۲۳۰) سخنگویی است که هیچ گاه زبانتش از حق گویی کند و خسته، و همواره گویاست (۲۷۲۴۰– ۲۷۲۳۷)، خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد (۲۷۲۴۵– ۲۷۲۴۱)، و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند. (۲۷۲۵۰– ۲۷۲۴۶)

### ۳ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

خدا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را پس از یک دوران طولانی که دیگر پیامبران نبودند، فرستاد: (۲۷۲۵۹– ۲۷۲۵۱) زمانی که میان طرفداران مذاهب گوناگون نزاع در گرفته و راه اختلاف می‌پیمودند. (۲۷۲۶۳– ۲۷۲۶۰) پس او را در پی پیامبران فرستاد و وحی را با فرستادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ختم فرمود. (۲۷۲۷۰– ۲۷۲۶۴) پس پیامبر صلی الله علیه و آله با تمام مخالفانی که به حق پشت کردند، و از آن منحرف گشتند به مبارزه پرداخت. (۲۷۲۷۸– ۲۷۲۷۱)

### ۴ روش برخورد با دنیا

و همانا دنیا نهایت دیدگاه کور دلان است که آن سوی دنیا را نمی‌نگرند (۲۷۲۹۱– ۲۷۲۷۹)، اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده از پس آن سرای جاویدان آخرت را می‌بیند. (۲۷۳۰۰– ۲۷۲۹۲) پس انسان آگاه به دنیا دل نمی‌بندد (۲۷۳۰۳– ۲۷۳۰۱) و انسان کور دل تمام توجهش دنیاست. (۲۷۳۰۷– ۲۷۳۰۴) بینا از دنیا زاد و توشه برگزید (۲۷۳۱۱– ۲۷۳۰۸) و نابینا برای دنیا توشه فراهم می‌کند. (۲۷۳۱۵– ۲۷۳۱۲)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۵۳

### ۵ اندرزهای جاودانه

آگاه باشید، در دنیا چیزی نیست مگر آن که صاحبش به زودی از آن سیر و از داشتن آن دلگیر می‌شود جز ادامه زندگی، زیرا در مرگ آسایشی نمی‌نگرند. (۲۷۳۴۰– ۲۷۳۱۶) حیات و زندگی جوانان حکمت و دانش است که حیات دل مرده (۲۷۳۵۰– ۲۷۳۴۱)، و بینایی چشم‌های نابیناست (۲۷۳۵۴– ۲۷۳۵۱) و مایه شنوایی برای گوش‌های کر (۲۷۳۵۸– ۲۷۳۵۵) و آبی گوارا برای تشنگان می‌باشد (۲۷۳۶۱– ۲۷۳۵۹) که همه در آن سالم و بی‌نیازند. (۲۷۳۶۷– ۲۷۳۶۲)

### ۶ شناخت قرآن

این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید. (۲۷۳۷۷– ۲۷۳۶۸) بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گویند (۲۷۳۸۱– ۲۷۳۷۸)، و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد (۲۷۳۸۶– ۲۷۳۸۲)، آیتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته (۲۷۳۹۱– ۲۷۳۸۷)، و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد. (۲۷۳۹۷– ۲۷۳۹۲)

### ۷ علل سقوط مردم

مردم! گویا به حیات و کینه ورزی اتفاق دارید (۲۷۴۰۳– ۲۷۳۹۸)، و در رفتار ریاکارانه، گیاهان روپسیده از سرگین را می‌مانید (۲۷۴۰۸– ۲۷۴۰۴)، در دوستی با آرزوها به وحدت رسیدید (۲۷۴۱۳– ۲۷۴۰۹)، و در جمع آوری ثروت به دشمنی پرداختید (۲۷۴۱۸– ۲۷۴۱۴)، شیطان شما را در سرگردانی افکنده و غرور شما را به هلاکت می‌کشد (۲۷۴۲۶– ۲۷۴۱۹)، برای خود و شما از خدا یاری می‌طلب. (۲۷۴۳۳– ۲۷۴۲۷) (۱۱۳۴)

### ترجمه خطبه ۱۳۴

### اشاره

(عمر برای شرکت در جنگ با رومیان در سال ۱۵ هجری با امام علیه السلام مشورت کرد، آن حضرت فرمود): (۲۷۴۴۹– ۲۷۴۴۴)

### مشاوره نظامی

خداوند به پیروان این دین وعده داده که اسلام را سر بلند و نقاط ضعف مسلمین را جبران کند (۲۷۴۶۱– ۲۷۴۵۰)، خدایی که مسلمانان را به هنگام کمی نفرات یاری کرد (۲۷۴۶۹– ۲۷۴۶۲)، و آنگاه که نمی‌توانستند از خود دفاع کنند، از آنها دفاع کرد (۲۷۴۷۶– ۲۷۴۷۰)، اکنون زنده است و هرگز نمی‌میرد. (۲۷۴۷۹– ۲۷۴۷۷) هرگاه خود به جنگ دشمن روی و با آنان رو به رو گردی و آسیبی بینی، مسلمانان تا دورترین شهرهای خود، دیگر پناهگاهی ندارند (۲۷۴۹۵– ۲۷۴۸۰) و پس از تو کسی نیست تا بدان رو آورند. (۲۷۵۰۰– ۲۷۴۹۶) مرد دلیری را به سوی آنان روانه کن (۲۷۵۰۴– ۲۷۵۰۱)، و جنگ آزمودگان و خیرخواهان را

همراه او کوچج ده (۲۷۵۱۱– ۲۷۵۰۵)، اگر خدا پیروزی داد چنان است که تو دوست داری (۲۷۵۱۷– ۲۷۵۱۲)، و اگر کار دیگری مطرح شد، تو پناه مردمان و مرجع مسلمانان خواهی بود.

(۲۷۵۱۸– ۲۷۵۱۷)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۵۵

(۱۱۳۵)

#### ترجمه خطبه ۱۳۵

#### اشاره

(مشاجره‌ای بین امام علیه السّلام و عثمان در گرفت. مغیره پسر اخنس، که یکی از منافقان بود به عثمان گفت من او را کفایت می‌کنم، امام علی علیه السلام به مغیره فرمود) (۲۷۵۵۲– ۲۷۵۲۸)

#### شناخت دشمنان امام علیه السلام:

ای فرزند لعنت شده دم بریده (۲۷۵۵۶– ۲۷۵۵۳)، <sup>۱۱</sup> و درخت بی‌شاخ و برگ و ریشه (۲۷۵۶۵– ۲۷۵۵۷)، تو مرا کفایت می‌کنی؟ (۲۷۵۶۷– ۲۷۵۶۶) به خدا سوگند، کسی را که تو یاور باشی، خدایش نیزومنم نگرداند (۲۷۵۷۵– ۲۷۵۶۸)، و آن کس را که تو دست گیری، بر جای نمی‌ماند! (۲۷۵۸۱– ۲۷۵۷۶) از نزد ما بیرون روا! خدا خیر را از تو دور سازد (۲۷۵۸۶– ۲۷۵۸۲)، پس هر چه خواهی تلاش کن، خداوند تو را باقی نگدارد، اگر از آنچه می‌توانی، انجام ندهی!.

(۲۷۵۹۵– ۲۷۵۸۷) (۱۱۳۶)

#### ترجمه خطبه ۱۳۶

#### اشاره

(آنگاه که همه با امام بیعت کردند و عبد الله بن عمر، سعد بن ابی‌وقاص، مجتهد بن مسلمه، حسان بن ثابت، و اسامه بن زید از بیعت سرباز زدند. امام علیه السلام این سخنرانی را در مدینه در سال ۳۵ هجری ایراد کرد.) (۲۷۶۰۳– ۲۷۵۹۶) <sup>۱۲</sup>

#### بیعت بی‌همانند:

بیعت شما مردم با من بی‌مطالعه و ناگهانی نبود (۲۷۶۰۸– ۲۷۶۰۴)، کار من و شما یکسان نیست (۲۷۶۱۴– ۲۷۶۰۹)، من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود می‌خواهید. (۲۷۶۱۱– ۲۷۶۱۵) ای مردم برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید. (۲۷۶۲۶– ۲۷۶۲۲) به خدا سوگند که داد ستمدیده را از ظلم ستمگر بستنام، و مهار ستمگر را بگیرم و به آبخشور حق وارد سازم، گر چه تمایلی نداشته باشد!.

(۲۷۶۴۵– ۲۷۶۲۷) (۱۱۳۷)

#### ترجمه خطبه ۱۳۷

#### اشاره

(در باره طلحه و زبیر در سال ۳۶ هجری در آستانه جنگ فرمود) (۲۷۶۴۶– ۲۷۶۵۹)

#### ا شاسایی طلحه و زبیر:

به خدا سوگند (طلحه و زبیر) و پیروانشان، نه منگری در کارهای من سراغ دارند که برابر آن بایستند (۲۷۶۶۸– ۲۷۶۶۰)، و نه میان من و خودشان راه انصاف بی‌موندند. (۲۷۶۷۵– ۲۷۶۶۹) آنها حَقّی را می‌طلبند که خود ترک کرده‌اند، و انتقام خونی را می‌خواهند که خود ریخته‌اند. (۲۷۶۸۵– ۲۷۶۷۶) <sup>۱۳</sup>اگر من در ریختن این خون شریکشان بودم آنها نیز از آن سهمی دارند (۲۷۶۹۲– ۲۷۶۸۶)، و اگر خودشان تنها این خون را ریخته‌اند، باید از خود انتقام بگیرند. (۲۷۷۰۲– ۲۷۶۹۴) اولین مرحله عدالت آن که خود را محکوم کنند (۲۷۷۰۳– ۲۷۷۰۳)، همانا آگاهی و حقیقت بینی، با من همراه است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام و نه بر من پوشیده بود (۲۷۷۱۹– ۲۷۷۱۰)، همانا ناکنین (اصحاب جمل) گروهی سرکش و ستمگرنند، خشم و کینه، و زهر عقرب، <sup>۱۴</sup> و شبهاتی چون شب ظلمانی در دلهایشان وجود دارد. (۲۷۷۳۰– ۲۷۷۲۰) در حالی که حقیقت پدیدار و باطل ریشه کن شده (۲۷۷۴۰– ۲۷۷۳۱).

(۱) اُخْس پدیر مغیره از مشرکین بود که در روز فتح مکه به ظاهر مسلمان شد. برادر او «ابو الحکم» در جنگ احد به دست امام علی علیه السّلام کشته شد، لذا همواره کینه امام را در دل داشت، حال در حکومت عثمان نفوذ کرده و به پول و مقام رسیده بود و تا آنجا دل گرم شد که در برابر امیناد و جسارت کرد. «شرح ابن ابی الحدید ج ۸ ص ۲۰۱.

(۲) از شگفتی‌های تاریخ آنکه حسان بن ثابت اولین شاعری بود که در روز غدیر خم حضور داشت و پس از اعلام و دستور بیعت از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم با امام علی علیه السّلام بیعت کرد و اشعار بسیار جالبی سرود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم از او تشکر کرد و هشدار داد مادام که با اهل بیت من می‌باشی فرشتگان تو را امداد خواهند کرد و این معجزه رسول خدا بود، زیرا می‌دانست روزی از راه هدایت فاصله می‌گیرد، حال پس از ۲۵ سال ازوای سیاسی امام، که همه مردم با او بیعت میجدّد کردند، حسان بن ثابت مخالفت ورزید!

(۳) طلحه در روز قتل عثمان، نقاب بر چهره زد تا او را نشاناسند و چون درهای منزل عثمان را بستند تا کسی نتواند وارد خانه او شود، طلحه مهاجمان را از خانه یکی از انصار که در همسایگی خانه عثمان فرار داشت هدایت کرد تا از آنجا وارد شوند، و خود به طرف خانه عثمان تیراندازی می‌کرد و او بود که تا سه روز نگذاشت جنازه عثمان را دفن کنند، و مانع دفن عثمان در قبرستان مسلمانان شد حال که مردم با امام علی علیه السّلام بیعت کردند شگفت آن که در صف خونخواهان عثمان قرار گرفت!! (تاریخ طبری)

(۴) «حمه» گل تیره و بد بو و «حمه» یعنی زهر عقرب

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۵۷

و زیانتش از حرکت بر ضد حق فرمانده است. (۲۷۷۴۵– ۲۷۷۴۱) به خدا سوگند، حوضی پرایشان پر از آب نمایم که تنها خود بتوانم آیش را بیرون کشم (۲۷۷۵۳– ۲۷۷۴۶)، به گونه‌ای که از آب آن سیراب فریگردند (۲۷۷۵۷– ۲۷۷۵۴)، و پس از آن از هیچ گودالی آب نوتشند! (۲۷۷۶۳– ۲۷۷۵۸) (یعنی نقشه‌ای برای آنان طرح کنم که راه فرار نداشته باشند)

#### آ وصف بیعت بی‌همانند

(شما مردم!) برای بیعت کردن، به سوی من روی آوردید، همانند مادران تازه زاییده که به طرف بچه‌های خود می‌شتابند. (۲۷۷۳۳– ۲۷۷۴۴) و پناهی فریاد کشیدید، بیعت! بیعت! (۲۷۷۷۶– ۲۷۷۷۴) من دستان خویش فروبستم، اما شما به اصرار آن را گشودید، و از دست دراز کردن، سرباز زدم، و شما دستم را کشیدید.

(۲۷۷۸۳– ۲۷۷۷۷)

#### ۳ سئوه از طلحه و زبیر

خدا یا! طلحه و زبیر یونند مرا گسستند، بر من ستم کرده و بیعت مرا شکستند، و مردم را برای جنگ با من شوراندند (۲۷۷۹۵– ۲۷۷۸۴)، خدایا آنچه را بستند تو بگشا (۲۷۷۹۸– ۲۷۷۹۶)، و آنچه را محکم رسته‌اند پایدار مفرما (۲۷۸۰۴– ۲۷۷۹۹)، و آرزوهایی که برای آن تلاش می‌کنند بر یاد ده! (۲۷۸۱۱– ۲۷۸۰۵) بر پیش از جنگ از آنها خواستم تا باز گردند، و تا هنگام آغاز تیرد انتظارشان را می‌کشیدم، لکن آنها به نعمت پشت پا زدند و بر سینه عافیت دست رد گذاردند.

(۲۷۸۲۶– ۲۷۸۱۲) (۱۱۳۸)

#### ترجمه خطبه ۱۳۸

#### اشاره

(در این خطبه امام از تحولات آینده سخن می‌گوید) (۲۷۸۳۶– ۲۷۸۲۷)

**۱** خبر از ظهور و سیسم حکومتی حضرت مهدی علیه السلام

او (حضرت مهدی «عج») خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند (۲۷۸۴۵– ۲۷۸۳۷)، در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد. (۲۷۸۵۵– ۲۷۸۴۶) (و از همین خطبه است) در آینده آتش جنگ میان شما فروخته می‌گردد، و جنگ و دندان نشان می‌دهد (۲۷۸۵۶– ۲۷۸۵۶)، با پستان‌هایی پر شیر (۲۷۸۶۷– ۲۷۸۶۶)، که مکیدن آن شیرین، اما پابانی تلخ و زهر آگین دارد، به سوی شما می‌آید. (۲۷۸۷۱– ۲۷۸۶۸) آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست (۲۷۸۸۱– ۲۷۸۷۲)، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است (حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف») عقامل و کارگزاران حکومتها را بر اعمال بدشان کيفر خواهد داد (۲۷۸۸۹– ۲۷۸۸۲)، زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می‌ریزد (۲۷۸۹۵– ۲۷۸۹۰)، و کلیدهایش را به او می‌سپارد (۲۷۹۰۰– ۲۷۸۹۶)، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید. (۲۷۹۰۴– ۲۷۹۰۱)، و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند. (۲۷۹۱۰– ۲۷۹۰۵) (و از همین خطبه است)

**۲** خبر از تهاجم خوئین عبد الملک مروان به کوفه

گویي او را می‌بینم که از شام فریاد بر می‌آورد، «۱» و با پرچم‌هایش بیرامون کوفه را پر می‌کند (۲۷۹۲۲– ۲۷۹۱۱)، و جوان شتر خشکسگین به کوفه یورش می‌آورد (۲۷۹۲۶– ۲۷۹۲۳)، زمین را با سرهای بریده فرش می‌کند (۲۷۹۳۰– ۲۷۹۲۷)، دهانش گنگاده (۲۷۹۳۳– ۲۷۹۳۱)، گام‌هایش را سخت و سنگین بر زمین می‌کوبد (۲۷۹۳۸– ۲۷۹۳۴)، تاخت و تاز او بی‌امان و پایدار و هجوم او سخت و دشوار است. (۲۷۹۴۲– ۲۷۹۳۹) به خدا سوگند، شما را در اطراف زمین می‌پراکند، آنگونه که اندکی از شما باقی خواهد ماند چو جوان باقی مانده سرمه در اطراف چشم. (۲۷۹۵۷– ۲۷۹۴۳)

(۱) منظور امام از این شخص، عبد الملک مروان خلیفه اموی است که به کوفه لشکر کشی کرد، و مصعب بن زبیر را کشت و مردم کوفه را به خاک و خون کشید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۵۹

و این وضع خونبار تداوم باید تا آن که عقل از دست رفته عرب باز آید (۲۷۹۶۶– ۲۷۹۵۸)، «۱» پس باید بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی مانید که برپاست، و بر اثار رسالت تکیه نمایید، که آشکار است، به عهد نزدیکی که بسته‌اید وفادار مانید که یادگار پیامبر بر آن تکیه دارد (۲۷۹۷۹– ۲۷۹۶۷)، و بدانید این شیطان است که راه‌هایش را هموار می‌نماید تا قدم بر جای قدم‌هایش نهید و راهش را بی‌گیرید.

(۲۷۹۸۹– ۲۷۹۸۰) (۱۱۳۹)

#### ترجمه خطبه ۱۳۹

##### اشاره

(در سال ۲۳ هجری وقتی در شورای شش نفره تنها با تأیید داماد عثمان «عبد الرحمن» به عثمان رأی دادند و حقائق مسلم را نادیده گرفتند، فرمود) (۲۷۹۹۷– . ۲۷۹۹۰)

**ویژگی‌های امام علیه السلام (و هشدار از حوادث خوئین آینده)**

مردم! هیچ کس پیش از من در پذیرش دعوت حق شباب نداشت، و چون من کسی در صله رحم، و بخشش فراوان نالاش نکرد (۲۸۰۱۰– ۲۷۹۹۸)، پس به سخن من گوش فرا دهید، و منظر مرا در یابید (۲۸۰۱۵– ۲۸۰۱۱)، که در آینده‌ای نه چندان دور برای تصاحب خلافت شمشیرها کشیده شده (۲۸۰۲۷– ۲۸۰۱۶)، و عهد و پیمان‌ها شکسته خواهد شد (۲۸۰۳۱– ۲۸۰۲۸)، تا آن که بعضی از شما پیشوای گمراهان (۲۸۰۳۷– ۲۸۰۳۲– ۲۸۰۳۲) و بیرو جاهلان خواهید شد.

(۲۸۰۴۱– ۲۸۰۳۸) (۱۱۴۰)

#### ترجمه خطبه ۱۴۰

##### اشاره

(در نهی از عیب جوئی مردم ایراد کرد)

**برهیز دامن از عیبت و بدگویی**

(۲۸۰۵۱– ۲۸۰۴۲) به کسانی که گناه ندارند، و از سلامت دین برخوردارند، رواست که به گناهکاران ترحم کنند (۲۸۰۶۷– ۲۸۰۵۲)، و شکر این نعمت گزارند، که شکرگزاری آنان را از عیب جویی دیگران باز دارد (۲۸۰۷۷– ۲۸۰۶۸)، چرا و چگونه آن عیب جو، عیب برادر خویش گویند؟ او را به بلایی که گرفتار است سرزنش می‌کنند؟ (۲۸۰۸۵– ۲۸۰۷۸) آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه او را بخشید و گناهان او را برده پوئسی فرمود؟ (۲۸۱۰۲– ۲۸۰۸۶) چگونه دیگری را بر گناهی سرزنش می‌کند که همانند آن را مرتکب شده! (۲۸۱۰۹– ۲۸۱۰۳) یا گناه دیگری انجام داده که از آن بزرگ‌تر است؟ (۲۸۱۲۵– ۲۸۱۱۰) به خدا سوگند! گر چه خدا را در گناهان بزرگ عصیان نکرده و تنها گناه کوچک مرتکب شده باشد، اما جرأت او بر عیب جویی از مردم، خود گناه بزرگ‌تری است. (۲۸۱۳۳– ۲۸۱۲۶) ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد (۲۸۱۵۵– ۲۸۱۴۴)، و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش (۲۸۱۶۲– ۲۸۱۵۶)، شاید برای آنها کيفر داده شوی! (۲۸۱۶۳– ۲۸۱۵۵) پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند، باید از عیب جویی دیگران خود داری کند. (۲۸۱۷۶– ۲۸۱۶۶)،

(۱) اشاره به اتحاد و هماهنگی مردم در ناپودی بنی امیه و ظهور بنی العباس که پیروان بنی امیه را نابود کردند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۶۱

و شکرگزاری از عیبی که پاک است او را مشغول دارد از اینکه دیگران را بیازرد.

(۲۸۱۸۷– ۲۸۱۷۷) (۱۱۴۱)

#### ترجمه خطبه ۱۴۱

**ا برهیز از شنیدن عیبت**

(۲۸۲۰۴– ۲۸۱۸۸) ای مردم! آن کس که از برادرش، اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را سراغ دارد، باید به گفته مردم در باره او گوش ندهد. (۲۸۲۲۰– ۲۸۲۰۵) آگاه باشید! گاهی تیر انداز، تیر افکند (۲۸۲۲۵– ۲۸۲۲۱) و تیرها به خطا می‌رود (۲۸۲۲۸– ۲۸۲۲۶)، سخن نیز چنین است، در باره کسی چیزی می‌گویند که واقعیت ندارد (۲۸۲۳۱– ۲۸۲۲۹) و گفتار باطل تباه شدنی است (۲۸۲۳۵– ۲۸۲۳۲)، و خدا شنوا و گواه است. (۲۸۲۴۰– ۲۸۲۳۶) بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست.

(۲۸۲۵۰– ۲۸۲۴۱)

**۲** شناخت حق و باطل

(پرسیدند، معنای آن چیست؟ امام علیه السلام انگشتان خود را میان چشم و گوش گذاشت و فرمود) (۲۸۲۶۶– ۲۸۲۵۱) باطل آن است که بگویی «شیدم» و حق آن است که بگویی «دیدم».

(۲۸۲۷۵– ۲۸۲۶۷) (۱۱۴۲)

#### ترجمه خطبه ۱۴۲

##### اشاره

(برخی از شارحان نوشته‌ند که این خطبه بخشی از خطبه ۱۲۶ می‌باشد)

#### شناخت جایگاه بعثتی و احسان

(۲۸۲۸۶– ۲۸۲۷۶) برای کسی که نا بجا به ناکسان نیکی کند پهرهای (۲۸۲۹۹– ۲۸۲۸۵) جز ستایش فرومایگان (۲۸۳۰۲– ۲۸۳۰۰)، تعریف سرکشان و اشرار، (۲۸۳۰۵– ۲۸۳۰۳) و سخنان جاهلان بد گفتار ندارد (۲۸۳۰۸– ۲۸۳۰۶)، و اینها نیز تا هنگامی که به آنها بخشش می‌کند ادامه دارد. (۲۸۳۱۵– ۲۸۳۰۹) دست سخاوتمندی ندارد آن کس که از بخشش در خدا بخل می‌ورزد! (۲۸۳۲۱– ۲۸۳۱۶) آن کس که خدا او را مالی بخشید، پس «باید» به خویشاوندان خود بخشش نماید (۲۸۳۳۰– ۲۸۳۲۴)، و سفره مهمانی خوب بگستراند (۲۸۳۳۴– ۲۸۳۳۱)، و اسیر آزاد کند، و رنج‌دیده را بنوازد (۲۸۳۴۰– ۲۸۳۳۵)، و مستمند را بپرمند کند، و قرض وامدار را بپردازد (۲۸۳۴۶– ۲۸۳۴۱)، و برای درک ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق دیگران، و مشکلاتی که در این راه به او می‌رسد شکیبا باشد (۲۸۳۵۵– ۲۸۳۴۷)، زیرا به دست آوردن صفات یاد شده، موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک فضائل

سرای آخرت است «ان شاء الله.

(۲۸۳۶۹– ۲۸۳۵۶)

نَهِجِ الْبَلَاغَةِ / ترجمه دشتی، ص: ۲۶۳

(۱۱۴۳)

#### ترجمه خطبه ۱۴۳

#### اشاره

(این سخنرانی را در مراسم نماز باران در شهر کوفه ایراد فرمود) (۲۸۳۷۶– ۲۸۳۷۰)

#### ۱ نظام آفرینش برای انسان

آگاه باشید، زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد، و آسمانی که بر شما سایه می‌گستراند، فرمانبردار پروردگارتد (۲۸۴۰۱– ۲۸۳۹۰)، و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی (۲۸۴۰۹– ۲۸۴۰۲) یا برای نزدیک شدن به شما (۲۸۴۱۳– ۲۸۴۱۰)، و نه به امید خیری است که از شما دارند (۲۸۴۱۸– ۲۸۴۱۴)، بلکه آن دو، مأمور رساندن مشایق شما بوده، اامر خدا را اطاعت کردند (۲۸۴۲۳– ۲۸۴۱۹)، به آنها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند.

(۲۸۴۲۹– ۲۸۴۲۴)

#### ۲ فلسفه آزمایش‌ها

خداوند بندگان خود را که گناه کارند، با کمبود میوه‌ها (۲۸۴۳۸– ۲۸۴۳۰)، و جلوگیری از نزول برکات (۲۸۴۴۱– ۲۸۴۳۰)، و بستن در گنج‌های خیرات، آزمایش می‌کند (۲۸۴۴۵– ۲۸۴۴۲)، برای آن که توبه کنند.‌های بساز گردد (۲۸۴۴۷– ۲۸۴۴۶)، و گناهکاره، دل از معصیت بکند (۲۸۴۵۰– ۲۸۴۴۸)، و پند بگیرند، پند گیرد (۲۸۴۵۳– ۲۸۴۵۱)، و باز دارند، راه نافرمانی را بر بندگان خدا بندد (۲۸۴۵۶– ۲۸۴۵۴)، و همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دائمی فرو ریختن روزی، و موجب رحمت آفریدگان قرار داد (۲۸۴۶۸– ۲۸۴۵۷) و فرمود:

«از پروردگار خود آموزش بخواهید، که آموزشه است، برکات خود را از آسمان بر شما فرو می‌بارد، و با بخشش اموال فراوان و فرزندان، شما را یاری می‌دهد، و باغستان‌ها و نه‌های پر آب در اختیار شما می‌گذارد». (۲۸۴۹۲– ۲۸۴۶۹) پس رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه رود (۲۸۴۹۷– ۲۸۴۹۳)، و از گناهان خود پوزش طلبد (۲۸۵۰۰– ۲۸۴۹۸)، و پیش از آن که مرگ او فرارسد، اصلاح گردد.

(۲۸۵۰۳– ۲۸۵۰۱)

#### ۳ نیایش طلب باران

بار خداوند! ما از خانه‌ها، و زیر چادرها (۲۸۵۱۲– ۲۸۵۰۴) پس از شنیدن ناله حیوانات نشه، و گریه دلخراش کودکان گرسنه، به سوی تو بیرون آمدیم، (۲۸۵۱۸– ۲۸۵۱۳) و رحمت تو را مشتاق، و فضل و نعمت تو را امیدواریم، و از عذاب و انتقام تو ترسناکم. (۲۸۵۳۱– ۲۸۵۱۹) بار خداوند! ببارت را بر ما بیار (۲۸۵۳۲– ۲۸۵۳۰)، و مسأ را مآیوس بر مگردان! (۲۸۵۳۹– ۲۸۵۳۵) و با خشکالی و قحطی ما را نابود فرما (۲۸۵۴۳– ۲۸۵۴۰)، و با اعمال زشتی که بی‌خردان ما انجام داده‌اند ما را به عذاب خویش مبتلا مگردان، ای مهربانترین مهربان‌ها! (۲۸۵۵۳– ۲۸۵۴۴) بار خداوند! به سوی تو آدمیم از چیزهایی شکایت کنیم که بر تو پنهان نیست (۲۸۵۶۳– ۲۸۵۵۴) و این هنگامی است که سختی‌های طاقت فرسا ما را بیچاره کرده (۲۸۵۶۷– ۲۸۵۶۴) و خشکالی و قحطی ما را به ستوه آورده (۲۸۵۷۱– ۲۸۵۶۸)، و پیش آمدهای سخت ما را ناتوان ساخته (۲۸۵۷۵– ۲۸۵۷۲)، و فتنه‌های دشوار کارد به استخوان ما رسانده است. (۲۸۵۸۰– ۲۸۵۷۶) بار خداوند! از تو می‌خواهیم ما را تومید بر مگردانی (۲۸۵۸۶– ۲۸۵۸۱)،

نَهِجِ الْبَلَاغَةِ / ترجمه دشتی، ص: ۲۶۵

و با تدبیر و نگرانی به خانه‌هایمان باز نفرستی (۲۸۵۹۰– ۲۸۵۸۷)، و گناهانمان را به رخمان نکشی (۲۸۵۹۴– ۲۸۵۹۱)، و اعمال زشت ما را مقیاس کتفر ما قرار ندهی. (۲۸۵۹۸– ۲۸۵۹۵) خداوند! باران رحمت خود را بر ما بیبار، و برکت خویش را بر ما بگستران (۲۸۶۰۴– ۲۸۵۹۹)، و روزی و رحمت را به ما برسان (۲۸۶۰۸– ۲۸۶۰۵)، و ما را از بیارائی سیراب فرما که سودمند و سیراب کننده و رویاننده گیاهان باشد (۲۸۶۱۴– ۲۸۶۰۹)، و آنچه خشک شده دوباره بپویاند (۲۸۶۱۹– ۲۸۶۱۵) و آنچه مرده است زنده گرداند (۲۸۶۲۵– ۲۸۶۲۰)، بیارائی که بسیار بر منفعت (۲۸۶۲۷– ۲۸۶۲۶)، رویاننده گیاهان فراوان (۲۸۶۲۹– ۲۸۶۲۸) است تهیه و کوهها را سیراب (۲۸۶۳۲– ۲۸۶۳۰)، و در دژه‌ها و رودخانه‌ها، چوئان سیل جاری شود (۲۸۶۳۵– ۲۸۶۳۳)، درختان را بر برگ نماید (۲۸۶۳۸– ۲۸۶۳۶) و نرخ گرانی را پایین آورد (۲۸۶۴۱– ۲۸۶۳۹)، همانا تو بر هر چیز که خواهی توانایی.

(۲۸۶۶۶– ۲۸۶۴۲) (۱۱۴۴)

#### ترجمه خطبه ۱۴۴

#### ۱ فلسفه بعثت پیامبران

(۲۸۶۵۳– ۲۸۶۴۷) خداوند پیامبران را بر انگیخت و وحی را به آنان اختصاص داد (۲۸۶۶۱– ۲۸۶۵۴)، و پیامبران را حجت خود بر بندگان قرار داد (۲۸۶۶۷– ۲۸۶۶۲)، تا استدلالی یا جای عذری برای کسی باقی نماند (۲۸۶۶۴– ۲۸۶۶۸)، پس پیامبران انسان‌ها را، با زبان راستگویی به راه حق فراخواندند. (۲۸۶۸۰– ۲۸۶۷۵) آگاه باشید که خداوند از درون بندگان برده بر می‌گیرد (۲۸۶۸۸– ۲۸۶۸۱)، نه آن که بر اسرار پوشیده آنان آگاه نیست (۲۸۶۹۶– ۲۸۶۸۹)، و بر آنچه در سینه‌ها نهفته دارند بی‌خبر است (۲۸۶۹۹– ۲۸۶۹۷)، بلکه خواست آنان را آزمایش کند، تا کدام یکن، اعمال نیکو انجام می‌دهد (۲۸۷۰۵– ۲۸۷۰۰)، و پادش برابر نیکوکاری (۲۸۷۰۸– ۲۸۷۰۶) و کتفر مکافات در خور بدی‌ها باشد.

(۲۸۷۱۱– ۲۸۷۰۹)

#### ۲ ویژگی‌های امامان دوازده گانه

(۲۸۷۱۴– ۲۸۷۱۲) کجا هستند کسانی که پنداشتند دانایان علم قرآن آنان می‌باشند نه ما؟ (۲۸۷۲۲– ۲۸۷۱۵) که این ادعا را بر اساس دروغ و ستمکاری بر ضدّ ما روا داشتند (۲۸۷۲۶– ۲۸۷۲۳)، خدا ما اهل بیت پیامبر علیهم السّلام را بالا آورد و آنان را پست و خوار کرد (۲۸۷۳۱– ۲۸۷۲۷)، به ما عطا فرمود و آنها را محروم ساخت (۲۸۷۳۵– ۲۸۷۳۲)، ما را در حرم نعمت‌های خویش داخل و آنان را خارج کرد (۲۸۷۳۹– ۲۸۷۳۶)، که راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند (۲۸۷۴۲– ۲۸۷۴۰)، و روشی دل‌های کور را از ما می‌جویند. (۲۸۷۴۵– ۲۸۷۴۳) همانا امامان (دوازده گانه) همه از قریش بوده که درخت آن را در خاندان بنی هاشم کاشانده (۲۸۷۵۵– ۲۸۷۴۶)، مقام ولایت و امامت در خور دیگران نیست (۲۸۷۵۹– ۲۸۷۵۶)، و دیگر مدعیان زمامداری، شایستگی آن را ندارند.

(۲۸۷۶۵– ۲۸۷۶۰)

#### ۳ نشاندهن همراهان و خبر از ستمکاری عبد الملک مروان

(۲۸۷۶۷– ۲۸۷۶۶) گمراهان، دنیای زودگذر را برگزیدند، و آخرت جاویدان را رها کردند. (۲۸۷۷۳– ۲۸۷۶۸) چشمه زلال را گذاشتند (۲۸۷۷۶– ۲۸۷۷۴) و از آب تیره و ناگوار نوشیدند (۲۸۷۷۹– ۲۸۷۷۷)، گویا فاسق آنها را می‌نگرم که با منکر و زشتی‌ها یار است (عبد الملک مروان) و با آن انس گرفته (۲۸۷۸۸– ۲۸۷۸۰) و همنشین می‌گردد (۲۸۷۹۳– ۲۸۷۸۹) تا آن که موی سرش در گناهان سفید گشته (۲۸۷۹۷– ۲۸۷۹۴) و خلق و خوی او رنگ گناه و منکر گیرد (۲۸۸۰۱– ۲۸۷۹۸)، در چنین حالی، کف بر

لب به مردم بیورش آورد، چونان موج غروشان‌گی که از غرق کردن هر چیزی بی‌بروا باشد (۲۸۸۰۹–۲۸۸۰۲)، با شعل‌های که تر و خشک را بسوزاند (۲۸۸۱۴–۲۸۸۱۰) و همه چیز را خاکستر گرداند!

(۲۸۸۱۸–۲۸۸۱۵)

#### ۴ اندرزهای جاودانه

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۶۷

کجايند عقل‌های روشنی خواه از چراغ هدايت؟ (۲۸۸۲۳–۲۸۸۱۹) و کجايند چشم‌های دوخته شده بر نشانه‌های پرهيزکاری؟ (۲۸۸۲۹–۲۸۸۲۴) کجايند دل‌های به خدا پيش کش شده (۲۸۸۳۴–۲۸۸۳۰) و در اطاعت خدا پيمان بسته؟ (۲۸۸۳۵–۲۸۸۳۰) افسوس که دنياپرستان بر متاع پست دنيا هجوم آوردند (۲۸۸۴۲–۲۸۸۴۰)، و برای به دست آوردن حرام پورش آورده يکديگر را پس زدند (۲۸۸۴۳–۲۸۸۴۲)، نشانه بهشت و جهنم برای آنان بر افراشته (۲۸۸۵۳–۲۸۸۴۷)، اما از بهشت روی گردان (۲۸۸۵۷–۲۸۸۵۴) و با کردار زشت خود به طرف آتش روی آوردند (۲۸۸۶۲–۲۸۸۵۸)، پروردگارشان آنان را فراخواند اما پشت کرده، فرار کردند (۲۸۸۶۸–۲۸۸۶۳)، و شيطان آنان را دعوت کرد، پذيرفته به سوی او شتابان حرکت کردند.

(۲۸۸۷۴–۲۸۸۶۹) (۱۱۴۵)

#### ترجمه خطبه ۱۴۵

#### ۱ دنيا سناسی

(۲۸۸۷۵–۲۸۸۷۰) ای مردم! شما در این دنيا هدف تيرهای مرگ هستيد (۲۸۸۹۲–۲۸۸۸۲)، که در هر جرعه‌ای، اندوهی گلو گير (۲۸۸۹۶–۲۸۸۹۳)، و در هر لقمه‌ای استخوان شکسته‌ای قرار دارد (۲۸۹۰۱–۲۸۸۹۷)، در دنيا به نعمتی نمی‌رسيد جز با از دست دادن نعمتی ديگر (۲۸۹۰۸–۲۸۹۰۲)، و روزی از عمر سالخورده‌ای نمی‌گذرد مگر به ويرانی يک روز از مهلتی که دارد (۲۸۹۲۱–۲۸۹۰۹)، و بر خودونی او چیزی افزوده نمی‌شود مگر به نابود شدن روزی تعيين شده (۲۸۹۳۴–۲۸۹۲۲)، و اثری از او نماند نمی‌شود مگر به نابودی اثر ديگر (۲۸۹۴۳–۲۸۹۳۵)، و چیزی برای او تازه و نو نمی‌شود مگر به کهنه شدن چیز ديگر (۲۸۹۴۴–۲۸۹۴۳)، و چیز جديدی از او نمی‌رويد مگر به درو شدن چیزی ديگر (۲۸۹۶۴–۲۸۹۶۹)، ريشه‌هایی رفته‌اند که ما شاخه‌های آن می‌باشيم (۲۸۹۶۵–۲۸۹۶۰)، چگونه شاخه‌ها بدون ريشه‌ها برقرار می‌مانند؟

(۲۸۹۷۶–۲۸۹۷۱)

#### ۲ تکوین از بدعت‌ها

(۲۸۹۷۸–۲۸۹۷۷) هيچ بدعتی در دين ايجاد نمی‌شود مگر آن که سنتی ترک گردد (۲۸۹۸۷–۲۸۹۷۹)، پس از بدعت‌ها پرهيزيد (۲۸۹۸۸–۲۸۹۸۸)، و با راه راست و جاده آشکار حق باشيد (۲۸۹۹۲–۲۸۹۹۰)، نيکوترين کارها سنتی است که سالیانی بر آن گذشته و درستی آن ثابت شده باشد (۲۸۹۹۶–۲۸۹۹۳)، و بدترین کارها آنچه که تازه پيدا شده و آينده آن روشن نيست.

(۲۹۰۰۰–۲۸۹۹۷) (۱۱۴۶)

#### ترجمه خطبه ۱۴۶

#### اشاره

(عمر با امير المؤمنين علی عليه السلام مشورت کرد که آیا در جنگ ايران شرکت کند؟ پاسخ داد) (۲۹۰۱۶–۲۹۰۰۱) (۱)

#### ۱ اعلل پیروزی اسلام و مسلمين

پیروزی و شکست اسلام، به فراوانی و کمی طرفداران آن نبود (۲۹۰۲۹–۲۹۰۱۷)، اسلام دين خداست که آن را پیروز ساخت (۲۹۰۳۵–۲۹۰۳۰)، و سپاه اوست که آن را آماده و ياری فرمود (۲۹۰۴۱–۲۹۰۳۶)، و رسيد تا آنجا که بايد برسد (۲۹۰۴۵–۲۹۰۴۲)، در هر جا که لازم بود طلوع کرد (۲۹۰۴۹–۲۹۰۴۶)، و ما بر وعده پروردگار خود اميدواريم (۲۹۰۵۵–۲۹۰۵۰) که او به وعده خود وفا می‌کند (۲۹۰۵۹–۲۹۰۵۶)، و سپاه خود را ياری خواهد کرد. (۲۹۰۶۲–۲۹۰۶۰)

(۱) جنگ «قادسیه» در سال ۱۶ هجری بين اعراب به فرماندهی سعد وقاص، و ايران در پادشاهی يزدگرد، و فرماندهی رستم، در اطراف مدائن رخ داد، فرماندهان ايران ۳۰ هزار سرباز از اهالی فارس را با زنجير به هم بسته بودند که فرار نکنند، روز اول جنگ با ۳۳ فيل حمله کردند که خرطوم آنها را مسلمانان بريدند و فيلها فرار کردند، که ۵۰۰ نفر کشته شدند، روز سوم طوفان سختی در گرفت و جنگ ادامه داشت که مسلمانان به خيمه فرماندهی سپاه ايران، رستم رسيدند و هلال بن علقمه او را کشت و ترؤل در سپاه ايران افتاد و ۳۰۰۰۰ نفر کشته داده و فرار کردند که بزرگ‌ترين غنائم جنگی نصيب مسلمانان شد، و دولت ساسانی فرو پاشيد، و قادسیه شهر کوچکی بود که در جنوب عراق ۳۱ کيلو متری کوفه قرار داشت. «شرح ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۹۶–۱۰۲،

(۲) در جنگ قادسیه، تعداد لشکریان يزدگرد، ۱۲۰ هزار نفر و تعداد مسلمانان سی و چند هزار نفر بود که با باری خدا پیروز شدند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۶۹

چاينکه رهبر جوان ريسماني محکم است که مهرها را متحد ساخته به هم پيوست می‌دهد. (۲۹۰۷۳–۲۹۰۶۳) اگر اين رشته از هم بگسلد، مهرها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند افتاد (۲۹۰۸۰–۲۹۰۷۴) و سپس هر گز جمع آوری نخواهند شد. (۲۹۰۸۵–۲۹۰۸۱) عرب امروز گر چه از نظر تعداد اندک، اثرا با نعمت اسلام فراوانند (۲۹۰۹۵–۲۹۰۸۶)، و با اتحاد و هماهنگی عزيز و قدرتمندند (۲۹۰۹۷–۲۹۰۹۶)، چونان محور آسیاب، جامعه را به گردش در آور (۲۹۰۹۹–۲۹۰۹۸)، و با کمک مردم، جنگ را اداره کن (۲۹۱۰۳–۲۹۱۰۰) (۲۹۱۰۰–۲۹۱۰۸) (۲۹۱۰۴–۲۹۱۰۳) زیرا اگر تو از اين سرزمين بيرون شوی، مخالفان عرب از هر سو تو را رها کرده و پيمان می‌شکنند (۲۹۱۲۱–۲۹۱۰۹)، چنانکه حفظ مرزهای داخل که پشت سر می‌گذاري مهم‌تر از آن باشد که در پيش روی خواهی داشت.

(۲۹۱۳۳–۲۹۱۲۲)

#### ۲ واقع بينی در مشاوره نظامی

همانا، عجم اگر تو را در نبرد بنگرند، گویند اين ريشه عرب است (۲۹۱۴۳–۲۹۱۳۴) اگر آن را بريدی آسوده می‌گردد (۲۹۱۴۶–۲۹۱۴۴)، و همین فکر سبب فشار و نهاجمات پياپی آنان می‌شود (۲۹۱۵۱–۲۹۱۴۷) و طمع ايشان در تو بيشتز گردد. (۲۹۱۵۴–۲۹۱۵۲) اينکه گفتی آنان به راه افتاده‌اند تا با مسلمانان بپکار کنند (۲۹۱۶۳–۲۹۱۵۵)، ناخشنودی خدا از تو بيشتز (۲۹۱۷۰–۲۹۱۶۶)، و خدا در دگرگون ساختن آنچه که دوست ندارند توانا تر است. (۲۹۱۷۷–۲۹۱۷۱) اثرا آنچه از فراوانی دشمن گفتی (۲۹۱۸۳–۲۹۱۷۸)، ما در جنگ‌های گذشته با فراوانی سرباز نمی‌جنگيديم (۲۹۱۹۰–۲۹۱۸۴)، بلکه با باری و کمک خدا مبارزه می‌کرديم.

(۲۹۱۹۷–۲۹۱۹۱) (۱۱۴۷)

#### ترجمه خطبه ۱۴۷

#### ۱ فلسفه بهشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۲۹۲۰۵–۲۹۱۹۸) خداوند حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق برانگیخت تا بندگان خود را از پرستش دروغين بت‌ها رهایی بخشيد به پرستش خود راهنمایی کند (۲۹۲۱۷–۲۹۲۰۶)، و آنان را از پیروی شيطان نجات داده به اطاعت خود کشاند (۲۹۲۲۳–۲۹۲۱۸)، با قرآنی که معنی آن را آشکار کرد و اساسش را استوار فرمود (۲۹۲۲۸–۲۹۲۲۴)، تا بندگان عظمت و بزرگی خدا را بدانند که نمی‌دانستند (۲۹۲۳۳–۲۹۲۲۹)، و به پروردگار، اعتراف کنند پس از انکارهای طولانی اعتراف کردند (۲۹۲۳۹–۲۹۲۳۴)، و او را پس از آن که نسبت به خدا آشنایی نداشتند به درستی شناستند. (۲۹۲۴۴–۲۹۲۴۰) پس خدای سبحان در کتاب خود بی آن که او را بنگرند خود را به بندگان شناساند، و قدرت خود را به همه نمایاند (۲۹۲۵۸–۲۹۲۴۵) و از قهر خود ترساند (۲۹۲۶۲–۲۹۲۵۹)، و اينکه چگونه با کيفرها ملتی را که بايد نابود کند از میان برداشت (۲۹۲۶۳–۲۹۲۶۲) و آنان را چگونه با داس انقام درو کرد.

(۲۹۲۷۳–۲۹۲۶۹)

#### ۲ خبر از آينده ناشف بار اسلام و مسلمين

(۲۹۲۷۵–۲۹۲۷۶) همانا پس از من در روزگاری بر شما فراخواهد رسید که چیزی پنهان‌تر از حقّ و آشکارتر از باطل (۲۹۲۸۳–۲۹۲۷۶)، و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد. (۲۹۳۰۷–۲۹۲۹۴)
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۷۱
و نزد مردم آن زمان کلایی زیانمندتر از قرآن نیست اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند (۲۹۳۱۶–۲۹۳۰۳)، و منافع پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند. (۲۹۳۴۴–۲۹۳۱۷) در شهرها چیزی ناشناخته‌تر از معروف، و شناخته‌تر از منکر نیست (۲۹۳۳۷–۲۹۳۲۵)، حاملان قرآن، آن را واگذاشته (۲۹۳۴۱–۲۹۳۳۸) و محافظان قرآن، آن را فراموش می‌کنند (۲۹۳۴۴–۲۹۳۴۲)، پس در آن روز قرآن و پیروانش از میسان مردم راننده و مهجور می‌گردند (۲۹۳۵۰–۲۹۳۴۵)، و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردانند (۲۹۳۵۶–۲۹۳۵۱)، و پناهگاهی میان مردم ندارند. (۲۹۳۵۹–۲۹۳۵۷) پس قرآن و پیروانش در میان مردمندا اما گویا حضور ندارند (۲۹۳۷۰–۲۹۳۶۰)، با مردمند ولی از آنها بریده‌اند (۲۹۳۷۵–۲۹۳۷۱)، زیرا گمراهی و هدایت هرگز هماهنگ نشوند. گر چه کنار یکدیگر قرار گیرند. (۲۹۳۸۳–۲۹۳۷۶) مردم در آن روز، در جدایی و تفرقه هم داستان (۲۹۳۸۷–۲۹۳۸۴)، و در اتحاد و یگانگی پراکنده‌اند (۲۹۳۹۱–۲۹۳۸۸)، گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست (۲۹۳۹۸–۲۹۳۹۲)، پس از قرآن جز نامی و نزدشان باقی نماند (۲۹۴۰۴–۲۹۳۹۹)، و آنان نیز خطی را از قرآن نشناسند (۲۹۴۱۱–۲۹۴۰۵)، و در گذشته نیکوکاران را کفر داده (۲۹۴۱۹–۲۹۴۱۲)، و سخن راست آنان را بر خدا دروغ پنداشتند (۲۹۴۱۵–۲۹۴۲۰)، و کار نیکشان را پادشاه بد دادند. (۲۹۴۳۱–۲۹۴۲۶) و همانا آنان که پیش از شما زندگی می‌کردند، به خاطر آرزوهای دراز و پنهان بودن زمان اجل‌ها، نابود گردیدند (۲۹۴۴۲–۲۹۴۳۲)، تا ناگهان مرگ وعده داده شده بر سرشان فرود آمد، مرگی که عذرها را نپذیرد (۲۹۴۵۰–۲۹۴۴۴)، و درهای باز تنویه را ببندد (۲۹۴۵۴–۲۹۴۵۱)، و حوادث سخت و مجازات‌های پس از مردن را به همراه آورد. (۲۹۴۶۰–۲۹۴۵۵)

### ۳ پندهای حکیمانه

(۲۹۴۶۲–۲۹۴۶۱) ای مردم! هر کس از خدا خیر خواهی طلبد، توفیق یابد (۲۹۴۶۹–۲۹۴۶۳)، و آن کس که سخنان خدا را راهنمای خود قرار دهد به راست‌ترین راه، هدایت خواهد شد (۲۹۴۷۸–۲۹۴۷۰)، پس همانا همسایه خدا در آمان (۲۹۴۸۲–۲۹۴۷۹)، و دشمن خدا ترسان است (۲۹۴۸۵–۲۹۴۸۳)، آن کس که عظمت خدا را می‌شناسد سزاوار نیست خود را بزرگ جلوه دهد (۲۹۴۹۵–۲۹۴۸۶)، پس بلندی ارزش کسانی که بزرگی پروردگار را می‌دانند در این است که برابر او فروتنی کنند (۲۹۵۰۴–۲۹۴۹۶)، و سلامت آنان که می‌دانند قدرت خدا چه اندازه می‌باشد در این است که برابر فرمانش تسلیم باشند. (۲۹۵۱۳–۲۹۵۰۵) پس، از حقّ نگریزید چونان گریز انسان تندرس‌ت از فرد «گره‌ا» گرفته (۲۹۵۲۱–۲۹۵۱۴)، یا انسان سالم از بیمار (۲۹۵۲۶–۲۹۵۲۲)، و بداند که هیچ‌گاه حق را نخواهد شناخت جز آن که ترک‌کننده آن را بشناسید! (۲۹۵۳۶–۲۹۵۲۷) هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آن که پیمان شکنان را بشناسید (۲۹۵۴۵–۲۹۵۳۷)، و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رها کننده آن را شناسایی کنید. (۲۹۵۵۳–۲۹۵۴۶)

### ۴ ویژگی‌های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (اعمال دوازده گانه)

پس دستگیری را از اهل آن جستجو کنید (۲۹۵۵۸–۲۹۵۵۴)، که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رمز حیات دانش، و راز مرگ چهل و ناندی هستند (۲۹۵۶۴–۲۹۵۵۹)، آنان که حکمشان شما را از دانش آنان (۲۹۵۷۰–۲۹۵۶۵)، و کوششان از منطق آنان (۲۹۵۷۴–۲۹۵۷۱)، و ظاهرشان از پنهانشان، اطلاع می‌دهد (۲۹۵۷۸–۲۹۵۷۵)، نه با دین خدا مخالفتی دارند، و نه در آن اختلاف می‌کنند (۲۹۵۸۵–۲۹۵۷۹)، دین در میان آنان گواهی صادق (۲۹۵۸۹–۲۹۵۸۶)، و ساکنی سخنگوست. (۲۹۵۹۲–۲۹۵۹۰)

(۱) گر، نوعی بیماری پرستی که با خارش شدید همراه است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۷۳

(۱۱۴۸)

### ترجمه خطبه ۱۴۸

### اشاره

(این خطبه در باره شهر بصره و مردمش و طلحه و زبیر ایراد شد) (۲۹۶۰۱–۲۹۵۹۳)

### روانشناسی طلحه و زبیر (در نورش بصره)

هر کدام از طلحه و زبیر، امیدوار است که حکومت را به دست آورد (۲۹۶۰۷–۲۹۶۰۲)، و دیده به آن دوخته و رفیق خود را به حساب نمی‌آورد. (۲۹۶۱۲–۲۹۶۰۸) «ا» آن دو، نه رشته‌ای الهی را چنگ زدند (۲۹۶۱۷–۲۹۶۱۳) و نه با وسیله‌ای به خدا روی آوردند. (۲۹۶۲۲–۲۹۶۱۸) هر کدام با کینه رفیق خود را بر دوش می‌کنند (۲۹۶۲۸–۲۹۶۲۳)، که به زودی برده از روی آن کنار خواهد رفت. (۲۹۶۳۴–۲۹۶۲۹) به خدا سوگند! اگر به آنچه می‌خواهند برسند، این جان آن را می‌گیرد (۲۹۶۴۴–۲۹۶۳۵) و آن، این را از پای دی می‌آورد (۲۹۶۴۹–۲۹۶۴۶)، هم اکنون گروهی سرکش و نافرمان به پا خاسته‌اند (ناکثین) (۲۹۶۵۳–۲۹۶۵۰) پس خدا جوینان حسابگر کجايند؟ (۲۹۶۵۵–۲۹۶۵۴) سَنَت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر ایشان بیان گردید (۲۹۶۵۹–۲۹۶۵۶) اخبار امروز را به آنان گفتند (۲۹۶۶۶–۲۹۶۶۰)، در حالی که برای هر گمراهی عَلیّی (۲۹۶۶۷–۲۹۶۶۴) «ا»، و برای هر عهد شکنی پیمانهای وجود دارد. (۲۹۶۷۱–۲۹۶۶۸) سوگند به خدا! من آن کس نیستم که صدای گریه (۲۹۶۷۷–۲۹۶۷۲)، بر سر و سینه زدن برای مرده، و ندای فرشته مرگ را بشنود و عبرت نگیرد. (۲۹۶۸۵–۲۹۶۷۸) (۱۱۴۹)

### ترجمه خطبه ۱۴۹

### اشاره

(در سال ۴۰ هجری در بیستم رمضان قبل از شهادت فرمود) (۲۹۶۹۲–۲۹۶۸۶)

### آ یاد مرگ

ای مردم! هر کس از مرگ بگریزد، به هنگام فرار آن را خواهد دید (۲۹۷۰۲–۲۹۶۹۳)، اجل سر آمد زندگی (۲۹۷۰۵–۲۹۷۰۲)، و فرار از مرگ رسیدن به آن است (۲۹۷۰۹–۲۹۷۰۶)، چه روزگارانی که در پی گشودن راز نهفته‌اش بوم (۲۹۷۱۷–۲۹۷۱۰) اما خواست خداوند جز پنهان ماندن آن نبود (۲۹۷۲۱–۲۹۷۱۸)، هیئات! که این، علمی پنهان است. (۲۹۷۲۴–۲۹۷۱۲)

### آ وصیت‌های امام علی علیه السلام

اننا وصیت من نسبت به خدا، آن که چیزی را شریک خدا قرار ندهید (۲۹۷۳۱–۲۹۷۲۵)، و نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این است که، سَنَت و شریعت او را ضایع نکنید. (۲۹۷۳۷–۲۹۷۳۲) این دو ستون محکم را بر پا دارید (۲۹۷۳۸–۲۹۷۳۰) این دو چراغ را فروزان نگهدارید (۲۹۷۴۴–۲۹۷۴۱) و تا آن زمان که از حق منحرف نشده‌اید، سرزنشی نخواهید داشت (۲۹۷۵۰–۲۹۷۴۵)، که برای هر کس به اندازه توانایی او وظیفه‌ای تعیین گردیده (۲۹۷۵۵–۲۹۷۵۱)، و نسبت به افراد جاهل و نادان تخفیف داده شده است (۲۹۷۵۹–۲۹۷۵۶) زیرا که:

پروردگار رحیم، و دین استوار، و پیشوا آگاه است. (۲۹۷۶۷–۲۹۷۶۰) من دیروز رهبر شما بوم (۲۹۷۷۰–۲۹۷۶۸) و امروز مایه بند و عبرت شما هستم (۲۹۷۷۵–۲۹۷۷۱)، فردا از شما جدا خواهم (۲۹۷۷۸–۲۹۷۷۶) شد، خدا شما و مرا یابمزد. (۲۹۷۸۳–۲۹۷۷۹)

(۱) طلحه و زبیر قبل از آغاز جنگ برای خواندن نماز جماعت نزاع کردند و با دخالت عائشه بنا شد یک روز فرزند طلحه و روز دیگر فرزند زبیر نماز بخواند، طلحه از مردم خواست او را با عنوان «امیر» سلام دهند، زبیر هم همین درخواست را کرد.

(۲) اشاره به: تئیلوژی TETIOLOGY (عَلمَت شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۷۵

اگر از این ضربت و در این لغزشگاه نجات یابم، که حرفی نیست (۲۹۷۹۰-۲۹۷۸۴)، اما اگر گام‌ها بلغزد و از این جهان بروم، ما نیز چون دیگران در سایه شاخصار درختان، مسیر وزش باد و باران، و زیر سایه ابرهای متراکم آسمان پراکنده می‌شویم (۲۹۸۰۶-۲۹۷۹۱) (۲۹۸۱۰-۲۹۸۰۷)، و آثارسان در روی زمین ناپود خواهد شد. (۲۹۸۱۵-۲۹۸۱۱) من از همسایگان شما بودم، که چند روزی در کنار شما زیستم (۲۹۸۲۲-۲۹۸۱۶)، و به زودی از من جز جسدی بی روح (۲۹۸۲۷-۲۹۸۲۳) و ساکن پس از آن همه تلاشی، و خاموش پس از آن همه گفتار، باقی نخواهد ماند (۲۹۸۳۴-۲۹۸۲۸)، پس باید سکوت من، و بی حرکت دست و پا و چشم‌ها و اندام من، مایه پند و اندرز شما گردد (۲۹۸۴۲-۲۹۸۳۵)، که از هر منظر رسایی و از هر سخن مؤثری عبرت انگیزتر است. (۲۹۸۴۸-۲۹۸۴۳) (۲۹۸۵۱-۲۹۸۴۴) وداع و خدا حافظی من با شما چونان جدایی کسی است که آماده ملاقات پروردگار است (۲۹۸۵۷-۲۹۸۵۲)، فردا ارزش ایام زندگی مرا نخواهد دید (۲۹۸۶۰-۲۹۸۵۸)، و راز درونم را خواهید دانست. (۲۹۸۶۶-۲۹۸۶۱) پس از آن که جای مرا خالی دیدید و دیگری بر جای من نشست، مرا خواهید شناخت. (۲۹۸۷۴-۲۹۸۶۶) (۱۱۵۰)

### ترجمه خطبه ۱۵۰

#### اشاره

(در این خطبه به حوادث سخت آینده اشاره دارد) (۲۹۸۸۹-۲۹۸۷۵)

#### ۱ آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی (عج)

به راههای چپ و راست رفتند، و راه ضلالت و گمراهی پیمودند (۲۹۸۸۸-۲۹۸۹۰)، راه روشن هدایت را گذاشتند. (۲۹۹۰۲-۲۹۸۹۹) پس در باره آنچه که باید باشد شتاب نکنید (۲۹۹۰۸-۲۹۹۰۳)، و آنچه را که در آینده باید بیاید دیر مشمارید (۲۹۹۱۵-۲۹۹۰۹)، چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب می‌کند. اما وقتی به آن رسید دوست دارد که ای کاش آن را نمی‌دید (۲۹۹۲۵-۲۹۹۱۶)، و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سبب آن آشکار شد. (۲۹۹۳۲-۲۹۹۲۶) ای مردم! اینکه ما در آستانه تحقق وعده‌های داده شده (۲۹۹۳۹-۲۹۹۳۳)، و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و انهام آمیز است، قرار داریم. (۲۹۹۴۶-۲۹۹۴۰)

#### ۲ ره آورد حکومت حضرت مهدی (عج)

بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی (عج)) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چرافی روشنگر در آن گام می‌نهد (۲۹۹۵۶-۲۹۹۶۶)، و بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام رفتار می‌کند (۲۹۹۶۲-۲۹۹۵۷) تا گرهما را بگشاید (۲۹۹۶۵-۲۹۹۶۳)، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جوین پراکنده را جمع آوری می‌کند. (۲۹۹۷۵-۲۹۹۶۶) حضرت مهدی (عج) سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد (۲۹۹۷۹-۲۹۹۷۶) آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، گر چه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. (۲۹۹۸۷-۲۹۹۸۰) سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند، و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند (۲۹۹۹۴-۲۹۹۸۸)، دیده‌هاشان با قرآن روشناسی گیرد (۲۹۹۹۷-۲۹۹۹۵)، و در گوش‌هاشان تفسیر قرآن طنین افکند (۳۰۰۰۲-۲۹۹۹۸)، و در صیحگاهان و شامگاهان جاههای حکمت سر می‌کشند. (۳۰۰۰۸-۳۰۰۰۳)۱»

#### ۳ سرنوشت امت اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۳۰۰۱۰-۳۰۰۰۹) روزگار آنان به طول انجامید. تا رسوایی آنها به نهایت رسید (۳۰۰۱۷-۳۰۰۱۱)، و خود را سزاوار بلای زمانه گرداندند (۳۰۰۲۰-۳۰۰۱۸)، و چون پایان مدت آنها نزدیک شد (۳۰۰۲۴-۳۰۰۲۱)، گروهی در فتنه‌ها آسودند (۳۰۰۲۹-۳۰۰۲۵) و گروهی دست به حمله

(۱) اشاره به: فوتوریسم(FUTURISM)آینده نگری)، نظر امام (ع) یک آینده نگری مثبت است که آینده جهان را روشن و متکامل و خوب می‌شناساند، بر خلاف نظریه پردازانی که آینده را وحشت‌زا و تاریک معرفی می‌کنند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۷۷

و پیکار با فسادگران زدند (۳۰۰۳۴-۳۰۰۳۰) و با شکیبایی که داشتند بر خدا منت نهادند (۳۰۰۳۹-۳۰۰۳۵)، و جان دادن در راه خدا را بزرگ نشمردند (۳۰۰۴۶-۳۰۰۴۰)، تا آنجا که اراده الهی به پایان دوران جاهلیت موافق شد (۳۰۰۵۴-۳۰۰۴۷)، شمشیرها در راه خدا کشیدند، و بیش‌های خود را بر شمشیر نشانند (۳۰۰۵۸-۳۰۰۵۵)، و طاعت پروردگار خود را پذیرفتند، و فرمان پند دهنده خود را شنیدند، و در پیروزی و سربلندی زیستند (۳۰۰۶۳-۳۰۰۵۹) تا آن که خدا، پیامبرش را نزد خود برد، (افسوس) که گروهی به گذشته جاهلی خود باز گشتند (۳۰۰۷۳-۳۰۰۶۴)، و با پیمودن راه‌های گوناگون به گمراهی رسیدند(۳۰۰۸۰-۳۰۰۷۴)، و به دوستان منحرف خود پیوستند و از دوستی با مؤمنان بریزند. که به آن امر شده بودند. (۳۰۰۹۰-۳۰۰۸۱)، و بنیان اسلامی را تغییر داده در جای دیگری بنا نهادند (۳۰۱۰۰-۳۰۰۹۱)، آنان کاتبان هر خطا و گناه، و پناهگاه هر فتنه جو شدند. (۳۰۱۰۱-۳۰۱۰۰) که سرانجام در سرگردانی فرو رفتند، و در غفلت و مستی (۳۰۱۱۷-۳۰۱۱۰) به روش و آیین فرعونیان درآمدند (۳۰۱۲۲-۳۰۱۱۸)، یا از همه بریده و دل به دنیا بستند (۳۰۱۲۷-۳۰۱۲۳)، و یا بی‌ونه خود را با دین گسستند.

(۳۰۱۳۱-۳۰۱۲۸) (۱۱۵۱)

### ترجمه خطبه ۱۵۱

#### ارزش شهادتین

خدا را می‌ستایم، و در راندن شیطان، و دور ساختن (۳۰۱۵۲-۳۰۱۴۳) و نجات پیدا کردن از دام‌ها و فریب‌های آن، از خدا یاری می‌طلبم (۳۰۱۵۸-۳۰۱۵۳) و گواهی می‌دهم که جز خدای یگانه معبودی نیست (۳۰۱۶۵-۳۰۱۵۹)، و شهادت می‌دهم که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده برگزیده و انتخاب شده او است (۳۰۱۷۲-۳۰۱۶۶) (۳۰۱۷۶-۳۰۱۷۳)، پس از آن که فضل و برتری، همتایی ندارد و هرگز فقدان او جبران نگردد. (۳۰۱۸۳-۳۰۱۷۷) شهرهایی به وجود او روشن گشت، پس از آن که گمراهی وحشتناکی همه جا را فرا گرفته بود (۳۰۱۸۹-۳۰۱۸۴)، و جهل و نادانی بر اندیشه‌ها غالب و قساوت و سنگدلی بر دل‌ها مسلط بود (۳۰۱۹۵-۳۰۱۹۰)، و مردم حرام را حلال می‌شمردند (۳۰۱۹۹-۳۰۱۹۶)، و دانشمندان را تحقیر می‌کردند (۳۰۲۰۲-۳۰۲۰۰)، و جدای از دین الهی زندگی کرده و در حال کفر و بی دینی جان می‌سپردند. (۳۰۲۰۹-۳۰۲۰۳)

#### ۲ تکوین مردم گمراه

(۳۰۲۱۲-۳۰۲۱۰) شما ای عرب‌ها، هدف تیرهای یلا هستید که نزدیک است. (۳۰۲۲۰-۳۰۲۱۳) از مستی‌های نعمت بپرهیزید (۳۰۲۲۳-۳۰۲۲۱)، و از سسخی‌های عذاب الهی بپرسید و بگریزید (۳۰۲۲۷-۳۰۲۲۴)، و در فتنه‌های در هم پیچیده، به هنگام پیدایش نوزاد فتنه‌ها (۳۰۲۳۲-۳۰۲۲۸) (۳۰۲۳۸-۳۰۲۳۳) و آشکار شدن باطن آنها، و برقرار شدن قطب و مدار آسیای آن، با آگاهی قدم بردارید. (۳۰۲۳۷-۳۰۲۳۹) فتنه‌هایی که از رهگذرهای ناپیدا آشکار گردد (۳۰۲۵۱-۳۰۲۴۸)، و به زشتی و رسوایی گراید (۳۰۲۵۶-۳۰۲۵۲)، آغازش چون دوران جوانی پر قدرت و زیبا (۳۰۲۵۹-۳۰۲۵۷)، و آشارش چون آثار باقی مانده بر سنگ‌های سخت زشت و دیرپاست (۳۰۲۶۳-۳۰۲۶۰)، که ستمکاران آن را با عهدی که با یکدیگر دارند، به ارث می‌برند (۳۰۲۶۶-۳۰۲۶۴)، نخستین آنان پیشوای آخرین، و آخرین گمراهان،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۷۹

افتدا کنند به از لئین می‌باشند. (۳۰۲۷۳-۳۰۲۶۷) آنان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می‌گیرند، و چونان سنگ‌های گرسنه، این مردار را از دست یکدیگر می‌ربایند (۳۰۲۸۲-۳۰۲۷۴)، طولی نمی‌کشد که پیرو از رهبر، و رهبر از پیرو، بیزاری می‌جوید (۳۰۲۹۳-۳۰۲۸۳)، و با بغض و کینه از هم جدا می‌شوند، و به هنگام ملاقات، همدیگر را نفرین می‌کنند.

(۳۰۲۹۹-۳۰۲۹۴)

#### ۳ خبر از آینده خوین عرب

سپس فتنای سر برآورد که سخت لرزاننده، در هم کوبنده و ناپود کننده است (۳۰۳۰۹-۳۰۳۰۰)، که قلب‌هایی پس از استواری

می‌لغزند (۳۰۳۱۳–۳۰۳۱۰)، و مردانی پس از درستی و سلامت، گمراه می‌گردند (۳۰۳۱۸–۳۰۳۱۴)، و افکار و اندیشه‌ها به هنگام هجوم این فتنه‌ها پراکنده (۳۰۳۲۲–۳۰۳۱۹)، و عقاید پس از آشکار شدنشان به شک و تردید دچار می‌گردد. (۳۰۳۲۴–۳۰۳۲۸) آن کس که به مقابله با فتنه‌ها برخیزد کمزش را می‌شکند (۳۰۳۳۲–۳۰۳۲۹)، و کسی که در فرو نشاندن آن تلاش می‌کند، او را در هم می‌کوبید. (۳۰۳۳۷–۳۰۳۳۳) در این میان فتنه جوانان جورخران، یگدیگر را گاز می‌گیرند (۳۰۳۳۸–۳۰۳۳۸)، و رشته‌های سعادت و آیین محکم شده‌شان لریزان می‌گردد (۳۰۳۳۷–۳۰۳۳۴)، و حقیقت امر پنهان می‌ماند. (۳۰۳۳۵–۳۰۳۳۸) حکمت و دانش کاهش می‌یابد، ستمگران به سخن می‌آیند (۳۰۳۳۵–۳۰۳۳۲)، و بیابان نشین‌ها را در هم می‌کوبند (۳۰۳۳۲–۳۰۳۳۵)، و با سینه مرکب‌های ستم، آنها را خرد می‌نمایند. (۳۰۳۶۶–۳۰۳۶۴) تنگ روان در غبار آن فتنه‌ها نابود می‌گردند (۳۰۳۷۰–۳۰۳۶۷)، و سواران با قدرت در آن به هلاکت می‌رسند. (۳۰۳۷۵–۳۰۳۷۱) فتنه‌ها با تلخی خواسته‌ها وارد می‌شود (۳۰۳۷۸–۳۰۳۷۶)، و خون‌های تازه را می‌دوشد (۳۰۳۸۲–۳۰۳۷۹)، نشانه‌های دین را خراب، (۳۰۳۸۶–۳۰۳۸۳) و یقین را از بین می‌برد. (۳۰۳۹۰–۳۰۳۸۷) فتنه‌هایی که افراد زیرک از آن بگریزند، و افراد پلید در تدبیر آن بکوشند. (۳۰۳۹۶–۳۰۳۹۱) فتنه‌ها بر رعد و برق (۳۰۳۹۸–۳۰۳۹۷) و پر زحمت است (۳۰۴۰۱–۳۰۳۹۹)، در آن پیوندهای خوشاوندی قطع شده (۳۰۴۰۴–۳۰۴۰۲)، و از اسلام جدا می‌گردند (۳۰۴۰۸–۳۰۴۰۵)، فتنه‌ها چنان ویرانگرند که تندرست‌ها بیمار، و مسکن گریه‌گان کوچ می‌کنند (۳۰۴۱۳–۳۰۴۰۹)، در آن میان کشته‌ای است که خویش به رایگان ریخته، و افراد ترسویی که طالب امانند (۳۰۴۲۰–۳۰۴۱۴)، یا سگندها آنان را فریب می‌دهند، و با ظاهر به ایمان آنها را گمراه می‌کنند. (۳۰۴۲۶–۳۰۴۲۱)

#### ۴ رهنمودها در مقابله با فتنه‌ها

پس سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت‌ها نباشید (۳۰۴۲۷–۳۰۴۲۳)، و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار (۳۰۴۳۴–۳۰۴۳۰)، و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید (۳۰۴۴۵–۳۰۴۴۱) ۱۱، و بر خدا، ستمدیده وارد نشوید نه ستمگر (۳۰۴۵۵–۳۰۴۴۶)، و از گرفتار شدن به دام‌های شیطان، و فرار گرفتن در وادی دشمنی‌ها پرهیزید. (۳۰۴۶۲–۳۰۴۵۶)، و لقمه‌های حرام به شکم خود راه ندهید. (۳۰۴۶۸–۳۰۴۶۳)، شما برابر دیدگان خداوندی قرار دارید که گناهان را حرام کرد (۳۰۴۷۴–۳۰۴۶۹) و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود. (۳۰۴۷۵–۱۱۵۲)

#### توجه خطبه ۱۵۲

#### اشاره

(توشه‌اند که این سخنرانی را در روزهای اول خلافت در سال ۳۵ هجری در مدینه ایراد فرمود)

#### ۱ خدائناسی (ساخت صفات خدا)

(۳۰۴۹۳–۳۰۴۸۰)

(۱) اشاره به: کولکتیویسم|COLLECTIVISM|عقیده به اصالت کارهای جمعی) که سعی دارند جامعه را با همکاری و مشارکت عمومی اداره کنند.

نهج البلاغه/ ترجمه دشتی، ص: ۲۸۱

ستایش خداوندی را که با آفرینش بندگان، بر هستی خود اهنمایی فرمود (۳۰۴۹۹–۳۰۴۹۴)، و آفرینش پدیده‌های نو، بر ازلی بودن او گواه است (۳۰۵۰۴–۳۰۵۰۰)، و شباهت داشتن مخلوقات به یگدیگر دلیل است که او هستایی ندارد (۳۰۵۱۱–۳۰۵۰۵)، حواس بشری ذات او را درک نمی‌کند، و پوشش‌ها او را پنهان نمی‌سازد (۳۰۵۱۸–۳۰۵۱۲)، زیرا سازنده و ساخته شده (۳۰۵۲۲–۳۰۵۱۹)، فراگیرنده و فرا گرفته، پروردگار و پرورده، یکسان نیستند. (۳۰۵۳۰–۳۰۵۲۳) یگانه است نه از روی عدد (۳۰۵۳۴–۳۰۵۳۱)، آفریننده است نه با حرکت و تحمّل رنج (۳۰۵۴۱–۳۰۵۳۵)، شنواتست بدون وسیله شنوایی (۳۰۵۴۵–۳۰۵۴۲)، و بیناست بی آن که چشم گشاید و بر هم نهد (۳۰۵۵۰–۳۰۵۴۶)، در همه جا حاضر است نه آن که با چیزی تماس گیرد (۳۰۵۵۱–۳۰۵۵۴)، و از همه چیز جداست، نه اینکه فاصله بین او و موجودات باشد (۳۰۵۵۹–۳۰۵۵۵)، آشکار است نه با مشاهده چشم، پنهان است نه به خاطر کوچکی و ظرافت (۳۰۵۶۷–۳۰۵۶۰)، از موجودات جداست که بر آنها چیزی و تواناست (۳۰۵۷۵–۳۰۵۶۸)، و هر چیزی جز او برابرش خاضع و بازگشت آن به سوی خداست. (۳۰۵۸۴–۳۰۵۷۶) آن که خدا را وصف کند، محدودش کرده (۳۰۵۸۸–۳۰۵۸۵)، و آن که محدودش کند، او را به شمارش آورده (۳۰۵۹۳–۳۰۵۸۹)، و آن که خدا را به شمارش آورد، ازلیت او را باطل کرده است (۳۰۵۹۹–۳۰۵۹۴)، و کسی که بگوید: خدا چگونه است؟ او را توصیف کرده (۳۰۶۰۵–۳۰۶۰۰)، و هر که بگوید: خدا کجاست؟ مکان برای او قائل شده است. (۳۰۶۱۱–۳۰۶۰۶) خدا عالم بود آنگاه که معلومی وجود نداشت (۳۰۶۱۵–۳۰۶۱۲)، پرورنده بود آنگاه که پدیده‌ای نبود (۳۰۶۲۰–۳۰۶۱۶)، و توانا بود آنگاه که توانایی نبود. (۳۰۶۲۵–۳۰۶۲۱)

#### ۲ عظمت امامان دوازده گانه و قرآن

(۳۰۶۲۶–۳۰۶۲۷) همانا طلوع کننده‌ای «۱» آشکار شد (۳۰۶۲۸–۳۰۶۳۱)، و درخشنده‌ای درخشید و آشکار شونده‌ای آشکار گردید، و آن که از جاده حق منحرف شد به راه راست بازگشت (۳۰۶۴۰–۳۰۶۳۲)، خداوند گروهی را به گروهی تبدیل (۳۰۶۴۵–۳۰۶۴۱)، و روزی را برابر روزی قرار داد (۳۰۶۴۸–۳۰۶۴۶)، و ما چونان مانده در خشکسالان که در انتظار بارانند، انتظار چنین روزی را می‌کشیدیم. (۳۰۶۵۴–۳۰۶۴۹) همانا امامان دین، از طرف خدا، تدبیر کنندگان امور مردم (۳۰۶۶۱–۳۰۶۵۵)، و کارگزاران آگاه بندگانهند (۳۰۶۶۵–۳۰۶۶۲)، کسی که بهشت نمی‌رود جز آن که آنان را شناخته، و آنان او را بشناسند (۳۰۶۷۴–۳۰۶۶۶)، و کسی در جهنّم سرنگون نگردد جز آن که منکر آنان باشد و امامان دین هم وی را نپذیرند. (۳۰۶۸۳–۳۰۶۷۵) همانا خدای متعال شما را به اسلام اختصاص داد و برای اسلام برگزید (۳۰۶۹۱–۳۰۶۸۴)، زیرا اسلام نامی از سلامت است، و فراهم کننده کرامت جامعه می‌باشد (۳۰۶۹۹–۳۰۶۹۲)، راه روشن آن را خدا برگزید، و حجت‌های آن را روشن گردانید. (۳۰۷۰۶–۳۰۷۰۰)

#### ۳ ویژگی‌های اسلام

اسلام طاهرش علم، و باطنش حکمت است (۳۰۷۱۲–۳۰۷۰۷)، نو آوری‌های آن پایان نگیرد (۳۰۷۱۵–۳۰۷۱۳) و شگفتی‌هایش تمام نمی‌شود. (۳۰۷۱۹–۳۰۷۱۶) در اسلام برکات و خیرات چونان سرزمین‌های پر گیاه در اول بهاران فراوان است (۳۰۷۲۲–۳۰۷۲۰)، و چراغهای روشنی بخش تاریکی‌ها فراوان دارد (۳۰۷۲۵–۳۰۷۲۳)، که در نیکی‌ها جز با کلیدهای اسلام باز نشود (۳۰۷۳۰–۳۰۷۲۶)، و تاریکی‌ها را جز با چراغ‌های آن روشنایی نمی‌توان بخشید (۳۰۷۳۶–۳۰۷۳۱)، مرزهایش محفوظ، و چراگاه‌هایش را خود نگهبان است (۳۰۷۴۲–۳۰۷۳۷)، هر درمان خواهی در درمان (۳۰۷۴۵–۳۰۷۴۳)، و هر بی‌نازی طلبی را کافی است. (۳۰۷۴۸–۳۰۷۴۶)

(۱) حکومت و امامت اهل بیت علیهم السلام.

(۲) اشاره به حکومت خود پس از بیعت مردم.

نهج البلاغه/ ترجمه دشتی، ص: ۲۸۳

(۱۱۵۳)

#### توجه خطبه ۱۵۳

#### اشاره

(در سال ۳۶ هجری در مدینه وقتی مردم را برای جنگ با شورشیان بصره آماده می‌کرد ایراد فرمود)

#### ۱ وصف کمره‌ان و غفلت زده‌ان

(۳۰۷۵۵–۳۰۷۴۹) چند روز از طرف خدا به گمراه، مهلت داده شد، و او با غفلان و بی‌خبران در راه هلاکت قدم می‌نهد



(۳۰۷۶۴–۳۰۷۵۶)، و تمام روزها را با گناهکاران سپری می‌کند (۳۰۷۶۸–۳۰۷۶۵)، بی آن که از راهی پروت با به حق رسد و با پیشوایی برگزیند که راهنمای او باشد. (۳۰۷۷۵–۳۰۷۶۹) و تا آن زمان که خداوند کینفر گناهان را می‌نماید (۳۰۷۸۵–۳۰۷۸۸)، و آسان را از پرده غفلت بیرون می‌آورد (۳۰۷۹۰–۳۰۷۸۶)، به استقبال چیزی می‌روند که بدان پشت کرده بودند (یعنی آخرت) (۳۰۷۹۵–۳۰۷۹۱)، و پشت می‌کنند بدانچه روی آورده بودند (یعنی دنیا) (۳۰۸۰۱–۳۰۷۹۶)، پس نه از آنچه آرزوی می‌گردند و بدان رسیدند سودی بردند، و نه از آنچه حاجت خویش بدان روا کردند بهره‌ای به دست آوردند (۳۰۸۰۷–۳۰۸۰۲)، من، شما و خود را از این گونه غفلت زدگی می‌ترسانم.

(۳۰۸۱۳–۳۰۸۰۸)

#### ۲ درمان غفلت زدگی‌ها

هر کس باید از کنار خویش بهره گیرد (۳۰۸۱۶–۳۰۸۱۴)، و انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد (۳۰۸۲۱–۳۰۸۱۷)، پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرت‌ها پند گرفت (۳۰۸۲۷–۳۰۸۲۲)، سپس راه روشنی را بیبود، و از افاندن در پرتگاه‌ها (۳۰۸۳۶–۳۰۸۲۸)، و گم شدن در کوره راهها، دوری کرد (۳۰۸۴۰–۳۰۸۳۷)، و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، که در حق سختگیری کند (۳۰۸۴۹–۳۰۸۴۱)، یا در سخن حق تعریف وارد (۳۰۸۵۳–۳۰۸۵۰)، یا در گفتن سخن راست ترسد. (۳۰۸۵۷–۳۰۸۵۴) پس بپوشش باش ای شونده‌ها! (۳۰۸۶۴–۳۰۸۵۸) و از خواب غفلت بیدار شو (۳۰۸۶۸–۳۰۸۶۵)، و از شتاب خود کم کن (۳۰۸۷۲–۳۰۸۶۹)، و در آنچه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر تو رسیده اندیشه کن، که ناچار به انجام آن می‌باشی و راه فراری وجود ندارد (۳۰۸۹۰–۳۰۸۷۳)، و با کسی که رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به کار نمی‌بندد و به جانب دیگری تمایل دارد مخالفت کن (۳۰۸۹۷–۳۰۸۹۱) و او را با آنچه برای خود پسنندیده رها کن. (۳۰۹۰۳–۳۰۸۹۸) فخر فروشی را واگذار، و از مرکب تکبر فرود آی. (۳۰۹۰۹–۳۰۹۰۴) به یاد باش برای گذرگاه تو به سوی عالم آخرت است (۳۰۹۱۵–۳۰۹۱۰)، که همانگونه به دیگران پاداش دادی به تو پاداش می‌دهند (۳۰۹۱۹–۳۰۹۱۶)، و آن گونه که کاشتی، درو می‌کنی (۳۰۹۲۳–۳۰۹۲۰)، آنچه امروز، پیش می‌فرستی، فردا بر آن وارد می‌شوی (۳۰۹۳۰–۳۰۹۲۴)، پس برای خود در سرای آخرت جایی آماده کن، و چیزی پیش فرست. (۳۰۹۳۵–۳۰۹۳۱) ای شونده‌ها هشدار، هشدار (۳۰۹۳۹–۳۰۹۳۶)، ای غفلت زده بکوش، بکوش! (۳۰۹۴۴–۳۰۹۴۰) «هیچ کس جز خدای آگاه تو را با خبر نمی‌سازد»

(۳۰۹۴۵–۳۰۹۴۴)

#### ۳ صفات ناپسند و ناپرد کننده

از واجبات قطعی خدا در قرآن حکیم (۳۰۹۵۶–۳۰۹۵۰) که بر آن پاداش و کیفر می‌دهد، و به خاطر آن خشود شده یا خشم می‌گیرد (۳۰۹۶۶–۳۰۹۵۷)، این است که اگر انسان یکی از صفات ناپسند را داشته و بدون توبه خدا را ملاقات کند، هر چند خود را به زحمت اندازد، یا عملش را خالص گرداند فایده‌ای نخواهد داشت. (۳۰۹۹۰–۳۰۹۶۷) «ای و آن صفات ناپسند اینکه: شریکی برای خداوند در عبادات واجب برگزیند (۳۰۹۹۸–۳۰۹۹۱)،

(۱) اشاره به علم: کاراکترولوژی CARACTROLOGY اخصلت شناسی)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۸۵

یا خشم خویش را با کشتن بی گناهی فروشانند (۳۱۰۰۳–۳۰۹۹۹)، یا بر بی گناهی به خاطر کاری که دیگری انجام داده عیب جویی کند (۳۱۰۰۸–۳۱۰۰۴)، یا به خاطر حاجتی که به مردم دارد بدعتی در دین خدا بگذارد (۳۱۰۱۷–۳۱۰۰۹)، یا با مردم به دو چهره ملاقات کند (۳۱۰۲۱–۳۱۰۱۸)، و یا در میان آنان با دو زبان سخن بگوید. (۳۱۰۲۵–۳۱۰۲۲) در آنچه نکبت گنیمت بیندیش که هر مثال را همانند فراوان است.

(۳۱۰۳۲–۳۱۰۲۶)

#### ۴ روانشناسی

همانا تمام حیوانات در تلاش پر کردن شکمند (۳۱۰۳۶–۳۱۰۳۳)، و درندگان در بی تجاوز کردن به دیگران (۳۱۰۴۳–۳۱۰۳۷)، و زنان بی‌ایمان تمام همتشان آرایش زندگی و فساد انگیزی در آن است (۳۱۰۵۳–۳۱۰۴۴)، اما مؤمنان فروتنند (۳۱۰۵۶–۳۱۰۵۴)، همانا مؤمنان مهربانند (۳۱۰۵۹–۳۱۰۵۷)، همانا مؤمنان از آینده ترسانند.

(۳۱۰۶۲–۳۱۰۶۰) (۱۱۵۴)

#### ترجمه خطبه ۱۵۴

#### اشاره

(برخی از شارحان گفتند این سخنرانی در شهر مدینه ایراد شد)

#### ۱ ضرورت پیروی از امامان دوازده گانه

(۳۱۰۷۲–۳۱۰۶۳) عاقل با چشم دل سر انجام کار را می‌نگرد (۳۱۰۷۹–۳۱۰۷۳)، و پستی و بلندی آن را تشخیص می‌دهد (۳۱۰۸۴–۳۱۰۸۰)، دعوت کننده حق، (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) دعوت خویش را به پایان رسانیده، و رهبر امت به سرپرستی قیام کرد (۳۱۰۸۹–۳۱۰۸۵)، پس دعوت کننده حق را پاسخ دهید و از رهبران اطاعت کنید. (۳۱۰۹۴–۳۱۰۹۰) گروهی در دریای فتنه‌ها فرو رفته (۳۱۰۹۸–۳۱۰۹۵)، بدعت را پذیرفته، و سنت‌های پسنندیده را ترک کردند (۳۱۱۰۳–۳۱۰۹۹)، مؤمنان کارگیری کرده (۳۱۱۰۶–۳۱۱۰۴) و گمراهان و دروغگویان به سخن آمدند. (۳۱۱۱۰–۳۱۱۰۷) مردم! ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چوتنان پیراهن تن اوه، و یاران راستین اوه، و خزانهداران علوم و معارف وحی، و درهای ورود به آن معارف، می‌باشیم (۳۱۱۱۸–۳۱۱۱۱)، که جز از دره، «ای هیچ کس به خانه‌ها وارد نخواهد شد، و هر کس از غیر در وارد شود، دزد نامیده می‌شود. (۳۱۱۲۳–۳۱۱۱۹) مردم! در باره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیات کریمه قرآن نازل شد (۳۱۱۲۶–۳۱۱۳۳)، آنان گنجینه‌های علوم خداوند رحمانند (۳۱۱۴۰–۳۱۱۳۷)، اگر سخن بگویند، راست گویند، و اگر سکوت کنند بر آنان پیشی نجویند.

(۳۱۱۴۸–۳۱۱۴۱)

#### ۲ شرایط امامت و رهبری

پس باید امام و راهنمای مردم به مردم راست بگویند، و راه خرد بینمایند (۳۱۱۵۴–۳۱۱۴۹) و از فرزندان آخرت باشد (۳۱۱۵۹–۳۱۱۵۵) که از آنجا آمده و بدانجا خواهد رفت. (۳۱۱۶۵–۳۱۱۶۰) پس آن که با چشم دل بنگرد، و با دیده دون کنار کند (۳۱۱۶۹–۳۱۱۶۶)، آغاز کارش آن است که بیندیشد: آیا عمل او به سود او است یا زیان او؟ (۳۱۱۷۹–۳۱۱۷۰) اگر به سود است ادامه دهد، و اگر زیانبار است توقف کند (۳۱۱۹۰–۳۱۱۸۰)، زیرا عمل کننده بدون آگاهی چون رونده‌ای است که بیراهه می‌رود (۳۱۱۹۸–۳۱۱۹۱)، پس هر چه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند (۳۱۲۰۸–۳۱۱۹۹)، و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است (۳۱۲۱۵–۳۱۲۰۹)، پس بیننده باید به درستی بنگرد آیا رونده راه مستقیم است یا واپس گرا؟! (۳۱۲۲۲–۳۱۲۱۶)

(۱) اشاره است به حدیث معروف نبوی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«انا مدینه العلم و علیّ یابها فمن اراد المدینة فلیأت الیاب»

امن شهر علم و علی در آن است پس هر کس آهنگ شهر دارد باید از در آن وارد شود، یا

«فلیأتها من یابها».

(پنجاب المودّة ج ۱ ص ۶۲– و- ارشاد مفید ص ۳۲- و تذکرة الخواص ص ۴۸- و صواعق ابن حجر ص ۱۲۲).

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۸۷

#### ۳ روانشناسی انسانی (تأثیر جسم و روح در تکدیگر)

و بدان که هر ظاهری باطنی متناسب با خود دارد (۳۱۲۳۰–۳۱۲۲۳)، آنچه ظاهرش پاکیزه، باطن آن نیز پاک و پاکیزه است (۳۱۲۳۵–۳۱۲۳۱)، و آنچه ظاهرش پلید، باطن آن نیز پلید است (۳۱۲۴۱–۳۱۲۳۶)، و پیامبر راستگو صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای همانا خداوند بنده‌ای را دوست دارد اما کردار او را دشمن، و کردار بنده‌ای را دوست می‌دارد اما شخص او را ناخوش.

(۳۱۲۶۰–۳۱۲۴۲) آگاه باش هر عملی رویشی دارد (۳۱۲۶۶–۳۱۲۶۱)، و هر روینده‌ای از آب بی‌نیاز نیست (۳۱۲۷۴–۳۱۲۶۷) و آب‌ها نیز گوناگون می‌باشند. پس هر درختی که آبیاری‌اش به اندازه و نیکو باشد شاخ و برگش نیکو و میوه‌اش شیرین است. و آنچه آبیاری‌اش پاکیزه نباشد درختش عیب دار و میوه‌اش تلخ است. (۳۱۲۹۴–۳۱۲۷۵) (۱۱۵۵)

### ترجمه خطبه ۱۵۵

### اشاره

(در این خطبه شگفتی‌های آفرینش خفّاش را بیان می‌فرماید) (۳۱۲۹۵–۳۱۲۹۴)

### ۱ وصف پروردگار

(۳۱۳۰۸–۳۱۳۰۵) ستایش خداوندی را سزاست که تمامی صفت‌ها از بیان حقیقت، دانش در مانده (۳۱۳۱۶–۳۱۳۰۹)، و بزرگی او خلق‌ها را طرد کرده است (۳۱۳۲۰–۳۱۳۱۷)، چنانکه راهی برای رسیدن به نهایت ملکوتش نیابد. (۳۱۳۲۷–۳۱۳۲۱) او خدای حق و آشکارا، سزاوتر و آشکارتر از آن است که دیده‌ها می‌نگرند. (۳۱۳۳۷–۳۱۳۳۸) عقل‌ها نمی‌توانند برای او حدّی تعیین کنند، تا همانندی داشته باشد (۳۱۳۴۳–۳۱۳۳۸)، و اندیشه‌ها و اوهام نمی‌توانند برای او اندازه‌های مشخص کنند تا در شکل و صورتی پنداشته شود. (۳۱۳۵۱–۳۱۳۴۴) پدیده‌ها را بی آن که نمونه‌ای موجود باشد (۳۱۳۵۶–۳۱۳۵۲) یا با مشاوری مشورت نمایند، و یا از قدرتی کمک و مدد بگيرد آفرید (۳۱۳۶۴–۳۱۳۵۷)، پس با فرمان او خلقت آن به کمال رسید، و اطاعت پروردگار را پذیرفت (۳۱۳۷۰–۳۱۳۶۵) و پاسخ مثبت داد و به خدمت شتافت، و گردن به فرمان او نهاد و سربچی نکرد.

(۳۱۳۷۹–۳۱۳۷۱)

### ۲ شگفتی‌های خفّاش

(۳۱۳۸۱–۳۱۳۸۰) از زیبایی‌های صنعت پروردگاری، و شگفتی‌های آفرینش او (۳۱۳۸۸–۳۱۳۸۲)، همان اسرار پیچیده حکیمان در آفریدن خفّاشان است، روشنی روز که همه چیز را می‌گشاید جسمانشان را می‌بندد، و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، جسمشان آنها را باز می‌کند (۳۱۴۰۸–۳۱۳۸۹)، چگونه جسمشان خفّاش کم بین است که نتواند از نور آفتاب درخشانده روشنی بگیرد؟ (۳۱۴۱۹–۳۱۴۰۹) نوری که با آن راه‌های زندگی خود را بیابد، و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می‌خواهد (۳۱۴۳۰–۳۱۴۲۰)، روشنی آفتاب خفّاش را از رفتن در تراکم نوره‌های تابنده‌اش باز می‌دارد (۳۱۴۳۹–۳۱۴۳۱)، و در خلوت‌نگاه‌های تاریک پنهان می‌سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است (۳۱۴۴۸–۳۱۴۴۰).

(۱) اشاره به علم: پاتولوژی (PATHOLOGY) آسیب شناسی) نسبت به جسم و بیماریهای بدن

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۸۹

پس خفّاش در روز پلنگ‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد (۳۱۴۵۴–۳۱۴۴۹)، و شب را چونان چراغی بر می‌گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جستجو می‌کند (۳۱۴۶۳–۳۱۴۵۵)، و سیاهی شب دیده‌های او را نمی‌بلد (۳۱۴۶۴–۳۱۴۶۴). و به خاطر تاریکی زیاد، از حرکت و تلاش باز نمی‌ماند. (۳۱۴۷۶–۳۱۴۶۹) آنگاه که خورشید پرده از رخ بپسکند، و سپیده صبحگاهان بدمد (۳۱۴۷۹–۳۱۴۷۷)، و لانه تنگ سوسنارها از روشنی آن روشن گردد (۳۱۴۹۳–۳۱۴۸۵)، شب پره، پلنگ‌ها را بر هم نهد (۳۱۴۹۷–۳۱۴۹۴)، و بر آنچه در تاریکی شب به دست آورده قناعت کند. (۳۱۵۰۶–۳۱۴۹۸) پاک و مژّه است خدایی که شب را برای خفّاشان چونان روز روشن و مایه به دست آوردن روزی قرار داد (۳۱۵۱۴–۳۱۵۰۷)، و روز را چونان شب تاری مایه آرامش و استراحت آنها انتخاب فرمود (۳۱۵۱۹–۳۱۵۱۵)، و بالهایی از گوشت برای پرواز، آنها آفرید، تا به هنگام نیاز به پرواز، از آن استفاده کنند (۳۱۵۳۰ – ۳۱۵۳۰)، این بال‌ها، چونان لاله‌های گوشند (۳۱۵۳۴ – ۳۱۵۳۲) ۱۰، بی‌پر و رنگ‌های اصلی، (۳۱۵۴۰–۳۱۵۳۵) اما جای رگ‌ها و نشانه‌های آن را به خوبی مشاهده خواهی کرد. (۳۱۵۴۷–۳۱۵۴۱) برای شب پرها دو بال قرار داد، نه آنقدر نازک که در هم بشکنند، و نه چندان محکم که سنگینی کند (۳۱۵۵۶–۳۱۵۴۸)، پرواز می‌کنند در حالی که فرزندانشان به آنها چسبیده و به مادر پناه برده‌اند (۳۱۵۶۳–۳۱۵۵۷)، اگر فرود آیند با مادر فرود می‌آیند، و اگر بالا روند با مادر اوج می‌گیرند (۳۱۵۷۰–۳۱۵۶۴)، از مادرانشان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند (۳۱۵۷۵–۳۱۵۷۱) و بالها قدرت پرواز کردن پیدا کند (۳۱۵۷۹–۳۱۵۷۶)، و بدانند که راه زندگی کردن کدام است؟ و مصالح خویش را بشناسد (۳۱۵۸۶–۳۱۵۸۰) پس باک و مژّه است پدید آورنده هر چیزی که بدون هیچ الگویی باقی مانده از دیگری، همه چیز را آفرید.

(۳۱۵۹۶–۳۱۵۸۷) (۱۱۵۶)

### ترجمه خطبه ۱۵۶

### اشاره

(برای مردم بصره پس از پیروزی در جنگ جمل در سال ۳۶ هجری ایراد فرمود) (۳۱۶۰۹–۳۱۵۹۷)

### ۱ ضرورت اطاعت از رهبری (و تکوین از نافرمانی عاینه)

مردم بصره! در پیدایش فتنه‌ها هر کس که می‌تواند خود را به اطاعت پروردگار عزیز و برتر، مشغول دارد چنان کند (۳۱۶۲۲–۳۱۶۱۰)، اگر از من پیروی کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد (۳۱۶۳۲–۳۱۶۲۳)، هر چند سخت و دشوار و پر از تله‌های باشد. (۳۱۶۴۱–۳۱۶۳۳) اما عاينته، پس افکار و خیالات زنانه بر او چیره شد (۳۱۶۴۷–۳۱۶۴۲)، و کینه‌ها در سینه‌اش چون کوره آهنگری شعله‌ور گردید (۳۱۶۵۴–۳۱۶۴۸)، اگر از او می‌خواستند آنچه را که بر ضد من انجام داد نسبت به دیگری روا دارد سرباز می‌زد (۳۱۶۶۵–۳۱۶۵۵)، به هر حال احترام نخست او برقرار است (۳۱۶۷۰–۳۱۶۶۶) و حسابرسی اعمال او با خدای بزرگ است.

(۳۱۶۷۵–۳۱۶۷۱)

### ۲ ره آورده ایمان

ایمان روشن‌ترین راه‌ها و نورانی‌ترین چراغ‌هاست (۳۱۶۸۳–۳۱۶۷۶)، با ایمان می‌توان به اعمال صالح راه برد (۳۱۶۸۷–۳۱۶۸۴)، و یا

(۱) خفّاش در پروازها و شکار کردن‌ها از چشم خود استفاده نمی‌کند بلکه به وسیله فرستادن امواج و دریافت آن، موانع را تشخیص می‌دهد درست مانند یک دسنگاه رادار عمل می‌کند که امواج اما ورای صوت را بوسیله یک فرستنده قوی به فضا می‌فرستد، امواج همه جا به پیش می‌رود، وقتی به مانعی برخورد، منعکس می‌گردد به این ترتیب وجود هواپیمای دشمن را تشخیص می‌دهند، خفّاش در حال پرواز در هر ثانیه ۳۰ الی ۶۰ بار امواج ما ورای صوت از خود بیرون فرستاده که پس از بازگشت امواج، راه‌ها، موانع و غذا را به خوبی تشخیص می‌دهد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۹۱

اعمال نیکو به ایمان می‌توان دسترسی پیدا کرد (۳۱۶۹۲–۳۱۶۸۸)، با ایمان، علم و دانش آبادان است (۳۱۶۹۶–۳۱۶۹۳)، ۱۰، و با آگاهی لازم، انسان را از مرگ می‌هراسد (۳۱۷۰۰–۳۱۶۹۷)، و با مرگ دنیا پایان می‌پذیرد (۳۱۷۰۴–۳۱۷۰۱)، و با دنیا، توشه آخرت فراهم می‌شود (۳۱۷۰۸–۳۱۷۰۵)، و با قیامت بهشت نزدیک می‌شود (۳۱۷۱۲–۳۱۷۰۹)، و جهنم برای بدکاران آشکار می‌گردد (۳۱۷۱۶–۳۱۷۱۳)، و مردم جز قیامت قرار گاهی ندارند (۳۱۷۲۴–۳۱۷۱۷)، و شتابان به سوی میدان مسابقه می‌روند تا به منزلگاه آخرین رسند.

(۳۱۷۳۰–۳۱۷۲۵)

### ۳ یاد آوری برخی از ارزش‌های اخلاقی و ویژگی‌های قرآن

گویا می‌نگرم، همه از قیرها خارج شده (۳۱۷۴۱–۳۱۷۳۶) به سوی منزلگاه‌های آخرین در حرکتند (۳۱۷۴۶–۳۱۷۴۲)، هر خانه‌ای در بهشت به شخصی تعلق دارد، که نه دیگری را می‌پذیرند و نه از آنجا به جای دیگر انتقال می‌یابند. (۳۱۷۵۶–۳۱۷۴۷) همانا امر به معروف، و نهی از منکر، دو صفت از اوصاف پروردگارتد (۳۱۷۹۹–۳۱۷۵۷) که نه اجل را نزدیک می‌کند (۳۱۷۷۵–۳۱۷۷۰) و نه روزی را کاهش می‌دهد. (۳۱۷۸۰–۳۱۷۷۶) بر شما باد عمل کردن به قرآن (۳۱۷۸۴–۳۱۷۸۱)، که ریسمان محکم الهی، و نور آشکار (۳۱۷۹۰–۳۱۷۸۵) و درماتی سودمند است (۳۱۷۹۳–۳۱۷۹۱)، که تشنگی را فرونشاند (۳۱۷۹۶–۳۱۷۹۴)، نگهدارنده کسی

است که به آن تمسک جوید (۳۱۷۹۹–۳۱۷۹۷) و نجات دهنده آن کس است که به آن چنگ آورد (۳۱۸۰۲–۳۱۸۰۰)، کجی ندارد تا راست شود (۳۱۸۰۵–۳۱۸۰۳)، و گرایش به باطل ندارد تا از آن باز گردانده شود (۳۱۸۰۹–۳۱۸۰۶)، و تکرار و شنیدن بیبایی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد (۳۱۸۱۴–۳۱۸۱۰)، و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود. (۳۱۸۱۷–۳۱۸۱۵) کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و هر کس بدان عمل کند پیشناز است: (۳۱۸۲۶–۳۱۸۱۸) (در اینجا مرادی بلند شد و گفت: ای امیر المؤمنین ما را از فتنه آگاه کن (۳۱۸۳۷–۳۱۸۲۷)، آیا نسبت به فتنه، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤالی نفرموده‌ای؟ پاسخ داد) (۳۱۸۵۱–۳۱۸۳۸)

**۴ خبر از فتنه‌ها و شهادت خویش**

آنگاه که خداوندند آیه ۱ و ۲ سوره عنکبوت را نازل کرد که:

(آیا مردم خیال می‌کنند چون که گفتند ایمان آوردیم، بدون آزمایش رها می‌شوند؟) (۳۱۸۷۰–۳۱۸۵۲) دانستم که تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان ماست آزمایش نمی‌گردیم. (۳۱۸۸۲–۳۱۸۷۱) پرسیدم ای رسول خدا! این فتنه و آزمایش کدام است که خدا شما را بدان آگاهی داده است؟ (۳۱۸۹۴–۳۱۸۸۳) فرمود: «ای علی! پس از من اثبت اسلامی به فتنه و آزمون دچار می‌گردند» (۳۱۹۰۱–۳۱۸۹۵) گفتم ای رسول خدا مگر جز این است که در روز «جده» که گروهی از مسلمانان به شهادت رسیدند و شهادت نصیب من نشد (۳۱۹۳۳–۳۱۹۰۲) و سخت بر من گران آمد، تو به من فرمودی: ای علی! مژده باد تو را که شهادت در پی تو خواهد آمد. (۳۱۹۳۳–۳۱۹۲۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: «همانا این بشارت تحقق می‌پذیرد، در آن هنگام صبر تو چگونگی است؟» (۳۱۹۴۱–۳۱۹۳۴) گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین موردی جای صبر و شکیبایی نیست (۳۱۹۵۰–۳۱۹۴۲) بلکه جای مژده شنیدن و شکر گزارای است. (۳۱۹۵۷–۳۱۹۵۱) و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای علی! همانا این مردم به زودی با اموالشان دچار فتنه و آزمایش می‌شوند (۳۱۹۶۵–۳۱۹۵۸)، و در دینداری بر خدا متّ می‌گذارند (۳۱۹۷۰–۳۱۹۶۶)، با این حال انتظار رحمت او را دارند (۳۱۹۷۳–۳۱۹۷۱)، و از قدرت و خشم خود را ایمن می‌دانند (۳۱۹۷۶–۳۱۹۷۴)، حرام خدا را با شهوات دروغین،

(۱) این سخن ارزشمند (ام، ع)، نقد است بر: ساینیسم (SCIENTISM) (اصالت علم) و علم زدگی و علم گرایي را نقد می‌کند که تنها با علم نمی‌شود به سعادت و رستگاری رسید، بلکه باید با ایمان، علم را هدقदार کرد.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۹۳
و هوسهای غفلت زاه، حلال می‌کنند (۳۱۹۸۴–۳۱۹۷۷)، «شراب» را به بهانه اینکه «آب انگوره است (۳۱۹۸۷–۳۱۹۸۵) و رشوه را که «هدیه» است (۳۱۹۹۰–۳۱۹۸۸) و ربا را که «نوعی معامله» است حلال می‌شمارند». (۳۱۹۹۳–۳۱۹۹۱) گفتم ای رسول خدا: در آن زمان مردم را در چه پایه‌ای بدانم؟ (۳۱۹۹۴–۳۲۰۰۲) آیا در پایه ارشاد؟ یا فتنه و آزمایش؟ (۳۲۰۰۸–۳۲۰۰۳) پاسخ فرمود: ادر پایه‌ای از فتنه و آزمایش، (۳۲۰۱۱–۳۲۰۰۹) (۱۱۵۷)

**ترجمه خطبه ۱۵۷**

**اعبرت از گذشتگان**

ستایش خداوندی را سزاست که حمد را کلید. یاد خویش (۳۲۰۲۷–۳۲۰۲۱)، و سبب قرونی فضل و رحمت خود (۳۲۰۳۲–۳۲۰۲۸)، و راهنمای نعمت‌ها و عظمتش قرار داده است. (۳۲۰۳۸–۳۲۰۳۳) بندگان خدا! روزگار بر آیندگان چنان می‌گذرد که بر گذشتگان گذشت (۳۲۰۴۶–۳۲۰۳۹)، آنچه گذشت باز نمی‌گردد (۳۲۰۵۲–۳۲۰۴۷)، و آنچه هست جاویدان نخواهد ماند (۳۲۰۵۸–۳۲۰۵۳). پایان کارش با آغاز آن یکی است (۳۲۰۶۱–۳۲۰۵۹)، ماجراها و رویدادهای آن همانند یکدیگرند (۳۲۰۶۳–۳۲۰۶۲)، و نشانه‌های آن آشکار است. (۳۲۰۶۵–۳۲۰۶۴) گویا پایان زندگی و قیامت، شما را فرامی‌خواند، چونان خوانیدن ساریان، بشهر بچه را. (۳۲۰۷۱–۳۲۰۶۶) پس آن کس که جز به حساب نفس خویش پردازد، خود را در تاریکی‌ها سراسر گرداند (۳۲۰۷۹–۳۲۰۷۲)، و در هلاکت افکند. است (۳۲۰۸۳–۳۲۰۸۰) شیطان‌ها مهارش را گرفته و به سرکشی و طغیان می‌کنند (۳۲۰۸۹–۳۲۰۸۴)، و رفتار زشت او را در دیده‌اش زیبا می‌نمایانند (۳۲۰۹۴–۳۲۰۹۰)، پس بدانید که بهشت پایان راه پیشازان (۳۲۰۹۷–۳۲۰۹۵) و آتش جهنم، سرانجام کسانی است که سستی می‌ورزند. (۳۲۱۰۱–۳۲۰۹۸)

**۲ ضرورت تقوا و خود سازی**

ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست ناپذیر است (۳۲۱۰۹–۳۲۱۰۲)، اما هرزگی و گناه، خانه‌ای در حال فرو ریختن و خوار کننده است (۳۲۱۱۴–۳۲۱۱۰) که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد (۳۲۱۱۷–۳۲۱۱۵)، و کسی که بدان پناه برد در امان نیست. (۳۲۱۲۳–۳۲۱۱۸) آگاه باشید با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید (۳۲۱۲۹–۳۲۱۲۴)، و با بقیین می‌توان به برتری‌تر جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد. (۳۲۱۳۴–۳۲۱۳۰) ای بندگان خدا، خدا راه خدا راه، در حق نفس خویش! که از همه چیز نزد شما گرامی‌تر (۳۲۱۴۲–۳۲۱۳۵) و دوست داشتنی‌تر است. (۳۲۱۴۵–۳۲۱۴۳) پروا کنید، همانا خدا، راه حق را برای شما آشکار کرده و جاده‌های آن را روشن نگاه داشت (۳۲۱۵۵–۳۲۱۴۶)، پس با شقاوت دامنگیر یا رستگاری جاویدان در انتظار شماست (۳۲۱۶۰–۳۲۱۵۶)، پس در این دنیای ناپود شدنی برای زندگی جاویدان آخرت، توشه برگیرید (۳۲۱۶۶–۳۲۱۶۱)، که شما را به زاد و توشه راهنمایی کردند (۳۲۱۷۰–۳۲۱۶۷)، و به کوچ کردن از دنیا فرمان دادند (۳۲۱۷۳–۳۲۱۷۱)، و شما را برای پیمودن راه قیامت بر انگیزند. (۳۲۱۷۷–۳۲۱۷۴) همانا شما چونان کاروانی هستید که در جایی به انتظار مانده (۳۲۱۸۱–۳۲۱۷۸) نمی‌دانید. (۳۲۱۸۶–۳۲۱۸۲) آگاه باشید! با دنیا چه می‌کنند کسی که برای آخرت آفریده شده است؟ (۳۲۱۹۳–۳۲۱۸۷) و با اموال دنیا چه کار دارد آن کس که به زودی همه اموال او را مرگ می‌رباید (۳۲۲۰۱–۳۲۱۹۴) و تنها کبوتر حساسی آن بر عهده انسان باقی خواهد ماند. (۳۲۲۰۷–۳۲۲۰۲)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۲۹۵

بندگان خدا! (۳۲۲۰۹–۳۲۲۰۸) خیری را که خدا وعده داد رها کردن نمی‌باشد (۳۲۲۱۷–۳۲۲۱۰)، و شزی را که از آن نهی فرمود دوست داشتی نیست! (۳۲۲۲۵–۳۲۲۱۸) بندگان خدا! از روزی بترسید که اعمال و رفتار انسان واری می‌شود (۳۲۲۳۲–۳۲۲۲۶)، روزی که پر از نشویش و اضطراب است (۳۲۲۳۶–۳۲۲۳۳) و کودکان در آن روز پیر می‌گردند! (۳۲۲۴۰–۳۲۲۳۷) ای بندگان خدا! بدانید که از شما نگاهبانانی بر شما گماشته‌اند (۳۲۲۴۸–۳۲۲۴۱)، و دیدبان‌هایی از بیکرتان برگزیده (۳۲۲۵۲–۳۲۲۴۹) و حافظان راستگویی که اعمال شما را حفظ می‌کنند (۳۲۲۵۷–۳۲۲۵۳) و شماره نفسهای شما را می‌شمارند (۳۲۲۶۰–۳۲۲۵۸)، نه تاریکی شب شما را از آنان می‌پوشاند (۳۲۲۶۶–۳۲۲۶۱)، و نه دری محکم شما را از آنها پنهان می‌سازد. (۳۲۲۷۳–۳۲۲۶۷)

**۳ یاد تنهایی قبر**

فردا په امروز نزدیک است (۳۲۲۷۹–۳۲۲۷۴)، و امروز با آنچه در آن است می‌گذرد (۳۲۲۸۳–۳۲۲۸۰)، و فردا می‌آید و بدان می‌رسد (۳۲۲۸۸–۳۲۲۸۴)، گویی هر یک از شما در دل زمین به خانه مخصوص خود رسیده (۳۲۲۹۸–۳۲۲۸۹) و در گودالی که کندن‌اند آرمیده‌اید (۳۲۳۰۱–۳۲۲۹۹)، ودا! که چه غنانه تنهایی؟ (۳۲۳۰۶–۳۲۳۰۲) و چه منزل وحشتناکی؟ و چه سبه چال غربی؟ (۳۲۳۱۲–۳۲۳۰۷) گویی هم اکنون بر صورت اسرافیل میدنند (۳۲۳۱۷–۳۲۳۱۳)، و قیامت فرارسیده (۳۲۳۲۱–۳۲۳۱۸)، و برای قضاوت و حساسرسی قیامت بیرون شده‌اید (۳۲۳۲۵–۳۲۳۲۲)، پندارهای باطل دور گردیده (۳۲۳۲۶–۳۲۳۲۹)، بهانه‌ها از میان بر خاسته (۳۲۳۳۳–۳۲۳۳۰)، و حقیقت‌ها برای شما آشکار شده (۳۲۳۳۷–۳۲۳۳۴) و شما را به آنجا که لازم بود کشانده‌اند (۳۲۳۴۲–۳۲۳۳۸)، پس از عبرت‌ها پند گیرید، و از دگرگونی روزگار عبرت پذیرید (۳۲۳۴۷–۳۲۳۴۳)، و از هشدار دهندگان بپهرمند گردید. (۳۲۳۵۰–۳۲۳۴۸) (۱۱۵۸)

**ترجمه خطبه ۱۵۸**

**اشاره**

(برخی از شارحان گفتند که این خطبه در شهر کوفه ایراد شد)

**ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن**

(۲۳۳۷۲ - ۳۳۵۱) خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند (۲۳۳۷۸ - ۳۳۳۷۲)، و انت‌ها در خواب غفلت بودند (۲۳۳۸۳ - ۳۳۳۷۹)، و رشته‌های دوستی و انسایت از هم گسسته بود. (۲۳۳۸۷ - ۳۳۳۸۴) پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به میان خلق آمد در حالی که کتاب‌های پیامبران پیشین را تصدیق کرد (۲۳۳۹۲ - ۳۳۳۸۸)، و با «نوری» هدایتگر انسانها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند (۲۳۳۹۶ - ۳۳۳۹۳)، و آن، نور قرآن کریم است. از قرآن بخواید تا سخن گویند، که هرگز سخن نمی‌گویند (۲۳۴۰۲ - ۳۳۳۹۷)، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم (۲۳۴۰۶ - ۳۳۴۰۳)، بدانید که در قرآن علم آینده (۲۳۴۱۲ - ۳۳۴۰۷)، و حدیث روزگاران گذشته است، شفا دهنده دردهای شما (۲۳۴۱۹ - ۳۳۴۱۳)، و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است.

(۲۳۴۲۳ - ۳۳۴۲۰)

۲ خیر از آینده دردناک بنی امیه

پس از تسلط فرزندان امیه، خانه‌ای در شهر یا خیمه‌ای در بیابان باقی نمی‌ماند جز آن که ستمگران بنی امیه، اندوه و غم را بدانجا می‌کشاندند (۲۳۴۲۴ - ۳۳۴۲۰)، و بلا و کینه نوزی را در همه جا مطرح می‌کنند. (۲۳۴۴۶ - ۳۳۴۴۳) پس در آن روز برای مردم نه عذر خواهی در آسمان (۲۳۴۴۳ - ۳۳۴۴۷) و نه یآوری در زمین باقی خواهد ماند (۲۳۴۵۸ - ۳۳۴۵۲)،

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۹۷

زیرا تا اهلان را به زمامداری برگزیده‌اید (۲۳۴۶۲ - ۳۳۴۵۹)، و زمامداری را به جایگاه دروغینی قرار داده‌اید. (۲۳۴۶۶ - ۳۳۴۶۳) اما به زودی خداوند از ستمگران بنی امیه انتقام می‌گیرد (۲۳۴۷۱ - ۳۳۴۶۷)، خوردنی را به خوردنی، و نوشیدنی را به نوشیدنی (۲۳۴۷۲ - ۳۳۴۶۷)، خوردنی تلخ‌تر از گیاه «عقم» و نوشیدنی تلخ و جانگدازتر از شیره درخت «صیر» (۲۳۴۸۴ - ۳۳۴۸۰) خداوند از درون ترس و وحشت، و از بیرون، شمشیر را بر آنها مسلط خواهد کرد (۲۳۴۹۱ - ۳۳۴۸۵) که آنان مرکب‌های عصیان و نافرمانی و شران بار کیش گناهانند. (۲۳۴۹۹ - ۳۳۴۹۲) ۱۱۰ من پیایی سوگند می‌خورم که پس از من بنی امیه خلافت را چونان خلط سینه بیرون می‌اندازند (۳۳۵۰۹ - ۳۳۵۰۰)، و پس از آن دیگر، تا شب و روز از پی هم در گردش است مزه حکومت را برای بار دیگر نخواهند چشید.

(۳۳۵۲۰ - ۳۳۵۱۰) (۳۳۵۱۰) (۱۱۵۹)

### ترجمه خطبه ۱۵۹

#### اشاره

(امام در شهر کوفه خطاب به کوفیان فرمود)

### وصف کنور داری خویش

(۳۳۵۳۰ - ۳۳۵۲۱) با شما به نیکویی زندگی کردم (۳۳۵۳۴ - ۳۳۵۳۱)، و به قدر توان از هر سو ننگهبانی شما دادم، (۳۳۵۳۹ - ۳۳۵۳۵) و از بندهای پردگی و ذلت شما را نجات دادم، و از حلقه‌های ستم رهایی بخشیدم (۳۳۵۴۷ - ۳۳۵۴۰)، تا سپاسگزاری فراوان من برابر نیکی اندک شما باشد. (۳۳۵۵۱ - ۳۳۵۴۸)، و چشم پوشی از زش‌های بسیار شما که به چشم دیدم و با بدن لمس کردم.

(۳۳۵۵۶ - ۳۳۵۵۲) (۳۳۵۵۲ - ۳۳۵۵۷) (۱۱۶۰)

### ترجمه خطبه ۱۶۰

#### اشاره

(در شهر کوفه در سال ۳۷ هجری به هنگام حرکت دادن مردم بسوی صفین و جنگ با شامیان ایراد کرد)

### ۱ خدا شناسی

(۳۳۵۶۹ - ۳۳۵۶۳) فرمان خدا قضای حتمی و حکمت (۳۳۵۷۳ - ۳۳۵۷۰)، و خشنودی او مایه امانت و رحمت است (۳۳۵۷۸ - ۳۳۵۷۴)، از روی علم، حکم می‌کند (۳۳۵۸۰ - ۳۳۵۷۹) و با حلم و بردباری می‌بخشاید. (۳۳۵۸۳ - ۳۳۵۸۱) خدا!؛ سیاس تو راست بر آنچه می‌گیری، و عطا می‌فرمایی (۳۳۵۹۳ - ۳۳۵۸۴)، و شفا می‌دهی یا مبتلا می‌سازی (۳۳۵۹۹ - ۳۳۵۹۴)، سیاسی که تو را رضایت بخش‌ترین (۳۳۶۰۴ - ۳۳۶۰۰)، محبوب‌ترین (۳۳۶۰۸ - ۳۳۶۰۵)، و ممتازترین باشد (۳۳۶۱۲ - ۳۳۶۰۹)، سیاسی که آفریدگات را سرشار سازد (۳۳۶۱۶ - ۳۳۶۱۳)، و تا آنجا که تو خواهی تداوم یابد (۳۳۶۲۰ - ۳۳۶۱۷)، سیاسی که از تو پوشیده نباشد، و از رسیدن به پیشگاهت باز نماند (۳۳۶۲۸ - ۳۳۶۲۱)، سیاسی که شمارش آن پایان نپذیرد، و تداوم آن از بین نرود. (۳۳۶۳۶ - ۳۳۶۲۹) خدا!؛ حقیقت بزرگی تو را نمی‌دانیم (۳۳۶۴۰ - ۳۳۶۳۷)، جز آن که می‌دانیم که تو زنده‌ای و احتیاج به غیر نداری، خواب سنگین یا سبک تو را نمی‌ریابد (۳۳۶۵۲ - ۳۳۶۴۱)، هیچ اندیشه‌ای به تو نرسد (۳۳۶۵۲ - ۳۳۶۵۳)، و هیچ دیده‌ای تو را ننگرد (۳۳۶۶۰ - ۳۳۶۵۷)، اما دیده‌ها را تو می‌نگری، و اعمال انسانها را شماره فرمایی (۳۳۶۶۵ - ۳۳۶۶۱)، و قدم‌ها و موسی پیشانی‌ها (زمام امور همه) به دست تو است (۳۳۶۷۰ - ۳۳۶۶۶)، خدا!؛ آنچه را که از آفرینش تو می‌نگریم، و از قدرت تو به شگفت می‌آییم (۳۳۶۸۱ - ۳۳۶۷۱) و بدان بزرگی قدرت تو را می‌ستاییم (۳۳۶۸۶ - ۳۳۶۸۲)، بسی ناچیزتر است در برابر آنچه که از ما پنهان، و چشم‌های ما از دیدن آنها ناتوان (۳۳۶۸۵ - ۳۳۶۸۷)، و عقلهای ما از درک آنها عاجز است، (۳۳۶۹۹ - ۳۳۶۹۶)

(۱) در باورنی خطبه ۱۰۵ به نابودی بنی امیه و قتل عام شدن آنها اشاره گردید.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۲۹۹

و پرده‌های غیب میان ما و آنها گسترده می‌باشد.

(۳۳۷۰۰ - ۳۳۷۰۷)

### ۲ راهبای خدا شناسی

پس آن کس که دل را از همه چیز نهی سازد، و فکرش را به کنار گیرد تا بداند که: چگونه عرش قدرت خود را برقرار ساخته‌ای (۳۳۷۱۷ - ۳۳۷۰۸) و پدیده را چگونه آفریده‌ای؟ (۳۳۷۲۱ - ۳۳۷۱۸) و چگونه آسمان‌ها و کرات فضایی را در هوا آویخته‌ای؟ (۳۳۷۲۷ - ۳۳۷۲۲) و زمین را چگونه بر روی امواج آب گسترده‌ای؟ (۳۳۷۳۴ - ۳۳۷۲۸) نگاهش حسرت زده (۳۳۷۳۷ - ۳۳۷۳۵)، و عقلش مات و سرگردان (۳۳۷۴۰ - ۳۳۷۳۸)، و شواشیب آشفته (۳۳۷۴۳ - ۳۳۷۴۱)، و اندیشه‌اش حیران می‌ماند. (۳۳۷۴۴ - ۳۳۷۴۶) ۱۱۰

### ۳ وصف امیدواری به خدا

(۳۳۷۴۹ - ۳۳۷۴۷) به گمان خود اذعا دارد که به خدا امیدوار است!؛ به خدای بزرگ سوگند که دروغ می‌گویند (۳۳۷۵۸ - ۳۳۷۵۰)، چه می‌شود او را که امیدواری در کردارش پیدا نیست؟ (۳۳۷۶۵ - ۳۳۷۵۹) پس هر کس به خدا امیدوار باشد باید، امید او در کردارش آشکار شود (۳۳۷۷۲ - ۳۳۷۶۶)، هر امیدواری جز امید به خدای تعالی ناخالص است (۳۳۷۸۱ - ۳۳۷۷۳)، و هر ترسی جز ترس از خدا نادرست است. (۳۳۷۹۰ - ۳۳۷۸۲) گروهی در کارهای بزرگ به خدا امید بسته و در کارهای کوچک به بندگان خدا روی می‌آورند (۳۳۷۹۹ - ۳۳۷۹۱)، پس حق بنده را ادا می‌کنند و حق خدا را بر زمین می‌گذارند (۳۳۸۰۵ - ۳۳۸۰۰)، چرا در حق خدای معال کوتاهی می‌شود؟ و کمتر از حق بندگان رعایت می‌گردد؟ (۳۳۸۱۶ - ۳۳۸۰۶) آیا می‌ترسی در امیدی که به خدا داری دروغگو باشی؟ (۳۳۸۱۷ - ۳۳۸۱۷) یا او را در خور امید بسن نمی‌بنداری؟ (۳۳۸۳۰ - ۳۳۸۲۵) امیدوار دروغین اگر از بنده خدا ترسناک باشد، حق او را چنان رعایت کند که حق پروردگار خود را آنگونه رعایت نمی‌کند (۳۳۸۴۵ - ۳۳۸۳۱)، پس ترس خود را از بندگان آماده (۳۳۸۵۰ - ۳۳۸۴۶)، و ترس از خداوند را وعده‌ای انجام نشدنی می‌شمارد (۳۳۸۵۷ - ۳۳۸۵۱)، و اینگونه است کسی که دنیا در دیدهباش بزرگ جلوه کند (۳۳۸۶۴ - ۳۳۸۵۸)، و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد (۳۳۸۶۹ - ۳۳۸۶۶)، که دنیا را بر خدا مقدم شمارد (۳۳۸۷۳ - ۳۳۸۷۰)، و جز دنیا به چیز دیگری نپردازد و بنده دنیا گردد.

(۳۳۸۷۹ - ۳۳۸۷۴)

### ۴ سبوی فر زندگانی پیامبران علیه السلام (برای انتخاب الگوهای ساده زمینی) «۲۰»

برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را اطاعت نمایی (۳۳۸۹۲ - ۳۳۸۸۰)، تا راهنمایی

خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا (۲۲۹۰۰–۳۲۸۹۳) و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد. (۲۲۹۰۵–۳۲۹۰۱)، چه اینکه دنیا از هر سو بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ باز داشته (۲۲۹۰۹–۳۲۹۰۶) و برای غیر او گسترانده شد (۲۲۹۱۳–۳۲۹۱۰)، از پستان دنیا شیر نخورد (۳۲۹۱۷–۳۲۹۱۴)، و از زیورهای آن فاصله گرفت. (۳۲۹۲۱–۳۲۹۱۸) اگر می‌خواهی دومی را، موسی علیه السلام و زندگی او را تعریف کن (۲۲۹۳۰–۳۲۹۲۲)، آنجا که می‌گوید:

اپرورد گارا! هر چه به من از نیکی عطا کنی نیازمندم، (۲۲۹۴۰–۳۲۹۳۱) به خدا سوگند، موسی علیه السلام جز قرص نانی که گرسنگی را بر طرف سازه چیز دیگری نخواست (۲۲۹۴۷–۳۲۹۴۱)، زیرا موسی علیه السلام از سیزجیات زمین می‌خورد (۳۲۹۵۲–۳۲۹۴۸)، تا آنجا که بر اثر لافزری و آب شدن گوشت بدن، سیزی گیاه از پشت پردهی شکم او آشکار بود. (۳۲۹۶۲–۳۲۹۵۳) (۳۲۹۶۶–۳۲۹۶۳) و اگر می‌خواهی: موسی را، حضرت داوود علیه السلام

(۱) طرح این واقعیت که حواس و ابزار شناخت انسان محدود است، پراگماتیسم (PRAGMATISM اصالت عمل) و پوزیتیویسم (POSITIVISM اصالت حجت تجربه) و امپیریسیسم (EMPIRICISM اصالت تجربه) را نقد می‌کند زیرا که تجربه می‌تواند یکی از راههای شناخت واقعیت‌ها باشد، پس نمی‌توان به آن اصالت داد.

(۲) اشاره به: هیستوریا(HISTORIA) نتیجه به اسطوره‌ها و الگوها) که در تمام ملل و اقوام وجود دارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۰۱

صاحب نئی‌های نوازنده، و خواننده بهشتیان را الگوی خویش سازی (۳۲۹۷۹–۳۲۹۶۷)، که با هنر دستان خود از لیف خرما زنبیل می‌بافت (۳۲۹۸۵–۳۲۹۸۰)، و از همشیتیان خود می‌پرسید چه کسی از شما این زنبیل را می‌فروشد؟ و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می‌کرد. (۳۲۹۹۷–۳۲۹۹۶) و اگر خواهی از عیسی بن مریم علیه السلام بگویم (۳۳۰۰۷–۳۲۹۹۸)، که سنگ را بالش خود قرار می‌داد (۳۳۰۱۱–۳۳۰۰۸)، لباس پشمی خشن به تن می‌کرد، و نان خشک می‌خورد (۳۳۰۱۷–۳۳۰۱۲)، نان خورش او گرسنگی (۳۳۰۲۱–۳۳۰۱۸)، و چراغش در شب ماه (۳۳۰۲۵–۳۳۰۲۲)، و پناهگاه زمستان او شرق و غرب زمین بود (۳۳۰۳۳–۳۳۰۲۶)، میوه و گلل او سیزجیاتی بود که زمین برای چهارپایان می‌رویانند (۳۳۰۴۱–۳۳۰۳۴)، زنی نداشت که او را فریفته خود سازه، فرزندی نداشت تا او را غمگین سازه، مالی نداشت تا او را سرگرم کند (۳۳۰۵۵–۳۳۰۴۲)، و آرزو طبعی نداشت تا او را خوار و ذلیل نماید (۳۳۰۵۹–۳۳۰۵۶)، مرکب سواری او دو پایش، و خدمتگزار وی، دستپایش بود.

(۳۳۰۶۴–۳۳۰۶۰)

**۵ راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلمّ**

پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن (۳۳۰۷۱–۳۳۰۶۵)، که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان (۳۳۰۷۲–۳۳۰۷۶)، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد (۳۳۰۸۰–۳۳۰۷۷)، و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، و گلام بر جایگاه قدم او نهد. (۳۳۰۹۰–۳۳۰۸۱) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند (۳۳۰۹۳–۳۳۰۹۱)، و به دنیا با گوشه چشم نگریست (۳۳۰۹۷–۳۳۰۹۴)، دو پهلوش از تمام مردم فرو رفته‌تر (۳۳۱۰۱–۳۳۰۹۸)، و شکمش از همه خالی‌تر بود (۳۳۱۰۶–۳۳۱۰۲)، دنیا را به او نشان دادند (۳۳۱۰۹–۳۳۱۰۷) اما نپذیرفت، و چون دانست خدا چیزی را دشمن می‌دارد آن را دشمن داشت، و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت، و چیزی را که خدا کوچک شمرده کوچک و ناچیز می‌دانست. (۳۳۱۱۰–۳۳۱۰۸) اگر در ما نباشد جز آن که آنچه را خدا و پیامرش دشمن می‌دارند، دوست بداریم، یا آنچه را خدا و پیامرش کوچک شمارند، بزرگ بداریم (۳۳۱۴۷–۳۳۱۲۹)، برای نشان دادن دشمنی ما با خدا، و سر پیچی از فرمان‌های او کافی بود!. (۳۳۱۵۶–۳۳۱۴۸) و همانا پیامبر «که درود خدا بر او باد» بر روی زمین می‌نستد و غذا می‌خورد (۳۳۱۶۳–۳۳۱۵۷)، و چون برده، ساده می‌نشت (۳۳۱۶۷–۳۳۱۶۴)، و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد (۳۳۱۷۱–۳۳۱۶۸)، و جامه خود را با دست خود می‌دوخت (۳۳۱۷۵–۳۳۱۷۲)، و بر الاغ برهنه می‌نشت (۳۳۱۷۹–۳۳۱۷۶)، و دیگری را پشت سر خویش سوار می‌کرد. (۳۳۱۸۲–۳۳۱۸۰) پرده‌ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود، این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می‌افتد به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم. (۳۳۲۰۶–۳۳۱۸۳) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ با دل از دنیا روی گرداند (۳۳۲۱۰–۳۳۲۰۷)، و پایش را از جان خود ریشه کن کرد (۳۳۲۱۱–۳۳۲۱۱)، و همواره دوست داشت تا جاذبه‌های دنیا از دیدگانش پنهان مانند (۳۳۲۲۲–۳۳۲۱۶)، و از آن لباس زیبایی تهیه نکند، و آن را قرارگاه دائمی خود نماند (۳۳۲۳۰–۳۳۲۲۳)، و امید ماندن در دنیا نداشته باشد (۳۳۲۳۱–۳۳۲۳۵) پس یاد دنیا را از جان خویش بیرون کرده، و دل از دنیا بر کند، و چشم از دنیا پوشاند (۳۳۲۴۶–۳۳۲۳۶)، و چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد، خوش ندارد به آن بنگرد، یا نام آن نزد او بر زبان آورده شود. (۳۳۲۴۷–۳۳۲۵۹) در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلمّ برای تو نشانه‌هایی است که تو را به زشتی‌ها و عیب‌های دنیا راهنمایی کند (۳۳۲۷۳–۳۳۲۶۰)، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ با نزدیکان خود گرسنه به سر می‌برد،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۰۳

و با آن که مقام و منزلت بزرگی داشت، زینت‌های دنیا از دیده او دور ماند. (۳۳۲۸۵–۳۳۲۷۴) پس تفکر کننده‌ای باید با عقل خویش به درستی اندیشه کند: آیا خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلمّ را به داشتن این صفتها اکرام فرمود یا او را خوار کرد؟ (۳۳۲۹۴–۳۳۲۸۶) اگر بگویی: خوار کرد، دروغ گفته (۳۳۲۹۹–۳۳۲۹۵) و بهتانی بزرگ زده است (۳۳۳۰۰–۳۳۳۰۴) و اگر بگویی: او را اکرام کرد، پس بداند، خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیک‌ترین مردم به خودش دور نگاهداشت. (۳۳۳۰۵–۳۳۳۰۵) پس پیروی کننده باید از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ پیروی کند (۳۳۳۲۷–۳۳۳۲۵) و به دنیا او راه و رده، و قدم بر جای قدم او بگذارد (۳۳۳۳۳–۳۳۳۲۸)، و گر نه از هلاکت ایمن نمی‌باشد (۳۳۳۳۸–۳۳۳۳۴)، که همانا خداوند، محمد صلی الله علیه و آله و سلمّ را نشانه قیامت (۳۳۳۴۵–۳۳۳۳۹)، و مژده دهنده بهشت، و ترساننده از کفر جهنم قرار داد (۳۳۳۴۶–۳۳۳۵۱)، او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آشد (۳۳۳۵۹–۳۳۳۵۲)، و کاخ‌های مجلل نساخت (سنگی بر سنگی نگذاشت) تا جهان را ترک گفت (۳۳۳۶۷–۳۳۳۶۰)، و ۱۰۰ دعوت پروردگارش را پذیرفت. (۳۳۳۷۱–۳۳۳۶۸) و! چه بزرگ است منّی که خدا با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ بر ما نهاده و چنین نعمت بزرگی به ما عطا فرموده، رهبر پیشنازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید راه او را ندانم بخشیم. (۳۳۳۸۶–۳۳۳۷۲) به خدا سوگند آفتدر این پیراهن پشمین را وصله زدم که از پینه کننده آن شرم‌سارم. (۳۳۳۹۶–۳۳۳۸۷) یکی به من گفت: «آیا آن را دور نمی‌افکنی؟» (۳۳۳۹۵–۳۳۳۹۷) گفتم: از من دور شو (۳۳۴۰۸–۳۳۴۰۶)، صبیحگاهان رهروان شب ستایش می‌شوند. (۳۳۴۱۳–۳۳۴۰۹) ۲۰.

(۱۱۶۱)

#### ترجمه خطبه ۱۶۱

##### اشاره

اعتقادی، اخلاقی

**۱ وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ و اهل بیت علیهم السلام**

(۳۳۴۳۱–۳۳۴۱۴) خداوند پیامبرش را با نوری درخشان (۳۳۴۴۰–۳۳۴۳۲)، و برهانی آشکار (۳۳۴۴۳–۳۳۴۴۱)، و راهی روشن (۳۳۴۴۶–۳۳۴۴۴)، و کتابی هدایتگر بر انگیخت. (۳۳۴۴۹–۳۳۴۴۷) خانواده او نیکوترین خانواده، و درخت وجودش از بهترین درختان است (۳۳۴۵۶–۳۳۴۵۰) که شاخه‌های آن راست (۳۳۴۵۸–۳۳۴۵۷) و میوه‌های آن سر به زیر و در دسترس همگان است (۳۳۴۶۱–۳۳۴۵۹)، زادگاه او مکه، و هجرت او به مدینه پاک و پاکیزه است (۳۳۴۶۶–۳۳۴۶۴)، که در آنجا نام او بلند شد و دعوتش به همه جا رسید. (۳۳۴۷۳–۳۳۴۶۷) خدا او را با برهانی کامل و کافی (قرآن) و پندهای شفا بخش، و دعوتی جبران کننده فرستاد. (۳۳۴۸۲–۳۳۴۷۴) با فرستادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمّ شریعت‌های ناشناخته را شناساند (۳۳۴۸۶–۳۳۴۸۳)، و ریشه بدعت‌های راه یافته در ادیان آسمانی را قطع کرد (۳۳۴۹۱–۳۳۴۸۷)، و احکام و مقررات الهی را بیان فرمود. (۳۳۴۹۶–۳۳۴۹۲) پس هر کس جز اسلام دینی را انتخاب کند به یقین شقاوت او ثابت (۳۳۵۰۳–۳۳۴۹۷)، و پیوند او با خدا قطع (۳۳۵۰۶–۳۳۵۰۴)، و سقوط سهمگین خواهد بود (۳۳۵۰۷–۳۳۵۰۹)، و سر انجاش رنج و اندوهی بی‌پایان و شکنجه‌ای پردر می‌باشد. (۳۳۵۱۸–۳۳۵۱۰) بر خدا توکل می‌کنم، توکلی که بازگشت به سوی او باشد (۳۳۵۲۵–۳۳۵۱۹)، و از او راه می‌جویم، راهی که به بهشت رسد و به آنجا که خواست اوست بینجامد.

(۳۳۵۳۵–۳۳۵۲۶)

**۲ سطرش به تقوا و عبرت از گذشتگان**

(۳۳۵۳۷–۳۳۵۳۶)

(۱) سنگی پر سنگی نگذاشت، یعنی خانه‌های با شکوهی ساخت و خانه‌ای ساده داشت، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ساختمان مسجد شخصا سنگ‌ها را می‌آورد، و برای همسران خود خانه‌ها و حجره‌هایی ساخت.

(۲) ضرب المثل است، یعنی آینده از آن استقامت کنندگان است.

*نهج البلاغه* ترجمه دشتی، ص: ۳۰۵

بنندگان خدا! شما را به ترسیدن از خدا و فرمانبرداری او سفارش می‌کنم (۳۳۵۴۴–۳۳۵۳۸) که نجات فردا و مایه رهایی جاویدان است. (۳۳۵۵۰–۳۳۵۴۵) خدا آنگونه که سزاوار بود شما را ترسانید (۳۳۵۵۲–۳۳۵۵۱)، و چنانکه شایسته بود امیدوارتان کرد (۳۳۵۵۵–۳۳۵۵۳)، و دنیا و بی‌اعتناری آن و نابود شدنی بودن و دگرگونی آن را برای شما تعریف کرد. (۳۳۵۶۵–۳۳۵۶۰) پس از آنچه در دنیا شما را به شگفتی وامی‌دارد روی گردانید، زیرا که مدت کوتاهی در آن اقامت دارید (۳۳۵۷۳–۳۳۵۶۶)، دنیا به خشم خدا نزدیکترین و از خشنودی خدا دورترین جایگاه است. (۳۳۵۸۳–۳۳۵۷۴) پس ای بنندگان خدا، از غم و اندوه و سرگرمی‌های دنیا چشم برگیرید (۳۳۵۹۰–۳۳۵۸۴) زیرا شما به جدایی و دگرگونیهای امور دنیایی یقین دارید. (۳۳۵۹۹–۳۳۵۹۱)، و چونان دوست مهربانی که نصیحت‌گر و گوشا برای نجات رقیفش تلاش کند، خویشتان را از دنیا دور نگهدارید. (۳۳۶۰۳–۳۳۶۰۰) (۳۳۶۰۶–۳۳۶۰۴) و از آنچه پر گذشتگان شما رفت عبرت بگیرید (۳۳۶۱۵–۳۳۶۰۷)، که چگونه، بند بنده اعضای بدنشان از هم گسست (۳۳۶۱۸–۳۳۶۱۶)، چشم و گوش‌شان نابود شد (۳۳۶۲۹–۳۳۶۱۹)، شرف و شکوهشان از خاطر‌ها محو گردید (۳۳۶۳۸–۳۳۶۲۴)، و همه ناز و نعمت‌ها و رفاها و خوشی‌ها پایان گرفت (۳۳۶۳۳–۳۳۶۲۹)، که نزدیکی فرزندان به دوری و از دست دادنشان (۳۳۶۳۷–۳۳۶۲۴)، و همدمی همسران، به جدایی تبدیل شد. (۳۳۶۴۱–۳۳۶۳۸)، دیگرگانه به هم می‌نازند، و نه فرزندانمی می‌آورند، و نه یکدیگر را دیدار می‌کنند، و نه در کنار هم زندگی می‌کنند! (۳۳۶۴۲–۳۳۶۴۱) پس ای بنندگان خدا! بپرهیزید، چونان پرهیز کسی که به نفس خود چیره و بر شهوات خود پیروز، و با عقل خود به درستی می‌نگرد (۳۳۶۶۲–۳۳۶۵۳)، زیرا که جریان انسان آشکار، پرچم برافراشته، جاذه هموار، و راه، روشن و راست است.

(۳۳۶۷۴–۳۳۶۶۳) (۱۱۶۲)

**ترجمه خطبه ۱۶۲**

**اشاره**

(در سال ۳۷ هجری در صفین، شخصی از طایفه بنی اسد پرسید: چگونه شما را از مقام امامت که سزاوارتر از همه بودید کنار زدند؟ فرمود): (۳۳۶۹۵–۳۳۶۷۵)

**ا علل و عوامل نصب امامت**

ای برادر بنی اسدی! تو مردی پریشان و مضطربی (۳۳۷۰۲–۳۳۶۹۶) که نابجا پرسش می‌کنی (۳۳۷۰۶–۳۳۷۰۳)، لیکن تو را حق خویشاوندی است، ایا، و حقی که در پرسیدن داری (۳۳۷۱۴–۳۳۷۰۷) و بی‌گمان طالب دانستی. پس بدان که: (۳۳۷۱۸–۳۳۷۱۵) آن ظلم و خود کامگی که نسبت به خلافت شد، در حالی که ما را نسب برتر و پیوند خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استوارتر بود (۳۳۷۲۳–۳۳۷۱۹)، جز خودخواهی و انحصار طلبی چیز دیگری نبود که: گروهی بخیلانه به کرسی خلافت چسبیدند، و گروهی سخاوتمندانه از آن دست کشیدند (۳۳۷۴۴–۳۳۷۳۳)، داور خداست، و بازگشت همه ما به روز قیامت است. (۳۳۷۴۵–۳۳۷۴۵) (در اینجا شعر امره القیس را خواند که): «واگذار داستان ناراج آن غارنگران را (۳۳۷۵۸–۳۳۷۵۲)، و به یاد آور داستان شگفت دزدیدن اسب سواری راه (۳۳۷۶۴–۳۳۷۵۹)».

۲ شکوه از ستم‌های معاویه

بیا و داستان پسر ابو سفیان را به یاد آور (۳۳۷۷۱–۳۳۷۶۵)، که روزگار مرا به خنده آورد از آن پس که مرا گریاند. (۳۳۷۷۶–۳۳۷۷۲)

(۱) زینب دختر جحش، یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از قبیله بنی اسد بود.

(۲) شعر از امرأ القیس است. وی پس از کشته شدن پدرش، به خالد بن سلبوس پناهنده شد. مردم بنی جدیله به او حمله کرده اموال و شترهایش را بردند. خالد به او گفت اسب سواری‌ات را به من ده تا اموال تو را باز پس گیرم. خالد بر اسب او سوار شده خود را به مردم (بنی جدیله) رساند و اعلام کرد این شتران و اموال از آن پناهنده من است آن را برگردانید، مردم حمله کردند و اسب سواری را هم از دست او در آوردند! وقتی خیر به امرأ القیس رسید این شعر را سرود یعنی: غارت گذشته را واگذار، هم اکنون سخن از دزدیده شدن اسب سواری من بگو. امام علیه السلام می‌خواهد بفرماید که: واگذار صحبت از غضب خلافت در گذشته را و به این بیندیش که با معاویه چه باید کرد؟

*نهج البلاغه* ترجمه دشتی، ص: ۳۰۷

سوگند به خدا که جای شگفتی نیست، کار از بس عجیب است که شگفتی را می‌زادید و کجی و انحراف می‌افزاید. (۳۳۷۸۹–۳۳۷۷۷) مردم کوشیدند نور خدا را در داخل چراغ آن خاموش سازند، جوشش زلال حقیقت را از سر چشمه آن بیندند (۳۳۸۰۱–۳۳۷۹۰)، چرا که میان من و خود، آب را وینا آلود ایا، کردند (۳۳۸۰۸–۳۳۸۰۲)، اگر محنت آزمایش از ما و این مردم برداشته شود، آنان را به راهی می‌برم که سراسر حق است (۳۳۸۲۰–۳۳۸۰۹)، و اگر به گونه دیگری انجامد:

(با حسرت خوردن بر آنها جان خویش را مگذار، که خداوند بر آنچه می‌کنند آگاه است)

(۳۳۸۳۴–۳۳۸۱۱) (۱۱۶۳)

**ترجمه خطبه ۱۶۳**

**اشاره**

(برخی از شارحان نوشتند این خطبه در شهر کوفه ایراد شد)

**ا خدا شناسی**

(۳۳۸۴۳–۳۳۸۳۵) سیاس خداوندی را سزااست که آفریننده بندگان، و گستراننده زمین (۳۳۸۵۰–۳۳۸۴۴)، و جاری کننده آب در زمین‌های پست، و رویاننده گیاه در کوه‌ها و تپه‌های بلند می‌باشد (۳۳۸۵۶–۳۳۸۵۱)، نه اول او را آغازی و نه ازلی بیودن او را پایانی است (۳۳۸۶۳–۳۳۸۵۷)، آغاز هر چیزی و جاویدان است، و پایدار و ماندگار بدون مدّت و زمان است. (۳۳۸۷۲–۳۳۸۶۴) پیشانی بندگان برابر عظمت او به خاک افتاده، و لب‌ها در اعتراف به یگانگی او در حرکتند. (۳۳۸۷۸–۳۳۸۷۳) به هنگام آفرینش، برای هر پندیده‌ای حد و مرزی قرار داد، تا برای وجود بی‌نهایت او همانندی نباشد. (۳۳۸۸۷–۳۳۸۷۹) گمان‌ها خدا را به اندازه‌ها و حرکت‌ها و اندام‌ها و آلت‌ها نمی‌توانند اندازه گیری نمایند.

(۳۳۸۸۸–۳۳۸۸۸) نمی‌تواند گفت: خدا از کی بود؟ و تا کی خواهد بود؟ (۳۳۹۰۸–۳۳۸۹۹) وجود آشکاری است که نمی‌توان پرسید: از چیست؟ (۳۳۹۱۲–۳۳۹۰۹) و حقیقت پنهانی است که نمی‌توان پرسید؟ در کجاست؟ (۳۳۹۱۷–۳۳۹۱۳) نه جسم است که او را نهایی باشد، و نه پوشیده‌ای که چیزی او را در بر گرفته باشد. (۳۳۹۲۴–۳۳۹۱۸)، به موجودات تقدّر نزدیک نیست که به آنها چسبیده، و تقدّر دور نیست که جدا و پریده باشد. (۳۳۹۳۴–۳۳۹۲۵) بر خداوند، خیره نگریستن بندگان، و بازگشتن لفظی به زبان آنان (۳۳۹۴۶–۳۳۹۳۵)، نزدیک شدن به تهی‌ای، گام بر داشتن در تاریکی شب، یا راه رفتن در مهتاب که نور می‌افشاند (۳۳۹۵۴–۳۳۹۴۷) (۳۳۹۶۱–۳۳۹۵۵) (۳۳۹۶۵–۳۳۹۶۲)، و درخشش خورشیدی که پس از ماه طلوع می‌کند، و با طلوع و غروبش، و آمدن و آمدن روز، چرخ زمان می‌گردد و تاریخ ورق می‌خورد، هیچ کدام پنهان نیست. (۳۳۹۷۹–۳۳۹۶۶) (۳۳۹۸۱–۳۳۹۸۰) خدا پیش از هر نهاییت و مدت، و فرائز از هر گونه حساب و شمارش است (۳۳۹۹۷–۳۳۹۸۸)، خدا، والا‌تر از آنچه می‌باشد که عقل‌های عاجز تشبیه کنندگان تصوّر می‌کنند. والا‌تر از صفات پدیده‌ها و اندازه‌ها و قطر‌هاست که برای موجودات مادی بنادارند (۳۴۰۰۷–۳۳۹۹۸)، و جایگاه‌هایی که برای آن در نظر می‌گیرند (۳۴۰۱۳–۳۴۰۰۸)، زیرا احد و مرز و اندازه، شایسته پدیده‌هاست و به غیر خدا تعلّق دارد.

(۳۴۰۲۰–۳۴۰۱۴)

**۲ وصف آفرینش**

پدیده‌ها را از موادی ازلی و ابدی نیافرید (۳۴۰۳۳–۳۴۰۲۱)، بلکه آنها را از نیستی به هستی آورد،

(۱) جای شگفتی است که امام علیه السلام در ۱۴ قرن قبل، آب را محل رشد و تکثیر انگل او باه مطرح می‌کند که باستور پس از کشف میکروب در تداوم تحقیقات خود با استفاده از کتاب صحیفه سجّاده از واژه و بی این حقیقت را از نظر تجربی ثابت کرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۰۹

و برای هر پدیده‌های حد و مرزی تعیین فرمود (۳۴۰۳۹–۳۴۰۳۴)، و آنها را به نیکوترین صورت زیبا، صورتگری کرد (۳۴۰۴۳–۳۴۰۴۰)، چیزی از فرمان او سر پیچی نمی‌کند، و خدا از اطاعت چیزی سود نمی‌برد، علم او به مردگانی که رفتند چونان آگاهی او به زندگانی است که هستند (۳۴۰۵۹–۳۴۰۴۴)، و علم او به آسمان‌های بالا چونان علم او به زمین‌های زیرین است. (۳۴۰۷۰–۳۴۰۶۰)

### ۳ شگفتی آفرینش انسان

ای انسان! ای آفریده راست قامت، ای پدیده نگاهداری شده در تاریکی‌های رحم‌های مادران، و قرار داده شده در پرده‌های تو در تو! (۳۴۰۸۳–۳۴۰۷۱) آغاز آفرینش تو از گل و لای بود، و سپس در جایگاه آرامی نهاده شدی تا زمانی مشخص و سر آسادی تعیین شده (۳۴۰۹۹–۳۴۰۸۴)، و آنگاه که در شکم مادرت حرکت می‌کردی، نه دعوتی را می‌توانستی پاسخ دهی، و نه صدایی را می‌شنیدی. (۳۴۱۱۱–۳۴۱۰۰) سپس تو را از قرار گاهت بیرون کردند و به خانه‌ای آوردند که آن را ندیده بودی و راههای موش را نمی‌توانستی (۳۴۱۲۴–۳۴۱۱۲)، پس چه کسی تو را در مکیدن شیر، از پستان مادر هدایت کرد؟ و به هنگام نیاز جایگاه‌های طلب کردن و خواستن را به تو نشاناند؟ (۳۴۱۳۹–۳۴۱۲۵) هرگز، آن کس که در توصیف پدیده‌ای با شکل و اندازه و ابزار مشخص درمانده باشد، بدون تردید از وصف پرورد گارش ناتوان‌تر، و از شناخت خدا با حدّ و مرز پدیده‌ها دورتر است.

(۳۴۱۶۰–۳۴۱۴۰) (۱۱۶۴)

### ترجمه خطبه ۱۶۴

### اشاره

(در سال ۳۴ هجری مردم در اطراف امام جمع شده و از عثمان شکایت کردند و از او خواستند که با عثمان صحبت کند تا از اشتباهات خود دست بردارد) (۳۴۱۸۳–۳۴۱۶۱)

### هشدار دادن به عثمان

همانا مردم پشت سر من هستند و مرا میان تو و خودشان میانجی قرار داده‌اند (۳۴۱۹۲–۳۴۱۸۴)، به خدا نمی‌دانم با تو چه بگویم؟ (۳۴۲۰۰–۳۴۱۹۳) چیزی را نمی‌دانم که تو ندانی (۳۴۲۰۴–۳۴۲۰۱)، تو را به چیزی راهنمایی نمی‌کنم که شناسی (۳۴۲۱۱–۳۴۲۰۵)، تو می‌دانی آنچه ما می‌دانیم. (۳۴۲۱۵–۳۴۲۱۲) ما به چیزی پیشی نگرفته‌ایم که تو را آگاه سازیم، و چیزی ما در پنهانی نیافتیم که آن را به تو ابلاغ کنیم. (۳۴۲۱۶–۳۴۲۱۴) دیدی چنانکه ما دیدیم، شنیدی چنانکه ما شنیدیم (۳۴۲۲۵–۳۴۲۲۲)، با رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم بودی چنانکه ما بودیم (۳۴۲۴۲–۳۴۲۳۶)، پسر ایو قحافه (ایو بکر) و پسر شطّاب، در عمل به حق، از تو بهتر نبودند (۳۴۲۵۵–۳۴۲۴۳)، تو به رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم در خویشاوندی از آن دو نزدیک‌تری (۳۴۲۶۶–۳۴۲۵۶)، داماد او شدی که آنان نشدند (۳۴۲۷۴–۳۴۲۶۷)، پس خدا راه خدا را، پروا کن! (۳۴۲۷۸–۳۴۲۷۵) سوگند به خدا، تو کور نیستی تا بیایات کنند، نادان نیستی تا تو را تعلیم دهند (۳۴۲۹۰–۳۴۲۷۹)،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۱۱

راه‌ها روشن است، و نشانه‌های دین برپاست. (۳۴۲۹۹–۳۴۲۹۱) پس بدان که برترین بندگان خدا در پیشگاه او رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند (۳۴۳۱۱–۳۴۳۰۰)، سَت شناخته شده را بر پا دارد، و بدعت ناشناخته را بپرانند. (۳۴۳۱۸–۳۴۳۱۲) سَت‌ها روشن و نشانه‌هایش آشکار است (۳۴۳۲۴–۳۴۳۱۹)، بدعت‌ها آشکار و نشانه‌های آن بر پاست (۳۴۳۳۰–۳۴۳۲۵)، و بدترین مردم ترد خدا، رهبر ستمگری است که خود گمراه و مایه گمراهی دیگران است (۳۴۳۴۲–۳۴۳۳۱)، که سَتّ پذیرفته را بپرانند، و بدعت ترک شده را زنده گردانند. (۳۴۳۴۹–۳۴۳۴۳) من از پیامبر خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم شنیدم که گفت:

او روز قیامت رهبر ستمگر را بیاورند که نه باوری دارد و نه کسی از او پوزش خواهی می‌کند (۳۴۳۶۸–۳۴۳۵۰)، پس او را در آتش جهنم افکنند، و در آن چنان می‌چرخد که سنگ آسیاب، تا به قعر دوزخ رسیده به زنجیر کشیده شوده (۳۴۳۸۱–۳۴۳۶۹) من ترا به خدا سوگند می‌دهم که امام کشته شده این انت مباحثی (۳۴۳۹۱–۳۴۳۸۲)، چرا که پیش از این گفته می‌شد. (در میان این انت، امامی به قتل خواهد رسید که در کشتار تا روز قیامت گشوده خواهد شد (۳۴۴۰۷–۳۴۳۹۲) و کارهای ائت اسلامی با آن مشته شود، و فتنه و فساد در میانشان گسترش یابد (۳۴۴۱۴–۳۴۴۰۸)، تا آنجا که حق را از باطل نمی‌شناسند (۳۴۴۲۰–۳۴۴۱۵)، و به سختی در آن فتنه‌ها غوطه‌ور می‌گردند. (۳۴۴۲۷–۳۴۴۲۱) برای مروان ۱۰۱ چونان حیوان به غارت گرفته میشاں که تو را هر جا خواست براند، آن هم پس از سالیانی که از عمر تو گذشته ۱۰۲ و تجربه‌ای که به دست آورده‌ای. (۳۴۴۴۰–۳۴۴۲۸) (عثمان گفت ابا مردم صحبت کن که مرا مهلت دهند تا از عهدہ ستمی که به آنان رفته بر آیم) (۳۴۴۵۶–۳۴۴۴۱) امام علیه السلام فرمود: آنچه در مدینه است به مهلت نیاز ندارد، و آنچه مربوط به بیرون مدینه باشد تا رسیدن فرمات مهلت دارند. (۳۴۴۷۱–۳۴۴۵۷) (۱۱۶۵)

### ترجمه خطبه ۱۶۵

### اشاره

(برخی از شارحان نوشته‌اند که این خطبه در شهر کوفه ایراد شد)

### اشگفتی آفرینش انواع پرندگان

(۳۴۴۸۳–۳۴۴۷۲) خداوند پدیده‌های شگفتی از جانداران حرکت کننده، و بی‌جان (۳۴۴۹۰–۳۴۴۸۴)، برخی ساکن و آرام (۳۴۴۸۳–۳۴۴۸۳) بعضی حرکت کننده و بی قرار، آفریده است (۳۴۴۹۵–۳۴۴۹۱)، و شواهد و نمونه‌هایی از لطافت صنعت‌گری و قدرت عظیم خویش یاداشته، چندان که تمام اندیشه‌ها را به اعتراف واداشته، و سر به فرمان او نهاده‌اند (۳۴۵۱۵–۳۴۴۹۶)، و در گوش‌های ما بانگ براین یکتایی او پیچیده است (۳۴۵۲۲–۳۴۵۱۶) ۴۰. آنگونه که پرندگان گوناگون را بیافرید،

(۱) مروان یهودی زاده، داماد عثمان و منشی او بود و در او نفوذ بسیاری داشت، رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم او و پدرش را تبعید کرده بود، در زمان عثمان آزاد و داماد و سپس همه کاره او گردید که او را عامل اصلی کشته شدن عثمان می‌دانند.

(۲) عثمان هشاد سال عمر کرد.

(۳) اشاره به علم: زوئولوژی (ZOOLOGY)حیوان شناسی)

(۴) اشاره به علم: مونوتیسم (MONOTHEISM)علم توحید)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۱۲

و آنان را در شکاف‌های زمین، و رخنه درّه‌ها و فراز کوه‌ها مسکن داد (۳۴۵۳۹–۳۴۵۲۳)، با بال‌های متفاوت و شکل و هیأت‌های گوناگون (۳۴۵۴۶–۳۴۵۴۰)، که زمام آنها به دست اوست، پرندگانی که با بال‌های خود در لایلی جز گسترده و فضای پهناور پرواز می‌کنند. (۳۴۵۶۰–۳۴۵۴۷) آنها را از دیار نیستی در شکل و ظاهری شگفت آور بیافرید، و استخوان‌هاشان را از درون در مفضل‌های پوشیده از گوشت به هم پیوند داد ۱۰۱. برخی از پرندگان را که چنّه سنگین داشتند تا بالا رفتن و پروازهای بلند و دور یازداشت (۳۴۵۸۵–۳۴۵۷۶)، آنگونه که آرام و سنگین در نزدیکی زمین پال می‌زنند. (۳۴۵۸۶–۳۴۵۸۶) پرندگان را با لطافت قدرتش و دقّت صنعتش، در رنگ‌های گوناگون با زیبایی خاصی رنگ آمیزی کرد (۳۴۶۰۰–۳۴۵۸۰)، گروهی از آنها را تنها با یک رنگ بپاراست که رنگ دیگری در آن راه ندارد (۳۴۶۱۲–۳۴۶۰۱)، دسته‌ای دیگر را در رنگ مخالف آن فرو برد، جز اطراف گردنشان که چونان طوفی آویخته، مخالف رنگ اندامشان است.

(۳۴۶۲۴–۳۴۶۱۳)

شریف الرضی، محمد بن حسین – دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱جلد، مشهور – ایران ؛ قم چاپ: اول، ۱۳۷۹.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص۳۱۳

#### ۲- شگفتی‌های آفرینش طاووس

و از شگفت انگیزترین پرندگان در آفرینش، طاووس است، که آن را در استوارترین شکل موزون بیافرید، و رنگ‌های پر و بالش را به نیکوترین رنگ‌ها بیاراست (۳۶۶۱-۳۶۶۵)، با بال‌های زیبا که پره‌های آن به روی یکدیگر انباشته و دم کشیده‌اش (۳۶۶۸-۳۶۶۲) که چون به سوی مادهٔ پیش می‌رود آن را چونان چتری گشوده (۳۶۵۸-۳۶۶۹) و بر سر خود سایبان می‌سازد، گویا بادیان کشتی است که نا خدا آن را بر افراشته است. ۲۰ طاووس به رنگهای زیبای خود می‌نازد، و خوشحال و خرامان دم زبایش را به این سو و آن سو می‌چرخاند، و سوی مادهٔ می‌نازد (۳۶۷۱-۳۶۵۹)، چون خروس می‌پرد، و چون حیوان تر مست شهوت با جفت خویش می‌آمیزد (۳۶۸۱-۳۶۷۲)، این حقیقت را از روی مشاهده می‌گویم، نه چون کسی که بر اساس نقل ضعیفی سخن بگوید: (۳۶۸۲-۳۶۸۱) اگر کسی خیال کند: «بار دار شدن طاووس به وسیلهٔ ظفرات اشکی است که در اطراف چشم تر حلقه زده (۳۶۷۰-۳۶۶۳) و طاووس مادهٔ آن را می‌نوشد آنگاه بدون آمیزش با همین اشک‌ها تخمگذاری می‌کند» افسانه بی اساس است (۳۶۷۱-۳۶۷۰) ولی شگفت‌تر از آن نیست که می‌گویند: «زاغ تر طعمه به منقار ماده می‌گذارد که همین عامل بار دار شدن زاغ است!». گویا نی‌های پر طاووس چونان شانه‌هایی است که از نقره ساخته، و گردی‌های شگفت انگیز آفتاب گونه که به پره‌های اوست از زرب و نازب و پاره‌های زیرچند بافته شده است. (۳۶۷۸-۳۶۷۲) اگر رنگ‌های پره‌های طاووس را به رویبندی‌های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم آمده است (۳۶۷۵-۳۶۷۸)، و اگر آن را با پارچه‌های پوشیدنی همانند سازی، پس چون پارچه‌های زیبای پر نقش و نگار یا پرده‌های رنگارنگ یمن است (۳۶۷۰-۳۶۷۶)، و اگر آن را با زیور آلات مقایسه کنی چون نگین‌های رنگارنگی است که در نواری از نقره یا جواهرات زینت شده است.

(۳۶۷۸-۳۶۷۱)

#### ۳ روانشناسی حیوانی طاووس

طاووس، چون به خود بالنده مغرور راه می‌رود، دم و بال‌های زبایش را بر انداز می‌کند (۳۶۷۱-۳۶۷۳)، پس با توجه به زیبایی جامه و رنگ‌های گوناگون پرو بالش فهفئه سر می‌دهد (۳۶۷۸-۳۶۷۲)، انا چون نگاهش به

(۱) اشاره به علم: ارنیتولوژی (ORNITHOLOGY)پرند شناسی)

(۲) واژه «داری» را برخی به شهر دارین، شهر قدیمی در کنار قتیف و بحرین ترجمه کرده‌اند، اما یکی از معانی آن مَلاح است که بادیان کشتی را نگه می‌دارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۱۵

پاهای او می‌افند، بانگی بر آورد که گویا گریان است، فریاد می‌زند گویا که دادخواه است، و گواه صادق دردی است که در دون دارد (۳۶۷۹-۳۶۸۴)، زیرا پاهای طاووس چونان ساقی خروس دو رگه (هندی و پارسی) ۱۱، باریک و زشت (۳۸۲۰-۳۶۸۵) و در یک سو ساق پایش ناخنکی مخفی رویده است.

(۳۶۸۱-۳۶۸۲)

#### ۴ شگفتی رنگ آمیزی پره‌ای طاووس

بر فراز گردن طاووس به جای بال، کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار رویدهد (۳۸۲۶-۳۶۸۲)، و بر آمدگی گردنش چونان آفتابه‌ای نفیس و نگارین است، و از گلوگاه تا روی شکمش به زیبایی و سمه بمانی ۲۱، رنگ آمیزی شده، یا چون پارچه حریر براق یا آینه‌ای شفاف که پرده بر روی آن افکنده‌اند. (۳۶۸۴-۳۶۸۳) در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده (۳۸۵۹-۳۶۸۵) که چون رنگ آن شاداب و بسیار می‌باشد، پنداری با رنگ سبز نندی در هم آمیخته است (۳۶۸۲-۳۶۸۶) که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد. (۳۶۸۲-۳۶۸۳) کمتر رنگی می‌توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد (۳۶۹۰-۳۶۸۹)، یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه‌اش آن را جلای برتری نداده باشد. (۳۶۹۱-۳۶۹۰) طاووس چونان شکوفه‌های پرکشده‌ای است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندانی نیست (۳۶۹۲-۳۶۹۱) و شگفت آور آن که هر چند گاهی از پوشش پره‌ای زیر بیرون می‌آید، و تن عریان می‌کند، پره‌ای او بیایی فرو می‌ریزد و آن تو می‌رویند، پره‌ای طاووس چونان برگ خزان رسیده می‌ریزند (۳۶۹۲-۳۶۹۳) و دوباره رشد می‌کنند و به هم می‌پیوندند، تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را باز می‌یابد (۳۶۹۵-۳۶۹۴)، بی آن که میان پره‌ای نو و ریخته شده تفاوتی وجود داشته باشد یا رنگی جابجا بیروید (۳۶۹۶-۳۶۹۵)، اگر در نشامش یکی از پره‌ای طاووس دقت کنی، لحظه‌ای به سرخی گل، و لحظه‌ای دیگر به سبزی زیرجله، و گاه به زردی زرناب جلوه می‌کند.

(۳۶۹۷-۳۶۹۶)

#### ۵ سبز انسان از درک حقایق موجود در پدیده‌ها

راستی، هوشهای ژرف اندیش و عقل‌های پر تلاش چگونگی این همه از حقائق موجود در پدیده‌ها را می‌توانند درک کنند؟ و چگونه گفتار توصیف گران، به نظم کشیدن این همه زیبایی را بیان توانند کرد؟ (۳۶۹۵-۳۶۹۸) و در درک کمترین اندام طاووس، گمانها از شناخت درمانده و زبان‌ها از ستودن آن در کام مانده‌اند؟ (۳۷۰۷-۳۶۹۶) پس ستایش خداوندی را سزاست که عقلا را از توصیف پدیده‌ای که برابر دیدگان جلوه‌گردن ناتوان ساخت (۳۷۰۱۶-۳۷۰۰۸)، پدیده محدودی که او را با ترکیب پیکری پر نقش و نگار، با رنگ‌ها و مرزهای مشخص می‌شناسد (۳۷۰۲۲-۳۷۰۱۷)، باز هم از تعریف فشرده‌اش زبان‌ها عاجز و از وصف واقعی آن در مانده‌اند! (۳۷۰۳۴-۳۷۰۲۳-۳۷۰۰۳) (حال چگونگی خدا را می‌توانند درک کنند؟)

#### ۶- شگفتی آفرینش جانداران کوچک

پاک و برتر است خدایی که در اندام مورچه، و مگس ریز، باها پدید آورد (۳۷۰۴۴-۳۷۰۳۵-۳۷۰۰۴)، و جانداران، بزرگتر از آنها،

(۱) خروس خلاسی: نوعی از خروس که نه سفید و نه سیاه است بلکه به رنگ خاکی است، و گفته‌اند که خروس فارسی- هندی دو رگه است که پاهای زشت دارد.

(۲) رومه: برگ گیاهی به رنگ نیل، یا برگ نیل که آن را در آب خیسانده و پارچه را با آن رنگ می‌کردند.

(۳) انبساط هدف‌سرداری نظام هستی و انسان، و تقصد سوچی: نیهیلیسم (NIHILISM)سوچ‌گرایی) و اوتوسپیسم و ائوپاتیسم (UTOPIANISM -UYOPISM)پوچ‌گرایی).

(۴) اشاره به علم: اتومولوژی (ENTOMOLOGY)حشره شناسی و علم هریتولوژی (HERPETOLOGY)خزنده شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۱۷

از ماهیان دریا، و پیلان عظیم الجثه را نیز آفرید (۳۷۰۵۲-۳۷۰۴۵)، و بر خود لازم شمرد، که هیچ کالبد جاننداری را وانگذارد و به درستی اداره‌اش نماید، جز آن که مبعادگاهش را مرگ و پایان راهش را نیستی قرار داد.

(۳۷۰۷۱-۳۷۰۵۳)

#### ۷ وصف ویژگی‌های بهشت

اگر با چشم دل به آنچه که از بهشت بر تو وصف کرده‌اند بنگری، از آنچه در دیاست دل می‌کنی، هر چند شگفتی‌آور و زیبا باشد، و از خواش‌های نفسانی و خوشی‌های زندگانی و منظره‌های آراسته و زیبای آن کناره می‌گیری (۳۷۰۹۹-۳۷۰۷۲)، و اگر فکرت را به درختان بهشتی مشغول داری که شاخه‌هایشان همواره به هم می‌خورند، و ریشه‌های آن در توده‌های مشک پنهان، و در ساحل جویباران بهشت قرار گرفته آبیاری می‌گردند (۳۷۱۱۳-۳۷۱۰۰)، و خوشه‌هایی از لؤلؤ آب دار به شاخه‌های کوچک و بزرگ درختان آویخته (۳۷۱۱۳-۳۷۱۱۴)، و میوه‌های گوناگونی که از درون غلاف‌ها و پوشش‌ها سر بیرون کرده‌اند، سر گردان و حیرت زده می‌گردی: (۳۷۱۳۱-۳۷۱۲۴) شاخه‌های پر میوه بهشت که بدون زحمتی خم شده در دسترس قرار گیرند، تا چندینه آن هر گاه که خواهد بر چینی، مهمانداران بهشت گرد ساکنان آن و پیرامون کاخ‌هایشان در گردشند و آنان را با عسل‌های پاکیزه و شراب‌های گوارا پذیرایی کنند. (۳۷۱۵۱-۳۷۱۳۲) آنها کسانی هستند که همواره از کرامت الهی بهره‌مند تا آنگاه که در سرای ثابت خویش فرود آیند و از نفل و انتقال سفرها آسوده گردند. (۳۷۱۶۵-۳۷۱۵۲) ای شونده‌ا! اگر دل خود را به منظره‌های زیبایی که در بهشت به آن می‌رسی مشغول داری، روح تو با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز خواهد کرد (۳۷۱۸۳-۳۷۱۶۶)، و از این مجلس من با شتاب به همسایگی اهل قیور خواهی شناخت. (۳۷۱۹۴-۳۷۱۸۴) خداوند با لطف خود من و شما را از کسایتی قرار دهد که با دل و جان برای رسیدن به جایگاه نیکان تلاش می‌کنند.



(۳۵۲۰۵–۳۵۱۹۵) می‌گویم: (کلام امام که فرمود

«یُوْرُ بِمَلَّاحِهِ، الراء»

(۳۵۲۲۴–۳۵۲۰۶) کتابه از نکاح و آمیزش است.

هنگامی گفته می‌شود «ار الرجل المرأه یُزَهاه» که با همسرش همبستر شود. (۳۵۲۳۴–۳۵۲۲۵) و این فرمایش امام

«کانه قلع دارى عجنه توتیه»

باید توجه داشت (قلع) بادیان کشتی است و «داری» منسوب به «دارین» شهری است که در کنار دریا که از آنجا عطریات می‌آورند (و بادیان‌هایش معروف است). (۳۵۲۵۸–۳۵۲۳۵) و «عجنه» به معنی کشیدن به سوی خویش است هنگامی که گفته می‌شود

«عجت الناهه اعنجهها عتجا» یعنی آن را به سوی خود کشیدم. و «الوتی» به معنی «کششیا» است. (۳۵۲۳۳–۳۵۲۵۹) و اما تعبیر

«صفتی جفونه»

منظور دو طرف پلک‌های چشم است. زیرا «صفتان» به معنی دو طرف می‌باشد (۳۵۲۸۱–۳۵۲۷۴) و اینکه فرمود:

«و قلّذا الزیرجده»

باید دانست که «قلّذا» جمع «قلده» به معنی قطعه است که معنی آن قطعه‌هایی از زبرجد است. (۳۵۲۹۶–۳۵۲۸۲) انا تعبیر به

«کیانس اللؤلؤ الرطب»

به معنی خوشه‌های لؤلؤ تر همچون خوشه‌های خرما است زیرا «الکیاسه» به معنی خوشه و «العسالیج» جمع «عسولج» به معنای شاخته است.

(۳۵۳۰۹–۳۵۲۹۷) (۱۱۶۶)

#### ترجمه خطبه ۱۶۶

#### اشاره

(بر اساس نقل مرحوم کلینی در روضه کافی، چون این خطبه دنیاله خطبه ۲۸۸، آورده شده، پس امام آن را در شهر مدینه ایراد کرده است)

#### ۱ احترام مقابل اجتماعی

(۳۵۳۱۷–۳۵۳۱۰)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۱۹

باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنید، و بزرگ سالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند (۳۵۳۲۴–۳۵۳۱۸)، و جوانان ستم پیشگان جاهلیت نباشید، که نه از دین آگاهی داشتند و نه در خدا اندیشه می‌کردند (۳۵۳۳۸–۳۵۳۳۵)، همانند تخم افعی در لانه پرندگان نباشید که شکستن آن گناه و نگهداشتن آن شر و زانیار است. (بجای جوجه، ماری از آن بیرون می‌آید) (۳۵۳۴۹–۳۵۳۳۹)، ۱۰)

#### ۲ آینده بنی امیه

مسلمانان، پس از وحدت و برادری به جدایی و تفرقه رسیدند، و از ریشه و اصل خویش پراکنده شدند. (۳۵۳۶۰–۳۵۳۵۰) تنها گروهی شاخه درخت توحید را گرفتند، و به هر طرف که روی آورد همسو شدند. (۳۵۳۶۷–۳۵۳۶۱) انا خداوند مسلمانان را به زودی برای بدترین روزی که بنی امیه در پیش دارند جمع خواهد کرد، آن چنانکه قطعات پراکنده ابرها را در فصل پاییز جمع می‌کند. (۳۵۳۸۰–۳۵۳۶۸) خدا میان مسلمانان آلفت ایجاد می‌کند، و بصورت ابرهای فشرده در می‌آورد، آنگاه درهای پیروزی به رویشان می‌گشاید (۳۵۳۹۲–۳۵۳۸۱)، که مانند سیلی خروشان از جایگاه خود بیرون می‌ریزند. «چونان «سیل عرم» ۱۲، که در باغستان «شهر سبا» را در هم کوبید (۳۵۳۹۷–۳۵۳۹۳)، و در برابر آن سیل هیچ بلندی و تپه‌ای بر جای نماند (۳۵۴۰۷–۳۵۳۹۸)، نه کوههای بلند و محکم، و نه بر آمدگیهای بزرگ، توانستند برابر آن مقاومت کنند. (۳۵۴۱۷–۳۵۴۰۸) خداوند بنی امیه را مانند آب در درون درّه‌ها و رودخانه‌ها پراکنده و پنهان می‌کند، سپس چون چشمه سارها بر روی زمین جاری می‌سازد (۳۵۴۲۷–۳۵۴۱۸)، نا حق برخی از مردم را از بعضی دیگر بستاند، و گروهی را توانایی بخشیده در خانه‌های دیگران سکونت دهد. (۳۵۴۳۹–۳۵۴۲۸) به خدا سوگند، بنی امیه پس از پیروزی و سلطه‌گری، همه آنچه را که به دست آوردند از کفشان می‌رود، چنانکه چربی بر روی آتش آب شود!

(۳۵۴۵۵–۳۵۴۴۰)

#### ۳ علل پیروزی و شکست عَمّت‌ها

(۳۵۴۵۸–۳۵۴۵۶) ای مردم! اگر دست از باری حق بر نمی‌داشتید، و در عوار ساختن باطل سستی نمی‌کردید، هیچ گاه آنان که به پایه شما نیستند در نابودی شما طمع نمی‌کردند، و هیچ قدرتمندی بر شما پیروز نمی‌گشت (۳۵۴۸۴–۳۵۴۵۹)، انا چونان امت بنی اسرائیل در حیرت و سرگردانی فرو رفتید (۳۵۴۸۹–۳۵۴۸۵)، به جانم سوگند سرگردانی شما پس از من بیشتر خواهد شد. (۳۵۴۹۷–۳۵۴۹۰) چرا که به حق پشت کردید، و با نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم بریده به بیگانه‌ها نزدیک شدید. (۳۵۵۰۸–۳۵۴۹۸) آگاه باشید! اگر از امام خود پیروی می‌کردید، شما را به راهی هدایت می‌کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم رفته بود، و از اندوه بیراهه رفتن در امان بودید، و بار سنگین مشکلات را از دوش خود بر می‌داشتید.

(۳۵۵۲۹–۳۵۵۰۹) (۱۱۶۷)

#### ترجمه خطبه ۱۶۷

#### اشاره

(سخنرانی امام علیه السلام در آغاز خلافت در سال ۳۵ هجری، نوشته که نخستین سخنرانی آن حضرت است) (۳۵۵۳۷–۳۵۵۳۰)

#### ۱ ویژگی‌های قرآن

همانا خداوند بزرگ کتابی هدایت‌گر فرستاد، نیکی و بدی، خیر و شر را آشکارا در آن بیان فرمود. (۳۵۵۴۸–۳۵۵۳۸) پس راه نیکی در پیش گیرید، که هدایت شوید.

(۱) شتر مرغ یا پرندۀ سگخواره، در شن زار تخم می‌گذاشت که شبیه تخم مار و افعی بود، و مردم از تشخیص آن عاجز بودند. فکر می‌کردند تخم پرندۀ است ولی ناگاه ماری از آن بیرون می‌آمد.

(۲) سیل بزرگی که خدا در بین جاری ساخت که «سَدّ مَآرِب» را شکست و بنام «سیل عرم» دولت کافر «سبا» را نابود و باغ‌های سرسبز آن سامان را از بین و خ و بن برکند و اشاره است به آیه ۱۶ سوره سبا.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۲۱

و از شر و بدی پرهیز کنید تا در راه راست قرار گیرید. (۳۵۵۵۸–۳۵۵۴۹) واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند (۳۵۵۶۶–۳۵۵۵۹)، همانا خداوند چیزهایی را حرام کرده که ناشناخته نیست، و چیزهایی را حلال کرده که از عیب خالی است (۳۵۵۷۷–۳۵۵۶۷)، و در این میان حرمت مسلمان را بر هر حرمتی برتری بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید استوار کرد.

(۳۵۵۹۳–۳۵۵۷۸)

#### ۲ ویژگی‌های مسلمانی

پس مسلمان کسی است که از مسلمانان از زبان و دست او آزاری نبینند، مگر آنجا که حق باشد، و آزار مسلمان روا نیست جز در آنچه که واجب باشد. (۳۵۶۱۱–۳۵۵۹۴) به سوی مرگ که هنگامی است، و فرد فرد شما را از آن گزیری نیست بشناسید (۳۵۶۲۰–۳۵۶۱۲)، همانا مردم در پیش روی شما می‌روند، و قیامت از پشت سر، شما را می‌خواند. (۳۵۶۲۹–۳۵۶۲۱) سبکبار شوید تا به قافله برسید، که پیش رفتگان در انتظار باز ماندگانند. (۳۵۶۳۵–۳۵۶۳۰) از خدا بترسید، و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا، و شهرها، و خانه‌ها و حیوانات هستید. (۳۵۶۴۸–۳۵۶۳۶) «۱» خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سرایز مدارید، اگر خبری دیدید بر گزینید، و اگر شر و بدی دیدید از آن دوری کنید.

(۳۵۶۶۵–۳۵۶۴۹) (۱۱۶۸)

**ترجمه خطبه ۱۶۸**

**اشاره**

(پس از بیعت مردم با امام علیه السلام در سال ۳۵ هجری گروهی از صحابه گفتند ای کاش شورشیان بر ضد عثمان را کثیر می‌دادی؟ پاسخ فرمود) (۳۵۶۹۲-۳۵۶۶۶)

**۱ واقعیتی در مبارزه**

ای برادران! از آنچه شما می‌دانید بی اطلاع نیستم، اما قدرت اجرای آن را چگونه به دست آورم؟ آنان با ساز و برگ و نیرو به راه افتادند، بر ما تسلط دارند و ما بر آنها قدرتی نداریم! (۳۵۷۱۴-۳۵۶۹۳) هم اکنون بردگان شما با آنها می‌جوشند، و یاده نشیان اطراف شما به آنها پیوسته‌اند. (۳۵۷۲۶-۳۵۷۱۵) آنها در میان شما زندگی می‌کنند، و هر مشکلی را که بخواهند بر شما تحمیل می‌کنند. (۳۵۷۳۲-۳۵۷۲۷) آیا برای خواسته‌های خود توانائید؟ (۳۵۷۴۰-۳۵۷۳۳)

**۲ مشکلات جنگ داخلی**

کاری که پیش آمده از جاهلیت است، شورشیان یار و یاور دارند (۳۵۷۵۰-۳۵۷۴۱)، اگر برای کثیر دادنشان حرکتی آغاز شود، مردم به چند دسته تقسیم می‌شوند: گروهی خواسته‌های شما را دارند، و عده‌ای بر خلاف شما فکر می‌کنند، و گروهی نه این را می‌پسندند و نه آن را. (۳۵۷۷۷-۳۵۷۵۱) پس صبر کنید تا مردم آرام شوند، و دل‌های مضطرب در جای خود قرار گیرد، و حقوق از دست رفته با مدارا گرفته شود. (۳۵۷۸۹-۳۵۷۸۸) اکنون مرا آسوده گذارید، و در انتظار فرمان من باشید،

(۱) می‌بینم که «حمایت از حیوانات»، قرن‌ها قبل از مدعیان دروغین غرب که شعار حمایت از حیوانات می‌دهند اما میلیون‌ها انسان را آواره می‌سازند و بخاک و خون می‌کشند، از طرف حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مطرح و به آن عمل شده است. نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۲۳ کاری نکند که قدرت ما را تضعیف کند، و اقتدار امت ما را متزلزل سازد و سستی و زیونی به بار آورد (۳۵۸۱۲-۳۵۷۹۰)، این جریان سیاسی را تا می‌توانم مهار می‌کنم، امّا اگر راه چاره‌ای نیابم با آنان می‌جنگم (که سر انجام درمان، داغ کردن است). (۳۵۸۲۵-۳۵۸۱۳) ۱۰، (۱۱۶۹)

**ترجمه خطبه ۱۶۹**

**اشاره**

(این سخنرانی را در سال ۳۶ هجری به هنگام حرکت اصحاب به سوی بصره ایراد فرمود) (۳۵۸۳۶-۳۵۸۲۶)

**۱ ضرورت اطاعت از رهبری**

همانا خداوند پیامبری را به ما فرستاد و دستور استوار بر انگیخت. هلاک نشود جز کسی که نپیکار است (۳۵۸۵۴-۳۵۸۴۰) و بداند که بدعت‌ها به رنگ حق در آمده و هلاک کننده‌اند، مگر خداوند ما را از آنها حفظ فرماید (۳۵۸۶۵-۳۵۸۵۵)، و همانا حکومت الهی حافظ امور شماست، بنا بر این زمام امور خود را بی آن که نفاق ورزید یا کراهتی داشته باشید به دست امام خود بسازید. (۳۵۸۸۰-۳۵۸۶۶) به خدا سوگند اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خدا دولت اسلام را از شما خواهد گرفت که هرگز به شما باز نخواهد گردانید. و در دست دیگران قرار خواهد داد (۳۵۸۹۹-۳۵۸۸۱)

**۲ افشاء نوظنه ناکتین**

(۳۵۹۰۰-۳۵۹۰۲) همانا ناکتین عهد شکن ۲۰، به جهت ناراضایی از حکومت من به یکدیگر پیوستند (۳۵۹۰۹-۳۵۹۰۳)، و من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکند صبر خواهم کرد (۳۵۹۱۶-۳۵۹۱۰)، زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت پیدا کنند، نظام جامعه اسلامی متزلزل می‌شود. (۳۵۹۲۶-۳۵۹۱۷) ۳۰ آنها از روی حسادت بر کسی که خداوند حکومت را به او بخشیده است به طلب دنیا برخاسته‌اند. می‌خواهند کار را به گذشته باز گردانند. (۳۵۹۴۱-۳۵۹۲۷) حقیقی که شما به گردن ما دارید، عمل کردن به کتاب خدا (قرآن)، و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قیام به حق و بر پاداشن سنت اوست. (۳۵۹۵۹-۳۵۹۴۲) (۱۱۷۰)

**ترجمه خطبه ۱۷۰**

**اشاره**

(در آستانه جنگ بصره، در سال ۳۶ هجری، گروهی از اعراب، کلیب جرّمی را جهت آگاهی از حقیقت و دانستن علل مبارزه امام علیه السلام با ناکتین به نمایندگی نزد حضرت علی علیه السلام فرستادند. (۳۵۹۹۸-۳۵۹۷۲) امام به گونه‌ای با آن شخص صحبت فرمود که حقیقت را دریافت. (۳۶۰۱۰-۳۵۹۹۹) آنگاه به او فرمود: بیعت کن. وی گفت: من نماینده گروهی هستم و قبل از مراجعه به آنان به هیچ کاری اقدام نمی‌کنم. امام فرمود) (۳۶۰۲۷-۳۶۰۱۱)

**روش هدایت کردن**

اگر آنها تو را می‌فرستادند که محل ریزش باران را بیابی، سپس به سوی آنان باز می‌گشی و از گیاه و سبزه و آب خیر می‌دادی، اگر مخالفت می‌کردند،

(۱) ضرب الثمل است بقول حافظ

(تبع سزاست هر که را درک سخن نمی‌کند) (۲). طلحه و زبیر و سران قریش

(۳) نظام، معادل سیستم SYSTEM است به مفهوم جمع، مجموع و مجموعه هماهنگی که کشور را اداره می‌کنند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۲۵

و به سرزمین‌های خشک و بی آب روی می‌آوردند تو چه می‌کردی؟ (۳۶۰۵۵-۳۶۰۲۸) (گفت: آنها را راه می‌کردم و به سوی آب و گیاه می‌رفتم (۳۶۰۴۴-۳۶۰۵۶)، امام فرمود) پس دستم را برای بیعت کردن بگشای. (۳۶۰۶۹-۳۶۰۶۵) (مرد گفت: سوگند به خدا به هنگام روشن شدن حق، توانایی مخالفت نداشتم و با امام علیه السلام بیعت کردم) (۳۶۰۸۲-۳۶۰۷۰) (۱۱۷۱)

**ترجمه خطبه ۱۷۱**

**اشاره**

(دعای امام علیه السلام در آستانه نبرد صفین با قاسطین در سال ۳۷ هجری هفتم صفر)

**۱ نیاش در آستانه جنگ**

(۳۶۰۹۸-۳۶۰۸۸) ای خدای آسمان بر افراشته، و فضای نگاه داشته، که آن را زمین پیدایش شب و روز، و جریان گردش ماه و خورشید، و مسیر آمد و شد ستارگان سیار قرار داده‌ای (۳۶۱۲۱-۳۶۰۹۹)، و جایگاه گروهی از فرشتگان ساخته‌ای که از عبادت تو خسته نمی‌گردند (۳۶۱۳۱-۳۶۱۲۲)، ای پروردگار این زمین، که آن را جایگاه سکونت انسان‌ها، و مکان رفت و آمد حشرات و چارپایان (۳۶۱۴۴-۳۶۱۳۲)، و پدیده‌های دیدنی و نادیدنی غیر قابل شمارش قرار داده‌ای (۳۶۱۵۴-۳۶۱۴۵)، و ای پروردگار کوه‌های بلند و با بر جها، که آن را برای زمین چونان میخ‌های محکم، و برای مخلوقات تکیه گاهی مطمئن ساخته‌ای. (۳۶۱۶۵-۳۶۱۵۵) اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز بر کنار دار، و بر راه حق استوار فرما (۳۶۱۷۴-۳۶۱۶۶)، و چنانچه آنها را بر ما پیروز گردانندی شهادت نصیب ما فرموده و از شرک و فساد و فتنه‌ها، ما را نگهدار!

(۳۶۱۸۴–۳۶۱۷۵)

**۲ روز سیخ نیروها در جنگ**

کجايند آزاد مردانی که به حمايت مردم خویش برخيزند؟ (۳۶۱۸۹–۳۶۱۸۵)
کجايند غيور مردانی که به هنگام نزول بلا-و مشکلات مبارزه می‌کنند؟ (۳۶۱۹۷–۳۶۱۹۰)
هان مردم!! ننگ و عار پشت سر شما، و بهشت در پيش روی شماست. (۳۶۲۰۲–۳۶۱۹۸) (۱۱۷۲)

**ترجمه خطبه ۱۷۲**

**اشاره**

(مطلب این خطبه، بخشی از نوشته‌های افشاگرانه‌ای است که در سال ۴۰ هجری برای روشن شدن واقعیت‌های تاریخ اسلام به دستور امام نوشته شد)
ستایش خداوندی را سزااست که نه آسمانی مانع آگاهی او از آسمان دیگر، و نه زمینی مانع او از زمین دیگر می‌شود. (۳۶۲۱۱–۳۶۲۱۰)

**۱ گفتگو در روز شورا**

شخصی در روز شورا به من گفت: «ای فرزند ابو طالب نسبت به خلافت حریص می‌باشی» (۳۶۲۳۷–۳۶۲۳۲)
۱۰۱ در پاسخ او گفتم، به خدا سوگند! شما با اینکه از پیامبر اسلام دورترید، حریص تر می‌باشید، اما من شایسته‌تر و نزدیکتر به پیامبر اسلام (۳۶۲۵۰–۳۶۲۳۸)؛ همانا من تنها حق خود را مطالبه می‌کنم که شما بین من و آن حائل شدید، و دست رد بر سینه‌ام زدید. (۳۶۲۶۵–۳۶۲۵۱)

(۱) آن شخص، سعد بن ابی وقّاص بود با اینکه حدیث منزلت «اِنَّ مَنِّيْ بِمَثَلِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»

را همین سعد از رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم در باره حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شنیده و بارها نقل کرده بود، اما راه انحراف پیمود و ولایت آن حضرت را سرانجام انکار کرد.

*نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۲۷*

پس چون در جمع حاضران، با برهان قاطع او را مغلوب کردم، درمانده و سرگردان شد و نمی‌دانست در پاسخم چه بگوید؟

(۳۶۲۷۹–۳۶۲۶۶)

**۲ شکوه از قریش**

(۳۶۲۸۲ – ۳۶۲۸۰)
بار خدایا، از قریش و از تمامی آنها که پاریشان کردند به پیشگاه تو شکایت می‌کنم، زیرا قریش پیوند خوبشوندی مرا قطع کردند، و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند، و در غضب حق من، با یکدیگر هم داستان شدند (۳۶۳۰۴–۳۶۲۸۳)؛ سپس گفتند: برخی از حق را باید گرفت و برخی را باید رها کرد (یعنی خلافت حَقِّی است که باید رهایش کنی)

(۳۶۳۱۷–۳۶۳۰۵)

**۳ شکوه از ناکتین**

(۳۶۳۲۲–۳۶۳۱۸)
طلحه و زبیر و یارانشان بر من خروج کردند، و همسر رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم–عائشه– را به همراه خود می‌کشیدند. چونان کتیزی را که به بازار برده فروشان می‌برند، به بصره روی آوردند (۳۶۳۳۷–۳۶۳۳۳)؛ در حالی که همسران خود را پشت پرده نگاهداشته، اما پرده نشین حرم پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. (۳۶۳۵۰–۳۶۳۳۸)
لشکری را گرد آوردند که همه آنها به اطاعت من گردن نهاده، و بدون اکراه، و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند. (۳۶۳۳۷–۳۶۳۵۱)؛ پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه داران بیت المال مسلمین، و به مردم بصره حمله کردند، گروهی از آنان را شکنجه «۱۱» و گروه دیگر را با حبله کشند. (۳۶۳۸۶–۳۶۳۶۸)
به خدا سوگند، اگر جز به یک نفر دست نمی‌افزاند و او را عمدا بدون گناه می‌کشند کشتار همه آنها برای من حلال بود (۳۶۴۰۶–۳۶۳۸۷)؛ زیرا هنگام حضور داشتند و انکار نکردند، و از مظلوم با دست و زبان دفاع نکردند (۳۶۴۱۸–۳۶۴۰۷)؛ چه رسد به اینکه ناکتین به تعداد لشکریان خود از مردم بی دفاع بصره قتل عام کردند.

(۳۶۴۳۱–۳۶۴۱۹) (۱۱۷۳)

**ترجمه خطبه ۱۷۳**

**اشاره**

(با توجه به برخی از شواهد، این سخنرانی در شهر مدینه ایراد شده).

پیامبر اسلام صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم امین وحی پروردگار، و خاتم پیامبران، و بشارت دهنده رحمت، و بیم دهنده کفر الهی است. (۳۶۴۶۸–۳۶۴۵۶)

**۱ ویژگی‌های رهبر اسلامی**

ای مردم! سزاورترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقّق حکومت نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد (۳۶۴۸۴–۳۶۴۶۹)؛ تا اگر آشوب‌گری به فتنه انگیزی برخیزد، به حق باز گردانده شود، و اگر سرباز زد با او مبارزه شود. (۳۶۴۹۱–۳۶۴۸۵)
به جانم سوگند! اگر شرط انتخاب رهبر، حضور تمامی مردم باشد هرگز راهی برای تحقّق آن وجود نخواهد داشت (۳۶۵۰۶–۳۶۴۹۲).

(۱) قتل صبر، یعنی دست و پای کسی را ببندند و او را بکشند. «شرح خوبی ج ۱۰ ص ۱۳۴ نقل از جواهر الکلام».

*نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۲۹*

بلکه آگاهان دارای صلاحیت و رأی، و اهل حل و عقد (خبرگان مَلَّت) رهبر و خلیفه را انتخاب می‌کنند، که عمل آنها نسبت به دیگر مسلمانان نافذ است (۳۶۵۱۴–۳۶۵۰۷)؛ آنگاه نه حاضران بیعت کنند، حق تجدید نظر دارند و نه آنان که در انتخابات حضور نداشتند حق انتخابی دیگر را خواهند داشت.

آگاه باشید! من با دو کس پیکار می‌کنم، کسی چیزی را ادعا کند که از آن او نباشد، و آن کس که از ادای حق سرباز زند. (۳۶۵۳۹–۳۶۵۱۵)
ای پندگهان خدا! شما را به تقوا و ترس از عذاب خدا سفارش می‌کنم، زیرا تقوای الهی بهترین سفارش مؤمنان، و بهترین پایان نامه کار در پیشگاه خداست. (۳۶۵۵۶–۳۶۵۴۰)
مردم! هم اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قله سلطه‌ور شده است (۳۶۵۶۶–۳۶۵۵۷)؛ و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند. (۳۶۵۸۰–۳۶۵۶۷)
بنابر این آنچه فرمان دادند انجام دهید، و از آنچه نهی کردند توقّف کنید (۳۶۵۹۰–۳۶۵۸۱)؛ و در هیچ کاری تا روشن نشود شتاب نکنید، زیرا در آنچه شما اکراه دارید توان تغییراتی داریم.

(۳۶۶۰۴–۳۶۵۹۱)

**۲ شناخت دنیا**

آگاه باشید، همانا این دنیا که آرزوی آن را می‌کنید و بدان روی می‌آورید (۳۶۶۱۷–۳۶۶۰۵)؛ و شما را گاهی به خشم می‌آورد و زمانی خشنود می‌سازد (۳۶۶۲۲–۳۶۶۱۸)؛ خانه مانند‌گار شما نیست، و منزلی نیست که برای آن آفریده و به آن دعوت شدید (۳۶۶۳۵–۳۶۶۲۳)؛ آگاه باشید نه دنیا برای شما جاودانه و نه شما در آن جاودانه خواهید ماند. (۳۶۶۴۵–۳۶۶۳۶)
دنیا گرچه از جهتی شما را می‌فریبد ولی از جهت دیگر شما را از بدبهایش می‌ترساند (۳۶۶۵۴–۳۶۶۴۶)؛ پس برای هشدارهایش از آنچه مغروران می‌کنند چشم پوشیده، و به خاطر ترساندنش از طمع ورزی در آن باز ایستید (۳۶۶۶۰–۳۶۶۵۵)؛ به عنایتی که دعوت شدید سبقت گیرید (۳۶۶۶۸–۳۶۶۶۱)؛ و دل از دنیا برگیرید (۳۶۶۷۲–۳۶۶۶۹)؛ و چونان کنیزکان آنچه که از دنیا از دست می‌دهید گریه نکنید (۳۶۶۸۳–۳۶۶۷۳)؛ «۱» و با صبر و استقامت بر اطاعت پروردگار، و حفظ و نگهداری فرامین کتاب خدا، نعمت‌های پروردگار را نسبت به خویش کامل کنید. (۳۶۶۹۹–۳۶۶۸۴)
آگاه باشید، آنچه برای حفظ دین از دست می‌دهید زبانی به شما نخواهد رساند! (۳۶۷۱۲–۳۶۷۰۰)
آگاه باشید، آنچه را با تپاه ساختن دین به دست می‌آورید سودی به حالتان نخواهد

داشت) (۳۶۷۶–۳۶۷۱۳) خداوند دل‌های ما و شما را به سوی حق متوجه سازد و صبر و استقامت عطا فرماید. (۳۶۷۳۸–۳۶۷۲۷) (۱۱۷۴)

### ترجمه خطبه ۱۷۴

### اشاره

(در باره طلحه فرزند عبید الله در سال ۳۶ هجری که در آستانه جنگ جمل فرمود) (۳۶۷۶۱–۳۶۷۵۰)

### افتاء ائمه‌های دروغین طلحه

تا بوده‌ام مرا از جنگ نترسانده، و از شربت شمشیر نهرسانده‌اند، من به وعده پیروزی که

(۱) چنین گریه کردن از راه بی‌نی است یعنی «آرام و بی صدا گریستن»

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۱

پروردگارم داده است استوارم. (۳۶۷۸۰–۳۶۷۶۲) به خدا سوگند، طلحهٔ بن عبیدالله، برای خونخواهی عثمان شورش نکرد، جز اینکه می‌ترسید خون عثمان از او مطالبه شود، زیرا او خود مَنهم به قتل عثمان است (۳۶۷۹۶–۳۶۷۸۱)، که در میان مردم از او حریص‌تر بر قتل عثمان یافت نمی‌شد. (۳۶۸۰۴–۳۶۷۹۷) «۱» برای اینکه مردم را دچار شک و تردید کند، دست به اینگونه اذعاهای دروغین زد. (۳۶۸۱۵–۳۶۸۰۵) سوگند به خدا، لازم بود طلحه، نسبت به عثمان یکی از سه راه حل را انجام می‌داد که نداد: (۳۶۸۲۶–۳۶۸۱۶) اگر پسر عَمّان ستمکار بود چنانکه طلحه می‌اندیشید، سزاوار بود با قاتلان عثمان همکاری می‌کرد، و از باران عثمان دوری می‌گزید (۳۶۸۴۵–۳۶۸۲۷)، یا اگر عثمان مظلوم بود می‌بایست از کشته شدن او جلوگیری می‌کرد، و نسبت به کارهای عثمان عذرهای موجه و عموم پسندی را طرح می‌کرد (تا خشم مردم فرو نشیند) (۳۶۸۶۱–۳۶۸۴۶) و اگر نسبت به امور عثمان شک و تردید داشت خوب بود که از مردم خشمگین کناره می‌گرفت و به انزوا پناه برده و مردم را با عثمان وا می‌گذاشت. (۳۶۸۸۱–۳۶۸۶۲) آیا او هیچ کدام از سه راه حل را انجام نداد، و به کاری دست زد که دلیل روشنی برای انجام آن نداشت، و عذرهایی آورد که مردم پسند نیست.

(۳۶۸۹۶–۳۶۸۸۲) (۱۱۷۵)

### ترجمه خطبه ۱۷۵

### اشاره

(برخی از شارحان نوشته‌اند این خطبه را هنگامی که به ستون مسجد مدینه نکهه داده بود ایراد فرمود)

### انگوهش غافلان

ای بی خبرانی که آتی مورد غفلت نیستید، و ای ترک کنندگان فرامین الهی که از تمامی کارهایتان بازخواست می‌شوید! (۳۶۹۱۷–۳۶۹۰۹) شما را چه شده است که از خدای خود روی گردان و به غیر او گرایش دارید؟ (۳۶۹۲۷–۳۶۹۱۸) چوَنان چار پایانی که چوَنان آنها را در بیابانی و با خیز، و آب‌هایی بیماری‌زا رها کرده است. (۳۶۹۳۸–۳۶۹۲۸) گوسفندان پرورار را می‌ماند که برای کارد قصاب آماده‌اند ولی خودشان نمی‌دانند! چه آن که هر گاه به گوسفندان با مقداری علف نیکی کنند یکتک روز خود را یک عمر پندارند، و زندگی را در سیر شدن شکم‌ها می‌نگرند.

(۳۶۹۵۸–۳۶۹۳۹)

### ۲ علوم بی پایان امام علیه السلام

سوگند به خدا، اگر بخوام می‌توانم هر کدام شما را از آغاز و پایان کارش، و از تمام شئون زندگی، آنگاه سازم (۳۶۹۷۴–۳۶۹۵۹)، اِنِما از آن می‌ترسم که با اینگونه خیرها نسبت به رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آله و سَلَّم کافر شوید (۳۶۹۸۳–۳۶۹۷۵)، آنگاه باشید که من این اسرار گرانبها را به باران راز دار و مورد اطمینان خود می‌سپارم. (۳۶۹۹۳–۳۶۹۸۴) سوگند به خدایی که محنت صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آله و سَلَّم را به حق پرانگیخت، و او را برگزید، جز به راستی سخن نگویم. (۳۷۰۰۵–۳۶۹۹۴) پیامبر اسلام صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آله و سَلَّم همه اطلاعات را به من سپرده است، و از محل هلاکت آن کس که هلاک می‌شود، و جای نجات کسی که نجات می‌یابد، و پایان این حکومت، همه را به من خبر داده و مرا آگاهانده است. (۳۷۰۲۳–۳۷۰۰۶) هیچ خادمای بر من نگذشت جز آن که در گوشم نجوا کرد، و مرا مطلع ساخت.

(۳۷۰۳۸–۳۷۰۲۴)

### ۳ ویژگی‌های امام علی علیه السلام علیه السلام

(۱) طلحه تا سه روز نگذاشت جنازه عثمان را دفن کنند، افرادی را مأمور کرد تا با سنگ باران کردن خانواده عثمان مانع دفن او شوند، که سر انجام با دخالت امام او را دفن کردند. و در کشتن او از همه مهاجمان حریص‌تر بود، همه این حقیقت را می‌دانستند که مروان بن حکم در جنگ جمل او را با تیری هدف قرار داد و کشت و بارها می‌گفت من انتقام عثمان را گرفتم. «تاریخ طبری» نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۳

ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر آن که پیش از آن خود، عمل کرده‌ام (۳۷۰۵۱–۳۷۰۲۹)، و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آن که پیش از آن، ترک گفته‌ام.

(۳۷۰۶۱–۳۷۰۵۲) (۱۱۷۶)

### ترجمه خطبه ۱۷۶

### اشاره

(این سخنرانی را امام در روزهای نخست خلافت خود در سال ۳۵ هجری در مدینه ایراد فرمود)

### ۱ ضرورت اطاعت از دستورات الهی

مردم! از آنچه خداوند بیان داشته بهره بگیرید، و از پند و اندرزهای خدا پند پذیرید، و نصیحت‌های او را قبول کنید (۳۷۰۹۰–۳۷۰۸۰)، زیرا خداوند با دلیل‌های روشن، راه عذر را به روی شما بسته، و حجت را بر شما تمام کرده است. و اعمالی که دوست دارد بیان فرموده، و از آنچه کراهت دارد معرفی کرد، تا از خوبی‌ها پیروی و از بدی‌های دوری بگیرید (۳۷۱۱۴–۳۷۰۹۱)، همانا رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آله و سَلَّم همواره می‌فرمود: «گرداگرد بهشت را دشواری‌ها (مکاره) و گرداگرد آتش جهنم را موس‌ها و شهبوات گرفته است» (۳۷۱۲۹–۳۷۱۱۵) آنگاه باشید! چیزی از طاعت خدا نیست جز آن که با کراهت انجام می‌گیرد، و چیزی از معصیت خدا نیست جز اینکه با میل و رغبت عمل می‌شود. (۳۷۱۵۱–۳۷۱۳۰) پس رحمت خداوند بر کسی که شهبوات خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند (۳۷۱۶۱–۳۷۱۵۲)، زیرا کار مشکل، باز داشتن نفس از شهوت بوده که پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است. (۳۷۱۷۶–۳۷۱۶۲) بندگان خدا! بدانید که انسان با ایمان، شب را به روز، و روز را به شب نمی‌رساند جز آن که نفس خویش را مَنهم می‌داند (۳۷۱۹۲–۳۷۱۷۷)، همواره نفس را سرزنش می‌کند، و گناه کارش می‌شمارد. (۳۷۱۹۳–۳۷۱۹۲) پس در دنیا چوَنان پیشینیان صالح خود باشید، که در پیش روی شما در گذشته‌اند (۳۷۲۰۵–۳۷۲۰۰) و همانند مسافران، خیمه خویش را از جا در آورده‌اند (۳۷۲۱۰–۳۷۲۰۶) و به راه خود رفتند.

(۳۷۲۱۴–۳۷۲۱۱)

### ۲ ویژگی‌های قرآن

آگاه باشید! همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فرید (۳۷۲۲۶–۳۷۲۱۷)، و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد، و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. (۳۷۲۳۶–۳۷۲۲۷) کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کور دلی و گمراهی‌اش کاست. (۳۷۲۵۵–۳۷۲۳۷) آگاه باشید کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون قرآن بی نیاز نخواهد بود. (۳۷۲۷۲–۳۷۲۵۶) پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی‌ها از قرآن یاری طلبید. (۳۷۲۸۰–

۳۷۳۳)، که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است (۳۷۲۵–۳۷۲۸)، پس به وسیله قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن به خدا روی آورید، و به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید (۳۷۲۰۷–۳۷۲۹۶)، زیرا وسیله‌ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد. (۳۷۳۱۵–۳۷۳۰۸)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۵

آگاه باشید، که شفاعت قرآن پذیرفته، و سخنش تصدیق می‌گردد (۳۷۳۲۳–۳۷۳۱۶)، آن کس که در قیامت، قرآن شفاعتش کند بخشوده می‌شود (۳۷۳۳۳–۳۷۳۲۴)، و آن کس که قرآن از او شکایت کند محکوم است (۳۷۳۴۴–۳۷۳۳۴)، در روز قیامت ندا دهنده‌ای بانگ می‌زند که: «اِیَّ آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بَداری است که کاشته و عملی است که انجام داده، جز اعمال منطبق با قرآن، پس شما در شمار عمل‌کنندگان به قرآن باشید، از قرآن پیروی کنید (۳۷۳۶۵–۳۷۳۴۴)، با قرآن خدا را بشناسید، و خویشتن را با قرآن اندرز دهید (۳۷۳۷۳–۳۷۳۶۶)، و رأی و نظر خود را برابر قرآن مُتَّهَم کنید، و خواسته‌های خود را با قرآن نادرست بنمایید.

(۳۷۳۸۱–۳۷۳۷۴)

**۳ تنویر به اعمال نیکو**

(۳۷۳۸۴–۳۷۳۸۳) عمل صالح! عمل صالح! سپس آینده نگرِی! آینده نگرِی! و استقامت! استقامت! آنگاه، پردبازی! پردبازی! و پرهیزکاری! پرهیزکاری! (۳۷۳۹۸–۳۷۳۸۵) برای هر کدام از شما عقابت و پایان مهنی تعیین شده، با نیکوکاری بدانجا برسید. (۳۷۴۰۴–۳۷۳۹۹) همانا پرچم هدایتی برای شما بر افراشتند، با آن هدایت شوید (۳۷۴۱۰–۳۷۴۰۵)، برای اسلام نیز هدف و نتیجه‌ای است به آن دسترسی پیدا کنید (۳۷۴۱۷–۳۷۴۱۱)، و با انجام واجبات، حقوق الهی را ادا کنید، که وظائف شما را آشکارا بیان کرده (۳۷۴۳۱–۳۷۴۱۸) و من گواه اعمال شما بوده، در روز قیامت از شما دفاع می‌کنم و به سود شما گواهی می‌دهم. (۳۷۴۳۹–۳۷۴۳۲) آگاه باشید! آنچه از پیش مَغرَر شده بوده، به وقوع پیوست، و خواسته‌های گذشته الهی انجام شد (۳۷۴۵۳–۳۷۴۴۲)، و همانا من با نکیه به وعده‌های الهی و براین روشن او سخن می‌گویم (۳۷۴۶۰–۳۷۴۵۴) که فرمود: «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنها فرود می‌آیند و می‌گویند، ترسید و محزون نباشید که بشارت باد بر شما بهشتی که به شما وعده داده‌اند!» (۳۷۴۸۴–۳۷۴۶۱) و همانا شما گفتید: پروردگار ما خداست، پس در عمل به دستورات قرآن خدا، و در ادامه راهی که فرمان داد، و بر روش درست پرستش بندگان او، استقامت داشته باشید، و پایدار مانید (۳۷۵۰۲–۳۷۴۸۵)، و از دستورات خدا سرپیچی نکنید، و در آن بدعت گزار مَباشید، و از آن منحرف نگردید (۳۷۵۱۴–۳۷۵۰۳)، زیرا خارج شوندگان از دستورات الهی در روز قیامت از رحمت خدا دورند.

(۳۷۵۱۳–۳۷۵۱۵)

**۴ ضرورت کنترل زبان**

سپس مواظب باشید که اخلاق نیکو را در هم نکشید و به رفتار ناپسند مبدَل نسازید (۳۷۵۲۰–۳۷۵۲۴) ۲۰.
زبان و دل را هماهنگ کنید. مرد باید زبانش را حفظ کند، زیرا همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد. (۳۷۵۴۳–۳۷۵۳۱) به خدا سوگند، پرهیزکاری را ندیده‌ام که تقوا برای او سودمند باشد مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود (۳۷۵۶۴–۳۷۵۴۴)، و همانا زبان مؤمن در پس قلب او (۳۷۵۶۱–۳۷۵۵۵)، و قلب منافق از پس زبان اوست. (۳۷۵۶۸–۳۷۵۶۲) زیرا مؤمن هر گاه بخواهد سخنی گوید،

(۱) اشاره به علم: اسکاتولوژی (ESCHATOLOGY) (وابسین شناسی، معاد شناسی)

(۲) نفی تفکر: امورالیسم (AMORALISM) که معضدند ارزشهای اخلاقی ضرورتی ندارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۷

نخست می‌اندیشد، اگر نیک بود اظهار می‌دارد، و چنانچه ناپسند، پنهانش می‌کند (۳۷۵۶۹–۳۷۵۸۷)، در حالی که منافق آنچه بر زبانش آمد می‌گوید، و نمی‌داند چه به سود او، و چه حرفی بر ضرر اوست؟ (۳۷۶۰۴–۳۷۵۸۸) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«ایمان بنده‌ای استوار نگردد تا دل او استوار شود (۳۷۶۱۷–۳۷۶۰۵)، و دل استوار نشود تا زبان استوار گردد.» (۳۷۶۱۸–۳۷۶۱۴) پس هر کس از شما بتواند خدا را در حالی ملاقات کند که دستش از خون و اموال مسلمانان پاکه، و زبانش از عرض و آبروی مردم سالم مانده، باید چنین کند.

(۳۷۶۶۵–۳۷۶۶۵)

**۵ پرهیز از بدعت‌ها**

(۳۷۶۶۷–۳۷۶۶۶) ای بندگان خدا! آگاه باشید مؤمن کسی است که حلال خدا را هم اکتون حلال (۳۷۶۵۹–۳۷۶۶۸)، و حرام خدا را هم اکتون حرام بشمارد، و آنچه را مردم با بدعت‌ها تغییر دادند، چیزی از حرام را حلال نمی‌کند، زیرا حلال همان است که خدا حلال کرده و حرام همان چیزی است که خدا حرام شمرده است. (۳۷۶۸۹–۳۷۶۶۰) «اِیَّ پس شما در امور و حوادث روزگار تجربه آموختید، و از تاریخ گذشتگان پند گرفتید، مثل‌ها برای شما زده‌اند (۳۷۷۰۳–۳۷۶۹۰)، و به امری آشکار دعوت شده‌اید، جز ناشنوایان کسی ادّعی نشنیدن حق را ندارد، و جز کوران و کور دلان کسی ادّعی ندیدن واقعیت‌ها نمی‌کند. (۳۷۷۱۱–۳۷۷۰۴) آن کس که از آزمایش‌ها و تجربه‌های خدا دادی سودی نبرد از هیچ پند و اندرزِی سود نخواهد برد و کونه فکری دامگیر او خواهد شد تا آنجا که بد را خوب، و خوب را بد می‌نگرد. (۳۷۷۴۷–۳۷۷۲۲) و همانا مردم دو دسته‌اند، گروهی پیرو شریعت و دین، و برخی بدعت گزارند که از طرف خدا دلیلی از سَنَت پیامبر، و نوری از براین حق ندارند.

(۳۷۷۶۷–۳۷۷۴۸)

**۶ ویژگی‌های قرآن**

همانا خداوند سبحان کسی را به چیزی چون قرآن پند نداده است (۳۷۷۷۸–۳۷۷۶۸)، که قرآن ریسمان استوار خدا، و وسیله ایمنی بخش است.

در قرآن بهسار دل، و چشمه‌های دانش است (۳۷۷۹۲–۳۷۷۷۹)، برای قلب جلاشی جز قرآن نتوان یافت (۳۷۷۹۷–۳۷۷۹۳)، بخصوص در جامعه‌ای که بیدار دلان در گذشته و غافلان و نغافل‌کنندگان حضور دارند. (۳۷۸۰۷–۳۷۷۹۸) پس هر جا که نیکی دیدید باری کنید، و هر گاه چیز بد و ناروایی مشاهده کردید دوری گزینید (۳۷۸۱۸–۳۷۸۰۸)، زیرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره می‌فرمود:

«ای فرزند آدم، کار نیک را انجام ده، و کار بد را واگذار، اگر چنین کنی در راه راست الهی قرار خواهی داشت»

(۳۷۸۴۶–۳۷۸۱۹)

**۷ اقسام ظلم و ستم**

آگاه باشید که ظلم بر سه قسم است، ظلمی که نابخشودنی است، و ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند، و ظلمی که بخشودنی و جبران شدنی است (۳۷۸۵۵–۳۷۸۳۷)، انا ظلمی که نابخشودنی است، شرک به خدای سبحان است، که فرمود: خداوند هیچ گاه از شرک به خود، در نمی‌گذرد (۳۷۸۷۲–۳۷۸۵۶)

(۱) اثبات وجود ارزشهای ثابت، ملاکها و معیارهای ثابت و نقد و ردّ تفکّر دیالیک تکیی که هر چیزی را متغیر می‌پندارد و می‌گوید چیز ثابتی وجود ندارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۳۹

و ابرا ظلمی که بخشودنی است، ستمی است که بنده با گناهان بر خویشتن روا داشته است (۳۷۸۸۳–۳۷۸۷۳)، و ظلمی که بدون مجازات نیست، ستمگری بعضی از بندگان بر بعض دیگر است (۳۷۸۹۳–۳۷۸۸۴) که قصاص در آنجا سخت است، مجروح کردن با کارد، یا تازیمانه زدن نیست بلکه اینها در برابرش کوچک است! (۳۷۹۱۰–۳۷۸۹۴) پس مبادا در دین دو رویی ورزید، که همبستگی و وحدت در راه حق «گر چه کراهت داشته باشید» از پراکندگی در راه باطل «گرچه مورد علاقه شما باشد» بهتر است (۳۷۹۱۹–۳۷۹۱۱) زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را با تفرقه عطا فرموده است.

(۳۷۹۴۴–۳۷۹۳۰)

**۸ ضرورت خود سازی**

ای مردم! خوشا به حال کسی که عیب شناسی نفس، او را از عیب جوئی دیگران باز دارد (۳۷۹۴۵- ۳۷۹۵۶)، خوشا به حال کسی که به خانه و خانواده خود پردازد، و غلّای حلال خود را بخورد، و به اطاعت پروردگار مشغول باشد (۳۷۹۶۸- ۳۷۹۵۷)، و بر خطاهای خویش بگریزد، و همواره به خویشتن خویش مشغول باشد و مردم از او در امان باشند.

(۳۷۹۸۲- ۳۷۹۶۹) (۱۱۷۷)

#### ترجمه خطبه ۱۷۷

##### اشاره

(در سال ۳۸ هجری پس از خیانت ابو موسی و عمرو عاص از داوران حکمیت فرمود)

##### نکوهش از خیانت حکمین

(۳۷۹۹۰- ۳۷۹۸۳) رأی جمعیت شما در صفین یکی شد که دو مرد را به داوری برگزینند (ابو موسی اشعری، عمرو عاص) و از آن دو پیمان گرفتم که در برابر قرآن تسلیم باشند، و از آن تجاوز نکنند (۳۸۰۰۶- ۳۷۹۹۱) و زبان آن دو با قرآن و قلب‌هایشان پیرو کتاب خدا باشد. (۳۸۰۱۳- ۳۸۰۰۷) اما آنها از قرآن روی گردان شدند، حق را آشکارا می‌دیدند و ترک گفتند، که جور و ستم، خواسته دلشان، و کجی و انحراف در روش فکریشان بود. (۳۸۰۲۸- ۳۸۰۱۴) در صورتی که پیش از صدور رأی زشت و حکم جانزانه، با آنها شرط کرده بودیم که به عدل حکم کرده و به حق عمل کنند. (۳۸۰۴۴- ۳۸۰۲۹) ما به حقّانیت خود ایمان داریم در حالی که آن دو از راه حق بیرون رفتند و حکمی بر خلاف حکم خدا صادر کردند.

(۳۸۰۶۱- ۳۸۰۴۵)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۴۱

(۱۱۷۸)

#### ترجمه خطبه ۱۷۸

##### اشاره

(گفته‌اند این خطبه را پس از اعلام نظر داوران حکمیت در «دومۀ الجندل» ایراد فرموده است) «۱»

##### ۱ خدا شناسی

هیچ کاری خدا را از کار دیگر باز نمی‌دارد، و گذشت زمان در او دگرگونی ایجاد نمی‌کند، و مکانی او را در بر نمی‌گیرد (۳۸۰۹۴- ۳۸۰۸۴)، هیچ زبانی قدرت وصف او را ندارد، و چیزی از خدا مخفی و پنهان نیست. نه تعداد قطرات فراوان آب‌ها، و نه ستارگان انبوه آسمان، و نه ذرات خاک همراه با گرد باده‌ها در هوا، و نه حرکات مورچگان بر سنگ‌های سخت، و نه استراحتگاه مورچگان ریز در شب‌های تار. (۳۸۱۲۷- ۳۸۰۹۵) خدا از مکان ریزش برگ درختان، و حرکات مخفیانه، چشم‌ها آگاه است. (۳۸۱۳۴- ۳۸۱۲۸) و شهادت می‌دهم که جز الله، خدایی نیست، همتایی نداشته و شک و تردیدی در او راه ندارد.

دین او را انکار نمی‌کنم و به آفریدگاری او اعتقاد دارم (۳۸۱۵۶- ۳۸۱۳۵) شهادت کسی که نیت او راست، درون او پاک، یقین او خالص، و میزان عمل او گران سنگ است (۳۸۱۶۹- ۳۸۱۵۷) و شهادت می‌دهم که محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده و برگزیده او از میان انسان‌هاست.

پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم برای تشریح حقائق آیین الهی انتخاب (۳۸۱۸۳- ۳۸۱۷۰)، و به ارزش‌های ویژه اخلاقی گرامی داشته شد.

او را برای رساندن رسالت‌های کریمانه‌اش برگزید (۳۸۱۹۱- ۳۸۱۸۴)، نشانه‌های هدایت به وسیله او آشکار، و تاریکی‌های جهل و گمراهی با نور هدایت او از میان رفت.

(۳۸۱۹۲- ۳۸۲۰۱)

##### ۲ روش برخورد با دنیا

ای مردم! دنیا آرزومندان و خواهان خود را فریب می‌دهد، برای شیفتگان خود ارزشی قائل نیست، و آن کس را که بر دنیا پیروز شود مغلوب گرداند. (۳۸۲۲۲- ۳۸۲۰۲) به خدا سوگند هرگز ملتی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند مگر به کینر گناهانی که انجام داده‌اند (۳۸۲۳۹- ۳۸۲۲۳)، زیرا خداوند بر بنده‌گان خود ستم روا نمی‌دارد، (۳۸۲۴۵- ۳۸۲۴۰) اگر مردم به هنگام نزول بلاها، و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند، و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دستشان رفته باز خواهد گشت، و هر گونه فسادی اصلاح خواهد شد. (۳۸۲۷۶- ۳۸۲۴۶) من بر شما ترسانم که در جهالت و غرور فرو رفته باشید (۳۸۲۸۴- ۳۸۲۷۷)، چه اینکه در گذشته به سویی کشیده شدید که قابل ستایش نبود. (۳۸۲۹۷- ۳۸۲۸۵) اما اگر در زندگانی خود اصلاحاتی پدید آورید، سعادت‌مند خواهید شد (۳۸۳۰۴- ۳۸۲۹۸)، وظیفه من جز تلاش و کوشش در اصلاح امور شما نیست (۳۸۳۰۹- ۳۸۳۰۵)، اگر می‌خواستم، بی‌مهره‌های شما را باز گو می‌کردم. خدا آنچه را گذشت بپخشاید.

(۳۸۳۱۹- ۳۸۳۱۰)

(۱) اما سید عبد الزهرا در مصادر نهج البلاغه ج ۳ ص ۴۳۵، و ابن ابی الحدید می‌گویند در سال ۳۵ هجری در مدینه ایراد شد. (ترجمه شرح ابن ابی الحدید ج ۵ ص ۱۵).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۴۳

(۱۱۷۹)

#### ترجمه خطبه ۱۷۹

##### اشاره

(این خطبه در مسجد کوفه در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل ایراد شد) ذعلب یمنای برسید «ای امیر مؤمنان آیا پروردگار خود را دیده‌ای؟» (۳۸۳۳۶- ۳۸۳۲۰) پاسخ فرمود «آیا چیزی را که نسیم می‌پرستم؟» گفت: «چگونه او را می‌بینی؟» فرمود: (۳۸۳۴۸- ۳۸۳۳۷) «۱»

##### خدا شناسی

دیده‌ها هرگز او را آشکار نمی‌بینند، اما دل‌ها با ایمان درست او را در می‌یابند (۳۸۳۵۹- ۳۸۳۴۹)، خدا به همه چیز نزدیک است نه آن که به اشیاء چسبیده باشد، از همه چیز دور است نه آن که از آنها بیگانه باشد (۳۸۳۶۸- ۳۸۳۶۰)، گوینده است نه با اندیشه و فکر، اراده کننده است نه از روی آرزو و خواهش، سازنده است نه با دست و پا (۳۸۳۷۷- ۳۸۳۶۹)، لطافت دارد نه آن که پوشیده و مخفی باشد، بزرگ است نه با ستمکاری (۳۸۳۸۵- ۳۸۳۷۸)، بیناست نه با حواس ظاهری (۳۸۳۸۹- ۳۸۳۸۶)، مهربان است نه با نازک دلی (۳۸۳۹۳- ۳۸۳۹۰)، سرها و چهره‌ها در برابر عظمت او بخاک افتاده، و دل‌ها از ترس او بی‌قرارند.

(۳۸۴۰۱- ۳۸۳۹۴) (۱۱۸۰)

#### ترجمه خطبه ۱۸۰

##### اشاره

(در سال ۳۸ هجری جهت کمک به محمّد بن ابی بکر در مصر در نکوهش یاران ایراد کرد) (۳۸۴۱۱- ۳۸۴۰۲)

##### ۱ نکوهش کوفیان

خدا را بر آنچه که خواسته و هر کار که مقصد فرموده ستایش می‌کنم، و او را بر این گرفتار شدنم به شما کوفیان می‌ستایم. ای مردمی که هر گاه فرمان دادم اطاعت نکردید، و هر زمان شما را دعوت کردم پاسخ ندادید (۳۸۴۳۸- ۳۸۴۱۲)، هر گاه شما را مهلت می‌دهم در بیهودگی فرو می‌رویند، و در هنگامه جنگ سست و ناتوانید (۳۸۴۴۵- ۳۸۴۳۹)، اگر مردم اطراف امام خود جمع شوند طعنه زده (۳۸۴۵۲- ۳۸۴۴۶)، و اگر شما را برای حل مشکلی بخوانند سر باز می‌زنید. (۳۸۴۵۸- ۳۸۴۵۳) پدر مباد دشمنان شما را! برای پیروزی منتظر چه چیزی هستید؟

چرا برای گرفتن حق خود در جهاد نمی‌کنید؟ (۳۸۴۸– ۳۸۴۵۹) آیا در انتظار مرگ یا ذلت هستید؟ (۳۸۴۶– ۳۸۴۶۹) به خدا سوگند، اگر مرگ من فرا رسد- که حتما خواهد رسید- بین من و شما جدایی خواهد افتاد (۳۸۴۲– ۳۸۴۳)، در حالی که من از همنشینی با شما ناراحت، و حضورتان برای من بی‌فایده بود.

(۳۸۴۹۰– ۳۸۴۸۳)

#### ۲ علل سقوط و انحطاط فکری کوفیان

عدا خیرتان دهد، آیا دینی نیست که شما را گرد آورد؟ آیا غیرتی نیست که شما را برای جنگ با دشمن بسیج کند؟ (۳۸۵۰– ۳۸۴۹۱) شگفت آور نیست که معاویه انسان‌های جفا کار پست را می‌خواند و آنها بدون انتظار کمک و بخششی از او پیروی می‌کنند! (۳۸۵۱– ۳۸۵۰۱) و من شما را برای یاری حق می‌خوانم، در حالی که شما بازمانه‌گان اسلام، و یادگار مسلمانان پیشین می‌باشید، با کمک و عطایا شما را دعوت می‌کنم ولی از اطراف من پراکنده می‌شوید، و به تفرقه و اختلاف روی می‌آورید. (۳۸۵۳۷– ۳۸۵۱۷) نه از دستورات من راضی می‌شوید،

(۱) ذعلب از اهل یمن و مردی شجاع بود، وقتی امام علیه السلام فرمود:

سلونی قبل ان تفقدونی

«سؤال کنید پیش از آنکه مرا نیابید» به پا خاست و پرسید. هل رأیت زینک با امیر المؤمنین؟ «آیا تو خدایت را دیده‌ای ای امیر مؤمنان؟» آن حضرت در پاسخ او این خطبه را ایراد کرد. (شرح خوبی ج ۱۰ ص ۲۵۹)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۴۵

و نه شما را به خشم می‌آورد که بر ضد من اجتماع کنید (۳۸۵۰– ۳۸۵۳۸)، اکنون دوست داشتی‌ترین چیزی که آرزو می‌کنم، مرگ است. (۳۸۵۵۸– ۳۸۵۵۱) «۱» کتاب خدا را به شما آموختم، و راه و رسم استدلال را به شما آموزش دادم (۳۸۵۶۴– ۳۸۵۵۹)، و آنچه را که نمی‌شناختید به شما شناساندم، و دانشی را که به کائنات سازگار نبود جرعه جرعه به شما نوشاندم. (۳۸۵۷۲– ۳۸۵۶۵) ای کاش ناپینا می‌دید و خفته بیدار می‌شد! (۳۸۵۷۹– ۳۸۵۷۳) «۲» سوگند به خدا چه نادان مردمی که رهبر آنان معاویه، و آموزگارش پسر نابغه (عمرو عاص) باشد!

(۳۸۵۹۱– ۳۸۵۸۰) (۱۱۸۱)

#### ترجمه خطبه ۱۸۱

#### اشاره

(در سال ۳۸ هجری در آستانه جنگ نهروان امام فردی را فرستاد تا گروهی از کوفیان که قصد ملحق شدن به لشکر خوارج را داشتند و ترسناک بودند بیاید (۳۸۶۲۰– ۳۸۵۹۲)، از او پرسید «اینم شدند و بر جای ماندند؟ یا نرسیدند و فرار کردند (۳۸۶۳۲– ۳۸۶۲۱)، مرد گفت «نرسیدند و به خوارج پیوستند». فرمود: (۳۸۶۴۱– ۳۸۶۳۳)

#### تکوهن فریب خوردگان از خوارج

از رحمت خدا دور باشند چنان‌قوم نشود (۳۸۶۴۶– ۳۸۶۴۲)، آگاه باشید! اگر نیزه‌ها به سوی آنان راست شود و شمشیرها بر سرشان فرود آید، از گذشته خود پشیمان خواهند شد. (۳۸۶۶۲– ۳۸۶۴۷)، امروز شیطان آنها را به تفرقه دعوت کرد، و فردا از آنها بی‌زاری می‌جوید، و از آنها کنار خواهد کشید. (۳۸۶۷۵– ۳۸۶۶۳) همین ننگ آنان را کافی است که از هدایت‌گریختند و در گمراهی و کوری فرو رفتند، راه حق را بستند، و در حیرت و سرگردانی ماندند.

(۳۸۶۹۳– ۳۸۶۷۶) (۱۱۸۲)

#### ترجمه خطبه ۱۸۲

#### اشاره

(یکی از یاران امام، نوف بنگالی ۳۱، نقل کرد که امام در سال ۴۰ هجری در اواخر زندگی خود در شهر کوفه بر روی سنگی که جعده بن هبیره مخزومی ۱۴، آماده کرد ایستاد (۳۸۷۲۲– ۳۸۶۹۴)، در حالی که پیراهنی خشن از پشم بر تن، و شمشیری با لیف خرما بر گردن (۳۸۷۳۱– ۳۸۷۲۳)، و کفشی از لیف خرما در پا، و بر پیشانی او پینه از کثرت سجود آشکار بود فرمود) (۳۸۷۴۴– ۳۸۷۳۲)

#### ۱ ستایش پروردگار سبحان

(۳۸۷۴۸– ۳۸۷۴۵) ستایش خداوندی را سزاست که سر انجام خلقت، و پایان کارها به او باز می‌گردد. (۳۸۷۵۷– ۳۸۷۴۷) خدا را بر احسان بزرگش، و برهان آشکار، و فراوانی فضل و آنچه بدان بر ما مَت نهاده است می‌ستاییم (۳۸۷۶۹– ۳۸۷۵۸)، ستایشی که حق او اداء کند، و شکر شایسته او را به جا آورد، و به ثواب الهی ما را نزدیک گرداند و موجب فراوانی نیکی و احسان او گردد. (۳۸۷۸۴– ۳۸۷۷۰) از خدا یاری می‌طلبیم، یاری خواستن کسی که به فضل او امیدوار، و به بخشش او آرزومند، و به دفع زناش مطمئن،

(۱) وقتی عمرو عاص به مصر حمله کرد، محمد بن ابی بکر استاندار مصر توسط دو بیگ، عبد الله بن قعین و کعب بن عبد الله، از امام یاری طلبید، آن حضرت اعلام عمومی کرد تا مردم در «جزء» این حیره و کوفه جمع شوند تا به کمک مصران بنشینند، امام تا ظهر فردا در آن سرزمین منتظر ماند حتی صد نفر نیز گرد نیامدند ناراحت به کوفه بازگشت و در جمع بزرگان و اشراف این سخنرانی را ایراد کرد. (کتاب الغارات)

(۲) ضرب المثل است.

(۳) نوف پسر فضّاله از بنی بکال است که تیره‌ای از حمیر می‌باشند.

(۴) جعده، پسر امّ هانی دختر ابو طالب و خواهر امام علی علیه السلام می‌باشد، خواهر زاده امام جعده، از طرف آن حضرت استاندار خراسان بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۴۷

و به قدرت او معترف، و به گفتار و کردار پرورد گار اعتقاد دارد. (۳۸۸۰۲– ۳۸۷۸۵) به او ایمان می‌آوریم، ایمان کسی که با یقین به او امیدوار، و با اعتقاد خالص به او تویجه دارد، و با ایمانی پاک در برابرش کرنش می‌کند (۳۸۸۱۷– ۳۸۸۰۳)، و با اخلاص به یگانگی او اعتقاد دارد، و با ستایش فراوان خدا را بزرگ می‌شمارد، و با رغبت و تلاش به او پاننده می‌شود.

(۳۸۸۲۹– ۳۸۸۱۸)

#### ۲ راهبای خداشناس

(۳۸۸۳۱– ۳۸۸۳۰) خدا از کسی متولّد نشد تا در عزّت و توانایی دارای شریک باشد (۳۸۸۳۸– ۳۸۸۳۲)، فرزندی ندارد تا وارث او باشد (۳۸۸۴۴– ۳۸۸۳۹) وقت و زمان از او پیشی نگرفت «۱»، و زیادی و نقصان در او راه ندارد (۳۸۵۸– ۳۸۸۴۵) خدا، با نشانه‌های تدبیر استوار، و خواسته‌های حکیمانه در خلق نظام احسن، در برابر غفلت‌ها، آشکارا جلوه کرده است (۳۸۷۷۰– ۳۸۵۸۹)، از نشانه‌های آفرینش او، خلقت آسمان‌های با بر جا بدون ستون و تکیه گاه است. (۳۸۸۸۱– ۳۸۸۷۱) آسمان‌ها به اطاعت خویش دعوت و آنها بدون درنگ اجابت کردند. (۳۸۸۹۰– ۳۸۸۸۲) اگر اقرار آسمان‌ها به پروردگاری او، و اعترافشان در اطاعت و فرمانبرداری از او نبود، هرگز آسمان‌ها را محل عرش خویش و جایگاه فرشتگان، و بالا رفتن سخنان پاک و اعمال نیک و صالح بندگانش قرار نمی‌داد. (۳۸۹۱۷– ۳۸۸۹۱) ستارگان را نشانه‌های هدایتگر بیابان مانند گان سرگردان قرار داد تا به وسیله آنها راهنمایی شوند (۳۸۹۲۷– ۳۸۹۱۸)، ستارگانی که پرده‌های تاریک شب مانع نور افشانی آنها نمی‌گردد، و نمی‌تواند از نور افشانی و تلاؤل ماه در دل آسمان جلوگیری کند. (۳۸۹۵۱– ۳۸۹۲۸) پس پاک است خدایی که پوشیده نیست بر او سیاهی تیره و تار بر روی ناهمواری‌های زمین، و قلّه‌های کوه‌ناه و بلند کوه‌ها (۳۸۹۷۳– ۳۸۹۵۲)، و نه غرض رعد در کرانه آسمان، و نه درخشش برق در لابلای ابرها (۳۸۹۸۷– ۳۸۹۷۴)، و نه وزش بادهای تند و طوفان، و نه ریزش برگ‌ها بر اثر بارش باران (۳۹۰۰۰– ۳۸۹۸۸)، و نه محل سقوط قطرات باران، و نه مسیر کشیده شدن دانه‌ها به وسیله مورچگان، و نه غذاهای کوچک نادیدنی پشه‌ها، و نه آنچه که در شکم حیوانات ماده در حال رشد است (خدا به همه آنها آگاه است)

(۳۹۰۲۳– ۳۹۰۰۱)

#### ۳ خدا شناسی

حمد و سپاس خداوندی را سزاست که همواره وجود داشت، پیش از آن که کرسی یا عرش، آسمان یا زمین، جن یا انس، پدید آیند. (۳۹۰۴۴-۳۹۰۲۴)

(۱) اشاره به علم: پونکالیی(PUNETUALITY)زمان شناسی)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۴۹

خداوندی که ذات او را فکرها و عقل‌های ژرف اندیش نتوانند بشناسند، با نیروی اندیشه اندازه‌ای برای او نتوانند تصوّر کنند. هیچ سؤال کننده‌ای او را به خود مشغول نسازد، و فراوانی عطا و بخشش از داریای او نکاهد (۳۹۰۵۹-۳۹۰۴۵)، برای دیدن به چشم ماضی نیاز ندارد، و در مکانی محدود نمی‌شود. همسر و همتایی ندارد، و با تمرین و تجربه نمی‌آفریند، و با حواس درک نشود «۱»، و با مردم مقایسه نگرود (۳۹۰۸۳-۳۹۰۶۰)، خدایی که بدون اعضاء و جوارح و زبان و کام با حضرت موسی علیه السّلام سخن گفت و آیات بزرگش را به او شناساند. (۳۹۱۰۳-۳۹۰۸۴) ای کسی که برای توصیف کردن پروردگارت به زحمت افتاده‌ای، اگر راست می‌گویی جبرئیل و میکائیل و لشکرهاى فرشتگان مقرب را وصف کن، که در بارگناه قدس الهی سر فرود آورده‌اند، و عقل‌هایشان در درک خداه، سرگردان و درمانده است (۳۹۱۲۹-۳۹۱۰۴)، تو چیزی را می‌توانی با صفات آن درک کنی که داری شکل و اعضاى و جوارح و دارای عمر محدود و أجل معین باشد. (۳۹۱۴۴-۳۹۱۳۰) پس جز الله خدایی نیست که هر تاریکی را به نور خود روشن کرد، و هر چه را که جز به نور او روشن بود به تاریکی کشاند.

(۳۹۱۵۷-۳۹۱۴۵)

#### ۴ سفارش به تقوا و بند بپذیری از تاریخ

(۳۹۱۵۹-۳۹۱۵۸) ای بنندگان خدا! شما را به پرهیزکاری و ترس از خدایی سفارش می‌کنم که بر شما جامه‌ها پوشانید، و وسائل زندگی شما را فراهم کرد. (۳۹۱۷۱-۳۹۱۶۰) اگر راهی برای زندگی جاودانه وجود می‌داشت، یا از مرگ گزیری بود، حتما سلیمان بن داوود علیه السّلام چنین می‌کرد (۳۹۱۸۸-۳۹۱۷۲)، او که خداوند حکومت بر جنّ و انس را همراه با نبوت و مقام بلند قرب و منزلت، در اختیارش قرار داد. (۳۹۲۰۰-۳۹۱۸۹) ایّا آنگاه که پیمانہ عمرش لریز و روزی او تمام شد، تیرهای مرگ از کمان‌های نیستی بر او باریدن گرفت (۳۹۲۱۱-۳۹۲۰۱)، خانه و دیار از او خالی گشت، خانه‌های او بی صاحب ماند، و دیگران آنها را به ارث بردند. (۳۹۲۳۳-۳۹۲۱۲) مردم! برای شما در تاریخ گذشته درس‌های عبرت فراوان وجود دارد؟ (۳۹۲۳۰-۳۹۲۲۴) کجایند عمالقه «۲»، و فرزندانشان؟

(پادشاهان عرب در یمن و حجاز) کجایند فرعون‌ها و فرزندانشان؟ کجایند مردم شهر رس (درخت پرستانی که طولانی حکومت کردند) آنها که پیامبران خدا را کشتند، «۳»، چراغ نورانی سَنَت آنها را خاموش کردند، و راه و رسم ستمگران و جباران را زنده ساختند؟ (۳۹۲۵۵-۳۹۲۳۱) کجایند آنها که با لشکرهاى انبوه حرکت کردند و هزاران تن را شکست دادند، سپاهیان فراوانی گرد آوردند، و شهرها ساختند؟

(۳۹۲۶۸-۳۹۲۵۶)

#### ۵ وصف حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشریف)

زره دانش بر تن دارد، و با تمامی آداب، و با توجه و معرفت کامل آن را فرا گرفته است (۳۹۲۸۷-۳۹۲۶۹)، حکمت گشوده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد، و نیاز اوست که در به دست آوردنش می‌برد. (۳۹۲۸۸-۳۹۲۸۸) در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دم خود را به حرکت در آورده، گردن به زمین می‌چسباند (۳۹۳۱۱-۳۹۲۹۹) «۴».

(۱) نقد: سنسو آلتیی، سنسو آلیسم(SENSUALITY -SENSUALISME) اصالت حواس)، گر چه امام (ع) حوائج را به عنوان یکی از ابزارهای شناخت قبول دارد.

(۲) عمالقه: فرزندان سام بن نوح بودند که بر یمن و حجاز و اطراف آن حکومت می‌کردند، یکی از حاکمان این خاندان، عملاق نام داشت.

(۳) در روستای افطج نیمامه، در یمن جاهی وجود داشت بنام «رس» که از بقایای قوم نمود در اطراف آن زندگی می‌کردند، که به علّت فساد و سرکشی، سرزمینشان فرو رفت و همه نابود شدند.

(۴) ضرب المثل است، چون شتر خسته شود، دم خود را به حرکت در می‌آورد، و گردن به زمین می‌چسباند، که نشانه ضعف و درماندگی اوست.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۵۱

او پنهان خواهد شد (دوران غیث صغری و کبری) او باقی مانده حجت‌های الهی، و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است.

(۳۹۳۱۹-۳۹۳۱۲)

#### ۶ بند و اندرز یاران

(۳۹۳۲۳-۳۹۳۲۰) ای مردم! من بند و اندرزهایی که پیامبران در میان آمت‌های خود داشتند در میان شما نشر داده‌م، و وظایفی را که جانشینان پیامبران گذشته در میان مردم خود به انجام رساندند، تحقّق بخشیدم. (۳۹۳۴۴-۳۹۳۲۴) یا تازیانه شما را ادب کردم نپذیرفتید، به راه راست ترفید، و با هشدارهای فراوان شما را خواندم ولی جمع نشدید. (۳۹۳۵۴-۳۹۳۴۵) شما را به خدا! آ یا منتظرید رهبری جز من با شما همراهی کند و راه حق را به شما نشان دهد؟ (۳۹۳۶۶-۳۹۳۵۵) آگاه باشید! آنچه از دنیا روی آورده بود پشت کرد، و آنچه پشت کرده بود روی آورد (۳۹۳۸۱-۳۹۳۶۷)، و بندگان نیکوکار خدا آماده کوچ کردن شدند (۳۹۳۸۷-۳۹۳۸۲)، و دنیای اندک و فانی را با آخرت جاویدان تعویض کردند.

(۳۹۳۹۹-۳۹۳۸۸)

#### ۷ یاد یاران شهید

آری! آن دسته از برادرانی که در جنگ صفین خونشان ریخت، هیچ زمانی نکرده‌اند، گر چه امروز نیستند تا خوراکشان غم و غصه، و نوشیدنی آنها خونابه دل باشد. (۳۹۴۱۷-۳۹۴۰۰) به خدا سوگند، آنها خدا را ملاقات کردند، که پادشاه آنها را داد و پس از دوران ترس، آنها را در سرای امن خود جایگزین فرمود: (۳۹۴۳۰-۳۹۴۱۸) کجا هستند برادران من که بر راه حق رفتند، و با حق در گذشتند؟ (۳۹۴۳۹-۳۹۴۳۱) کجاست عثّار؟ «۱» و کجاست بسسر تیهان؟ (مالک بن تیهان انصاری) «۲»، و کجاست ذو الشّهادین؟ «۳» (خریمه بن ثابت که پیامبر شهادت او را دو شهادت دانست) و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند، و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟ (۳۹۴۶۳-۳۹۴۴۰) (پس دست به ریش مبارک گرفت و زمانی طولانی گریست و فرمود) (۳۹۴۷۶-۳۹۴۶۴) دروغا! از برادرانم که قرآن را خواندند، و بر اساس آن قضاوت کردند، در واجبات الهی اندیشه کرده و آنها را بر پاداشند. سَنَت‌های الهی را زنده و بدعت‌ها را نابود کردند (۳۹۴۹۲-۳۹۴۷۷)، دعوت جهاد را پذیرفته و به رهبر خود اطمینان داشته و از او پیروی کردند. (۳۹۴۹۹-۳۹۴۹۶) (سپس با بانگ بلند فرمود) (۳۹۵۰۰-۳۹۵۰۰) جهادا! جهادا! بندگان خدا! (۳۹۵۰۷-۳۹۵۰۴) من امروز لشکر آماده می‌کنم، کسی که می‌خواهد به سوی خدا رود همراه ما خارج شود. (۳۹۵۲۰-۳۹۵۰۸) (توف گشت) برای حسین علیه السّلام ده هزار سپاه (۳۹۵۲۹-۳۹۵۲۱)، و برای قیس بن سعید ده هزار سپاه، و برای ابو ایوب «۴» ده هزار سپاه قرار داد، و برای دیگر فرماندهان نیز سپاهی معین کرد، و آماده بازگشت به صفین بود (۳۹۵۵۶-۳۹۵۳۰) که قبل از جمعه، این ملجم ملعون به امام ضریت زد (۳۹۵۶۶-۳۹۵۵۷)، و لشکریان به خانه‌ها باز گشتند، و ما چون گوسفندانی بودیم که شبان خود را از دست داده و گرگ‌ها از هر سو برای آنان دهان گشوده بودند)

(۳۹۵۷۷-۳۹۵۶۷)

(۱) عمار فرزند یاسر از نخستین مسلمانان بود در تمام نبردها شرکت داشت، پیامبر فرمود: تو به دست شقی‌ترین قوم کشته خواهی شد، عمار در جنگ صفین در رکاب امام علی علیه السّلام جنگید تا بدست شامیان به شهادت رسید.
(۲) مالک بن تیهان از بزرگان بود، در جنگ بدر شرکت داشت و در صفین به شهادت رسید.
(۳) خریمه بن ثابت انصاری که پیامبر صلتی الله علیه و آله و سلّم او را لقب ذو الشّهادتین داد. شهادت او به جای شهادت دو نفر بحساب می‌آمد.

(۴) ابو ایوب خالد بن سعید از قبیله خزرج و بنی نجار بود، مردی شجاع که همواره پیش روی امام ششمین می‌زد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۵۳

(۱۱۸۳)



**ترجمه خطبه ۱۸۳**

**۵۱ خدا شناسی**

ستایش خداوندی را سزاست که شناخته شد بی آن که دیده شود، و آفرید بی آن که دچار رنج و زحمتی گردد (۳۹۶۰۵)–۳۹۵۹۳)، با قدرت خود پدیده‌ها را آفرید، و با عزّت خود گردنکشان را بنده خویش ساخت، و با بخشش خود بر همه بزرگان برتری یافت (۳۹۶۱۶–۳۹۶۰۶)، او خدایی است که دنیا را مسکن مخلوقات برگزید، و پیامبران خود را به هدایت جن و انس فرستاد، تا دنیا را آنگونه که هست بشناسانند (۳۹۶۳۳–۳۹۶۱۷)، و از زبان‌های دنیا بر حذر دارند، و با مطرح کردن مثل عالم، عیوب دنیا پرستی را نشان دهند، و آنچه را که مایه عبرت است تذکر دهند، از تندرستی‌ها و بیماری‌ها (۳۹۶۵۳–۳۹۶۳۴)، از حلال و حرام، و آنچه را که خداوند برای بندگان اطاعت کننده و نافرمان، از بهشت و جهنم آماده کرده، که وسیله کرامت یا سقوط و پستی است باز گو نمایند.

(۳۹۶۷۳–۳۹۶۵۴)

**۲ ویژگی‌های قرآن**

خدا را ستایش می‌کنم چنانکه خود از بندگان خواسته است، و برای هر چیزی اندازه ای قرار داده و برای هر اندازه‌ای مدّتی معین کرده، و هر مدّتی را حسابی مقرر داشته است. (۳۹۶۹۳–۳۹۶۷۴) ۲ ویژگی‌های قرآن (۳۹۶۹۵–۳۹۶۹۴) قرآن فرماندهی باز دارنده، و ساکنی گویند، و حجت خدا بر مخلوقات است. (۳۹۷۰۶–۳۹۶۹۶) خداوند بیمن عمل کردن به قرآن را از بندگان گرفته، و آنان را در گرو دستورانش قرار داده است. (۳۹۷۱۳–۳۹۷۰۷) تورات قرآن را تمام، و دین خود را به وسیله آن کامل فرمود، و پیامبرش را هنگامی از جهان برد که از تبلیغ احکام قرآن فراغت یافته بود (۳۹۷۳۲–۳۹۷۱۴)، پس خدا را آنگونه بزرگ بشمارید که خود بیان داشته است. (۳۹۷۳۹–۳۹۷۳۳) خداوند چیزی از دینش را پنهان نکرده، و آنچه مورد رضایت یا خشم او بود و آنچه نگذاشته، جز آن که نشانه‌ای آشکار، و آینی استوار برای آن قرار داده است که به سوی آن دعوت یا پرهیز داده شوند. (۳۹۷۴۷–۳۹۷۴۰)، پس خشنودی و خشم خدا در گذشته و حال یکسان است. (۳۹۷۷۶–۳۹۷۶۸) بدانید همانا خداوند از شما خشنود نمی‌شود به کاری که بر گذشتگان خشم گرفته، و خشم نمی‌گیرد به کاری که بر گذشتگان خشنود بود. (۳۹۷۹۷–۳۹۷۷۷) شما در راهی آشکار قدم بر می‌دارید. و سخن گذشتگان را تکرار می‌کنید (۳۹۸۱۲–۳۹۷۹۸)، خداوند نیازمندیهای دنیای شما را کفایت کرده و به شکرگزاری وادارتان ساخت، و یاد خویش را بر زبان‌های شما لازم شمرد.

(۳۹۸۲۵–۳۹۸۱۳)

**۳ سفارش به پرهیزکاری**

(۳۹۸۲۷–۳۹۸۱۶) خدا شما را به پرهیزکاری سفارش کرد، و آن را نهایت خشنودی خود، و خواستش از بندگان قرار داده است (۳۹۸۳۸–۳۹۸۲۸)، پس پرسید از خدایی که در پیشگاه او حاضرید، و اختیار شما در دست اوست، و همه حالات و حرکات شما را زیر نظر دارد. (۳۹۸۵۰–۳۹۸۳۹)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۵۵

اگر چیزی را پنهان کنید می‌داند، و اگر آشکار کردید ثبت می‌کند، برای ثبت اعمال، فرشتگان بزرگوار می را گمارده که حقی را فراموش، و بنا باطنی را ثبت می‌کنند. (۳۹۸۹۹–۳۹۸۵۱) «آگاه باشید! آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد، و بنا نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد (۳۹۸۸۴–۳۹۸۷۰)، و به بهشت و آنچه که دوست دارد جاودانه دسترسی پیدا می‌کند.

خدا او را در منزل کرامت خویش مسکن می‌دهند، خانه‌ای که مخصوص خداسات (۳۹۸۹۸–۳۹۸۸۵)، سقف آن عرش پروردگاری، و روشنایی آن از جمال الهی، و زائرنش فرشتگان، و دوستان و هم‌نشینانش پیامبران الهی، می‌باشند.

پس به سوی قیامت بنشایید، و پیش از آن که مرگ فرا رسد آماده باشید (۳۹۹۱۴–۳۹۸۹۹)، زیرا ناگهان آرزوهای مردم قطع شده، و مرگ آنها را در کام خود می‌کشد، و در توبه بسته می‌شود. (۳۹۹۲۹–۳۹۹۱۵) شما امروز به جای کسانی زندگی می‌کنید که قبل از شما بودند و ناگهان رفتند و پس از مرگ تقاضای بازگشت به دنیا کردند.

(۳۹۹۴۰–۳۹۹۳۰)

**۴ ضرورت یاد قیامت و عذاب الهی**

مردم! شما چونان مسافران در راهید، که در این دنیا فرمان کوچ داده شدید، که دنیا خانه اصلی شما نیست و به جمع آوری زاد و توشه فرمان داده شدید. (۳۹۹۵۰–۳۹۹۴۱) (۳۹۹۵۹–۳۹۹۵۱) آگاه باشید این پوست نازک تن، طاق آتش دوزخ و ندارد! پس به خود رحم کنید، شما مصیبت‌های دنیا را آزمودید (۳۹۹۷۷–۳۹۹۶۰)، آیا ناراحتی یکی از افراد خود را بر اثر خوری که در بدنش فرو رفته، یا در زمین خوردن پایش مجروح شده، یا ریگ‌های داغ بیابان او را رنج داده، دیده‌اید که تحمل آن مشکل است؟ پس چگونه می‌شود تحمل کرد که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ‌های گداخته، همنشین شیطان باشید؟ (۴۰۰۰۲–۳۹۹۷۸) آیا می‌دانید وقتی که مالک دوزخ بر آتش غضب کند، شعله‌ها بر روی هم می‌غلتنند و یکدیگر را می‌کوبند؟ (۴۰۰۱۴–۴۰۰۰۳) و آنگاه که بر آتش بانگ زند درهای جهنّم به هر طرف زبانه می‌کشد؟ (۴۰۰۲۳–۴۰۰۱۵) ای پیر سالخورده! که پیری وجودت را گرفته است، چگونه خواهی بود آنگاه که طوق‌های آتش به گردن‌ها انداخته شود، و غل و زنجیرهای آتشین به دست و گردن افتد؟

چنانکه گوشت دستها را بخورد؟

(۴۰۰۵۵–۴۰۰۲۴)

**۵ روش استفاده از دنیا**

پس خدا را! خدا را! ای جمعیت انسان‌ها پروا کنید! حال که تندرستید نه بیمار، و در حال گشایش هستید نه تنگ دست (۴۰۰۶۱)–۴۰۰۴۶)، در آزادی خویش پیش از آن که درهای امید بسته شود بکوشید (۴۰۰۷۰–۴۰۰۶۲)، در دل شب‌ها یا شب زنده‌داری، و پرهیز از شکمبارگی به اطاعت برخیزید، با اموال خود انفاق کنید (۴۰۰۸۱–۴۰۰۷۱)، از جسم خود بگیریید و بر جان خود بیفزایید، و در بخشش بخل نوزید (۴۰۰۹۴–۴۰۰۸۲) که خدای سبحان فرمود:

«اگر خدا را یاری کنید، شما را پیروز می‌گرداند و قدم‌های شما را استوار می‌دارد، و فرمود: کیست که به خدا قرض نیکو دهد؟

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۵۷

تا خداوند چند برابر عطا فرماید، و برای او پادش بی عیب و نقصی قرار دهد؟» (۴۰۱۲۱–۴۰۰۹۵) درخواست یاری از شما به جهت ناتوانی نیست، و قرض گرفتن از شما برای کمبود نمی‌باشد، در حالی که از شما یاری خواسته که:

«لشکراهی آسمان و زمین در اختیار اوست و خدا نیرومند و حکیم است» و در حالی طلب وام از شما دارد که گنج‌های آسمان و زمین به او تعلق دارد و خدا بی نیاز و حمید است (۴۰۱۵۳–۴۰۱۲۲)، بلکه خواسته است شما را یازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید (۴۰۱۶۱–۴۰۱۵۴)، پس به اعمال نیکو مبادرت کنید، تا با همسایگان خدا در سرای او باشید (۴۰۱۶۹–۴۰۱۶۲) که هم نشینان آنها پیامبران، و زیارت کنندگانشان فرشتگانند، و چنان گرمای داشته می‌شوند که صدای آهسته آتش را نشنوند (۴۰۱۸۳–۴۰۱۷۰)، و بر بدن‌هایشان هیچ گونه رنج و ناراحتی نرسد.

این بخشش خداست به هر کس بخواهد می‌دهد و خدا صاحب بخشش بزرگ است، (۴۰۲۰۲–۴۰۱۸۴) من آنچه را می‌شنوید می‌گویم، و خداوند را به یاری خود و شما می‌خوانم که او کفایت‌کننده و بهترین و کلیل است.

(۴۰۲۱۸–۴۰۲۰۳) (۱۱۸۴)

**ترجمه خطبه ۱۸۴**

**اشاره**

(برج بن مسهر طایی از شعرای مشهور خوارج بود و با صدای بلند گفت «حکومت فقط از آن خداست» امام در سال ۳۸ هجری در کوفه در جواب او فرمود) (۴۰۲۴۲–۴۰۲۱۹)

**اقتضای منافع**

خاموش باش! خدا رویت را زشت گرداند، ای دندان پیشین افتاده. (۴۰۲۴۷–۴۰۲۴۴) به خدا سوگند آنگاه که حق آشکار شد تو ناتوان بودی، و آواز تو آهسته ۱۰ بود و آن هنگام که باطل بانگ بر آورد، چونان شاخ بز سر بر آوردی.

(۴۰۲۶۵-۴۰۲۴۸-۴۰۲۶۵) (۱۱۸۵)

**ترجمه خطبه ۱۸۵**

**۱ خدا شناسی**

ستایش خداوندی را سزااست که حواس پنجگانه او را درک نکنند، و مکان‌ها او را در برنگیرند، دیدگان او را ننگرند، و پوشش‌ها او را پنهان نسازند (۴۰۳۰۳-۴۰۲۸۶)، با حدوث آفرینش ازلی بودن خود را ثابت کرده، و با پیدایش اتواع پدیده‌ها، وجود خود را اثبات فرمود (۴۰۳۱۳-۴۰۳۰۴)، و با همانند داشتن مخلوقات ثابت شد که خدا همانندی ندارد. (۴۰۳۲۰-۴۰۳۱۴) خدا در وعده‌های خود راستگو، و برتر از آن است که بر بندگان ستم روا دارد، میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کرد، و در اجرای احکام عادلانه فرمان داد (۴۰۳۳۹-۴۰۳۲۱)، حادث بودن اشیاء، گواه بر ازلیت او، و ناتوانی پدیده‌ها، دلیل قدرت بی‌مانند او،

(۱) یعنی شهری نداشتی و دارای شخصیت اجتماعی نبودی.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۵۹

و نابودی پدیده‌ها، گواه دائمی بودن اوست. (۴۰۳۶۰-۴۰۳۴۰) خدا یکی است نه با شمارش، و همبستگی است نه با محاسبه زمان، بر پاست نه با نگهدارنده‌های (۴۰۳۷۱-۴۰۳۶۱)، اندیشه‌ها او را می‌شناسند نه با درک حواس، نشانه‌های خلقت به او گواهی می‌دهند نه به حضور مادی (۴۰۳۸۱-۴۰۳۷۲)، فکرها و اندیشه‌ها بر ذات او احاطه ندارند، که با آثار عظمت خود بر آنها تجلی کرده است، و نشان داد که او را نمی‌توانند تصور کنند، و داوری این ناتوانی را بر عهده فکرها و اندیشه‌ها نهاد. (۴۰۳۹۶-۴۰۳۸۲) بزرگی نیست دارای درازا و بهنا و زرفها، که از جسم بزرگی برخوردار باشد، و با عظمتی نیست که کالبدش بی‌نهایت بزرگ و سبتر باشد، بلکه بزرگی خدا در مقام و رتبت، و عظمت او در قدرت و حکومت اوست.

(۴۰۴۱۹-۴۰۳۹۷)

**۲ ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم**

(۴۰۴۲۱-۴۰۴۲۰) گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده خدای، و پیامبر برگزیده، و امانت دار پندیده اوست «درد خدا بر او و عترت او باده» (۴۰۴۳۳-۴۰۴۲۲) خدا او را با حجت‌های الزام کننده (۴۰۴۳۶-۴۰۴۳۴)، و پیروزی آشکار، و راه روشن فرستاد، پس رسالت خود را آشکارا رساند، و مردم را به راه راست واداشت، و آن را به همگان نشان داد، و نشانه‌های هدایت را بر افراشت، و چراغ‌های روشن را بر سر راه آدمیان گرفت، رشته‌های اسلام را استوار کرد، و دستگیره‌های ایمان را محکم و پایدار کرد.

(۴۰۴۶۸-۴۰۴۳۷)

**۳ راه‌های خداشناسی**

(۴۰۳۷۵-۴۰۴۶۹) اگر مردم در عظمت قدرت خدا، و بزرگی نعمت‌های او می‌اندیشیدند، به راه راست با می‌گشتند، و از آتش سوزان می‌ترسیدند (۴۰۴۹۱-۴۰۴۷۶)، انبیا دل‌ها بیماز، و چشم‌ها معیوب است. (۴۰۴۸۸-۴۰۴۹۲) آیا به مخلوقات کوچک خدا نمی‌نگرند؟ که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید؟ و ترکیب اندام آن را برقرار، و گوش و چشم برای آن پدید آورد، و استخوان و پوست متناسب خلق کرد؟ (۴۰۵۲۳-۴۰۴۹۹) به موجه و کوچکی جثه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود، نگاه کنید چگونه روی زمین راه می‌رود، و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند؟ دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد، و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد (۴۰۵۵۷-۴۰۵۲۴)، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند! (۴۰۵۶۵-۴۰۵۵۸) «۱» روزی موجه تضمین گردیده، و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است.

خداوند مژگان از او غفلت نمی‌کند، و پروردگار پاداش دهنده محرومش نمی‌سازد، گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره‌ای خشک باشد. (۴۰۵۸۴-۴۰۵۶۶) اگر در مجاری خوراک و قسطنهای بالا و پایین دستگاه گوارش و آنچه در درون شکم او از غضروف‌های آویخته به دنده و شکم، و آنچه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه نمایی، از آفرینش موجه دچار شکفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد. (۴۰۶۱۸-۴۰۵۸۵) پس بزرگ است خدایی که موجه را بر روی دست و پایش بر پاداشت، و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت (۴۰۶۲۷-۴۰۶۱۹)، و در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد، و هیچ آفریننده‌ای کمکش نکرد. (۴۰۶۳۸-۴۰۶۲۸) اگر اندیشه‌ات را به کنار گیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلائل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده موجه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماس (۴۰۶۵۷-۴۰۶۳۹)، به جهت دفعی که جدا جدا در آفرینش هر چیزی به کار رفته،

(۱) اشاره به علم: میرمکو لوزی (MYRMECOLOGY) موجه شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۶۱

و اختلافات و تفاوت‌های پیچیده‌ای که در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است. (۴۰۶۶۶-۴۰۶۵۸) همه موجودات سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات هستی یکسانند (۴۰۶۸۳-۴۰۶۶۷)، و خلقت آسمان و هوا و باده‌ها و آب یکی است. (۴۰۶۹۶-۴۰۶۸۸) پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، و درخت و گیاه، و آب و سنگ «۱»، و اختلاف شب و روز، و جوشش دریاها، و فراوانی کوه‌ها، و بلندای قلّه‌ها، و گوناگونی لغت‌ها، و تفاوت زبان‌ها، که نشانه‌های روشن پروردگارند. (۴۰۷۳۴-۴۰۶۹۷) پس وای بر آن کس که تقدیر کننده را نپذیرد، و تدبیر کننده را انکار کند! (۴۰۷۴۱-۴۰۷۳۵) گمان کردند که چون گیاهانند و زارعی ندارند، و اختلاف صورت‌هایشان را سازنده‌ای نیست (۴۰۷۵۲-۴۰۷۴۲)، بر آنچه ادعا می‌کنند حجت و دلیلی ندارند، و بر آنچه در سر می‌پروراند تحقیقی نمی‌کنند، آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده، یا جانی بدون جانی‌تکار باشد؟! (۴۰۷۷۶-۴۰۷۵۳)

**۴ شگفتی آفرینش ملخ**

(۴۰۷۷۸-۴۰۷۷۷) و اگر خواهی در شگفتی ملخ سخن گو، که خدا برای او دو چشم سرخ، دو حلقه جوان ماه تابان آفرید، و به او گوش بنهاند، و دهانی متناسب اندامش بخشیده است، دارای حواس نیرومند، و دو دندان پیشین است که گیاهان را می‌چیند، و دو پای داس مانند که اشیاء را بر می‌دارد. (۴۰۸۱۷-۴۰۷۷۹) کشاورزان برای زراعت از آنها می‌ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند (۴۰۸۲۵-۴۰۸۱۸) گرچه همه متحد شوند. ملخ‌ها نیرومندان وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند می‌خورند (۴۰۸۳۸-۴۰۸۲۶)، در حالی که تمام اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نیست! (۴۰۸۴۵-۴۰۸۳۹) «۳».

**۵ نشانه‌های خدا در طبیعت**

پس بزرگ است خداوندی که تمام موجودات آسمان و زمین، خواه و ناخواه او را سجده می‌کنند، و در برابر او با خضوع چهره بر خاک می‌نهند (۴۰۸۶۴-۴۰۸۴۶)، و رشته اطاعت او را در تندرستی و ناتوانی به گردن می‌نهند، و از روی ترس و بیم، زمام اختیار خود را به او می‌سپارند. (۴۰۸۷۸-۴۰۸۶۵) پرندگان رام فرمان اویند، و از تعداد پرها و نفس‌های پرندگان آگاه است، برخی را پرنده آبی و گروهی را پرنده خشکی آفرید (۴۰۸۹۴-۴۰۸۷۹)، و روزی آنها را مقدر فرمود، و اقسام گوناگون آنها را می‌داند (۴۰۹۰۰-۴۰۸۹۵)، این کلاغ است و آن عقاب، این شتر مرغ است و آن کبوتر. (۴۰۹۱۱-۴۰۹۰۱) هر پرنده‌ای را با نام خاصی فرا خوانند، و روزی‌اش را فراهم کرد. (۴۰۹۱۹-۴۰۹۱۲) خدایی که ابرهای سنگین را ایجاد، و باران‌های بی در پی را فرستاد، و سهم باران هر جایی را معین فرمود (۴۰۹۲۸-۴۰۹۲۰)، زمین‌های خشک را آبیاری کرد، و گیاهان را پس از خشکسالی رویند. (۴۰۹۳۷-۴۰۹۲۹)

(۱) اشاره به علم پترولوزی (PETROLOGY) (سنگ شناسی)

(۲) اشاره به علم: فیلولوزی (PHILOLOGY) (زبان شناسی)

(۳) اشاره به علم: انتومولوزی (ENTOMOLOGY) (حشره شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۶۳

(۱۱۸۶)

**ترجمه خطبه ۱۸۶**

**اشاره**

(در اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۱ آمده است که این سخنرانی در شهر کوفه ایراد شد در پیرامون توحید و خداشناسی است که اصول علمی آن در هیچ خطبه‌ای یافت نمی‌شود.) (۴۰۹۵۵-۴۰۹۳۸)

**۱ شناساندن صحیح خداوند سبحان**

کسی که کیفیتِ «۱» برای خدا قائل شد یگانگی او را انکار کرده، و آن کس که همانندی برای او قرار داد به حقیقت خدا نرسیده است. کسی که خدا را به چیزی تشبیه کرد به مقصد نرسید. آن کس که به او اشاره کند یا در وهم آورد، خدا را بی نیاز ندانسته است. (۴۰۹۷۹-۴۰۹۵۶) هر چه که ذاتش شناخته شده باشد آفریده است، و آنچه در هستی به دیگری مُنکی باشد دارای آفریننده است. (۴۰۹۸۹-۴۰۹۸۰) سازنده‌های غیر محتاج به ابزار، اندازه گیرنده‌ای بی نیاز از فکر و اندیشه، و بی نیاز از یاری دیگران است. با زمان‌ها همراه نبوده، و از ابزار و وسائل کمک نگرفته است. هستی او برتر از زمان، و وجود او بر نیستی مقدّم است، و ازلیت او را آغازی نیست. (۴۱۰۱۶-۴۰۹۹۰) با پدید آوردن حواس، روشن می‌شود که حواسی ندارد، و با آفرینش اشیاء متضاد، ثابت می‌شود که دارای ضدی نیست، و با هماهنگ کردن اشیاء دانسته می‌شود که همانندی ندارد. (۴۱۰۴۱-۴۱۰۱۷) خدایی که روشنی را با تاریکی، آشکارا را با نهان، خشکی را با نری، گرمی را با سردی، ضدّ هم قرار داد، و عناصر متضاد را با هم ترکیب و هماهنگ کرد، و بین موجودات ضدّ هم، وحدت ایجاد کرد، آنها را که با هم دور بودند نزدیک کرد، و بین آنها که با هم نزدیک بودند فاصله انداخت. (۴۱۰۶۵-۴۱۰۴۲) خدایی که حدّی ندارد، و با شماره محاسبه نمی‌گردد، که همانا ابزار و آلات، دلیل محدود بودن خویشند و به همانند خود اشاره می‌شوند. (۴۱۰۸۲-۴۱۰۶۶) اینکه می‌گوییم موجودات از فلاّن زمان پدید آمده‌اند پس قدیم نمی‌توانند باشند و حادثند، و این که می‌گوییم حتما پدید آمدند، ازلی بودن آنها رد می‌شود، و اینکه می‌گوییم اگر چنین بودند کامل می‌شدند، پس در تمام جهات کامل نیستند.

خدا با خلق پدیده‌ها در برابر عقل‌ها جلوه کرد، و از مشاهده چشم‌ها برتر و والاّتر است (۴۱۱۰۳-۴۱۰۸۳)، و حرکت و سکون در او راه ندارد، زیرا او خود حرکت و سکون را آفرید، چگونه ممکن است آنچه را که خود آفریده در او اثر بگذارد؟ یا خود از پدیده‌های خویش اثر پذیرد؟

اگر چنین شود، ذاتش چون دیگر پدیده‌ها تغییر می‌کند، و اصل وجودش تجزیه می‌پذیرد، و دیگر ازلی نمی‌تواند باشد (۴۱۱۴۰-۴۱۱۰۴)، و هنگامی که (به فرض محال) آغازی برای او تصوّر شود پس سرآمدی نیز خواهد داشت، و این آغاز و انجام، دلیل روشن نقصی، و نقصان و ضعف دلیل مخلوق بودن، و نیاز به خالقِ دیگر داشتن است. پس نمی‌تواند آفریدگار همه هستی باشد، و از صفات پروردگار که «هیچ چیز در او مؤثر نیست (۴۱۱۸۰-۴۱۱۴۱)، و نابودی و تغییر و پنهان شدن در او راه ندارد، خارج می‌شود.

**۲ والاّتر از صفات پدیده‌ها**

خدا فرزندی ندارد تا فرزند دیگری باشد، و زاده نشده تا محدود به حدودی گردد، و برتر است از آن که پسرانی داشته باشد، و مژّه است که با زنانی ازدواج کند. (۴۱۲۰۹-۴۱۱۸۱) اندیشه‌ها به او نمی‌رسند تا اندازه‌ای برای خدا تصوّر کنند، و فکرها‌ی تیزبین نمی‌توانند او را درک کنند، تا صورتی از او

(۱) کیفیت و چگونگی، مانند تقسیم، ترکیب، نسبت، تعریف، حدود و مرز، که همه از صفات ماده و مخلوق می‌باشد.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۶۵*

تصوّر نمایند، حواس از احساس کردن او عاجز «۱»، و دست‌ها از لمس کردن او ناتوان است و تغییر و دگرگونی در او راه ندارد، و گذشت زمان تأثیری در او نمی‌گذارد، گذران روز و شب او را سالخورده نسازد، و روشنایی و تاریکی در او اثر ندارد. (۴۱۲۴۹-۴۱۲۱۰) خدا با هیچ یک از اجزاء و جوارح و اعضاء و اندام، و نه با عرضی از اجراض، و نه با دگرگونی‌ها و تجزیه، و وصف نمی‌گردد. (۴۱۲۷۰-۴۱۲۵۰) برای او اندازه و نهایی وجود ندارد، و نیستی و سرآمدی نخواهد داشت، چیزی او را در خود نمی‌چنانگد که بالا و پایینش برسد، و نه چیزی او را حمل می‌کند که کج یا راست نگه دارد، نه در درون اشیاء قرار دارد و نه بیرون آن (۴۱۳۰۷-۴۱۲۷۱)، حرف می‌زند نه با زبان و کام و دهان، می‌شود نه با سوراخ‌های گوش و عضو شنوایی، سخن می‌گوید نه با به کار گرفتن الفاظ در بیان، حفظ می‌کند نه با رنج به خاطر سیردن، می‌خواهد نه با به کار گیری اندیشه، دوست دارد و خشنود می‌شود نه از راه دلسوزی، دشمن می‌دارد و به خشم می‌آید نه از روی رنج و نگرانی (۴۱۳۴۵-۴۱۳۰۸)، به هر چه اراده کند، می‌فرماید «باش» پدید می‌آید نه با صوتی که در گوش‌ها نشیند، و نه فریادی که شنیده می‌شود، بلکه سخن خدای سبحان همان کاری است که ایجاد می‌کند.

**۳ شناخت قدرت پروردگار**

پیش از او چیزی وجود نداشته و گر نه خدای دیگری می‌بود. (۴۱۳۸۰-۴۱۳۴۶) نمی‌شود گفت «خدا نبود و پدید آمده» که در آن صورت صفات پدیده‌ها را پیدا می‌کند، و نمی‌شود گفت «بین خدا و پدیده‌ها جدایی است» و خدا بر پدیده‌ها برتری دارد، تا سازنده و ساخته شده همانند تصوّر شوند، و خالق و پدید آمده با یکدیگر تشبیه گردند. (۴۱۴۱۲-۴۱۳۸۱) مخلوقات را بدون استفاده از طرح و الگوی دیگران آفرید، و در آفرینش پدیده‌ها از هیچ کسی یاری نگرفت (۴۱۴۲۸-۴۱۴۱۳)، زمین را آفرید و آن را بر پا نگاهداشت بدون آن که مشغولش سازد، و در حرکت و بی قراری، آن را نظم و اعتدال بخشید، و بدون ستونی آن را به پاداشت، و بدون استوانه‌ها بالایش برد، و از کجی و فرو ریختن نگهداشت و از سقوط و درهم شکافتن حفظ کرد (۴۱۴۶۰-۴۱۴۲۹)، میخ‌های زمین را محکم، و کوه‌های او را استوار، و چشمه‌هایش را جاری، و درّه‌ها را ایجاد کرد. آنچه بنا کرده به سستی نگرایید، و آنچه را توانا کرد ناتوان نشد. (۴۱۴۸۰-۴۱۴۶۱) خدا با بزرگی و قدرت بر آفریده‌ها حاکم است، و با علم و آگاهی از باطن و درونشان با خیر است، و با جلال و عزّت خود از همه برتر و بالاتر است، چیزی از فرمان او سرپیچی نمی‌کند، و چیزی قدرت مخالفت با او را ندارد تا بر او پیروز گردد، و شتابنده‌ای از او توان گریختن ندارد که بر او پیشی گیرد، و به سرمایه‌داری نیاز ندارد تا او را روزی دهد. (۴۱۵۲۵-۴۱۴۸۱) همه در برابر او فروتنند، و در برابر عظمت او ذلیل و خوارند. از قدرت و حکومت او به سوی دیگری نمی‌توان گریخت، که از سود و زیانش در امان ماند. (۴۱۵۴۴-۴۱۵۲۶) همتایی ندارد تا با او برابری کند، و او را همانندی نیست که شبیه او باشد. اوست نابود کننده پدیده‌ها پس از آفرینش،

(۱) نفی تفکر: سنسوا ALISMUSENS بحس گویایی و اصالت دادن به حواسّ)

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۶۷*

که گویا موجودی نبود.

(۴۱۵۶۳-۴۱۵۴۵)

**۴- معاف و آفرینش دوباره پدیده‌ها**

نابودی جهان پس از پدید آمدن، شگفت آورتر از آفرینش آغازین آن نیست. (۴۱۵۷۴-۴۱۵۶۴) چگونه محال است در صورتی که اگر همه جانداران جهان، از پرندگان و چهارپایان، آنچه در آغل است و آنچه در بیابان سرگرم جراست، از تمام زاده‌ها و جنس‌ها، درس نتوانند و انسان‌های زیرک، گرد هم آیند تا پشه‌ای را بیافرینند، توان پدید آوردن آن را ندارند (۴۱۶۰۹-۴۱۵۷۵)، و راه پیدایش آن را نمی‌شناسند، که عقلمایشان سرگردان و در شناخت آن حیران می‌مانند، و نیروی آنها سست و به پایان می‌رسد، و رانده و درمانده باز می‌گردند، آنگاه اعتراف به شکست می‌کنند، و اقرار دارند که نمی‌توانند پشه‌ای بیافرینند و از نابود ساختن ناتوانند. (۴۱۶۴۴-۴۱۶۱۰) و همانا پس از نابودی جهان تنها خدای سبحان باقی می‌ماند، تنهایی تنها که چیزی با او نیست، آنگونه که قبل از آفرینش جهان چیزی با او نبود، نه زمانی و نه مکان، بی وقت و بی زمان. (۴۱۶۷۵-۴۱۶۴۵) در آن هنگام مهمات‌ها به سر آید، سال‌ها و ساعت‌ها سبزی شود و چیزی جز خدای یگانه قهار باقی نمی‌ماند که بازگشت همه چیز به سوی اوست. (۴۱۶۹۷-۴۱۶۷۶) پدیده‌ها، چنان که در آغاز آفریده شدن قدرتی نداشتند، به هنگام نابودی نیز قدرت مخالفتی ندارند، زیرا اگر می‌توانستند، پایدار می‌ماندند. (۴۱۷۱۶-۴۱۶۹۸) آفرینش چیزی برای خدا رنج آور نبوده و در آفرینش موجودات دچار فرسودگی و ناتوانی نشده است. موجودات را برای استحکام حکومتش نیافریده، و برای ترس از کمبود و نقصان پدید نیآورده است.

آفرینش مخلوقات نه برای یاری خواستن در برابر همتایی بود که ممکن است بر او غلبه یابد (۴۱۷۵۱-۴۱۷۱۷)، و نه برای پرهیز از دشمنی بود که به او هجوم آورد، و نه برای طولانی شدن دوران حکومت، و نه برای پیروز شدن بر شریک و همتایی مخالف، و نه

برای وقع تنهایی. (۴۱۷۷۹–۴۱۷۵۲) سپس همه موجودات را نابود می‌کنند، نه برای خستگی از اداره آنها، و نه برای آسایش و استراحت، و نه به خاطر رنج و سنگینی که برای او داشتند، و نه برای طولانی شدن ملال آور زندگیشان (۴۱۸۱۱–۴۱۷۸۰)، بلکه خداوند با لطف خود موجودات را اداره می‌فرماید، و با فرمان خود همه را بر پا می‌دارد، و با قدرت خود همه را استوار می‌کند. (۴۱۸۲۲–۴۱۸۱۲) سپس بدون آن که نیازی داشته باشد بار دیگر همه را باز می‌گرداند (۴۱۸۳۱–۴۱۸۲۳)، نه برای اینکه از آنها کمکی بگیرد، و نه برای رها شدن از تنهایی تا با آنها مانوس شود، و نه آن که تجربه‌ای به دست آورد، و نه برای آن که از فقر و نیاز به توانگری رسد،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۶۹

و یا از ذلت و خواری به عزّت و قدرت راه یابد.

(۴۱۸۷۸–۴۱۸۳۲) (۱۱۸۷)

### ترجمه خطبه ۱۸۷

#### اشاره

(این سخنرانی پس از جنگ نهروان در سال ۳۸ هجری در کوفه ایراد شد)

#### ۱-خبر از حوادث آینده

آگاه باشید! آنان که پدر و مادرم فدایشان باد، از کسانی هستند که در آسمان‌ها معروف، و در زمین گشتابند. (۴۱۸۷۹–۴۱۹۰۳)
هان ای مردم! در آینده پشت کردن روزگار خوش، و قطع شدن پیوندها، و روی کار آمدن خردسالان را انتظار کنید. (۴۱۹۰۴–۴۱۹۰۴)، و این روزگاری است که ضربات شمشیر بر مؤمن آسان تر از یافتن سال حلال است، روزگاری که پاداش گیرنده از دهنده بیشتر است. (۴۱۹۳۶–۴۱۹۱۷) و آن روزگاری که بی نوشیدن شراب مست می‌شوید، با فراوانی نعمت‌ها، بدون اجبار سوگند می‌خورید، و نه از روی ناچاری دروغ می‌گویید. و آن روزگاری است که بلاها شما را می‌گزد، چونان گردیدن و زخم کردن دوش شتران از پالان! (۴۱۹۶۶–۴۱۹۳۷) آ! آن رنج و اندوه چقدر طولانی، و امید گشایش چقدر دور است! (۴۱۹۷۴–۴۱۹۶۷)

#### ۲- ضرورت اطاعت از رهبری

ای مردم! مهار بار سنگین گناهان را رها کنید، و امام خود را تنها نگذارید، که در آینده خود را سرزنش می‌کند. (۴۱۹۹۳–۴۱۹۷۵) خود را در آتش فتنه‌ای که پیشاپیش افروخته‌اید نیفتانید، راه خود بگیرید، و از راهی که به سوی فتنه‌ها کشانده می‌شود دوری کنید. به جاتم سوگند که مؤمن در شعله آن فتنه‌ها نابود شود. اما مسّعیان دروغین اسلام در امان خواهند بود. (۴۲۰۲۲–۴۱۹۹۴)
همانا من در میان شما چونان چراغ درخشنده در تاریکی هستم، که هر کس به آن روی می‌آورد از نورش بهره‌مند می‌گردد.

ای مردم سخنان مرا بشنوید، و به خوبی حفظ کنید، گوش دل خود را باز کنید تا گفته‌های مرا بفهمید.

(۴۲۰۴۳–۴۲۰۲۳) (۱۱۸۱)

### ترجمه خطبه ۱۸۸

#### ۱- سفارش به پرهیزگاری

ای مردم، شما را به پرهیزگاری، و شکر فراوان در برابر نعمت‌ها، و عطاهای الهی، و احسانی که به شما رسیده سفارش می‌کنم (۳۸۶۲۰–۳۸۵۹۲)، چه نعمت‌هایی که به شما اختصاص داده، و رحمت‌هایی که برای شما فراهم فرمود. شما عیب‌های خود را آشکار کنید و او پوшاند، خود را در معرض کینفر او قرار دادید و او به شما مهلت داد.

(۳۸۶۳۲–۳۸۶۲۱)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۷۱

#### ۲- ارزش یاد مرگ

مردم! شما را به یاد آوری مرگ، سفارش می‌کنم، از مرگ کمتر غفلت کنید، چگونه مرگ را فراموش می‌کنید در حالی که او شما را فراموش نمی‌کند؟

و چگونه طمع می‌ورزید در حالی که به شما مهلت نمی‌دهد؟ (۳۸۶۴۱–۳۸۶۳۳) مرگ گدشتگان برای عبرت شما کافی است، آنها را به گورشان حمل می‌کردند، بی آن که بر مرگی سوار باشند، آنان را در قبر فرود آوردند بی آن که خود فرود آیند. چنان از یاد رفتند. گویا از آباد کنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه‌شان بود! (۳۸۶۴۶–۳۸۶۴۲) آنچه را وطن ۱۱ خود می‌دانستند از آن رمیدند، و در آنجا که از آن رمیدند، آرام گرفتند، و از چیزهایی که با آنها مشغول بودند جدا شدند، و آنجا را که سرانجامشان بود ضایع کردند.

اکنون نه قدرت دارند از اعمال زشت خود دوری کنند، و نه می‌توانند عمل نیکی بر نیکی‌های خود بیفزایند. به دنیایی انس گرفتند که مغروشان کرد، چون به آن اطمینان داشتند سر انجام مغلوبشان کرد.

(۳۸۶۶۲–۳۸۶۴۷)

#### ۳- ضرورت ستاب در نیکوکاری‌ها

خدا شما را رحمت کند! پس بشنابید به سوی آباد کردن خانه‌هایی که شما را به آبادانی آن فرمان دادند، و نشویفتان کرده، به سوی آن دعوت کرده‌اند، و با صبر و استقامت، نعمت‌های خدا را بر خود تمام گردانید، و از عصبان و نافرمانی کناره بگیرید، که فردا به امروز نزدیک است. (۳۸۶۷۵–۳۸۶۶۳)
و! چگونه ساعت‌ها در روز، و روزها در ماه، و ماه‌ها در سال، و سال‌ها در عمر آدمی شتابان می‌گذرد؟!

(۳۸۶۹۳–۳۸۶۷۶) (۱۱۸۹)

### ترجمه خطبه ۱۸۹

#### اشاره

(این سخنرانی که در مسجد کوفه در سال ۳۸ هجری ایراد شد با اسناد و مدارک فراوانی آمده است)

#### ۱-اقسام ایمان

ایمان بر دو قسم است: یکی ایمانی که در دل‌ها ثابت و برقرار، و دیگری در میان دل‌ها و سینه‌ها ناپایدار است، تا سر آمدی که تعیین شده است.

پس اگر از کسی بیزارید، او را به حال خود گذارید تا مرگ او فرارسد، پس در آن هنگام وقت بیزاری جستن است.

(۴۲۲۶۵–۴۲۲۱۹)

#### ۲- شناخت هجرت و مهاجر واقعی

و هجرت، بر جایگاه ارزشی نخستین خود قرار دارد. خدا را به ایمان اهل زمین نیازی نیست،

(۱) اصل علاقه به وطن مورد تأیید است، اما نباید مطلق شود و به تفکّر: پاتریوتیسم(PATRIOTISM)مبهن‌پرستی) کشیده شود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۷۳

چه ایمان خود را پنهان دارند یا آشکار کنند. (۴۲۲۸۵–۴۲۲۶۶) و نام مهاجر را بر کسی نمی‌توان گذاشت جز آن کس که حجت خدا بر روی زمین را بشناسد.

هر کس حجت خدا را شناخت، و به امامت او اقرار کرد مهاجر است.

و نام متضعف در دین، بر کسی که حجت بر او تمام شد، و گوشش آن را شنید، و قلبش آن را دریافت، صدق نمی‌کند (و معذور نیست)

(۴۲۳۱۷–۴۲۳۸۶)

**۳ مشکل فهم برخی از احادیث عزرت علیه السلام**

همانا کار ما «ولایت» ما اهل بیت پیامبر علیهم السلام سخت و تحمل آن دشوار است، که جز مؤمن دیندار که خدا او را آرموده، و ایمانش در دل استوار بوده، قدرت پذیرش و تحمل آن را ندارد، و حدیث ما را جز سینه‌های امانت‌پذیر، و عقل‌های بردبار فرا نگیرد.

(۴۲۳۴۲–۴۲۳۱۸)

**۴ آگاهی زرف امام علیه السلام**

ای مردم پیش از آن که مرا نبایید، آنچه می‌خواهید از من پرسید، که من راههای آسمان را بهتر از راههای زمین می‌شناسم «۱»، پرسید قبل از آن که فتنه‌ها چونان شتری بی‌صاحب حرکت کند، و مهار خود را پایمال نماید، و مردم را بکوبد و ییازارد، و عقل‌ها را سرگردان کند.

(۴۲۳۶۸–۴۲۳۴۳) (۱۱۹۰)

**ترجمه خطبه ۱۹۰**

**اشاره**

(این سخنرانی در شهر کوفه پیرامون خوارج ایراد شد).

**۱ ضرورت شکرگزاری**

خدا را برابر نعمت‌هایش شکرگرام، و بر انجام حقوق الهی از او باری می‌طلبم، پروردگاری که سپاهش تیرومند، و مقام او بزرگ است. (۴۲۳۹۷–۴۲۳۷۰) و گواهی می‌دمم که محتد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و پیامبر اوست، انسان‌ها را به اطاعت خدا دعوت فرمود، و با دشمنان خدا در راه دین او بیکار و مغلوبشان کرد. هرگز همداستانی دشمنان که او را دروغگو خواندند، او را از دعوت حق باز نداشت، و تلاش آنان برای خاموش کردن تور رسالت به نتیجه‌ای نرسید.

(۴۲۴۱۷–۴۲۳۹۸)

**۲ سفارش به پرهیزکاری و پاد مرگ**

پس به تقوا و ترس از خدا، روی آورید، که رشته آن استوار، و دستگیره آن محکم، و قلّه بلند آن پناهگاهی مطمئن می‌باشد. (۴۲۴۴۱–۴۲۴۲۸) قبل از فرارسیدن مرگ، خود را برای پیش آمدهای آن آماده سازید، پیش از آن که مرگ شما را دریابد آنچه لازمه ملاقات است فراهم آورید، زیرا مرگ پایان زندگی است و هدف نهایی، قیامت است. مرگ برای خردمندان بند و اندرز، و برای جاهلان وسیله عبرت آموزی است. (۴۲۴۶۹–۴۲۴۴۲) پیش از فرارسیدن مرگ، از تنگی قیرها، و شدت غم و اندوه، و ترس از قیامت، و دم هر یختن استخوان‌ها، و کر شدن گوش‌ها، و تاریکی لجه، و وحشت از آینده، و غم و اندوه فراوان در تنگنای گور، و پوشانده شدن آن با سنگ و خاک، چه می‌دانید؟! (۴۲۵۰۵–۴۲۴۷۰) پس ای بندهگان! خدا را! خدا را! پروا کنید، که دنیا با قان‌نمندی خاضی می‌گذرد، شما با قیامت به رشته‌ای اتصال دارید، گویا نشانه‌های قیامت، آشکار می‌شود،

(۱) اشاره به علم: کاسمولوجی COSMOLOGY(کیهان‌شناسی)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۷۵

و شما را در راه خود متوقف کرده، با زلزله‌هایش سر رسیده است، سنگینی بار آن را بر دوش شما نهاده (۴۲۵۴۲–۴۲۵۰۶)، و رشته پیوند مردم با دنیا را قطع کرده، همه را از آفتوش گرم دنیا خارج ساخته است!. (۴۲۵۵۰–۴۲۵۴۳) گویی دنیا یک روز بود و گذشت، یا ماهی بود و سیری شد.

تازه‌های دنیا کهنه شده، و قره‌هایش لاغر گردیدند، سپس به سوی جایگاهی تنگ، در میان مشکلاتی بزرگ، و آبتنی بر شراره می‌روند که صدای زیانه‌هایش وحشت زاء شعله‌هایش بلند، غرضش بر هیجان (۴۲۵۸۱–۴۲۵۵۱)، پر نور و گدازنده، خاموشی شعله‌هایش غیر ممکن، شعله‌هایش در فوران، تهدیدهایش هراس‌انگیز، زرقایش ناپیدا، پیرامونش تاریک و سیاه، دیگهایش در جوشش، و اوضاعش سخت وحشتناک است.

(۴۲۵۹۷–۴۲۵۸۲)

**۳ آینده پرهیزکاران**

و در آن میان (پرهیزکاران را گروه، گروه، به سوی بهشت رهنمون می‌شوند) آنان از کيفر و عذاب در امانند، و از سرزنش‌ها آسوده، و از آتش دورند، در خانه‌های امن الهی، از جایگاه خود خشنودند، آنان در دنیا رفتارشان پاک، دیدگانشان گریبان (۴۲۶۳۳–۴۲۵۸۰)، شب‌هایشان با شخوع و استغفار چورتان روز، و روزشان از ترس گناه چورتان شب می‌ماند. (۴۲۶۴۹–۴۲۶۳۴) پس خداوند بهشت را منزلگه نهایی آنان قرار داد، و پاداش ایشان را نیکو پرداخت، که سزوار آن نعمت‌ها بودند، و لایق ملکی جاودانه و نعمت‌هایی پایدار شدند. (۴۲۶۶۹–۴۲۶۵۰) ای بنده‌گان خدا، مراقب چیزی باشید که رستگاران با پاس داشتن آن سعادتمند شدند، و نهبکاران با ضایع کردن آن به خسران و زیان رسیدند.

پیش از آن که مرگ شما فرا رسد با اعمال نیکو آماده باشید، زیرا در گرو کارهایی هستید که انجام داده‌اید، و پاداش داده می‌شود به کارهایی که از پیش مرتکب شده‌اید. (۴۲۶۹۲–۴۲۶۷۰) ناگهان مرگ وحشتناک سر می‌رسد، که دیگر باز گشتی در آن نیست، و از لغزش‌ها نمی‌توان پوزش خواست. خداوند ما و شما را در راه خود و پیامبرش استوار سازد، و از گناهان ما و شما به فضل و رحمتش در گذرد.

(۴۲۷۲۰–۴۲۶۹۲)

**۴ آموزش نظامی**

سربازان! بر جای خود محکم بایستید، در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید، شمشیرها و دست‌ها را در هوای زبان‌های خویش به کار مگیرید، و آنچه که خداوند شتاب در آن را لازم ندانسته شتاب ن کنید (۴۲۷۴۳–۴۲۷۲۱)، زیرا هر کس از شما که در بستر خویش با شناخت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پیامبر علیه السلام ببرد، شهید از دنیا رفته و پاداش او بر خداست، و ثواب اعمال نیکویی که قصد انجام آن را داشته خواهد برد، و نیت او ثواب شمشیر کشیدن را دارد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۷۷

همانا هر چیزی را وقت مشخص و سرآمدی معین است.

(۴۲۷۸۸–۴۲۷۴۴) (۱۱۹۱)

**ترجمه خطبه ۱۹۱**

**۱ شناخت پروردگار**

سپاس خداوندی را سزااست که ستایش او در خلق آشکار، و سپاهش پیروز، و بزرگی او والا و بیکرانه است. (۴۲۸۱۶–۴۲۷۸۹) خدا را برای نعمت‌های بی‌در پی، و بخشش‌های بزرگش ستایش می‌کنم، خدایی که حلمش بزرگ و عفویش فراگیر است، در فرمانش عادل، و از گذشته و آینده با خبر است (۴۲۸۴۰–۴۲۸۱۷)، با علم خود جهان هستی را بدید آورده، و با فرمان خود موجودات را آفریده است، بی آن که از کسی پیروی کند، و یا بیاموزد، و یا از طرح حکیم دیگری استفاده نماید، در آفرینش بدیده‌ها، دچار اشتباهی نشده، و نه با حضور و مشورت گروهی، آفریده است. (۴۲۸۶۵–۴۲۸۴۱) گواهی می‌دمم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست، هنگامی او را مبعوث فرمود که مردم در گرداب جهالت فرو رفته بودند، و در حیرت و سرگردانی به سر می‌بردند، هلاکت آنان را مهار کرده و به سوی خود می‌کشید، و گمراهی بر جان و دلشان فقل زده بود.

(۴۲۸۹۴–۴۲۸۶۶)

**۲ ره آورده پرهیزکاری**

ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که حق خداوند بر شماست، و نیز موجب حق شما بر پروردگار است. از خدا برای پرهیزکاری یاری بخواهید، و برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جویند (۴۲۹۲۲–۴۲۸۸۵)، زیرا تقوا امروز سپر بلا، و فردا راه رسیدن به بهشت است، راه تقوا روشن، و رونده آن بهرمند، و امانت دارش خدا، که حافظ آن خواهد بود. (۴۲۹۴۳–۴۲۹۲۳) تقوا همواره خود را بر ائنت‌های گذشته (و حال) عرضه کرده و بر آینده نیز عرضه می‌کند، زیرا فریاد قیامت، همه به آن نیازمندند.

آنگاه که در قیامت آفریده‌ها را گرد می‌آورد و آنچه باز داده است باز پس می‌گیرد و در باره همه نعمت‌ها می‌پرسد (۴۲۹۶۹–۴۲۹۴۴)، پس چه اندکند آنان که تقوا را برگزیدند و بار آن را بدرستی بر دوش کشیدند آری پرهیزکاران تعدادشان اندک است و شایسته ستایش خداوند سبحان که فرمود «بندگان سپاسگزار من اندکند» (۴۲۹۹۳– ۴۲۹۷۰) پس گوش جان را به ندای تقوا بسپارید، و برای بدست آوردن آن تلاش کنید.

تقوا را به جای آنچه از دست رفته به دست آورید و عوض هر کار مخالفی که مرتکب شده‌اید انتخاب کنید (۴۳۰۱۱–۴۲۹۹۴)، با تقوا خواب خود را به بیداری تبدیل، و روزتان را با آن سپری کنید، دل‌های خود را با تقوا زنده کنید، و گناهان خود را با آن شستشو دهید.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۷۹*

بیماری‌های روان و جان خود را با تقوا درمان، و خود را آماده سفر آخرت گردانید، از تباه کنندگان تقوا عبرت بگیرید و خود عبرت پرهیزکاران نشوید. (۴۳۰۴۳–۴۳۰۱۲) آگاه باشید! تقوا را حفظ کنید و خویشان را با تقوا حفظ نمایید.

#### ۳ پرهیز از دنیای حرام

برابر دنیا خویشتن دار و برابر آخرت دلباخته باشید.

آن کس را که تقوا بلند مرتبت کرد خوار نشمارید، و آن را که دنیا عزیزش کرد گرامی ندارید. (۴۳۰۶۹–۴۳۰۴۴) برق درخشنده دنیا شما را خیره نکند، و سخن ستاینده دنیا را نشنوید. به دعوت کننده دنیا پاسخ ندهید، و از نایش دنیا روشنایی نخواهید، و فریفته کالاهای گران قدر دنیا نگردید. همانا برق دنیای حرام بی فروغ است، و سخشن دروغ، و اموالش به غارت رفتی، و کالاهای آن تاراج شدنی است. (۴۳۱۰۱– ۴۳۰۷۰) آگاه باشید! دنیای حرام چونان عشوهرگر هرزهای است که تسلیم نشود، و مرکب سرکشی است که فرسان نبرد، دروغگوئی خیا‌ت‌نکار، ناسپاس حق شناس، دشمنی حیله‌گر، پشت کنده‌ای سرگردان (۴۳۱۲۱–۴۳۱۰۲)، حالانش متزلزل، عزّتش خوری، جدّش بازی و شوخی، و بلندی آن سقوط است. خانه جنگ و غارتگری، تپه‌کاری و هلاکت، و سر منزل نا آرامی است (۴۳۱۴۳– ۴۳۱۲۲)، جایگاه دیدار کردنها و جدایی‌هاست. راه‌های آن حیرت زا، گریزگاه‌های ناپیدا، و خواسته‌هایش نومید کننده و زیانبار است، پناهگاه‌های آن دنیا انسان را تسلیم مرگ می‌کند، و از خانه‌های خود بیرون می‌راند، و چاره اندیشی‌های آن ناتوان کننده است.

(۴۳۱۶۹–۴۳۱۴۴)

#### ۴ انعام دنیا پرستان

نجات یافته‌ای مجروح، یا مجروحی پاره تن، دسته‌ای سر از تن جدا، و دسته‌ای دیگر در خون نپیده، گروهی انگشت به دندان، و جمعی از حسرت و اندوه دست بر دست می‌مالند، برخی سر بر روی دست‌ها نهاده به فکر فرو رفته‌اند، عذّ‌های بر اشتباهات گذشته افسوس می‌خورند و خویشان را محکوم می‌کنند، و عذّ‌های دیگر از عزم و تصمیم‌ها دست برداشته‌اند (۴۳۱۹۹–۴۳۱۷۰)، چرا که راه فرار و هر نوع حیله‌گری بسته شده، و دنیا آنها را غافلگیر کرده است، و کار از کار گذشته، و عمر گزایندها بدر رفته است (۴۳۲۱۰– ۴۳۲۰۰)، هیهات! هیهات! آنچه از دست رفت گذشت، و آنچه سپری شد رفت، و جهان چنانکه می‌خواست به پایان رسید. «نه آسمان بر آنها گریست و نه زمین، و هرگز دیگر به آنها مهلتی داده نشده»

(۴۳۲۳۵–۴۳۲۱۱)

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۸۱*

(۱۱۹۲)

#### ترجمه خطبه ۱۹۲

#### اشاره

(این خطبه را «قاصعه» یعنی تحقیر کننده نامیدند که در آن ارزشهای جاهلی را کوچک و خوار شمرد و از طولانی‌ترین سخنرانی‌های امام است که در سال ۴۰ هجری در حالیکه سوار بر اسب بود ایراد فرمود)

#### ۱والایی پروردگار

ستایش خداوندی را سزاست که لیاس عزّت و بزرگی پوشید، و آن دو را برای خود انتخاب، و از دیگر پدیده‌ها باز داشت. آن دو را مرز میان خود و دیگران قرار داد، و آن دو را برای بزرگی و عظمت خویش برگزید، و لعنت کرد آن کس را که در آرزوی عزّت و بزرگی با خدا به ستیزه برخیزد (۴۳۳۰۵– ۴۳۲۷۳)، از این رو فرشتگان مقرب خود را آزمود، و فروتنان را از گردنکشان جدا فرمود. (۴۳۳۱۵–۴۳۳۰۶) یا آن که از آنچه در دل‌هاست، و از اسرار نهان آگاه است، به فرشتگان فرمود. «من بشری را از گل و خاک می‌آفرینم، آنگاه که آفرینش او به اتمام رسید، و روح در او دمیدم، برای او سجده کنید، فرشتگان همه سجده کردند مگر ابلیس» (۴۳۳۴۶–۴۳۳۱۶) که حسادت او را فرا گرفت.

#### ۲ کوهن تکیر و خودبندی شیطان

شیطان بر آدم علیه التّیلام به جهت خلقت او از خاک، فخر فروخت، و با تکیه به اصل خود که از آتش است دچار تعصّب و فرور شد.

پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصّب‌ها و سر سلسله منکیران است، که اساس عصیت را بنا نهاد، و بر لیاس کبریاپی و عظمت با خدا در افتاد، لیاس بزرگی را بر تن پوشید و پوشش تواضع و فروتنی را از تن در آورد. (۴۳۳۸۰– ۴۳۳۴۷) آیا نمی‌تگرید که خدا به خاطر خود بزرگ بینی، او را کوچک ساخت؟ و به جهت بلند پروازی او را پست و خوار گردانید؟ پس او را در دنیا طرد شد، و آتش جهنّم را در قیامت برای او مهیا فرمود؟

(۴۳۴۰۰– ۴۳۳۸۱)

#### ۳ آزمایش‌ها درمان تکبر

خداوند اگر اراده می‌کرد، آدم علیه التّیلام را از نوری که چشم‌ها را خیره کند، و زیبایش عقلها را مبهوت سازد، و عطر و پاکیزگی‌اش حس بویایی را تسخیر کند می‌آفرید (۴۳۴۳۵– ۴۳۴۰۱)، که اگر چنین می‌کرد، گردن‌ها در برابر آدم فروتنی می‌کردند، و آزمایش فرشتگان برای سجده آدم علیه التّیلام آسان بود، اما خداوند مخلوقات خود را با اموری که آگاهی ندارند آزمایش می‌کند، تا بد و خوب تمیز داده شود، و تکبر و خودبستگی را از آنها بزاید، و خود بزرگ بینی را از آنان دور کند. (۴۳۴۵۹–۴۳۴۲۶) پس، از آنچه خداوند نسبت به ابلیس انجام داد عبرت بگیرید، زیرا اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم او را با تکبر از بین برد.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۸۳*

او شش هزار سال عبادت کرد که مشخص می‌باشد از سال‌های دنیا یا آخرت است، اما با ساضی تکبر همه را نابود کرد (۴۳۴۸۷–۴۳۴۶۰)، چگونّه ممکن است پس از ابلیس، فرد دیگری همان اشتباه را تکرار کند و سالم بماند؟ نه، هرگز! خداوند هیچ گاه انسانی را برای عملی وارد بهشت نمی‌کند که برای همان عمل فرشته‌ای را مجرم سازد. (۴۳۵۱۹–۴۳۴۹۸) فرمان خدا در آسمان و زمین یکسان است ۱۱، و بین خدا و خلق، دوستی خاصی وجود ندارد که به خاطر آن، حرامی را که بر جهانیان ابلاغ فرموده حلال بدارد.

(۴۳۵۴۴– ۴۳۵۲۰)

#### ۴ هشدار از دشمنی‌های شیطان

ای بند گان خدا! از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد، و با ندای خود شما را به حرکت در آورد، و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد! (۴۳۵۶۶– ۴۳۵۴۵) به جانم سوگند، شیطان تیر خط‌ناکی برای شکار شما بر چلّه کمان گذارده، و تا حد توان کشیده، و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است، و خطاب به خدا گفته: «پروردگارا! به سبب آن

شیطان

که مرا دور کردی، دنیا را در چشمه‌پاشان جلوه می‌دهم، و همه را گمراه خواهم کرده اما تیری در تاریکی‌ها، و سنگی بدون نشانه روی رها ساخت (۴۶۰۱–۴۳۵۶)، گرچه فرزندان خودپسندی، و برادران تعصب و خود خواهی، و سواران مرکب جهالت و خود پرستی، او را تصدیق کردند.

افراد سرکش شما تسلیم شیطان شدند، و طمع ورزی او را در شما کارگر افتاد، و این حقیقت بر همه آشکار گردید (۴۶۲۲–۴۳۰۲)، و حکومت شیطان بر شما استوار شد، و با لشکر خویش به شما یورش برد، و شما را به ذلت سقوط کشانید، و شما را به مرز کشتار و خونریزی کشانید (۴۶۴۶–۴۶۲۳)، و شما را با فرودن نیزه در چشم‌ها، بریدن گلوها، کوبیدن مغزها پامبال کرد، تا شما را به سوی آتشی بکشاند که از پیش مهیا گردید. (۴۶۶۷–۴۶۴۷) پس شیطان بزرگ‌ترین مانع برای دینداری، و زیانبارترین و آتش افروزترین فرد برای دنیای شماست! شیطان از کسانی که دشمن سر سخت شما هستند و برای در هم شکستنشان کمر بسته‌اید خطرناک‌تر است. (۴۶۸۹–۴۶۷۲) مردم! آتش خشم خود را بر ضد شیطان به کار گیرید، و ارتباط خود را با او قطع کنید. به خدا سوگند، شیطان بر اصل و ریشه شما فخر فروخت، و بر حسب و نسب شما طعه زد و عیب گرفت، و با سیاهان سواره خود به شما هجوم آورد، و با لشکر پیاده راه شما را بست، که هر کجا شما را بیابند شکار می‌کنند، و دست و پای شما را قطع می‌کنند (۴۶۷۵–۴۶۶۰)، نه می‌توانید با حلیه و نقشه آنها را بپراکنید، و نه با سوگندها قادرید از سر رهاتان دور کنید. زیرا کمین‌گاه شیطان ذلت آور، تنگ و تاریک، مرگ آور.

(۱) ز. در نسخه‌های دیگر «لا یدری» دارد یعنی معلوم نیست (بدون استفاده از علم غیب) (در حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شد که نام ایلیس، حارث بود و پس از رانده شدن از رحمت الهی به ایلیس یعنی «دوره نامیده شد).

که طرفداران مونیسم(MONISM)فلسفه وحدت وجود) تلاش فراوان کردند تا کلیه عوارض جهان خلقت را در یک اصل وحدت وجود تبیین کنند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۸۵

و جولانگاه بلا و سختی‌هاست (۴۷۴۴–۴۷۲۶)، پس شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلی را در قلب خود خاموش سازید، که تکبر و خود پرستی در دل مسلمان از آفت‌های شیطان، فرورها، و کشش‌ها و وسوسه‌های اوست. (۴۳۷۰–۴۳۴۵) تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهد، و تکبر و خود پسندی را زیر پا بگذارد، و حلقه‌های زنجیر خود بزرگ بینی را از گردن باز کند، و تواضع و فروتنی را سنگر میان خود و شیطان و لشکریانش قرار دهد، زیرا شیطان از هر گروهی لشکریان و یارانی سواره و پیاده دارد. (۴۳۸۰–۴۳۷۱) و شما همانا قایل ۱۱۰ نباشید که بر برادرش تکبر کرد، خدا او را بر تری نداد، خویشش را بزرگ می‌پنداشت، و حسادت او را به دشمنی واداشت، تعصب آتش کینه در دلش شعله‌ور کرد (۴۳۸۹–۴۳۸۱)، و شیطان یاد کبر و غرور در دماغش دمید، و سر انجام پشیمان شد، و خداوند گناه قاتلان را تا روز قیامت بر گردن او نهاد.

(۴۳۸۹–۴۳۸۰)

#### ۵ برهیز از تکبر و اخلاق جاهلی

آگاه باشید! در سرکشی و ستم زیاده روی کردید، و در زمین در دشمنی با خداوند فساد به راه انداختید، و آشکارا با بندگان خدا به نیرد پرداختید. (۴۳۸۹–۴۳۸۰) خدا را! خدا را! از تکبر و خودپسندی، و از نفاخر جاهلی بر حذر باشید، که جایگاه بغض و کینه و رشد وسوسه‌های شیطانی است، که مطنهای گذشته، و انتهای پیشین را فریب داده است، تا آنجا که در تاریکی‌های جهالت فرو رفتند، و در برنگاه هلاکت سقوط کردند (۴۳۰۹–۴۳۸۰)، و به آسانی به همان جایی که شیطان می‌خواست کشانده شدند. کبر و خود پسندی چیزی است که قلب‌های متکبران را همانند کرده تا قرن‌ها به تضاد و خونریزی گذرانند، و سینه‌ها را کینه‌ها تنگی گرفت.

(۴۳۸۹–۴۳۹۰)

#### ۶ برهیز از سران متکبر و خود پسند

آگاه باشید! زنها! زنها! از پیروی و فرمانبرداری سران و بزرگانان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند، و خود را بالاتر از آنچه که هستند. می‌پندارند، و کارهای نادرست را به خدا نسبت می‌دهند، و نعمت‌های گسترده خدا را انکار می‌کنند، تا با خواسته‌های پروردگاری مبارزه کنند، و نعمت‌های او را نادیده انگارند. (۴۳۶۵–۴۳۶۲) آنان شالوده تعصب جاهلی، و سنونهای فتنه، و شمشیرهای نفاخر جاهلیت هستند. (۴۳۷۷–۴۳۶۶) پس، از خدا پروا کنید، و با نعمت‌های خدادادی درگیر نشوید، و به فضل و بخشش او حسادت نوزید، و با فرومایگان اطاعت نکنید، آنان که تیرگی‌شان را با صفای خود نوشیدید، و بیماری‌شان را با سلامت خود درهم آمیخته‌اید، و باطل آنان را با حق خویش مخلوط کرده‌اید (۴۴۰۷–۴۳۷۸)، در حالی که آسان ریشه همه فسق‌ها و انحرافات و همراه انواع گناهانند.

شیطان در حال فریب دادن آدمی

(۱) قایل بر فرزند مادرش (هابیل) تکبر کرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۸۷

شیطان آنها را برای گمراه کردن مردم، مرکب‌های رام قرار داد، و از آنان لشکری برای هجوم به مردم ساخت، و برای دزدیدن عقل‌های شما آنان را سخنگوی خود برگزید (۴۴۰۸–۴۴۰۸)، که شما را هدف تیرهای خویش، و پامبال قدم‌های خود، و دستاویز وسوسه‌های خود گردانید.

(۴۴۰۸–۴۴۰۳)

#### ۷ ضرورت عبرت از گذشتگان

مردم! از آنچه که بر ملت‌های متکبر گذشته، از کین‌ها و عقوبت‌ها و سختگیری‌ها، و ذلت و خواری فرود آمده عبرت بگیرید، و از قیرها و خاکی که بر آنچه ره نهادند، و زمین‌هایی که با پهلوا بر آن افتادند پند پذیرید (۴۴۰۷۳–۴۴۰۴۹)، و از آثار زشتی که کبر و غرور در دل‌ها می‌گذارد به خدا پناه بگیرید، همانگونه که از حوادث سخت به او پناه می‌برید! (۴۴۰۸۴–۴۴۰۷۲) اگر خدا تکبورووزیدن را اجازه می‌فرمود، حتما به بندگان مخصوص خود از پیامبران و امامان علیهم السلام اجازه می‌داد، در صورتی که خدای سبحان تکبر و خودپسندی را نسبت به آن نایبند، و تواضع و فروتنی را برای آنان پسندید (۴۴۱۰۸–۴۴۰۸۵)، که چهره بر زمین می‌گذارند و صورت‌ها بر خاک می‌مالند، و در برابر مؤمنان فروتنی می‌کنند، و خود از قشر مستضعف جامعه می‌باشند که خدا آنها را با گرسنگی آزمود، و به سختی و بلا گرفتارشان کرد، و با ترس و بیم امتحانشان فرمود، و با مشکلات فراوان، خالصشان گردانید. (۴۴۱۳۷–۴۴۱۰۹) پس مال و فرزند را دلیل خشنودی یا خشم خدا ندانید، که نشانه ناآگاهی به موارد آزمایش، و امتحان در بی‌نیازی و قدرت است (۴۴۱۵۵–۴۴۱۳۸)، زیرا خداوند سبحان فرمود:

«آیا گمان می‌کنند مال و فرزندانی که به آنها عطا کردیم، به سرعت نیکی‌ها را برای آنان فراهم می‌کنیم؟ نه آنان آگاهی ندارند» (۴۴۱۷۶–۴۴۱۵۶)

#### ۸ فلسفه آزمایش‌ها

پس همانا خداوند سبحان بندگان متکبر را با دوستان خود که در چشم آنها ناتوانند. می‌آزماید (۴۴۱۸۸–۴۴۱۷۷)، وقتی که موسی بن عمران و برادرش هارون علیهم السلام بر فرعون وارد شدند، و جامعه‌های پشیم بن، و چوب دستی در دست داشتند، و با فرعون شرط کردند که اگر تسلیم پروردگار شود، حکومت و ملکش جاودانه بماند و عزّتش برقرار باشد (۴۴۲۱۹–۴۴۱۸۹) فرعون گفت:

«آیا از این دو نفر تعجب نمی‌کنید؟ که دوام عزّت و جاودانگی حکومت را به خواسته‌های خود ریظ می‌دهند؟

در حالی که در فقر و بیچارگی به سر می‌رند؟ اگر چنین است چرا دستبندهای طلا به همراه ندارند؟» این سخن را فرعون برای بزرگ شمردن طلا و تحقیر پوشش لباسی از پشم گفت، در حالی که اگر خدای سبحان اراده می‌فرمود، به هنگام بعثت پیامبران، درهای گنج‌ها، و معدن‌های جواهرات، و باغات سرسبز را به روی پیامبران می‌گشود، و پرندگان آسمان و حیوانات وحشی زمین را همراه آنان به حرکت در می‌آورد. (۴۴۲۸۵–۴۴۲۲۰) اما اگر این کار را می‌کرد، آزمایش از میان می‌رفت، و پادش و عذاب بی‌اثر می‌شد، و بشارت‌ها و هشدارهای الهی بی‌فایده می‌بود، و بر مؤمنان اجر

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۳۸۹

و پادش امتحان شدگان واجب نمی‌شد، و ایمان آوردندگان ثواب نیکوکاران را نمی‌یافتند، و واژه‌ها، معانی خود را از دست می‌داد. (۴۴۳۱۴–۴۴۲۸۶) در صورتی که خداوند پیامبران را با عزم و اراده قوی، گرچه با ظاهری ساده و فقیر معبرث کرد، با قاضی که دل‌ها و چشم‌ها را بر سازد، هر چند فقر و نداری ظاهری آنان چشم و گوش‌ها را خیره سازد. (۴۴۳۴۴–۴۴۳۱۴) اگر پیامبران الهی، دارای چنان قدرتی بودند که مخالفت با آنان امکان نمی‌داشت، و توانایی و عزّتی می‌داشتند که هرگز مغلوب نمی‌شدند، و سلطنت

و حکومتی می‌داشتند که همه چشم‌ها به سوی آنان بود، از راه‌های دور بار سفر به سوی آنان می‌بستند، اعتبار و ارزششان در میان مردم اندک بود، و منکثران در برابرشان سر فرود می‌آوردند (۴۳۷۹–۴۳۴۵)، و نظاهر به ایسان می‌کردند، از روی ترس یا علاقه‌ای که به مادیات داشتند.

در آن صورت تبت‌های خالص یافت نمی‌شد، و اهداف غیر الهی در ایمانشان راه می‌یافت، و با انگیزه‌های گوناگون به سوی نیکی‌ها می‌شتافتند. (۴۳۹۵–۴۳۸۰) انا خدای سبحان اراده فرمود که پیروی از پیامبران، و تصدیق کتب آسمانی، و فروتنی در عبادت، و تسلیم در برابر فرمان خدا، و اطاعت محض فرمانبردار، با تبت خالص تنها برای خدا صورت پذیرد، و اهداف غیر عبادی در آن راه نیابد. (۴۴۲۴–۴۴۳۶)، که هر مقدار آزمایش و مشکلات بزرگتر باشد ثواب و پاداش نیز بزرگتر خواهد بود. (۴۴۳۶–۴۴۴۵)

#### ۹ فلسفه حج

آیا مشاهده نمی‌کنید که همانا خداوند سبحان، انسان‌های پیشین از آدم علیه السّلام تا آیندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مگه آزمایش کرد که نه زیان می‌رسانند، و نه نفعی دارند، نه می‌بینند، و نه می‌شوند؟ این سنگ‌ها را خاتم محترم خود قرار داده و آن را عامل پایداری مردم گردانید. (۴۴۷۴–۴۴۳۷) سپس کعبه را در سنگلاخ‌ترین مکان‌ها، بی‌گاه‌ترین زمین‌ها، و کم فاصله‌ترین دژه‌ها، در میان کوه‌های خشن، سنگریزه‌های فراوان، و چشمه‌های کم آب، و آبادی‌های از هم دور قرار داد، که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچ کدام در آن سرزمین آسایش ندارند. (۴۵۱۲–۴۴۷۵) سپس آدم علیه السلام و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه برگردند، و آن را مرکز اجتماع و سر منزل مقصود و بار اندازشان گردانند، تا مردم با عشق قلب‌ها (۴۵۱۳–۴۴۵۱۳)، به سرعت از میان فلات و دشت‌های دور، و از درون شهرها، روستاها، دژه‌های عمیق، و جزایر از هم پراکنده دریاها به مگه روی آورند، شانه‌های خود را بچینانند، و گرداگرد کعبه لا اله الا الله بر زبان جاری سازند، و در اطراف خانه طواف کنند، و با موهای آشفته، و بدن‌های پر گرد و غبار در حرکت باشند. (۴۵۶۰–۴۵۳۵) لباس‌های خود را که نشانه شخصیت هر فرد است در آورند، و با سلاح نکردن موهای سر، قیافه خود را تغییر دهند، که آزمونی بزرگ، و امتحانی سخت، و آزمایشی آشکار است برای پاکسازی و خالص شدن، که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد. (۴۵۹۰–۴۵۶۱) اگر خداوند خانه محترمش، و مکان‌های انجام مراسم حج راه در میان باغ‌ها

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۹۱

و نهرها، و سرزمین‌های سبز و هموار، و پردرخت و میوه، مناطقی آباد و دارای خانه‌ها و کاخ‌های بسیار، و آبادی‌های به هم پیوسته (۴۶۱۷–۴۵۹۱)، در میان گنده‌مزها و باغات خرم و پر از گل و گیاه، دارای مناظری زیبا و پر آب، در وسط باغستانی شادی آفرین، و جاده‌های آباد قرار می‌داده، به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز سبک‌تر می‌شد. (۴۶۴۴–۴۶۱۸) اگر پایه‌ها و بنیان کعبه، و سنگ‌هایی که در ساختمان آن به کار رفته از زرمذ سبز، و یاقوت سرخ، و دارای نور و روشنایی بود، دل‌ها دیرتر به شک و تردید می‌رسیدند، و تلاش شیطان بر قلب‌ها کمتر اثر می‌گذاشت، و وسوسه‌های پنهانی او در مردم کارگر نبود. (۴۶۸۲–۴۶۴۵) در صورتی که خداوند بنندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آزماید، و با مشکلات زیاد به عبادت می‌خواند، و به اقام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد، تا کبر و خود پسندی را از دل‌هاپشان خارج کند، و به جای آن فروتنی آورد، و درهای فضل و رحمتش را به روی‌شان بگشاید، و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد.

(۴۶۱۷–۴۶۴۲)

#### ۱۰ پرهیز از شتمکاری

پس، خدا را! خدا را! از تعجل در عقوبت، و کيفر سرکشی و ستم بر حذر باشید، و از آينده دردناک ظلم، و سر انجام زشت تکبر و خود پسندی که کمين گناه ابيس است، و جايبگاه حيله و تيزنگ اوست، بترسيد، حيله و تيزنگي که با دلهاي انسان‌ها، چون زهر کشنده می‌آميزد (۴۷۴۷–۴۷۱۸)، و هرگز بی‌اثر نخواهد بود، و کسی از هلاکتش جان سالم نخواهد برد، نه دانشمند به خاطر دانشش، و نه فقیر به جهت لباس کهنه‌اش، در امان می‌باشد.

(۴۷۶۲–۴۷۷۸)

#### ۱۱ فلسفه عبادات اسلامی

خداوند بندگانش راه با نماز و زکات و تلاش در روزه‌داری، حفظ کرده است، تا اعضا و جوارحشان آرام، و دیدگانشان خاشع، و جان و روانشان فروتن، و دل‌هایشان متواضع باشد، کبر و خودپسندی از آنان رخت بریند (۴۷۹۴–۴۷۶۳)، چرا که در سجده، بهترین جای صورت را به خاک مالیدن، فروتنی آورد، و گذاردن اعضا پر ارزش بدن بر زمین، اظهار کوچکی کردن است. و روزه گرفتن، و جسیبدن شکم به پشت، عامل فروتنی است، و پرداخت زکات، برای مصروف شدن میوهجات زمین و غیر آن، در جهت نیازمندیهای فقرا و مستمندان است. (۴۸۳۳–۴۷۹۵) به آثار عبادات بنگرید که چگونه شاخه‌های درخت تکبر را در هم می‌شکند؟

و از روییدن کبر و خودپرستی جلوگیری می‌کند!

(۴۸۴۹–۴۸۳۴)

#### ۱۲ تعصب ورزیدن زشت و زیبا

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۹۳

من در اعمال و رفتار جهانیان نظر دوختم، هیچ کس را نیافتم که بدون علت در باره چیزی تعصب ورزد، جز با دللی که با آن ناآگاهان را بفریبد، و یا برهانی آورد که در عقل سفیان نفوذ کند، جز شما! زیرا در باره چیزی تعصب می‌ورزید که نه علتی دارد و نه تبه سببی (۴۸۸۳–۴۸۵۰)، ولی شیطان به خاطر اصل خلقت خود بر آدم علیه السّلام تعصب ورزید، و آفرینش او را مورد سرزنش قرار داد و گفت «مرا از آتش و تو را از گل ساخته‌اند»، و سرمایه‌داران فساد زده آمت‌ها، برای داشتن نعمت‌های فراوان تعصب ورزیدند و گفتند:

«ما صاحبان فرزندان و اموال فراوانیم و هرگز عذاب نخواهیم شد» (۴۹۱۳–۴۸۸۴) «۱» پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده، اعمال نیکو (۴۹۳۶–۴۹۱۲)، و کارهای خوب تعصب داشته باشید، همان اعمال و کرداری که انسان‌های با شخصیت، و شجاعان خاندان عرب، و سران قبائل در آنها از یکدیگر پیشی می‌گرفتند، یعنی اخلاق پسندیده، برداری «۲» به هنگام خشم فراوان، و کردار و رفتار زیبا و درست، و خصلت‌های نیکو! (۴۹۶۲–۴۹۳۷) پس تعصب ورزید در حمایت کردن از پناهندگان، و همسایگان، وفاداری به عهد و پیمان، اطاعت کردن از نیکی‌ها، سرپیچی از تکبر و خود پسندی‌ها، تلاش در جود و بخشش، خود داری از شتمکاری، بزرگ شمردن خونریزی، انصاف داشتن با مردم، فروخوردن خشم، پرهیز از فساد در زمین، تا رستگار شوید.

(۴۹۸۸–۴۹۶۳)

#### ۱۳ علل پیروزی و شکست ملت‌ها

از کيفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت‌های پیشین فرود آمد خود را حفظ کنید، و حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آوریید، و بترسید که همانند آنها باشید! پس آنگاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده دار چیزی باشید که عامل عزّت آنان بود (۴۹۳۴–۴۹۹۹)، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد، و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت، و کرامت و شخصیت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند، و بر وحدت و همدلی هفت گماشتند، و یکدیگر را به وحدت واداشته به آن سفارش کردند. (۴۹۶۶–۴۹۰۳) و از کارهایی که پشت آنها را شکست، و قدرت آنها را در هم کویید، چون کینه توزی یا یکدیگر، برکردن دل‌ها از بخل و حسد، به یکدیگر پشت کردن و از هم بریدن، و دست از یاری هم کشیدن، پرهیزید (۴۹۰۸–۴۹۰۷)، و در احوالات مؤمنان پیشین اندیشه کنید، که چگونه در حال آزمایش

(۱) نفی حکومت: پلوتوکراسی (PLUTOCRACY)حکومت سرمایه‌داری) و سرمایه داران بزرگ

(۲) احلام: را این ابی الحدید «عقل و اندیشه» معنا کرد، ولی این مینم در جلد چهارم از شرح خود ص ۹۳، احلام را به «بردیاری» معنا کرد، و حق با اوست.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۹۵

و امتحان به سر بردند، آیا بیش از همه مشکلات بر دوش آنها نبود؟ و آیا بیش از همه مردم در سختی و زحمت نبودند؟ و آیا از



همه مردم جهان بیشتر در تنگنا قرار نداشتند؟ (۴۵۱۶–۴۵۰۸)
فرعون‌های زمان، آنها را به پردگی کشاندند، و همواره بدترین شکنجه‌ها را بر آنان وارد کردند، و انواع تلخی‌ها را به کاشمان ریختند، که این دوران ذلّت و هلاکت و مغلوب بودن، تداوم یافت نه راهی وجود داشت که سرپیچی کنند، و نه چاره‌ای که از خود دفاع نمایند. (۴۵۱۴۵–۴۵۱۱۷)، تا آن که خداوند، تلاش و استقامت و پایداری در برابر ناملایمات آنها راه، در راه دوستی خود، و قدرت تحمل ناراحتی‌ها را برای ترس از خویش، مشاهده فرمود. آنان را از تنگنای بلا-و سختی‌ها نجات داد، و ذلّت آنان را به عزّت و بزرگواری، و ترس آنها را به اِستِ تبدیل فرمود (۴۵۱۷۶–۴۵۱۶۶)، و آنها را حاکم و زمامدار و پیشوای انسانها قرار داد، و آن قدر کرامت و بزرگی از طرف خدا به آنها رسید که خیال آن را نیز در سر نمی‌پروراندند. (۴۵۱۹۵–۴۵۱۷۷)
پس اندیشه کنیه که چگونه بودند آنگاه که: وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنان یکسان، و دست‌های آنان مدد کار یکدیگر، شمشیرها یاری کنند، نگاهها به یک سو دوخته، و اراده‌ها واحد و همسو بود! (۴۵۲۲۰–۴۵۱۹۶)
آیا در آن حال مالکک و سرپرست سراسر زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ (۴۵۲۲۲–۴۵۲۱۱)
پس به پایان کار آنها نیز بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت، و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند (۴۵۲۵۷–۴۵۲۳۳)، خداوند لباس کرامت خود را از نشان بیرون آورد، و نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت، و داستان آنها در میان شما عرت انگیز باقی ماند. (۴۵۲۷۵–۴۵۲۵۸)
در حالات زندگی فرزندان اسماعیل پیامبر، و فرزندان اسحاق پیامبر، فرزندان اسرائیل «عقوب» (که درود بر آنان باد) عبرت بگیرید، راستی چقدر حالات مَلَمَّا با هم یکسان، و در صفات و رفتارشان با یکدیگر همانند است! در احوالات آنها روزگاری که از هم جدا و پراکنده بودند اندیشه کنیه، زمانی که پادشاهان کسری و قیصر ۱۱۰ بر آنان حکومت می‌کردند (۴۵۳۱۰–۴۵۲۷۶)، ۲۱، و آنها را از سرزمین‌های آباد، از کناره‌های دجله و فرات، ۳۰ و از محیطهای سر سبز و خرم دور کردند، و به صحراهای کم گیاه، و بی آب و علف، محل وزش باده‌ها، و سرزمین‌هایی که زندگی در آنهاجا مشکل بود تمیّد کردند، آنان را در مکان‌های نامناسب، مسکین و فقیر، همشین شتران ساختند، ۴۰ خانه‌هاشان بدست‌ترین خانه مُت‌ها، و سرزمین زندگیشان خشک‌ترین بیابان‌ها بود (۴۵۳۴۲–۴۵۳۱۱)، نه دعوت حقّی وجود داشت که به آن روی آورند و پانهنده شوند، و نه سایه محبتی وجود داشت که در عزّت آن زندگی کنند. (۴۵۳۵۷–۴۵۳۳۳)
حالات آنان دگرگون، و قدرت آنان پراکنده، و جمعیت انبوهشان متفوق بود. در بلائی سخت، و در جهالتی فراگیر فرو رفته بودند، دختران را زنده به گور، و پت‌ها را پرستش می‌کردند، و قطع رابطه با خویشاوندان، و غارتگری‌های پیاپی در میانشان رواج یافته بود. (۴۵۳۸۳–۴۵۳۵۸)

#### ۱۴ ره‌آورد بعثت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم

(۱) کسری لقب پادشاهان ایران و قیصر لقب پادشاهان روم شرقی بود.

(۲) نفی حکومت: اریستوکراسی (ARISTOCRACY (حکومت‌های اشرافی) و الیگارشی (OLIGARCHY (حکومت استبدادی چند نفر از اَنبیاء)

(۳) بحر العراق: دریای عراق، منظور آبهای میان دجله و فرات است که ساسانیان بر آن حکومت داشتند.

(۴) دَبر و ویر، کنایه از شتر است، یعنی آنها را فقیر و تهیدست با شتران رها کردند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۹۷

حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگام بعثت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم بر آنان فروریخت بنگرید، که چگونه اطاعت آنان را بدین خود پیوند داد. و با دعوئش آنها را به وحدت رساند! (۴۵۴۰۴–۴۵۳۸۴)
چگونه نعمت‌های الهی باطای کرامت خود را بر آنان گستراند، و جویبارهای آسایش و رفاه بر ایشان روان ساخت! و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت! در میان نعمت‌ها غرق گشتند، و در عزمی زندگانی شادمان شدند (۴۵۴۳۱–۴۵۴۰۵)، امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزّتی پایدار آرام گرفتند، و به حکومتی پایدار رسیدند. (۴۵۴۴۴–۴۵۴۳۲)
آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند، و سلطانی روی زمین گردیدند، و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند، و قوانین الهی را بر کسانی اجراء می‌کردند که مجریان احکام بودند، و در گذشته کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را نداشت، و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند. (۴۵۴۸۶–۴۵۴۵۵)

#### ۱۵ علل تکوئن و سقوط کوفیان

آگاه باشید که شما هم اکنون دست از رشته اطاعت کشیدید، و با زلنده کردن ارزش‌های جاهلیت، دژ محکم الهی را در هم شکستید (۴۵۵۰۵–۴۵۴۸۷)، در حالی که خداوند بر این انت اسلامی بر «وحدت و برادری، مَت گذارده بود، که در سایه آن زندگی کنمنی، نعمتی بود که هیچ ارزشی نمی‌توان همانند آن تصوّر کرد، زیرا از هر ارزشی گران قدرتر، و از هر کرامتی والاتر بود. (۴۵۵۶۷–۴۵۵۰۶)
بدانیند که پس از هجرت، دوباره چوئنان اعراب بادیه نشین شده‌اید، و پس از وحدت و برادری به احزاب گوناگون تبدیل گشته‌اید، از اسلام تنها نام آن، و از ایمان جز نشانی را نمی‌شناسید! (۴۵۵۷۱–۴۵۵۶۸)
شعار می‌دهید: آتش آری، ننگ هرگز! گویا می‌خواهید اسلام را واژگون، و پرده حرمتش را پاره کنید؟ و پیدائی را که خدا برای حفظ حرمت مسلمین در زمین، و عامل اِستِ و آرامش مردم قرار داد بشکند؟ (۴۵۵۹۹–۴۵۵۷۲)
همانا اگر شما به غیر اسلام پناه برید، کافران با شما تیرد خواهند کرد.

آنگاه نه جبرئیل و نه میکائیل، نه مهاجر و نه انصار، وجود ندارند که شما را یاری دهند، و چاره‌ای جز تیرد با شمشیر ندارند تا خدا در میان شما حکم نماید. (۴۵۶۲۸–۴۵۶۰۰)
مردم! از مثل‌های قرآن در باره کسانی که عذاب و کیفر شدند، و روزهای سخت آنان، و آسیب‌های شدیدی که دیدند آگاهیید، پس وعده عذاب خدا را دور میندارید، و به عذر اینکه آگاهی ندارید خود را گرفتار نساژتد، و انتقام خدا را سبک، و خود را از کیفر الهی ایمن میندارید. (۴۵۶۵۳–۴۵۶۲۹)، زیرا که خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف، و نهی از منکر. پس خدای بی‌خردان را برای نافرمانی، و خردمندان را برای ترک باز داشتن دیگران از گناه، لعنت کرد. (۴۵۶۷۹–۴۵۶۵۴)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۳۹۹

آگاه باشید! شما رشته پیوند با اسلام را قطع، و اجرای حدود الهی را تعطیل، و احکام اسلام را به فراموشی سپرده‌اید!

(۴۵۶۹۱–۴۵۶۸۰)

#### ۱۶ ناطیعت امام در تیرد با متحرقان

آگاه باشید! خداوند مرا به جنگ با سرکشان تجاوز کار، پیمان شکنان و فساد کنندگان در زمین فرمان داد: با ناکان پیمان شکن جنگیدم، و با قاسطین تجاوز کار جهاد کردم، و مارقین خارج شده از دین را خوار و زیون ساختم (۴۵۷۱۹–۴۵۶۹۲)، و رهبر خواجه (شیطان ردهه) ۱۰ بانگ صاعقه‌ای قلیش را به تپش آورد و سبّه‌اش را لرزاند و کارش را ساخت. حال تنها اندکی از سرکشان و ستمگران باقی مانده‌ند، که اگر خداوند مرا باقی گذارد با حمله دیگری نابودشان خواهم کرد، و حکومت حق را در سراسر کشور اسلامی پایدار خواهم کرد، جز مناطق پراکنده و دور دست. (۴۵۷۵۵–۴۵۷۲۰)

#### ۱۷ سوای درخشان شجاعت و فضائل امام علیه السلام

من در خردسالی، بزرگان عرب را به خاک افکندم، و شجاعان دو قبیله معروف «ریعه» و «مفسره» را در هم شکستم! (۴۵۷۷۰–۴۵۷۵۶)
شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می‌دانید، پیامبر مرا در افاق خویش می‌نماند، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می‌گرفت، و در بستر مخصوص خود می‌خواباند، بدنش را به بدن من می‌چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می‌پوئاند (۴۵۸۰۲–۴۵۷۷۱)، و گاهی غذائی را لقمه در دهانم می‌گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در کردارم نیافت. (۴۵۸۲۰–۴۵۸۰۳)
از همان لحظه‌ای که پیامبر صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته (جبرئیل) خود را مأمور تربیت پیامبر صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند (۴۵۸۴۶–۴۵۸۲۱)، و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است، ۲۰ پیامبر صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتداء نمایم. (۴۵۸۶۶–۴۵۸۴۷)
پیامبر صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم چند ماه از سال را در غار حراء ۳۰ می‌گذراند، تنها من او را مشاهده می‌کردم، و کسی جز من او را نمی‌دید، در آن روزها، در هیچ خانه اسلام راه نیافت جز تابع رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلَّم که خدیجه هم در آن بود و من مؤمنین آنان بودم. من نور وحی و رسالت را می‌دیدم، و بوی

نُبُوت را می‌یویدم (۴۵۹۰۵–۴۵۸۶۷)
هم‌گامی که وحی بر پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم فرود می‌آمد، نالهٔ شیطان را شنیدم، گفتم ای رسولِ خدا، این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید (۴۵۹۲۹–۴۵۹۰۶)
و فرمود: «علی! تو آنچه را من می‌شنوم، می‌شنوی، و آنچه را که من می‌بینم، می‌بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می‌روی.»

#### ۱۸ خیره سری و دشمنی سران قریش

من با پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم بودم آنگاه که سران قریش نزد او آمدند و گفتند:

(۱) ردها: گودالی که رهبر خوارج معروف به «ذو اللذیبه» جنازه‌اش در آن افتاده بود. و ناگنان یعنی «عهد شکنان» اصحاب جمل که در بصره شورش کردند، قاسطین «ستمکاران» یعنی معاویه و پیروان ستمکار او و مارقین یعنی خارج شدگان، خوارج و طرفداران‌اشان که از لشکر امام و امت اسلامی کناره گرفتند.

(۲) اَبِیاع الفصیل اثر اَمّه (شتر بچه همواره با شتر است)
وقتی می‌خواستند بگویند که آن دو نفر همیشه با هم بودند از این ضرب‌المثل استفاده می‌کردند.

(۳) حراء: کوهی است که در شمال مکه به فاصلهٔ ۶ کیلومتر، بر دامنه جنوبی کوه و در ارتفاع ۱۶۰ متر، غاری وجود دارد که پیامبران گذشته و حضرت ابراهیم علیه‌السلام در آن عبادت می‌کردند، و خلوت‌نگاه و محل عبادت رسول خدا صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم نیز بود که آیات آغازین قرآن در آنجا بر رسول خدا صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم نازل شد.

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، اجلد، مشهور - ایران ؛ قم: چاپ: اول، ۱۳۷۹.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص ۴۰۱
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۰۱

«ای محمد صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم تو ادعای بزگی کردی، که هیچک از پدران و خاندانت نکردند (۴۵۹۷۴–۴۵۹۳۰)، ما از تو معجزه‌ای می‌خواهیم، اگر پاسخ مثبت داده، انجام دهی، می‌دانیم که تو پیامبر و فرستاده خدایی، و اگر از انجام آن سرباز زنی، خواهیم دانست که ساحر و دروغگویی» (۴۵۹۹۷–۴۵۹۷۵)
پس پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم فرمود «شما چه می‌خواهید؟» گفتند: «این درخت را بخوان تا از ریشه کنده شود و در پیش تو بایستد؛ پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم فرمود: خداوند بر همه چیز تواناست. حال اگر خداوند این کار را بکند آیا ایمان می‌آورید؟ و به حق شهادت می‌دهید؟

گفتند: آری (۴۶۰۳۴–۴۵۹۹۸)، پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم فرمود: من بزودی نشانتان می‌دهم آنچه را که درخواست کردید، و همانا بهتر از هر کس می‌دانم که شما به خیر و نیکی باز نخواهید گشت، زیرا در میان شما کسی است که کشته شده و در چاه «بدر» دفن خواهد شد، «ا» و کسی است «ا» که جنگ احزاب را تدارک خواهد کرد. (۴۶۰۵۸–۴۶۰۳۵)
سپس به درخت اشاره کرد و فرمود: «ای درخت! اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری، و می‌دانی من پیامبر خدایم، از زمین با ریشه‌هایت دور آی، و به فرمان خدا در پیش روی من قرار گیر، (۴۶۰۸۴–۴۶۰۵۹) سوگند به پیامبری که خدا او را به حق مبعوث کرد، درخت با ریشه‌هایش از زمین کنده شده، و پیش آمد که با صدای شدید چونان به هم خوردن بال برندگان، یا به هم خوردن شاخه‌های درختان، جلو آمد و در پیش روی پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم ایستاد (۴۶۱۰۸–۴۶۰۸۵) که برخی از شاخه‌های بلند خود را بر روی پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم و بعضی دیگر را روی من انداخت و من در طرف راست پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم ایستاده بودم (۴۶۱۲۶–۴۶۱۰۹)، وقتی سران قریش این منظره را مشاهده کردند، با کبر و غرور گفتند: به درخت فرمان ده، نصفش جلوتر آید، و نصف دیگر در جای خود بماند؛ پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم فرمان داد. نمی از درخت با وضعی شگفت‌آور و صدایی سخت به پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم نزدیک شد. گویا می‌خواست دور آن حضرت بیچد (۴۶۱۵۶–۴۶۱۲۷)، اما سران قریش از روی کفر و سرکشی گفتند: «فرمان ده این نصف باز گردد و به نیم دیگر ملحق شود، و به صورت اول در آید» پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم دستور داد و چنان شد. (۴۶۱۷۱–۴۶۱۵۷)
من گفتم: لا اله الا الله، ای رسول خدا من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آوردم، و نخستین فردی هستم اقرار می‌کنم که درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت، و بزرگداشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی انجام داد. (۴۶۲۰۱–۴۶۱۷۲)
اما سران قریش همگی گفتند: «او ساجری است دروغگو، که سحری شگفت آور دارد، و سخت با مهارت است.»

و خطاب به پیامبر صَلَّی اللهُ علیه و آله و سلَّم گفتند: «آیا نبوت تو را کسی جز امثال علی علیه‌السلام باور می‌کند؟»

(۴۶۲۲۰–۴۶۲۰۲)

#### ۱۹ التوهای کامل ایمان

و همانا من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنشی نمی‌ترسند، کسانی که سیمای آنها سیمای صدیقان، و سخنانشان، سخنان نیکان است، شب زنده داران و روشنی بخشان روزند، به دامن قرآن پناه برده سَنَّت‌های خدا و رسولش را زنده می‌کنند. (۴۶۲۲۱ – ۴۶۲۵۱)، نه تکثیر و خود بستندی دارند، و نه بر کسی برتری می‌جویند، نه خیانکارند و نه در زمین فساد می‌کنند، قلب‌هایشان در بهشت، و پیکر‌هایشان سرگرم اعمال پسندیده است.

(۴۶۲۶۹–۴۶۲۵۲)

(۱) این پیش گوئی از آینده به جنگ بدر (جاهی بین مکه و مدینه) اختصاص دارد که جسد عتبّه و شیبه، پسران ربیعّه و امّیه و پسران عبد شمس و ابو جهل و برخی دیگر در آن ریخته شد و دسته جمعی در آن دفن شدند.

(۲) این شخص ابو سفیان است که جنگ احزاب (خندق) را تدارک دید و سرانجام شکست خورد، که این حوادث در سالهای پس از هجرت اتفاق افتاد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۰۳

(۱۱۹۳)

#### ترجمه خطبه ۱۹۳

#### اشاره

(گفته شد یکی از یاران پرهیزکار امام علیه‌السلام به نام همام ۱۱) گفت: ای امیر مومنان پرهیزکاران را برای من آنچنان وصف کن که گویا آنان را با چشم می‌نگرم. امام علیه‌السلام در پاسخ او درنگی کرد (۴۶۳۰۵–۴۶۲۷۰)
و فرمود «ای همام! از خدا بترس و نیکوکار باش که خداوند با پرهیزکاران و نیکوکاران است» اما همام دست بردار نبود و اصرار ورزید، تا آن که امام علیه‌السلام تصمیم گرفت صفات پرهیزکاران را بیان فرماید. پس خدا را سپاس و ثنا گفت، و بر پیامبرش درود فرستاد، و فرمود (۴۶۳۳۴–۴۶۳۰۶)

#### ۱ سیمای پرهیزکاران

پس از ستایش پروردگار! همانا خداوند سبحان پدیده‌ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان بی‌نیاز، و از نافرمانی آنان در امان بود، زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زبانی می‌رساند و نه اطاعت مومنان برای او سودی دارد، روزی بنده‌گان را تقسیم، و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد. (۴۶۳۸۱–۴۶۳۴۴)
اما پرهیزکاران! در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است (۴۶۳۹۴–۴۶۳۸۲)، چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند، و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند. (۴۶۴۰۷–۴۶۳۹۵)، و در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است. و اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرموده، روح آنان حتی به اندازه بر هم زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت، از شوق دیدار بهشت، و از ترس عذاب جهنّم. (۴۶۴۳۸–۴۶۴۰۸)
خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند، بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌های آن به سر می‌بری، و جهنّم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گریختند. (۴۶۴۶۶–۴۶۴۳۹)
دل‌های پرهیزکاران آندوهگین، و مردم از آزارشان در امان، تن‌هایشان لاغر، و درخواست‌هایشان آندک، و نفسشان غنیم و دامشان پاک است.

(۴۶۴۸۰–۴۶۴۶۷)
در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند: تجارتی بر سود که پروردگارشان فراهم فرموده، دنیا می‌خواست آنها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

(۴۶۵۰۰–۴۶۴۸۱)

#### ۲ شب پرهیزکاران

پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داری درد خود را می‌یابند. (۴۶۵۱۷–۴۶۵۰۱)
وقتی به آیه‌ای برسند که تشویقی در آن است، یا شوق و طمع بهشت به آن روی آورند، و با جان پر شوق در آن خیره شوند، و گمان می‌برند که نعمت‌های بهشت برابر دیدگانشان قرار داد،

(۱) همام بن شریح از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام بود. (قاموس الزّجال)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۰۵

و هر گاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند، و گویا صدای پر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین افکن است (۴۶۵۵۵–۴۶۵۱۸)، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود را از آتش جهنّم می‌طلبند.

(۴۶۵۷۵–۴۶۵۵۶)

#### ۳ روز پرهیزکاران

پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاجر کرده است، کسی که به آنها می‌نگرد می‌پندارد که بیدارند اما آنان را بیماری نیست، و می‌گوید، مردم در اشتباهند! در صورتی که آشفنگی ظاهرشان، نشان از امری بزرگ است. (۴۶۶۰۶–۴۶۵۷۶)
از اعمال اندک خود خشنود نیستند، و اعمال زیاد خود را بسیار نمی‌شمارند.

نفس خود را مُتهم می‌کنند، و از کردار خود ترسانند. (۴۶۶۲۲–۴۶۶۰۷)
هر گاه یکی از آنان را بستانند، از آنچه در تعریف او گفته شد در هراس افتاده می‌گویند:

«من خود را از دیگران بهتر می‌شناسم و خدای من، مرا بهتر از من می‌شناسد، بار خدایا، مرا بر آنچه می‌گویند محاکمه نفرما، و بهتر از آن فرامم ده که می‌گویند، و گناھانی که نمی‌دانند بپیمارم!»

(۴۶۶۵۸–۴۶۶۲۳)

#### ۴ نشانه‌های پرهیزکاران

و از نشانه‌های یکی از پرهیزکاران این است که او را اینگونه می‌بینی: در دینداری نیرومند، زمخو و دور اندیش است، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، با داشتن علم بردبار (۴۶۶۸۳–۴۶۶۵۹)، در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، در نهمیدستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیز کننده از طمع ورزی، می‌باشد. (۴۶۷۱۱–۴۶۶۸۴)
اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است، روز را به شب می‌رساند یا سپاسگزاری، و شب را به روز می‌آورد یا یاد خدا، شب می‌خواهد اما ترسان، و بر می‌خیزد شادمان، ترس برای اینکه دچار غفلت نشود، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است. (۴۶۷۴۵–۴۶۷۱۲)
اگر نفس او در آنچه دشوار است فرمان نبرده، از آنچه دوست دارد محروم می‌شود.

روشنی چشم پرهیزکار در چیزی قرار دارد که جاودانه است، و آن را ترک می‌کند که پایدار نیست، بردباری را با علم، و سخن را با عمل، در می‌آمیزد. (۴۶۷۷۲–۴۶۷۴۶)
پرهیز کار را می‌بینی که: آرزویش نزدیک، لغزش‌هایش اندک، قلبش فروتن، نفسش قانع، عوراکش کم، کارش آسان، دینش حفظ شده، شهوتش در حرام مرده و خشمش فرو خورده است. مردم به خیرش امیدوار، و از آزارش در امانند. (۴۶۷۹۸–۴۶۷۷۳)
اگر در جمع بی‌خبران باشد نامش در گروه یاد آوران خدا ثبت می‌گردد، و اگر در یاد آوران باشد نامش در گروه بی‌خبران نوشته نمی‌شود. ستمکار خود را عفو می‌کند، به آن که محرومش ساخته می‌بخشد. (۴۶۸۲۱–۴۶۷۹۹)، به آن کس که با او بریده می‌پیوندد، از سخن زشت دور، و گفتارش نرم، بدی‌های او پنهان، و کار نیکش آشکار است. نیک‌های او به همه رسیده، آزار او به کسی نمی‌رسد. (۴۶۸۳۷–۴۶۸۲۲)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۰۷

در سختی‌ها آرام، و در ناگواربها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزار است. به آن که دشمن دارد ستم نکند، و نسبت به آن که دوست دارد به گناه آلوده نشود. (۴۶۸۵۸–۴۶۸۳۸)
پیش از آن که بر ضد او گواهی دهد به حق اعتراف می‌کند، و آنچه را به او سپرده‌اند ضایع نمی‌سازد، و آنچه را به او تذکر دادند فراموش نمی‌کند.

مرد را با لقب‌های زشت نمی‌خوانند، همسایگان را آزار نمی‌رسانند، در مصیبت‌های دیگران شاد نمی‌شود (۴۶۸۸۵–۴۶۸۵۹)
و در کار ناروا دخالت نمی‌کند، و از محدوده حق خارج نمی‌شود.

اگر خاموش است سکوت او اندوهگینش نمی‌کند، و اگر بخندد آواز خنده او بلند نمی‌شود (۴۶۹۰۶–۴۶۸۸۶)، و اگر به او ستمی روا دارند صبر می‌کند تا خدا انتقام او را بگیرد.

نفس او از دستش در زحمت، ولی مردم در آسایشند. برای قیامت خود را به زحمت می‌افکند، ولی مردم را به رفاه و آسایش می‌رساند. (۴۶۹۳۵–۴۶۹۰۷)
دوری او از برخی مردم، از روی زهد و پارسایی، و نزدیک شدنش با بعضی دیگر از روی مهربانی و نرمی است.

دوری او از تکبر و خود پسنندی، و نزدیکی او از روی حيله و نیرنگ نیست. (۴۶۹۶۱–۴۶۹۳۶)
(سخن امام که به اینجا رسید، ناگهان هُتّام ناله‌ای زد و جان داد. (۴۶۹۶۸–۴۶۹۶۲)
امام علیه السّلام فرمود) سوگند به خدا من از این پیش آمد بر هُتّام می‌ترسیدم.

سپس گفت: آیا پندهای رسا با آنان که پذیرنده آنند چنین می‌کند؟

شخصی رسید و گفت: چرا با تو چنین نکرد؟ (۴۶۹۹۵–۴۶۹۶۹)
امام علیه السلام پاسخ داد:

وای بر تو، هر آجلی وقت معینی دارد که از آن پیش نرفشد و سبب مشخصی دارد که از آن تجاوز نکند. آرام باش و دیگر چنین سخنانی مگو، که شیطان آن را بر زبانت رانده است. (۴۷۰۱۷–۴۶۹۹۶)
۱۰ (۱۱۹۴)

#### ترجمه خطبه ۱۹۴

#### اشاره

(از شرح خوبی بر می‌آید که این سخنرانی در شهر کوفه ایراد شده) (وصف منافقان) خدا را بر توفیقی که بر اطاعتش داده، و ما را از نافرمانی باز داشته، ستایش می‌کنیم، و از او می‌خواهیم که نعمتش را کامل، و دست ما را به ریسمان محکمش متصل گرداند. (۴۷۰۴۴–۴۷۰۱۸)

#### مشکلات رسالت

و شهادت می‌دهیم که محمد صلی الله علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده اوست، که در راه رضایت حق در کام هر گونه سختی و ناراحتی فرو رفت، و جام مشکلات و ناگواربها را سر کشید (۴۷۰۶۲–۴۷۰۴۵)، روز گاری خوشاوندان او به دو دوری و دشمنی پرداختند، و بیگانگان در کینه توری و دشمنی با او متحد شدند. اعراب برای نبرد با پیامبر عنان گسیخته، و با نازبانه بر مرکب‌ها نواخته و از هر سو گرد می‌آمدند، و از دورترین سرزمین، و فراموش شده‌ترین نقطه‌ها، دشمنی خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرود آوردند.

(۴۷۰۹۲–۴۷۰۶۳)

#### ۲ سیمای منافقان

ای بندگان خدا! شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، و شما را از منافقان می‌ترسانم، زیرا آنها

(۱) آن شخص با تفکرات شیطانی می‌خواست بگوید: آنچه را به همام گفتی واقعیت ندارد و گر نه در جان تو نیز تأثیر می‌کرد، که امام علیه السلام فرمود این سخن از شیطان است، زیرا هر کسی توان و قدرت تحمل خاضی دارد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۰۹

گمراه و گمراه کننده‌اند، خطاکار و به خطاکاری تشویق کننده‌اند (۴۷۱۰۷–۴۷۰۹۳)، به رنگ‌های گوناگون ظاهر می‌شوند، از ترندهای گوناگون استفاده می‌کنند، برای شکستن شما از پناهگاهی استفاده می‌کنند، و در هر کمیگامی به شکار شما می‌نشینند، قلب‌هایشان بیمار، و ظاهرشان آراسته است (۴۷۱۲۵–۴۷۱۰۸)، در پنهانی راه می‌روند، و از پیراهه‌ها حرکت می‌کنند.

شیطان در آینه

وصفشان دارو، و گفتارشان درمان ائرا کردارشان دردی است بی درمان، بر رفاه و آسایش مردم حسد می‌ورزند، و بر بلاه و گرفتاری مردم می‌افزایند، و امیندواران را نا امید می‌کنند.

(۴۷۱۴۷–۴۷۱۲۶) آنها در هر راهی کشته‌ای، و در در دلی راهی، و بر هر اندوهی اشکها «۱» می‌ریزند، مدح و ستایش را به یکه‌دیگر قرض می‌دهند، و انتظار پادش می‌کشند، اگر چیزی را بخواهند اصرار می‌کنند و اگر ملامت شوند، پرده دری می‌کنند، و اگر داوری کنند اسراف می‌ورزند. (۴۷۱۷۶–۴۷۱۴۸) آنها برابر هر حقی باطلی، و برابر هر دلیلی شبهه‌ای، و برای هر زنده‌ای قائلی، و برای هر دری کلیدی، و برای هر شیئی چرافی نهیه کرده‌اند. (۴۷۱۹۷–۴۷۱۷۷) با اظهار یأس می‌خواهند به مطامع خویش برسند، و بازار خود را گرم سازند، و کالای خود را بفروشند، سخن می‌گویند اما به اشتباه و تردید می‌اندازند، وصف می‌کنند اما فریب می‌دهند، در آغاز، راه را آسان و سپس در تنگناها به بن بست می‌کشانند (۴۷۲۱۹–۴۷۱۹۸)، آنها یاوران شیطان و زبانه‌های آتش جهنم می‌باشند:

«آنان بیرون شیطانند، و بدانید که بیرون شیطان زبانکارانند»

(۴۷۲۳۴- -۴۷۲۲۰) (۴۷۲۲۰) (۱۱۹۵)

#### ترجمه خطبه ۱۹۵

#### اشاره

(بر اساس اظهارات موجود در اصول کافی این سخنرانی در شهر کوفه ایراد شد)

#### نشانه‌های آتکار الهی

ستایش خداوندی را سزاست که نشانه‌های قدرت و بزرگی و عظمت خود را چنان آشکار کرد که دیده‌ها را از شگفتی قدرتش به حیرت آورده، و اندیشه‌های بلند را از شناخت ماهیت صفاتش باز داشته است (۴۷۲۷۵–۴۷۲۳۵)، و گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا خدایی نیست، شهادتی بر خاسته از ایمان و یقین و اخلاص و اقرار درست. (۴۷۲۹۱–۴۷۲۷۶) و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست، خدا پیامبرش را هنگامی فرستاد که نشانه‌های هدایت از یاد رفته، و راه‌های دین ویران شده بود. او حق را آشکار، و مردم را نصیحت فرمود، همه را به رسنگاری هدایت، و به میانه روی فرمان داد (دردود خدا بر او و خاندانش یاد)

(۴۷۳۲۶–۴۷۲۹۲)

#### ۱) انک تسماع

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۱۱

#### ۲ خدائسانی

و بدانید ای بنندگان خدا! که خداوند شما را بیهوده نیافرید، و بی سرپرست رها نکرد.

از میزان نتمشش بر شما آگاه، و اندازه نیکی‌های خود بر شما را می‌داند. (۴۷۴۴۷–۴۷۳۲۷) از خدا درخواست پیروزی و رسنگاری کنید، از او بخواهید و عطای او را درخواست کنید، که میان او و شما پرده و مانعی نیست، و دری بروی شما بسته نمی‌گردد. (۴۷۳۶۵–۴۷۳۴۸) خدا در همه جا، و در هر لحظه، و هر زمان، با انسان و پریان است. (۴۷۳۸۱–۴۷۳۶۶) عطای فراوان از داریی او نمی‌کاهد، و بخشیدن در تنجیح او کاستی نیاورد، و درخواست کنندگان، سرمایه او را به پایان نرسانند، و عطا شده‌گان، سرمایه او را پایان نمی‌دهند (۴۷۳۹۶–۴۷۳۸۲)، و کسی مانع احسان به دیگری نخواهد بود، و آوازی او را از آواز دیگر باز ندارد، و بخشش او مانع گرفتن نعمت دیگری نیست، و خشم گرفتن او مانع رحمت نمی‌باشد، و رحمتش او را از عذاب غافل نمی‌سازد، پنهان بودنش مانع آشکار بودنش نیست، و آشکار شدنش او را از پنهان ماندن باز نمی‌دارد.

(۴۷۴۳۸–۴۷۳۹۷) نزدیک و دور است، بلند مرتبه و نزدیک است، آشکار پنهان، و پنهان آشکار است، جزا دهنده همگان است و خود جزا داده نمی‌شود. (۴۷۴۵۴–۴۷۴۳۹) پدیده‌ها را با فکر و اندیشه نیافریده، و از آنان برای خستگی و زحمات کمکی نخواسته است.

(۴۷۴۶۳–۴۷۴۵۵)

#### ۳ یاد آخوت

ای بنندگان خدا! شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم، که عامل کنترل و مایه استواری شماست (۴۷۴۷۲–۴۷۴۶۴)، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید، و به حقیقت‌های آن پناه آورید، تا شما را به سر منزل آرامش، و جایگاههای وسیع، و پناهگاه‌های محکم و منزلگاه‌های پر عزت برسانند، در روزی که چشم‌ها خیره می‌شود، و همه جا در نظر انسان تاریک، و گله‌های شتر و مال و اموال فراوان فراموش می‌گردد. (۴۷۵۰۵–۴۷۴۷۳) زیرا به هنگام قیامت (به گونه‌ای) در صور اسرافیل می‌دمند که قلب‌ها از کار می‌افتد، زبان‌ها باز می‌ایستند، کوه‌های بلند و سنگ‌های محکم فرو می‌ریزد، و قسمت‌های سخت آن نرم چون سرابی می‌ماند، کوهستان‌ها با زمین هموار می‌گردد چنان‌که نه پستی و نه بلندی موجود است، پس در آن هنگام نه شفاعت کننده‌ای است که شفاعت کند، و نه دوستی که نفع رساند، و نه پوزش خواستن سودی دارد.

(۴۷۵۴۴–۴۷۵۰۶) (۱۱۹۶)

#### ترجمه خطبه ۱۹۶

#### هشدار از غفلت زه‌گی

خداوند هنگامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مبعوث فرمود که نشانه‌ای از دین الهی بر پا، و نه چراغ هدایتی روشن، و نه راه حقی آشکار بود. (۴۷۵۶۲–۴۷۵۴۳) ای بنندگان خدا! شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، و از دنیاپرستی شما را می‌ترسانم، زیرا دنیا خانه‌ای ناپایدار و جایگاه سختی و مشکلات است.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۱۳

ساکنان دنیا در حال کوچ کردن، و اقامت گزیدگانش به جدایی محکومند. مردم را چونان کشتنی طوفان زده در دل دریاها می‌لرزاند (۴۷۵۹۲–۴۷۵۶۳)، برخی از آنان در دل آب مرده، و برخی دیگر بر روی امواج جان سالم به در برده، و پادها با وزیدن آنها را به این سو و آن سو می‌کشانند، و هر جا که خواهد می‌برد. پس آن را که در آب می‌برد نمی‌توان گرفت، و آن که رها شده نیز به سوی مرگ می‌رود. (۴۷۶۱۹–۴۷۵۹۳) ای بنندگان خدا، هم اکنون عمل کنید، که زبانها آزاد، و بدن‌ها سالم، و اعضاء و جوارح آماده‌اند، و راه بازگشت فراهم، و فرصت زیاد است، پیش از آن که وقت از دست برود، و مرگ فرا رسد، پس فرارسیدن مرگ را حتمی بشمارید، و در انتظار آمدنش به سر نریید.

(۴۷۶۵۱–۴۷۶۲۰) (۱۱۹۷)

#### ترجمه خطبه ۱۹۷

#### اشاره

(این سخنرانی در شهر کوفه در دوران زمامداری آن حضرت ایراد شد)

#### ۱ فضائل امیر المؤمنین علیه السلام

اصحاب و یاران حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که حافظان اسرار او می‌باشند، می‌دانند که من حتی برای یک لحظه هم مخالف فرمان خدا و رسول او نیومد، بلکه با جان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یاری کردم. در جاهایی که شجاعان قدم‌هایشان می‌لرزید، و فرار می‌کردند، آن دلیری و مردانگی را خدا به من عطا فرمود.

(۴۷۷۰۳–۴۷۶۵۲)

#### ۲ در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که سرش بر روی سینه‌ام بود فیض روح گردید، و جان او در کف من روان شد آن را بر چهره خویش کشیدم.

متصدی غسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من بودم، و فرشتگان مرا یاری می‌کردند (۴۷۷۳۱–۴۷۷۰۴)، گویا در و دیوار خانه

فریاد می‌زد. گروهی از فرشتگان فرود می‌آمدند و گروهی دیگر به آسمان پرواز می‌کردند.

گوش من از صدای آهسته آنان که بر آن حضرت نماز می‌خواندند، پر بود، تا آنگاه که او را در حجره‌اش دفن کردیم. چه کسی با آن حضرت در زندگی و لحظات مرگ از من سزاوارتر است؟ (۴۷۷۶۰–۴۷۷۳۲) پس مردم! با دل بینا حرکت کنید، و تبت خویش را در جهاد با دشمن راست بدارید.

سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، من بر جادهٔ حق می‌روم، و دشمنان من بر برنگاه باطلند، می‌گویم آنچه را می‌شوید، و برای خود و شما از خدا طلب آمرزش دارم.

(۴۷۷۹۲–۴۷۷۶۱)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۱۵

(۱۱۹۸)

### ترجمه خطبه ۱۹۸

#### ۱ علم الهی

خدا از نعره حیوانات وحشی در کوه‌ها و بیابان‌ها، و گناه و معصیت بندگان در خلونگانه‌ها، و آمد و رفت ماهیان در دریاهای ژرف، و به هم خوردن آنها بر اثر وزش بادهای سخت آگاه است. و گواهی می‌دهم که حضرت محمّد صلیّ الله علیه و آله و سلّم برگزیده خدا، سفیر وحی، و رسول رحمت اوست.

(۴۷۸۴۶–۴۷۷۹۳)

#### ۲ ارزش پرهیزکاری

پس از ستایش پروردگار، همانا من شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، خدایی که آفرینش شما را آغاز کرد، و به سوی او باز می‌گردید. خدایی که خواسته‌های شما را بر آورد، و بازرگشت بسوی او نهایت آرزوی شماست. راه راست شما به او پایان می‌پذیرد، و به هنگام ترس و وحشت، او پناهگاه شماست. (۴۷۸۷۷–۴۷۸۴۷) همانا تقوا و ترس از خدا، داروی بیماری‌های دل‌ها، روشنایی قلب‌ها، و درمان دردهای بدن‌ها ۱۱۰، مرم زخم جان‌ها، پاک‌کننده پلیدی‌های ارواح، و روشنایی بخش تاریکی چشم‌ها، و امتیث در نا آرمی‌های، و روشن‌کننده تاریکی‌های شماست. (۴۷۹۱۱–۴۷۸۷۸) پس اطاعت خدا را پوشش جان، نه پوشش ظاهری، قرار دهید، و با جان، نه با تن، فرمانبردار باشید تا با اعضا و جوارح بدن‌تان در هم آمیزد، و (آن را) بر همه امورتان حاکم گردانید. (۴۷۹۲۹–۴۷۹۱۲) اطاعت خدا را راه ورود به آب حیات، شفع گرفتن خواسته‌ها، پناهگاه روز اضطراب، چراغ روشنگر قهرا، آرامش وحشت‌های طولانی دوران برزخ، و راه نجات لحظات سخت زندگی، قرار دهید (۴۷۹۵۳–۴۷۹۳۰) زیرا اطاعت خدا، وسیله نگهدارنده از حوادث هلاک‌کننده، و جایگاه‌های وحشتناک، که انتظار آن را می‌کشید، و حرارت آتش‌های بر افروخته است. (۴۷۹۶۷–۴۷۹۵۴) پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند، تلخی‌ها شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهند شد، و مشکلات بیایی و خسته‌کننده، آسان گردیده (۴۷۹۹۳–۴۷۹۶۸) و مجرد و بزرگی از دست رفته چون قنطرات باران بر او فرو می‌بارند، رحمت باز داشته حق باز می‌گردد، و نعمت‌های الهی پس از فرو نشستن به جوش می‌آیند، و برکات تغذیل یافته فزونی گیرند. (۴۸۰۱۷–۴۷۹۹۴) پس از خدایی بترسید که با پند دادن شما را سود فراوان بخشیده، و با رسالت پیامبرش شما را نیکو اندرز داده، و با نعمت‌هایش بر شما منت گذاشته است. خود را برای پرستش خدا فروتن دارید، و با انجام وظایف الهی، حق فرمانبرداری را به جا آورید.

(۴۸۰۳۸–۴۸۰۱۸)

#### ۳ ویژگی‌های اسلام

(۱) اشاره به: فارماکولوژی(PHARMACOLOGY)(داروشناسی)

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۱۷

همانا این اسلام، دین خداوندی است که آن را برای خود برگزیده، و با دیده عنایت پروراند، و بهترین آفریدگان خود را مخصوص ابلاغ آن قرار داد. پای‌های اسلام را بر محبت خویش استوار کرد (۴۸۰۶۲–۴۸۰۳۹)، و ادیان و مذاهب گذشته ۱۱۰ را با عزّت آن، خوار کرد، و با سر بلند کردن آن، دیگر ملت‌ها را بی مقدار کرد، و با محترم داشتن آن، دشمنان را خوار گردانید، و با یاری کردن آن دشمنان سرسخت را شکست داد، و با نیرومند ساختن آن ارکان گمراهی را درهم کوبید، و نشنگان را از چشمه زلال آن سیراب کرد، و آنگیزه‌های اسلام را بر آب کرد. (۴۸۰۹۲–۴۸۰۶۳) خداوند اسلام را به گونه‌ای استحکام بخشید که پیوندهایش ننگسلد، و حلقه‌هایش از هم جدا نشود، و ستون‌هایش خراب نگردد، در پایه‌هایش زوال راه نیابد، درخت وچودش از ریشه کنده نشود، زمانش پایان نگیرد، قوانینش کهنگی نپذیرد (۴۸۱۲۱–۴۸۰۹۳)، شاخه‌هایش قطع نگردد، راه‌هایش تنگ و خراب نشود، و پیمودن راهش دشوار نباشد، تیرگی در روشنائی آن داخل نشود، و راه راست آن کجی نیابد، ستون‌هایش خم نشود، و گذرگاهش بدون دشواری پیمودنی باشد، در چراغ اسلام خاموشی، و در شیرینی آن تلخی راه نیابد. (۴۸۱۵۸–۴۸۱۲۲) اسلام ستون‌های استواری است که خداوند (پایه‌های) آن را در دل حق برقرار، و اساس و پایه آن را ثابت کرد، اسلام چشمه ساری است که آب آن در فوران، چراغی است که شعله‌های آن فروزان، و نشانه همیشه استواری است که روندگان راه حق با آن هدایت شوند، پرچی است که برای راهنمایی پویندگان راه خدا نصب گردیده، و آبخوری است که وارد شوندگان آن سیراب می‌شوند. (۴۸۱۹۱–۴۸۱۵۹) خداوند نهایت خشنودی خود را در اسلام قرار داده، و بزرگ‌ترین ستون‌های دینش، و بلندترین قلّه اطاعت او در اسلام جای گرفته است، اسلام در پیشگاه خداوند، دارای ستون‌هایی مطمئن، بنایی بلند، راهنمایی همیشه روشن، شعله‌ای روشنی بخش، برهانی نیرومند، و نشانه‌ای بلند پایه است، که در افتادن با آن ممکن نیست! (۴۸۲۱۹–۴۸۱۹۲) پس اسلام را بزرگ بشمارید، از آن پیروی کنید، حق آن را اداء نمایید، و در جایگاه شایسته خویش قرار دهید.

(۴۸۲۲۹–۴۸۲۲۰)

#### ۴ بعثت پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم و سختی‌های جاهلت

سپس خداوند سبحان حضرت محمّد صلیّ الله علیه و آله و سلّم را هنگامی مبعوث فرمود که دنیا به مراحل پایانی رسیده، نشانه‌های آخرت نزدیک، و رونق آن به تاریکی گراییده و اهل خود را به پاداشته، جای آن ناهموار (۴۸۲۶۳–۴۸۳۰۰)، آماده نیستی و نابودی، زمانش در شرف پایان، و نشانه‌های نابودی آن آشکار، موجودات در آستانه مرگ، حلقه زندگی آن شکسته، و اسباب حیات در هم ریخته، پرچمهای دنیا پوسیده، و پرده‌هایش دریده، و عمرها به کونهای رسیده بود. (۴۸۲۹۹–۴۸۲۶۴) در این هنگام خداوند پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم را ابلاغ‌کننده رسالت، افتخار آفرین ائت، جوانان باران بهاری برای نشنگان حقیقت آن روزگاران، مایه سربلندی مسلمانان، و عزّت و شرافت یارانش قرار داد.

(۴۸۳۱۶–۴۸۳۰۰)

#### ۵ ارزش‌ها و ویژگی‌های قرآن

سپس قرآن را بر او نازل فرمود:

قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخندگی آن زوال نپذیرد،

(۱) اشاره به علم: تئولوژی(THEOLOGY)(ادیان شناسی) و نقد پلورالیسم دینی، که معتقدند همه ادیان بر حق می‌باشند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۱۹

دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود (۴۸۳۴۶–۴۸۳۱۷)، جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد، بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود، شفا دهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزوداید، قدرتی است که باورانش شکست نادرند، و حقی است که یاری‌کنندگانش مغلوب نشوند. (۴۸۳۷۱–۴۸۳۴۷) قرآن، معدن ایمان و اصل آن است، چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است، سرچشمه عدالت، نهر جاری دل است، پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است، نهرهای جاری زلال حقیقت، و سرزمین‌های آن است. (۴۸۳۶۶–۴۸۳۷۲) دریایی است که نشنگان آن، آیش را تمام نتوانند کشید، و چشمه‌ای است که آیش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هرچه از آن برگزیند کاهش نمی‌یابد، منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد، و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند، کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند. (۴۸۴۲۹–۴۸۳۹۷) خدا قرآن را فرو نشاندند عطف علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است. قرآن دارویی است که با آن

بیماری وجود ندارد، نوری است که با آن تاریکی بافت نمی‌شود، رسمانی است که رشته‌های آن محکم، پناهگاهی است که قلّه آن بلند (۴۸۴۶۰–۴۸۴۳۰)، و توان و قدرتی است برای آن که قرآن را برگزیند، محل امنی است برای هر کس که وارد آن شود، راهنمایی است تا از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد، برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند (۴۸۴۹۲–۴۸۴۶۱)، نجات‌دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند، و راهبر آن که آن را به کار گیرد، و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد، سیر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را بیوشاند، و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد، و حدیث کسی است که از آن روایت کند، و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند.

(۴۸۵۲۰–۴۸۴۹۳) (۱۱۹۹)

### ترجمه خطبه ۱۹۹

#### اشاره

(این سخنرانی در آستانه یکی از جنگ‌ها ایراد شد) همواره یارانش را به آن سفارش می‌کرد: (۴۸۵۲۹–۴۸۵۲۱)

#### اره آورده نماز

مردم! (خواندن و اقامه) نماز را بر عهده بگیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید. نماز دستوری است که در وقت‌های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است، آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی‌دهید، آن هنگام که از آنها پرسیدند:

چه چیز شما را به دوزخ کشانده است؟ گفتند: «ما از نماز گزران نبودیم» (۴۸۵۶۶–۴۸۵۳۰) همانا نماز، گناهان را چنان‌را برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید (۴۸۵۷۶–۴۸۵۶۷)، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نماز را به چشمه آب گرمی که بر در سرای مردی جریان داشته باشد،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۲۱

تشبیه کرده، اگر روزی پنج بار خود را در آن شستشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند. (۴۸۶۰۲–۴۸۵۷۷) همانا کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد، و روشنایی چشمشان یعنی اموال و فرزندان مانع نمازشان نشود.

خدای سبحان می‌فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و برپا داشتن نماز، و پرداخت زکات باز نمی‌دارد. (۴۸۶۴۳–۴۸۶۰۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می‌انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: «خاتواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش!» پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پی در پی خاتواده خود را به نماز فرمان می‌داد، و خود نیز در انجام نماز شکیا بود.

(۴۸۶۷۲–۴۸۶۴۴)

#### ۲ ارزش و ره آورده زکات

همانا پرداخت زکات و اقامه نماز، عامل نزدیک شدن مسلمانان به خداست، پس آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفّاره گناهان او می‌شود، و باز دارند و نگهدارنده انسان از آتش جهنّم است (۴۸۶۹۷–۴۸۶۷۳)، پس نباید به آنچه پرداخته با نظر حسرت نگاه کند، و برای پرداخت زکات افسوس خورد، زیرا آن کس که زکات را از روی رغبت بپردازد، و انتظار بهتر از آنچه را پرداخته داشته باشد، به سئّ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نادان است، و پاداش او اندک، و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود.

(۴۸۷۲۸–۴۸۶۹۸)

#### ۳ مسؤولیت ادای امانت

یکی دیگر از وظائف الهی، ادای امانت است، آن کس که امانت‌ها را بپردازد زیانکار است.

امانت الهی را بر آسمان‌های برافراشته، و زمین‌های گسترده، و کوه‌های به پا داشته، عرضه کردند، که از آنها بلندتر، بزرگ‌تر، وسیع‌تر یافت نمی‌شد، اما نپذیرفتند (۴۸۷۶۳–۴۸۷۲۹) اگر بنا بود که چیزی به خاطر طول و عرض و توانمندی و سربلندی از پذیرفتن امانت سرباز زند آنان بودند، امّا از کيفر الهی ترسیدند، و از عواقب تحمل امانت آگاهی داشتند، که ناتوان‌تر از آنها آگاهی نداشت، و آن انسان است، که خدا فرمود:

«همانا انسان شمشکار نادان است»

(۴۸۷۹۵–۴۸۷۶۴)

#### ۴ دانش الهی

همانا بر خداوند سبحان پنهان نیست آنچه را که بندگان در شب و روز انجام می‌دهند، که دقیقاً بر اعمال آنها آگاه است، و با علم خویش بر آنها احاطه دارد، اعضاء شما مردم گواه او، و اندام شما سپاهیان او، روان و جانان جاسوسان او، و خلوت‌های شما بر او آشکار است.

(۴۸۸۳۱–۴۸۷۹۶)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۲۳

(۱۲۰۰)

### ترجمه خطبه ۲۰۰

#### اشاره

(این سخنرانی پس از جنگ صفّین در شهر کوفه در سال ۳۸ هجری ایراد شد)

#### سیاست دروغین معاویه

سوگند به خداه معاویه از من سیاستمدارتر نیست، امّا معاویه حيله‌گر و جنایتکار است (۴۸۸۴۹–۴۸۸۳۲) «ا»، اگر نیرنگ نباشند نبود من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است، روز رستاخیز در دست هر حيله‌گری پرچمی است که با آن شناخته می‌شود. (۴۸۸۷۵–۴۸۸۵۰) به خدا سوگند، من با فریب کاری غافلگیر نمی‌شوم، و با سخت‌گیری ناتوان نخواهم شد.

(۴۸۸۸۴–۴۸۸۷۶)

### ترجمه خطبه ۲۰۱

#### اشاره

(این سخنرانی بر منبر مسجد کوفه ایراد شد)

#### راه روشن حق

ای مردم در راه راست، از کمی روندگان نهراسید، زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شدند که سیری آن کوتاه، و گرسنگی آن طولانی است. (۴۸۹۱۳–۴۸۸۸۵) ای مردم، همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک می‌باشند، چنانکه شتر ماده نمود را یک نفر دست و پا بریزد، امّا عذاب آن تمام قوم نمود را گرفت، زیرا همگی آن را پسندیدند. (۴۸۹۳۴–۴۸۹۱۴) خداوند سبحان می‌فرماید: «ماده شتر را بیی کردند و سرانجام پشیمان شدند، سرزمین آنان چونان آهن گداخته‌ای که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت (۴۸۹۵۲–۴۸۹۳۵)، ای مردم آن کس که از راه آشکار برود به آب می‌رسد، و هر کس از راه راست منحرف شود سرگردان می‌ماند.

(۴۸۹۶۶–۴۸۹۵۲) (۱۲۰۲)

### ترجمه خطبه ۲۰۲

#### اشاره

(در دل با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام دفن فاطمه علیها السلام) (۴۸۹۸۸-۴۸۹۶۷)

#### نکوه‌ها از ستمکاری امت

سلام بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سلامی از طرف من و دخترت که هم اکنون در جوارت فرود آمده و شتابان به شما رسیده است! (۴۹۰۰۴-۴۸۹۸۹)

(۱) اشاره به سیاست دماغوژی (DEMAGOGY)عوام فریبی) کسی که برای رسیدن به اهداف خود، راه طرفدار مردم جلوه می‌دهد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۲۵

ای پیامبر خدا، صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه علیها السلام کم شده، و توان خویشنداری ندارم اما برای من که سختی جدایی تو را دیده، و سنگینی مصیبت تو را کشیدم، شکیبایی ممکن است. (۴۹۰۲۷-۴۹۰۰۵) این من بودم که با دست خود تو را در میان قبر نهادم، و هنگام رحلت، جان گرامی تو میان سینه و گردنم پرواز کرد پس همه ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم. (۴۹۰۴۶-۴۹۰۲۸) پس امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد، و به صاحبش رسید، از این پس اندوه من جلودانه، و شهبه‌یم، شب زنده داری است، تا آن روز که خدا خانه زندگی تو را برای من برگزیند. (۴۹۰۶۹-۴۹۰۴۷) به زودی دخترت تو را آنگاه خواهد ساخت که امت تو چگونگی در ستمکاری بر او اجتماع کردند، از فاطمه علیها السلام بی‌رس، و احوال اندوهناک ما را از او خیر گیر، که هنوز روزگاری سپری نشده، و یاد تو فراموش نگشته است. (۴۹۰۹۱-۴۹۰۷۰) سلام من به هر دوی شما، سلام وداع کننده‌ای که از روی خشودری یا خسته دلی سلام نمی‌کند.

اگر از خدمت تو باز می‌گردم از روی خستگی نیست، و اگر در کنار قبرت می‌نشینم از بدگمانی بدانچه خدا صابران را وعده داده نمی‌باشد.

(۴۹۱۱۷-۴۹۰۹۲) (۱۲۰۳)

#### ترجمه خطبه ۲۰۳

#### آخرت کربایی

ای مردم! دنیا سرای گذرا و آخرت خانه جاویدان است. پس، اگر از گذرگاه خویش برای سر منزل جاودانه توشه برگیرید، و پرده‌های خود را در نزد کسی که بر اسرار شما آگاه است پاره نکنید. (۴۹۱۵۲-۴۹۱۱۸)، ۱۱۰ پیش از آن که بدن‌های شما از دنیا خارج گردد، دل‌هایتان را خارج کنید، شما را در دنیا آزموده‌اند، و برای غیر دنیا آفریده‌اند. (۴۹۱۶۸-۴۹۱۵۳) کسی که بعیرد، مردم می‌گویند «چه باقی گذاشت»، اما فرشتگان می‌گویند «چه فرستاد؟» بداندرائنان را بیاورم، مقداری از ثروت خود را جلوتر بفرستید تا در نزد خدا باقی ماند، و همه را برای وارثان مگذارید که پاسخگویی آن بر شما واجب است.

(۴۹۱۹۵-۴۹۱۶۹) (۱۲۰۴)

#### ترجمه خطبه ۲۰۴

#### اشاره

(همواره امام یاران خود را اینگونه پند می‌داد)

#### آماده‌ی برای سفر آخرت

(۱) یعنی نافرمانی و گناه نکنید.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۲۷

آماده حرکت شوید، خدا شما را بیاورَد که بانگ کوچ را سر دادید.

وابستگی به زندگی دنیا را کم کنید (۴۹۲۱۸-۴۹۱۹۶)، و با زاد و توشه نیکو به سوی آخرت باز گردید، که پیشاپیش شما گرده‌ای سخت و دشوار، و منزلگاه‌هایی ترسناک وجود دارد، که باید در آنهاجا فرود آبیید، و توقف کنید. (۴۹۲۴۱-۴۹۲۱۸) آگاه باشید! که فاصله نگاه‌های مرگ بر شما کوتاه، و گویا جنگال‌هایش را در جان شما فرو برده است. کارهای دشوار دنیا مرگ را از یادتان برده، و بلاهای طاقت فرسا آن را از شما پنهان داشته است (۴۹۲۶۴-۴۹۲۴۲)، پس پیوندهای خود را با دنیا قطع کنید، و از برهیزکاری کمک بگیرید.

(۴۹۲۷۱-۴۹۲۶۵) قسمتی از این سخن در خطبه‌های پیش با کمی تفاوت نقل شد

(۱۲۰۵)

#### ترجمه خطبه ۲۰۵

#### اشاره

(طلحه و زبیر پس از بیعت با امام علیه السلام اعتراض کردند که چرا در امور کشور با آنان مشورت نکرده و از آنها کمک ننگرفته است. فرمود) (۴۹۳۰۸-۴۹۲۸۴)

#### برخورد فاطمانه با سران ناکتین (طلحه و زبیر)

به اندک چیزی خشمناک شدید، و خوبی‌های فراوان را از یاد بردید! ممکن است به من خیر دهید که کدام حقی را از شما باز داشته‌ام؟ یا کدام سهم را برای خود برداشته‌ام. و بر شما ستم کردم؟ و کدام شکایت حقی پیش من آورده شده که ضعف نشان دادم؟ و کدام فرمان الهی را آگاه نیوده و راه آن را به اشتباه پیورده‌ام؟ (۴۹۳۴۶-۴۹۳۰۹) به خدا سوگند، من به خلافت رغبتی نداشتم، و به ولایت بر شما علاقه‌ای نشان نمی‌دادم، و این شما بودید که مرا به آن دعوت کردید، و آن را بر من تحمیل کردید. روزی که خلافت به من رسید در قرآن نظر افکندم، هر دستوری که داده، و هر فرمانی که فرموده پیروی کردم (۴۹۳۸۲-۴۹۳۳۷)، به راه و رسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقتدا کردم.

پس هیچ نیازی به حکم و رأی شما و دیگران ندارم، هنوز چیزی پیش نیامده که حکم آن را ندانم، و نیاز به مشورت شما و دیگر برادران مسلمان داشته باشم، اگر چنین بود از شما و دیگران روی گردان نمودم. (۴۹۴۱۹-۴۹۳۸۳) و اما اعتراض شما که چرا با همه به تساوی رفتار کردم: این روشی نبود که به رأی خود، و با خواست دل خود انجام داده باشم، بلکه من و شما این گونه رفتار را از دستور العمل‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آموختیم، که چه حکمی آورد؟ و چگونه آن را اجرا فرمود؟ (۴۹۴۶۶-۴۹۴۲۰) پس در تقییمی که خدا به آن فرمان داد به شما نیازی نداشتم. سوگند به خدا، نه شما، و نه دیگران را بر من حقی نیست که زبان به اعتراض گشایند. خداوند قلب‌های شما و ما را به سوی حق هدایت فرماید،

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۲۹

و شکیبایی و استقامت را به ما و شما الهام کند (۴۹۴۸۹-۴۹۴۶۷) ۱۱۰) (سپس فرمود) خدا رحمت کند آن کس را که حقی را بنگرد و یاری کند، یا ستمی مشاهده کرده آن را ناپود سازد، و حق را یاری داده تا به صاحبش باز گردد.

(۴۹۵۰۹-۴۹۴۴۰) (۱۲۰۶)

#### ترجمه خطبه ۲۰۶

#### اشاره

(در جنگ صفین شنید که یاران او شامیان را دشنام می‌دهند فرمود) (۴۹۵۲۶-۴۹۵۱۰) ۲۰

#### اخلاق در جنگ

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف، و حالات آنان را باز گو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر، و عذر پذیرتر بود (۴۹۵۳۶-۴۹۵۲۷)، خوب بود بجای دشنام آنان می‌گفتید:

خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق باز گردند.

(۴۹۵۸۲–۴۹۵۸۳) (۱۲۰۷)

#### ترجمه خطبه ۲۰۷

#### اشاره

(در یکی از روزهای نبرد صفّین، امام حسن علیه السّلام را دید که به سرعت در لشکر دشمن در حال پیشروی است فرمود:) (۴۹۶۰۰–۴۹۵۸۳)

#### ضرورت حفظ امامت

این جوان را نگه دارید، تا پشت مرا نشکند، که دریغم آید مرگ، حسن و حسین علیهما السّلام را دریابد.

نکند با مرگ آنها نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سَمّ از بین برود!

(۴۹۶۲۳–۴۹۶۰۱) (جمله «این جوان را نگه دارید، در مرتبه والای سخن و از فصاحت بالایی برخوردار است) (۴۹۶۳۷–۴۹۶۲۴) (۱۲۰۸)

#### ترجمه خطبه ۲۰۸

#### اشاره

(به هنگام شورش یاران پیرامون حکمت فرمود) (۴۹۶۵۰–۴۹۶۳۸)

#### تکوین از نافرمانی گویان

ای مردم، همواره کار من با شما به دلخواه من بود تا آن که جنگ شما را ناتوان کرد، به خدا اگر جنگ کسانی را از شما گرفت و جمعی را گذاشت، برای دشمنانتان نیز کوبنده‌تر بود (۴۹۶۷۵–۴۹۶۵۱) من دیروز فرمانده و امیر شما بودم، ولی امروز فرمانم می‌دهند، دیروز باز دارنده بودم که امروز مرا باز می‌دارند، شما زنده ماندن را دوست دارید،

(۱) اشاره به علم: اینسپیرینتک(INSPIRING) (لهام شناسی)

(۲) دشنام دهنگان، حجر بن عدی و عمرو بن حنق بودند. (پاروقی شرح خوبی، ج ۱۳، ص ۸۳ و ۹۴)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۳۱

و من نمی‌توانم شما را به راهی که دوست ندارید اجبار کنم.

(۴۹۷۰۱–۴۹۶۷۶) (۱۲۰۹)

#### ترجمه خطبه ۲۰۹

#### اشاره

(پس از جنگ بصره بر علاه بن زیاد وارد شد که از یاران امام بود. وقتی خانه بسیار مجلل و وسیع او را دید، فرمود) (۴۹۷۲۵–۴۹۷۰۲)

#### ۱ روش استفاده از دنیا

با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری.

آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی! در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشانندان با نیکوکاری ببیوندی، و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می‌توانی پرداخت. (۴۹۷۶۵–۴۹۷۲۶) (علامه گفت: از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می‌کنم. فرمود چه شد او را؟! گفت عیابی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است: امام علیه السّلام فرمود او را بیاورید، وقتی آمد به او فرمود:)

(۴۹۷۹۴–۴۹۷۶۶)

#### ۲ برخورد با تفکر ترک دنیا

ای دشمنک جان خویش! شیطان سرگردانت کرده، آیا تو به زن و فرزندان رحیم نمی‌کنی؟

تو می‌پنداری که خداوند نعمت‌های پاکیزه‌اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچک‌تر از آنی که اینگونه با تو رفتار کند. (۴۹۸۲۴–۴۹۷۹۵) (عاصم گفت، ای امیر مؤمنان، پس چرا تو با این لباس خشن، و آن غذای ناگوار به سر می‌بری؟ امام فرمود) (۴۹۸۳۷–۴۹۸۲۵) وای بر تو! من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیورد، و به طغیان نکشاند.

(۴۹۸۵۷–۴۹۸۳۸) (۱۲۱۰)

#### ترجمه خطبه ۲۱۰

#### اشاره

(شخصی از احادیث بدعت آور، و گوناگونی که در میان مردم رواج داشت پرسید امام فرمود) (۴۹۸۷۹–۴۹۸۵۸)

#### ۱ اقسام احادیث رواج یافته

احادیثی که در دسترس مردم قرار دارد، هم حق است هم باطل، هم راست هم دروغ، هم ناسخ هم منسوخ، ۱۱ هم عام هم خاص، ۲۱ هم محکم هم مشابه، ۳۱ هم احادیثی که بدرستی ضبط گردیده و هم احادیثی که با ظن و گمان روایت شده. (۴۹۹۰۶–۴۹۸۸۰) در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سَمّ آنقدر دروغ به آن حضرت نسبت داده شد که ایستاد و خطابه ایراد کرد و فرمود:

«هر کس از روی عمد به من دروغ نسبت دهد جایگاه او پر از آتش است»

(۴۹۹۳۷–۴۹۹۰۷)

(۱) ناسخ آیه‌ای است که حکم آیه دیگر را باطل کرده و آن را منسوخ (باطل شده) نامند.

(۲) عام، لفظ فراگیر، و خاص، لفظی که شامل چیز خاص یا فرد خاصی می‌شود.

(۳) محکم، آیه‌ای را گویند که حکم آن استوار و بر همه روشن است، اما مشابه، آیه‌ای است که ممکن است چند معنا داشته باشد و معای واقعی آن روشن نیست.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۳۳

#### ۲ اقسام راویان حدیث

#### اشاره

افرادی که حدیث نقل می‌کنند چهار دسته‌اند، که پنجمی ندارد. (۴۹۹۳۶–۴۹۹۲۸)

#### اول – منافقان نفوذی

نخست منافقی که تظاهر به ایمان می‌کنند، و نقاب اسلام بر چهره دارد، نه از گناه می‌ترسد و نه از آن دوری می‌جوید و از روی عمد دروغ به پیامبر صلی الله علیه و آله و سَمّ نسبت می‌دهد. (۴۹۹۵۴–۴۹۹۳۷) اگر مردم می‌دانستند که او منافق دروغگو است، از او نمی‌پذیرفتند و گفتار دروغین او را تصدیق نمی‌کردند، اما با ناآگاهی می‌گویند او از اصحاب پیامبر است، رسول خدا را دیده و از او حدیث شنیده، و از او گرفته است، پس حدیث دروغین او را قبول می‌کنند. (۴۹۹۸۳–۴۹۹۵۵) در صورتی که خدا تو را از



منافقین آنگونه که لازم بود آگاهانند، و وصف آنان را برای تویبان داشت.

آنان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی ماندند و به پیشوایان گمراهی و دعوت کنندگان به آتش یا دروغ و نهمت نزدیک شده (۵۰۱۱–۴۹۹۴) پس به آنان ولایت و حکومت بخشیدند، و بر گردن مردم سوار گردیدند، و به وسیله آنان به دنیا رسیدند، همانا مردم هم با سلاطین و دنیا هستند، مگر آن کس که خدا او را حفظ کند، این یکی از آنچه او گروه است.

(۵۰۳۶–۵۰۱۲)

**دوم – اشتباه کار**

دوم کسی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی را به اشتباه شنیده، اما سخن آن حضرت را درست حفظ نکرده است، و با توهم چیزی را گرفته، اما از روی عمد دروغ نمی گوید، آنچه در اختیار دارد روایت کرده و به آن عمل می کند و می گوید من از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را شنیده‌ام. (۵۰۷۰–۵۰۰۳)
اگر مسلمانان بدانند که او اشتباه کرده، و غیر واقعی پنداشته، از او نمی‌پذیرفتند، خودش هم اگر آگاهی می‌یافت که اشتباه کرده آن را رها می کرد.

(۵۰۸۶–۵۰۷۱)

**سوم – ناآگاهی که حدیث شاس نیستند**

و سومی شخصی که شنیده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چیزی امر فرمود. (اما) سپس از آن نهی کرد و او نمی‌داند (۵۰۱۷–۵۰۸۷)، یا شنید که چیزی را نهی کرد، سپس به آن امر فرمود و او آگاهی ندارد، پس نسخ شده را حفظ کرد ولی ناسخ را نمی‌داند. اگر بدانند که حدیث او منسوخ است ترکش می‌کنند، و اگر مسلمانان نیز می‌دانستند روایت او نسخ شده، آن را ترک می‌کردند.

(۵۰۱۸–۵۰۱۴)

**چهارم – حافظان راست گفتار**

دسته چهارم، آن که نه به خدا دروغ می‌بندد و نه به پیامبرش دروغ نسبت می‌دهد. دروغ را از ترس خدا، و حرمت نگاهداشتن از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دشمن دارد. در آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اشتباه نکرده، بلکه آن را با تمام جوانبش حفظ کرده است، و آن چنان که شنیده بدون کم و کاست نقل می‌کند. (۵۰۱۷۷–۵۰۱۴۱)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۳۵

پس او ناسخ را دانسته و به آن عمل کرده، و منسوخ را فهمیده و از آن دوری جسته، خاص و عام، محکم و متشابه، را در شناخته، هر کدام را در جای خویش قرار داده است.

(۵۰۲۰۷–۵۰۱۷۸)

**۳ انصام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم**

گاهی سخنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارای دو معنا بود، سخنی عام، و سخنی خاص (۵۰۲۲۳–۵۰۲۰۸)، کسی آن را می‌شنید که مقصود خدا و پیامبرش را از آن کلام نمی‌فهمید، پس به معنای دلخواه خود تفسیر می‌کرد، و بدون آن که معنای واقعی آن را بداند، که برای چه هدفی صادر شد، و چرا چنین گفته شد، حفظ و نقل می‌کرد. (۵۰۲۵۶–۵۰۲۲۴)
همه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنان نبودند که از او چیزی بیبرسند و معنای واقعی آن را درخواست کنند تا آنجا که عهده‌ای دوست داشتند عربی بیابانی یا سؤال کننده‌ای از آن حضرت چیزی بیرسد و آنها پاسخ آن را بشنوند (۵۰۲۸۱–۵۰۲۵۷)، اما من هر چه از خاطرم می‌گذشت می‌پرسیدم، و حفظ می‌کردم، پس این است علل اختلاف روایاتی که در میان مردم وجود دارد، و علل اختلاف روایات در نقل حدیث

(۵۰۳۰۵–۵۰۲۸۲) (۵۰۲۸۱–۱۲۱۱)

**ترجمه خطبه ۲۱۱**

**شگفتی آفرینش پدیده‌ها**

از نشانه‌های توانایی و عظمت خدا، و شگفتی ظرافت‌های صنعت او آن است که از آب دریای موج زنده، و امواج فراوان شکننده، خشکی آفرید (۵۰۳۳۳–۵۰۳۰۶)، و به طبقاتی تقسیم کرد، سپس طبقه‌ها را از هم گشود، و هفت آسمان را آفرید، که فرمان او برقرار می‌دانند، و در اندازه‌های معین استوار شدند. (۵۰۳۴۸–۵۰۳۳۴)
و زمین را آفرید که دریایی سبز رنگ و روان آن را بر دوش می‌کشد، و زمین در برابر فرمان خدا فروتن، و در برابر شکوه پروردگاری تسلیم است، و آب روان از ترس او ایستاد (۵۰۳۴۸–۵۰۳۴۹)، سپس صخره‌ها، تپه‌ها، و کوه‌های بزرگ را آفرید، آنها را در جایگاه خود ثابت نگاه داشت، و در قرارگاهشان استقرار بخشید.

پس کوه‌ها در هوا و ریشه‌های آن در آب رسوخ کرد (۵۰۳۹۱–۵۰۳۶۹)، کوه‌ها از جاهای پست و هموار سر بیرون کشیده و کم کم از ارتفاع یافتند، و ریشه آن در دل زمین ریشه دوآبند، قه‌ها سر به سوی آسمان بر افراشت، و نوک آنها را طولانی ساخت تا تکیه‌گاه زمین، و میخ‌های نگهدارنده آن باشد (۵۰۴۱۷–۵۰۳۹۲)، سپس زمین با حرکات شدیدی که داشت آرام گرفت، تا ساکنان خود را لرزانند، و آنچه بر پشت زمین است سقوط نکند، یا از جای خویش منتقل نگردد. (۵۰۴۳۱–۵۰۴۱۸) ۱۱

(۱) در این سخنرانی و خطبه‌های دیگر، امام علیه السلام به حرکت زمین، صدها سال قبل از کشف این حقیقت توسط دانشمندان رشته ژئوفیزیک (GEOPHYSICS) علم اوضاع بیرونی و طبیعی) و ژئولوژی (GEOLOGY زمین‌شناسی) آشکارا اشاره فرمود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۳۷

پس پاک و منزه است خدایی که زمین را در میان آن همه از امواج تا آرام، نگه داشت، و پس از رطوبت آن را خشک ساخت، و آن را جایگاه زندگی مخلوقات خود گردانید، و چون بستری بر ایشان بگستراند، بر روی دریایی عظیم و ایستاده‌ای که روان نیست (۵۰۴۵۹–۵۰۴۳۲) و تنها پاداهای تند آن را بر هم می‌زند، و ابرهای پرباران آن را می‌چیناند او توجه به این شگفتی‌ها درس عبرتی

است برای کسی که بترسد؛

(۵۰۴۷۲–۵۰۴۶۰) (۱۲۱۲)

**ترجمه خطبه ۲۱۲**

**بسیج مردم برای جنگ با شامیان**

خدا یا! هر کدام از بندگان تو، که سخن عادلانه دور از ستمکاری، و اصلاح کننده دور از فساد انگیزی ما را نسبت به دین و دنیا شنید، و پس از شنیدن سرباز زد، و از یاری کردنت باز ایستاد، و در گرامی داشتن دین تو درنگ و سستی کرد (۵۰۵۱۸–۵۰۴۷۳)، ما تو را بر ضد او به گواهی می‌طلبیم.

ای خدایی که از بزرگ‌ترین گواهانی و تمام موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین سکونت دادی همه را بر ضد او به گواهی دعوت می‌کنیم با اینکه تو از یاری او بی نیازی، و او را به کیفر گناهانش گرفتار خواهی کرد.

(۵۰۵۴۴–۵۰۵۱۹) (۱۲۱۳)

**ترجمه خطبه ۲۱۳**

**ا خدا شناسی**

سپاس خدایندی را سزااست که از شباهت داشتن به پدیده‌ها برتر و از تعریف وصف کنندگان والاتر است. با تدبیر شگفتی آورش بر همه بینندگان آشکار، و با بزرگی عزتیش، بر همه فک‌های اندیشمندان پنهان است. (۵۰۵۷۴–۵۰۵۴۵)
داناست، نه آن که آگاهی او از جایی گرفته شده یا در حال فرونی باشد و یا از کسی فراگیرد، اداره کننده سراسر نظام آفرینش است بی آنکه نیازی به فکر کردن یا اندیشه درونی داشته باشد (۵۰۵۹۲–۵۰۵۷۵)، خدایی که تاریکی‌ها او را پنهان نسازد، و از نورها روشنی نگردد، شب او را نپوشاند، و روز بر او نمی‌گذرد، نه بینایی او از راه دیدگان، و نه علم او از راه اطلاعات و اخبار است. (۵۰۶۱۶–۵۰۵۹۳–)
(قسمتی از این سخنرانی پیامون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۳۹

#### ۲ ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

خدا پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلم را با روشنائی اسلام فرستاد، و در گزینش، او را بر همه مقدم داشت، با بعثت او شکاف‌ها را پر، و سلفهٔ گران پیروز را در هم شکست، و سختی‌ها را آسان، و ناهمواری‌ها را هموار فرمود تا آن که گمراهی را از چپ و راست تار و مار کرد.

(۵۰۶۵۰–۵۰۶۱۷) (۱۲۱۴)

#### ترجمه خطبه ۲۱۴

##### ایمپایر شناسی

گواهی می‌دهم که خدا عدل است و دادگر، و دادرسی جدا کننده حق و باطل (۵۰۶۷۲–۵۰۶۵۱)، و گواهی می‌دهم که محمّد صلیّ الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده او سرور مخلوقات است. هر گاه آفریدگان را به دو دسته کرد او را در بهترین آنها قرار داد (۵۰۶۹۰–۵۰۶۷۳)، در خاندان او نه زناکار و نه مردم بدکار است. (۵۰۶۹۹–۵۰۶۹۱) آنگاه باشید! خداوندی خویب‌ها مردمی، و برای حق ستون‌های استواری، و برای اطاعت نگهدارنده‌های قرار داد. هر گامی که در اطاعت بر می‌دارید، یابوری از طرف خدای سبحان وجود دارد که زبان‌ها به نیروی آنها سخن می‌گویند، و دل‌ها با کمک آنها استوارند، برای یاری طلیان یابور، و برای شفا خواهان شفا دهنده‌اند.

(۵۰۷۳۶–۵۰۷۰۰)

##### آرزش دانشمندان الهی

بدانیندا! پندگانی که نگاهدار علم خداوندند، و آن را حفظ می‌کنند، و چشمه‌های علم الهی را جوشان می‌سازند، با دوستی خدا با یکدیگر پیوند داشته و یکدیگر را دیدار می‌کنند.

جام محبت او را به همدیگر می‌نوشانند، و از آبشخور علم او سیراب می‌گردند. (۵۰۷۶۲–۵۰۷۳۷) شک و تردید در آنها راه نمی‌یابد، و از یکدیگر بدگویی نمی‌کنند.

سرسخت و اخلافتان با این ویژگی‌ها شکل گرفته است، و بر این اساس تمام دوستها و پیوندهایشان استوار است.

آنان، چونان بندهای پاکیزه‌ای هستند که در میان مردم گزینش شده، آنها را برای کاشتن انتخاب و دیگران را رها می‌کنند. با آزمایش‌های مکرر امتیاز یافتند، و با پاک کردن‌های بی در پی خالص گردیدند.

(۵۰۷۹۵–۵۰۷۶۳)

##### ۳ بندهای جاودانه

پس آدمی باید اندرزا را بپذیرد، و پیش از رسیدن رستاخیز پرهیزکار باشد، و در کوتاهی روزگارش اندیشه کند، و به ماندن کوتاه در دنیا نظر دوزد تا آن را به منزلگاهی بهتر مبدّل سازد. پس برای جایی که او را می‌برند، و برای شناسایی سرای دیگر تلاش کند. (۵۰۸۲۶–۵۰۷۹۶) خوشا به حال کسی که قلبی سالم دارد، خدای هدایتگر را اطاعت می‌کند، از شیطان گمراه کننده دوری می‌گزیند، با راهنمایی مردان الهی با آگاهی به راه سلامت رسیده (۵۰۸۴۴–۵۰۸۲۷)، و به اطاعت هدایتگرش بپردازد، و به راه رستگاری پیش از آن که درها بسته شود، و مسائش قطع گردد بشتابد، در توبه را بگشاید،

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۴۱*

و گناهان را از بین ببرد. (۵۰۸۶۴–۵۰۸۴۵) پس (چنین فردی) به راه راست ایستاده و به راه حق هدایت شده است.

(۵۰۸۷۲–۵۰۸۶۵) (۱۲۱۵)

#### ترجمه دعا ۲۱۵

##### اشاره

(همواره با این کلمات خدا را می‌خواند)

##### ستایش و نیایش

ستایش خداوندی را سزاست که شیم را به صبح آورد بی آن که مرده یا بیمار باشیم، نه دردی بر رگه‌های تنم باقی گذارد، و نه به کثیر بدترین کردارم گرفتار کرد، نه بی‌فرزند و خاندان مانده (۵۰۹۰۶–۵۰۸۷۳)، نه از دین خدا روی گردانم، نه منکر پروردگار، نه ایمانم دگرگون، و نه عقلم آشفته، و نه به عذاب انت‌های گذشته گرفتارم. (۵۰۹۳۱–۵۰۹۰۷) در حالی که صبح کردم که بنده‌ای بی اختیار و بر نفس خود ستمکارم.

خدایا بر تو است که مرا محکوم فرمای در حالی که عذری ندارم، و توان فراهم آوردن چیزی جز آنچه که تو می‌بخشای ندارم، و قدرت حفظ خویش ندارم جز آن که تو مرا حفظ کنی. (۵۰۹۵۷–۵۰۹۳۲) خدایا به تو پناه می‌برم از آن که در سایه بی نیازی تو، تهیدست باشم، یا در پرتو روشنائی هدایت تو گمراه گردم، یا در پناه قدرت تو بر من ستم روا دارند، یا خوار و ذلیل باشم در حالی که کار در دست تو باشد! (۵۰۹۷۸–۵۰۹۵۸) خدایا جانم را نخستین نعمت گرانبهایی قرار ده که می‌سنائی، و نخستین سپرده‌ای. قرار ده که از من بیاز پس می‌گیری! (۵۰۹۹۴–۵۰۹۷۹) خدایا ما به تو پناه می‌بریم از آن که از فرموده تو بیرون شویم، یا از دین تو خارج گردیم، یا احوای نفسانی بیایی بر ما فرود آید، که از هدایت ارزانی شده از جانب تو سرباز زنیم.

(۵۱۰۱۷–۵۰۹۹۵) (۱۲۱۶)

#### ترجمه خطبه ۲۱۶

##### اشاره

(از سخنرانهای امام علیه السلام در صحرای صفین است)

##### ۱ حقوق اجتماعی

پس از ستایش پروردگار، خداوند سبحان، برای من، بر شما به جهت سرپرستی حکومت، حقیّ قرار داده، و برای شما همانند حق من، حقیّ تعیین فرموده است (۵۱۰۳۲–۵۱۰۱۸)، پس حق گسترده‌تر از آن است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل نتگنایی بی مانند دارد! حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار رود، و چون به زیان کسی اجرا شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. (۵۱۰۶۶–۵۱۰۳۳) اگر بنا باشد حق به سود کسی اجرا شود و زبانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است نه دیگر آفریده‌ها، به خاطر قدرت الهی بر بندگان، و عدالت او بر تمام موجوداتی که فرمانش بر آنها جاری است (۵۱۰۹۶–۵۱۰۶۷).

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۴۳*

لکن خداوند حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده، و پاداش آن را دو چندان کرده است، از روی بخشندگی، و گشایشی که خواسته به بندگان عطا فرماید.

(۵۱۱۲۰–۵۱۰۹۷)

##### ۲ حقوق متقابل رهبری و مردم

پس، خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرده، و آن حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند، و حقیّ بر کسی واجب نمی‌شود مگر همانند آن را انجام دهد. (۵۱۱۵۰–۵۱۱۲۱) و در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شود، و آن را عامل پایداری پیوند مُست و رهبر، و عزّت دین قرار داد. (۵۱۱۸۰–۵۱۱۵۱) پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت. (۵۱۱۹۳–۵۱۱۸۱) و آنگاه که مردم حق رهبری را اداء کنند، و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزّت یابد، و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت بر قرار، و سست پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلم پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد. (۵۱۳۳۳–۵۱۱۹۴) آبا اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار، و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد، و راه گسترده سست پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلم

مترک، هوا پرستی فراوان، احکام دین تعطیل، و بیماری‌های دل فراوان شود. (۵۱۲۶۶–۵۱۲۳۳) مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می‌شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند! پس در آن زمان نیکان خوار، و بدان قدرتمند می‌شوند، و کثیر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود. (۵۱۲۸۹–۵۱۲۶۷) پس بر شمامت که یکدیگر را نصیحت کنید، و نیکو همکاری نمایید.

دست است که هیچ کس نمی‌تواند حق اطاعت خداوندی را چنانکه باید بگذارد، هر چند در به دست آوردن رضای خدا حریص باشد، و در کار بندگی تلاش فراوان نماید. (۵۱۳۲۰–۵۱۲۹۰)، لکن باید به مقدار توان، حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی، یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن، و بر پا داشتن حق، و یاری دادن به یکدیگر است. (۵۱۳۵۰–۵۱۳۲۱) هیچ کس هر چند قدر او در حق بزرگ، و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند، و هیچ کس گرچه مردم او را خوار شمایند، و در دیده‌ها بی‌ارزش باشد، کوچک‌تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند، یا دیگری به یاری او برخیزد. (۵۱۳۷۸–۵۱۳۵۱) (پس یکی از یاران به پاخاست و با سخنی طولانی امام را ستود، حرف شنوایی و اطاعت از امام را اعلام داشت. (۵۱۳۹۵–۵۱۳۷۹) آنگاه امام فرمود:) کسی که عظمت خدا در جانش بزرگ، و منزلت او در قلبش ولادت، سزاوار است که هر چه جز خدا را کوچک شمارد. (۵۱۴۲۰–۵۱۳۹۶)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۴۵

و از او سزاوارتر کسی که نعمت‌های خدا را فراوان در اختیار دارد، و بر خوان احسان خدا نشسته است، زیرا نعمت خدا بر کسی بسیار نگرود جز آن که حقوق الهی بر او فراوان باشد.

(۵۱۴۴۸–۵۱۴۲۱)

### ۳ روایط سالم و متقابل رهبر و مردم

مردم! از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش‌اند، و کشور داری آنان بر کبر و خود پسندی استوار باشد (۵۱۴۶۷–۵۱۴۴۹) ۱۰، و خوش ندارم، در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم، و خواهان شنیدن آن می‌باشم.

سپاس خدا را که چنین نبودم و اگر ستایش را دوست می‌داشتم، آن را رها می‌کردم به خاطر فروتنی در پیشگاه خدای سبحان، و بزرگی و بزرگواری که تنها خدا سزاوار آن است. (۵۱۵۰۷–۵۱۴۶۸) گاهی مردم، ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دانند. اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایب ۲۰، تا از عهده وظیفی که نسبت به خدا و شما دارم بر آیم، و حقوقی که مانند است بپردازم، و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد ادا کنم (۵۱۵۴۰–۵۱۵۰۸)، پس با من چنانکه با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید، و چنانکه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید، و با ظاهر سازی یا من رفتار نکنید (۵۱۵۶۰–۵۱۵۴۱)، و گمان میرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود (۵۱۵۹۱–۵۱۵۶۱) ۳۰.

پس، از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم ۴۰ و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید. (۵۱۶۲۳–۵۱۵۹۲) پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست.

او مالک ما، و ما را بر نفس خود اختیاری نیست. ما را از آنچه بودیم خارج و بدانچه صلاح ما بود در آورد. به جای گمراهی هدایت، و به جای کوری بنیایی به ما عطا فرمود.

(۵۱۶۵۸–۵۱۶۲۴) (۱۲۱۷)

### ترجمه خطبه ۲۱۷

### شکوه از قریش

خدایا برای پیروزی بر قریش و یارانشان از تو کمک می‌خواهم، که پیوند خویشاوندی مرا بریدند، و کار مرا دگرگون کردند، و همگی برای مبارزه با من در حقی که از همه آنان سزاوارترم، متحد گردیدند (۵۱۶۹۴–۵۱۶۵۹) و گفتند:

(۱) نفی تفکر: اگوئیسم EGOISM (خود پسندی، خود کامگی)

(۲) نفی تفکر: استوئیسم، استویری SNOBBISME–SNOBBERY) گرایش به ستودن‌های غلو آمیز)

(۳) نفی تفکر: دکلماتیسم (DOGMATISM) پذیرش چیزی بدون دلیل و برهان)

(۴) می‌رسند اگر امام معصوم است چرا می‌فرماید، خود را برتر از آن که اشتباه کنم نمی‌دانم؟ دو پاسخ مطرح است. اول آنکه امام علیه السلام فرمود بدون کمک خدا از اشتباه مصون نمی‌باشم که خود اثبات عصمت است. دوم- امام علیه السلام در تمام کارهای حکومتی یا مشاوران خود مشورت می‌کرد، و به رأی و نظر آنها عمل می‌کرد.

فرمانداری را نصب می‌کرد و بعدها مشخص می‌شد که آن شخص لاین بوده، اینگونه نبود که مشورت نکند یا در همه جا از علم غیب کمک بگیرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۴۷

حق را اگر توانی بگیر، و یا اگر تو را از حق محروم دارند، یا با غم و اندوه صبر کن، و یا با حسرت بمیر! (۵۱۷۱۲–۵۱۶۹۵) به اطرافم نگرستم دیدم که نه یآوری دارم، و نه کسی از من دفاع و حمایت می‌کند، جز خانواده‌ام (۵۱۷۲۶–۵۱۷۱۳) که مایل نبودم جانشان به خطر افتد. پس خار در چشم فرو رفته، دیده بر هم نهادم، و با گلوی استخوان در آن گیر کرده، جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم، و در فرو خوردن خشم در امری که تلخ‌تر از گياه حنظل، و دردناک‌تر از فرو رفتن تیزی شمشیر در دل بود شکیبایی کردم! (۵۱۷۵۳–۵۱۷۲۷) (این گفتار در ضمن خطبه‌های گذشته آمد لکن به خاطر اختلاف روایت آن را دوباره آوردم)

(۵۱۷۳۳–۵۱۷۵۴) (۱۲۱۸)

### ترجمه خطبه ۲۱۸

### اشاره

(در باره کسانی که برای جنگ با او به بصره رفتند) (۵۱۷۸۵–۵۱۷۷۴)

### افشای خیانت ناکثان

بر کارگزاران و خزانه داران بیت المال مسلمانان که در فرمان من بودند، و بر مردم شهری که تمامی آنها بر اطاعت من، و وفاداری در بیعت با من وحدت داشتند، هجوم آوردند (۵۱۸۰۵–۵۱۷۸۶)، آنان را از هم پراکندند، و به زیان من، در میانشان اختلاف افکندند، و بر شیعیان من ناخندند، گروهی را با نیرنگ کشتند، و گروهی دست بر شمشیر فشرده با دشمن جنگیدند تا صادقت خدا را ملاقات کردند.

(۵۱۸۳۰–۵۱۸۰۶) (۱۲۱۹)

### ترجمه خطبه ۲۱۹

### اشاره

(در میدان نبرد جمل در سال ۳۶ هجری وقتی به جنازه طلحه ۱۱ و عبد الرحمن بن عتاب ۲۰ رسید فرمود) (۵۱۸۵۳–۵۱۸۳۱)

### تأنتف بر کشتگان جمل

ابو محمد (طلحه) در این مکان، غریب مانده است! به خدا سوگند خوش نداشتم قریش را زیر تابش ستارگان کشته و افتاده بینم! به خونخواهی، بر فرزندان «عبد مناف»، دست یافتم، ولی سر کرد گانی «بنی جمح» از دستم گریختند (۵۱۸۸۴–۵۱۸۵۴)، آنان برای کاری که در شأن آنها نبود سر بر افراشتند، و پیش از رسیدن به آن سرکوب شدند.

(۵۱۸۹۴–۵۱۸۸۵) (۱۲۲۰)

### ترجمه خطبه ۲۲۰

### یوننده راه خدا

عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغر، و خشونت اخلاش به نرمی گزاییبد، برقی بر نور برای او درخشید. (۵۱۹۲۴-۵۱۸۹۵)،

\_\_\_\_\_

(۱) طلحه، پسر عبد الله، پدرش از قبیله بنی تمیم و مادرش دختر عبد الله بن عماد بود که در جنگ جمل مروان بن حکم با تیری او را کشت.

(۲) عتاب نوه امیه بن عبد الشمس بود.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۴۹*

و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند. و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را درست به کار گرفت، و پروردگار خویش را راضی کرد.

(۵۱۹۵۶-۵۱۹۲۵) (۱۲۲۱)

#### ترجمه خطبه ۲۲۱

#### اشاره

(پس از خواندن آن ۱ سوره نکاتر «افزون طیبی شما را به خود مشغول داشته تا آنجا که به دیدار قیرها رفتید؟» (۵۱۹۹۹-۵۱۹۵۷) (۱۰ فرمود)

#### ۱ هشدار از غفلت زده‌ی‌ها

شگفتا چه مقصد بسیار دوری و چه زیارت کنندگان بیخبری و چه کار دشوار و مرگباری! پنداشتند که جای مردگان خالی است، آنها که سخت مایه عبرتند، و از دور با یاد گذشتگان، فخر می‌فروشدند. (۵۱۹۹۲- ۵۱۹۷۰) آیا به گروه‌های پدران خویش می‌نازند؟ و یا به تعداد فراوانی که در کام مرگ فرو رفته‌اند؟ آیا خواهان بازگشت اجسادی هستند که پوسیده شده؟ و حرکاتشان به سکون تبدیل گشت؟ (۵۲۰۰۷- ۵۱۹۹۳) آنها مایه عبرت باشند سزاوارتر است تا نفاخر! اگر با مشاهده وضع آنان به فروتنی روی آورند عاقلاته‌تر است تا آنان را وسیله فخر فروشی قرار دهند! اما بدانها با دیده‌های کم سو نگریستند، و با کونه بینش در امواج نادانی فرو رفتند. (۵۲۰۴۰- ۵۲۰۰۸)، اگر حال آنان را از خانه‌های ویران، و سرزمین‌های خالی از زندگان، می‌پرسیدند، پاسخ می‌دادند: آنان با گمراهی در زمین فرو خفتند، و شما ناآگاهانه دنباله روی آنان شدید. (۵۲۰۶۱- ۵۲۰۴۱) بروی کاسه‌های سر آنها راه می‌رویید، و بر روی جسدهایشان زراعت می‌کنید، و آنچه به جا گذاشته‌اند می‌خورشید، و بر خانه‌های ویران آنها مسکن گرفته‌اید، و روزگاری که میان آنها و شماست بر شما گریه و زاری می‌کند، (۵۲۰۸۶- ۵۲۰۶۲) آنها پیش از شما به کام مرگ فرو رفتند، و برای رسیدن به آیشخور، از شما پیشی گرفتند.

#### ۲ شرح حالات رفکان

در حالی که آنها دارای عزّت پادبار، و درجات والای افتخار بودند. پادشاهان حاکم، یا رعیت سر فراز بودند که سرانجام به درون برزخ راه یافتند، و زمین آنها را در خود گرفت، و از گوشت بدن‌های آنان خورد، و از خون آنان نوشید، (۵۲۱۱۹-۵۲۰۸۷)، پس در شکاف گورها بی جان و بدون حرکت پنهان مانده‌اند. نه از دگرگونی‌ها نگرانند (۵۲۱۳۰- ۵۲۱۲۰)،

(۱) ابن ابی الحدید می‌گوید از روزی که این خطبه را یاقم ناکون که پنجاه سال است حدود ۱۰۰۰ بار آن را خواندم و در هر بار در دلم، ترس، لرزش، و پند پذیری تازه‌ای بوجود آمد. شرح ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۵۱*

و نه از زلزله‌ها ترساکند، و نه از فریادهای سخت هراسی دارند.

غائب شد گمانی که کسی انتظار آنان را نمی‌کشد، و حاضرانی که حضور نمی‌یابند، اجتماعی داشتند و پراکنده شدند، با یکدیگر مهربان بودند و جدا گردیدند (۵۲۱۶۲- ۵۲۱۳۱)، اگر پادشان فراموش گشت، یا دیارشان ساکت شد، برای طولانی شدن زمان یا دوری مکان نیست، بلکه جام مرگ نوشیدند.

گویا بودند. و لال شدند، شوا بودند. و کر گشتند، و حرکاتشان به سکون تبدیل شد، چنان آرمیده که گویا بیهوش بر خاک افتاده و در خواب فرو رفته‌اند. (۵۲۱۹۵- ۵۲۱۶۳) همسایگانی هستند که با یکدیگر انس نمی‌گیرند و دوستایی‌اند که به دیدار یکدیگر نمی‌روند.

پیوند‌های شناسایی در میانشان پوسیده، و اسباب برادری قطع گردیده است. (۵۲۲۱۱- ۵۲۱۹۶) با اینکه در یک جا گرد آمده‌اند تنهایند، رفیقان یکدیگرنند و از هم دورند، نه برای شب صیحگاهی می‌شناسند، و نه برای روز شامگاهی. شب، یا روزی که به سفر مرگ رفته‌اند برای آنها جاوپیدان است. (۵۲۲۳۷- ۵۲۲۱۲) خطرات آن جهان را وحشتناک‌تر از آنچه می‌پرسیدند یافتند، و نشانه‌های آن را بزرگ‌تر از آنچه می‌پنداشتند مشاهده کردند.

برای رسیدن به بهشت یا جهنّم، تا قرارگاه اصلی‌شان مهلت داده شدند، و جهانی از بیم و امید برایشان فراهم آمد. اگر می‌خواستند آنچه را که دیدند توصیف کنند، زبانشان عاجز می‌شد.

(۵۲۲۷۳-۵۲۲۳۸)

#### ۳ پیام مردگان!

حال اگر چه آثارشان ناپود، و اخبارشان فراموش شده، امّا چشم‌های عبرت بین، آنها را می‌نگرد، و گوش جان اخبارشان را می‌شنود، که با زبان دیگری با ما حرف می‌زنند و می‌گویند: چهره‌های زیبا پرمرد و بدن‌های ناز پرورده پوسیده شد (۵۳۳۰۴- ۵۲۲۷۴)، و بر اندام خود لباس کهنگی پوشانده‌ایم، و تنگی قیر ما را در فشار گرفته، وحتت و ترس را از یکدیگر به ارث برده‌ایم (۵۳۳۱۵- ۵۳۳۰۵)، خانه‌های خاموش قبر بر ما فرو ریخته، و زیبایی‌های اندام ما را نابود، و نشانه‌های چهره‌های ما را دگرگون کرده است.

اقامت ما در این خانه‌های وحشت‌زا طولانی است، نه از مشکلات رهایی یافته، و نه از تنگی قبر گشایشی فراهم شد. (۵۳۳۴۴- ۵۳۳۱۶) مردم! اگر آنها را در اندیشه خود بیابورید، یا پرده‌ها کنار رود، مردگان را در حالتی می‌نگرید که حشرات گوش‌هایشان را خورده، چشم‌هایشان به جای سرمه پر از خاک گردیده (۵۳۳۶۴- ۵۳۳۴۵)، و زبان‌هایی که با سرعت و فصاحت سخن می‌گفتند پاره پاره شده، قلب‌ها در سینه‌ها پس از پیداری به خاموشی گرایده، و در تمام اعضای بدن پوسیدگی تازه‌ای آشکار شده، و آنها را زشت گردانیده، و راه آفت زدگی بر اجسادشان گشوده شده، همه تسلیم شده، نه دستی برای دفاع، و نه قلبی برای زاری دارند. (۵۳۴۰۰- ۵۳۳۶۵) و آنان را می‌بینی که دل‌های خسته از اندوه، و چشم‌های پر شده از خاشاک دارند، و حالات اندوهناک آنها دگرگونی ایجاد نمی‌شود و سخنی‌های آنان بر طرف نمی‌گردد.

(۵۳۴۱۸- ۵۳۴۰۱)

#### ۴ عبرت از گذشتگان

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۵۳*

آه! زمین چه اجساد عزیز و خوش سیمایی را که با غذاهای لذیذ و رنگین زندگی کردند، و در آغوش نعمت‌ها پروانده شدند به کام خویش فرو برد.

آنان که می‌خواستند با شادی غم‌های را از دل بیرون کنند، و به هنگام مصیبت با سرگرمی‌ها، صفای عیش خود را برهم زنند (۵۳۴۵۶- ۵۳۴۱۹)، دنیا به آنها و آنها به دنیا می‌خندیدند، و در سایه خوشگذرانی غفلت زا، بی خیر بودند که روزگار با عاخرهای مصیبت زا آنها را در هم کوید و گذشت روزگار توانایی‌شان را گرفت (۵۳۴۷۷- ۵۲۴۵۷)، مرگ از نزدیک به آنها نظر دوخت، و غم و اندوهی که انتظارش را نداشتند آنان را فرا گرفت، و غصه‌های پنهانی که خیال آن را نمی‌کردند، در جانشان راه یافت. در حالی که با سلامتی انس داشتند انواع بیماری‌ها در بپیکشان پدید آمد (۵۲۵۰۲- ۵۳۴۷۸)، و هراسناک به امّیّا، که دستور دادند گرمی را با سردی، و سردی را با گرمی درمان کنند روی آوردند که بی نتیجه بود، زیرا داروی سردی، گرمی را علاج نکرد، و آنچه برای گرمی به کار بردند، سردی را بیشتر ساخت، و ترکیبات و اخلاط، مزاج را به اعتدال نیاورد، جز آن که آن بیماری را فرونی داد (۵۲۵۴۱- ۵۲۵۰۳)، تا آنجا که درمان کننده خسته، و پرستار سرگردان، و خانواده از ادامه بیماری‌ها ستس و ناتوان شدند، و از پاسخ پرسش کنندگان درماندند، و در باره همان خیر حزن آوری که از او پنهان می‌داشتند در حضورش به گفتگو پرداختند.

(۵۲۵۶۴–۵۲۵۴۲)

**۵ سخن‌های لحظه مرگ**

یکی می‌گفت تا لحظه مرگ بیمار است، دیگری در آرزوی شفا یافتن بود، و سومی خاندانش را به شکیبایی در مرگش دعوت می‌کرد، و گذشتگان را به یاد می‌آورد. (۵۲۵۸۴–۵۲۵۶۵) در آن حال که در آستانه مرگ، و ترک دنیا، و جدایی با دوستان بود، ناگهان اندوهی سخت به او روی آورد، فهم و درکش را گرفت، زبانش به خشکی گرایید. (۵۲۶۰۸–۵۲۵۸۵) چه مطالب مهیئی را می‌بایست بگوید که زبانش از گفتن آنها باز ماند، و چه سخنان دردناکی را از شخص بزرگی که احترامش را نگه می‌داشت، یا فرد خردسالی که به او ترحم می‌کرد، می‌شنید و خود را به کری می‌زد. (۵۲۶۳۲–۵۲۶۰۹) همانا مرگ سخنی‌هایی دارد که هراس انگیز و وصف ناشدنی است، و برتر از آن است که عقل‌های اهل دنیا آن را درک کند.

(۵۲۶۶۸–۵۲۶۳۳) (۱۲۲۲)

**ترجمه خطبه ۲۲۲**

**اشاره**

(به هنگام تلاوت آیه ۳۷ سوره نور، او صبح و شام در آن خانه‌ها تسبیح می‌گویند، مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنها را از یاد خدا و پر پا داشتن یاد خدا غافل نمی‌کند، (۵۲۶۷۲–۵۲۶۶۹)، فرمود)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۵۵

**ارزش یاد خدا**

همانا خدای سبحان و بزرگ، یاد خود را روشنی بخش دل‌ها قرار داد، تا گوش پس از ناشنوایی بشنود، و چشم پس از کم نوری بنگرد، و انسان پس از دشمنی رام گردد (۵۲۶۹۵–۵۲۶۷۳)، خداوند که نعمت‌های او گران قدر است، در دوران‌های مختلف روزگار، و در دوران جدایی از رسالت «تا آمدن پیامبری پس از پیامبری دیگر» بندگانی داشته که با آنان در گوش جانشان زرمزه می‌کرد، و در دون عفافشان با آنان سخن می‌گفت.

آنان چراغ هدایت را با نور بیداری در گوش‌ها و دیده‌ها و دل‌ها بر می‌افروختند (۵۲۷۲۷–۵۲۶۹۶)، روزهای خدایی را به یاد می‌آوردند و مردم را از جلال و بزرگی خدا می‌ترساندند.

آنان نشانه‌های روشن خدا در بیابان‌ها‌یند، آن را که راه میانه در پیش گرفت می‌ستودند، و به رستگاری بشارت می‌دادند، و روش آن را که به جانب چپ یا راست کشانده می‌شد، زشت می‌شمردند، و از نابودی هشدار می‌دادند (۵۲۷۵۹–۵۲۷۳۸)، همچنان چراغ تاریکی‌ها، و راهنمای پرتگاه‌ها بودند.

(۵۲۷۶۰ –۵۲۷۶۹)

**۲ صفات یاد آوران (اهل ذکر)**

همانا مردمی هستند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند، که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی، آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد. با یاد خدا روزگار می‌گذرانند (۵۲۷۸۸– ۵۲۷۷۰)، و غافلان را با هشدارهای خود، از کيفرهای الهی می‌ترسانند به عدالت فرمان می‌دهند، و خود عدالت گسترند، از بنی‌ها نهی می‌کنند و خود از آنها برهیز دارند. (۵۲۸۱۰– ۵۲۷۸۹) با اینکه در دنیا زندگی می‌کنند، گویا آن را رها کرده به آخرت پیوسته‌اند، سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان پرزخیان و مدت طولانی اقامتشان آگاهی دارند، و گویا قیامت وعده‌های خود را برای آنان تحقّق بخشیده است (۵۲۸۳۶– ۵۲۸۱۱)، آنان پرده‌ها را برای دنیا برداشته‌اند، می‌بینند آنچه را که مردم نمی‌نگرند، و می‌شنوند آنچه را که مردم نمی‌شنوند. (۵۲۸۵۳– ۵۲۸۳۷) اگر اهل ذکر را در اندیشه خود آوری و مقامات ستوده آنان و مجالس آشکارشان را بنگری، می‌بینی که آنان نامه‌های اعمال خود را گشوده، و برای حسابرسی آماده‌اند، که همه را جبران کنند، و در اندیشه‌اند، در کدام یک از اعمال کوچک و بزرگی که به آنان فرمان داده شده، کوتاهی کرده‌اند، یا چه اعمالی که از آن نهی شده بودند مرتکب گردیده‌اند (۵۲۸۸۵– ۵۲۸۵۴)، بار سنگین گناهان خویش را بر دوش نهاده، و در برداشتن آن ناتوان شدند، گریه در گلویشان شکسته، و با ناله و فریاد می‌گریند و با یکدیگر گفتگو دارند، در پیشگاه پروردگار خویش به پشیمانی اعتراف دارند. (۵۲۹۰۷– ۵۲۸۸۶) آنان نشانه‌های هدایت، و چراغ‌های روشنگر تاریکی‌ها می‌باشند، فرشتگان آنان را در میان گرفته، و آرامش بر آنها می‌بارند، درهای آسمان به روشنان گشوده، و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده‌اند، مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می‌نگرد، و از تلاش آنها خشنود، و منزلت آنها را می‌ستاید (۵۲۹۴۲– ۵۲۹۰۸)، دست به دعا برداشته، و آموزش الهی می‌طلبند. در گرو نیازمندی فضل خدا،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۵۷

و اسیران بزرگی اویند، غم و اندوه طولانی دل‌هایشان را مجروح، و گریه‌های بی‌ابی چشم‌هایشان را آزرده است. (۵۲۹۶۲– ۵۲۹۴۳) دست آنان به طرف تمام درهای امیدواری خدا دراز است، از کسی درخواست می‌کنند که بخشش او را کاستی، و درخواست کنندگان او را نومی‌دی نیست (۵۲۹۸۱– ۵۲۹۶۳)، پس اکنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند.

(۵۲۹۹۱–۵۲۹۸۲) (۱۲۲۳)

**ترجمه خطبه ۲۲۳**

**اشاره**

(به هنگام تلاوت آیه ۶ سوره انفطار، «ای انسان، چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است» فرمود) (۵۳۰۰۶–۵۲۹۹۲)

**ا هشدار از غرور زده‌گی‌ها**

برهان گناهکار، نادرست‌ترین برهان‌ها است، و عذرش از توجیه هر قرب خورده‌ای بی اساس‌تر، و خوشحالی او از عدم آگاهی است. (۵۳۰۱۷– ۵۳۰۰۷) انسان! چه چیز تو را بر گناه جرأت داده؟ و در برابر پروردگارت مغرور ساخته؟ و بر نابودی خود علاقه‌مند کرده است؟ (۵۳۰۳۳– ۵۳۰۱۸) آیا بیماری تو را درمان نیست؟ و خواب زدگی تو بیداری ندارد؟ چرا آنگونه که به دیگران رحم می‌کنی، به خود رحم نمی‌کنی؟ (۵۳۰۵۲– ۵۳۰۳۴) ۱۱۰ چه بسا کسی را در آفتاب سوزان می‌بینی بر او سایه می‌افکنی یا بیماری را می‌نگری که سخت ناتوان است، از روی دلسوزی بر او اشک می‌ریزی، ای‌ا چه چیز تو را بر بیماری خود بی تفاوت کرده؟ و بر مصیبت‌های خود شکمیا و از گریه بر حال خویشتن باز داشته است؟ در حالی که هیچ چیز برای تو عزیزتر از جانت نیست! (۵۳۰۸۷– ۵۳۰۵۳) چگونه ترس از فرود آمدن بلا، شب هنگام تو را بیدار نکرده است؟ که در گناه غوطه‌ور، و در پنجه قهر الهی مبتلا شده‌ای؟

**۲ چگونه بودن**

پس سستی دل را با استقامت درمان کن، و خواب زدگی چشمتان را با بیداری از میان بردار (۵۳۱۱۴– ۵۳۰۸۸)، و اطاعت خدا را بی‌پذیر، و با یاد خدا انس گیر، و یاد آز که تو از خدا روی گردانی و در همان لحظه او روی به تو دارد، و تو را به عفو خویش می‌خواند، و با کرم خویش می‌پوشاند! در حالی که تو از خدا بریده به غیر او توجه داری! (۵۳۱۴۱– ۵۳۱۱۵) پس چه نیرومند و بزرگوار است خدا! و چه ناتوان و بی مقداری توه که بر عصیان او جرأت داری، در حالی که تو را در پرتو نعمت خود قرار داده، و در سایه رحمت او آرمیده‌ای، نه بخشش خود را از تو گرفته،

(۱) این رهنمود امام (ع) ثابت می‌کند که انسان باید در پرتو وحی الهی و عمل به دستورات خداوند بزرگ به کمال واقعی برسد، پس خود اصالت ندارد که هر چه بخواهد انجام دهد، چون خود را نمی‌شناسد، و انسان موجودی ناشناخته است، نمی‌تواند برای خود دستور المعسل زندگی (کسائولوگ CATALOGUE (نویســـــــد، پس اومـــــــانيسم HUMANISM و اگر بیستانیالیسم EXISTENTIALISM نمی‌توانند صحیح باشد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۵۹

و نه پرده اسرار تو را دریده است. (۵۳۱۷۳– ۵۳۱۴۲) بلکه چشم بر هم زدنی، بی‌احسان خدا زنده نبودی در حالی که یا در نعمت‌های او غرق بودی، یا از گناهان تو برده پوشی شد، و یا بلا و مصیبتی را از تو دور ساخته است، پس چه فکر می‌کنی اگر او



#### ۲ عبرت گرفتن از دنیا

ای بندگان خدا! بدانید، شما و آنان که در این دنیا زندگی می‌کنید، بر همان راهی می‌روید که گذشتگان پیوندند! آنان زندگانی‌شان از شما طولانی‌تر، خانه‌های‌شان آبادتر، و آثارشان از شما بیشتر بود (۵۳۷۷۷–۵۳۷۹۹)، که ناگهان صداهایشان خاموش، و ورزش یادها در سرزمینشان ساکت، و اجسادشان پوسیده، و سرزمینشان خالی، و آثارشان ناپدید شد! (۵۳۷۹۲–۵۳۷۸۸) قصرهای بلند و محکم، و بساط عیش و بالش‌های نرم را به سنگ‌ها و آجرها، و قبرهای به هم چسبیده تبدیل کردند:

گورهایی که پای آن بر خرابی، و با خاک ساخته شده است، گورها به هم نزدیک اما ساکنان آنها از هم دور و غریبند (۵۳۸۱۱–۵۳۷۹۳)، و در ادای وحشتناک به ظاهر آرام آنرا گرفتارند، نه در جایی که وطن گرفتند. انس می‌گیرند، و نه با همسایگان ارتباطی دارند، در صورتی که با یکدیگر نزدیک، و در کنار هم جای دارند. (۵۳۸۴۶–۵۳۸۱۲) چگونه یکدیگر را دیدار کنند در حالی که فرسودگی آنها را در هم کویده، و سنگ و خاک آنان را در کام خود فرو برده است. (۵۳۸۶۱–۵۳۸۴۷) شما هم راهی را خواهید رفت که آنان رفته‌اند، و در گرو خانه‌هایی قرار خواهید گرفت که آنها قرار دارند، و گورها شما را به امانت خواهد پذیرفت (۵۳۸۷۷–۵۳۸۶۲)، پس چگونه خواهید بود که عمر شما به سر آید؟ و مردگان از قبرها برخیزید؟

«در آن هنگام که هر کس به اعمال از پیش فرستاده آزمایش می‌شود، و به سوی خدا که مولا و سرپرست آنهاست باز می‌گردد، و هر دروغی را که می‌بافتد برای آنان سودی نخواهد داشت.

(۵۳۹۰۴–۵۳۸۷۸)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۶۵

(۱۲۲۷)

#### ترجمه خطبه ۲۲۷

#### یکی از ده‌های امام علیه السلام

خدا یا! تو با دوستانت از همه انس گیرنده‌تری، و بر طرف کننده نیازهای توکل کننده‌گانی، بر اسرار پنهان‌شان آگاه، و به آنچه در دل دارند آشنایی، و از دیدگاه‌های آنان با خیر، و رازشان نژد تو آشکار، و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار است (۵۳۹۴۵–۵۳۹۰۵)، اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان می‌کند، اگر مصیبت‌ها بر آنان فرود آید، به تو پناه می‌برند، و روی به درگاه تو دارند، زیرا می‌دانند که سر رشته کارها به دست توست، و همه کارها از خواست تو نثأت می‌گیرد. (۵۳۹۶۸–۵۳۹۴۶) خدا یا! اگر برای خواستن درمانده شوم، یا راه پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما، و جانم را به آنچه مایه رسنگاری من است هدایت کن، که چنین کاری از راهنمایی‌های تو بی‌دور، و از کفایت‌های تو ناشناخته نیست. (۵۳۹۹۵–۵۳۹۶۹) خدا یا، مرا با بخشش خود پدیدر، و با عدل خویش، با من رفتار مکن!

(۵۴۰۰۴–۵۳۹۹۶) (۱۲۲۸)

#### ترجمه خطبه ۲۲۸

#### اشاره

(در تعریف سلمان فارسی که قبل از پیدایش فتنه‌ها درگذشت) «ا»

#### ویژگی‌های سلمان فارسی

خدا او را در آنچه آزمایش کرد پاداش خیر دهد، که کج‌ها را راست، و بیماری‌ها را درمان، و سَنَت پیامبر صَلَّى اللهُ علیه و آله و سَلَمَ را به یادداشت، و فتنه‌ها را پشت سر گذاشت (۵۴۰۲۸–۵۴۰۰۵)، با دامن پاک، و عیبی اندک، درگذشت، به نیکی‌های دنیا رسیده و از بدی‌های آن رهایی یافت، وظایف خود نسبت به پروردگارش را انجام داد، و چنانکه باید از کفر الهی می‌ترسید. (۵۴۰۴۵–۵۴۰۲۹) خود رفت و مردم را پراکنده بر جای گذاشت، که نه گمراه، راه خویش شناخت، و نه هدایت‌شده به یقین رسید.

(۵۴۰۵۹–۵۴۰۴۶) (۱۲۲۹)

#### ترجمه خطبه ۲۲۹

#### اشاره

(وصف روز بیعت مردم با امام علیه السلام که شبیه این خطبه در عبارات گذشته آمد) (۵۴۰۷۶–۵۴۰۶۰)

#### ویژگی‌های بیعت مردم با امام

دست مرا برای بیعت می‌گشودید و من می‌بستم، شما آن را به سوی خود می‌کشیدید و من آن را می‌گرفتم!

(۱) مرحوم شهرستانی نقل می‌کند که در نسخه خطّی سیّد رضی (ره) که دخترش خدمت عمومی بزرگوار، سیّد مرضی، آن را می‌آموخت، نام سلمان فارسی در ابتدای این خطبه نوشته شده بود. و همین درست است، زیرا با بررسی دیگر خطبه‌های نهج البلاغه، و شناخت تفکّرات امام علیه السلام و بررسی صحیح زندگانی یاران امام علیه السلام این حقیقت روشن می‌شود که شخص یاد شده باید سلمان فارسی یا مالک اشتر باشد و دیگر احتمالاتی که داده شده است با عصمت و اعتقادات امام علیه السلام سازگار نیست.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۶۷

سپس چنان شران تشنه که به طرف آبشخور هجوم می‌آوردند بر من هجوم آوردید (۵۴۰۹۳–۵۴۰۷۷)، تا آن که بند کتفم پاره شد، و عبا از دوشم افتاد، و افراد ناتوان باعمال گردیدند. آنچنان مردم در بیعت با من خشنود بودند که خردسالان شادمان، و پیران برای بیعت کردن، لوزان به راه افتادند، و بیماران بر دوش خویشان سوار، و دختران، جوان بی نقاب به صحنه آمدند (۵۴۱۲۵–۵۴۰۹۴) ۱۰.

(۱۲۳۰)

#### ترجمه خطبه ۲۳۰

#### ا برهیزکاری و عمل

همانا ترس از خدا کلید هر در بسته، و ذخیره رستخیزی، و عامل آزادیگی از هر گونه بردگی، و نجات از هر گونه هلاکت است. در پرتو برهیزکاری، تلاشگران پیروز، پرواکنندگان از گناه رستگار، و به هر آرزویی می‌توان رسید. (۵۴۱۶۰–۵۴۱۲۶) مردم! عمل کنید که عمل نیکو به سوی خدا بالا می‌رود، و توبه سودمند است، و دعا به اجابت می‌رسد، و آرامش برقرار، و قلم‌های فرشتگان در جریان است. (۵۴۱۷۸–۵۴۱۶۱) به سوی اعمال نیکو بنشانیید پیش از آن که عمرتان پایان پذیرد، یا بیماری مانع شود، و با تیر مرگ شما را هدف قرار دهد.

#### ۲ ضرورت یاد مری

مرگ ناپود کننده لذّت‌ها، تیره کننده خواهش‌های نفسانی، و دور کننده اهداف شماس‌ت، مرگ دیدار کننده‌ای دوست نداشتنی، هم‌اوردی شکست ناپذیر و کینه توزی است که بازخواست نمی‌شود (۵۴۲۱۰–۵۴۱۷۹)، دام‌های خود را هم اکنون بر دست و پای شما آورخته، و سختی‌هایش شما را فرا گرفته، و تیرهای خود را به سوی شما پرتاب کرده است. قهرش بزرگ، و دشمنی او پیایی و تیرش خطا نمی‌کند. (۵۴۲۳۱–۵۴۲۱۱) چه زود است که سایه‌های مرگ، و سَدَت دردهای آن، و تیرگی‌های لحظه جان‌کنند، و بی‌هوشی سکر‌ت مرگ، و ناراحتی و خارج شدن روح از بدن، و تاریکی چشم پوشیدن از دنیا، و تلفی خاطره‌ها، شما را فرا گیرد. (۵۴۲۵۴–۵۴۲۳۲) پس ممکن است ناگهان مرگ بر شما هجوم آورد، و گفتگو‌هایتان را خاموش، و جمعیت شما را پراکنده، و نشانه‌های شما را نابود، و خانه‌های شما را خالی، و میراث خواران شما را بر انگیزد تا لوث شما را تقسیم کنند، آنان با دوستان نزدیکند که به هنگام مرگ نغمی نمی‌رسانند، با نزدیکان غم زده‌ای که نمی‌توانند جلوی مرگ را بگیرند، یا سرزنش کنندگانی که گریه و زاری نمی‌کنند.

(۵۴۲۸۹–۵۴۲۵۵)

### ۳ سفارش به نیکوکاری

بر شما یاد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت و در دوران زندگی دنیا. (۵۴۳۰۴)–۵۴۲۹۰
دنیا شما را مفرور ننازد، چنانکه گذشتگان شما و امت‌های پیشین را در قرون سپری شده مفرور ساخت.

آنان که دنیا را دوشیدند، به غفلت زدگی در دنیا گرفتار آمدند، فرصت‌ها را از دست دادند،

(۱) اثبات: حکومت مردمی و دخالت مردم در حکومت و نفی حکومت: دسیپتسم (msitopEd) حکومت استبدادی البته مراد مردم مسلمانی می‌باشند که در پر تو وحی انتخاب می‌کنند، و نقد دمو کراسی (DEMOCRACY)حکومت اکثریت مردم)، زیرا رأی اکثریت مردم در پر تو وحی قانونی است.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۶۹

و تا زمانهای آن را فرسوده ساختند (۵۴۳۳۲–۵۴۳۰۵)، سرانجام خانه‌هایشان گورستان، و سرمایه‌هایشان ارث این و آن گردید، آنان که نزدیکشان را نمی‌شناسند، و به گریه کنندگان خود توجهی ندارند، و نه دعوتی را پاسخ می‌گویند. (۵۴۳۵۳–۵۴۳۳۳) مردم از دنیا حرام پرهیزند، که حيله‌گر و فریبنده و نیرنگ‌باز است، بخشنده‌ای باز پس گیرنده، و پوشنده‌ای برهنه کننده است، آسایش دنیا بی دوام، و سختی‌هایش بی پایان، و بلاهایش دائمی است.

(۵۴۳۷۴–۵۴۳۵۴)

### ۴ دنیا و زاهدان

زاهدان گروهی از مردم دنیابند که دنیا پرست نمی‌باشند، پس در دنیا زندگی می‌کنند اما آلودگی دنیا پرستان را ندارند، در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می‌کنند، و در ترک زشتی‌ها از همه پیشی می‌گیرند (۵۴۴۰۲–۵۴۳۷۵)، بدن‌هایشان به گونه‌ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرتند، اهل دنیا را می‌نگرند که مرگ بدن‌ها را بزرگ می‌شمارند، امّا آنها مرگ دل‌های زندگان را بزرگ‌تر می‌دانند.

(۵۴۴۲۲–۵۴۴۰۳) (۱۲۳۱)

### ترجمه خطبه ۲۳۱

### اشاره

(این سخنرانی در سرزمین «ذی قاره» ۱۱ هنگام حرکت به سوی بصره در سال ۳۶ هجری ایراد شد و وقعی آن را در کتاب «جمل» نقل کرد.) (۵۴۴۴۰–۵۴۴۲۳)

### ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آنچه را که به ابلاغ شد آشکار کرد، و پیام‌های پروردگارش را رساند. (۵۴۴۴۸–۵۴۴۴۱) او شکاف‌های اجتماعی را به وحدت اصلاح، و فاصله‌ها را به هم پیوند داد و پس از آن که آتش دشمنی‌ها و کینه‌های بر افروخته در دل‌ها راه یافته بود، میان خویشاوندان یگانگی بر قرار کرد.

(۵۴۶۷۳–۵۴۴۶۹) (۱۲۳۲)

### ترجمه خطبه ۲۳۲

### اشاره

(عبد الله بن زبعة «۲» از یاران امام بود و درخواست مالی داشت، در جوابش فرمود.) (۵۴۴۷۴–۵۴۵۰۰)

### احتیاط در مصرف بیت المال

این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن نوست، غنیمی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند، اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی، و گر نه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود.

(۵۴۵۰۱–۵۴۵۳۲)

(۱) ذی قار: نام سرزمینی است در نزدیکی شهر بصره، که جنگ اعراب و ایران پیش از اسلام در آن جا اتفاق افتاده است.
(۲) عبد الله ابن زبعة کسی است که پدر و عمو و برادرش در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند، جدّ او آسود، رسول خدا را فراوان آزار می‌داد، اما او از شیعیان امام علی علیه السّلام شد و فکر می‌کرد، در تقسیم بیت المال به او بیشتر توجه می‌شود.
اما پاسخ قاطع امام او را بیدار کرد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۴۷۱

(۱۲۳۳)

### ترجمه خطبه ۲۳۳

### اشاره

(هنگامی که «جعدة بن هبیره» خواهر زاده امام علیه السلام نتوانست در حضور آن حضرت سخن بگوید فرمود)

### ۱ فصاحت و بلاغت اهل بیت علیهم السلام

آگاه باشید، همانا زبان، پاره‌ای از وجود انسان است، اگر آمادگی نداشته باشد، سخن نمی‌گوید، و به هنگام آمادگی، گفتار او را مهلت نمی‌دهد (۵۴۵۷۲–۵۴۵۳۳)، همانا ما امیران سخن می‌باشیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده، و شاخه‌های آن بر ما سایه افکنده است. (۵۴۵۸۴–۵۴۵۷۳) «۱»

### ۲ اعلیٰ سوط جامعه انسانی

خدا شما را رحمت کند، بدانید که همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک، و زبان از راستگویی عاجز، و حق طلبان بی ارزشند (۵۴۶۰۶–۵۴۵۸۵)، مردم گرفتار گناه، و به سازشکاری همداستانند، جوانانشان بند اخلاق، و پیر مردانشان گنه کار، و عالیشان دور رو، و نزدیکانشان سود جوینده، نه خردسالانشان بزرگان را احترام می‌کنند و نه توانگرانشان دست مستمندان را می‌گیرند.

(۵۴۶۳۳–۵۴۶۰۷) (۱۲۳۴)

### ترجمه خطبه ۲۳۴

### اشاره

(دعلب یمانی از جمله احمد بن قتیبة، از عبد الله بن یزید، از مالک بن دحیه نقل کرد که در حضور امام از علّت تفاوت‌های میان مردم پرسیدند، امام فرمود) (۵۴۶۶۷–۵۴۶۳۴)

### علل تفاوت‌ها میان انسان‌ها

علّت تفاوت‌های میان مردم، گوناگونی سرشت آنان است، زیرا آدمیان در آغاز، ترکیبی از خاک شور و شیرین، سخت و نرم، بودند، پس آنان به میزان نزدیک بودن خاکشان با هم نزدیک، و به اندازه دوری آن از هم دور و متفاوتند (۵۴۶۹۸–۵۴۶۶۸) «۲». یکی زیبا روی و کم خرد، و دیگری بلند قامت و کم همت، یکی زشت روی و نیکوکار، دیگری کوتاه قامت «۳» و خوش فکر، یکی پاک سرشت و بد اخلاق، دیگری خوش قلب و آشفته عقل، و آن دیگری سخنوری دل آگاه است! (۵۴۷۳۲–۵۴۶۹۹) «۴» (۱۲۳۵)

### ترجمه خطبه ۲۳۵



#### اشاره

(به هنگام غسل دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود) (۵۴۷۴۷-۵۴۷۳۳)

#### در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۱) اشاره به علم: اوراشن(ORATION علم خطابه و سخنوری)

(۲) اشاره به علم: یوژنیکس(EUGENICS نژاد شناسی) و علم: اتنولوژی(ETHNOLOGY نژاد شناسی)

(۳) اشاره به علم: مورفولوژی(MORPHOLOGY شکل شناسی) و فیزیولوژی(PHYSIOGNOMY قیافه شناسی)

(۴) این خطبه بسیاری از مشکلات علمی نسبت به پیدایش زاده‌ها و تفاوت‌های روانی و جسمی انسانها را بر طرف می‌سازد، و شبهات مربوط به عدل الهی را پاسخ می‌دهد که تفاوتها، علل، و عوامل طبیعی داشته و به انتخاب و اختیار و نوع تغذیه و شرایط جغرافیایی محیط زیست ارتباط دارد.

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۷۳

پدر و مادرم فدای تو ای رسول خدا! یا مرگ تو رشته‌ای پاره شد که در مرگ دیگران اینگونه قطع نشد، یا مرگ تو ریشه پیامبری، و فرود آمدن پیام و اخبار آسمانی گسست.

مصیبت تو، دیگر مصیبت دیدگان را به شکیبایی واداشت (۵۴۷۷۵-۵۴۷۴۸)، و همه را در مصیبت تو یکسان عزادار کرد.

اگر به شکیبایی امر نمی‌کردی، و از بی‌تابی نهی نمی‌فرمودی، آشفند اشک می‌ریختم تا اشک‌هایم تمام شود، و این درد جانکاه همیشه در من می‌ماند، و اندوهم جاودانه می‌شد، که همه اینها در مصیبت تو ناچیز است! چه باید کرد که زندگی را دوباره نمی‌توان بازگرداند، و مرگ را نمی‌شود ماع شد (۵۴۸۱۶-۵۴۷۷۶)، پدر و مادرم فدای تو! ما را در پیشگاه پروردگارت یاد کن، و در خاطر خود نگهدار!

(۵۴۸۱۷-۵۴۸۱۷) (۱۲۳۶)

#### ترجمه خطبه ۲۳۶

#### اشاره

(از هجرت و پیوستن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن می‌گوید) (۵۴۸۴۵-۵۴۸۲۸)

#### یاد مشکلات هجرت

خود را در راهی قرار دادم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفته بود، و همه جا از او پرسیدم تا به سرزمین اعرج رسیدم (۵۴۸۵۷-۵۴۸۴۶)، ۱۰.

«این جملات در یک سخن طولانی آمده است، جمله

«فأظأ ذکروه»

(در همه جا از او می‌پرسیدم.) یکی از سخنانی است که در اوج فصاحت قرار دارد، یعنی خیر حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ابتداء حرکت تا پایان به من می‌رسید، که امام این معنا را با کنایه آورده است)

(۵۴۹۰۴-۵۴۸۵۸) (۱۲۳۷)

#### ترجمه خطبه ۲۳۷

#### سفرش به نیکوکاری

حالت که زنده و برقرارید، پس عمل نیکو انجام دهید، زیرا پرونده‌ها گشوده، راه توبه آماده، و خدا فراریان را فرامی‌خواند، و بدکاران امید بازگشت دارند.

عمل کنید، پیش از آن که چراغ عمل خاموش، و فرصت پایان یافته، و اجل فرارسیده، و در توبه بسته، و فرشتگان به آسمان پرواز کنند. (۵۴۹۴۸-۵۴۹۰۵) پس هر کسی با تلاش خود برای خود، از روزگار زندگانی برای ایام پس از مرگ، از دنیای فنا پذیر برای جهان پایدار، و از گذرگاه دنیا برای زندگی جاودانه آخرت، توشه بگیرد (۵۴۹۶۶-۵۴۹۴۹)، انسان باید از خدا برسد، زیرا تا لحظه مرگ فرصت داده شده، و مهلت عمل نیکو دارد. انسان باید نفس را مهار زند، و آن را در اختیار گرفته از طغیان و گناهان باز دارد، و زمام آن را به سوی اطاعت پروردگار بکشد.

(۵۴۹۹۶-۵۴۹۶۷)

(۱) عرج: یکی از منزلگاه‌های بین مکه و مدینه است، وقتی امام علیه السلام زنان و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با پای پیاده از مکه تا محله قبا در مدینه رساند. پاهای آن حضرت ورم کرد، و خونین شد. پیامبر در منزل «کلوم بن هدم» بودند، وقتی نگاهش به پاهای امام علی علیه السلام افتاد اشک در چشمان آن حضرت حلقه زد.

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۷۵

(۱۲۳۸)

#### ترجمه خطبه ۲۳۸

#### اشاره

(در باره دو داور عراق و شام و نکوهش کوفیان فرمود)

#### ا وصف نمایان

شامیان درشت خویانی پست، بردگانی فرو مایه‌اند که از هر گوشه‌ای گرد آمده، و از گروه‌های مختلفی ترکیب یافته‌اند (۱)، مردمی که سزاور بودند احکام دین را بیاموزند، و تربیت شوند، و دانش فراگیرند، و کار آرموده شوند، و سرپرست داشته باشند، و دستگیرشان کنند، و آنها را به کار مفید وادارند. (۵۵۰۳۹-۵۴۹۹۷) آنان نه از مهاجرانند و نه از انصار، و نه آنان که خانه و زندگی خود را برای مهاجران آماده کرده، و از جان و دل ایمان آورده‌اند.

(۵۵۰۵۲-۵۵۰۴۰)

#### ۲ نکوهش از انتخاب حکم

آگاه باشید که شامیان در انتخاب حکم، نزدیکترین فردی را که دوست داشتند برگزیدند، و شما فردی را که از همه به ناخشودی نزدیکتر بود انتخاب کردید، ۱۲، همانا سر و کار شما با عبد الله پسر قیس است که می‌گفت: «جنگ فتنه است بند کمان‌ها را بربید و شمشیرها را در نیام کنید» (۵۵۰۸۶-۵۵۰۵۳) اگر راست می‌گفت پس چرا بدون اجبار در جنگ شرکت کرده؟ و اگر دروغ می‌گفت پس مئثم است.

برای داوری عبد الله بن عباس را رو در روی عمرو عاص قرار دهید، و از فرصت مناسب استفاده کنید، و مرزهای دور دست کشور اسلامی را در دست خود نگه دارید (۵۵۱۱۹-۵۵۰۸۷)، آیا نمی‌بینید که شهرهای شما میدان نبرد شده؟ و خانه‌های شما هدف تیرهای دشمنان قرار گرفته است؟

(۵۵۱۲۹-۵۵۱۲۰) (۱۲۳۹)

#### ترجمه خطبه ۲۳۹

#### اشاره

(در این خطبه از جایگاه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن می‌گوید)

#### فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مایه حیات دانش، و نابودی جهل‌اند، بردباری‌شان شما را از دانش آنها خیر می‌دهد، و ظاهرشان از صفای باطن، و سکوتشان از حکومت‌های گفتارشان با خیر می‌سازد (۵۵۱۵۸-۵۵۱۳۰)، هرگز با حق مخالفت نکنند،

و در آن اختلاف ندارند.

آنان ستون‌های استوار اسلام، و پناهگاه مردم می‌باشند، حق به وسیله آنها به جایگاه خویش بازگشت، و باطل از جای خویش رانده و نابود، و زبان باطل از ریشه کنده شد. (۵۵۱۸۷–۵۵۱۸۹)
اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دین را چنانکه سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند، نه آنکه شنیدند و نقل کردند، زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ کنندگان و عمل کنندگان به آن اندکند.

(۵۵۲۰۵–۵۵۱۸۸)

(۱) طرفداران تفکر موبوکراسی MOBOCRACY که اعتقاد دارند حکومت باید در دست رنجاله‌ها و اوباش و مردم عوام باشد، که یکی از تعاریف دموکراسی هم همین است.

(۲) شامیان عمرو عاص، و کوفیان ابو موسی را انتخاب کردند، نام ابو موسی، عبد الله بن قیس است که در زمان عثمان والی کوفه گردید، و چون اسام او را عزل کرد کینه‌ای در دل گرفت، از منافقانی بود که پس از بیعت غدیر خم می‌خواستند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ترور کنند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۷۷

(۱۲۴۰)

#### ترجمه خطبه ۲۴۰

##### اشاره

(در سال ۳۵ هجری وقتی عثمان محاصره شد، ابن عباس را فرستاد که علی علیه السلام در مدینه نماند و به باغ‌ت باغ بیخ «مخلی در اطراف مدینه» برود، که مردم به نام او شعار ندهند، امام رفت. وقتی احتیاج شدید به یاری داشت پیغام داد و امام به مدینه برگشت. دوباره ابن عباس را فرستاد که علی علیه السلام از مدینه خارج شود (۵۵۲۴۳–۵۵۲۰۶، امام فرمود)

##### نکوهتی از موضع گیری‌های ناروای عثمان

ای پسر عباس! عثمان جز این نمی‌خواهد که مرا سرگردان نگاهدارد، گاهی بروم، و زمانی بر گردم، «۱» یک بار پیغام فرستاد از مدینه خارج شوم، دوباره خبر داد که باز گردم، هم اکنون تو را فرستاده که از شهر خارج شوم. (۵۵۲۷۷–۵۵۲۴۴)
به خدا سوگند، آفتقد از او دفاع کردم که ترسیدم گناهکار باشم!

(۵۵۲۸۷–۵۵۲۷۸) (۱۲۴۱)

#### ترجمه خطبه ۲۴۱

##### اشاره

(در این سخنرانی یاران را به جهاد تشویق می‌کند)

##### تشویق برای جهاد

خدا شکر گزاری را بر عهده شما نهاده، و امر حکومت را در دست شما گذارده، و فرصت مناسب در اختیاران قرار داده است تا برای جایزه بهشت با هم ستیز کنید.

پس کمربندها را محکم ببندید، و دامن همت بر کمر زبند (۵۵۳۱۸–۵۵۲۸۸)، که به دست آوردن ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسر نیست! چه بسا خواب‌های شب که تصمیم‌های روز را از بین برده «۲»، و تاریکی‌های فراموشی که هفتهای بلند را نابود کرده است.

(۵۵۳۳۳–۵۵۳۱۹)

(۱) بجمعی جملاً ناصحا (مرا چون شتر آبکش قرار داد) ضرب المثل است و پیامش همان است که در ترجمه آمد. دلو بزرگ چاه آب را با طنابی بر شتر می‌بستند، وقتی از چاه دور می‌شد دلو بالا کشیده شده زمین آبیاری می‌شد و چون به عقب بر می‌گشت و به چاه نزدیک می‌شد دلو آب به ته چاه می‌رسید.

(۲) اشاره به علم: هیپنولوژی HYPNOLOGY (خواب شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۷۹

نهج البلاغه

##### نامه‌ها

##### اشاره

نامه‌های امام به دشمنان نامه‌های امام به استانداران و کارگزاران کشور عهد و پیمانهای امام با فرمانداران سفارشات امام به خانواده و یاران

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، *نهج البلاغه / ترجمه دشتی*، ۱جلد، مشهور - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹.ش.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص ۴۸۱
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۸۱ (۲۰۰۱)

#### ترجمه نامه ۱

##### اشاره

(نامه به مردم کوفه به هنگام حرکت از مدینه به طرف بصره، در سال ۳۶ هجری این نامه را امام حسن علیه السلام و عتار یاسر به کوفه بردند)

##### اشارای سران ناکتن

از بنده خدا، علی امیر مؤمنان، به مردم کوفه، که در میان انصار پایه‌ای ارزشمند، و در عرب مقامی والا دارند (۵۵۴۱۸–۵۵۳۵۴)، پس از ستایش پروردگارا همانا شما را از کار عثمان چنان آگاهی دهم که شنیدن آن چونان دیدن باشد، مردم بر عثمان عیب گرفتند، و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشتم، و کمتر به سرزنش او زبان گشودم.

انما طلحه و زبیر، آسان‌ترین کارشان آن بود که پر او بپوش برنند، و او را برنجانند، و ناتوانش سازند (۵۵۴۵۵–۵۵۴۱۹).
عایشه نیز ناگهان بر او خشم گرفت، عذم‌ای به تنگ آمده او را کشتند، آنگاه مردم بدون اکراه و اجبار، با من بیعت کردند (۵۵۴۷۷–۵۵۴۵۶).

آگاه باشید! مدینه «۱» مردم را یک پارچه بیرون راند و مردم نیز برای سرکوبی آشوب از او فاصله گرفتند.

دیگر حوادث آشوب به جوش آمد و فتنه‌ها بر پایه‌های خود ایستاد.

پس به سوی فرمانده خود بشتابید، و در جهاد با دشمن بر یکدیگر پیشی بگیرید، به خواست خدای عزیز و بزرگ (۵۵۵۰۷–۵۵۴۷۸).

(۲۰۰۲)

#### ترجمه نامه ۲

##### اشاره

(نامه به مردم کوفه پس از پیروزی بر شورشیان بصره در ماه رجب سال ۳۶ هجری که کوفیان نقش تعیین کننده داشتند)

##### نسخه از مجاهدان از جنگ بر گشته

خداوند شما مردم کوفه را از سوی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاداش نیکو دهد، بهترین پاداشی که به بندگان فرمائید، و سیاسگزاران نعمتش عطا می‌فرماید، زیرا شما دعوت ما را شنیدید و اطاعت کردید، به جنگ فرا خوانده شدید و بسیج گشید (۵۵۵۴۴–۵۵۵۱۱).

(۲۰۰۳)

### ترجمه نامه ۳

#### اشاره

(به امام خیر دادند که شریح بن الحارث، قاضی امام (۵۵۵۶۳–۵۵۵۴۵) خانه‌ای به ۸۰ دینار خرید، او را حضار کرده فرمود)

#### ۱ برخورد فاطم‌ه با خبات کارگزاران

به من خیر دادند که خانه‌ای با هشتاد دینار خریدهای، و سندی برای آن نوشته‌ای، و گواهانی آن را امضا کرده‌اند.

(شریح گفت: آری ای امیر مؤمنان، ۱۲۰ امام علیه السلام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود) (۵۵۶۰۷–۵۵۵۶۴)

(۱) سرزمین هجرت دِارِ الهجرةٔ همان شهر مدینه است.

(۲) شریح بن حارث را عمر منصب قضاوت داد و حدود ۶۰ سال در مقام خود باقی ماند انا سه سال در دوران عبدالله بن زبیر از قضاوت کناره گرفت و در زمان حنیاج استعفا داد، در دوران حکومت امام علیه السّلام خلافتی مرتکب شد که او را به روستایی در اطراف مدینه تبعید کرد و دوباره به کوفه بازگرداند.

نهج البلاغهٔ / ترجمه دشتی، ص: ۴۸۳

ای شریح! به زودی کسی به سراغت می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند، و از گواهانت نمی‌پرسد، تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد (۵۵۶۳۱–۵۵۶۰۸).

ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای (۵۵۶۵۷–۵۵۶۳۲).

اما اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی، برای تو سندی می‌نوشتم که دیگر برای خرید آن به درمی یا بیشتر، رغبت نمی‌کردی، آن سند را چنین می‌نوشتم (۵۵۶۸۴–۵۵۶۵۸):

#### ۲ هشدار از بی‌اعتنایی دنیای حرام

این خانه‌ای است که بنده‌ای خوار آن را از مرده‌ای آماده کوچ خریده، خانه‌ای از سرای غرور، که در محلهٔ نابود شونده‌گان، و کوچه هلاک شدگان قرار دارد (۵۵۷۰۶–۵۵۶۸۵)، این خانه به چهار جهت منتهی می‌گردد:

یک سوی آن به آفت‌ها و بلاها، سوی دوّم آن به مصیبت‌ها، و سوی سوم به هوا و هوس‌های سست کننده، و سوی چهارم آن به شیطان گمراه کننده ختم می‌شود، و در خانه به روی شیطان گشوده است (۵۵۷۴۵–۵۵۷۰۷).

این خانه را فریب خورده آرزمند، از کسی که خود به زودی از جهان رخت برمی‌بندد، به مبلغی که او را از عزّت و قناعت خارج و به خواری و دنیا پرستی کشاند، خریداری کرده است.

هر گونه نقضی در این معامله باشد (۵۵۷۷۵–۵۵۷۴۶)، بر عهده پروردگاری است که اجساد پادشاهان را پوسانده، و جان جباران را گرفته، و سلطنت فرعون‌ها (۱) چون «کسری» و «قیصر» و «یحیی» و «حمیرا» را نابود کرده است.

#### ۳ عبرت از گذشتگان

آنان که مال فراوان گرد آورده بر آن افزونند، و آنان که قصرها ساخته، و محکم کاری کردند، طلاکاری کرده، و زینت دادند، فراوان اندوختند، و نگهداری کردند، و به گمان خود برای فرزندان خود باقی گذاشتند (۵۵۸۲۱–۵۵۷۷۶) همگی آنان به پای حسا‌پرستی الهی، و جایگاه پاداش و کثیر راننده می‌شوند، آنگاه که فرمان داوری و قضاوت نهایی صادر شود «پس نیکوکاران زیان خواهند دید، (۵۵۸۴۰–۵۵۸۲۲).

به این واقعت‌ها عقل گواهی می‌دهد هر گاه که از اسارت هوای نفس نجات یافته، و از دنیا پرستی به سلامت بگذرد (۵۵۸۵۴–۵۵۸۴۱).

(۱) فرعون، لقب پادشاهان مصر، و کسری، لقب پادشاهان ایران و قیصر، لقب امپراتوران روم، و یحیی، لقب فرمانگزاران یمن، و حمیره لقب پادشاهان جنوب عربستان پیش از اسلام بود.

نهج البلاغهٔ / ترجمه دشتی، ص: ۴۸۵

(۲۰۰۴)

### ترجمه نامه ۴

#### اشاره

(نامه به یکی از فرماندهان نظامی در سال ۳۶ هجری، برخی نوشتند به عثمان بن حنیف فرماندار بصره نوشته شد)

#### روش عزیمت نیروهای عمل کننده

اگر دشمنان اسلام به سایه اطاعت باز گردند پس همان است که دوست داریم، و اگر کارشان به جدایی و نافرمانی کشید با کسک فرمائیداردان با مخالفان نبرد کن، و از آنان که فرمان می‌برند برای سرکوب آنها که از باری تو سرباز می‌زنند مدد گیر (۵۵۸۹۴–۵۵۸۵۵)، زیرا آن کس که از جنگ کراهت دارد بهتر است که شرکت نداشته باشد، و شرکت نکردنش از باری دادن اجباری بهتر است (۵۵۹۰۵–۵۵۸۹۵).

(۲۰۰۵)

### ترجمه نامه ۵

#### اشاره

(نامه به اشعث ابن قیس فرماندار آذربایجان، این نامه پس از جنگ جمل در شعبان سال ۳۶ هجری در شهر کوفه نوشته شد)

#### هشدار از استفاده ناروای بیت المال

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی (۵۵۹۳۲–۵۵۹۰۶)، تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمتی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آبی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زاممدار نباشم، یا درود (۵۵۹۶۹–۵۵۹۳۳).

(۲۰۰۶)

### ترجمه نامه ۶

#### اشاره

(نامه امام علیه السلام به معاویه که پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری، توسط جریر بن عبد الله فرستاده شد)

#### علل مشروعیت حکومت امام علیه السلام

همانا کسانی با من بیعت کرده‌اند که با ابا بکر و عمر و عثمان، با همان شرایط بیعت کردند، ۱۱۰ پس آن که در بیعت حضور داشت نمی‌تواند خلیفه‌ای دیگر انتخاب کند، و آن کس که غایب بود نمی‌تواند بیعت مردم را نپذیرد (۵۶۰۰۱–۵۵۹۷۰).
همانا شورای مسلمین از آن مهاجرین و انصار است ۱۲۰، پس اگر بر امامت کسی گرد آمدند، و او را امام خود خواندند، خشنودی خدا هم در آن است (۵۶۰۱۸–۵۶۰۰۲)، حال اگر کسی کار آنان را نکوهش کند یا بدعتی پدید آورد، او را به جایگاه بیعت قانونی باز

می‌گردانند.

(۱) این سخن امام علیه التّیلام روش استدلال و مناظره بر اساس باورهای دشمن است؛ زیرا معاویه به ولایت و امامت امام علی علیه التّیلام و نصب الهی و ابلاغِ رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم اعتقاد ندارد و تنها در شعارهای خود، بیعت مردم و شورای مسلمین را مطرح می‌کند. امام در استدلال با معاویه ناچار معیارهای مورد قبول او را طرح می‌فرماید. که اگر بیعت را قبول داری مردم با من بیعت کردند و اگر شورا را قبول داری، شورای مهاجر و انصار مرا برگزیدند، دیگر چه بهانه‌ای می‌توانی داشته باشی؟! در صورتیکه امام علیه التّیلام باور و اعتقادات خود را نسبت به امامت و رهبری عزرت در خطبه ۲ و ۱ و ۱۴۴ و ۹۷ و ۱۲۰ و ۹۳ مشروحا بیان داشت.

(۲) نقد تفکّر پروپولیسم (POPULISM)مردم‌سالاری)، زیرا در اسلام هم مردم و رأی آسان مهمّ است و هم مردم در پرتو ملائکهای اسلامی، فردی را انتخاب می‌کنند، پس اصالت با معیارهای اسلامی است، نه اکثریت فقط.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۸۷

اگر سرباز زد یا او بیکار می‌کنند، زیرا که به راه مسلمانان در نیامده، خدا هم او را در گمراهی‌اش رها می‌کند (۵۶۰۴۴–۵۶۰۱۹)، به جانم سوگند! ای معاویه اگر دور از هوای نفس، به دیده عقل بنگری، خواهی دید که من نسبت به خون عثمان پاک‌ترین اقوام، و می‌دانی که من از آن ماجرا دور بوده‌ام، جز اینکه از راه خیانت مرا متهم کنی، و حق آشکاری را بیوشانی. یا درود (۵۶۰۷۵–۵۶۰۴۵).

(۲۰۰۷)

#### ترجمه نامه ۷

##### اشاره

(یکی از پاسخهای امام در اواخر جنگ صفّین در سال ۳۸ هجری به نامه معاویه است) نامه‌ای دیگر به معاویه

##### افشای چهره فتنای معاویه و مشروعتت بیعت

پس از نام خدا و درود! نامه پند آمیز تو به دستم رسید که دارای جملات به هم پیوسته، و زینت داده شده بود که با گمراهی خود آن را آراسته، و با بد اندیشی خاص خود آن را امضاء کرده بودی (۵۶۰۹۸–۵۶۰۷۶)، نامه مردی که نه خود آگاهی لازم دارد تا رهنمودش باشد، و نه رهبری دارد که هدایتش کند، تنها دعوت هوسهای خویش را پاسخ گفته، و گمراهی‌های عیان او را گرفته و او اطاعت می‌کند، که سخن بی ربط می‌گوید و در گمراهی سرگردان است (۵۶۱۲۲–۵۶۰۹۹). (از همین نامه است) همانا بیعت برای امام یک بار پیش نیست، و تجدید نظر در آن بیشتر نخواهد بود، و کسی اختیار از سر گرفتن آن را ندارد! آن کس که از این بیعت عمومی سر باز زند، طعنه زن، و عیب جو خوانده می‌شود، و آن کس که نسبت به آن دل باشد منافق است (۵۶۱۲۳–۵۶۱۲۳).

(۲۰۰۷)

#### ترجمه نامه ۸

##### اشاره

(نامه به جریر بن عبد الله بجلي، فرستاده امام به سوی معاویه در سال ۳۶ هجری) (۵۶۰۹۸–۵۶۰۷۶)

##### واحد ساختن معاویه به بیعت

پس از نام خدا و درود! هنگامی که نامه‌ام به دستت رسید، معاویه را به یکسره کردن کار وادار کن، و با او برخوردی قاطع داشته باش (۵۶۱۲۲–۵۶۰۹۹). سپس او را آزاد بگذار: در پذیرفتن جنگی که مردم را از خانه‌ها بیرون می‌برد، یا تسلیم شدنی خواری کنندی، پس اگر جنگ را برگزید، امان نامه او را بر زمین کوب، و اگر صلح خواست از او بیعت بگیر، یا درود (۵۶۱۲۳–۵۶۱۲۳).

(۲۰۰۹)

#### ترجمه نامه ۹

##### اشاره

(نامه به معاویه در سال ۳۶ هجری که شخصی به نام ابو مسلم آن را برد)

##### ۱ افشای دشمنی‌های قریش و استقامت پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم

خویشاوندان ما از قریش می‌خواستند پیامبران صلیّ الله علیه و آله و سلّم را بکشند، « ۱» و ریشه ما را در آورند و در این راه اندیشه‌ها از سرگذرانند، و هر چه خواستند نسبت به ما انجام دادند،

(۱) در لیلة المیبت، چهل نفر از قبائل گوناگون، قصد جان پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم را داشتند که امام علی علیه التّیلام به جای آن حضرت خوابید و پیامبر هجرت کرد. که آیه ۲۰۰۷ بقره: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَبْغِي نَفْسَهُ اِنْفِاءً مَّزْجِبَاتِ اللّٰهِ و** از مردم کسانی هستند که جان خود را برای کسب خشنودی خدا با او معامله می‌کنند، در باره امام علی علیه التّیلام نازل شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۸۹

و زندگی خوش را از ما سلب کردند، و با ترس و وحشت به هم آمیختند، و ما را به پیمودن کوه‌های صعب العور مجبور کردند، « ۱» و برای ما آتش جنگ افروختند (۵۶۲۳۰–۵۶۱۹۳)، اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم، و شر آنان را از حریم دین باز داریم (۵۶۲۴۲–۵۶۲۳۱). مؤمن ما در این راه خواستار پاداش بود، و کافر ما از خویشاوندان خود دفاع کرد، دیگر افراد قریش که ایمان می‌آوردند و از تبار ما نبودند، هر گاه آتش جنگ زبانه می‌کشید، و دشمنان هجوم می‌آوردند یا به وسیله هم پیمانهایشان یا با نیروی قوم و قبیله‌شان حمایت می‌شدند در امان بودند (۵۶۲۷۱–۵۶۲۴۳). پیامبر اسلام صلیّ الله علیه و آله و سلّم اهل بیت خود را پیش می‌فرستاد تا به وسیله آنها، اصحابش را از سوزش شمشیرها و نیزه‌ها حفظ فرماید (۵۶۲۹۲–۵۶۲۷۲)، چنانکه عبیده بن حارث در جنگ بدر، و حمزه در احد، و جعفر در موته، « ۲» شهید شدند. « ۳» کسانی هم بودند که اگر می‌خواستند نامشان را می‌آورد، آنان دوست داشتند چون شهیدان اسلام، شهید گردند، اما مقدر چنین بود که زنده بمانند، و مرگشان به تأخیر افتاد (۵۶۳۲۷–۵۶۲۹۳).

شگفتا از روزگارا! که مرا همسنگ کسی قرار داده که چون من پیش قدم نبوده، و مانند من سابقه در اسلام و هجرت نداشته است، کسی را سراغ ندارم چنین ادعایی کند، مگر ادعا کنند‌های که نه من او را می‌شناسم و نه فکر می‌کنم خدا، او را بشناسد! در هر حال خدا را سپاسگزارم (۵۶۳۶۶–۵۶۳۲۸).

##### ۲ افشای ادعای دروغین معاویه در خونخواهی عثمان

اینکه از من خواستی تا قاتلان عثمان را به تو بسپارم، پیرامون آن فکر کردم و دیدم که توان سپردن آنها را تو به غیر تو ندارم (۵۶۳۸۸–۵۶۳۶۷). « ۴» سوگند به جان خودم! اگر دست از گمراهی و تفرقه بر ننداری، به زودی آنها را خواهی یافت که تو را می‌طلبند، بی آن که تو را فرصت دهند تا در خشکی و دریا و کوه و صحرا، زحمت پیدا کردنتان را بر خود هموار کنی. و اگر در جستجوی آنان بر آبی بدان که شادمان نخواهی شد، و ملاقات با آنان تو را خوشحال نخواهد کرد، و درود بر اهل آن (۵۶۴۱۹–۵۶۳۹۰).

(۲۰۱۰)

#### ترجمه نامه ۱۰

##### اشاره

(نامه دیگری به معاویه در سرزمین صفّین در سال ۳۶ هجری پیش از آغاز نبرد)

##### ۱ افشای چهره معاویه

چه خواهی کرد، آنگاه که جامه‌های رنگین تو کنار رود، جامه‌هایی که به زیباییهای دنیا زینت شده است؟ دنیا تو را با خوشی‌های

خود فریب داده، تو را به سوی خود خواند،

(۱) پیامبر و مسلمانان را با زن و فرزندانشان در دژهای سوزان و بی آب و علف به نام شعب اِبی طالب، سه سال زندانی و محاصره کردند. تا آنکه جبرئیل خیر داد که پیمان نامه قریش را موربانه خورده و آثری جز کلمه «بِسْمِکَ اللَّهُمَّ» از آن وجود ندارد، و زجر و شکنجه مسلمانان و فریاد کودکان و ناله گرسنگان، اهل مکه را به شدت ناراحت کرد، و محاصره شکسته شد، اما بسیاری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه در این محاصره وفات کردند.

(۲) مونه، سرزمینی در جنوب شرقی بحر المِیت کشور اردن امروز است که در سال هشتم هجری بین مسلمانان و روم جنگی در گرفت و حضرت جعفر به شهادت رسید.

(۳) عَیْبِدَةُ بن حارث پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، و حمزه عموی پیامبر در احد، و جعفر پسر عموی پیامبر در جنگ مونه به شهادت رسیدند.

(۴) روزی امام علیه السّلام بر بالای منبر فرمود: کشتندگان عثمان از جای برخیزند. بیش از ده هزار نفر از مهاجر و انصار به پا خاستند!.

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۹۱**

و تو به دعوت آن پاسخ دادی، فرمانت داد و اطاعت کردی (۵۶۴۳- -۵۶۴۳). همانا به زودی تو را وارد میدان خطرناکی می کند که هیچ سیر نگهدارنده‌ای نجات نمی‌دهد.

ای معاویه از این کار دست بکش، و آماده حساب باش، و آماده حوادثی باش که به سراغ تو می‌آید. به گمراهان فرو مایه، گوش مسپار! اگر چنین نکنی به تو اعلام می‌دارم که در غفلت زدگی قرار گرفته‌ای (۵۶۰۵- -۵۶۴۴)، همانا تو ناز پرورده‌ای هستی که شیطان بر تو حکومت می‌کند، و با تو به آرزوهایش می‌رسد، و چون روح و خون در سراسر وجودت جریان دارد (۵۶۵۲۱- -۵۶۵۰۶).

معاویه! از چه زمانی شما زمامداران امت و فرماندهان ملت بودید؟ نه سابقه درخشانی در دین، و نه شرافت ولایی در خانواده دارید. (۵۶۵۳۹- -۵۶۵۲۲). پناه به خدا می‌برم از گرفتار شدن به دشمنی‌های ریشه‌دار! تو را می‌ترسانم از اینکه به دنبال آرزوها تلاش کنی، و آشکار و نهانت یکسان نباشد (۵۶۵۵۸- -۵۶۵۴۰).

#### ۲ پاسخ به تهدید نظامی

معاویه! مرا به جنگ خوانده‌ای، اگر راست می‌گویی مردم را بگذار و به جنگ من بیا، و دو لشکر را از کشتار باز دار، تا بدانی پرده تاریخ بر دل کدام یک از ما کشیده، و دیده چه کس پوشیده است؟ (۵۶۵۸۳- -۵۶۵۵۹) من ابو الحسن، کشته جدّ و دایی و برادر تو در روز نبرد بدر، ۱۱ می‌باشم که سر آنان را شکافتم، امروز همان شمشیر با من است، و با همان قلب با دشمنانم ملاقات می‌کنم، نه بدعتی در دین گذاشته، و نه پیامبر جدیدی برگزیده‌ام، من بر همان راه راست الهی قرار دارم که شما با اختیار رهایش کرده، و با اکره پذیرفته بودید (۵۶۶۲۲- -۵۶۵۸۴)!

#### ۳ پاسخ به خونخواهی دروغین معاویه

خیال کردی به خونخواهی عثمان آمده‌ای؟ در حالی که می‌دانی خون او به دست چه کسانی ریخته شده است.

اگر راست می‌گویی از آنها مطالبه کن (۵۶۶۲۲- -۵۶۶۲۳)! همانا من تو را در جنگ می‌نگرم که جوانان شران زیر بار سنگین مانده، فریاد و ناله سر می‌دهی، و می‌بینم که لشکریات با بی صبوری از ضربات پیاپی شمشیرها، و بلاهای سخت، و بر خاک افتادن مداوم تن‌ها، مرا به کتاب خدا می‌خواند در حالی که لشکریان تو، کافر و بیعت کنندگان پیمان شکنند. (۵۶۶۷۸- -۵۶۶۴۳) (۲۰۱۱)

#### توجه نامه ۱۱

#### اشاره

(دستور العمل امام به لشکری که آن را به فرماندهی زیاد بن نضر حارثی، و شریح بن هانی به سوی شام و معاویه فرستاد)

#### آموزش نظامی به لشکریان

هر گاه به دشمن رسیدند، یا او به شما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها، یا دامنه کوه‌ها،

(۱) جدّ معاویه، عتیبه بن ربیعمه، و دایی او، ولید بن عتبّه، و برادر او، حنظله بن ابی سفیان، در آغاز نبرد در بدر به میدان آمدند، علی علیه السّلام در برابر دایی معاویه، اولید، قرار گرفت و کار او را ساخت سپس به کمک «عیبه» رفت که با عتیبه جدّ معاویه سخت درگیر بود او را نیز از پای در آورد و در ادامه نبرد برادر معاویه را کشت.

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۹۳**

یا بین رودخانه‌ها قرار دهید، تا پناهگاه شما، و مانع هجوم دشمن باشد (۵۶۷۱۳- -۵۶۶۷۹)، جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز کنید، و در بالای قلّه‌ها، و فراز تپه‌ها، دیده‌بانهایی بگمارید، مبادا دشمن از جایی که می‌ترسید یا از سویی که بیم ندارید، ناگهان بر شما یورش آورد! و بدانید که پیشاهنگان سپاه دیدبان لشکریانند، و دیده‌بانان طلایه داران سپاهند (۵۶۷۴۹- -۵۶۷۱۴).

از پراکندگی بپرهیزید، هر جا فرود می‌آیید، با هم فرود نیایید، و هر گاه کوچ می‌کنید همه با هم کوچ کنید، و چون تاربینی شب شما را پوشانند، نیزه داران را پیرامون لشکر بگمارید، و نخواستید مگر اندک، چونان آب در دهان چرخاندن و بیرون ریختن (۵۶۷۷۷- -۵۶۷۵۰).

(۲۰۱۲)

#### توجه نامه ۱۲

#### اشاره

(دستور العمل نظامی، به معقل بن قیس ریاحی، که با سه هزار سرباز به عنوان پیشاهنگان سپاه امام به سوی شام حرکت کردند، معقل از بزرگان و شجاعان بنام کوفه بود) (۵۶۷۹۷- -۵۶۷۷۸)

#### احتیاطهای نظامی نسبت به سربازان پیش ناز

از خدایی بترس که ناچار او را ملاقات خواهی کرد، و سر انجामी جز حاضر شدن در پیشگاه او را نداری جز با کسی که با تو بیکار کند، بیکار نکن، در خنکی صبح و عصر، ۱۱ سپاه را حرکت ده، در هوای گرم لشکر را استراحت ده، و در پیمودن راه شتاب مکن. در آغاز شب حرکت نکن زیرا خداوند شب را وسیله آرامش قرار داده، و آن را برای اقامت کردن، نه کوچ کردن، تعیین فرموده است.

پس آسوده باش، و مرکب‌ها را آسوده بگذار، آنگاه که سحر آمد و سپیده صبحگاهان آشکار شد، در پناه برکت پروردگار حرکت (۵۶۸۹۹- -۵۶۷۹۸). هر جا دشمن را مشاهده کردی در میان لشکرت بایست، نه چنان به دشمن نزدیک شو که چونان جنگ افزوزان باشی، و نه آنقدر دور باش که پندارند از نبرد می‌هراسی، تا فرمان من به تو رسد (۵۶۸۸۸- -۵۶۸۶۰)، مبادا کینه آنان پیش از آن که آنان را به راه هدایت فراخوانی، و درهای عذر را بر آنان ببندید شما را به جنگ و دارد (۵۶۸۹۹- -۵۶۸۸۸).

(۲۰۱۳)

#### توجه نامه ۱۳

#### اشاره

(دستور العمل امام به دو تن از امیران لشکر، زیاد بن نضر و شریح بن هانی) «۲»

#### رعایت سلسله مراتب فرماندهی

من «مالک اشتر پسر حارث» را بر شما و سپاهبانی که تحت امر شما هستند، فرماندهی دادم. گفته او را بشنوید، و از فرمان او اطاعت کنید، او را چونان زره و سپر نگهدار خود برگزینید (۵۶۹۳۱- -۵۶۹۰۰)، زیرا که مالک، نه سستی به خرج داده و نه دچار لغزش می‌شود. نه در آنجایی که شتاب لازم است کندنی دارد، و نه آنجا که کندنی پسندیده است شتاب می‌گیرد (۵۶۹۵۴- -۵۶۹۳۲).

(۱) پردین: دو سرما یعنی خنکی صبح و عصر

(۲) در یکی از مآثورهای نظامی، وقتی میان دو تن از فرماندهان زیاد و سریع، اختلاف بالا گرفت امیر المؤمنین علیه السّلام مالک اشتر را به سمت فرماندهی کل برگزیده به سوی آنان فرستاد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۹۵  
(۲۰۱۴)

#### ترجمه نامه ۱۴

##### اشاره

(دستور امام پیش از رویارویی با دشمن در صفّین)

##### رعایت اصول انسانی در جنگ

با دشمن جنگ را آغاز نکند تا آنها شروع کنند، زیرا بجمد الله حیّت با شماسّت، و آغازگر جنگ نبودنات، تا آن که دشمن به جنگ روی آورد، حیّت دیگر بر حقّانیت شما خواهد بود (۵۶۹۸۲-۵۶۹۵۵). اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید، و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید، و مجروحان را به قتل نرسانید.

زنان را یا آزار دادن تحریک نکند هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند، که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند (۵۶۹۸۳-۵۷۰۱۸)، در روزگاری که زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم و در جاهلیّت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی، به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندانش را سرزنش می‌کردند (۵۷۰۴۳-۵۷۰۱۹).

(۲۰۱۵)

#### ترجمه نامه ۱۵

##### اشاره

(دعای امام در میدان جنگ)

##### نیایش در جنگ

خدایا! طلب‌ها به سوی تو روان شده، و گردن‌ها به درگاه تو کشیده، و دیده‌ها به آستان تو نگران، و گام‌ها در راه تو در حرکت، و بدن‌ها در خدمت تو لاغر شده است (۵۷۰۷۱-۵۷۰۴۴)، خدایا دشمنی‌های پنهان آشکار، و دیگهای کینه در جوش است (۵۷۰۸۰-۵۷۰۷۲)، خدایا به تو شکایت می‌کنیم از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم در میان ما نیست، و دشمنان ما فراوان، و خواسته‌های ما پراکنده است.

«پروردگارا! بین ما و دشمنانمان به حق داوری فرما که تو از بهترین داورانی»

(۵۷۱۰۳-۵۷۰۸۱) (۲۰۱۶)

#### ترجمه نامه ۱۶

##### اشاره

(دستور العمل امام به هنگام آغاز جنگ در سال ۳۷ هجری در میدان صفّین)

##### آموزش تاکتیک‌های نظامی

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۹۷

عقب نشینی‌هایی که مقدّمه هجوم دیگری است، و ایستادنی که حمله در پی دارد نگرانان سازد (۵۷۱۲۱-۵۷۱۰۴)، حق شمشیرها را اداه کنید، و پشت دشمن را به خاک بمالید، و برای فرو کردن نیزه‌ها، و محکم‌ترین ضربه‌های شمشیر، خود را آماده کنید، صدای خود را در سینه‌ها نگهدارید که در زدودن سستی نقش بسزایی دارد (۵۷۱۴۴-۵۷۱۲۲).

به خدایی که دانه را شکافت، و پدیده‌ها را آفرید، آنها اسلام را نپذیرفتند، بلکه به ظاهر تسلیم شدند، و کفر خود را پنهان داشتند و آنگاه که یاورانی یافتند آن را آشکار ساختند (۵۷۱۴۴-۵۷۱۴۵).

(۲۰۱۷)

#### ترجمه نامه ۱۷

##### اشاره

(نامه‌ای در جواب نامه معاویه در صحرای صفین ماه صفر سال ۳۷ هجری)

##### ۱ افشای چهره بنی امیه و فضائل اهل بیت علیهم السلام

معاویه! اینکه خواستی شام را به تو واگذارم، همانا من چیزی را که دیروز از تو باز داشتم، امروز به تو نخواهم بخشید (۵۷۱۸۹-۵۷۱۶۵)، و اما در مورد سخن تو که «جنگ، عرب را جز اندکی، به کام خویش فرو برده است، آگاه باش، آن کس که بر حق بود، جایگاهش بهشت، و آن که بر راه باطل بود در آتش است (۵۷۱۲۴-۵۷۱۹۰). ایما اینکه ادعای تساوی در جنگ و نفرت جهادگر را کرده‌ای، بدان، که رشد تو در شک به درجه کمال من در یقین نرسیده است، و اهل شام بر دنیا حرصی‌تر از اهل عراق به آخرت نیستند (۵۷۲۴۰-۵۷۲۱۵).

##### ۲ فضائل عزرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم

و اینکه ادعا کردی ما همه فرزندان «عبد مناف» هستیم، آری چنین است، اما جدّ شما «امیه» چونان جدّ ما «هاشم» و «حرب» همانند «عبد المطلب»، و «ابو سفیان» مانند «ابو طالب» نخواهند بود، هرگز ارزش مهاجران چون اسیران آزاد شده نیست، و «حلال زاده همانند حرام زاده نمی‌باشد، و آن که بر حق است با آن که بر باطل است را نمی‌توان مقایسه کرد، و مؤمن چون مفسد نخواهد بود (۵۷۲۸۱-۵۷۲۴۱)، و چه زشتند آنان که بدران گذشته خود را در ورود به آتش پیروی کنند (۵۷۲۹۱-۵۷۲۸۲).

از همه که بگذریم، فضیلت نبوت در اختیار ماست که با آن عزیزان را ذلیل، و خوار شدگان را بزرگ کردیم (۵۷۳۰۵-۵۷۲۹۲)، و آنگاه که خداوند است عرب را فوج فوج به دین اسلام در آورد، و این اقت برابر دین اسلام یا از روی اختیار یا اجبار تسلیم شد، شما خاندان ابو سفیان، یا برای دنیا و یا از روی ترس در دین اسلام وارد شدید، و این هنگامی بود که نخستین اسلام آوردندگان بر همه پیشی گرفتند، و مهاجران نخستین ارزش خود را باز یافتند (۵۷۳۴۲-۵۷۳۰۶)، پس ای معاویه شیطان را از خویش بره‌مهند، و او را بر جان خویش راه مده. با درود (۵۷۳۵۴-۵۷۳۴۳).

(۱) در ادامه تیرد صفّین که شامیان خسته و متزلزل شدند و آثار شکست در آنها آشکار شد، معاویه با عمرو عاص مشورت کرد و گفت حال که همه چیز دارد از دست ما می‌رود، پس نامه‌ای به علی بنویسیم و از او بخواهیم که حکومت شام را به ما واگذارد و خود امام جامعه اسلامی باشد. عمرو عاص گفت علی نمی‌پذیرد اما نوشتن نامه و طرح این تقاضا مأمی ندارد. پس از رسیدن این تقاضا نامه به دست امام علیه السلام، نامه ۱۷ را در پاسخ معاویه نوشت: (کتاب وقعه صفّین ص ۴۶۸)

(۲) در سال هشتم که مکّه فتح گردید، رسول خدا همه آنانکه با او جنگیدند را آزاد کرد و فرمود بروید همه شما را آزاد کردم از آن پس خاندان ابو سفیان را «ابناء الطّلقاء» نامیدند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۴۹۹

(۲۰۱۸)

#### ترجمه نامه ۱۸

##### اشاره

(نامه به فرماندار بصره عبد الله بن عباس در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل) (۵۷۳۶۹-۵۷۳۵۵)

**روش برخورد با مردم؛ (اخلاق اجتماعی)**

بدان، که بصره امروز جایگاه شیطان، و کشتزار فتنه‌هاست. با مردم آن به نیکی رفتار کن، و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای (۵۷۳۸۸-۵۷۳۷۰). بد رفتاری تو را با قبیله «بنی تمیم» و خشونت با آنها را به من گزارش دادند، همانا «بنی تمیم» مردانی نیرومندند که هر گاه دل‌آوری از آنها غروب کرد، سلحشور دیگری جای آن درخشید، و در نبرد، در جاهلیت و اسلام، کسی از آنها پیشی نگرفت (۵۷۴۱۹-۵۷۳۸۹)، و همانا آنها با ما پیوند خویشاوندی، و قرابت و نزدیکی دارند، که صلح و پیوند با آنان پاداش، و گسستن پیوند با آنان کفر الهی دارد (۵۷۴۳۶-۵۷۴۲۰)، پس مدارا کن ای ابو العباس! امید است آنچه از دست و زبان تو از خوب و یا بد، جاری می‌شود، خدا تو را بیامرزد، چرا که من و تو در اینگونه از رفتارها شریکیم. سعی کن تا خوش بینی من نسبت به شما استوار باشد، و نظرم دگرگون نشود، با درود (۵۷۴۶۸-۵۷۴۳۷) (۲۰۱۹)

**ترجمه نامه ۱۹**

(نامه به یکی از فرمانداران به نام عمر بن ابی سلمه ارحبی که در فارس ایران حکومت می‌کرد)

**اهلشدار** از بد رفتاری با مردم

پس از نام خدا و درود. همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من در باره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکند، و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بد رفتاری هستند، زیرا که با ما هم پیمانند (۵۷۵۰۶-۵۷۴۶۹)، پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن (۵۷۵۳۶-۵۷۵۰۷) (۲۰۲۰)

**ترجمه نامه ۲۰**

**اشاره**

(نامه به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره. ابن عباس از طرف امام فرماندار بصره بود و بر حکومت اهواز و فارس و کرمان و دیگر نواحی ایران نظارت داشت) (۵۷۵۷۲-۵۷۵۳۷)

**هشدار از خیانت به بیت المال**

همانا من، پرستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی،

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۰۱

کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی! با درود (۵۷۶۰۳-۵۷۵۷۳) (۲۰۲۱)

**ترجمه نامه ۲۱**

**اشاره**

(نامه دیگری به زیاد در سال ۳۶ هجری)

**سفارش به میانه روی**

ای زیاد، از اسراف بپرهیز، و میانه روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست (۵۷۶۳۰-۵۷۶۰۴). آیا امید داری خداوند پاداش فروتنان را به تو بدهد در حالی که از متکبران باشی؟ و آیا طمع داری ثواب انفاق کنندگان را دریابی در حالی که در ناز و نعمت قرار داری؟ و نهیستان و بیهوشان را از آن نعمت‌ها محروم می‌کنی؟ (۵۷۶۵۸-۵۷۶۳۱) همانا انسان به آنچه پیش فرستاده، و نزد خدا ذخیره ساخته، پاداش داده خواهد شد. با درود (۵۷۶۷۱-۵۷۶۵۹) (۲۰۲۲)

**ترجمه نامه ۲۲**

**اشاره**

(نامه به ابن عباس فرماندار بصره در سال ۳۶ هجری که گفت پس از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ سخنی را همانند این نامه سوئمنند نیافتم) (۵۷۷۰۴-۵۷۶۷۲)

**سفارش به آخرت گرایی**

پس از یاد خدا و درود! همانا انسان گاهی خشنود می‌شود به چیزی که هرگز از دستش نمی‌رود، و ناراحت می‌شود برای از دست دادن چیزی که هرگز به آن نخواهد رسید. ابن عباس! خوشحالی تو از چیزی باشد که در آخرت برای تو مفید است، و اندوه تو برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد (۵۷۷۳۵-۵۷۷۰۵)، آنچه از دنیا به دست می‌آوری تو را خوشنود نسازد، آنچه در دنیا از دست می‌دهی زاری کنان تأشّف مغفور، و همت خویش را به دنیا پس از مرگ واگذار (۵۷۷۵۸-۵۷۷۳۶) (۲۰۲۳)

**ترجمه نامه ۲۳**

**اشاره**

(وصیت امام علیه السلام در لحظه‌های شهادت در ماه رمضان سال ۴۰ هجری)

**پندهای جاودانه**

سفارش من به شما، آن که به خدا شرک نوززید، و سنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نپایه نیکبند. ۱۱

(۱) امام علی علیه السلام شخصی به نام اسعد را برای جمع آوری بیت المال و مالیات، نزد زیاد بن ابیه به بصره فرستاد. زیاد به جای پرداخت امانت‌ها با فرستاده امام به اختلاف و نزاع پرداخت، فرستاده امام به کوفه مراجعت کرد و شکایتی بر ضد زیاد نوشت و به امام تسلیم داشت که آن حضرت نامه ۲۱ را نوشت.

نهیج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۰۳

این دو ستون دین را بر پا دارید، و این دو چراغ را روشن نگهدارید، آنگاه سزاوار هیچ سرزنشی نخواهید بود (۵۷۷۹۷-۵۷۷۵۸). من دیروز همراهان بوم و امروز مایه عبرت شما می‌باشم، و فردا از شما جدا می‌گردم، اگر مانندم خود اختیار خون خویش را دارم، و اگر بپیرم، مرگ وعده‌گاه من است، اگر غفور کنم، برای من نزدیک شدن به خدا، و برای شما نیکی و حسنه است، پس غفور باشید.

«آیا دوست ندارید خدا شما را بیامرزد؟» (۵۷۸۳۵-۵۷۷۹۸) به خدا سوگند! همراه مرگ چیزی به من روی نیاورده که از آن خشنود نیاشم، و نشانه‌های آن را زشت بدانم، بلکه من چنان جوینده آب در شب که ناگهان آن را بیابد، یا کسی که گمشده خود را پیدا کند، از مرگ غرسندم که: «و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است»

(۵۷۸۶۲-۵۷۸۳۶) می‌گویم: (شبه این کلمات در خطبه‌ها گذشت که جهت برخی مطالب تازه آن را آوردم)

(۵۷۸۸۶-۵۷۸۶۳) (۲۰۲۴)

## ترجمه نامه ۲۴

### اشاره

(پس از بازگشت از جنگ صفین این وصیت نامه اقتصادی را در ۲۰ جمادی الاول سال ۳۷ هجری نوشت)

### ۱ وصیت اقتصادی نسبت به اموال شخصی

(۵۷۹۰۰–۵۷۸۸۷) این دستوری است که بنده خدا علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان نسبت به اموال شخصی خود، برای خشنودی خدا، داده است، تا خداوند با آن به بهشتش در آورد، و آسوده‌اش گرداند (۵۷۹۲۴–۵۷۹۰۱).
[قسمتی از این نامه است] همانا سرپرستی این اموال بر عهده فرزندم حسن بن علی است، آنگونه که رواست از آن مصرف نماید، و از آن انفاق کند، اگر برای حسن حادثه‌ای رخ داد و حسین زنده بود، سرپرستی آن را پس از برادرش بر عهده گیرد، و کار او را تداوم بخشد (۵۷۹۵۱–۵۷۹۲۵).

پسران فاطمه از این اموال به همان مقدار سهم دارند که دیگر پسران علی خواهند داشت، من سرپرستی اموالم را به پسران فاطمه واگذاردم، تا خشنودی خدا، و نزدیک شدن به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگ داشت حرمت او، و احترام پیوند خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فراهم آورم (۵۷۹۸۶–۵۷۹۵۲).

### ۲ ضرورت حفظ اموال

و با کسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کرده تنها از میوه و درآمدش بخورد و انفاق کند، و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشد، تا همه این سرزمین یک پارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار باشد (۵۸۰۲۰–۵۷۹۸۷).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۰۵

و زنان غیر عقدی من که با آنها بودم و صاحب فرزند یا حامله می‌باشند ،۱۱۰ پس از تولّد فرزند، فرزند خود را برگرد که بهره او باشد، و اگر فرزندش بعیرد، ما در آزاد است، و کنیز بودن از او برداشته شده، و آزادی خویش را باز باید (۵۸۰۵۵–۵۸۰۲۱).

( اوّذیه، بمعنی نهال خرما، و جمع آن اودی، بر وزن «علی» می‌باشد (۵۸۰۷۳–۵۸۰۵۶)، و جمله امام نسبت به درختان «حَتّٰی تشکل ارضها غراسا،

از فصیح‌ترین سخنان است یعنی زمین پر درخت شود که چیزی جز درختان به چشم نیایند)

(۵۸۱۰۹–۵۸۰۷۴) (۲۰۲۵)

### ترجمه نامه ۲۵

### اشاره

(دستور العمل امام به مأموران جمع آوری مالیات در سال ۳۶ هجری) ما بخشی از این وصیت را آوردم تا معلوم شود که امام ارکان حق را به پا می‌داشت و فرمان به عدل صادر می‌کرد، در کارهای کوچک یا بزرگ، با ارزش یا بی مقدار (۵۸۱۴۹–۵۸۱۱۰)

### ۱ اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی

با ترس از خدایی که بکناست و همتایی ندارد حرکت کن.

در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر، و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر (۵۸۱۷۶–۵۸۱۵۰).

هر گاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آ، و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن، تا در میانشان قرار گیری، به آنها سلام کن، و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن (۵۸۲۰۳–۵۸۱۷۷). سپس می‌گویی:

«ای پندگذا خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید؟» (۵۸۲۲۸–۵۸۲۰۴)
اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه نکن، و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آن که او را بترسانی، یا تهدید کنی، یا به کار مشکلی وادار سازی، هر چه از طلا و نقره به تو رساند برادر (۵۸۲۵۸–۵۸۲۲۹)، و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو، که اکثر اموال از آن اوست.

آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه گر، و سخنگیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده، و هراسان مکن، و دامدار را مرتجان (۵۸۲۹۵–۵۸۲۹۹)، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند، پس از انتخاب اعتراض نکن، سپس باقی مانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر، به همین گونه رفتار کن تا باقی مانده، حق خداوند باشد (۵۸۳۳۵–۵۸۲۹۶). اگر دامدار از این تقسیم و انتخاب پشیمان است، و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را درهم کن، و به دو دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار.

(۱) اشاره به تفکر: پولی گامی POLYGAMY)چند همسری) وقتی بر اثر ناهماهنگی نسل در یک جامعه، تعداد زنان بیشتر باشند یا به علت جنگهای فراوان، زنان فراوانی بدون شوهر بمانند، تنها راه نساد زدانی و کنترل مفاسد جامعه، تعدّد زوجات (پولی گامی) است که تفکر مونوگامی(MONOGAMY) تک همسری) ردّ و نقد می‌شود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۰۷

تا حق خدا را از آن برگیری (۵۸۳۵۲–۵۸۳۳۶).

و در تحویل گرفتن حیوانات، حیوان پیر و دست و پا شکسته، بیمار و معیوب را به عنوان زکات نپذیر، و به فردی که اطمینان نداری، و نسبت به اموال مسلمین دلسوز نیست، سپار، تا آن را به پیشوای مسلمین برساند و او در میان آنها تقسیم گرداند (۵۸۳۸۶–۵۸۳۵۳).

### ۲ حمایت از حقوق حیوانات

در رساندن حیوانات آن را به دست چوپانی که خیر خواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سخنگیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسیار (۵۸۴۰۷–۵۸۳۸۷). سپس آنچه از بیت المال جمع آوری شد برای ما بفرست، تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هر گاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا: «بین شتر و نوزادش جدایی نیفتکند، و شیر آن را ندوشد تا به پیماش زبانی وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند (۵۸۴۵۰–۵۸۴۰۸)، و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد، و از جاده‌هایی که دو طرف آن علف زار است به جادهٔ بی علف نکشاند، و هر چند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند، و هر گاه به آب و علفزار رسیده، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند، (۵۸۴۸۶–۵۸۴۵۱) تا آنگاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فریه و سر حال، نه خسته و کوفته، که آنها را بر اساس رهنمود قرآن، و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقسیم نمایم. عمل به دستورات یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد شد. ان شاء الله (۵۸۴۸۷–۵۸۵۱۵).

(۲۰۲۶)

### ترجمه نامه ۲۶

### اشاره

(نامه به برخی از مأموران مالیات که در سال ۳۶ هجری برای فرماندار اصفهان مختف بن سلیم فرستاده شد) (۵۸۵۲۸–۵۸۵۱۶) «۱»

### ۱ اخلاق کارگزاران مالیاتی

او را به ترس از خدا در اسرار پنهانی، و اعمال مخفی سفارش می‌کنم، آنجا که هیچ گواهی غیر از او، و نماینده‌ای جز خدا نیست (۵۸۵۴۵–۵۸۵۲۹)، و سفارش می‌کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت، و در خلوت نافرمانی کند، و اینکه آشکار و پنهانش، و گفتار و کردارش در تضاد نباشد، امانت الهی را برداخته، و عبادت را خالصانه انجام دهد (۵۸۵۷۷–۵۸۵۴۶).

و به او سفارش می‌کنم با مردم تشد خو نباشد، و به آنها دروغ نگوید، و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکند، چه اینکه مردم برادران دینی، و یاری دهندگان در استخراج حقوق الهی می‌باشند (۵۸۶۰۰–۵۸۵۷۸). بدان! برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی سهمی معین، و حقی روشن است، و شریکاتی از مستندان و ضعیفان داری، همانگونه که ما حق تو را می‌دهیم،



(۱) طبق نقل قاضی نعمان در دعائم‌الاسلام ج ۱ ص ۲۵۲ و الغارات ج ۲ ص ۴۵۰ این شخص مخفف سلم از دی بود که بعدها از طرف امام علیه السلام استاندار اصفهان شد و در جنگ صفین شرکت کرد و سعید بن وهب را جانشین خود قرار داد و در ادامه نبرد در صفین به شهادت رسید. (کتاب صفین ص ۱۰۴).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۰۹

تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی؛ اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری (۵۸۶۳–۵۸۶۰)، و ای بر کسی که در پیشگاه خدا، فقرا و مساکین، و درخواست کنندگان و آنان که از حشمان محرومند، و بدهکاران و ورشکستگان و در راه ماندگان، دشمن او باشند و از او شکایت کنند (۵۸۶۳–۵۸۶۳).

#### ۲ امامت داری

کسی که امامت الهی را خوار شمارد، و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته، و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود (۵۸۶۳–۵۸۶۴)، و همانا بزرگ‌ترین خیانت! خیانت به ملت، و رسواترین دغلکاری، دغلزاری با امامان است، با درود (۵۸۶۶–۵۸۶۴).

(۲۰۲۷)

#### ترجمه نامه ۲۷

#### اشاره

(نامه به فرماندار مصر، محمد بن ابی بکر، هنگامی که او را در آغاز سال ۳۷ هجری به سوی مصر فرستاد) (۵۸۷۲–۵۸۶۷)، ۱۰

#### ۱ اخلاق اجتماعی

با مردم فروتن باش، نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه‌هایت، و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند (۵۸۷۴–۵۸۷۱۳)، زیرا خداوند از شما بندگان در باره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید، اگر کيفر دهد شما استحقاق بیش از آن را دارید، و اگر ببخشد از بزرگواری اوست (۵۸۷۶۹–۵۸۷۴۵).

#### ۲ اعتدال ترابی زاهدان

آگاه باشید! ای بندهگان خدا! پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند. با مردم دنیا در دنیاشان شریک گشتند، ائما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند (۵۸۷۹۳– ۵۸۷۷۰)، پرهیزکاران در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند، و بهترین خوراکنه‌های دنیا را خوردند، و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند، و از دنیا بهره گرفتند آنگونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره‌مند بودند (۵۸۸۱۷–۵۸۷۹۴).

سپس از این جهان با زاد و توشه فراوان، و تجارنی پر سود، به سوی آخرت شتافتند.

لذت پارسایی در ترک حرام دنیا را چشیدند، و یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدایند، جایگاهی که هر چه درخواست کنند، داده می‌شود، و هر گونه لذتی در اختیارشان قرار دارد (۵۸۸۵۰–۵۸۸۱۸).

(۱) محتوید بن ابی بکر، نامه‌ها و دستور العمل‌های امام را جمع آوری کرده و همواره مورد مطالعه قرار می‌داد و در اداره سیاسی مصر از آن بهره‌مند می‌گشت؛ پس از هجوم عمرو و عاص به مصر و شهادت محمد، تمام نامه‌هایی را که در خانه او موجود بود به شام انتقال دادند. و معاویه آنها را حفظ کرد. ولید بن عقبه به معاویه گفت این نامه‌ها را بسوزانید. معاویه گفت ای بر تو آیا چنین دستور العمل‌های علمی و ارزشمند را باید سوزاند؟ این نامه‌ها در خزینه‌های بنی امیه ماند تا دوران حکومت عمر بن عبد العزیز که همه آن را در دانشمندان معرفی کرده و از آن استفاده کردند. (کتاب الغارات ص ۲۵۱).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۱۱

#### ۳ ضرورت یاد مرگ

ای بندهگان خدا! از مرگ و نزدیک بودنش بترسید، و آمادگی‌های لازم را برای مرگ فراهم کنید، که مرگ جریان بزرگ و مشکلی سنگین به همراه خواهد آورد؛ یا خبری که پس از آن شری وجود نخواهد داشت، و یا شری که هرگز نیکی با آن نخواهد بود! پس چه کسی از عمل کتنده برای بهشت، به بهشت نزدیک‌تر؟ (۵۸۸۸۶–۵۸۸۵۱) و چه کسی از عمل کتنده برای آتش، به آتش نزدیک‌تر است؟ شما همه شکار آماده مرگ می‌باشید: اگر توقف کنید شما را می‌گیرد، و اگر فرار کنید به شما می‌رسد. مرگ از سایه شما به شما نزدیک‌تر است، نشانه مرگ بر پیشانی شما زده شد، دنیا پشت سر شما در حال درهم پیچیده شدن است (۵۸۹۲۰–۵۸۸۸۷)، پس بترسید از آتشی که ژرفای آن زیاد، و خرازش شدید، و عقابش تو به تو وارد می‌شود، در جایگاهی که رحمت در آن وجود ندارد، و سخن کسی را نمی‌شنوند، و نا راحتی‌ها در آن پایان ندارد! (۵۸۹۴۴–۵۸۹۲۱) اگر می‌توانید که ترس از خدا را فراوان، و خوش بینی خود را به خدا نیکو گردانید، چنین کنید، هر دو را جمع کنید، زیرا بنده خدا خوش بینی او به پرورد گار باید به اندازه ترسیدن او باشد، و آن کس که به خدا خوش‌بین‌تر است، باید بیشتر از دیگران از کيفر الهی بترسد (۵۸۹۸۰–۵۸۹۴۵).

۴ اخلاق مدیران اجرایی

ای محمد. بن ابی بکر! بدان که من تو را سرپرست بزرگ‌ترین لشکرم یعنی لشکر مصر، قرار دادم. بر تو سزواور است که با عواسته‌های دل مخالفت کرده، و از دین خود دفاع کنی، هر چند ساعنی از عمر تو باقی نمانده باشد (۵۹۰۱۶–۵۸۹۸۱). خدا را در راضی نگاهداشتن مردم به خشم نیاور، زیرا خشنودی خدا جایگزین هر چیزی بوده اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی‌شود (۵۹۰۳۷–۵۹۰۱۷). نماز را در وقت خودش به جای آرن، نه اینکه در بیکاری زودتر از وقتش بخوانی، و به هنگام درگیری و کار آن را تأخیر بیندازی، و بدان که تمام کردار خویت در گرو نماز است (۵۹۰۶۲–۵۹۰۳۸).

[قسمتی از نامه] امام هدایتگر، و زمامدار گمراهی، هیچ گاه مساوی نخواهد بود، چنان که دوستان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دشمنانش برابر نیستند (۵۹۰۷۸–۵۹۰۶۳)، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

«بر امت اسلام، نه از مؤمن و نه از مشرک هراسی ندارم، زیرا مؤمن را ایمانش باز داشته، و مشرک را خداوند به جهت شرک او ناپود می‌سازد (۵۹۱۰۵–۵۹۰۷۹)، من بر شما از مرد منافقی می‌ترسم که درونی دو چهره، و زبانی عالمانه دارد، گفتارش دلپسند و رفتارش زشت و ناپسند است.»

(۵۹۱۲۱–۵۹۱۰۶) (۲۰۲۸)

#### ترجمه نامه ۲۸

#### اشاره

(جواب نامه معاویه: که یکی از نیکوترین نامه‌های امام است که پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری نوشته شد) (۵۹۱۲۶–۵۹۱۲۲)

#### ۱ افشای اتهام‌های دروغین معاویه

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۱۳

پس از یاد خدا و درود! نامه شما رسید، که در آن نوشته‌ید، خداوند محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را برای دینش برگزید، و با یارانش او را تأیید کرد (۵۹۱۵۵–۵۹۱۳۷)، راستی روزگار چه چیزهای شگفتی از تو بر ما آشکار کرده است! تو می‌خواهی ما را از آنچه خداوند به ما عنایت فرموده، آگاه کنی؟ و از نعمت وجود پیامبر با خیرمان سازی؟ داستان تو داستان کسی را ماند که خرما به سرزمین پر خرماى «حجر» برد ۱۰، یا استاد خود را به مسابقه دعوت کند (۵۹۱۵۵–۵۹۱۵۶)! و پنداشتی که برترین انسان‌ها در اسلام فلان کس، و فلان شخص است؟ ۲۰ چیزی را یاد آورده‌ای که اگر اثبات شود هیچ ارتباطی به تو ندارد، و اگر دروغ هم باشد به تو مربوط نمی‌شود، تو را با انسانهای برتر و غیر برتر، سیاستمدار و غیر سیاستمدار چه کار است؟ (۵۹۲۱۸–۵۹۱۸۶) اسیران آزاد شده ۳۰، و فرزندانشان را چه رسد به تشخیص امتیازات میان مهاجران نخستین، و ترتیب درجات، و شناسایی منزلت و مقام آنان! هرگز! خود را در چیزی قرار می‌دهی که از آن بیگانه‌ای، حال کار بدین جا کشید. که محکوم حاکم باشد؟ (۵۹۲۴۸–۵۹۲۱۹) ای مرد چرا

بر سر جایب نمی‌نشینی؟
۴۹۰ و کوتاهی کردن‌هایت را به یاد نمی‌آوری؟

و به منزلت عقب مانده‌ات باز نمی‌گردی؟
پرتزی ضعیفان، و پیروزی پیروزمندان در اسلام با تو چه ارتباطی دارد؟
تو همواره در بیابان گمراهی سرگردان، و از راه راست روی گردانی (۵۹۲۸۱–۵۹۲۵۰)!

#### ۲ فضائل نبی هاشم

«: آنچه می‌گویم برای آگاهانیدن تو نیست، بلکه برای یاد آوری نعمت‌های خدا می‌گویم»
آیا نمی‌بینی جمعی از مهاجر و انصار در راه خدا به شهادت رسیدند؟ و هر کدام دارای فضیلتی بودند؟
(۵۹۳۰۶–۵۹۲۸۲)
اما آنگاه که شهید ما «حمزه» شریعت شهادت نوشید، او را سید الشهداء خواندند، و پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم در نماز بر پیکر او بجای پنج تکبیر، هفتاد تکبیر گفت؟
(۵۹۳۳۳–۵۹۳۰۷)
آیا نمی‌بینی؟
گروهی که دستشان در جهاد قطع شد، و هر کدام فضیلتی داشتند، امّا چون بر یکی از ما (۵۹۳۳۳–۵۹۳۰۷) ضربتی وارد شد و دستش قطع گردید، طیارش خواندند؟
که با دو بال در آسمان بهشت پرواز می‌کند (۵۹۳۳۴–۱۵)
و اگر خدا نهدی نمی‌فروم که مرد خود را بسناید، فضائل فراوانی را بر می‌شمردم، که دل‌های آگاه مؤمنان آن را شناخته، و گوش‌های شونده‌گان با آن آشناست.

#### ۳ فضائل نبی هاشم و رسوایی بنی امیه:

معاویه! دست از این اذعاهای بردار، که تیرت به خطا رفته است، همانا ما، دست پرورده و ساخته پروردگار خویشیم، و مردم تربیت شدگان و پرورده‌های مايند (۵۹۳۸۸–۵۹۳۵۲).
اینکه با شما طرح خویشاوندی ریختیم، ما از طایفه شما همسر گرفتیم، و شما از طایفه ما همسر انتخاب کردید، و برابر با شما رفتار کردیم، عزّت گذشته، و فضیلت پیشین را از ما باز نمی‌دارد، شما چگونه با ما برابرید که (۵۹۴۱۳–۵۹۳۸۹) پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم از ماست، و دروغگوی رسوا از شما، «۶» حمزه شیر خدا (اسد الله) از ماست، و ابو سفیان، (اسد الاحلاف) «۷» از شما، دو سید جوانان اهل بهشت از ما، و کودکان در آتش افکنده شده از شما، «۸» و بهترین زنان جهان از ما، و زن هیزم کش دوزخیان از شما، «۹» از ما این همه فضیلت‌ها، و از شما آن همه رسوایی‌هاست (۵۹۴۲۲–۵۹۴۱۴).

- (۱) «هجر» یکی از شهرهای قدیمی «بحرین» است که درختان خرماى فراوان داشت، در ضرب المثلّ فارسی می‌گویم ایزره به کرمان بردن»
- (۲) فلان و فلان یعنی ایا بکر و عمر.
- (۳) ابو سفیان و فرزندان‌شان در روز فتح مکهّ تسلیم شدند که پیامبر آنها را آزاد گذاشت، خطاب به آنها فرمود اذهبوا فأنتم الطلقاء.
- (پروید شما آزادید)
- (۴) مثل است، یعنی قدر و منزلت خود را چرا درک نمی‌کنی؟
- (۵) جعفر بن ابی طالب برادر امام (ع) که در جنگ موته شهید شد و به جعفر طیار مشهور است.
- (۶) منظور ابو جهل است.
- (۷) ابو سفیان چون قبائل گوناگون را سوگند داد تا با رسول خدا بچنگند او را به مسخره (شیر سوگندها) نامیدند.
- (۸) صبیبة الثّار: وقتی «عقیبه» از سران کینه توز قریش در جنگ بدر دستگیر شد به هنگام کشته شدن خطاب به پیامبر گفت من للصبیّة یا مخصّد؟ (سرپرست فرزندان من چه کسی باشنده؟) پیامبر فرمود.

الثّار

(آتش جهنم) از آن پس به «صبیة الثّار» معروف شد.

(۹) بهترین زنان حضرت زهرا (س) است که در حدیث مشهوری پیامبر (ص) فرمود:

«انک سیدة نساء العالمین»

به کتاب نهج الحیاة مراجعه شود، و زن هیزم کش، امّ جمیل خواهر ابو سفیان زن ابو لهب و عتّه معاویه است که همه طلاها و زیور آلات خود را فروخت تا برای اذیّت پیامبر (ص) مصرف گردد.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۱۵

اسلام ما را همه شنیده، و شرافت ما را همه دیده‌اند، و کتاب خدا برای ما فراهم آورد آنچه را به ما نرسیده که خدای سبحان فرمود: «خویشاوندان، بعضی سزاوارترند بر بعضی دیگر در کتاب خدا» (۵۹۴۸۲–۵۹۴۵۳)
خدای سبحان فرمود:

«شایسته‌ترین مردم به ابراهیم، کسانی هستند که از پیروی دارند، و این پیامبر و آنان که ایمان آوردند و خدا ولیّ مؤمنان است.»

پس ما یک بار به خاطر خویشاوندی با پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم، و بار دیگر به خاطر اطاعت از خدا، به خلافت سزاوارتریم (۵۹۵۰۹–۵۹۴۸۳)، و آنگاه که مهاجرین در روز سقیفه با انصار گفتگو و اختلاف داشتند، تنها با ذکر خویشاوندی با پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم بر آنان پیروز گردیدند، اگر این دلیل برتری است پس حق با ماست نه با شما، و اگر دلیل دیگری داشتند، اذعای انصار به جای خود باقی است (۵۹۵۳۶–۵۹۵۱۰).

معاویه، تو بنداری که بر تمام خلفا حسد ورزیده‌ام؟ و بر همه آنها شوریده‌ام؟

اگر چنین شده باشد چنانی بر تو ترفته که از تو عذر خواهی کنم.

او آن شکوه‌هایی است که ننگ آن دامنگیر تو نیست» (۵۹۵۶۲–۵۹۵۳۷) «۱»

#### ۴ مظلومیّت امام علیه السلام

و گفته‌ای که مرا چونان شتر مهار کرده به سوی بیعت می‌کشاندند.

سوگند به خدا! خواستی نکوهش کنی، امّا ستودی، خواستی رسوا سازی که خود را رسوا کرده‌ای (۵۹۵۸۵–۵۹۵۶۳)، مسلمان را چه باک که مظلوم واقع شود، ما دام که در دین خود تردید نداشته، و در یقین خود شک نکند، این دلیل را آورده‌ام حتّی برای غیر تو که پند گیرند، و آن را کوتاه آوردم به مقداری که از خاطر گذشت (۵۹۶۲۱–۵۹۵۸۶).

سپس کار مرا با عثمان به یاد آوردی، تو باید پاسخ دهی که از خویشاوندان او می‌باشی! راستی کدام یک از ما دشمنی‌اش با عثمان بیشتر بود؟ و راه را برای کشندگانش فراهم آورد؟
آن کس که به او یاری رساند، و از او خواست به جایش بنشیند، و به کار مردم رسد؟ یا آن که از او یاری خواست و دریغ کرد؟ و به انتظار نشست تا مرگش فرا رسد؟
(۵۹۶۶۶–۵۹۶۲۲)
نه، هرگز، به خدا سوگند:

«خداوند باز دارندگان از جنگ را در میان شما می‌شناسد، و آنان را که برادران خود را به سوی خویش می‌خوانند، و جز لحظه‌های کوتاهی در نبرد حاضر نمی‌شوند» (۵۹۶۸۶–۵۹۶۶۷)
من ادعا ندارم که در مورد بدعت‌های عثمان، بر او عیب نمی‌گرفتم، نکوهش می‌کردم و از آن عذر خواه نیستم، اگر نگاه من ارشاد و هدایت‌اوست، بسیاریند کسانی که ملامت شوند و بی‌گناهند.

او بسیارند ناسحانی که در پند و اندرز دادن مورد تهمت قرار گیرند» (۵۹۷۱۴–۵۹۶۸۷) «۲»
«من قصدی جز اصلاح تا نهایت توانایی خود ندارم، و موفقیت من تنها به لطف خداست، و توفیقات را جز از خدا نمی‌خواهم، بر او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم»

(۵۹۷۳۱–۵۹۷۱۵)

#### ۵ پاسخ به تهدید نعلانی

(۱) نکک بینی از شاعر ابو ذؤبب هدلی است.

(۲) شعری است از شاعری گنّام و برخی از اکثم بن صیفی نقل کرده‌اند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۱۷

نوشته‌ای که نزد تو برای من و باران من چیزی جز شمشیر نیست!
در اوج گریه انسان را به خنده وا می‌داری!
فرزندان عبد المطلب را در کجا دیدی که پشت به دشمن کنند؟
و از شمشیر بپهراسند؟
پس «کمی صبر کن که هماورد «۱» تو به میدان آید، آن را که می‌جویی به زودی تو را پیدا خواهد کرد، و آنچه را که از آن می‌گریزی در نزدیکی خود خواهی یافت»، (۵۹۷۶۹–۵۹۷۳۲)
و من در میان سپاهی بزرگ، از مهاجران و انصار و تابعان، به سرعت به سوی تو خواهم آمد، لشکریانی که جمعشان به هم مشرّفه، و به هنگام حرکت، غبارشان آسمان را تیره و نار می‌کند.

کسانی که لباس شهادت بر تن، و ملاقات دوست داشتنی آنان ملاقات با پروردگار است (۵۹۷۹۵–۵۹۷۷۰)، همراہ آنان فرزندانی از دلاوران بدر، و شمشیرهای هاشمیان می‌آیند که خوب می‌دانی لبه تیز آن بر پیکر برادر و دایی و جدّ و خاندانت چه کرد، «۲»

می‌آیند.

«و آن عذاب از ستمگران چندان دور نیست،

(۵۹۸۲۱–۵۹۷۹۶) (۲۰۲۹)

**ترجمه نامه ۲۹**

**اشاره**

(نامه به مردم بصره، در سال ۳۸ هجری آنگاه که معاویه قصد توطئه در بصره را داشت)

**هشدار به مردم بصره**

شما از پیمان شکستن، و دشمنی آشکارا با من آگاهید. با این همه جرم شما را عفو کردم، و شمشیر از فرابردن برداشتم، و استقبال کنندگان را پذیرفتم، و از گناه شما چشم پوشیدم (۵۹۸۵۳–۵۹۸۲۲)، اگر هم اکنون کارهای ناروا، و اندیشه‌های نابخردانه، شما را به مخالفت و دشمنی با من بکشاند، سپاه من آماده، و پا در رکابند (۵۹۸۷۵–۵۹۸۵۴).

و اگر مرا به حرکت دوباره مجبور کنید، ۳۰ حمله‌ای بر شما روا دارم که جنگ جمل در برابر آن بسیار کوچک باشد، یا اینکه به ارزش‌های فرمانبردارانان آگاهم، و حق نصیحت کنندگان شما را می‌شناسم، و هرگز به جای شخص منتهی، انسان نیکو کاری را نخواهم گرفت، و هرگز پیمان وفاداران را نخواهم شکست (۵۹۹۱۳–۵۹۸۷۶).

(۲۰۳۰)

**ترجمه نامه ۳۰**

**اشاره**

(نامه دیگری به معاویه)

**بند و هشدار به معاویه**

\_\_\_\_\_

(۱) حمل، مردی شجاع از طایفه قشیر بود که یک تته جنگید و شتران خود را باز پس گرفت. «مهلت ده تا حمل به میدان آید، که ضرب المثل شد برای، هم‌اورد ظلمیدن در میدان.

(۲) برادر معاویه، حنظله بن ابی سفیان، دانی معاویه ولید بن عتبه، و جد معاویه عتبهٔ بن ربیعہ پدر هند، بود.

(۳) پس از هجوم عمرو عاص به مصر و کشته شدن محمد بن ابی بکر، مخالفان امام در بصره نیز به فکر شورش افتادند، سخار بن عباس عیدی نام‌ای به معاویه نوشت و از او خواست مردی را به بصره بفرستند تا مخالفان را سازماندهی کند، معاویه خوشحال شد و این حضمی را فرستاد که تحزکانی پدید آمد، و سران و بزرگان قبائل رو در روی هم قرار گرفتند، وقتی به امام در کوفه اطلاع دادند آن حضرت این نامه را نوشت، و سر انجام طرفداران امام ابن حضمی را شکست داده او را کشتند. «الغارات ج ۲ ص ۳۳۳–۴۱۲

**نهج البلاغهٔ / ترجمه دشتی، ص: ۵۱۹**

نسبت به آنچه در اختیار داری از خدا بترس، و در حقوق الهی که بر تو واجب است اندیشه کن، و به شناخت چیزی همت کن که در نا آگاهی آن معذور نخواهی بود (۵۹۹۳۷–۵۹۹۱۴)، همانا اطاعت خدا، نشانه‌های آشکار، و راه‌های روشن و راهی میانه و همیشه گشوده، و پایانی دلپسند دارد که زیرکان به آن راه یابند، و فاسدان از آن به انحراف روند، کسی که از دین سرباز زند، از حق روی گردان شده، و در وادی حیرت سرگردان خواهد گشت، که خدا نعمت خود را از او گرفته، و پل‌هایش را بر او نازل می‌کند (۵۹۹۷۳–۵۹۹۳۸).

معاویه اینک به خود آی، و به خود بپرداز! زیرا خداوند راه و سرانجام امور تو را روشن کرده است. ائرا تو همچنان به سوی زیانکاری، و جایگاه کفر ورزی، حرکت می‌کنی (۵۹۹۹۳–۵۹۹۷۴)، خواسته‌های دل تو را به بدی‌ها کشانند، و در پرنگاه گمراهی قرار داده است، و تو را در هلاکت انداخته، و راه‌های نجات را بر روی تو بسته است (۶۰۰۰۸–۵۹۹۹۴).

(۲۰۳۱)

**ترجمه نامه ۳۱**

**اشاره**

(نامه به فرزندش امام حسن علیه السّلام وقتی از جنگ صفین باز می‌گشت و به سرزمین «حاضرین» رسیده بود در سال ۳۸ هجری (۶۰۰۲۴–۶۰۰۰۹) ۱۰)

**انسان و حوادث روزگار**

از پدروی فانی، اعتراف دارنده به گذشت زمان، زندگی را پشت سر نهاده– که در سپری شدن دنیا چاره‌ای ندارد– مسکن گزیده در جایگاه گذشتگان، و کوچ کننده فردا، به فرزندی آژمند چیزی که به دست نمی‌آید، رونده راهی که به نیستی ختم می‌شود (۶۰۰۵۱–۶۰۰۲۵)، در دنیا هدف بیماری‌ها، در گرو روزگار، و در تیرس مصائب، گرفتار دنیا، سودا کننده دنیای فریب کار، وام دار نابودی‌ها، اسیر مرگ، هم سوگند رنجها، هم نشین اندوه‌ها، آماج بلاها، به خاک در افتاده خواهش‌ها، و جاننشین گذشتگان است (۶۰۰۸۶–۶۰۰۵۲). پس از ستایش پروردگار، همانا گذشت عمر، و چیرگی روزگار، و روی آوردن آخرت، مرا از یاد غیر خود باز داشته و تمام توجه مرا به آخرت کشانده است، که به خویشن فکر می‌کنم و از غیر خودم روی گردان شدم (۶۰۱۲۳–۶۰۰۸۷)، که نظرم را از دیگران گرفتم، و از پیروی خواهشها باز گرداندم، و حقیقت کار مرا نمایانم، و مرا به راهی کشاند که شوخی بر نمی‌دارد، و به حقیقتی رساند که دروغی در آن راه ندارد (۶۰۱۴۷–۶۰۱۲۴). و تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی، آنگونه که اگر آسیمی به تو رسد به من رسیده است، و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است، پس کار تو را کار خود شمردم، و نامه‌ای برای تو نوشتم، تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد. حال من زنده باشم یا نباشم (۶۰۱۸۴–۶۰۱۴۸).

(۱) حاضرین، روستاهای بین شام و عراق، یا روستاهای اطراف شهر «بلس» شهری از توابع شام می‌باشد.

**نهج البلاغهٔ / ترجمه دشتی، ص: ۵۲۱**

**۲ مراحل خودسازی**

پسرم! همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خداست؟ اگر سر رشته آن را در دستگیری (۶۰۲۱۴–۶۰۱۸۵).

دلت را با اندرز نیکو زنده کن، هوای نفس را با بی اعتنائی به حرام بگیریان، جان را با یقین نیرومند کن، و با نور حکمت روشنائی بخش، و با یاد مرگ آرام کن، به نابودی از او اعتراف گیر، و با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش (۶۰۳۳۷–۶۰۲۱۵)، و از دگرگونی روزگار، و زشتی‌های گردش شب و روز او را بترسان، تاریخ گذشتگان را بر او بنما، و آنچه که سر سر پیشینان آمده است به یادش آور (۶۰۲۶۱–۶۰۲۳۸). در دیار و آثار ویران وهنگان گردش کن، و ببندیش که آنها چه کردند؟

از کجا کوچ کرده، و در کجا فرود آمدند؟

از جمع دوستان جدا شده و به دیار غربت سفر کردند، گویا زمانی نمی‌گذارد که تو هم یکی از آنانی (۶۰۲۹۵–۶۰۲۶۲) پس جایگاه آینده را آباد کن، آخرت را به دنیا مفروش، و آنچه نمی‌دانی مگو، و آنچه بر تو لازم نیست بر زبان نیاور، و در جاده‌ای که از گمراهی آن می‌ترسی قدم مگذار، زیرا خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی، بهتر از سقوط در تباهی‌هاست (۶۰۳۲۹–۶۰۲۹۶).

**۳ اخلاق اجتماعی**

به نیکي‌ها امر کن و خود نیکو کار باش، و با دست و زبان بدبها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشی، و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد.

برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن (۶۰۳۶۵–۶۰۳۳۰)، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت برابر

مشکلات عادت دهه که شکیبایی در راه حق عادتی پسندیده است (۶۰۳۸۱-۶۰۳۶۶)، در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای، در دعا با اخلاص پروردگارت را بخوان، که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست، و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش.

وصیت مرا بدرستی دریاب، و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد (۶۰۴۲۳-۶۰۳۸۲)، بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سوئی ندارد (۶۰۴۳۹-۶۰۴۲۴).

#### ۴ شتاب در تربیت فرزند

پسرم! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت، و توانایی رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم، و ارزش‌های اخلاقی را برای تو بر شمردم. پیش از آن که آبل فرارسد،

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۲۳

و رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم (۶۰۴۷۰-۶۰۴۴۰)، و در نظرم کاهشی پدید آید چنانکه در جسم پدید آمده، و پیش از آن که خواهشها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند، و پذیرش و اطاعت مشکل گردد، زیرا قلب نوجوان چنان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود (۶۰۵۰۳-۶۰۴۷۱).

پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند، و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند (۶۰۵۳۵-۶۰۵۰۴)، آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شد، به تو هم رسیده، و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود برای شما روشن گردد (۶۰۵۵۰-۶۰۵۳۶).

پسرم! دست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اوّل تا پایان عمرشان با آنان بودم (۶۰۵۹۰-۶۰۵۵۱)، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیباترین شناسایی کردم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن راه و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم (۶۰۶۱۳-۶۰۵۹۱)، پس آنگونه که پدری مهربان نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم (۶۰۶۲۸-۶۰۶۱۴)، زیرا در آغاز زندگی قرار داری، تازه به روزگار روی آورده‌ای، بینی سالم و روحی با صفا داری.

#### ۵ روش تربیت فرزند

پس در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم، و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم (۶۰۶۷۰-۶۰۶۲۹).

اما از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد، و کار را بر آنان شهبه ناگ ساخت، به تو نیز هجوم آورد، گر چه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم، اما آگاه شدن و استوار ماندنت را ترجیح دادم، تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی (۶۰۷۰۷-۶۰۶۷۱)، و امیدوارم خداوند تو را در دستگاری پیروز گرداند، و به راه راست هدایت فرماید، بنا بر این وصیت خود را اینگونه تنظیم کردم (۶۰۷۲۲-۶۰۷۰۸). پسرم! بدان آنچه بیشتر از به کارگیری وصیتم دوست دارم ترس از خدا، و انجام واجبات، و پیمودن راهی است که پدرانت، و صالحان خاندانات پیموده‌اند (۶۰۷۵۷-۶۰۷۳۳). زیرا آنان آنگونه که تو در امور خویشنت نظر می‌کنی در امور خویش نظر داشتند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۲۵

و همانگونه که تو در باره خویشنت می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشیدند، و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند انتخاب کنند، و بر آنچه تکلیف ندارند روی گردانند (۶۰۷۸۴-۶۰۷۵۸)، و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنانکه آنان دانستند بداند، پس تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آن که به شبهات روی آوری و از دشمنی‌ها کنسک گیری (۶۰۸۰۷-۶۰۷۸۵).

و قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی، و در راه او با اشتیاق عمل کن تا پیروز شوی، و از هر کاری که تو را به شک و تردید اندازد، یا تسلیم گمراهی کند پرهیز (۶۰۸۳۱-۶۰۸۰۸).

و چون یقین کردی دلت روشن و فروتن شد، و اندیشه‌ات گرد آمد و کامل گردید، و اراده‌ات به یکج مترکز گشت، پس اندیشه کن در آنچه که برای تو تفسیر می‌کنم (۶۰۸۵۳-۶۰۸۳۲)، اگر در این راه آنچه را دوست می‌داری فراهم نشد، و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، بدان که راهی را که ایمن نیستی می‌پیمایی، و در تاریکی ره می‌سازی، زیرا طالب دین نه اشتباه می‌کند، و نه در تردید و سرگردانی است، که در چنین حالتی خود داری بهتر است (۶۰۸۸۸-۶۰۸۵۴).

#### ۶ ضرورت توجه به معنویات

پسرم! در وصیت من درست بیندیش، بدان که در اختیار دارنده مرگ همان است که زندگی در دست او، و پدید آورنده موجودات است، همو می‌میراند، و نابود کننده همان است که دوباره زنده می‌کند، و آن که بیمار می‌کند شفایز می‌دهد (۶۰۹۱۵-۶۰۸۸۹)، بدان که دنیا جاودانه نیست، و آنگونه که خدا خواسته است برقرار است، از عطا کردن نعمت‌ها، و انواع آرزایش‌ها، و پاداش دادن در معاد، و یا آنچه را که او خواسته است و تو نمی‌دانی (۶۰۹۴۱-۶۰۹۱۶).

اگر در باره جهان، و تحولات روزگار مشکلی برای تو پدید آمد آن را به عدم آگاهی ارتباط ده، زیرا تو ابتدا با ناآگاهی متولّد شدی و سپس علوم را فرا گرفتی، و چه بسیار است آنچه را که نمی‌دانی و خدا می‌داند، که اندیشه‌ات سرگردان، و بیش تو در آن راه ندارد، سپس آنها را می‌شناسی (۶۰۹۷۷-۶۰۹۴۲).

پس به قدرنی پناه بر که تو را آفریده، روزی داده، و اعتدال در اندام تو آورده است، بندگی تو فقط برای او باشد، و تنها اشتیاق او را داشته باش، و تنها از او ترس (۶۰۹۹۴-۶۰۹۷۸).

بدان پسرم! هیچ کس چون رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم از خدا آگاهی نداده است، رهبری او را پذیرا باش، و برای دستگاری، راهنمایی او را بپذیر، همانا من از هیچ اندرزی برای تو کوتاهی نکرده‌م، و تو هر قدر کوشش کنی، و به اصلاح خویش بیندیشی، همانند پدرت نمی‌توانی باشی (۶۱۰۳۴-۶۰۹۹۵). پسرم! اگر خدا شریکی داشت، پیامبران او نیز به سوی تو می‌آمدند، و آثار قدرتش را می‌دید، و کردار و صفاتش را می‌شناختی، اما خدا، خدایی است یگانه، همانگونه که خود توصیف کرد، هیچ کس در مملکت داری او نزاعی ندارد، نابود شدنی نیست، و همواره بوده است (۶۱۰۷۵-۶۱۰۳۵).

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۲۷

اوّل هر چیزی است که آغاز ندارد، و آخر هر چیزی که پایان نخواهد داشت، برتر از آن است که قدرت پروردگاری او را فکر و اندیشه درک کند (۶۱۰۹۵-۶۱۰۷۶).

حال که این حقیقت را دریافتی، در عمل بکوش آن چنانکه همانند تو سزاوار است بکوشد، که منزلت آن اندک، و توانایی‌اش ضعیف، و ناتوانی‌اش بسیار، و اطاعت خدا را مشتاق، و از عذابش ترسان، و از خشم او گریزان است، زیرا خدا تو را جز به نیکوکاری فرمان نداده، و جز از زشتی‌ها نهی نفرموده است (۶۱۱۴۰-۶۱۰۹۶).

#### ۷ ضرورت آخرت گزایی

ای پسرم! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش، و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم، و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است اطلاع دادم، و برای هر دو مثال‌ها زدم، تا بند پذیری، و راه و رسم زندگی بیاموزی (۶۱۱۷۲-۶۱۱۴۱)، همانا داستان آن کس که دنیا را آرزومد، چنان مسافرانی است که در سر متزلی بی آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است.

پس مشکلات راه را تحمّل می‌کنند، و جدایی دوستان را می‌پذیرند، و سختی سفر، و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می‌کنند، تا به جایگاه وسیع، و منزلگاه امن، با آرامش قدم بگذارند (۶۱۲۰۸-۶۱۱۷۳)، و از تمام سختی‌های طول سفر احساس ناراحتی ندارند، و هزینه‌های مصرف شده را فرامت نمی‌شمارند، و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست جز آن که به منزل امن، و محل آرامش برسند (۶۱۲۳۳-۶۱۲۰۹). اما داستان دنیا پرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت‌ها می‌خواهند به سرزمین خشک و بی آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند، و تاراجی‌ها را باید تحمّل کنند (۶۱۲۶۸-۶۱۲۳۴).

#### ۸ معیارهای روابط اجتماعی

دیگران

ای پسرم! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران همسند، ستم روا مدار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار (۶۱۳۱۲–۶۱۲۹۹)، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی، آنچه نمی‌دانی نگو، گر چه آنچه را می‌دانی اندک است، آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، در باره دیگران مگو (۶۱۳۴۱–۶۱۳۱۳)، بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی، و آفت عقل است، نهایت کوشش را در زندگی داشته باش، و در فکر ذخیره سازی برای دیگران مباش، آنگاه که به راه راست هدایت شدی، در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع‌تر باش (۶۱۳۶۸–۶۱۳۴۴).

#### ۹تلاش در جمع آوری زاده و توبه

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۲۹
بدان راهی پر مشقت و پس طولانی در پیش روی داری، و در این راه بدون کوشش بایسته، و تلاش فراوان، و اندازه گیری زاد و توشه، و سبک کردن بار گناه، موقتِ نخواهی بود، بیش از تحمل خود بار مسئولیت‌ها بر دوش منم، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است (۶۱۴۰۷–۶۱۳۶۹). اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات را تا قیامت می‌برد، و فردا که به آن نیاز داری به تو باز می‌گرداند، کمک او را غنیمت بشمار، و زاد و توشه را بر دوش او بگذارد، و اگر قدرت مالی داری بیشتر اتفاق کن، و همراه او بفرست، زیرا ممکن است روزی در رستخیز در جستجوی چنین فردی باشی و او را نیابی (۶۱۴۴۲–۶۱۴۰۸). به هنگام بی‌نیازی، اگر کسی از تو وام خواهد، غنیمت بشمار، تا در روز سختی و تنگدستی به تو باز گرداند (۶۱۴۵۵–۶۱۴۴۳)، بدان که در پیش روی تو، گردنه‌های صعب العبوری وجود دارد، که حال سبکیارن به مراتب بهتر از سنگین باران است، و آن که کند رود حالش بدتر از شتاب گیرنده می‌باشد، و سرانجام حرکت، بهشت و یا دوزخ خواهد بود (۶۱۴۸۶–۶۱۴۵۶)، پس برای عیوش قبل از رسیدن به آخرت وساطتی مهیا ساز، و جایگاه خود را پیش از آمدنت آماده کن، زیرا پس از مرگ، عذری پذیرفته نمی‌شود، و راه بازگشتی وجود ندارد (۶۱۵۰۴–۶۱۴۸۷).

#### ۱۰نشانه‌های رحمت الهی

بدان، خدایی که گنج‌های آسمان و زمین در دست اوست، به تو اجازه درخواست داده، و اجابت آن را به عهده گرفته است. تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند، درخواست رحمت کنی تا ببخشد، و خداوند بین تو و خودش کسی را قرار نداده تا حجاب و فاصله ایجاد کند، و تو را مجبور نساخته که به شفیع و واسطه‌ای پناه ببری (۶۱۵۴۷–۶۱۵۰۵)، و در صورت ارتکاب گناه در توبه را مسدود نکرده است، در کيفر تو شتاب نداشته، و در توبه و بازگشت، بر تو عیب نگرفته است، در آنجا که رسوایی سزاوار نوست، رسوا نشده، و برای بازگشت به خویش شرایط سنگینی مطرح نکرده است، در گناهان تو را به محاکمه نکشیده، و از رحمت خویش نا امیدت نکرده (۶۱۵۸۵–۶۱۵۴۸)، بلکه بازگشت تو را از گناهان نیکی شمرده است. هر گناه تو را یکی، و هر نیکی تو را ده به حساب آورده، و راه بازگشت و توبه را به روی تو گشوده است (۶۱۶۰۷–۶۱۵۸۶). هر گناه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز دل گویی راز تو را می‌داند، پس حاجت خود را با او بگویی، و آنچه در دل داری نزد او باز گویی، غم و اندوه خود را در پیشگاه او مطرح کن، تا غم‌های تو را بر طرف کند (۶۱۶۳۰–۶۱۶۰۸) و در مشکلات تو را یاری رساند.

#### ۱۱شرایط اجابت دعا

و از گنجینه‌های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند، مانند

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۳۱

عمر بیشتر، تندرستی بدن، و گشایش در روزی (۶۱۶۵۴–۶۱۶۳۱). سپس خداوند کلیدهای گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه دعا کردن داد، پس هر گاه اراده کردی می‌توانی با دعا، درهای نعمت خدا را بگشایی، تا باران رحمت الهی بر تو ببارد.

هرگز از تأخیر اجابت دعا نا امید مباش، زیرا بخشش الهی باندازه یت است (۶۱۶۸۵–۶۱۶۵۵)، گناه، در اجابت دعا تأخیر می‌شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل‌تر شود، گاهی درخواست می‌کنی اما پاسخ داده نمی‌شود، زیرا بهتر از آنچه خواستی به زودی یا در وقت مشخص، به تو خواهد بخشید، یا به جهت اعطاء، بهتر از آنچه خواستی، دعا به اجابت نمی‌رسد (۶۱۷۱۹–۶۱۶۸۶)، زیرا چه بسا خواسته‌هایی داری که اگر داده شود مایه هلاکت دین تو خواهد بود، پس خواسته‌های تو به گونه‌ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین، و رنج و سختی را از تو دور کند، پس نه مال دنیا برای تو پایدار، و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند (۶۱۷۴۶–۶۱۷۲۰).

#### ۱۲خوورت یاد مرگ

پسرم، بدان تو برای آخرت آفریده شدی، نه دنیا، برای رفتن از دنیا، نه پایدار ماندن در آن، برای مرگ، نه زندگی جاودانه در دنیا، که هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی، و به آخرت در آیی. و تو شکار مرگی هستی که فرار کننده آن نتجالی ندارد، و هر که را بجوید به آن می‌رسد، و سرانجام او را می‌گیرد (۶۱۷۹۳–۶۱۷۴۷).

پس، از مرگ بترس! ننگد زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد، که در این حال خود را تپاه کرده‌ای (۶۱۸۲۰–۶۱۷۹۴).

پسرم! فراوان یاد مرگ باش، و به یاد آنچه که به سوی آن می‌روی، و پس از مرگ در آن قرار می‌گیری.

تا هنگام ملاقات با مرگ از هر نظر آماده باش، نیروی خود را افزون، و کمر همت را بسته نگهدار که ناگهان نیاید و تو را مغلوب سازد (۶۱۸۵۴–۶۱۸۲۱).

ماداد دلستگی فراوان دنیا پرستان، و تهاجم حریضانه آنان به دنیا، تو را مغرور کند، چرا که خداوند تو را از حالات دنیا آگاه کرده، و دنیا نیز از وضع خود تو را خبر داده، و از زشتی‌های روزگار برده برداشته است (۶۱۸۸۳–۶۱۸۵۵).

#### ۱۳ساخت دنیا پرستان

همانا دنیا پرستان چو نان سگ‌های درنده، عو عو کسان، برای دریدن صید در شتابند، برخی به برخی دیگر هجوم آورند، و نیرومندشان، ناتوان را می‌خورد، و بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را (۶۱۹۰۲–۶۱۸۸۴). و یا چو نان شترانی هستند که برخی از آنها پای بسته، و برخی دیگر در بیابان رها شده، که راه گم کرده و در جاده‌های نامعلومی در حرکتند، و در وادی پر از آفت‌ها، و در شترازی که حرکت با کندی صورت می‌گیرد گرفتارند، نه چوپانی دارند که به کارشان برسند، و نه چراندن‌های که به چراگاهشان ببرد (۶۱۹۲۵–۶۱۹۰۳). دنیا آنها را به راه کوری کشاند.

و دیدگانشان را از چراغ هدایت بیوشاند، در بیراهه سرگردان، و در نعمت‌ها غرق شده‌اند،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۳۳

که نعمت‌ها را پروردگار خود قرار دادند. هم دنیا آنها را به بازی گرفته، و هم آنها با دنیا به بازی پرداخته، و آخرت را فراموش کرده‌اند (۶۱۹۵۵–۶۱۹۲۶). اندکی مهلت ده، بزودی تاریکی بر طرف می‌شود، گویا مسافران به منزل رسیده‌اند، و آن کس که شتاب کند به کاروان خواهد رسید (۶۱۹۷۰–۶۱۹۵۶).

پسرم! بدان آن کس که مرگیش شب و روز آماده است همواره در حرکت خواهد بود، هر چند خود را ساکن پندارد، و همواره راه می‌بیماید هر چند در جای خود ایستاده و راحت باشد (۶۱۹۹۶–۶۱۹۷۱).

#### ۱۴ ضرورت واقع نگری در زندگی (ارزش‌های کوناگون اخلاقی)

به یقین بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید، و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد، و بر راه کسی می‌روی که پیش از تو می‌رفت، پس در به دست آوردن دنیا آرام باش، و در مصرف آنچه به دست آوردی نیکو عمل کن، زیرا چه بسا تلاش بی اندازه برای دنیا که به تاراج رفتن اموال کشانده پس. هر تلاشگری به روزی دلخواه نخواهد رسید، و هر مدارا کننده‌ای محروم نخواهد شد (۶۲۰۳۸–۶۱۹۹۷). نفس خود را از هر گونه پستی بیاز دار، هر چند تو را به اهداف رسانند، زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش «۱»، که خدا تو را آزاد آفرید، آن نیک که جز با شر به دست نیاید نیکی نیست، و آن راحتی که با سختی‌های فراوان به دست آید، آسایش نخواهد بود (۶۲۰۸۱–۶۲۰۳۹).

بیرهیز از آن که مرکب طمع ورزی تو را به سوی هلاکت به پیش راند، و اگر توانستی که بین تو و خدا صاحب نعمتی قرار نگردد، چنین باش، زیرا تو، روزی خود را دریافت می‌کنی، و سهم خود بر می‌داری (۶۲۱۰۹–۶۲۰۸۲)، و مقدار اندکی که از طرف خدای سبحان به دست می‌آوری، بزرگ و گرامی‌تر از (مال) فراوانی است که از دست بندگان دریافت می‌داری، گرچه همه از طرف

خداست (۶۲۱۱۰-۶۲۱۱۷).

آنچه با سکوت از دست می‌دهی آسانتر از آن است که با سخن از دست برود، چرا که نگهداری آنچه در مشک است با محکم بستن دهانه آن امکان پذیر است، و نگهداری آنچه که در دست داری، پیش من بهتر است از آن که چیزی از دیگران بخواهی (۶۲۱۶۲-۶۲۱۱۸)، و تلخی نا امیدی بهتر از درخواست کردن از مردم است. شغل همراه با پاکدامنی، بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان به دست آید، مرد برای پنهان نگاه داشتن اسرار خویش سزاوارتر است، چه بسا تلاش کننده‌ای که به زیان خود می‌کوشد، هر کس بر حرفی کند پایه می‌گوید، و آن کسی که بیندیشد آگاهی یابد (۶۲۱۹۵-۶۲۱۶۳)، با نیکان نزدیک شو و از آنان باش، و با بدان دور شو و از آنان دوری کن. بدترین غذاها، لقمه حرام، و بدترین ستم‌ها، ستکاری به ناتوان است (۶۲۲۱۴-۶۲۱۹۶). جایی که مدارا کردن درشتی به حساب آید به جای مدارا درشتی کن، چه بسا که دارو بر درد افزاید، و بیماری، درمان باشد، و چه بسا آن کس که اهل اندرز نیست، اندرز دهد، و نصیحت کننده دغل کار باشد (۶۲۲۳۶-۶۲۱۱۵). هرگز بر آرزوها تکیه نکن که سرمایه احمقان است، و حفظ عقل، پند گرفتن از تجربه‌هاست، و بهترین تجربه آن که تو را پند آموزد، پیش از آن که فرصت از دست برود، و اندوه بیار آورد، از فرصت‌ها استفاده کن.

(۱) نایبند آزادی انسان و حکومت مردمی اگر دموکراسی DEMOCRACY را حکومت مردم بر مردم بدانیم یا لیبرالیسم LIBERALISM را به آزادی فکر و عمل تفسیر کنیم.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۳۵

هر تلاشگری به خواسته‌های خود نرسد، و هر پنهان شده‌ای نامی گردد (۶۲۲۷۰-۶۲۲۳۷). از نمونه‌های تباهی، ناپود کردن زاد و توشه آخرت است. هر کاری پایانی دارد، و به زودی آنچه برای تو مقدر گردیده خواهد رسید. هر بازرگانی خویش را به مخاطره افکند.

چه بسا اندکی که از فراوانی بهتر است (۶۲۲۹۵-۶۲۲۷۱) نه در یاری دادن انسان پست چیزی وجود دارد و نه در دوستی با دوست مَثُبه، حال که روزگار در اختیار تو است آسان گیر، و برای آن که بیشتر به دست آوری خطر نکن. از سوار شدن بر مرکب ستمیز جویی پرهیز (۶۲۳۲۵-۶۲۲۹۶).

#### ۱۵ حقوق دوستان

چون برادرت از تو جدا گردد، تو بپوند دوستی را بر فرار کن، اگر روی بر گرداندت تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر، و به هنگام گناهش عذر او بپذیر، چنان که گویا بنده او می‌باشی (۶۲۳۶۴-۶۲۳۲۶)، و او صاحب نعمت تو می‌باشد.

مبادا دستورات یاد شده را با غیر دوستانت انجام دهی، یا با انسان‌هایی که سزاوار آن نیستند بجا آوری (۶۲۳۸۲-۶۲۳۶۵)، دشمن دوست خود را دوست مگیر تا با دوست دشمنی نکنی. در پند دادن دوست بکوش، خوب باشد یا بد، و خشم را فرو خو، که من جرعه‌ای شیرین‌تر از آن نوشیده‌ام، و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام (۶۲۴۱۱-۶۲۳۸۳).

با آن کس که با تو درشتی کرده، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود، با دشمن خود با بخشش رفتار کن، زیرا سرانجام شیرین دو پیروزی است (انتقام گرفتن یا بخشیدن) (۶۲۴۲۸-۶۲۴۱۲) اگر خواستی از برادرت جدا شوی، جایی برای دوستی باقی گذار، تا اگر روزی خواست به سوی تو باز گردد بتواند (۶۲۴۶۶-۶۲۴۲۹)، کسی که به تو گمان نیک برد او را تصدیق کن، و هرگز حق برادرت را به اعتقاد دوستی که با او داری ضایع نکن، زیرا آن کس که حَقِّش را ضایع می‌کنی با تو برادر نخواهد بود، و افراد خاتوادهات بد بخت‌ترین مردم نسبت به تو نباشند (۶۲۴۷۸-۶۲۴۴۷)، و به کسی که به تو علاقه‌ای ندارد دل میند، مبادا برادرت برای قطع پیوند دوستی، دلیلی محکم‌تر از برقراری پیوند با تو داشته باشد، و یا در بدی کردن، بهانه‌ای قوی‌تر از نیکی کردن تو بیابد (۶۲۵۰۳-۶۲۴۷۹)، ستکاری کسی که بر تو ستم می‌کند در دیده‌ات بزرگ جلوه نکند، چه او به زیان خود، و سود تو کوشش دارد، و سزای آن کس که تو را شاد می‌کند بدی کردن نیست (۶۲۵۳۳-۶۲۵۰۴).

#### ۱۶ ارزشهای اخلاقی

پسرم! بدان که روزی دو قسم است، یکی آن که تو آن را می‌جویی، و دیگر آن که او تو را می‌جوید، و اگر تو به سوی آن نروی، خود به سوی تو خواهد آمد (۶۲۵۴۰-۶۲۵۲۴)، چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز، و ستمکاری به هنگام بی‌نیازی! همدانا ستم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سزای آخرت را اصلاح کنی، اگر برای چیزی که از دست دادی ناراحت می‌شوی،

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۳۷

پس برای هر چیزی که به دست تو نرسیده نیز نگران باش. با آنچه در گذشته دیده یا شنیده‌ای، برای آنچه که هنوز ننامه، استدلال کن، زیرا تحولات و امور زندگی همانند یکدیگرند (۶۲۵۸۴-۶۲۵۴۱)، از کسانی مباش که اندرز سودشان ندهد، مگر با آرزودن فراوان، زیرا عاقل با اندرز و آداب پند گیرد، و حیوانات با زدن (۶۲۶۰۶-۶۲۵۸۵).

غم و اندوه را با نیروی صبر و نیکویی بتین از خود دور ساز. کسی که میانه روی را ترک کند از راه حق منحرف می‌گردد، یار و همنشین، چنان‌جا خویشاوند است. دوست آن است که در نهان آیین دوستی را رعایت کند. هوا پرستی همانند کوری است (۶۲۶۳۱-۶۲۶۰۷). چه بسا دور که از نزدیک نزدیک‌تر، و چه بسا نزدیک که از دور دورتر است، انسان تنها، کسی است که دوستی ندارد، کسی که از حق تجاوز کند، زندگی بر او تنگ می‌گردد، هر کس قدر و منزلت خویش بداند حرمتش باقی است، استوارترین وسیله‌ای که می‌توانی به آن جنگ زنی، رسته‌ای است که بین تو و خدای تو قرار دارد. کسی که به کار تو اهتمام نمی‌ورزد دشمن توست (۶۲۶۷۹-۶۲۶۳۲).

گاهی نا امیدی، خود رسیدن به هدف است، آنجا که طمع ورزی هلاکت باشد. چنان نیست که هر عیبی آشکار، و هر فرصتی دست یافتنی باشد، چه بسا که بینا به خطا می‌رود و کور به مقصد رسد (۶۲۷۰۵-۶۲۶۸۰). بدی‌ها را به تأخیر انداز، زیرا هر وقت بخواهی می‌توانی انجام دهی. بریدن با جاهل، پیوستن به عاقل است، کسی که از نیرنگ‌بازی روزگار ایمن باشد به او خیانت خواهد کرد، و کسی که روزگار فانی را بزرگ بشمارد، او را خوار خواهد کرد. چنین نیست که هر تیر اندازی به هدف بزند، هر گاه اندیشه سلطان تغییر کند، زمانه دگرگون شود (۶۲۷۳۵-۶۲۷۰۶). پیش از حرکت، از همسفر بی‌رس، و پیش از خریدن منزل همسایه را بشناس (۶۲۷۴۵-۶۲۷۳۶). از سخنان بی ارزش و خنده آور پرهیز، گر چه آن را از دیگری نقل کرده باشی.

#### ۱۷ جایگاه زن و فرهنگ پرهیز

در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان پرهیز، که رأی آنان زود سست می‌شود، و تصمیم آنان ناپایدار است (۶۲۷۷۵-۶۲۷۴۶). در پرده حجاب نگاهشان دار، تا نامحرمان را ننگزند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری، و اگر بتوانی به گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشانند چنین کن (۶۲۸۰۵-۶۲۷۷۶)!

کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن گُل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش (۶۲۸۲۰-۶۲۸۰۶)، مبادا در گرمای داشتن زرد زیاده روی کنی که او را به طمع ورزی کشانده برای دیگران به ناروا شفاعت کند. ۱۰ پرهیز از غیرت نشان دادن بیجا که درستکار را به بیمار دلی، و پاکدامن را به بدگمانی رساند (۶۲۸۵۰-۶۲۸۲۱) کار هر کدام از خدمتکارانت را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی، که تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وا نگذارند، و در خدمت سستی نکنند.

(۱) نقد تفکر فمینیسم (FEMINISM)اصالت دادن به زن یا زن سالاری) بلکه باید همه عوامل تربیت و نظارت را بیکار گرفت تا زنان جامعه به آسانی راه کمال را به پیمایند.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۳۹

خویشاوندانت را گرمی دار، زیرا آنها پر و بال تو می‌باشند، که با آن پرواز می‌کنی، و ریشه تو هستند که به آنها باز می‌گردد، و دست نیرومند تو می‌باشند که با آن حمله می‌کنی (۶۲۸۸۳-۶۲۸۵۱). دین و دنیای تو را به خدا می‌سپارم، و بهترین خواسته الهی را در آینده و هم اکنون، در دنیا و آخرت، برای تو می‌خواهم، با درود (۶۲۹۰۴-۶۲۸۸۴).

(۲۰۳۲)

#### ترجمه نامه ۳۳

#### اشاره

(نامه‌ی به معاویه)

**اقتای سیاست استعماری معاویه**

ای معاویه! گروهی بسیار از مردم را به هلاکت کشاندی، و با گمراهی خود فریشتان دادی، و در موج سرکشش دریای جهالت خود غرقشان کردی، که تاریکی‌ها آنان را فرا گرفت، و در امواج انواع شیبهات غوطه‌ور گردیدند (۶۲۹۳۰–۶۲۹۰۵)، که از راه حق به بیراهه افتادند، و به دوران جاهلیت گذشتهگانشان روی آوردند، و به ویژگی‌های جاهلی خاندانشان نازیدند، جز اندکی از آگاهان که مسیر خود را تغییر دادند (۶۲۹۵۱–۶۲۹۳۱)، و پس از آن که تو را شناختند از تو جدا شدند، و از یاری کردن تو به سوی خدا گریختند، زیرا تو آنان را به کار دشواری و دانشی، و از راه راست منحرفشان ساختی (۶۲۹۷۰–۶۲۹۵۲).

ای معاویه! در کارهای خود از خدا بترس، و اختیارت را از کف شیطان در آور، که دنیا از تو بریده و آخرت به تو نزدیک شده است (۶۲۹۹۰–۶۲۹۷۱).

(۲۰۳۳)

**ترجمه نامه ۳۳**

**اشاره**

(نامه به فرماندار مکه قثم بن عباس، پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال ۳۹ هجری که عوامل معاویه قصد توطئه در شهر مکه را داشتند) «۱»

**هشدار از تبلیغات دروغین یاران معاویه در مراسم حج**

پس از یاد خدا و درود، همانا مأمور اطلاعاتی من در شام ۲۱، به من اطلاع داده است که گروهی از مردم شام برای مراسم حج به مکه می‌آیند، مردمی کور دله، گوش‌هایشان در شنیدن حق ناشنوا، و دیده‌هایشان نابینا (۶۳۰۲۶–۶۲۹۹۱)، که حق را از راه باطل می‌جویند، و بنده را در فرماتی از خدا، فرمان می‌برند، دین خود را به دنیا می‌فروشتند، و دنیا را به بهای سرای جاودانه نیکان و پرهیزکاران می‌خرند، در حالی که در نیکی‌ها، انجام دهنده آن پاداش گیرد، و در بدی‌ها جز بدکار کثیر نشود (۶۳۰۶۰–۶۳۰۲۷). پس در اداره امور خود هشیارانه و سر سخنانه استوار باش، نصیحت دهنده‌ای عاقل، پیرو حکومت، و فرمانبردار امام خود باش،

(۱) قثم فرزند عباس بن عبدالمطلب و پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بسیار شبیه به پیامبر بود، و آخرین کسی بود که با پیامبر به هنگام دفن او وداع کرد و تا هنگام شهادت امام علیه السّلام فرماندار مکه بود، در حکومت معاویه به سمرقند رفت و در آنجا در سال ۵۷ هجری به شهادت رسید.

(۲) به شام، مغرب نیز می‌گفتند (چون در مغرب کوفه قرار داشت) شام بزرگ شامل سوریه لبنان و فلسطین بود که این مناطق در کنار دریای مغرب واقع است.

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۴۱**

می‌ادا کاری انجام دهی که به عذر خواهی روی آوری، نه به هنگام نعمت‌ها شادمان و نه هنگام مشکلات سست باشی. با درود (۶۳۰۹۴–۶۳۰۶۱).

(۲۰۳۴)

**ترجمه نامه ۳۴**

**اشاره**

(پس از عزل محمد بن ابی بکر در سال ۳۸ هجری و نصب مالک اشتر به فرمانداری مصر، برای دلجویی از محبّذ بن ابی بکر نوشت) (۶۳۱۱۹–۶۳۰۹۵)

**روش دلجویی از فرمانداری معزول**

پس از یاد خدا و درود، به من خبر داده‌اند که از فرستادن اشتر به سوی محلّ فرمانداری‌ات، ناراحت شده‌ای. این کار را به دلیل کند شدن و سهل انگاری‌ات یا انتظار کوشش بیشتری از تو انجام ندادم، اگر تو را از فرمانداری مصر عزل کردم، فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان‌تر، و حکومت تو در آن سامان خوش‌تر است (۶۳۱۶۵–۶۳۱۲۰). همانا مردی را فرماندار مصر قرار دادم، که نسبت به ما خیرخواه، و به دشمنان ما سخت‌گیر و درهم کوبنده بود، خدا او را رحمت کند، که ایام زندگی خود را کامل، و مرگ خود را ملاقات کرد، «۱» در حالی که ما از او خوشنود بودیم، خداوند خشنودی خود را نصیب او گرداند، و پاداش او را چند برابر عطا کند (۶۳۲۰۰–۶۳۱۶۶). پس برای مقابله با دشمن، سپاه را بیرون یاور، و با آگاهی لازم به سوی دشمن حرکت کن، و با کسی که با تو در جنگ است آماده پیکار باش. مردم را به راه پروردگارت بخوان، و از خدا فراوان یاری خواه که تو را در مشکلات کفایت می‌کند، و در سختی‌هایی که بر تو فرود می‌آید یاری‌ات می‌دهد.

ان شاء الله (۶۳۲۲۲–۶۳۲۰۱).

(۲۰۳۵)

**ترجمه نامه ۳۵**

**اشاره**

(نامه به عبد الله بن عباس پس از شهادت محمد بن ابی بکر در مصر که در سال ۳۸ هجری نوشته شد) «۲»

**علل سقوط مصر**

پس از یاد خدا و درود! همانا مصر سقوط کرد، و فرماندارش محمد بن ابی بکر «که خدا او را رحمت کند» شهید گردید، در پیشگاه خداوند، او را فرزندی خیر خواه، و کار گزارِ کوشا، و شمشیری برنده، و ستونی باز دارنده می‌شماریم (۶۳۲۷۷–۶۳۲۳۳)، همواره مردم را برای پیوستن به او برانگیختم، و فرمان دادم تا قبل از این حوادث ناگوار به یاریش بشنایند.. مردم را نهان و آشکار، از آغاز تا انجام فرا خواندم، عده‌ای با ناخوشایندی آمدند، و برخی به دروغ بهانه آوردند، و بعضی خوار و ذلیل بر جای ماندند (۶۳۳۰۹–۶۳۲۷۸). «۳» از خدا می‌خواهم به زودی مرا از این مردم نجات دهد! به خدا سوگند اگر در پیکار با دشمن، آرزوی من شهادت نبود، و خود را برای مرگ آماده نکرده بودم، دوست می‌داشتم حتی یکی روز با این مردم نباشم، و هرگز آنان را دیدار نکنم (۶۳۳۴۴–۶۳۳۱۰).

(۱) مالک در بین راه مصر در روستای قزم، توسط مأموران مخفی معاویه مسموم شد.

(۲) محمّد مادرش اسماء بنت عمیس بود، که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از وفات حضرت زهرا علیها السلام با او ازدواج کرد، محمد را در یک جنگ نابرابر، معاویه بن خدیج از فرماندهان شام به وضع جعبی به شهادت رساند.

(۳) ابی ایی الحدید پس از نقل این نامه با شگفتی می‌گوید، فصاحت را بین که چگونه عنان خود را به دست امام علی علیه السلام داده؟ و مهار خود را به او سپرده است؟ نظم عجیب الفاظ را تماشا کن که یکی پس از دیگری با زیبایی خاصی می‌آیند و می‌روند مانند چشمه‌ای که خود به خود از زمین بجوشد، سبحان الله!!!

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۴۳**

(۲۰۳۶)

**ترجمه نامه ۳۶**

**اشاره**

(نامه به برادرش عقیل نسبت به کوچ دادن لشکر به سوی دشمن که در سال ۳۹ هجری نوشته شد) (۶۳۳۶۹–۶۳۳۴۵) «۱»

**۱ آماده‌ی رزمی امام علیه السلام**

لشکری انبوه از مسلمانان را به سوی بسر بن ارقطه (که به یمن یورش برد) فرستادم. هنگامی که این خبر به او رسید، دامن برچید و فرار کرد، و پیشیمان باز گشت، اما در سر راه به او رسیدند و این به هنگام غروب آفتاب بود، لحظه‌ای نبرد کردند (۶۳۳۶۶–

۶۳۳۷)، گویا ساعتی پیش نبوده، که بی رمق با دشواری جان خویش از میدان نبرد بیرون برد (۶۳۴۱۹–۶۳۳۹۷).

برادرزادۀ قریش را بگذارد تا در گمراهی بنازند، و در چلبایی سرگردان باشند، و با سر کشتی و دشمنی زندگی کنند (۶۳۴۳۴–۶۳۴۲۰). همانا آنان در جنگ با من متحد شدند آنگونه که پیش از من در نبرد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هماهنگ بودند، خدا قریش را به کفر زشتی هایشان عذاب کند، آنها بی‌یونند خویشاوندی مرا برینند، و حکومت فرزند مادرم (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) را از من ربودند (۶۳۴۵۸–۶۳۴۳۵). ۲۰.

۲ اعلام مواضع قاطعانه در جنگ

اما آنچه را که از تداوم جنگ پرسیدی، و رأی مرا خواستی بدانای، همانا رأی من پیکار با پیمان شکنان است تا آنگاه که خدا را ملاقات کنم. نه فراوانی مردم مرا توانمند می‌کند، و نه پراکندگی آنان مرا هراسناک می‌سازد (۶۳۴۸۵–۶۳۴۵۹)، هرگز گمان نکنی که فرزند پدرت، اگر مردم او را زها کنند، خود را زار و فروتن خواهد داشت، و یا در برابر ستم سست می‌شود، و با مهار اختیار خود را به دست هر کسی می‌سپارد، و یا از دستور هر کسی اطاعت می‌کند (۶۳۵۱۲–۶۳۴۸۶)، بلکه تصمیم من آنگونه است که آن شاعر قبیله بنی سلیم سروده:

«اگر از من پیرسی چگونه‌ای؟ بدان که من در برابر مشکلات روزگار شکپیا هستم، بر من دشوار است که مرا با چهره‌ای اندوهناک بنگرند، تا دشمن سرزنش کند و دوست ناراحت شود (۶۳۵۴۰–۶۳۵۱۳). ۳۰.

(۲۰۳۷)

#### ترجمه نامه ۳۷

##### اشاره

(نامه به معاویه در سال ۳۶ هجری پیش از آغاز نبرد صفین)

##### اشارای ائمه‌ای دروغین معاویه

خدای را سپاس! معاویه چه سخت به هوس‌های بدعت‌زاه، و سرگردانی پایدار، وابسته‌ای! حقیقت‌ها را تباه کرده، و پیمان‌ها را شکسته‌ای، پیمان‌هایی که خواسته خدا و حجت خدا بر بندگان او بود (۶۳۵۷۱–۶۳۵۴۱).

(۱) عقیل برادر امام در مکه بود و نسبت به هجوم لشکریان معاویه و ضحاک بن قیس نامه‌ای به امام نوشت تا واقعیت‌ها را بداند.
(۲) چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ابو طالب بزرگ شد و دست پرورده مادر امیر المؤمنین علیه السلام فاطمه بنت آسد است که آن حضرت فرمود: فاطمه بنت آسد پس از مادرم مادر من است.
(۳) شعر از عبّاس بن مرداس سلمی است.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۴۵

اما جواب پرگویی تو نسبت به عثمان و کشتندگان او آن است که: تو عثمان را هنگامی یاری دادی که انتظار پیروزی او را داشتی، و آنگاه که یاری تو به سود او بود او را خوار گذاشتی. با درود (۶۳۵۹۴–۶۳۵۷۲).

(۲۰۳۸)

#### ترجمه نامه ۳۸

##### اشاره

(نامه به مردم مصر در سال ۳۸ هجری آنگاه که مالک اشتر را به فرمانداری آنان برگزید) (۶۳۶۰۶–۶۳۵۹۵)

##### ویژگی‌های بی مانند مالک اشتر

از بنده خدای علی امیر مؤمنان، به مردمی که برای خدا به خشم آمدند، آن هنگام که دیگران خدا را در زمین نافرمانی، و حق او را ناپود کردند، پس ستم، خیمه خود را بر سر نیک و بد، مسافر و حاضر، و بر همگان، بر افراشت، نه معرفی‌ماند که در پناه آن آرامش یابند، و نه کسی از زشتی‌ها نهی می‌کرد (۶۳۶۴۴–۶۳۶۰۷).

پس از ستایش پروردگارا من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم، که در روزهای وحشت، نمی‌خوابد، و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند، بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است، او مالکک پسر حارث مدحجی «۱» است (۶۳۶۷۷–۶۳۶۴۵).

آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید، و از او اطاعت کنید، او شمشری از شمشرهای خداست، که نه تیزی آن کند می‌شود، و نه ضریبت بی اثر است. اگر شما را فرمان کوچ کردن داد، کوچ کنید، و اگر گفت بایستید، بایستید، که او در پیش روی و عقب نشینی و حمله، بدون فرمان من اقدام نمی‌کند (۶۳۷۲۳–۶۳۶۷۸).

مردم مصر! من شما را بر خود برگزیدم که او را برای شما فرستادم، زیرا او را خیر خواه شما دیدم، و سر سخنی او را در برابر دشمنانان پسندیدم (۶۳۷۳۶–۶۳۷۱۴).

(۲۰۳۹)

#### ترجمه نامه ۳۹

##### اشاره

(نامه به عمرو عاص در سال ۳۹ هجری پس از نبرد صفین)

##### اشارای بردگی عمرو عاص

تو دین خود را پیرو دنیای کسی قرار دادی که گمراهی‌اش آشکار است، پرده‌اش دریده، و افراد بزرگوار در همنشینی با او لگه دار، و در معاشرت با او به سبک معرفی متهم می‌گردند (۶۳۷۶۳–۶۳۷۳۷).

تو در پی او می‌روی، و چونان سگی گرسنه به دنبال پس مانده شکار شیر هستی، به بخشش او نظر دوختی که قسمت‌های اضافی شکارش را به سوی تو افکنند، پس دنیا و آخرت خود را تباه کردی، در حالی که اگر به حق می‌پیوستی به خواسته‌های خود می‌رسیدی (۶۳۷۹۲–۶۳۷۶۴).

اگر خدا مرا بر تو و پسر ابو سفیان مسلط گرداند، سزای زشتی‌های شما را خواهم داد، اما اگر قدرت آن را نیافتم و باقی ماندید آنچه در پیش روی دارید برای شما بدتر است. با درود (۶۳۸۱۵–۶۳۷۹۳).

(۱) مدحج: نام قبیله مالک اشتر است.

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۵۴۷

(۲۰۴۰)

#### ترجمه نامه ۴۰

##### اشاره

(نامه به یکی از فرمانداران در سال ۴۰ هجری)

##### تکوهش یک کار گزار

پس از یاد خدا و درود! از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگارت خود را به خشم آورده، و امام خود را تا فرمانی، و در امانت خود خیانت کرده‌ای (۶۳۸۴۱–۶۳۸۱۶).

به من خبر رسیده که کشت زمینها را بر داشته، و آنچه را که می‌توانستی گرفته، و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است. با درود (۶۳۸۴۲–۶۳۸۲۸).

(۲۰۴۱)

#### ترجمه نامه ۴۱



#### اشاره

(نامه به یکی از فرمانداران که در سال ۳۸ هجری طبق نقل خوئی یا ۴۰ هجری به نقل طبری نوشته شده) «۱»

#### ۱ علل نکوهش یک کارگزار خیانکار

پس از یاد خدا و درودا همانا من تو را در امانت خود شرکت دادم، و همراز خود گرفتم، و هیچ یک از افراد خاندانم برای یاری و مدد کاری، و امانت داری، چون تو مورد اعتماد نبود (۶۳۹۰۵– ۶۳۸۹۹). آن هنگام که دیدی روزگار بر پسر عمویت سخت گرفته، و دشمن به او هجوم آورده، و امانت مسلمانان تباه گردیده، و اُمت اختیار از دست داده، و پراکنده شدند، پیمان خود را با پسر عمویت دگرگون ساختی، و همراه یا دیگری که از او جدا شدند فاصله گرفتی، تو هماهنگ با دیگران دست از یاری‌اش کشیدی، و با دیگر خیانت کننده‌گان خیانت کردی (۶۳۹۴۵– ۶۳۹۰۶). نه پسر عمویت را یاری کردی، و نه امانت‌ها را رساندی (۶۳۹۵۳– ۶۳۹۴۶).

گویا تو در راه خدا جهاد نکردی! و پرهان روشنی از پروردگارت نداری، و گویا برای تجاوز به دنیای این مردم تیرنگ می‌زدی، و هدف تو آن بود که آنها را بفریبی! و غنائم و ثروت‌های آنان را در اختیار گیری (۶۳۹۸۲– ۶۳۹۵۴). پس آنگاه که فرصت خیانت یافتی شتابان حمله‌ور شدی، و با تمام توان اموال بیت‌المال را که سهم بیوه زنان و یتیمان بود، چو نان گرگ گرسنه‌ای که گوسفند زخمی یا استخوان شکسته‌ای را می‌ریابد، به بغما بردی (۶۴۰۱۰– ۶۳۹۸۳)، و آنها را به سوی حجاز با خاطری آسوده، روانه کردی، بی آن که در این کار احساس گناهی داشته باشی.

#### ۲ نکوهش از سوء استفاده در بیت المال

دشمنت بی پدر باد، گویا میراث پدر و مادرت را به خانه می‌بری (۶۴۰۳۲– ۶۴۰۱۱)! سبحان‌الله!!

(۱) برخی نوشته‌اند این نامه به عبد الله بن عباس نوشته شد، و برخی دیگر مقام و شأن ابن عباس را والا‌تر از این مسائل می‌دانند و می‌گویند به برادر ایشان عبد الله نوشته شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۴۹

آیا به معاد ایمان نداری؟ و از حسابرسی دقیق قیامت نمی‌ترسی؟ ای کسی که در نزد ما از خردمندان بشمار می‌آمدی، چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری! و حرام می‌نوشی (۶۴۰۶۵– ۶۴۰۳۳)! چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کثیران می‌خری و با زنان ازدواج می‌کنی؟ که خدا این اموال را به آنان وا گذاشته، و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است (۶۴۰۹۱– ۶۴۰۶۶)!

#### ۳ برخورد قاطع با خیانکار

پس از خدا ترس، و اموال آنان را باز گردان، و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذر خواه من باشی، و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گرددید (۶۴۱۲۲– ۶۴۰۹۲). سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس ستانم، و باطلی را که به دستم پدید آمده ناپود سازم (۶۴۱۵۳– ۶۴۱۲۳). به پروردگار جهانیان سوگند، اگر آنچه که تو از اموال مسلمانان به نا حق بردی، بر من حلال بود، خشود نبودم که آن را میراث باز ماندگانم قرار دهم (۶۴۱۷۱– ۶۴۱۵۴)، پس دست نگهدار و اندیشه نما، فکر کن که به پایان زندگی رسیده‌ای، و در زیر خاک‌ها پنهان شده، و اعمال تو را بر تو عرضه داشتند، آنجا که مستمکار با حسرت فریاد می‌زند، و تباه کننده عمر و فرصت‌ها، آرزوی بازگشت دارد اما اوه فرار و چاره مسدود است، (۶۴۲۰۰– ۶۴۱۷۲).

(۲۰۴۲)

#### ترجمه نامه ۴۲

#### اشاره

(نامه به عمر بن ابی سلمه مخزومی فرماندار بحرین، پس از نصب نعمان بن عجلان زرقی در سال ۳۶ هجری (۶۴۲۲۴– ۶۴۲۰۱) «۱»

#### روش دلجویی در عزل و نصب‌ها

پس از یاد خدا و درود، همانا من نعمان ابن عجلان زرقی، را به فرمانداری بحرین نصب کردم، بی آن که سرزنشی و نکوهشی برای تو وجود داشته باشد، تو را از فرمانداری آن سامان گرفتم،

(۱) عمر بن ابی سلمه فرزند ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، که در جنگ جمل مادرش او را به کمک امام فرستاد و طی نامه‌ای نوشت اگر جهاد بر زنان واجب بود خود نیز شرکت می‌کردم، و نعمان ابن عجلان کسی است که پس از شهادت مالک اشتر با همسرش خوله دختر قیس ازدواج کرد و شاعری بزرگ و بلند پایه بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۵۱

براستی تاکنون زمامداری را به نیکی انجام دادی، و امانت را برداختی. پس به سوی ما حرکت کن، بی آن که مورد سوء ظن قرار گرفته یا سرزنش شده یا متهم بوده و یا گناهکار باشی (۶۴۲۶۳– ۶۴۲۲۵)، که تصمیم دارم به سوی ستمگران شام حرکت کنم. دوست دارم در این جنگ با من باشی، زیرا تو از دلاورانی هستی که در جنگ با دشمن، و بر پا داشتن ستون دین از آنان یاری می‌طلبم.

ان شاء الله (۶۴۲۸۹– ۶۴۲۶۴).

(۲۰۴۳)

#### ترجمه نامه ۴۳

#### اشاره

(نامه به مصفقله بن هبیره شیبانی، فرماندار اردشیر خزّه «فیروز آباد» از شهرهای فارس ایران که در سال ۳۸ هجری نوشته شد) (۶۴۲۰۴– ۶۴۲۹۰)

#### سخت گیری در مصرف بیت المال

گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای، و امام خویش را نا فرمانی کرده‌ای، خبر رسید که تو عنیت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گرد آورده و با ریخته شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو‌اند، و تو را برگزیدند، می‌بخشی (۶۴۳۳۴– ۶۴۳۰۵)! به خدایی که دانه را شکافت، و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است! پس حق پروردگارت را سبک مشمار، و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن، که زیانکارترین انسانی (۶۴۳۶۶– ۶۴۳۳۵). آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت‌المال مساوی است، همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند (۶۴۳۸۷– ۶۴۳۶۷).

(۲۰۴۴)

#### ترجمه نامه ۴۴

#### اشاره

(نامه به زیاد بن ابیه در سال ۳۹ هجری آن هنگام که امام با خیر شده، معاویه نامه‌ای به او نوشته، و به بهانه اینکه زیاد برادر معاویه است می‌خواهد او را فریب دهد) (۶۴۴۰۶– ۶۴۳۸۸) «۱»

#### اشتای نوظئه معاویه نسبت به زیاد

اطلاع یافتم که معاویه برای تو نامه‌ای نوشته تا عقل تو را بلغزاند، و اراده تو را سست کند. از او پرس که شیطان است، و از پیش

روه و پشت سره و از راست و چپ به سوی انسان می‌آید تا در حال فراموشی، او را تسلیم خود سازد، و شعور و درکش را بر باید (۶۴۴۱–۶۴۴۰). آری ابو سفیان در زمان عمر بن خطّاب اذعایی بدون اندیشه و با وسوسه شیطان کرد که نسبی را درست می‌کنند، و نه کسی با آن سزاوار ارث می‌شود. اذعا کننده چونان شتری بیگانه است که در جمع شتران یک گله وارد شده تا از آیشخور آب آنان بنوشد که دیگر شتران او را از خود ندانسته، و از جمع خود دور کنند. یا چونان طرفی که بر بالان مرگی آویزان و پیوسته از این سو بدان سو لرزان باشد (۶۴۴۸–۶۴۴۲).

(وقتی زیاد نامه را خواند گفت به پروردگار کعبه سو گند که امام علیه السلام به آنچه در دل من می‌گذشت گواهی داد تا آن که معاویه او را به همکاری دعوت کرد (۶۴۴۶–۶۴۴۷). «واعل» حیوانی است که برای نوشیدن آب هجوم می‌آورد اما از شمار گله نیست و همواره دیگر شتران او را به عقب می‌رانند (۶۴۵۱–۶۴۴۷)، و «نوط مذذب» ظرفی است،

(۱) زیاد فرزند سمیه کنیز حارث بن کلبه و پدرش یک غلام رومی بنام عبید بود، و چند نفر از جمله ابو سفیان ادعا می‌کردند فرزند آنهاست که معاویه بر اساس همین ادعای شرم آور، زیاد را برادر خود خواند و او را فریب داد، و چون عدّهای خود را پدر او می‌خواندند او را زیاد بن ایه (زیاد پسر پدرش) می‌خواندند.

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۵۳**

که به مرکب می‌آویزند، که همیشه به این سو و آن سو می‌جهد، و در حال حرکت لرزان است) (۶۴۵۰–۶۴۵۱).

(۲۰۴۵)

## ترجمه نامه ۴۵

### اشاره

(نامه به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری که دعوت مهمانی سرمایه‌داری از مردم بصره را پذیرفت در سال ۳۶ هجری (۶۴۵۷–۶۴۵۴).

### ا ضرورت ساده زمینی کارگزاران

پس از یاد خدا و درودا ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند (۶۴۵۳–۶۴۵۸) گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می‌خوری؟

پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بینکن، و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن (۶۴۶۲–۶۴۵۹).

### ۲ امام الکوی ساده زمینی

آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کنند، و از نور دانشش روشنی می‌گیرد، آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید (۶۴۶۷–۶۴۶۶). پس سو گنند به خدا! من از دنیای شما طلا، و نقره‌ای نیندوخته، و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم (۶۴۶۵–۶۴۶۶)، و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است!

آری از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، فدک ۱۱، در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیده، و مردمی دیگر سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند، و بهترین داور خداست (۶۴۷۳–۶۴۶۸). مرا با فدک و غیر فدک چه کار؟

(۱) پس از فتح خیبر دیگر یهودیان آن سامان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلح کردند و باغات فدک را به آن حضرت بخشیدند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به فاطمه زهرا علیها السلام اهداء فرمود، و سندی برای آن تنظیم کرد و ۵ سال در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دست فاطمه علیها السلام قرار داشت اما در حکومت ابا بکر آن را غصب کردند.. (به کتاب فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام حرف ف، فدک مراجعه کنید).

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۵۵**

در حالی که جایگاه فدای آدمی گوار است، که در تاریکی آن، آثار انسان نابود و اخبارش پنهان می‌گردد، گودالی که هر چه بر وسعت و آرزوی بفریاند، و دست‌های گور کن فراخش نماید، سنگ و کلوخ آن را پر کرده، و خاک انباشته رخنه‌هایش را مسدود کند (۶۴۷۲–۶۴۷۳).

من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در آمان، و در لغزشگاه‌های آن ثابت قدم باشم (۶۴۷۸–۶۴۷۳).

من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیاهت که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعامهای لذیذ بر گرینم، در حالی که در «حجاز» یا «بمابه» ۱۱ کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوامم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت:

«این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند» (۶۴۸۰–۶۴۸۲).

۲۱ آیا به همین رضایت دهم که هر امیر المؤمنین علیه السلام خوانند و در نلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟ (۶۴۸۲–۶۴۸۱) آفریده شده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پروازی که تمام همت او علف، و با چون حیوان رها شده که شغش چریدن و پر کردن شکم بوده، و از آینه خود بی خبر است. آیا مرا بپهوه آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته‌اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم؟ و یا در راه سرگردانی قدم بگذارم؟ (۶۴۸۳–۶۴۸۳). گویا می‌شوم که شخصی از شما می‌گوید:

«اگر غذای فرزند ایی طالب همین است، پس سستی او را فرا گرفته و از نبرد با هموردان و شجاعان باز مانده است.

آگاه باشید! درختان بیابانی، چویشان سخت‌تر، و درختان کناره جویبار بوستان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چویشان شعله‌ورتر و پر دوام‌تر است (۶۴۹۸–۶۴۹۱). ۳۰ من و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چونان روشنایی یک چراغیم، یا چون آرنج به یک بازو پیوسته‌ایم، به خدا سو گند! اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند، از آن روی بر ننام، و اگر فرصت داشته باشم به بیکار همه می‌شنام (۶۴۹۸–۶۴۹۹)، و تلاش می‌کنم که زمین را از این شخص مسخ شده «معاویه» و این جسم کج اندیش، پاک سازم تا سنگ و شن از میان دانه‌ها جدا گردد (۶۵۰۸–۶۴۹۸). (قسمتی از این نامه است)

### ۳ امام و دنیای دنیا پرستان

ای دنیا از من دور شو، مهارت را بر پشت تو نهاده، و از چنگال‌های تو رهایی یافتم، و از دام‌های تو نجات یافته، و از لغزشگاه‌عبایت دوری گزیده‌ام (۶۵۰۳–۶۵۰۹). کجایند بزرگانی که به بازیچه‌های خود فریشان داده‌ای؟

(۱) بمابه: سرزمینی در جنوب عربستان

(۲) این شعر منسوب به حاتم طایی است.

(۳) اشاره به علم: بوتانی (BOTANY) گیاه شناسی)

**نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۵۷**

کجایند امت‌هایی که با زر و زیورث آنها را فریفتی؟ که اکنون در گورها گرفتارند! و درون لحدها پنهان شده‌اند (۶۵۰۲–۶۵۰۳). ای دنیا به خدا سو گند! اگر شخصی دیدنی بودی، و قالب حس کردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می‌کردم، به جهت بندگانی که آنها را با آرزوهایت فریب دادی، و ملت‌هایی که آنها را به هلاکت افکندی، و قدرتمندانی که آنها را تسلیم ناپودی کردی، و هدف انواع بلاها قرار دادی که دیگر راه پس و پیش ندارند (۶۵۰۸–۶۵۰۳)، اما هیاهت! کسی که در لغزشگاه تو قدم گذارد سقوط خواهد کرد، و آن کس که بر امواج تو سوار شد غرق گردید، کسی که از دام‌های تو رهائی یافت پیروز شد، آن کس که از تو به سلامت گذشت نگران نیست که جایگاهش تنگ است، زیرا دنیا در پیش او چونان روزی است که گذشت (۶۵۱۲۰–۶۵۰۹).

از برابر دیدگاتم دور شو، سوگند به خدا، رام تو نگردم که خوارم سازی، و مهارم را به دست تو ندهم که هر کجا خواهی مرا بکشایی، به خدا سوگند، که تنها اراده خدا در آن است، چنان نفس خود را به ریاضت وادارم که به یک قرص نان، هر گاه بیایم شاد شود، و به نمک به جای نان خورش قناعت کند (۶۵۱۵۵–۶۵۱۲۱)، و آنقدر از چشم‌ها اشک ریزم که چو نان چشمه‌ای خشک در آید، و اشک چشمم پایان پذیرد (۶۵۱۶۴–۶۵۱۵۶).
آیا سزاوار است که چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند، و گله گوسفندان پس از چرا کردن به آغل رو کنند، و علی نیز [همانند آنان] از زاد و توشه خود بخورد و استراحت کند؟ چشمش روشن باد! که پس از سالیان دراز، چهارپایان رها شده، و گله‌های گوسفندان را الگور قرار دهد. (۶۵۱۹۵–۶۵۱۶۵)!!
خوشا به حال آن کس که مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده و در راه خدا هر گونه سختی و تلخی را به جان خریده، و به شب زنده‌داری پرداخته است، و اگر خواب بر او چیره شده بر روی زمین خوابیده، و کف دست را بالین خود قرار داده، و در گروهی است که ترس از معاد خواب را از چشمانشان ربوده، و پهلوی از بسترها گرفته (۶۵۲۳۱–۶۵۱۹۶)، و لپه‌ایشان به یاد پروردگار در حرکت و با استغفار طولانی گناهان را زدوده‌اند: «آنان حزب خداوند، و همانا حزب خدا رستگار است» (۶۵۲۵۰–۶۵۲۳۲)
پس از خدا ترس ای پسر خنیف، و به فرص‌های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهائی بخشد (۶۵۲۶۲–۶۵۲۵۱).

(۲۰۴۶)

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، اجلد، مشهور - ایران ؛ قم: چاپ: اول، ۱۳۷۹.ش.
نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص۵۵۷

#### ترجمه نامه ۴۶

#### اشاره

(نامه به یکی از فرمانداران در سال ۳۸ هجری، نوشته‌اند این نامه به مالک اشتر نوشته شد)

#### مستوریت فرمانداری و اخلاق اجتماعی

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۵۹

پس از یاد خدا و درودا همانا تو از کسانی هستی که در یاری دین از آنها کمک می‌گیری،م و سرکشی و غرور نگاهکاران را در هم می‌کوبم.

و مرزهای کشور اسلامی را که در تهدید دشمن قرار دارند حفظ می‌کنم (۶۵۲۹۰–۶۵۲۶۳)، پس در مشکلات از خدا باری جوی، و درشتخویی را با اندک نرمی بیامیز.

در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن (۶۵۳۱۶–۶۵۲۹۱)، پر و بالث را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و تا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند.
با درود (۶۵۳۵۳–۶۵۳۱۷)

(۲۰۴۷)

#### ترجمه نامه ۴۷

#### اشاره

(وصیت امام علیه السلام به حسن و حسین علیهما السلام پس از ضربت ابن ملجم که لعنت خدا بر او باد می‌باشد که در ماه رمضان سال ۴۰ هجری در شهر کوفه مطرح فرمود) (۶۵۳۶۸–۶۵۳۵۴)

#### ا بندهای جاودانه

شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، به دنیا پرستی روی نیاورید، گرچه به سراغ شما آید، و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید، حق را بگویید، و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید (۶۵۳۹۹–۶۵۳۶۹).

شما را، و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانان سفارش می‌کنم، زیرا من از جدّ شما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود:

«اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است» (۶۵۴۳۲–۶۵۴۰۰).

خدا را! خدا را! در باره یتیمان، نکند آنان گماهی سیر و گاه گرسنه بمانند، و حقوقشان ضایع گردد! خدا را! خدا را! در باره همسایگان، حقوقشان را رعایت کنید که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شماست، همواره به خوشرفتاری با همسایگان سفارش می‌کرد تا آنجا که گمان بردیم برای آنان ارضی معین خواهد کرد (۶۵۴۵۹–۶۵۴۳۳).

خدا را! خدا را! در باره قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند.

خدا را! خدا را! در باره نماز، چرا که ستون دین شماست.

خدا را! خدا را! در باره خانه خدا، تا هستند آن را خالی نگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی‌شود.

خدا را! خدا را! در باره جهاد یا اموال و جانها و زبان‌های خویش در راه خدا (۶۵۵۰۵–۶۵۴۶۰).

بر شما باد به پیوستن یا یکدیگر، و بخشش همدیگر، مبادا از هم روی گردانید، و پیوند دوستی را از بین ببرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد. (۶۵۵۳۲–۶۵۵۰۶) (سپس فرمود).

#### ۲ سفارش به رعایت ضرورات عدالت در قصاص

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۶۱

ای فرزندان عبد المطلب: مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید [و دست به کشتار بزنید] و بگویید، امیر مؤمنان کشته شد، بدانید جز کشته‌شدن من کسی دیگر نباید کشته شود (۶۵۵۵۴–۶۵۵۳۳).
درست بنگرید! اگر من از ضربت او مردم، او را تنها یک ضربت بزنید، و دست و پا و دیگر اعضای او را مرید، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «بپرهیزید از بریدن اعضای مرده، هر چند سنگ دیوانه باشد» (۶۵۵۸۱–۶۵۵۵۵).

(۲۰۴۸)

#### ترجمه نامه ۴۸

#### اشاره

(نامه به معاویه در ماه صفر سال ۳۸ هجری در صغّین)

#### اندرز دادن دشمن

همانا ستمگری و دروج پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می‌کند، و عیب او را نزد عیب جوان آشکار می‌سازد، و تو می‌دانی آنچه که از دست رفت باز نمی‌گردد. گروهی باطل طلبند، و خواستند با تفسیر دروغین، حکم خدا را دگرگون سازند، و خدا آنان را دروغگو خواند (۶۵۶۴۴–۶۵۵۸۲).
معاویه، از روزی برس که صاحبان کارهای پسندیده خوشحالند، و تأسف می‌خورند که چرا عملشان اندک است، آن روز کسانی که مهار خویش در دست شیطان دادند سخت پشیمانند (۶۵۶۴۱–۶۵۶۲۵).

تو ما را به داوری قرآن خواندی، « ! در حالی که خود اهل قرآن نیستی، و ما هم پاسخ مثبت به تو ندادیم، بلکه داوری قرآن را را گردن نهادیم. با درود (۶۵۶۶۳–۶۵۶۴۲).

(۲۰۴۹)

#### ترجمه نامه ۴۹

#### اشاره

(نامه دیگری به معاویه)

#### هشدار به معاویه از دنیا پرستی

پس از یاد خدا و درود! همانا دنیا انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها باز می‌دارد. دنیا پرستان چیزی از دنیا به دست نمی‌آورند جز آن که دری از حرص به رویشان گشوده، و آتش عشق آنان تندتر می‌گردد، کسی که به دنیای حرام برسد از آنچه به دست آورده راضی و بی نیاز نمی‌شود، و در فکر آن است که به دست نیآورده، اما سر انجام آن، جدا شدن از فراهم آورده‌ها، و به هم ریختن یافته شده‌هاست(۶۵۷۱۴–۶۵۶۶۴). اگر از آنچه گذشته عبرت گیری، آنچه را که باقی مانده می‌توانی حفظ کنی. با درود (۶۵۷۲۴–۶۵۷۱۵).

(۱) وقتی جنگ بین دو سپاه امام و شامیان گسترده شد و در شب لیله الهبیر، لشکر امام ضربه‌های کاری و نهایی را بر سپاهیان شام وارد ساختند و معاویه قصد فرار داشت بدستور عمرو عاص قرآن بر سر نیزه زدند تا کوفیان را از پیشروی باز دارند که با این حمله جان سالم بدر برند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۶۳

(۲۰۵۰)

#### ترجمه نامه ۵۰

#### اشاره

(نامه به فرماندهان سپاه)

#### ۱ برهیز از غرور زدگی در نعمت‌ها

از بنده خدا، علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان به نیروهای مسلح و مرز داران کشور (۶۵۷۴۵–۶۵۷۲۵) پس از یاد خدا و درود! همانا بر زمامدار واجب است که اگر اموالی به دست آورد، یا نعمتی مخصوص او شد، دچار دگرگونی نشود، و با آن اموال و نعمت‌ها، بیشتر به بندگان خدا نزدیک گردد و به پرادرازش مهربانی بیشتری روا دارد (۶۵۷۷۸–۶۵۷۴۶).

#### ۲ مسئولیت‌های رهبری و نظامیان

آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم، و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده آن بپردازم، و با همه شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم (۶۵۸۱۸–۶۵۷۷۹).

پس وقتی من مسئولیت‌های یاد شده را انجام دهم، بر خداست که نعمت‌های خود را بر شما ارزانی دارد (۶۵۸۲۵–۶۵۸۱۹)، و اطاعت من بر شما لازم است، و نباید از فرمان من سرپیچی کنید، و در انجام آنچه صلاح است سستی ورزید، و برای رسیدن به حق تلاش کنید، حال اگر شما پایداری نکنید، خوارترین افراد نزد من انسان کج رفتار است، که او را به سختی کيفر خواهم داد، و هیچ راه فراری نخواهد داشت (۶۵۸۷۰–۶۵۸۲۶)، پس دستور العمل‌های ضروری را از فرماندهانان دریافت داشته، و از فرماندهان خود در آنچه که خدا امور شما را اصلاح می‌کند، اطاعت کنید، با درود (۶۵۸۸۵–۶۵۸۷۱).

(۲۰۵۱)

#### ترجمه نامه ۵۱

#### اشاره

(نامه به کارگزاران بیت المال)

#### اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی

از بنده خدا علی امیر مؤمنان به کارگزاران جمع آوری مالیات.

پس از یاد خدا و درود. همانا کسی که از روز قیامت نرسد، زاد و توشه‌ای از پیش نخواهد فرستاد (۶۵۹۱۸–۶۵۸۸۶). بدانید مسئولیتی را که به عهده گرفته‌اید اندک اما پاداش آن فراوان است، اگر برای آنچه که خدا نهدی کرد «مانند ستمکاری و دشمنی» کيفری نبود. برای رسیدن به پاداش در ترک آن نیز عذری وجود نداشت (۶۵۹۵۳–۶۵۹۱۹)، در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید، و در بر آوردن نیازهایشان شکیا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم. و نمایندگان ملت،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۶۵

و سفیران پیشوایان هستید، هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید، و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید (۶۵۹۸۰–۶۵۹۵۴)، و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی با زمستانی، و مرکب سواری، و برده کاری او را نفروشید (۶۵۹۹۹–۶۵۹۸۱)، و برای گرفتن درمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی «نماز گزار باشد، یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است» اِ» دست اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود.

زیرا برای مسلمان جایز نیست آنها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد، تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند (۶۶۰۴۲–۶۶۰۰۰).

از پند دادن به نفس خویش هیچ گونه کوتاهی نداشته، از خوشرفتاری با سپاهیان، و کمک به رعایا، و تقویت دین خدا، غفلت نکنید (۶۶۰۶۱–۶۶۰۴۳)، و آنچه در راه خدا بر شما واجب است انجام دهید. همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته است که در شکرگزاری کوشا بوده، و با تمام قدرت او را یاری کنیم، او نیرویی جز از جانب خدا نیست» (۶۶۰۹۳–۶۶۰۶۲).

(۲۰۵۲)

#### ترجمه نامه ۵۲

#### اشاره

(نامه به فرمانداران شهرها در باره وقت نماز) (۶۶۱۰۴–۶۶۰۹۴)

#### وقت‌های نماز پنجگانه

پس از یاد خدا و درود! نماز ظهر را با مردم وقتی بخوانید که آفتاب به طرف مغرب رفته، سایه آن به اندازه دیوار آغل بزر گسترده شود، و نماز عصر را با مردم هنگامی بخوانید که خورشید سفید است و جلوه دارد و پاره‌ای از روز مانده که تا غروب می‌توان دو فرسخ راه را پیمود (۶۶۱۳۱–۶۶۱۰۵). و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوانید که روزه دار افطار، و حاجی از عرفات به سوی منی کوچ می‌کند. و نماز عشاء را با مردم وقتی بخوانید که شفق پنهان، و یک سوم از شب بگذرد، و نماز صبح را با مردم هنگامی بخوانید که شخص چهره همراه خویش را بشناسد (۶۶۱۶۲–۶۶۱۳۳)، و نماز جماعت را در حد تاوان آنان بگزارید، و فتنه‌گر میناشید (۶۶۱۷۱–۶۶۱۶۳).

(۲۰۵۳)

#### ترجمه نامه ۵۳

#### اشاره

(نامه به مالک اشتر، ۲۱ در سال ۳۸ هجری هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید، آن هنگام که اوضاع محمد بن ابی بکر متزلزل شد، و از طولانی‌ترین نامه‌هاست که زیبایی‌های تمام نامه‌ها را دارد) (۶۶۲۰۱–۶۶۱۷۲).

بنام خداوند بخشنده و مهربان، این فرمان بنده خدا علی امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث

(۱) منظور ذمی است، یهودیان و مسیحیانی که در پناه دولت اسلامی زندگی می‌کردند.

(۲) مالک در سرزمین «بین» در روستای «بیشه» چشم به دنیا گشود. از قبیله «مذحج» بود که بعدها به مالک اشتر معروف شد، و پدرش یعقوب بن نغم می‌باشد که به مالک نغمی «جده پدری» نیز معروف شد، مالک پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ با رومیان شرکت کرد، و از شام به کمک سعد وقاص آمده در فتح ایران رفت. در حکومت عثمان با فرماندار فاسد او در کوفه درگیر شد، و اول کسی بود که با امام علی علیه السلام بیعت کرد، مردم کوفه را برای جنگ جمل او آماده ساخت، و در جنگ جمل بود که لیاقت و شجاعت او شهره شد، در صفین نقش تعیین کننده داشت، نه تنها در شجاعت بلکه در عبادت و ایمان و تقوا نیز مشهور بود و در سال ۳۸ هجری در روستای «قزم» بین راه مصر توسط جاسوسان معاویه با زهر مسموم و به شهادت

رسید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۶۷

است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزیند تاخراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد (۶۶۲۳۵-۶۶۲۰۲).

#### ۱ ضرورت خود سازی

او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد، و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سُنَّت‌ها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد، و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد گردید (۶۶۲۶۶-۶۶۲۳۶).

به او فرمان می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان باری کند، زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را باری دهد، و بزرگ دارد آن کس را که او را بزرگ شمارد (۶۶۲۸۸-۶۶۲۶۷).

و به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد، و به هنگام سرکشی رامش کند، که: «همانا نفس همواره به بدی او می‌دارد جز آن که خدا رحمت آورد» (۶۶۳۰۷-۶۶۲۸۹) پس ای مالک بدان! من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا مستمگری بر آن حکم رانده‌اند، مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و در باره تو آن می‌گویند که تو نیست به زمامداران گذشته می‌گویی (۶۶۳۴۸-۶۶۳۰۸)، و همانا نیکو کاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری ساخت.

پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد (۶۶۳۶۷-۶۶۳۴۹)، هوای نفس را در اختیار گیر، و از آنچه حلال نیست خویشش داری کن، زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد، یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی.

#### ۲ اخلاق رهبری (روش برخورد با مردم)

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش (۶۶۳۹۶-۶۶۳۶۸).
میادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.
«۱» اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا عَظِّهایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند (۶۶۴۳۲-۶۶۳۹۷)، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد.
همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذراده، و آنان را وسیله آرزومند تو قرار داده است (۶۶۴۶۸-۶۶۴۳۳).
هرگز با خدا مستیز، که تو را از کفر او نجاتی نیست، و از بخشش و رحمت او بی‌نیاز نخواهی بود. بر بخشش دیگران پشیمان مباش، و از کفر کردن شادی مکن (۶۶۴۹۶-۶۶۴۶۹)، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش. به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود، «۲» که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد،

(۱) نفی تفکر: راسیزم (RACISM)نژاد پرستی) و آپارتاید (APARTHEID)نژاد پرستی) و نفی: الیتسیم (ELITISM)مخود برتر بینی و نخه گرایی) و تأیید: انتر ناسیونالیسم (INTERNATIONALISM و کاسموپولیتانیسم (COSMOPOLITANISM که همه مَنها برادر و برابرنند.

(۲)- نفی حکومت: اِبسولوتیسم (ABSOLUTISM)حکومت‌های مطلقه و استبدادی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۶۹

و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت‌هاست (۶۶۵۲۳-۶۶۴۹۷).
و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر (۶۶۵۵۱-۶۶۵۲۴)، که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، و تند روی تو را فرو می‌نشاند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند (۶۶۵۷۰-۶۶۵۵۲).

#### ۳ برهیز از غرور و خود پسندی

ببرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند پنداری، و در شکوه خداوندی همانند او دانی، زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد، و هر خود پسندی را بی‌ارزش می‌کند (۶۶۵۹۰-۶۶۵۷۱).
با خدا و با مردم، و با خویشاوندان نزدیک، و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی (۶۶۶۱۲-۶۶۵۹۱)، و کسی که به پندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شده، دلیل او را نپذیرد، که با خدا سر جنگ دارد، تا آنگاه که باز گردد، یا توبه کند (۶۶۶۳۶-۶۶۶۱۳)، و چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند، و کفر او را نزدیک نمی‌سازد، که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است (۶۶۶۶۰-۶۶۶۳۷).

#### ۴ مردم گزایی، حق گزایی

دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (زردیکان) را از بین می‌برد، امّا خشم خواص را خشنودی همگان بی‌آثر می‌کند (۶۶۶۹۰-۶۶۶۶۱).
خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سخنی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم سیاسی‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها، دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم استقامت‌تر می‌باشند (۶۶۷۳۲-۶۶۶۹۱).
در صورتی که ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد (۶۶۷۵۱-۶۶۷۳۳).

#### ۵ ضرورت راز داری

از رعیت، آنان را که عیب جوترند از خود دور کن «۱» زیرا مردم عیبی دارند که رهبر اُمّت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس میادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه که هودبادت یوشانی (۶۶۷۸۲-۶۶۷۵۲)، که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد،

(۱) نفی: آپورتونیسم (OPPORTUNISM)فرصت طلبی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷۱

پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیوشاند (۶۶۸۰۱-۶۶۷۸۳)، گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای، و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن، و از آنچه که در نظر روشن نیست کناره گیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرز دهنده ظاهر می‌شود امّا خیانکار است (۶۶۸۳۴-۶۶۸۰۲).

#### ۶ جایگاه صحیح مشورت

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکو کاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص او با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرّت گرانگویی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است (۶۶۸۷۲-۶۶۸۳۵).

بدرترین وزیران تو، کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده، و در گناهان آنان شرکت داشته، پس میادا چنین افرادی محرم راز تو باشنده، زیرا که آنان یاوران گناهکاران، و یاری دهندگان ستمکارانند (۶۶۸۹۵-۶۶۸۷۳).

تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری امثال آنها را داشته، امّا گناهان و کردار زشت آنها را نداشته باشند: کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده، و گناه کاری را در گناهی کمک نرسانده باشند (۶۶۹۲۷-۶۶۸۹۶).

هزینه این گونه از افراد بر تو سبک‌تر، و یاریشان بهتر، و مهربانشان بیشتر، و دوستی آنان با غیر تو کمتر است. آنان را از خواص، و دوستان نزدیک، و راز داران خود قرار ده (۶۶۹۴۹-۶۶۹۲۸)، سپس از میان آنان افرادی را که در حق گویی از همه صریح‌ترند، و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مدد کار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند (۶۶۹۷۳-۶۶۹۵۰).

**۷ اصول روابط اجتماعی رهبران**

تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگروبان بییوندد، و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند، و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند، که ستایش بی‌اندازه، خود بسپندی می‌آورد، و انسان را به سرکشی وا می‌دارد (۶۶۹۹۹–۶۶۹۷۴).

هرگز نیکو کار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رعبت، و بدکاران در بد کاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده (۶۷۰۲۹–۶۷۰۰۰).

بناد ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم، و تخفیف مالیات، و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد (۶۷۰۵۶–۶۷۰۳۰). پس در این راه آتشدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوشبین شوی، که این خوشبینی رنج طولانی مشکلات را از تو بر می‌دارد (۶۷۰۷۴–۶۷۰۵۷).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷۳

پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر خوشبین باش، و به آنان که بد رفتاری کردی بد گمان‌تر باش (۶۷۰۸۵–۶۷۰۷۵). و آداب پستدیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن بیوندد خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، به هم مزین، و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند «۱۰» پدید نیآور، که پاداش برای آورنده سنت، و کفر آن برای تو باشد که آنها را در هم شکستی (۶۷۱۳۴–۶۷۰۸۶). با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت (۶۷۱۵۵–۶۷۱۳۵).

**۸ شناخت افسار گوناگون اجتماعی**

#### اشاره

ای مالک بدان!مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگری بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی (۶۷۱۹۰–۶۷۱۵۶)، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، نجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشوران، و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند(۶۷۲۱۷–۶۷۱۹۱)، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است (۶۷۲۳۹–۶۷۲۱۸). پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راههای تحقق امتیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگرودد (۶۷۲۵۹–۶۷۲۴۰)، و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند، و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند (۶۷۲۸۶– ۶۷۲۶۰). ۲۰» سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند، و آن قضضات، و کارگزاران دولت، و نویسندگان حکومتند، که قراردادها و معاملات را استوار می‌کنند، و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند، و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند (۶۷۳۱۶–۶۷۲۸۷). و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان، و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیآورند، زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند، و در بازارها عرضه می‌کنند، و بسیاری از وسائل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است (۶۷۳۴۵–۶۷۳۱۷). قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندند که باید به آنها بخشش و باری کرد (۶۷۳۵۸–۶۷۳۴۶).

برای تمام افسار گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است، و همه آنان به مقداری

(۱) اشاره به نقد: تردیسینوالیسیم( TRADITIONALISM )احترام به اصالت سنن و آداب) و نقد ریتو الیسیم( RITUALISM (آداب پرستی افراطی) که عکس دیالکتیک( DIALECTIC تغییر عمومی) است، از دیدگاه امام (ع) نه همه سنتها اصالت دارند و نه همه سنت‌ها را باید طرد کرد، بلکه با ارزیابی صحیح باید آداب و سنن نیکو را محترم شمرد.

(۲) -نقد میلیتاریسم( MILITATISM اصالت دادن به امور نظامی) که ارتش و نظامیان با اینکه جایگاه مهم و ارزشمندی در جامعه اسلامی دارند، اما نباید به نظامی و نظامی‌گری اصالت داد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷۵

که امورشان اصلاح شود بر زمامدار، حقی مشخص دارند، و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موقف باشد جز آن که تلاش فراوان نمایند، و از خدا یاری بطلبند، و خود را برای انجام حق آماده سازد، و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیایی وززد (۶۷۴۰۱–۶۷۳۵۹).

#### اول سیمای نظامیان

برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام تو بیشتر، و دامن او پاکدتر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندانه، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد (۶۷۴۴۴–۶۷۴۰۲).

سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و ششور و بخشنده و بلند نظرنند، روابط نزدیک بر قرار کن، آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده، و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند (۶۷۴۷۴–۶۷۴۴۴). پس در کارهای آنان به گونه‌ای بیندیش که پدري مهربان در باره فرزندش می‌اندیشد، و مبادا آنچه را که آنان را بدان نیرومند می‌کنی در نظرت بزرگ جلوه کند، و نیکوکاری تو نسبت به آنان- هر چند اندک باشد- خوار مینماید، زیرا نیکی، آنان را به خیرخواهی تو خواند، و گمانشان را نسبت به تو نیکو گرداند (۶۷۵۱۰–۶۷۴۷۴)، و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خاطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذارد، زیرا از نیکی اندک تو سود می‌برند، و به نیکی‌های بزرگ تو بی‌نیاز نیستند (۶۷۵۳۳–۶۷۵۱۱).

برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که از همه بیشتر به سربازان کمک رساند، و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه، و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن، سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند.

همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به تو می‌کشاند (۶۷۵۷۰–۶۷۵۳۳)، و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است (۶۷۵۸۴–۶۷۵۷۱)، که محبت دل‌های رعیت جز با پاکي قلب‌ها پدید نمی‌آید، و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته، و حکومت یار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد، و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد (۶۷۶۱۰–۶۷۵۸۵).

پس آرزوهای سپاهیان را بر آور، و همواره از آنان ستایش کن، و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می‌انگیزاند، و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد، انشاء الله (۶۷۶۳۹–۶۷۶۱۱). و در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمت هر یک از آنان را شناسایی کن، و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذاشته،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷۷

و ارزش خدمت او را ناچیز شمار، تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری، با گشامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی (۶۷۶۸۵–۶۷۶۴۰).

مشکلاتی که در احکام نظامیان برای تو پدید می‌آید، و اموری که برای تو شیهه ناکند، به خدا، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باز گردان (۶۷۷۰۰–۶۷۶۸۶)، زیرا خدا برای مردمی که علاقه داشته هدایشان کند فرموده است:

ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا و رسول و امامانی که از شما هستند اطاعت کنید، و اگر در چیزی تاراج دارید، آن را به خدا و رسولش باز گردانید(۶۷۷۲۹–۶۷۷۰۱) پس باز گردانند چیزی به خدا، یعنی عمل کردن به قرآن، و باز گرداندن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی عمل کردن به سنت او که وحدت بخش است، نه عامل پراکندگی (۶۷۷۴۴–۶۷۷۳۰).

#### دوم سیمای قضات و داوران

سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیآورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشیاءش بافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طبع او از دل ریشه کن کند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد(۶۷۷۸۹–۶۷۷۴۵)، و در شهبات از همه با احتیاطتر عمل کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیاتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد، و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندکند (۶۷۸۲۲–۶۷۷۸۰)!!.

سید علی حسینی

پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در فضاوت‌های او بیندیش، و آنقدر به او ببخش که نیازهای او بر طرف گردد، و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد (۶۷۸۵۸–۶۷۸۳۳).

در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود، که با نام دین به هوا پرستی پرداخته، و دنیای خود را به دست می‌آوردند (۶۷۸۷۹–۶۷۸۵۹).

#### سوم سیمای کارگزاران دولتی

سپس در امور کارمندانت بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی، و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است (۶۷۸۹۹–۶۷۸۸۰). کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷۹

از خاندانهای پاکیزه و با تقوی، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبرویشان محفوظتر، و طمع و روزی‌شان کمتر، و آینده نگری آنان بیشتر است (۶۷۹۳۲–۶۷۹۰۰).

سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرامنت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند (۶۷۹۶۰–۶۷۹۳۳).

سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود (۶۷۹۸۵–۶۷۹۶۱).

و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرده، به همین مقدار گواهی قناعت کرده (۶۸۰۰۵–۶۷۹۸۶) او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بد نامی به گردنش بیفکن (۶۸۰۲۷–۶۸۰۰۶).

#### چهارم سیمای مالیات دهندگان

مالیات و بیت المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بیهودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقتشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند (۶۸۰۵۷–۶۸۰۲۸).

باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدّتی دوام نیآورد (۶۸۰۹۲–۶۸۰۵۸).

پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، با آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کسی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکالی، در گرفتن مالیات به میزان تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد (۶۸۱۱۹–۶۸۰۹۳)، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد (۶۸۱۳۹–۶۸۱۲۰)، و رعیت تو را می‌سپیند، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قوت آنان نکیه خواهی کرد، بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت (۶۸۱۶۸–۶۸۱۴۰)، آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۸۱

و به عهده‌شان بگذاری، یا شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند (۶۸۱۸۸–۶۸۱۶۹). همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است، و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند، و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند (۶۸۲۱۳–۶۸۱۸۹).

#### پنجم سیمای نویسندگان و منشیان

سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی بیندیش، و کارهایت را به بهترین آنان واگذار، و نامه‌های محرمانه، که در بر دارندهد سیاست‌ها و اسرار تو است، از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح‌تر از دیگران باشد، کسی که گرامی داشتن، او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند (۶۸۲۴۷–۶۸۲۱۴)، و در رساندن نامه کار گزارانت به تو، یا رساندن پاسخ‌های تو به آنان کوتاهی نکند، و در آنچه برای تو می‌سناند یا از طرف تو به آنان تحویل می‌دهد، فراموش کار نباشد. و در تنظیم هیچ قراردادی سستی نرزد، و در برهم زدن قراردادی که به زیان نوست کوتاهی نکند (۶۸۲۸۳–۶۸۲۴۸) و منزلت و قدر خویش را بشناسد، همانا آن که از شناخت قدر خویش عاجز باشد، در شناخت قدر دیگران جاهل‌تر است (۶۸۲۹۹–۶۸۲۸۴).
منادا در گزینش نویسندگان و منشیان، بر نیز هوشی و اطمینان شخصی و خوش باوری خود نکیه نمای، زیرا افراد بزرگ با ظاهر سازی و خوش خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می‌نمایند، که در پس این ظاهر سازی‌ها، نه خیرخواهی وجود دارد، و نه از امانت داری نشانی یافت می‌شود (۶۸۳۳۰–۶۸۳۰۰)؛ لکن آنها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده‌اند بیازمایی، به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته، و به امانت داری از همه مشهورترند، که چنین انتخاب درستی نشان دهنده خیرخواهی تو برای خدا، و مردمی است که حاکم آتانی (۶۸۳۵۷–۶۸۳۳۱).

برای هر یک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد، و فراوانی کار او را در مانده نسازد، و بدان که هر گاه در کار نویسندگان و منشیان تو کمیودی وجود داشته باشد که تو بی‌خبر باشی خطرات آن دانسگیر تو خواهد بود.

#### ششم سیمای بازرگانان و صاحبان صنایع

سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند (۶۸۴۰۲–۶۸۳۵۸)، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشواری باشند، از بیابان‌ها و دریاها، و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۸۳

و از ستیزه جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشنی طلبند که فتنه انگیزی ندارند (۶۸۴۴۲–۶۸۴۰۳).

در کار آنها بیندیش! چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر دادم.

این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند. و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سود جویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر زمامدار است (۶۸۴۷۹–۶۸۴۴۳).

پس، از احتکار کالا- جلوگیری کن، که رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند (۶۸۵۰۶–۶۸۴۸۰)، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن (۶۸۵۱۷–۶۸۵۰۵).

#### هفتم سیمای محرومان و مستضعفان

سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند (۶۸۵۴۴–۶۸۵۱۸)، پس برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از علف‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد (۶۸۵۷۴–۶۸۵۴۵) و تو مسئول رعایت آن می‌باشی.

منادا سر منستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم غداری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود.

همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان (۶۸۶۰۱–۶۸۵۷۵)، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند.

برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند (۶۸۶۲۶–۶۸۶۰۲). سپس در دفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا مغذری داشته باشی؛ زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی (۶۸۶۵۳–۶۸۶۲۷)، از بیتماز خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند. و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حق، نمانش سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، پس در دفع مشکلاتش با او می‌دارند، و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند (۶۸۶۹۶–۶۸۶۵۴). پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بشننی و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باشی، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند (۶۸۷۳۱–۶۸۶۹۷).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۸۵

من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود:

«مَلَمَیْ که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و یهانه‌ای باز نسناند، رستگار نخواهد شد» (۶۸۷۵۲–۶۸۷۳۲) پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خوبیی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پادش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری یا مهربانی و بپوش خواهی همراه باشد (۶۸۷۸۶–۶۸۷۵۳).

#### ۹ اخلاق اختصاصی رهبری

بخشی از کارها به گونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آنجا که منشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند، و دیگر، بر آوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند، و یارتت در دفع نیاز آنان ناتوانند (۶۸۸۱۵–۶۸۷۸۷)، کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد.

نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن، اگر چه همه وقت برای خداست، اگر نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد (۶۸۸۵۳–۶۸۸۱۶).

از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است، پس در بخشی از شب و روز، وجود خود را به پرستش خدا اختصاص ده، و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند بی‌عیب و نقصانی انجام ده، اگر چه دچار خستگی جسم شوی (۶۸۸۹۶–۶۸۸۵۴).

هنگامی که نماز به جماعت می‌خوانی، نه با طولانی کردن نماز، مردم را بپراکن و نه آن‌ که آن را تیره سازی، زیرا در میان مردم، بیماز یا صاحب حاجتی وجود دارد (۶۸۹۱۷–۶۸۸۹۷). آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا به ین می‌فرستاد از او پرسیدم، با مردم چگونه نماز بخوانم؟ فرمود:

«در حد توان ناتوانان نماز بگذار و بر مؤمنان مهربان باش» (۶۸۹۳۹–۶۸۹۱۸) هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ خوبیی و کم اطلاعی در امور جامعه می‌باشد (۶۸۹۵۹–۶۸۹۴۰). نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند؛ زیرا زشتی، و زشت زبیا می‌نماید، و باطل به لیاث حق در آید (۶۸۹۸۴–۶۸۹۶۰). همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی‌داند، و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا یا آن راست از دروغ شناخته شود (۶۹۰۰۸–۶۸۹۸۵).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۸۷

و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می‌باشی:

یا خود را برای جانبازی در راه حق آماده کرده‌ای که در این حال، نسبت به حقّ واجبی که باید بپردازی یا کار نیکی که باید انجام دهی ترسی نداری، پس چرا خود را پنهان می‌داری؟ و با مردی بخیل و تنگ نظری، که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند مأیوس شده از درخواست کردن باز مانند (۶۹۰۳۳–۶۹۰۰۹).

با اینکه بسیاری از نیازمندی‌های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت، که شکایت از ستم دارند تا خواستار عدالتند، یا در خرید و فروش خواهان انصافند (۶۹۰۶۲–۶۹۰۴۴).

#### ۱۰ اخلاق رهبری با خویشاوندان

همانا زمامداران را خواص و نزدیکسانی است که خود خواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان (۶۹۰۸۴–۶۹۰۶۳)، و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندانت زمین را واگذار مکن «۱»، و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قرار دادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رسانند، مانند آبیاری مزایع، یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند (۶۹۱۲۶–۶۹۰۸۵).

حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز، و در این کار شکیبا باشی، و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، گر چه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحلّل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز (۶۹۱۶۰–۶۹۱۲۷). و هر گاه رعیت بر تو بد گمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خود سازی تو، و مهربانی کردن نسبت به رعیت است، و این بپوش خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد (۶۹۱۹۲–۶۹۱۶۱).

۱۱ روش برخورد با دشمن

هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش زرمندگان، و آرامش فکری تو، و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد (۶۹۲۱۵–۶۹۱۹۳) «۱».

لکن زنهارا! زنهارا! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دور اندیش باش، و خوشبینی خود را متهّم کن (۶۹۲۳۷–۶۹۲۱۶).

حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفا دار باش، و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت دار باش، و جان خود را سیر بیمان خود گردان (۶۹۲۶۳–۶۹۲۳۸)، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست.

(۱) نفی تفکر: اگوسانتریسم(EGOCENTRISM)خودمداری و خود محور بینی)، بلکه باید به خدا توجه داشت تا انجام وظیفه کرد.

(۲) نقد تفکر: پاسی پیسم(PACIFISM)صلح طلبی) که با توشل به جنگ مخالفند، بلکه پس از دفاع مقدّس اگر دشمن پیشنهاد صلح داد، باید پذیرفت.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۸۹

که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتّفاق نظر داشته باشند.

تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیّت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند، زیرا که آینده ناگوار پیمان شکنی را آزمودند (۶۹۲۹۷–۶۹۲۶۴). پس هرگز پیمان شکن م باش، و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد (۶۹۳۱۶–۶۹۲۹۸)، خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه آسایش بندگانش، و پناهگاه امنی برای پناه آورندگان قرار داده است، تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس فساد، خیانت، فریب، در عهد و پیمان نار ندارد (۶۹۳۴۶–۶۹۳۱۷). مبدا قراردادی را انصاف کنی که در آن برای دخلکاری و فریب راهمایی وجود دارد، و پس از محکم‌ کاری و وقت در قرار داد نامه، دست از بهانه جویی بردار (۶۹۳۶۳–۶۹۳۴۷)، مبدا مشکلات پیمانی که بر عهدت قرار گرفته، و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان شکنی وا دارد، زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان‌ها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کثیر آن می‌ترسی، و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخ گوی پیمان شکنی باشی (۶۹۴۰۷–۶۹۳۶۴).

#### ۱۲ هشدارها

#### اول – هشدار از خون ناحق

از خونریزی پرهیز، و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کثیر الهی را نزدیک مجازات را بزرگ نمی‌کند، و ناپودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند، و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال



بندگان، نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده داوری خواهد کرد (۶۹۴۴۹–۶۹۴۰۸)، پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن. زیرا خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست، و پست می‌کند و بنیاد آن را بر کتفه به دیگری منتقل سازد، و تو، نه در نزد من، و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق نخواهی داشت چرا که کيفر آن قصاص است و از آن گریزی نیست (۶۹۴۸۱–۶۹۴۵۰). اگر به خطا خون کسی ریختی، یا نازیانه یا شمشیر، یا دست دچار نند روی شد،- که نگاه ملتی سبب کشتن کسی می‌گردد، چه رسد به بیش از آن- مبادا غرور قدرت تو را از پرداخت خونبها به بازماندگان مقبول باز دارد (۶۹۵۱۲–۶۹۴۸۲).

#### دوّم – هشدار از خود بستندی

میادا هرگز دچار خود بستندی گردی! و به خوبی‌های خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم آوردن به نوست، و کردار نیک، نیکوکاران را نابود سازد (۶۹۵۳۹–۶۹۵۱۳).

#### سوم – هشدار از سَت گذاری

میادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم مَت گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۹۱

یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی (۶۹۵۵۸–۶۹۵۴۰)! مَت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گردانند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود:

«دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگوید و عمل نکیند» (۶۹۵۸۷–۶۹۵۵۹)

#### چهارم – هشدار از شنازده‌گی

میادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی، و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست ستیزه جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی! تلاش کن تا هر کاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی (۶۹۶۱۸–۶۹۵۸۸).

#### پنجم هشدار از امتیاز خواهی

میادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی! از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی، زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به زودی پرده از کارها پیک سو رود، و انتقام شمه‌دیده را از تو باز می‌گیرند (۶۹۶۵۰–۶۹۶۱۹). باد غرور، جوشش خشم، تجاوز دست، تند زبانت را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شنازدگی، و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد.

و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت، و بازگشت به سوی خدا (۶۹۶۹۰–۶۹۶۵۱).

آنچه بر تو لازم است آن که حکومت‌های دادگستر پیشین، سَنَت‌های با ارزش گذشگان، روش‌های پسندیده رفگان، و آثار پیامبر صلیّ الله علیه و آله و سلّم و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یاد آوری (۶۹۷۱۵–۶۹۶۹۱)، و به آنچه ما عمل کرده‌ایم پیروی کنی، و برای پیروی از فرامین این عهد نامه‌ای که برای تو نوشته‌ام، و با آن حجت را بر تو تمام کرده‌ام، تلاش کن، زیرا! اگر نفس سرکش‌ی کرد و بر تو چیره شد عذری نزد من نداشته باشی (۶۹۷۴۹–۶۹۷۱۶).

از خداوند بزرگ، با رحمت گشترده، و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها، درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست ما و تو را موفق فرماید، که نزد او و خلق او، دارای عذری روشن باشیم (۶۹۷۷۸–۶۹۷۵۰)، برخوردار از ستایش بندگان، یادگار نیک در شهرها، رسیدن به همه نعمت‌ها، و کرامت‌ها بوده، و اینکه پایان عمر من و تو را به شهادت و رستگاری ختم فرماید، که همانا ما به سوی او باز می‌گردیم (۶۹۸۰۶–۶۹۷۷۹). با درود به پیامبر اسلام صلیّ الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت پاکیزه و پاک او،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۹۳

درودی فراوان و بیوسته. با درود (۶۹۸۲۰–۶۹۸۰۷).

(۲۰۵۴)

#### ترجمه نامه ۵۴

#### اشاره

(نامه به طلحه و زبیر که ابو جعفر اسکانفی «۱۱» آن را در کتاب مقامات در بخش فضائل امیر المؤمنین علیه السّلام آورد که در سال ۳۶ هجری نوشته و توسط عمران بن حصین فرستاد) (۶۹۸۵۳–۶۹۸۲۷).

#### پاسخ به افتخای سران جمل

پس از یاد خدا و درودا شما می‌دانید- گر چه پنهان می‌دارید- که من برای حکومت در پی مردم نرفته، تا آنان به سوی من آمدند، و من قول بیعت نداده تا آن که آنان با من بیعت کردند، و شما دو نفر از کسانی بودید که مرا خواستند و بیعت کردند (۶۹۸۷۷–۶۹۸۵۴).

همانا بیعت عموم مردم با من نه از روی ترس قدرتی مسلط بود، و نه برای به دست آوردن منافع دنیا. اگر شما دو نفر از روی میل و انتخاب بیعت کردید تا دیر نشده (از راهی که در پیش گرفته‌اید) باز گردید، و در پیشگاه خدا توبه کنید. و اگر در دل با اکراه بیعت کردید خود دانیید، زیرا این شما بودید که مرا در حکومت بر خویش راه دادید، اطاعت از من را ظاهر، و نافرمانی را پنهان داشتید (۶۹۹۱۴–۶۹۸۷۸). به جانم سوگند! شما از سایر مهاجران سراوارتر به پنهان داشتن عقیده و پنهان کاری نیستید. اگر در آغاز بیعت کنار می‌رفتید (و بیعت نمی‌کردید) آسان‌تر بود که بیعت کنید و سپس به بهانه سرباز زیند (۶۹۹۴۲–۶۹۹۱۵). شما پنداشت‌اید که من کشته‌شده عثمان می‌باشم، بیایید تا مردم مدینه کسی بین من و شما داوری کنند، آنان که نه از من طرفداری کرده و نه به یاری شما برخاسته، سپس هر کدام به اندازه جرمی که در آن حاده داشته، مسؤولیت آن را بپذیرا باشد.

ای دو پیر مرد، از آنچه در اندیشه دارید باز گردید، هم اکنون بزرگ‌ترین مسئله شما، عار است، بیش از آن که عار و آتش خشم پروردگار، دامنگیرتان گردد. با درود (۶۹۹۸۵–۶۹۹۴۳).

(۲۰۵۵)

#### ترجمه نامه ۵۵

#### اشاره

(نامه به معاویه که در سال ۳۷ هجری پیش از نبرد صفین نوشته شد)

#### اندرز دامن به دشمن

پس از یاد خدا و درود! همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده، و مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت، تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند، و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشده‌یم، به دنیا آدمیم تا در آن آزمایش گردیم (۷۰۰۲۵–۶۹۹۸۶). و همانا خداوند مرا به توب، و تو را با من آزمود، و یکی از ما را بر دیگری حجت قرار داد (۷۰۰۲۸–۷۰۰۲۶).

<sup>[1]</sup> اسکانفی از دانشمندان و متکلمان معتزلی بود که در سال ۲۴۰ هجری در بغداد درگذشت

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۹۵

تو با تفسیر دروغین قرآن به دنیا روی آوردی، و چیزی از من درخواست می‌کنی که دست و زبانم هرگز به آن نیالود (قول عثمان).

تو و مردم شام، آن دروغ را ساختید و به من نهمت زدید. تا آگاهان شما مردم ناآگاه راه و ایستادگان شما زمینگیر شدگان را بر ضدّ من تحریک کنند (۷۰۰۶۵–۷۰۰۳۹).

معاویه! از خدا بترس، و با شیطانی که مهار تو را می‌کشد، مبارزه کن، و به سوی آخرت که راه من و تو است باز گرد (۷۰۰۸۲–

۷۰۰۶۶)، و پترس از خدا که به زودی با بلایی کوبنده ریشه‌ات را بر کند، و نسل تو را بر اندازد.

همانا برای تو به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی که بر آن وفا دارم، اگر روزگار من و تو را در یک جا گرد آورد، هم‌چنان بر سر راه تو خواهم ماند:

«تا خدا میان ما داوری کند و او بهترین داوران است»

(۷۰۱۱۹-۷۰۰۸۳-۷۰۰۵۶) (۲۰۵۶)

#### ترجمه نامه ۵۶

#### اشاره

(نامه به فرمانده سپاه، شرح بن هانی که او را در سال ۳۶ هجری به سوی شام حرکت داد). (۷۰۱۲۰-۷۰۱۳۵) (۲۰۵۷)

#### اخلاقی فرماندهی

در هر صبح و شام از خدا پترس، و از فریب کاری دنیا بر نفس خویش بیسناک باش، و هیچ گاه از دنیا ایمن مباش (۷۰۱۵۳-۷۰۱۳۶)، بدان که اگر برای چیزهایی که دوست می‌داری، یا آنچه را که خوشایند تو نیست، خود را باز ننداری، هوس‌ها تو را به زبان‌های فراوانی خواهند کشید، سپس نفس خود را باز دار و از آن نگهبانی کن، و به هنگام خشم، بر نفس خویش شکسته‌اند و حاکم باش (۷۰۱۸۳-۷۰۱۵۴).

(۲۰۵۷)

#### ترجمه نامه ۵۷

#### اشاره

(نامه به مردم کوفه در سال ۳۶ هجری هنگام حرکت از مدینه به سوی بصره) (۷۰۱۹۷-۷۰۱۸۴) (۲۰۵۸)

#### روش سیخ کردن مردم برای جهاد

پس از یاد خدا و درود من از جایگاه خود، مدینه بیرون آمدم، یا ستمکارم یا ستم دیده، یا سرکشی کردم یا از فرمانم سر باز زدند (۷۰۲۱۶-۷۰۱۹۸). همانا من خدا را به یاد کسی می‌آورم که این نامه به دست او رسد، تا به سوی من کوچ کند: اگر مرا نیکو کار یافت یاری کند، و اگر گناهکار بوم مرا به حق بازگرداند (۷۰۲۳۶-۷۰۲۱۷).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۹۷

(۲۰۵۸)

#### ترجمه نامه ۵۸

#### اشاره

(نامه به شهرهای دور برای روشن ساختن حوادث صفین) (۷۰۲۵۴-۷۰۲۳۷) (۲۰۵۹)

#### افشای حوادث جنگ صفین

آغاز کار چنین بود که ما با مردم شام دیدار کردیم، که در ظاهر پروردگار ما یکی، و پیامبر ما یکی، و دعوت ما در اسلام یکی بود (۷۰۲۷۸-۷۰۲۵۵)، و در ایمان به خدا و تصدیق کردن پیامبرش، هیچ کلام از ما بر دیگری برتری نداشت، و با هم وحدت داشتیم جز در خون عثمان که ما از آن بر کناریم (۷۰۳۰۳-۷۰۲۷۹).

پس به آنان گفتم: بیایید با خاموش ساختن آتش جنگ، و آرام کردن مردم، به چاره جویی و درمان بپردازیم، تا کار مسلمانان استوار شود، و به وحدت برسند، و ما برای اجرای عدالت نیرومند شویم. امّا شامیان پاسخ دادند: «چاره‌ای جز جنگ نداریم» (۷۰۳۲۹-۷۰۳۰۴) پس (از پیشنهاد حق ما) سر باز زدند، و جنگ در گرفت، و تداوم یافت، و آتش آن زیانه کشید.

پس آنگاه که دندان جنگ در ما و آنان فرو رفت، و جنگال آن سخت کارگر افتاد، به دعوت ما (صلح و گفتگو) گردن نهاده‌اند، و بر آنچه آنان را خواندیم، پاسخ دادند (۷۰۳۵۷-۷۰۳۳۰). ما هم به درخواست آنان پاسخ دادیم، و آنچه را خواستند زود پذیرفتیم، تا حجت را بر آنان تمام کنیم، و راه عذر خواهی را ببندیم. (۷۰۳۷۴-۷۰۳۵۸) آنگاه آن که بر پیمان خود استوار ماند، از هلاکت نجات یافت، و آن کس که در لجاجت خود با فشرده، خدا پرده ناگاهی بر جان او کشید، و بالای تیره روزی گرد سرش گردانید (۷۰۴۰۳-۷۰۳۷۵).

(۲۰۵۹)

#### ترجمه نامه ۵۹

#### اشاره

(نامه به أسود بن قظبه فرمانده لشکر حلوان ۱۱۰ در جنوب شهر سر پل ذهاب امروزی)

#### مسئولیت‌های فرماندهی

پس از یاد خدا و درود، اگر رأی و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت بسیار باز می‌دارد. پس باید که کار مردم در آنچه حق است نزد تو یکسان باشد، زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی‌شود (۷۰۴۴۱-۷۰۴۰۴). از آنچه که همانند آن را بر دیگران نمی‌پسندی پرهیز کن، و نفس خود را در حالی که امیدوار به پاداش الهی بوده و از کفر او هراسناکی، به انجام آنچه خداوند بر تو واجب گردانیده است، وادار ساز (۷۰۴۵۷-۷۰۴۴۲). بدان که دنیا سرای آزمایش است، و دنیا پرست ساعتی در آن نمی‌آساید جز آن که در روز قیامت از آن افسوس می‌خورد (۷۰۴۷۶-۷۰۴۵۸)، و هرگز چیزی تو را از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند.

(۱) حلوان: شهر قدیمی کوچکی از ایران، در اطراف عراق بود که اعراب آن را در ۶۴۰ میلادی فتح کردند و سلجوقیان در سال ۱۰۶۶ میلادی آن را به آتش کشیدند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۹۹

و از جمله حقیّی که بر توست آن که نفس خویش را نگهبان باشی، و به اندازه توان در امور رعیت تلاش کنی، زیرا آنچه در این راه نصیب تو می‌شود، برتر از آن است که از نیروی بدنی خود از دست می‌دهی. با درود (۷۰۵۰۸-۷۰۴۷۷).

(۲۰۶۰)

#### ترجمه نامه ۶۰

#### اشاره

(نامه به فرماندارانی که لشکر از شهرهای آنان عبور می‌کند) (۷۰۵۱۹-۷۰۵۰۹) (۲۰۶۰)

#### جبران خسارتها در مأمورهای نظامی

از بنده خدا، علی امیر مؤمنان، به گرد آوران مالیات و فرمانداران شهرهایی که لشکریان از سرزمین آنان می‌گذرند (۷۰۵۴۶-۷۰۵۲۰). پس از یاد خدا و درود! همانا من سپاهیان فرستادم که به خواست خدا بر شما خواهند گذشت، و آنچه خدا بر آنان واجب کرده به ایشان سفارش کردم، و بر آزار رساندن به دیگران، و پرهیز از هر گونه شرارتی تأکید کرده‌ام، و من نزد شما و پیمانی که به شما دارم از آزار رساندن سپاهیان به مردم بیزارم، مگر آن که گرسنگی سربازی را ناجبار گردانند، و برای رفع گرسنگی چاره‌ای جز آن نداشته باشد (۷۰۵۸۱-۷۰۵۳۷). پس کسی را که دست به ستمکاری زند کفر کشید، و دست افراد سبک مغز خود را از زیان رساندن به لشکریان، و زحمت دادن آنها جز در آنچه استثناء کردم باز دارید (۷۰۶۰۱-۷۰۵۸۲). من پشت سر سپاه در حرکت، شکایت‌های خود را به من رسانید، و در اموری که لشکریان بر شما چیره شده‌اند که قدرت دفع آن را جز با کمک خدا و من ندارید، به من مراجعه کنید، که با کمک خداوند آن را بر طرف خواهم کرد. ان شاء الله

(۷۰۶۳۲–۷۰۶۰۲ (۷۰۶۱) (۲۰۶۱)

**ترجمه نامه ۶۱**

**اشاره**

(نامه به کمیل بن زیاد نخمی «۱»، فرماندار «هبت» «۲» و نکوهش او در ترک مقابله با لشکریان مهاجم شام که در سال ۳۸ هجری نوشته شد) (۷۰۶۵۹–۷۰۶۳۳)

**نکوهش از فرمانده شکست خورده**

پس از یاد خدا و درودا سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست، و باقتضای در کاری که از مسؤلیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار، و اندیشه ویرانگر است (۷۰۶۷۵–۷۰۶۶۰). اقدام تو به تاراج مردم «قریسا» «۳» در مقابل رها کردن پاسداری از مرزهایی که تو را بر آن گمارده بودیم و کسی در آنجا نیست تا آنجا را حفظ کند، و سپاه دشمن را از آن مرزها دور سازد، اندیشه‌های باطل است (۷۰۶۹۸–۷۰۶۷۶). تو در آنجا پل‌های شده‌ای که دشمنان تو از آن بگذرند و بر دوستانت مهاجم آورند، نه قدرتی داری که با تو نبرد کنند، و نه هیبتی داری که او تو بترسند و بگریزند، نه مرزی را می‌توانی حفظ کنی، و نه شوکت دشمن را می‌توانی در هم بشکنی، نه نیازهای مردم دیارت را کفایت می‌کنی، و نه امام خود را راضی نگه می‌داری (۷۰۷۳۵–۷۰۶۹۹).

(۱) کمیل بن زیاد از باران برگزیده امام علی علیه السلام و از بزرگان تابعین بود، و در خلوت امام راه داشت که در سال ۸۲ هجری به دستور حجاج بن یوسف لقمی شهید شد و از عبرتهای تاریخ آن است که برادر او حارث بن زیاد شخصی آلوده و سفاک بود که دو فرزندان مسلم را در کوفه سر برید.

(۲) یکی از شهرهای مرزی بین عراق و شام در کنار فرات که امروزه جزء ایالت زمامدی است که کاروان‌ها از آنجا به حلب می‌رفتند.

(۳) قریسا: شهری است در منطقه بین النهرین در انتهای نهر خابور و فرات سر راه بازرگانی عراق و شام.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۰۱*

(۲۰۶۲)

**ترجمه نامه ۶۲**

**اشاره**

(نامه به مردم مصر، که همراه مالک اشتر در سال ۳۸ هجری فرستاد) (۷۰۷۴۹–۷۰۷۳۶)

**۱ مظلومیت امام در خلافت**

پس از یاد خدا و درودا خداوند سبحان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را فرستاد تا بیم دهنده جهانتان، و گواه پیامبران پیش از خود باشد. آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند (۷۰۷۷۱–۷۰۷۵۰). سوگند به خدا نه در فکرم می‌گذشت، و نه در خاطریم می‌آمد «۱» که عرب خلافت را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت باز دارند (۷۰۷۹۹–۷۰۷۷۲). تنها چیزی که نگرانم کرد شتافتن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند.

من دست باز کشیدم، تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام باز گشته، می‌خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نابود سازند (۷۰۸۳۳–۷۰۸۰۰)، پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را باری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نایبوی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شمساعت، که کلاهی چند روزه دیانت و به زودی ایام آن می‌گذرد چنانکه سراب ناپدید شود، یا چونان پاره‌های ابر که زود پراکنده می‌گردد (۷۰۸۶۱–۷۰۸۴۴).

پس در میان آن آشوب و غوغا یا خاستم تا آن که باطل از میان رفت، و دین استقرار یافته، آرام شد (۷۰۸۷۵–۷۰۸۶۲).

(بخشی از همین نامه است)

۲ شجاعت و دشمن شناسی امام علیه السلام

به خدا سوگند! اگر تنها با دشمنان روبرو شوم، در حالی که آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، نه باکی داشته، و نه می‌هراسم. من به گمراهی آنان و هدایت خود که بر آن استوارم، آگاهم، و از طرف پروردگارم به یقین رسیده‌ام، و همانا من برای ملاقات پروردگار مشتاق، و به پاداش او امیدوارم (۷۰۹۲۴–۷۰۸۷۶). لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان، و نیهکاران این اامت، حکومت را به دست آوردند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگرداندند، و بندگان او را به پردگی کشیدند، یا نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند (۷۰۹۴۸–۷۰۹۲۵)، زیرا از آنان کسی در میان شمساعت که شراب نوشید و حد بر او جاری شد، «۲» و کسی که اسلام را نپذیرفت اما بتاحق بخشش‌هایی به او عطا گردید (۷۰۹۷۲–۷۰۹۴۹) «۳».

اگر اینگونه حوادث نبود شما را بر نمی‌انگیختم، و سرزنشان نمی‌کردم، و شما را به گرد آوری تشویق نمی‌کردم، و آنگاه که سرباز می‌زدید، رهاتان می‌کردم (۷۰۹۹۰–۷۰۹۷۳). آیا نمی‌بینید که مرزهای شما را تصرف کردند؟ و شهرها را گشودند؟ و دستاوردهای شما را غارت کردند؟ و در میان شهرهای شما آتش جنگ را بر افروختند؟ (۷۱۰۱۰–۷۰۹۹۱). برای جهاد با دشمنان کوچ کنید، خدا شما را رحمت کند،

(۱) بدون استفاده از علم غیب.

(۲) منظور امام، ولید بن عقبهٔ است که فرماندار عثمان در کوفه بود. وی شراب خورد و نماز صبح را چهار رکعت خواند و گفت اگر می‌خواهید بیشتر بخوانم! با گواهی مالک اشتر و جمعی از بزرگان کوفه به مدینه احضار شد و امام علی علیه السلام علی رغم مخالفت عثمان حد شراب را بر او جاری ساخت.

(۳) عمرو عاص است که برای اسلام آوردن، پول و عطا یا می‌خواست.

*نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۰۳*

در خانه‌های خود نمائید، که به ستم گرفتار، و به خواری دچار خواهید شد، و بهره زندگی شما از همه پست‌تر خواهد بود، و همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است، هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید! با درود (۷۱۰۴۳–۷۱۰۱۱).

(۲۰۶۳)

**ترجمه نامه ۶۳**

**اشاره**

(در آستانه جنگ جمل، در سال ۳۶ هجری به امام گزارش رسید که ابو موسی اشعری، فرماندار کوفه مردم را برای پیوستن به امام باز می‌دارد، امام این نامه را به او نوشت) (۷۱۰۷۱–۷۱۰۴۴)

**باز داشتن ابو موسی از قته انگیزی**

از بنده خدا علی امیر مومنان به عبد الله بن قیس (ابو موسی اشعری) (۷۱۰۸۲–۷۱۰۷۲) پس از ستایش پروردگار و درودا سخنی از تو به من رسیده که هم به سود، و هم به زیان تو است، چون فرستاده من پیش تو آید، دامن همت به کمر زن، کمربت را برای جنگ محکم ببند، و از سوراخ خود بیرون آی، و مردم را برای جنگ بسیج کن. اگر حق را در من دیدی بپذیر، و اگر دو دل ماندی کناره گیر (۷۱۱۱۶–۷۱۰۸۳). به خدا سوگند! هر جا که باشی تو را بیاورند و به حال خویش رها نکنند، تا گوشت و استخوان و تو و خشکت در هم ریزد، و در کنار زدن از حکومت شتاب کنند، چنانکه از پیش روی خود همانگونه بترسی که از پشت سرت هراسانکی (۷۱۱۴۵–۷۱۱۱۷) «۱». حوادث جاری کشور آنچه‌ان آسان نیست که تو فکر می‌کنی، بلکه حادثه بسیار بزرگی است که باید بر مرکش سوار شد، و سخنی‌های آن را هموار کرد، و بیسودن راه‌های سخت و کوهستانی آن را آسان کرد (۷۱۱۳۳–۷۱۱۴۶)، پس فکرت را به کار گیر، و مالک کار خویش باش، و سهم و بهره‌ات را بردار، اگر همراهی با ما را خوش نداری کاره گیر، بی آن که مورد ستایش قرار گیری یا رستگار شوی، که سزاوار است تو در خواب باشی و دیگران مسئولیت‌های تو را بر آورند، و از تو بترسند که کجا هستی و به کجا رفته‌ای (۷۱۱۹۳–۷۱۱۶۴)! به خدا سوگند! این راه حق است و به دست مرد حق انجام می‌گیرد، و باکی ندارم که خدا شناسان چه می‌کنند؟ با درود (۷۱۲۰۷–۷۱۱۹۴).

(۲۰۶۴)

### ترجمه نامه ۶۴

#### اشاره

(نامه‌ای در جواب معاویه)

#### ۱ پاسخ تهدیدات نظامی معاویه

پس از یاد خدا و درود! چنانکه یاد آور شدی، ما و شما دوست بودیم و هم خوشبوئانده، اما دیروز میان ما و شما بدان جهت جدایی افتاد که ما ایمان آوردیم و شما کافر شدید، و امروز ما در اسلام استوار ماندیم،

(۱) ابو موسی اشعری نام او عبد الله بن قیس که در فتح خبیر، مسلمان شد و از طرف عمر فرماندار بصره و در زمان عثمان فرماندار کوفه شد، در آستانه جنگ جمل، عاتشه نامه‌ای برای او فرستاد و او را به سوی گروه خود جذب کرد. وقتی نامه امام به کوفه رسید مردم را بر ضد امام تحریک می‌کرد و در میان کوفیان اختلاف ایجاد کرد که امام این نامه را به او نوشت. آنگاه مالک اشتر و امام حسن علیه السلام به کوفه رفتند، برای مردم سخنرانی کردند، ابو موسی با حضرت امام حسن علیه السلام نزاع و مجادله می‌کرد که مالک بر سر او فریاد زد و گفت از دار الاماره خارج شو! او یک شب مهلت خواست و بیرون رفت. از آن پس کوفیان متحد شده و ۱۲ هزار نفر به یاری امام شتافتند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۰۵

و شما آژمایش گردیدید (۷۱۲۴۴-۷۱۲۰۸)، اسلام آوردگان شما با ناخوشنودی، آنهم زمانی به اسلام روی آوردند که بزرگان عرب تسلیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شدند، و در گروه او قرار گرفتند (۷۱۲۶۱-۷۱۲۴۵).
۱۰ در نامهات نوشتی که طلحه و زبیر را کشته، ۲۰، و عایشه را تبعید کرده‌ام، و در کوفه و بصره منزل گزیدم، این امور ربطی به تو ندارد، و لازم نیست از تو عذر بخواهد (۷۱۲۸۷-۷۱۲۶۲). و نوشتی که با گروهی از مهاجران و انصار به نبرد من می‌آیی، هجرت از روزی که برادرت «یزید» در فتح مکه اسیر شد ۳۰ پایان یافت (۷۱۳۰۲-۷۱۲۸۸). پس اگر در ملاقات با من شتاب داری، دست نگهدار، زیرا اگر من به دیدار تو پیام سزاوراتر است، که خدا مرا به سوی تو فرستاده تا از تو انتقام گیرم، و اگر تو با من دیدار کنی چنان است که شاعر اسدی گفت:

«تندباد تابستانی سخت می‌وزد و آنها را با سنگ ریزه‌ها، و در میان غبار و تخته سنگ‌ها، در هم می‌کوبند»

(۷۱۳۳۷-۷۱۳۰۳)

#### ۲ یاد آوری سوابق نظامی در بیروزیها

و در نزد من همان شمشیری است که در جنگ بدر بر پیکر جدّ و دایی و برادرت ۴۰ زدم. به خدا سوگند، می‌دانم تو مردی بی‌خرد و دل تاریک هستی (۷۱۳۴۰-۷۱۳۳۸)!
بهر است در باره تو گفته شود از نردبانی بالا رفته‌ای که تو را به پرنگاه خطرناکی کشانده، و نه تنها سودی برای تو نداشته، که زیانبار است، زیرا تو غیر گمشده خود را می‌جویی، و غیر گله خود را می‌چرانی. منصفی را می‌خواهی که سزوار آن نبوده، و در شأن تو نیست، چقدر گفتار تو با کردارت فاصله دارد (۷۱۳۹۷-۷۱۳۶۱) چقدر به عموها و دایی‌های کافرت شباهت داری! شقاوت و آرزوی باطل آنها را به انکار نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم واداشت، و چنانکه می‌دانی در گورهای خود غلغله‌اند، نه در برابر مرگ توانستند دفاع کنند، و نه آنگونه که سزوار بود از حریمی حمایت، و نه در برابر زخم شمشیرها خود را حفظ کردند، که شمشیرها در میدان جنگ فراوان، و سستی در برابر آن شایسته نیست (۷۱۴۴۵-۷۱۳۹۸). تو در باره کشتندگان عثمان فراوان حرف زدی، ابتدا چون دیگر مسلمانان با من بیعت کن، سپس در باره آنان از من داوری طلبی، که شما و مسلمانان را به پذیرفتن دستورات قرآن وادارم، امّا آنچه را که تو می‌خواهی، چنان است که به هنگام گرفتن کودک از شیر، او را بفریبنده، سلام بر آنان که سزوار سلامند (۷۱۴۷۳-۷۱۴۳۶).

(۲۰۶۵)

### ترجمه نامه ۶۵

#### اشاره

(نامه دیگری به معاویه پس از جنگ نهروان در سال ۳۸ هجری)

#### ۱ انشای عطل گمراهی معاویه

پس از یاد خدا و درود! معاویه! وقت آن رسیده است که از حقائق آشکار پند گیری، تو با اذغاهای باطل همان راه پندارت را می‌پیمایی، خود را در دروغ و فریب افکندی،

(۱) منظور، ابو سفیان است که روز فتح مکه به ظاهر تسلیم شد.

(۲) طلحه را در میدان جمل، مروان بن حکم با تیری از پای در آورد، و زبیر را در بین راه، پس از کتاره گیری از میدان جنگ، عمرو بن جرموز، کشت.

(۳) برادر معاویه، یزید بن ابو سفیان در روز فتح مکه با جمعی از قریش در «باب الخدّمه» سنگر گرفت که مانع ورود مسلمانان به مکه شود، اما خالد بن ولید او را اسیر گرفت، سپس ابو سفیان خدمت رسول خدا رسید و آزادی او را خواست، آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لا هجرة بعد الفتح»

پس از فتح مکه هجرتی نیست.

(۴) جدّ معاویه، عتبه بن ربیعہ، و دانی او ولید بن عتبه، و برادرش، حنظله بن ابی سفیان، است که هر سه در جنگ بدر به دست امام علی علیه السلام کشته شدند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۰۷

و خود را به آنچه برتر از شأن تو است نسبت می‌دهی (۷۱۵۱۰-۷۱۴۷۴)، و به چیزی دست دراز می‌کنی که از تو باز داشته‌اند، و به تو نخواهد رسید. این همه را برای فرار کردن از حق، ۱۰، و انکار آنچه را که از گوشت و خون تو لازم‌تر است، انجام می‌دهی، حقیقی که گوش تو آنها را شنیده و از آنها آگاهی داری، آیا پس از روشن شدن راه حق، جز گمراهی آشکار چیز دیگری یافت خواهد شد؟! و آیا پس از بیان حق، جز اشتباه کاری وجود خواهد داشت؟ (۷۱۵۴۹-۷۱۵۱۱) از شبهه و حق پوئی برهیز، فتنه‌ها دیر زمانی است که پرده‌های سیاه خود را گسترانده، و دیده‌هایی را کور کرده است (۷۱۵۶۴-۷۱۵۵۰).

#### ۲ پاسخ به اذغاهای دروغین معاویه

نامه‌ای از تو به دست من رسید که در سخن پردازی از هر جهت آراسته، امّا از صلح و دوستی نشانه‌ای نداشت، و آکنده از افسانه‌هایی بود که هیچ نشانی از دانش و بردباری در آن به چشم نمی‌خورد (۷۱۵۸۶-۷۱۵۶۵). در نوشتن این نامه کسی را مانی که پای در گل فرو رفته، و در بیغوله‌ها سرگردان است، مقامی را می‌طلبی که از قدر و ارزش تو والاتر است، و هیچ عقابی را توان پرواز بر فراز آن نیست و چون ستاره دور دست «عقیق» از تو دور است (۷۱۶۱۰-۷۱۵۸۷).

پناه بر خدا که پس از من ولایت مسلمانان را بر عهده گیری، و سود و زیان آن را بپذیری، یا برای تو یا یکی از مسلمانان پیمانی یا قراردادی را امضا کنم (۷۱۶۲۹-۷۱۶۱۱).

از هم اکنون خود را دریاب، و چاره‌ای بیندیش، که اگر کوتاهی کنی، و برای در هم کوبیدنت بندگان خدا برخیزند، درهای نجات بروی تو بسته خواهد شد، و آنچه را که امروز از تو می‌پذیرند فردا نخواهند پذیرفت، با درود (۷۱۶۵۶-۷۱۶۳۰).

(۲۰۶۶)

### ترجمه نامه ۶۶

#### اشاره

(نامه به عبد الله بن عباس، این نامه به گونه دیگری نیز آمده است) (۷۱۶۷۳-۷۱۶۵۷)

#### ضرورت واقع بینی

پس از یاد خدا و درودا همانا انسان از به دست آوردن چیزی خشنود می‌شود که هرگز آن را از دست نخواهد داد، و برای چیزی اندونهاک است که هرگز به دست نخواهد آورد (۷۱۶۹۱–۷۱۶۹۴)، پس بهترین چیز تود تو در دنیا، رسیدن به لذّت‌ها، یا انتقام گرفتن نباشد، بلکه هدف تو خاموش کردن باطل، یا زنده کردن حق باشد (۷۱۷۱۲–۷۱۶۹۲)، تنها به توشه‌ای که از پیش فرستادی خشنود باش، و بر آنچه به جای می‌گذاری حسرت خور، و همت و تلاش خود را برای پس از مرگ قرار ده (۷۱۷۳۷–۷۱۷۱۳، ۲۰، ۲۰۶۷)

**ترجمه نامه ۶۷**

**اشاره**

(نامه به قتم بن عباس، فرماندار شهر مکه) (۷۱۷۴۱–۷۱۷۳۸)

**۱ رسیدگی به امور حاجیان در مراسم حج**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(۱) بیعت با امیر المؤمنین علیه السلام.

(۲) برای شناسایی قتم بن عباس به پاورقی نامه ۳۳ مراجعه فرمایید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۰۹

پس از یاد خدا و درودا برای مردم حج را به پای دار، و روزهای خدا را به یادشان آور. در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسش‌های دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان، و ناآگاه را آموزش دهه و با دانشندان به گفتگو بپرداز (۷۱۷۴۲–۷۱۷۴۱). جز زیارت چیز دیگری پیام رسانت با مردم، و جز چهره‌ات دربانی وجود نداشته باشد ۱۱، و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان، زیرا اگر در آشاز از درگاه تو راننده شود، گر چه در پایان حاجت او بر آورده شود دیگر تو را نسناید (۷۱۷۹۸–۷۱۷۴۳).

در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است اندیشه کن، و آن را به عیالمدان و گرسنگان پیرامونت ببخش، و به مستمندان و نیازمندیانی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند برسان، و ما زاد را تود ما بفرست، تا در میان مردم نیازمندی را در این سامان هشتند تقسیم گردد (۷۱۸۳۳–۷۱۷۹۹).

**۲ سفارش به رفع نیازهای حجاج**

به مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زائری در ایام حج اجرت مسکن نگیرند، که خدای سبحان فرمود: «عاکف و بادی در مکه یکسانند، عاکف، یعنی اهل مکه و بادی، یعنی زائریانی که از دیگر شهرها به حج می‌آیند، خدا ما و شما را به آنچه دوست دارد توفیق عنایت فرماید. با درود (۷۱۸۶۸–۷۱۸۳۳).

(۲۰۶۸)

**ترجمه نامه ۶۸**

**اشاره**

(نامه به سلمان فارسی، قبل از ایام خلافت) (۷۱۸۸۱–۷۱۸۶۹) ۲۰،

**روش برخورد با دنیا**

پس از یاد خدا و درودا دنیای حرام چونان مار است، که پوستی نرم و زهری کشنده دارد، پس از جاذبه‌های فریبنده آن روی گردان، زیرا زمان کوتاهی در آن خواهی ماند، و اندوه آن را از سر بیرون کن، زیرا که یقین به جدایی، و دگرگونی حالات آن را داری (۷۱۹۱۲–۷۱۸۸۲)، و آنگاه که به دنیا خو گرفته‌ای بیشتر بترس، زیرا که دنیا پرست تا به خوشگذرانیی اطمینان‌کروز رود او را به تلخ کامی کشاند، و هر گاه که به دنیا انس گرفت و آسوده شد، ناگاه به وحشت دچار می‌گردد (۷۱۹۴۲–۷۱۹۱۳).

(۱) نغی شیوه‌ای: پرورگراسی(BUREACRACY) تشریفات اداری بحدّ افراط)

(۲) سلمان، نام اصلی او روزبه است از سرزمین فارس ایران که آتش پرست بودند متولّد شد و چون عاشق حق بود از خانه و خانوادۀ فاصله گرفت و مسیحی شد، سپس به عربستان و مدینه آمد و در نخلستان مدینه پیامبر خدا را دید و مسلمان شد و از یاران آن حضرت شد، نقشه حفر خندق را او کشید، و مدینه را حفظ کرد، هر کدام از مهاجر و انصار تلاش داشتند او را به گروه خود نسبت دهند که رسول خدا فرمود:

«سلمان منّا اهل البیت»

سلمان از اهل بیت ماست؛ پس از رسول خدا از مخالفان سر سخت ابا بکر بود و سر انجام در سال ۳۵ هجری وفات کرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۱۱

(۲۰۶۹)

**ترجمه نامه ۶۹**

**اشاره**

(نامه به حارث همدانی) ۱۰

**۱ اخلاق کارگزاران حکومتی**

به ریسمان قرآن جنگ زن، و از آن نصیحت پذییر، حالش را حلال، و حرامش را حرام بشمار ۲۰، و حقّی را که در زندگی گذشتگان بود تصدیق کن، و از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیری، که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده، و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد، و همه آن رفتنی است (۷۱۹۸۹–۷۱۹۴۳).

نام خدا را بزرگ دار، و جز به حق سخنی بر زبان نیاوره، مرگ و جهان پس از مرگ را فراوان به یاد آور، هرگز آرزوی مرگ مکن جز آن که بدانی از نجات یافتگانی، از کاری که تو را خشنوده، و عموم مسلمانان را ناخوشایند است بپرهیز، از هر کار پنهانی که در آشکار شدنش شرم داری پرهیز کن (۲۰۳۷–۷۱۹۹۰)، از هر کاری که از کسندۀ آن پرسش کنند، نپزیرد یا علنر خواهی کنتد، دوری کن، آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده، و هر چه شنیدی باز گو مکن، که نشانه دروغگویی است، و هر خبری را دروغ مپندار، که نشانه نادانی است (۷۲۰۷۹–۷۲۰۳۸).

خشم را فرو نشان، و به هنگام قدرت ببخش، و به هنگام خشم فروتن باش، و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی، نعمت‌هایی که خدا به تو بخشیده نیکو دار (۷۲۱۰۴–۷۲۰۸۰)، و نعمت‌هایی که در اختیار داری تباه مکن، و چنان باش که خدا آثار نعمت‌های خود را در تو آشکارا بنگرد.

**۲ اوصاف مؤمنان**

و بدان، بهترین مؤمنان، آن بود که جان و خاندان و مال خود را در راه خدا پیشاپیش تقدیم کند، چه آن را که پیش فرستی برای تو اندوخته گردد، و آنچه را که باقی گذاری سودش به دیگران می‌رسد.

از دوستی با بی‌خردان و خلافکاران بپرهیز، زیرا هر کس را از آن که دوست اوست می‌شناسند (۷۲۱۶۱–۷۲۱۰۵)، و در شهرهای بزرگ سکونت کن زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است، و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می‌دارند، و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند، بپرهیز (۷۲۱۸۰–۷۲۱۶۲).

در چیزی اندیشه کن که باری‌ات دهد، از نشستن در گذرگاههای عمومی، و بازار، بپرهیز کن که جای حاضر شدن شیطان، و بر انگیزخته شدن فتنه‌هاست، و به افراد پایین‌تر از خود توجه داشته باش، که راه شکر گذاری تو در برتری است (۷۲۲۱۰–۷۲۱۸۱). در روز جمعه پیش از نماز مسافرت مکن،

(۱) حارث همدانی از یاران مخلص امام علی علیه السلام و از فقهای بزرگ بود و شعر معروف:

یا حارث همدان من یمت یرنی من مؤمن او منافق قیلا خطاب به او سروده شد و به او بشارت داد که پیروان و علاقمندان پس از مرگ مرا مشاهده خواهند کرد.

(۲) نقد تفکر: اومانسیم (HUMANISM) اصالت انسان) و اگزیستانسیالیسم (EXISTENTIALISM) اصالت انتخاب، وجود گرایی).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۱۳

جز برای جهاد در راه خدا، و یا کاری که از انجام آن ناچاری (۷۲۲۹- ۷۲۱۱)، در همه کارهایت خدا را اطاعت کن، که اطاعت خدا از همه چیز برتر است.

### ۳ روش به کار گیری نفس در خوبی‌ها

نفس خود را در واداشتن به عبادت فریب ده، و با آن مدارا کن، و به زور و اکراه بر چیزی مجبور نشا، و در وقت فراغت نشاط به کارش گیر، جز در آنچه که بر تو واجب است، و باید آن را در وقت خاص خودش به جا آوری (۷۲۷۴- ۷۲۳۰). پرهیز از آن که مرگ تو فرا رسد در حالی که از پروردگارت گریزان، و در دنیاپرستی غرق باشی. از همنشینی با فاسقان پرهیز که شر به شر می‌پیوندد، خدا را گرامی دار، و دوستان خدا را دوست شمار، و از خشم پرهیز که لشکر بزرگ شیطان است. با درود (۷۲۳۴- ۷۲۳۵).

(۲۰۷۰)

### توجه نامه ۷۰

#### اشاره

(نامه به سهل بن حنیف انصاری فرماندار مدینه، در سال ۳۷ هجری آنگاه که گروهی از مدینه گریخته به معاویه پیوستند (۷۲۳۴- ۷۲۳۱۵) (۱۰)

### روش برخورد با پدیده فرار

پس از یاد خدا و درود! به من خیر رسیده که گروهی از مردم مدینه به سوی معاویه گریختند، میادا برای از دست دادن آنان، و قطع شدن کسک و یاریشان افسوس بخوری! که این فرار برای گمراهی شان، و نجات تو از رنج آنان کافی است، آنان از حق و هدایت گریختند، و به سوی کور دلی و جهالت شناختند (۷۲۳۷- ۷۲۳۷).

آنان دنیاپرستانی هستند که به آن روی آوردند، و شتابان در پی آن روانند. عدالت را شناختند و دیدند، و شنیدند و به خاطر سپردند، و دانستند که همه مردم در نزد ما، در حق یکسانند، پس به سوی انحصار طلبی گریختند، دور باشند از رحمت حق، و لغت بر آنان یاد (۷۲۴۱- ۷۲۳۷).

سوگند به خدا! آنان از ستم نگرینتند، و به عدالت نیوستند، همانا آرزومندیم تا در این جریان، خدا سخنی‌ها را بر ما آسان، و مشکلات را هموار فرماید. ان شاء الله، با درود (۷۲۴۴- ۷۲۴۱۲).

(۲۰۷۱)

### توجه نامه ۷۱

#### اشاره

(نامه به منذر بن جارود عبیدی، که در فرمانداری خود خیانتی مرتکب شد) (۷۲۴۰- ۷۲۴۳)

### سزشتن از خیانت اقتصادی

(۱) سهل بن حنیف در تمام جنگ‌ها یاور پیامبر بود و هرگز فرار نکرد. از طرف امام، فرماندار مدینه شد، و در جنگ صفین هم شرکت داشت، سپس فرماندار فارس ایران شد و در سال ۳۸ هجری در کوفه وفات کرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۱۵

پس از یاد خدا و درود! همانا، شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوشبین، و گمان کردم همانند پدرت می‌باشی، «۱» راه او راه می‌روی (۷۲۴۵- ۷۲۴۶). ناگهان به من خیر دادند، که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده، و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای، دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان می‌کنی، و برای پیوستن با خوشاوندان از دین خدا بریده‌ای (۷۲۴۹- ۷۲۴۷)، اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه‌ات، بند کفش تو، از تو یا ارزش‌تر است (۷۲۵۰- ۷۲۵۰)، و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد، و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند پس چون این نامه به دست تو رسد، نزد من بیا. ان شاء الله (۷۲۴۹- ۷۲۵۱۴).

(منذر کسی است که امیر مؤمنان در باره او فرمود: آدم متکبری است، به دو جانب خود می‌نگرد، و در دو جامه که بر تن دارد می‌خرامد، و پیوسته بر بند کفش خود می‌دمد که گردی بر آن نشیند) (۷۲۵۳- ۷۲۵۰).

(۲۰۷۲)

### توجه نامه ۷۲

#### اشاره

(نامه به عبد الله بن عباس)

### انسان و مقدرات الهی

پس از یاد خدا و درود! تو از اجل خود پیشی نخواهی گرفت، و آنچه که روزی تو نیست به تو نخواهد رسید. (۷۲۵۵- ۷۲۵۴)، و بدان که روزگار دو روز است:

روزی به سود، و روزی به زیان تو، و همانا دنیا خانه دگرگونی‌هاست، و آنچه که به سود تو (و از آن تو) است هر چند تاوان باشی خود را به تو خواهد رسانند، آنچه که به زیان تو است هر چند توانا باشی دفع آن نخواهی کرد (۷۲۶۲۵- ۷۲۵۹۶).

(۲۰۷۳)

### توجه نامه ۷۳

#### اشاره

(نامه به معاویه)

### افشای سمای دروغین معاویه

پس از یاد خدا و درود! من با پاسخ‌های بیابیی به نامه‌هایت، و شنیدن مطالب نوشته‌هایت، رأی خود را سست، و زیرکی خود را به خطا نسبت می‌دهم (۷۲۶۴۸- ۷۲۶۲۶)، و همانا تو که مدام خواسته‌هایی از من داری و نامه‌های فراوان می‌نویسی، به کسی مانی که به خواب سنگینی فرو رفته، و خواب‌های دروغینش او را تکذیب می‌کند، یا چون سرگردانی هستی که ایستادن طولانی بر او دشوار می‌باشد، و نمی‌داند. آیا آینه به سود او یا به زیانش خواهد بود؟

گرچه تو آن کس نیستی اما به تو شباهت دارد (۷۲۶۸۰- ۷۲۶۴۹). به خدا سوگند! اگر پرهیز از خونریزی در مهلت تعیین شده نبود، ضربه کوبنده‌ای دریافت می‌کردی که استخوان را خرد، و گوشت را بریزاند (۷۲۶۹۷- ۷۲۶۸۱).

(۱) جارود پدر منذر در سال نهم هجرت خدمت پیامبر آمد و مسلمان شد، و فردی صالح و شایسته بود امام علیه السّلام او را والی استخر فارس کرد که در سال ۲۱ در جنگ‌های فارس شهید شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۱۷

معاویه! بدان که شیطان تو را نمی‌گذارد تا به نیکوترین کارت «۱» برده‌ازی، و اندرزی که به سود تو است بشوی. درود بر آنان که سزاوار درودند (۷۲۷۱۵- ۷۲۶۹۸).

(۲۰۷۴)

**ترجمه نامه ۷۴**

**اشاره**

(عهد نامه‌ای که با خط هشام بن کلثی ۲۱ برای صلح میان قبیله «ریبه» و «یمن» تنظیم فرمود) (۷۲۷۳۲-۷۲۷۱۶)

**مبانی صلح و سازش مسلمین**

این پیمان نامه‌ای است که مردم «یمن» و «ریبه» آن را پذیرفته‌اند، چه آنان که در شهر حضور دارند چه آنان که در بیابان زندگی می‌کنند.

آنان پیرو قرآند، و به کتاب خدا دعوت می‌کنند، و به انجام دستورات آن فرمان می‌دهند، و هر کس که آنان را به کتاب خدا بخواند پاسخ می‌دهند، نه برابر آن مزدی خواهند، و نه به جای آن چیز دیگری بپذیرند (۷۲۷۷۲-۷۲۷۳۳)، و در برابر کسی که خلاف این پیمان خواهد، یا آن را واگذارده اِستادگی خواهند کرد.

بعضی بعض دیگر را یاری می‌دهند (۷۲۷۸۵-۷۲۷۷۳)، همه متحد بوده و به خاطر سرزنش کننده‌ای، یا خشم خشم گیرنده‌ای، یا خوار کردن بعضی، یا دشنام دادن قومی، این پیمان را نمی‌شکنند.

بر این پیمان، حاضران و آنها که غایبند، دالایان و ناآگاهان، بردباران و جاهلان، همه استوارند (۷۲۸۱۹-۷۲۷۸۶)، و عهد و پیمان الهی نیز بر آنان واجب گردیده است که «همانا از پیمان خدا پرسش خواهد شده و علی بن ابی طالب آن را نوشت (۷۲۸۳۸-۷۲۸۲۰).

(۲۰۷۵)

**ترجمه نامه ۷۵**

**اشاره**

(نامه به معاویه در روزهای آغازین بیعت، در سال ۳۶ هجری که ولقدی در کتاب الجمل آن را آورد) (۷۲۸۵۵-۷۲۸۳۹)

**فرمان اطاعت به معاویه**

از بنده خدا علی امیر مؤمنان، به معاویه بن ابی سفیان (۷۲۸۶۶-۷۲۸۵۶) پس از یاد خدا و درود! می‌دانی که من درباره شما معذور، و از آنچه در مدینه گذشت ۳۱ روی گردانم، تا شد آنچه که باید می‌شد، و بازداشتن آن ممکن نبود.

داستان طولانی و سخن فراوان است و گذشته‌ها گذشت، و آینده روی کرده است (۷۲۹۰۰-۷۲۸۶۷)، تو و همراهات بیعت کنید، و با گروهی از یارانت نزد من بیا، با درود (۷۲۹۱۲-۷۲۹۰۱).

(۲۰۷۶)

**ترجمه نامه ۷۶**

**اشاره**

(نامه به عبد الله بن عباس، هنگامی که او را در سال ۳۶ هجری به فرمانداری بصره نصب فرمود) (۷۲۹۲۶-۷۲۹۱۳)

**اخلاق فرماندهی**

(۱) نیکوترین کار، همان اطاعت از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام بحق حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است.

(۲) از شیعیان امام علیه السلام و مؤرخ و مفسر قرآن و دارای علم انساب بود.

(۳) یعنی ما جرای شورش مجاهدان و قتل عثمان.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۱۹

با مردم، به هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده رو باش و از خشم پرهیز، که سبک مغزی، به تحریک شیطان است (۷۲۹۹۱-۷۲۹۶۷)، و بدان! آنچه تو را به خدا نزدیک می‌سازد، از آتش جهنم دور، و آنچه تو را از خدا دور می‌سازد، به آتش جهنم نزدیک می‌کند (۷۲۹۵۹-۷۲۹۴۲).

(۲۰۷۷)

**ترجمه نامه ۷۷**

**اشاره**

(نامه به عبد الله بن عباس آن هنگام که او را در سال ۳۸ هجری برای گفتگو با خوارج فرستاد) (۷۲۹۷۳-۷۲۹۶۰)

**روش مناظره با دشمن مسلمین**

به قرآن با خوارج به جدل مپرداز، زیرا قرآن دارای دیدگاه کلی بوده، و تفسیرهای گوناگونی دارد، تو چیزی می‌گویی، و آنها چیز دیگری، لیکن با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنان به بحث و گفتگو بپرداز، که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند (۷۲۹۹۳-۷۲۹۷۴).

(۲۰۷۸)

**ترجمه نامه ۷۸**

**اشاره**

(جواب نامه ابو موسی اشعری، پیرامون حکمیت که سعید بن جبلی اموی در کتاب المغازی آن را آورده) (۷۲۹۹۴-۷۳۰۱۴)

**اعل سفوط جامعه**

همانا بسیاری از مردم تغییر کردند، و از سعادت و رستگاری بی‌بهره ماندند، به دنیا پرستی روی آورده، و از روی هوای نفس سخن گفتند. کردار اهل عراق مرا به شگفتی وا داشته است، که مردمی خودپسند در چیزی گرد آمدند، می‌خواستند زخم درون آنها را مداوا کنم، پیش از آن که غیر قابل علاج گردد (۷۳۰۵۲-۷۳۰۱۵).

**۲ تلاش امام در نطق وحدت**

پس بدان در ائت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت ائت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به انس گرفتن آنان به همدیگر، از من دلسوزتر باشد. من در این کار باداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم (۷۳۰۷۲-۷۳۰۵۳)، و به آنچه پیمان به ستم وفا دارم، هر چند تو دگرگون شده، و همانند روزی که از من جدا شدی نباشی.

همانا تیره روز کسی است که از عقل و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند (۷۳۰۹۷-۷۳۰۷۳)، و من از آن کس که به باطل سخن گوید یا کاری را که خدا اصلاح کرده بر هم زند، بیزارم (۷۳۱۱۱-۷۳۰۹۸). آنچه را نمی‌دانی واگذار، مردان بد کردار، با سخنانی نادرست به سوی تو خواهند شناخت، با درود (۷۳۱۲۴-۷۳۱۱۲).

(۱) رَدِّ تَفْکَرٍ: اِیرسِونالِسم (IRRATIONALISM) فلسفه غیر عقلی، خرد گریزی (یا یورش بر ضد عقل که در قرن ۱۹ از طرف شوپنهاور و نیچه و گریسون، رواج پیدا کرد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۲۱

(۲۰۷۹)

**ترجمه نامه ۷۹**

**اشاره**

(نامه به فرماندهان لشکر، پس از به دست گرفتن خلافت)

#### علل نابودی ملت‌ها

پس از یاد خدا و درودا همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نبرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند، و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند (۷۳۱۵۰-۷۳۱۲۵).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۲۳

نهج البلاغه

#### حکمت‌ها

##### اشاره

در این بخش به پرسشها و گفتارهای کوتاه آمده است

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۲۵

(۳۰۰۱)

##### حکمت ۱

#### روش برخورد با فتنه‌ها

(اخلاقی، سیاسی) درود خدا بر او، فرمود: در فتنه‌ها، چونان شتر دو ساله باش، نه پشتی دارد که سواری دهد، و نه پستانی تا او را بدوشند (۷۳۱۹۲-۷۳۱۵۱).

(۳۰۰۲)

##### حکمت ۲

#### شناخت ضد ارزش‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آن که جان را با طمع ورزی بپوشاند خود را پست کرده (۷۳۲۰۰-۷۳۱۹۳)، و آن که راز سختی‌های خود را آشکار سازد خود را خوار کرده (۷۳۲۰۷-۷۳۲۰۱)، و آن که زبان را بر خود حاکم کند خود را بی‌ارزش کرده است (۷۳۲۱۵-۷۳۲۰۸).

(۳۰۰۳)

##### حکمت ۳

#### شناخت ضد ارزش‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بخل ننگ (۷۳۲۲۰-۷۳۲۱۶) و ترس نقصان است (۷۳۲۲۳-۷۳۲۲۱). و تهیدستی مرد زیرک را در برهان کند می‌سازد (۷۳۲۲۴-۷۳۲۲۴)، و انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است (۷۳۲۳۴-۷۳۲۳۰).

(۳۰۰۴)

##### حکمت ۴

#### ارزش‌های اخلاقی و ضد ارزش‌ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: ناتوانی، آفت (۷۳۲۳۵-۷۳۲۳۹) و شکیبایی، شجاعت (۷۳۲۴۲-۷۳۲۴۰) و زهد ثروت (۷۳۲۴۵-۷۳۲۴۳) و پرهیزکاری سیر ننگ دارنده است (۷۳۲۴۸-۷۳۲۴۶): و چه همنشین خوبی است راضی بودن و خرسندی (۷۳۲۵۲-۷۳۲۴۹).

(۳۰۰۵)

##### حکمت ۵

#### شناخت ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دانش، میراثی گرانبها (۷۳۲۵۸-۷۳۲۵۳)، و آداب، زیورهای همیشه تازه (۷۳۲۶۲-۷۳۲۵۹)، و اندیشه، آینه‌ای شفاف است (۷۳۲۶۶-۷۳۲۶۳).

(۳۰۰۶)

##### حکمت ۶

#### ارزش راز داری و خوشرویی

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: سینه خردمند صندوق راز اوست (۷۳۲۷۳-۷۳۲۶۷)، و خوشرویی وسیله دوست یابی (۷۳۲۷۷-۷۳۲۷۴)، و شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب‌هاست. و یا فرمود (۷۳۲۷۸-۷۳۲۷۸): پرسش کردن وسیله پوشاندن عیب‌هاست (۷۳۲۹۴-۷۳۲۹۲)، و انسان از خود راضی، دشمنان او فراوانند (۷۳۲۹۷-۷۳۲۹۳).

(۳۰۰۷)

##### حکمت ۷

#### ایثار اقتصادی و آخرت گرایی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: صدقه دادن دارویی ثمر بخش است (۷۳۳۰۶-۷۳۳۰۳)، و کردار بلندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه‌گر است (۷۳۳۱۵-۷۳۳۰۷).

(۳۰۰۸)

##### حکمت ۸

#### شگفتی‌های تن آدمی

(علمی، فیزیولوژی انسانی) و درود خدا بر او، فرمود: از ویژگی‌های انسان در شگفتی مایند، که: با پاره‌ای «بی» می‌نگرد، و با «گوشته» سخن می‌گوید، و با «استخوان» می‌شنود، و از «شکافی» نفس می‌کشد (۷۳۳۳۳-۷۳۳۱۶)!!<sup>۱۰</sup>.

(۳۰۰۹)

##### حکمت ۹

#### شناخت ره‌آورد اقبال و اقبال دنیا

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: چون دنیا به کسی روی آورد، نیکی‌های دیگران را به او عاریت دهد، و چون از او روی برگرداند خوبی‌های او را نیز بریابد (۷۳۳۵۱-۷۳۳۴۴).

(۳۰۱۰)

##### حکمت ۱۰

#### روش زندگی با مردم

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: با مردم آنگونه معاشرت کنيد، که اگر مرديد بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند (۷۳۳۶۷-۷۳۳۵۲).



(۳۰۱۱)

#### حکمت ۱۱

##### روش برخورد با دشمن

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر بر دشمنت دست یابی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده (۷۳۳۸۰-۷۳۳۶۸).

(۱) اشاره به: اومانیسیم (HUMANIAM) انسان شناسی در تمام ابعاد) که از نظر بیولوژی، فیزیولوژی و روانی انسان را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۲۷

(۳۰۱۲)

#### حکمت ۱۲

##### آین دوست یابی

(اخلاقی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست یابی ناتوان است، و از او ناتوان‌تر آن که دوستان خود را از دست بدهد (۷۳۳۹۹-۷۳۳۸۱).

(۳۰۱۳)

#### حکمت ۱۳

##### روش استفاده از نعمت‌ها

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید (۷۳۴۱۲-۷۳۴۰۰).

(۳۰۱۴)

#### حکمت ۱۴

##### روش برخورد با خویشاوندان

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می‌گردد (۷۳۴۱۳-۷۳۴۱۱).

(۳۰۱۵)

#### حکمت ۱۵

##### روش برخورد با فریب خورده‌گان

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هر فریب خورده‌ای را نمی‌شود سرزنش کرد (۷۳۴۱۸-۷۳۴۲۲). ۱۰

(۳۰۱۶)

#### حکمت ۱۶

##### شناخت جایگاه جبر و اختیار

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: کارها چنان در سیطره تقدیر است که چاره اندیشی به مرگ می‌انجامد (۷۳۴۲۹-۲۰).

(۳۰۱۷)

#### حکمت ۱۷

##### صورت رنگ کردن موها

(بهداشتی، تجمل و زیبایی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: موها را رنگ کنید، و خود را شیهه بپوشد نساخید یعنی چه؟

فرمود) (۷۳۴۵۳-۷۳۴۴۰) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک بودند، اما امروز که اسلام گسترش یافته، و نظام اسلامی استوار شده، هر کس آنچه را دوست دارد انجام دهد (۷۳۴۷۴-۷۳۴۵۴).

(۳۰۱۸)

#### حکمت ۱۸

##### ره آورد شوم فرار از جنگ

(سیاسی، اخلاق نظامی) و درود خدا بر او، فرمود: (در باره آنان که از جنگ کناره گرفتند) حق را بخوار کرده، باطل را نیز یاری نکردند (۷۳۴۸۸-۷۳۴۷۵). ۳۰

(۳۰۱۹)

#### حکمت ۱۹

##### ره آورد شوم هواپرستی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در بی‌آرزوی خویش نازد، مرگ او را از پای در آورد (۷۳۴۹۸-۷۳۴۸۹).

(۳۰۲۰)

#### حکمت ۲۰

##### روش برخورد با جوانمردان

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: از لغزش جوانمردان درگذرید، زیرا جوانمردی نمی‌لغزد جز آن که دست خدا او را بلند مرتبه می‌سازد (۷۳۵۱۵-۷۳۴۹۹).

(۳۰۲۱)

#### حکمت ۲۱

##### اوزن‌ها و ضد اوزن‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ترس با ناامیدی، و شرم با محرومیت همراه است (۷۳۵۲۴-۷۳۵۱۶)، و فرصت‌ها چون ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمارید (۷۳۵۳۲-۷۳۵۲۵).

(۳۰۲۲)

#### حکمت ۲۲

##### روش گرفتن حق

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: ما را حجتی است اگر به ما داده شود، و اگر نه بر پشت شتران سوار شویم و برای گرفتن آن پراویم هر چند شب روی به طول انجامد (۷۳۵۴۸-۷۳۵۳۳). ۴۰

(این از سخنان لطیف و فصیح است، یعنی اگر حق ما را ندادند، بخوار خواهیم شد و باید بر ترک شتر سوار چون بنشینیم)

(۳۳۵۸۰-۷۳۵۴۹) (۳۰۲۳)

### حکمت ۲۳

#### ضرورت عمل گرایبی

(اخلاقی، اجتماعی)

(۱) به هنگام حرکت امام علیه السلام جهت سرکوب شورشیان بصره، سعد وقاص و محمد بن مسلمه، و اسامه بن زید و عبد الله بن عمر آماده حرکت نشدند. امام از آنها پرسید چرا آماده جهاد نمی‌شوید؟ گفتند از اینکه مسلمانی را بکشیم ناراحتیم! امام فرمود: بر بیعت من وفا دارید؟ گفتند آری، امام فرمود به خانه‌های‌تان بروید. آن گاه حکمت ۱۵ را زمزمه کرد.

(۲) نقد مکتب ولونتاریسم (VOLUNTARISM) مکتب اصالت اراده و اختیار) که هر گونه جبری را نفی می‌کند، زیرا در اسلام انسان با کمک خدا عمل می‌کند.

(۳) حارث ابن حوط هم مخالف جنگ جمل بود و به امام گفت منم مانند سعد وقاص و عبد الله عمر شرکت نمی‌کنم.

(۴) این کلمات را امام علیه السلام در روز عاشورا مطرح فرمود، که مردم داشتند با عثمان بیعت می‌کردند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۲۹

و درود خدا بر او، فرمود: کسی که کردارش او را به جایی نرساند، افتخارات خاندانش او را به جایی نخواهد رسانید (۷۳۵۸۱-۷۳۵۸۱).

(۳۰۲۴)

### حکمت ۲۴

#### روش یاری کردن مردم

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: از کفاره گناهان بزرگ، به فریاد مردم رسیدن، و آرام کردن مصیبت دیده‌گان است (۷۳۶۰۴-۷۳۵۹۲).

(۳۰۲۵)

### حکمت ۲۵

#### توس از خدا در فزونی نعمت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم! زمانی که خدا را می‌بینی که انواع نعمت‌ها را به تو می‌رساند، تو در حالی که مصیبت کاری، بترس (۷۳۶۱۱-۷۳۶۰۵).

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱جلد، مشهور - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹. نهج البلاغه / ترجمه دشتی؛ ص ۶۲۹

(۳۰۲۶)

### حکمت ۲۶

#### رفار شناسی (و نقش روحیات در فن آدمی)

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی چیزی را در دل پنهان نکرد جز آن که در لغزش‌های زبان و رنگ رخسارش، آشکار خواهد گشت (۷۳۶۲۲-۷۳۶۱۲). ۱۰

(۳۰۲۷)

### حکمت ۲۷

#### روش درمان دردها

(بهداشتی، درمانی) و درود خدا بر او، فرمود: با درد خود بساز، چندان که با تو سازگار است (۷۳۶۴۴-۷۳۶۳۷).

(۳۰۲۸)

### حکمت ۲۸

#### برترین باورسای

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: برترین زهد، پنهان داشتن زهد است (۷۳۶۵۱-۷۳۶۴۵)!

(۳۰۲۹)

### حکمت ۲۹

#### ضرورت یاد برگ

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که تو زندگی را پشت سر می‌گذاری و مرگ به تو روی می‌آورد، پس دیدار با مرگ چه زود خواهد بود (۷۳۶۶۵-۷۳۶۵۲).

(۳۰۳۰)

### حکمت ۳۰

#### پرهیز از غفلت زدهی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: هشدار! هشدار! به خدا سوگند، چنان پرده‌پوشی کرده که بنداری تو را بخشیده است (۷۳۶۷۷-۷۳۶۶۶)!

(۳۰۳۱)

### حکمت ۳۱

#### اشاره

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (از ایمان پرسیدند، جواب داد)

#### ۱- شناخت پایه‌های ایمان:

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد (۷۳۶۹۵-۷۳۶۷۸). صبر نیز بر چهار پایه قرار دارد. شوق، هراس، زهد و انتظار (۷۳۷۰۹-۷۳۶۹۶). آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد، و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند، و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد، و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد، در نیکی‌ها شتاب می‌کند (۷۳۷۳۷-۷۳۷۱۰). یقین نیز بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه و واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، و پیمودن راه درست پیشینیان (۷۳۷۵۵-۷۳۷۳۸). پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگرست، حکمت را آشکارا بیند، و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت آموزی را شناسد، و آن که عبرت آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است (۷۳۷۷۷-۷۳۷۵۶). و عدل نیز بر چهار پایه بر قرار است: فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید، و کسی که شکیبا شد در کارش زیاده روی نکرده با نیکامی در میان مردم زندگی خواهد کرد (۷۳۸۱۱-۷۳۷۷۸). و جهاد نیز بر چهار پایه استوار است:

(۱) اشاره به علم: پسی‌کوفیزیس (PSYCHOPHYSICS) رابطه تن با روان) و پسیکوسوماتیکس (PSYCHOSOMATICS) که از دو واژه PSYCHO یعنی روان و روح و SOMA بمعنی بدن گرفته شده است، یعنی اشتراک روح و بدن و اشاره به علم: بی‌هیورسیم (BEHAVIORISM) رفتار شناسی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۳۱  
 امر به معروف، و نهی از منکر، راستگویی در هر حال، و دشمنی با فاسقان (۷۳۴۱-۷۳۸۲۲). پس هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است، و آن کس که از زشتی‌ها نهی کرد، بینی منافقان را به خاک مالید، و آن کس که در میدان نبرد صادقانه پایداری کند حقی را که بر گردن او بوده ادا کرده است، و کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشم بگیرد، خدا هم برای او خشم آورد، و روز قیامت او را خشنود سازد (۷۳۸۷۷-۷۳۸۴۲).

**۲- شناخت اسام کفر و تردید:**

و کفر بر چهار ستون پایدار است: کنجکاوی دروغین، ۱۱، ستیزه‌جویی و جدل، انحراف از حق، و دشمنی کردن (۷۳۹۳۳-۷۳۸۹۱). پس آن کس که دنبال توهم و کنجکاوی دروغین رفت به حق نرسید. ۲۱، و آن کس که به ستیزه‌جویی و نزاع پرداخت از دیدن حق نا پینا شد، و آن کس که از راه حق منحرف گردید، نیکویی را زشت، و زشتی را نیکویی پنداشت و سر مست گمراهی‌ها گشت، و آن کس که دشمنی ورزید، پیمودن راه حق بر او دشوار و کارش سخت، و نجات او از مشکلات دشوار است (۷۳۹۶۶-۷۳۹۳۴). و شک چهار بخش دارد: جدال در گفتار، نرسیدن، دو دل بودن، و تسلیم حوادث روزگار شدن (۷۳۹۷۹-۷۳۹۴۷). پس آن کس که جدال و نزاع را عادت خود قرار داد از تاریکی شبهات بیرون نخواهد آمده، و آن کس که از هر چیزی ترسید همواره در حال عقب نشینی است، و آن کس که در تردید و دو دلی باشد زیر پای شیطان کوبیده خواهد شد، و آن کس که تسلیم حوادث گردد و به تباهی دنیا و آخرت گردن نهد، و هر دو جهان را از کف خواهد داد (۷۳۹۹۷-۷۳۹۸۰).  
 (سخن امام طولانی است چون در این فصل، حکمت‌های کوتاه را جمع آوری می‌کنم از آوردن دنباله سخن خودداری کردم) (۷۷۷۶۶-۷۷۷۶۶) (۳۰۳۲)

**حکمت ۳۲**

**ارزشی و ولایی انجام دهنده کارهای خیر**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: نیکوکار، از کار نیک بهتر و بدکار از کار بد بدتر است (۷۴۰۰۹-۷۳۹۸۸). (۳۰۳۳)

**حکمت ۳۳**

**اعتدال در بخشش و حساسی**

(اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت گیر مباش (۷۴۰۲۵-۷۴۰۱۰). (۳۰۳۴)

**حکمت ۳۴**

**راه بی‌نیازی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بهترین بی‌نیازی، ترک آرزوهاست (۷۴۰۳۲-۷۴۰۲۶). (۳۰۳۵)

**حکمت ۳۵**

**ضرورت موفقیت شناسی**

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی در انجام کاری که مردم خوش ندارند، شتاب کند، در باره او چیزی خواهد گفت که از آن اطلاق ندارند (۷۴۰۴۶-۷۴۰۳۳). (۳۰۳۶)

**حکمت ۳۶**

**آرزوهای طولانی و بیهکاری**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که آرزوهایش طولانی است کردارش نیز ناپسند است (۷۴۰۵۴-۷۴۰۴۷). (۳۰۳۷)

**حکمت ۳۷**

**ضرورت ترک آداب جاهلی**

(اخلاقی، سیاسی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (در سر راه صفین دهقانان شهر انبار ۳۱ تا امام را دیدند پیاده شده، و پیشاپیش آن حضرت می‌دویدند (۷۴۰۷۲-۷۴۰۵۵).  
 فرمود چرا چنین می‌کنید؟ گفتند عادت است که پادشاهان خود را احترام می‌کردیم، فرمود (۷۴۰۸۴-۷۴۰۷۳) که خدا سوگند که امیران شما از این کار سودی نبردند، و شما در دنیا با آن خود را به زحمت می‌افکنید،

(۱) عمق و عمق در بیابانی بی آب و علف، پیشروی کردن و سرگردان شدن و به هلاکت رسیدن است. کسی که با توهم پیش رود نیز دچار همین سرنوشت خواهد بود.

(۲) نقد تفکر: ایده آلیسم (IDEALISM) خیال پرستی، ذهن گرایی) در برابر رئالیسم (REALISM) واقع گرایی)

(۳) شهر انبار یکی از شهرهای شام، در شصت کیلومتری بغداد قرار داشت که در سال دوازدهم هجری به دست مسلمانان افتاد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۳۳

و در آخرت دچار رنج و زحمت می‌گردید (۷۴۱۰۲-۷۴۰۸۵)، و چه زاینبار است رنجی که عذاب در پی آن باشد، و چه سودمند است آسایشی که با آن، امان از آتش جهنم باشد (۷۴۱۱۵-۷۴۱۰۳).

(۳۰۳۸)

**حکمت ۳۸**

**ارزش‌ها و آداب معاشرت با مردم**

**اشاره**

(اخلاقی، اجتماعی، تربیتی) به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

پسرم! چهار چیز از من یاد گیر (در خوبی‌ها)، و چهار چیز به خاطر بسیار (هشدارها)، که تا به آنها عمل می‌کنی زیان نینی:

**الف- خوبی‌ها**

۱- همانا ارزشمندترین بی‌نیازی عقل است، ۲- و بزرگ‌ترین فقر بی‌مردی است، ۳- و ترسناک‌ترین تنهایی خود پسندی است. ۴- و گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست (۷۴۱۵۰-۷۴۱۱۶).

**ب- هشدارها**

۱- پسرم! از دوستی با احق پرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیانت می‌کند.

۲- از دوستی با بخیل پرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد (۷۴۱۷۳-۷۴۱۵۱).

۳- و از دوستی با بدکار پرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد (۷۴۱۸۱-۷۴۱۷۴).

۴- و از دوستی با دروغگو پرهیز، که او به سراب مانند: دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می‌نمایاند (۷۴۱۸۲-۷۴۱۹۵).

(۳۰۳۹)

### حکمت ۳۹

#### جایگاه واجبات و مستحبات

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: عمل مستحب «ا» انسان را به خدا نزدیک نمی‌گرداند، اگر به واجب زیان رساند

(۷۴۲۰۴-۷۴۱۹۶).

(۳۰۴۰)

### حکمت ۴۰

#### راه شناخت عاقل و احمق

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: زبان عاقل در پشت قلب اوست، و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد (۷۴۲۱۶-۷۴۲۰۵).

(این از سخنان ارزشمند و شگفتی آور است، که عاقل زبانش را بدون مشورت و فکر و سنجش رها نمی‌سازد (۷۴۲۱۷-۷۴۲۱۶).

انرا احمق هر چه بر زبانش آید می‌گوید بدون فکر و دقت، پس زبان عاقل از قلب او و قلب احمق از زبان او فرسان می‌گیرد)

(۷۴۲۳۳-۷۴۲۴۰).

(حکمت ۴۰ به گونه دیگری نیز نقل شده)

(۳۰۴۱)

### حکمت ۴۱

#### راه شناخت عاقل و احمق

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: قلب احمق در دهان او، و زبان عاقل در قلب او قرار دارد (۷۴۲۸۷-۷۴۲۶۶).

(۳۰۴۲)

### حکمت ۴۲

#### بیماری و پاک شدن گناهان

(اخلاقی، معنوی) و به یکی از یارانش که بیمار بود فرمود: (۷۴۲۹۵-۷۴۲۸۸) خدا آنچه را که از آن شکایت داری (بیماری)

موجب کاستن گناهانت قرار داد، در بیماری پاداشی نیست انما گناهان را از بین می‌برد، و آنها را چونان برگ پاییزی می‌ریزد، و

همانا پاداش در گفتار به زبان، و کردار با دست‌ها و قدم‌هاست (۷۴۳۱۷-۷۴۲۹۶)، و عذای سبحان به خاطر نیت راست، و درون

پاک، هر کس از بندگانش را که بخواهد وارد بهشت خواهد کرد (۷۴۳۲۲-۷۴۳۲۸).

می‌گوید: (راست گفت امام علی علیه السلام «درود خدا بر او باد» که بیماری پاداشی ندارد، بیماری از چیزهایی است که استحقاق

عوض دارد، و عوض در برابر رفتار خداوند بزرگ است نسبت به بنده خود، در ناملازمات زندگی و بیماری‌ها و همانند آنها

(۷۴۳۲۲-۷۴۳۲۲)، انما اجر و پاداش در برابر کاری است که بنده انجام می‌دهد. پس بین این دو تفاوت است که امام علیه السلام

آن را با ناله نافذ و رأی رسای خود، بیان فرمود (۷۴۴۰۶-۷۴۳۸۳).

(۱) ناله: یعنی مستحب، و فریضه یعنی واجب.

(۲) بقول سعدی: اول اندیشه وانگهی گفتار.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۳۵

(۳۰۴۳)

### حکمت ۴۳

#### الگوهای انسانی (فضائل اخلاقی یکی از یاران)

(تاریخی، تربیتی) در یاد یکی از یاران، «عیب‌ابن اُرت» فرمود: خدا عیب‌ابن اُرت «ا» را رحمت کند، با رغبت مسلمان شد، و از

روی فرمانبرداری هجرت کرد، و با قناعت زندگی گذراند، و از خدا راضی بود، و مجاهد زندگی کرد (۷۴۴۳۵-۷۴۴۰۷).

(۳۰۴۴)

### حکمت ۴۴

#### ارزش آخوت گواهی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد، برای حسابرسی قیامت کار کند، با قناعت زندگی

کند، و از خدا راضی باشد (۷۴۴۵۲-۷۴۴۳۶).

(۳۰۴۵)

#### حکمت ۴۵

#### راه شناخت مؤمن و منافق

(اخلاقی، انسان شناسی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی

نخواهد کرد، و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بنماید، دوست من نخواهد شد (۷۴۴۷۸-۷۴۴۵۳)، و این بدان جهت

است که قضای الهی جاری شد، و بر زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله و سلم گذشت که فرمود:

«ای علی! مؤمن تو را دشمن نگیرد، و منافق تو را دوست نخواهد داشت.»

(۷۴۴۹۹-۷۴۴۷۹) (۳۰۴۶)

### حکمت ۴۶

#### ارزش بشمائی و زشتی غرور زده‌ی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: گناهی که تو را بشیمان کند بهتر از کار نیکی است که تو را به خود پسندی و دارد (۷۴۵۰۰-۷۴۵۰۰).

(۳۰۴۷)

### حکمت ۴۷

#### شناخت ارزش‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ارزش مرد به اندازه همت اوست، و راستگویی او به میزان جوانمردی‌اش، و شجاعت او به قدر

نتگی است که احساس می‌کند، و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست (۷۴۵۳۳-۷۴۵۱۱).

(۳۰۴۸)

### حکمت ۴۸

#### راز داری و بیروزی

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: پیروزی در دورانبدی، و دور اندیشی در به کنار گیری صحیح اندیشه، و اندیشه

صحیح به راز داری است (۷۴۵۶۶-۷۴۵۳۴).  
(۳۰۴۹)

#### حکمت ۴۹

##### شناخت بزرگواری و بست فطرت

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: از یورش بزرگواری به هنگام گرسنگی، و از تهاجم انسان بست به هنگام سیری، بپرهیز (۷۴۵۵۸-۷۴۵۴۷).  
(۳۰۵۰)

#### حکمت ۵۰

##### راه جذب دلیا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند (۷۴۵۵۹-۷۴۵۶۸).  
(۳۰۵۱)

#### حکمت ۵۱

##### قدرت و عیب پوشی

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: عیب تو تا آن گاه که روزگار با تو هماهنگ باشد، پنهان است (۷۴۵۶۹-۷۴۵۷۶).  
(۳۰۵۲)

#### حکمت ۵۲

##### روش برخورد با شکست خوردگان

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: سزاوارترین مردم به عفو کردن، توانا ترنشان به هنگام کيفر دادن است (۷۴۵۷۷-۷۴۵۸۵).  
(۳۰۵۳)

#### حکمت ۵۳

##### شناخت جایگاه سخاوت و ابتیاری

(اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی)

(۱) خیاب پسر آرت، از مسلمانان صدر اسلام است که در مکه آسیب فراوان دید تا آنجا که مشرکین پشت او را داغ کردند، در جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام بود و در سال ۳۷ هجری در کوفه درگذشت.

نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۶۳۷

و درود خدا بر او، فرمود: سخاوت آن است که تو آغاز کنی، زیرا آنچه با درخواست داده می‌شود یا از روی شرم و یا از بیم شیندن سخن ناپسند است (۷۴۶۰۰-۷۴۵۸۶).  
(۳۰۵۴)

#### حکمت ۵۴

##### ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ ثروتی چون عقل، و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب «ا» و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست (۷۴۶۱۸-۷۴۶۰۱).  
(۳۰۵۵)

#### حکمت ۵۵

##### انسام بر دباری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: شکیبایی دو گونه است: شکیبایی بر آنچه خوش نمی‌داری و شکیبایی در آنچه دوست می‌داری (۷۴۶۳۱-۷۴۶۱۹).  
(۲۰۵۶)

#### حکمت ۵۶

##### نهی‌دستی و تنهایی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: ثروت‌مندی در غربت، چون در وطن بودن، و نهی‌دستی در وطن، غربت است (۷۰۱۲۰-۷۰۱۲۵).  
(۳۰۵۷)

#### حکمت ۵۷

##### ارزش قناعت و خود کنایی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: قناعت، ثروتی است پایان ناپذیر (۷۴۶۵۰-۷۴۶۴۴).  
(این سخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است)  
(۷۴۶۶۰-۷۴۶۵۱) (۳۰۵۸)

#### حکمت ۵۸

##### توانگری و شهوت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ثروت، ریشه شهوت‌هاست (۷۴۶۶۶-۷۴۶۶۱).  
(۳۰۵۹)

#### حکمت ۵۹

##### ارزش نذکر دادن اشتباهات

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آن که تو را هشدار داد، چون کسی است که مزه داد (۷۴۶۷۳-۷۴۶۶۷).  
(۳۰۶۰)

#### حکمت ۶۰

##### ضرورت کنترل زبان

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهاش کنی می‌گردد (۷۴۶۸۲-۷۴۶۷۴).  
(۳۰۶۱)

**حکمت ۶۱**

**شیرینی آزار زن**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: نیش زن شیرین است (۷۴۶۸۹-۷۴۶۸۳). (۳۰۶۲)

**حکمت ۶۲**

**روش پاسخ دادن به ستایش‌ها و نیکی‌ها**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: چون تو را ستودند، بهتر از آنان ستایش کن (۷۴۶۹۸-۷۴۶۹۰)، و چون به تو احسان کردند، بیشتر از آن ببخش. به هر حال پاداش بیشتر از آن آغاز کننده است (۷۴۷۱۲-۷۴۶۹۹). (۳۰۶۳)

**حکمت ۶۳**

**ارزش شفاعت**

(اخلاقی اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: شفاعت کننده چنان بال و پر در خواست کننده است (۷۴۷۱۸-۷۴۷۱۳). (۳۰۶۴)

**حکمت ۶۴**

**غفلت دنیا پرستان**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اهل دنیا سوارانی در خواب مانده‌اند که آنان را می‌رانند (۷۴۷۱۹-۷۴۷۲۸). (۳۰۶۵)

**حکمت ۶۵**

**ترک دوستان و تهایی**

(اخلاقی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن دوستان غربت است (۷۴۷۳۵-۷۴۷۳۰). (۳۰۶۶)

**حکمت ۶۶**

**روش خواستن**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن حاجت بهتر از درخواست کردن از نا اهل است (۷۴۷۴۶-۷۴۷۳۶). (۳۰۶۷)

**حکمت ۶۷**

**ارزش اینار اقتصادی**

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن، از آن کمتر است (۷۴۷۵۸-۷۴۷۴۷). (۳۰۶۸)

(۱) اشاره به علم: پداگوژی (PEDAGOGY) علم تربیت

نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۳۹

(۳۰۶۸)

**حکمت ۶۸**

**ره آورده عفت و شکر گذاری**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: عفت ورزیدن زینت فقر، و شکر گذاری زینت بی‌نیازی است (۷۴۷۶۸-۷۴۷۵۹). (۳۰۶۹)

**حکمت ۶۹**

**حفظ روح امیدواری**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر به آنچه که می‌خواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران مباش (۷۴۷۸۰-۷۴۷۶۹). (۳۰۷۰)

**حکمت ۷۰**

**روانشناسی جاهل**

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: نادان را یا تندرو یا کند رو می‌بینی (۷۴۷۹۰-۷۴۷۸۱). (۳۰۷۱)

**حکمت ۷۱**

**نشانه کمال عقل**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود (۷۴۷۹۸-۷۴۷۹۱). (۳۰۷۰)

**حکمت ۷۲**

**رابطه دنیا و انسان**

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا بدن‌ها را فرسوده، و آرزوها را تازه می‌کند، مرگ را نزدیک (۷۴۸۱۰-۷۴۷۹۹) و خواسته‌ها را دور و دراز می‌سازد، کسی که به آن دست یافت خسته می‌شود، و آن که به دنیا نرسید رنج می‌برد (۷۴۸۲۱-۷۴۸۱۱). (۳۰۷۳)

**حکمت ۷۳**

**ضرورت خودسازی رهبران و مدیران**

(اخلاقی، تربیتی، مدیریتی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد (۷۴۸۲۲-۷۴۸۲۱). زیرا آن کسی که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد (۷۴۸۲۴-۷۴۸۲۳). (۳۰۷۴)

**حکمت ۷۴**

**ضورت یاد مرگ**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: انسان با نفسی که می‌کشد، قدمی به سوی مرگ می‌رود (۷۴۸۵۵-۷۴۸۶۲). (۳۰۷۵)

**حکمت ۷۵**

**توجه به فنا پذیری دنیا**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هر چیز که شمردنی است پایان می‌پذیرد، و هر چه را که انتظار می‌کنیدی، خواهد رسید. (۷۴۸۷۲-۷۴۸۷۳). (۳۰۷۶)

**حکمت ۷۶**

**روش تحلیل رویدادها (روش تجربی)**

(اخلاقی، علمی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: حوادث اگر همانند یکدیگر بودند، آخرین را با آغازین مقایسه و ارزیابی می‌کنند. (۷۴۸۸۲-۷۴۸۸۳). (۳۰۷۷)

**حکمت ۷۷**

**دنیا شناسی (امام و ترک دنیای حرام**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (ضربان بن ضمیره ۲۰) ضیایی از باران امام به شام رفت بر معاویه وارد شد. معاویه از او خواست از حالات امام بگوید، گفت علی علیه السلام را در حالی دیدم که شب، پرده‌های خود را افکنده بود، و او در محراب ایستاده، محاسن را به دست گرفته، چون مار گریذه به خود می‌پیچید، و محزون می‌گریست و می‌گفت) (۷۴۹۳۰-۷۴۸۸۳) ای دنیا!! ای دنیای حرام! از من دور شو، آیا برای من خودنمایی می‌کنی؟ یا شیفته من شده‌ای تا روزی در دل من جای گیری؟ هرگز مبادا غیر مرا بفریب، که مرا در تو هیچ نیازی نیست (۷۴۹۵۲-۷۴۹۳۱)، تو را سه طلاقه کرده‌ام، تا باز گشتی نباشد، دوران زندگانی تو کوتاه، ارزش تو اندک، و آرزوی تو پست است (۷۴۹۶۶-۷۴۹۵۳). آه از توشه اندک، و درازی راه، و دوری منزل، و عظمت روز قیامت (۷۴۹۷۹-۷۴۹۶۷)!

(۳۰۷۸)

**حکمت ۷۸**

**شناخت جایگاه جبر و اختیار**

(اعتقادی)

(۱)

سالی که نکوست از بهارش پیداست.

(۲) به نقل قاموس الرجال ج ۵ ص ۱۴۹- و در مروج الذهب ضراب بن حمزه و در شرح ابن ابی الحدید ضراب بن ضمیره الضّابی، ثبت شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۴۱

و در جواب مردی شامی فرمود: (مرد شامی پرسید آیا رفتن ما به شام، به قضا و قدر الهی است؟ امام با کلمات طولانی پاسخ او را داد که برخی از آن را برگزیدیم) (۷۵۰۰۳-۷۴۹۸۰) وای بر تو! شاید قضاء لازم، و قدر حتمی را گمان کرده‌ای؟ اگر چنین بود، پادش و کتیر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود (۷۵۰۲۴-۷۵۰۰۴) خداوند سبحان! پندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند، و نهی فرمود تا بترسند، احکام آسانی را واجب کرد، و چیز دشواری را تکلیف نفرمود، و پادش اعمال اندک را فراوان قرار داد، یا نافرمانی پندگان مغلوب نخواهد شد، و با اکراه و اجبار اطاعت نمی‌شود (۷۵۰۵۳-۷۵۰۲۵)، و پیامبران را به شوخی نفرستاد، و فرو فرستاد کتب آسمانی برای پندگان بیهوده نبوده، ۱۱۱ و آسمان و زمین و آنچه را در میانشان است بی‌هدف نیافرید. این پندار کسانی است که کافر شدند و وای از آتشی که بر کافران است (۷۵۰۸۳-۷۵۰۵۴).

(۳۰۷۹)

**حکمت ۷۹**

**ارزش حکمت و بی‌لیاقی منافق**

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: حکمت را هر کجا که باشد، فراگیر، گاهی حکمت در سینه منافق است و بی‌تابی کند تا بیرون آمده و با همدانش در سینه مؤمن آرام گیرد (۷۵۱۰۷-۷۵۰۸۴). (۳۰۸۰)

**حکمت ۸۰**

**مؤمن و ارزش حکمت**

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: حکمت گمشده مؤمن است، حکمت را فراگیر هر چند از منافقان باشد (۷۵۱۲۰-۷۵۱۰۸). (۳۰۸۱)

**حکمت ۸۱**

**میزان ارزش انسان‌ها (ارزش نقضی و تجربه)**

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخضع اوست (۷۵۱۲۸-۷۵۱۲۱). (این از کلمسانی است که قیمتی برای آن تصور نمی‌شود، و هیچ حکمتی هم سنگ آن نبوده و هیچ سخنی، و الایی آن را ندارد) (۷۵۱۴۸-۷۵۱۲۹) ۲۰. (۳۰۸۲)

**حکمت ۸۲**

**ارزش‌های والای انسانی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم که اگر برای آنها شتران را بر شتاب برانید و رنج سفر را تحمل کنید سزاوار است (۷۵۱۶۱-۷۵۱۴۹): کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد، و جز از نگاه خود نترسد، و اگر از یکی سؤال کردند و نمی‌دانند، شرم نکنند و بگویند نمی‌دانم، و کسی در آموختن آنچه نمی‌داند شرم نکند (۷۵۱۹۶-۷۵۱۶۲)، و بر شما یاد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چنان بدن بی‌سر، ارزشی ندارد (۷۵۲۱۱-۷۵۱۹۷). (۳۰۸۳)

**حکمت ۸۳**

**روش برخورد با جاییوسان**

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (به شخصی که در ستایش امام افراط کرد، و آنچه در دل داشت نگفت) من کمتر از

آتم که بر زبان آوردی، و برتر از آتم که در دل داری (۷۵۲۴۲-۷۵۲۴۲).

(۱) نقد مکتب ولونتاریسم (VOLUNTARISM) مکتب اصالت اراده و اختیار) که هر گونه جبری را نفی می‌کند، زیرا در اسلام انسان یا کمک خدا عمل می‌کند.  
 (۲) حاجطه: یکی از دانشمندان اهل سنت می‌گوید، اگر نداشتیم جز همین رهنمود، امت اسلامی را شافی و کافی و بی نیاز کننده بود. البیان و التبیین ج ۱، ص ۸۳.  
 نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۴۳ (۳۰۸۴)

**حکمت ۸۴**

**مردم پس از جنگها**

(سیاسی، نظامی) و درود خدا بر او، فرمود: باقی ماندگان شمشیر و جنگه، شماره شان با دوام‌تره، و فرزندانشان بیشتر است (۷۵۲۴۳-۷۵۲۴۳).  
 (۳۰۸۵)

**حکمت ۸۵**

**پرهیز از ادعاهای علمی**

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که از گفتن «نمی‌دانم» روی گردان است، به هلاکت و نابودی می‌رسد (۷۵۲۴۲-۷۵۲۴۲).  
 (۳۰۸۶)

**حکمت ۸۶**

**بزرگی تجربه پیرامون از قدرتمندی جوانان**

(اخلاقی، تجربی) و درود خدا بر او، فرمود: اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است.  
 (و نقل شده که تجربه پیران از آمادگی رزمی جوانان برتر است)  
 (۷۵۲۷۷-۷۵۲۶۴) (۳۰۸۷)

**حکمت ۸۷**

**ارزش استغفار (طلب بخشش از خدا)**

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: در شگفتم از کسی که می‌تواند استغفار کند و تا امید است (۷۵۲۸۶-۷۵۲۷۸).  
 (۳۰۸۸)

**حکمت ۸۸**

**دو عامل ایمنی مسلمین**

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: (امام باقر علیه السلام از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل فرمود) (۷۵۲۹۸-۷۵۲۸۷) دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را دریابید و بدان جنگ زنده، اما امراتی که برداشته شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، و امان باقی مانده، استغفار کردن است (۷۵۲۹۹-۷۵۲۹۹).  
 خدای بزرگ به رسول خدا فرمود:  
 «خدا آنان را عذاب نمی‌کند در حالی که تو در میان آنان» و عذابشان نمی‌کند تا آن هنگام که استغفار می‌کنند»  
 (۷۵۳۳۷-۷۵۳۳۷) (این روش استخراج نیکوترین لطایف معنی، و ظرافت سخن از آیات قرآن است) (۷۵۳۴۶-۷۵۳۴۶).  
 (۳۰۸۹)

**حکمت ۸۹**

**راه اصلاح دنیا و آخرت**

(اخلاقی، تربیتی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد (۷۵۳۳۲-۷۵۳۵۶)، و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.  
 (۷۵۳۹۴-۷۵۳۷۳) (۳۰۹۰)

**حکمت ۹۰**

**شناخت عالم آگاه**

(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: فقیه کامل کسی است که مردم را از آموزش خدا مأیوس، و از مهربانی او نومید نکند، و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد (۷۵۴۱۹-۷۵۳۹۵).  
 (۳۰۹۱)

**حکمت ۹۱**

**راه درمان روان (روانکاوی، روانشناسی بالینی)**

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند، پس برای شادایی دلها، سخنان زیبای حکمت آمیز را بجویید (۷۵۴۳۳-۷۵۴۲۰).  
 (۳۰۹۲)

**حکمت ۹۲**

**والاثرین دانش**

(علمی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است، و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است (۷۵۴۵۰-۷۵۴۳۴).  
 (۳۰۹۳)

**حکمت ۹۳**

**نقشه آزمایشها**

(اخلاقی، اجتماعی)

(۱) اشاره به علم: پسی‌کیاتری (PSYCHIATRY) شناخت امراض روانی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۴۵

و درود خدا بر او، فرمود: فردی از شما نگوید: خدا یا از فتنه به تو پناه می‌برم، زیرا کسی نیست که دو فتنه‌ای نباشد، لکن آن که می‌خواهد به خدا پناه برد، از آزمایش‌های گمراه کننده پناه ببرد، همانا خدای سبحان می‌فرماید:  
 «بدانید که اموال و فرزندان شما فتنه شمایند» (۷۵۴۹۰-۷۵۴۵۱) معنی این آیه آن است که خدا انسان‌ها را با اموال و فرزندانشان



می‌آزمایند، تا آن کس که از روزی خود ناخشنود، و آن که خرسند است، شناخته شوند، گر چه خداوند به احوالشان از خودشان آگاه‌تر است، تا کرداری که استحقاق پاداش یا کیفر دارد آشکار نماید (۷۵۵۲۲- ۷۵۴۹۱)، چه آن که بعضی مردم فرزند پسر را دوست دارند و فرزند دختر را نمی‌پسندند، و بعضی دیگر فراوانی اموال را دوست دارند و از کاهش سرمایه نگرانند (۷۵۵۴۹- ۷۵۵۲۳).

(۳۰۹۴)

#### حکمت ۹۴

##### شناخت نیکی‌ها و خوبیها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند «خیرا چیست؟ فرمود) خوبی آن نیست که مال و فرزندت بسیار شود، بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان، و بردباری تو بزرگ و گران مقدار باشد، و در پرستش پروردگارت در میان مردم سر فراز باشی، پس اگر کار نیکی انجام دهی شکر خدا به جا آوری، و اگر بد کردی از خدا آمرزش خواهی (۷۵۵۸۸- ۷۵۵۵۰).

در دنیا جز برای دو کس خیر نیست.

یکی گناه کاری که با تو به جبران کند، و دیگر نیکو کاری که در کارهای نیکو شتاب ووزد (۷۵۶۶۸- ۷۵۶۶۸).

(۳۰۹۵)

#### حکمت ۹۵

##### تقوی و ارزش اعمال

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ کاری با تقوا اندک نیست، و چگونه اندک است آنچه که پذیرفته شود؟

(۷۵۶۱۹- ۷۵۶۰۷) (۳۰۹۶)

#### حکمت ۹۶

##### ارزش علم و بندگی

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: نزدیک‌ترین مردم به پیامبران، دانائین آنان است، به آنچه که آورده‌اند.

سپس این آیه را تلاوت فرمود: «همانا نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم آنانند که پیرو او گردیدند، و مؤمنانی که به این پیامبر خاتم پیوستند» (سپس فرمود) (۷۵۶۴۷- ۷۵۶۲۰) دوست محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند پیوند خویشاوندی او دور باشد، و دشمن محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم کسی است که خدا را نافرمانی کند، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد (۷۵۶۶۸- ۷۵۶۶۸).

(۳۰۹۷)

#### حکمت ۹۷

##### ارزش یقین

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (صدای مردی از حروراه «ا» را شنید که نماز شب می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد) خوبیدند همراه با یقین، برتر از نمازگزاردن با شک و تردید است (۷۵۶۸۶- ۷۵۶۶۹).

(۳۰۹۸)

#### حکمت ۹۸

##### ضرورت عمل کردن به روایات

(علمی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: چون روایی را شنیده‌ای، آن را بفهمید عمل کنی، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا روایان علم فراوان، و عمل‌کنندگان آن اندکند (۷۵۷۰۵- ۷۵۶۸۷).

(۱) حروراه، دهکده‌ای نزدیک کوفه که گروه منحرف خوارج آنجا را برای پیکار با امام علیه السلام انتخاب کرده بودند و آن شخص «غزوة این اذنه» بود که در جنگ نهروان کشته شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۶۴۷

(۳۰۹۹)

#### حکمت ۹۹

##### تفسیر آئین إذا أصابکم فعیبه فاقوا إیا

(علمی، تفسیری، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (شنید که شخصی گفت اللّٰذین إذا أصابهم فعیبه فاقوا إیّا) این سخن ما که می‌گوییم «ما همه از آن خدایم» اقراری است به بندگی، و اینکه می‌گوییم «بازگشت ما به سوی او است» اعترافی است به نابودی خویش (۷۵۷۳۴- ۷۵۷۰۶).

(۳۱۰۰)

#### حکمت ۱۰۰

##### روش مناجات کردن

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: (آنگاه که گروهی او را ستایش کردند فرمود): (۷۵۷۴۲- ۷۵۷۳۵) بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی، و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم (۷۵۷۵۴- ۷۵۷۴۳)، خدایا مرا از آنچه ایان می‌پندارند، نیکوتر قرار ده، و آنچه را که نمی‌دانند پیامرز (۷۵۷۶۵- ۷۵۷۵۵).

(۳۱۰۱)

#### حکمت ۱۰۱

##### روش بر طرف کردن نیازهای مردم

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بر آوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز، کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نیاید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود، و شتاب در بر آوردن آن، تا گوارا باشد (۷۵۷۸۲- ۷۵۷۶۶).

(۳۱۰۲)

#### حکمت ۱۰۲

##### آینده و مسخ ارزش‌ها

(سیاسی، علمی، تاریخی) و درود خدا بر او، فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم‌نشانند جز سخن چین راه و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه، و ناتوان نگردد جز عادل (۷۵۸۰۶- ۷۵۷۸۳).

در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت، و پیوند با خویشاوندان مُت گفداری، و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم است، در آن زمان حکومت با مشورت زنان، و فرماندهی خردسالان، و برتری خواجگان اداره می‌گردد (۷۵۸۳۱- ۷۵۸۰۷).

(۳۱۰۳)

#### حکمت ۱۰۳

##### روش برخورد با دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (بیراهن و صله داری بر اندام امام بود شخصی پرسید چرا بیراهن وصله دار می‌پوشی؟) دل با آن

فروتن، و نفس رام می‌شود، و مؤمنان از آن سر مشق می‌گیرند (۷۵۸۳-۷۵۸۳۲).

دنیای (حرام) و آخرت، دو دشمن متفاوت، و دو راه جدای از یکدیگرند، پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد (۷۵۸۷۱-۷۵۸۵۴).

و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند، و رونده به سوی آن دو، هر گاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌گردد، و آن دو همواره به یکدیگر زبان رسانند (۷۵۸۷۲-۷۵۸۹۱).

(۳۱۰۴)

#### حکمت ۱۰۴

##### ۱- وصف زاهدان

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (از توف بگالی «ا» نقل شده، که در یکی از شب‌ها، امام علی علیه السلام را دیدم برای عبادت از بستر برخاست، نگاهی به ستارگان افکند، و به من فرمود: خوابی! یا بیدار؟! گفتم: بیدارم. فرمود:

ای توف (۷۵۹۲۵-۷۵۸۹۲) خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند، آنان مردهی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، «ا» و قرآن را پوشش زیرین، «ا» و دعا را لباس روئین خود قرار دادند، و با روش عیسای مسیح یا دنیا بر خورد کردند (۷۵۹۵۶-۷۵۹۲۶).

(۱) توف پسر فضاله، اهل همدان از یاران امیر المؤمنین علیه السلام بود و بگاله قبیله‌ای از یمن بود.

(۲) آب را عطر قرار داد، تعبیری است که در سخنان حضرت عیسی علیه السلام نیز آمده است. که فرمود: عطر خوشبوی من آب، و نانخورشم گرسنگی است. «التقوی الاسلامی نوشته زکی مبارک»

(۳) شعار: جامه زیرین، و دثار: جامه رو

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۴۹

#### ۲- ارزش سحرخیزی

ای توف! همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب بر می‌خاست، و می‌گفت:

«این ساعتی است که دعای هر بنده‌ای به اجابت می‌رسد، جز با باج گریان، جاسوسان، شجرگردان و نیروهای انتظامی حکومت ستمگر، یا نوازنده طنبور و طبل» (۷۵۹۵۵-۷۵۹۵۷).

(۳۱۰۵)

#### حکمت ۱۰۵

##### احترام گذاشتن به مرزها و حدود احکام الهی

(عبادی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا خدا واجباتی را بر شما لازم شمرده، آنها را تباه نکنید، و حدودی برای شما معین فرموده، انرا از آنها تجاوز نکنید، و از چیزهایی نهی فرمود، حرمت آنها را نگاه دارید، و نسبت به چیزهایی سکوت فرمود نه از روی فراموشی، پس خود را در باره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید (۷۶۰۴۱-۷۶۰۰۹).

(۳۱۰۶)

#### حکمت ۱۰۶

##### ره آورد شوم دین گویزی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر دچار خواهد ساخت (۷۶۰۶۱-۷۶۰۴۲).

(۳۱۰۷)

#### حکمت ۱۰۷

##### علل سقوط عالمان بی عمل

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای در آورد و دانش او همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد (۷۶۰۷۴-۷۶۰۶۲).

(۳۱۰۸)

#### حکمت ۱۰۸

##### شگفتی‌های روح آدمی

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: به رنگ‌های درونی انسان پاره گزشتی آویخته که شگرف‌ترین اعضای درونی اوست، و آن قلب است، که چیزهایی از حکمت، و چیزهایی متفاوت با آن، در او وجود دارد (۷۶۱۰۱-۷۶۰۷۵).

پس اگر در دل امیندی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند، و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد، و اگر نومی‌دی بر آن چیره شود، تأسف خوردن آن را از پای در آورد، اگر خشمناک شود کینه‌توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد، اگر به خشودی دست یابد، خویشش داری را از یاد برد (۷۶۱۳۴-۷۶۱۰۲)، و اگر ترس آن را فراگیرد پرهیز کردن آن را مشغول سازد.

و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود، و اگر مالی به دست آورد، بی‌نیازی آن را به سرکشی کشاند (۷۶۱۳۵-۷۶۱۳۵)، و اگر مصیبت ناگواری به آن رسید، بی‌صبری رسوایش کند، و اگر به نهیدستی مبتلا گردد، بلاها او را مشغول سازد، و اگر گرسنگی بی‌نایش کند، ناتوانی آن را از پای در آورد، و اگر زیادی سیر شود، سیری آن را زبان رسانند، پس هر گونه کند روی برای آن زیانبار، و هر گونه تندروی برای آن فساد آفرین است (۷۶۱۸۸-۷۶۱۵۴).

(۳۱۰۹)

#### حکمت ۱۰۹

##### ارزش والای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: ما تکیه گاه میانه‌ایم، عقب ماندگان به ما می‌رسند، و پیش ناخنگان به ما باز می‌گردند (۷۶۱۸۹-۷۶۲۰۱).

(۳۱۱۰)

#### حکمت ۱۱۰

##### شرائط تحقق اوامر الهی

(سیاسی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: فرمان خدا را بر باندازد، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۵۱

سازشکار نباشد، و پیرو آرزوها نگردد (۷۶۲۲۰-۷۶۲۰۲).

(۳۱۱۱)

#### حکمت ۱۱۱

##### عشق تعقل ناشدنی امام علی علیه السلام

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (پس از بازگشت از جنگ صفین، یکی از یاران دوست داشتنی امام، سهل بن حنیف از دنیا رفت.) اگر کوهی مرا دوست بدارد، در هم فرو می‌ریزد (۷۶۲۴۵-۷۶۲۲۱). (یعنی مصیبت‌ها، به سرعت به سراغ او آید، که این سرنوشت در انتظار پرهیزکاران و برگزیدگان خداست، همانند آن در حکمت ۱۱۲ آمده است)

(۷۶۲۶۹-۷۶۲۶۶) (۳۱۱۲)

### حکمت ۱۱۲

#### مشکلات شیعه بودن!!

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوست بدارد، پس باید فقر را چنان لباس روین بپندرد، (یعنی آماده انواع محرومیت‌ها باشد)  
«این کلمات را به معانی دیگری تفسیر می‌کنند که اینجا جای ذکر آن نیست»  
(۷۶۲۸۷-۷۶۲۷۰) (۳۱۱۳)

### حکمت ۱۱۳

#### ارزش‌های والای اخلاقی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: سرمایه‌ای از عقل سودمندتر نیست، و تنهایی ترسناک‌تر از خودبینی، و عقلی چون دوراندیشی، و بزرگواری چون تقوی، و همنشینی چون اخلاق خوش، و میراثی چون ادب (۷۶۳۱۸-۷۶۲۸۸)، و رهبری چون توفیق الهی، و تجارتی چون عمل صالح، و سودی چون پاداش الهی، و پارسائی چون پرهیز از شهوات، و زهدی چون بی‌اعتنایی به دنیای حرام (۷۶۳۱۹-۷۶۳۱۹)، و دانشی چون اندیشیدن، و عبادتی چون انجام واجبات، و ایمنائی چون حیا و صبر، و خوشاوندی چون فروتنی، و شرافتی چون دانش، و عزتی چون بردباری، و پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست (۷۶۳۷۶-۷۶۳۴۴).  
(۳۱۱۴)

### حکمت ۱۱۴

#### جایگاه خوشبختی و بد بینی در جامعه

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگری گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده ستمکار است (۷۶۳۹۷-۷۶۳۷۷)، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود، و کسی به دیگری خوش گمان باشد «۱»، خود را فریب داد (۷۶۴۱۱-۷۶۳۹۸).  
(۳۱۱۵)

### حکمت ۱۱۵

#### توجه به پایان بدی دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی از امام پرسید حال شما چگونه است؟ فرمود: چگونه خواهد بود حال کسی که در بقایای خود ناپایدار، و در سلامتی بیمار است، و در آنجا که آسایش دارد مرگ او فرا می‌رسد (۷۶۴۳۵-۷۶۴۱۲)!  
(۳۱۱۶)

### حکمت ۱۱۶

#### انسان و انواع آزمایش‌ها

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسا کسی که با نعمت‌هایی که به او رسیده، به دام افتد (۷۶۴۴۳-۷۶۴۳۶)، و با پرده‌پوشی بر گناه، فریب خورد (۷۶۴۴۷-۷۶۴۴۴)، و با ستایش شدن، آزمایش گردد (۷۶۴۵۲-۷۶۴۴۸)، و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن، نیازموند (۷۶۴۶۰-۷۶۴۵۳).  
(۳۱۱۷)

### حکمت ۱۱۷

#### پرهیز از افراط و تفریط در دوستی یا امام علیه السلام

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: دو تن به خاطر من به هلاکت رسیدند: دوست افراط کننده، و دشمن دشنام دهنده (۷۶۴۷۱-۷۶۴۶۱).  
(۳۱۱۸)

(۱) ضرورت تعدیل خوش بینی (آپتی میسم OPTIMISM) و بد بینی (پسی میسم PESSIMISM)  
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۵۳

(۳۱۱۸)

### حکمت ۱۱۸

#### استفاده از فرصت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن فرصت، اندوهبار است (۷۶۴۷۷-۷۶۴۷۲).  
(۳۱۱۹)

### حکمت ۱۱۹

#### ضرورت شناخت دنیا

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: دنیای حرام چون مار سستی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می‌گراید، و هوشمند عاقل از آن دوریگزیند (۷۶۵۰۰-۷۶۴۷۸).  
(۳۱۲۰)

### حکمت ۱۲۰

#### روانشناسی قبائل قریش

(علمی، اجتماعی، تاریخی) و درود خدا بر او، فرمود: (از قریش پرسیدند) اما بنی مخزوم، گل خوشبوی قریشند، و که شنیدن سخن مردانشان، و ازدواج با زنانشان را دوست داریم، اما بنی عبد شمس «۱» دوراندیش‌تر، و در حمایت مال و فرزندان توانمندترند که به همین جهت بد اندیش‌تر و بخلی‌تر می‌باشند (۷۶۵۳۰-۷۶۵۰۱)، و اثا ما (بنی هاشم) آنچه را در دست داریم بخشندتر، و برای جانبازی در راه دین سخاوتمندتریم. آنها شمارشان بیشتر اما فریب‌کارتر و زشت‌روی‌ترند، و ما گویاتر و خیرخواه‌تر و خوش‌روی‌تریم (۷۶۵۵۶-۷۶۵۳۱).  
(۳۱۲۱)

### حکمت ۱۲۱

#### ارزنیایی عمل‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: چقدر فاصله بین دو عمل دور است: عملی که لذت‌ش می‌رود و کثیر آن می‌ماند، و عملی که رنج آن می‌گذرد و پاداش آن ماندگار است (۷۶۵۷۶-۷۶۵۵۷)!  
(۳۱۲۲)

### حکمت ۱۲۲

#### عبودت از مرگ یاران



می‌کنی؟ آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده‌ای؟ یا دنیا به تو جرم کرده است؟ (۷۶۹۷۱-۷۶۹۴۴) کی دنیا تو را سرگردان کرد؟ و در چه زمانی تو را فریب داد؟ آیا با گورهای پندرات که پوسیده‌اند؟ (تو را فریب داد) یا آرامگاه مادرات که در زیر خاک آرمیده‌اند؟ آیا با دو دست خویش بیماران را درمان کرده‌ای؟ و آنان را پرستاری کرده و در بسترشان خوابانده‌ای؟ (۷۶۹۳۲-۷۶۹۷۲)

(۱). اشاره به علم: کریپولوژی (CRYOLOGY) (سرما شناسی) که مولوی در مثنوی معنوی دفتر اول ص ۴۲ نسخه رضائی این حدیث را به شعر در آورده است.

گفت پیغمبر ز سرمای بهارتن مپوشانید باران! زینهار

ز آنکه با جان شما آن می‌کندکان بهاران با درختان می‌کند.

لیکن بگریزید از برد خزان‌کان کند کو کرد با باغ و رزان

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۵۷

درخواست شفای آنان را کرده، و از طبیبان داروی آنها را تقاضا کرده‌ای؟ در آن صبحگاهان که داروی تو به حال آنان سودی نداشت، و گریه تو فایده‌ای نکرده، و ترس تو آنان را سودی نرساند، و آنچه می‌خواستی به دست نیابودی، و با نیروی خود نتوانستی مرگ را از آنان دور کنی. دنیا برای تو حال آنان را مثال زد، و با گورهایشان، گوره خودت را به رخ تو کشید (۷۶۹۴۴-۷۷۰۳۴).

## ۲- خوبیا و زیانیهای دنیا:

همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان، و خانه تندروستی برای دنیا شناسان، و خانه بی‌نیازی برای توشه‌گیران، و خانه بند، برای پندآموزان است (۷۷۰۵۸-۷۷۰۳۵). دنیا سجدگاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند (۷۷۰۸۰-۷۷۰۵۹). چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند؟ و جدا شدنش را اعلام داشته، و فریاد زد که ماندگار نیست، و از ناپودی خود و اهلش خیر داده است؟ و حال آن که (دنیا) با بلای خود بلاها را نمونه آورد، و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند (۷۷۱۰۴-۷۷۰۸۱). در آغاز شب به سلامت گذشت، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت، تا مشتاقی کند، و تهدید نماید، و برساند، و هشدار دهد، پس مردمی در بامداد با پشیمانی، دنیا را نکوهش کنند، و مردمی دیگر در روز قیامت آن را می‌ستایند، دنیا حقائق را به یادشان آورد، یاد آن شدند، از رویدادها برایشان حکایت کرده، او را تصدیق کردند، و اندریشان داد، پند پذیرفتند (۷۷۱۳۴-۷۷۱۰۵).

(۳۱۳۲)

## حکمت ۱۳۲

### صورت یاد مرگ

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا را فرشته‌ای است که هر روز بانگ می‌زند: بزیاید برای مردن، و فراهم آوردید برای نابود شدن، و بسازید برای ویران گشتن (۷۷۱۵۲-۷۷۱۳۵).

(۳۱۳۳)

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱جلد، مشهور - ایران ؛ قم: چاپ: اول، ۱۳۹۹.ش. نهج البلاغه / ترجمه دشتی ؛ ؛ ص ۶۵۷

## حکمت ۱۳۳

### اسام مردم و دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن (۷۷۱۶۱-۷۷۱۵۳)، و مردم در آن دو دسته‌اند:

یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد (۷۷۱۷۵-۷۷۱۶۲).

(۳۱۳۴)

## حکمت ۱۳۴

### حقوق دوستان

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دوست، دوست نیست مگر آن که حقوق برادرش را در سه جایگاه نگاهان باشد: در روزگار گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد، و پس از مرگ (۷۷۱۹۳-۷۷۱۷۶).

(۳۱۳۵)

## حکمت ۱۳۵

### چهار ارزش بوتر

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد، با دعا از اجابت کردن، تا توبه از پذیرفته شدن، با استغفار از آموزش گناه، یا شکرگزاری از فرونی نعمت‌ها (۷۷۲۱۹-۷۷۱۹۴).

می‌گویم: (و این حقیقت مورد تصدیق کتاب الهی است که در مورد دعا گفته است: «مرا بخوانید تا خواسته‌های شما را بپردازم. (قرآن کریم، سوره مؤمن، آیه ۶۰) در مورد استغفار گفته است: «هر آن که به بدی دست یابد یا بر خود ستم روا دارد و از آن پس به درگاه خدا استغفار کند، خدای را آمرزش گر و مهربان یابد» (۷۷۲۶۱-۷۷۲۳۰). (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۱۰) در مورد سیاس فرموده است: «بی شک اگر سیاس گزارید، بر نعمت می‌افزایم. (قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۷) و در مورد توبه فرموده است: (توبه را خداوند از کسانی می‌پذیرد که از سر نادانی به کار زشتی دست می‌یابند و تا دیر نشده است باز می‌گردند، تنها چنین کسانی که خداوند در مردشان تجدید نظر می‌کند، که خدا دانا و حکیم است» (۷۷۲۹۳-۷۷۲۶۲). (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۷)

(۳۱۳۶)

## حکمت ۱۳۶

### فلسه احکام الهی

(اخلاقی، معنوی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۵۹

و درود خدا بر او، فرمود: نماز، موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست (۷۷۳۰۰-۷۷۲۹۴)، و حج جهاد هر توان است (۷۷۳۰۵-۷۷۳۰۱). هر چیزی زکاتی دارد، و زکات تن، روزه (۷۷۳۱۳-۷۷۳۰۶)، و جهاد زن، نیکو شوهر داری است (۷۷۳۱۸-۷۷۳۱۴).

(۳۱۳۷)

## حکمت ۱۳۷

### صده راه نزول روزی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: روزی را با صدقه دادن فرود آوردید (۷۷۳۳۴-۷۷۳۱۹).

(۳۱۳۸)

## حکمت ۱۳۸

### نقش یا دانش الهی در اتفاق

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است (۷۷۳۳۲-۷۷۳۱۵).

(۳۱۳۹)

**حکمت ۱۳۹**

**تناسب امداد الهی یا نیازها**

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: کمک الهی به اندازه نیاز فرود می‌آید (۷۳۴۰-۷۳۳۳). (۳۱۴۰)

**حکمت ۱۴۰**

**فناخت و بی‌نازی**

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آن که میانه روی کند تهدست نخواهد شد (۷۳۳۷-۷۳۴۱). (۳۱۴۱)

**حکمت ۱۴۱**

**راه آسایش**

(اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: اندک بودن تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است (۷۳۴۸-۷۳۴۴). (۳۱۴۲)

**حکمت ۱۴۲**

**دوستی‌ها و خردمندی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستی کردن نیمی از خردمندی است (۷۳۶۰-۷۳۵۵). (۳۱۴۳)

**حکمت ۱۴۳**

**غنا و پیری زودرس**

(اخلاقی، بهداشت روانی) و درود خدا بر او، فرمود: اندوه خوردن، نیمی از پیری است (۷۳۶۶-۷۳۶۱). (۳۱۴۴)

**حکمت ۱۴۴**

**تناسب بردباری با مصیبت‌ها**

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: صبر به اندازه مصیبت فرود آید (۷۳۷۴-۷۳۶۷)، و آن که در مصیبت بی‌تاب بر رانند، زنده، اجرش نابود می‌گردد (۷۳۸۴-۷۳۷۵). (۳۱۴۵)

**حکمت ۱۴۵**

**عبادت‌های بی‌حاصل**

(اخلاقی، معنوی، عبادی) و درود خدا بر او، فرمود: بسا روزهداری که بهره‌ای جز گرسنگی و تشنگی از روزهداری خود ندارد (۷۳۸۸-۷۳۸۵)، و بسا شب زنده‌داری که از شب زنده‌داری چیزی جز رنج و بی‌خوابی به دست نیآورد! خوشا خواب زیرکان، و افطارشان (۷۳۹۹-۷۳۹۵)! (۳۱۴۶)

**حکمت ۱۴۶**

**ارزش دعا، صدقه و زکات دادن**

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ایمان خود را با صدقه دادن (۷۴۲۱-۷۴۱۶)، و اموالتان را با زکات دادن نگاه‌دارید (۷۴۲۵-۷۴۲۲)، و امواج یلا را با دعا از خود برانید (۷۴۳۰-۷۴۲۶). (۳۱۴۷)

**حکمت ۱۴۷**

**اشاره**

(علمی، اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (کمیل بن زیاد می‌گوید: امام دست مرا گرفت، و به سوی قبرستان کوفه برد، آنگاه آه پردردی کشید و فرمود) (۷۴۶۱-۷۴۳۱) ای کمیل بن زیاد! این قلب‌ها بسان ظرف‌هایی هستند، که بهترین آنها، فراگیرترین آنهاست، پس آنچه را می‌گویم نگاه‌دار (۷۴۷۶-۷۴۶۲):

**۱- اقسام مردم (مردم شناسی)**

«۱» مردم سه دسته‌اند، دانشمند الهی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری، و پشه‌های دست خوش باد و طوفان و همیشه سرگردان، که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند، و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند، نه از روشنایی دانش نور گرفته‌ند، و نه به پناهگاه استواری پناه گرفته‌ند (۷۷۵۵-۷۷۴۷).

**۲- ارزش‌های والای دانش**

(۱) اشاره به علم: اتنولوژی (ETHNOLOGY) قوم شناسی، مردم شناسی) که به شناخت قبائل گوناگون با روانشناسی حاکم بر آنان می‌پردازد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۶۱

ای کمیل: دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است، و مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد، و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد (۷۷۵۳۱-۷۷۵۰۶).  
ای کمیل بن زیاد! شناخت علم راستین (علم الهی) آیینی است که با آن پادش داده می‌شود، و انسان در دوران زندگی یا آن خدا را اطاعت می‌کند، و پس از مرگ، نام نیکو به یادگار گذارد. دانش فرمانروا، و مال فرمانبر است (۷۷۵۵۸-۷۷۵۳۲).

**۳- ارزش دانشندان**

ای کمیل! ثروت اندوزان بی‌تقوا مردمی گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشندان، تا دنیا برقرار است زنده‌اند، بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است (۷۷۵۹۹-۷۷۵۵۹).

**۴- اقسام دانش بزوهان**

بدان که در اینجا (اشاره به سینه مبارک کرد) دانش فراوانی انباشته است، ای کاش کسائی را می‌یافتم که می‌توانستند آن را بیاموزند؟ آری نیز هوشانی می‌یابم اثری مورد اعتماد نمی‌باشند، دین را وسیله دنیا قرار داده و با نعمت‌های خدا بر بندگان، و با برهان‌های الهی بر دوستان خدا فخر می‌فرشند (۷۷۶۱۳-۷۷۵۸۰). یا گروهی که تسلیم حاملان حق می‌باشند اما ژرف اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند، که با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند؛ پس نه آنها، و نه اینها، سزاوار آموختن دانش‌های فراوان من نمی‌باشند (۷۷۶۳۶-۷۷۶۱۴).

یا فرد دیگری که سخت در پی لذت بوده، و اختیار خود را به شهوت داده است، یا آن که در ثروت اندوزی حرص می‌ورزد، هیچ

کدام از آنان نمی‌توانند از دین پاسداری کنند، و بیشتر به چهاربایان چرند شباهت دارند، و چنین است که دانش با مرگ دارندگان دانش می‌میرد (۷۶۶۴-۷۶۳۷).

#### ۵- ویژگی‌های وهران الهی

آری! خداوند! زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست، که برای خدا با برهان روشن قیام کند، با آشکار و شناخته شده، یا بی‌مناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه‌هایشان از میان نرود. تعدادشان چقدر؟ و در کجا هستند؟ (۷۶۹۱-۷۶۶۵) به خدا سوگند که تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ مقدارند، که خدا به وسیله آنان حجت‌ها و نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند بپردازد، و در دل‌های آنان بکارد (۷۷۱۶-۷۶۹۲)، آنان که دانش، نور حقیقت بینی را بر قلبشان تابیده، و روح یقین را دریافته‌اند، که آنچه را خوشگذاران‌ها دشوار می‌شمارند، آسان گرفتند، و با آنچه که ناآگاهان از آن هراس داشتند آس گرفتند. در دنیا با بدن‌هایی زندگی می‌کنند، که ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده است (۷۷۴۵-۷۷۱۷)، آنان جانشینان خدا در زمین، و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند. آه، آه، چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم! کمیل! هر گاه خواستی باز گرد (۷۷۶۴-۷۷۴۶).

(۳۱۴۸)

#### حکمت ۱۴۸

##### نقش سخن در شناخت انسان (رفقار شناسی)

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: انسان زیر زبان خود پنهان است (۷۷۷۱-۷۷۶۵) ۱۰.

(۱) مولوی:

آدمی مخفی است در زیر زبان‌این زبان پرده است بر درگاه جان سعدی:

تا مرد سخن نگفته باشد، علم و هنرش نهفته باشد. «گلستان»

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۶۳

(۳۱۴۹)

#### حکمت ۱۴۹

##### ضرورت خودشناسی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ناپود شد کسی که ارزش خود را ندانست (۷۷۷۹-۷۷۷۲).

(۳۱۵۰)

#### حکمت ۱۵۰

##### ضد ارزش‌ها و هشدارها

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (مردی از امام در خواست اندرز کرد). (۷۷۸۶-۷۷۸۰) از کسانی می‌باش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است، و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد، در دنیا چونان زاهدان، سخن می‌گوید، اما در رفتار همانند دنیا پرستان است، اگر «۱» نعمت‌ها به او برسد سیر نمی‌شود، و در محرومیت قناعت ندارد (۷۸۱۹-۷۷۸۷)، از آنچه به او رسید شکر گزار نیست، و از آنچه مانده زیاده طلب است.

دیگران را رهنیز می‌دهد اما خود پروا ندارد؛ به فرماتریداری امر می‌کند اما خود فرمان نمی‌برد، نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد؛ گناهکاران را دشمن دارد اما خود یکی از گناهکاران است، و با گناهان فراوان مرگ را دوست نمی‌دارد، اما در آنچه که مرگ را ناخوشایند ساخت پافشاری دارد (۷۸۶۱-۷۸۲۰)، اگر بیمار شود پشیمان می‌شود، و اگر تندرست باشد سرگرم خوشگذرانی‌هاست؛ در سلامت مغرور و در گرفتاری نا امید است؛ اگر مصیبتی به او رسد به زاری خدا را می‌خواند. اگر به گشایش دست یافت مغرورانه از خدا روی بر می‌گرداند، نفس به نیروی گمان نارواه بر او چیرگی دارد، و او با قدرت یقین بر نفس چیره نمی‌گردد (۷۷۹۰۱-۷۷۸۶۲).

برای دیگران که گشاهی کمتر از او دارند نگران، و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است. اگر بی نیاز گردد مست و مغرور شود، و اگر تهیدست گردد، مأیوس و سست شود (۷۷۹۲۴-۷۷۹۰۲). چون کار کند در آن کوتاهی ورزد، و چون چیزی خواهد زیاده روی نماید، چون در برابر شهوت قرار گیرد گناه را بر گزید، توبه را به تأخیر اندازد، و چون رنجی به او رسد از راه ملت اسلام دوری گزیند (۷۷۹۴۸-۷۷۹۲۵)، عبرت آموزی را طرح می‌کند اما خود عبرت نمی‌گیرد؛ در پند دادن مبالغه می‌کند اما خود پند پذیر نمی‌باشد.

سخن بسیار می‌گوید، اثرا کردار خوب او اندک است! برای دنیای زودگذر تلاش و رقابت دارد اما برای آخرت جاوبندان آسان می‌گذرد؛ سود را زیان، و زیان را سود می‌پندارد؛ از مرگ هراسناک است اما فرصت را از دست می‌دهد (۷۷۹۴۹-۷۷۹۸۶)؛ گناه دیگری را بزرگ می‌شمارد، اثرا گناهان بزرگ خود را کوچک می‌پندارد، طاعت دیگران را کوچک و طاعت خود را بزرگ می‌داند؛ مردم را سرزنش می‌کند، اما خود را نکوهش نکرده با خود ریاکارانه بر خورد می‌کند (۷۸۰۱۲-۷۷۹۸۷)؛ خوشگذرانی با سرمایه‌داران را بیشتر از یاد خدا با مستمندان دوست دارد، به نفع خود بر زیان دیگران حکم می‌کند اما هرگز به نفع دیگران بر زیان خود حکم نخواهد کرد، دیگران را هدایت اثرا خود را گمراه می‌کند، دیگران از او اطاعت می‌کنند، و او مخالفت می‌ورزد، حق خود را به نسام می‌گیرد اثرا حق دیگران را به کمال نمی‌دهد، از غیر خدا می‌ترسد، اثرا از پروردگار خود نمی‌ترسد (۷۸۰۵۶-۷۸۰۱۳)!

می‌گویم: (اگر در نهج البلاغه جز این حکمت وجود نداشت، همین یک حکمت برای اندرز دادن کافی بود این سخن، حکمتی رسا، و عامل بینایی انسان آگاه، و عبرت آموز صاحب اندیشه است)

(۷۸۰۵۷-۷۸۰۸۲)

(۱) ناصر خسرو علوی:

در فعل، منافقی و بی‌باک‌در قول، حکیمی و خردمند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۶۵

(۳۱۵۱)

#### حکمت ۱۵۱

##### ضرورت آینده نگری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس را پایانی است، تلخ یا شیرین (۷۸۰۹۱-۷۸۰۸۳).

(۳۱۵۲)

#### حکمت ۱۵۲

##### توجه به فنا پذیری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آنچه روی می‌آورد، باز می‌گردد، و چیزی که باز گردد گویی هرگز نبوده است (۷۸۱۰۳-۷۸۰۹۲)!

(۳۱۵۳)

#### حکمت ۱۵۳

##### صبر و پیروزی

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: انسان شکبیا، پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی شود (۷۸۱۱۵-۷۸۱۰۴).

(۳۱۵۴)

#### حکمت ۱۵۴

##### اهمیت نیتها

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که از کار مردمی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بوده و هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد، گناه کردار باطل، و گناه خشنودی به کار باطل (۷۸۱۳۸-۷۸۱۱۶). (۳۱۵۵)

#### حکمت ۱۵۵

##### ضرورت پایبندی به عهد و پیمان

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: عهد و پیمان‌ها را پاس دارید به خصوص با وفاداران (۷۸۱۴۵-۷۸۱۳۹). ۱۰. (۳۱۵۶)

#### حکمت ۱۵۶

##### ضرورت خدا شناسی و اطاعت

(اخلاقی، عبادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدای را اطاعت کنید که در نشناختن پروردگار عذری ندارد (۷۸۱۴۶-۷۸۱۴۶). (۳۱۵۷)

#### حکمت ۱۵۷

##### فراهم بودن راههای هدایت

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر چشم بینا داشته باشید، حقیقت را نشانتان داده‌اند، اگر هدایت می‌طلبید شما را هدایت کردند، اگر گوش شوا دارید، حق را به گوششان خواندند (۷۸۱۷۰-۷۸۱۵۵). (۳۱۵۸)

#### حکمت ۱۵۸

##### روش برخورد با دوستان بد

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: برادرت را با احسانی که در حق او می‌کنی سرزنش کن، و شر او را با بخشش باز گردان (۷۸۱۸۲-۷۸۱۷۱). (۳۱۵۹)

#### حکمت ۱۵۹

##### پرهیز از مواضع آثم

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را در جایگاه نهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند (۷۸۱۸۳-۷۸۱۸۳). (۳۱۶۰)

#### حکمت ۱۶۰

##### قدرت و زورگویی

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس قدرت به دست آورد، زورگویی دارد (۷۸۲۰۲-۷۸۱۹۷). (۳۱۶۱)

#### حکمت ۱۶۱

##### آرزوی مشورت و پرهیز از خودمهوری

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید (۷۸۲۰۹-۷۸۲۰۳)، و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد (۷۸۲۱۶-۷۸۲۱۰). (۳۱۶۲)

#### حکمت ۱۶۲

##### ضرورت راز داری

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست (۷۸۲۱۷-۷۸۲۱۷). (۳۱۶۳)

#### حکمت ۱۶۳

##### فقر و نابودی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: فقر مرگ بزرگ است (۷۸۲۳۱-۷۸۲۲۶). (۳۱۶۴)

#### حکمت ۱۶۴

##### روش برخورد با متجاوزان

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: رعایت حق کسی که او حقش را محترم نمی‌شمارد نوعی بردگی است (۷۸۲۴۳-۷۸۲۳۲). (۳۱۶۵)

(۱) پس از پیروزی در جنگ جمل، وقتی اسیران جنگ با امام بیعت می‌کردند خطاب به مروان بن حکم فرمود.  
نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۶۷

#### حکمت ۱۶۵

##### پرهیز از نافرمانی خدا

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار روا نیست (۷۸۲۵۲-۷۸۲۴۴). (۳۱۶۶)

#### حکمت ۱۶۶

##### پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران



(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مرد را سرزنش نکنند که چرا حَقش را با تأخیر می‌گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حَقش نیست بگیرد (۷۸۲۶۷-۷۸۲۶۸). ۱۰ (۳۱۶۷)

#### حکمت ۱۶۷

##### خود پسندی و معروفیت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: خود پسندی مانع فزونی است (۷۸۲۷۳-۷۸۲۶۸). (۳۱۶۸)

#### حکمت ۱۶۸

##### توجه به فنا پذیری دنیا

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آخرت نزدیک، و زمان ماندن در دنیا اندک است (۷۸۲۸۱-۷۸۲۷۴). (۳۱۶۹)

#### حکمت ۱۶۹

##### آینده نگری

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: صبحگاهان برای آن که دو چشم بینا دارد روشن است (۷۸۲۸۹-۷۸۲۸۲). (۳۱۷۰)

#### حکمت ۱۷۰

##### ضرورت ترک تناه

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ترک گناه آسان‌تر از درخواست توبه است (۷۸۲۹۸-۷۸۲۹۰). (۳۱۷۱)

#### حکمت ۱۷۱

##### ره آورد شوم حرام خواری

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بسا لقمه‌ای گل‌گیر که از لقمه‌های فراوانی محروم می‌کند (۷۸۲۹۹-۷۸۳۰۶). (۳۱۷۲)

#### حکمت ۱۷۲

##### نادانی و دشمنی‌ها

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی‌دانند (۷۸۳۱۳-۷۸۳۰۷). (۳۱۷۳)

#### حکمت ۱۷۳

##### اوزش مشورت‌ها

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد (۷۸۳۲۳-۷۸۳۱۴). (۳۱۷۴)

#### حکمت ۱۷۴

##### اوزش خشم در راه خدا

(اخلاق سیاسی، عقیدتی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که دندان خشم در راه خدا بر هم فشارد، بر کشتن باطل گریان، توانمند گردد (۷۸۳۳۶-۷۸۳۲۴). (۳۱۷۵)

#### حکمت ۱۷۵

##### راه درمان تری

(اخلاقی، علمی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که از چیزی می‌ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت‌تر است (۷۸۳۵۱-۷۸۳۳۷). (۳۱۷۶)

#### حکمت ۱۷۶

##### ابزار ریاست (برندباری فراوان)

(اخلاقی، مدیریتی) و درود خدا بر او، فرمود: بردباری و تحمل سخنی‌ها، ابزار ریاست است (۷۸۳۵۸-۷۸۳۵۲). (۳۱۷۷)

#### حکمت ۱۷۷

##### روش برخورد با بدان

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده (۷۸۳۶۵-۷۸۳۵۹). (۳۱۷۸)

#### حکمت ۱۷۸

##### روش نابود کردن بدی‌ها

(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بدی را از سینه دیگران، با کندن آن از سینه خود، ریشه کن نما (۷۸۳۶۶-۷۸۳۶۶). (۳۱۷۹)

#### حکمت ۱۷۹

##### لجاجت و سستی اراده

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: لجاجت تدبیر را سست می‌کند (۷۸۳۸۲-۷۸۳۷۷). (۳۱۸۰)

#### حکمت ۱۸۰

**طمع ورزی و بردگی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: طمع ورزی، بردگی همیشگی است (۷۸۳۸-۷۸۳۳).

(۱) شخصی از امام علیه السلام پرسید: چرا حقّ خود «امامت» را دیر طلب کردی؟ این پاسخ را داد:  
نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۶۹ (۳۱۸۱)

**حکمت ۱۸۱**

**ارزش دوران‌دیشی و پرهیز از کوتاهی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: حاصل کوتاهی، پشیمانی، و حاصل دوران‌دیشی، سلامت است (۷۸۳۸-۷۸۳۹). (۳۱۸۲)

**حکمت ۱۸۲**

**ساخت جایگاه سخن و سکوت**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آنجا که باید سخن درست گفت، در خاموشی خیری نیست، چنانکه در سخن نا آگاهانه نیز خیری نخواهد بود (۷۸۴۱-۷۸۳۹). (۳۱۸۳)

**حکمت ۱۸۳**

**باطل گزایی و اختلاف**

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: دو دعوت به اختلاف نرسد جز این که یکی باطل باشد (۷۸۴۴-۷۸۴۵). (۳۱۸۴)

**حکمت ۱۸۴**

**ویژگی‌های اعتقادی امام علیه السلام**

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: از روزی که حق برای من نمایان شد، هرگز دچار تردید نشدم (۷۸۴۳-۷۸۴۵). (۳۱۸۵)

**حکمت ۱۸۵**

**ویژگی‌های اعتقادی امام علی علیه السلام**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هرگز دروغ نگفتم و به من دروغ نگفتند، و هرگز گمراه نشدم، و کسی به وسیله من گمراه نشده است (۷۸۴۴-۷۸۳۴). (۳۱۸۶)

**حکمت ۱۸۶**

**آینده سخت‌ستکاران**

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: آغاز کننده ستم، در قیامت انگشت به دندان می‌گردد (۷۸۴۶-۷۸۴۴). (۳۱۸۷)

**حکمت ۱۸۷**

**ضرورت یاد قیامت**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کوچ کردن نزدیک است (۷۸۴۶-۷۸۴۵). (۳۱۸۸)

**حکمت ۱۸۸**

**ضرورت حق گزایی**

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس که با حق در آویزد ناپود می‌گردد (۷۸۴۹-۷۸۴۲). (۳۱۸۹)

**حکمت ۱۸۹**

**ارزش صبر و خطر بی‌تابی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی‌تابی او را هلاک گرداند (۷۸۴۸-۷۸۴۷). (۳۱۹۰)

**حکمت ۱۹۰**

**معیار امامت؟**

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: شگفتنا! آیا معیار خلافت، صحابی پیامبر بودن است؟ اما صحابی بودن و خویشاوندی ملاک نیست؟ (۷۸۴۹-۷۸۴۷).  
(از امام شعری در همین مسئله نقل شد که به ابا بکر فرمود) اگر ادعا می‌کنی با شورای مسلمین به خلافت رسیدی، چه شورایی بود که رأی دهندگان حضور نداشتند؟ و اگر خویشاوندی را حجت می‌آوری، دیگران از تو به پیامبر نزدیک‌تر و سزاوارترند (۷۸۵۱-۷۸۴۹). (۳۱۹۱)

**حکمت ۱۹۱**

**مشکلات دنیا**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا انسان در دنیا تخته نشان تیره‌های مرگ، و ثروتی است دستخوش تاراج مصیبت‌ها؛ با هر جرعه نوشیدنی، گلو رفتنی، و در هر لقمه‌ای، گلوگیر شدنی است (۷۸۴۴-۷۸۵۲)، و بنده نعمتی به دست نیابد جز آن که نعمتی از دست بدهد، و روزی به عمرش افزوده نمی‌گردد جز با کم شدن روزی دیگر (۷۸۵۳-۷۸۵۴) پس ما باران مرگیم، و جان‌های ما هدف نابودی‌ها، پس چگونه به ماندن جاودانه امیدوار باشیم؟ در حالی که گذشت شب و روز بنایی را بالا برده جز آن که آن را ویران کرده، و به اطراف پراکند (۷۸۵۵-۷۸۵۴)!

(۱) ابا بکر قبل از به دست گرفتن حکومت، خویشاوندی خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مطرح می‌کرد، و پس از حاکم شدن، به بیعت مردم اشاره می‌کرد که امام به هر دو ادعای او پاسخ داد.  
نهج البلاغة / ترجمه دشتی، ص: ۶۷۱ (۳۱۹۲)

### حکمت ۱۹۲

#### پرهیز از زوالدهوزی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم، آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران انداخته‌ای (۷۸۶۰۹-۷۸۵۹۶). (۳۱۹۳)

### حکمت ۱۹۳

#### راه به کار گرفتن قلب

(اخلاقی، علمی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است، پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری کور می‌گردد (۷۸۶۳۰-۷۸۶۱۰). (۳۱۹۴)

### حکمت ۱۹۴

#### ضرورت پرهیز از خشم و انتقام

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: چون خشم بگیرم، کسی آن را فرو نمانم؟ در آن زمان که قدرت انتقام ندارم، که به من بگویند. «اگر صبر کنی بهتر است» یا آنگاه که قدرت انتقام دارم؟ که به من بگویند: «اگر عفو کنی خوب است» (۷۸۶۳۱-۷۸۶۲۰). (۳۱۹۵)

### حکمت ۱۹۵

#### پرهیز از بغل ورزی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در سر راه از کنار مزبله‌ای عبور می‌کرد). این همان است که بخیلان به آن بغل می‌ورزند! (و در روایت دیگری نقل شد که) (۷۸۶۷۷-۷۸۶۵۷) این چیزی است که دیروز بر سر آن رقابت می‌کردید (۷۸۶۸۳-۷۸۶۷۸). (۳۱۹۶)

### حکمت ۱۹۶

#### عبودت آموزی از ائمه اموال

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: مالی که نابودی آن تو را بند می‌دهد، از دست نرفته است (۷۸۶۹۲-۷۸۶۸۴). (۳۱۹۷)

### حکمت ۱۹۷

#### روش درمان روح (روانشناسی بالینی)

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند، برای نشاط آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیآورید (۷۸۷۰۶-۷۸۶۹۳). (۳۱۹۸)

### حکمت ۱۹۸

#### ضرورت حکومت

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی شنید که خوارج می‌گویند، حکومت فقط از آن خداست.) سخن حقی است که از آن اراده باطل دارند (۷۸۷۲۲-۷۸۷۰۷). (۳۱۹۹)

### حکمت ۱۹۹

#### نکوهش اوباش (انسان‌های شرور)

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (در تعریف جمع اوباش، فرمود) آنان چون گرد هم آیند بیروز شوند، و چون پراکنده شوند شناخته نگردند. ۱۰. (و گفته شد که امام فرمود) (۷۸۷۳۳-۷۸۷۲۳) آنان چون گرد هم آیند زبان رسانند، و چون پراکنده شوند سود دهند. (از امام پرسیدند: چون اوباش گرد هم آیند زبان رسانند را دانستیم، اما چه سودی در پراکنده‌گی آنان است، فرمود) (۷۸۷۶۱-۷۸۷۴۴) صاحبان کسب و کار، و پیشه‌وران به کارهای خود باز می‌گردند، و مردم از تلاش آنان سود برند، بنا به ساختن ساختمان، و بافنده به کارگاه بافندگی، و نانوا به نانواپی روی می‌آورد (۷۸۷۸۱-۷۸۷۶۲). (۳۲۰۰)

### حکمت ۲۰۰

#### نکوهش انسان‌های شرور

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (جنایتکاری را حضور امام آوردند، که جمعی اوباش همراه او بودند.) مبارک مباد، چهره‌هایی که جز به هنگام زشتی‌ها دیده نمی‌شوند (۷۸۸۰۰-۷۸۷۸۲). (۳۲۰۱)

### حکمت ۲۰۱

#### امدادهای الهی و حفظ انسان

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ می‌کنند، و چون تقدیر الهی فرا رسد، تنهاش می‌گذارند (۷۸۸۱۶-۷۸۸۰۱)، که همانا زمان عمر انسان، سیری نگهدارنده است (۷۸۸۲۱-۷۸۸۱۷). (۳۲۰۲)

(۱) نفی: اونتوریزم (AVENTURISM) ماجرا جویی) کسانی‌که بدون رعایت مسائل اخلاقی و سیاسی حاکم بر جامعه دست به اعمالی می‌زنند که نارواست.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۷۳ (۳۲۰۲)

### حکمت ۲۰۲

#### واقع‌نگری در مسائل سیاسی

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (طلحه و زبیر خدمت امام آمدند و گفتند یا تو بیعت کردیم که ما در حکومت شریک تو باشیم، فرمود) (۷۸۸۳۸-۷۸۸۲۲) نه هرگز! بلکه شما در نیرو بخشیدن، و یاری خواستن شرکت دارید، و دو یاورید به هنگام نانواپی و درماندگی در سختی‌ها (۷۸۸۵۲-۷۸۸۳۹). (۳۲۰۳)

### حکمت ۲۰۳

**یاد مرم و برهیزکاری**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم! از خدایی بترسید که اگر سخنی گوید، می‌شود، و اگر پنهان دارید می‌داند (۷۸۶۷-۷۸۵۳)، و برای مرگی آماده باشید، که اگر از آن فرار کنید شما را می‌یابد، و اگر بر جای خود بمانید شما را می‌گیرد، و اگر فراموش کنید شما را از یاد نبرد (۷۸۸۳-۷۸۶۸).  
(۳۲۰۴)

**حکمت ۲۰۴**

**بی‌نوعی به سیاست‌داری مردم**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: ناسپاسی مردم تو را از کار نیکو باز ندارد، زیرا هستند کسانی، بی آن که از تو سودی برتند تو را می‌ستایند (۷۸۰۲-۷۸۸۴)، چه بسا ستایش اندک آنان برای تو، سودمندتر از ناسپاسی ناسپاسان باشد. (و خداوند نیکوکاران را دوست دارد)  
(۷۸۹۱۶-۷۸۹۰۳) (۷۸۹۰۳) (۳۲۰۵)

**حکمت ۲۰۵**

**تجلیش نامحدود ظرف علم**

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می‌شود جز ظرف دانش که هر چه در آن جای دهی، وسعتش بیشتر می‌شود (۷۸۹۳۱-۷۸۹۱۷).  
(۳۲۰۶)

**حکمت ۲۰۶**

**ره آورد علم و بردباری**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: نخستین پاداش بردبار از بردباری‌اش آن که مردم در برابر نادان، پشیمان او خواهند بود (۷۸۹۴۴-۷۸۹۳۲).  
(۳۲۰۷)

**حکمت ۲۰۷**

**ارزش همانند شدن با حیوان**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای، زیرا اندک است کسی که خود را همانند مرمی کند و از جمله آنان به حساب نیاید (۷۸۹۶۲-۷۸۹۴۵).  
(۳۲۰۸)

**حکمت ۲۰۸**

**مراحل خودسازی**

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که از خود حساب کند، سود می‌برد، و آن که از خود غفلت کند زیان می‌بیند (۷۸۹۶۳-۷۸۹۶۳)، و کسی که از خدا بترسد این باشد، و کسی که عبرت آموزد آگاهی یابد، و آن که آگاهی یابد می‌فهمد، و آن که بفهمد دانش آموخته است (۷۸۹۹۰-۷۸۹۷۵)!  
(۳۲۰۹)

**حکمت ۲۰۹**

**خبر از ظهور حضرت مهدی علیه السلام**

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا پس از سرکشی، به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده بد خو که به بچه خود مهربان گردد. (سپس این آیه را خواند) «و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین، مَت گذارده آنان را امامان و وارثان حکومت‌ها گردانیم» (۷۹۰۲۱-۷۸۹۹۱) (۷۸۹۹۱) (۳۲۱۰)

**حکمت ۲۱۰**

**الگوهای برهیزکاری**

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: از خدا بترسید، ترسیدن انسان وارسته‌ای که دامن به کمر زده و خود را آماده کرده، و در بهره بردن از فرصت‌ها کوشیده، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۷۵  
و هراسان در اطاعت خدا تلاش کرده، و در دنیای زودگذر، و پایان زندگی و عاقبت کار، بدرستی اندیشیده است (۷۹۰۵۲-۷۹۰۲۲)!  
(۳۲۱۱)

**حکمت ۲۱۱**

**ارزش‌های اخلاقی**

(اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: بخشنده‌گی، نگاه‌دارنده آبروست (۷۹۰۵۸-۷۹۰۵۳)، و شکیبایی دهان بن بی‌خردان (۷۹۰۶۲-۷۹۰۵۹)، و عفو زکات پیروزی (۷۹۰۶۶-۷۹۰۶۳)، و دوری کردن، کثیر خیاثت‌کسار (۷۹۰۷۱-۷۹۰۶۷)، و مشورت چشم هدایت است (۷۹۰۷۵-۷۹۰۷۲).  
و آن کس که با رأی خود احساس بی‌نیازی کند به کام خطرها افتد (۷۹۰۸۱-۷۹۰۷۶)، شکیبایی با مصیبت‌های شب و روز بینکار کند (۷۹۰۸۵-۷۹۰۸۲)، و بی‌تابی، زمان را در نابودی انسان پاری دهد (۷۹۰۹۰-۷۹۰۸۶)، و برترین بی‌نیازی ترک آرزوهامست (۷۹۰۹۵-۷۹۰۹۱)، و چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است (۷۹۱۰۳-۷۹۰۹۶)، حفظ و به کارگیری تجربه رمز پیروزی است (۷۹۱۰۸-۷۹۱۰۴)، و دوستی نوعی خویشاوندی به دست آمده است (۷۹۱۱۲-۷۹۱۰۹)، و به آن کس که به ستوه آمده و توان تحمل ندارد اعتماد نکن (۷۹۱۱۶-۷۹۱۱۳).  
(۳۲۱۲)

**حکمت ۲۱۲**

**خودبیندی آفت عقل**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: خودبیندی یکی از خسودان عقل است (۷۹۱۲۵-۷۹۱۱۷).  
(۳۲۱۳)

**حکمت ۲۱۳**

**تعقل مشکلات و خشنودی**

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: چشم از سخنی خوار و خاشاک و رنج‌ها فرو بند تا همواره خشنود باشی (۷۹۱۳۵-۷۹۱۲۶).  
(۳۲۱۴)

**حکمت ۲۱۴**

**نرمغوبی و کتابی**

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که درخت شخصیت او نرم و بی‌عیب باشد، شاخ و برگش فراوان است (۷۹۱۳۶-۳۲۱۵).

**حکمت ۲۱۵**

**اختلاف آفت اندیشه**

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: اختلاف ناپود کننده اندیشه است (۷۹۱۴۹-۷۹۱۴۴). (۳۲۱۶)

**حکمت ۲۱۶**

**قدرت و تجاوزکاری**

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که به نوایی رسید تجاوزکار شد (۷۹۱۵۵-۷۹۱۵۰). (۳۲۱۷)

**حکمت ۲۱۷**

**دگرگونی روزگار و شناخت انسان‌ها**

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: در دگرگونی روزگار، گوهر شخصیت مردان شناخته می‌شود (۷۹۱۵۶-۷۹۱۵۶). (۳۲۱۸)

**حکمت ۲۱۸**

**حسادت آفت دوستی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: حسادت بر دوست، از آفات دوستی است (۷۹۱۷۲-۷۹۱۶۵). (۳۲۱۹)

**حکمت ۲۱۹**

**آرزوها آفت اندیشه**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: قریانگاه اندیشه‌ها، زیر برق آرزوهاست (۷۹۱۸۱-۷۹۱۷۳). (۳۲۲۰)

**حکمت ۲۲۰**

**عدالت در قضاوت**

(اخلاقی، قضایی) و درود خدا بر او، فرمود: داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان، دور از عدالت است (۷۹۱۹۱-۷۹۱۸۲). (۳۲۲۱)

**حکمت ۲۲۱**

**آینده دردناک ستمکاران**

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: بدترین توشه برای قیامت، ستم بر بنده‌گان است (۷۹۲۰۱-۷۹۱۹۲). (۳۲۲۲)

**حکمت ۲۲۲**

**بی‌توجهی به بدی بدکاران**

(اخلاقی، اجتماعی)

(۱) رودکی:

اندر بالای سخت پدید آیدفضل و بزرگ مردی و سالاری.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۷۷

و درود خدا بر او، فرمود: خود را به بی‌خبری نمایانند از بهترین کارهای بزرگواران است (۷۹۲۱۱-۷۹۲۰۲). (۳۲۲۳)

**حکمت ۲۲۳**

**حیاء و عیب پوشی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که لباس حیاء بپوشد، کسی عیب او را نبیند (۷۹۲۲۴-۷۹۲۱۲). (۳۲۲۴)

**حکمت ۲۲۴**

**برخی از ارزش‌های اخلاقی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: با سکوت بسیار، وقار انسان بیشتر شود (۷۹۲۲۹-۷۹۲۲۳)، و با انصاف بودن، دوستان را فراوان کند (۷۹۲۳۳-۷۹۲۳۰)، و با بخشش، قدر و منزلت انسان بالا رود (۷۹۲۳۷-۷۹۲۳۴)، و با فروتنی، نعمت کامل شود (۷۹۲۴۱-۷۹۲۳۸)، و با پرداخت هزینه‌ها، بزرگی و سروری ثابت گردد (۷۹۲۴۶-۷۹۲۴۲)، و روش عادلانه، مخالفان را درهم شکند (۷۹۲۵۱-۷۹۲۴۷)، و با شکیبایی در برابر بی‌خردی، یاران انسان زیاد گردند (۷۹۲۵۸-۷۹۲۵۲). (۳۲۲۵)

**حکمت ۲۲۵**

**حسادت و بیماری**

(اخلاقی، بهداشتی) و درود خدا بر او، فرمود: شگفتا که حسودان از سلامتی خود غافل مانده‌اند (۷۹۲۶۷-۷۹۲۵۹)!! (۳۲۲۶)

**حکمت ۲۲۶**

**طمع‌ورزی و خواری**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: طمعکاری همواره زیون و خوار است (۷۹۲۷۴-۷۹۲۶۸). (۳۲۲۷)

### حکمت ۲۲۷

#### ازکان ایمان

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: (از ایمان پرسیدند).  
ایمان، بر شناخت با قلب، اقرار با زبان، و عمل با اعضاء و جوارح استوار است (۷۹۲۸۸-۷۹۲۷۵).  
(۳۲۲۸)

### حکمت ۲۲۸

#### اوزش‌ها و ضد اوزش‌ها

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که از دنیا اندوهناک می‌باشد، از قضاء الهی خشناک است (۷۹۳۰۱-۷۹۲۸۹)، و آن کس که از مصیبت وارد شده شکوه کند از خدا شکایت کرده (۷۹۳۱۲-۷۹۳۰۲)، و کسی که نزد توانگری رفته و به خاطر سرمایه‌اش برابر او فروتنی کند، دو سوّم دین خود را از دست داده است (۷۹۳۲۲-۷۹۳۱۳)، و آن کس که قرآن بخواند و وارد آتش جهنّم شود حتماً از کسانی است که آیات الهی را بازیچه قرار داده است (۷۹۳۳۳-۷۹۳۳۴)، و آن کس که قلب او با دنیا پرستی پیوند خورد، همواره جانّش گرفتار سه مشکل است، اندوهی رها نشدنی، حرصی جدا نشدنی، و آرزویی ناپایانی (۷۹۳۵۷-۷۹۳۳۷).  
(۳۲۲۹)

### حکمت ۲۲۹

#### اوزش قناعت و خوش خلقی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آدمی را قناعت برای دولتمندی، و خوش خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است (۷۹۳۶۷-۷۹۳۵۸).  
(از امام سؤال شد تفسیر آیه، فَلْتَجِدْنَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً چیست؟ فرمود) آن زندگی با قناعت است (۷۹۴۵۱-۷۹۴۲۴) ۱۰.  
(۳۲۳۰)

### حکمت ۲۳۰

#### راه به دست آوردن روزی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: با آن کس که روزی به او روی آورده شراکت کنید، که او توانگری را

(۱) سعدی می‌گوید:

قناعت توانگر کند مرد راخبر کن حریص جهانگرد را

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۷۹

سزاوارتر، و روی آمدن روزگار خوش را شایسته‌تر است (۷۹۳۹۶-۷۹۳۸۰).

(۳۲۳۱)

### حکمت ۲۳۱

#### تعریف عدل و احسان

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: در تفسیر آیه ۹۰ سوره نحل «خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد، فرمود) عدل، همان انصاف، و احسان، همان بخشش است (۷۹۴۱۳-۷۹۳۹۷).  
(۳۲۳۲)

### حکمت ۲۳۲

#### ره آورد ائیناف

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که با دست کوتاه بخشد، از دستی بلند پاداش گیرد (۷۹۴۲۳-۷۹۴۱۴).  
می‌گوید: (معنی سخن این است که آنچه انسان از اموال خود در راه خیر و نیکی انفاق می‌کند، هر چند کم باشد، خداوند پاداش او را بسیار می‌دهد (۷۹۴۵۱-۷۹۴۲۴)، و منظور از «دو دست» در اینجا دو نعمت است، که امام علیه السّلام بین نعمت پروردگار، و نعمت از ناحیه انسان، را با کوتاهی و بلندی فرق گذاشته است که نعمت و بخشش از ناحیه بنده را کوتاه، و از ناحیه خداوند را بلند قرار داده است (۷۹۴۷۶-۷۹۴۵۲)، بدان جهت که نعمت خدا همیشگی و چند برابر نعمت مخلوق است، چرا که نعمت خداوند اصل و اساس تمام نعمتها است، بنا بر این تمام نعمتها به نعمتهای خدا باز می‌گردد، و از آن سرچشمه می‌گیرد) (۷۹۵۰۰-۷۹۴۷۷).  
(۳۲۳۳)

### حکمت ۲۳۳

#### پرهیز از آغازگری در مبارزه

(اخلاق اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (به فرزندش امام مجتبی علیه السّلام فرمود) کسی را به پیکار دعوت نکن، اما اگر تو را به نبرد خواندند، بی‌ذیر، زیرا آغازگر پیکار تجاوزکار، و تجاوزکار شکست خورده است (۷۹۵۲۲-۷۹۵۰۱).  
(۳۲۳۴)

### حکمت ۲۳۴

#### تفاوت اخلاقی مردان و زنان

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است، مانند، تکبر، ترس، بخل، هر گاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حرم خود راه نمی‌دهد، و اگر بخل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند، و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد (۷۹۵۶۳-۷۹۵۲۳).  
(۳۲۳۵)

### حکمت ۲۳۵

#### نشانه خردمندی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (به امام گفتند، عاقل را به ما بشناسان، پاسخ داد:) خردمند آن است که هر چیزی را در جای خود می‌نهد. (گفتند پس جاهل را تعریف کن فرمود) با معرفی خردمند، جاهل را نیز شناسانم (۷۹۵۸۳-۷۹۵۶۴).  
(یعنی جاهل کسی که هر چیزی را در جای خود نمی‌گذارد، بنا بر این با ترک معرفتی مجذّب، جاهل را شناساند)  
(۷۹۶۴۰-۷۹۶۳۲) (۳۲۳۶)

### حکمت ۲۳۶

#### زنتی دنیای حرام

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: به خدا سوگند! این دنیای شما که به انواع حرام آلوده است، در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذّامی باشد، پست‌تر است (۷۹۶۲۰-۷۹۶۰۵)!

(۳۲۳۷)

### حکمت ۲۳۷

**انعام عبادت**

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: گروهی خدا را به امید بخشش پرستش کردند؛ که این پرستش بازرگانان است (۷۹۶۳۱-۷۹۶۳۱)، و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند که این عبادت بردگان است (۷۹۶۴۰-۷۹۶۳۲)، و گروهی خدا را از روی سپاسگزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است (۷۹۶۴۹-۷۹۶۴۱). (۳۲۳۸)

**حکمت ۲۳۸**

**مشکلات تشکیل خانواده**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: زن و زندگی، همه‌اش زحمت و دردسر است و زحمت بارتر اینکه چاره‌ای جز بودن با او نیست (۷۹۶۶۳-۷۹۶۵۰). ۲۰.

(۱) نقد نسبی بودن اخلاق در زندگی (رلائیویسم) RELATIVISM (نسبیت) گرچه در اینجا امام (ع) به نسبی بودن برخی از ارزش‌های اخلاقی بین زن و مرد اشاره فرمود، و این ارتباطی به نسبی بودن اخلاق ندارد.  
(۲) ضرب المثل است چنان‌که در فارسی می‌گویند: «زن و فرزند دردسر است و بی دردسر هم نمی‌شود زندگی کرده، یعنی ازدواج مسئولیت آورد است، اگر می‌خواهی آزاد باشی، تشکیل خانواده نده.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۸۱  
(۳۲۳۹)

**حکمت ۲۳۹**

**زشتی سستی و سخن چینی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس تن به سستی دهد، حقوق را پایمال کند، و هر کس سخن چین را بپردی کند دوستی را به ناپودی کشاند (۷۹۶۷۷-۷۹۶۶۴).

(۳۲۴۰)

**حکمت ۲۴۰**

**غصب و ویرانی**

(اقتصادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: سنگ غضبی در بنای خانه، مایه ویران شدن آن است (۷۹۶۸۷-۷۹۶۷۸).  
(این سخن از رسول خدا نقل شده است، و اینکه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام شبیه یکدیگرند جای شگفتی نیست برای اینکه هر دو از یک جا سر چشمه گرفته و در دو طرف ریخته شده است) (۷۹۷۱۰-۷۹۶۸۸).

(۳۲۴۱)

**حکمت ۲۴۱**

**آینده دردناک ستمکاران**

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: روزی که ستمدیده از ستمکار انتقام کشد، سخت‌تر از روزی است که ستمکار بر او ستم روا می‌داشت (۷۹۷۳۳-۷۹۷۱۱).

(۳۲۴۲)

**حکمت ۲۴۲**

**ارزش قس از خداوند**

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: از خدا بترس هر چند اندک، و میان خود و خدا پرده‌ای قرار ده هر چند نازک (۷۹۷۴۳-۷۹۷۲۴).

(۳۲۴۳)

**حکمت ۲۴۳**

**روش صحیح پاسخگویی**

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه پاسخ‌ها همانند و زیاد شد، پاسخ درست پنهان گردد (۷۹۷۵۱-۷۹۷۴۴).

(۳۲۴۴)

**حکمت ۲۴۴**

**مسئولیت نعمت‌های الهی**

(اعتقادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را بپردازد، قزونی یابد، و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد (۷۹۷۷۱-۷۹۷۵۲).

(۳۲۴۵)

**حکمت ۲۴۵**

**کاستی قدرت و کنترل شهوت**

(اخلاقی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که توانایی قزونی یابد، شهوت کاستی گیرد (۷۹۷۷۹-۷۹۷۷۲).

(۳۲۴۶)

**حکمت ۲۴۶**

**هشدار از پشت کردن نعمت‌ها**

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: از فرار نعمت‌ها بپرهیز، زیرا هر گریخته‌ای باز نمی‌گردد (۷۹۷۸۹-۷۹۷۸۰).

(۳۲۴۷)

**حکمت ۲۴۷**

**ره‌آورد سخاوت**

(اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بخشش بیش از خویشاوندی موجب آورد (۷۹۷۹۶-۷۹۷۹۰).

(۳۲۴۸)

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، اجلد، مشهور - ایران: قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹.ش. نهج البلاغه / ترجمه دشتی؛ ص ۶۸۱

**حکمت ۲۴۸**

**تقویت خویشی‌ها**

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: چون کسی به تو گمان نیک برد، خویشی او را تصدیق کن (۷۹۸۰۵-۷۹۷۹۷).

(۳۲۴۹)

### حکمت ۲۴۹

#### بترین عمل‌ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: بهترین کارها آن است که با ناخشودی در انجام آن بکوشی (۷۹۸۱۴-۷۹۸۰۶). (۳۲۵۰)

### حکمت ۲۵۰

#### خدانشناسی در حوادث روزگار

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا را از سست شدن اواده‌های قوی، گشوده شدن گره‌های دشوار، و دردم شکسته شدن تصمیم‌ها، شناختم (۷۹۸۲۵-۷۹۸۱۵). ۱۰. (۳۲۵۱)

### حکمت ۲۵۱

#### تلخی‌های و شیرینی‌های دنیا و آخرت

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: تلخکامی دنیا، شیرینی آخرت، و شیرینی دنیای حرام، تلخی آخرت است (۷۹۸۴۰-۷۹۸۲۹). (۳۲۵۲)

### حکمت ۲۵۲

#### فلسه احکام الهی

(اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی)

(۱) امام باقر علیه السلام فرمود: مردی از امام سؤال کرد که ای امیر مومنان با چه چیز خدا را شناختی؟ آن حضرت جواب داد:

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۸۳

و درود خدا بر او، فرمود: خدا «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک (۷۹۸۴۹-۷۹۸۴۱)، و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی (۷۹۸۵۴-۷۹۸۵۰)، و «زکات» را عامل فزونی روزی (۷۹۸۵۸-۷۹۸۵۵)، و «روزه» را برای آزمون اخلاص بندگانه (۷۹۸۶۳-۷۹۸۵۹)، و «حج» را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان (۷۹۸۶۷-۷۹۸۶۴)، و «جهاد» را برای عزت اسلام (۷۹۸۷۱-۷۹۸۶۸)، و «امر به معروف» را برای اصلاح توده‌های ناآگاه (۷۹۸۷۶-۷۹۸۷۲)، و «نهی از منکر» را برای بازداشتن بی‌خردان (۷۹۸۸۲-۷۹۸۷۷) از زشتی‌ها، «صله رحم» را برای فراوانی خویشتانندان (۷۹۸۸۷-۷۹۸۸۳)، و «فصاض» را برای پاسداری از خون‌ها (۷۹۸۹۱-۷۹۸۸۸)، و اجرای «حدوده» را برای بزرگداشت محرمات الهی (۷۹۸۹۶-۷۹۸۹۲)، و ترک «می‌گساری» را برای سلامت عقل (۷۹۹۰۲-۷۹۸۹۷)، و دوری از «زدی» را برای تحمق عفت (۷۹۹۰۷-۷۹۹۰۳)، و ترک «زنا» را برای سلامت نسل آدمی (۷۹۹۱۲-۷۹۹۰۸)، و ترک «لواط» را برای فزونی فرزندان (۷۹۹۱۷-۷۹۹۱۳)، و «گواهی دادن» را برای به دست آوردن حقوق انکار شده (۷۹۹۲۲-۷۹۹۱۸)، و ترک «دروغ» را برای حرمت نگهداشتن راستی (۷۹۹۲۷-۷۹۹۲۳)، و «سلام» کردن را برای امنیت از ترس‌ها (۷۹۹۳۲-۷۹۹۲۸)، و «اسامت» را برای سازمان یافتن امور ائمه (۷۹۹۳۶-۷۹۹۳۳)، و «فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد (۷۹۹۴۰-۷۹۹۳۷). (۳۲۵۳)

### حکمت ۲۵۳

#### روش سوگند دادن ستمکار

(سیاسی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: آنگاه که خواستید ستمکاری را سوگند دهید از او بخواهید که بگوید (از جنبش و نیروی الهی بیزار است؛ زیرا اگر به دروغ سوگند خورد، پس از بیزاری، در کتیر او شتاب شود (۷۹۹۳۳-۷۹۹۴۱)، اما اگر در سوگند خود بگوید «به خدایی که جز او خدایی نیست» در کتیرش شتاب نگردد، چه او خدا را به یگانگی یاد کرد (۷۹۹۷۹-۷۹۹۶۴). (۳۲۵۴)

### حکمت ۲۵۴

#### تلاش در انتهای اقتصادی

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم! خودت وصی مال خویش باش، امروز به گونه‌ای عمل کن که دوست داری پس از مرگت عمل کنند (۸۰۰۰۰-۷۹۹۸۰). (۳۲۵۵)

### حکمت ۲۵۵

#### تندجویی و جنون

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: تندجویی بی‌مورد نوعی دیوانگی است، زیرا که تندخو پشیمان می‌شود، و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است (۸۰۰۱۵-۸۰۰۰۱). (۳۲۵۶)

### حکمت ۲۵۶

#### حسادت و یناری

(اخلاقی، بهداشتی) و درود خدا بر او، فرمود: سلامت تن در دوری از حسادت است (۸۰۰۲۳-۸۰۰۱۶). (۳۲۵۷)

### حکمت ۲۵۷

#### راه ناه کردن دیگران (اخلاق خانواد)

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: ای کمیل! خانواده‌ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شب‌ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند (۸۰۰۴۶-۸۰۰۲۴). سوگند به خدایی که تمام صداها را می‌شنود، هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزداید چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند (۸۰۰۸۱-۸۰۰۴۷). (۳۲۵۸)

### حکمت ۲۵۸

#### صدقه و نواکری

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه نهدت شدیدی با صدقه دادن، با خدا تجارت کنیدی (۸۰۰۸۹-۸۰۰۸۲). (۳۲۵۹)



### حکمت ۲۵۹

#### شناخت جایگاه وفاداری

(اخلاقی اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: وفاداری با خبیانکاران نزد خدا نوعی خیانت، و خیانت به خبیانکاران نزد خدا وفاداری است (۸۰۱۰۵-۸۰۰۹۰).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۸۵ (۳۲۶۰)

### حکمت ۲۶۰

#### برهیز از مهلت دادن‌های خدا

(اعتقادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: بسا احسان پیاپی خدا، گناهکار را گرفتار کند و پرده‌پوشی خدا او را مغرور سازد، و با ستایش مردم فریب خورد، و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن، مورد آزمایش قرار نداد (۸۰۱۳۱-۸۰۱۰۶).

می‌گویم: (این سخن امام علیه‌السلام در کلمات گذشته آمده بود، اما چون در اینجا عبارات زیبا و مفیدی اضافه بر گذشته وجود داشت آن را نقل کردم) (۸۰۱۴۷-۸۰۱۳۲).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۸۷

#### بخش حکمت‌های شگفتی آور از سخنان امیر المؤمنین علیه‌السلام

#### اشاره

(در این فصل برخی از سخنان برگزیده شگفتی آور امام را می‌آوریم که احتیاج به تفسیر و تحلیل دارد). (۴۰۰۱)

#### ۱- روایتی از امام

##### اشاره به ظهور امام زمان علیه‌السلام

چون آنگونه شود، پیشوای دین «۱» قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او چونان ابر پاییزی گرد آیند.

(«میسوب» یعنی بزرگ مسلمانان، و «فزع» یعنی ابرهای پاییزی) (۸۰۱۹۳-۸۰۱۴۸) (۴۰۰۲)

#### ۲- روایتی دیگر از امام

##### سخنوری

این سخنران، زبردست ماهری است «۲».

(«شششح» یعنی مهارت دارد، به کسی که خوب حرف می‌زند یا خوب راه می‌رود گویند، ولی در موارد دیگر «شششح» یعنی فردی بخیل)

(۸۰۲۲۲-۸۰۱۹۴) (۴۰۰۳)

#### ۳- روایتی دیگر از امام

##### برهیز از دشمنی کردن

دشمنی، زنج‌ها و سختی‌هایی هلاک کننده دارد (۸۰۲۲۹-۸۰۲۲۳).

(«فحیم» یعنی مهلکه‌ها، زیرا دشمنی آنان را به هلاکت می‌رساند، و به معنی سختی‌ها نیز آمده که می‌گویند «فحمة الأعراب»، یعنی روزگار سختی و گرسنگی عرب‌ها به گونه‌ای که اموالشان تمام می‌شود (۸۰۲۵۵-۸۰۲۳۰)، و معنی «فخریم» همین است که می‌گویند خشکسالی روستاییان را به سرزمین‌های سبز و آباد کشانده است) (۸۰۲۷۴-۸۰۲۵۶).

(۴۰۰۴)

#### ۴- روایتی دیگر از امام

##### سرپرستی زنان

چون زنان بالغ شوند، خویشاوندان پدری برای سرپرستی آنان سزاوارترند (۸۰۲۸۵-۸۰۲۷۵).

منظور از «نص» آخرین درجه هر چیز است، مانند «نص» در سیر، که به معنی آخرین مرحله توانایی مرکب است، هنگامی که می‌گویم، «نصصت الزجل عن الأمر» آنقدر سؤال از کسی بشود که آنچه می‌داند بیان کند (۸۰۳۱۵-۸۰۲۸۶)، بنا بر این «نص» الحقائق، بمعنی رسیدن به مرحله بلوغ است که پایان دوره کودکی است، این جمله از فصیح‌ترین کنایات و شگفت آورترین آنها است (۸۰۳۴۴-۸۰۳۱۶).

منظور امام این است، هنگامی که زنان باین مرحله برسند «عصیه»: مردان خویشاوند پدری که معرم آنان هستند، مانند برادر، و عمو، به حمایت آنها سزاوارتر از مادرند، و هم چنین در انتخاب همسر برای آنها (۸۰۳۶۴-۸۰۳۴۴)، و منظور از حقائق مخالفت و درگیری مادر، با عصیه، در مورد این زن است، به طوری که هر کدام به دیگری می‌گویند: من از تو احق هشتم

(۸۰۳۹۳-۸۰۳۶۵)، گفته می‌شود:

(۱) یسوب: یعنی رهبر و ملکه زنیور عسل، در اینجا یعنی رهبر ائت اسلام.

(۲) منظور، مصعبه بن صوحان است که از یاران خاص امام علیه‌السلام بود و سخنران یا مهارتی بود، مغیره بن شعبه به دستور معاویه او را تبعید کرد و در سال ۶۰ هجری در تبعیدگاه خود درگذشت.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۸۹

«حافظتة حقائق» بمعنی رشد عقلی است، یعنی به مرحله‌ای برسد که حقوق و احکام در باره او اجرا شود، اما آن کس که نص الحقائق نقل کرده منظور از حقایق، جمع «حقیقت» است (۸۰۴۲۵-۸۰۳۹۴). این بود معنایی که «ابو عیید قاسم بن سلام» «۱» برای این جمله کرده است، اما نظر من این است که منظور از «نص الحقائق» این است که زن به مرحله‌ای برسد که جاز باشد ترویج کند، و اختیاردار حقوق خود شود، این در حقیقت تشبیه به «حقائق» در شتر است (۸۰۴۵۸-۸۰۴۲۶) چرا که «حقائق» جمع حقه و «حق» است به معنی شتری که سه سالش تمام و آماده بهره‌برداری است.

«حقائق» نیز جمع حقه است (۸۰۴۹۵-۸۰۴۵۹)، بنا بر این هر دو تعبیر به یک معنی باز می‌گردد، هر چند معنی دوم به روش عرب شیءتر است (۸۰۵۱۰-۸۰۴۹۶).

(۴۰۰۵)

#### ۵- روایتی دیگر از امام

##### تأثیر ایمان در روح

ایمان نقطه‌ای نورانی در قلب پدید آورد که هر چه ایمان رشد کند آن نیز فرونی یابد (۸۰۵۲۵-۸۰۵۱۱).

(لملظة نقطه سیاه یا سفید است، می‌گویند فرس المظ، یعنی آسبی که در لب او نقطه سپیدی باشد)

(۸۰۵۴۴-۸۰۵۲۶) (۴۰۰۶)

#### ۶- روایتی دیگر از امام

##### ضرورت پرداخت زکات

هر گاه انسان طلبی دارد که نمی‌داند وصول می‌شود یا نه، پس از دریافت آن واجب است زکات آن را برای سالی که گذشته، بپردازد (۸۰۵۶۳-۸۰۵۴۵).

می‌گویم: (بنا بر این «دین ظنون» آن است که طلب کار نمی‌داند آیا می‌تواند از بدهکار وصول کند یا نه؟ گویا طلب کار در حال

ظَنِّ و گمان است، گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی نه، این از فصیح‌ترین سخنان است، همچنین هر کاری که طالب آن هستی و نمی‌دانی در چه موضعی نسبت به آن خواهی بود، آن را «ظنون» گویند (۸۰۶۰۶–۸۰۵۶۴). و گفته اعرشی شاعر عرب از همین باب است، آنجا که می‌گوید: «جاهی که معلوم نیست آب دارد یا نه، و از محلی که باران گیر باشد دور است، نمی‌شود آن را همچون فرات، که پر از آب است، و کشتی و شناگر ماهر را از پا در می‌آورد، قرار داد» (۸۰۶۲۹–۸۰۶۰۷) «جَدَّ جَاه قَدیمی بیابانی را گویند، و ظنون آن است که معلوم نیست آب دارد یا نه» (۸۰۶۴۵–۸۰۶۳۰).

(۴۰۰۷)

#### ۷- روایتی دیگر از امام

##### اشاره

(وقتی لشکری را در راه جنگ مشایعت می‌کرد فرمود)

##### اخلاق نظامی

تا می‌توانید از زنان دوری کنید.

(۸۰۶۵۹–۸۰۶۶۶) می‌گویم: (معنی این سخن آن که از یاد زنان و توجه دل به آنها در هنگام جنگ، اعراض کنید، و از نزدیکی با آنان امتناع ورزید، چه اینکه این کار بازاون حیثیت را سست، و در تصمیم شما خلل ایجاد می‌نماید، و از حرکت سریع، و کوشش در جنگ باز می‌دارد (۸۰۶۹۵–۸۰۶۶۰)، هر کس که از چیزی امتناع ورزد گفته می‌شود «عذب عنه» و «عازب» و «عذوب» به معنی کسی است که از خوردن و آشامیدن امتناع می‌ورزد) (۸۰۷۱۲–۸۰۶۹۶).

(۴۰۰۸)

#### ۸- روایتی دیگر از امام

##### امید به پیروزی

مسلمان چنان تیراندازی ماهری است که انتظار دارد، در همان نخستین تیراندازی پیروز گردد (۸۰۷۳۳–۸۰۷۱۳).

(۱) ابو عبید بن هروی از دانشمندان فقه و حدیث و ادب بود که در سال ۲۲۲ هجری در گذشت.

*نهج البلاغه* / ترجمه دشتی، ص: ۶۹۱

می‌گویم: (یاسرون، کسانی هستند که با تیرها بر سر شتری مسابقه می‌دهند، و قالمج، یعنی چیره دست پیروز، می‌گویند. قد فلج علیهم و فلجم، یعنی بر آنان پیروز شدند، و آنان را مغلوب کردند، و راجز «ا» می‌گوید: چیره دستی را دیدم که پیروز شد.)

(۸۰۷۴۸–۸۰۷۲۴) (۴۰۰۹)

#### ۹- روایتی دیگر از امام

##### جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

هر گاه آتش جنگ شعله می‌کشید، ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پناه می‌بردیم، که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دشمن نزدیک‌تر نبود (۸۰۷۶۸–۸۰۷۶۹).

(وقتی ترس از دشمن بزرگ می‌نمود، و جنگ به گونه‌ای می‌شد که گویا جنگجویان را می‌خواهد در کام خود فرو برد، مسلمانان به پیامبر پناهنده می‌شدند، تا رسول خدا شخصاً به نبرد پردازد، و خداوند به وسیله او نصرت و پیروزی را بر آنان نازل فرماید، و در سایه آن حضرت ایمن گردند (۸۰۸۰۰–۸۰۷۶۹)، اما جمله

«إِذَا احْمَرَّتِ الْيَأْسُ»

کنایه از شدت کارزار است. در این باره سخنان متعددی گفته شده که بهترین آنها اینکه امام داغی جنگ را به شعله‌های سوزان آتش تشبیه کرده است (۸۰۸۲۹–۸۰۸۰۱)، و از چیزهایی که این نظر را تقویت می‌کند، سخن پیامبر در جنگ حنین است، هنگامی که نبرد سخت شد و شمشیر زدن مردم را در جنگ «هوازن» مشاهده کرد فرمود:

«الآن حمى الوطيس»

اکنون تور جنگ داغ شد (۸۰۸۵۱–۸۰۸۳۰)، «وطيس» تور آتش است، بنا بر این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داغی و گرمی جنگ را به فروختگی و شدت شعله‌وری آتش تشبیه فرموده است) (۸۰۸۶۸–۸۰۸۵۲).

(۱) راجز، فضل بن قدامه عجللی و لقب او، ابو النجم است، او از شاعران عصر اموی است که در سال ۱۳۰ هجری در گذشت.

*نهج البلاغه* / ترجمه دشتی، ص: ۶۹۳

(۳۲۶۱)

##### ادامه حکمت‌ها

#### حکمت ۲۶۱

##### مطلوبت امام علی علیه السلام

(سیاسی- تاریخی) و درود خدا بر او، فرمود: (آن هنگام که نهاجم یاران معاویه به شهر انبار، و غارت کردن آن را شنید، تنها و پیاده به طرف پادگان نظامی کوفه «نخيله» ۱۱ حرکت کرده مردم خود را به او رسانده، گفتند ای امیر مؤمنان ما آنان را کفایت می‌کنیم (۸۰۹۰۶–۸۰۸۸۱)، فرمود) شما از انجام کار خود درمانده‌اید! چگونه کار دیگری را برابم کفایت می‌کنید؟ اگر رعایای پیش از من از ستم حاکمان می‌تالیدند، امروز من از رعیت خود می‌تالم، گویی من پیرو، و آنان حکمرانند، یا من محکوم و آنان فرما‌روایانند (۸۰۹۳۶–۸۰۹۰۷).

وقتی سخن امام در یک سخنرانی طولانی که برخی از آن را در ضمن خطبه‌های گذشته آوردیم، به اینجا رسید.

(دو نفر از یاران جلو آمدند (۸۰۹۵۵–۸۰۹۳۷) و یکی گفت: من جز خود و برادرم را در اختیار ندارم، ای امیر المؤمنان فرمان ده تا هر چه خواهی انجام دهم، امام فرمود) شما کجا و آنچه من می‌خواهم کجا؟ (۸۰۹۷۸–۸۰۹۵۶)!

(۳۲۶۲)

#### حکومت ۲۶۲

##### مشکل حق ناشناسی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (حارث بن حوث «۲» نزد امام آمد و گفت: آیا چنین پنداری که من اصحاب جمل را گمراه می‌دانم؟ چنین نیست، امام فرمود) (۸۰۹۹۶–۸۰۹۷۹) ای حارث! تو زیر پای خود را دیدی، اثماً به پیرامونت نگاه نکردی، پس سرگردان شدی (۸۱۰۰۶–۸۰۹۹۷)، تو حق را شناختی تا بدانای که اهل حق چه کسانی می‌باشند؟ و باطل را نیز شناختی تا باطل گرایان را بدانی.

(حارث گفت: من و سعد بن مالک، «۳» و عبید الله بن عمر، از جنگ کتار می‌روییم، امام فرمود) (۸۱۰۳۵–۸۱۰۰۷) همانا سعد و عبید الله بن عمر، نه حق را یاری کردند، و نه باطل را خوار ساختند (۸۱۰۴۹–۸۱۰۳۶).

#### حکمت ۲۶۳

##### مشکل هم نشینی با قدرتمندان

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: هم‌نشین پادشاه، شیر سواری را ماند که دیگران حسرت منزلت او را دارند، ولی خود می‌داند که در جای خطر ناکی قرار گرفته است (۸۱۰۶۲–۸۱۰۵۰).

(۳۲۶۴)

### حکمت ۲۶۴

#### نیکی به بازماندگان دیگران

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: به بازماندگان دیگران نیکی کنید، تا حرمت بازماندگان شما را نگاه‌دارند (۸۱۰۷۲) - (۸۱۰۶۳).  
(۳۲۶۵)

### حکمت ۲۶۵

#### گفتار حکیمان و درمان

(علمی، درمانی) و درود خدا بر او، فرمود: گفتار حکیمان اگر درست باشد درمان ۴۰٪ و اگر نادرست، درد جان است (۸۱۰۸۹) - (۸۱۰۷۳).  
(۳۲۶۶)

### حکمت ۲۶۶

#### روش صحیح پاسخ دادن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: شخصی از امام پرسید که ایمان را تعریف کن (فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم، که اگر تو گفتارم را فراموش کنی دیگری آن را در خاطرش سپارد، زیرا گفتار چوئان شکار رمنده است، یکی آن را به دست آورد، و دیگری آن را از دست می‌دهد (۸۱۱۲۰ - ۸۱۰۹۰).  
(پاسخ امام در حکمت ۳۱ آمد که آن را نقل کردیم که ایمان را بر چهار شعبة تقسیم کرد)  
(۸۱۱۳۸ - ۸۱۱۲۱) (۳۲۶۷)

### حکمت ۲۶۷

#### پرهیز از حرص و زری در کسب روزی

(اعتقادی، معنوی)

(۱) نخله، جایی نزدیکی کوفه در سر راه شام، که لشکرگاه بود، سربازان و داوطلبان جنگ در آنجا گرد می‌آمدند و سازماندهی می‌شدند.  
(۲) ابن ابی الحدید در شرح خود و جاحظ در بیان ج ۳ ص ۱۲۱، حارث بن حوط ضبط کرده‌اند.  
(۳) هدف سعد وقاص است که به انزوا گزاید.  
(۴) اشاره به علم: سوماتولوژی (SOMATOLOGY) خاصیت شناسی.  
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۹۵  
و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزاید، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند (۸۱۱۶۵ - ۸۱۱۳۹).  
(۳۲۶۸)

### حکمت ۲۶۸

#### اعتدال در دوستی‌ها و دشمنی‌ها

(اخلاق اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: در دوستی یا دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد (۸۱۱۷۸) - (۸۱۱۶۶)، و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد (۸۱۱۸۹ - ۸۱۱۷۹).  
(۳۲۶۹)

### حکمت ۲۶۹

#### روش برخورد با دنیا

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود:  
مردم در دنیا دو دسته‌اند، یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرده، و دنیا او را از آخرتش بازداشت، بر بازماندگان خویش از تهیدستی هراسان، و از تهیدستی خویش در امان است، پس زندگانی خود را در راه سود دیگران از دست می‌دهد (۸۱۱۹۰ - ۸۱۱۹۰).  
و دیگری آن که در دنیا برای آخرت کار می‌کند، و نعمت‌های دنیا نیز بدون تلاش به او روی می‌آورد، پس بهره هر دو جهان را چشیده، و مالک هر دو جهان می‌گردد، و با آبرومندی در پیشگاه خدا صبح می‌کند، و حاجتی را از خدا درخواست نمی‌کند جز آن که روا می‌گردد (۸۱۲۵۰ - ۸۱۲۲۱).  
(۳۲۷۰)

### حکمت ۲۷۰

#### ضرورت حفظ اموال کعبه

(تاریخی، فقهی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود:  
(در زمان حکومت عمر، نسبت به فراوانی زیور و زینت‌های کعبه صحبت شد، گروهی گفتند آنها را برای لشکر اسلام مصرف کن، کعبه زر و زینت نمی‌خواهد، وقتی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدند، فرمود (۸۱۲۸۹ - ۸۱۲۵۱) همانا قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی نازل گردید که اموال چهار قسم بود، اموال مسلمانان، که آن را بر اساس سهم هر یک از وارثان، تقسیم کرد، و غنیمت جنگی که آن را به نیازمندانش رساند، و خمس، که خدا جایگاه مصرف آن را تعیین فرمود، و صدقات، که خداوند راه‌های بخشش آن را مشخص فرمود (۸۱۳۲۵ - ۸۱۲۹۰).  
و زیور آلات و زینت کعبه از اموالی بودند که خدا آن را به حال خود گذاشت، نه از روی فراموشی آن را ترک کرد، و نه از چشم خدا پنهان بود، تو نیز آن را به حال خود واگذار چنانکه خدا و پیامبرش آن را بحال خود واگذاشتند.  
(عمر گفت: اگر تو نبود رسوا می‌شدیم، و متعرض زیور آلات کعبه نشد)  
(۸۱۳۵۹ - ۸۱۳۴۶) (۳۲۷۱)

### حکمت ۲۷۱

#### روش صحیح قضاوت

(قضایی) و درود خدا بر او، فرمود: (دو نفر دزد را خدمت امام آوردند که از بیت المال دزدی کرده بودند، یکی برده مردم، و دیگری برده‌ای جزو بیت المال بود، امام فرمود (۸۱۳۸۱ - ۸۱۳۶۰) برده‌ای که از بیت المال است حدّی بر او نیست، زیرا مال خدا مشداری از مال خدا را خورده است، اثماً دیگری باید حدّ دزدی با شدّت بر او اجرا گردد (سپس دست او را برید) (۸۱۴۰۴ - ۸۱۳۸۲).  
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۹۷  
(۳۲۷۲)

### حکمت ۲۷۲

#### ضرورت استقامت در برداشتن کجی‌ها

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر از این فتنه‌ها و لغزشگاه با قدرت بگذرم، دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آورد (۸۱۴۱۶) -

۱۱۴۰۵).

(۳۲۷۳)

### حکمت ۲۷۳

#### ضرورت توکل به خداوند

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: به یقین بدانید! خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت‌کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی ۱۱ وعده فرمود، قرار نخواهد داد (۱۱۴۴۴-۱۱۴۱۷)، و میان بنده، هر چند ناتوان و کم‌سیاست باشد، و آنچه در قرآن برای او رقم زده حایل نمی‌شود (۱۱۴۴۴-۱۱۴۴۵)، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری خواهد برد. و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است (۱۱۴۸۴-۱۱۴۶۵)، چه بسا نعمت داده شده‌ای که گرفتار عذاب شود (۱۱۴۹۰-۱۱۴۸۵)، و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد (۱۱۴۹۹-۱۱۴۹۱)، پس ای کسی که از این گفتار بهرمند می‌شوی، بر شکرگزاری بی‌زاری، و از شتاب بی‌جا دست بردار، و به روزی رسیده قناعت کن (۱۱۵۱۰-۱۱۴۹۷).

(۳۲۷۴)

### حکمت ۲۷۴

#### ضرورت عمل گزایی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: علم خود را نادانی، و یقین خود را شک و تردید میندازید، پس هر گاه دانشید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید (۱۱۵۲۷-۱۱۵۱۱).

(۳۲۷۵)

### حکمت ۲۷۵

#### ضد ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: طمع به هلاکت می‌کشاند و نجات نمی‌دهد، و به آنچه ضمانت کند، وفادار نیست (۱۱۵۳۸-۱۱۵۲۸)، و بسا نوشنده آبی که پیش از سیراب شدن گلو گشیش شد (۱۱۵۴۶-۱۱۵۴۰)، و ارزش آنچه که بر سر آن رقابت می‌کنند، هر چه بیشتر باشد، مصیبت از دست دادنش اندوهناک‌تر خواهد بود (۱۱۵۵۶-۱۱۵۴۷)، و آرزوها چشم بصیرت را کور می‌کند (۱۱۵۶۱-۱۱۵۵۷)، و آنچه روزی هر کسی است بی‌چسبجو خواهد رسید (۱۱۵۶۷-۱۱۵۶۲).

(۳۲۷۶)

### حکمت ۲۷۶

#### پرهیز از دورویی‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا یا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می‌دارم، زشت باشد (۱۱۵۸۷-۱۱۵۶۸)، و بخوامم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجیه مردم را به خود جلب نمایم، و چهره ظاهرم را زینا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم (۱۱۶۱۵-۱۱۵۸۸).

(۳۲۷۷)

### حکمت ۲۷۷

#### سوتند امام علیه السلام

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: نه، سوتند به خدایی که با قدرت او شب تاریک را به سر بردیم که روز سبیدی در بی داشت، چنین و چنان نبود (۱۱۶۳۶-۱۱۶۱۶)!

(۳۲۷۸)

### حکمت ۲۷۸

#### ارزش تداوم عمل

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: کار اندکی که ادامه یابد، از کار بسیاری که از آن به ستوه آبی امیدوار کننده‌تر است (۱۱۶۴۷-۱۱۶۳۷).

(۱) ذکر حکیم را به قرآن، علم الهی، لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۶۹۹

(۳۲۷۹)

### حکمت ۲۷۹

#### شناخت جایگاه واجبات و مستحبات

(عبادی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه مستحبات به واجبات زبان رساند آن را ترک کنید (۱۱۶۵۵-۱۱۶۴۸).

(۳۲۸۰)

### حکمت ۲۸۰

#### یاد قیامت و آمادگی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد خود را آماده می‌سازد (۱۱۶۶۳-۱۱۶۵۶).

(۳۲۸۱)

### حکمت ۲۸۱

#### بهرتری عقل از مشاهده چشم

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: اندیشیدن همانند دیدن نیست، زیرا گاهی چشم‌ها دروغ می‌نمایاند، امّا آن کس که از عقل نصیحت خواهد به او خیانت نمی‌کند (۱۱۶۸۱-۱۱۶۶۴).

(۳۲۸۲)

### حکمت ۲۸۲

#### غرور، آفت پندپذیری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: میان شما و پندپذیری، پرده‌ای از غرور و خودخواهی وجود دارد (۱۱۶۹۱-۱۱۶۸۲).

(۳۲۸۳)

### حکمت ۲۸۳

#### علل سقوط جامعه

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: جاهلان شما پر تلاش، و آگاهان شما تن پرور و کوتاهی ورزند (۱۱۶۹۹-۱۱۶۹۲)!

(۳۲۸۴)

#### حکمت ۲۸۴

##### دانش ناپرد کننده عنرها

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: دانش، راه عذر تراشی را بهانه جوان بسته است (۸۱۷۰۶- ۸۱۷۰۰).

(۳۲۸۵)

#### حکمت ۲۸۵

##### ضرورت استفاده از فرصت‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند، و آنان که مهلت دارند کوتاهی می‌ورزند (۸۱۷۱۸-۸۱۷۰۷).

!

(۳۲۸۶)

#### حکمت ۲۸۶

##### سرانجام خوشی‌ها

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم چیزی را نگفتند خوش باد، جز آن که روزگار، روز بدی را برای او تدارک دید

(۸۱۷۳۵- ۸۱۷۱۹).

(۳۲۸۷)

#### حکمت ۲۸۷

##### مشکل درک قضا و قدر

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از قدر پرسیدند، پاسخ داد): راهی است تاریک، آن را می‌پمایید، و دریایی است زرف، وارد

آن نوبید، و رازی است خدایی، خود را به زحمت نیندازید (۸۱۷۵۴- ۸۱۷۳۶).

(۳۲۸۸)

#### حکمت ۲۸۸

##### جهل و خواری

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه خدا بخواهد بنده‌ای را خوار کند، دانش را از او دور سازد (۸۱۷۶۴- ۸۱۷۵۵).

(۳۲۸۹)

#### حکمت ۲۸۹

##### الگوی کامل انسانیت

(اخلاقی، اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: در گذشته برادری دینی داشتم «ا» که در چشم من بزرگ مقدار بود چون دنیای حرام در چشم او بی‌ارزش می‌نمود (۸۱۷۹۳- ۸۱۷۶۵)، و از شکم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی‌یافت آرزو نمی‌کرد، و آنچه را می‌یافت زیاده روی نداشت (۸۱۷۹۹- ۸۱۷۸۴). در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می‌گشود بر دیگر سخنوران برتری داشت، و تشنگی پرسش کنندگان را فرو می‌نشاند (۸۱۸۱۲- ۸۱۸۰۰). به ظاهر ناتوان و مستضعف می‌نمود، اما در برخورد جدی چونان شیر پیشه می‌خروشید، یا چون مار بیابانی به حرکت در می‌آمد (۸۱۸۲۵- ۸۱۸۱۳). تا پیش قاضی نمی‌رفت دلیلی مطرح نمی‌کرد (۸۱۸۳۱- ۸۱۸۲۶)، و کسی را که عذری داشت سرزنش نمی‌کرد، تا آن که عذر او را می‌شنید (۸۱۸۴۵- ۸۱۸۳۲)، از درد شکوه نمی‌کرد، مگر پس از تندرستی و بهبودی (۸۱۸۵۳- ۸۱۸۴۶)، آنچه عمل می‌کرد می‌گفت، و بدانچه عمل نمی‌کرد چیزی نمی‌گفت (۸۱۸۶۴- ۸۱۸۵۴)، اگر در سخن گفتن بر او پیشی می‌گرفتند در سکوت مغلوب نمی‌گردید (۸۱۸۷۴- ۸۱۸۶۵).

(۱) برخی گفته‌اند آن شخص ابوذر غفاری یا عثمان بن مظعون بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۰۱

و بر شنیدن بیشتر از سخن گفتن حریص بود (۸۱۸۸۴- ۸۱۸۷۵). اگر بر سر دو راهی دو کار قرار می‌گرفت، می‌اندیشید که کدام یک با عواصم نفس نزدیک‌تر است یا آن مخالفت می‌کرد (۸۱۸۸۵- ۸۱۸۸۵)، پس بر شما باد روی آوردن به اینگونه از ارزش‌های اخلاقی، و با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید، و اگر نتوانستید، بدانید که به دست آوردن برخی از آن ارزش‌های اخلاقی بهتر از رها کردن همه است (۸۱۹۱۳- ۸۱۸۹۶).

(۳۲۹۰)

#### حکمت ۲۹۰

##### مسئولیت نصحت‌ها

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر خدا بر گناهان وعده عذاب هم نمی‌داد، لازم بود به خاطر سیاس‌گرایی از

نصحت‌هایش نافرمانی نشود (۸۱۹۲۸- ۸۱۹۱۴).

(۳۲۹۱)

#### حکمت ۲۹۱

##### روش تسلیت گفتن

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (جهت تسلیت گفتن به اشعث بن قیس در مرگ فرزندش) (۸۱۹۴۰- ۸۱۹۲۹) ای اشعث! اگر برای پسرت اندوهناکی، به خاطر پیوند خویشاوندی سزاواری (۸۱۹۶۰- ۸۱۹۴۱)، اما اگر شکیا باشی هر مصیبتی را نزد خدا پاداشی است. ای اشعث! اگر شکیا باشی تقدیر الهی بر تو جاری می‌شود و تو پاداش داده خواهی شد و اگر بی تابی کسی نیز تقدیر الهی بر تو جاری می‌شود و تو گناه کاری (۸۱۹۷۹- ۸۱۹۶۱). ای اشعث! پسررت تو را شاد می‌ساخت و برای تو گرفتاری و آزمایش بود، و مرگ او تو را اندوهگین کرد در حالی که برای تو پاداش و رحمت است (۸۱۹۹۵- ۸۱۹۸۰).

(۳۲۹۲)

#### حکمت ۲۹۲

##### عزای پیامبر علیه السلام و بی‌تابی‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (به هنگام دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) همانا شکیبایی نیکوست جز در غم از دست دادنت، و بی‌تابی ناپسند است جز در آندوه مرگ تو، مصیبت تو بزرگ، و مصیبت‌های پیش از تو و پس از تو ناچیزند.

(۸۱۹۹۶- ۸۲۰۲۷).

(۳۲۹۳)

#### حکمت ۲۹۳

##### دوستی با احق هرگز!!

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: همنشین بی‌خرد می‌باش، که کار زشت خود را زبیا جلوه داده، دوست دارد تو همانند

او باشی (۸۲۰۴۲- ۸۲۰۲۸).

(۳۲۹۴)

#### حکمت ۲۹۴

##### فاصله میان شرق و غرب

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (از فاصله میان مشرق و مغرب پرسیدند، فرمود:) به اندازه یک روز رفتن خورشید (۸۲۰۵۷-۸۲۰۴۳). (۳۲۹۵)

#### حکمت ۲۹۵

##### شناخت دوستان و دشمنان

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستان تو سه گروهند، و دشمنان تو نیز سه دسته‌اند، اما دوستان: دوست تو و دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو است، و ائمه دشمنان، پس دشمن تو، و دشمن دوست تو، و دوست دشمن تو است. (۸۲۰۸۲-۸۲۰۵۸). (۳۲۹۶)

#### حکمت ۲۹۶

##### پرهیز از دشمنی‌ها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی را دید که چنان بر ضد دشمنش می‌کوشید که به خود زیان می‌رساند، فرمود:) مانند کسی هستی که نیزه در بدن خود فرو برد تا دیگری را که در کنار اوست بکشد (۸۲۱۰۱-۸۲۰۸۳). (۳۲۹۷)

#### حکمت ۲۹۷

##### ضرورت عبرت گرفتن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: عبرت‌ها چقدر فراوانند و عبرت پذیران چه اندک (۸۲۱۱۰-۸۲۱۰۲). (۳۲۹۸)

#### حکمت ۲۹۸

##### اعتدال در دشمنی‌ها

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که در دشمنی زیاده روی کند گناهکار، و آن کس که در دشمنی کوتاهی نهج البلاغه ترجمه دشتی، ص: ۷۰۳ کند ستمکار است (۸۲۱۲۳-۸۲۱۱۱)، و هر کس که بی‌دلیل دشمنی کند نمی‌تواند با تقوا باشد (۸۲۱۳۱-۸۲۱۲۴). (۳۲۹۹)

#### حکمت ۲۹۹

##### نماز در نگرانی‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: آنچه که بین من و خدا ناراستی اگر انجام دهم و مهلت دو رکعت نماز داشته باشم که از خدا عاقبت طلبم، مرا اندوهگین نخواهد ساخت (۸۲۱۴۶-۸۲۱۳۲). (۳۳۰۰)

#### حکمت ۳۰۰

##### شکفتنی روزی بندگمان

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند چگونه خدا با فراوانی انسان‌ها به حسابشان رسیدگی می‌کند؟ پاسخ داد:) آن چنانکه با فراوانی آنان روزیشان می‌دهد! (و باز پرسیدند چگونه به حساب انسان‌ها رسیدگی می‌کند که او را نمی‌بینند فرمود) همان گونه که آنان را روزی می‌دهد و او را نمی‌بینند (۸۲۱۷۴-۸۲۱۴۷). (۳۳۰۱)

#### حکمت ۳۰۱

##### احتیاط در فرسادن بیکها و نامه‌ها

(اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: فرستاده تو بیانگر میزان عقل تو (۸۲۱۸۰-۸۲۱۷۵)، و نامه تو گویاترین سخنگوی تو است (۸۲۱۸۶-۸۲۱۸۱). (۳۳۰۲)

#### حکمت ۳۰۲

##### نیاز انسان به دعا

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که به شدت گرفتار دردی است نیازش به دعا بیشتر از تندرستی است که از بلا در امان است نمی‌باشد (۸۲۲۰۳-۸۲۱۸۷). (۳۳۰۳)

#### حکمت ۳۰۳

##### ارزش دنیا دوستی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم فرزندان دنیا هستند و هیچ کس را بر دوستی مادرش نمی‌توان سرزنش کرد (۸۲۲۱۶-۸۲۲۰۴). (۳۳۰۴)

#### حکمت ۳۰۴

##### ضرورت پاسخ دادن به درخواستها

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: نیازمندی که به تو روی آورده فرستاده خداست، کسی که از باری او دریغ کند، از خدا دریغ کرده، و آن کس که به او بخشش کند، به خدا بخشیده است (۸۲۲۳۴-۸۲۲۱۷). (۳۳۰۵)

#### حکمت ۳۰۵

##### غیرتمندی و ترک زنا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: غیرتمند هرگز زنا نمی‌کند (۸۲۲۴۱-۸۲۲۳۵). (۳۳۰۶)

**حکمت ۳۰۶**

**نگهدارندگی اجل**

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: اجل، نگهبان خوبی است (۸۲۲۴۷-۸۲۲۴۲)، «۱» می‌گویم: معنای سخن امام این است که انسان بر کشته شدن فرزندان بردباری می‌کند اما در غارت و ربوده شدن اموال بردبار نیست. (۳۳۰۷)

**حکمت ۳۰۷**

**مشکل مال غارت شده**

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: آدم داغدار می‌خواهد، اما مال غارت شده، نمی‌خواهد (۸۲۲۵۹-۸۲۲۴۸). می‌گویم: (معنای سخن امام علیه السلام این است که انسان بر کشته شدن فرزندان بردباری می‌کند اما در غارت و ربوده شدن اموال بردبار نیست) (۸۲۲۷۵-۸۲۲۶۰). (۳۳۰۸)

**حکمت ۳۰۸**

**ره آورد دوستی پنهان**

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستی میان پنداران، سبب خویشاوندی فرزندان است (۸۲۲۸۳-۸۲۲۷۶)، و خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است از دوستی به خویشاوندی (۸۲۲۹۲-۸۲۲۸۴). (۳۳۰۹)

**حکمت ۳۰۹**

**اوزن گمان مؤمن**

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: از گمان مؤمنان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان قرار داده است (۸۳۳۰۵-۸۲۲۹۳). (۳۳۱۰)

**حکمت ۳۱۰**

**ضرورت اطمینان به وعده‌های الهی**

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: ایمان بنده‌ای درست نباشد جز آن که اعتماد او به آنچه در دست خداست بیشتر از آن باشد که در دست اوست (۸۲۳۳۳-۸۲۳۰۶). (۳۳۱۱)

**حکمت ۳۱۱**

**تقرین امام علیه السلام**

(اعتقادی)

(۱) در یکی از روزهای جنگ صفین، امام سوار بر اسب در میان میدان رجز می‌خواند و شمشیر را به گردن آورخته بود، یکی از یاران گفت:

یا امیر المؤمنین! خود را حفظ کن، نکند شما را غافلگیر کنند. در پاسخ او جمله بالا را فرمود: «توحید صدوق ص ۲۶۴».

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۰۵

و درود خدا بر او، فرمود: (چون به شهر بصره رسید، خواست انس بن مالک را به سوی طلحه و زبیر بفرستد تا آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره آنان شنیده یادشان آورد، انس، سر باز زد و گفت من آن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فراموش کردم (۸۲۳۶۱-۸۲۳۴۴)، فرمود) «۱» اگر دروغ می‌گویی خداوند تو را به بیماری برص (سفیدی روشن) دچار کند که عمامه آن را نپوشاند.

(پس از تقرین امام (ع)، انس به بیماری برص در سر و صورت دچار شد، که همواره نقاب می‌زد)

(۸۲۳۹۱-۸۲۳۶۲) (۳۳۱۲)

**حکمت ۳۱۲**

**روانشناسی عبادات**

(علمی، عبادی) و درود خدا بر او، فرمود: دل‌ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات و اداریت، و آنگاه که پشت کرده بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید (۸۲۴۱۱-۸۲۳۹۲). (۳۳۱۳)

**حکمت ۳۱۳**

**جامعیت قرآن**

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: در قرآن اخبار گذشته‌گان، و آینده‌گان، و احکام مورد نیاز زندگی‌تان وجود دارد (۸۲۴۴۸-۸۲۴۱۲). (۳۳۱۴)

**حکمت ۳۱۴**

**روش برخورد با متجاوز**

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، باز گردانید، که شرا جز شر پاسخ نمی‌دهد (۸۲۴۴۲-۸۲۴۲۹). (۳۳۱۵)

**حکمت ۳۱۵**

**روش نویسندگی**

(علمی، هنری) و درود خدا بر او، فرمود: (به نویسنده خود عیب الله بن ابی رافع دستور داد) در دولت، لیفه بینداز، نوک قلم را بلند گیر، میان سطرها فاصله بگذار، و حروف را نزدیک به یکدیگر بنویس، که این شیوه برای زیبایی خط بهتر است (۸۲۴۷۰-۸۲۴۴۳). (۳۳۱۶)

**حکمت ۳۱۶**

**پیشوایی مؤمنان و تبهکاران**

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: من پیشوای مؤمنان، و مال، پیشوای تبهکاران است (۸۲۴۸۰-۸۲۴۷۱).

می‌گویم: (معنای سخن امام این است که مؤمنان از من بیروی می‌کنند و بدکاران بیرو مال می‌باشند آنگونه که زنبوران عسل از رئیس خود اطاعت دارند)  
(۸۲۴۹۹-۸۲۴۸۱) (۳۳۱۷)

### حکمت ۳۱۷

#### اختلاف مسلمین و انحراف یهودیان

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی یهودی به امام گفت: هنوز پیامبرتان را دفن نکرده، در باره‌های اختلاف کردید، امام فرمود: ما در باره آنچه که از او رسیده اختلاف کردیم، نه در خود او، انا شما یهودیان، هنوز پای شما پس از نجات از دریای نیل خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید: «برای ما خدایی بساز، چنانکه بت پرستان خدایی دارند» و پیامبر شما گفت: «شما مردمی نادانیده، (۸۲۵۳۸-۸۲۵۰۰) (۳۳۱۸)

### حکمت ۳۱۸

#### فاطمیت در مبارزات

(سیاسی، نظامی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند، یا کدام نیرو بر حریفان خود پیروز شدی؟ فرمود) کسی را ندیدم جز آن که مرا در شکست خود یاری می‌داد (۸۲۵۵۴-۸۲۵۳۹)!  
می‌گویم: (امام به این نکته اشاره کرد که هیبت و ترس او در دل‌ها جای می‌گرفت)  
(۸۲۵۶۴-۸۲۵۵۵) (۳۳۱۹)

### حکمت ۳۱۹

#### ره‌آورد نوم نهبدستی

(اقتصادی)

(۱) آنس بن مالک در روز غدیر حضور داشت که رسول خدا فرمود  
«من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه  
انا هو ايرسني بر او غلبه کرد و گفت از یادم رفته است.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۰۷

و درود خدا بر او، فرمود: (به پسرش محمد حقیقه سفارش کرد) ای فرزند! من از نهبدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی «۱» است (۸۲۵۸۷-۸۲۵۶۴).  
(۳۳۲۰)

### حکمت ۳۲۰

#### روش صحیح پرسیدن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی مسئله پیچیده‌ای سؤال کرد، فرمود) برای فهمیدن پرس، نه برای آزار دادن (۸۲۶۰۰-۸۲۵۸۸)، که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست، و همانا دانای بی‌انصاف چون نادان پنهان جو است (۸۲۶۱۲-۸۲۶۰۱).  
(۳۳۲۱)

### حکمت ۳۲۱

#### فاطمیت رهبری در مشورت

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (عبدالله بن عباس در مسئله‌ای نظر داد که امام آن را قبول نداشت و فرمود) بر تو است که رأی خود را به من بگویی، و من باید پیرامون آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی (۸۲۶۳۷-۸۲۶۱۳)؛ ۲۱،  
(۳۳۲۲)

### حکمت ۳۲۲

#### ضرورت تقویت روحیه مردم پس از جنگ

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی امام از جنگ صفین باز می‌گشت به محله شامیان ۴۰ رسید، آواز گریه زنان بر کشتگان جنگ را شنید، ناگاه حرب بن شرحبیل شیبلی بزرگ قبیله شامیان خدمت امام رسید به او فرمود) (۸۲۶۳۸-۸۲۶۲۸) آیا آن گونه که می‌شنوم، زنان شما بر شما چیره شده‌اند؟ چرا آنان را از گریه و زاری باز نمی‌دارید؟ (حرب پیاده و امام سوار بر اسب می‌رفتند، به او فرمود) (۸۲۶۹۳-۸۲۶۷۱) باز گردد، که پیاده رفتن رئیس قبیله‌ای چون تو پشت سر من، موجب انحراف زمامدار و زبونی مؤمن است (۸۲۷۰۴-۸۲۶۹۴).  
(۳۳۲۳)

### حکمت ۳۲۳

#### علل انحراف خوارج

(سیاسی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (در جنگ نهروان هنگامی که از کنار کشتگان خوارج می‌گذشت فرمود) بدا به حال شما! آن که شما را فریب داد به شما زیان رساند. (پرسیدند چه کسی آنان را فریفت، ای امیر المؤمنین علیه السّلام؟ فرمود) (۸۲۷۲۸-۸۲۷۰۵) شیطان گمراه کننده، و نفسی که به بدی فرمان می‌دهد (۸۲۷۳۴-۸۲۷۲۹)، آنان را با آرزوها مغرور ساخت، و راه گناه را بر ایشان آماده کرد، و به آنان وعده پیروزی داد، و سرانجام به آتش جهنّم گرفتارشان کرد (۸۲۷۴۶-۸۲۷۳۵).  
(۳۳۲۴)

### حکمت ۳۲۴

#### خدائرس در خلوتگاهها

(اعتقادی، اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: از نافرمانی خدا در خلوت‌ها پرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری کند (۸۲۷۵۸-۸۲۷۴۷).  
(۳۳۲۵)

### حکمت ۳۲۵

#### اندوه عزای محمد بن ابی بکر

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (آنگاه که خبر کشته شدن محمد بن ابی بکر را به او دادند فرمود) همانا اندوه ما بر شهادت او، به اندازه شادی شامیان است، جز آن که از آنان یک دشمن، و از ما یک دوست کم شد (۸۲۷۸۲-۸۲۷۵۹).  
(۳۳۲۶)

### حکمت ۳۲۶

#### مهلت پذیرش توبه

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: عمری که خدا از فرزند آدم پوزش را می‌پذیرد شصت سال است (۸۲۷۹۵-۸۲۷۸۳).



(۳۳۲۷)

### حکمت ۳۳۷

#### بیرونیهای دروغین

(سیاسی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: پیروز نشد آن کس که گناه بر او چیرگی یافت، و آن کس که با بدی پیروز شد شکست خورده است (۸۲۸-۸ - ۸۲۷۹۶).

(۱) داعیه للمقت: بر انگیزاننده خشم است، خشم خدا، یا خشم بندگان خدا.

(۲) ابن عباس به امام پیشنهاد داد تا معاویه را بر کار خود باقی نگاهدارد و پس از آرام شدن اوضاع مملکت، او را عزل کند، امام در پاسخ او این سخن را فرمود. (تاریخ طبری ج ۶ ص ۳۰۸۹)

(۳) شیامیان: قبیله‌ای از مردم همدان بودند.

نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۷۰۹

(۳۳۲۸)

### حکمت ۳۳۸

#### وظیفه سرمایه‌داران

(اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان در باره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید (۸۲۸۳۴ - ۸۲۸۰۹).

(۳۳۲۹)

### حکمت ۳۳۹

#### بی‌نیازی از عذر خواهی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بی‌نیازی از عذر خواهی، گرامی‌تر از عذر راستین است (۸۲۸۳۵ - ۸۲۸۴۴).

(۳۳۳۰)

### حکمت ۳۳۰

#### مسئولیت نعمت‌ها

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود:

کمترین حق خدا بر عهده شما اینکه از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید (۸۲۸۵۶ - ۸۲۸۴۵).

(۳۳۳۱)

### حکمت ۳۳۱

#### ارزش اطاعت و بندگی

(عبادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدای سبحان طاعت را غنیمت زیرکان قرار داد آنگاه که مردم ناتوان، کوتاهی کنند. (۸۲۸۶۹ - ۸۲۸۵۷).

(۳۳۳۲)

### حکمت ۳۳۲

#### مسئولیت رهبری

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: حاکم اسلامی، پاسبان خدا در زمین اوست (۸۲۸۷۷ - ۸۲۸۷۰).

(۳۳۳۳)

### حکمت ۳۳۳

#### روانشناسی مؤمن

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (در توصیف مؤمن فرمود) شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است، سینهاش از هر چیزی فراخ‌تر، و نفس او از هر چیزی خوارتر است. برتری جویی را زشت، و ریاکاری را دشمن می‌شمارد (۸۲۹۰۳ - ۸۲۸۷۸)، اندوه او طولانی، و همت او بلند است، سکوتش فراوان، و وقت او با کار گرفته است، شکر گزار و شکیبا و زورف اندیش است. از کسی درخواست ندارد و نرم‌خو و فروتن است (۸۲۹۲۱ - ۸۲۹۰۴)، نفس او از سنگ خارا سخت‌تر اما در دیدنداری از بنده خوارتر است (۸۲۹۳۰ - ۸۲۹۲۲).

(۳۳۳۴)

### حکمت ۳۳۴

#### یاد بیز و آرزوها

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر بنده خدا اجل و پایان کارش را می‌دیده، با آرزو و فریب آن دشمنی می‌ورزید (۸۲۹۴۳ - ۸۲۹۳۱).

(۳۳۳۵)

### حکمت ۳۳۵

#### آفات اموال

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: برای هر کسی در مال او دو شریک است: وارث، و حوادث (۸۲۹۵۴ - ۸۲۹۴۴).

(۳۳۳۶)

### حکمت ۳۳۶

#### مسئولیت وعده دادن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که چیزی از او خواسته‌اند تا وعده نداده آزاد است (۸۲۹۶۱ - ۸۲۹۵۵).

(۳۳۳۷)

### حکمت ۳۳۷

#### ضرورت عمل گرامی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: دعوت کننده بی‌عمل، چون تیر انداز بدون کمان است (۸۲۹۷۰ - ۸۲۹۶۲).

(۳۳۳۸)

### حکمت ۳۳۸

#### انعام علم

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: علم دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی، علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری «۱» باشد

سودمند نخواهد بود (۸۲۹۸۶-۸۲۹۷۱).  
(۳۳۳۹)

### حکمت ۳۳۹

#### قدرت و حاکمیت اندیشه

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: استواری رأی با کسی است که قدرت و دارایی دارد، با روی آوردن قدرت،

(۱) علمی که انسان در طبیعت و فطرت خود آن را می‌یابد و زمینه‌های یافتن آن را دارد (مطبوع) است، و علمی که با درس و بحث آن را بدست می‌آورد (مسموع) می‌باشد، اشاره به علم: این تپوش (INTUITION) علم حضوری، درک مستقیم) و برگسونیسم (BERGSONISM) درون بینی یا درک مستقیم) و اشاره به اکتسابی بودن برخی از علوم (اکیرد (ACQUIRED) علم اکتسابی و (نیچرال ساینس (NATURAL SCIENCE).  
نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۷۱۱  
روی آورده، و با پشت کردن آن روی بر ناید (۸۲۹۹۷-۸۲۹۸۷).  
(۳۳۴۰)

### حکمت ۳۴۰

#### ارزش پاکدامنی و شکرگزاری

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: پاکدامنی زیور نهیدستی، و شکرگزاری زیور بی‌نیازی (ثروتمندی) است (۸۳۰۰۷-۸۲۹۹۸).  
(۳۳۴۱)

### حکمت ۳۴۱

#### روز دردناک ظالم

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: روز انتقام گرفتن از ظالم سخت‌تر از ستمکاری بر مظلوم است (۸۳۰۲۰-۸۳۰۰۸).  
(۳۳۴۲)

### حکمت ۳۴۲

#### راه بی‌نیازی

(اخلاقی اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: برترین بی‌نیازی و دارایی، نومییدی است از آنچه در دست مردم است (۸۳۰۳۰-۸۳۰۲۱).  
(۳۳۴۳)

### حکمت ۳۴۳

#### شناخت برده و ضد ارزشها

(سیاسی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: گفتارها نگهداری می‌شود، و نهان‌ها آشکار، و هر کسی در گرو اعمال خویش است (۸۳۰۴۴-۸۳۰۳۱)، و مردم گرفتار کمیودها و آفت‌هایند. جز آن را که خدا نگهدارد، در خواست کنندگان مردم آزار، و پاسنگویان به زحمت و رنج دچارند (۸۳۰۵۷-۸۳۰۴۵)، و آن کس که در اندیشه از همه برتر است با اندک خشودی یا خشمی از رأی خود باز می‌گردد. و آن کس که از همه استوارتر است از نیم‌نگاهی ناراست شود یا کلمه‌ای او را دگرگون سازد (۸۳۰۷۷-۸۳۰۵۸).  
(۳۳۴۴)

### حکمت ۳۴۴

#### ضرورت توجه به فنا پذیری دنیا

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم از خدا بترسید، چه بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید، و سازنده ساختمانی که در آن مسکن نکرد، و گرد آورنده‌ای که زود آنچه را گرد آورده رها خواهد کرد، شاید که از راه باطل گرد آورده، و با حق دیگران را باز داشته، و با حرام به هم آمیخته، که گشایش بر گردن اوست (۸۳۱۱۵-۸۳۰۷۸)، و با سنگینی بار گناه در می‌گذرد، و با پشیمانی و حسرت به نزد خدا می‌رود که:  
«در دنیا و آخرت زیان کرده و این است زیانکاری آشکار»  
(۸۳۱۳۲-۸۳۱۱۶) (۳۳۴۵)

### حکمت ۳۴۵

#### یکی از راههای پاک ماندن

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: دست نیافتن به گناه نوعی عصمت است (۸۳۱۳۹-۸۳۱۳۳).  
(۳۳۴۶)

### حکمت ۳۴۶

#### مشکلات درخواست کردن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آبروی تو چون بنی جامد است که درخواست آن را قطره قطره آب می‌کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می‌ریزی؟ (۸۳۱۵۱-۸۳۱۴۰).  
(۳۳۴۷)

### حکمت ۳۴۷

#### جایگاه ستایش

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی جاهلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است (۸۳۱۶۶-۸۳۱۵۲).  
(۳۳۴۸)

### حکمت ۳۴۸

#### اشاره

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشنی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشنی، اجلد، مشهور - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹.ش. نهج البلاغه / ترجمه دشنی؛ ص ۷۱۱

#### سخت‌ترین گناه

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: سخت‌ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد (۸۳۱۷۵-۸۳۱۶۷).  
نهج البلاغه / ترجمه دشنی، ص: ۷۱۳

(۳۳۴۹)

**حکمت ۳۴۹**

**الگوی انسان کامل**

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در عیب خود بنگرد از عیب جویی دیگران باز ماند (۸۳۱۸۷-۸۳۱۷۶)، و کسی که به روزی خدا خشنود باشد بر آنچه از دست رود اندوهگین نباشد (۸۳۱۹۷-۸۳۱۸۸)، و کسی که شمشیر ستم بر کشد با آن کشته شود (۸۳۲۰۴-۸۳۱۹۸)، و آن کس که در کارها خود را به رنج اندازد خود را هلاک سازد (۸۳۲۰۹-۸۳۲۰۵)، و هر کس خود را در گردابه‌های بلا-افکندد فرق گردد (۸۳۲۱۴-۸۳۲۱۰)، و هر کس به جاهای بد نام قدم گذاشت مُتهم گردید (۸۳۲۲۰-۸۳۲۱۵).

و کسی که زیاد سخن می‌گوید زیاد هم اشتباه دارد، و هر کس که بسیار اشتباه کرده، شرم و حیا او اندک است، و آن که شرم او اندک، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود، و کسی که پرهیزکاری او اندک است دلش مرده، و آن که دلش مرده باشد، در آتش جهنم سقوط خواهد کرد (۸۳۲۵۰-۸۳۲۲۱). و آن کس که زشتی‌های مردم را بنگرد، و آن را زشت بشمارد سپس همان زشتی‌ها را مرتکب شود، پس او احمق واقعی است (۸۳۲۶۳-۸۳۲۵۱). قناعت، مالی است که پایان نیابد (۸۳۲۶۸-۸۳۲۶۴)، و آن کس که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی خشنود است (۸۳۲۷۸-۸۳۲۶۹)، و هر کس بداند که گفتار او نیز از اعمال او به حساب می‌آید جز به ضرورت سخن نگوید (۸۳۲۹۰-۸۳۲۷۹).

(۳۳۵۰)

**حکمت ۳۵۰**

**روانشناسی مردان ستمکار**

(سیاسی، اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم ستمکار را سه نشان است: با سرکشی به ما فوق خود ستم روا دارد، و به زیردستان خود با زور و چیرگی ستم می‌کند، و ستمکاران را یاری می‌دهد (۸۳۲۹۱-۸۳۲۸۰).

(۳۳۵۱)

**حکمت ۳۵۱**

**امیدواری در سختی‌ها**

(معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: چون سختی‌ها به نهایت رسد، رگشایش پدید آید، و آن هنگام که حلقه‌های بلا تنگ گردد آسایش فرا رسد (۸۳۳۲۵-۸۳۳۱۱).

(۳۳۵۲)

**حکمت ۳۵۲**

**اعتدال در پرداخت به امور خانواده**

(اخلاق اجتماعی، خانوادگی) و درود خدا بر او، فرمود: (به برخی از باران خود فرمود) بیشترین اوقات زندگی را به زن و فرزندت اختصاص مده، زیرا اگر زن و فرزندت از دوستان خدا باشند خدا آنها را تپه خواهد کرد، و اگر دشمنان خدا پند، چرا غم دشمنان خدا را می‌خوری؟ (۸۳۳۳۶-۸۳۳۲۶)!

(۳۳۵۳)

**حکمت ۳۵۳**

**بزرگترین عیب**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بزرگ‌ترین عیب آن که چیزی را که در خود داری، بر دیگران عیب بشماری (۸۳۳۷۰-۸۳۳۶۱)!

(۳۳۵۴)

**حکمت ۳۵۴**

**روش تبریک گفتن در تولد فرزند**

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در حضور امام، شخصی با این عیارت، تولد نوزادی را تبریک گفت قدم دلاوری یکه سوار مبارک باده ۱۰ چنین مگو! بلکه بگو: خدای بخشنده را شکرگزار، و نوزاد بخشنیده بر تو مبارک، امید که بزرگ شود و از نیکوکاری‌اش بهرمند گردی (۸۳۴۰۳-۸۳۳۷۱)!

(۳۳۵۵)

**حکمت ۳۵۵**

**پرهیز از تعجل گروایی**

(اقتصادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی یکی از کارگزاران امام خانه با شکوهی ساخت به او فرمود) سگ‌های طلا و نقره سر بر آورده خود را آشکار ساختند، همانا ساختمان مجلل بی‌نیازی و ثروتمندی تو را می‌رساند (۸۳۴۲۰-۸۳۴۰۴).

(۳۳۵۶)

**حکمت ۳۵۶**

**قدرت خداوند در روزی رسائی**

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند اگر در خانه مردی را به رویش بندند، روزی او از کجا خواهد آمد؟ فرمود)

(۱) نوشتند، وقتی خدا به امام حسن مجتبی فرزندش عطا کرد، برخی بنا رسوم جاهلی او را تبریک گفتند که امام این رهنمود را مطرح فرمود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۱۵

از آن جایی که مرگ او می‌آید (۸۳۴۴۴-۸۳۴۲۱)!

(۳۳۵۷)

**حکمت ۳۵۷**

**روش تسلیت گفتن**

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (مردمی را در مرگ یکی از خوبشاونده‌اتشان چنین تسلیت گفت) مردن از شما آغاز نشده، و به شما نیز پایان نخواهد یافت. این دوست شما به سفر می‌رفت، اکنون پندارید که به یکی از سفرها، رفته، اگر او باز نگردد، شما به سوی او خواهید رفت (۸۳۴۸۰-۸۳۴۴۵).

(۳۳۵۸)

**حکمت ۳۵۸**

**مسئولیت نعمت‌ها**

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم، باید خدا شما را به هنگام نعمت همانند هنگامه کفر، ترسان بنگرد (۸۳۴۹۵-۸۳۴۸۱).

زیرا کسی که رفاه و گشایش را زمینه گرفتار شدن خویش نماند، پس خود را از حوادث ترسناک ایمن می‌پندارد (۳۵۰۹)– (۳۴۹۶)، و آن کس که تنگدستی را آزمایش الهی نداند، پاداشی را که امید به آن بود از دست خواهد داد (۳۵۱۳–۳۵۱۰). (۳۳۵۹)

### حکمت ۳۵۹

#### راه خودسازی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: ای اسیران آرزوها، بس کنید! زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها ندان حوادث روزگار به هراس افکند (۳۵۴۱–۳۵۲۴)، ای مردم کار تربیت خود را خود بر عهده بگیرید، و نفس را از عادت‌هایی که به آن محروم دارد باز گردانید (۳۵۵۳–۳۵۴۲). (۳۳۶۰)

### حکمت ۳۶۰

#### ضرورت پرهیز از بدگمانی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی می‌توان داشت (۳۵۷۰–۳۵۵۴). (۳۳۶۱)

### حکمت ۳۶۱

#### روش خواستن از خدا

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: هر گاه از خدای سبحان درخواستی داری، ابتدا بر پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمْ درود بفرست، سپس حاجت خود را بخواه، زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را بر آورد و دیگری را باز دارد (۳۶۰۱–۳۵۷۱). (۳۳۶۲)

### حکمت ۳۶۲

#### ضرورت پرهیز از جدال و درگیری

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس که از آبروی خود بینناک است از جدال بپرهیزد (۳۶۰۹–۳۶۰۲). (۳۳۶۳)

### حکمت ۳۶۳

#### نشانه بی‌خردی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: شتاب پیش از توانایی بر کار، و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی‌خردی است (۳۶۱۰–۳۶۱۱). (۳۳۶۴)

### حکمت ۳۶۴

#### جایگاه رسیدن

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: از آنچه پدید نیامده نرس، که آنچه پدید آمده برای سرگرمی تو کافی است (۳۶۳۵–۳۶۲۲). (۳۳۶۵)

### حکمت ۳۶۵

#### ارزش‌های اخلاقی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: اندیشه، آینه‌های شفاف (۳۶۴۱–۳۶۳۶) و عبرت از حوادث، بیم دهنده‌های خیر اندیش است (۳۶۴۵–۳۶۴۲)، و تو را در ادب کردن نفس همان بس که از آنچه انجام دادنش را برای دیگران نمی‌پسندی بپرهیزی (۳۶۵۳–۳۶۴۶). (۳۳۶۶)

### حکمت ۳۶۶

#### هماهنگی علم و عمل

(عملی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: علم و عمل پیوندی نزدیک دارند. نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۱۷ و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد می‌ماند و گر نه کوچ می‌کند (۳۶۷۲–۳۶۵۴). (۳۳۶۷)

### حکمت ۳۶۷

#### روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: ای مردم، کالای دنیای حرام چون برگ‌های خشکیده ویا خیز است، پس از چراگاه آن دوری کنید، که دل کندن از آن لذت بخش‌تر از اطمینان داشتن به آن است، و به قدر ضرورت از دنیا برداشتن بهتر از جمع آوری سرمایه فراوان است (۳۶۹۳–۳۶۷۳). (۳۳۶۸) آن کس که از دنیا زیاد برداشت به فقر محکوم است، و آن کس که خود را از آن بی‌نیاز انگاشت در آسایش است (۳۷۰۴–۳۶۹۴)، و آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره سازد دچار کور دلی گردد (۳۷۱۰–۳۷۰۵)، و آن کس که به دنیای حرام عشق ورزید، درونش پر از اندوه شد، و غم و اندوه‌ها در خانه دلش رقصان گشت، که از سوئی سرگرمش سازند، و از سوئی دیگر رهایش نمایند، تا آنجا که گلویش را گرفته در گوشه‌ای ببرد، رگ‌های حیات او قطع شده، و نابود ساختن او بر خدا آسان، و به گور انداختن او به دست دوستان است (۳۷۴۴–۳۷۱۱). (۳۳۶۸) اما مؤمن با چشم عبرت به دنیا می‌نگرد، و از دنیا به اندازه ضرورت برمی‌دارد، و سخن دنیا را از روی دشمنی می‌شنود (۳۷۴۴–۳۷۴۵)، چرا که تا گویند سرمایه دار شد، گویند نهی‌ست گردید، و تا در زندگی شاد می‌شوند، با فرا رسیدن مرگ همگین می‌گردند، و این اندوه چیزی نیست که روز پرنیاتی و نومییدی هنوز نیامده است (۳۷۸۴–۳۷۶۵). (۳۳۶۸)

### حکمت ۳۶۸

#### فلسه کبیر و پاداش

(عبادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کبیر را بر نافرمانی قرار داد، تا بندگان را از عذابش برهاند، و به سوی بهشت کشاند (۳۸۰۷–۳۷۸۵). (۳۳۶۹)

### حکمت ۳۶۹

#### خبر از مسخ ارزش‌ها

(اجتماعی، تاریخی سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی، و از اسلام جز نامی، باقی نخواهد ماند (۸۳۸۲۶-۸۳۸۰۸). مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است.

مسجد نشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می‌باشند (۸۳۸۴۱-۸۳۸۲۷)، که کانون هر فتنه، و جایگاه هر گونه خطاکاری‌اند، هر کس از فتنه بر کنار است او را به فتنه باز گردانند، و هر کس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه‌ها کشانند، که خدای بزرگ فرماید:

«به خود سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که انسان شکلیا در آن سرگردان مانده! و چنین کرده است (۸۳۸۷۵-۸۳۸۴۲)، و ما از خدا می‌خواهیم که از لغزش غفلت‌ها در گذرد (۸۳۸۸۱-۸۳۸۷۶).

(۳۳۷۰)

### حکمت ۳۷۰

#### هدفداری انسان و ضرورت تووا

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: (نقل کردند که امام علیه السلام کمتر بر مثنوی می‌نشست که پیش از سخن این عبارت را نگوید: (۸۳۸۹۳-۸۳۸۸۲) ای مردم! از خدا بترسید، هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی پردازد، و او را به حال خود وانگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نماید (۸۳۹۰۷-۸۳۸۹۴)، و دنیاپیسی که در دیده‌ها زیست، جایگزین آخرتی نشود که آن را زشت می‌انگارند (۸۳۹۲۱-۸۳۹۰۸)، و مغروری که در دنیا به بالاترین مقام رسیده،

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۱۹

چون کسی نیست که در آخرت به کمترین نصیبی رسیده است (۸۳۹۳۷-۸۳۹۲۲).

(۳۳۷۱)

### حکمت ۳۷۱

#### ارزش‌های والای اخلاقی

(اخلاقی، معنوی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود:

هیچ شرافتی برتر از اسلام، و هیچ عزّتی گرامی‌تر از تقوا، و هیچ سنگری نیکوتر از پارسایی، و هیچ شفاعت‌کننده‌ای کار سازتر از توبه (۸۳۹۶۳-۸۳۹۳۸)، و هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت، و هیچ مالی در فقر زدایی، از بین برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست (۸۳۹۷۷-۸۳۹۶۴).

و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد، و آسوده خاطر گردد (۸۳۹۹۰-۸۳۹۷۸)، در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است (۸۳۹۹۷-۸۳۹۹۱)، و حرص روزی و خود بزرگ بینی و حسادت، عامل بی‌بروایی در گناهان است (۸۴۰۰۸-۸۳۹۹۸)، و بدی، جامع تمام عیبها است (۸۴۰۱۳-۸۴۰۰۹).

(۳۳۷۲)

### حکمت ۳۷۲

#### عوامل استحکام دین و دنیا

(علمی، اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: (به جابر بن عبد الله انصاری فرمود) ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار چیز است: عالمی که به علم خود عمل کند، و جاهلی که از آموختن سربراز نزند، و بخشنده‌ای که در بخشش بخل نورزد، و فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد (۸۴۰۴۸-۸۴۰۱۴).

پس هر گاه عالم علم خود را نپا کند، نادان به آموختن روی نیاورد، هر گاه بی‌نیاز در بخشش بخل ورزد، نهیست آخرت خویش را به دنیا فروشد (۸۴۰۶۵-۸۴۰۴۹).

ای جابر! کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد، پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی را بپردازد، خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد، و آن کسی که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد، خداوند، آن را به زوال و نابودی کشاند (۸۴۰۹۸-۸۴۰۶۶).

(۳۳۷۳)

### حکمت ۳۷۳

#### مراحل امر به معروف و نهی از منکر

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (ابن جریر طبری در تاریخ خود از عبد الرحمن بن ابی لیلی فقیه نقل کرد، که برای مبارزه با خنجاخ به کمک ابن اشعث برخاست (۸۴۱۲۱-۸۴۰۹۹)، ۱۱۰ برای تشویق مردم گفت من از علی علیه السلام «که خداوند درجانش را در میان صالحان بالا برد، و ثواب شهیدان و صدّیقان به او عطا فرماید» در حالی که با شامیان رو برو شدیم شنیدم که فرمود (۸۴۱۴۹-۸۴۱۲۲) ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منگری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است (۸۴۱۶۷-۸۴۱۵۰)، و هر کس با زبان آن را انکار کند پادش آن داده خواهد شد، و از اولی برتر است (۸۴۱۷۸-۸۴۱۶۸)، و آن کسی که با شمشیر به انکار بر خیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او را رستگاری را یافته و نور بقین در دلش نایده (۸۴۲۰۶-۸۴۱۷۹).

(۳۳۷۴)

### حکمت ۳۷۴

#### مراحل امر به معروف و نهی از منکر

(اخلاقی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (و همانند حکمت گذشته، سخن دیگری از امام نقل شد) گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود

(۱) عبد الزحمان، پدرش از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است، و از پیامبر حدیث نقل کرده، و در کتاب امام علی علیه السلام در جنگ جمل حضور داشت، عبد الزحمان بر ضد عبد الملک مروان با همدستی ابن اشعث قیام کرد و در واقعه اذیر جمامج، در سال ۸۳ هجری کشته شد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۲۱

گرد آورده‌اند (۸۴۲۴۶-۸۴۲۰۷). گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تپا کرده است (۸۴۲۴۴-۸۴۲۲۷)، و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف‌تر است تپا ساخته‌اند و یک خصلت را به دست آورده‌اند (۸۴۲۶۳-۸۴۲۴۶)، و بعضی دیگر منکر را با زبان و قل و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است (۸۴۲۷۶-۸۴۲۶۴) ۱۰.

و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای «۲» بر دریای موج و پهنای است (۸۴۲۹۸-۸۴۲۷۷)، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کنند، و نه از مقدار روزی می‌کاهند، و از همه اینها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است (۸۴۳۲۵-۸۴۲۹۹).

(۳۳۷۵)

### حکمت ۳۷۵

#### مراحل نکست دو مبارزه

(سیاسی، نظامی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (از ابی جحیفه «۳» نقل شد، گفت از امیر مؤمنان شنیدم که فرمود (۸۴۳۳۵-

۸۴۳۶) عليهم السلام) اولین مرحله از جهاد که در آن باز می‌مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان، و آنگاه جهاد با قلب‌هایتان می‌باشد (۸۴۳۷-۸۴۳۶)، پس کسی که با قلب، معروفی را ستایش نکند، و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین، و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت (۸۴۳۳-۸۴۳۸).

(۳۳۷۶)

### حکمت ۳۷۶

#### سر انجام حق و باطل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: حق سنگین اما گواراست، و باطل، سبک اما کشنده (۸۴۳۵-۸۴۳۶).

(۳۳۷۷)

### حکمت ۳۷۷

#### ضرورت نرسیدن از عذاب الهی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: پر بهترین افراد این امت از عذاب الهی ایمن می‌باشید زیرا که خدای بزرگ فرمود. «از کثیر خدا ایمن نیستند جز زیانکاران» (۸۴۳۵-۸۴۳۶) و بر بدترین افراد این امت از رحمت خدا نومید می‌باشید زیرا که خدای بزرگ فرمود.

«همانا از رحمت خدا نومید نباشند جز کافران»

(۸۴۱۵-۸۴۳۶) (۳۳۷۸)

### حکمت ۳۷۸

#### آثار شوم بغل و ریزی

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: بغل و ریزیدن کانون تمام عیب‌ها، و مهاری است که انسان را به سوی هر بندی می‌کشاند (۸۴۳۰-۸۴۳۱).

(۳۳۷۹)

### حکمت ۳۷۹

#### انقسام روزی و برهیز از حرص زدن

(اقتصادی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود:

ای فرزند آدم! روزی دو گونه است، روزی که تو آن را جویی، و روزی که تو را می‌جوید، که اگر به سرافراش تروی به سوی تو آید (۸۴۴۷-۸۴۴۳).

پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت منه، که بر طرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است. اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد همانا خدای بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد.

(۱) شخصی در میان سخنرانی امام برخاست و پرسید: میت الاحیاء (زندگان مرده) چه کسانی هستند، امام سخنرانی را قطع کرد و پاسخ او را داد.

(۲) نفعه یعنی آب دهانی که آن را بیرون اندازد.

(۳) نام او وهب بن عبد الله سوانی است که زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که کودک بود در کعبه، امیر المؤمنین علیه السلام او را بر بیت المال کوفه گمارد و او را وهب الخیر می‌نامید که در سال ۷۲ هجری درگذشت.

«قاموس الرجال ج ۹ ص ۲۶۴.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۱۳

و اگر از شمار عمرت نباشد تو را با اندوه آنچه کار است؟ (۸۴۸۹-۸۴۴۸) که هرگز جوینده‌ای در گرفتن سهم روزی تو بر تو پیشی نگیرد، و چیره شونده‌ای بر تو چیره نگردد، و آنچه برای تو مقدر گشته بی‌کم و کاست به تو خواهد رسید (۸۴۹۰-۸۴۴۹). می‌گوییم: (این سخن امام علیه السلام در حکمت ۲۶۷ آمده، اما چون در اینجا همان مفاهیم آشکارتر و روشن‌تر بیان گردید آن را بر اساس روشی که در آغاز کتاب تذکر دادیم آوردیم، (۸۴۳۴-۸۴۵۰۹).

(۳۳۸۰)

### حکمت ۳۸۰

#### ضرورت یاد برگ

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسیار کسانی که در آغاز روز بودند و به شاهگاه رسیدند (۸۴۵۲-۸۴۵۳)، و چه بسیار کسانی که در آغاز شب بر او حسد می‌بردند و در پایان شب عزاداران به سوگشان نشستند (۸۴۵۱-۸۴۵۲).

(۳۳۸۱)

### حکمت ۳۸۱

#### ضرورت راز داری و کنترل زبان

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: سخن در بند نوست، تا آن را نگفته باشی، و چون گفتی، تو در بند آئی (۸۴۵۶۷-۸۴۵۵۲)، پس زبانت را نگهدار چنانکه طلا و نقره خود را نگه می‌داری، زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کرد (۸۴۵۷۸-۸۴۵۶۸).

(۳۳۸۲)

### حکمت ۳۸۲

#### اوزش سکوت

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: آنچه نمی‌دانی مگو، بلکه همه آنچه را که می‌دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضا بدنت چیزهایی را واجب کرده که از آنها در روز قیامت بر تو حجت آورد (۸۴۶۰۷-۸۴۵۸۲).

(۳۳۸۳)

### حکمت ۳۸۳

#### تلاش در اطاعت و بندگی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: برس که خداوند تو را به هنگام گناهان بنگرد و در طاعت خویش نیابد، آن گاه از زیانکاری (۸۴۶۲۳-۸۴۶۰۸)، هر گاه نیرومند شدی توات را در طاعت پروردگار به کار گیر، و هر گاه ناتوان گشتی، ناتوانی را در نافرمانی خدا قرار ده (۸۴۶۳۷-۸۴۶۲۴).

(۳۳۸۴)

### حکمت ۳۸۴

#### راه چگونه زیستن

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: به دنیا آرامش یافتن در حالی که ناپایداری آن مشاهده می‌گردد، از نادانی است (۸۴۶۶۸-۸۴۶۲۸)، و کوتاهی در اعمال نیکو با وجود یقین به پاداش آن، زیانکاری است، و قبل از آزمودن اشخاص، اطمینان پیدا کردن از عجز و ناتوانی است (۸۴۶۶۷-۸۴۶۴۹).

(۳۳۸۵)

### حکمت ۳۸۵

#### دنیا شناسی

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا، نافرمانی خدا نکند، و جز با رها کردن دنیا به پادشاهی الهی نتوان رسید (۸۴۶۸۷-۸۴۶۸۸).

(۳۳۸۶)

### حکمت ۳۸۶

#### ضرورت استقامت

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: چوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید (۸۴۶۹۶-۸۴۶۹۸).

(۳۳۸۷)

### حکمت ۳۸۷

#### شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خیری که در پی آن آتش باشد، خیر نخواهد بود، و شزی که در پی آن بهشت است شَر نخواهد بود (۸۴۶۹۷-۸۴۶۹۷)، و هر نعمتی بی‌بهشت ناپسند است، و هر بلایی بی‌جهنم، عاقبت است (۸۴۷۱۱-۸۴۷۱۱).

(۳۳۸۸)

### حکمت ۳۸۸

#### فقر زدایی و سلامت

(اقتصادی، بهداشتی) و درود خدا بر او، فرمود: آگاه باشید که فقر نوعی بلا است. و سخت‌تر از تنگدستی بیماری تن و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری قلب است (۸۴۷۴۵-۸۴۷۴۴)، آگاه باشید که همانا عامل تندرستی تن، تقوای دل است (۸۴۷۵۳-۸۴۷۴۶).

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۲۵

(۳۳۸۹)

### حکمت ۳۸۹

#### ضرورت عمل گرامی

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که کردارش او را به جایی نرساند، بزرگی خاندانش، او را به پیش نخواهد راند.

[در نقل دیگری آمده که] (۸۴۷۶۸-۸۴۷۵۴) آن کس که ارزش خویش را دست بدهد، بزرگی خاندانش او را سودی نخواهد رساند (۸۴۷۷۶-۸۴۷۶۹).

(۳۳۹۰)

### حکمت ۳۹۰

#### برنامه ریوی صحیح در زندگی

(اخلاقی، اجتماعی، اخلاق خانواده) و درود خدا بر او، فرمود: مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگارش، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است (۸۴۸۰۲-۸۴۷۷۷). خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال (۸۴۸۲۲-۸۴۸۰۳).

(۳۳۹۱)

### حکمت ۳۹۱

#### ضرورت ترک حرام و غفلت زدگی

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: از حرام دنیا چشم پوش، تا خدا زشتی‌های آن را به تو نمایاند (۸۴۸۳۱-۸۴۸۲۳)، و غافل مباش که لحظه‌ای از تو غفلت نشود (۸۴۸۳۷-۸۴۸۲۲).

(۳۳۹۲)

### حکمت ۳۹۲

#### راه شناخت انسان‌ها (سخن گفتن)

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: سخن بگویید تا شناخته شوید، زیرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است (۸۴۸۳۸-۸۴۸۳۸).

(۳۳۹۳)

### حکمت ۳۹۳

#### روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد، بردار، و از آنچه پشت کند، روی گردان، و اگر نتوانی، در جستجوی دنیا نیکو تلاش کن (۸۴۸۶۷-۸۴۸۴۸). (و از خداوند اندازه آن در نگذرد).

(۳۳۹۴)

### حکمت ۳۹۴

#### آرزو سخن

(علمی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: بسا سخن که از حمله مسلحانه کارگرتر است (۸۴۸۷۵-۸۴۸۶۸).

(۳۳۹۵)

### حکمت ۳۹۵

#### آرزو قناعت

(اقتصادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: هر مقدار که قناعت کنی کافی است (۸۴۸۸۲-۸۴۸۷۶).

(۳۳۹۶)

### حکمت ۳۹۶

#### راه خوب زیستن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مرگ بهتر از تن به ذلت دادن (۸۴۸۸۹-۸۴۸۸۳) و به اندک ساختن بهتر از دست نیاز به سوی مردم داشتن است (۸۴۸۹۴-۸۴۸۹۰). اگر به انسان نشسته در جای خویش چیزی ندهند، با حرکت و تلاش نیز نخواهند داد (۸۴۹۰۲-۸۴۸۹۵). روزگار دو روز است، روزی به سود تو، و روزی به زیان تو است، پس آنگاه که به سود تو است به

خوشگذرانی و سرکشی روی نیابور، و آنگاه که به زیان تو است شکبیا باش (۴۹۲۰-۴۹۰۳)، (۳۳۹۷)

### حکمت ۳۹۷

#### عطر خوب

(تجربل و زیبایی، بهداشتی) و درود خدا بر او، فرمود: چه خوب است عطر مشک، تحفل آن سبک و آسان، و بوی آن خوش و عطر آگین است (۴۹۳۰-۴۹۲۱)، (۳۳۹۸)

### حکمت ۳۹۸

#### ترک غرور و یاد مرگ

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: فخر فروشی را کنار بگذار، تکبر و خود بزرگ بینی را رها کن، به یاد مرگ باش (۴۹۴۱-۴۹۳۱)، (۳۳۹۹)

### حکمت ۳۹۹

#### حقوق متقابل پدر و فرزند

(اخلاقی، حقوقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا فرزند را به پندار، و پندار را به فرزند حقی است (۴۹۵۵-۴۹۴۲)، حق پندار بر فرزند این است که فرزند در همه چیز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند (۴۹۶۹-۴۹۵۶)، و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۲۷ بر فرزند نهاد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد (۴۹۸۳-۴۹۷۰)، ۸۰، (۳۴۰۰)

### حکمت ۴۰۰

#### شناخت واقفیتها و خرافات

(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: چشم زخم حقیقت دارد، استفاده از نیروهای مرموز طبیعت حقیقت دارد، سحر و جادو وجود دارد، و فال نیک راست است (۴۹۹۷-۴۹۸۴)، و رویداد بد را بد شگون دانستن، درست نیست (۵۰۰۵-۴۹۹۸)، بوی خوش درمان و نشاط آور، غسل درمان کننده و نشاط آور، سواری بهبودی آور، و نگاه به سبزه زار درمان کننده و نشاط آور است (۵۰۱۹-۵۰۰۶)، (۳۴۰۱)

### حکمت ۴۰۱

#### ضرورت هماهنگی یا مردم

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است (۵۰۲۹-۵۰۲۰)، (۳۴۰۲)

### حکمت ۴۰۲

#### ضرورت موفقیت شناسی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی در حضور امام سخنی بزرگتر از شأن خود گفت، فرمود) پر در نیورده پرواز کردی، و در خردسالی آواز بزرگان سر دادی (۵۰۴۹-۵۰۳۰)؛ (شکیر، نخستین برهائی است که بر بال پرند می‌روید و نرم و لطیف است و سبب، شتر خردسال است زیرا شتر بانگ در نیابور تا بالغ شود)، (۵۰۷۷-۵۰۵۰) (۳۴۰۳)

### حکمت ۴۰۳

#### برهیز از کارهای کوناگون

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که به کارهای گوناگون پردازد، خوار شده، پیروز نمی‌گردد (۵۰۸۶-۵۰۷۸)، (۳۴۰۴)

### حکمت ۴۰۴

#### تفسیر لا حول و لا قوة الا بالله

(علمی، تفسیری) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام معنی لا حول و لا قوة الا بالله، را پرسیدند، پاسخ داد) (۵۱۰۲-۵۰۸۷) ما برابر خدا مالک چیزی نیستیم، و مالک چیزی نمی‌شویم جز آنچه او به ما بخشیده است، پس چون خدا چیزی به ما ببخشد که خود سزاوارتر است، وظایفی نیز بر عهده ما گذاشته، و چون آن را از ما گرفت تکلیف خود را از ما برداشته است (۵۱۲۹-۵۱۰۳)، (۳۴۰۵)

### حکمت ۴۰۵

#### جاملان متظاهر به دین

(اعتقادی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (چون عثمان پسر یاسر با مغیره بن شعبه ۳۱ بحث می‌کرد و پاسخ او را می‌داد، امام به او فرمود) ای عثمان! مغیره را رها کن، زیرا او از دین به مقداری که او را به دنیا نزدیک کند، برگرفته، و به عمد حقائق را بر خود پوشیده داشت، تا شبهات را بهانه لغزش‌های خود قرار دهد (۵۱۶۶-۵۱۳۰)، (۳۴۰۶)

### حکمت ۴۰۶

#### اخلاق نپیدستان و توانگران

(اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: چه نیکو است فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشنداری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداوند است (۵۱۸۸-۵۱۶۷)، (۳۴۰۷)

### حکمت ۴۰۷

#### ارزش عقل

(علمی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا عقل را به انسانی نداد جز آن که روزی او را با کمک عقل نجات بخشد (۵۲۰۱-۵۱۸۹)، (۵۱۸۹)



(۳۴۰۸)

#### حکمت ۴۰۸

##### سر انجام حق ستیزی

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس با حق در افتاد ناپود شد. (۸۵۲۰۸-۸۵۲۰۲).  
(۳۴۰۹)

#### حکمت ۴۰۹

##### هماهنگی قلب و چشم

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: قلب، کتاب چشم است (۸۵۲۱۴-۸۵۲۰۹) (آنچه چشم بنگرد در قلب نشیند) ۴۰.  
(۳۴۱۰)

#### حکمت ۴۱۰

##### ارزش پرهیزگاری

(اخلاقی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی است (۸۵۲۲۰-۸۵۲۱۵).

(۱) نقد تفکر: پاترنالیسم (PATERNALISM) (بدر سالاری) بلکه در روابط پدر و فرزند حقوق متقابل مطرح است.

(۲) اشاره به علم: ماجیک لوزی (LOGY -MAGIC) (سحر شناسی)

(۳) مقبره بن شعبه یکی از چهار نفری است که به مکر و حيله و زیرکی چونان معاویه و عمرو عاص و زیاد بن ابیه، معروف بود دشمنی خاصی با اهل بیت علیهم السلام داشت.

(۴) بابا طاهر ریاضیات ص ۷.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۲۹

(۳۴۱۱)

#### حکمت ۴۱۱

##### احترام به اسناد

(اخلاق اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: با آن کس که تو را سخن آموختن به درشتی سخن مگو، و با کسی که راه نیکو سخن گفتن، به تو آموخت لاف بلاغت مزن (۸۵۲۳۶-۸۵۲۲۱).

(۳۴۱۲)

#### حکمت ۴۱۲

##### راه خود سازی

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: در تربیت خویش تو را پس که از آنچه بر دیگران نمی‌بسنندی دوری کنی (۸۵۲۴۷-۸۵۲۳۷).

(۳۴۱۳)

#### حکمت ۴۱۳

##### راه تعقل مصیبت‌ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: در مصیبت‌ها یا چون آزادگان باید شکبیا بود، و یا چون المهان خود را به فراموشی زد (۸۵۲۵۹-۸۵۲۴۸).

(۳۴۱۴)

#### حکمت ۴۱۴

##### راه تعقل مصیبت‌ها

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: (در روایت دیگری آمد که اشعث بن قیس را در مرگ فرزندش اینگونه تسلیت داد): یا چون مردان بزرگوار شکبیا، و یا چون چهارپایان بی تفاوت باش (۸۵۲۸۲-۸۵۲۶۰).

(۳۴۱۵)

#### حکمت ۴۱۵

##### دنیا نسایی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در وصف دنیای حرام) (۸۵۲۸۸-۸۵۲۸۳) (دنیا) قریب می‌دهد، زیان می‌رساند و تند می‌گذرد. از این رو خدا دنیا را پاداش دوستان خود نپسندید، و آن را جایگاه کبیر دشمنان خود قرار نداد (۸۵۳۰۴-۸۵۲۸۹)، و همانا مردم دنیا چون کاروانی باشند که هنوز بار انداز نکرده کاروان سالار بانگ کوچ سر دهد تا بار بندند و برانند. (۸۵۳۱۷-۸۵۳۰۵).

(۳۴۱۶)

#### حکمت ۴۱۶

##### روش برخورد با دنیا

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: (به فرزندش امام مجتبی علیه السلام خطاب کرد): چیزی از دنیای حرام برای پس از مرگ باقی نگذار، زیرا آنچه از تو می‌ماند نصیب یکی از دو تن خواهد شد (۸۵۳۳۲-۸۵۳۱۸)، یا شخصی است که آن را در طاعت خدا به کار گیرد، پس سعادتمند می‌شود به چیزی که تو را به هلاکت افکنده است. و یا شخصی که آن را در نافرمانی خدا به کار گیرد، پس هلاک می‌شود به آنچه که تو جمع آوری کردی، پس تو در گناه او را باری کرده‌ای، که هیچ یک از این دو نفر سزاوار آن نیستند تا بر خود مقدم داری (۸۵۳۶۷-۸۵۳۳۳). (این حکمت به گونه دیگری نیز نقل شده) (۸۵۳۷۸-۸۵۳۶۸) پس از ستایش پروردگارا! آنچه از دنیا هم اکنون در دست تو است، پیش از تو در دست دیگران بوده، و پس از تو نیز به دست دیگران خواهد رسید (۸۵۳۹۷-۸۵۳۷۹)، و همانا تو برای دو نفر مال خواهی آندوخت، یا شخصی که اموال جمع شده تو را در طاعت خدا به کار گیرد، پس به آنچه که تو را به هلاکت افکنده سعادتمند می‌شود، یا کسی است که آن را در گناه به کار اندازد، پس با اموال جمع شده تو هلاک خواهد شد، که هیچ یک از این دو نفر سزاوار نیستند تا بر خود مقدمشان بداری، و بار آنان را بر دوش کنی (۸۵۳۹۸-۸۵۳۹۸)، پس برای گذشتگان رحمت الهی، و برای بازماندگان روزی خدا را امیدوار باش (۸۵۴۴۹-۸۵۴۴۰).

(۳۴۱۷)

#### حکمت ۴۱۷

##### شوائبه توبه و استغفار

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (شخصی در حضور امام علیه السلام بدون توجه لازم گفت: استغفر الله، امام فرمود) مادرت بر تو بگریزد، می‌دانی معنای استغفار چیست؟ (۸۵۴۶۳-۸۵۴۵۰) استغفار درجه والا مقامان است، و دارای شش معنا است، اول- پشیمانی از آنچه گنشت، دوم- تصمیم به عدم بازگشت (۸۵۴۸۶-۸۵۴۶۴)، سوم- پرداختن حقوق مردم

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۳۱

چنانکه خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد، چهارم - تمام واجبه‌های ضایع ساخته را به جا آوری (۸۵۵۱۱) - ۸۵۴۸۷)، پنجم - گوشتی که از حرام بر اندامت روییده، یا اندوه فراوان آب کنی، چنانکه پوست به استخوان چسبیده گوشت تازه بپوید، ششم - رنج طاعت را به تن بجشانی چنانکه شیرینی گناه را به او چشاندند بودی، پس آنگاه بگویی، استغفر الله (۸۵۴۸) - ۸۵۵۱۲)!

(۳۴۱۸)

#### حکمت ۴۱۸

##### ره آورد حلم

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: حلم و بردباری، خویشاوندی است (۸۵۵۵۳ - ۸۵۴۹۹).

(۳۴۱۹)

#### حکمت ۴۱۹

##### مشکلات انسان

(علمی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بپجاره فرزند آدم! اجلش پنهان، بیماری‌هایش پوشیده، اعمالش همه نوشته شده، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، جرعه‌ای گلو گیرش شده او را از پای در آورد، و عرق کردنی او را بد بو سازد (۸۵۵۷۳ - ۸۵۵۵۴)!!

(۳۴۲۰)

#### حکمت ۴۲۰

##### راه درمان شهوت، و غواهائت کننده

(اخلاقی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (اصحاب امام بی‌امونش نشسته بودند که زنی زیبا از آنجا گذشت، حاضران دیده به آن زن دوختند (۸۵۵۸۸ - ۸۵۵۷۴). امام فرمود: همانا دیدگان این مردان به منظره شهوت آمیز دوخته شده و به هیجان آمده‌اند، هر گاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش بیامیزد که او نیز زنی چون زن وی باشد (۸۵۶۱۲ - ۸۵۵۸۹). (مردی از خوارج گفت: خدا این کافر را بکشد چقدر فقه می‌داند! مردم برای کشتن او برخاستند، امام فرمود) آرام باشید، دشنام را با دشنام باید پاسخ داد یا بخشیدن از گناه (۸۵۶۳۵ - ۸۵۶۱۳).

(۳۴۲۱)

#### حکمت ۴۲۱

##### ره آورد عقل

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از دستگیری نشانت دهد (۸۵۶۴۸ - ۸۵۶۳۶).

(۳۴۲۲)

#### حکمت ۴۲۲

##### اوزن نیکوکاری

(اخلاقی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: کار نیک به جا آوری، و آن را هر مقدار که باشد کوچک نشمارید، زیرا کوچک آن بزرگ، و اندک آن فراوان است (۸۵۶۶۴ - ۸۵۶۴۹)، و کسی از شما نگوید که: دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است! گر چه سوگند به خدا که چنین است:

خوب و بد را طرفدارانی است که هر گاه هر کدام از آن دو را واگذارید، انجامشان خواهند داد (۸۵۶۸۸ - ۸۵۶۶۵).

(۳۴۲۳)

#### حکمت ۴۲۳

##### ره آورد خودسازی

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود:

کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند (۸۵۶۹۷ - ۸۵۶۸۹)، و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید (۸۵۷۰۵ - ۸۵۶۹۸)، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد (۸۵۷۲۰ - ۸۵۷۰۶).

(۳۴۲۴)

#### حکمت ۴۲۴

##### اوزن عقل و بردباری

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: بردباری پرده‌ای است پوشاننده، و عقل شمشیری است بزان، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان، و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش (۸۵۷۳۸ - ۸۵۷۲۱).

(۳۴۲۵)

#### حکمت ۴۲۵

##### مسئولیت نواتکران

(اعتقادی، اقتصادی)

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۳۳

و درود خدا بر او، فرمود: خدا را بندگی است که برای سود رساندن به دیگران، نعمت‌های خاصه‌ی به آنان بخشیده، تا آنگاه که دست بخشنده دارند نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارند، و هر گاه از بخشش دریغ کنند، نعمت‌ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد (۸۵۷۶۲ - ۸۵۷۲۹).

(۳۴۲۶)

#### حکمت ۴۲۶

##### دو چیز ناپایدار

(اقتصادی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: سزاوار نیست که بنده خدا به دو خصصت اعتماد کنند: تندرستی، و توانگری، زیرا در تندرستی ناگاه او را بیمار بینی، و در توانگری ناگاه او را تهیدست (۸۵۷۸۵ - ۸۵۷۶۳)!!

(۳۴۲۷)

#### حکمت ۴۲۷

##### جایگاه نكوه کردن

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که از نیاز خود نزد مؤمنی شکایت کند، گویی به پیشگاه خدا شکایت برده است، و کسی که از نیازمندی خود نزد کافری شکوه کند، گویی از خدا شکوه کرده است (۸۵۸۰۵ - ۸۵۷۸۶)!!

(۳۴۲۸)

#### حکمت ۴۲۸

**شناخت روز عید**

(اجتماعی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (در یکی از روزهای عید) این عید کسی است که خدا روزه‌اش را بذیرفته، و نماز او را ستوده است (۸۵۸۲۱-۸۵۸۰۶)، و هر روز که خدا را نافرمانی نکنند، آن روز عید است (۸۵۸۳۰-۸۵۸۲۲)؛ (۳۴۴۹)

**حکمت ۴۲۹**

**اندوه سرعایه‌داران**

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: بزرگ‌ترین حسرت‌ها در روز قیامت، حسرت خوردن مردی است که مالی را به گناه گرد آورد، و آن را شخصی به ارث برد که در اطاعت خدای سبحان، بخشش کرده، و با آن وارد بهشت شد، و گرد آورنده اُولی وارد جهنم گردید (۸۵۸۶۱-۸۵۸۳۱). (۳۴۳۰)

**حکمت ۴۳۰**

**اندوه زراندوزی**

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: همانا زیانکارترین مردم در معاملات، و نومیدترین مردم در تلاش، مردی است که تن در گرد آوری مال خسته دارد، اما تقدیرها با خواست او هماهنگ نباشد، پس با حسرت از دنیا رود، و با باز گناه به آخرت روی آورد (۸۵۹۲۲-۸۵۸۶۲). (۳۴۳۱)

**حکمت ۴۳۱**

**اقسام روزی**

(اعتقادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: روزی بر دو قسم است: آن که و را می‌خواهد، و آن که تو او را می‌جویی. کسی که دنیا را خواهد، مگر نیز او را می‌طلبد تا از دنیا بیرونش کند، و کسی که آخرت خواهد، دنیا او را می‌طلبد تا روزی او را به تمام پردازد (۸۵۹۱۸-۸۵۸۹۳). (۳۴۳۲)

**حکمت ۴۳۲**

**ویژگی‌های دوستان خدا**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: دوستان خدا آنانند که به درون دنیا نگرستند. آنگاه که مردم به ظاهر آن چشم دوختند، و سر گرم آینده دنیا شدند آنگاه که مردم به امور زودگذر دنیا پرداختند (۸۵۹۴۲-۸۵۹۱۹). پس هواهای نفسانی که آنان را از پای در می‌آورد، کشتند، و آنچه که آنان را به زودی ترک می‌کرد، ترک گفتند، و بهره‌مندی دنیا پرستان را از دنیا، خوار شمردند، و دست‌یابی آنان را به دنیا زود گذر دانستند (۸۵۹۶۵-۸۵۹۳۳). با آنچه مردم آشتی کردند، دشمنی ورزیدند، و با آنچه دنیا پرستان دشمن شدند آشتی کردند (۸۵۹۷۴-۸۵۹۶۶)، قرآن به وسیله آنان شناخته می‌شود، و آنان به کتاب خدا آگاهند، قرآن به وسیله آنان پا بر جاست و آنان به کتاب خدا استوارند (۸۵۹۸۷-۸۵۹۷۵)، به بالاتر از آنچه امیدوارند چشم نمی‌دوزند، و غیر از آنچه که از آن می‌ترسند هراس ندارند (۸۵۹۹۹-۸۵۹۸۸). (۳۴۳۳)

**حکمت ۴۳۳**

**ضرورت توجه به فنا پذیری لذتها**

(اخلاقی، اعتقادی)  
نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۳۵  
و درود خدا بر او، فرمود: پایان لذت‌ها، و بر جای ماندن تلخی‌ها را به یاد آورید (۸۶۰۰۸-۸۶۰۰۰). (۳۴۳۴)

**حکمت ۴۳۴**

**آزمودن انسان‌ها**

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم را بیازماید، تا دشمن گردی (۸۶۰۱۳-۸۶۰۰۹). می‌گویم: (بعضی این حکمت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند، و نقل ثعلب ۱۱ از ابن اعرابی را تأیید می‌کند که این کلام از علی علیه السّلام است، اعرابی از مأمون نقل کرد. اگر علی علیه السّلام گفته بود «بازماید تا دشمن گردی، من می‌گفتم که «دشمن دار تا بیازمایی» (۸۶۰۵۱-۸۶۰۱۴) (۳۴۳۵)

**حکمت ۴۳۵**

**ارزش‌های والای اخلاقی**

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا در شکرگزاری را بر بنده‌ای نمی‌گشاید که در فزونی نعمت‌ها را بر او ببندد (۸۶۰۶۷-۸۶۰۵۲)، و در دعا را بر روی او بناز نمی‌کند که در اجابت کردن را نگشاید، و در توبه کردن را باز نگذاشته که در آمرزش را بسته نگهدارد (۸۶۰۹۰-۸۶۰۶۸). (۳۴۳۶)

**حکمت ۴۳۶**

**راه شناخت بزرگواران**

(اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: شایسته‌ترین مردم به بزرگواری آن که بزرگواران را با او بستند (۸۶۱۰۰-۸۶۰۹۱). (۳۴۳۷)

**حکمت ۴۳۷**

**شناخت عدل و بغش**

(اجتماعی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسیدند عدل یا بغش، کدام یک برتر است، فرمود: عدالت: هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بغشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بغشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است (۸۶۱۳۱-۸۶۱۰۱). (۳۴۳۸)

**حکمت ۴۳۸**

**جهل و دشمنی**

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم دشمن آنند که نمی‌دانند (۸۶۱۳۸-۸۶۱۲۲). (۳۴۳۹)

**حکمت ۴۳۹**

**تعریف زهد و یارسایی**

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: زهد بین دو کلمه از قرآن است، که خدای سبحان فرمود: «تا بر آنچه از دست شما رفته حسرت نخورید، و به آنچه به شما رسیده شادمان مباشید» کسی که بر گذشته افسوس نخورد، و به آینده شادمان نباشد، همه جوانب زهد را رعایت کرده است (۸۶۱۷۴-۸۶۱۳۹). (۳۴۴۰)

**حکمت ۴۴۰**

**نقش خوابیدن‌ها در زندگی**

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: خواب دیدن‌ها چه بسا تصمیم‌های روز را نقش بر آب کرده است (۸۶۱۸۲-۸۶۱۷۵). (۳۴۴۱)

**حکمت ۴۴۱**

**تعریه کاری و شناخت مدیران**

(سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: فرمانروایی، میدان مسابقه مردان است (۸۶۱۸۸-۸۶۱۸۳). (۳۴۴۲)

**حکمت ۴۴۲**

**راه انتخاب نهرها برای زندگی**

(اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ شهری برای تو از شهر دیگر بهتر نیست، بهترین شهرها آن است که پذیرای تو باشد (۸۶۲۰۱-۸۶۱۸۹). (۳۴۴۳)

**حکمت ۴۴۳**

**ویژگی‌های مالک اشتر**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی خیر شهادت مالک اشتر که رحمت خدا بر او باد، به امام رسید فرمود) مالک! چه مالکی؟ به خدا اگر کوه بود، کوهی که در سرفرازی یگانه بود، و اگر سنگ بود، سنگی سخت و محکم بود، که هیچ رونده‌ای به او چنگ نداشت و هیچ برنده‌ای بر فراز آن پرواز نمی کرد (۸۶۲۳۶-۸۶۲۰۲)! (فقد، کوهی است از دیگر کوه‌ها ممتاز و جدا افتاده باشد) (۸۶۲۴۳-۸۶۲۳۷)

(۱) ثعلب: از بزرگان و دانشمندان لغت و ادبیات عرب و نام او احمد بن یحیی بوده و در سال ۲۹۱ هجری در گذشت و ابن اعرابی نام او محقق بن زیاد، از بزرگان آدب و از دیار سند است که در سال ۲۳۱ هجری در گذشت.

(۲) سعلی نیکو سرود:

خواب نوشین بامداد رحیل‌باز دارد پیاده را ز سبیل.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۳۷

(۳۴۴۴)

**حکمت ۴۴۴**

**اوزش مداوم کار**

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: چیز اندک که با اشتیاق مداوم باید، بهتر از فراوانی است که رنج آور باشد (۸۶۲۵۴-۸۶۲۴۴). (۳۴۴۵)

**حکمت ۴۴۵**

**انسان شناسی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: اگر در کسی خصلتی شگفت دیدید، همانند آن را نیز انتظار کشید (۸۶۲۶۵-۸۶۲۵۵). (۳۴۴۶)

**حکمت ۴۴۶**

**ضرورت پرداخت دیون مردم**

(اقتصادی، حقوقی) و درود خدا بر او، فرمود: (امام به پدر فرزدق، غالب بن صعصعه فرمود) «۱۱» شتران فراوانت چه شده‌اند؟ (پاسخ داد، ای امیر مؤمنان، پرداخت حقوق آنها را پراکنده ساخت امام فرمود) این بهترین راه مصرف آن بود (۸۶۲۹۲-۸۶۲۶۶). (۳۴۴۷)

**حکمت ۴۴۷**

**ضرورت فقه در تجارت**

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به ربا خواری آلوده شود (۸۶۳۰۳-۸۶۲۹۳). (۳۴۴۸)

**حکمت ۴۴۸**

**راه برخورد با مصیبت‌ها**

(اعتقادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد خدا او را به مصیبت‌های بزرگ مبتلا خواهد کرد (۸۶۳۱۳-۸۶۳۰۴). (۳۴۴۹)

**حکمت ۴۴۹**

**راه مبارزه با هواپرستی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را گرامی دارد، هوا و هوس را خوار شمارد (۸۶۳۲۳-۸۶۳۱۴). (۳۴۵۰)

**حکمت ۴۵۰**

**پرهیز از شوخی کردن**

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ کس شوخی بیجا نکند. جز آن که مقداری از عقل خویش را از دست بدهد (۸۶۳۳۵-۸۶۳۲۴). (۳۴۵۱)

(۳۴۵۱)

**حکمت ۴۵۱**

**روش برخورد با مردم**

(اجتماعی، تربیتی) و درود خدا بر او، فرمود: دوری تو از آن کس که خواهان تو است نشانه کمبود بهره تو در دوستی است، و گرایش تو به آن کس که تو را نخواهد، سبب خواری تو است (۸۶۳۳۴-۸۶۳۵۱).

(۳۴۵۲)

**حکمت ۴۵۲**

**معیار شناخت فقر و غنا**

(اقتصادی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: فقر و بی نیازی ما پس از عرضه شدن بر خدا آشکار خواهد شد (۸۶۳۷۷-۸۶۳۷۸).

(۳۴۵۳)

**حکمت ۴۵۳**

**علل انحراف زبیر**

(تاریخی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: زبیر همواره با ما بود تا آن که فرزند نامبارکش عبد الله، با به جوانی گذاشت (۸۶۳۷۷-۸۶۳۷۸)!

(۳۴۵۴)

**حکمت ۴۵۴**

**راه غرور زده‌ایی**

(اقتصادی، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: فرزند آدم را با فقر فروشی چه کار؟ او که در آغاز نطفه‌ای گندیده، و در پایان مرداری بد بو است، نه می‌تواند روزی خویشش را فراهم کند، و نه مرگ را از خود دور نماید (۸۶۳۷۸-۸۶۳۷۸).

(۳۴۵۵)

**حکمت ۴۵۵**

**راه شناخت بزرگترین شاعر**

(هنری، علمی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام پرسید «۲» بزرگ‌ترین شاعر عرب کیست؟ فرمود: شاعران در یک وادی روشنی ناخته‌اند تا پایان کار معلوم شود، و اگر ناچار باید داوری کرد،

(۱) غالب بن صعصعه پیر مرد با شخصیتی بود روزی با فرزندش، همام (فرزدق) خدمت امام رسید که این سؤال و جواب مطرح شد، امام پرسید این کودک کتو است؟ گفت آری، به او ادبیات عرب و روش شعر سرودن آموختم چنانکه دارد شاعر لایقی می‌شود. امام فرمود، اگر به او قرآن می‌آموختی بهتر بود، فرزدق می‌گوید این رهنمود امام همواره در گوش من بود تا آنکه کل قرآن را حفظ کردم.

(۲) ابو الأسود دؤلی از امام پرسید.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۳۹

پس پادشاه گمراهان، بزرگ‌ترین شاعر است (۸۶۴۲۲-۸۶۳۹۹) «۱».

(۳۴۵۶)

**حکمت ۴۵۶**

**بهای جان آدمی**

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید (۸۶۴۴۴-۸۶۴۲۶)!

(۳۴۵۷)

**حکمت ۴۵۷**

**نشکان مال و علم**

(اخلاقی، اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: دو گرسنه هرگز سیر نشوند: جوینده علم و جوینده مال (۸۶۴۵۵-۸۶۴۴۵).

(۳۴۵۸)

**حکمت ۴۵۸**

**نشانه‌های ایمان**

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: نشانه ایمان آن است که راست بگویی، آنگاه که تو را زیان رساند، و دروغ نگویی که تو را سود رساند و آن که بیش از مقدار عمل سخن نگویی، و چون از دیگران سخن گویی از خدا بترسی (۸۶۴۸۳-۸۶۴۵۶)!!

(۳۴۵۹)

**حکمت ۴۵۹**

**شناخت جایگاه جبر و اختیار**

(اقتصادی) و درود خدا بر او، فرمود: تقدیر الهی چنان بر محاسبات ما چیره شود که تدبیر، سبب آفت زدگی باشد (۸۶۴۸۴-۸۶۴۸۴).

می‌گویم: «مفهوم این حکمت در حکمت ۱۶ با عبارت دیگری نقل شده»

(۸۶۵۰۸-۸۶۴۹۶) (۳۴۶۰)

**حکمت ۴۶۰**

**اوزش صبر و تعقل**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه آن بلند همتی است (۸۶۵۱۸-۸۶۵۰۹).

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱ جلد، مشهور - ایران؛ قم: چاپ: اول، ۱۳۷۹. نهج البلاغه / ترجمه دشتی؛ ص ۷۳۹

(۳۴۶۱)

**حکمت ۴۶۱**

**غیبت نشانه نانوایی**

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: غیبت کردن تلاش ناتوان است (۸۶۵۲۴-۸۶۵۱۹).

(۳۴۶۲)

### حکمت ۴۶۲

#### برهیز از غرور زدنی در ستایش

(اخلاقی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خوردند (۸۶۵۳۲-۸۶۵۳۵) (۳۴۶۳)

### حکمت ۴۶۳

#### دنیا بوی آخرت است

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شد، نه برای رسیدن به خود (۸۶۵۴۲-۸۶۵۳۳) (۳۴۶۴)

### حکمت ۴۶۴

#### سرانجام دردناک بنی امیه

(تاریخی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: بنی امیه راه ملتی است که در آن می‌نازند، پس آنگاه که میانشان اختلاف افتد گفتارها بر آنان دهان گشایند و بر آنان پیروز شوند (۸۶۵۴۱-۸۶۵۴۳) (۳۴۶۵)

می‌گویم: «مرده» بر وزن «منبر» از ماده «اواده» به معنای مهلت است و این از فصیح‌ترین و زیباترین کلام است، گوئی امام علیه السلام مهلت کوتاه بنی امیه در حکومت را به میدان مسابقه تشبیه کرده که مسابقه دهندگان به ترتیب در یک مسیر مشخص به سوی یک هدف به پیش می‌روند و آنگاه که به هدف رسیدند نظم آنها درهم شکسته می‌شود (۸۶۶۰۰-۸۶۵۶۲) (۳۴۶۵)

### حکمت ۴۶۵

#### ارزش‌های والای انصار

(تاریخی، اجتماعی، سیاسی) و درود خدا بر او، فرمود: (در ستایش انصار فرمود) به خدا سوگند! آنها اسلام را پروارندند، چونان مادری که فرزندان را پروارند، با پروارند، با توانگری، با دست‌های بخشنده، و زبانهای برنده و گویا (۸۶۶۲۱-۸۶۶۰۱) (۳۴۶۶)

### حکمت ۴۶۶

#### دقت در مشاهدات

(علمی) و درود خدا بر او، فرمود: چشم، بند ظرف حوادث است (۸۶۶۲۷-۸۶۶۲۲) (۳۴۶۷)

می‌گویم: «این کلام امام علیه السلام از استعاره‌های شگفت است، که نشستگاه را به مشک، و چشم را به سریند آن تشبیه کرده، و آنگاه که بند گشوده شود آنچه در مشک است بیرون ریزد. مشهور است که این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است (۸۶۶۵۷-۸۶۶۶۸)، ولی عذماهی آن را از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند، این حکمت را «میزده در کتاب «مقتضب» در باب لفظ به حروف آورده، و ما آن را در کتاب خود که «مجازات آثار نبوی» نام دارد آورده‌ایم (۸۶۶۸۷-۸۶۶۵۸) (۳۴۶۷)

(۱) منظور امرؤ القیس، بزرگترین شاعر دوره جاهلی و صاحب یکی از معلقات سیعه است، اشعارهای بسیار زیبایی که آن را هر سال در بازار معروف عکاظه، مطرح می‌کردند. او کافر بود، برخی «سلیل» را به سرگردانی ترجمه کردند، زیرا امرؤ القیس برای گرفتن انتقام خون پدرش به همه جا می‌رفت تا یاورانی فراهم آورد، بناچار به قیصر روم پناهنده و در سال ۵۴۰ میلادی در گذشت.

(۲) نقد مکتب ولونتاریسم (VOLUNTARISM)، مکتب اصالت اراده و اختیار) که هر گونه جبری را نفی می‌کند، زیرا در اسلام انسان با کمک خدا عمل می‌کند.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۴۱ (۳۴۶۷)

### حکمت ۴۶۷

#### وصف یکی از رهبران الهی

(سیاسی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بر آنان فرمانروایی حاکم شد، که کارها را به پاداشت، و استقامت ورزید، تا دین استوار شد (۸۶۷۰۳-۸۶۶۸۸) (۳۴۶۸)

### حکمت ۴۶۸

#### مسئولیت سرمایه‌داری

(اقتصادی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: مردم را روزگاری دشوار در پیش است که توانگر اموال خود را سخت نگهدارد، در صورتی که به بخل ورزی فرمان داده نشد. خدای سبحان فرمود: «بخشش میان خود را فراموش نکنید»، (۸۶۷۳۰-۸۶۷۰۴) بدان در آن روزگار، بلند مقام، و تکیان خوار گردند، و با درمندگان به ناچاری خرید و فروش می‌کنند (۸۶۷۳۹-۸۶۷۳۱) در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با معامله با درمندگان نهی فرموده (۸۶۷۴۸-۸۶۷۴۰) (۳۴۶۹)

### حکمت ۴۶۹

#### برهیز از افراط و تفریط نسبت به امام علیه السلام

(اخلاقی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: دو کس نسبت به من هلاک می‌گردند، دوستی که زیاده‌روی کند، و دروغ پردازی که به راستی سخن نگوید (۸۶۷۵۹-۸۶۷۴۹) (۳۴۷۰)

(این کلام مانند سخن دیگری است که فرمود) دو تن نسبت به من هلاک گردند، دوستی که از حد گذرانند، و دشمنی که بیبوده سخن گوید (۸۶۷۷۴-۸۶۷۶۰) (۳۴۷۰)

### حکمت ۴۷۰

#### تعریف توحید و عدل

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: (از امام نسبت به توحید و عدل پرسیدند فرمود) توحید آن است که خدا را در وهم نیاری، و عدل آن است که او را مَنهم نسازی (۸۶۷۸۹-۸۶۷۷۵) ۱۰ (۳۴۷۱)

### حکمت ۴۷۱

#### شناخت جایگاه سخن و سکوت

(علمی، اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: در آنجا که باید سخن گفت، خاموشی سودی ندارد، و آنجا که باید خاموش ماند سخن گفتن خیری نخواهد داشت (۸۶۸۰۵-۸۶۷۹۰) (۳۴۷۲)

### حکمت ۴۷۲

#### دعای باران

(تایبشی، معنوی) و درود خدا بر او، فرمود: (در دعا به هنگام طلب باران فرمود) خدا یا ما را یا ابرهای رام سیراب کن، نه ابرهای سرکش (۸۶۸۱۸-۸۶۸۰۶)!

(این کلمات از فصیح‌ترین و شگفتی‌آورترین کلمات ادیبانه است که ابرهای سرکش همراه با رعد و برق را به شتران چموش تشبیه کرد که بار از پشت می‌افکنند. و سواری نمی‌دهند (۸۶۸۴۸-۸۶۸۱۹)، و ابرهای رام را به شتران رام تشبیه کرد که به راحتی شیر داده، و سواری می‌دهند) (۸۶۸۴۳-۸۶۸۲۹) (۳۴۷۳)

#### حکمت ۴۷۳

##### اوزش رنگ کردن و آرایش

(تجمل و زیبایی) و درود خدا بر او، فرمود: (به امام گفتند چه می‌شد موی خود را رنگ می‌کردی؟ فرمود) رنگ کردن مو، آرایش است، اما ما، در عزای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سر می‌بریم (۸۶۸۸۲-۸۶۸۶۴) (۸۶۸۸۷-۸۶۸۸۳). (۳۴۷۴)

#### حکمت ۴۷۴

##### اوزش عفت و پاکدامنی

(اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: پادش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ‌تر از پادش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد (۸۶۹۰۱-۸۶۸۸۸)، همانا عقیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست (۸۶۹۰۸-۸۶۹۰۲). (۳۴۷۵)

#### حکمت ۴۷۵

##### اوزش قناعت

(اقتصادی، اخلاقی) و درود خدا بر او، فرمود: قناعت مالی است که پایان نمی‌پذیرد (۸۶۹۱۵-۸۶۹۰۹).  
«برخی این حکمت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند» (۸۶۹۲۶-۸۶۹۱۶)

(۱) صاحب کتاب طراز می‌گوید: این دو کلمه تمام علوم توحید را با همه گستردگی در بردارد، اگر در باره خداشناسی نبود جز همین دو کلمه، کافی بود.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۷۴۳  
(۳۴۷۶)

#### حکمت ۴۷۶

##### راه کشور داری

(سیاسی، نظامی) و درود خدا بر او، فرمود: چون زیاد بن ابیه را به جای عبد الله بن عباس، به فارس و شهرهای پیرامون آن حکومت داد، او را در دستور العمل طولانی از گرفتن مالیات تا به هنگام نهي فرمود (۸۶۹۵۳-۸۶۹۲۷) عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد (۸۶۹۶۹-۸۶۹۵۴). (۳۴۷۷)

#### حکمت ۴۷۷

##### بزرگترین گناه

(اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک بشمارد (۸۶۹۷۸-۸۶۹۷۰). (۳۴۷۸)

#### حکمت ۴۷۸

##### مسئولیت آگاهان

(علمی، اعتقادی) و درود خدا بر او، فرمود: خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آن که از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند (۸۶۹۹۶-۸۶۹۷۹). (۳۴۷۹)

#### حکمت ۴۷۹

##### بدرترین دوست

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: بدترین دوست آن که برای او به رنج و زحمت افنی (۸۷۰۰۴-۸۶۹۹۷).  
می‌گویم: (تکلف و تکلیف یا مشکلات و به زحمت افتادن است، پس دوستی که انسان را دچار مشکلات می‌کند مایه شر است پس او از بدترین دوستان بشمار می‌آید) (۸۷۰۲۱-۸۷۰۰۵). (۳۴۸۰)

#### حکمت ۴۸۰

##### آفت دوستی

(اخلاق اجتماعی) و درود خدا بر او، فرمود: وقتی مؤمن برادرش را به خشم آورد، به یقین از او جدا شده است (۸۷۰۲۲-۸۷۰۲۰).  
می‌گویم: (خشمه و احشمه، یعنی او را به خشم آورد، برخی گفته‌اند، یعنی او را شرمند ساخته و احشم به معنای فراهم آوردن چنین حالتی است که زمینه جدائی را پدید می‌آورد) (۸۷۰۵۰-۸۷۰۳۱). (۳۴۸۱)

(این آخرین قسمت از سخنان برگزیده امام، امیر المؤمنین علیه السلام است که خدای را سپاس می‌گویم تا مرا به این گرد آوری سخنان پراکنده، و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر در یک مجموعه، توفیق عنایت فرمود، در آغاز کار، برگ‌های سفید در هر فصل قرار دادیم تا به کلام تازه، یا تفسیر جالبی که رسیدیم بر آن بیفزاییم، تا سخن پوشیده آشکار شود، و آنچه دست نایافتنی می‌نمود به دست آید. توفیق ما از خداست، و بر او توکل می‌کنیم، که او ما را کفایت کننده و بهترین سرپرست است، و جمع آوری سخنان امام علیه السلام در ماه رجب سال ۴۰۰ هجری انجام پذیرفت درود ما بر سید و مولای ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران، و هدایت کننده انسانها به بهترین راهها، و بر اهل بیت پاک و یاران او باد که ستارگان یقین‌اند!)

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ۱جلد، مشهور - ایران: قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ش.

#### درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جاوَدُوا بِأَوْلِيائِكُمْ وَأَنْتُمْ كُمْ فِي شَيْلِ اللَّهِ لَكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ نَفْلْتُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایند؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند.







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

